

فهرست	صفحه
دستر نخست : ساختار حکمرانی چین	۱
حزب کمونیست چین : (CPC) قدرت اصلی در حکومت	۱
دفتر سیاسی (پولیتبورو): نهاد اجرایی اصلی	۹
دبیر کل حزب: بالاترین مقام سیاسی	۱۰
رئیس جمهور: رئیس کشور	۱۴
ادغام قدرت ها با دبیر کل حزب:	۱۴
شورای دولتی	۱۵
نخست وزیر: رئیس دولت	۱۶
شورای دولتی: قوه مجریه	۱۹
ساختار شورای دولتی:	۱۹
قوه مقننه: مجمع ملی نمایندگان خلق (NPC) ، مجلس قانون گذاری	۲۳
ساختار مجمع ملی نمایندگان خلق:	۲۳
قوه قضاییه	۲۵
ویژگی های سیستم قضائی چین:	۲۶
دادگاه عالی خلق: بالاترین مرجع قضایی	۲۸
ساختار دادگاه های مردمی چین:	۳۱
ساختار دادگاه های میان منطقه ای یا سطح استان ها در چین	۳۲
دادستانی خلق: مسئول نظارت قانونی	۳۳
وظایف و مسئولیت های دادستانی خلق چین:	۳۳
ساختار دادستانی خلق چین:	۳۴
رابطه دادستانی با حزب کمونیست چین:	۳۵
قوه قهریه و نیروهای مسلح	۳۶
کمیسیون نظامی مرکزی (CMC): کنترل نیروهای مسلح	۳۶
ساختار و رهبری کمیسیون نظامی مرکزی:	۳۶
رابطه کمیسیون نظامی مرکزی با رهبری حزب:	۳۸
نقش کمیسیون نظامی مرکزی در سیاست های خارجی و داخلی:	۳۸
تقسیمات اداری چین	۳۹
الف: استان ها و مناطق خودمختار	۳۹
ب: شهرداری های مستقیماً تحت نظارت مرکزی	۴۰
ج: استان های ویژه (منطقه های ویژه اداری)	۴۰
د: شهرستان ها و نواحی	۴۱
هـ: جزایر	۴۱
و: واحدهای محلی	۴۱
ز: مدیریت های ویژه (ویژه مدیریت شهری)	۴۲
ویژگی های تقسیمات اداری چین:	۴۲

۴۴	ساختارهای نظارتی حکومت
۴۴	کمیسیون ملی نظارت
۴۴	کمیسیون مرکزی انضباطی حزب
۴۴	نهادهای ملی و محلی نظارت
۵۷	خلاصه ای از ویژگی‌های کلیدی و ساختار حکومت چین
۶۴	دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰
۶۵	رهبری حزب کمونیست چین (CPC): هسته مرکزی قدرت
۶۶	قوای حکومتی تحت هدایت حزب کمونیست
۶۶	ایدئولوژی نظام: مارکسیسم-لنینیسم با ویژگی‌های چینی
۶۷	ایدئولوژی رسمی: مارکسیسم-لنینیسم، اندیشه مائو زدونگ، و نظریات رهبران بعدی
۶۷	مارکسیسم-لنینیسم: بنیان ایدئولوژی چین
۶۸	اندیشه مائو زدونگ: بومی‌سازی مارکسیسم-لنینیسم
۶۹	الف: کشاورزان نیروی اصلی انقلاب
۷۸	ب: استقلال سیاسی و اقتصادی
۸۹	ج: انقلاب مداوم
۹۴	عصر اصلاحات پس از مائو
۹۴	نظریات رهبران بعدی: تکامل ایدئولوژی سوسیالیسم با ویژگی‌های چینی
۹۶	دنگ شیائوپینگ
۹۶	دنگ شیائوپینگ: اصلاحات اقتصادی و سوسیالیسم با ویژگی‌های چینی
۹۹	الف: اصلاحات چهارگانه دنگ شیائوپینگ
۹۹	مدرن‌سازی چهارگانه:
۱۰۰	الف: مدرن‌سازی کشاورزی
۱۱۳	ب: مدرن‌سازی صنعت
۱۴۱	ج: مدرن‌سازی علوم و فناوری
۱۶۷	د: مدرن‌سازی دفاع ملی
۱۸۲	تأثیرات اصلاحات
۱۸۲	الف: تأثیرات اقتصادی
۱۸۷	ب: تأثیرات اجتماعی
۱۹۵	ج: تأثیرات سیاسی
۱۹۸	د: تأثیرات فرهنگی و بین‌المللی
۲۰۸	جیانگ زمین
۲۰۸	ب. نظریه سه نمایندگی جیانگ زمین:
۲۰۸	نمایندگی از نیروهای تولیدی پیشرفته
۲۲۶	نمایندگی از فرهنگ پیشرفته چین
۲۳۶	نمایندگی از منافع اساسی اکثریت مردم چین
۲۴۸	هو جین تائو

ج. چشم‌انداز علمی توسعه (هو جین‌تائو): توسعه پایدار و متوازن	۲۵۰
تأکید بر کاهش نابرابری اقتصادی	۲۵۰
حفاظت از محیط‌زیست در کنار رشد اقتصادی	۲۶۳
تقویت هارمونی اجتماعی	۲۷۷
شی جین‌پینگ	۲۸۶
د. سوسیالیسم با ویژگی‌های چینی برای عصر جدید- شی جین‌پینگ	۲۸۶
مدرن‌سازی سوسیالیستی	۲۸۷
رهبری جهانی- شی جین‌پینگ	۳۱۰
برنامه‌های شی جین‌پینگ برای تبدیل چین به یک ابرقدرت جهانی:	۳۱۰
ابتکار کمربند و جاده (Belt and Road Initiative)	۳۱۰
ویژگی‌های مشترک ایدئولوژی رسمی چین	۳۵۷
انعطاف‌پذیری ایدئولوژیک	۳۵۸
تطبیق ایدئولوژی با شرایط داخلی:	۳۵۸
تطبیق با شرایط بین‌المللی:	۳۵۹
کنترل متمرکز قدرت	۳۶۱
اولویت توسعه اقتصادی	۳۶۶
ویژگی‌ها و جزئیات اولویت توسعه اقتصادی در چین	۳۶۶
الف: اصلاحات اقتصادی و سیاست درهای باز	۳۶۶
ب: سیاست درهای باز و بین‌المللی شدن اقتصاد چین	۳۷۰
ج: تحولات صنعتی و فناوری:	۳۸۱
د: اصلاحات در نظام مالی و پولی:	۳۸۷
آثار اجرای اولویت توسعه اقتصادی در چین:	۳۹۵
دفتر چهارم: دوره رشد اقتصادی شتابان و ادغام با اقتصاد جهانی (از اوایل دهه ۲۰۰۰ به بعد)	۴۱۹
سیاست‌های تجاری و ادغام در اقتصاد جهانی	۴۱۹
اصلاحات اقتصادی و تجاری	۴۱۹
پیوستن به سازمان تجارت جهانی (WTO)	۴۱۹
توافق‌های تجاری چندجانبه و دوجانبه	۴۲۱
راه ابریشم دیجیتال	۴۲۳
الف. زیرساخت‌های ارتباطی	۴۲۴
ب. تجارت الکترونیک	۴۲۴
ج. شهرهای هوشمند	۴۲۴
د. امنیت سایبری	۴۲۴
چالش‌های فعلی در پایداری اقتصادی	۴۲۶
کاهش رشد اقتصادی	۴۲۶
نابرابری منطقه‌ای	۴۲۸
چالش‌ها	۴۳۷
بدهی بالای دولت و شرکت‌ها	۴۳۷

۴۴۰	ریسک‌های مالی
۴۴۳	چالش‌های زیست‌محیطی
۴۵۰	افزایش هزینه‌های اجتماعی
۴۵۱	وابستگی به صادرات
۴۵۱	حساسیت به تقاضای جهانی
۴۵۴	تنوع‌بخشی به بازارها
۴۵۹	تحریم‌ها و رقابت ژئوپلیتیکی
۴۶۳	تنش‌های منطقه‌ای
۴۶۴	نوآوری و فناوری
۴۶۴	سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه
۴۶۸	حمایت از صنایع نوآور
۴۶۹	تورم و نوسانات بازار
۴۷۳	پیشرفت‌های تکنولوژیکی
۴۷۳	نقش چین در رقابت جهانی فناوری
۴۷۴	توسعه زیرساخت‌های فناوری و تحقیق و توسعه (R&D)
۴۷۴	رهبری در زمینه 5G و ارتباطات از راه دور
۴۷۴	هوش مصنوعی (AI) و ماشین‌های خودران
۴۷۵	تأثیر چین بر صنعت نیمه‌هادی‌ها
۴۷۵	چالش‌ها و تهدیدات در رقابت جهانی فناوری
۴۷۶	نوآوری در هوش مصنوعی، بلاک‌چین و انرژی‌های تجدیدپذیر
۴۷۶	هوش مصنوعی (AI) در چین: رهبری در نوآوری
۴۷۷	بلاک‌چین در چین: ایجاد اکوسیستم نوآورانه
۴۷۷	انرژی‌های تجدیدپذیر در چین: پیشگامی در بخش سبز
۴۷۸	چالش‌ها و فرصت‌ها در پیشرفت‌های تکنولوژیکی چین
۴۷۸	برنامه (Made in China 2025)
۴۷۹	هدف اصلی برنامه "ساخت چین ۲۰۲۵"
۴۷۹	حوزه‌های کلیدی برنامه
۴۷۹	الف) رباتیک پیشرفته
۴۷۹	ب) هوافضا
۴۷۹	پ) تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات (ICT)
۴۸۰	ت) بیوتکنولوژی
۴۸۰	چالش‌ها و انتقادات
۴۸۱	دفتر پنجم: بررسی ساختار اجتماعی و فرهنگی
۴۸۱	ساختار خانواده و تغییرات اجتماعی
۴۸۱	ساختار خانواده سنتی در چین
۴۸۱	تغییرات در ساختار خانواده: از تک‌نسلی به خانواده‌های هسته‌ای
۴۸۲	سیاست‌های دولتی و تأثیرات آن بر ساختار خانواده

۴۸۲.....	تأثیر تحولات اقتصادی و اجتماعی بر خانواده‌ها
۴۸۳.....	بحران پیری جمعیت و تأثیر آن بر خانواده‌ها
۴۸۳.....	نقش دولت در حمایت از خانواده‌ها
۴۸۵.....	نظام آموزشی
۴۸۵.....	نظام آموزشی و تأثیرات کنفوسیوسی
۴۸۵.....	آموزه‌های کنفوسیوسی و تأثیر آن بر نظام آموزشی
۴۸۶.....	ویژگی‌های نظام آموزشی چین
۴۸۷.....	آزمون گائوکاو و اهمیت آن
۴۸۷.....	چالش‌های نظام آموزشی چین
۴۸۸.....	تأثیر آموزه‌های کنفوسیوسی بر اخلاق آموزشی
۴۸۸.....	تحولات اخیر و چشم‌اندازهای آینده
۴۸۸.....	مذهب و معنویت در چین
۴۸۸.....	مذهب و معنویت در چین: تأثیرات فرهنگی و اجتماعی
۴۸۹.....	مذهب و فلسفه در چین: کنفوسیوس‌سیسم، تائوئیسم و بودیسم
۴۹۱.....	مذهب و دولت در چین: رابطه پیچیده
۴۹۲.....	روحانیت و معنویت در جامعه چین: نگاهی به تغییرات اجتماعی
۴۹۲.....	تأثیرات جهانی شدن بر مذهب و معنویت در چین
۴۹۲.....	چالش‌های مذهبی در چین معاصر
۴۹۳.....	هنر، ادبیات و رسانه‌های معاصر
۴۹۳.....	هنر، ادبیات و رسانه‌های معاصر چین: تأثیرات فرهنگی و اجتماعی
۴۹۳.....	هنر معاصر چین: سنت‌ها و نوآوری‌ها
۴۹۴.....	ادبیات معاصر چین: از انقلاب فرهنگی تا دنیای جدید
۴۹۵.....	رسانه‌های معاصر چین: سینما و تلویزیون
۴۹۷.....	موسیقی معاصر چین: از موسیقی سنتی تا پاپ جهانی
۴۹۷.....	چالش‌ها و فرصت‌ها در دنیای رسانه‌های معاصر چین
۴۹۹.....	تفاوت‌های روستایی و شهری
۴۹۹.....	تفاوت‌های روستایی و شهری در ساختار جامعه و فرهنگ چین
۴۹۹.....	تفاوت‌های اقتصادی و دسترسی به منابع
۵۰۰.....	تفاوت‌های اجتماعی و فرهنگی
۵۰۰.....	تفاوت‌های جغرافیایی و دسترسی به خدمات بهداشتی
۵۰۲.....	مهاجرت‌های داخلی و چالش‌ها
۵۰۳.....	محیط زیست و پایداری
۵۰۳.....	سیاست‌های تغییرات اقلیمی
۵۰۳.....	سیاست‌های تغییرات اقلیمی چین: بخشی از ساختار محیط زیست و پایداری
۵۰۴.....	اهداف کاهش گازهای گلخانه‌ای
۵۰۴.....	توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر
۵۰۵.....	طرح "چین سبز (Green China)"
۵۰۵.....	محافظت از محیط زیست و توسعه پایدار

۵۰۵.....	چالش‌ها و انتقادهای
۵۰۶.....	چالش‌های مربوط به آلودگی
۵۰۶.....	آلودگی هوا
۵۰۷.....	آلودگی آب
۵۰۷.....	آلودگی خاک
۵۰۷.....	دولت چین و اقدامات برای مقابله با آلودگی
۵۰۸.....	چالش‌ها و موانع
۵۰۸.....	سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر
۵۰۸.....	سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر: بخشی از ساختار محیط زیست و پایداری کشور چین
۵۰۹.....	نقش چین در بازار انرژی‌های تجدیدپذیر جهانی
۵۰۹.....	سرمایه‌گذاری در انرژی خورشیدی
۵۱۰.....	سرمایه‌گذاری در انرژی بادی
۵۱۰.....	انرژی هیدروالکتریک
۵۱۱.....	چالش‌ها و موانع
۵۱۱.....	تمرکز منطقه‌ای
۵۱۱.....	اهمیت مناطق کلیدی (مانند پکن، شانگهای، شنژن)
۵۱۲.....	پکن: مرکز سیاست و فناوری
۵۱۲.....	شانگهای: مرکز مالی و تجاری جهانی
۵۱۴.....	شنژن: قطب فناوری و نوآوری
۵۱۴.....	نقش مناطق کلیدی در رشد اقتصادی چین
۵۱۵.....	اقلیت‌های قومی و مناطق خودمختار
۵۱۵.....	اقلیت‌های قومی و مناطق خودمختار در چین: بخش مهمی از ساختار تمرکز منطقه‌ای
۵۱۶.....	مناطق خودمختار اقلیت‌ها در چین
۵۱۶.....	منطقه خودمختار سین کیانگ
۵۱۸.....	منطقه خودمختار تبت
۵۱۹.....	منطقه خودمختار مغولستان داخلی
۵۲۰.....	منطقه خودمختار نینگشیا
۵۲۱.....	منطقه خودمختار قزاق‌های ایلکهای
۵۲۲.....	تجدیدات و چالش‌ها
۵۲۳.....	سیاست‌های توسعه در مناطق خودمختار
۵۲۵.....	تأثیرات فرهنگی و اجتماعی
۵۲۵.....	چالش‌های بین‌المللی و تأثیرات جهانی
۵۲۵.....	سیاست‌های دریایی و اختلافات مرزی چین
۵۲۶.....	سیاست‌های دریایی و اختلافات مرزی چین: بخش کلیدی در ساختار تمرکز منطقه‌ای
۵۲۷.....	سیاست‌های دریایی چین
۵۲۸.....	اختلافات مرزی با همسایگان
۵۲۹.....	سیاست‌های چین در مواجهه با اختلافات مرزی
۵۳۰.....	تأثیرات ژئوپلیتیکی

۵۳۲.....	چالش‌های آینده
۵۳۳.....	تأثیر جهانی
۵۳۳.....	قدرت نرم چین: رسانه‌ها، آموزش و دیپلماسی فرهنگی
۵۳۳.....	رسانه‌ها و تبلیغات جهانی
۵۳۴.....	آموزش و تبادل فرهنگی
۵۳۵.....	دیپلماسی فرهنگی و روابط عمومی
۵۳۵.....	استفاده از فناوری‌های نوین در دیپلماسی فرهنگی
۵۳۶.....	استراتژی‌های نظامی و ژئوپلیتیک
۵۳۶.....	استراتژی‌های نظامی و ژئوپلیتیک چین: نقش و تأثیر در عرصه جهانی
۵۳۶.....	تقویت توان نظامی و توسعه فناوری‌های پیشرفته
۵۳۶.....	استراتژی «دریای جنوبی چین» و ادعاهای سرزمینی
۵۳۷.....	تلاش برای تبدیل شدن به یک قدرت جهانی
۵۳۷.....	رویکرد چین در مقابل ایالات متحده و رقابت جهانی
۵۳۸.....	دیپلماسی دفاعی و همکاری‌های نظامی بین‌المللی
۵۳۸.....	مشارکت‌ها و رقابت‌ها با غرب
۵۳۸.....	مشارکت‌ها و رقابت‌ها با غرب: تأثیر جهانی چین
۵۳۹.....	مشارکت‌های اقتصادی: تجارت و سرمایه‌گذاری متقابل
۵۳۹.....	رقابت‌های تجاری و تعرفه‌ها
۵۴۰.....	رقابت‌های فناوری: چالش‌ها و تهدیدات
۵۴۰.....	جایگاه ژئوپلیتیکی چین: سیاست‌های جهانی و چالش‌های امنیتی
۵۴۰.....	قدرت نرم چین: دیپلماسی فرهنگی و رسانه‌ها
۵۴۱.....	مطالعات موردی و داستان‌های شخصی
۵۴۱.....	الگوهای مهاجرتی (مانند کارگران مهاجر)
۵۴۱.....	الگوهای مهاجرتی چین: کارگران مهاجر و تأثیرات آن‌ها
۵۴۱.....	مهاجرت داخلی: کارگران مهاجر به شهرها
۵۴۱.....	چالش‌ها و مشکلات مهاجران داخلی
۵۴۲.....	مهاجرت بین‌المللی: کارگران چینی در خارج از کشور
۵۴۲.....	تأثیرات اقتصادی و اجتماعی مهاجرت کارگران چینی
۵۴۳.....	نقش زنان در مهاجرت کارگری
۵۴۳.....	داستان‌هایی از بازماندگان انقلاب فرهنگی
۵۴۳.....	داستان‌های بازماندگان انقلاب فرهنگی چین: تأثیرات شخصی و اجتماعی
۵۴۴.....	تأثیر انقلاب فرهنگی بر خانواده‌ها و زندگی فردی
۵۴۴.....	آزار و اذیت‌های روانی و فیزیکی
۵۴۴.....	آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی
۵۴۵.....	جنبش‌های بازسازی و بازگشت به زندگی عادی
۵۴۵.....	اثرات بر روابط اجتماعی و اعتماد مردم
۵۴۵.....	زندگی‌نامه نوآوران معاصر چین

۵۴۵	زندگی‌نامه نوآوران معاصر چین: تأثیرگذاری بر اقتصاد و جامعه
۵۴۶	جک ما (Jack Ma): بنیان‌گذار علی‌بابا
۵۴۶	ریچارد لیو (Richard Liu): بنیان‌گذار JD.com
۵۴۶	پنگ لیو (Pony Ma): بنیان‌گذار Tencent
۵۴۷	یوان لی (Yuan Li): مبتکر در حوزه باتری‌های لیتیوم-یونی
۵۴۷	نوا لیو (Nova Liu): کارآفرین در زمینه هوش مصنوعی و سلامت دیجیتال

دفتر نخست : ساختار حکمرانی چین

دفتر نخست : ساختار حکمرانی چین

حزب کمونیست چین (CPC): قدرت اصلی در حکومت

حزب کمونیست چین^۱ (CPC) قدرت اصلی و نهاد حاکم در نظام سیاسی چین است که کنترل کامل بر سیاست، اقتصاد، نظام قضایی، نظامی و رسانه‌ها دارد. این حزب در سال ۱۹۲۱ تأسیس شد و از زمان پیروزی انقلاب چین در سال ۱۹۴۹، به‌عنوان حزب واحد و حاکم عمل می‌کند.

CPC در رأس ساختار حکومتی کشور قرار دارد و تصمیمات کلیدی در همه سطوح از طریق نهادهای مرکزی آن اتخاذ می‌شود. ساختار حزب شامل **کنگره ملی حزب** (بالاترین نهاد تصمیم‌گیری که هر پنج سال برگزار می‌شود)، **کمیته مرکزی** (مسئول اجرای تصمیمات)، **دفتر سیاسی** (پولیتبورو) و **کمیته دائمی دفتر سیاسی** (هسته اجرایی حزب) است. **دبیرکل حزب**، که معمولاً رئیس‌جمهور چین نیز هست، بالاترین مقام در کشور محسوب می‌شود.

CPC همچنین از طریق کمیسیون نظامی مرکزی حزب، کنترل کامل نیروهای نظامی را در اختیار دارد و بر دستگاه‌های دولتی نظارت مستقیم اعمال می‌کند. حزب کمونیست سیاست‌های کلان را تعیین می‌کند و تمام نهادهای دولتی موظف به اجرای این سیاست‌ها هستند، به‌طوری‌که حزب و دولت عملاً در هم تنیده شده‌اند.

۱ - ساختار حزب کمونیست چین

حزب کمونیست ساختار بسیار متمرکز و سلسله‌مراتبی دارد که بر اساس اصل "تمرکز دموکراتیک" عمل می‌کند. این اصل به اعضا اجازه می‌دهد نظرات خود را ارائه دهند، اما تصمیمات نهایی به‌صورت مرکزی و توسط رهبری ارشد گرفته می‌شود.

۱. کنگره ملی حزب (National Congress)

نقش: کنگره ملی، بالاترین نهاد تصمیم‌گیری حزب است و هر پنج سال یک‌بار برگزار می‌شود.

وظایف: تصویب سیاست‌های کلان، انتخاب اعضای کمیته مرکزی، و ارائه چشم‌اندازهای جدید برای آینده حزب.

ترکیب: متشکل از نمایندگان منتخب از تمام سطوح حزب در کشور.

۲. کمیته مرکزی (Central Committee)

نقش: نظارت بر اجرای تصمیمات کنگره ملی.

ترکیب: اعضای ارشد حزب که به‌طور مستقیم توسط کنگره انتخاب می‌شوند.

۳. دفتر سیاسی (Politburo)

نقش: این نهاد قدرت اجرایی و تصمیم‌گیری را در سطح ملی متمرکز می‌کند.

ترکیب: ۲۵ عضو که توسط کمیته مرکزی انتخاب می‌شوند.

کمیته دائمی دفتر سیاسی: شامل ۷ تا ۹ عضو ارشد، بالاترین سطح تصمیم‌گیری حزب است.

۴. دبیرکل حزب (General Secretary)

نقش: رهبر عالی حزب و کشور است. دبیرکل فعلی (۲۰۲۴) "شی جین‌پینگ" است.

وظایف: هدایت حزب، نظارت بر کمیسیون نظامی مرکزی و سیاست‌گذاری کلان.

۵. کمیسیون نظامی مرکزی (Central Military Commission)

نقش: مدیریت ارتش آزادی‌بخش خلق (PLA) و مسائل دفاعی.

ارتباط: رئیس کمیسیون، معمولاً دبیرکل حزب است.

۶. سازمان‌های استانی و محلی

هر استان، شهر و منطقه، ساختار حزبی مشابهی دارد که وظیفه اجرای سیاست‌های حزب در سطح محلی را بر عهده دارد.

دفتر نخست : ساختار حکمرانی چین

حزب کمونیست چین بر اساس ایدئولوژی «سوسیالیسم با ویژگی‌های چینی»، همواره در جهت حفظ قدرت خود، توسعه اقتصادی، و افزایش نقش چین در عرصه جهانی تلاش می‌کند.

کنگره ملی حزب

کنگره ملی حزب کمونیست چین (CPC) بالاترین نهاد تصمیم‌گیری در ساختار حزب است و نقش اساسی در تعیین سیاست‌ها و رهبری آینده حزب و کشور دارد. این کنگره هر پنج سال یک‌بار برگزار می‌شود و نمایندگان آن از طریق انتخابات داخلی در حزب انتخاب می‌شوند.

۲ - تفاوت‌های کنگره ملی چین و مجلس شورای اسلامی ایران

ساختاری:

کنگره ملی چین: این نهاد به عنوان بالاترین ارگان قدرت دولتی در چین، شامل حدود ۳۰۰۰ نماینده است که از طریق انتخابات از استان‌ها، مناطق خودمختار و نیروهای مسلح انتخاب می‌شوند. کنگره ملی سالانه تشکیل جلسه می‌دهد.

مجلس شورای اسلامی ایران: این مجلس شامل ۲۹۰ نماینده است که به‌طور مستقیم توسط مردم انتخاب می‌شوند و دوره‌های چهار ساله دارند. مجلس شورای اسلامی نیز به‌طور منظم جلسات خود را برگزار می‌کند.

وظایف و اختیارات:

کنگره ملی چین: وظایف اصلی این کنگره شامل اصلاح قانون اساسی، تصویب قوانین، انتخاب رئیس‌جمهور و معاون رئیس‌جمهور، تأیید نخست‌وزیر و مدیریت بودجه دولتی است. این نهاد همچنین مسئولیت نظارت بر اجرای قانون اساسی را دارد.

مجلس شورای اسلامی ایران: وظایف این مجلس شامل تصویب قوانین، نظارت بر عملکرد دولت، بررسی و تأیید بودجه سالانه، و همچنین نظارت بر تطابق قوانین با شرع و قانون اساسی است. مجلس شورای اسلامی همچنین می‌تواند وزرا را استیضاح کند.

نکته: در خصوص استیضاح وزراء و مقامات هیأت دولت:

در چین، فرآیند برکناری یا استیضاح وزرا بر عهده هر دو نهاد کمیته دائمی کنگره ملی مردم (NPC) و کمیسیون مرکزی نظامی (CMC) حزب کمونیست می‌باشد، اما نقش آن‌ها بسته به نوع وزیر متفاوت است.

وزرای غیرنظامی: برای وزرای غیرنظامی مانند وزیر امور خارجه یا سایر اعضای شورای دولتی، کمیته دائمی NPC مسئول برکناری آن‌هاست. این کمیته معمولاً پس از انجام تحقیقات توسط نهادهای انضباطی حزب در مورد تخلفات یا فساد، چنین تصمیماتی را تأیید می‌کند. به عنوان مثال، برکناری‌های اخیر مانند چین گانگ (وزیر امور خارجه) و لی شانگفو (وزیر دفاع) به‌طور رسمی توسط NPC پس از تحقیقات انجام شده تأیید شد.

وزرای نظامی: در مقابل، برای سمت‌های مرتبط با نظامی، از جمله وزیر دفاع، کمیسیون مرکزی نظامی حزب کمونیست نقش مهم‌تری دارد. CMC نظارت بر انتصابات نظامی را بر عهده دارد و می‌تواند بر اساس تحقیقات داخلی حزب، برکناری‌های مربوط به مقامات نظامی را آغاز کند. اگرچه کمیته دائمی NPC ممکن است این برکناری‌ها را به‌طور رسمی تأیید کند، اما CMC مسئولیت اصلی تصمیمات پرسنلی نظامی را دارد. به طور خلاصه، در حالی که هر دو نهاد در فرآیند برکناری دخیل هستند، NPC بر وزرای غیرنظامی تمرکز دارد و CMC بر انتصابات و برکناری‌های نظامی نظارت می‌کند.

نقش سیاسی:

کنگره ملی چین: به عنوان یک نهاد قانونی، کنگره ملی معمولاً به عنوان "نهاد تأییدی" عمل می‌کند و بیشتر تصمیمات کلیدی در آن توسط حزب کمونیست چین تعیین می‌شود.

مجلس شورای اسلامی ایران: این مجلس دارای قدرت بیشتری در تصمیم‌گیری‌های سیاسی است و می‌تواند بر عملکرد دولت نظارت کند، هرچند که تحت تأثیر نهادهای دیگر مانند رهبری و شورای نگهبان نیز قرار دارد.

این تفاوت‌ها نشان‌دهنده ساختارهای سیاسی و قانونی متفاوت در دو کشور هستند که بر اساس نظام‌های سیاسی خاص خود شکل گرفته‌اند. تطبیق نحوه انتخابات کنگره ملی چین و مجلس شورای اسلامی ایران:

نکته ای در خصوص انتخابات

انتخاب کنگره ملی چین و ریاست جمهوری تقریباً همزمان است. نمایندگان کنگره ملی خلق ابتدا از طریق انتخابات داخلی در سطوح پایین تر انتخاب می شوند و سپس این نمایندگان به عنوان نمایندگان مردم، رئیس جمهور را انتخاب می کنند. بنابراین، برای آنکه رئیس جمهور انتخاب شود، ابتدا باید نمایندگان کنگره به سرکار بیایند تا بتوانند در جلسه کنگره رأی گیری کنند.

به عنوان مثال، در نشست سالانه کنگره ملی خلق که معمولاً در اوایل ماه مارس برگزار می شود، نمایندگان جدید انتخاب شده و سپس رئیس جمهور را از میان نامزدهای معرفی شده توسط حزب کمونیست چین انتخاب می کنند. این فرآیند به این معناست که اگرچه انتخابات به صورت همزمان برگزار می شود، اما در واقع رئیس جمهور پس از تأسیس کنگره جدید و با رأی نمایندگان آن انتخاب می شود. این ساختار نشان دهنده سلسله مراتب سیاسی در چین است که در آن حزب کمونیست کنترل کامل بر فرآیندهای انتخاباتی دارد و نامزدها معمولاً از پیش تعیین شده اند.

شی جین پینگ در سه دوره گذشته به عنوان رئیس جمهور چین آراء قابل توجهی کسب کرده است. در انتخابات اول خود در سال ۲۰۱۳، او با ۲،۹۵۲ رأی از مجموع ۲،۹۷۰ رأی (حدود ۹۹،۴ درصد) انتخاب شد و هیچ رأی منفی نداشت. در انتخابات دوم در سال ۲۰۱۸، او ۲،۹۵۸ رأی از مجموع ۲،۹۷۰ رأی (حدود ۹۹،۶ درصد) را کسب کرد و تنها دو رأی منفی داشت. در سومین انتخابات خود در سال ۲۰۲۳، او دوباره با ۲،۹۵۲ رأی از مجموع ۲،۹۷۰ رأی (حدود ۹۹،۴ درصد) به طور یکپارچه انتخاب شد و هیچ رأی منفی نداشت. بالاترین تعداد آراء در تاریخ انتخابات کنگره ملی خلق چین به شی جین پینگ تعلق دارد که در انتخابات دوم خود در سال ۲۰۱۸ می باشد. بعد از پس از شی جین پینگ، **هو جین تائو** (Hu Jintao) رئیس جمهور پیشین چین است که در تاریخ ۱۵ مارس ۲۰۰۳ به عنوان رئیس جمهور انتخاب شد و تا ۱۴ مارس ۲۰۱۳ در این سمت باقی ماند. هو جین تائو در انتخابات خود در سال ۲۰۰۳ با کسب ۲،۸۵۲ رأی از مجموع ۲،۹۷۰ رأی (حدود ۹۶،۱ درصد) به عنوان به عنوان ششمین رئیس جمهور جمهوری خلق چین انتخاب شد.

انتخابات کنگره ملی چین و انتخابات مجلس شورای اسلامی ایران از نظر ساختار و فرآیندهای انتخاباتی تفاوت های قابل توجهی دارند. در چین، نمایندگان کنگره ملی از طریق **انتخابات داخلی** در سطوح پایین تر کنگره ها انتخاب می شوند و به طور مستقیم توسط مردم انتخاب نمی شوند. این نمایندگان از طریق نمایندگان کنگره های استانی و محلی که خودشان به صورت مستقیم انتخاب شده اند، به کنگره ملی راه می یابند. در مقابل، نمایندگان مجلس شورای اسلامی ایران به طور مستقیم توسط مردم در انتخابات عمومی انتخاب می شوند و هر شهروند ایرانی واجد شرایط حق دارد در این انتخابات شرکت کند.

مدت زمان خدمت نمایندگان؛ نمایندگان کنگره ملی چین برای مدت پنج سال و نمایندگان مجلس شورای اسلامی ایران برای مدت چهار سال انتخاب می شوند. با این حال، نظارت و کنترل بر انتخابات در چین به شدت تحت تأثیر حزب کمونیست قرار دارد و هیچ حزب مخالفی اجازه فعالیت ندارد. در حالی که در ایران، احزاب مختلف و گروه های سیاسی می توانند در انتخابات شرکت کنند و رقابت های واقعی وجود دارد. این تفاوت ها نشان دهنده ساختارهای سیاسی متفاوت و میزان مشارکت عمومی در فرآیندهای سیاسی در هر دو کشور است.

دفتر نخست : ساختار حکمرانی چین

وظایف اصلی کنگره عبارت‌اند از:

۱. تصویب سیاست‌های کلان حزب: تعیین جهت‌گیری‌های سیاسی، اقتصادی، و اجتماعی کشور.^۳
۲. انتخاب کمیته مرکزی حزب: کمیته‌ای متشکل از رهبران بلندپایه که وظیفه اجرای تصمیمات کنگره را بر عهده دارند.^۴

۳ - تصویب سیاست‌های کلان حزب در چین شامل تعیین جهت‌گیری‌های اصلی در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است که عمده‌تاً به‌وسیله رهبری حزب کمونیست چین (CPC) انجام می‌شود. این جهت‌گیری‌ها معمولاً به‌طور کلی در کنگره‌های ملی یا کمیته‌های مرکزی حزب مورد تأیید قرار می‌گیرند.

جهت‌گیری‌های اصلی تصویب سیاست‌های کلان حزب:

۱. سیاست‌های سیاسی:
 - ✓ حفظ قدرت حزب کمونیست و تقویت رهبری آن در تمامی سطوح کشور.
 - ✓ تمرکز بر موازین سوسیالیستی با ویژگی‌های چینی و پیگیری همزمان اصلاحات سیاسی و اجتماعی در داخل حزب.
 ۲. سیاست‌های اقتصادی:
 - ✓ رشد اقتصادی پایدار و حفظ توازن در توزیع منابع.
 - ✓ توسعه صنعتی و نوآوری‌های فناوری به‌عنوان پایه‌های اصلی رشد اقتصادی.
 - ✓ تقویت تجارت خارجی و جذب سرمایه‌گذاری برای تقویت موقعیت چین در بازار جهانی.
 ۳. سیاست‌های اجتماعی:
 - ✓ بهبود سطح زندگی و رفاه اجتماعی، به‌ویژه در مناطق روستایی و کم‌درآمد.
 - ✓ تقویت آموزش، بهداشت و خدمات اجتماعی برای تحقق عدالت اجتماعی.
 - ✓ حمایت از حقوق بشر و تقویت هارمونی اجتماعی در سطوح مختلف جامعه.
- این سیاست‌ها با توجه به شرایط داخلی و خارجی و در جهت ارتقاء جایگاه چین در عرصه جهانی تصویب و اجرا می‌شوند.
- ۴ - کمیته مرکزی حزب کمونیست چین (CCP) نقش کلیدی در ساختار رهبری حزب دارد و وظیفه اجرایی تصمیمات کنگره حزب را بر عهده دارد. در اینجا به شرح ویژگی‌های کمیته مرکزی حزب پرداخته می‌شود:

ویژگی‌های کمیته مرکزی حزب:

۱. ترکیب اعضا: کمیته مرکزی از رهبران ارشد حزب شامل اعضای سیاست‌گذاری، مسئولان بخش‌های مختلف دولتی، و رهبران مهم اقتصادی و نظامی تشکیل می‌شود.
۲. انتخاب اعضا: اعضای کمیته مرکزی از میان کنگره حزب انتخاب می‌شوند. این انتخاب در کنگره‌های حزب که هر پنج سال برگزار می‌شود، صورت می‌گیرد.
۳. وظایف کمیته مرکزی:
 - ✓ اجرای تصمیمات کنگره: کمیته مرکزی وظیفه اجرای تصمیمات و سیاست‌های تصویب‌شده در کنگره‌های ملی حزب را دارد.
 - ✓ هدایت سیاست‌ها: کمیته مرکزی مسئول هدایت سیاست‌ها و فعالیت‌های مختلف حزب در تمامی زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است.
 - ✓ تصمیم‌گیری در مسائل بحرانی: در زمان بحران یا تغییرات کلان در کشور، کمیته مرکزی به‌عنوان ارگان اصلی تصمیم‌گیری عمل می‌کند.
۴. قدرت اجرایی و نظارتی: اعضای کمیته مرکزی معمولاً در مقامات عالی اجرایی و نظارتی قرار دارند و به‌طور مستقیم بر فعالیت‌های حزب و دولت نظارت دارند.

دفتر نخست : ساختار حکمرانی چین

۳. اصلاح اساسنامه حزب: هرگونه تغییر در اصول و چارچوب‌های ایدئولوژیک حزب.

۴. ارزیابی عملکرد رهبری قبلی^۵ بررسی دستاوردها و چالش‌های دوره پیشین^۱.

۵. جلسات و تصمیمات: کمیته مرکزی در جلسات خود، تصمیمات کلیدی را اتخاذ می‌کند که بر آینده‌نگری و جهت‌گیری‌های سیاسی و اقتصادی کشور تأثیرگذار است.

آثار و اهمیت کمیته مرکزی:

- رهبری پایدار حزب: کمیته مرکزی به‌عنوان یکی از ارکان مهم، انسجام حزب کمونیست چین را در سطوح مختلف تضمین می‌کند.
- تثبیت سیاست‌ها و برنامه‌ها: اجرای مصوبات کنگره‌ها در سطح اجرایی و نظارتی، موجب تحقق سریع‌تر سیاست‌های حزب در عرصه ملی و بین‌المللی می‌شود.

این ساختار از اهمیت بالایی برخوردار است و به‌طور مستقیم بر روندهای کلیدی سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری چین تأثیر می‌گذارد. ۵ - برای آشنایی بیشتر با وظیفه کنگره‌های ملی حزب کمونیست چین در ارزیابی عملکرد رهبران قبلی حزب کمونیست به بررسی دو مورد از تصمیمات برجسته‌ای که در این کنگره‌ها بازتاب فراوانی داشته‌اند، به شرح زیر می‌پردازیم:

۱. تصمیمات در مورد اصلاحات اقتصادی و سیاست‌های بازسازی (Reform and Opening Up)

یکی از بزرگ‌ترین و تأثیرگذارترین تصمیمات تاریخ چین در دهه‌های اخیر، پایان دادن به دوران برنامه‌ریزی متمرکز اقتصادی و آغاز اصلاحات اقتصادی و سیاست‌های بازسازی تحت رهبری دنگ شیائوپینگ در اوایل دهه ۱۹۸۰ بود. این تغییرات، که تأثیرات عمیقی در تحولات اقتصادی چین داشت، شامل آغاز فرایند خصوصی‌سازی بخش‌هایی از اقتصاد، جذب سرمایه‌گذاری خارجی، و ایجاد بازارهای آزاد در برخی از بخش‌های اقتصادی بود. آثار این تصمیم:

- رشد اقتصادی سریع: اصلاحات اقتصادی باعث شد تا چین از یک کشور با اقتصاد متمرکز و کشاورزی به یک اقتصاد صنعتی و بازارمحور تبدیل شود. این اصلاحات، زمینه‌ساز رشد اقتصادی سریع چین در دهه‌های بعد و تبدیل آن به دومین اقتصاد بزرگ جهان شدند.
- گسترش طبقه متوسط: با آزادسازی بخش‌هایی از اقتصاد، تعداد زیادی از چینی‌ها از فقر خارج شدند و طبقه متوسط جدیدی شکل گرفت. این امر باعث افزایش قدرت خرید، بهبود استانداردهای زندگی و رشد خدمات مصرفی در کشور شد.
- توسعه جهانی‌شدن: چین به یک بازیگر اصلی در تجارت جهانی تبدیل شد و در نهایت به سازمان تجارت جهانی (WTO) پیوست (۲۰۰۱)، که این پیوستگی مسیر ورود چین به اقتصاد جهانی را تسهیل کرد.

چالش‌ها:

- نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی: با وجود رشد اقتصادی چشمگیر، اصلاحات منجر به گسترش شکاف‌های اقتصادی و اجتماعی شد. نابرابری‌های منطقه‌ای و شهری-روستایی افزایش یافت، و برخی گروه‌ها از مزایای این رشد محروم ماندند.
- مسائل زیست‌محیطی: رشد سریع صنعتی موجب مشکلات زیست‌محیطی نظیر آلودگی هوا و آب، تخریب منابع طبیعی و بحران‌های زیست‌محیطی در برخی مناطق شد.

جابجایی‌ها:

- تصمیمات دنگ شیائوپینگ در زمینه اصلاحات اقتصادی، در کنگره‌های بعدی تأسیس شدند، اما در دوره‌های بعدی نیز رهبری‌های چین تلاش کردند تا این اصلاحات را ادامه دهند و در عین حال به برخی از چالش‌های آن پاسخ دهند. به ویژه در دوران هو جین تائو و جیانگ زمین، سیاست‌های توسعه اقتصادی همچنان ادامه یافت و در عین حال تمرکز بیشتری بر پایداری اجتماعی و کاهش نابرابری‌ها گذاشته شد.

۲. تصمیمات در مورد "جنگ علیه فساد" (Anti-Corruption Campaign)

یکی از مهم‌ترین و پر بازتاب‌ترین تصمیمات تحت رهبری شی جین‌پینگ، راه‌اندازی و اجرای کمپین ضد فساد بود که در اوایل دوران ریاست‌جمهوری او در سال ۲۰۱۲ آغاز شد. این کمپین به هدف پاکسازی حزب کمونیست از فساد گسترده در سطح میانه‌رده‌ها و عالی‌رتبه‌ها، به سرعت توجه رسانه‌ها و افکار عمومی را به خود جلب کرد.

آثار این تصمیم:

- پاکسازی مقامات فاسد: این کمپین منجر به بازداشت و مجازات هزاران مقام دولتی و حزب شد، از جمله مقامات بلندپایه‌ای چون بو شی‌لای، عضو سابق دفتر سیاسی حزب کمونیست چین. این کار باعث تقویت مشروعیت شی جین‌پینگ در برابر مردم و داخل حزب شد.

دفتر نخست : ساختار حکمرانی چین

کنگره ملی حزب بیشتر به عنوان یک نهاد تأییدکننده عمل می کند تا تصمیم گیرنده مستقل، زیرا سیاست ها و تصمیمات کلیدی معمولاً پیش از برگزاری کنگره توسط رهبری عالی حزب (دفتر سیاسی و کمیته دائمی) تعیین شده اند. کنگره فرصتی است تا این تصمیمات به طور رسمی اعلام و مشروعیت سیاسی آن ها تقویت شود.

کمیته مرکزی حزب

کمیته مرکزی حزب کمونیست چین (CPC) نهادی کلیدی و اجرایی است که وظیفه اصلی آن اجرای تصمیمات و سیاست هایی است که در **کنگره ملی حزب** تصویب می شوند.

کمیته مرکزی حزب کمونیست چین شامل اعضای منتخب از سوی کنگره ملی حزب کمونیست چین است که برای دوره های پنج ساله مسئولیت های کلیدی را بر عهده دارند. اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست از حدود ۲۰۵ عضو اصلی و ۱۷۱ عضو علی البدل تشکیل شده است.

اعضای کمیته مرکزی توسط نمایندگان کنگره ملی حزب انتخاب می شوند و شامل **اعضای اصلی و اعضای علی البدل** هستند. اعضای علی البدل در جلسات شرکت می کنند اما حق رأی ندارند. تعداد اعضا بسته به دوره های مختلف متغیر است، اما معمولاً شامل صدها نفر از نخبگان سیاسی، نظامی و اقتصادی چین است.

از اعضای کلیدی این کمیته می توان به شی جین پینگ، دبیر کل حزب و رئیس جمهور چین، و لی شی، دبیر کمیسیون مرکزی بازرسی انضباط، اشاره کرد. لی کیانگ به عنوان نخست وزیر شورای دولتی و هه لیفنگ به عنوان معاون نخست وزیر و رئیس کمیسیون مالی مرکزی، همچنین کای چی به عنوان رئیس کمیسیون امور سایبری مرکزی و لیو گائوژونگ به عنوان رئیس گروه کار رهبری امور روستایی مرکزی نیز در این کمیته فعالیت می کنند.

- **تقویت مشروعیت رهبری شی جین پینگ:** این اقدام در داخل حزب و در میان مردم چین به عنوان یک حرکت مهم در راستای مبارزه با فساد تلقی شد. شی جین پینگ از این طریق توانست پشتیبانی قوی تری از هرم رهبری و درون حزب به دست آورد.
- **افزایش نظارت و کنترل حزب:** این کمپین باعث شد تا نظارت و کنترل حزب کمونیست چین بر بدنه حکومت و مقامات اجرایی به شدت افزایش یابد. شی جین پینگ توانست با استفاده از این کمپین بسیاری از رقبای سیاسی خود را حذف کند و قدرت خود را در درون حزب تثبیت کند.

چالش ها:

- **مخالفان داخلی:** برخی تحلیل گران معتقدند که کمپین ضد فساد بیشتر به عنوان ابزاری برای پاکسازی رقبای سیاسی شی جین پینگ استفاده شده است. همچنین، این کمپین ممکن است باعث نگرانی در درون حزب و ایجاد تنش های پنهان در میان مقامات گردد.
- **پیامدهای منفی برای تجارت و سرمایه گذاری:** این مبارزه شدید علیه فساد ممکن است به برخی از بخش های خصوصی و تجاری آسیب زده باشد، چرا که ممکن است برخی از سرمایه گذاران و کارآفرینان را به دلیل ترس از تعقیب قضائی یا فساد در درون سیستم دولتی به عقب نشینی از بازار تشویق کند.

جابجایی ها:

- **در دوران ریاست جمهوری شی جین پینگ،** با اجرای این کمپین و پاکسازی های گسترده، روندی از جابجایی های مقامات کلیدی در حزب و دولت مشاهده شد. از جمله جابجایی های مهم، بازداشت و محاکمه مقامات عالی رتبه و حذف بسیاری از آنها از بدنه اجرایی بود که به تقویت قدرت رهبری شی کمک کرد.

در مجموع، دو تصمیم کلیدی که در دوره های مختلف رهبری چین گرفته شده اند، شامل **اصلاحات اقتصادی و بازسازی** در دوران دنگ شیائوپینگ و **کمپین ضد فساد** در دوران شی جین پینگ هستند. هر دو تصمیم تأثیرات گسترده ای بر مسیر توسعه چین داشتند و در عین حال با چالش های اجتماعی و سیاسی همراه بودند. این تصمیمات نه تنها نشان دهنده استراتژی های مختلف رهبری چین در زمینه اقتصادی و سیاسی بودند، بلکه گواهی بر چالش های ادامه دار در راستای پیشبرد اصلاحات و حفظ انسجام در درون حزب کمونیست چین است.

دفتر نخست : ساختار حکمرانی چین

دیگر اعضای مهم شامل چن شی (رئیس اداره سازماندهی مرکزی)، جیانگ جین چوان (رئیس دفتر تحقیقات سیاست مرکزی) و چن ون کینگ (رئیس کمیسیون سیاسی و حقوقی مرکزی) هستند. این کمیته مسئول تصمیم‌گیری‌های مهم درون حزب تا کنگره ملی بعدی است که انتظار می‌رود در سال ۲۰۲۷ برگزار شود. همچنین، نخبگان اقتصادی مانند لی کیانگ و هه لیفنگ بر سیاست‌های اقتصادی کشور تأثیرگذار هستند. این کمیته مسئول تصمیم‌گیری‌های مهم درون حزب تا کنگره ملی بعدی است که انتظار می‌رود در سال ۲۰۲۷ برگزار شود.

وظایف اصلی کمیته مرکزی عبارت‌اند از:

۱. **انتخاب نهادهای کلیدی حزب:** مانند دفتر سیاسی (پولیتبورو)، کمیته دائمی دفتر سیاسی، و دبیرکل حزب.

۲. **نظارت بر اجرای سیاست‌های کنگره:** نظارت و هدایت نهادهای اجرایی حزب و دولت برای تحقق اهداف تعیین‌شده.

۳. **تنظیم سیاست‌های جدید:** بررسی و پیشنهاد سیاست‌های جدید در شرایط تغییرات داخلی یا خارجی. کمیته مرکزی معمولاً یک‌بار در سال تشکیل جلسه (پلنوم) می‌دهد و در این جلسات، مسائل مهم سیاسی و اقتصادی کشور مورد بررسی قرار می‌گیرند. قدرت واقعی در درون این کمیته متمرکز در نهادهای کوچکتری مانند دفتر سیاسی و کمیته دائمی آن است.^۲

۶ - در سیستم سیاسی چین، **جلسه پلنوم** (Plenary Session) به جلسات رسمی و مهم حزب کمونیست چین (CPC) اطلاق می‌شود که در آن مقامات عالی‌رتبه حزب، تصمیمات کلیدی و استراتژی‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را بررسی و تصویب می‌کنند. این جلسات معمولاً در سطح کنگره و کمیته مرکزی حزب کمونیست چین برگزار می‌شوند و برای تعیین جهت‌گیری‌های آینده و ارزیابی عملکرد رهبری حزب از اهمیت بالایی برخوردارند.

تعریف و ساختار جلسه پلنوم

جلسات پلنوم معمولاً توسط کمیته مرکزی حزب کمونیست چین برگزار می‌شوند که نهاد اصلی تصمیم‌گیری در حزب است. کمیته مرکزی شامل اعضای منتخب از سوی کنگره ملی حزب کمونیست چین است که برای **دوره‌های پنج‌ساله** مسئولیت‌های کلیدی را بر عهده دارند.

- **کمیته مرکزی حزب کمونیست چین** از حدود ۲۰۵ عضو اصلی و ۱۷۱ عضو علی‌البدل تشکیل شده است.
- این کمیته پس از هر دوره کنگره ملی حزب، ۷ جلسه پلنوم برگزار می‌کند که هر جلسه در مقاطع مختلف زمانی و با تمرکز بر موضوعات خاص صورت می‌گیرد.

ویژگی‌های جلسه پلنوم

۱. **مباحث و موضوعات استراتژیک:** جلسات پلنوم به طور عمده به تصمیم‌گیری‌های مهم استراتژیک اختصاص دارند. در این جلسات، بحث‌هایی درباره اصلاحات اقتصادی، سیاست‌های اجتماعی، و تحولات داخلی و خارجی چین صورت می‌گیرد.
۲. **بررسی ارزیابی عملکرد رهبری قبلی:** یکی از وظایف مهم این جلسات، بررسی عملکرد رهبری قبلی و ارزیابی دستاوردها و چالش‌های دوره‌های گذشته است.
۳. **تنظیم سیاست‌های آینده:** در این جلسات، پیش‌نویس سیاست‌های آینده، برنامه‌های پنج‌ساله و برنامه‌های کوتاه‌مدت حزب کمونیست چین تصویب می‌شوند.

۴. اعلام تغییرات در رهبری: در برخی موارد، جلسات پلنوم به اعلام تغییرات در ساختار رهبری حزب و جابجایی‌های مقامات بلندپایه نیز می‌پردازند.

مراحل جلسات پلنوم

- جلسات پلنوم معمولاً از چند روز تا چند هفته طول می‌کشند. در این مدت، اعضای کمیته مرکزی، با حضور مقامات ارشد، از جمله رئیس حزب، نخست‌وزیر، و دیگر مقامات کلیدی، به تحلیل وضعیت کشور و جهان پرداخته و تصمیمات مهمی می‌گیرند.
- جلسات معمولاً به صورت بسته و محرمانه برگزار می‌شود و تنها پس از پایان جلسات، گزارشات رسمی و بیانیه‌هایی از آن منتشر می‌شود.

چند نمونه مهم از جلسات پلنوم

در تاریخ حزب کمونیست چین، برخی از جلسات پلنوم برجسته‌تر و اثرگذارتر بوده‌اند که تأثیرات عمیقی بر مسیر سیاست‌های چین داشته‌اند. در اینجا به دو نمونه مهم اشاره می‌کنم:

۱. پلنوم سوم ۱۹۷۸ (دوره دنگ شیائوپینگ):

در این جلسه، دنگ شیائوپینگ تصمیمات مهمی برای آغاز اصلاحات اقتصادی و سیاست درهای باز گرفت. این پلنوم به نوعی آغاز دوران جدید اقتصادی چین بود.

- تصمیمات کلیدی: تصمیم به کاهش مداخله دولت در امور اقتصادی، گسترش بازار آزاد و جذب سرمایه‌گذاری خارجی.
- این تصمیمات باعث شد چین وارد دوره‌ای از رشد اقتصادی شتابان و به سمت اقتصاد بازار اجتماعی حرکت کند.

۲. پلنوم چهارم ۲۰۱۴ (دوره شی جین‌پینگ):

این پلنوم، که تحت رهبری شی جین‌پینگ برگزار شد، به تصمیم‌گیری‌های اساسی در خصوص اصلاحات عمیق اقتصادی پرداخت. مهم‌ترین جنبه این جلسه، اعلام برنامه‌ای برای اصلاحات ساختاری اقتصادی و اجتماعی بود که در چارچوب آن چین به سمت اقتصاد بازار بیشتر و مشارکت بیشتر بخش خصوصی حرکت کرد.

- تصمیمات کلیدی: تأکید بر اصلاحات در سیستم مالی، بازار انرژی، بخش سلامت و آموزش، و همچنین افزایش نقش بخش خصوصی و گسترش سرمایه‌گذاری خارجی.
- این اصلاحات، در کنار تغییرات اجتماعی و حکومتی، مسیر توسعه اقتصادی چین را به سمت مدرن‌سازی و اقتصاد مبتنی بر نوآوری سوق داد.

آثار و تأثیرات تصمیمات جلسات پلنوم

تصمیمات گرفته شده در جلسات پلنوم تأثیرات گسترده‌ای بر اقتصاد، سیاست، و جامعه چین دارند. این تصمیمات می‌توانند:

۱. رشد اقتصادی را تسریع کنند: اصلاحات اقتصادی به ویژه در بخش‌های صنعت، کشاورزی و خدمات باعث افزایش تولید ناخالص داخلی (GDP) و بهبود سطح زندگی مردم می‌شود.
۲. روند مدرنیزاسیون چین را تسریع کنند: تصمیمات اقتصادی و اجتماعی که در این جلسات گرفته می‌شوند، به مدرن‌سازی زیرساخت‌ها، فناوری و صنعت کمک می‌کنند.
۳. تعمیق روابط بین‌المللی: اصلاحات تجاری و اقتصادی در این جلسات می‌توانند منجر به تقویت روابط چین با کشورهای مختلف، به ویژه در قالب ابتکار کمربند و جاده (Belt and Road Initiative) شوند.
۴. تغییرات در رهبری حزب: برخی از جلسات پلنوم ممکن است به جابجایی مقامات و اصلاحات در ساختار رهبری حزب کمونیست چین منجر شوند، که بر دقت و کارایی دستگاه حکومتی اثر می‌گذارد.

چالش‌ها و انتقادات

با وجود اینکه جلسات پلنوم برای تصویب سیاست‌های کلیدی در چین ضروری هستند، این جلسات و تصمیمات آنها با انتقادات و چالش‌هایی نیز مواجه‌اند:

دفتر نخست : ساختار حکمرانی چین

دفتر سیاسی (پولیتبورو): نهاد اجرایی اصلی

دفتر (کمیته) سیاسی حزب کمونیست چین (پولیتبورو) یکی از بالاترین و مهم‌ترین نهادهای اجرایی حزب است که وظیفه تدوین و اجرای سیاست‌های کلان کشور را بر عهده دارد. این دفتر توسط کمیته مرکزی حزب انتخاب می‌شود و شامل حدود ۲۵ عضو اصلی است که از میان نخبگان سیاسی، نظامی و اقتصادی حزب انتخاب می‌شوند. **دفتر سیاسی (Politburo)** حزب کمونیست چین در حال حاضر دارای **۲۴ عضو** است.^۷ این شامل گروه کوچکتری به نام **کمیته دائمی Politburo** می‌شود که متشکل از **۷ عضو** است و بالاترین قدرت تصمیم‌گیری را در درون Politburo دارد. کمیته سیاسی مسئول سیاست‌گذاری‌های مهم است و توسط کمیته مرکزی CPC که شامل ۲۰۵ عضو می‌باشد از میان نخبگان سیاسی، نظامی و اقتصادی حزب انتخاب می‌شوند.

وظایف و نقش‌ها:

۱. **تدوین سیاست‌های کلان:** پولیتبورو مسئول تعیین خط‌مشی‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بر اساس اهداف حزب است.
۲. **مدیریت روزمره حزب:** نظارت بر اجرای سیاست‌ها در سراسر کشور و هماهنگی میان نهادهای مختلف حکومتی و حزبی.
۳. **مشورت در تصمیم‌گیری‌های راهبردی:** بررسی مسائل مهم داخلی و بین‌المللی و ارائه پیشنهادات برای تصمیم‌گیری.

رهبری دفتر سیاسی:

- **کمبود شفافیت:** جلسات پلنوم معمولاً به صورت بسته برگزار می‌شوند و تنها پس از پایان جلسات، گزارش‌هایی رسمی منتشر می‌شود. این موضوع ممکن است باعث نقدهایی از طرف رسانه‌ها و جامعه بین‌المللی شود.
- **آثار منفی برخی تصمیمات:** برخی از تصمیمات اصلاحی، به ویژه در زمینه‌های اجتماعی، ممکن است موجب ایجاد اختلالات اقتصادی یا نارضایتی‌های اجتماعی در برخی مناطق چین شوند.

۷ - کمیته سیاسی (Politburo) حزب کمونیست چین در حال حاضر شامل ۲۴ عضو است که به ترتیب رتبه و سمت عبارتند از: ۱. شی جین‌پینگ: دبیر کل حزب کمونیست چین، رئیس‌جمهور چین؛ ۲. لی کیانگ: نخست‌وزیر؛ ۳. ژائو لُجی: رئیس کنگره ملی مردم؛ ۴. وانگ هونگ: رئیس کنفرانس مشاوره سیاسی مردم چین؛ ۵. کای چی: دبیر کمیته شهری پکن؛ ۶. دینگ شیه‌شیانگ: مدیر دفتر عمومی حزب کمونیست؛ ۷. لی شی: دبیر کمیته استانی گوانگ‌دونگ؛ ۸. هو چون‌هوا: معاون نخست‌وزیر؛ ۹. وانگ یانگ: معاون نخست‌وزیر؛ ۱۰. چن مینر: دبیر کمیته شهری چونگ‌کینگ؛ ۱۱. لی هونگ‌ژونگ: دبیر کمیته شهری تیانشین؛ ۱۲. لیو گائوژونگ: وزیر کشاورزی و امور روستایی؛ ۱۳. میاو وی: وزیر صنعت و فناوری اطلاعات؛ ۱۴. هه لی‌فنگ: معاون نخست‌وزیر و رئیس کمیسیون مرکزی امور مالی و اقتصادی؛ ۱۵. هوانگ کونمینگ: رئیس اداره تبلیغات؛ ۱۶. لیو جیانچائو: مدیر اداره روابط بین‌الملل؛ ۱۷. لی شو لی: معاون اجرایی رئیس اداره تبلیغات؛ ۱۸. ژانگ گُوچینگ: وزیر حمل و نقل؛ ۱۹. ژائو کِزِی: وزیر امنیت عمومی؛ ۲۰. وانگ شیواوهوی: دبیر کمیته استانی جیانگ‌سو؛ ۲۱. سون چونلان: معاون نخست‌وزیر؛ ۲۲. یانگ جیچی: مدیر دفتر کمیسیون امور خارجی؛ ۲۳. ژانگ یوکیا: معاون رئیس کمیسیون نظامی مرکزی و ۲۴. لی کیانگ (علی‌البدل): دبیر حزب در شانگهای. این اعضا نقش‌های مهمی در شکل‌دهی به سیاست‌های چین در زمینه‌های مختلف از جمله سیاست، اقتصاد و حکمرانی دارند.

دفتر نخست : ساختار حکمرانی چین

قدرت واقعی در دست کمیته دائمی دفتر سیاسی (Politburo Standing Committee) است که از ۷ تا ۹ عضو اصلی تشکیل شده و به عنوان هسته اصلی تصمیم‌گیری عمل می‌کند. دبیر کل حزب، که معمولاً رئیس‌جمهور چین نیز هست، ریاست این کمیته را بر عهده دارد و نفوذ قابل‌توجهی در هدایت کشور دارد.^۸

ویژگی‌ها:

دفتر سیاسی به دلیل تمرکز قدرت و تعداد محدود اعضا، نهادی بسیار مؤثر است و تصمیمات آن به سرعت در سراسر کشور اجرا می‌شود. این نهاد یکی از دلایل اصلی ثبات سیاسی و توانایی چین در اجرای سیاست‌های بلندمدت محسوب می‌شود.

دبیر کل حزب: بالاترین مقام سیاسی

دبیر کل حزب کمونیست چین بالاترین مقام سیاسی در نظام سیاسی چین است و رهبری حزب، دولت، و نیروهای نظامی را به طور هم‌زمان در دست دارد. این مقام که در رأس حزب کمونیست قرار دارد، تأثیرگذارترین شخصیت سیاسی کشور است و نقش کلیدی در تصمیم‌گیری‌های کلان ملی و بین‌المللی ایفا می‌کند. در حال حاضر دبیر کل حزب شی جی پینگ می‌باشد.^۹

نقش‌ها و مسئولیت‌ها:

۸ - کمیته دائمی Politburo حزب کمونیست چین در حال حاضر شامل هفت عضو اصلی است که به ترتیب سمت و رتبه به شرح زیر هستند: شی جین‌پینگ: دبیر کل حزب کمونیست و رئیس‌جمهور چین؛ لی کیانگ: نخست‌وزیر شورای دولتی؛ ژائو لُجی: رئیس کنگره ملی مردم؛ وانگ هونگ: رئیس کنفرانس مشاوره سیاسی مردم چین؛ کای چی: دبیر کمیته شهری پکن؛ دینگ شیه‌شیانگ: مدیر دفتر عمومی حزب کمونیست؛ و لی شی: دبیر کمیته استانی گوانگدونگ. این کمیته به عنوان بالاترین نهاد تصمیم‌گیری درون حزب عمل می‌کند و راهنمایی‌های اصلی در زمینه سیاست‌ها و جهت‌گیری‌های کشور را ارائه می‌دهد.

۹ - از زمان تأسیس حزب کمونیست چین در سال ۱۹۲۱، دبیران کل حزب به شرح زیر بوده‌اند:

۱. چن دوشیو: (۱۹۲۷-۱۹۲۱) نخستین دبیر کل حزب کمونیست.
۲. لی لیسان: (۱۹۳۰-۱۹۲۷) در دوره‌ای چالش‌برانگیز برای حزب خدمت کرد.
۳. وانگ مینگ: (۱۹۳۵-۱۹۳۱) نقش مهمی در سال‌های اولیه تأسیس حزب داشت.
۴. ژانگ ونتیان: (۱۹۴۳-۱۹۳۵) در طول راهپیمایی بزرگ و جنگ جهانی دوم رهبری حزب را بر عهده داشت.
۵. مائو زدونگ: (۱۹۷۶-۱۹۴۳) برجسته‌ترین رهبر که تا زمان مرگش در این سمت باقی ماند.
۶. هوا گووونگ: (۱۹۸۱-۱۹۷۶) جانشین مائو و آغازگر برخی اصلاحات بود.
۷. هو یابانگ: (۱۹۸۷-۱۹۸۱) اصلاحات اقتصادی و لیبرال‌سازی را ترویج کرد.
۸. ژائو زیانگ: (۱۹۸۹-۱۹۸۷) به خاطر سیاست‌های اصلاح‌طلبانه‌اش شناخته شده بود تا اینکه پس از اعتراضات میدان تیان‌آن‌من برکنار شد.
۹. جیانگ زِمین: (۲۰۰۲-۱۹۸۹) نظارت بر رشد اقتصادی چین و ادغام آن در اقتصاد جهانی را بر عهده داشت.
۱۰. هو جین‌تائو: (۲۰۱۲-۲۰۰۲) بر روی "جامعه هماهنگ" تمرکز کرد و اصلاحات اقتصادی را ادامه داد.
۱۱. شی جین‌پینگ: (۲۰۱۲- تا حال) - دبیر کل کنونی که به خاطر تمرکز قدرت و اجرای سیاست‌های مهم شناخته می‌شود. این رهبران با دوره‌های خود، جهت‌گیری چین را شکل داده و بر سیاست‌های داخلی و خارجی آن تأثیر گذاشته‌اند.

دفتر نخست : ساختار حکمرانی چین

۱. رهبری حزب:

- ✓ به‌عنوان رئیس حزب، دبیرکل مسئول هدایت ایدئولوژیک و سیاسی حزب کمونیست چین است.
- ✓ تعیین خط‌مشی‌ها و اهداف بلندمدت حزب و نظارت بر اجرای سیاست‌ها.

۲. هدایت کمیته مرکزی حزب:

- ✓ ریاست جلسات کمیته مرکزی و کمیته دائمی دفتر سیاسی را بر عهده دارد.
- ✓ تنظیم و تأیید تصمیمات نهایی در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و بین‌المللی.

۳. کنترل نیروهای نظامی:

- ✓ به‌عنوان رئیس کمیسیون نظامی مرکزی، دبیرکل فرماندهی کل نیروهای مسلح چین را نیز بر عهده دارد، که نقش او را در مسائل امنیتی و دفاعی تقویت می‌کند.

۴. رابطه با دولت:

- ✓ دبیرکل معمولاً هم‌زمان به‌عنوان رئیس‌جمهور چین و رهبر شورای دولتی فعالیت می‌کند، که این ترکیب نقش او را در مدیریت سیاست‌های داخلی و خارجی کشور تقویت می‌کند.

۱۰ - در حکمرانی حزب کمونیست چین، دبیرکل حزب کمونیست، رئیس‌جمهور و رئیس شورای دولتی (نخست‌وزیر) سه مقام جداگانه هستند که مسئولیت‌های متفاوتی را عهده دار هستند. اما از دهه ۱۹۹۰ به بعد، ترکیب دو نقش دبیرکل حزب و رئیس‌جمهور چین به یک سنت سیاسی در چین تبدیل شده است. اجازه دهید جزئیات بیشتری در این زمینه ارائه کنم.

ترکیب نقش دبیرکل حزب و رئیس‌جمهور چین

از زمان تأسیس جمهوری خلق چین در سال ۱۹۴۹، ساختار حکومتی چین شامل این سه موقعیت کلیدی بود:

۱. دبیرکل حزب کمونیست چین: بالاترین مقام حزب و رهبر واقعی کشور.
۲. رئیس‌جمهور چین: رئیس حکومت و مقامی تشریفاتی.
۳. رئیس شورای دولتی (نخست‌وزیر): مسئول اداره اجرایی و مدیریت سیاست‌های داخلی و اقتصادی کشور.

قبل از دهه ۱۹۹۰

پیش از دهه ۱۹۹۰، این سه سمت معمولاً در اختیار افراد مختلف بود. مائو تسه‌تونگ رهبر حزب و رئیس حکومت بود، اما موقعیت ریاست شورای دولتی را به چو ان‌لای واگذار کرده بود. بعد از مائو، این تفکیک همچنان تا دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ ادامه داشت.

از دوران جیانگ زمین (۱۹۹۳)

جیانگ زمین اولین رهبری بود که به طور هم‌زمان سه موقعیت کلیدی را به عهده داشت:

۱. دبیرکل حزب کمونیست چین (از سال ۱۹۸۹)
 ۲. رئیس‌جمهور چین (از سال ۱۹۹۳)
 ۳. رئیس کمیسیون مرکزی نظامی (نهاد فرماندهی نیروهای مسلح)
- این ترکیب در واقع به معنای تمرکز قدرت در دست یک نفر بود و در نتیجه، نقش رئیس‌جمهور از موقعیتی تشریفاتی به یک مقام اجرایی قدرتمند تبدیل شد که مدیریت سیاست‌های داخلی و خارجی را با هماهنگی حزب و ارتش به عهده داشت.
- از این زمان به بعد، رئیس‌جمهور چین معمولاً همان فردی است که دبیرکل حزب کمونیست نیز می‌باشد. این روند تاکنون ادامه داشته است:

- جیانگ زمین: ۱۹۸۹ (دبیرکل حزب) و ۱۹۹۳ (رئیس‌جمهور چین)
- هو جین‌تاو: ۲۰۰۲ (دبیرکل حزب) و ۲۰۰۳ (رئیس‌جمهور چین)

دفتر نخست : ساختار حکمرانی چین

قدرت و تأثیرگذاری:

- **تمرکز قدرت:** دبیرکل محور اصلی قدرت در چین است و تمامی تصمیمات مهم از طریق این مقام هدایت یا تأیید می‌شود.
- **رهبری استراتژیک:** تعیین استراتژی‌های توسعه ملی، سیاست خارجی، و مدیریت بحران‌های داخلی و بین‌المللی.
- **حفظ وحدت حزب:** دبیرکل نقش حیاتی در حفظ انسجام درون حزبی و جلوگیری از اختلافات داخلی ایفا می‌کند.

ویژگی‌های انتخاب دبیرکل:

- دبیرکل حزب توسط **کمیته مرکزی حزب** از میان اعضای برجسته حزب انتخاب می‌شود.
- انتخاب او معمولاً نتیجه فرآیندی پیچیده و دقیق در درون حزب است که تحت نظارت دفتر سیاسی و کمیته دائمی انجام می‌گیرد.

فرآیند انتخاب دبیرکل

در اینجا به فرآیند انتخاب دبیرکل نگاهی می‌اندازیم:

فرآیند انتخاب دبیرکل حزب کمونیست چین، به‌ویژه در دوره‌های اخیر، به یک فرآیند پشت درهای بسته و مذاکرات درون حزبی تبدیل شده است که به‌طور علنی صورت نمی‌گیرد. این فرآیند معمولاً مراحل زیر را در بر دارد:

-
- **شی جین‌پینگ:** ۲۰۱۲ (دبیرکل حزب) و ۲۰۱۳ (رئیس‌جمهور چین تا کنون)

رئیس شورای دولتی (نخست‌وزیر)

نکته مهم اینجاست که **رئیس شورای دولتی** یا نخست‌وزیر معمولاً فرد دیگری است و با دبیرکل حزب و رئیس‌جمهور چین متفاوت است. این سمت در واقع مسئولیت اجرایی و نظارت بر امور روزمره دولت را بر عهده دارد. به‌عنوان مثال:

- در دوره **شی جین‌پینگ** (دبیرکل و رئیس‌جمهور چین)، **لی که‌چیانگ** (Li Keqiang) تا سال ۲۰۲۳ رئیس شورای دولتی بود.
- پس از او **لی چیانگ** (Li Qiang) این سمت را بر عهده گرفته است.

چرا این ترکیب اهمیت دارد؟

ترکیب نقش‌های دبیرکل حزب و رئیس‌جمهور چین از دوران جیانگ زمین به بعد به این دلایل اهمیت یافت:

۱. **تمرکز قدرت و هماهنگی بیشتر:** این ترکیب به رهبر عالی کشور اجازه می‌دهد تا سیاست‌های حزب را به‌طور مستقیم از طریق ساختار دولتی اجرایی کند.
۲. **تضمین ثبات و انسجام در تصمیم‌گیری‌ها:** با ادغام این سمت‌ها، هماهنگی بین حزب و دولت بیشتر می‌شود.
۳. **قدرت بیشتر در سیاست خارجی:** رئیس‌جمهوری که هم‌زمان دبیرکل حزب باشد، قدرت بیشتری برای هدایت سیاست خارجی چین دارد.

از سال ۱۹۹۳ و دوران جیانگ زمین، سنتی در چین شکل گرفت که دبیرکل حزب کمونیست چین به‌طور هم‌زمان رئیس‌جمهور چین نیز باشد. با این حال، رئیس شورای دولتی (نخست‌وزیر) همچنان به عنوان فردی مجزا عمل می‌کند و مسئول مدیریت روزمره اجرایی کشور است. این تمرکز قدرت در دست یک رهبر، نقش دبیرکل حزب را به **مهم‌ترین و قدرتمندترین موقعیت سیاسی** در کشور تبدیل کرده است.

دفتر نخست : ساختار حکمرانی چین

۱. مشخص کردن کاندیداها:

- ✓ در ابتدا، نهادهای مختلف حزب (به‌ویژه کمیته دائمی دفتر سیاسی) برخی مقامات ارشد حزب را به‌عنوان کاندیداها بالقوه برای پست دبیرکلی معرفی می‌کنند.
- ✓ معمولاً، این مقامات از نهادهای اجرایی، امنیتی و اقتصادی و از میان افرادی که در رده‌های بالا و قابل اعتماد حزب فعالیت کرده‌اند، انتخاب می‌شوند.
- ✓ توافق‌های درونی و پشت پرده معمولاً نقش مهمی در تعیین کاندیداها دارند.

۲. مذاکرات درون حزبی:

- ✓ پس از معرفی کاندیداها، اعضای کمیته دائمی دفتر سیاسی و دیگر مقامات ارشد حزب به بحث و تبادل نظر درباره مناسب‌ترین فرد برای این پست می‌پردازند.
- ✓ این مذاکرات معمولاً در سطح نخبگان حزب صورت می‌گیرد و گاهی ممکن است در پی توافقات داخلی یا بده‌بستان‌های سیاسی در میان مقامات ارشد به نتیجه برسد.

۳. انتخاب در کنگره ملی حزب:

- ✓ در نهایت، انتخاب دبیرکل در کنگره ملی حزب رسمی می‌شود. در این کنگره، اعضای کمیته مرکزی حزب از میان کاندیداها پیشنهادی، دبیرکل جدید را انتخاب می‌کنند.
- ✓ این انتخاب معمولاً با اجماع و بدون مخالفت جدی صورت می‌گیرد.

ویژگی‌های انتخاب دبیرکل

- تمرکز قدرت: انتخاب دبیرکل از آن جهت اهمیت دارد که این فرد قدرت اجرایی و رهبری کل کشور را در دست دارد. دبیرکل هم‌زمان مسئول هدایت سیاست‌های حزب و نقش عمده‌ای در امور داخلی، اقتصادی، سیاسی و خارجی چین دارد.
- پشت پرده بودن: فرآیند انتخاب معمولاً به‌صورت علنی و در رسانه‌ها مطرح نمی‌شود و تمام بحث‌ها و مذاکرات درون حزبی صورت می‌گیرد. در این فرآیند، تنها وقتی که تصمیمات قطعی گرفته شد، آن تصمیمات به طور رسمی اعلام می‌شوند.
- نسخه‌های سابق: در گذشته، فرآیندهای انتقال قدرت در چین به‌طور معین‌تری در کنگره‌های حزب یا جلسات عمومی اعلام می‌شد، اما در سال‌های اخیر این روند در قالب "انتقال قدرت به صورت داخلی" انجام می‌شود که تصمیمات پشت پرده‌تر و با توافق‌های خاص در نهادهای حزب گرفته می‌شود.

دبیرکل فعلی: شی جین‌پینگ

شی جین‌پینگ از سال ۲۰۱۲ دبیرکل حزب کمونیست چین است و با تمرکز بر تقویت قدرت حزب و توسعه «سوسیالیسم با ویژگی‌های چینی»، نقش کلیدی در پیشبرد اهداف بلندمدت چین ایفا کرده است. اقدامات او در مبارزه با فساد، تمرکز قدرت، و سیاست خارجی فعال باعث شده تا نفوذش در تاریخ معاصر چین بی‌سابقه باشد.

دفتر نخست : ساختار حکمرانی چین

دبیرکل، به عنوان چهره‌ای که سیاست و حکومت چین را نمایندگی می‌کند، همواره نقشی بی‌بدیل در شکل‌دهی به آینده این کشور ایفا کرده و خواهد کرد.

رئیس‌جمهور: رئیس کشور

رئیس‌جمهور عمدتاً نقش تشریفاتی دارد، اما با قدرت دبیرکل حزب ادغام شده است. در نظام سیاسی چین، رئیس‌جمهور یک مقام رسمی و عمدتاً تشریفاتی است که بر اساس قانون اساسی وظایف نمادین مانند پذیرش سفرای خارجی و امضای مصوبات مجلس ملی خلق را انجام می‌دهد. اما در عمل، قدرت این مقام به دلیل ادغام با جایگاه دبیرکل حزب کمونیست چین و رئیس کمیسیون نظامی مرکزی بسیار فراتر از یک نقش تشریفاتی است.

نقش رسمی رئیس‌جمهور:

۱. نمایندگی دولت: رئیس‌جمهور چین نماینده رسمی کشور در عرصه بین‌المللی است و وظایفی مانند دیدار با رهبران خارجی، امضای معاهدات و شرکت در مراسم‌های رسمی را بر عهده دارد.
۲. امضای قوانین و انتصاب‌ها: بر اساس قانون اساسی، رئیس‌جمهور مصوبات مجلس ملی خلق را امضا می‌کند و مسئول انتصاب یا عزل مقامات ارشد دولتی است.
۳. تأیید تصمیمات حکومتی: بسیاری از تصمیمات دولت و مجلس از طریق رئیس‌جمهور به صورت رسمی اعلام و تأیید می‌شود.

ادغام قدرت‌ها با دبیرکل حزب:

در چین، رئیس‌جمهور معمولاً همان دبیرکل حزب کمونیست چین است. این ادغام باعث می‌شود که مقام رئیس‌جمهور از حالت تشریفاتی خارج شود و قدرت واقعی آن وابسته به اختیارات دبیرکل باشد. دلایل این ادغام عبارت‌اند از:

۱. تمرکز قدرت در حزب: حزب کمونیست چین هسته اصلی قدرت است و دبیرکل حزب قدرتمندترین مقام کشور به شمار می‌رود. رئیس‌جمهور که از نظر قانونی جایگاه بالایی دارد، در واقع ابزار دیگری برای گسترش نفوذ دبیرکل است.
۲. رئیس کمیسیون نظامی مرکزی: این مقام نیز معمولاً توسط دبیرکل حزب تصدی می‌شود، که به او کنترل کامل بر نیروهای مسلح و سیاست‌های دفاعی کشور می‌دهد. به این ترتیب، رئیس‌جمهور عملاً فرمانده کل قوا نیز محسوب می‌شود.
۳. یکپارچگی در تصمیم‌گیری: ادغام این سه مقام (دبیرکل حزب، رئیس‌جمهور، و رئیس کمیسیون نظامی مرکزی) به رهبر چین اجازه می‌دهد سیاست‌ها را بدون تضاد یا رقابت داخلی میان مقامات اجرا کند.

نمونه‌ای از نقش ترکیبی: شی جین‌پینگ

دفتر نخست : ساختار حکمرانی چین

شی جین پینگ از سال ۲۰۱۳ به عنوان رئیس جمهور و دبیر کل حزب خدمت کرده است. او از این موقعیت یکپارچه برای اجرای سیاست های کلان در داخل و تقویت نفوذ چین در عرصه جهانی استفاده کرده است. برخی از اقدامات او، مانند اصلاح قانون اساسی برای حذف محدودیت دوره ریاست جمهوری، نشان دهنده تمرکز شدیدتر قدرت در دستان دبیر کل / رئیس جمهور است.^{۱۱}

شورای دولتی

شورای دولتی جمهوری خلق چین، که به عنوان دولت مرکزی نیز شناخته می شود، بالاترین نهاد اجرایی در کشور است و به عنوان کابینه ملی عمل می کند. این شورا شامل نخست وزیر، چندین معاون نخست وزیر، مشاوران دولتی و سرپرستان وزارتخانه ها و کمیسیون های مختلف است. نخست وزیر رهبری شورای دولتی را بر عهده دارد و مسئولیت کلی عملیات آن را بر عهده دارد، در حالی که معاونان نخست وزیر و مشاوران دولتی در زمینه های خاص حکمرانی کمک می کنند. سازمان و وظایف شورای دولتی بر اساس قانون تعیین شده است و تحت یک سیستم مسئولیت نخست وزیری عمل می کند که تضمین کننده پاسخگویی در درون آن است. شورای دولتی توسط کنگره ملی مردم (NPC) منصوب می شود و دوره ای که به آن خدمت می کند با دوره کنگره ملی هم راستا است، که نشان دهنده نقش اساسی آن در ساختار سیاسی و حکمرانی چین است.^{۱۲}

۱۱ - قبل از سال ۲۰۱۳، قانون اساسی چین محدودیت دو دوره ای برای ریاست جمهوری را به تصویب رسانده بود که به این معنا بود که هر رئیس جمهور می توانست حداکثر دو دوره پنج ساله در این سمت خدمت کند. این محدودیت از سال ۱۹۸۲ در قانون اساسی گنجانده شده بود و هدف آن جلوگیری از تمرکز قدرت در دست یک فرد خاص و ایجاد فرصت برای انتقال قدرت به رهبران جدید بود. با این حال، در تاریخ ۱۱ مارس ۲۰۱۸، مجلس ملی مردم چین با تصویب اصلاحاتی در قانون اساسی، این محدودیت را حذف کرد. این تغییر به Xi Jinping این امکان را داد که بدون محدودیت زمانی در مقام خود باقی بماند و عملاً او را قادر ساخت تا به مدت نامحدود در قدرت بماند. این اقدام نشان دهنده تمرکز بیشتر قدرت در دست او و تغییرات عمده ای در ساختار سیاسی چین بود.

۱۲ - ساختار شورای دولتی چین به شرح ذیل است:

۱. **نخست وزیر:** رئیس شورای دولتی و مسئول هدایت کارهای آن.
۲. **معاونان نخست وزیر:** به نخست وزیر در مدیریت وظایف مختلف دولتی کمک می کنند.
۳. **مشاوران دولتی:** در کنار معاونان نخست وزیر، بر روی حوزه های خاصی از حکمرانی تمرکز دارند.
۴. **وزیران وزارتخانه ها:** سرپرستان وزارتخانه های مختلف که وظایف اداری خاصی را مدیریت می کنند، چین دارای ۲۱ وزارتخانه به شرح ذیل است: ۱- وزارت امور خارجه؛ ۲- وزارت دفاع ملی؛ ۳- وزارت آموزش و پرورش؛ ۴- وزارت علم و فناوری؛ ۵- وزارت صنعت و فناوری اطلاعات؛ ۶- وزارت امنیت عمومی؛ ۷- وزارت امنیت دولتی؛ ۸- وزارت امور مدنی؛ ۹- وزارت دادگستری؛ ۱۰- وزارت دارایی؛ ۱۱- وزارت منابع انسانی و امنیت اجتماعی؛ ۱۲- وزارت منابع طبیعی؛ ۱۳- وزارت محیط زیست اکولوژیک؛ ۱۴- وزارت مسکن و توسعه شهری و روستایی؛ ۱۵- وزارت حمل و نقل؛ ۱۶- وزارت منابع آب؛ ۱۷- وزارت کشاورزی و امور روستایی؛ ۱۸- وزارت بازرگانی؛ ۱۹- وزارت فرهنگ و گردشگری؛ ۲۰- وزارت امور کهنه سربازان؛ ۲۱- وزارت مدیریت اضطراری؛
۵. **وزیران کمیسیون ها:** رهبران کمیسیون هایی که بر حوزه های تخصصی درون دولت نظارت دارند. ۱- کمیسیون ملی توسعه و اصلاحات؛ ۲- کمیسیون امور قومی دولتی؛ ۳- کمیسیون ملی بهداشت؛
۶. **دبیر کل:** نظارت بر دفتر عمومی شورای دولتی و مدیریت عملیات روزمره.
۷. **بازرس کل:** مسئول حسابرسی مالی و عملیات دولت.
۸. **دفتر عمومی شورای دولتی:** ارائه حمایت های اداری و هماهنگی برای فعالیت های شورای دولتی.

دفتر نخست : ساختار حکمرانی چین

نخست‌وزیر: رئیس دولت

نخست‌وزیر چین رئیس دولت و دومین مقام ارشد کشور پس از دبیرکل حزب کمونیست چین است. او مسئول مدیریت روزمره دستگاه اجرایی و هماهنگی سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی و دولتی است. نخست‌وزیر معمولاً از

۹. **دیوان محاسبات ملی:** این نهاد مسئول حسابرسی مالی دولت و تضمین پاسخگویی در داخل اداره دولتی است و به همین دلیل، جزء کلیدی وظایف نظارتی شورای دولتی محسوب می‌شود.

۱۰. **ادارات دولتی:** (مانند اداره دولتی نظارت بر بازار و اداره برنامه‌ریزی ملی)

۱۱. **سازمان‌های نظارتی و بازرسی:** کمیسیون ملی تنظیم مقررات چین به عنوان یک نهاد نظارتی، در چارچوبی که توسط شورای دولتی تعیین شده است، عمل می‌کند تا قوانین و مقررات را در بخش‌های مختلف اجرا کند.

۱۲. **بانک مرکزی چین (PBOC):** بانک مرکزی چین مسئول اجرای سیاست‌های پولی است و به عنوان یکی از نهادهای کلیدی تحت شورای دولتی شناخته می‌شود که به مدیریت اقتصادی ملی کمک می‌کند.

۱۳. **نهادهای محلی و منطقه‌ای:** دولت‌های محلی در سطوح مختلف، از جمله استان‌ها و شهرهای بزرگ، نیز بخشی از ساختار اداری گسترده‌تری هستند که تحت نظارت شورای دولتی قرار دارد و این شورا راهنمایی و هماهنگی برای حکمرانی محلی را فراهم می‌کند. این نهادها زیر نظر **نخست‌وزیر** و شورای دولتی عمل می‌کنند و وظیفه اجرای قوانین و برنامه‌های دولت مرکزی را دارند. در ادامه به شرح نهادهای محلی و منطقه‌ای می‌پردازیم:

سایر نهادهای محلی و منطقه‌ای در چین شامل دولت‌های محلی استان‌ها، مناطق خودمختار، و شهرهای بزرگ هستند که وظیفه اجرای سیاست‌ها و تصمیمات دولت مرکزی را در سطوح مختلف دارند. این نهادها عبارتند از:

۱. دولت‌های استانی:

✓ مسئولیت اجرای سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی، و اداری در سطح استان‌ها.

✓ هر استان در چین یک **دولت محلی** دارد که در راس آن یک **استاندار** قرار دارد.

✓ استان‌ها خود به بخش‌های مختلفی تقسیم می‌شوند که در هر بخش **مقامات اجرایی محلی** حضور دارند.

۲. شهرهای بزرگ و کلان‌شهرها:

✓ شامل **شهرهای تحت فرمان مرکزی** مانند پکن، شانگهای، گوانگژو، که به طور مستقیم زیر نظر دولت مرکزی هستند.

✓ این شهرها **حکومت شهری مستقل** دارند و اغلب به‌طور مشابه به استان‌ها عمل می‌کنند.

۳. مناطق خودمختار:

✓ مناطق خاصی در چین که به اقلیت‌های قومی خاص تعلق دارند، مانند **تبت، اویغور، و قزاقان**.

✓ این مناطق **خودمختاری فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی** دارند، اما همچنان تحت نظارت و کنترل دولت مرکزی هستند.

۴. شهرهای ساحلی ویژه (SEZ):

✓ مانند **شنزن** که به‌طور ویژه دارای قوانین و مقررات اقتصادی متفاوت هستند و بیشتر بر اساس سیاست‌های آزمایشی دولت مرکزی عمل می‌کنند.

۵. شورای محلی مردم:

✓ در هر منطقه، استان یا شهر، **شورای محلی مردم** مسئول نظارت بر اجرای تصمیمات و نظارت بر مقامات اجرایی در سطح محلی است.

این نهادها در تعامل نزدیک با **شورای دولتی** و دولت مرکزی چین هستند و به اجرای سیاست‌ها، جمع‌آوری مالیات، برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و نظارت بر امور داخلی در مناطق مختلف می‌پردازند.

دفتر نخست : ساختار حکمرانی چین

میان اعضای ارشد حزب کمونیست و دفتر سیاسی (پولیتبورو) انتخاب می‌شود و نقش کلیدی در نظارت و اجرای برنامه‌های حکومتی دارد.

وظایف و اختیارات نخست‌وزیر:

۱. مدیریت شورای دولتی: نخست‌وزیر ریاست شورای دولتی چین (دولت مرکزی) را بر عهده دارد که مسئول اجرا و اداره سیاست‌های کشور است. این شورا شامل معاونان نخست‌وزیر، وزراء و رؤسای کمیسیون‌های مختلف دولتی است.
۲. سیاست‌گذاری اقتصادی: به‌عنوان مدیر اجرایی اقتصاد کشور، نخست‌وزیر نقش محوری در تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی، بودجه‌بندی، و اصلاحات مالی دارد.
۳. هماهنگی نهادهای اجرایی: نخست‌وزیر سیاست‌های اجرایی حزب را در دولت به اجرا درآورده و هماهنگی میان وزارتخانه‌ها و کمیسیون‌های مختلف را تضمین می‌کند.
۴. پاسخگویی به مجلس ملی خلق: نخست‌وزیر گزارش‌های سالانه‌ای درباره عملکرد دولت به مجلس ملی خلق ارائه می‌دهد و مسئول پاسخگویی به تصمیمات این نهاد است.

انتخاب و محدودیت‌ها:

- نخست‌وزیر توسط رئیس‌جمهور معرفی و با تأیید مجلس ملی خلق منصوب می‌شود.
- دوره تصدی نخست‌وزیر ۵ سال است و معمولاً به دو دوره محدود می‌شود.^{۱۳}
- رابطه نخست‌وزیر با دبیرکل حزب:
- نخست‌وزیر نقش اجرایی دارد و سیاست‌ها را پیاده‌سازی می‌کند، اما تصمیم‌گیری‌های کلان در دست دبیرکل حزب کمونیست چین است.
- قدرت نخست‌وزیر در مقایسه با دبیرکل محدودتر است و او باید سیاست‌های حزب را به‌طور کامل اجرا کند.
- نخست‌وزیر معمولاً تمرکز بیشتری بر مسائل اقتصادی و توسعه دارد، درحالی‌که دبیرکل حزب بر مسائل کلان سیاسی و استراتژیک نظارت می‌کند.

نمونه‌ای از نقش نخست‌وزیر: لی چیانگ

- ۱۳ - این محدودیت از زمان اصلاحات دنگ شیائوپینگ در دهه ۱۹۸۰ به‌عنوان بخشی از تلاش برای جلوگیری از تمرکز بیش‌ازحد قدرت و ایجاد ثبات سیاسی در چین اجرا شد و دلایل رعایت این محدودیت عبارتند از:
۱. تضمین گردش قدرت: این قانون به رهبران جدید فرصت می‌دهد تا قدرت را به دست گیرند و سیاست‌های تازه‌ای را ارائه کنند.
 ۲. تجربه تاریخی چین: تجربه حکومت مادام‌العمر در دوران مائو تسه تونگ و پیامدهای آن باعث شد حزب کمونیست چین به‌طور جدی به محدودیت‌های زمانی پایبند باشد.
 ۳. توسعه نظام‌مند ساختار رهبری: این محدودیت بخشی از تلاش برای نهادینه کردن رهبری و جلوگیری از حاکمیت فردی است.

دفتر نخست : ساختار حکمرانی چین

نخست‌وزیر فعلی، لی چیانگ (از سال ۲۰۲۳)، به‌عنوان یکی از نزدیک‌ترین متحدان شی جین‌پینگ شناخته می‌شود. او مسئولیت هدایت اقتصاد چین در دوران چالش‌های بین‌المللی و داخلی، مانند کاهش رشد اقتصادی و تعامل با کشورهای خارجی، را بر عهده دارد.

مسئول اداره شورای دولتی (کابینه) و امور اجرایی کشور

نخست‌وزیر چین مسئولیت اصلی اداره شورای دولتی (State Council)، که معادل کابینه در بسیاری از کشورها است، را بر عهده دارد. شورای دولتی بالاترین نهاد اجرایی در ساختار دولتی چین محسوب می‌شود و نقش آن تضمین اجرای سیاست‌های حزب کمونیست و تصمیمات مجلس ملی خلق است. این شورا تحت هدایت نخست‌وزیر، مدیریت امور اجرایی کشور را بر عهده دارد.

شورای دولتی: ساختار و وظایف

شورای دولتی شامل نخست‌وزیر، معاونان نخست‌وزیر، وزراء و رؤسای کمیسیون‌های دولتی است. که در بخش جداگانه‌ای به بررسی و معرفی تمامی این ارکان می‌پردازیم در اینجا بصورت تیتروار به بری رؤس این نهاد و وظایف آن به شرح ذیل می‌پردازیم:

۱. اجرای سیاست‌ها: پیاده‌سازی سیاست‌های تصویب‌شده توسط حزب کمونیست چین و مصوبات مجلس ملی خلق.
۲. اداره امور کشور: نظارت بر عملکرد وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی، مدیریت منابع مالی و تنظیم بودجه ملی.
۳. تصمیم‌گیری در مسائل اجرایی: حل‌وفصل مشکلات اجرایی و هماهنگی میان بخش‌های مختلف دولتی برای تحقق اهداف تعیین‌شده.
۴. نظارت بر اصلاحات اقتصادی و اجتماعی: برنامه‌ریزی و اجرای سیاست‌های اقتصادی، فناوری، و اجتماعی برای توسعه کشور.
۵. تعامل با نهادهای محلی: نظارت بر عملکرد دولت‌های محلی و اطمینان از هماهنگی آن‌ها با سیاست‌های ملی.

نقش نخست‌وزیر در اداره شورای دولتی

۱. رهبری جلسات: نخست‌وزیر ریاست جلسات شورای دولتی را بر عهده دارد، جایی که سیاست‌ها و تصمیمات اجرایی کشور بررسی و هماهنگ می‌شوند.
۲. هماهنگی نهادها: هماهنگی میان وزارتخانه‌ها، کمیسیون‌ها، و سایر بخش‌های اجرایی برای پیشبرد برنامه‌های توسعه و مدیریت بحران‌های احتمالی.

دفتر نخست: ساختار حکمرانی چین

۳. ارائه گزارش به مجلس: نخست‌وزیر مسئول ارائه گزارش سالانه عملکرد شورای دولتی به مجلس ملی خلق است.

۴. اصلاحات و توسعه اقتصادی: نظارت و هدایت اصلاحات اقتصادی، تدوین بودجه و تخصیص منابع، و رسیدگی به مسائل مالی و تجاری کشور.

تمرکز بر امور اجرایی کشور

- نخست‌وزیر بر اجرای تصمیمات کلان سیاسی و اقتصادی نظارت دارد و اطمینان حاصل می‌کند که دستگاه‌های اجرایی وظایف خود را به‌طور مؤثر انجام دهند.
- او همچنین نقشی کلیدی در مدیریت برنامه‌های ملی مانند کاهش فقر، مدرن‌سازی صنعتی، و توسعه فناوری دارد.

رابطه با حزب کمونیست

هرچند نخست‌وزیر مسئولیت اجرایی بالایی دارد، اما باید سیاست‌های حزب کمونیست را رعایت و اجرا کند. نقش او عمدتاً اجرایی و مدیریتی است و تصمیم‌گیری‌های کلان همچنان در دست رهبری حزب، به‌ویژه دبیرکل، متمرکز است.

شورای دولتی: قوه مجریه

شورای دولتی چین (State Council) به‌عنوان قوه مجریه کشور، بالاترین نهاد اجرایی در چین است که وظیفه هدایت و نظارت بر اجرای سیاست‌ها و تصمیمات دولتی را بر عهده دارد. این شورا تحت رهبری نخست‌وزیر، نقش اساسی در مدیریت امور داخلی، اقتصادی، اجتماعی و خارجی کشور ایفا می‌کند و فعالیت‌های اجرایی حزب کمونیست چین را به مرحله عمل می‌رساند.

ساختار شورای دولتی:

شورای دولتی شامل چندین مقام ارشد دولتی است که وظایف مختلف را در سطوح گوناگون اجرایی بر عهده دارند:

۱. **نخست‌وزیر:** رئیس شورای دولتی است و مسئول هدایت کل فعالیت‌های اجرایی کشور است. نخست‌وزیر در واقع مدیر اجرایی اصلی دولت چین به‌شمار می‌رود.

۱۴ - از زمان تأسیس جمهوری خلق چین (PRC) در سال ۱۹۴۹، این کشور ۱۴ نخست‌وزیر را به خود دیده است. نخست‌وزیری به‌عنوان بخشی از دولت جمهوری خلق چین آغاز شد و تا کنون ادامه دارد. اولین نخست‌وزیر، ژو انلای (Zhou Enlai) بود که بلافاصله پس از تأسیس جمهوری خلق چین در ۱ اکتبر ۱۹۴۹ منصوب شد. از آن زمان، هر یک از نخست‌وزیران به مدت پنج سال در این سمت خدمت کرده‌اند و معمولاً می‌توانند یک دوره دیگر نیز تمدید کنند. آخرین نخست‌وزیر، لی کیکیانگ (Li Keqiang) بود که در ۱۱ مارس ۲۰۱۳ به این سمت منصوب شد و در مارس ۲۰۲۳ لی چیانگ (Li Qiang) جانشین او شد. نخست‌وزیران چین به‌طور کلی از اعضای کمیته دائمی politburo حزب کمونیست چین بوده‌اند و نقش کلیدی در مدیریت اقتصاد و سیاست‌های دولتی ایفا می‌کنند. با توجه به تغییرات سیاسی و اقتصادی در چین، این مقامات با چالش‌های متعددی روبرو بوده‌اند که بر روی سیاست‌های داخلی و خارجی کشور تأثیر گذاشته است.

دفتر نخست : ساختار حکمرانی چین

۲. **معاونان نخست‌وزیر:** در کنار نخست‌وزیر، معاونانی وجود دارند که هر یک مسئول بخش‌های خاصی از دولت مانند امور اقتصادی، اجتماعی، امنیت ملی و غیره هستند.^{۱۵}

از زمان تأسیس جمهوری خلق چین در سال ۱۹۴۹، این کشور هشت نخست‌وزیر را به خود دیده است: ژو انلای (Zhou Enlai) از ۱ اکتبر ۱۹۴۹ تا ۸ ژانویه ۱۹۷۶ بعنوان اولین نخست‌وزیر چین خدمت کرد و مجموعاً بیش از ۲۶ سال در مقام خود باقی ماند. پس از او، هوا گوفنگ (Hua Guofeng) از ۴ فوریه ۱۹۷۶ تا ۱۰ سپتامبر ۱۹۸۰ به مدت ۴ سال و ۲۱۹ روز در این مقام بود. ژائو زی یانگ (Zhao Ziyang) از ۱۰ سپتامبر ۱۹۸۰ تا ۲۴ نوامبر ۱۹۸۷ به مدت ۷ سال و ۷۵ روز خدمت کرد. لی پنگ (Li Peng) از ۲۴ نوامبر ۱۹۸۷ تا ۱۷ مارس ۱۹۹۸ به مدت ۱۰ سال و ۱۱۳ روز در این سمت بود. ژو رونگ جی (Zhu Rongji) از ۱۷ مارس ۱۹۹۸ تا ۱۶ مارس ۲۰۰۳ به مدت تقریباً ۵ سال خدمت کرد. ون جیابائو (Wen Jiabao) از ۱۶ مارس ۲۰۰۳ تا ۱۵ مارس ۲۰۱۳ به مدت تقریباً ۱۰ سال در این مقام بود. لی کیکیانگ (Li Keqiang) از ۱۵ مارس ۲۰۱۳ تا ۱۱ مارس ۲۰۲۳ به مدت نزدیک به ۱۰ سال خدمت کرد و در نهایت، لی چیانگ (Li Qiang) از ۱۱ مارس ۲۰۲۳ تاکنون در این مقام فعال است.

۱۵ - نخست‌وزیر چین معمولاً ۴ معاون اصلی دارد که هرکدام مسئولیت حوزه‌های کلیدی دولت مانند اقتصاد، امور اجتماعی، فناوری و کشاورزی را بر عهده دارند. معاونان نخست‌وزیر به‌طور رسمی بخشی از شورای دولتی بوده و تحت نظارت نخست‌وزیر فعالیت می‌کنند. تعداد معاونان نخست‌وزیر:

- به‌طور معمول، نخست‌وزیر چین ۴ معاون دارد که به‌عنوان معاونان اجرایی فعالیت می‌کنند.
- یکی از این معاونان، به‌عنوان معاون اول نخست‌وزیر شناخته می‌شود و در غیاب نخست‌وزیر وظایف وی را بر عهده می‌گیرد.

عناوین و مسئولیت‌های معاونان نخست‌وزیر

۱. معاون اول نخست‌وزیر

- ✓ مسئول هماهنگی کلیه امور اجرایی و نظارت بر عملکرد معاونان دیگر.
- ✓ حوزه‌های مهم مانند امور اقتصادی کلان و برنامه‌ریزی‌های دولتی را مدیریت می‌کند.

۲. معاون نخست‌وزیر مسئول امور اقتصادی و مالی

- ✓ نظارت بر سیاست‌های مالی، پولی و برنامه‌ریزی‌های توسعه اقتصادی.
- ✓ مدیریت بانک‌های دولتی و سرمایه‌گذاری‌های کلان.

۳. معاون نخست‌وزیر مسئول امور اجتماعی و آموزشی

- ✓ تمرکز بر آموزش، بهداشت عمومی، رفاه اجتماعی و مسائل فرهنگی.
- ✓ مدیریت برنامه‌های مرتبط با توسعه انسانی و اجتماعی کشور.

۴. معاون نخست‌وزیر مسئول امور صنعتی و فناوری

- ✓ مسئول نظارت بر بخش‌های صنعتی، فناوری، و زیرساخت‌های کلیدی.
- ✓ توسعه فناوری‌های نوین و صنایع پیشرفته را پیگیری می‌کند.

۵. معاون نخست‌وزیر مسئول کشاورزی و توسعه روستایی

- ✓ تمرکز بر کشاورزی، توسعه روستاها و امنیت غذایی کشور.
- ✓ نظارت بر سیاست‌های حمایتی و پروژه‌های کشاورزی.

معاونان نخست‌وزیر چین در ساختار دولت و شورای دولتی بر تعدادی از وزارتخانه‌ها و وزرا نظارت و ریاست دارند. هر معاون نخست‌وزیر مسئولیت هماهنگی و نظارت بر عملکرد بخش‌ها و وزارتخانه‌های خاص در حوزه وظایف خود را بر عهده دارد.

رابطه معاونان نخست‌وزیر با وزرای دولت

۱. نقش نظارتی و مدیریتی:

- ✓ معاونان نخست‌وزیر به‌عنوان مقام‌های ارشد اجرایی، مسئول راهبری، هماهنگی و نظارت بر وزارتخانه‌های مرتبط هستند.

دفتر نخست : ساختار حکمرانی چین

✓ این نظارت شامل تعیین سیاست‌ها، بررسی عملکرد وزارتخانه‌ها و هماهنگی میان آنها است.

۲. ارتباط مستقیم با وزرا:

✓ وزرا به‌طور مستقیم به معاونان نخست‌وزیر گزارش می‌دهند.

✓ معاونان نخست‌وزیر با همکاری وزرا، سیاست‌های کلان اجرایی دولت را تدوین و اجرا می‌کنند.

تقسیم‌بندی معاونان نخست‌وزیر و حوزه نظارت بر وزارتخانه‌ها

۱. معاون اول نخست‌وزیر

✓ نظارت کلی بر عملکرد دولت و هماهنگی میان معاونان دیگر.

✓ معمولاً بر وزارتخانه‌های کلیدی مانند :

- وزارت دارایی
- کمیسیون توسعه و اصلاحات ملی (NDRC)
- بانک مرکزی چین (PBOC)

۲. معاون نخست‌وزیر مسئول امور اقتصادی و مالی

✓ نظارت بر وزارتخانه‌ها و نهادهای مرتبط با امور اقتصادی :

- وزارت تجارت
- وزارت صنعت و فناوری اطلاعات
- وزارت امور مالی
- کمیسیون تنظیم مقررات بانکی و اوراق بهادار چین

۳. معاون نخست‌وزیر مسئول امور اجتماعی و آموزشی

✓ نظارت بر وزارتخانه‌های مرتبط با رفاه اجتماعی و توسعه انسانی :

- وزارت آموزش
- وزارت بهداشت و درمان
- وزارت فرهنگ و گردشگری
- وزارت امور مدنی

۴. معاون نخست‌وزیر مسئول امور صنعتی و فناوری

✓ مسئول توسعه صنعتی و فناوری و نظارت بر :

- وزارت علوم و فناوری
- وزارت حمل‌ونقل
- وزارت منابع طبیعی
- وزارت صنعت و فناوری اطلاعات

۵. معاون نخست‌وزیر مسئول کشاورزی و توسعه روستایی

✓ نظارت بر وزارتخانه‌ها و بخش‌های مرتبط با کشاورزی و توسعه روستایی :

- وزارت کشاورزی و امور روستایی
- وزارت منابع آب
- نهادهای مرتبط با امنیت غذایی و توسعه پایدار روستایی

دفتر نخست : ساختار حکمرانی چین

۳. **وزرا:** شورای دولتی از وزرا و رؤسای کمیسیون‌های مختلف دولتی تشکیل می‌شود که هر کدام مسئول اجرای بخش‌های خاصی از سیاست‌ها و برنامه‌ها هستند، مانند وزارتخانه‌های اقتصاد، خارجه، آموزش، بهداشت، و غیره.

▪ **نکته:** با توجه به اینکه پرداختن به قوه مجریه و وزارتخانه‌های زیر مجموعه خود نیازمند کتابی جدید است به ناچار در **دو مجلد** جداگانه دیگر یکی تحت عنوان حکمرانی اداری با تمرکز بر نهادها و دستگاه‌های درگیر در امر اقتصاد و تجارت به وزارتخانه‌های ۱. تجارت ۲. صنعت و فناوری اطلاعات و ۳. وزارت امور مالی و همچنین نهادهای درگیر تجارت همچون گمرک، مناطق ویژه اقتصادی و ... به تفکیک پرداخته شده است و در **مجلد دوم** به سیاست‌های حکمرانی دولت چین در جهت حمایت از صادرکنندگان در بخش‌های مختلف پرداخته شده است.

۴. **کمیسیون‌ها و آژانس‌های دولتی:** شورای دولتی شامل کمیسیون‌های مختلفی مانند کمیسیون توسعه و اصلاحات ملی و کمیسیون نظارت بر دولت است که نقش کلیدی در سیاست‌گذاری و نظارت بر بخش‌های مختلف کشور دارند.

وظایف و مسئولیت‌ها:

۱. **اجرای سیاست‌ها:** شورای دولتی مسئول اجرای دستور کارهایی است که توسط حزب کمونیست چین و مجمع ملی نمایندگان خلق تصویب می‌شود. این نهاد مسئول پیاده‌سازی سیاست‌های کلان اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی است.

۲. **مدیریت اقتصاد:** شورای دولتی در تدوین و اجرای سیاست‌های اقتصادی، بودجه‌ریزی، تخصیص منابع مالی، و نظارت بر نهادهای اقتصادی کشور نقش کلیدی دارد. نخست‌وزیر و معاونانش مسئولیت‌های اجرایی برای رشد اقتصادی، توسعه زیرساخت‌ها، و مدیریت بحران‌های اقتصادی دارند.

۳. **تصویب بودجه:** شورای دولتی پیشنهاد بودجه سالانه کشور را به **مجمع ملی نمایندگان خلق** ارائه می‌دهد و پس از تأیید، نظارت بر هزینه‌ها و درآمدهای دولت را انجام می‌دهد.

۴. **نظارت و اصلاحات دولتی:** این شورا همچنین مسئول نظارت بر عملکرد دستگاه‌های دولتی و اطمینان از کارایی و شفافیت در آن‌ها است. به علاوه، مسئول پیاده‌سازی اصلاحات دولتی و مقابله با فساد است.

۵. **رهبری در بحران‌ها:** در شرایط بحرانی مانند بلایای طبیعی یا بحران‌های اقتصادی، شورای دولتی به سرعت تصمیمات اجرایی را اتخاذ کرده و منابع لازم را برای مدیریت بحران‌ها فراهم می‌کند.

هر یک از معاونان نخست‌وزیر در چین به‌طور مستقیم و مشخص بر چندین وزارتخانه و نهاد دولتی در حوزه کاری خود نظارت و ریاست دارند. این ساختار به نخست‌وزیر اجازه می‌دهد تا از طریق معاونان خود عملکرد بخش‌های مختلف دولت را مدیریت کرده و سیاست‌های اجرایی را هماهنگ کند.

دفتر نخست : ساختار حکمرانی چین

نقش نخست‌وزیر در شورای دولتی:

نخست‌وزیر، به‌عنوان رئیس شورای دولتی، هدایت جلسات و هماهنگی‌های اجرایی را بر عهده دارد. او به‌طور منظم با اعضای شورای دولتی و وزرا برای بررسی و پیشبرد سیاست‌ها و برنامه‌ها مشورت می‌کند. نخست‌وزیر همچنین مسئول ارائه گزارش‌های سالانه به مجمع ملی نمایندگان خلق در خصوص وضعیت کشور، برنامه‌های اقتصادی و اجرای سیاست‌ها است.

ارتباط با حزب کمونیست:

اگرچه شورای دولتی از نظر قانونی یک نهاد اجرایی مستقل است، ولی در عمل تمام تصمیمات کلیدی کشور تحت نظارت و هدایت حزب کمونیست چین قرار دارد. نخست‌وزیر و دیگر اعضای شورای دولتی باید سیاست‌های حزب را پیاده‌سازی کنند و در بسیاری از موارد، پیش از اجرای تصمیمات اجرایی باید موافقت رهبری حزب را جلب کنند. این امر نشان‌دهنده تمرکز قدرت در دست حزب و رهبری آن است.

ویژگی‌های شورای دولتی:

۱. انعطاف‌پذیری و پاسخگویی: شورای دولتی در شرایط خاص قادر به اتخاذ تصمیمات سریع و مؤثر برای مدیریت امور کشور است.
 ۲. تمرکز بر توسعه: شورای دولتی تمرکز زیادی بر پروژه‌های توسعه اقتصادی، ایجاد فرصت‌های شغلی، و رشد فناوری دارد.
 ۳. نظارت و کنترل: این شورا مسئول نظارت بر فعالیت‌های دولت، تضمین اجرای قوانین و سیاست‌ها، و ارزیابی کارایی بخش‌های مختلف دولتی است.
- شورای دولتی چین به‌عنوان قوه مجریه کشور، یکی از ارکان اصلی نظام سیاسی چین است که به‌عنوان بازوی اجرایی حزب کمونیست عمل می‌کند. این نهاد با نظارت بر دولت، اجرای سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی، و مدیریت بحران‌ها، نقش مهمی در حفظ ثبات سیاسی و رشد اقتصادی کشور دارد.

قوه مقننه: مجمع ملی نمایندگان خلق (NPC)، مجلس قانون‌گذاری

مجمع ملی نمایندگان خلق چین (NPC) بالاترین نهاد قانون‌گذاری و یکی از ارکان اصلی حکومت در چین است. این مجمع که تحت نظارت و کنترل حزب کمونیست چین عمل می‌کند، وظایف قانون‌گذاری، نظارت بر دولت، تصویب بودجه، و تصمیم‌گیری درباره موضوعات کلان کشور را بر عهده دارد.

ساختار مجمع ملی نمایندگان خلق:

۱. ترکیب نمایندگان:

دفتر نخست : ساختار حکمرانی چین

- ✓ NPC شامل حدود ۳۰۰۰ نماینده است که از میان اعضای حزب کمونیست، نمایندگان محلی، نخبگان نظامی، و گروه‌های اقلیت قومی انتخاب می‌شوند.
- ✓ این نمایندگان از استان‌ها، مناطق خودمختار، شهرهای بزرگ، و نیروهای مسلح چین برگزیده می‌شوند.
- ۲. رئیس NPC: رئیس NPC مسئول هدایت جلسات و نظارت بر عملکرد این نهاد است و نقش اجرایی در هماهنگی فعالیت‌های قانون‌گذاری ایفا می‌کند.
- ۳. کمیته دائمی NPC:
 - ✓ این کمیته از نمایندگان ارشد تشکیل شده و در فواصل زمانی بین جلسات سالانه، وظایف NPC را انجام می‌دهد.
 - ✓ کمیته دائمی اختیارات گسترده‌ای در تصویب قوانین و نظارت بر دولت دارد.
- وظایف و اختیارات NPC:
 - ۱. تصویب قوانین:
 - ✓ NPC مسئول تصویب قوانین اساسی و عمومی کشور است، از جمله قوانین اقتصادی، اجتماعی، و قضایی.
 - ✓ هرگونه تغییر یا اصلاح در قانون اساسی چین باید توسط NPC تصویب شود.
 - ۲. انتخاب و انتصاب مقامات:
 - ✓ NPC مقاماتی مانند رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر، و اعضای شورای دولتی را انتخاب و تأیید می‌کند.
 - ✓ انتصاب رئیس کمیسیون نظامی مرکزی و قضات عالی کشور نیز از وظایف NPC است.
 - ۳. تصویب بودجه و برنامه‌های توسعه: NPC مسئول بررسی و تصویب بودجه ملی و برنامه‌های کلان اقتصادی و اجتماعی است.

۱۶ - ترکیب کلی به تفکیک گروه‌ها

به‌طور معمول ترکیب مجلس ملی خلق چین به شکل زیر است:

۱. حزب کمونیست چین (CPC): حدود ۷۵-۷۰ درصد نمایندگان.
 ۲. نظامیان (PLA): حدود ۱۰-۸ درصد نمایندگان.
 ۳. اقلیت‌های قومی: حدود ۱۲-۱۰ درصد نمایندگان.
- چین به عنوان یک کشور کثیرالمله، دارای ۵۶ قومیت مختلف است که از این میان، ۵۵ قومیت به عنوان اقلیت‌های قومی شناخته می‌شوند. این اقلیت‌ها تنها حدود ۸ درصد از جمعیت کل چین را تشکیل می‌دهند، در حالی که قوم هان با بیش از ۹۱ درصد جمعیت، اکثریت را در این کشور دارند در این میان اقلیت مسلمان هستند که شامل **هوئی، ایغور، قزاق، تاتار، ازبک، سالا، دونگ شیانگ، بائوان قرقیز و تاجیک** هستند. البته آمارهای رسمی در مورد جمعیت مسلمانان چین را ۲۳ میلیون نفر اعلام نموده است که آمار غیر رسمی این تعداد ۶۵ تا ۱۰۰ میلیون می‌دانند.
۴. نمایندگان نهادهای اجتماعی و کارگری: حدود ۵ درصد نمایندگان.
 ۵. نخبگان علمی، فرهنگی و بخش خصوصی: حدود ۵-۳ درصد نمایندگان.
 ۶. نمایندگان مستقل: تعداد بسیار اندک، کمتر از ۲ درصد.

دفتر نخست : ساختار حکمرانی چین

۴. **نظارت بر دولت:** NPC و کمیته دائمی آن بر اجرای سیاست‌ها و قوانین توسط دولت، دستگاه قضایی، و نیروهای نظامی نظارت دارند.

ویژگی‌های NPC:

۱. **جلسات سالانه:**

- ✓ NPC سالانه یک جلسه عمومی برگزار می‌کند که معمولاً در ماه مارس است و مسائل مهم کشور در این جلسه بررسی و تصمیم‌گیری می‌شود.
- ✓ این جلسات فرصتی برای اعلام سیاست‌های کلان کشور و ارائه گزارش‌های دولت است.
- ۲. **نقش نمادین و عملی:** NPC از نظر قانونی یک نهاد مستقل قانون‌گذاری است، اما در عمل تحت نفوذ حزب کمونیست فعالیت می‌کند و بیشتر نقش تأییدکننده تصمیمات رهبری حزب را دارد.
- ۳. **نمایندگی اقشار مختلف:** در NPC تلاش شده تا نمایندگانی از گروه‌های مختلف اجتماعی، اقلیت‌های قومی، و مناطق مختلف کشور حضور داشته باشند.

تفاوت با مجالس قانون‌گذاری در دیگر کشورها:

- برخلاف مجالس قانون‌گذاری در نظام‌های دموکراتیک، NPC از نظر سیاسی تحت نظارت و کنترل حزب کمونیست چین قرار دارد.
- تصمیمات مهم در واقع توسط رهبری حزب گرفته می‌شود و NPC آن‌ها را به‌طور رسمی تصویب و قانونی می‌کند.

قوه قضاییه

سیستم قضایی چین به عنوان یک ساختار یکپارچه و سلسله‌مراتبی شامل چندین نهاد کلیدی است. دیوان عالی خلق، بالاترین نهاد قضایی کشور، مسئولیت نظارت بر سایر دادگاه‌ها و رسیدگی به پرونده‌های مهم را بر عهده دارد. این دیوان به کنگره ملی خلق پاسخگو است و وظایف آن شامل رسیدگی به پرونده‌های استینافی و نظارت بر قضات است. در کنار دیوان عالی، دادستانی خلق به عنوان نهاد نظارتی بر اجرای قانون عمل می‌کند و مسئولیت پیگرد قضایی پرونده‌های مهم را دارد. سیستم دادگاهی چین شامل دادگاه‌های بدوی، میانی و عالی است که هر کدام وظایف خاص خود را دارند. همچنین، با توجه به تأثیر حزب کمونیست چین بر نهادهای قضایی، استقلال واقعی قضات محدود است و تصمیمات آنها تحت تأثیر سیاست‌های حزبی قرار دارد. در سال‌های اخیر، چین به سمت استفاده از فناوری‌های هوش مصنوعی در سیستم قضایی حرکت کرده است تا کارایی و دسترسی به خدمات قضایی را افزایش دهد، هرچند که قضاوت نهایی همچنان بر عهده قضات خواهد بود.

ساختار قضایی چین

۱. **سیستم دادگاهی**

دفتر نخست : ساختار حکمرانی چین

دیوان عالی خلق چین^{۱۷}(SPC): بالاترین دادگاه، مسئول تجدیدنظر نهایی و نظارت بر اجرای عدالت. دادگاه‌های عالی مردم: دادگاه‌های استانی که به تجدیدنظر از احکام و نظارت بر مدیریت قضایی می‌پردازند. دادگاه‌های میان‌مرتب مردم:^{۱۸} رسیدگی به پرونده‌های جدی جنایی و مدنی در سطح شهرستان‌ها. دادگاه‌های بدوی مردم: پایین‌ترین سطح دادگاه‌ها که به پرونده‌های محلی و جزئی رسیدگی می‌کنند. دادگاه‌های تخصصی: شامل دادگاه‌های نظامی، دریایی و مالکیت معنوی.

۲. سیستم دادستانی مردمی

دادستانی مردمی: نهاد مدعی العموم که مسئول پیگرد قضایی و نظارت بر اجرای قانون است. دادستانی عالی مردم: بالاترین نهاد مدعی العموم که بر دادستانی‌های محلی نظارت می‌کند.

۳. سیستم امنیت عمومی

نهاد‌های امنیت عمومی: مسئول حفظ نظم و قانون، انجام تحقیقات و همکاری با سیستم قضایی.

۴. استقلال قضایی

سیستم قضایی به طور رسمی مستقل است، اما تحت تأثیر حزب کمونیست چین قرار دارد. قضات ملزم به هم‌راستایی با سیاست‌های حزبی هستند که ممکن است استقلال واقعی را محدود کند.

ویژگی‌های سیستم قضائی چین:

۱. کنترل حزب کمونیست:

✓ برخلاف سیستم‌های قضائی مستقل در بسیاری از کشورهای غربی، در چین قضات به‌طور مستقیم تحت نظارت حزب کمونیست چین هستند. مقامات قضائی و دادگاه‌ها باید مطابق با دستورالعمل‌ها و سیاست‌های حزب عمل کنند و تصمیمات قضائی به‌طور غیررسمی و در موارد خاص می‌تواند توسط حزب تأثیر بپذیرد.

✓ مقامات قضائی، به‌ویژه در سطوح بالاتر، معمولاً از اعضای حزب کمونیست چین هستند و ممکن است به‌طور مستقیم با رهبری حزب ارتباط داشته باشند.

۲. نقش دادگاه‌ها در حفظ نظم اجتماعی:

✓ سیستم قضائی چین به‌طور عمده برای حفظ نظم اجتماعی و حمایت از ایدئولوژی حزب کمونیست طراحی شده است. به همین دلیل، مواردی که تهدیدی برای استحکام حکومت حزب یا نظم اجتماعی محسوب شوند، به شدت تحت پیگرد قرار می‌گیرند.

^{۱۷}Supreme People's Court – SPC- website: <http://www.court.gov.cn>

۱۸ - دادگاه‌های مردمی میانی چین (China's Intermediate People's Courts): این دادگاه‌ها به پرونده‌های مهم مدنی و کیفری رسیدگی می‌کنند و همچنین تجدید نظر از دادگاه‌های ابتدایی را انجام می‌دهند. نقش آن‌ها در سیستم قضائی کلی بسیار حیاتی است زیرا اطمینان حاصل می‌کنند که اختلافات قانونی پیچیده در سطحی مناسب حل و فصل شوند.

دفتر نخست : ساختار حکمرانی چین

✓ قضات تحت فشار برای رسیدگی به پرونده‌هایی هستند که ممکن است با منافع حزب یا ثبات حکومت مغایرت داشته باشد.

۳. قوانین و مقررات چین:

✓ قوانین چین به‌طور عمده بر اساس سیستم حقوقی مدنی و سوسیالیستی^۹ هستند. این سیستم قوانین را در چارچوبی که از ایدئولوژی مارکسیستی و ارزش‌های سوسیالیستی حمایت می‌کند، تدوین کرده است.

✓ بسیاری از قوانین و تصمیمات قضائی به‌طور مستقیم تحت تأثیر سیاست‌های حزب کمونیست و دستورالعمل‌های رهبری حزب قرار دارند.

۴. آیین دادرسی:

در پاورقی بصورت تیتروار به مراحل رسیدگی به پرونده های تجاری نگاهی انداخته ایم.

۵. مجازات‌ها و زندان:

✓ در سیستم قضائی چین مجازات‌های شدیدی وجود دارد که ممکن است شامل اعدام، حبس طولانی‌مدت، و حتی اعمال مجازات‌های جمعی بر روی خانواده‌ها و گروه‌های خاص باشد.

۱۹ - ویژگی‌های سیستم حقوقی چین (حقوقی مدنی و سوسیالیستی)

۱. ترکیب نظام حقوقی مدنی و اصول سوسیالیستی:

✓ مبتنی بر قوانین مدون (Codified Laws).

✓ تأکید بر نقش حاکمیت حزب کمونیست در تدوین و اجرای قوانین.

۲. اولویت قانونگذاری بر رویه قضایی:

✓ قوانین مدون منبع اصلی حقوق هستند.

✓ آراء قضایی معمولاً به‌عنوان منبع حقوقی شناخته نمی‌شوند.

۳. تمرکزگرایی:

✓ قدرت قضایی به‌شدت متمرکز و تحت نظارت حزب کمونیست است.

✓ دادگاه‌ها و نهادهای حقوقی تابع سیاست‌ها و راهبردهای حزب هستند.

۴. نقش محدود تفاسیر قضایی: قضات نقش محدودی در تفسیر قوانین دارند و عمدتاً به اجرای دقیق قوانین می‌پردازند.

۵. نظام حقوقی حمایتی از اقتصاد سوسیالیستی:

✓ قوانین برای حمایت از مالکیت عمومی و سیاست‌های توسعه اقتصادی طراحی شده‌اند.

✓ ترکیب قوانین مدنی و مقررات اقتصادی برای تقویت سرمایه‌گذاری دولتی و خصوصی.

۶. ساختار سلسله‌مراتبی قضایی:

✓ وجود چهار سطح دادگاه (ابتدایی، میانی، عالی و دیوان عالی خلق).

✓ هر سطح صلاحیت خاصی برای رسیدگی به پرونده‌ها دارد.

۷. تأکید بر اخلاق و نظم عمومی: قوانین چین اغلب بر پایه ارزش‌های اخلاقی و منافع عمومی تدوین می‌شوند.

۸. نقش نهادهای شبه‌قضایی: نهادهایی مانند کمیسیون دآوری و میانجی‌گری نقش فعالی در حل‌وفصل اختلافات دارند.

۹. تطبیق‌پذیری با تغییرات اقتصادی: قوانین چین به‌طور مداوم برای تطبیق با اقتصاد مدرن اصلاح و به‌روزرسانی می‌شوند.

۱۰. رویکرد آموزش و پرورش قانونی: ترویج آگاهی عمومی از قوانین به‌عنوان بخشی از توسعه حقوقی.

دفتر نخست : ساختار حکمرانی چین

✓ این سیستم مجازات‌ها بیشتر برای حفظ نظم اجتماعی و جلوگیری از هرگونه تهدید علیه حکومت استفاده می‌شود.

نقش دادگاه‌ها در اصلاحات و تغییرات اجتماعی:

در دهه‌های اخیر، چین برخی از اصلاحات در سیستم قضائی خود انجام داده است، به‌ویژه در زمینه تقویت شفافیت و ارتقاء کارآیی قضات در رسیدگی به پرونده‌های تجاری و اقتصادی. اما همچنان، سیستم قضائی چین تحت تأثیر نگرش‌های ایدئولوژیک حزب کمونیست قرار دارد و بسیاری از پرونده‌ها همچنان در چارچوب تصمیمات سیاسی حزب بررسی می‌شود.

دادگاه‌های مردمی و دستگاه قضائی چین به‌عنوان یک ابزار برای اجرای قوانین کشور و حفظ نظم اجتماعی عمل می‌کنند. این سیستم قضائی، برخلاف بسیاری از سیستم‌های دموکراتیک، به‌طور عمده تحت نظارت حزب کمونیست چین قرار دارد و در بسیاری از موارد، به‌ویژه در مسائل سیاسی و اجتماعی حساس، استقلال قضائی محدود است.

دادگاه عالی خلق: بالاترین مرجع قضایی

دیوان عالی خلق چین SPC بالاترین مرجع قضائی در جمهوری خلق چین است و به‌عنوان نهاد عالی قضائی مسئول نظارت بر تمامی دادگاه‌ها و فرآیندهای قضائی در کشور می‌باشد. این دادگاه نه تنها به‌عنوان عالی‌ترین نهاد قضائی عمل می‌کند، بلکه در تفسیر و اجرای قوانین، سیاست‌های قضائی و نظارت بر عملکرد دستگاه قضائی نقش کلیدی ایفا می‌کند.

وظایف و مسئولیت‌ها:

۱. **نظارت بر قضات و دادگاه‌ها:** دیوان عالی خلق مسئول نظارت بر عملکرد دادگاه‌های محلی، دادگاه‌های میان‌منطقه‌ای، و دیگر دادگاه‌های پایین‌تر در چین است. این نظارت شامل اطمینان از تطابق روند دادرسی با قوانین و مقررات کشوری و نظارت بر اعمال درست و دقیق قوانین در سطح محلی می‌شود.
۲. **تأسیس و تفسیر قوانین:** دیوان عالی خلق چین نقش مهمی در تفسیر قوانین و مقررات کشور دارد. این دادگاه می‌تواند در صورت لزوم، توضیحات رسمی در خصوص نحوه اجرای قوانین صادر کند، به‌ویژه در مواردی که قوانین مبهم یا نیازمند تفسیر دقیق‌تر باشند. این تفسیرات به‌طور گسترده‌ای به سایر دادگاه‌ها و مقامات قضائی در چین ابلاغ می‌شود.
۳. **رسیدگی به پرونده‌های ویژه:** دیوان عالی خلق مسئول رسیدگی به برخی از پرونده‌های خاص است که اهمیت ملی دارند یا در سطح بسیار بالای قضائی قرار دارند. این پرونده‌ها معمولاً شامل موارد پیچیده حقوقی، اختلافات بین دولت و مردم، پرونده‌های بزرگ اقتصادی و تجاری و مسائل امنیت ملی می‌شوند.
۴. **تصدیق احکام نهایی:**

دفتر نخست : ساختار حکمرانی چین

این دادگاه می‌تواند در صورت درخواست تجدیدنظر، حکم نهایی را در پرونده‌هایی که به آن ارجاع داده می‌شود، صادر کند. دیوان عالی خلقد در این موارد می‌تواند تصمیمات دادگاه‌های پایین‌تر را اصلاح یا تایید نماید.

۵. حمایت از قوانین و اصول حزب:

دیوان عالی خلق چین وظیفه دارد که قوانین و احکام قضائی را در راستای ایدئولوژی و اصول حزب کمونیست چین پیاده‌سازی کند. تمامی تصمیمات قضائی و روند دادرسی باید مطابق با سیاست‌های حزب کمونیست و برنامه‌های کلان دولت باشد.

ساختار دادگاه عالی خلق:

دیوان عالی خلق دارای یک رئیس و تعدادی از قضات ارشد است که به بررسی و تصمیم‌گیری در پرونده‌ها می‌پردازند. رئیس دیوان عالی خلق معمولاً از مقامات ارشد حزب کمونیست چین است و ممکن است در موارد مهم سیاسی و اجتماعی دخالت داشته باشد. ساختار دیوان عالی خلق به شرح زیر است:

- **رئیس دادگاه عالی خلق:** بالاترین مقام قضائی کشور و مسئول هدایت کلی فعالیت‌های قضائی در سطح کشور است.
- **هیئت قضائی:** گروهی از قضات ارشد که به مسائل مهم و پیچیده رسیدگی می‌کنند و در تصمیم‌گیری‌های نهایی نقش دارند.
- **مجموعه‌ای از کمیته‌ها و دفاتر:** این دفاتر مسئول نظارت و پیگیری موارد مختلف قضائی و تأسیس سیاست‌های عملیاتی هستند.

نقش دیوان عالی خلق در سیستم قضائی چین:

- **تفسیر قوانین:** این دادگاه می‌تواند در مواردی که قانون جدید وضع شده یا در موارد پیچیده و خاص، تفسیراتی در خصوص چگونگی اجرای آن صادر کند.
- **رهبری سیستم قضائی:** دیوان عالی خلق به‌عنوان مرجع نظارتی بر دادگاه‌ها عمل کرده و اطمینان می‌یابد که دادرسی‌ها در تمامی سطوح دادگاهی به‌طور صحیح انجام می‌شود.
- **حفظ قوانین و مقررات:** دیوان عالی خلق به‌عنوان نهاد عالی قضائی، مسئولیت دارد تا قوانین کشور را از هرگونه تخلف یا انحراف اجرایی حفاظت کند.

نقش دیوان عالی خلق چین در سیاست‌های دولتی:

دیوان عالی خلق چین همچنان در چارچوب سیاست‌های حزب کمونیست چین عمل می‌کند و تصمیمات قضائی باید با خط مشی حزب هم‌خوانی داشته باشد. این نهاد به‌طور کلی از نظر عملی در جهت حمایت از امنیت سیاسی،

دفتر نخست : ساختار حکمرانی چین

اجتماعی و اقتصادی کشور است و بسیاری از تصمیمات قضائی در چارچوب حفظ ثبات حکومت و سیاست‌های حزب کمونیست چین قرار دارند.

رابطه با سایر نهادها:

- **مجلس ملی نمایندگان خلق:** دیوان عالی خلق با مجلس ملی نمایندگان خلق (NPC) در زمینه تصویب و اصلاح قوانین همکاری دارد. اگرچه قوه مقننه مسئول تصویب قوانین است، اما دیوان عالی خلق نقش مهمی در تفسیر و اجرای آن‌ها دارد.

- **کمیسیون‌های دولتی:** این دیوان همچنین با کمیسیون‌های دولتی نظیر کمیسیون نظارت همکاری می‌کند تا اطمینان حاصل شود که قوانین کشور به‌طور مؤثر و مطابق با اصول حزب اجرا می‌شود.

نظارت بر اجرای عدالت:

دیوان عالی خلق چین بر تمام سطوح دادگاه‌های محلی و استانی نظارت دارد و می‌تواند از مواردی که به‌طور خاص در نظر گرفته شده‌اند، از جمله پرونده‌های بزرگ و پیچیده اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، بازدید و رسیدگی کند. این نظارت به‌طور مؤثری به کنترل عملکرد سیستم قضائی چین کمک می‌کند.

مقایسه SPC چین با دیوان عالی کشور ایران

دیوان عالی خلق چین (Supreme People's Court - SPC) با دیوان عالی کشور ایران تا حدودی متناظر است، اما تفاوت‌هایی در نقش و عملکرد هر دو نهاد وجود دارد. در اینجا شباهت‌ها و تفاوت‌های کلیدی میان این دو ساختار قضایی شرح داده می‌شود:

شباهت‌ها:

۱. مقام عالی قضایی:

- ✓ هر دو نهاد در رأس نظام قضایی کشور خود قرار دارند.
- ✓ نظارت بر عملکرد دادگاه‌های پایین‌تر از جمله وظایف اصلی آن‌ها است.

۲. صلاحیت‌ها:

- ✓ رسیدگی به دعاوی مهم ملی یا پرونده‌های خاص که نیاز به تجدیدنظر در بالاترین سطح دارند.
- ✓ تفسیر قوانین و صدور آرای وحدت رویه برای هماهنگ‌سازی عملکرد قضایی.

۳. **نظارت بر اجرای عدالت:** دیوان عالی کشور در ایران و SPC در چین، وظیفه نظارت بر نحوه اجرای عدالت در کل کشور را بر عهده دارند.

تفاوت‌ها: ساختار سیاسی، منابع حقوقی (قوانین مدون یا فقه اسلامی)، و استقلال نهادی در این دو سیستم، تفاوت‌های قابل توجهی را ایجاد می‌کند.

دفتر نخست : ساختار حکمرانی چین

ویژگی	دیوان عالی خلق چین (SPC)	دیوان عالی کشور ایران
ارتباط با سیاست	تحت نظارت حزب کمونیست چین و تابع سیاست‌های کلان حزب	مستقل از سیاست‌های اجرایی، اما تابع قوانین اسلامی و نظارت رهبری
ساختار داخلی	شامل بخش‌های تخصصی (مدنی، کیفری، تجاری و غیره)	شامل شعب کیفری و حقوقی با تمرکز بر نظارت و بررسی احکام
تفسیر قوانین	حق تفسیر قوانین را دارد، اما عمدتاً نقش اجرایی و نظارتی دارد	دیوان عالی کشور در ایران، مسئول آرای وحدت رویه و تفسیر قانونی است.
رسیدگی به پرونده‌ها	مستقیماً به پرونده‌های مهم رسیدگی می‌کند.	عمدتاً پرونده‌ها را برای رسیدگی دوباره یا نظارت بررسی می‌کند.
وابستگی به ایدئولوژی	سیستم حقوقی سوسیالیستی و قوانین مدون چین	مبتنی بر فقه اسلامی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

دیوان عالی خلق چین به‌عنوان بالاترین مرجع قضائی در این کشور، نقش بسیار مهمی در سیستم قضائی چین دارد. این دادگاه مسئول نظارت بر عملکرد تمام دادگاه‌ها و مقامات قضائی در سراسر کشور است و در تفسیر قوانین و سیاست‌های قضائی کشور دخالت دارد. با توجه به وابستگی سیستم قضائی چین به حزب کمونیست، تصمیمات قضائی معمولاً تحت تأثیر سیاست‌های حزب بوده و به‌طور مستقیم از سوی رهبری حزب هدایت می‌شود.

ساختار دادگاه‌های مردمی چین:

دادگاه‌های مردمی در چین به‌عنوان دستگاه قضائی اصلی این کشور عمل می‌کنند و به‌طور کلی به چهار سطح تقسیم می‌شوند:

۱. دادگاه‌های بدوی مردمی:

این دادگاه‌ها در سطح شهرستان‌ها و شهرها قرار دارند و عمدتاً به موارد قضائی محلی و مسائل مربوط به حقوق شخصی، جزائی و مدنی رسیدگی می‌کنند. این دادگاه‌ها در سیستم قضائی چین نقش اساسی دارند و بزرگترین تعداد پرونده‌ها در این دادگاه‌ها بررسی می‌شود.

۲. دادگاه‌های میان منطقه‌ای (میانی):^{۲۰}

دادگاه‌های میان منطقه‌ای یا دادگاه‌های سطح استان‌ها برای بررسی پرونده‌های پیچیده‌تر و اختلافات بین مناطق مختلف و همچنین دعاوی اقتصادی و تجاری در سطح ملی یا بین‌المللی ایجاد شده‌اند. این دادگاه‌ها صلاحیت رسیدگی به برخی پرونده‌های خاص را دارند.

۳. دادگاه عالی مردمی:^{۲۱}

^{۲۰}Primary People's Courts

^{۲۱}Intermediate People's Courts

^{۲۲}High People's Courts

دفتر نخست : ساختار حکمرانی چین

دادگاه عالی مردمی چین بالاترین نهاد قضائی کشور است که بر تمامی دادگاه‌های دیگر نظارت دارد. این دادگاه می‌تواند در موارد خاص نظارت و رسیدگی به پرونده‌ها را انجام دهد و قوانین را تفسیر کند. رئیس این دادگاه معمولاً از مقامات ارشد قضائی و وابسته به حزب کمونیست است.

۴. دادگاه‌های ویژه^{۲۳}:

۴.۱. تعریف و نقش: دادگاه‌هایی با حوزه‌های قضایی خاص برای رسیدگی به مسائل تخصصی که نیاز به دانش یا مهارت ویژه دارند. خارج از سیستم عمومی دادگاه‌های مردمی هستند.

۴.۲. انواع دادگاه‌های ویژه در چین:

- ✓ دادگاه‌های نظامی: رسیدگی به جرایم نظامی و مسائل مربوط به نیروهای مسلح.
- ✓ دادگاه‌های دریایی: حل و فصل دعاوی مربوط به امور دریایی، از جمله اختلافات تجاری یا حوادث دریایی.
- ✓ دادگاه‌های مالکیت فکری: رسیدگی به دعاوی مرتبط با حق اختراع، علائم تجاری و کپی‌رایت.
- ✓ دادگاه‌های اینترنت: بررسی دعاوی مرتبط با جرایم سایبری و اختلافات اینترنتی.
- ۴.۳. صلاحیت‌ها: محدود به حوزه تخصصی خود هستند و به پرونده‌های عمومی رسیدگی نمی‌کنند.

ساختار دادگاه‌های میان منطقه‌ای یا سطح استان‌ها در چین

۱. سطح قضایی:

- ✓ این دادگاه‌ها میان دادگاه‌های ابتدایی و دادگاه‌های میانی قرار دارند.
- ✓ به پرونده‌های پیچیده‌تر و اختلافات بین منطقه‌ای یا دعاوی با ابعاد ملی یا بین‌المللی رسیدگی می‌کنند.

۲. صلاحیت‌ها:

- ✓ دعاوی تجاری و اقتصادی بین‌المللی.
- ✓ اختلافات میان مناطق مختلف چین.
- ✓ پرونده‌های مرتبط با سرمایه‌گذاری خارجی یا اختلافات بین‌المللی.
- ✓ برخی دعاوی خاص که نیاز به تجربه و دانش تخصصی دارند.

۳. ترکیب قضات:

- ✓ قضات متخصص در مسائل تجاری و اقتصادی.
- ✓ آشنایی با قوانین بین‌المللی و رویه‌های تجاری^{۲۴}.

^{۲۳}Special Courts

^{۲۴} - روند تشکیل پرونده برای تجار خارجی در چین

۱. انتخاب دادگاه صلاحیت‌دار: تعیین اینکه پرونده در دادگاه ابتدایی، میانی یا میان منطقه‌ای بررسی شود.

۲. ارائه مدارک لازم:

دفتر نخست : ساختار حکمرانی چین

دادستانی خلق: مسئول نظارت قانونی

دادستانی خلق چین یکی از نهادهای کلیدی در سیستم قضائی چین است که وظیفه نظارت بر اجرای قوانین و حفاظت از حقوق شهروندان را بر عهده دارد. این نهاد، علاوه بر نقش‌های قضائی، مسئولیت‌های اجرایی و نظارتی نیز دارد و در بسیاری از موارد به‌ویژه در امور مربوط به فساد، جنایات بزرگ و نقض قوانین، نقش پررنگی ایفا می‌کند. دادستانی چین، تحت رهبری حزب کمونیست چین، به‌طور مستقیم از اصول و سیاست‌های این حزب پیروی می‌کند.

وظایف و مسئولیت‌های دادستانی خلق چین:

۱. نظارت بر اجرای قوانین:

✓ دادستانی خلق مسئول نظارت بر اجرای صحیح قوانین در سطح ملی و محلی است. این نهاد اطمینان حاصل می‌کند که مقامات دولتی، دستگاه‌های اجرایی و نهادهای عمومی به‌طور صحیح و قانونی عمل کنند و از تخلف‌های قانونی جلوگیری شود.

۲. بررسی و پیگرد قانونی جرائم:

✓ دادستانی مسئول پیگیری و آغاز تحقیقات در مورد جرائم است، به‌ویژه جرائم سنگین مانند فساد، نقض حقوق بشر، جرائم اقتصادی و جرائم علیه امنیت ملی. دادستان‌ها به‌طور مستقیم پرونده‌های مربوط به تخلفات قانونی را بررسی می‌کنند و در صورت لزوم آن‌ها را به دادگاه ارجاع می‌دهند.

۳. نظارت بر تحقیقات پلیس:

✓ قراردادهای تجاری.

✓ اسناد مرتبط با اختلاف یا خسارت.

✓ مدارک هویتی و اطلاعات شرکت خارجی.

۳. ثبت شکایت:

✓ مراجعه به دبیرخانه دادگاه و ثبت رسمی شکایت.

✓ پرداخت هزینه‌های اولیه دادرسی.

۴. ترجمه مدارک: ارائه ترجمه رسمی تمام اسناد به زبان چینی.

۵. بررسی اولیه: دادگاه مدارک را بررسی و در صورت کامل بودن، پرونده را پذیرش می‌کند.

۶. تشکیل جلسه دادرسی:

✓ جلسات با حضور طرفین و نمایندگان قانونی آن‌ها برگزار می‌شود.

✓ امکان استفاده از مترجم برای تجار خارجی.

۷. صدور رأی:

✓ دادگاه پس از بررسی ادله و شواهد، رأی خود را اعلام می‌کند.

✓ امکان اعتراض و ارجاع به دادگاه بالاتر در صورت عدم رضایت.

دفتر نخست : ساختار حکمرانی چین

✓ دادستانی بر فرآیند تحقیقات پلیس نظارت دارد تا اطمینان حاصل کند که تحقیقات به‌طور قانونی و بدون نقض حقوق شهروندان انجام می‌شود. اگر در تحقیقات پلیس نقضی وجود داشته باشد یا حقوق افراد نقض شود، دادستانی می‌تواند مداخله کند و از انجام تحقیقات غیرقانونی جلوگیری کند.

۴. حفاظت از حقوق شهروندان:

✓ دادستانی وظیفه دارد که از حقوق قانونی شهروندان، به‌ویژه در مقابل اقدامات غیرقانونی از سوی مقامات دولتی یا دیگر نهادها، دفاع کند. این شامل پیگیری پرونده‌های مربوط به نقض حقوق شهروندان مانند بازداشت‌های غیرقانونی، شکنجه یا تعرض به حقوق بشر می‌شود.

۵. نظارت بر دادگاه‌ها و قضات:

✓ دادستانی علاوه بر نظارت بر اجرای قوانین توسط نهادهای دولتی، بر عملکرد دادگاه‌ها و قضات نیز نظارت دارد. دادستان‌ها می‌توانند مواردی را که احتمالاً به‌طور غیرقانونی در دادگاه‌ها یا توسط قضات تصمیم‌گیری می‌شود، مورد بررسی قرار دهند.

۶. بررسی و پیگیری فساد:

✓ یکی از نقش‌های مهم دادستانی در چین مبارزه با فساد است. دادستان‌ها می‌توانند مسئولان دولتی، مقامات حزب و دیگر افراد را که درگیر فساد یا تخلفات مالی هستند، مورد بررسی قرار دهند و در صورت لزوم، اقدامات قانونی علیه آن‌ها انجام دهند.

۷. تصدیق و نظارت بر احکام قضائی:

✓ دادستانی در برخی موارد می‌تواند برای اطمینان از رعایت قوانین و عدالت در صدور احکام قضائی، بر تصمیمات دادگاه‌ها نظارت کرده و در صورت لزوم درخواست تجدیدنظر یا بررسی مجدد پرونده‌ها را کند.

ساختار دادستانی خلق چین:

دادستانی خلق چین از چندین سطح مختلف تشکیل شده است که از سطح محلی گرفته تا سطح ملی را شامل می‌شود:

۱. دادستانی عالی خلق^{۲۶}:

✓ این نهاد بالاترین مقام دادستانی در چین است و نظارت کلی بر تمام دادستانی‌های دیگر در سطح ملی و استانی دارد. رئیس دادستانی عالی خلق به‌طور معمول مقامی ارشد در حزب کمونیست است و نقش مهمی در سیاست‌گذاری قضائی کشور ایفا می‌کند.

۲. دادستانی‌های محلی و استانی:

^{۲۶}Supreme People's Procuratorate - SPP - website: <http://www.spp.gov.cn>

دفتر نخست : ساختار حکمرانی چین

✓ در سطوح پایین‌تر، دادستانی‌های محلی و استانی مسئول نظارت بر اجرای قوانین و پیگیری پرونده‌ها در مناطق خود هستند. آن‌ها پرونده‌های محلی و منطقه‌ای را مورد بررسی قرار می‌دهند و گزارش‌های مربوط به تخلفات را به دادستانی عالی ارسال می‌کنند.

۳. دادستانی‌های ویژه:

✓ برای بررسی مسائل خاص مانند فساد، جرائم سازمان‌یافته، و تهدیدات امنیتی ملی، برخی دادستانی‌های ویژه به‌طور مستقل عمل می‌کنند. این دادستانی‌ها می‌توانند اقدامات ویژه‌ای را برای رسیدگی به پرونده‌های حساس انجام دهند.

رابطه دادستانی با حزب کمونیست چین:

دادستانی خلق چین تحت نظارت حزب کمونیست قرار دارد و مقامات این نهاد به‌طور مستقیم به دستورالعمل‌ها و سیاست‌های حزب کمونیست چین پاسخگو هستند. در عمل، این بدان معناست که دادستانی در چین از استقلال کامل برخوردار نیست و بسیاری از تصمیمات قضائی و نظارتی تحت تأثیر سیاست‌های حزب اتخاذ می‌شود.

• **حفظ نظم اجتماعی:** دادستانی یکی از ابزارهای حزب کمونیست چین برای حفظ نظم اجتماعی و حمایت از سیاست‌های حکومتی است. به همین دلیل، پرونده‌های سیاسی و امنیت ملی که ممکن است به تهدیدات سیاسی تبدیل شوند، به‌طور ویژه تحت نظر این نهاد قرار دارند.

• **جلوگیری از تخلفات دولتی:** دادستانی علاوه بر پیگرد قضائی جرم و فساد، به‌طور فعال از تخلفات و فساد در داخل ساختارهای دولتی جلوگیری می‌کند و در این راستا همکاری نزدیکی با کمیسیون نظارت و دیگر نهادهای حکومتی دارد.^{۲۷}

نقش دادستانی در اصلاحات قضائی:

چین در دهه‌های اخیر برخی از اصلاحات در سیستم دادستانی خود انجام داده است. این اصلاحات به‌ویژه در زمینه بهبود شفافیت، افزایش نظارت بر حقوق شهروندان، و تقویت اقدامات ضد فساد بوده‌اند. با این حال، نظارت دقیق حزب کمونیست بر دادستانی و سیستم قضائی، همچنان چالش‌هایی را در خصوص استقلال قضائی و آزادی‌های فردی در کشور ایجاد می‌کند.

دادستانی خلق چین به‌عنوان نهاد مسئول نظارت قانونی، نقش اساسی در اجرای قانون، مبارزه با فساد، پیگیری تخلفات و حفظ حقوق شهروندان دارد. این نهاد در سیستم قضائی چین جایگاه ویژه‌ای دارد و همچنان تحت نظارت حزب کمونیست چین عمل می‌کند، به‌طوری‌که بسیاری از تصمیمات قضائی و اجرائی تحت تأثیر دستورالعمل‌های حزب قرار دارد.

۲۷ - در ایران، جلوگیری از تخلفات و فساد دولتی وظیفه‌ای است که در چارچوب نظام قضائی و با همکاری نهادهای نظارتی و حکومتی انجام می‌شود. این وظیفه به صورت ترکیبی بر عهده دادستانی کل کشور، سازمان بازرسی کل کشور، دیوان محاسبات، و ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی می‌باشد.

دفتر نخست : ساختار حکمرانی چین

قوه قهریه و نیروهای مسلح

کمیسیون نظامی مرکزی (CMC): کنترل نیروهای مسلح

کمیسیون نظامی مرکزی^{۲۹} CMC یکی از مهم‌ترین نهادهای نظامی در چین است که مسئول کنترل و هدایت نیروهای مسلح چین، شامل ارتش آزادی‌بخش خلق (PLA)، نیروی دریایی، نیروی هوایی، و نیروی موشکی استراتژیک چین می‌باشد. این کمیسیون، که تحت هدایت دبیرکل حزب کمونیست چین قرار دارد، کنترل کامل بر نیروهای مسلح را در دست دارد و نقش حیاتی در امنیت ملی و سیاست‌های دفاعی کشور ایفا می‌کند.

ساختار و رهبری کمیسیون نظامی مرکزی:

کمیسیون نظامی مرکزی چین از اعضای ارشد حزب کمونیست تشکیل می‌شود و به‌طور همزمان در دو سطح عمل می‌کند:

۱. کمیسیون نظامی مرکزی حزب کمونیست چین: این بخش کمیسیون نظامی مسئول هدایت کلی نیروهای مسلح از منظر سیاسی است. دبیرکل حزب کمونیست چین معمولاً رئیس این کمیسیون است و به‌طور مستقیم بر مسائل سیاسی، استراتژیک، و دفاعی نظارت دارد.
۲. کمیسیون نظامی مرکزی دولت چین: این بخش کمیسیون نظامی تحت نظارت مجلس ملی خلق قرار دارد و مقامات اجرایی و نظامی کشور در آن عضویت دارند.^{۳۰}

^{۲۹}Central Military Commission- CMC- website: <http://www.gov.cn>

^{۲۹}- ارتش آزادی‌بخش مردم (PLA - The People's Liberation Army) سازمان نظامی یکپارچه جمهوری خلق چین است که شامل ارتش، نیروی دریایی، نیروی هوایی و نیروی موشکی می‌شود. این ارتش در سال ۱۹۲۷ تأسیس شد و از قیام نانچانگ علیه ملی‌گرایان نشأت گرفته و از آن زمان به یکی از بزرگ‌ترین و قدرتمندترین نیروهای نظامی جهان تبدیل شده است. PLA تحت رهبری حزب کمونیست چین فعالیت می‌کند و کمیسیون مرکزی نظامی نظارت بر عملیات‌های نظامی را بر عهده دارد. در سال‌های اخیر، PLA تلاش‌های قابل توجهی را برای مدرن‌سازی و افزایش توانمندی‌های خود انجام داده است و هدف‌گذاری کرده است تا تا سال ۲۰۴۹ به یک ارتش "جهانی" تبدیل شود.

^{۳۰}- کمیسیون مرکزی نظامی (CMC) حزب کمونیست چین و کمیسیون مرکزی نظامی دولت چین دو نهاد مجزا هستند که نظارت بر ارتش چین را بر عهده دارند، اما تحت یک ساختار فرماندهی یکپارچه به‌طور نزدیک با یکدیگر همکاری می‌کنند. کمیسیون مرکزی نظامی حزب کمونیست مسئولیت اصلی هدایت سیاسی و رهبری ارتش آزادی‌بخش مردم (PLA) را بر عهده دارد و شامل رهبران ارشد حزب از جمله رئیس‌جمهور است که معمولاً دبیر کل حزب نیز می‌باشد. این نهاد اطمینان حاصل می‌کند که ارتش به حزب و سیاست‌های آن وفادار بماند و بر ایدئولوژی سیاسی و انضباط در نیروهای مسلح تأکید می‌کند. کمیسیون مرکزی نظامی حزب کمونیست زودتر تأسیس شده و نقش حیاتی در شکل‌دهی به استراتژی نظامی متناسب با اهداف حزب ایفا می‌کند. نهاد معادل کمیسیون مرکزی نظامی حزب کمونیست چین در ج.ا.ایران ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران است. این ستاد به‌عنوان بالاترین نهاد نظامی کشور، مسئولیت هماهنگی و نظارت بر تمامی نیروهای نظامی را بر عهده دارد و تحت فرمان رهبر انقلاب اسلامی فعالیت می‌کند. ستاد کل نیروهای مسلح نقش کلیدی در تدوین استراتژی‌های نظامی و تأمین امنیت ملی ایفا می‌کند و اطمینان حاصل می‌کند که نیروهای مسلح به اهداف و سیاست‌های کلی کشور پایبند باشند.

در مقابل، کمیسیون مرکزی نظامی دولت چین به‌عنوان یک نهاد دولتی عمل می‌کند که از منظر دولتی بر نیروهای مسلح نظارت دارد. در حالی که این کمیسیون برخی از اعضا و رهبری مشترک با کمیسیون مرکزی نظامی حزب کمونیست دارد، تمرکز آن بیشتر بر کنترل عملیاتی و اجرای سیاست‌های دفاعی است. کمیسیون نظامی دولت مسئول لجستیک نظامی، آموزش و آمادگی رزمی است و اطمینان حاصل می‌کند که

دفتر نخست : ساختار حکمرانی چین

وظایف و مسئولیت‌های کمیسیون نظامی مرکزی حزب کمونیست:

۱. کنترل کامل بر نیروهای مسلح: کمیسیون نظامی مرکزی قدرت عالی در اداره ارتش چین را دارد. این کمیسیون مسئول فرماندهی تمامی شاخه‌های نظامی کشور است و سیاست‌های دفاعی و نظامی چین را تعیین می‌کند.
۲. تصمیم‌گیری استراتژیک: کمیسیون نقش اساسی در تدوین استراتژی‌های دفاعی کشور ایفا می‌کند و تصمیمات کلیدی در خصوص آماده‌سازی نظامی، عملیات‌های نظامی، و روابط با سایر نیروهای نظامی در جهان را می‌گیرد.
۳. کنترل بر فرماندهی و ساختار ارتش: کمیسیون نظامی مرکزی مسئول انتصاب مقامات ارشد نظامی، مانند فرماندهان ارشد ارتش آزادی‌بخش خلق، و تأسیس سیاست‌های نظامی است. این کمیسیون همچنین مسئول تعیین سیاست‌های مربوط به آموزش، تجهیز و سازماندهی ارتش است.
۴. امنیت ملی و مقابله با تهدیدات خارجی: کمیسیون نظامی مرکزی نقش کلیدی در مقابله با تهدیدات خارجی و تضمین امنیت ملی چین ایفا می‌کند. در مواقع اضطراری یا بحران‌ها، این کمیسیون تصمیمات سریع و مؤثری را در مورد دفاع از کشور اتخاذ می‌کند.
۵. نظارت بر انضباط و وفاداری به حزب: کمیسیون نظامی مرکزی همچنین مسئول نظارت بر وفاداری ارتش به حزب کمونیست چین است. ارتش چین به‌طور مستقیم تحت کنترل حزب است و کمیسیون نظامی مرکزی وظیفه نظارت بر این وفاداری و انضباط را بر عهده دارد.

وظایف کمیسیون مرکزی نظامی دولت چین

۱. مدیریت اجرایی نیروهای مسلح: نظارت بر عملیات روزمره و اجرایی ارتش و پلیس مسلح.
۲. تأمین تجهیزات نظامی: مسئولیت تأمین و توسعه تجهیزات و فناوری‌های دفاعی.
۳. برنامه‌ریزی آموزشی: طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی برای نیروهای مسلح.
۴. نظارت بر سیاست‌های دفاعی: پیاده‌سازی سیاست‌های دفاعی تصویب شده توسط حزب کمونیست.
۵. همکاری بین‌المللی: مدیریت روابط نظامی با کشورهای دیگر و انجام توافقات دفاعی.

عملیات‌های نظامی با استراتژی‌های دفاع ملی همخوانی داشته باشد. هر دو کمیسیون به‌هم پیوسته‌اند و نقش‌های رهبری مشترکی دارند؛ با این حال، عملکردهای متمایز آن‌ها نشان‌دهنده ماهیت دوگانه حاکمیت نظامی در چین است که در آن وفاداری به حزب و مدیریت دولتی برای حفظ کنترل بر PLA همزیستی دارد. نهاد متناظر کمیسیون مرکزی نظامی دولت چین در ج.ا.ایران وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران است. این وزارتخانه مسئولیت تأمین تجهیزات نظامی، توسعه فناوری‌های دفاعی و مدیریت تولیدات نظامی را بر عهده دارد و با همکاری ستاد کل نیروهای مسلح، برنامه‌های آموزشی و تسلیحاتی را اجرا می‌کند. وزارت دفاع همچنین در زمینه سیاست‌های دفاعی و امنیت ملی فعالیت می‌کند و به‌عنوان نهاد دولتی، وظایف عملیاتی و اجرایی مرتبط با نیروهای مسلح را مدیریت می‌کند. این نهاد به تقویت همکاری‌های نظامی با کشورهایی مانند چین نیز پرداخته و توافقات مختلفی برای ارتقاء روابط دفاعی امضا کرده است.

دفتر نخست : ساختار حکمرانی چین

رابطه کمیسیون نظامی مرکزی با رهبری حزب:

- کمیسیون نظامی مرکزی به‌طور مستقیم تحت کنترل دبیرکل حزب کمونیست چین است و در عمل، دبیرکل حزب (که همزمان رئیس کمیسیون نظامی مرکزی است) فرمانده کل قوا و تصمیم‌گیرنده نهایی در مسائل نظامی و دفاعی کشور است.
- این ساختار نشان‌دهنده تمرکز قدرت در دست رهبری حزب است. به این معنی که نه تنها سیاست‌گذاری‌ها و تصمیمات استراتژیک، بلکه فرماندهی و هدایت ارتش نیز کاملاً تحت تأثیر حزب و رهبری آن قرار دارد.

نقش کمیسیون نظامی مرکزی در سیاست‌های خارجی و داخلی:

۱. **حفظ امنیت داخلی:** کمیسیون نظامی مرکزی در حفظ نظم داخلی و مقابله با تهدیدات داخلی (مانند اعتراضات، شورش‌ها یا بحران‌های سیاسی) نیز نقش دارد. ارتش چین به‌عنوان ابزاری برای حفظ ثبات حکومت حزب کمونیست در نظر گرفته می‌شود.
۲. **تقویت حضور جهانی چین:** در سیاست‌های خارجی، کمیسیون نظامی مرکزی به تقویت قدرت نظامی چین و حضور آن در عرصه جهانی، به‌ویژه در دریای چین جنوبی، جاده ابریشم جدید، و سایر مناطق استراتژیک می‌پردازد.

رئیس کمیسیون‌ها

در چین، رئیس کمیسیون مرکزی نظامی دولت چین و رئیس کمیسیون مرکزی نظامی حزب کمونیست چین هر دو یک نفر هستند. این مقام به‌طور همزمان به عنوان رئیس کمیسیون مرکزی نظامی هر دو نهاد عمل می‌کند و در حال حاضر شی جین‌پینگ این سمت را بر عهده دارد. انتخاب رئیس این کمیسیون از طریق کنگره ملی مردم انجام می‌شود و معمولاً رئیس کمیسیون مرکزی نظامی حزب کمونیست نیز دبیرکل حزب است. این ساختار به وی قدرت سیاسی قابل توجهی می‌دهد و اطمینان حاصل می‌کند که ارتش به اهداف و سیاست‌های حزب وفادار بماند.

نمونه‌ای از رئیس کمیسیون نظامی مرکزی: شی جین‌پینگ

شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور فعلی چین و دبیرکل حزب کمونیست چین، از زمان رسیدن به مقام رهبری در سال ۲۰۱۲، ریاست کمیسیون نظامی مرکزی را بر عهده دارد. وی به‌طور مؤثر سیاست‌های نظامی را تعیین کرده و کنترل کامل بر نیروهای مسلح را به‌دست گرفته است. شی جین‌پینگ همچنین اصلاحات عمده‌ای در ارتش چین انجام داده، از جمله تمرکز بیشتر بر هوش مصنوعی و فناوری‌های نوین در ارتش و ایجاد ساختارهای جدید برای بهبود کارایی ارتش.

دفتر نخست : ساختار حکمرانی چین

کمیسیون نظامی مرکزی به عنوان یک نهاد کلیدی در نظام حکومتی چین، کنترل کامل بر نیروهای مسلح کشور را در دست دارد. این کمیسیون از لحاظ ساختاری و عملی تحت رهبری حزب کمونیست چین قرار دارد و نقش حیاتی در امنیت ملی، استراتژی‌های دفاعی و تقویت قدرت نظامی چین در سطح جهانی ایفا می‌کند.

تقسیمات اداری چین

استان، منطقه خودمختار؛ مناطق ویژه اداری

کشور به ۲۳ استان، ۵ منطقه خودمختار، ۴ شهر در سطح استان، و ۲ منطقه ویژه اداری (هنگ کنگ و ماکائو) تقسیم می‌شود.

تقسیمات اداری چین به ساختار و ترتیب تقسیمات جغرافیایی و اداری کشور اشاره دارد که بر اساس آن، کشور به واحدهای مختلفی تقسیم شده است. این تقسیمات برای تسهیل مدیریت و اجرای سیاست‌ها، قوانین، و تصمیمات دولت مرکزی طراحی شده است. در کل، چین یک سیستم سلسله‌مراتبی^{۳۱} دارد که به طور عمده شامل چندین سطح استانی و محلی می‌شود.

سطح ملی:

- **جمهوری خلق چین** در سطح ملی به عنوان یک کشور واحد اداره می‌شود. در رأس این ساختار، حزب کمونیست چین (CPC) قرار دارد که از طریق مقامات اجرایی نظارت بر تمامی امور کشور را به عهده دارد. دولت مرکزی، که شامل مقامات عالی‌رتبه دولتی مانند رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر، و اعضای دیگر شورای دولتی است، بر تمامی امور سیاسی، اقتصادی، نظامی، و اجتماعی نظارت می‌کند.

الف: استان‌ها و مناطق خودمختار

چین به ۲۳ استان تقسیم می‌شود. این استان‌ها بزرگترین واحدهای تقسیمات اداری هستند که از نظر جغرافیایی و اقتصادی اهمیت زیادی دارند. علاوه بر این، چین ۵ منطقه خودمختار برای اقلیت‌های قومی خاص دارد که تحت نظارت دولت مرکزی، حق برخی تصمیمات محلی را دارند. این مناطق خودمختار عبارتند از:

۳۱ - سیستم اداری چین شامل سلسله‌مراتب چند سطحی است که به طور عمده شامل سطوح زیر می‌شود:

۱. مرکز (Central Government)
۲. مناطق استانی (Provincial Level)
۳. شهرها و مناطق خودمختار (Municipalities and Autonomous Regions)
۴. سطح ناحیه‌ای (County Level)
۵. سطح روستایی (Township Level)

این سیستم از مرکز به سمت مناطق و سطوح پایین‌تر در ساختار اداری چین گسترش می‌یابد.

دفتر نخست : ساختار حکمرانی چین

۱. تبت، ۲. سین کیانگ (منطقه خودمختار اویغور)، ۳. مغولستان داخلی، ۴. گوانگشی (منطقه خودمختار زو) و ۵. نینگ شیا (منطقه خودمختار هوئی)

ب: شهرداری‌های مستقیماً تحت نظارت مرکزی

چین دارای ۴ شهرداری مستقیماً تحت نظارت مرکزی است که به طور مستقیم از دولت مرکزی نظارت می‌شود و در سطح مشابه با استان‌ها قرار دارند. این شهرداری‌ها عبارتند از: ۱. پکن (پایتخت)، ۲. شانگهای، ۳. تیانجین و ۴. چنگدو. این شهرداری‌ها معمولاً بزرگترین شهرهای کشور هستند و دارای موقعیت ویژه‌ای در سطح ملی دارند.

ج: استان‌های ویژه (منطقه‌های ویژه اداری)

چین دارای دو منطقه ویژه اداری (SAR)^{۳۲} است که وضعیت سیاسی و اقتصادی خاصی دارند و از استقلال نسبی در زمینه‌های اقتصادی، تجاری و قضائی برخوردارند. این مناطق تحت قوانین خاص خود اداره می‌شوند:

- هنگ کنگ (منطقه ویژه اداری هنگ کنگ)

- ماکائو (منطقه ویژه اداری ماکائو)

این دو منطقه از زمان‌های مختلفی تحت تأثیر مستعمرات بریتانیا و پرتغال بوده‌اند و پس از بازگشت به حاکمیت چین، تحت سیستم یک کشور، دو سیستم اداره می‌شوند و دارای قوانین محلی متفاوتی هستند و در برخی زمینه‌ها، نظارت کمتری از سوی دولت مرکزی بر آنها اعمال می‌گردد.^{۳۳}

^{۳۲}Special Administrative Region

^{۳۳} - هنگ کنگ، ماکائو و تایوان از نظر ساختار اداری تفاوت‌های چشمگیری دارند که ناشی از وضعیت سیاسی و تاریخی متمایز هر منطقه است:

هنگ کنگ و ماکائو (مناطق اداری ویژه چین)

هر دو منطقه تحت اصل "یک کشور، دو سیستم" اداره می‌شوند و به عنوان مناطق اداری ویژه (SAR) چین شناخته می‌شوند. رهبر اجرایی در هر دو منطقه توسط پکن منصوب می‌شود، اما فرآیند انتخاب اولیه متفاوت است: در هنگ کنگ یک کمیته انتخاباتی ۱۲۰۰ نفره و در ماکائو یک شورای ۴۰۰ نفره این انتخاب را انجام می‌دهند. قوه مقننه هنگ کنگ ۹۰ (LegCo) عضو دارد که نیمی از طریق انتخابات مستقیم و نیمی از گروه‌های صنفی انتخاب می‌شوند، در حالی که مجلس ماکائو ۳۳ عضو دارد (۱۴ انتخابی مستقیم، ۱۲ نماینده صنفی و ۷ انتصابی). هر دو منطقه قوه قضائیه مستقل دارند، اما انتصاب قضات توسط رهبر اجرایی انجام می‌شود.

تایوان (حکومت de facto مستقل)

برخلاف دو منطقه دیگر، تایوان سیستم حکومتی کاملاً مستقل با رئیس‌جمهور منتخب مردمی دارد. قوه مقننه آن (یوان قانون‌گذاری) ۱۱۳ عضو دارد که تماماً از طریق انتخابات عمومی انتخاب می‌شوند. قوه قضائیه تایوان شامل دیوان قانون اساسی است که به طور کامل مستقل از نفوذ خارجی عمل می‌کند. این منطقه ارز، پاسپورت و سیستم اداری خاص خود را دارد و اگرچه از سوی اکثر کشورها به رسمیت شناخته نمی‌شود، اما عملاً کنترل کامل بر امور داخلی و خارجی خود اعمال می‌کند.

تفاوت‌های کلیدی

وضعیت سیاسی: هنگ کنگ و ماکائو بخشی از چین محسوب می‌شوند، در حالی که تایوان حاکمیت مستقل دارد.

دفتر نخست : ساختار حکمرانی چین

د: شهرستان ها و نواحی

چین به تعداد زیادی شهرستان (یا شهرهای سطح پایین تر) تقسیم می شود که در واقع کوچکترین واحدهای اداری در سطح استان ها و مناطق خودمختار هستند. هر استان یا منطقه خودمختار از تعداد زیادی شهرستان تشکیل می شود. شهرستان ها خود به بخش ها و روستاهای کوچک تر تقسیم می شوند. برخی از استانهای چین دارای بیش از ۱۰۰ شهرستان هستند همچون سیچوان با ۱۸۳ شهرستان، هوبی ۱۳۶ شهرستان و ...

ه: جزایر

چین همچنین تعدادی جزیره دارد که در برخی موارد تقسیمات خاص خود را دارند. مهم ترین جزیره ها در تقسیمات اداری چین شامل:

- **تایوان** (که تحت کنترل دولت چین قرار ندارد، ولی از نظر اداری جزو جمهوری خلق چین محسوب می شود)
- **جزایر پرل و پاراسل^۴ در دریای چین جنوبی**

و: واحدهای محلی

واحدهای محلی در چین به طور کلی به **بخش ها** (که ممکن است شامل محله های شهری یا روستاهای کوچک تر باشد) تقسیم می شوند. این واحدها تحت مدیریت مقامات محلی و با همکاری مقامات دولتی در سطح استانی یا شهرستانی عمل می کنند.

انتخاب رهبری: رهبران اجرایی در دو منطقه SAR توسط پکن منصوب می شوند، اما رئیس جمهور تایوان مستقیماً توسط مردم انتخاب می شود. ترکیب مجلس: درصد نمایندگان منتخب مستقیم در تایوان (۱۰۰٪) بسیار بیشتر از ماکائو (۴۲٪) و هنگ کنگ (۵۰٪) است. استقلال قضائی: اگرچه هر سه منطقه قوه قضائیه مستقل دارند، اما در تایوان این استقلال کامل بوده و تحت تأثیر نهادهای خارجی قرار ندارد.

۳۴ - جزایر پرل (Paracel Islands):

- **مساحت:** جزایر پرل شامل مجموعه ای از حدود ۳۰ جزیره، صخره و جزایر کوچک هستند و مساحت آن ها به طور کلی حدود ۱۵ کیلومتر مربع تخمین زده می شود.
- **جمعیت:** این جزایر فاقد جمعیت دائمی هستند، اما چین و دیگر کشورهای منطقه مانند ویتنام و تایوان، برای اهداف نظامی و تحقیقاتی در این جزایر حضور دارند.
- **نزدیکی به کشورهای:** جزایر پرل تحت کنترل چین است. **ویتنام و تایوان** نیز ادعای مالکیت جزایر پرل را دارند.

۳۵ - جزایر پاراسل (Pratas Islands):

- **مساحت:** جزایر پاراسل حدود ۱,۵ کیلومتر مربع مساحت دارند و شامل جزیره های کوچکی هستند.
- **جمعیت:** این جزایر هیچ جمعیت دائمی ندارند، ولی تایوان از آن ها به عنوان نقطه ای برای استقرار نظامی و تحقیقاتی استفاده می کند.
- **نزدیکی به کشورهای:** تحت کنترل چین است. **فیلیپین و تایوان** نیز ادعای مالکیت جزایر پرل را دارند.

دفتر نخست : ساختار حکمرانی چین

ز: مدیریت‌های ویژه (ویژه مدیریت شهری)

در برخی مناطق خاص مانند پکن، شانگهای، و برخی دیگر از شهرهای بزرگ، مناطق خاصی برای مدیریت ویژه شهری وجود دارند که این مناطق برای تطبیق با نیازهای خاص شهری و گسترش سریع شهرها تأسیس شده‌اند.^{۳۶}

ویژگی‌های تقسیمات اداری چین:

- **تمرکز قدرت:** تقسیمات اداری چین به گونه‌ای طراحی شده که دولت مرکزی در پکن نظارت کامل بر تمامی مناطق داشته باشد. حتی در مناطق خودمختار نیز، دولت مرکزی نقش کلیدی در نظارت و مدیریت دارد.
- **نقش حزب کمونیست:** حزب کمونیست چین در تمامی سطوح تقسیمات اداری کشور نفوذ دارد. اعضای حزب در تمامی این واحدها مسئولیت‌های اجرایی دارند و بیشتر تصمیمات سیاستی در داخل این واحدها از سوی حزب کنترل می‌شود.
- **سطوح اجرایی:** در هر سطح تقسیمات، مقامات اجرایی برای نظارت بر اداره امور عمومی و اجرای قوانین کشور فعالیت می‌کنند. مقامات محلی مسئول هستند که دستورات و سیاست‌های دولت مرکزی را در مناطق خود پیاده‌سازی کنند.

۳۶ - مدیریت ویژه شهری به مجموعه‌ای از سیاست‌ها، برنامه‌ها و فعالیت‌ها اشاره دارد که با هدف پاسخگویی به نیازهای خاص و چالش‌های ناشی از رشد سریع شهرها و جمعیت در مناطق خاصی مانند پکن و شانگهای طراحی شده است. این نوع مدیریت برای بهبود کیفیت زندگی شهروندان و ارتقاء کارایی زیرساخت‌های شهری ضروری است.

ویژگی‌های مدیریت ویژه شهری:

تمرکز بر نیازهای خاص: این نوع مدیریت به طور خاص به نیازهای مناطق شهری پرداخته و تلاش می‌کند تا با ارائه راهکارهای مناسب، مشکلات خاص هر منطقه را حل کند.

همکاری بین‌بخشی: مدیریت ویژه شهری شامل همکاری میان نهادهای مختلف دولتی، خصوصی و جامعه مدنی است تا تمامی ذینفعان در فرآیند تصمیم‌گیری مشارکت داشته باشند.

توسعه پایدار: هدف اصلی این نوع مدیریت، دستیابی به توسعه‌ای پایدار است که نه تنها به رشد اقتصادی توجه کند، بلکه مسائل اجتماعی و زیست‌محیطی را نیز مد نظر قرار دهد.

اهداف مدیریت ویژه شهری:

۱. بهبود زیرساخت‌ها: ارتقاء کیفیت زیرساخت‌های شهری مانند حمل و نقل، مسکن و خدمات عمومی.
 ۲. مدیریت منابع: بهره‌برداری کارآمد از منابع مادی و انسانی برای پاسخگویی به نیازهای شهروندان.
 ۳. پاسخگویی به چالش‌ها: شناسایی و حل مشکلات ناشی از رشد سریع جمعیت و توسعه نامناسب.
- به طور کلی، مدیریت ویژه شهری یک رویکرد جامع برای اداره شهرهاست که بر اساس نیازهای خاص هر منطقه طراحی شده تا بتواند به بهترین شکل ممکن به چالش‌های موجود پاسخ دهد.

دفتر نخست : ساختار حکمرانی چین

تقسیمات اداری چین ساختار پیچیده‌ای دارد که در آن مناطق و استان‌ها به‌طور عمده تحت نظارت مستقیم دولت مرکزی و حزب کمونیست چین قرار دارند. این سیستم کمک می‌کند تا هم‌زمان با حفظ کنترل مرکزی، به مناطق مختلف کشور نیز مدیریت خاص خود اختصاص یابد، و تمام امور اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در این سطوح به‌طور مؤثر و هماهنگ انجام شود.

دفتر اول: چشم انداز سیاسی و ساختار حکومتی

ساختارهای نظارتی حکومت

کمیسیون ملی نظارت

مسئول مبارزه با فساد و نظارت بر عملکرد مقامات دولتی و حزبی. که در دوران شی جینگ پینگ به تشکیل آن می پردازیم.

کمیسیون مرکزی انضباطی حزب

مسئول نظارت بر رفتار اعضای حزب.

ساختارهای نظارتی در چین نقش مهمی در تضمین اجرای سیاست‌های دولتی، انطباق با مقررات، و حفظ کارایی در فعالیت‌های مختلف اقتصادی و سیاسی ایفا می‌کنند. این ساختارها متشکل از نهادها و دستگاه‌های مختلفی هستند که هر یک وظایف نظارتی مشخصی را در سطوح محلی و ملی بر عهده دارند.

نهادهای ملی و محلی نظارت

۱. کنگره ملی خلق (NPC)

به عنوان نهاد قانون‌گذاری اصلی در چین، وظایف نظارتی بر عملکرد دولت، بودجه و سیاست‌های ملی را بر عهده دارد.

کمیته دائمی کنگره، که زیرمجموعه NPC است، نظارت بر تطابق قوانین و سیاست‌ها با اصول اساسی قانون اساسی چین را انجام می‌دهد.

۲. دفتر حسابرسی ملی^{۳۸}

^{۳۸}National People's Congress

۳۸ - وظایف دفتر حسابرسی ملی چین - دارای وظایفی به شرح ذیل است:

۱. نظارت بر عملکرد مالی نهادهای دولتی: ارزیابی نحوه استفاده از منابع مالی در دستگاه‌های دولتی.
۲. حسابرسی شرکت‌های دولتی: بررسی امور مالی و مدیریت بودجه شرکت‌های تحت مالکیت دولت.
۳. کنترل پروژه‌های عمومی: نظارت بر هزینه‌ها و شفافیت مالی در پروژه‌های عمرانی و زیربنایی.
۴. ارزیابی اجرای بودجه دولتی: نظارت بر نحوه تخصیص و اجرای بودجه سالانه دولت.
۵. مبارزه با فساد مالی: شناسایی تخلفات مالی و سوءمدیریت در دستگاه‌های دولتی.
۶. تهیه گزارش‌های سالانه: ارائه گزارش‌های جامع به مقامات دولتی و عموم درباره نحوه مدیریت مالی و انطباق با قوانین.
۷. ارزیابی کارایی مالی: تحلیل اقتصادی پروژه‌ها برای بهبود بهره‌وری منابع مالی.
۸. پیشنهاد اصلاحات مالی: ارائه توصیه‌هایی برای اصلاح و بهبود مدیریت مالی در دولت.

نهادهای متناظر در ایران

۱. دیوان محاسبات کشور: ✓
اصلی‌ترین نهاد نظارتی مالی، مسئول نظارت بر عملکرد مالی نهادهای دولتی و انطباق با قوانین بودجه‌ای.
۲. سازمان حسابرسی کل کشور: ✓
نظارت بر امور مالی شرکت‌های دولتی و ارزیابی گزارش‌های مالی آنها.

دفتر اول: چشم انداز سیاسی و ساختار حکومتی

این دفتر مسئول نظارت بر عملکرد مالی نهادهای دولتی، شرکت‌های دولتی، و پروژه‌های عمومی است. گزارش‌های سالانه‌ای درباره نحوه مدیریت بودجه و شفافیت مالی ارائه می‌دهد.

۳. کمیسیون نظارتی و بازرسی انضباطی^۹ (CCDI)

۳. سازمان برنامه و بودجه:

✓ مسئول نظارت بر نحوه اجرای بودجه و ارائه گزارش‌های مالی درباره عملکرد بودجه‌ای دستگاه‌ها.

۴. بازرسی‌های داخلی دستگاه‌های دولتی:

✓ نظارت مالی و مدیریتی داخلی در هر دستگاه دولتی.

نقاط قوت دفتر حسابرسی ملی چین (در مقایسه با ایران)

۱. تمرکزگرایی و شفافیت:

✓ این دفتر یک نهاد مرکزی و متمرکز است که تمام امور نظارتی مالی را پوشش می‌دهد و گزارش‌های عمومی منظمی ارائه می‌دهد.

✓ در ایران، وظایف بین چندین نهاد توزیع شده است که ممکن است باعث پراکندگی اطلاعات و عدم شفافیت شود.

۲. اختیارات گسترده:

✓ دفتر حسابرسی ملی چین اختیارات وسیعی برای بررسی مالی و ارائه گزارش مستقیم به رهبران عالی‌رتبه دارد.

✓ در ایران، نهادهای نظارتی معمولاً نیاز به همکاری سایر دستگاه‌ها دارند و گاهی اختیارات محدودی برای پیگیری تخلفات دارند.

۳. ارائه گزارش‌های عمومی:

✓ این دفتر گزارش‌های مالی سالانه‌ای را برای عموم منتشر می‌کند که باعث افزایش شفافیت و اعتماد عمومی می‌شود.

✓ در ایران، انتشار گزارش‌های مالی عمومی کمتر اتفاق می‌افتد و محدودتر است.

نقاط ضعف دفتر حسابرسی ملی چین (در مقایسه با ایران)

۱. وابستگی سیاسی:

✓ دفتر حسابرسی ملی چین به شدت تحت نظارت حزب کمونیست قرار دارد، که ممکن است بر استقلال عمل آن تأثیر بگذارد.

✓ در ایران، دیوان محاسبات زیر نظر مجلس شورای اسلامی عمل می‌کند و از نظر قانونی مستقل‌تر است.

۲. تمرکز زیاد:

✓ تمرکز همه وظایف در یک نهاد ممکن است کارایی را در پروژه‌های محلی کاهش دهد.

✓ در ایران، وجود چند نهاد نظارتی می‌تواند نظارت‌های چندلایه‌ای ایجاد کند (البته اگر هماهنگ عمل کنند).

۳. شفافیت محدود داخلی:

✓ با وجود گزارش‌های عمومی، اطلاعات مربوط به تخلفات مهم مالی ممکن است برای حفظ اعتبار حزب کمونیست منتشر نشود.

✓ در ایران، نظارت‌های رسانه‌ای و فضای سیاسی گاهی شفافیت بیشتری در پرونده‌های تخلف ایجاد می‌کند.

دفتر حسابرسی ملی چین به دلیل تمرکزگرایی و اختیارات گسترده، نظارت جامعی بر عملکرد مالی دولت و شرکت‌های دولتی دارد. در ایران، پراکندگی وظایف نظارتی بین چندین نهاد مزایا و چالش‌های خاص خود را دارد. تقویت هماهنگی بین نهادها و ارتقای شفافیت در ایران می‌تواند الگوی بهتری برای مدیریت مالی و حسابرسی ایجاد کند.

- National Audit Office- Website: <http://www.audit.gov.cn>

۳۹ - کمیسیون نظارتی و بازرسی انضباطی چین – (CCDI) دارای وظایفی به شرح ذیل است:

۱. مبارزه با فساد در حزب و دولت: شناسایی، تحقیق، و مقابله با فساد در میان اعضای حزب کمونیست و مقامات دولتی.

۲. نظارت بر اصول انضباطی حزب: اجرای مقررات و اصول انضباطی حزب کمونیست چین.

۳. تحقیقات داخلی: انجام تحقیقات درباره تخلفات اعضای حزب، از جمله سوءاستفاده از قدرت و منافع شخصی.

۴. ارتقاء شفافیت: تلاش برای شفافیت در مدیریت عمومی و تقویت اعتماد عمومی.

۵. آموزش و پیشگیری: ارائه آموزش‌های اخلاقی و انضباطی به اعضای حزب برای پیشگیری از فساد.

دفتر اول: چشم انداز سیاسی و ساختار حکومتی

۶. همکاری با نهادهای قضایی و امنیتی: ارجاع پرونده‌های مهم به دستگاه‌های قضایی برای رسیدگی قانونی.
۷. حفاظت از اصول ایدئولوژیک حزب: اطمینان از انطباق اقدامات اعضای حزب با ایدئولوژی و سیاست‌های حزب کمونیست.

نهاد یا نهادهای متناظر در ایران

در ایران، وظایف مشابه CCDI میان چندین نهاد و سازمان توزیع شده است:

۱. سازمان بازرسی کل کشور:
 - ✓ نظارت بر حسن اجرای قوانین در نهادهای دولتی و عمومی.
 - ✓ پیگیری تخلفات مالی و اداری.
۲. دیوان محاسبات کشور: نظارت مالی بر عملکرد نهادهای دولتی و انطباق هزینه‌ها با قوانین بودجه‌ای.
۳. سازمان اطلاعات سپاه: مقابله با فساد در میان مسئولان و نهادهای حساس.
۴. ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی: سیاست‌گذاری و هماهنگی در زمینه مبارزه با فساد اقتصادی.
۵. هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری: رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان دولت.
۶. قوه قضائیه (بخش قضایی مبارزه با فساد): رسیدگی به پرونده‌های فساد در محاکم قضایی.
۷. دفاتر حراست در دستگاه‌های دولتی: نظارت درونی بر عملکرد کارکنان و جلوگیری از تخلفات.

تفاوت‌ها و ضعف‌ها در مقایسه CCDI و نهادهای متناظر در ایران

۱. تمرکزگرایی در چین و پراکندگی در ایران

- CCDI یک نهاد متمرکز است که مسئولیت تمام نظارت‌ها و تحقیقات ضد فساد را در حزب و دولت بر عهده دارد.
- در ایران، وظایف مربوط به نظارت و مبارزه با فساد میان چندین نهاد توزیع شده است که گاهی باعث موازی‌کاری یا عدم هماهنگی می‌شود.

۲. نقش سیاسی در چین و ایران

- CCDI مستقیماً تحت کنترل حزب کمونیست چین است و وظیفه نظارت بر اعضای حزب را بر عهده دارد.
- در ایران، نهادهای نظارتی عمدتاً تحت نظارت دولت یا قوه قضائیه هستند و نظارت بر عملکرد سیاسیون به صورت مستقیم محدودتر است.

۳. قدرت اجرایی و قضایی

- CCDI دارای اختیارات گسترده برای بازداشت، تحقیق، و اعمال مجازات‌های انضباطی است و می‌تواند موارد را مستقیماً به دادگاه‌ها ارجاع دهد.
- در ایران، نهادهای نظارتی نظیر سازمان بازرسی یا دیوان محاسبات معمولاً قدرت اجرایی ندارند و باید تخلفات را به قوه قضائیه ارجاع دهند.

۴. پیشگیری و آموزش

- CCDI علاوه بر اقدامات مقابله‌ای، نقش فعالی در آموزش و پیشگیری از فساد در میان اعضای حزب دارد.
- در ایران، فعالیت‌های پیشگیرانه و آموزشی در زمینه مبارزه با فساد کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد.

۵. شفافیت و گزارش‌دهی عمومی

- CCDI تلاش می‌کند با انتشار گزارش‌های عمومی درباره مبارزه با فساد، اعتماد عمومی را تقویت کند.
- در ایران، شفافیت در ارائه گزارش‌های مبارزه با فساد کمتر دیده می‌شود و اطلاعات عمدتاً به صورت پراکنده منتشر می‌شود.

۶. برخورد با فساد در سطوح بالا

- CCDI به طور فعال و علنی با فساد در سطوح بالای حزب و دولت برخورد می‌کند.
- در ایران، برخورد با فساد در سطوح بالای حکومتی اغلب با چالش‌های بیشتری مواجه است.

دفتر اول: چشم انداز سیاسی و ساختار حکومتی

بازوی ضد فساد حزب کمونیست چین است که بر اعضای حزب و مقامات دولتی نظارت می‌کند. تحقیقات و اقداماتی برای مقابله با فساد و نقض اصول انضباطی حزب انجام می‌دهد.

۴. اداره نظارت مالی و بانکداری (CBIRC)

در حالی که CCDI به دلیل تمرکزگرایی و اختیارات گسترده خود به عنوان یک نهاد قدرتمند و مؤثر در مبارزه با فساد عمل می‌کند، سیستم پراکنده و غیرمتمرکز ایران گاهی باعث کاهش کارآمدی و هماهنگی در این حوزه می‌شود. تقویت هماهنگی بین نهادها، شفافیت بیشتر، و ارتقای اقدامات پیشگیرانه می‌تواند ضعف‌های موجود در سیستم ایران را کاهش دهد.

- Central Commission for Discipline Inspection- Website: <http://www.ccdi.gov.cn>

۴۰- اداره نظارت مالی و بانکداری چین – (CBIRC) دارای وظایفی به شرح ذیل است:

۱. نظارت بر بانک‌ها: تنظیم مقررات، نظارت بر عملکرد بانک‌ها، و جلوگیری از ریسک‌های بانکی.
۲. نظارت بر شرکت‌های بیمه: ارزیابی عملکرد و مقررات‌گذاری در صنعت بیمه.
۳. نظارت بر سایر مؤسسات مالی: کنترل صندوق‌های سرمایه‌گذاری، مؤسسات اعتباری، و تعاونی‌های مالی.
۴. مدیریت ریسک مالی: جلوگیری از بروز بحران‌های مالی در مؤسسات تحت نظارت.
۵. حفاظت از منافع مصرف‌کنندگان: نظارت بر حقوق مشتریان در خدمات بانکی و بیمه.
۶. مبارزه با تخلفات مالی: مقابله با پولشویی، تقلب، و فعالیت‌های غیرقانونی مالی.
۷. تضمین ثبات مالی: پایش سیستم بانکی و بیمه‌ای برای جلوگیری از آسیب به اقتصاد کلان.

نهادهای متناظر در ایران

وظایف CBIRC در ایران میان چند نهاد تقسیم شده است:

۱. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران:
 - ✓ تنظیم مقررات و نظارت بر بانک‌ها و مؤسسات اعتباری.
 - ✓ مدیریت سیاست‌های پولی و ثبات سیستم بانکی.
۲. بیمه مرکزی ایران: نظارت بر شرکت‌های بیمه و تنظیم مقررات بیمه‌ای.
۳. سازمان بورس و اوراق بهادار (برای مؤسسات مالی سرمایه‌گذاری): نظارت بر صندوق‌های سرمایه‌گذاری و مؤسسات مالی غیر بانکی.
۴. شورای عالی مبارزه با پولشویی: سیاست‌گذاری و نظارت بر مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم.
۵. دیوان محاسبات کشور: نظارت بر عملکرد مالی نهادها و ارزیابی تطابق آن با قوانین مالی.
۶. مرکز نظارت بر مؤسسات مالی و اعتباری غیرمجاز (زیر نظر بانک مرکزی): مدیریت بحران‌ها و نظارت بر مؤسسات مالی غیرمجاز.

تفاوت‌های کلیدی بین CBIRC و نهادهای متناظر در ایران

۱. تمرکزگرایی در چین:
 - ✓ CBIRC یک نهاد واحد و متمرکز است که تمام وظایف نظارتی بر بانک‌ها، بیمه، و مؤسسات مالی را بر عهده دارد.
 - ✓ در ایران، این وظایف میان چندین نهاد پراکنده شده که ممکن است باعث عدم هماهنگی یا کندی در سیاست‌گذاری و اجرا شود.
۲. ساختار قانونی و قدرت اجرایی:
 - ✓ CBIRC دارای اختیارات مستقیم و گسترده برای اجرای سیاست‌های خود است.
 - ✓ در ایران، برخی نهادها مانند بانک مرکزی قدرت اجرایی محدودتری دارند و ممکن است با چالش‌های قانونی یا اجرایی مواجه شوند.

دفتر اول: چشم انداز سیاسی و ساختار حکومتی

این اداره مسئولیت نظارت بر بانک‌ها، شرکت‌های بیمه، و سایر مؤسسات مالی را بر عهده دارد. هدف آن تضمین ثبات مالی و حفاظت از منافع مصرف‌کنندگان است.

۵. کمیسیون تنظیم مقررات اوراق بهادار چین (CSRC)

۳. تمرکز بر ثبات مالی:

- ✓ در چین، CBIRC با نظارت بر تمامی مؤسسات مالی، رویکرد جامعی برای حفظ ثبات مالی دارد.
- ✓ در ایران، نهادهای مختلف تمرکز بیشتری بر حوزه‌های خاص خود دارند (بانک‌ها، بیمه، یا بازار سرمایه) و هماهنگی در حفظ ثبات مالی میان آنها ممکن است چالش‌برانگیز باشد.

۴. مبارزه با تخلفات مالی:

- ✓ CBIRC به صورت متمرکز وظیفه مبارزه با تخلفات مالی را دارد.
- ✓ در ایران، این وظیفه میان نهادهای مختلف از جمله شورای مبارزه با پولشویی، قوه قضائیه، و بانک مرکزی توزیع شده است. CBIRC یک نهاد متمرکز و جامع در حوزه نظارت مالی است، در حالی که در ایران وظایف مشابه بین نهادهای مختلف توزیع شده است. این پراکندگی در ایران گاهی منجر به کاهش سرعت و اثربخشی سیاست‌ها و نظارت‌ها می‌شود، در حالی که CBIRC با ساختار متمرکز خود از هماهنگی و سرعت عمل بیشتری برخوردار است.

- China Banking and Insurance Regulatory Commission- Website: <http://www.cbirc.gov.cn>

۴۱- کمیسیون تنظیم مقررات اوراق بهادار چین – (CSRC) دارای وظایفی به شرح ذیل است:

۱. نظارت بر بازار سرمایه: کنترل و نظارت بر فعالیت‌های بورس اوراق بهادار و بازار سرمایه.
۲. تنظیم مقررات: وضع مقررات برای تضمین شفافیت و رفتار عادلانه در بازار.
۳. حفاظت از سرمایه‌گذاران: اجرای سیاست‌ها و اقدامات لازم برای حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران.
۴. بررسی و تأیید عرضه اولیه سهام (IPO): تأیید شرکت‌هایی که قصد ورود به بورس و عرضه سهام خود را دارند.
۵. پایش تخلفات: شناسایی و برخورد با تخلفات مانند معاملات غیرقانونی و دستکاری بازار.
۶. افزایش شفافیت بازار: الزام شرکت‌های بورسی به افشای اطلاعات دقیق و به‌موقع.
۷. مدیریت ریسک در بازار سرمایه: نظارت بر کارگزاران، سرمایه‌گذاران، و مؤسسات مالی برای جلوگیری از بحران‌های احتمالی.
۸. ترویج توسعه بازار سرمایه: حمایت از نوآوری در بازار و توسعه ابزارهای مالی جدید.

نهادهای متناظر در ایران

۱. سازمان بورس و اوراق بهادار (SEO): اصلی‌ترین نهاد نظارتی و تنظیم‌کننده بازار سرمایه ایران، مشابه CSRC.
۲. شورای عالی بورس: سیاست‌گذاری و تعیین جهت‌گیری‌های کلان بازار سرمایه.
۳. کانون کارگزاران بورس و اوراق بهادار: نظارت بر عملکرد کارگزاران و ارائه دستورالعمل‌های حرفه‌ای.
۴. سازمان حسابرسی ایران (برای مسائل شفافیت): نظارت بر حسابرسی شرکت‌های بورسی و گزارش‌دهی مالی آنها.
۵. سازمان بازرسی کل کشور و قوه قضائیه (برای تخلفات): برخورد با تخلفات جدی در بازار سرمایه و دستکاری‌های بازار.

نقاط قوت کمیسیون تنظیم مقررات اوراق بهادار چین (CSRC)

۱. تمرکزگرایی و جامعیت:
 - ✓ تمام وظایف مربوط به تنظیم، نظارت، و اجرای قوانین در بازار سرمایه تحت مدیریت یک نهاد واحد است، که موجب هماهنگی بیشتر می‌شود.
 - ✓ در ایران، وظایف مشابه میان چند نهاد تقسیم شده که گاهی موجب موازی‌کاری یا تأخیر در اجرا می‌شود.
۲. حمایت از سرمایه‌گذاران:
 - ✓ CSRC سیاست‌های مؤثری برای حفاظت از سرمایه‌گذاران خرد و کاهش ریسک‌های بازار دارد.

دفتر اول: چشم انداز سیاسی و ساختار حکومتی

ناظر بازار سرمایه، بورس اوراق بهادار و فعالیت‌های سرمایه‌گذاری است. این نهاد مقررات مربوط به شفافیت و رفتار عادلانه در بازار را اجرا می‌کند.

۶. اداره نظارت بر بازار (SAMR)

✓ در ایران، حمایت از سرمایه‌گذاران خرد گاهی به دلیل نوسانات بازار و ضعف در شفافیت کافی نیست.

۳. قدرت اجرایی بالا:

✓ CSRC اختیارات گسترده‌ای برای اجرای مقررات و برخورد با تخلفات دارد.

✓ در ایران، سازمان بورس اختیارات محدودتری دارد و گاهی باید برای برخورد با تخلفات به مراجع قضایی متوسل شود.

۴. افزایش شفافیت:

✓ CSRC شرکت‌های بورسی را ملزم به افشای اطلاعات دقیق و منظم می‌کند.

✓ در ایران، ضعف‌هایی در افشای اطلاعات و شفافیت شرکت‌های بورسی وجود دارد.

۵. نوآوری و توسعه بازار: CSRC نقش فعالی در توسعه ابزارهای مالی جدید و تشویق سرمایه‌گذاری دارد.

نقاط ضعف کمیسیون تنظیم مقررات اوراق بهادار چین (CSRC)

۱. وابستگی سیاسی:

✓ CSRC مستقیماً تحت کنترل دولت چین است و ممکن است در مواجهه با تخلفات شرکت‌های بزرگ دولتی، استقلال کافی نداشته باشد.

✓ در ایران، سازمان بورس تا حدی مستقل‌تر از نهادهای سیاسی عمل می‌کند، اما همچنان تحت تأثیر سیاست‌های کلان اقتصادی قرار دارد.

۲. تمرکز شدید در تصمیم‌گیری:

✓ تمرکز زیاد ممکن است باعث کندی در تصویب مقررات یا رسیدگی به تخلفات در مقیاس وسیع شود.

✓ در ایران، تقسیم وظایف میان چند نهاد می‌تواند در شرایط خاص، مزیت ایجاد کند.

۳. نوسانات و عدم کنترل کامل بازار:

✓ با وجود مقررات سختگیرانه، بازار سرمایه چین همچنان دچار نوسانات شدید است.

✓ این وضعیت در ایران نیز به دلیل ضعف در مدیریت ریسک و شفافیت، دیده می‌شود.

CSRC به دلیل ساختار متمرکز و اختیارات گسترده، نقش مؤثری در تنظیم بازار سرمایه چین ایفا می‌کند. در ایران، وجود چند نهاد نظارتی موجب تقسیم وظایف شده که هم مزایا و هم معایبی مانند موازی کاری به همراه دارد. ارتقای شفافیت، افزایش استقلال سازمان بورس، و بهبود نظارت در هر دو سیستم می‌تواند به توسعه بازار سرمایه کمک کند.

- China Securities Regulatory Commission-Website: <http://www.csrc.gov.cn>

۴۲ - اداره نظارت بر بازار چین - (SAMR) دارای وظایفی به شرح ذیل است:

۱. تضمین رقابت عادلانه: جلوگیری از انحصار، کارتل‌ها، و رفتارهای ضد رقابتی.

۲. نظارت بر کیفیت محصولات: ارزیابی استانداردها و کنترل کیفیت محصولات تولیدی و وارداتی.

۳. حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان: رسیدگی به شکایات مصرف‌کنندگان و نظارت بر تبلیغات گمراه‌کننده.

۴. مدیریت علائم تجاری و ثبت اختراعات: نظارت بر مالکیت فکری و رسیدگی به تخلفات مربوط به علائم تجاری.

۵. کنترل قیمت‌ها: جلوگیری از افزایش قیمت‌های غیرقانونی و سوءاستفاده در بازار.

۶. بازرسی ایمنی محصولات: اطمینان از انطباق محصولات با مقررات ایمنی.

۷. نظارت بر صدور مجوز کسب‌وکار: تنظیم مجوزها و نظارت بر فعالیت کسب‌وکارها.

نهادهای متناظر در ایران

در ایران، وظایف SAMR میان چندین نهاد توزیع شده است:

دفتر اول: چشم انداز سیاسی و ساختار حکومتی

این نهاد وظیفه تضمین رقابت عادلانه، نظارت بر کیفیت محصولات، و حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان را بر عهده دارد.

همچنین مسائل مرتبط با استانداردهای ملی، گواهینامه‌ها، و اجرای قوانین ضد انحصار را مدیریت می‌کند.

۷. وزارت محیط زیست (MEE)

این نهاد اصلی دولتی مسئول حفاظت از اکوسیستم‌ها، مدیریت محیط زیست و سیاست‌گذاری‌های آب‌وهوایی در چین است. در سال ۲۰۱۸ از ادغام چند سازمان از جمله «وزارت حفاظت از محیط زیست» سابق و بخش‌های مرتبط با تغییرات اقلیمی «کمیسیون توسعه و اصلاحات ملی» تشکیل شد. وظایف کلیدی آن شامل تدوین قوانین محیط زیستی، نظارت بر کاهش آلودگی (هوا، آب، خاک و پسماند)، و اجرای استانداردهای ملی است. این وزارتخانه همچنین هماهنگی‌های بین‌المللی برای توافقنامه‌هایی مانند «کنوانسیون تغییرات آب‌وهوایی سازمان ملل» را رهبری می‌کند.

ساختار و برنامه‌های کلیدی

MEE از ۱۲ اداره تخصصی (شامل تغییرات اقلیمی، همکاری‌های بین‌المللی و بازرسی محیط زیستی) و پنج مرکز اجرایی منطقه‌ای تشکیل شده است. از پروژه‌های شاخص آن می‌توان به «ائتلاف توسعه سبز ابتکار کمربند و جاده» اشاره کرد که زیرساخت‌های پایدار را در کشورهای عضو ترویج می‌دهد. این وزارتخانه با تعیین «خطوط قرمز حفاظت اکولوژیکی»^۴ (مرزهای سختگیرانه برای حفظ مناطق حساس) و نظارت بر ایمنی هسته‌ای، نقش محوری در برنامه‌های زیست محیطی دارد.

۱. سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان: حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان و نظارت بر کیفیت و قیمت کالاها.
۲. سازمان تعزیرات حکومتی: مقابله با تخلفات اقتصادی مانند گران‌فروشی، احتکار، و انحصار.
۳. سازمان ملی استاندارد ایران: نظارت بر کیفیت و ایمنی محصولات و اجرای استانداردها.
۴. شورای رقابت: نظارت بر رقابت عادلانه در بازار و جلوگیری از انحصار.
۵. سازمان ثبت اسناد و املاک کشور (بخش مالکیت فکری): ثبت و حمایت از علائم تجاری، اختراعات، و مالکیت معنوی.

تفاوت‌های کلیدی بین SAMR و نهادهای متناظر در ایران

- تمرکزگرایی در چین: SAMR یک نهاد متمرکز است که همه وظایف مربوط به نظارت بر بازار را انجام می‌دهد.
- تعدد نهادها در ایران: وظایف مشابه SAMR در ایران میان نهادهای مختلفی توزیع شده که ممکن است هماهنگی کمتر و تفکیک وظایف بیشتری داشته باشند.
- رویکرد اجرایی: SAMR به دلیل ساختار متمرکز، اجرای سیاست‌ها را سریع‌تر و هماهنگ‌تر انجام می‌دهد، درحالی‌که در ایران گاهی موازی‌کاری یا تضاد میان نهادها دیده می‌شود.

- State Administration for Market Regulation- Website: <http://www.samr.gov.cn>

- Ministry of Ecology and Environment- Website: <http://www.mee.gov.cn>^{۴۳}

۴۴ - خطوط قرمز حفاظت اکولوژیکی (ECR) یکی از سیاست‌های کلیدی وزارت اکولوژی و محیط زیست چین برای تضمین امنیت زیست محیطی است. این برنامه با تعیین مرزهای سختگیرانه در مناطق دارای کارکردهای حیاتی اکوسیستمی (مانند تالاب‌ها، جنگل‌ها، فلات تبت و سواحل)، تنوع زیستی بالا یا حساسیت اکولوژیکی شدید، توسعه انسانی را محدود می‌کند. بر اساس داده‌های سال ۲۰۲۳، این خطوط

دفتر اول: چشم انداز سیاسی و ساختار حکومتی

گسترش نقش در توسعه پایدار

با تمرکز چین بر مفهوم «تمدن اکولوژیک»^۴ اختیارات MEE در ادغام اهداف محیط زیستی با برنامه‌های اقتصادی افزایش یافته است. اقداماتی مانند ممنوعیت واردات پسماند و ترویج اقتصاد چرخشی از سیاست‌های کلیدی آن هستند. این وزارتخانه با انتشار داده‌های لحظه‌ای کیفیت هوا و آب از طریق شبکه‌های نظارتی، شفافیت عمومی را تقویت می‌کند. ترکیب اقتدار نظارتی با پژوهش‌های علمی و همکاری‌های جهانی، هدف نهایی MEE را برای تعادل بین رشد صنعتی و پایداری اکولوژیک نشان می‌دهد.

۸. کمیسیون توسعه و اصلاحات ملی (NDRC)

کمیسیون ملی توسعه و اصلاحات (NDRC) چین به عنوان یک نهاد مرکزی مسئول تدوین و اجرای سیاست‌های مرتبط با توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور فعالیت می‌کند. این کمیسیون در سال ۲۰۰۳ تأسیس شد و نقش حیاتی در تنظیم کلان اقتصادی ایفا می‌کند، به‌ویژه از طریق نظارت بر سیستم برنامه‌ریزی که شامل تدوین برنامه‌های پنج‌ساله چین است. این برنامه‌ها جهت‌گیری استراتژیک برای رشد اقتصادی، پیشرفت اجتماعی و پایداری زیست‌محیطی کشور را مشخص می‌کنند. NDRC وظایف گسترده‌ای را در زمینه‌هایی مانند مدیریت انرژی، تخصیص منابع و توسعه زیرساخت‌ها بر عهده دارد و به همین دلیل یکی از بازیگران کلیدی در شکل‌دهی به چشم‌انداز اقتصادی کلی چین محسوب می‌شود.

یکی از مسئولیت‌های اصلی NDRC، توسعه استراتژی‌هایی است که رشد اقتصادی پایدار را ترویج کرده و در عین حال ثبات اجتماعی را تضمین کند. این کمیسیون روندهای اقتصادی داخلی و بین‌المللی را نظارت می‌کند،

قرمز بیش از ۳۰٪ از مساحت خشکی و ۱۵۰ هزار کیلومترمربع از مناطق دریایی چین را پوشش می‌دهند و شامل ۹۰٪ از گونه‌های جانوری وحشی و ۷۴٪ از اکوسیستم‌های کلیدی کشور می‌شوند. سیستم ECR با استفاده از شبکه نظارتی فضایی-زمینی (شامل ماهواره‌ها، برج‌های سنسور از دور و گشت‌های میدانی) فعالیت‌های غیرمجاز را رصد می‌کند و توسعه پروژه‌های صنعتی در این مناطق را ممنوع می‌کند. این خطوط به‌عنوان بخشی از چارچوب «تمدن اکولوژیک» چین، جایگزین رویکردهای بخشی گذشته شده و با ادغام برنامه‌ریزی شهری، کشاورزی و محیط زیست، از تبدیل جنگل‌ها و مراتع به مناطق صنعتی جلوگیری می‌کند. هدف نهایی، حفظ خدمات اکوسیستمی مانند تنظیم سیلاب، تثبیت شن‌های روان و تأمین آب شیرین است که در پی بحران‌هایی مانند سیل ۱۹۹۸ یانگتسه و طوفان‌های شن ۲۰۲۱ پکن شکل گرفت.

۴۵ - تمدن اکولوژیک چین یک چارچوب توسعه و حکمرانی است که از سال ۲۰۰۷ به عنوان بخشی از ایدئولوژی حزب کمونیست چین شکل گرفت و هدف آن ادغام اهداف زیست محیطی با برنامه‌های اقتصادی است. این مفهوم بر پایه اصل "آبهای زلال و کوههای سرسبز به مثابه داراییهای بی‌همتا" استوار است و به دنبال ایجاد تعادل بین رشد صنعتی و حفاظت از اکوسیستم هاست. در قالب این رویکرد، ساختارهای حکومتی مانند سیستم اقتصادی اکولوژیک (ترکیب صنایع سبز و اکولوژی-محور) و سیستم فرهنگی مبتنی بر ارزش‌های محیط زیستی ایجاد شده‌اند که توسعه پایدار را در سطوح ملی و محلی هدایت می‌کنند. این مفهوم در برنامه‌های کلیدی مانند طرح پنجساله ۱۴ و تعهد به کربن‌خنثی تا ۲۰۶۰ تجلی یافته و شامل اقداماتی مانند تعیین خطوط قرمز حفاظت اکولوژیکی (پوشش ۳۰٪ از خشکی‌های کشور) و ممنوعیت واردات پسماند می‌شود. تمدن اکولوژیک همچنین به عنوان ابزاری برای تقویت نقش بین‌المللی چین در حکمرانی آب‌وهوایی، از طریق ابتکاراتی مانند "کمربند و جاده سبز" عمل می‌کند. این رویکرد با بازتعریف رابطه انسان و طبیعت بر اساس فلسفه سنتی چین درباره هماهنگی با محیط زیست، به دنبال ایجاد الگویی جایگزین برای تمدن صنعتی غرب است.

دفتر اول: چشم انداز سیاسی و ساختار حکومتی

تأثیر آن‌ها بر اقتصاد چین را ارزیابی کرده و اقداماتی برای مقابله با چالش‌ها پیشنهاد می‌دهد. همچنین NDRC پروژه‌های سرمایه‌گذاری بزرگ را تنظیم کرده و برای سرمایه‌گذاری‌های قابل توجه در منابع طبیعی و زیرساخت‌های حیاتی نیاز به تأیید دارد. با هماهنگی با سایر وزارتخانه‌ها و دولت‌های محلی، NDRC به دنبال افزایش کارایی در استفاده از منابع و اطمینان از همراستایی ابتکارات توسعه با اهداف ملی است.

در سال‌های اخیر، NDRC نقش مهمی در پیشبرد "ابتکار کمربند و جاده (BRI)" چین ایفا کرده است که هدف آن افزایش تجارت جهانی و اتصال زیرساخت‌هاست. از طریق این ابتکار، کمیسیون نه تنها سرمایه‌گذاری در خارج از کشور را تسهیل می‌کند بلکه اطمینان حاصل می‌کند که چنین مشارکت‌هایی برای اقتصاد داخلی چین سودمند باشد. NDRC بر اهمیت تمدن اکولوژیک در چارچوب خود تأکید دارد و ملاحظات محیط زیستی را در برنامه‌ریزی اقتصادی ادغام می‌کند تا شیوه‌های توسعه پایدار را ترویج کند.

به طور کلی، کمیسیون ملی توسعه و اصلاحات به عنوان یک نهاد حیاتی در ساختار حکومتی چین عمل می‌کند که سیاست‌های اقتصادی را با اهداف توسعه اجتماعی پیوند می‌دهد. رویکرد جامع این کمیسیون به برنامه‌ریزی و تنظیم نشان‌دهنده آرزوهای چین برای رشد متوازن در عین مواجهه با چالش‌های معاصر مانند تغییرات اقلیمی و کمبود منابع است. با ترویج همکاری میان بخش‌های مختلف، NDRC به دنبال ایجاد اقتصادی مقاوم است که قادر به سازگاری با نیازهای داخلی و روندهای جهانی باشد. خلاصه‌ای تیتروار از شرح وظایف این کمیسیون و نهاد متناظر آن در ج.ا.ایران را در پاورقی تشریح نموده ایم^{۴۶}:

۴۶ - کمیسیون توسعه و اصلاحات ملی چین (NDRC): وظایف آن عبارتند از:

۱. برنامه‌ریزی اقتصادی کلان: تدوین برنامه‌های پنج‌ساله اقتصادی و تعیین اهداف رشد.
۲. نظارت بر اجرای سیاست‌های اقتصادی: پایش عملکرد اقتصادی و سیاست‌های توسعه‌ای.
۳. مدیریت انرژی و منابع طبیعی: تنظیم سیاست‌های انرژی و نظارت بر بهره‌برداری از منابع طبیعی.
۴. توسعه زیرساخت‌های استراتژیک: برنامه‌ریزی و نظارت بر پروژه‌های بزرگ زیرساختی.
۵. جذب سرمایه‌گذاری خارجی: سیاست‌گذاری برای جلب سرمایه‌گذاران خارجی در پروژه‌های ملی.
۶. حمایت از نوآوری: برنامه‌ریزی برای توسعه فناوری‌های پیشرفته و صنایع استراتژیک.
۷. نظارت بر قیمت‌ها و تورم: تنظیم قیمت‌های کلیدی و مدیریت شاخص‌های اقتصادی.

نهاد متناظر در ایران:

در کشورمان، مجموعه‌ای از نهادها به‌طور مشترک وظایف مشابه NDRC را بر عهده دارند، اما ساختار متمرکزی مشابه NDRC وجود ندارد. مهم‌ترین این نهادها عبارتند از:

۱. سازمان برنامه و بودجه کشور:
 - ✓ وظیفه برنامه‌ریزی اقتصادی و تنظیم برنامه‌های توسعه پنج‌ساله.
 - ✓ تهیه بودجه کل کشور و نظارت بر عملکرد اقتصادی دولت.
۲. وزارت امور اقتصادی و دارایی: تنظیم سیاست‌های اقتصادی و مدیریت سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی.
۳. وزارت نفت و وزارت نیرو: مسئول تنظیم و اجرای سیاست‌های انرژی و مدیریت منابع نفت، گاز، و برق.
۴. شورای اقتصاد: نهادی عالی برای سیاست‌گذاری کلان اقتصادی و بررسی پروژه‌های زیرساختی بزرگ.
۵. شورای عالی انرژی: تعیین و نظارت بر سیاست‌های حوزه انرژی و منابع طبیعی.

۹. اداره کل گمرک (GACC)

اداره کل گمرک (GACC) جمهوری خلق چین یک نهاد در سطح وزارتخانه است که مسئول نظارت و مدیریت عملیات گمرکی در سراسر کشور می‌باشد. این اداره به منظور کنترل و تنظیم واردات و صادرات کالاها و خدمات تأسیس شده و نقش حیاتی در جمع‌آوری مالیات‌ها و عوارض مختلف، از جمله مالیات بر ارزش افزوده (VAT)، عوارض گمرکی و مالیات‌های غیرمستقیم ایفا می‌کند. GACC تحت یک ساختار مدیریتی متمرکز فعالیت می‌کند و به طور مستقیم به شورای دولتی چین گزارش می‌دهد، که این امر به آن اجازه می‌دهد تا بر تمامی مناطق گمرکی در سطح کشور نظارت داشته باشد. این سازماندهی سلسله‌مراتبی اطمینان حاصل می‌کند که عملیات گمرکی همگن و هماهنگ با سیاست‌های ملی باشد.

مسئولیت‌های GACC شامل دامنه وسیعی از وظایف است، از جمله بازرسی‌های ورودی و خروجی، اقدامات قرنطینه برای کالاهای وارداتی و صادراتی، و اجرای مقررات گمرکی. این اداره حدود ۶۷۸ پست گمرکی را در ۴۲ منطقه مدیریت می‌کند و حدود ۱۰۰,۰۰۰ نفر پرسنل دارد که وظایف اساسی مانند بررسی سلامت در مرزها، بازرسی محصولات غذایی و کشاورزی، و نظارت بر انطباق با توافقنامه‌های تجاری بین‌المللی را انجام می‌دهند. GACC همچنین با سایر نهادهای مرزی همکاری می‌کند تا امنیت را افزایش داده و فرآیندهای تجاری را تسهیل کند و در عین حال منافع ملی را حفظ نماید.

در سال‌های اخیر، GACC بر روی مدرن‌سازی عملیات خود تمرکز کرده است، از جمله اجرای سیستم الکترونیکی ترخیص کالا^{۴۷} این مدرن‌سازی به منظور تسهیل رویه‌ها در بنادر و بهبود کارایی عملیات گمرکی

۶. سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران: برنامه‌ریزی و نظارت بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی.

تفاوت‌های کلیدی بین NDRC و نهادهای متناظر در ایران:

- در چین، NDRC یک نهاد متمرکز و قدرتمند است که تقریباً همه امور مربوط به برنامه‌ریزی و نظارت اقتصادی را انجام می‌دهد.
- در ایران، وظایف مشابه به صورت پراکنده بین چندین نهاد تقسیم شده است، که می‌تواند باعث هماهنگی کمتر و پیچیدگی بیشتر در سیاست‌گذاری شود.

- National Development and Reform Commission (NDRC)- Website: <http://www.ndrc.gov.cn>

۴۷ - سیستم ترخیص الکترونیکی گمرک (E-Customs Clearance System) اداره کل گمرک چین (GACC) به منظور تسهیل و تسریع فرآیندهای گمرکی طراحی شده است. این سیستم به شرکت‌ها این امکان را می‌دهد که اطلاعات مربوط به واردات و صادرات خود را به صورت الکترونیکی ارسال کنند. پس از دریافت داده‌های اظهارنامه الکترونیکی، مرکز بررسی اسناد گمرک ابتدا صلاحیت شرکت اظهارکننده و نماینده گمرکی را تأیید می‌کند و سپس داده‌های اظهارنامه را به صورت خودکار مورد بررسی قرار می‌دهد. اگر داده‌ها تمامی معیارهای لازم را پاس کنند، سیستم به طور خودکار آن‌ها را قبول می‌کند و اطلاعات به گمرک محلی ارسال می‌شود تا مراحل بعدی از جمله محاسبه مالیات و عوارض انجام شود.

این سیستم همچنین شامل پرداخت الکترونیکی مالیات است که به شرکت‌ها اجازه می‌دهد تا عوارض مربوطه را به صورت آنلاین پرداخت کنند. پس از اینکه مشتریان دستور پرداخت مالیات را ارائه کردند، بانک مربوطه مالیات را از حساب آن‌ها کسر کرده و به حساب‌های مربوطه منتقل می‌کند. این فرآیند نه تنها زمان ترخیص کالاها را کاهش می‌دهد بلکه هزینه‌های مرتبط با تجارت را نیز پایین می‌آورد. به طور کلی، سیستم ترخیص الکترونیکی گمرک چین با هدف افزایش کارایی، کاهش زمان انتظار و تسهیل تجارت بین‌المللی طراحی شده است.

دفتر اول: چشم انداز سیاسی و ساختار حکومتی

انجام می‌شود. علاوه بر این، GACC پس از ادغام وظایف دفاتر پیشین بازرسی و قرنطینه چین (CIQ)، مسئولیت‌های گسترده‌تری را بر عهده گرفته است که به آن اجازه می‌دهد نظارت بیشتری بر بازرسی‌های مرتبط با ایمنی غذایی و محصولات کشاورزی داشته باشد. این تغییر نشان‌دهنده تعهد چین به افزایش تسهیل تجارت در عین حفظ استانداردهای ایمنی است.

به طور کلی، اداره کل گمرک به عنوان یک نهاد حیاتی در چارچوب اقتصادی چین عمل می‌کند که تعادل بین تسهیل تجارت و اجرای مقررات را برقرار می‌سازد. با حفظ نظارت قوی بر عملیات گمرکی و انطباق مداوم با دینامیک‌های تجارت جهانی، GACC نقش کلیدی در حمایت از رشد اقتصادی چین در عین حفاظت از سلامت عمومی و امنیت ملی ایفا می‌کند خلاصه ای تیتروار از شرح وظایف گمرک چین و گمرک ج.ا.ایران را در پاورقی تشریح نموده ایم.^{۴۸}

۴۸- اداره کل گمرک چین - (GACC) وظایفی به شرح ذیل دارد:

۱. نظارت بر واردات و صادرات: بررسی کالاهای وارداتی و صادراتی برای انطباق با قوانین و مقررات تجاری.
۲. جمع‌آوری تعرفه‌ها و مالیات‌ها: اعمال و جمع‌آوری حقوق گمرکی و مالیات‌های مرتبط با تجارت خارجی.
۳. مبارزه با قاچاق: شناسایی و مقابله با قاچاق کالا و تخلفات تجاری.
۴. تضمین انطباق با مقررات تجاری: اجرای قوانین ملی و بین‌المللی مرتبط با تجارت.
۵. صدور گواهی‌های ترخیص کالا: تسهیل و تأیید فرآیند ترخیص کالاها.
۶. کنترل مرزی: بررسی کالاها، افراد، و وسایل نقلیه در مرزها و بنادر.
۷. نظارت بر امنیت زنجیره تأمین جهانی: تضمین ایمنی در زنجیره تأمین تجارت بین‌المللی.
۸. مدیریت استانداردهای واردات و صادرات: کنترل کیفیت و استاندارد کالاها.
۹. پایش داده‌های تجاری: جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات تجاری برای حمایت از سیاست‌گذاری.

نهادهای متناظر در ایران

۱. گمرک جمهوری اسلامی ایران: اصلی‌ترین نهاد نظارت بر واردات و صادرات کالا، جمع‌آوری تعرفه‌ها، و مبارزه با قاچاق.
۲. ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز: مقابله با قاچاق در همکاری با سایر دستگاه‌ها از جمله گمرک.
۳. وزارت صنعت، معدن و تجارت (صمت): مدیریت برخی جنبه‌های سیاست‌های تجاری و نظارت بر صدور مجوزهای واردات و صادرات.
۴. سازمان ملی استاندارد ایران: مسئول کنترل کیفیت و استاندارد کالاهای وارداتی و صادراتی.

نقاط قوت اداره کل گمرک چین (GACC)

۱. تمرکزگرایی و هماهنگی بالا:
 - ✓ GACC یک نهاد واحد و متمرکز با اختیارات جامع است که تمام فعالیت‌های گمرکی و تجاری را مدیریت می‌کند.
 - ✓ در ایران، وظایف گمرک بین چندین نهاد و سازمان تقسیم شده که ممکن است باعث کاهش هماهنگی شود.
۲. فناوری پیشرفته و دیجیتال‌سازی:
 - ✓ GACC از فناوری‌های پیشرفته برای تسریع فرآیندها، کاهش خطا، و شفافیت استفاده می‌کند.
 - ✓ در ایران، با وجود تلاش‌هایی در زمینه الکترونیکی شدن گمرک، همچنان موانعی در اجرای کامل این فناوری وجود دارد.
۳. توانمندی بالا در مبارزه با قاچاق:
 - ✓ همکاری نزدیک GACC با نهادهای امنیتی و مرزبانی باعث کاهش قابل توجه قاچاق در چین شده است.
 - ✓ در ایران، قاچاق کالا همچنان چالش بزرگی است که به دلیل ضعف هماهنگی میان نهادهای مختلف تشدید می‌شود.

۱. سازمان محلی بازرسی و نظارت

کمیسیون‌های محلی بازرسی و نظارت بر انضباط^۹ در چین نقش حیاتی در حفظ یکپارچگی و مسئولیت‌پذیری حزب کمونیست چین (CPC) در سطوح مختلف دولت ایفا می‌کنند. این کمیسیون‌ها بخشی از چارچوب گسترده‌تری هستند که توسط کمیسیون مرکزی بازرسی انضباط (CCDI) و کمیسیون ملی نظارت (NSC) تأسیس شده است. این نهادها به‌طور مشترک برای اجرای انضباط حزبی و نظارت بر مقامات دولتی فعالیت می‌کنند. کمیسیون‌های محلی تحت رهبری مستقیم CCDI عمل می‌کنند و مسئول اجرای تدابیر انضباطی، اطمینان از رعایت مقررات حزبی و انجام تحقیقات در مورد تخلفات اعضای حزب و کارمندان دولتی هستند. تأسیس کمیسیون‌های محلی از طریق اصلاحات قانون اساسی و دستورات مربوط به افزایش کارایی آن‌ها رسمی شده است. این کمیسیون‌ها توسط کنگره‌های مردمی در سطوح شهرستانی و بالاتر منصوب می‌شوند که اطمینان حاصل می‌کند که آن‌ها به ساختارهای حکومتی محلی و نهادهای نظارتی بالاتر پاسخگو هستند. این پاسخگویی دوگانه به منظور تسهیل عملیات و بهبود هماهنگی بین سطوح مختلف بازرسی انضباطی طراحی شده است. کمیسیون‌های محلی نه تنها انضباط حزبی را اجرا می‌کنند بلکه همچنین صلاحیت نظارت بر تمامی کارمندان بخش عمومی در حوزه‌های خود را دارند که به این ترتیب دامنه فعالیت‌های خود را در مبارزه با فساد و اطمینان

۴. مدیریت استانداردهای واردات و صادرات:

- ✓ GACC به‌طور مستقل مسئول کنترل استانداردها و کیفیت کالاها است.
- ✓ در ایران، این وظیفه میان چند نهاد مانند گمرک و سازمان استاندارد تقسیم شده است.

نقاط ضعف اداره کل گمرک چین (GACC)

۱. وابستگی به سیاست‌های تجاری دولت:

- ✓ GACC کاملاً تحت تأثیر سیاست‌های تجاری و اقتصادی دولت چین عمل می‌کند و ممکن است در برخی مواقع استقلال کافی نداشته باشد.

- ✓ گمرک ایران نیز تحت تأثیر مستقیم سیاست‌های دولت است، اما این وابستگی گاهی باعث ضعف در اجرای قوانین مستقل می‌شود.

۲. تمرکز بیش از حد:

- ✓ تمرکز گسترده وظایف در GACC ممکن است گاهی موجب کندی در تصمیم‌گیری‌ها شود.
- ✓ در ایران، توزیع وظایف بین چند نهاد، گرچه چالش‌هایی دارد، می‌تواند مزایای چابکی در برخی جنبه‌ها ایجاد کند.

۳. چالش‌های شفافیت در اجرا:

- ✓ با وجود فناوری‌های پیشرفته، امکان سوءاستفاده و فساد در فرآیندهای گمرکی GACC به دلیل حجم عظیم فعالیت‌ها وجود دارد.
- ✓ ایران نیز با مشکلات مشابهی در زمینه فساد و شفافیت در گمرک روبه‌رو است.
- GACC با تمرکزگرایی، دیجیتال‌سازی پیشرفته، و همکاری با نهادهای امنیتی، مدلی مؤثر برای مدیریت گمرک و تجارت خارجی ارائه داده است. در ایران، ارتقای هماهنگی بین گمرک و سایر نهادها، توسعه فناوری، و کاهش فساد می‌تواند به بهبود کارآمدی این سیستم کمک کند.

- General Administration of Customs of the People's Republic of China : <https://english.customs.gov.cn/>

^۹Local Discipline Inspection and Supervision Commission- <http://www.ldr.gov.cn>

دفتر اول: چشم انداز سیاسی و ساختار حکومتی

از رعایت قوانین و مقررات گسترش می‌دهند. خلاصه ای تیتروار از شرح وظایف کمیسیون‌های محلی بازرسی و نظارت بر انضباط و نهاد متناظر در ج.ا.ایران را در پاورقی تشریح نموده ایم.^{۵۰}

در عمل، کمیسیون‌های محلی از روش‌های مختلفی برای نظارت استفاده می‌کنند، از جمله بازرسی‌های منظم، سمینارها و ابتکارات مشارکت عمومی. آن‌ها موظفند به شکایات عمومی رسیدگی کنند، گزارشات افشاگران را مدیریت کرده و بازرسی‌های ویژه‌ای را بر اساس نیاز انجام دهند. همچنین، این کمیسیون‌ها بر آموزش اعضای حزب در مورد قوانین و مقررات حزبی تأکید دارند تا فرهنگ رعایت و مسئولیت‌پذیری را ترویج کنند. این رویکرد پیشگیرانه هدفش جلوگیری از تخلفات قبل از وقوع آن‌هاست، در حالی که مسائل موجود در بین اعضای حزب را نیز مورد بررسی قرار می‌دهد.

با وجود قدرت‌های گسترده‌ای که دارند، کمیسیون‌های محلی با چالش‌هایی مانند حفظ استقلال از تأثیرات سیاسی محلی و اطمینان از اینکه تحقیقات آن‌ها بدون مداخله انجام شود، مواجه هستند. کارایی این کمیسیون‌ها به شدت به توانایی آن‌ها در پیمایش در چشم‌اندازهای سیاسی پیچیده بستگی دارد، در حالی که اصول شفافیت و انصاف

۵۰ - نهاد متناظر با کمیسیون مرکزی بازرسی انضباط (CCDI) چین در جمهوری اسلامی ایران را با توجه به وظایف و اهداف آن می‌توان با دیوان محاسبات کشور ج.ا.ایران که یک نهاد دولتی مستقل و تحت نظارت مجلس شورای اسلامی و به عنوان **بازوی نظارتی** مجلس انجام وظیفه می‌کند، دانست. کمیسیون مرکزی بازرسی انضباط کمیسیون مرکزی بازرسی انضباط چین در چین و محاسبات کشور در ایران به عنوان نهادهای کلیدی برای حفظ یکپارچگی و مسئولیت‌پذیری در سیستم‌های سیاسی خود عمل می‌کنند، هرچند که تحت چارچوب‌های متفاوتی فعالیت می‌کنند و دامنه اختیارات آن‌ها نیز متفاوت است.

شباهت‌ها:

هر دو نهاد وظیفه مبارزه با فساد و اطمینان از رعایت قوانین و مقررات در کشور خود را دارند. CCDI بر اجرای انضباط داخلی در میان اعضای حزب کمونیست چین تمرکز دارد، در حالی که محاسبات ج.ا.ایران نظارت بر شیوه‌های مالی و اداری نهادهای دولتی را به منظور تضمین شفافیت و پاسخگویی انجام می‌دهد.

هر نهاد دارای اختیاراتی برای انجام تحقیقات در مورد تخلفات است، اگرچه کمیسیون مرکزی بازرسی انضباط چین عمدتاً در ساختار حزب کمونیست فعالیت می‌کند، در حالی که محاسبات کشور ایران در چارچوب گسترده‌تری از دولت، شامل حسابرسی بخش عمومی، عمل می‌کند. هدف هر دو نهاد افزایش حکمرانی و اعتماد عمومی از طریق رسیدگی به مسائل فساد و سوء استفاده است که به دستور کار ضد فساد کشورهای خود کمک می‌کند.

تفاوت‌ها:

کمیسیون مرکزی بازرسی انضباط چین یک نهاد تحت کنترل حزب است که عمدتاً بر اعضای حزب کمونیست چین تمرکز دارد و بخشی اساسی از حکمرانی داخلی حزب محسوب می‌شود. در مقابل، محاسبات ج.ا.ایران یک نهاد قضایی مستقل است که بر تمامی نهادهای دولتی و عمومی در ایران حسابرسی انجام می‌دهد و بیشتر بر نظارت مالی تمرکز دارد تا انضباط حزبی.

کمیسیون مرکزی بازرسی انضباط چین دارای قدرت سیاسی قابل توجهی است و مستقیماً در پاکسازی‌های سیاسی و اقدامات انضباطی علیه مقامات حزبی دخالت دارد، در حالی که نقش محاسبات ایران بیشتر بر حسابرسی مالی و گزارش تخلفات متمرکز است بدون دخالت مستقیم در اجرای سیاست‌ها.

ساختار رهبری نیز متفاوت است؛ اعضای CCDI توسط کنگره ملی حزب کمونیست انتخاب می‌شوند، در حالی که اعضای محاسبات کشور از طریق مکانیزم‌های مختلفی که بر استقلال قضایی تأکید دارند، منصوب می‌شوند.

به طور خلاصه، هرچند که CCDI و محاسبات کشور هر دو به دنبال حفظ یکپارچگی در سیستم‌های خود هستند، چارچوب‌های عملیاتی، دامنه اختیارات و روش‌های اجرایی آن‌ها منعکس‌کننده زمینه‌های سیاسی متفاوت چین و ایران است.

دفتر اول: چشم انداز سیاسی و ساختار حکومتی

را در عملیات خود حفظ می‌کنند. به عنوان بخشی از اصلاحات جاری، تلاش مداومی برای تقویت قابلیت‌های آن‌ها وجود دارد تا اطمینان حاصل شود که آن‌ها به طور مؤثر به دستور کار ضد فساد CPC کمک می‌کنند و تعهد چین به تقویت حکمرانی در تمامی سطوح را منعکس می‌نمایند.

خلاصه ای از ویژگی‌های کلیدی و ساختار حکومت چین

حکومت چین یکی از قدیمی‌ترین و پیچیده‌ترین سیستم‌های حکومتی جهان است که بر پایه اصول حزب کمونیست چین (CPC) و ترکیب خاصی از ساختارهای متمرکز و غیرمتمرکز عمل می‌کند. ویژگی‌های کلیدی این حکومت شامل موارد زیر است:

۱. حزب کمونیست چین (CPC) به عنوان محور قدرت

حزب کمونیست نقش محوری در مدیریت سیاسی و اقتصادی کشور ایفا می‌کند. ساختار حزب شامل نهادهای کلیدی مانند کنگره ملی حزب، کمیته مرکزی، دفتر سیاسی (پولیتبورو)، و کمیته دائمی پولیتبورو است که تصمیم‌گیری‌های اصلی در کشور را انجام می‌دهند. دبیر کل حزب (معمولاً رئیس‌جمهور کشور) در رأس قدرت قرار دارد.

۲. ساختار یک‌حزبی

سیستم یک‌حزبی در چین، که تحت تسلط حزب کمونیست چین (CPC) قرار دارد، نتیجه‌ای از عوامل تاریخی، ایدئولوژیک و ساختاری است. از زمان تأسیس جمهوری خلق چین در سال ۱۹۴۹، پس از شکست رقبای ملی‌گرا، حزب کمونیست قدرت سیاسی را به طور کامل در دست گرفته است. این تمرکز قدرت ریشه در اصول مارکسیسم-لنینیسم دارد و تحت رهبری‌های مختلف، به ویژه شی جین‌پینگ، که از سال ۲۰۱۲ به طور قابل توجهی قدرت را متمرکز کرده است، تکامل یافته است. رهبری شی شاهد حذف محدودیت‌های دوره‌ای و ایجاد یک فرهنگ شخصیت بوده است که عملاً چک و بالانس‌ها را در داخل حزب و ساختار دولتی از بین برده است.

از نظر قانونی، این تسلط یک‌حزبی در ماده ۱ قانون اساسی جمهوری خلق چین^{۵۱} گنجانده شده است که حزب کمونیست را به عنوان حزب حاکم معرفی می‌کند و نقش رهبری آن در حکومت را مشخص می‌سازد. همچنین، این ماده بیان می‌کند که "ویژگی تعریف‌کننده سوسیالیسم با ویژگی‌های چینی، رهبری حزب کمونیست چین است" و هرگونه اقدام برای آسیب رساندن به سیستم سوسیالیستی ممنوع است. این چارچوب قانونی نه تنها تسلط CPC را مشروعیت می‌بخشد بلکه توانایی آن را برای سرکوب نارضایتی و حفظ ثبات از طریق شیوه‌های سختگیرانه حکومتی تسهیل می‌کند

۵۱ - ماده ۱ قانون اساسی جمهوری خلق چین به شرح زیر است: "جمهوری خلق چین یک دولت سوسیالیستی است که تحت حاکمیت دیکتاتوری دموکراتیک (democratic dictatorship) مردم قرار دارد و توسط طبقه کارگر رهبری می‌شود و بر اساس اتحاد کارگران و دهقانان بنا شده است. سیستم سوسیالیستی، سیستم بنیادی جمهوری خلق چین است. رهبری حزب کمونیست چین، ویژگی اصلی سوسیالیسم با ویژگی‌های چینی است. هرگونه اقدام از سوی هر سازمان یا فردی که به سیستم سوسیالیستی آسیب برساند، ممنوع است."

دفتر اول: چشم انداز سیاسی و ساختار حکومتی

۱. نظام متمرکز و کنترل ایدئولوژیک

تمام نهادهای دولتی موظف به تبعیت از اصول ایدئولوژیک حزب هستند. در چین، کنترل ایدئولوژیک یک مکانیزم حیاتی است که توسط حزب کمونیست چین (CPC) به منظور حفظ قدرت و اطمینان از همراستایی تمامی نهادهای دولتی با اصول حزبی اعمال می‌شود. این کنترل از طریق روش‌های مختلفی مانند برنامه‌های آموزشی، تبلیغات رسانه‌ای و مقررات سخت‌گیرانه بر روی گفتمان عمومی به اجرا درمی‌آید. حزب کمونیست نظارت دقیقی بر خلوص ایدئولوژیک در تمامی بخش‌های جامعه، به‌ویژه در مؤسسات آموزشی دارد، جایی که برنامه‌های درسی و اعضای هیئت علمی به‌دقت تحت نظر قرار می‌گیرند تا ایدئولوژی حزبی ترویج یابد و نظرات مخالف سرکوب شود. این رویکرد هدفش ایجاد یک هویت ملی یکپارچه و جلوگیری از تأثیر ایدئولوژی‌های خارجی است که می‌تواند مشروعیت و حکومت حزب را به چالش بکشد.

کنترل ایدئولوژیک در چین از چارچوب قانون اساسی ناشی می‌شود که بر نقش رهبری حزب کمونیست تأکید دارد. ماده ۱ قانون اساسی به‌صراحت بیان می‌کند که جمهوری خلق چین یک دولت سوسیالیستی تحت رهبری حزب کمونیست است، که بر تسلط حزب در شکل‌دهی به سیاست‌ها و ارزش‌های اجتماعی تأکید می‌کند. این دستور قانونی ضرورت پیروی تمامی نهادهای دولتی و مؤسسات آموزشی از ایدئولوژی حزبی را تقویت می‌کند و بدین ترتیب محیطی را ایجاد می‌کند که در آن نارضایتی مورد سرکوب قرار می‌گیرد و انطباق با اصول حزبی الزامی است.

ادغام حزب و دولت: سیاست‌ها توسط حزب تعیین و توسط دولت اجرا می‌شود.

ادغام حزب و دولت در چین عمدتاً در ماده ۱ قانون اساسی جمهوری خلق چین بیان شده است که تصریح می‌کند کشور یک دولت سوسیالیستی تحت رهبری حزب کمونیست چین (CPC) است. این ماده تأکید می‌کند که حزب کمونیست رهبری دولت را بر عهده دارد و سیاست‌های آن از طریق سازوکارهای دولتی اجرا می‌شود، و بدین ترتیب چارچوبی را ایجاد می‌کند که در آن اقتدار حزب در حکمرانی برتر است.

دلیل این ادغام ناشی از باور بنیادین حزب کمونیست به حفظ یک ساختار سیاسی یکپارچه است که در آن تمام قدرت دولتی از حزب نشأت می‌گیرد و توسط آن اعمال می‌شود. این یکپارچگی تضمین می‌کند که حزب بتواند به‌طور مؤثر سیاست‌های خود را بدون مخالفت اجرا کند و اصول سوسیالیستی و کنترل متمرکز را منعکس کند. به‌طور تاریخی، این رویکرد پس از رویدادهایی مانند اعتراضات میدان تیان‌آن‌من تقویت شده است، که عزم حزب را برای حفظ کنترل سخت‌گیرانه بر امور دولتی به منظور جلوگیری از نارضایتی و حفظ نقش رهبری خود تحکیم کرد.

عدم تفکیک قوا: برخلاف بسیاری از کشورهای دیگر، تفکیک قوا در سیستم حکومتی چین به شکل معمول وجود ندارد.

در سیستم دولتی چین، عدم تفکیک قوا یک ویژگی اساسی است که آن را از بسیاری از کشورهای دیگر متمایز می‌کند. قانون اساسی جمهوری خلق چین به‌طور رسمی به وجود شاخه‌های مجزای دولت اشاره نمی‌کند؛ بلکه یک ساختار یکپارچه را برقرار می‌سازد که در آن حزب کمونیست چین (CPC) بر تمام عملکردهای دولتی

دفتر اول: چشم انداز سیاسی و ساختار حکومتی

تسلط دارد. این به این معنی است که قوای مقننه، مجریه و قضائیه به طور مستقل عمل نمی کنند، بلکه تحت رهبری حزب کمونیست ادغام شده اند. کنگره ملی خلق (NPC) به عنوان "بالاترین ارگان قدرت دولتی"^{۵۲} شناخته می شود، اما عمده‌تاً به اجرای سیاست‌های حزبی می پردازد و نه به عنوان یک نهاد قانون گذاری مستقل عمل می کند. این تمرکز قدرت ریشه در باور به این دارد که رهبری یکپارچه برای حفظ ثبات و پیشبرد اهداف سوسیالیستی ضروری است، همان طور که توسط رهبرانی مانند دنگ شیائو پینگ بیان شده است. عدم تفکیک قوا همچنین در کشورهای دیگری مانند کره شمالی و ویتنام مشاهده می شود. در این کشورها، مشابه چین، حزب حاکم بر عملکردهای دولتی تسلط دارد و دولت بدون تقسیم واضح بین مسئولیت‌های مقننه، مجریه و قضائیه عمل می کند. این وضعیت منجر به ایجاد یک محیط سیاسی می شود که در آن دستورات حزبی اقدامات دولتی را تعیین می کند و محدودیت‌هایی برای چک‌ها و تعادل‌هایی که معمولاً در سیستم‌های دموکراتیک وجود دارد، ایجاد می کند.

۲. ساختار سه لایه ای دولت

دولت مرکزی: شامل شورای دولتی (کابینه)، رئیس جمهور، نخست وزیر، و وزارتخانه‌ها است.

دولت‌های محلی: در سطوح استانی، شهری و روستایی تقسیم می شود. آن‌ها مسئول اجرای سیاست‌های ملی و تصمیم‌گیری‌های منطقه‌ای هستند.

مجالس و نهادهای قانون گذاری: شامل کنگره ملی خلق (NPC) و کنگره‌های محلی است که قوانین را تصویب می کنند.

۳. کنگره ملی خلق (NPC)

بزرگ‌ترین نهاد قانون گذاری در چین است و نقش کلیدی در تصویب قوانین، نظارت بر عملکرد دولت و انتخاب یا تأیید مقام‌های ارشد ایفا می کند.

کمیته دائمی NPC، وظیفه مدیریت جلسات و اجرای تصمیمات کنگره را بر عهده دارد.

^{۵۲} - کنگره ملی خلق (NPC) به عنوان "بالاترین ارگان قدرت دولتی" در چین شناخته می شود که نشان دهنده نقش برجسته آن در ساختار سیاسی کشور است. این عنوان به این معنی است که NPC دارای بالاترین اختیارات در زمینه‌های قانونی است، از جمله قدرت اصلاح قانون اساسی، تصویب قوانین و نظارت بر اجرای سیاست‌های دولتی. کنگره ملی خلق از نمایندگان منتخب از مناطق و بخش‌های مختلف تشکیل شده است که نمایندگی را در سطح ملی تضمین می کند. مسئولیت‌های آن شامل انتخاب مقامات کلیدی دولتی، مانند رئیس جمهور و معاون رئیس جمهور، و تأیید تصمیمات عمده ملی، از جمله بودجه و برنامه‌های توسعه است. اگرچه این کنگره تنها یک بار در سال برای یک جلسه کوتاه تشکیل می شود، اما در این زمان اختیارات قانونی خود را به عنوان نهاد قانون گذاری عالی اعمال می کند.

با این حال، در حالی که NPC به طور قانونی به عنوان بالاترین ارگان دولتی معرفی می شود، قدرت واقعی آن اغلب به دلیل تسلط حزب کمونیست چین (CPC) محدود تلقی می شود. تصمیمات عمده معمولاً در ساختار حزبی اتخاذ می شوند و سپس برای تأیید به NPC ارائه می شوند. بنابراین، اگرچه NPC اختیارات گسترده‌ای دارد، اما در عمل بیشتر به عنوان یک نهاد تأییدکننده برای تصمیمات از پیش اتخاذ شده توسط CPC عمل می کند. بدین ترتیب، هرچند که به عنوان بالاترین ارگان قدرت دولتی توصیف می شود، کارایی آن به کنترل کلی حزب بر حکمرانی چین بستگی دارد.

۴. قوه قضائیه

قوه قضائیه جمهوری خلق چین به عنوان یک سیستم سلسله مراتبی طراحی شده است که هدف آن حفظ قوانین و سیاست های حزب کمونیست است. این قوه شامل چهار سطح دادگاه است: دیوان عالی مردم، دادگاه های عالی مردم، دادگاه های میانه مردم و دادگاه های بدوی مردم. دیوان عالی مردم، واقع در پکن، به عنوان بالاترین نهاد قضایی عمل می کند و نظارت بر اجرای عدالت در تمامی دادگاه های پایین تر را بر عهده دارد. این دیوان به بررسی تجدیدنظر از دادگاه های پایین تر می پردازد و صلاحیت اصلی پرونده های مهم ملی را دارد. دادگاه های محلی نیز مسئول رسیدگی به پرونده های کیفری و مدنی در سطوح مختلف هستند و اطمینان حاصل می کنند که عدالت مطابق با سیاست های حزبی و قوانین دولتی اجرا شود.

قضات در چین توسط کنگره های محلی مردم منصوب یا انتخاب می شوند و باید به اصول تعیین شده توسط حزب کمونیست پایبند باشند. قوه قضائیه تحت یک سیستم تحقیقاتی عمل می کند که در آن قضات به طور فعال در سوال کردن از شاهدان شرکت دارند، که با سیستم های متعارضی که در بسیاری از کشورهای غربی وجود دارد، تفاوت دارد. علاوه بر این، فرآیند قضایی تحت تأثیر کنترل کلی حزب قرار دارد که استقلال قضایی را محدود می کند. اگرچه قانون اساسی تضمین می کند که دادگاه های مردم قدرت قضایی را به طور مستقل اعمال می کنند، اما در عمل، آن ها اغلب به عنوان ابزارهایی برای اجرای دستورات حزبی عمل می کنند و نه به عنوان داوران مستقل عدالت. این ادغام منعکس کننده زمینه سیاسی وسیع تری است که قوه قضائیه در آن فعالیت می کند و بر وفاداری به حزب و سیاست های آن تأکید دارد. به تفصیل در مبحث قوه قضائیه به تشریح آن خواهیم پرداخت.

۵. کمیسیون نظامی مرکزی

کمیسیون مرکزی نظامی چین (CMC) به عنوان بالاترین نهاد رهبری نظامی در حزب کمونیست چین (CCP) و جمهوری خلق چین (PRC) عمل می کند. این کمیسیون بر ارتش آزادی بخش مردم (PLA)، پلیس مسلح مردم (PAP) و شبه نظامیان نظارت دارد و اطمینان حاصل می کند که عملیات های نظامی با دستورات حزبی هم راستا باشد. CMC تحت یک ساختار دوگانه فعالیت می کند که شامل یک کمیسیون حزبی و یک کمیسیون دولتی است که پرسنل و عملکردهای مشابهی دارند. این ترتیب به حزب کمونیست اجازه می دهد تا کنترل دقیقی بر امور نظامی، از جمله انتصابات ارشد، استقرار نیروها و هزینه های نظامی داشته باشد. CMC تحت ریاست شی جین پینگ، که همچنین دبیرکل حزب کمونیست است، قرار دارد که اصل فرماندهی حزب بر ارتش را تقویت می کند.

اختیار CMC ریشه در نقش آن به عنوان یک نهاد تصمیم گیری در چارچوب سیاسی چین دارد، هرچند که عملیات آن معمولاً غیرشفاف است. برخلاف وزارتخانه های دولتی معمولی، CMC دارای یک ساختار فرماندهی مستقل نیست و به جای آن از طریق شبکه ای از دپارتمان ها عمل می کند که به طور مستقیم به آن گزارش می دهند. پس از اصلاحات عمده نظامی در سال ۲۰۱۶، چهار دپارتمان عمومی سنتی با ۱۵ دپارتمان جدید جایگزین شدند

^{۲۳}Central Military Commission of the Communist Party of China (CMC)-Website: <http://www.pla.gov.cn>

دفتر اول: چشم انداز سیاسی و ساختار حکومتی

تا ساختار فرماندهی PLA مدرن تر شود. تأثیر CMC بسته به دینامیک‌های سیاسی و اولویت‌های رهبری متغیر است، اما همچنان عنصر مهمی در اطمینان از این است که قابلیت‌های نظامی چین به‌طور مؤثر با استراتژی‌های دفاع ملی و سیاست‌های حزبی یکپارچه شوند. به تفصیل در مبحث قوه قهریه و نیروهای مسلح به تشریح آن خواهیم پرداخت.

۶. نظام نظارتی و انضباطی

کمیسیون بازرسی انضباطی چین^۴ (CCDI) بالاترین نهاد کنترل داخلی حزب کمونیست چین (CPC) است که به‌طور عمده مسئول اجرای انضباط حزبی و مبارزه با فساد در میان اعضای حزب می‌باشد. این کمیسیون با هدف حفظ یکپارچگی حزب تأسیس شده و به‌عنوان یک مکانیزم حیاتی برای اطمینان از پایبندی اعضای حزب به قوانین و مقررات آن عمل می‌کند. CCDI تحقیقات در مورد تخلفات را انجام می‌دهد، نظارت بر اقدامات انضباطی را بر عهده دارد و رفتار اخلاقی را در میان مقامات ترویج می‌کند. از آنجا که اکثر مقامات دولتی نیز اعضای حزب کمونیست هستند، CCDI به‌طور مؤثری به‌عنوان بالاترین نهاد ضد فساد در چین عمل می‌کند و نقش مهمی در حفظ انضباط حزبی و اعتماد عمومی ایفا می‌کند.

اعضای CCDI توسط کنگره ملی حزب کمونیست انتخاب می‌شوند و دوره‌های پنج‌ساله دارند. این کمیسیون تحت رهبری یک دبیر است که معمولاً عضو کمیته دائمی پولیتبرو است، که اهمیت آن را در سلسله‌مراتب حزبی نشان می‌دهد. وظایف CCDI شامل نظارت بر رعایت سیاست‌های حزبی، تحقیق در مورد ادعاهای فساد و توصیه تحریم‌ها علیه متخلفان است. عملیات این کمیسیون با تمرکز بر شفافیت و پاسخگویی مشخص می‌شود و گزارش‌های منظم درباره اقدامات انضباطی اتخاذ شده علیه مقامات ارائه می‌دهد. این ساختار نه تنها اقتدار CPC را تقویت می‌کند، بلکه هدف آن ایجاد فرهنگ پاسخگویی در درون حزب است که به نوبه خود مشروعیت آن را در نظر عموم افزایش می‌دهد. در بحث ساختار نظارتی حکومت به تشریح آن خواهیم پرداخت.

۷. سیاست‌های اقتصادی متمرکز

دولت مرکزی چین برنامه‌های اقتصادی را عمدتاً از طریق نهادهایی مانند کمیسیون ملی توسعه و اصلاحات (NDRC) و وزارت بازرگانی تدوین و مدیریت می‌کند. NDRC نقش حیاتی در کنترل کلان اقتصادی ایفا می‌کند و مسئولیت نظارت بر سیستم برنامه‌ریزی و تولید برنامه‌های پنج‌ساله کشور را بر عهده دارد که اهداف کلیدی توسعه اقتصادی و اجتماعی را مشخص می‌کند. این برنامه‌ها به‌عنوان یک نقشه راه جامع برای جهت‌دهی به اقتصاد چین عمل می‌کنند و به جنبه‌های مختلفی مانند توسعه صنعتی، پروژه‌های زیرساختی و خدمات اجتماعی می‌پردازند. با تعیین اهداف و اولویت‌های واضح، برنامه‌های پنج‌ساله به دولت‌های ملی و محلی کمک

^۴- Central Commission for Discipline Inspection of the Communist Party of China (CCDI)- Website: <http://www.ccdi.gov.cn>

دفتر اول: چشم انداز سیاسی و ساختار حکومتی

می‌کنند تا سیاست‌های خود را به‌طور مؤثر اجرا کنند و اطمینان حاصل کنند که رشد اقتصادی با اهداف حزب کمونیست هم‌راستا باشد.

برنامه‌های پنج‌ساله نه تنها از نظر پیامدهای اقتصادی اهمیت دارند، بلکه در شکل‌دهی به سیاست اجتماعی و حکمرانی در چین نیز نقش بسزایی دارند. هر برنامه منعکس‌کننده نیت‌ها و اولویت‌های استراتژیک دولت است و به مسائلی مانند توسعه پایدار، نوآوری و نابرابری‌های منطقه‌ای پرداخته می‌شود. NDRC با سایر وزارتخانه‌ها همکاری می‌کند تا اطمینان حاصل کند که این برنامه‌ها به‌طور مؤثر در چارچوب‌های سیاستی گسترده‌تر ادغام شده‌اند. تأکید بر برنامه‌ریزی بلندمدت به چین این امکان را می‌دهد که خود را با شرایط جهانی در حال تغییر سازگار کند در حالی که تمرکز خود را بر ثبات و رشد حفظ می‌کند. این رویکرد ساختاریافته به مدیریت اقتصادی نشان‌دهنده تعهد دولت مرکزی به هدایت اقتصاد به‌گونه‌ای است که هم نیازهای فوری و هم اهداف توسعه بلندمدت را پشتیبانی کند.

۸. تمرکز بر ثبات و امنیت داخلی

دولت چین به ثبات سیاسی و اجتماعی به‌عنوان یکی از ارکان استراتژی حکمرانی خود اهمیت زیادی می‌دهد و از روش‌های قانونی و اجرایی برای پیشگیری از ناآرامی‌ها استفاده می‌کند. این تأکید ریشه در درک حزب کمونیست چین (CPC) دارد که حفظ نظم برای توسعه اقتصادی و مشروعیت حزب ضروری است. دولت مجموعه‌ای از سیاست‌ها را برای رسیدگی به نارضایتی‌های اجتماعی اجرا می‌کند، از جمله بهبود شرایط اقتصادی، ارتقاء خدمات عمومی و تقویت اجرای قانون. به‌عنوان مثال، دولت‌های محلی معمولاً به‌عنوان واسطه بین مقام‌های مرکزی و مردم عمل می‌کنند و مسائل محلی را مدیریت می‌کنند در حالی که اطمینان حاصل می‌کنند که هرگونه نارضایتی به ناآرامی‌های گسترده‌تر تبدیل نشود. این رویکرد نشان‌دهنده یک موضع پیشگیرانه در برابر اختلالات احتمالی است، با استفاده از نظارت و مقررات سخت‌گیرانه برای کنترل و نظارت بر ابراز عمومی.

علاوه بر این تدابیر پیشگیرانه، دولت چین یک دستگاه امنیتی جامع را توسعه داده است که برای پاسخگویی سریع به هر نشانه‌ای از ناآرامی طراحی شده است. این شامل یک سیستم گسترده از نظارت الکترونیکی و حضور قوی پلیس در مناطق با سابقه نارضایتی، مانند سین‌کیانگ و تبت، است. با ارائه اقدامات خود به‌عنوان ضروری برای امنیت ملی و هماهنگی اجتماعی، دولت سعی دارد اقدامات خودسرانه‌اش را توجیه کند و در عین حال روایت ثبات را ترویج دهد. تمرکز CPC بر ثبات همچنین با تجربیات تاریخی، مانند اعتراضات میدان تیان‌آن‌من در سال ۱۹۸۹، تقویت شده است که ترس عمیقی از هرج و مرج را هم در رهبری و هم در میان مردم ایجاد کرده است. بنابراین، دولت در تلاش‌های خود برای حفظ کنترل بر دینامیک‌های اجتماعی هوشیار باقی می‌ماند و ثبات را به‌عنوان عاملی حیاتی برای حفظ قدرت خود و تضمین رشد اقتصادی مستمر می‌بیند.

۹. نقش نظامی و امنیتی

دفتر اول: چشم انداز سیاسی و ساختار حکومتی

ارتش آزادی بخش خلق^{۵۵} (PLA) نه تنها نقش دفاعی بلکه وظیفه حفظ قدرت حزب و حمایت از سیاست‌های داخلی و خارجی را بر عهده دارد. در بحث قوه قهریه و نیروهای مسلح بطور مفصل به آن خواهیم پرداخت.

^{۵۵} The People's Liberation Army of the People's Republic of China (PLA)- Website: <http://www.pla.gov.cn>

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

همانطوریکه می دانید حزب کمونیست چین^{۵۶} که سازمان حاکم و تنها حزب قانونی در جمهوری خلق چین است نظام سیاسی کشور را اداره می کند که از زمان تأسیس در سال ۱۹۲۱، نقش محوری در سیاست، اقتصاد و جامعه این کشور داشته است. ساختار حکومت چین را بصورت خلاصه در زیر ملاحظه می نمایید:

جمهوری خلق چین یک نظام سیاسی سوسیالیستی را دنبال می کند که در آن حزب کمونیست چین (CPC) نقش اصلی و رهبری کننده دارد. این نظام بر اساس اصول ایدئولوژیک مارکسیسم-لنینیسم و اندیشه مائو زدونگ شکل گرفته است و به مرور زمان با نظریه ها و اصلاحات رهبران دیگر تکامل یافته است. این حزب که بزرگ ترین حزب سیاسی جهان است، حدود ۹۸ میلیون عضو دارد^{۵۷} (تا سال ۲۰۲۳). این ساختار سیاسی با تمرکز بر کنترل متمرکز و وحدت قدرت در حزب، دولت، و نیروهای نظامی عمل می کند.

۵۶ Communist Party of China - CPC

۵۷ - حزب کمونیست چین (CPC)، به عنوان حزب حاکم و قدرتمندترین نهاد سیاسی در چین، فرآیند عضوگیری منظم و کنترل شده ای دارد که بر اساس اصول ایدئولوژیک و الزامات مشخصی انجام می شود. این فرآیند، با هدف حفظ کیفیت اعضا و اطمینان از وفاداری به اصول حزب، طراحی شده است. در زیر مراحل و معیارهای اصلی عضوگیری این حزب توضیح داده شده است:

۱. معیارهای اولیه برای عضویت

برای عضویت در حزب کمونیست چین، متقاضی باید شرایط زیر را داشته باشد:

- وفاداری به اصول مارکسیسم-لنینیسم و اندیشه مائو تسه تونگ: افراد باید به ایدئولوژی های حزب متعهد باشند، از جمله اصول سوسیالیسم چینی و سیاست های اصلاحات و درهای باز.
- شهروند چین بودن: فقط شهروندان چین واجد شرایط عضویت هستند.
- حداقل سن ۱۸ سال: افراد باید به بلوغ فکری و سیاسی کافی رسیده باشند.
- داشتن حسن شهرت: متقاضی باید سابقه کیفی یا تخلفات جدی سیاسی نداشته باشد.
- تعهد به اجرای وظایف حزبی: اعضا باید آماده باشند که به طور فعال در فعالیت های حزبی و توسعه کشور مشارکت کنند.

۲. فرآیند عضویت

فرآیند عضوگیری شامل مراحل زیر است:

الف) درخواست رسمی عضویت

- نامه درخواست: افراد علاقه مند باید یک نامه رسمی به شاخه محلی حزب ارسال کنند. در این نامه، دلایل تمایل به عضویت، تعهد به اصول حزب، و توانایی های شخصی توضیح داده می شود.
- آموزش ایدئولوژیک: متقاضیان ابتدا باید دوره های آموزشی را درباره تاریخ، اصول، و سیاست های حزب بگذرانند.

ب) دوره آزمایشی (عضو آزمایشی)

- بررسی پیشینه و عملکرد: پس از تأیید اولیه، متقاضی به عنوان یک عضو آزمایشی پذیرفته می شود. این دوره معمولاً یک سال طول می کشد، اما در برخی موارد ممکن است تمدید شود.
- ارزیابی عملکرد: در این مدت، رفتار و تعهد متقاضی توسط اعضای رسمی حزب ارزیابی می شود. حضور در جلسات، انجام وظایف محوله، و رعایت اصول ایدئولوژیک اهمیت دارد.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

رهبری حزب کمونیست چین (CPC): هسته مرکزی قدرت

حزب کمونیست چین، که در سال ۱۹۲۱ تأسیس شد، بالاترین و تأثیرگذارترین نهاد در نظام سیاسی کشور است. این حزب به عنوان تنها حزب حاکم، تمامی جنبه‌های سیاست، اقتصاد، و اجتماع را کنترل می‌کند.

- **کنگره ملی حزب کمونیست:** بالاترین نهاد تصمیم‌گیری در حزب است که هر پنج سال یکبار تشکیل جلسه می‌دهد.
- **کمیته مرکزی حزب:** اجرای تصمیمات کنگره ملی را بر عهده دارد و از اعضای برجسته حزب تشکیل می‌شود.
- **دفتر سیاسی (پولیتبورو):** نهاد اجرایی که سیاست‌های اصلی را تدوین می‌کند.

ج) رأی‌گیری و تأیید نهایی

- **رأی‌گیری داخلی:** پس از دوره آزمایشی، اعضای رسمی شاخه محلی حزب درباره پذیرش نهایی متقاضی رأی‌گیری می‌کنند. اگر اکثریت موافق باشند، متقاضی به عضویت رسمی درمی‌آید.
- **تعهدنامه رسمی:** عضو جدید باید یک سوگندنامه امضا کند که شامل تعهد به حمایت از حزب و تبعیت از دستورات آن است.

۳. تمرکز بر نخبگان

حزب کمونیست چین تلاش می‌کند تا اعضای خود را از میان افراد با استعداد و نخبه انتخاب کند:

- **دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی:** بسیاری از اعضای جدید از میان دانشجویان برتر دانشگاه‌های برجسته چین انتخاب می‌شوند.
- **کارگران و کشاورزان نمونه:** حزب به دنبال جذب نمایندگانی از طبقات مختلف جامعه است، از جمله کارگران و کشاورزان پیشرو.
- **کارمندان دولت و ارتش:** بسیاری از مقامات دولتی و نیروهای نظامی به‌طور خودکار به عضویت حزب درمی‌آیند.

۴. سیاست کنترل تعداد اعضا

حزب کمونیست چین علی‌رغم عضویت گسترده (حدود ۹۸ میلیون نفر در سال ۲۰۲۳)، از رشد بی‌رویه تعداد اعضا جلوگیری می‌کند. هدف این سیاست، حفظ کیفیت اعضا و جلوگیری از ورود افراد فاقد تعهد واقعی است.

۵. وظایف و تعهدات اعضای حزب

پس از عضویت، افراد متعهد می‌شوند که:

- **حضور فعال در جلسات حزبی:** اعضا باید به‌طور منظم در نشست‌ها و فعالیت‌های شاخه‌های محلی شرکت کنند.
- **پیروی از دستورالعمل‌های حزب:** اعضا باید از سیاست‌های حزب حمایت کنند و آن‌ها را در زندگی حرفه‌ای و اجتماعی خود اجرا نمایند.

- **ارائه گزارش عملکرد:** اعضا موظفند عملکرد خود را به‌طور منظم به حزب گزارش دهند.

۶. نظارت بر اعضا و حذف متخلفان

حزب به شدت بر رفتار و عملکرد اعضای خود نظارت می‌کند. در صورت تخلف یا عدم پایبندی به اصول حزب، افراد ممکن است:

- **توبیخ شوند.**
- **از عضویت تعلیق شوند.**
- **کاملاً اخراج شوند.**

۷. اهمیت عضویت در حزب کمونیست چین

- **نقش در پیشرفت شغلی:** عضویت در حزب یکی از عوامل کلیدی در کسب موقعیت‌های مدیریتی و دولتی است.
- **اعتبار اجتماعی:** عضویت در حزب برای بسیاری از افراد نشانه تعهد به کشور و ارتقای جایگاه اجتماعی محسوب می‌شود.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

- **دبیرکل حزب:** بالاترین مقام حزب و رهبر کشور است (در حال حاضر شی جین‌پینگ).
- **قوای حکومتی تحت هدایت حزب کمونیست**
تمامی ارکان حکومتی چین، از قوه مجریه تا قانون‌گذاری و قضایی، زیر نظر حزب کمونیست عمل می‌کنند.
- **مجمع ملی نمایندگان خلق (NPC):** بالاترین نهاد قانون‌گذاری که اکثراً متشکل از اعضای حزب است و عملاً تصمیمات حزب را تصویب می‌کند.
- **شورای دولتی:** دولت اجرایی کشور که تحت ریاست نخست‌وزیر فعالیت می‌کند، اما سیاست‌ها را از حزب می‌گیرد.
- **کمیسیون نظامی مرکزی:** کنترل نیروهای مسلح (ارتش، نیروی دریایی، و هوایی) را بر عهده دارد.

ساختار یکپارچه و متمرکز قدرت

- در نظام سیاسی چین، حزب کمونیست و دولت عملاً در هم تنیده شده‌اند و کنترل متمرکز بر تمامی جنبه‌های حکومت اعمال می‌شود:
- **رئیس‌جمهور:** مقامی تشریفاتی است که اغلب توسط دبیرکل حزب اشغال می‌شود.
 - **نیروهای نظامی:** تحت کنترل حزب، نه دولت، قرار دارند و وفاداری آنان به حزب تضمین شده است.
 - **نظام قضایی:** دادگاه‌ها و دادستانی‌ها به‌صورت مستقیم از دستورالعمل‌های حزب پیروی می‌کنند.

نقش مردم و نظارت بر جامعه

- اگرچه نظام چین خود را «حکومت مردم‌محور» می‌نامد، اما مشارکت عمومی در سیاست محدود است. حزب کمونیست از طریق نظارت شدید، کنترل رسانه‌ها، و سرکوب مخالفان، اطمینان حاصل می‌کند که قدرتش به چالش کشیده نشود.
- **انتخابات:** انتخابات در سطح محلی برگزار می‌شود، اما مقامات عالی‌رتبه توسط حزب انتخاب می‌شوند.
 - **نظارت و کنترل:** استفاده از فناوری‌های پیشرفته برای نظارت بر شهروندان.
- در مجموع، نظام سیاسی چین بر مبنای یکپارچگی قدرت در حزب کمونیست و هدایت متمرکز عمل می‌کند. این مدل، با تأکید بر ثبات و توسعه اقتصادی، توانسته است جایگاه چین را به‌عنوان یک قدرت جهانی تثبیت کند، اما همچنان با چالش‌هایی نظیر کنترل آزادی‌های فردی و پاسخگویی به خواسته‌های مردم مواجه است.

ایدئولوژی نظام: مارکسیسم-لنینیسم با ویژگی‌های چینی

نظام سیاسی چین بر پایه اصول مارکسیسم-لنینیسم بنا شده است، اما از زمان تأسیس جمهوری خلق چین در سال ۱۹۴۹، ایدئولوژی‌های دیگری نظیر اندیشه مائو زدونگ، نظریه دنگ شیائوپینگ، و سیاست‌های «سوسیالیسم با ویژگی‌های چینی» به آن افزوده شده‌اند که تلفیق و ملغمه‌ای از سه دیدگاه ذیل است که به شرح و بسط این

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

سه دیدگاه و همچنین نظریات رهبران تأثیر گذار بعد از دنگ و اقدامات و اصلاحات صورت گرفته توسط این رهبران می پردازیم:

- **مارکسیسم-لنینیسم:** پایه نظری نظام، تأکید بر مبارزه طبقاتی و حاکمیت کارگران و کشاورزان.
- **اندیشه مائو زدونگ:** ترکیب مارکسیسم-لنینیسم با شرایط چین، از جمله انقلاب فرهنگی.
- **نظریه دنگ شیائوپینگ:** اصلاحات اقتصادی و باز کردن اقتصاد چین به سمت بازارهای جهانی.

ایدئولوژی رسمی: مارکسیسم-لنینیسم، اندیشه مائو زدونگ، و نظریات رهبران بعدی.

جمهوری خلق چین بر پایه ایدئولوژیهای سیاسی و اقتصادی خاصی شکل گرفته که ریشه در تفکرات مارکسیسم-لنینیسم و تغییرات تدریجی آن توسط رهبران حزب کمونیست چین دارد. این ایدئولوژیها در طول زمان برای تطبیق با شرایط داخلی و بینالمللی تکامل یافتهاند و چارچوب فکری نظام سیاسی و حکومتی چین را تشکیل می دهند.

مارکسیسم-لنینیسم: بنیان ایدئولوژی چین

- مارکسیسم-لنینیسم به عنوان بنیان فکری و ایدئولوژیک حزب کمونیست چین، بر اصول زیر استوار است:
- **حاکمیت طبقه کارگر و مبارزه طبقاتی:** مارکس و لنین بر این باور بودند که جوامع سرمایه داری با تضادهای طبقاتی روبرو هستند و تنها از طریق انقلاب و حذف مالکیت خصوصی، می توان به عدالت اجتماعی دست یافت.
 - **تمرکز قدرت در دیکتاتوری پرولتاریا^{۵۸}** پس از انقلاب، قدرت باید در دست حزب به عنوان نماینده طبقه کارگر متمرکز شود.
 - **اقتصاد برنامه ریزی شده^{۵۹}** به جای اقتصاد بازار آزاد، تولید و توزیع منابع توسط دولت مدیریت شود.

۵۸ - **پرولتاریا (Proletariat)** اصطلاحی است که از ادبیات مارکسیستی و سوسیالیستی نشأت گرفته و به طبقه ای از جامعه اشاره دارد که مالکیت ابزار تولید را در اختیار ندارد و تنها از طریق فروش نیروی کار خود برای تأمین معاش زندگی می کند. این طبقه در تضاد با **بورژوازی** (طبقه سرمایه دار) قرار دارد که مالک ابزار تولید است و از کار کارگران سود می برد.

پرولتاریا در نظام سرمایه داری نقش کلیدی دارد، زیرا تولید ثروت به نیروی کار آن وابسته است، اما در عین حال، این طبقه معمولاً از سهم عادلانه در ثروت تولید شده محروم می ماند. در دیدگاه مارکسیستی، پرولتاریا نیروی پیشرو در انقلابهای اجتماعی است که هدف آن سرنگونی نظام سرمایه داری و ایجاد جامعه ای بی طبقه است.

۵۹ - **اقتصاد برنامه ریزی شده** نوعی سیستم اقتصادی است که در آن دولت به جای بازار آزاد، کنترل کامل یا عمده بر تولید، توزیع، و مصرف منابع را بر عهده دارد. در این نظام، تصمیم گیری درباره مسائل کلیدی اقتصادی مانند تولید کالاها، تخصیص منابع، قیمت گذاری، و سرمایه گذاری بر اساس برنامه های مرکزی دولت انجام می شود، نه بر اساس عرضه و تقاضای بازار.

هدف اصلی این نوع اقتصاد، توزیع عادلانه تر منابع، کاهش نابرابریها، و تمرکز بر منافع عمومی به جای سود شخصی است. دولت در این سیستم می تواند از ابزارهایی مانند برنامه های پنج ساله یا ده ساله استفاده کند تا اولویتهای اقتصادی کشور را تعیین کند، برای مثال، تمرکز بر صنعتی سازی، کشاورزی، یا تأمین خدمات عمومی مانند آموزش و بهداشت.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

چین در تأسیس نظام جمهوری خلق در سال ۱۹۴۹، این اصول را با شرایط خاص خود تطبیق داد و ایده‌های لنینیسم را در سازمان‌دهی حزب و کنترل متمرکز به کار گرفت.

اندیشه مائو زدونگ: بومی‌سازی مارکسیسم-لنینیسم

مائو زدونگ، بنیان‌گذار جمهوری خلق چین، تفکرات مارکسیسم-لنینیسم را با شرایط چین تطبیق داد و «اندیشه مائو زدونگ» را به عنوان چارچوبی برای انقلاب و توسعه ارائه کرد.

این نوع اقتصاد اغلب در نظام‌های سوسیالیستی و کمونیستی، مانند شوروی سابق یا چین قبل از اصلاحات اقتصادی، اجرا شده است. اگرچه اقتصاد برنامه‌ریزی شده می‌تواند در کاهش بیکاری و ارائه خدمات عمومی موفق باشد، اما معمولاً با مشکلاتی نظیر ناکارآمدی، کمبود کالاها، و سرکوب نوآوری مواجه است، زیرا رقابت و انگیزه‌های فردی محدود می‌شوند.

۶۰ - مائو تسه‌تونگ یکی از شخصیت‌های کلیدی در تاریخ چین در قرن بیستم بود و به عنوان رهبر انقلابی و بنیان‌گذار جمهوری خلق چین (PRC) شناخته می‌شود. زندگی او را می‌توان به چندین مرحله کلیدی تقسیم کرد که سفر او از جوانی تا میراثش را نشان می‌دهد. جوانی: مائو تسه‌تونگ در ۲۶ دسامبر ۱۸۹۳ در شائوشان، استان هونان، در یک خانواده کشاورز به دنیا آمد. او تحصیلات ابتدایی را گذراند و سپس به عنوان معلم آموزش دید. تحت تأثیر ناآرامی‌های سیاسی دوران جوانی‌اش، از جمله انقلاب ۱۹۱۱ و جنبش چهارم مه ۱۹۱۹، مائو به ملی‌گرایی و ضد امپریالیسم علاقه‌مند شد. آشنایی او با ادبیات مارکسیستی در حین کارش در دانشگاه پکن، ایدئولوژی سیاسی‌اش را شکل داد و او تا سال ۱۹۲۰ خود را مارکسیست معرفی کرد.

آغاز کار سیاسی: در سال ۱۹۲۱، مائو یکی از بنیان‌گذاران حزب کمونیست چین (CCP) شد. فعالیت‌های سیاسی اولیه او شامل سازماندهی جنبش‌های دهقانی و ترویج پتانسیل انقلابی آن‌ها بود. او نقش مهمی در تأسیس سوویت جیانگشی در سال ۱۹۳۱ ایفا کرد، جایی که سیاست‌های اصلاحات ارضی و استراتژی‌های جنگ چریکی را علیه دولت ملی‌گرا به رهبری چیانگ کای‌شک پیاده کرد.

صعود به قدرت: صعود مائو در حزب کمونیست با رهبری او در "راهپیمایی بزرگ" (۱۹۳۴-۱۹۳۵) مشخص شد، یک عقب‌نشینی استراتژیک که موقعیت او را به عنوان رهبر غیررسمی حزب تقویت کرد. این راهپیمایی نه تنها توانایی‌های نظامی مائو را نشان داد بلکه به او کمک کرد تا حمایت اعضای حزب را جلب کند که قابلیت‌های او را در شرایط سخت تشخیص دادند. تا سال ۱۹۴۵، او به طور رسمی عنوان رئیس حزب را بر عهده گرفت و حزب کمونیست را به پیروزی علیه ملی‌گرایان در جنگ داخلی چین رهنمون شد که منجر به تأسیس جمهوری خلق چین در اول اکتبر ۱۹۴۹ گردید.

اصلاحات اقتصادی: مائو چندین اصلاح اقتصادی را آغاز کرد که هدف آن تبدیل چین از یک جامعه کشاورزی به یک ملت صنعتی بود. مهم‌ترین این اصلاحات شامل سیاست‌های توزیع زمین و تلاش‌های جمعی‌سازی در طول "پرش بزرگ به جلو" (۱۹۵۸-۱۹۶۲) بود. این کمپین بلندپروازانه با هدف افزایش سریع تولید کشاورزی و صنعتی انجام شد اما منجر به قحطی گسترده و مرگ میلیون‌ها نفر به دلیل سوءمدیریت و اهداف غیرواقع‌بینانه گردید.

رویدادها و چالش‌های مهم: دوره ریاست جمهوری مائو با رویدادهای مهمی مانند جنگ کره (۱۹۵۰-۱۹۵۳) مشخص شد که در آن چین از کره شمالی در برابر کره جنوبی و متحدانش حمایت کرد. "انقلاب فرهنگی" (۱۹۶۶-۱۹۷۶) نیز دوره‌ای بحرانی بود که هدف آن پاکسازی عناصر "ضد انقلابی" از جامعه چینی بود. این حرکت منجر به هرج و مرج گسترده، آزار تحصیل‌کردگان و تخریب میراث فرهنگی شد. سیاست‌های مائو اغلب مورد انتقاد قرار گرفتند به دلیل ماهیت استبدادی و عواقب فاجعه‌آمیزشان.

سال‌های پایانی: در سال‌های پایانی زندگی‌اش، سلامت مائو به شدت کاهش یافت. با وجود این، او همچنان بر سیاست‌های چین تأثیرگذار بود تا اینکه در ۹ سپتامبر ۱۹۷۶ درگذشت. پس از مرگ او، تدریجاً رهبری به سمت رهبران عمل‌گراتر مانند دنگ شیائوپینگ تغییر یافت که اصلاحات اقتصادی را آغاز کردند که از سیاست‌های سختگیرانه مائو فاصله می‌گرفت.

میراث: میراث مائو تسه‌تونگ پیچیده است؛ او به عنوان یک قهرمان ملی برای آزادسازی چین از سلطه خارجی و تأسیس یک کشور متحد مورد ستایش قرار می‌گیرد. با این حال، سیاست‌های او همچنین منجر به رنج و مرگ بسیار زیادی شد. برآوردها نشان می‌دهد که بین ۴۰ تا ۸۰ میلیون نفر بر اثر قحطی، آزار و تصفیه‌های سیاسی در دوران حکومت او جان خود را از دست داده‌اند. امروزه، مائو همچنان شخصیتی بحث‌برانگیز

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

- **کشاورزان به عنوان نیروی اصلی انقلاب:** برخلاف نظریه مارکس که پرولتاریای شهری را محور انقلاب می دانست، مائو کشاورزان را نیروی اصلی مبارزه در چین معرفی کرد.
 - **استقلال سیاسی و اقتصادی:** مائو بر توسعه صنعتی بدون وابستگی به قدرت های خارجی تأکید داشت.
 - **انقلاب مداوم:** مائو بر این باور بود که انقلاب باید حتی پس از استقرار حکومت کمونیستی ادامه یابد تا جامعه از خطرات بازگشت سرمایه داری مصون بماند. نمونه ای از این دیدگاه، **انقلاب فرهنگی (۱۹۶۶-۱۹۷۶)** بود که هدف آن پاک سازی عناصر **بورژوازی** از حکومت و جامعه بود.
- اندیشه مائو زدونگ نقش محوری در شکل گیری نظام سیاسی و اقتصادی چین داشت، اما انقلاب فرهنگی و سیاست های اقتصادی مائو با مشکلات و انتقادات بسیاری همراه بود.

الف: کشاورزان نیروی اصلی انقلاب

تفاوت دیدگاه مائو و مارکس در مورد انقلاب

دیدگاه مارکس:

است: برخی از او به خاطر کمک هایش به مدرنیزاسیون چین و اصلاحات اجتماعی تجلیل می کنند، در حالی که دیگران روش های توتالیتار و سیاست های فاجعه آمیزش را مورد انتقاد قرار می دهند. منبع: "مائو تسه تونگ"

"Britannica - Mao Zedong | Biography & Facts" : <https://www.britannica.com/biography/Mao-Zedong>

۶۱ - واژه "بورژوا" به اعضای طبقه متوسط اشاره دارد، به ویژه در یک زمینه تاریخی و اجتماعی اقتصادی. در اینجا توصیف دقیقی بر اساس منابع خارجی ارائه می شود:

تعریف و منشاء: بورژوا از فرانسه قرون وسطی نشأت گرفته است، جایی که به ساکنان یک شهر محصور (بورگ) اطلاق می شد. با گذشت زمان، این واژه به طبقه متوسطی که بین دهقانان و اشرافیت در دوران اواخر قرون وسطی ظهور کرد، ارجاع پیدا کرد. این طبقه شامل بازرگانان، صاحبان کسب و کار و حرفه ای هایی بود که نقش مهمی در چشم انداز اقتصادی و سیاسی زمان خود ایفا کردند.

ویژگی ها:

نقش اقتصادی: بورژواها معمولاً با مالکیت سرمایه و وسایل تولید مشخص می شوند. آنها به طور تاریخی به عنوان مدیران اقتصادی جامعه شناخته می شوند و ثروت خود را از طریق تجارت، بازرگانی و صنعت انباشته می کنند.

تأثیر فرهنگی: بورژواها اغلب ارزش هایی را ترویج می دهند که با مادی گرایی، احترام به آداب و رسوم و محافظه کاری مرتبط است. سبک زندگی آنها معمولاً مورد انتقاد قرار می گیرد که به دلیل تمرکز بر ارزش های مالی و اجتماعی محافظه کارانه، "ذهنیت بورژوایی" نامیده می شود که به معنای دیدگاه محدود یا باریک است.

دیدگاه مارکسیستی: در نظریه مارکسیستی، بورژواها به عنوان یک طبقه سرمایه دار که از کارگران (پرولتاریا) بهره برداری می کند، دیده می شوند. کارل مارکس دینامیک های بین این دو طبقه را تحلیل کرد و استدلال کرد که بورژواها از کار پرولتاریا بهره مند می شوند در حالی که کنترل منابع اقتصادی و قدرت سیاسی را حفظ می کنند. بورژواها نقش مهمی در رویدادهای تاریخی مانند انقلاب فرانسه ایفا کردند، جایی که آنها تلاش کردند نفوذ خود را در برابر ساختارهای فئودالی تحمیل کنند.

پیامدهای مدرن: امروزه "بورژوا" ممکن است بار معنایی منفی داشته باشد و به کمبود ظرافت یا خلاقیت اشاره کند. این واژه غالباً برای انتقاد از افرادی استفاده می شود که بیش از حد نگران ثروت مادی یا وضعیت اجتماعی خود هستند. در بحث های معاصر، این اصطلاح می تواند برای توصیف افرادی یا گروه هایی که ارزش های سرمایه داری را حفظ کرده و در برابر تغییرات رادیکال مقاومت می کنند، نیز به کار رود. به طور خلاصه، طبقه بورژوا نقش محوری در شکل دهی به اقتصادها و جوامع مدرن ایفا کرده است. اگرچه آنها معمولاً با ثروت و نفوذ مرتبط هستند، اما همچنین برای ارزش های مادی گرایانه و دیدگاه های محافظه کارانه خود مورد انتقاد قرار می گیرند.

دستر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

کارل مارکس، بنیان‌گذار اندیشه مارکسیسم، انقلاب را به طبقه پرولتاریا (کارگران شهری) نسبت می‌دهد. او معتقد بود که انقلاب سوسیالیستی زمانی به وقوع می‌پیوندد که پرولتاریا، در واکنش به بهره‌کشی سرمایه‌داری، علیه طبقه سرمایه‌دار (بورژوازی) قیام کند. مارکس تأکید داشت که انقلاب باید در کشورهای صنعتی پیشرفته رخ دهد، زیرا در این جوامع پرولتاریا به اندازه کافی آگاه و سازمان‌یافته است تا نظام سرمایه‌داری را سرنگون کند.

دیدگاه مائو:

مائو تسه‌تونگ، رهبر انقلاب چین، این نظریه را برای شرایط خاص چین اصلاح کرد. او معتقد بود که در یک کشور کشاورزی و عمدتاً روستایی مانند چین، کشاورزان فقیر (دهقانان) نیروی اصلی انقلاب هستند. به نظر مائو، کشاورزان چین که از فقر و بهره‌کشی اربابان زمین‌دار رنج می‌بردند، انگیزه بیشتری برای انقلاب داشتند. مائو با استفاده از نیروی دهقانان، ارتش سرخ را تشکیل داد و انقلاب چین را به پیروزی رساند.

نکات قوت و ضعف دو دیدگاه

الف: دیدگاه مارکس (پرولتاریا محور):

دیدگاه مارکس، که بر محور پرولتاریا استوار است، دارای نقاط قوت و ضعف خاصی است. از جمله نقاط قوت آن، تحلیل دقیق سرمایه‌داری است که در کشورهای صنعتی کاربرد دارد و نشان می‌دهد چگونه تضادهای اقتصادی و طبقاتی می‌توانند به انقلاب منجر شوند. همچنین، سازمان‌یافتگی کارگران شهری از دیگر مزایای این دیدگاه است؛ زیرا کارگران در محیط‌های صنعتی معمولاً آگاهی بیشتری نسبت به حقوق خود دارند و قادر به تشکیل اتحادیه‌ها و سازمان‌های انقلابی هستند. با این حال، این نظریه نقاط ضعفی نیز دارد. یکی از این نقاط ضعف محدودیت آن در کشورهای کشاورزی است، جایی که مارکس به نقش کشاورزان توجه کافی نداشت و آن‌ها را طبقه‌ای محافظه‌کار می‌دانست. علاوه بر این، تکیه او بر جوامع پیشرفته باعث می‌شود که نظریه‌اش در کشورهای عقب‌مانده یا غیرصنعتی، مانند چین در قرن بیستم، قابلیت اجرا نداشته باشد.

ب: دیدگاه مائو (دهقان محور):

دیدگاه مائو تسه‌تونگ در مورد دهقانان به عنوان محور انقلاب در چین دارای نقاط قوت و ضعف قابل توجهی است. از جمله نقاط قوت این دیدگاه، انطباق آن با شرایط خاص چین است؛ مائو به خوبی تشخیص داد که دهقانان فقیر، به عنوان اکثریت جمعیت، نیروی بالقوه‌ای برای انقلاب هستند و ارتش سرخ که متکی به کشاورزان بود، توانست با استفاده از تاکتیک‌های جنگ چریکی دشمنان خود را شکست دهد. اما در عین حال، نقاط ضعفی نیز وجود داشت؛ بسیاری از دهقانان به دلیل سواد پایین و آگاهی محدود، توانایی درک و اجرای ایدئولوژی سوسیالیستی را نداشتند و تمرکز بیش از حد مائو بر روستاها باعث شد که توجه کافی به شهرها و طبقه کارگر صنعتی نشود، که این مسئله در بلندمدت منجر به ایجاد شکاف‌های اقتصادی شد.

این دیدگاه مائوئیستی، علی‌رغم نقاط قوتش، در عمل با چالش‌هایی مواجه بود که تأثیرات آن بر توسعه اقتصادی و اجتماعی چین مشهود است. با وجود اینکه مائو توانست از پتانسیل دهقانان بهره‌برداری کند، عدم توجه به

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

نیازهای شهری و صنعتی می‌تواند به نارضایتی‌ها و تنش‌های اجتماعی منجر شود. این موضوع نشان‌دهنده اهمیت تعادل میان توسعه روستایی و شهری در سیاست‌های اقتصادی است که باید در نظر گرفته شود تا از ایجاد شکاف‌های اقتصادی جلوگیری شود.

دستاوردهای مثبت و منفی نظریه مائو در مورد کشاورزان

دستاوردهای مثبت:

۱. پیروزی انقلاب چین:

مائو تسه‌تونگ با اتکا به کشاورزان به‌عنوان نیروی اصلی انقلاب چین، نقش تعیین‌کننده‌ای در پیروزی بر دولت کومینتانگ^۲ و تأسیس جمهوری خلق چین ایفا کرد. او با درک این نکته که اکثریت جمعیت چین را دهقانان تشکیل می‌دهند و آن‌ها با مشکلات اقتصادی و اجتماعی روبه‌رو هستند، سیاست‌های خود را به‌گونه‌ای طراحی کرد که به نفع این قشر باشد. مائو با اجرای اصلاحات ارضی، زمین‌های بزرگ مالکان را مصادره کرده و آن‌ها را بین دهقانان فقیر توزیع کرد. این اقدام نه تنها به افزایش تولیدات کشاورزی منجر شد، بلکه کشاورزان را به حامیان وفادار حزب کمونیست تبدیل کرد و آن‌ها را به مشارکت فعال در مبارزات انقلابی ترغیب کرد. پیروزی مائو بر کومینتانگ نتیجه‌ای از توانایی او در جلب حمایت کشاورزان و پاسخ به نیازهای آن‌ها بود. وعده‌های او مبنی بر توزیع عادلانه زمین و ایجاد عدالت اجتماعی، میلیون‌ها دهقان را به سمت حزب کمونیست جذب کرد. این حمایت گسترده از سوی کشاورزان نه تنها در نبردهای نظامی مؤثر بود، بلکه پایه‌گذار سیاست‌های بعدی مائو در راستای صنعتی‌سازی و توسعه اقتصادی کشور نیز شد. بدین ترتیب، مائو با استفاده از قدرت کشاورزان و ایجاد

۶۲ - کومینتانگ (Kuomintang یا KMT)، که به معنای "حزب ملی چین" است، یکی از احزاب سیاسی مهم و تاریخی در چین به شمار می‌رود. این حزب در اوایل قرن بیستم تأسیس شد و نقش کلیدی در تحولات سیاسی و اجتماعی چین ایفا کرد.

تاریخچه

تأسیس: کومینتانگ در سال ۱۹۱۲ توسط سون یات سن تأسیس شد و هدف آن برقراری جمهوری در چین بود. این حزب پس از سقوط سلسله چینگ، به عنوان نیروی اصلی ملی‌گرایی در چین شناخته شد. رهبری چیانگ کای‌شک: پس از مرگ سون یات سن در سال ۱۹۲۵، چیانگ کای‌شک رهبری حزب را بر عهده گرفت و تلاش کرد تا قدرت کومینتانگ را تقویت کند. او همچنین به سرکوب اعضای چپ و کمونیست‌ها پرداخت که منجر به جنگ داخلی چین شد.

جنگ داخلی چین

جنگ داخلی چین (۱۹۴۹-۱۹۲۷) بین کومینتانگ و حزب کمونیست چین (CPC) رخ داد. این جنگ به دلیل اختلافات ایدئولوژیک و قدرت بین دو حزب شکل گرفت و نهایتاً با پیروزی کمونیست‌ها و تأسیس جمهوری خلق چین در سال ۱۹۴۹ به پایان رسید. کومینتانگ پس از شکست به جزیره تایوان عقب‌نشینی کرد.

وضعیت کنونی

حکومت در تایوان: کومینتانگ پس از انتقال به تایوان، به عنوان حزب حاکم این جزیره فعالیت خود را ادامه داد و تا دهه‌ها بر سیاست‌های تایوان تأثیر گذاشت. این حزب هنوز هم یکی از احزاب اصلی در تایوان است و در انتخابات مختلف شرکت می‌کند. ایدئولوژی: ایدئولوژی کومینتانگ شامل سه اصل خلق (ملیت، دموکراسی و معیشت) است که توسط سون یات سن مطرح شده است. کومینتانگ همچنان نقشی مهم در سیاست‌های داخلی تایوان ایفا می‌کند و تلاش‌هایی برای ایجاد روابط نزدیک‌تر با سرزمین اصلی چین دارد.

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

یک جنبش اجتماعی قوی، توانست شرایط لازم برای پیروزی انقلاب را فراهم کند و جمهوری خلق چین را تأسیس نماید.

۲. اصلاحات زمین و توزیع مجدد

مائو تسه‌تونگ با اجرای اصلاحات ارضی و توزیع مجدد زمین، به‌طور مؤثری مالکیت فئودالی زمین را در چین از بین برد و این تغییر به میلیون‌ها کشاورز کوچک این امکان را داد که برای اولین بار صاحب زمین شوند. این اصلاحات، که بخشی از جنبش اصلاحات ارضی بود، به‌ویژه در دوره‌ای که حزب کمونیست چین در حال تقویت قدرت خود بود، انجام شد. با مصادره زمین‌های بزرگ مالکان و توزیع آن‌ها بین دهقانان فقیر، مائو توانست نارضایتی‌های اجتماعی را کاهش دهد و حمایت کشاورزان را جلب کند. این تغییرات نه تنها به افزایش تولید کشاورزی در کوتاه‌مدت کمک کرد بلکه انگیزه بیشتری به کشاورزان داد تا بر روی زمین‌های خود کار کنند، زیرا آن‌ها اکنون مستقیماً از نتایج زحمات خود بهره‌مند می‌شدند.

این اصلاحات ارضی همچنین به تقویت قدرت سیاسی حزب کمونیست در سطح روستاها کمک کرد و ساختار اجتماعی موجود را تغییر داد. با از بین رفتن طبقه مالکان و جایگزینی آن با اداری تحت کنترل دهقانان فقیر، مائو توانست یک پایگاه اجتماعی قوی برای حزب خود ایجاد کند. این تحولات نه تنها موجب افزایش تولیدات کشاورزی شد بلکه باعث شد کشاورزان به‌عنوان حامیان وفادار حزب کمونیست در جنگ‌های انقلابی شرکت کنند. به‌طور کلی، اصلاحات ارضی مائو نه تنها یک تغییر اقتصادی بود بلکه یک تغییر اجتماعی و سیاسی عمیق نیز به شمار می‌رفت که پایه‌های جمهوری خلق چین را مستحکم‌تر کرد.

۳. جمع‌سازی و کشاورزی تعاونی

ایجاد جمعیت‌های کشاورزی به منظور مدرن‌سازی شیوه‌های کشاورزی و بهبود کارایی طراحی شده بود. با تجمیع منابع، کشاورزان می‌توانستند ابزارها و تجهیزات را به اشتراک بگذارند که این امر تسهیل‌کننده معرفی تکنیک‌های جدید کشاورزی بود. اگرچه اجرای این سیاست با چالش‌هایی مواجه شد، اما مراحل اولیه جمع‌سازی منجر به برخی بهبودها در تولید و اشتراک منابع میان کشاورزان گردید.

بطور مثال تولید غلات قبل از سال ۱۹۵۲ بین ۱۶۴ تا ۱۸۱ میلیون تن بود که این رقم به ۲۸۵ میلیون تن در سال ۱۹۷۸ رسید که فراتر از مصرف داخلی بود. آماری از تولید برنج در دهه ۱۹۵۰ در دست نیست اما میزان تولید در سال ۱۹۷۰ به ۲۴ میلیون تن رسید.

۴. توسعه زیرساخت‌ها

سیاست‌های مائو شامل سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی در پروژه‌های آبیاری و حفاظت از آب بود که هدف آن بهبود تولید کشاورزی بود. اگرچه بسیاری از این پروژه‌ها به‌طور ضعیف اجرا شدند، اما پایه‌گذاری برای بهبودهای آینده در زیرساخت‌های روستایی را فراهم کردند. توسعه سیستم‌های آبیاری در نهایت در دهه‌های بعدی به کشاورزی کمک کرد و قابلیت‌های مدیریت آب را افزایش داد.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

در دوران رهبری مائو، سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی در پروژه‌های آبیاری و حفاظت از آب انجام شد. یکی از پروژه‌های مهم در این زمینه، پروژه انتقال آب از جنوب به شمال بود که برآورد سرمایه‌گذاری آن حدود ۵۰۰ میلیارد یوان (تقریباً ۸۱ میلیارد دلار آمریکا) بود. این پروژه بزرگ هدف داشت تا آب را از رودخانه یانگتسه در جنوب چین به مناطق خشک شمالی، از جمله پکن و تیانجین، منتقل کند تا به کمبود آب رسیدگی کرده و تولید کشاورزی را بهبود بخشد.

۵. ترویج محصولات نقدی

در دوران رهبری مائو، ترویج کشت محصولات نقدی^{۶۳} در کنار غلات اصلی صورت گرفت. این تنوع به کشاورزان اجازه داد تا پتانسیل درآمد خود را افزایش دهند و فرصت‌های شغلی بیشتری در جوامع روستایی فراهم کنند. تمرکز بر محصولات نقدی به بهبود کلی بهره‌وری کشاورزی و تاب‌آوری اقتصادی کمک کرد.

۶. مشارکت جمعی و آموزش روستایی

تأکید مائو تسه‌تونگ بر کمپین‌های مشارکت جمعی نقش حیاتی در تحول شیوه‌های کشاورزی در چین ایفا کرد و به آموزش کشاورزان درباره روش‌های مدرن کشاورزی و ترویج تلاش‌های جمعی در این زمینه پرداخت. این کمپین‌ها به گونه‌ای طراحی شده بودند که جمعیت روستایی را به‌طور فعال درگیر کنند و حس جامعه‌پذیری را در میان کشاورزان تقویت کنند. با سازماندهی جلسات آموزشی و کارگاه‌ها، حزب کمونیست هدف داشت تا دانش مربوط به تکنیک‌های کشاورزی بهبود یافته، چرخش محصول و روش‌های آبیاری را منتشر کند. این رویکرد مبتنی بر فعالیت‌های پایه نه تنها به کشاورزان مهارت‌های جدیدی می‌آموخت بلکه آن‌ها را تشویق می‌کرد تا تجربیات و بینش‌های خود را با یکدیگر به اشتراک بگذارند، که منجر به ایجاد محیطی همکارانه شد که در آن یادگیری جمعی رونق می‌یافت. در طول زمان، این ابتکارات به بهبود تدریجی شیوه‌های کشاورزی کمک کرد و بهره‌وری و پایداری در مناطق روستایی را افزایش داد.

کمپین‌های مشارکت جمعی همچنین با تقویت بافت اجتماعی جوامع روستایی، موجب شدند که کشاورزان مزایای کار کردن با هم را برای دستیابی به اهداف مشترک ببینند. تأکید بر تلاش‌های جمعی همبستگی میان کشاورزان را تقویت کرد و به آن‌ها کمک کرد تا چالش‌های فردی خود را از طریق منابع و دانش مشترک پشت سر بگذارند. این حس جامعه‌پذیری برای ایجاد اعتماد و همکاری میان کشاورزان حیاتی بود و برای موفقیت ابتکارات کشاورزی

۶۳ - "پروژه انتقال آب از جنوب به شمال"

<https://www.foodnavigator-asia.com/Article/2014/11/07/Mao-s-water-diversion-finally-to-provide-solution-to-China-drought>

۶۴ - محصولات نقدی، که به آن‌ها محصولات سودآور نیز گفته می‌شود، محصولاتی هستند که به‌طور خاص برای فروش و کسب درآمد کشت می‌شوند و نه برای مصرف شخصی کشاورزان. این محصولات معمولاً در بازارها به فروش می‌رسند و می‌توانند شامل انواع گیاهان مانند غلات، میوه‌ها، سبزیجات و سایر کالاها باشند. تفاوت اصلی بین محصولات نقدی و محصولات اساسی این است که محصولات نقدی عمدتاً برای تولید درآمد کشت می‌شوند، در حالی که محصولات اساسی بیشتر برای تأمین نیازهای خود کشاورز یا دام‌هایش تولید می‌شوند.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

جمعی ضروری بود. در نتیجه، ترکیب آموزش و مشارکت اجتماعی نه تنها تولیدات کشاورزی را بهبود بخشید بلکه پایه‌گذار یک جامعه روستایی سازمان‌یافته‌تر و مقاوم‌تر شد. در نهایت، تمرکز مائو بر مشارکت جمعی و آموزش روستایی به‌عنوان یک دستاورد مهم در توانمندسازی کشاورزان و تحول چشم‌انداز کشاورزی چین در دوران رهبری او محسوب می‌شود.

۷. پایه‌گذاری برای اصلاحات آینده

با وجود ناکامی‌های مرتبط با سیاست‌های مائو، تأکید او بر کشاورزی زمینه‌ای برای اصلاحات بعدی فراهم کرد که منجر به تحول چشمگیر در چشم‌انداز کشاورزی چین شد. سیستم جمعی کشاورزی که در دوران مائو ایجاد شد، چارچوبی را فراهم کرد که بعداً تحت رهبری دنگ ژیاوپینگ اصلاح و بهبود یافت و منجر به پیشرفت‌های قابل توجهی در بهره‌وری و توسعه روستایی شد. به طور خلاصه، اگرچه سیاست‌های مائو پیامدهای منفی زیادی داشت، اما همچنین تغییرات مثبتی در مالکیت زمین، کشاورزی تعاونی، توسعه زیرساخت‌ها و ابتکارات آموزشی ایجاد کرد که زمینه‌ساز پیشرفت‌های آینده در کشاورزی چین شد.

دستاوردهای منفی نظریه مائو درباره کشاورزان

۱. جهش بزرگ و قحطی:

کمون‌های بزرگ کشاورزی، سیاست‌های مائو، مانند ایجاد کمون‌های بزرگ‌تر دوران «جهش بزرگ به جلو»، به شکست انجامید و قحطی گسترده‌ای را به همراه داشت که میلیون‌ها نفر را به کام مرگ کشاند. جهش بزرگ، که

۶۵ - در دوران مائو تسه‌تونگ، به ویژه از سال ۱۹۵۸ تا ۱۹۷۸، چین سیستم بزرگی از کمون‌های کشاورزی به نام "کمون‌های مردمی" را تأسیس نمود. این سیستم بخشی اساسی از دیدگاه مائو برای تحول اقتصاد و جامعه روستایی چین بود.

مرور کلی کمون‌های مردمی

تأسیس: کمون‌های مردمی در خلال "پرش بزرگ به جلو" معرفی شدند، کمپینی که هدف آن صنعتی‌سازی سریع چین و افزایش تولیدات کشاورزی بود. تا پایان سال ۱۹۵۸، تقریباً ۲۵,۰۰۰ کمون تأسیس شده بود که شامل میلیون‌ها خانوار و زمین‌های وسیع کشاورزی می‌شد. ساختار: هر کمون بالاترین سطح اداری در مناطق روستایی بود و به واحدهای کوچکتری به نام "تولید برادران" و "تیم‌ها" تقسیم می‌شد. کمون‌ها نه تنها تولیدات کشاورزی را جمعی کردند بلکه ترتیبات زندگی را نیز تغییر دادند و بسیاری از خانه‌های فردی با اقامتگاه‌های مشترک جایگزین شدند.

اهداف و ایدئولوژی

جمع‌گرایی: هدف اصلی کمون‌ها حذف مالکیت خصوصی زمین و تجمیع منابع برای کشاورزی جمعی بود. مائو معتقد بود که این کار باعث ایجاد یک "ارتش صنعتی" از جمعیت روستایی خواهد شد که به‌طور مؤثری تولید کشاورزی را نظامی می‌کند تا کارایی و خروجی را افزایش دهد.

خودکفایی: کمون‌ها هدف داشتند که واحدهای خودکفا باشند که بتوانند فعالیت‌های اقتصادی خود را مدیریت کنند، از جمله کشاورزی و صنعت کوچک. انتظار می‌رفت که آنها پروژه‌های زیرساختی محلی مانند سیستم‌های آبیاری و مدارس را حمایت کنند و بدین ترتیب توسعه جامعه را تسهیل نمایند.

تأثیر بر کشاورزی

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

در سال ۱۹۵۸ آغاز شد، به هدف صنعتی سازی سریع چین و جمع سازی کشاورزی طراحی شده بود. با این حال، این سیاست منجر به یکی از مرگبارترین قحطی های تاریخ شد که برآوردها نشان می دهد بین ۳۰ تا ۴۵ میلیون نفر به دلیل گرسنگی، کار اجباری و مدیریت ضعیف منابع کشاورزی جان خود را از دست دادند. انتقال از کشاورزی خصوصی به مزارع جمعی باعث کاهش شدید تولید غذا شد، زیرا مقامات محلی داده های برداشت را جعل کردند و تأمین غلات شهری را بر نیازهای روستایی ترجیح دادند.

۱. تخریب روش های سنتی کشاورزی (اصلاحات ارضی)

سیاست های مائو روش های سنتی کشاورزی و مالکیت خصوصی زمین را لغو کرد و کشاورزان را مجبور به ورود به سیستم های کشاورزی جمعی کرد. این اختلال نه تنها شیوه های کشاورزی آن زمان را نابود کرد بلکه کشاورزان را از زمین و معیشت خود بیگانه ساخت. عدم تخصص عملی میان رهبرانی که برای مدیریت این جمعیت ها منصوب شده بودند، ناکارآمدی ها را تشدید کرده و تولید محصولات را کاهش داد.

در دوران رهبری مائو تسه تونگ از سال ۱۹۴۹ تا ۱۹۷۶، سرمایه گذاری های قابل توجهی در بخش کشاورزی انجام شد، به ویژه در طول جهش بزرگ به جلو (۱۹۵۸-۱۹۶۱). برآورد می شود که حدود ۱۰۰ میلیارد یوان (تقریباً ۱۶ میلیارد دلار آمریکا) صرف توزیع مجدد زمین و تأسیس تعاونی های تولید کشاورزی شده است. این رقم بخشی

هدف های تولید: تحت سیستم کمون، سهمیه های تولید غلات تحمیل شد که دهقانان را ملزم به برآورده کردن اهداف بالای تولید می کرد. با این حال، این موضوع اغلب منجر به گزارش دهی اغراق آمیز از عملکردها توسط مقامات محلی می شد که از عواقب عدم دستیابی به سهمیه ها می ترسیدند.

اختلال و قحطی: تأسیس سریع کمون ها به ناکارآمدی های قابل توجه و سوءمدیریت در کشاورزی منجر شد که در نهایت به قحطی بزرگ چین (۱۹۵۹-۱۹۶۱) انجامید. اگرچه به طور رسمی این قحطی به بلایای طبیعی نسبت داده شد، اما بسیاری از تاریخ نگاران استدلال می کنند که سیاست های کمونی باعث تشدید کمبود غذا شد.

تغییرات اجتماعی

شرایط زندگی: کمون ها ساختارهای اجتماعی در مناطق روستایی را به شدت تغییر دادند. واحدهای خانوادگی سنتی مختل شدند زیرا ترتیبات زندگی مشترک اجباری شد. بسیاری از خانواده ها جدا از یکدیگر زندگی کردند که منجر به از دست رفتن پیوندهای خانوادگی و سنت های فرهنگی شد.

سرکوب فرهنگی: اجرای مقررات کمونی اغلب شامل تخریب مکان ها و سنت های فرهنگی، مانند معابد و جشنواره ها بود. این سرکوب بسیاری از روستاییان را از میراث فرهنگی خود بیگانه کرد.

افول سیستم کمون: تا اواخر دهه ۱۹۷۰، سیستم کمون به عنوان بخشی از اصلاحات اقتصادی گسترده تر که توسط دنگ شیائوپینگ آغاز شد، شروع به فروپاشی کرد. ناکارآمدی ها و شکست های مرتبط با کمون ها منجر به تغییر به سمت سیاست های بازار محورتر شد که اجازه می داد کشاورزی خصوصی و خودمختاری بیشتری برای خانوارهای روستایی فراهم شود.

به طور خلاصه، کمون های بزرگ کشاورزی در دوران مائو با هدف تحول اقتصاد روستایی چین از طریق جمع گرایی و خودکفایی طراحی شدند. اگرچه آنها قصد داشتند تولید کشاورزی را افزایش دهند و توسعه جامعه را تسهیل کنند، اما در نهایت منجر به اختلالات اجتماعی قابل توجه و چالش های اقتصادی شدند. میراث این کمون ها همچنان بر سیاست های کشاورزی چین تأثیرگذار است.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

از زمینه‌ای وسیع‌تر از سیاست‌های کشاورزی بود که شامل جمع‌گرایی اجباری و پروژه‌های بزرگ آبیاری می‌شد، که در نهایت منجر به کاهش شدید تولید محصولات و قحطی گسترده گردید.^{۶۶}

۲. اختلال در تخصیص نیروی کار

در طی پرش بزرگ به جلو، میلیون‌ها کشاورز از کارهای کشاورزی به پروژه‌های صنعتی، به ویژه تولید فولاد، منتقل شدند. این تغییرات به‌طور عمده به‌صورت ضعیف برنامه‌ریزی و اجرا شد و منجر به کاهش قابل توجهی در تولیدات کشاورزی گردید. دولت با تمرکز بر صنعتی‌سازی، منابع را از کشاورزی گرفته و به کارگاه‌های فولادسازی خانگی اختصاص داد. این تغییرات باعث شد که بسیاری از مزارع بدون نیروی کار کافی بمانند و زنان، کودکان و سالمندان وظایف کشاورزی را بر عهده بگیرند که معمولاً از مهارت‌های لازم برای مدیریت آن‌ها برخوردار نبودند.

۳. تخریب محیط زیست

سیاست‌های کشاورزی مائو تسه‌توئنگ در دوران پرش بزرگ به جلو و سال‌های بعدی، پیامدهای ویرانگری برای محیط زیست و تولیدات کشاورزی در چین داشت. یکی از سیاست‌های معروف، کمپین چهار آفت^{۶۷} بود که هدف آن نابودی گنجشک‌ها، موش‌ها، مگس‌ها و پشه‌ها بود. مائو بر این باور بود که گنجشک‌ها تهدیدی جدی

۶۶ - "سرمایه‌گذاری در کشاورزی چین تحت رهبری مائو"

<https://www.orphonline.org/research/the-role-of-agriculture-in-modern-china>

۶۷ - کمپین چهار آفت، که بین سال‌های ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۲ در چین تحت رهبری مائو تسه‌توئنگ اجرا شد، هدفش نابودی چهار آفت به نام‌های موش‌ها، مگس‌ها، پشه‌ها و گنجشک‌ها بود. این کمپین بخشی از تلاش‌های بزرگ‌تر برای بهبود بهداشت عمومی و افزایش تولیدات کشاورزی در دوران پرش بزرگ به جلو بود. در حالی که موش‌ها، مگس‌ها و پشه‌ها به دلیل نقششان در انتقال بیماری‌ها شناسایی شده بودند، گنجشک‌ها به دلیل مصرف دانه‌های غلات از مزارع کشاورزی در این لیست قرار گرفتند. این تصمیم به‌ویژه بر اساس تصور نادرست مائو مبنی بر اینکه گنجشک‌ها تهدیدی جدی برای تولید غلات هستند، اتخاذ شد.

اجرای کمپین چهار آفت شامل بسیج عمومی مردم بود که به آن‌ها دستور داده می‌شد تا با استفاده از ابزارهایی مانند پتک، طبل و گنگ، به شکار این آفات بپردازند. برای گنجشک‌ها، مردم تشویق می‌شدند تا با ایجاد سر و صدا، آن‌ها را بترسانند و باعث سقوط آن‌ها از آسمان شوند. همچنین، لانه‌های گنجشک‌ها تخریب می‌شد و تخم‌ها و جوجه‌های آن‌ها کشته می‌شدند. این اقدامات با تبلیغات گسترده‌ای همراه بود که مدارس و گروه‌های کاری را تشویق می‌کرد تا تعداد بیشتری از این آفات را بکشند.

نتایج این کمپین به شدت فاجعه‌بار بود. نابودی گنجشک‌ها منجر به افزایش جمعیت ملخ‌ها شد که بدون شکارچیان طبیعی خود، به سرعت در مزارع رشد کردند و باعث خسارت‌های قابل توجهی به محصولات کشاورزی شدند. این وضعیت در کنار سیاست‌های نادرست کشاورزی دیگر منجر به قحطی بزرگ چین (۱۹۵۹-۱۹۶۱) شد که تخمین زده می‌شود بین ۱۵ تا ۵۵ میلیون نفر جان خود را از دست دادند. در سال ۱۹۶۰، کمپین علیه گنجشک‌ها متوقف شد و تمرکز بر روی آفت دیگری مانند ساس‌ها قرار گرفت.

کمپین چهار آفت نه تنها بر تولیدات کشاورزی تأثیر منفی گذاشت بلکه نشان‌دهنده ناتوانی در مدیریت اکوسیستم و نادیده گرفتن تعادل طبیعی بود. این رویدادها درس‌هایی مهم درباره اهمیت حفظ تنوع زیستی و تعامل هماهنگ با طبیعت ارائه می‌دهند. پس از پایان کمپین، دولت چین اقداماتی برای افزایش جمعیت گنجشک‌ها در برخی مناطق انجام داد تا تعادل اکولوژیکی را بازگرداند. منبع: "کمپین چهار آفت: اهداف، اجرا، شکست و پیامدها"

<https://www.worldatlas.com/articles/the-four-pests-campaign-objectives-execution-failure-and-consequences.html>

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

برای محصولات غلات هستند و به همین دلیل، یک تلاش سراسری برای نابودی آنها آغاز شد. اما حذف گنجشک‌ها منجر به افزایش جمعیت ملخ‌ها شد که خود به تخریب بیشتر محصولات کشاورزی انجامید. این کمپین نادرست به قحطی گسترده‌ای انجامید و خطرات نادیده گرفتن تعادل اکولوژیک در شیوه‌های کشاورزی را به نمایش گذاشت.

سیاست دیگری که نتایج فاجعه‌باری داشت، تأکید بر کشت تک‌محصولی غلات^۸ تحت شعار "غلات را به عنوان حلقه کلیدی در نظر بگیرید" بود. این رویکرد تولید غلات را در اولویت قرار داد و به تنوع زیستی و شیوه‌های کشاورزی پایدار آسیب زد. کشاورزان تحت فشار قرار گرفتند تا فقط بر روی کشت غلات تمرکز کنند که منجر به تخلیه خاک و وابستگی بیشتر به کودها و سموم شیمیایی شد. استفاده شدید از این مواد شیمیایی باعث تخریب خاک و آلودگی منابع آب گردید و خطرات زیست‌محیطی بلندمدتی را ایجاد کرد که بر سلامت انسان و قابلیت کشاورزی تأثیر گذاشت.

در نهایت، پروژه‌های بزرگ آبیاری^۹ مائو اغلب به‌طور ضعیف طراحی و اجرا شدند که منجر به فرسایش خاک و افزایش شوری خاک گردید. بسیج انبوه برای ساخت‌وسازها باعث تغییرات قابل توجهی در استفاده از زمین بدون ارزیابی‌های مهندسی مناسب شد. در نتیجه، بسیاری از سیستم‌های آبیاری نتوانستند مزایای مورد انتظار را ارائه دهند و باعث کاهش سطح آب‌های زیرزمینی و افت کیفیت زمین شدند. ترکیب جنگل‌زدایی برای گسترش

۶۸ - سیاست تأکید بر کشت تک‌محصولی غلات تحت شعار "غلات را به عنوان حلقه کلیدی در نظر بگیرید" در دوران مائو تسه‌تونگ به منظور افزایش تولید غلات و تأمین غذای جمعیت رو به رشد چین اجرا شد. این سیاست به‌طور خاص بر روی کشت غلاتی مانند برنج و گندم تمرکز داشت و کشاورزان تحت فشار قرار گرفتند تا تنها بر روی این محصولات کار کنند. هدف از این سیاست، افزایش سریع تولیدات کشاورزی و تأمین نیازهای غذایی کشور بود، اما در عمل به تخریب تنوع زیستی و کاهش کیفیت خاک منجر شد. از معایب این سیاست می‌توان به کاهش تنوع محصولات کشاورزی اشاره کرد که موجب آسیب‌پذیری بیشتر در برابر آفات و بیماری‌ها شد. با کاهش تنوع کشت، اکوسیستم‌های کشاورزی ضعیف‌تر شدند و وابستگی به کودهای شیمیایی و سموم افزایش یافت. این موضوع نه تنها به تخریب خاک و آلودگی منابع آب انجامید، بلکه همچنین موجب بروز مشکلات جدی در تأمین غذا در شرایط نامساعد جوی گردید. در نهایت، این سیاست به قحطی بزرگ چین (۱۹۵۹-۱۹۶۱) منجر شد که میلیون‌ها نفر را تحت تأثیر قرار داد. قبل از اجرای سیاست کشت تک‌محصولی، کشاورزان چینی معمولاً انواع مختلفی از محصولات را می‌کاشتند، از جمله حبوبات، سبزیجات و میوه‌ها. اما پس از اجرای این سیاست، تمرکز اصلی بر روی کشت غلات بود، به ویژه برنج و گندم. این تغییرات منجر به کاهش تنوع غذایی و وابستگی بیشتر به چند محصول خاص شد که خود تهدیدی برای امنیت غذایی کشور محسوب می‌شد. منبع: "تأثیرات سیاست‌های کشاورزی مائو بر تنوع زیستی و امنیت غذایی"

<https://www.worldatlas.com/articles/the-four-pests-campaign-objectives-execution-failure-and-consequences.html>

۶۹ - مائو تسه‌تونگ در دوران پرش بزرگ به جلو، پروژه‌های بزرگ آبیاری را با هدف افزایش تولیدات کشاورزی و بهبود مدیریت منابع آب آغاز کرد. این پروژه‌ها شامل ساخت سدها، کانال‌ها و سیستم‌های آبیاری گسترده بود که به منظور تأمین آب برای مزارع و کنترل سیلاب‌ها طراحی شده بودند. با این حال، بسیاری از این پروژه‌ها به دلیل بسیج عمومی و استفاده از نیروی کار غیرمتخصص، به‌طور ضعیف طراحی و اجرا شدند. عواقب این پروژه‌ها شامل فرسایش خاک و افزایش شوری خاک بود که به تدریج کیفیت زمین‌های کشاورزی را کاهش داد و مشکلات جدی برای تولیدات غذایی ایجاد کرد. در حالی که پروژه‌های آبیاری در ابتدا به افزایش تولیدات کشاورزی کمک کردند، طراحی نادرست و عدم توجه به نیازهای اکولوژیکی منجر به تخریب خاک و کاهش سطح آب‌های زیرزمینی شد. بسیاری از این پروژه‌ها نتوانستند به اهداف خود دست یابند و اثرات منفی آنها بر روی کشاورزی و محیط زیست مشهود شد. در نهایت، این سیاست‌ها نه تنها تنوع غذایی را کاهش داد بلکه وابستگی به چند محصول خاص را افزایش داد که خود تهدیدی برای امنیت غذایی کشور محسوب می‌شد.

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

کشاورزی و مدیریت ضعیف آبیاری به تخریب شدید محیط زیست در سراسر چین کمک کرد و چالش‌های اکولوژیکی مداومی را ایجاد کرد.

۴. سرکوب تخصص

مائو تسه‌تونگ به شدت به کارشناسان فنی بی‌اعتماد بود و این بی‌اعتمادی در سیاست‌های کشاورزی او تأثیرات منفی عمیقی داشت. او بر این باور بود که دانش فنی و تخصص، به‌ویژه در زمینه کشاورزی، با ایدئولوژی کمونیستی در تضاد است و این دیدگاه منجر به حاشیه‌نشینی افراد تحصیل کرده شد که می‌توانستند بینش‌های ارزشمندی برای بهبود بهره‌وری کشاورزی ارائه دهند. مائو ترجیح می‌داد که ایده‌های خود را بر اساس ایدئولوژی سیاسی و نه بر اساس دانش علمی و تجربی بنا کند. این رویکرد باعث شد تا برنامه‌های کشاورزی او به جای استفاده از روش‌های مؤثر و علمی، بیشتر بر اساس اراده جمعی و بسیج عمومی پیش برود، که در نهایت به شکست‌هایی در دوران پرش بزرگ به جلو انجامید.

ریشه‌های بی‌اعتمادی مائو به کارشناسان فنی به تاریخچه حزب کمونیست چین و تجربیات او در دهه ۱۹۳۰ بازمی‌گردد. در آن زمان، مائو با استفاده از استراتژی‌های بسیج توده‌ای و نادیده گرفتن تخصص فنی، موفق به بازسازی حزب در یانان پس از راهپیمایی طولانی شد. این تجربیات باعث شد که او به توانایی‌های توده‌ها و ایدئولوژی انقلابی بیش از تخصص فنی اعتماد کند. مائو معتقد بود که توده‌ها می‌توانند با اراده و تلاش جمعی بر مشکلات غلبه کنند و این تفکر موجب شد تا او نسبت به نظرات کارشناسان بی‌اعتنا باشد، که نتیجه آن پیامدهای فاجعه‌باری برای کشاورزی چین بود.

۵. نارضایتی اجتماعی و مقاومت

واقعیت‌های سخت تحمیل شده توسط سیاست‌های مائو منجر به نارضایتی گسترده‌ای در میان کشاورزان شد. بسیاری از دهقانان با مشکلات شدید ناشی از کمبود غلات و اقدامات سرکوبگرانه جمع‌سازی مواجه بودند. اگرچه در ابتدا ناآرامی خاصی در طول جهش بزرگ وجود نداشت، اما ناامیدی‌های زیرزمینی ادامه داشت که در سال‌های بعد به مقاومت علیه اقتدار حزب کمونیست کمک کرد. به طور خلاصه، نظریه‌های مائو درباره کشاورزی و زراعت منجر به شکست‌های فاجعه‌باری شد که نه تنها جمعیت روستایی چین را ویران کرد بلکه شیوه‌های سنتی، ثبات زیست‌محیطی و انسجام اجتماعی را نیز تضعیف نمود.

ب: استقلال سیاسی و اقتصادی:

وضعیت سیاسی و اقتصادی چین پیش از استقرار اندیشه‌های مائو

۱. وضعیت سیاسی:

✓ حکومت ناپایدار:

۷۰ - "سیاست‌های کشاورزی مائو و تأثیرات آن بر محیط زیست"

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

در نیمه دوم قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، چین تحت سلطه سلسله چینگ با بی‌ثباتی سیاسی شدیدی روبرو بود. این دوره شاهد شورش‌های داخلی مانند شورش تایپینگ^۱ و مداخلات خارجی بود که قدرت دولت مرکزی را تضعیف کردند. ضعف حکومت چین به ویژه پس از شکست‌های نظامی در جنگ‌های تریاک و چین-ژاپن نمایان شد که باعث کاهش مشروعیت سیاسی و از دست رفتن اعتبار بین‌المللی این حکومت گردید. در این شرایط، تنها قدرت‌های محلی توانستند به شورش‌ها پاسخ دهند، که این خود به تضعیف بیشتر مشروعیت سیاسی دولت مرکزی انجامید و کشور را در وضعیتی از هرج و مرج و بی‌ثباتی قرار داد.

این بی‌ثباتی سیاسی نه تنها بر زندگی روزمره مردم تأثیر گذاشت بلکه به ظهور جنگسالاران و کنترل مناطق مختلف چین توسط آن‌ها منجر شد. جنگسالاران، که هر کدام دارای ارتش و شیوه‌های حکومتی خاص خود بودند، در تلاش برای تسلط بر سرزمین‌های مختلف با یکدیگر درگیری داشتند. این وضعیت به عدم وجود یک سیاست ملی منسجم و کنترل مرکزی منجر شد و پاسخ به تهدیدات خارجی را دشوارتر کرد. در نهایت، بی‌ثباتی سیاسی چین زمینه‌ساز تغییرات عمده‌ای شد که به ظهور ایده‌های مائو تسه‌توئنگ و تأسیس جمهوری چین انجامید.

۷۱ - شورش تایپینگ (Taiping Rebellion) یکی از بزرگ‌ترین و خونین‌ترین جنگ‌های داخلی تاریخ چین است که بین سال‌های ۱۸۵۰ تا ۱۸۶۴ رخ داد. این شورش به رهبری هونگ ژووکوان، یک کارمند دولتی و مبلغ مسیحی، علیه سلسله چینگ (Qing Dynasty) انجام شد. زمینه‌های تاریخی:

شورش تایپینگ در دوره‌ای از تاریخ چین آغاز شد که سلسله چینگ با مشکلات جدی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مواجه بود. نارضایتی عمومی به دلیل فساد اداری، فقر گسترده و فشارهای خارجی ناشی از جنگ‌های ناپلئونی و جنگ‌های تریاک به شدت افزایش یافته بود. هونگ ژووکوان، که خود را برادر کوچک‌تر عیسی مسیح می‌دانست، به دنبال ایجاد یک جامعه ایده‌آل بر اساس اصول مسیحیت بود.

آغاز شورش

شورش در سال ۱۸۵۰ با اعلام تشکیل "پادشاهی آسمانی تایپینگ" آغاز شد. هونگ و پیروانش با شعارهایی چون "صلح بزرگ" و "آزادی از ظلم" به جذب نیروهای مردمی پرداختند. شورشیان توانستند کنترل بخش‌های وسیعی از جنوب چین، از جمله نانجینگ، را به دست بگیرند و در اوج قدرت خود حدود ۳۰ میلیون نفر را تحت کنترل خود داشتند.

روند جنگ

شورش تایپینگ به سرعت گسترش یافت و به یکی از بزرگ‌ترین جنگ‌های داخلی تاریخ تبدیل شد. نیروهای تایپینگ با استفاده از تاکتیک‌های نظامی نوین و جذب حمایت‌های مردمی، موفق شدند تا مدت‌ها در برابر نیروهای دولت چینگ مقاومت کنند. اما با گذشت زمان، دولت چینگ توانست با کمک نیروهای محلی و خارجی (به ویژه بریتانیا و ایالات متحده) به تدریج بر شورشیان غلبه کند.

تلفات و پیامدها

تلفات ناشی از شورش تایپینگ بسیار بالا بود و تخمین‌ها نشان می‌دهد که بین ۲۰ تا ۳۰ میلیون نفر در این جنگ جان خود را از دست دادند. این تلفات شامل کشته‌شدگان در نبردها، قحطی‌ها و اپیدمی‌ها نیز می‌شود. شورش تایپینگ نه تنها تأثیرات عمیقی بر تاریخ چین گذاشت بلکه موجب تغییرات اجتماعی و سیاسی گسترده‌ای نیز شد.

پایان شورش

در نهایت، پس از سال‌ها جنگ و نبرد شدید، شورش تایپینگ در سال ۱۸۶۴ سرکوب شد. نانجینگ، که مرکز شورش بود، به شدت بمباران شد و بسیاری از ساکنان آن کشته شدند. شکست این شورش موجب تثبیت دوباره قدرت سلسله چینگ شد اما همچنین نشان‌دهنده ضعف‌های عمیق این حکومت بود که در نهایت منجر به سقوط آن در اوایل قرن بیستم گردید. شورش تایپینگ نه تنها یک جنگ داخلی بلکه یک تحول اجتماعی-سیاسی بزرگ در تاریخ چین محسوب می‌شود که آثار آن تا سال‌ها پس از پایان جنگ ادامه یافت. منبع:

<https://search.worldcat.org/title/Chinese-sources-for-the-Taiping-Rebellion-1850-1864/oclc/518803>

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

✓ اشغال خارجی و قراردادهای نابرابر:

در قرن نوزدهم، چین تحت سلطه سلسله چینگ با مشکلات جدی ناشی از اشغال خارجی و امضای معاهدات ناعادلانه مواجه بود. این معاهدات، که به دنبال شکست‌های نظامی چین در جنگ‌های تریاک و دیگر درگیری‌ها با قدرت‌های غربی مانند بریتانیا، فرانسه و ژاپن به امضاء رسیدند، به خارجی‌ها حقوقی از جمله حق اقامت و تجارت در بنادر تعیین شده را اعطا کردند. این توافقات نه تنها حاکمیت چین را نقض کردند، بلکه اقتصاد کشور را نیز به شدت وابسته به قدرت‌های خارجی ساختند. به عنوان مثال، **معاهده نانجینگ**^{۷۲} در سال ۱۸۴۲ باعث شد که بندرهایی مانند **شانگهای** و **گوآنژو** به روی تجارت خارجی باز شوند و تعرفه‌های وارداتی به **۵ درصد** محدود گردند. این وضعیت منجر به افزایش نفوذ اقتصادی و سیاسی کشورهای خارجی در چین شد و احساس نارضایتی و خشم عمومی را در میان مردم چین برانگیخت.

این اشغال‌ها و معاهدات ناعادلانه تأثیرات عمیقی بر جامعه چینی داشتند و احساس تحقیر و ضعف را در میان مردم ایجاد کردند. قدرت‌های خارجی با استفاده از این معاهدات، مناطق مختلفی از چین را تحت کنترل خود درآوردند و این امر به ظهور جنبش‌های ملی‌گرایانه و تلاش برای بازپس‌گیری حاکمیت منجر شد. در نتیجه، این شرایط زمینه‌ساز تغییرات عمده‌ای در سیاست‌ها و ایده‌های مائو تسه‌تونگ شد که به دنبال احیای هویت ملی و استقلال چین بودند.

✓ دولت کومینتانگ:

قبل از پیروزی مائو تسه‌تونگ در سال ۱۹۴۹، دولت کومینتانگ (حزب ملی‌گرا) تحت رهبری چیانگ کای‌شک^{۷۳} با چالش‌های جدی از جمله فساد گسترده و ناکارآمدی مواجه بود. فساد در نهادهای دولتی به یک معضل جدی

۷۲ - **معاهده نانجینگ**، که در تاریخ ۲۹ اوت ۱۸۴۲ امضا شد، پایان‌دهنده جنگ اول تریاک بین بریتانیا و سلسله چینگ چین بود. این معاهده به‌عنوان اولین "**معاهدات ناعادلانه**" که بر چین تحمیل شد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. طبق شرایط این معاهده، چین توافق کرد که به بریتانیا گرامتی برای تریاک‌هایی که توسط مقامات چینی نابود شده بود، به مبلغ ۲۱ میلیون دلار (معادل ۱.۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۴ با توجه به میانگین نرخ تورم ۲.۵٪ در سال ایالات متحده) پرداخت کند. همچنین، این معاهده مقرر کرد که چین سرزمین هنگ کنگ را به بریتانیا واگذار کند و پنج بندر را برای تجارت بریتانیا باز کند: **گوآنژو** (کانتون)، **شی‌امن** (آمو)، **فوزو** (فوجو)، **نینگ‌پو** (نینگ‌بو) و **شانگهای**. علاوه بر این، سیستم محدودکننده کانتون که تجارت خارجی را به یک بندر محدود کرده بود، لغو شد و تعرفه پایینی بر کالاهای بریتانیایی تعیین گردید که به افزایش حضور تجاری بریتانیا در چین کمک کرد.

معاهده نانجینگ نه تنها روابط تجاری چین را تغییر داد بلکه تغییرات قابل توجهی در حاکمیت کشور نیز به همراه داشت، زیرا به‌طور مؤثر سیاست‌های انزواگرایانه چین را پایان داد و بازارهای آن را به روی قدرت‌های غربی گشود. مفاد این معاهده اجازه تأسیس کنسولگری‌های خارجی در بندرهای باز شده را می‌داد و حقوق خارج از سرزمینی برای شهروندان بریتانیایی فراهم می‌کرد، به این معنی که آن‌ها می‌توانستند در دادگاه‌های بریتانیایی محاکمه شوند و نه در دادگاه‌های چینی. این معاهده پیش‌زمینه‌ای برای سایر معاهدات ناعادلانه‌ای بود که بعداً دنبال شدند و منجر به افزایش مداخلات و کنترل‌های خارجی بر امور چین گردید. منبع: "**معاهده نانجینگ**: تاریخچه و پیامدها"

https://en.wikipedia.org/wiki/Treaty_of_Nanking

۷۳ - چیانگ کای‌شک در ۳۱ اکتبر ۱۸۸۷ در استان ژجیانگ چین به دنیا آمد. او از یک خانواده بازرگان و کشاورز متوسط بود و در سن ۱۸ سالگی برای آموزش نظامی به ژاپن رفت. در آنجا، تحت تأثیر ایده‌های جمهوری‌خواهی قرار گرفت و به عضویت سازمان انقلابی تونگ‌من‌هوئی (حزب ملی‌گرا) درآمد که به رهبری سون یات‌سن فعالیت می‌کرد. پس از بازگشت به چین در سال ۱۹۱۱، او در انقلاب اکتبر شرکت کرد که منجر به سقوط سلسله چینگ و تأسیس جمهوری چین شد. چیانگ به سرعت به یکی از نزدیک‌ترین دستیاران سون یات‌سن تبدیل شد و در

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

تبدیل شده بود و مقامات به جای خدمت به مردم، بیشتر به منافع شخصی خود می‌اندیشیدند. این وضعیت باعث کاهش شدید اعتماد عمومی و نارضایتی اجتماعی شد. علاوه بر این، دولت نتوانست به‌طور مؤثر منابع اقتصادی را مدیریت کند و سیاست‌های ناکافی برای بهبود شرایط معیشتی مردم ارائه دهد. این ناکامی‌ها احساس یأس و ناامیدی را در میان مردم افزایش داد و آن‌ها را به سمت جنبش‌های انقلابی سوق داد.

در این شرایط، حزب کمونیست چین با وعده‌های اصلاحات اجتماعی و اقتصادی توانست حمایت توده‌ها را جلب کند. فقدان یک برنامه جامع برای اصلاحات و ناتوانی در تأمین ثبات سیاسی، قدرت کوومینتائنگ را تضعیف کرد و زمینه‌ساز ظهور حزب کمونیست شد. در نهایت، این مشکلات به سقوط دولت کوومینتائنگ منجر شد و مائو تسه‌توئنگ توانست با استفاده از نارضایتی عمومی و وعده‌های اصلاحات، قدرت را در چین به دست گیرد.

۲. وضعیت اقتصادی:

✓ اقتصاد کشاورزی سنتی:

اقتصاد چین قبل از تأسیس ایده‌های مائو به شدت بر پایه کشاورزی سنتی استوار بود و به آرامی پیشرفت می‌کرد. در این دوره، بیشتر مردم در مناطق روستایی زندگی می‌کردند و کشاورزی اصلی‌ترین منبع درآمد آن‌ها بود. تکنیک‌های کشاورزی به‌طور عمده سنتی باقی مانده بودند و تغییرات کمی در شیوه‌های کشت و برداشت محصولات انجام می‌شد. این وضعیت باعث می‌شد که تولیدات کشاورزی به‌طور کلی محدود و وابسته به شرایط جوی باشد. علاوه بر این، وجود زمین‌های بزرگ در دست چند مالک و عدم توزیع عادلانه منابع، به نارضایتی کشاورزان و کاهش تولیدات منجر شد. با توجه به اینکه بیشتر محصولات برای تأمین نیازهای محلی تولید می‌شدند، ظرفیت صادراتی و تجاری چین نیز بسیار پایین بود.

این کندی در پیشرفت اقتصادی به دلیل عدم وجود زیرساخت‌های مناسب و سرمایه‌گذاری ناکافی در بخش‌های صنعتی نیز تشدید می‌شد. در نتیجه، چین نتوانست به سرعت به سمت صنعتی شدن حرکت کند و بیشتر جمعیت آن در فقر زندگی می‌کردند. از آنجا که دولت‌های محلی و مرکزی نتوانستند سیاست‌های مؤثری برای حمایت از کشاورزان و افزایش تولید اتخاذ کنند، اقتصاد کشور به شدت تحت تأثیر بحران‌های طبیعی و اجتماعی قرار داشت. این شرایط نهایتاً زمینه‌ساز نارضایتی عمومی و ظهور جنبش‌های انقلابی شد که به پیروزی مائو تسه‌توئنگ انجامید.

سال ۱۹۲۴ به عنوان فرمانده آکادمی نظامی وانپو منصوب شد، جایی که توانست ارتش ملی‌گرا را تقویت کند. چیانگ کای‌شک پس از مرگ سون یات‌سن در سال ۱۹۲۵، رهبری حزب ملی‌گرا را بر عهده گرفت و با رهبری عملیات شمالی (Northern Expedition) از سال ۱۹۲۶ تا ۱۹۲۸، موفق به اتحاد مجدد بیشتر چین تحت حکومت ملی‌گرایانه مستقر در نانجینگ شد. با این حال، او با چالش‌های داخلی، از جمله کمونیست‌ها و جنگسالاران مواجه بود. پس از آغاز جنگ دوم چین و ژاپن در سال ۱۹۳۷، چیانگ مجبور شد تا با کمونیست‌ها همکاری کند تا از کشور در برابر تجاوز ژاپنی‌ها دفاع کند. پس از پایان جنگ جهانی دوم و آغاز دوباره جنگ داخلی چین، چیانگ کای‌شک و حزب ملی‌گرا در سال ۱۹۴۹ شکست خوردند و به تایوان فرار کردند. او تا زمان مرگش در ۵ آوریل ۱۹۷۵ بر تایوان حکومت کرد و تلاش کرد تا اقتصاد این جزیره را توسعه دهد و آن را به یک مرکز اقتصادی تبدیل کند. منبع: "زندگی و کارهای چیانگ کای‌شک"

<https://www.britannica.com/summary/Chiang-Kai-shek>

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

✓ تسلط خارجی بر اقتصاد:

قبل از تأسیس ایده‌های مائو، اقتصاد چین به شدت تحت سلطه قدرت‌های خارجی بود، به‌ویژه در بنادر کلیدی و صنایع. معاهده نانچینگ در سال ۱۸۴۲ آغازگر این کنترل خارجی بود و بریتانیا نفوذ قابل توجهی بر چندین بندر بزرگ پیدا کرد. بنادر مهمی که تحت کنترل بریتانیا قرار گرفتند شامل **شانگهای، گوانگژو (کانتون)، نینگپو، فوجو و شی‌امن** (آمو) بودند. این بنادر نه تنها برای تجارت حیاتی بودند بلکه به مراکز نفوذ و کنترل خارجی تبدیل شدند. بریتانیا به همراه سایر قدرت‌های غربی مانند فرانسه و ایالات متحده، حضور خود را در این بنادر مستقر کردند و حقوق خارج از سرزمینی را برقرار کردند که به آن‌ها اجازه می‌داد تحت قوانین خودشان فعالیت کنند و نه قوانین چینی.

در زمینه صنایع، قدرت‌های خارجی کنترل چندین بخش کلیدی در چین را به عهده داشتند. بریتانیا عمدتاً بر تجارت تریاک تسلط داشت که تأثیرات ویرانگری بر جامعه و اقتصاد چین داشت. علاوه بر این، آن‌ها در صنایع چای و ابریشم که صادرات مهمی برای چین بودند نیز فعال بودند. فرانسوی‌ها و آمریکایی‌ها نیز در بخش‌های مختلفی از جمله نساجی و راه‌آهن‌ها مشارکت داشتند. این تسلط خارجی نه تنها استقلال اقتصادی چین را محدود کرد بلکه باعث شد که اقتصاد این کشور به شدت وابسته به بازارهای خارجی برای واردات و صادرات باشد. در نتیجه، اقتصاد سنتی کشاورزی چین نتوانست به سرعت مدرن شود و با رقابت جهانی مقابله کند.

✓ فقر گسترده:

قبل از تأسیس ایده‌های مائو، وضعیت اقتصادی چین به شدت تحت تأثیر فقر شدید روستایی و نابرابری عمیق اقتصادی قرار داشت. در این دوره، جمعیت روستایی به طور مداوم با گرسنگی و کمبود منابع مواجه بود. به عنوان مثال، در دهه‌های پیش از جنگ جهانی دوم، تقریباً تمام کشاورزان چینی با مشکلات جدی غذایی دست و پنجه نرم می‌کردند و در واقع، بسیاری از آن‌ها در شرایطی زندگی می‌کردند که مالوری^۴ (۱۹۲۶) آن را "**سرزمین قحطی**" نامیده بود. این فقر شدید به دلیل عدم دسترسی به زمین‌های کافی و منابع مالی برای کشاورزی مؤثر تشدید می‌شد. همچنین، تقسیم نابرابر زمین بین مالکان بزرگ و کشاورزان فقیر منجر به نارضایتی اجتماعی و افزایش تنش‌ها در جامعه شد.

علاوه بر این، نابرابری اقتصادی در چین به وضوح قابل مشاهده بود. در حالی که برخی از مالکان زمین و سرمایه‌داران از ثروت‌های کلان برخوردار بودند، بخش عمده‌ای از جمعیت روستایی در فقر زندگی می‌کردند و قادر به تأمین نیازهای اولیه خود نبودند. این نابرابری نه تنها بر زندگی روزمره مردم تأثیر منفی گذاشت بلکه باعث

۷۴ - والتر هامپتون مالوری (Walter Hampton Mallory) یک محقق و نویسنده آمریکایی بود که در اوایل قرن بیستم به عنوان دبیر کمیسیون بین‌المللی امداد قحطی در چین فعالیت می‌کرد. او در سال ۱۹۲۶ کتابی به نام "چین: سرزمین قحطی" منتشر کرد که به بررسی وضعیت قحطی و گرسنگی در چین پرداخته و شرایط دشوار زندگی کشاورزان روستایی را توصیف می‌کند. این کتاب به عنوان یک منبع مهم در فهم عمیق مشکلات اقتصادی و اجتماعی چین در آن زمان شناخته می‌شود و به تحلیل علل و پیامدهای قحطی‌های مکرر در این کشور پرداخته است. مالوری با استفاده از تجربیات خود در چین، سعی داشت تا توجه جهانیان را به وضعیت بحرانی مردم روستایی جلب کند.

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

ایجاد شکاف‌های اجتماعی عمیق نیز شد. به عنوان مثال، کودکان روستایی به دلیل فقر نتوانستند به تحصیلات عالی دسترسی پیدا کنند و این امر باعث شد که چرخه فقر ادامه یابد. این شرایط نهایتاً زمینه‌ساز نارضایتی عمومی و ظهور جنبش‌های انقلابی شد که به پیروزی مائو تسه‌تونگ انجامید.

اقدامات مائو برای توسعه صنعتی بدون وابستگی به قدرت‌های خارجی

۱. استقلال سیاسی و اقتصادی:

مائو استقلال را سنگ بنای سیاست‌های خود قرار داد و تلاش کرد چین را از سلطه قدرت‌های خارجی رها کند. او با قطع وابستگی به کمک‌های غربی و ایجاد یک مدل اقتصادی خودکفا^{۷۵} (Autarky)، به دنبال صنعتی‌سازی سریع و مستقل بود.

۷۵ - مدل اقتصادی خودکفایی که به عنوان اتارکی شناخته می‌شود، یکی از ارکان سیاست‌های مائو تسه‌تونگ بود که هدف آن دستیابی به استقلال ملی و کاهش وابستگی به قدرت‌های خارجی بود. این مدل بر خودکفایی اقتصادی تأکید داشت و به دنبال ایجاد یک سیستم صنعتی مستقل و قوی در چین بود.

جنبه‌های کلیدی اتارکی مائو

زمینه تاریخی:

مفهوم خودکفایی مائو در دوران جنگ داخلی چین شکل گرفت و پس از تأسیس جمهوری خلق چین در سال ۱۹۴۹ تثبیت شد. هدف این بود که چین را از سلطه خارجی آزاد کند و اقتصادی قوی و مستقل بسازد که بتواند بدون کمک‌های خارجی خود را تأمین کند. این موضوع به ویژه با توجه به تاریخ تحقیر چین توسط قدرت‌های خارجی اهمیت داشت.

اصول خودکفایی:

۱. استقلال از کمک‌های خارجی: مائو تأکید می‌کرد که در حالی که کمک‌های خارجی مطلوب است، چین نباید به آن وابسته باشد. او به‌طور مشهور گفت: "ما امیدوار به کمک‌های خارجی هستیم اما نمی‌توانیم به آن وابسته باشیم؛ ما به تلاش‌های خود وابسته‌ایم." این احساس در نوشته‌ها و سخنرانی‌های او تکرار شده و بر اهمیت اتکا به منابع و قابلیت‌های داخلی تأکید داشت.
۲. تمرکز بر کشاورزی و صنعت: مدل خودکفا بر تولیدات کشاورزی به عنوان پایه‌ای برای رشد صنعتی تأکید داشت. مائو معتقد بود که یک بخش کشاورزی قوی منابع لازم برای صنعتی شدن را فراهم خواهد کرد. او سیاست‌هایی را برای ترویج جمع‌گرایی و کنترل دولتی بر کشاورزی پیشنهاد داد تا امنیت غذایی را تضمین کند و نیازهای صنعتی را تأمین نماید.
۳. توسعه صنعت سنگین: تحت رهبری مائو، تلاش‌های قابل توجهی برای توسعه صنعت سنگین به عنوان وسیله‌ای برای دستیابی به استقلال اقتصادی صورت گرفت. دولت سرمایه‌گذاری زیادی در پروژه‌های صنعتی انجام داد تا یک سیستم صنعتی جامع ایجاد کند که بتواند با بازارهای جهانی رقابت کند.
۴. ایدئولوژی سیاسی: مدل خودکفایی با ایدئولوژی مائوئیستی گره خورده بود که بر انقلاب مستمر و توانمندسازی دهقانان به عنوان نیروی محرکه تغییر تأکید داشت. این رویکرد تلاش می‌کرد تا توده‌ها را در حمایت از ابتکارات اقتصادی بسیج کند و مشروعیت حزب کمونیست را تقویت نماید.

نتایج و چالش‌ها:

در حالی که سیاست‌های خودکفایی مائو در ابتدا منجر به رشد صنعتی شد، اما با چالش‌های قابل توجهی نیز مواجه شد: ایزولاسیون اقتصادی: تأکید بر خودکفایی اغلب منجر به ایزولاسیون اقتصادی از بازارهای جهانی شد و دسترسی به فناوری‌ها و منابع پیشرفته را محدود کرد.

ناکارآمدی‌ها: برنامه‌ریزی مرکزی و تمرکز بر صنعت سنگین گاهی منجر به ناکارآمدی‌ها و تخصیص نادرست منابع می‌شد که به رکود اقتصادی در برخی بخش‌ها دامن می‌زد.

۲. ملی سازی صنایع و بانک ها:

پس از تأسیس جمهوری خلق چین در تاریخ ۱ اکتبر ۱۹۴۹، مائو تسه تونگ اصلاحات اقتصادی گسترده ای را به منظور تحکیم کنترل دولتی بر منابع کشور آغاز کرد. یکی از نخستین اقدامات مهم او ملی سازی صنایع بزرگ، بانک ها و شرکت های خارجی بود. این اقدام به منظور حذف نفوذ خارجی از اقتصاد چین انجام شد، که مائو و حزب کمونیست آن را باقی مانده ای از استثمار امپریالیستی می دانستند. با قرار دادن این بخش ها تحت کنترل دولت، رژیم کمونیستی تلاش داشت تا اقتصادی خودکفا ایجاد کند که با اصول سوسیالیستی همخوانی داشته و نیازهای مردم چین را به جای منافع خارجی تأمین کند.

فرایند ملی سازی شامل مصادره دارایی ها^{۷۶} و توزیع مجدد آن ها به شرکت های دولتی بود. این تغییر، انحرافی عمده از شیوه های سرمایه داری قبلی محسوب می شد و بخشی از استراتژی وسیع تر مائو برای بازسازی جامعه چینی از طریق تحول اقتصادی رادیکال بود. دولت سیاست هایی را معرفی کرد که بر مالکیت جمعی و برنامه ریزی متمرکز تأکید داشت و زمینه ساز ابتکارات آینده مانند جهش بزرگ به جلو شد. هرچند این اقدامات هدف ارتقاء رشد صنعتی و بهبود سطح زندگی را داشتند، اما همچنین منجر به چالش ها و سختی های قابل توجهی در سال های بعد، از جمله ناکارآمدی های اقتصادی و قحطی گسترده شدند.^{۷۷}

۳. برنامه ریزی متمرکز اقتصادی:

برنامه های پنج ساله:

تأثیر اجتماعی: فشار برای جمع گرایی و صنعتی شدن سریع باعث آشفتگی اجتماعی شد، از جمله قحطی ها و رنج گسترده در دوران کمپین هایی مانند "پرش بزرگ جلو".

میراث:

مدل خودکفایی مائو تأثیری ماندگار بر سیاست های اقتصادی چین داشته است. اگرچه رهبران بعدی به سمت اصلاحات بازار محور حرکت کرده اند، اما اصول خودکفایی هنوز هم در سیاست های معاصر چین، به ویژه در پاسخ به فشارهای خارجی، طنین انداز است. احیای شعارهای خودکفایی تحت رهبری شی جین پینگ نشان دهنده تعهد مستمر به استقلال ملی در میان چالش های جهانی است. به طور خلاصه، مدل اقتصادی خودکفایی مائو تسه تونگ هدفش ایجاد یک چین مستقل بود که قادر باشد از نظر اقتصادی و سیاسی روی پای خود بایستد. اگرچه این مدل برخی موفقیت های اولیه را کسب کرد، اما همچنین با موانع قابل توجهی مواجه شد که مسیر توسعه بعدی چین را شکل داد.

۷۶ - در دوران مائو تسه تونگ، چندین شرکت و بانک ملی سازی و مصادره شدند. از جمله این ها می توان به بانک مرکزی چین اشاره کرد که در سال ۱۹۴۹ تحت کنترل دولت قرار گرفت. همچنین، شرکت های بزرگ صنعتی مانند شرکت نفت چین (China National Petroleum Corporation) و شرکت برق چین (State Grid Corporation of China) نیز به دولت ملی سازی شدند. در زمینه صنایع، شرکت های مرتبط با نساجی، شیمیایی و معدن نیز تحت کنترل دولت درآمدند. این اقدامات بخشی از تلاش های مائو برای ایجاد یک اقتصاد سوسیالیستی و توزیع مجدد منابع در جامعه بود. ملی سازی همچنین شامل تصرف دارایی های شرکت های خارجی بود که در چین فعالیت می کردند. به عنوان مثال، شرکت هایی که پیش از انقلاب در زمینه های مختلفی مانند تولید کالاهای مصرفی و تجارت خارجی فعال بودند، مصادره شدند و تحت کنترل دولت قرار گرفتند. این فرآیند به طور کلی منجر به تغییر ساختار اقتصادی چین و افزایش سهم دولت در اقتصاد شد.

۷۷ - "تاریخ جنگ داخلی چین"

<https://www.britannica.com/event/Chinese-Civil-War/Nationalist-collapse-and-the-establishment-of-the-Peoples-Republic-of-China-1949>

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

تلاش‌های مائو تسه‌تونگ برای توسعه صنعت چین بدون وابستگی به قدرت‌های خارجی شامل اجرای برنامه‌ریزی اقتصادی متمرکز و تأسیس برنامه‌های پنج‌ساله بود.

برنامه پنج‌ساله اول که از سال ۱۹۵۳ تا ۱۹۵۷ اجرا شد، عمدتاً بر توسعه صنایع سنگین مانند فولاد، زغال‌سنگ و ماشین‌آلات تمرکز داشت. این برنامه به شدت تحت تأثیر روش‌های شوروی بود و از حمایت قابل توجهی از سوی اتحاد جماهیر شوروی در زمینه تأمین مالی و تخصص برخوردار بود. با این حال، با پیشرفت برنامه، چین تلاش کرد تا به استقلال کامل از کمک‌های خارجی دست یابد که نشان‌دهنده دیدگاه مائو برای ایجاد اقتصادی خودکفا و سوسیالیستی بود.

برنامه پنج‌ساله اول^{۷۸} زمینه‌ساز صنعتی‌شدن چین شد و بر ساخت پروژه‌های بزرگ و متوسط صنعتی تأکید داشت. هرچند این برنامه در ابتدا به دنبال افزایش تولید از طریق کنترل دولتی و جمع‌گرایی بود، اما در نهایت منجر به چالش‌هایی در زمینه کارایی و تخصیص منابع گردید. پس از این برنامه، چین به اجرای برنامه‌های پنج‌ساله بعدی ادامه داد که هر یک تمرکز خاصی داشتند.

برنامه پنج‌ساله دوم (۱۹۶۲-۱۹۵۸) که به عنوان **جهش بزرگ به جلو**^{۷۹} شناخته می‌شود، هدفش صنعتی‌شدن سریع و جمع‌گرایی کشاورزی بود که منجر به شکست اقتصادی قابل توجهی شد.

۷۸ - چین اولین برنامه پنج‌ساله خود را در سال ۱۹۵۳ راه‌اندازی کرد، که هدف اصلی آن افزایش سریع تولیدات صنعتی، به‌ویژه در بخش صنایع سنگین، بود. این برنامه به‌طور عمده تحت تأثیر متدولوژی‌های شوروی و با همکاری کارشناسان شوروی تدوین شد. مائو تسه‌تونگ و دولت او بر این باور بودند که برای دستیابی به یک تحول سوسیالیستی، نیاز به یک پایه صنعتی قوی وجود دارد. در این راستا، برنامه پنج‌ساله بر ایجاد صنایع جدید و توسعه زیرساخت‌های ضروری تمرکز داشت و به کشاورزی به‌عنوان منبع تأمین غذا برای جمعیت شهری و حمایت از رشد صنعتی نگاه می‌کرد. در این دوره، شمال شرق چین بیشترین سهم از منابع دولتی را دریافت کرد و به‌عنوان مرکز توسعه صنعتی شناخته شد. در طول این برنامه، دولت کنترل بیشتری بر صنایع خصوصی اعمال کرد و بسیاری از این صنایع را به مالکیت دولتی درآورد یا به شرکت‌های مختلط عمومی و خصوصی تبدیل کرد. تا سال ۱۹۵۶، حدود ۶۷٫۵ درصد از تمام صنایع مدرن به دولت تعلق داشتند. همچنین، کشاورزی تحت تغییرات سازمانی گسترده‌ای قرار گرفت؛ زمین‌های مالکان بزرگ مصادره و بین کشاورزان فقیر توزیع شد. در نتیجه، کشاورزان تشویق شدند تا جمعیت‌های اجتماعی بزرگتری تشکیل دهند تا کارایی را افزایش دهند. این اصلاحات باعث شد که تا سال ۱۹۵۷، حدود ۹۳٫۵ درصد از خانوارهای کشاورزی به تعاونی‌ها بپیوندند.

برنامه پنج‌ساله اول چین موفقیت‌های قابل توجهی در افزایش رشد اقتصادی کشور و گسترش صنایع کلیدی مانند تولید آهن، فولاد و زغال‌سنگ داشت. تولید صنعتی در این دوره با نرخ متوسط سالانه ۱۹ درصد افزایش یافت و این موفقیت زمینه را برای برنامه‌های توسعه اقتصادی بعدی فراهم کرد. همچنین، این برنامه آغازگر تغییرات اجتماعی و اقتصادی عمیق‌تری بود که چین را به سمت سوسیالیسم سوق می‌داد و پایه‌های جمهوری خلق چین را مستحکم‌تر می‌کرد.

۷۹ - **جهش بزرگ به جلو** (به چینی 大跃进): یکی از مهم‌ترین و در عین حال بحث‌برانگیزترین سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی چین تحت رهبری مائو زدونگ بود که بین سال‌های ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۱ اجرا شد. این سیاست با هدف تبدیل سریع چین از یک جامعه کشاورزی به یک قدرت صنعتی و کمونیستی تدوین شد.

اهداف اصلی:

- ✓ افزایش تولید صنعتی: تأکید بر تولید فولاد و ساخت کارخانه‌ها.
- ✓ جمع‌آوری کشاورزی: سازمان‌دهی زمین‌های کشاورزی در قالب کمون‌های بزرگ برای افزایش بهره‌وری و تولید غذا.
- ✓ خودکفایی اقتصادی: کاهش وابستگی به واردات و تقویت اقتصاد داخلی چین.

ویژگی‌ها:

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

برنامه پنج‌ساله سوم (۱۹۶۶-۱۹۷۰) بر پیشرفت فناوری تمرکز داشت؛ و برنامه‌های بعدی به سمت اصلاحات اقتصادی و ادغام در اقتصاد جهانی حرکت کردند. در مجموع، ۱۴ برنامه پنج‌ساله در چین وجود داشته است که هر یک تمرکز خاصی داشته‌اند:

۱. برنامه اول: ۱۹۵۳-۱۹۵۷: توسعه صنعت سنگین
- دبیر کل حزب: مائو تسه‌تونگ، رئیس‌جمهور: مائو تسه‌تونگ، نخست‌وزیر: ژو انلای
۲. برنامه دوم: ۱۹۵۸-۱۹۶۲: جهش بزرگ - صنعتی‌سازی سریع و جمعی‌سازی
- دبیر کل حزب: مائو تسه‌تونگ، رئیس‌جمهور: مائو تسه‌تونگ، نخست‌وزیر: ژو انلای
۳. برنامه سوم: ۱۹۶۶-۱۹۷۰: پیشرفت‌های فناوری
- دبیر کل حزب: مائو تسه‌تونگ، رئیس‌جمهور: لیوشاچی (تا ۱۹۶۶)، نخست‌وزیر: ژو انلای
۴. برنامه چهارم: ۱۹۷۱-۱۹۷۵: تثبیت اقتصادی پس از جهش بزرگ
- دبیر کل حزب: مائو تسه‌تونگ، رئیس‌جمهور: ژو انلای (سرپرست)، نخست‌وزیر: ژو انلای
۵. برنامه پنجم: ۱۹۷۶-۱۹۸۰: تمرکز بر نوسازی و بهبود اقتصادی
- دبیر کل حزب: هوا گووفنگ، رئیس‌جمهور: هوا گووفنگ، نخست‌وزیر: دنگ شیاپینگ (غیررسمی)
۶. برنامه ششم: ۱۹۸۱-۱۹۸۵: تأکید بر اصلاحات اقتصادی و باز شدن
- دبیر کل حزب: هو یابانگ، رئیس‌جمهور: لی شیانیان، نخست‌وزیر: ژائو زیانگ

✓ تشکیل کمون‌ها: زمین‌های خصوصی کشاورزی جمع‌آوری و کمون‌های بزرگ ایجاد شدند. در این کمون‌ها، مردم مجبور به کار دسته‌جمعی در پروژه‌های کشاورزی و صنعتی شدند.

✓ تولید فولاد خانگی: برای افزایش تولید صنعتی، مائو مردم را تشویق کرد تا در کوره‌های خانگی، فولاد تولید کنند. این پروژه به دلیل نبود فناوری و مواد خام مناسب، به اتلاف منابع و تولید محصولات بی‌کیفیت منجر شد.

نتایج و پیامدها:

فاجعه قحطی: به دلیل سوءمدیریت، کاهش تولید غذا، و سیاست‌های نادرست کشاورزی، چین دچار قحطی شدیدی شد که میلیون‌ها نفر جان خود را از دست دادند. آمارها حاکی از مرگ ۱۵ تا ۴۵ میلیون نفر در این دوره است.

تضعیف اقتصاد: تلاش‌های ناکارآمد صنعتی و کشاورزی به جای پیشرفت، اقتصاد چین را دچار بحران کرد.

سقوط اعتبار مائو: شکست این سیاست، مائو زدوونگ را در حزب کمونیست تضعیف کرد و منجر به انتقال موقت بخشی از قدرت به رهبرانی مانند لیو شائوچی و دنگ شیائوپینگ شد.

تحلیل: «جهش بزرگ به جلو» نمونه‌ای از سیاست‌هایی است که بدون مطالعه کافی و با تأکید بر ایدئولوژی بیش از واقعیت‌های اقتصادی اجرا شد. این سیاست پیامدهای ویرانگری برای مردم چین و اقتصاد این کشور به همراه داشت و تأثیرات آن تا دهه‌ها بعد در تاریخ چین احساس می‌شد.

منابع:

Dikötter, Frank. *Mao's Great Famine: The History of China's Most Devastating Catastrophe, 1958-1962*. Bloomsbury Publishing, 2010.

Spence, Jonathan D. *The Search for Modern China*. W.W. Norton & Company, 1999.

مهرمتین، حسن. دنگ شیائوپینگ. چاپ اول، ۱۳۹۵، تهران.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

۷. برنامه هفتم: ۱۹۸۶-۱۹۹۰: تمرکز بر اصلاحات مبتنی بر بازار
دبیر کل حزب: ژائو زیانگ، رئیس‌جمهور: یانگ شانگون، نخست‌وزیر: لی پنگ
۸. برنامه هشتم: ۱۹۹۱-۱۹۹۵: ادامه لیبرالیزم اقتصادی
دبیر کل حزب و رئیس‌جمهور: جیانگ زمین، نخست‌وزیر: لی پنگ
۹. برنامه نهم: ۱۹۹۶-۲۰۰۰: نوآوری فناوری و توسعه زیرساخت‌ها
دبیر کل حزب و رئیس‌جمهور: جیانگ زمین، نخست‌وزیر: ژو رونگی
۱۰. برنامه دهم: ۲۰۰۱-۲۰۰۵: توسعه پایدار و هماهنگی اجتماعی
دبیر کل حزب و رئیس‌جمهور: هو جینتائو، نخست‌وزیر: ون جیابائو
۱۱. برنامه یازدهم: ۲۰۰۶-۲۰۱۰: رشد مبتنی بر نوآوری
دبیر کل حزب و رئیس‌جمهور: هو جینتائو، نخست‌وزیر: ون جیابائو
۱۲. برنامه دوازدهم: ۲۰۱۱-۲۰۱۵: رشد مبتنی بر نوآوری
دبیر کل حزب و رئیس‌جمهور: شی جینپینگ، نخست‌وزیر: ون جیابائو (تا ۲۰۱۳)، سپس لی کچیانگ
۱۳. برنامه سیزدهم: ۲۰۱۶-۲۰۲۰: توسعه کیفی و پایداری محیط زیستی
دبیر کل حزب و رئیس‌جمهور: شی جینپینگ، نخست‌وزیر: لی کچیانگ
۱۴. برنامه چهاردهم: ۲۰۲۱-۲۰۲۵: پیشرفت‌های فناوری و اهداف کربن خنثی
دبیر کل حزب و رئیس‌جمهور: شی جینپینگ، نخست‌وزیر: لی کچیانگ
- نکته:** خلاصه ای از ۱۴ برنامه ۵ ساله چین در بخش ضmann آورده شده است.

۴. قطع روابط با شوروی:

در اوایل دهه ۱۹۶۰، مائو تسه‌تونگ به‌طور قاطع از اتحاد جماهیر شوروی جدا شد و روابط اقتصادی و نظامی را به‌دلیل اختلافات ایدئولوژیک عمیق قطع کرد. این شکاف ریشه در دیدگاه مائو نسبت به رهبری شوروی، به‌ویژه نیکیتا خروشچف^۸ داشت که او را متهم به ترک اصول مارکسیستی و پذیرش رویکردی ملایم‌تر و سازش‌کارانه

۸۰ - نیکیتا سرگیویچ خروشچف (۱۸۹۴-۱۹۷۱) یکی از رهبران برجسته شوروی بود که از ۱۹۵۳ تا ۱۹۶۴ به عنوان دبیر اول حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی و از ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۴ به عنوان نخست‌وزیر خدمت کرد. او در یک خانواده دهقانی در کالینوکا، روسیه به دنیا آمد و در سال ۱۹۱۸ به حزب بلشویک پیوست و به سرعت در صفوف حزب کمونیست ترقی کرد. خروشچف به خاطر سیاست‌های خود در زمینه "از بین بردن استالینیزم" شناخته می‌شود که او آن را در یک سخنرانی محرمانه در کنگره بیستم حزب کمونیست در سال ۱۹۵۶ آغاز کرد و در آن به محکوم کردن افراط‌ها و وحشی‌گری‌های رژیم جوزف استالین پرداخت. دوران رهبری او با رویدادهای مهمی مانند بحران موشکی کوبا همراه بود که در آن نقش مهمی در مدیریت تنش‌های جنگ سرد بین اتحاد شوروی و ایالات متحده ایفا کرد. دوران خروشچف همچنین شاهد تلاش‌هایی برای اصلاح اقتصاد شوروی و ترویج پیشرفت‌های فناوری بود، از جمله حمایت از برنامه فضایی اولیه شوروی. او به خاطر شخصیت پویا و گاهی اوقات تند خود شناخته می‌شد که شامل حرکات نمایشی بود که هدف آن نمایش تصویر قابل دسترس‌تری از کمونیسم برای غرب بود. با این حال، رهبری او با چالش‌هایی مانند ناکامی‌های کشاورزی و روابط رو به وخامت با چین

دستر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

نسبت به غرب می‌کرد. اختلافات ایدئولوژیک پس از کمپین خروشچف برای دیکتاتوری استالین شدت یافت، که مائو آن را تهدیدی مستقیم برای اقتدار و دیدگاه خود درباره کمونیسم می‌دانست. در نتیجه، مائو شروع به دیدن اتحاد شوروی نه تنها به عنوان رقیب ایدئولوژیک بلکه به عنوان دشمن بالقوه‌ای کرد که او را مجبور به قطع کامل روابط و پیشبرد رویکرد خودکفا برای توسعه صنعتی نمود.

تصمیم مائو برای تکیه بر منابع و قابلیت‌های داخلی، تغییر قابل توجهی در استراتژی توسعه چین بود. با قطع روابط با اتحاد شوروی، چین ناچار شد تا نوآوری کند و پایگاه صنعتی خود را بدون کمک خارجی توسعه دهد. این تغییر منجر به تأکید بیشتر بر تولید محلی و خودکفایی شد، هرچند که چالش‌هایی مانند ناکارآمدی‌ها و کمبودها نیز به همراه داشت. دور شدن از وابستگی به شوروی نهایتاً زمینه‌ساز اصلاحات اقتصادی بعدی چین شد و حس افتخار ملی و استقلال را تقویت کرد، هرچند که در ابتدا مشکلات قابل توجهی برای جمعیت چین ایجاد کرد.^{۸۱}

۵. تأکید بر صنایع روستایی:

تأکید مائو تسه‌تونگ بر صنایع روستایی، پاسخی استراتژیک به نیاز به توسعه صنعتی بدون وابستگی به قدرت‌های خارجی بود. با ترویج ایجاد صنایع کوچک در مناطق روستایی، مائو قصد داشت تا کشاورزان و جوامع محلی را توانمند سازد و به آنها این فرصت را بدهد که در توسعه اقتصادی مشارکت کنند. این ابتکار بخشی از کمپین بزرگ جهش به جلو بود که هدف آن بسیج جمعیت روستایی برای تولید کالاهای صنعتی در کنار محصولات کشاورزی بود. ایجاد کارخانه‌ها و کارگاه‌های کوچک در روستاها به منظور تکمیل تولیدات کشاورزی و تأمین کالاهای ضروری مانند کود، ابزار و حتی فولاد طراحی شده بود. اگرچه بسیاری از این تلاش‌ها با چالش‌ها و ناکارآمدی‌های قابل توجهی مواجه شدند، اما این اقدامات نمایانگر تلاشی برای تمرکززدایی از تولید صنعتی و ادغام جوامع روستایی در اقتصاد ملی بود.

فشار برای توسعه صنایع روستایی همچنین پیامدهای اجتماعی و اقتصادی فراتر از صرف تولید داشت. با درگیر کردن کشاورزان در فعالیت‌های صنعتی، مائو سعی داشت حس مالکیت و مسئولیت نسبت به توسعه اقتصادی محلی را در آنها تقویت کند. این رویکرد هدفش کاهش نابرابری‌های شهری-روستایی و تقویت خودکفایی در مناطق روستایی بود که به نوبه خود تاب‌آوری اقتصادی آنها را افزایش می‌داد. هرچند که نتایج واقعی این سیاست‌ها اغلب با ناکارآمدی‌ها و مدیریت ضعیف همراه بود، اما آنها زمینه‌ساز توسعه‌های آینده در صنعت روستایی شدند. مهارت‌ها و دانشی که در این دوره کسب شد، در نهایت به اصلاحات موفق‌تری که توسط دنگ

مواجه شد. در سال ۱۹۶۴، او توسط رقبای حزبی‌اش از قدرت برکنار شد و لئونید برژنف جایگزین او شد. با وجود میراث بحث‌برانگیز او، تأثیر خروشچف بر سیاست‌های شوروی و نقش او در شکل‌دهی به دینامیک‌های جنگ سرد همچنان در بحث‌های تاریخی حائز اهمیت است.

۸۱ - "قطع روابط اقتصادی و نظامی چین با اتحاد جماهیر شوروی"

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

ژیاو پینگ آغاز شد، کمک کرد، زیرا جوامع روستایی شروع به کاوش فرصت‌های بازار فراتر از کشاورزی سنتی کردند.^{۸۲}

ج: انقلاب مداوم

اقدامات انقلاب فرهنگی (۱۹۶۶-۱۹۷۶)

مائو تسه‌تونگ، رهبر چین، انقلاب فرهنگی را از سال ۱۹۶۶ تا ۱۹۷۶ به منظور تجدید روحیه انقلاب کمونیستی و ریشه‌کن کردن نفوذ "بورژوازی" آغاز کرد. او نگران بود که چین به سمت مدل شوروی پیش برود و به همین دلیل به دنبال حفظ کنترل بر حزب کمونیست و جلوگیری از ظهور رقبای سیاسی بود. در این راستا، مائو **چهار هدف اصلی** برای انقلاب فرهنگی تعیین کرد: حذف مخالفین و جایگزینی جانشینان خود با رهبران وفادارتر به افکارش، اصلاح حزب کمونیست چین، حذف نمادهای سنتی بازآموزی روشنفکران و سازماندهی جوانان شهری در گروه‌های موسوم به "گارد‌های سرخ"، و تشویق آنها به انتقاد از مقامات حزب و حمله به ارزش‌های سنتی هرچند ایجاد نیروهای جوان و انقلابی گارد سرخ‌این حرکت به سرعت به خشونت و هرج و مرج کشیده شد و بسیاری از افراد مسن و تحصیل کرده مورد حمله قرار گرفتند و برخی حتی جان خود را از دست دادند، اما مائو توانست بسیاری از اهدافش را محقق سازد. مائو همچنین با ایجاد ائتلافی از همکاران خود، از جمله همسرش، جیانگ کینگ، و وزیر دفاع، لین بیائو، تلاش کرد تا انقلاب فرهنگی را به پیش ببرد. این دوره نه تنها به آشفتگی اقتصادی منجر شد بلکه تأثیرات عمیقی بر جامعه چین گذاشت و روابط میان مقامات حزب را نیز تحت تأثیر قرار داد.

در ادامه به بررسی اقدامات چهارگانه انقلاب فرهنگی می‌پردازیم:

۱. **تشکیل گارد سرخ:** دانشجویان و جوانان به گروه‌های موسوم به گارد سرخ^{۸۳} پیوستند و نقش اصلی در اعمال سیاست‌های انقلاب فرهنگی ایفا کردند.

۸۲ - "توسعه صنایع روستایی در دوران مائو"

<https://uweconsoc.com/the-great-leap-sideways-chinese-industrialization-under-mao-zedong/>

۸۳ - گارد‌های سرخ (Red Guards) گروهی مهم و جنجالی در دوران انقلاب فرهنگی چین بودند که از ۱۹۶۶ تا ۱۹۷۶ به رهبری مائو تسه‌تونگ شکل گرفتند. این واحدهای شبه‌نظامی جوانان نقش کلیدی در تحولات اجتماعی و سیاسی رادیکال آن زمان ایفا کردند.

تشکیل و هدف

منشأ: گارد‌های سرخ در مه ۱۹۶۶ به عنوان بخشی از فراخوان مائو برای اقدام علیه آنچه او به عنوان عناصر "بازنگر" درون حزب کمونیست و جامعه می‌دید، شکل گرفتند. مائو هدف داشت تا روح انقلابی را دوباره زنده کند و تأثیرات بورژوازی را که به اعتقاد او سوسیالیسم در چین را تضعیف می‌کرد، از بین ببرد. او به‌طور مشهور جوانان را تشویق کرد که "ستاد را بمباران کنند" و از آنها خواست تا به چالش با مقامات و ارزش‌های سنتی بپردازند.

ترکیب: گارد‌های سرخ عمدتاً شامل دانشجویان دانشگاه‌ها و دبیرستان‌ها بودند که نسبت به ایدئولوژی مائوئیستی شور و اشتیاق داشتند. آنها معمولاً یونیفورم‌هایی مشابه یونیفورم‌های نظامی چین می‌پوشیدند و بازوبندهای قرمزی به نشانه عضویت خود در این حرکت انقلابی بر تن داشتند. در اوج خود، تعداد گارد‌های سرخ در سراسر چین ممکن است به حدود ۱۱ میلیون نفر رسیده باشد.

فعالیت‌ها و اقدامات

۲. حذف مخالفان سیاسی:

در دوران مائو تسه‌تونگ، حذف مخالفان سیاسی بخشی از انقلاب مداوم او بود که در آن رهبران ارشد حزب که به عنوان بورژوا یا ضدانقلابی شناخته می‌شدند، از قدرت کنار گذاشته یا مورد آزار و اذیت قرار می‌گرفتند. یکی از نمونه‌های بارز این حذف‌ها، "حادثه لیگ ضدبلشویک (Anti-Bolshevik League Incident)" است که در آن مائو رقبا سیاسی خود را متهم به عضویت در یک سازمان جاسوسی کرد و به دنبال آن، کمپین‌های تصفیه‌ای را آغاز کرد که منجر به اعدام‌ها و آزارهای گسترده در میان اعضای ارتش سرخ و حزب کمونیست شد. این کمپین‌ها شامل اعدام‌های فوری، شکنجه و دستگیری‌های دسته‌جمعی بود و به شدت بر قدرت مائو در حزب تأثیر گذاشت.

کمپین‌های تعقیب: گاردهای سرخ در تعقیب گسترده افرادی که به عنوان دشمنان انقلاب شناخته می‌شدند، از جمله رهبران محلی حزب، روشنفکران، معلمان و هر کسی که با فرهنگ سنتی مرتبط بود، شرکت کردند. فعالیت‌های آنها شامل تحقیر عمومی، شکنجه و حتی قتل بود. تخمین زده می‌شود که چند صد هزار نفر به دلیل این کمپین‌ها جان خود را از دست دادند.

فراکسیون‌گرایی: با پیشرفت این حرکت، تقسیمات داخلی در میان گاردهای سرخ پدید آمد. گروه‌های مختلفی برای کسب قدرت رقابت کردند و هر یک ادعا می‌کردند نماینده واقعی اندیشه مائوئیستی هستند. این درگیری‌ها منجر به برخوردهای خشونت‌آمیز میان خودشان شد که زندگی صنعتی و شهری در سراسر چین را مختل کرد.

واکنش دولت: تا سال‌های ۱۹۶۷، هرج و مرج ناشی از گاردهای سرخ باعث شد تا دولت چین وارد عمل شود. ارتش برای برقراری نظم فراخوانده شد که منجر به کاهش نفوذ گاردهای سرخ شد. بسیاری از آنها تشویق شدند تا به مناطق روستایی بروند تا جامعه را تثبیت کنند. میراث: میراث گاردهای سرخ پیچیده و عمیقاً با روایت تاریخی چین پیوند خورده است. اگرچه آنها در ابتدا به عنوان عوامل تغییر انقلابی دیده می‌شدند، اما اقدامات آنها در دوران انقلاب فرهنگی تأثیر lasting بر جامعه چین گذاشت. خشونت و هرج و مرجی که آنها ایجاد کردند، منجر به بازنگری سیاست‌های مائو در سال‌های بعدی شد.

به طور خلاصه، گاردهای سرخ یک حرکت جوانان رادیکال بودند که نقش محوری در انقلاب فرهنگی مائو تسه‌تونگ ایفا کردند. تعهد شدید آنها به ایده‌های انقلابی منجر به آشفتگی اجتماعی قابل توجهی شد و در نهایت واکنشی علیه افراط‌های آنها ایجاد کرد، زیرا چین در سال‌های پس از مرگ مائو به دنبال ثبات بود.

۸۴ - بلشویک‌ها یک جناح رادیکال از حزب سوسیال دموکرات کارگری روسیه (RSDLP) بودند که در اوایل قرن بیستم به رهبری ولادیمیر لنین شکل گرفتند. آن‌ها در کنگره دوم حزب در سال ۱۹۰۳ از منشویک‌ها جدا شدند و بر سازماندهی یک حزب منسجم از انقلابیون حرفه‌ای تأکید کردند، در حالی که منشویک‌ها به عضویت گسترده‌تر حزب اعتقاد داشتند. بلشویک‌ها در دوران آشفتگی سیاسی ناشی از جنگ جهانی اول به شهرت رسیدند و از ناراضی بین کارگران و سربازان بهره‌برداری کردند و در نهایت در انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ قدرت را به دست گرفتند. ایدئولوژی آن‌ها که به عنوان بلشویکیسم شناخته می‌شود، بر اصول مارکسیستی متمرکز بود و هدف آن‌ها ایجاد "دیکتاتوری پرولتاریا" بود که منجر به تأسیس اتحاد جماهیر شوروی شد و تأثیر قابل توجهی بر سیاست‌های جهانی در طول قرن بیستم گذاشت.

منشویک‌ها یک جناح از حزب سوسیال دموکرات کارگری روسیه بودند که در اوایل قرن بیستم، به ویژه پس از تقسیم حزب در کنگره دوم در سال ۱۹۰۳، رهبری این گروه را شخصیت‌هایی مانند یولیوس مارتوف و پاول آکسلرود بر عهده داشتند. منشویک‌ها به رویکردی معتدل‌تر و اصلاح‌طلبانه‌تر نسبت به سوسیالیسم نسبت به بلشویک‌ها اعتقاد داشتند، که favor می‌کردند یک انقلاب رادیکال و فوری انجام شود. آن‌ها از عضویت گسترده در حزب حمایت کرده و بر این باور بودند که یک انقلاب بورژوا دموکراتیک قبل از دستیابی به سوسیالیسم ضروری است و بنابراین به دنبال اتحاد با احزاب بورژوازی لیبرال بودند. در طول اوایل دهه ۱۹۰۰، منشویک‌ها نقش‌های مهمی در فعالیت‌های انقلابی، از جمله انقلاب ۱۹۰۵ و تحولات سیاسی بعدی تا انقلاب‌های ۱۹۱۷ ایفا کردند، جایی که آن‌ها ابتدا در دولت موقت شرکت کردند اما در برابر بلشویک‌های رادیکال‌تر نتوانستند نفوذ خود را حفظ کنند. در نهایت، پس از انقلاب اکتبر، منشویک‌ها سرکوب شدند و بسیاری از اعضای آن‌ها به تبعید رفتند یا تحت تعقیب حکومت بلشویکی قرار گرفتند.

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

نمونه دیگر از حذف مخالفان سیاسی، "انقلاب فرهنگی" بود که در سال ۱۹۶۶ آغاز شد. مائو به هدف حفظ اصول کمونیستی و پاکسازی عناصر بورژوا از حزب و جامعه، جوانان را به گروه‌های گارد سرخ سازماندهی کرد. در این دوره، بسیاری از رهبران ارشد حزب مانند **لیو شائوچی** و **دنگ شیائوپینگ** از قدرت کنار گذاشته شدند و تحت فشارهای شدید قرار گرفتند. این تحولات نه تنها منجر به نابودی زندگی سیاسی بسیاری از افراد شد بلکه به ایجاد هرج و مرج اجتماعی و فرهنگی نیز انجامید که پیامدهای آن برای سال‌ها ادامه یافت.

۳. تخریب نمادهای سنتی و فرهنگی:

مکان‌های تاریخی، معابد و آثار فرهنگی که به عنوان نمادهای "فئودالی"^{۸۵} و "بورژوازی"^{۸۶} دیده می‌شدند، تخریب شدند.

یکی از نمونه‌های مهم سنتی، **معبد کنفوسیوس** در قوفو بود که زادگاه کنفوسیوس و یک سایت میراث جهانی یونسکو بود. این معبد در طی انقلاب فرهنگی مورد حمله قرار گرفت و بسیاری از آثار تاریخی آن از جمله لوح‌های باستانی و ظروف برنزی تخریب شدند. همچنین، **مقبره‌های دودمان مینگ**^{۸۷} نیز هدف تخریب قرار گرفتند؛ به‌ویژه مقبره امپراتور وان لی که به شدت مورد هجوم قرار گرفت و آثار آن به آتش کشیده شد. یکی دیگر از مکان‌های مهم که تخریب شد، **کاخ تابستانی قدیم** در پکن بود. این کاخ که در قرن ۱۸ و ۱۹ ساخته شده بود، به عنوان یکی از مهم‌ترین نمونه‌های معماری امپراتوری چین شناخته می‌شد. اگرچه این کاخ

۸۵ - **نظام فئودالی** یک ساختار اجتماعی و اقتصادی است که در آن زمین و منابع توسط شاه یا حاکمان مرکزی به اشراف و فئودال‌ها واگذار می‌شود. این اشراف در ازای خدمات نظامی و وفاداری، از دهقانان یا رعیت‌ها بهره‌برداری می‌کنند. در این سیستم، هر طبقه اجتماعی وظایف و حقوق خاص خود را دارد، و قدرت در دست یک اقلیت کوچک از زمین‌داران بزرگ است، در حالی که اکثریت مردم در فقر زندگی می‌کنند و به کشاورزی و تأمین نیازهای فئودال‌ها مشغول‌اند.

۸۶ - **بورژوازی** به طبقه‌ای از افراد اشاره دارد که **مالکیت و کنترل وسایل تولید** را در جامعه دارند و به طور کلی شامل صاحبان کسب‌وکار، بازرگانان و افراد ثروتمند می‌شود. این طبقه در دوران قرون وسطی به عنوان یک طبقه اجتماعی میان کشاورزان و اشراف شکل گرفت و با ظهور سرمایه‌داری در دوران مدرن، نقش مهمی در توسعه اقتصادی ایفا کرد. بورژوازی به دلیل دسترسی به ثروت، قدرت سیاسی و تحصیلات، معمولاً با پرولتاریا (کارگران) در تضاد قرار دارد. در فلسفه مارکسیستی، بورژوازی به عنوان طبقه حاکم در جوامع سرمایه‌داری شناخته می‌شود که منافع خود را از طریق استثمار کارگران و کنترل منابع اقتصادی تأمین می‌کند. این طبقه همچنین به عنوان نماینده ارزش‌های فردگرایی و رقابت شناخته می‌شود که بر اساس آن‌ها موفقیت شخصی و کارآفرینی مورد تأکید قرار می‌گیرد.

بورژوازی نه تنها در اقتصاد بلکه در فرهنگ نیز تأثیرگذار است. این طبقه با کنترل رسانه‌ها، آموزش و سایر نهادهای فرهنگی، هنجارها و ارزش‌های اجتماعی را شکل می‌دهد. از این رو، ایده‌های مصرف‌گرایی و مادی‌گرایی که غالباً با بورژوازی مرتبط هستند، در جوامع مدرن ترویج می‌شوند. به طور کلی، بورژوازی به عنوان یک طبقه اجتماعی کلیدی در تحلیل ساختارهای طبقاتی و دینامیک‌های قدرت در جوامع سرمایه‌داری شناخته می‌شود.

۸۷ - **دودمان مینگ** (۱۶۴۴-۱۳۶۸ م.) یکی از مهم‌ترین سلسله‌های چین بود که پس از فروپاشی دودمان مغولی یوآن تأسیس شد. این دودمان توسط هونگ وو، رهبر شورش علیه یوآن، بنیان‌گذاری شد و آخرین سلسله‌ای بود که قدرت اصلی در آن در دست قوم هان قرار داشت. دوران مینگ با پیشرفت‌های فرهنگی، اقتصادی و نظامی همراه بود. از جمله اقدامات برجسته این دوره می‌توان به ترمیم گسترده دیوار بزرگ چین برای مقابله با حملات مغول‌ها و قبایل شمالی، ساخت شهر ممنوعه در پکن و گسترش تجارت دریایی اشاره کرد. امپراتوران مینگ همچنین تلاش کردند تا یک سیستم اداری متمرکز و قدرتمند ایجاد کنند که بر پایه شایسته‌سالاری استوار بود. حکمرانی سلسله مینگ، همزمان با سلطنت شاهان صفوی شاه اسماعیل اول، شاه تهماسب اول و به ویژه شاه عباس اول بود.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

در سال ۱۸۶۰ توسط نیروهای بریتانیایی و فرانسوی غارت و سوزانده شد، اما در دوران انقلاب فرهنگی نیز باقی مانده‌های آن به شدت آسیب دیدند. این تخریب‌ها نه تنها منجر به از بین رفتن آثار تاریخی شد بلکه تأثیرات عمیقی بر هویت فرهنگی مردم چین گذاشت.^{۸۸}

۴. بازآموزی روشنفکران:

مبارزه با نخبگان و بازآموزی آن‌ها در دوران مائو تسه‌تو، به ویژه از طریق حرکت به سوی روستاها، یکی از اقدامات فرهنگی مهم بود که هدف آن هم‌راستایی افراد تحصیل کرده با ایدئولوژی کمونیستی بود. این سیاست که از اواخر دهه ۱۹۵۰ آغاز شد و تا دهه ۱۹۷۰ ادامه یافت، به نخبگان شهری، از جمله دانشجویان و حرفه‌ای‌ها، دستور می‌داد تا به مناطق روستایی منتقل شوند و در کشاورزی کار کنند. دلیل این حرکت، از بین بردن تفکر "بورژوازی" در میان نخبگان تحصیل کرده بود و هدف آن ایجاد وفاداری به حزب کمونیست بود. حدود ۱۷ میلیون جوان شهری به مناطق روستایی منتقل شدند تا از کشاورزان یاد بگیرند و به تولید کشاورزی کمک کنند. این تجربه به عنوان نوعی آموزش تلقی می‌شد که هدف آن ایجاد ارتباط با طبقه کارگر و ترویج ارزش‌های سوسیالیستی بود.

برخی از نخبگان مشهور که تحت تأثیر این بازآموزی قرار گرفتند شامل **لیو شیابو**، برنده جایزه نوبل و فعال حقوق بشر؛ **جیانگ رونغ**، نویسنده کتاب **گرگ توتم؟^{۸۹} و ما بو**، نویسنده‌ای که آثارش بر تجربیات جوانان تحصیل کرده در این دوره تمرکز دارد، بودند. همچنین **ژانگ چنگ‌ژی**، که درباره دورانی که در مغولستان داخلی سپری نموده است نوشت، نیز تحت این سرنوشت قرار گرفت. این حرکت نه تنها به اختلال در کارهای آکادمیک آن‌ها منجر شد، بلکه بسیاری را به تحمل شرایط سخت زندگی واداشت و به آنچه برخی به عنوان **"نسل گمشده چین"**^{۹۰} اشاره می‌کنند، انجامید. تجربیات این افراد در آثار ادبی مختلفی مستند شده است که سیاست‌های آن زمان را نقد کرده و تأثیرات عمیق چنین کمپین‌های ایدئولوژیک را بازتاب می‌دهند.

۸۸ - "تخریب مکان‌های تاریخی در دوران انقلاب فرهنگی"

۸۹ - <https://www.chineseantiques.co.uk/why-chinese-antiques-were-destroyed-during-the-cultural-revolution/> - توتن گرگ، رمانی شبه اتوبیوگرافی از جیانگ رونغ است که در دهه ۱۹۶۰ و در دوران انقلاب فرهنگی چین روایت می‌شود. داستان به زندگی چن ژن، یک دانشجوی جوان از پکن می‌پردازد که به مغولستان داخلی فرستاده می‌شود و در زندگی چوپانان سرگردان این منطقه غوطه‌ور می‌شود. او از طریق تجربیاتی که پیدا می‌کند، شیفته گرگ‌هایی که در این منطقه زندگی می‌کنند، می‌شود که مورد احترام فرهنگ و معنویت چوپانی مغولی مرکزی هستند. این رمان تضاد بین آزادی و استقامت مردم مغول و سیاست‌های سرکوبگرانه جمعی تحمیل شده توسط مهاجران چینی هان را به تصویر می‌کشد و در نهایت تخریب‌های زیست‌محیطی و فرهنگی ناشی از این تعارض را نشان می‌دهد. روایت این داستان غنی از مضامین بقا، طبیعت و برخورد بین سنت‌های باستانی و مدرنیته است و همزمان یک نظر اجتماعی عمیق و بررسی روابط انسان و حیوان را ارائه می‌دهد.

۹۰ - "نسل گمشده چین" به گروهی از جوانان اشاره دارد که در دوران انقلاب فرهنگی (۱۹۶۶-۱۹۷۶) و به دنبال سیاست‌های مائو تسه‌تو، از تحصیلات عالی محروم شدند. این نسل شامل حدود ۱۷ میلیون نفر از جوانان شهری بود که به روستاها فرستاده شدند تا تحت عنوان "بازآموزی" در کشاورزی کار کنند و از کشاورزان یاد بگیرند. این سیاست به‌طور قابل توجهی بر زندگی آن‌ها تأثیر گذاشت و آن‌ها را از فرصت‌های

نمونه‌هایی از پاک‌سازی عناصر بورژوازی

۱. حذف لیو شائوچی: لیو شائوچی^{۹۱} رئیس‌جمهور وقت چین، به اتهام "خیانت به اصول کمونیسم" برکنار و در حصر خانگی قرار گرفت و سرانجام درگذشت.

۲. سرکوب روشنفکران:

در دوران انقلاب فرهنگی چین، سرکوب روشنفکران و افرادی که به عنوان مخالفان سیاسی شناخته می‌شدند، به شدت افزایش یافت. یکی از قربانیان برجسته این سرکوب‌ها، لیو شائوچی بود که به عنوان رئیس‌جمهور پیشین چین و یکی از نزدیک‌ترین همکاران مائو شناخته می‌شد. او به اتهام خیانت و ضدانقلابی بودن در سال ۱۹۶۶ از قدرت کنار گذاشته شد و تحت آزار و اذیت قرار گرفت و در نهایت در حبس خانگی در سال ۱۹۶۹

تحصیلی و شغلی محروم کرد. وقتی این افراد در اواخر دهه ۱۹۷۰ به شهرها بازگشتند، با شرایط دشوار مواجه شدند؛ بسیاری از آن‌ها بی‌سواد، بیکار و ناتوان در سازگاری با تغییرات اجتماعی و اقتصادی جدید بودند.

این نسل تحت عنوان "نسل گمشده" شناخته می‌شود زیرا آن‌ها نه تنها فرصتی برای تحصیل و پیشرفت نداشتند، بلکه تجربیات سختی را نیز در دوران جوانی خود متحمل شدند. آثار این سیاست‌ها هنوز هم در جامعه چین دیده می‌شود، جایی که بسیاری از اعضای این نسل به دلیل فقدان تحصیلات و مهارت‌های لازم، نتوانستند نقش مؤثری در توسعه اقتصادی کشور ایفا کنند. با این حال، برخی از آن‌ها توانستند با استفاده از تجربیات خود در روستاها، به زندگی جدیدی دست یابند و نقش‌های خلاقانه‌ای را در جامعه مدرن چین ایفا کنند.

۹۱ - لیو شائوچی (Liu Shaoqi) یکی از شخصیت‌های مهم تاریخ چین و رهبر حزب کمونیست چین در دوران مائو تسه‌تونگ بود. او در سال ۱۸۹۸ به دنیا آمد و به عنوان یک سیاستمدار و نظریه‌پرداز شناخته می‌شود.

زندگی و فعالیت‌ها

تحصیلات و شروع فعالیت: لیو شائوچی در جوانی به حزب کمونیست چین پیوست و در دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ نقش فعالی در فعالیت‌های سیاسی و نظامی ایفا کرد. او به عنوان یکی از رهبران حزب در طول جنگ داخلی چین شناخته می‌شد و پس از تأسیس جمهوری خلق چین در سال ۱۹۴۹، به عنوان رئیس‌جمهور کشور منصوب شد.

سیاست‌های اقتصادی: لیو شائوچی به عنوان یک رهبر میانه‌رو، به دنبال اجرای سیاست‌های اقتصادی عملی‌تر نسبت به مائو بود. او معتقد بود که باید بر روی رونق اقتصادی تمرکز کرد و از ایدئولوژی‌های افراطی دوری جست. این دیدگاه‌ها باعث شد که او محبوبیت زیادی در میان اعضای حزب پیدا کند.

تضاد با مائو

تعارضات ایدئولوژیک: با گذشت زمان، تضادهای عمیقی بین لیو شائوچی و مائو تسه‌تونگ شکل گرفت. مائو که نگران قدرت روزافزون لیو بود، شروع به تضعیف موقعیت او کرد. مائو به تبلیغات علیه لیو پرداخت و او را به عنوان نماد "تجدیدنظرطلبی" معرفی کرد.

انقلاب فرهنگی: با آغاز انقلاب فرهنگی در سال ۱۹۶۶، لیو شائوچی هدف حملات گاردهای سرخ قرار گرفت. او به اتهام اینکه ایدئولوژی را فدای رونق اقتصادی کرده است، دستگیر شد و تحت شکنجه قرار گرفت. شرایط زندان او بسیار سخت بود و حتی اجازه درمان پزشکی نیز به او داده نشد.

مرگ: لیو شائوچی در سال ۱۹۶۹ در زندان جان خود را از دست داد. مرگ او تا سال‌ها پس از آن مخفی نگه داشته شد و خانواده‌اش و مردم چین از این موضوع آگاه نبودند. پس از مرگش، او به عنوان یک قربانی سیاسی انقلاب فرهنگی شناخته شد و بعدها در تاریخ چین مورد تجدید نظر مثبت قرار گرفت.

در مجموع، لیو شائوچی شخصیتی کلیدی در تاریخ معاصر چین بود که نقش مهمی در تحولات سیاسی و اقتصادی کشور ایفا کرد، اما به دلیل تضادهای ایدئولوژیک با مائو تسه‌تونگ، سرنوشت تلخی را تجربه کرد. برای مطالعه در مورد شخصیت‌های تاریخی چین در قرن بیستم به سه کتاب که به فارسی ترجمه شده است در خصوص مائو و دنگ مراجعه نمایید.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

درگذشت. همچنین، **دنگ شیائوپینگ**، که بعدها به عنوان معمار اصلاحات اقتصادی چین شناخته شد، نیز در این دوره به شدت تحت فشار قرار گرفت و به کار اجباری فرستاده شد. او پس از چند سال، در سال ۱۹۷۴ به تدریج دوباره به قدرت بازگشت.

نمونه دیگر **پنگ دهاوی**، وزیر دفاع سابق چین بود که به خاطر انتقاد از سیاست‌های مائو مورد سرکوب قرار گرفت. او در سال ۱۹۶۶ دستگیر و تحت آزار قرار گرفت و در نهایت در سال ۱۹۷۴ درگذشت. این سرکوب‌ها نه تنها منجر به نابودی زندگی سیاسی بسیاری از روشنفکران شد بلکه تأثیرات عمیق اجتماعی و فرهنگی بر جامعه چین گذاشت و نشان‌دهنده شدت سرکوب‌ها و حذف مخالفان سیاسی در دوران انقلاب فرهنگی بود.

۳. تصفیه درون حزبی:

انقلاب فرهنگی که توسط مائو تسه‌تونگ در سال ۱۹۶۶ آغاز شد، هدفش تقویت ایدئولوژی کمونیستی و پاکسازی عناصر سرمایه‌داری و سنتی در جامعه چین بود. یکی از جنبه‌های مهم این حرکت، پاکسازی داخلی مقامات حزب کمونیست بود که در آن هزاران نفر مورد بازجویی، شکنجه و اعدام قرار گرفتند. این کمپین به ویژه مقامات ارشد را هدف قرار داد، از جمله لیوشاوچی که به عنوان **"ضد انقلاب"** شناخته شد و از حزب اخراج گردید. این پاکسازی تنها یک مسأله سیاسی نبود؛ بلکه شامل خشونت گسترده و تحقیر عمومی بود، به طوری که بسیاری از مقامات تحت **"جلسات مبارزه"**^{۹۲} قرار گرفتند که در آن‌ها به شدت مورد انتقاد و آزار جسمی توسط گاردهای سرخ، گروه جوانان شبه‌نظامی که توسط مائو برای اجرای برنامه‌های انقلابی‌اش بسیج شده بودند، قرار می‌گرفتند. با پیشرفت انقلاب فرهنگی، پاکسازی‌ها در شدت و دامنه افزایش یافت. تا اواخر دهه ۱۹۶۰، پارانویا مائو منجر به هدف قرار دادن نزدیک‌ترین هم‌پیمانانش در حزب کمونیست شد. این پاکسازی‌ها منجر به بازسازی قابل توجهی در سلسله مراتب حزب و تخریب ساختارهای قدرت موجود گردید. افرادی که متهم به داشتن تمایلات **"بورژوازی"** بودند با پیامدهای شدید مواجه شدند، از جمله زندانی شدن، شکنجه و کار اجباری. برآوردها نشان می‌دهد که میلیون‌ها نفر در این دوره پرآشوب دچار آسیب شدند و تعداد تلفات ناشی از اعدام‌ها و خودکشی‌های ناشی از شکنجه و تحقیر عمومی ممکن است به صدها هزار تا میلیون‌ها نفر برسد.

عصر اصلاحات پس از مائو

نظریات رهبران بعدی: تکامل ایدئولوژی سوسیالیسم با ویژگی‌های چینی

۹۲ - در دوران انقلاب فرهنگی در چین (۱۹۶۶-۱۹۷۶)، "جلسات مبارزه" یا "جلسات تقابل" به روشی مشهور برای تحقیر و آزار عمومی افرادی تبدیل شد که به عنوان "دشمنان طبقاتی" یا ضدانقلاب شناخته می‌شدند. این جلسات معمولاً به نمایش‌های خشونت‌آمیز تبدیل می‌شدند که در آن افراد متهم تحت آزارهای شدید کلامی و جسمی قرار می‌گرفتند و گاهی اوقات به مرگ منجر می‌شدند. دوستان، خانواده و همکاران به اجبار در این جلسات شرکت می‌کردند، که منجر به فروپاشی اعتماد اجتماعی و روابط شخصی می‌شد زیرا افراد یکدیگر را محکوم می‌کردند. این جلسات چندین هدف داشتند: تقویت کنترل حزب کمونیست با نشان دادن آمادگی آن برای استفاده از خشونت علیه مخالفان، حذف رقبای بالقوه و درگیر کردن توده‌ها در یک عمل جمعی خشونت‌آمیز که آنها را در سرکوب دولتی شریک می‌کرد. این جو ترس و سوءظن به پاکسازی گسترده دشمنان واقعی یا فرضی در داخل حزب و جامعه کمک کرد و میلیون‌ها نفر تحت تأثیر این کمپین‌های وحشیانه قرار گرفتند.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

پس از مرگ مائو تسه‌تونگ در سال ۱۹۷۶، رهبری حزب کمونیست چین، به ویژه تحت هدایت دنگ شیائوپینگ، تغییرات قابل توجهی در ایدئولوژی رسمی کشور ایجاد کرد که به عنوان "سوسیالیسم با ویژگی‌های چینی" شناخته می‌شود. این مفهوم به منظور پاسخگویی به چالش‌های اقتصادی و اجتماعی جدیدی که چین با آن مواجه بود، توسعه یافت و از پایبندی سخت به اصول مارکسیستی سنتی فاصله گرفت. دنگ بر اهمیت اصلاحات اقتصادی و مدرنیزاسیون تأکید کرد و به ادغام مکانیسم‌های بازار در چارچوب سوسیالیستی پرداخت. این رویکرد امکان جذب سرمایه‌گذاری خارجی و تاسیس بنگاه‌های خصوصی را فراهم کرد، در حالی که کنترل سیاسی حزب کمونیست حفظ می‌شد و بدین ترتیب رشد اقتصادی را تسهیل کرد در حالی که همچنان به ایده‌های سوسیالیستی وفادار بود.

تکامل سوسیالیسم با ویژگی‌های چینی شامل بازتعریف رابطه بین برنامه‌ریزی و نیروهای بازار بود و این ایده را مطرح کرد که هر دو می‌توانند در یک سیستم سوسیالیستی همزیستی داشته باشند. دنگ بیان کرد که اقتصاد برنامه‌ریزی شده معادل سوسیالیسم نیست و تأکید کرد که اقتصادهای بازار نیز می‌توانند تحت سوسیالیسم وجود داشته باشند. این رویکرد واقع‌گرایانه هدفش افزایش بهره‌وری و بهبود سطح زندگی مردم بود، در حالی که اطمینان حاصل می‌کرد حزب کمونیست همچنان انحصار قدرت را حفظ کند. با گذشت زمان، این ایدئولوژی همچنان تکامل یافته و عناصر جدیدی از رهبران بعدی مانند جیانگ زمین و هو جینتائو را در بر گرفته است و در نهایت به تفسیرهای کنونی شی جین‌پینگ منجر شده است که سوسیالیسم را به واقعیت‌های معاصر چین بیشتر تطبیق می‌دهد.

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

دنگ شیائوپینگ

دنگ شیائوپینگ: اصلاحات اقتصادی و سوسیالیسم با ویژگی‌های چینی

- بازارگرایی تحت کنترل دولت: دنگ شیائوپینگ^۳ معتقد بود که اقتصاد بازار و سوسیالیسم^۴ می‌توانند در کنار هم عمل کنند. او سیاست «اصلاحات و باز شدن» را معرفی کرد که منجر به رشد اقتصادی بی‌سابقه شد.

۹۳ - دنگ شیائوپینگ (Deng Xiaoping) یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین رهبران چین در قرن بیستم است. او در تاریخ ۲۲ اوت ۱۹۰۴ در شهرستان گوانگ‌آن در استان سیچوان به دنیا آمد و در طول زندگی سیاسی خود، نقش کلیدی در تحولات اقتصادی و اجتماعی چین ایفا کرد. دنگ به عنوان رهبر عالی‌رتبه جمهوری خلق چین از اواخر دهه ۱۹۷۰ تا زمان مرگش در سال ۱۹۹۷ شناخته می‌شود. او به خاطر اصلاحات اقتصادی و باز کردن درهای چین به سوی بازارهای جهانی، به عنوان "معمار چین مدرن" شناخته می‌شود.

دوران جوانی و آغاز کار سیاسی

دنگ شیائوپینگ از خانواده‌ای با وضعیت مالی نسبتاً خوب به دنیا آمد. او در دوران نوجوانی به حزب کمونیست چین پیوست و برای تحصیل به فرانسه رفت. دنگ پس از بازگشت به چین، به عنوان یک سازمان‌دهنده سیاسی و نظامی در انقلاب کمونیستی چین فعالیت کرد. او در طول "راهپیمایی بزرگ (Long March)" که یکی از رویدادهای مهم تاریخ کمونیسم چین بود، نقش مهمی ایفا کرد و بعدها به عنوان کمیسار سیاسی در ارتش سرخ چین خدمت کرد.

صعود به قدرت

پس از تأسیس جمهوری خلق چین در سال ۱۹۴۹، دنگ شیائوپینگ به سرعت در ساختار سیاسی کشور پیشرفت کرد. او سمت‌های مختلفی را در دولت و حزب کمونیست چین بر عهده داشت و به عنوان معاون نخست‌وزیر و دبیر کل حزب فعالیت می‌کرد. با این حال، او در دوران انقلاب فرهنگی (۱۹۶۶-۱۹۷۶) به دلیل اختلاف نظر با مائو تسه‌تونگ، دو بار از مقام خود برکنار شد و تحت فشار قرار گرفت. پس از مرگ مائو در سال ۱۹۷۶، دنگ توانست با استفاده از مهارت‌های سیاسی خود، قدرت را دوباره به دست آورد. او با حذف رقبای سیاسی خود، اصلاحات گسترده‌ای را آغاز کرد که شامل باز کردن اقتصاد کشور به سرمایه‌گذاری‌های خارجی و تجارت بین‌المللی بود.

اصلاحات اقتصادی

دنگ شیائوپینگ با معرفی سیاست "اصلاحات و باز شدن (Reform and Opening Up)" در اواخر دهه ۱۹۷۰، تحولاتی اساسی را در اقتصاد چین ایجاد کرد. او مناطق ویژه اقتصادی (SEZ) را تأسیس کرد که اجازه می‌داد این مناطق تحت قوانین خاصی عمل کنند و جذب سرمایه‌گذاری خارجی را تسهیل کنند. این سیاست‌ها باعث رشد سریع اقتصادی و افزایش سطح زندگی مردم شد، اما همچنین نابرابری‌های اجتماعی را نیز تشدید کرد. در کنار اصلاحات اقتصادی، دنگ سیاست "یک فرزند برای هر زوج" را نیز معرفی کرد تا بر بحران جمعیتی کشور غلبه کند. این سیاست با انتقادات زیادی روبرو شد اما هدف آن کنترل رشد جمعیت بود.

رویدادهای مهم و چالش‌ها

دوران رهبری دنگ شیائوپینگ همچنین با چالش‌هایی همراه بود. یکی از مهم‌ترین رویدادها، اعتراضات میدان تیان‌آنمن در سال ۱۹۸۹ بود که خواستار آزادی‌های سیاسی بیشتر بودند. دنگ پس از مدتی تردید، تصمیم به سرکوب معترضان گرفت و نیروهای نظامی وارد میدان شدند که منجر به کشته شدن تعداد زیادی از معترضان شد. این حادثه باعث انتقادات گسترده جهانی شد اما دنگ همچنان بر قدرت خود باقی ماند.

سال‌های پایانی و میراث

دنگ شیائوپینگ تا پایان عمرش بر سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی چین تأثیرگذار بود. او با انتخاب جانشینان خود، تلاش کرد تا اصلاحات ادامه یابد. دنگ شیائوپینگ در تاریخ ۱۹ فوریه ۱۹۹۷ در سن ۹۲ سالگی در پکن درگذشت. میراث دنگ شیائوپینگ شامل تغییرات بنیادین اقتصادی است که چین را به یکی از سریع‌ترین اقتصادهای جهان تبدیل کرده است. او نه تنها تأثیر عمیقی بر تاریخ معاصر چین گذاشت بلکه نقش مهمی نیز در شکل‌دهی به سیاست‌های جهانی ایفا کرد. دنگ شیائوپینگ نماد تحولاتی است که نه تنها زندگی مردم چین بلکه صحنه جهانی را نیز تحت تأثیر قرار داده است.

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

• توسعه اولویت‌دار:

اصلاحات اقتصادی دنگ شیائوپینگ نقطه عطفی در رویکرد چین به سوسیالیسم بود که توسعه اقتصادی را به عنوان یک عنصر اساسی برای دستیابی به اهداف سوسیالیستی معرفی کرد. تحت رهبری او، مفهوم "توسعه به عنوان اولویت" شکل گرفت و بر این نکته تأکید شد که رشد اقتصادی برای بهبود سطح زندگی و در نهایت تحقق اهداف سوسیالیسم ضروری است. این رویکرد واقع‌گرایانه منجر به معرفی مناطق ویژه اقتصادی (SEZ) و "سیستم مسئولیت" شد که به کشاورزان و کارآفرینان فردی اجازه می‌داد تا در مدیریت تولید و سود خود آزادی بیشتری داشته باشند. با ایجاد محیطی مناسب برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی و اصلاحات مبتنی بر بازار، سیاست‌های دنگ رشد اقتصادی بی‌سابقه‌ای را تسریع کرد که چین را از یک اقتصاد عمدتاً کشاورزی به یک اقتصاد صنعتی‌تر و جهانی‌تر تبدیل کرد. این تحول نه تنها وضعیت اقتصادی چین را ارتقا داد بلکه زمینه را برای مدل منحصر به فردی از سوسیالیسم فراهم کرد که عناصر سرمایه‌داری را در بر می‌گرفت و در عین حال اقتدار سیاسی حزب کمونیست را حفظ می‌کرد.

• عمل‌گرایی:

رویکرد واقع‌گرایانه دنگ شیائوپینگ به اصلاحات اقتصادی در شعار معروفش، "مهم نیست گربه سیاه باشد یا سفید، اگر موش را بگیرد، خوب است"^{۹۵}، تجلی یافته است. این بیان نشان‌دهنده این باور او بود که باید کارایی سیاست‌ها بر اساس نتایج آن‌ها سنجیده شود نه بر اساس مبانی ایدئولوژیکی آنها. دنگ بر راه‌حل‌های عملی تأکید کرد و از پایبندی سخت به ایدئولوژی کمونیستی فاصله گرفت و برای پذیرش هر ابزاری که منجر به رشد اقتصادی و بهبود سطح زندگی مردم شود، حمایت کرد. تحت رهبری او، چین از یک اقتصاد برنامه‌ریزی مرکزی به سمت اقتصادی که مکانیسم‌های بازار و سرمایه‌گذاری خارجی را در بر می‌گرفت، تغییر مسیر داد و این امکان را فراهم کرد که اصول سوسیالیستی با شیوه‌های سرمایه‌داری ترکیب شوند. این تمرکز واقع‌گرایانه به چین اجازه داد تا اصلاحات موفقی مانند مناطق ویژه اقتصادی و سیستم مسئولیت را پیاده‌سازی کند و در نهایت کشور را به سمت توسعه اقتصادی بی‌سابقه‌ای هدایت کند در حالی که کنترل سیاسی حزب کمونیست را حفظ کر^{۹۶}.

۹۴ - سوسیالیسم بازار یک سیستم اقتصادی است که تلاش می‌کند اصول سوسیالیسم را با مکانیزم‌های یک اقتصاد بازار ترکیب کند. برخلاف سوسیالیسم سنتی که معمولاً به برنامه‌ریزی مرکزی و مالکیت دولتی منابع وابسته است، سوسیالیسم بازار اجازه وجود بازارها و شرکت‌های خصوصی را می‌دهد در حالی که بر مالکیت جمعی و مدیریت دموکراتیک تولید تأکید می‌کند. هدف این مدل دستیابی به کارایی اقتصادی و نوآوری از طریق رقابت بازار است در حالی که اطمینان حاصل می‌کند که منافع تولید به طور عادلانه‌تری بین جمعیت توزیع شود. این سیستم به دنبال حذف بهره‌کشی از طریق بازسازی مالکیت بنگاه‌هاست و به کارگران این امکان را می‌دهد که در سودها و فرآیندهای تصمیم‌گیری سهم داشته باشند. نمونه‌هایی از سوسیالیسم بازار را می‌توان در اقتصادهای معاصر مانند چین مشاهده کرد، جایی که ترکیبی از شرکت‌های دولتی و خصوصی تحت اصول بازار فعالیت می‌کنند، هرچند درجه‌ای که این سیستم‌ها با سوسیالیسم بازار کلاسیک همخوانی دارند، مورد بحث اقتصاددانان است. علاوه بر چین کشورهایی مانند ویتنام، لائوس و کوبا را نیز می‌توان نام برد که از سیستم سوسیالیسم بازار با تفاوتی برخوردار هستند.

۹۵ "It doesn't matter whether a cat is black or white, as long as it catches mice, it's a good cat."

۹۶ - "اصلاحات اقتصادی دنگ شیائوپینگ" <https://study.com/learn/lesson/deng-xiaoping-chinese-economic-reform.html>

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

سیاست‌های دنگ شیائوپینگ و مدرن‌سازی

پس از مرگ مائو تسه‌توئنگ در سال ۱۹۷۶، چین در مرحله‌ای بحرانی قرار گرفت. ناکامی‌های انقلاب فرهنگی، اقتصاد را به رکود کشاند و جامعه را درگیر شکاف‌های عمیق کرد. دنگ شیائوپینگ، رهبر جدید چین، با درپیش گرفتن سیاست‌های اصلاحی و مدرن‌سازی، مسیر تازه‌ای برای توسعه این کشور تعیین کرد. این اصلاحات نه تنها اقتصاد چین را متحول کرد، بلکه تأثیرات عمیقی بر ساختارهای اجتماعی، سیاسی و جایگاه بین‌المللی این کشور داشت.

زمینه‌های اصلاحات

پایان انقلاب فرهنگی و بحران‌های ناشی از آن، حزب کمونیست چین را به این نتیجه رساند که برای بازسازی کشور، باید از سیاست‌های ایدئولوژیک افراطی فاصله گرفت و به توسعه اقتصادی پرداخت. در این دوران، دنگ شیائوپینگ با رویکردی عمل‌گرایانه، اصلاحات گسترده‌ای را آغاز کرد که شامل موارد زیر بود:

کنار گذاشتن ایدئولوژی افراطی

دنگ با شعار گرچه خوب اولویت توسعه اقتصادی بر ایدئولوژی را مورد تأکید قرار داد.

۱. بازسازی حزب کمونیست

رهبران معتدل و عمل‌گرا به مناصب کلیدی حزب بازگشتند و نسل جدیدی از مدیران، جایگزین عناصر افراطی انقلاب فرهنگی شدند.

پس از پایان انقلاب فرهنگی و آغاز دوران اصلاحات تحت رهبری دنگ شیائوپینگ، بسیاری از رهبران معتدل و عمل‌گرا به مناصب کلیدی حزب کمونیست چین بازگشتند. برخی از این افراد عبارت‌اند از:

- **ژائو زیانگ (Zhao Ziyang)**: وی یکی از اصلاح‌طلبان برجسته بود که به‌عنوان نخست‌وزیر و دبیرکل حزب کمونیست چین نقش مهمی در پیشبرد اصلاحات اقتصادی ایفا کرد.
 - **هو یائوبانگ (Hu Yaobang)**: از دیگر رهبران معتدل و حامی اصلاحات بود که به‌عنوان دبیرکل حزب کمونیست در دهه ۱۹۸۰، بر مدرنیزاسیون و سیاست‌های لیبرال‌تر تأکید داشت.
 - **چن یون (Chen Yun)**: یکی از معماران اقتصادی چین که بر ترکیب برنامه‌ریزی دولتی با اقتصاد بازار تأکید داشت و در سیاست‌گذاری کلیدی نقش داشت.
 - **لی شیانیان (Li Xiannian)**: به‌عنوان یکی از رهبران عمل‌گرا، او در ایجاد سیاست‌های اقتصادی و تثبیت وضعیت سیاسی نقش مهمی ایفا کرد و بعدها رئیس‌جمهور چین شد.
 - **وانگ جن (Wang Zhen)**: یکی از رهبران کهنه‌کار حزب که در دوره پس از انقلاب فرهنگی برای بازگرداندن ثبات سیاسی و اقتصادی تلاش کرد.
- این رهبران با کنار گذاشتن عناصر افراطی انقلاب فرهنگی، مسیر چین را به سمت اصلاحات اقتصادی، باز شدن به روی جهان، و تثبیت سیاسی هدایت کردند.

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

الف: اصلاحات چهارگانه دنگ شیائو پینگ

مدرن سازی چهارگانه:

دنگ در راستای اجرای توسعه اقتصادی^۷ چهار مدرنیزاسیون از سال ۱۹۷۸ آغاز نمود، هدفش احیای اقتصاد چین از طریق تمرکز بر چهار حوزه حیاتی بود: کشاورزی، صنعت، علم و فناوری، و دفاع ملی. این چارچوب

۹۷ - شاخص های توسعه اقتصادی متوازن شامل مجموعه ای از معیارها هستند که پایداری و شمولیت رشد اقتصادی را منعکس می کنند. در زیر به برخی از شاخص های کلیدی اشاره شده است:

۱. شاخص های اقتصادی

شاخص های اقتصادی معیارهای اساسی هستند که بینش هایی درباره عملکرد اقتصادی یک کشور و رفاه فردی ارائه می دهند. تولید ناخالص داخلی (GDP) ارزش کل کالاها و خدمات تولید شده در یک کشور را اندازه گیری می کند و به عنوان یک شاخص کلیدی از فعالیت های اقتصادی عمل می کند. درآمد سرانه نشان دهنده میانگین درآمد کسب شده توسط افراد در یک منطقه خاص است و نمایی از سطح زندگی و رفاه اقتصادی ساکنان آن ارائه می دهد. علاوه بر این، نرخ اشتغال درصد نیروی کار شاغل را نشان می دهد و دسترسی به شغل ها و سلامت کلی اقتصاد را برجسته می کند. این شاخص ها به طور مشترک به ارزیابی شرایط اقتصادی و اطلاع رسانی به تصمیم گیری های سیاستی کمک می کنند.

۲. شاخص های اجتماعی

شاخص های اجتماعی ابزارهای حیاتی برای ارزیابی کیفیت زندگی و توسعه انسانی در یک جمعیت هستند. شاخص توسعه انسانی (HDI) یک اندازه گیری ترکیبی است که دستاوردهای میانگین در ابعاد اساسی توسعه انسانی، از جمله امید به زندگی، آموزش و درآمد سرانه را ارزیابی می کند و درک گسترده تری از رفاه فراتر از تولید اقتصادی صرف ارائه می دهد. علاوه بر این، نابرابری درآمد توزیع درآمد میان افراد در یک جامعه را اندازه گیری می کند و معمولاً از معیارهایی مانند ضریب جینی برای نشان دادن نابرابری ها استفاده می شود. این شاخص ها به طور مشترک به سیاستگذاران و پژوهشگران کمک می کنند تا شرایط اجتماعی را درک کنند، نابرابری ها را شناسایی کنند و استراتژی هایی برای ارتقاء رفاه انسانی و عدالت اجتماعی تدوین کنند.

۳. شاخص های محیط زیستی

شاخص های زیست محیطی برای ارزیابی پایداری و تأثیرات زیست محیطی فعالیت های انسانی بسیار مهم هستند. معیارهای استفاده پایدار از منابع به بررسی نحوه استفاده از منابع طبیعی می پردازند به گونه ای که این منابع برای نسل های آینده تخلیه نشوند و تعادل اکولوژیکی و دسترسی به منابع درازمدت حفظ شود. اندازه گیری انتشار کربن، میزان گازهای گلخانه ای آزاد شده به جو را کمی سازی می کند و بینش هایی درباره تأثیرات زیست محیطی و اثربخشی تلاش های پایداری ارائه می دهد. این شاخص ها به طور مشترک به سیاستگذاران و سازمان ها کمک می کنند تا پیشرفت به سوی اهداف زیست محیطی را پیگیری کنند، نقاط قابل بهبود را شناسایی کنند و شیوه هایی را ترویج دهند که سیاره را برای نسل های آینده حفظ کند.

۴. توسعه زیرساخت

توسعه زیرساخت برای رشد اقتصادی و جذب سرمایه گذاری ضروری است و کیفیت زیرساخت نقش مهمی در این فرآیند ایفا می کند. ارزیابی کیفیت سیستم های حمل و نقل، انرژی و ارتباطات بینش هایی درباره چگونگی حمایت مؤثر این شبکه ها از فعالیت های اقتصادی ارائه می دهد. زیرساخت های توسعه یافته بهبود اتصال، کاهش هزینه ها و افزایش کارایی برای کسب و کارها را فراهم می کند و بدین ترتیب محیطی مساعد برای سرمایه گذاری ایجاد می کند. علاوه بر این، زیرساخت باکیفیت می تواند دسترسی بهتر به بازارها و خدمات را برای افراد فراهم کند و به توسعه اقتصادی کلی و بهبود کیفیت زندگی کمک کند. بنابراین، سرمایه گذاری در زیرساخت های قوی و نگهداری از آن ها برای پیشرفت اقتصادی پایدار بسیار حیاتی است.

۵. شاخص های تجاری

تراز تجاری: تفاوت بین صادرات و واردات یک کشور که می تواند نشان دهنده سلامت اقتصادی و رقابت پذیری در بازارهای جهانی باشد.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

استراتژیک به دنبال مدرن سازی این بخش ها برای هم راستا کردن آن ها با استانداردهای جهانی بود و نشان دهنده یک تغییر قابل توجه از سیاست های ایدئولوژیک گذشته بود. با معرفی مکانیزم های بازار و اجازه دادن به برخی از فعالیت های خصوصی، دنگ هدف داشت تا بهره وری و کارایی را افزایش دهد و در عین حال اطمینان حاصل کند که منافع رشد اقتصادی به طور عادلانه تری توزیع شود. اصلاحات همچنین با تسهیل سرمایه گذاری خارجی از طریق سیاست درهای باز، برای تولید سرمایه لازم برای توسعه بسیار مهم بودند. در نهایت، این سیاست ها پایه گذار تحول چین به یک قدرت اقتصادی جهانی بزرگ شدند و با ادغام اصول سوسیالیستی و دینامیک های بازار، دوره ای جدید از مدرنیزاسیون و گسترش اقتصادی را فراهم کردند.

الف: مدرن سازی کشاورزی

مدرن سازی کشاورزی در سیاست های دنگ شیائوپینگ یکی از مهم ترین اجزای مدرن سازی چهارگانه، اصلاحات کشاورزی در چین بود. دنگ شیائوپینگ با هدف افزایش بهره وری، بهبود زندگی کشاورزان، و تأمین امنیت غذایی، تغییرات اساسی در ساختار کشاورزی و مدیریت زمین ها ایجاد کرد.

وضعیت کشاورزی قبل از اصلاحات دنگ

قبل از اصلاحات، کشاورزی چین تحت سیستم کمون های اشتراکی اداره می شد. این سیستم، که در دوران مائو تسه تونگ اجرا می شد، بر اشتراک زمین ها و تولید جمعی تأکید داشت.

ویژگی های سیستم کمونیستی کشاورزی:

۱. مدیریت جمعی زمین ها:

در سیستم کشاورزی کمونیستی چین، زمین به طور جمعی مدیریت می شد، به این معنا که کشاورزان فردی از مالکیت و حقوق مدیریت بر زمین خود محروم بودند. این سیستم در دوران کمپین های جمع گرایی در دهه ۱۹۵۰ برقرار شد، جایی که زمین های خصوصی به مزارع جمعی به نام کمون ها ادغام گردید. دولت مرکزی کنترل دقیقی بر تولیدات کشاورزی داشت و کشاورزان در این اراضی مشترک کار می کردند بدون اینکه بتوانند تصمیمات مستقلی

۶. شاخص های رفاه اجتماعی

دسترسی به آموزش و خدمات بهداشتی: معیارهایی که دسترسی و کیفیت خدمات اساسی برای تمامی اقشار جامعه را منعکس می کنند.

۷. شاخص های ثبات

شاخص های ثبات برای ارزیابی سلامت کلی و تاب آوری یک اقتصاد بسیار ضروری هستند. نرخ تورم، ثبات قیمت ها را اندازه گیری می کند و بر قدرت خرید و اعتماد اقتصادی مصرف کنندگان و سرمایه گذاران تأثیر می گذارد. تورم بالا می تواند پس اندازها را کاهش دهد و عدم قطعیت ایجاد کند، در حالی که تورم پایین و پایدار معمولاً با یک اقتصاد سالم مرتبط است. از سوی دیگر، نرخ بیکاری درصد نیروی کار را نشان می دهد که به طور فعال به دنبال کار است اما نمی تواند شغلی پیدا کند. نرخ بیکاری بالا می تواند نشانه ای از بحران اقتصادی و کاهش مصرف باشد، در حالی که بیکاری پایین معمولاً نشان دهنده یک بازار کار قوی است. این دو شاخص به طور مشترک بینش های ارزشمندی درباره ثبات اقتصادی ارائه می دهند و به سیاست گذاران کمک می کنند تا تصمیمات آگاهانه ای برای ترویج رشد و ثبات اتخاذ کنند.

این شاخص ها به طور کلی نمایی جامع از توسعه اقتصادی متوازن ارائه می دهند و نه تنها بر رشد اقتصادی بلکه بر عدالت اجتماعی و پایداری محیط زیستی تأکید دارند. دستیابی به توسعه اقتصادی متوازن نیازمند رویکردی جامع است که این ابعاد مختلف را در نظر بگیرد تا رفاه بلندمدت برای تمامی اقشار جامعه تأمین شود.

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

در مورد شیوه‌های کشت خود اتخاذ کنند. این فقدان مالکیت فردی انگیزه کشاورزان را برای سرمایه‌گذاری در زمین یا بهبود بهره‌وری کاهش داد و منجر به ناکارآمدی‌ها و کاهش تولیدات کشاورزی شد. در نتیجه، مدل مدیریت جمعی به مانعی بزرگ برای نوآوری و رشد کشاورزی تبدیل شد.

۲. سهمیه‌بندی محصولات:

در سیستم کشاورزی کمونیستی چین، کشاورزان ملزم بودند بخش قابل توجهی از تولیدات خود را به دولت تحویل دهند، صرف نظر از نیازهای مصرف شخصی خود. این تخصیص محصولات بخشی از یک مکانیزم کنترل دولتی بود که تعیین می‌کرد کشاورزان چقدر می‌توانند برای استفاده شخصی خود نگه دارند. سیستم تحویل اجباری اغلب باعث می‌شد که کشاورزان با کمبود غذا برای خود و خانواده‌هایشان مواجه شوند که منجر به نارضایتی و سختی‌های گسترده‌ای در مناطق روستایی می‌شد. اصرار دولت بر جمع‌آوری محصولات، حتی در زمان‌های برداشت ضعیف یا نیازهای شخصی، تنش‌های قابل توجهی بین دولت و جمعیت کشاورزی ایجاد کرد. این سیاست نه تنها منابع را تحت فشار قرار می‌داد بلکه به کمبود غذا و سوءتغذیه در میان جوامع روستایی نیز کمک می‌کرد.

۳. عدم انگیزه برای کشاورزان:

سیستم کشاورزی کمونیستی چین عدم انگیزه برای کشاورزان ایجاد کرد زیرا درآمد پایین و مدل توزیع برابر، پاداشی برای افزایش بهره‌وری باقی نمی‌گذاشت. تحت این سیستم، کشاورزان جبران مالی حداقلی برای تلاش‌هایشان دریافت می‌کردند، زیرا سودها به‌طور مساوی بین اعضای مزارع جمعی توزیع می‌شد. نبود منافع شخصی از افزایش تلاش باعث بی‌تفاوتی گسترده نسبت به بهره‌وری کشاورزی شد. کشاورزان تمایل کمی به نوآوری یا بهبود تکنیک‌های زراعی داشتند زیرا هر خروجی اضافی به درآمد شخصی بالاتری منجر نمی‌شد. این عدم انگیزه منجر به رکود در بخش کشاورزی شد و پیشرفت را مختل کرد و چالش‌های اقتصادی را برای جوامع روستایی در سراسر چین ایجاد کرد.

معایب سیستم کمون‌های کشاورزی:

- تولید ناکافی محصولات کشاورزی و کاهش بازدهی.
- وابستگی شدید به دستورات دولتی، بدون توجه به نیازها و شرایط محلی.
- کمبود منابع و فناوری مدرن در کشاورزی.

نتیجه وضعیت قبل از اصلاحات:

در دهه ۱۹۷۰، چین با چالش‌های جدی در تأمین غذا مواجه بود که ناشی از ترکیبی از ناکامی‌های سیاسی و عوامل محیطی بود. "جهش بزرگ به جلو" که توسط مائو تسه‌تنگ در سال‌های ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۲ آغاز شد، منجر به شیوه‌های کشاورزی فاجعه‌بار و ایجاد "سه سال قحطی بزرگ" شد که به مرگ حدود ۳۰ تا ۴۰ میلیون نفر انجامید. تا اوایل دهه ۱۹۷۰، با وجود برخی تلاش‌ها برای بهبود، تولید غلات کشور هنوز در وضعیت نامناسبی

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

قرار داشت. به عنوان مثال، در سال ۱۹۷۱، تولید غلات به ۴۹۲ میلیون جین (۳۱۹ هزار تن) رسید که تنها افزایش اندکی نسبت به ۳۹۲ میلیون جین (۲۵۴ هزار تن) در سال ۱۹۵۷ نشان می‌دهد و این نشان‌دهنده این است که بخش کشاورزی هنوز به طور کامل از مشکلات قبلی بازسازی نشده بود. علاوه بر این، جمعیت به سرعت در حال رشد بود و فشار بیشتری بر منابع غذایی وارد می‌کرد.

تا میانه دهه ۱۹۷۰، امنیت غذایی به یک مسئله فوری برای دولت چین تبدیل شده بود زیرا مقامات متوجه شدند که حفظ ثبات اجتماعی به تأمین کافی غذا بستگی دارد. در پاسخ به این چالش‌ها، چین شروع به تغییر سیاست‌های کشاورزی خود کرد. معرفی اصلاحات مبتنی بر بازار در سال ۱۹۷۸ تحت رهبری دنگ شیائوپینگ نقطه عطف مهمی بود. این اصلاحات اجازه می‌داد تا کشاورزان در مزرعه خود استقلال بیشتری داشته باشند و انگیزه‌هایی برای افزایش تولید فراهم کند، که منجر به افزایش سالانه تولید کشاورزی از ۲٫۷ درصد قبل از اصلاحات به ۷٫۱ درصد در پنج سال بعدی شد. این تغییر نه تنها دسترسی به غذا را بهبود بخشید بلکه سطح سوء تغذیه را که از سال‌های قحطی باقی مانده بود، به طور قابل توجهی کاهش داد. تا اواخر دهه ۱۹۹۰، مسائل تأمین غذا در چین عمده‌تر حل شده بود و نشان‌دهنده بازسازی چشمگیر کشور از بحران‌های دهه‌های گذشته بود. رشد سالانه تولید کشاورزی در دهه ۱۹۶۰ تنها حدود ۲٪ بود.

اصلاحات کشاورزی دنگ شیائوپینگ

برای حل مشکلات کشاورزی و افزایش بهره‌وری، دنگ شیائوپینگ چندین اصلاحات بنیادی را پیشنهاد کرد که شامل معرفی سیستم مسئولیت خانوادگی، حذف سهمیه‌بندی اجباری، سرمایه‌گذاری در کشاورزی مدرن و ایجاد بازارهای روستایی بود. این اصلاحات به کشاورزان اجازه می‌داد تا بر اساس عملکرد خود عمل کنند و تولیدات اضافی خود را در بازارهای آزاد بفروشند، که به افزایش انگیزه و بهبود کیفیت محصولات منجر شد. همچنین، با حذف سهمیه‌بندی و ایجاد بازارهای محلی، دسترسی به منابع و فرصت‌های اقتصادی برای کشاورزان تسهیل شد. این تغییرات نه تنها به افزایش تولید و کاهش فقر کمک کرد بلکه پایه‌ای برای مدرنیزاسیون بخش کشاورزی چین فراهم آورد.

معرفی سیستم مسئولیت خانوادگی^{۱۰۰}

۹۸ - یک جین معادل ۶۴۸ گرم است.

^{۹۹} <https://www.csis.org/analysis/chinas-food-security-key-challenges-and-emerging-policy-responses>

۱۰۰ - معرفی سیستم مسئولیت خانوادگی (HRS) توسط دنگ شیائوپینگ در اواخر دهه ۱۹۷۰، تغییر مهمی در سیاست‌های کشاورزی چین بود که از کشاورزی جمعی به سیستمی که به خانواده‌ها اختیار بیشتری می‌داد، منتقل شد. این سیستم به‌طور رسمی در سال ۱۹۷۹ تصویب شد و به خانواده‌ها این امکان را داد که زمین‌های خود را مدیریت کنند و در عین حال به سهمیه‌های تولید دولتی پایبند باشند. خانواده‌ها توانستند تصمیم بگیرند چه محصولاتی بکارند و چگونه منابع خود را مدیریت کنند، و همچنین مازاد محصولات خود را با قیمت‌های بازار بفروشند. این اصلاحات پس از آزمایش‌های موفق در استان آنهویی آغاز شد، جایی که کشاورزان تحت این سیستم جدید افزایش تولید و نوآوری را نشان دادند. تا پایان سال ۱۹۸۳، بیش از ۹۰ درصد از خانوارهای کشاورزی چین این سیستم را پذیرفته بودند که منجر به افزایش چشمگیر تولید کشاورزی شد.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

معرفی سیستم مسئولیت خانوادگی در چین یک تغییر اساسی در شیوه‌های کشاورزی بود که از کشاورزی جمعی به رویکردی فردی‌تر منتقل شد. تحت این سیستم، اراضی کشاورزی که قبلاً به صورت جمعی اداره می‌شدند، به‌طور قراردادی به خانواده‌های کشاورز اختصاص یافت و به آن‌ها خودمختاری بیشتری در استفاده از زمین و انتخاب محصولات داده شد. کشاورزان مجاز بودند پس از تأمین سهمیه‌های دولتی خود، بخشی از تولیدات خود را در بازار آزاد بفروشند، که نه تنها بهره‌وری بالاتری را تشویق می‌کرد بلکه به آن‌ها این امکان را می‌داد که در مورد شیوه‌های کشاورزی خود تصمیم‌گیری کنند. این سیاست به‌طور مؤثری قدرت و مسئولیت کشاورزان را افزایش داد و منجر به افزایش تولیدات کشاورزی و کمک به رشد اقتصادی کلی مناطق روستایی چین شد. اصلاحاتی که توسط این سیستم آغاز شد، نقش حیاتی در تحول چشم‌انداز کشاورزی چین و بهبود معیشت میلیون‌ها کشاورز ایفا کرد.

حذف سهمیه‌بندی اجباری

حذف سهمیه‌بندی اجباری در چین یک اصلاح اساسی بود که تأثیر قابل توجهی بر بهره‌وری کشاورزی و خودمختاری کشاورزان داشت. پیش از این تغییر، دولت سهمیه‌های سخت‌گیرانه‌ای بر تولیدات کشاورزی اعمال می‌کرد که اغلب منجر به ناکارآمدی و عدم انگیزه برای کشاورزان می‌شد. با کاهش این سهمیه‌های سخت‌گیرانه، کشاورزان آزادی یافتند تا هرگونه تولید اضافی فراتر از نیازهای تعیین‌شده دولتی را در بازار آزاد بفروشند. این تغییر نه تنها کشاورزان را تشویق به افزایش تولید می‌کرد، بلکه به آن‌ها این امکان را می‌داد که مستقیماً از زحمات و خلاقیت‌های خود بهره‌مند شوند.

با اجازه دادن به کشاورزان برای شرکت در معاملات بازار، دولت محیطی رقابتی‌تر برای کشاورزی ایجاد کرد که در آن عرضه و تقاضا می‌توانست قیمت‌ها را تعیین کند. این اصلاح منجر به افزایش چشمگیر بهره‌وری کشاورزی شد، زیرا کشاورزان تشویق شدند تا زمین‌های بیشتری را کشت کنند و محصولات خود را متنوع سازند، با این علم که می‌توانند از هرگونه تولید اضافی سود ببرند. بنابراین، حذف سهمیه‌بندی اجباری نقش حیاتی در احیای اقتصادهای روستایی، بهبود امنیت غذایی و ارتقاء معیشت میلیون‌ها کشاورز چینی ایفا کرد و در نهایت به تحول اقتصادی گسترده‌تری در کشور کمک کرد.

سرمایه‌گذاری در کشاورزی مدرن

• واردات ماشین آلات کشاورزی:

تأثیر سیستم مسئولیت خانوادگی بسیار عمیق بود. بهره‌وری کشاورزی به شدت افزایش یافت و گزارش‌ها نشان می‌دهند که نرخ رشد سالانه تولید کشاورزی از زمان اجرای این سیستم به ۶,۷ درصد رسیده است. تولید غلات به‌تنهایی شاهد نرخ رشد سالانه ۲,۷ درصد بود و مجموع تولید غلات تا سال ۱۹۹۶ به بیش از ۵۰۰ میلیون تن رسید و چین را به بزرگ‌ترین تولیدکننده غلات در جهان تبدیل کرد. سیستم مسئولیت خانوادگی نه تنها امنیت غذایی را بهبود بخشید بلکه اقتصادهای روستایی را با آزاد کردن نیروی کار از کشاورزی به کارخانه‌های روستایی و شرکت‌های شهری متنوع کرد. این تغییر، کشاورزان را از تولیدکنندگان معیشتی به شرکت‌کنندگان فعال در یک اقتصاد بازار تبدیل کرد و استانداردهای زندگی را در سراسر روستاهای چین به طور قابل توجهی بهبود بخشید و به رشد اقتصادی کلی کمک کرد.

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

در خلال اصلاحات کشاورزی دنگ شیائوپینگ در اواخر دهه ۱۹۷۰، دولت چین به منظور مدرن سازی بخش کشاورزی، شروع به واردات ماشین آلات کشاورزی و فناوری های پیشرفته از کشورهای مختلف کرد. یکی از اصلی ترین کشورهای تأمین کننده این تجهیزات، آلمان بود که به دلیل تکنولوژی پیشرفته و کیفیت بالای ماشین آلات خود شناخته شده است. علاوه بر این، ژاپن نیز به عنوان یکی دیگر از تأمین کنندگان مهم در این زمینه شناخته می شود و ماشین آلات و فناوری های نوین را به چین صادر کرد. این واردات شامل بیش از ۱,۲ میلیون تراکتور و انواع مختلف تجهیزات کشاورزی بود که نقش کلیدی در مکانیزه کردن کشاورزی در سرتاسر کشور ایفا کرد.

تأثیر این واردات بر افزایش تولید کشاورزی بسیار چشمگیر بود. به عنوان مثال، تولید غلات از ۴۰۰ میلیون تن در سال ۱۹۸۴ به بیش از ۵۰۰ میلیون تن تا اواخر دهه ۱۹۹۰ افزایش یافت. این افزایش در بهره وری نه تنها به کاهش کمبود غذا کمک کرد بلکه از توسعه اقتصادی روستایی نیز حمایت کرد. با استفاده از ماشین آلات مدرن و فناوری های پیشرفته، کشاورزان توانستند مدیریت بهتری بر روی محصولات خود داشته باشند و عملکرد خود را بهبود بخشند. این تغییرات نه تنها امنیت غذایی را تقویت کرد بلکه زمینه ساز رشد اقتصادی کلی در چین شد.

• سرمایه گذاری در زیرساخت های کشاورزی:

در خلال اصلاحات کشاورزی دنگ شیائوپینگ در اواخر دهه ۱۹۷۰، دولت چین به نیاز حیاتی برای بهبود زیرساخت های کشاورزی، به ویژه سیستم های آبیاری، پی برد تا بهره وری را افزایش دهد و امنیت غذایی را تضمین کند. دولت سرمایه گذاری های قابل توجهی در پروژه های آبیاری آغاز کرد که برای بهبود مدیریت آب در کشاورزی ضروری بود. تا اوایل دهه ۱۹۸۰، چین مساحت زمین های آبیاری شده را به طور چشمگیری افزایش داد و گزارش ها نشان می دهند که تقریباً ۵۰ درصد از زمین های قابل کشت کشور تا سال ۱۹۸۵ به سیستم های آبیاری مجهز شده بودند. این گسترش برای حمایت از تولیدات کشاورزی رو به رشد بسیار حیاتی بود، زیرا به کشاورزان این امکان را می داد که محصولات خود را به طور مؤثرتری کشت کنند و وابستگی خود را به باران های غیرقابل پیش بینی کاهش دهند.

تأثیر این سرمایه گذاری ها در زیرساخت های آبیاری بسیار قابل توجه بود. بین سال های ۱۹۷۸ و ۱۹۹۲، تولید غذا در چین دو برابر شد که عمدتاً ناشی از بهبود سیستم های آبیاری و اقدامات کنترل سیلاب بود. به عنوان مثال، تولید غلات از ۴۰۰ میلیون تن در سال ۱۹۷۸ به نزدیک به ۶۰۰ میلیون تن تا سال ۱۹۹۲ افزایش یافت. علاوه بر این، توسعه سیستم های آبیاری نه تنها عملکرد محصولات را افزایش داد بلکه به بهبود شیوه های صرفه جویی در آب نیز کمک کرد. تا اواسط دهه ۱۹۹۰، چین فناوری های مختلفی را برای صرفه جویی در آب پیاده سازی کرده بود که موجب کاهش برداشت آب کشاورزی به ازای هر هکتار زمین آبیاری شده حدود ۲۰ درصد شد، در حالی که همزمان تولیدات کشاورزی نیز افزایش یافت. این پیشرفت ها در زیرساخت های آبیاری نقش کلیدی در تحول چشم انداز کشاورزی چین و حمایت از رشد اقتصادی گسترده تر در این دوره بحرانی اصلاحات ایفا کرد.

ایجاد بازارهای روستایی

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

در خلال اصلاحات کشاورزی دنگ شیائوپینگ در اواخر دهه ۱۹۷۰، دولت چین تغییرات قابل توجهی را برای تقویت بخش کشاورزی آغاز کرد که شامل ایجاد بازارهای محلی بود. این اصلاحات به کشاورزان این امکان را داد تا محصولات خود را مستقیماً به مصرف‌کنندگان بفروشند و از سیستم جمعی سخت‌گیرانه‌ای که قبلاً حاکم بود، فاصله بگیرند. معرفی سیستم مسئولیت خانوادگی (HRS) به کشاورزان فردی اجازه می‌داد که زمین‌های خود را مدیریت کنند و آن‌ها را تشویق می‌کرد تا محصولات اضافی را برای فروش در بازارهای محلی تولید کنند. تا سال ۱۹۸۴، سیستم سهمیه برای اکثر محصولات حذف شد و به کشاورزان اجازه داده شد تا تولیدات اضافی خود را به طور آزادانه بفروشند. این تغییر نه تنها انگیزه‌ای برای افزایش تولید کشاورزی ایجاد کرد بلکه اقتصادهای محلی را نیز تحریک کرد. گزارش‌ها نشان می‌دهند که تا سال ۱۹۸۵، تقریباً ۸۰ درصد از خانوارهای روستایی در این فعالیت‌های بازار شرکت داشتند که به افزایش درآمدهای روستایی کمک شایانی کرد.

ایجاد بازارهای محلی تأثیر عمیقی بر تولید غذا و معیشت روستاییان داشت. تولید کشاورزی افزایش یافت زیرا کشاورزان به تقاضای بازار پاسخ می‌دادند و این منجر به دو برابر شدن تولید غذا بین سال‌های ۱۹۷۸ و ۱۹۹۲ شد. که بدان اشاره گردید. این افزایش با بهبود استانداردهای زندگی برای جمعیت‌های روستایی همراه بود، زیرا کشاورزان می‌توانستند از فروش مازاد محصولات خود درآمد بیشتری کسب کنند. علاوه بر این، اصلاحات رشد شرکت‌های شهری و روستایی (TVEs) را تسهیل کرد که فرصت‌های شغلی جایگزینی فراهم آورد و اقتصادهای روستایی را بیشتر متنوع کرد. به طور کلی، تأسیس بازارهای محلی تحت اصلاحات دنگ نقش کلیدی در تحول چشم‌انداز کشاورزی چین و تقویت توسعه اقتصادی در مناطق روستایی ایفا کرد.

آثار اصلاحات در حوزه کشاورزی

اصلاحات کشاورزی که از سال ۱۹۷۸ در چین اجرا شد، منجر به تحول عمیقی در این بخش و افزایش قابل توجهی در بهره‌وری شد. معرفی سیستم مسئولیت خانوادگی به کشاورزان اجازه داد تا زمین‌های خود را مدیریت کنند و این امر آن‌ها را تشویق کرد تا تولید خود را افزایش دهند و محصولات خود را متنوع کنند. در نتیجه، تولیدات کشاورزی با نرخ سالانه حدود ۷٫۴ درصد رشد کرد و تولید غلات نیز در سال‌های اولیه اصلاحات به طور تقریبی ۵ درصد افزایش یافت. این افزایش چشمگیر در تولید نه تنها نیازهای غذایی جمعیت در حال رشد سریع را تأمین کرد، بلکه چین را به عنوان یک بازیگر مهم در بازارهای جهانی کشاورزی تبدیل کرد و از یک واردکننده غذا به یک صادرکننده خالص تبدیل شد.

علاوه بر این، این اصلاحات به توسعه بازارهای روستایی و بهبود دسترسی به منابع کمک کرد که منجر به ارتقاء سطح زندگی میلیون‌ها کشاورز شد. تغییر از کشاورزی جمعی به مسئولیت فردی، قدرت تصمیم‌گیری را به کشاورزان داد تا بر اساس تقاضای بازار عمل کنند و نوآوری و کارایی را ترویج کردند. با وجود چالش‌هایی مانند نابرابری‌های منطقه‌ای و محدودیت‌های منابع، تأثیر کلی این اصلاحات بسیار مثبت بوده و به رشد اقتصادی قابل توجه چین و بهبود امنیت غذایی در سراسر کشور کمک کرده است. ادامه تکامل سیاست‌های کشاورزی برای حفظ این روند و پاسخگویی به چالش‌های آینده در این بخش بسیار حیاتی است.

افزایش بهره‌وری

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

- تولید محصولات کشاورزی به طور میانگین سالانه ۷,۴٪ رشد کرد.
- تولید غلات (مانند برنج، گندم، و ذرت) از ۳۰۰ میلیون تن در ۱۹۷۸ به ۴۴۰ میلیون تن در ۱۹۹۰ افزایش یافت.^۱

بهبود معیشت روستاییان

- افزایش دو برابری درآمدی کشاورزان
- بین سال‌های ۱۹۷۸ و ۱۹۸۴، درآمد کشاورزان بیش از دو برابر شد که نشان‌دهنده اصلاحات اقتصادی قابل توجهی بود که در این دوره آغاز شد. در سال ۱۹۷۸، متوسط درآمد سالانه برای خانوارهای روستایی حدود ۱۳۳ یوان معادل ۲۶,۶ دلار (هر ۵ یوان برابر یک دلار) بود. تا سال ۱۹۸۴، این رقم به تقریباً ۴۰۰ یوان معادل ۱۹۲ دلار (هر ۲,۰۸ یوان برابر یک دلار) افزایش یافت و در نتیجه کاهش فقر در مناطق روستایی به طور چشمگیری تسریع گردید.^{۱۰۲}

جهت درک بهتر مطلب قیمت‌های تخمینی کالاهای اساسی در سال ۱۹۷۸ بدین شرح بوده است:

هر کیلو ۱. برنج تقریباً ۰,۵ یوان، ۲. گوشت ۳ یوان ۳. سبزیجات: قیمت‌ها متغیر بود، اما سبزیجات معمولی مانند کلم حدود ۰,۲ تا ۰,۵ یوان ۴. روغن خوراکی حدود ۳ تا ۴ یوان به ازای هر لیتر بوده است و هر فرد می‌توانسته است برای یک سال ۲۰۰ کیلو برنج و ۱۰ کیلو روغن تهیه کند.

در سال ۱۹۸۴ قیمت‌ها بدین شرح تغییر کرده اند:

۱۰۱ - چین در حال حاضر یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان غلات در جهان است. در سال ۲۰۲۴، پیش‌بینی می‌شود که تولید غلات در چین به رکورد بالای ۷۰۰ میلیون تن برسد. این افزایش بخشی از تلاش‌های مداوم دولت برای تضمین امنیت غذایی در کشور است. وزارت کشاورزی و امور روستایی چین تأکید کرده است که این پیش‌بینی پس از نه سال متوالی حفظ تولید غلات بالای ۶۵۰ میلیون تن صورت می‌گیرد. چین به طور خاص در تولید ذرت، گندم و برنج در سال ۲۰۲۴ به شرح ذیل پیش‌تاز است:

تولید ذرت: ۲۹۴,۹ میلیون تن رسیده ۲,۱ درصد بالاتر از سال قبل.

تولید گندم: حدود ۱۴۰,۱ میلیون تن ۲,۶ درصد بالاتر از سال قبل.

تولید برنج: ۲۰۷,۵ میلیون تن نیم درصد بالاتر از سال قبل

چین همچنین با کمتر از ۱۰ درصد از زمین‌های قابل کشت جهان، موفق شده است یک چهارم غلات جهان را تولید کند و یک پنجم جمعیت جهان را تغذیه کند. این دستاورد نشان‌دهنده اهمیت کشاورزی و امنیت غذایی در چین است. برای مشاهده اطلاعات مربوط به تولیدات کشاورزی چین، می‌توانید به منابع زیر مراجعه کنید:

۱. اداره ملی آمار چین: این وب‌سایت رسمی داده‌ها و گزارش‌های جامع درباره تولیدات کشاورزی، از جمله محصولات مختلف و شاخص‌های اقتصادی را ارائه می‌دهد. می‌توانید به آن دسترسی پیدا کنید:
<https://www.stats.gov.cn/>
۲. سرویس تحقیقات اقتصادی USDA: این پایگاه داده مجموعه‌ای از داده‌های مرتبط با کشاورزی را از انتشارات آماری رسمی جمهوری خلق چین ارائه می‌دهد. می‌توانید اطلاعات دقیق درباره کشاورزی و اقتصاد کشور چین را از این سایت پیدا کنید:

<https://www.ers.usda.gov/data-products/china-agricultural-and-economic-data/>

۱۰۲ - "درآمد کشاورزان در چین" "FAO - Agricultural Reforms in China" به آدرس:

<https://www.fao.org/4/ag088e/ag088e03.htm>

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

هر کیلو ۱. برنج تقریباً ۱,۲ یوان، ۲. گوشت ۴,۵ یوان ۳. سبزیجات: قیمت‌ها متغیر بود، اما سبزیجات معمولی مانند کلم حدود ۰,۵ تا ۱ یوان ۴. روغن خوراکی حدود ۴ تا ۵ یوان به ازای هر لیتر بوده است و هر فرد می‌توانسته است برای یک سال ۲۹۵ کیلو برنج و ۱۰ کیلو روغن تهیه کند.^{۱۰۳}

کالاهای تولیدی کشاورزی (دسته‌بندی عمده)

۱. غلات:

✓ رشد قابل توجه در تولید برنج، گندم، و ذرت.

قبل از اصلاحات اقتصادی که توسط دنگ شیائوپینگ در سال ۱۹۷۸ آغاز شد، تولید کشاورزی چین با چالش‌های قابل توجهی مواجه بود. در سال‌های منتهی به این اصلاحات، به‌ویژه در اواخر دهه ۱۹۷۰، تولید برنج، گندم و ذرت نسبتاً ثابت بود. به عنوان مثال، در سال ۱۹۷۸، تولید برنج حدود ۲۶ میلیون تن متریک، تولید گندم حدود ۱۳ میلیون تن متریک و تولید ذرت حدود ۱۶ میلیون تن متریک بود. این ارقام نشان‌دهنده دوره‌ای بودند که با ناکارآمدی‌ها و بهره‌وری پایین به دلیل سیاست‌های جمع‌گرایی که از دهه ۱۹۵۰ اجرا شده بود، مشخص می‌شد. بخش کشاورزی با مدیریت ضعیف و عدم انگیزه برای کشاورزان دست و پنجه نرم می‌کرد و این موضوع منجر به کمبود غذا برای تأمین نیازهای جمعیت می‌شد.

تا سال ۱۹۹۰، پس از اصلاحاتی که از سال ۱۹۷۸ آغاز شده بود، افزایش قابل توجهی در تولیدات کشاورزی مشاهده شد. تولید برنج به حدود ۴۳ میلیون تن متریک افزایش یافت، تولید گندم به تقریباً ۱۸ میلیون تن متریک رسید و تولید ذرت به حدود ۴۰ میلیون تن متریک افزایش پیدا کرد. این رشد را می‌توان به معرفی اصلاحات مبتنی بر بازار نسبت داد که به کشاورزان اجازه می‌داد تا خودمختاری بیشتری داشته باشند و انگیزه‌هایی برای افزایش بهره‌وری ایجاد کند. تغییر از کشاورزی جمعی به سیستم مسئولیت خانوارها به کشاورزان این امکان را داد که بخش بیشتری از محصولات خود را نگه دارند و بدین ترتیب آن‌ها را ترغیب کرد تا در زمین‌های خود سرمایه‌گذاری کنند و شیوه‌های زراعی بهتری را اتخاذ کنند.

✓ صادرات غلات چین به کشورهای دیگر افزایش یافت.

اصلاحات کشاورزی دنگ Xiaoping که در سال ۱۹۷۸ آغاز شد، به طور قابل توجهی چشم‌انداز کشاورزی چین را تغییر داد و تأثیر عمیقی بر تولید و صادرات غلات داشت. این اصلاحات سیستم کشاورزی جمعی را از بین برد و به جای آن، سیستم مسئولیت خانوار را معرفی کرد که به کشاورزان فردی انگیزه می‌داد تا با اجازه نگهداری مازاد تولید فراتر از سهمیه‌های دولتی، بهره‌وری خود را افزایش دهند. این تغییر منجر به افزایش بی‌سابقه تولید غلات شد و کمبودهای غذایی که چین را برای دهه‌ها آزار می‌داد، برطرف کرد. بین سال‌های ۱۹۷۸ تا ۱۹۹۵،

۱۰۳ <https://journals.openedition.org/civilisations/1680> &

<https://documents1.worldbank.org/curated/en/586851468770415786/pdf/multi0page.pdf>

۱۰۴ - "تولید غلات در چین" <https://www.jstor.org/stable/653940>

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

تولیدات کشاورزی به طور متوسط سالانه حدود ۷,۴٪ درصد رشد کرد، در حالی که این رقم در دوره برنامه‌ریزی مرکزی تنها ۲ درصد بود.

به دنبال این اصلاحات، الگوهای تجاری کشاورزی چین به طرز چشمگیری تغییر کرد. تا اواسط دهه ۱۹۹۰، چین به عنوان یک صادرکننده خالص مواد غذایی شناخته شد و ارزش کل تجارت مواد غذایی به طور قابل توجهی افزایش یافت. پیوستن چین به سازمان جهانی تجارت (WTO) در سال ۲۰۰۱ نیز این رشد را تسهیل کرد و با کاهش تعرفه‌های صادرات کشاورزی، به کشاورزان چینی اجازه داد تا به بازارهای بین‌المللی دسترسی بیشتری پیدا کنند. در نتیجه، در حالی که نسبت مواد غذایی در کل صادرات چین کاهش یافت، ارزش مطلق صادرات کشاورزی افزایش یافت که نشان‌دهنده افزایش تولید و رقابت‌پذیری بیشتر در بازارهای جهانی بود.

۲. محصولات اقتصادی و نقدی :

✓ تولید پنبه، چای، و تنباکو^{۱۰۵} با رشد چشمگیری همراه بود.

قبل از اصلاحات اقتصادی که توسط دنگ شیائوپینگ در سال ۱۹۷۸ آغاز شد، سطح تولید پنبه، چای و تنباکو در چین نسبتاً پایین و محدود به سیستم کشاورزی جمعی بود. در سال ۱۹۷۸، تولید پنبه حدود ۳,۱ میلیون تن متریک، تولید چای حدود ۱,۱ میلیون تن متریک و تولید تنباکو حدود ۱,۲ میلیون تن متریک بود. این ارقام نشان‌دهنده محدودیت‌های موجود در بخش کشاورزی در این دوره بودند، زیرا ناکارآمدی‌ها و عدم انگیزه‌ها مانع از رشد آن می‌شدند. تا سال ۱۹۹۰، پس از آغاز اصلاحات در سال ۱۹۷۸، افزایش قابل توجهی در تولید این محصولات مشاهده شد. تولید پنبه به حدود ۴,۵ میلیون تن متریک افزایش یافت، تولید چای به تقریباً ۱,۵ میلیون تن متریک رسید و تولید تنباکو به حدود ۲,۲ میلیون تن متریک افزایش پیدا کرد. این اصلاحات به کشاورزان اجازه داد تا خودمختاری بیشتری داشته باشند و شیوه‌های مبتنی بر بازار را معرفی کردند که به بهبود بهره‌وری و خروجی در این بخش‌های کشاورزی کمک کرد.

۱۰۵ - در حال حاضر، تولید کشاورزی چین برای پنبه، چای و تنباکو به شرح زیر است:

تولید پنبه: تولید پنبه در چین برای سال ۲۰۲۴ حدود ۵,۷ میلیون تن پیش‌بینی شده است. این رقم نشان‌دهنده افزایش جزئی نسبت به سال‌های گذشته است، زیرا کشور همچنان بر بهبود عملکرد پنبه از طریق شیوه‌های کشاورزی و فناوری‌های نوین تمرکز دارد. این رشد به افزایش مساحت زیر کشت و همچنین عملکرد در هکتار، به ویژه در منطقه سین‌کیانگ که بزرگ‌ترین منطقه کشت پنبه در چین است، نسبت داده می‌شود.

تولید چای: در سال ۲۰۲۳، چین حدود ۲,۹ میلیون تن چای تولید کرده است. انتظار می‌رود چین حدود ۱۴,۵۴ میلیون تن چای در سال ۲۰۲۴ تولید کند. این رقم نشان‌دهنده ادامه تسلط چین بر تولید جهانی چای است که بیش از نیمی از تولیدات جهان را تشکیل می‌دهد. کشور چین شاهد افزایش مستمر در سطوح تولید بوده و نرخ رشد سالانه آن حدود ۴,۵ تا ۵ درصد برآورد می‌شود. تولید شامل انواع مختلف چای مانند چای سبز، چای سیاه و چای اولانگ است.

تولید تنباکو: در سال ۲۰۲۴، تخمین زده می‌شود تولید تنباکو چین حدود ۲,۵ میلیون تن متریک باشد. چین همچنین بزرگ‌ترین تولیدکننده و مصرف‌کننده تنباکو در جهان است و بخش عمده‌ای از تولید آن برای مصرف داخلی استفاده می‌شود. این کشور سیاست‌های مختلفی را برای مدیریت کشت و مصرف تنباکو به دلیل نگرانی‌های بهداشتی اجرا کرده است. این ارقام نقش مهم چین را در تولید کشاورزی جهانی در این کالاهای کلیدی نشان می‌دهد. منبع:

https://apps.fas.usda.gov/newgainapi/api/Report/DownloadReportByFileName?fileName=Cotton+and+Products+Update_Beijing_China+-+People%27s+Republic+of_CH2024-0115

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

✓ صادرات پنبه و چای به بازارهای جهانی افزایش یافت.^{۱۰۶}

پنبه: قبل از اصلاحات اقتصادی که توسط دنگ شیائوپینگ در سال ۱۹۷۸ آغاز شد، آمار صادرات پنبه، چای در چین نسبتاً پایین بود. در سال منتهی به این اصلاحات، به‌ویژه در سال ۱۹۷۷، صادرات پنبه حدود ۰٫۵ میلیون تن متریک بود. تا سال ۱۹۹۰، پس از آغاز اصلاحات در سال ۱۹۷۸، افزایش قابل توجهی در صادرات این محصول مشاهده شد. صادرات پنبه به حدود ۱٫۵ میلیون تن متریک افزایش یافت.

چای: صادرات چای در همین دوره حدود ۰٫۳ میلیون تن متریک و صادرات تنباکو حدود ۰٫۲ میلیون تن متریک بود. این ارقام نشان‌دهنده محدودیت‌های بخش کشاورزی چین در آن زمان بودند که تحت تأثیر برنامه‌ریزی دولتی قرار داشتند و انگیزه‌ای برای کشاورزان برای افزایش تولید به منظور صادرات وجود نداشت. صادرات چای به تقریباً ۰٫۶ میلیون تن متریک رسید.^{۱۰۷}

۳. محصولات باغی: توسعه در تولید میوه‌ها و سبزیجات، مانند پرتقال و سیب.^{۱۰۸}

۱۰۶- صادرات پنبه چین در سال ۲۰۲۴ به حدود ۶٫۲ میلیون تن پیش‌بینی شده است. ارزش این صادرات تقریباً ۱۳٫۳ میلیارد دلار برآورد می‌شود. چین با این میزان صادرات، به عنوان بزرگ‌ترین صادرکننده پنبه در جهان شناخته می‌شود و حدود ۲۲ درصد از واردات جهانی پنبه را تأمین می‌کند. صادرات چای چین نیز در سال ۲۰۲۴ حدود ۲ میلیون تن پیش‌بینی شده است. ارزش این صادرات تقریباً ۱٫۵ میلیارد دلار برآورد می‌شود. چین به عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده چای در جهان حدود ۳۰ درصد از کل صادرات چای در جهان را به خود اختصاص داده است.

۱۰۷- "تجارت خارجی چین در دهه ۱۹۸۰"

<https://www.elibrary.imf.org/view/journals/001/1992/005/article-A001-en.xml>

۱۰۸- حجم تولید باغبانی در چین قابل توجه است و همچنان در حال رشد می‌باشد. در اینجا نکات کلیدی درباره وضعیت باغبانی در چین آورده شده است:

تولید کنونی باغبانی

ارزش بازار: صنعت باغبانی در چین تخمین زده می‌شود که حدود ۲۰ میلیارد دلار ارزش دارد. این شامل طیف وسیعی از محصولات مانند میوه‌ها، سبزیجات، گل‌ها و گیاهان زینتی است.

حجم تولید: در سال ۲۰۲۳، تولید محصولات مختلف باغبانی شامل موارد زیر بود:

میوه‌ها: تقریباً ۲۴٫۳ میلیون تن، که نشان‌دهنده ۱۷ درصد افزایش نسبت به سال گذشته است. می‌توان گفت که تولید میوه تقریباً ۲۷٪ از کل تولیدات محصولات باغی چین را تشکیل می‌دهد. آمار تولید برخی از میوه‌های کلیدی در چین عبارتند از:

۱. **سیب:** در سال ۲۰۲۴، پیش‌بینی می‌شود که تولید سیب در چین به حدود ۴۵ میلیون تن برسد که معادل حدود ۵۴ درصد از تولید کل سیب جهانی به میزان ۸۳٫۱ میلیون تن است. این سهم قابل توجه نشان‌دهنده تسلط چین بر بازار سیب است که ناشی از شرایط جوی مناسب و شیوه‌های کشاورزی پیشرفته در استان‌های عمده تولید مانند شانشی، هنان و هبی می‌باشد. کشت گسترده انواع مختلف سیب در این کشور به تأمین نیازهای مصرف داخلی و بازارهای صادراتی کمک می‌کند و موقعیت چین را به عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده سیب در جهان تقویت می‌کند.

۲. **گل‌ابی:** تولید گل‌ابی در چین در سال ۲۰۲۴ به حدود ۲۰٫۲ میلیون تن پیش‌بینی شده است که نمایانگر حدود ۹۰ درصد از تولید کل گل‌ابی جهانی به میزان تقریبی ۲۲٫۵ میلیون تن است. این سهم چشمگیر نشان‌دهنده برتری چین در بازار گل‌ابی است، جایی که این کشور انواع مختلفی از گل‌ابی‌ها را تولید می‌کند که هم در داخل و هم در بازارهای بین‌المللی بسیار مورد تقاضا هستند. شرایط رشد مناسب و زیرساخت‌های کشاورزی مستحکم در این کشور به توانایی آن در تأمین نیازهای محلی و فرصت‌های صادراتی کمک می‌کند و وضعیت آن را به عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده گل‌ابی در جهان تقویت می‌نماید.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

۴. دامپروری :

✓ تولید گوشت خوک و ماکیان به طور چشمگیری رشد کرد.

تولید گوشت خوک

تولید گوشت خوک در چین در قبل از اصلاحات ۱۰ میلیون تن بود که بعد از اصلاحات دنگ به ۲۴ میلیون تن رسید. در حال حاضر یعنی در سال ۲۰۲۴ میزان تولید حدود ۴۲,۴ میلیون تن پیش‌بینی شده است. این رقم نشان‌دهنده کاهش حدود ۱,۴ درصد نسبت به سال گذشته است که عمدتاً به دلیل تقاضای ضعیف مصرف‌کنندگان و کاهش اندازه گله‌های خوک می‌باشد. تولید کل گوشت خوک در سطح جهانی حدود ۹۲ میلیون تن برآورد شده است، به این معنی که چین حدود ۴۶ درصد از تولید جهانی گوشت خوک را به خود اختصاص

۳. هلو: برای هلو، پیش‌بینی می‌شود که تولید چین به حدود ۱۲ میلیون تن در سال ۲۰۲۴ برسد که معادل حدود ۴۸ درصد از تولید جهانی هلو به میزان تقریبی ۲۵ میلیون تن است. این سهم قابل توجه نشان‌دهنده نقش مهم چین در بازار جهانی هلو است، جایی که این کشور به خاطر تولید هلوهای باکیفیت شناخته شده است که مورد توجه مصرف‌کنندگان قرار دارد. تنوع اقلیمی این کشور امکان کشت انواع مختلف هلو را فراهم می‌آورد و به تأمین نیازهای بازار داخلی و صادرات بین‌المللی کمک می‌کند و بدین ترتیب موقعیت خود را به عنوان یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان هلو در جهان حفظ می‌کند

۴. مرکبات: در سال ۲۰۲۴، پیش‌بینی می‌شود که تولید میوه‌های مرکبات در چین به حدود ۲۰ میلیون تن برسد که معادل تقریباً ۱۵ درصد از تولید کل مرکبات جهانی با برآورد ۱۳۰ میلیون تن است. این شامل انواع مختلف مرکبات مانند پرتقال و نارنگی است که نه تنها در داخل کشور محبوب هستند بلکه در بازارهای بین‌المللی نیز حضور قوی دارند. صنعت مرکبات چین از شرایط رشد مناسب و تکنیک‌های کشاورزی پیشرفته بهره‌مند است که به آن اجازه می‌دهد میوه‌های باکیفیتی تولید کند که نیازهای داخلی و الزامات صادرات را برآورده سازد و بدین ترتیب نقش خود را در بازار جهانی مرکبات تقویت کند. این آمارها نشان‌دهنده اهمیت بالای میوه‌ها در کشاورزی چین و نقش آن‌ها در تأمین نیازهای غذایی داخلی و صادرات این کشور است. چین با تمرکز بر کیفیت و تنوع محصولات باغی، به رشد و توسعه این بخش ادامه می‌دهد.

سبزیجات: حدود ۱۷۸ میلیون تن، اگرچه این رقم کاهش جزئی ۵,۲ درصد را نسبت به سال قبل نشان می‌دهد. توت‌های باغی: تولید حدود ۸,۷ میلیون تن بود که کاهش ۷,۲ درصد را نسبت به سال گذشته تجربه کرد.

روندها و تحولات

بازار باغبانی چین به سرعت در حال تحول است و تمرکز بیشتری بر کیفیت و تنوع دارد. کشاورزان چینی در حال توسعه انواع گیاهانی هستند که در شرایط محلی رشد می‌کنند و این منجر به بهبود کیفیت تولید می‌شود. تجارت الکترونیک به یک کانال اصلی برای فروش در بخش باغبانی تبدیل شده است و از سال ۲۰۱۵ به طور قابل توجهی افزایش یافته و پیش‌بینی می‌شود که تا سال ۲۰۲۴ به حدود ۶,۲ میلیارد یورو برسد. صنعت همچنین شاهد تغییر به سمت روش‌های تولید با فناوری بالا است، با سرمایه‌گذاری در تأسیسات و شیوه‌های مدرن که کارایی و کیفیت را افزایش می‌دهد.

چالش‌ها

با وجود رشد، این صنعت با چالش‌هایی مانند مسائل مربوط به دسترسی به زمین و دشواری‌ها در تأمین سرمایه‌گذاری‌ها به دلیل سیاست‌های استفاده از زمین‌های کشاورزی روبرو است. علاوه بر این، کشاورزان در تلاشند تا تقاضای بازار را برآورده کنند و همزمان استانداردهای کیفیت را برای رقابت بین‌المللی بهبود بخشند. منبع:

<https://af.jhxyfp.com/info/china-pear-industry-trend-analysis-۸۶۱۴۳۸۳۴.html>

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

می‌دهد. این سهم قابل توجه، موقعیت غالب چین را در بازار جهانی گوشت خوک نشان می‌دهد، جایی که این کشور نزدیک به نیمی از تقاضای کل را تأمین می‌کند.

تولید مرغ

قبل از اصلاحات اقتصادی که توسط دنگ شیائوپینگ، تولید مرغ و طیور در چین نسبتاً پایین بود و عمدتاً شامل کشاورزی کوچک‌مقیاس و معیشتی بود. در سال ۱۹۷۸، تولید مرغ حدود ۱,۰۸ میلیون تن بود و این بخش بیشتر به شیوه‌های سنتی کشاورزی وابسته بود، به طوری که اکثر خانواده‌ها فقط چند مرغ برای مصرف شخصی نگهداری می‌کردند و نه برای اهداف تجاری. این مقیاس محدود تولید نشان‌دهنده ناکارآمدی‌های کلی سیستم کشاورزی در آن زمان بود. اما تا سال ۱۹۹۰، پس از آغاز اصلاحات، تولید مرغ به حدود ۱۰ میلیون تن افزایش یافت که نشان‌دهنده تأثیر اصلاحات مبتنی بر بازار و معرفی شیوه‌های کشاورزی کارآمدتر بود. این تغییرات به کشاورزان اجازه داد تا خودمختاری بیشتری داشته باشند و انگیزه‌هایی برای افزایش تولید خود پیدا کنند که منجر به تحول چشمگیری در صنعت طیور چین شد.

برای تولید مرغ، پیش‌بینی می‌شود که چین به حدود ۱۷,۵ میلیون تن در سال ۲۰۲۴ برسد. این رقم نشان‌دهنده سطح پایدار تولید است زیرا کشور به تأمین نیازهای مصرف داخلی و نیازهای صادراتی ادامه می‌دهد. تولید کل مرغ در سطح جهانی حدود ۱۳۰ میلیون تن برآورد شده است که به این معنی است که چین حدود ۱۳,۵ درصد از بازار تولید مرغ جهانی را در اختیار دارد. این سهم قابل توجه، نقش مهم چین را در صنعت جهانی مرغ نشان می‌دهد و به تأمین قابل توجهی از عرضه گوشت و امنیت غذایی کمک می‌کند.^{۱۰۹}

✓ صادرات محصولات لبنی و گوشت افزایش یافت.

لبنیات: قبل از اصلاحات اقتصادی که توسط دنگ شیائوپینگ در سال ۱۹۷۸ آغاز شد، ارزش صادرات لبنیات از چین نسبتاً پایین بود و در سال ۱۹۷۸، ارزش کل صادرات لبنیات حدود ۱۸ میلیون دلار بود. این رقم نشان‌دهنده ظرفیت محدود و ناکارآمدی‌های بخش لبنیات در آن زمان بود که با تولید کوچک‌مقیاس و عدم وجود شیوه‌های مبتنی بر بازار مشخص می‌شد. اما تا سال ۱۹۹۰، پس از آغاز اصلاحات، ارزش صادرات لبنیات به طور قابل توجهی افزایش یافت و به حدود ۲۰۰ میلیون دلار رسید. این رشد چشمگیر به معرفی اصلاحات بازار مربوط می‌شود که به افزایش کارایی تولید، بهبود کیفیت محصولات لبنی و افزایش تقاضا هم در سطح داخلی و هم بین‌المللی کمک کرد. این اصلاحات به کشاورزان و تولیدکنندگان اجازه داد تا به نیازهای بازار پاسخ بهتری بدهند و منجر به موقعیت رقابتی‌تر محصولات لبنی چینی در بازارهای جهانی شد.

در سال ۲۰۲۴، ارزش صادرات لبنیات چین حدود ۲,۵۷ میلیارد دلار پیش‌بینی شده است. حجم صادرات محصولات لبنی در نیمه اول سال به حدود ۵۵,۱۰۰ تن می‌رسد. بازار صادرات لبنیات جهانی تقریباً ۵۰ میلیارد

۱۰۹ - "تولید و مصرف مرغ در چین"

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

دلار برآورد می‌شود و چین سهمی حدود ۵,۱ درصد از این بازار دارد که آن را به عنوان یکی از بازیگران مهم در بخش لبنیات معرفی می‌کند!

محصولات گوشت:

قبل از اصلاحات اقتصادی، ارزش صادرات گوشت (به جز طیور) از چین نسبتاً پایین بود و در سال ۱۹۷۸، ارزش کل این صادرات حدود ۵۰ میلیون دلار بود. این رقم نشان‌دهنده محدودیت‌های تولید و قابلیت‌های صادرات گوشت چین در آن دوره بود که تحت تأثیر برنامه‌ریزی دولتی و عدم وجود شیوه‌های مبتنی بر بازار قرار داشت. اما تا سال ۱۹۹۰، ارزش صادرات گوشت به طور قابل توجهی افزایش یافت و به حدود ۱,۲ میلیارد دلار رسید. این رشد چشمگیر را می‌توان به معرفی اصلاحات بازار نسبت داد که به افزایش کارایی تولید، بهبود کیفیت محصولات گوشتی و افزایش تقاضا هم در سطح داخلی و هم بین‌المللی کمک کرد. این اصلاحات به کشاورزان و تولیدکنندگان اجازه داد تا به نیازهای بازار پاسخ بهتری بدهند و منجر به موقعیت رقابتی‌تر محصولات گوشتی چینی در بازارهای جهانی شد.

در حالی که صادرات گوشت این کشور به حدود ۵,۱ میلیارد دلار و حجم ۴,۴ میلیون تن خواهد رسید. در زمینه صادرات گوشت، ارزش کل بازار صادرات گوشت جهانی پیش‌بینی می‌شود که به حدود ۱۰۰ میلیارد دلار برسد، به این معنی که چین حدود ۵,۱ درصد از بازار صادرات گوشت جهانی را در اختیار دارد.

مقایسه تولیدات قبل و بعد از اصلاحات

میزان تولید محصول	۱۹۷۸ (قبل از اصلاحات)	۱۹۹۰ (بعد از اصلاحات)
	میلیون تن	
غلات	۳۰۰	۴۴۰
برنج	۱۴۰	۱۸۰
پنبه	۲.۲	۶.۴
گوشت خوک	۱۰	۲۶

مدرن‌سازی کشاورزی تحت رهبری دنگ شیائوپینگ نه تنها باعث افزایش بهره‌وری و تولیدات کشاورزی شد، بلکه نقش مهمی در کاهش فقر و بهبود زندگی روستاییان داشت.

- سیاست‌های جدید باعث شد چین از یک کشور وابسته به واردات مواد غذایی به یک صادرکننده مهم در بازار جهانی تبدیل شود.

۱۱۰ - "تحول صنعت لبنیات چین"

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

در سال ۲۰۲۴، حجم کل صادرات غذایی جهانی پیش‌بینی می‌شود که حدود ۱,۵ تریلیون دلار باشد و وزن آن به تقریباً ۴۰۰ میلیون تن برسد. صادرات محصولات غذایی چین نیز انتظار می‌رود به ارزش حدود ۱۵۰ میلیارد دلار برسد که معادل تقریباً ۵۰ میلیون تن می‌شود. این بدان معناست که چین حدود ۱۰ درصد از کل بازار صادرات غذایی جهانی را از نظر ارزش دلاری و حدود ۱۲,۵ درصد از نظر وزن به خود اختصاص می‌دهد. ترکیب اصلی صادرات غذایی چین شامل دسته‌های مهمی مانند غذاهای دریایی، میوه‌ها، سبزیجات، غلات تشکیل می‌دهد و صادرات قابل توجهی در زمینه محصولات لبنی و غذاهای فرآوری‌شده نیز دارد. این ارقام نقش مهم چین را در تجارت بین‌المللی غذا نشان می‌دهد و موقعیت آن را به عنوان یک صادرکننده بزرگ در چشم‌انداز کشاورزی جهانی تقویت می‌کند. برای آشنایی با اطلاعات بیشتر به این سایت مراجعه کنید.^{۱۱} این اصلاحات پایه‌گذار توسعه اقتصادی در سایر بخش‌های چین نیز شد.

ب: مدرن سازی صنعت

مدرن سازی صنعت در سیاست‌های دنگ شیائوپینگ یکی از ستون‌های مدرن سازی چهارگانه، صنعت بود. دنگ شیائوپینگ با هدف تبدیل چین به یک قدرت اقتصادی جهانی، اصلاحات جامعی در حوزه صنعتی انجام داد. این اصلاحات بر افزایش بهره‌وری، گسترش تولید، جذب سرمایه‌گذاری خارجی، و فناوری‌های مدرن تمرکز داشت.

وضعیت صنعت قبل از اصلاحات دنگ

دوران مائو تسه‌تونگ:

۱. تمرکز بر صنایع سنگین

در دوران مائو، سیاست‌های اقتصادی چین به شدت بر تولید فولاد، زغال سنگ و ماشین‌آلات متمرکز بود. دولت بر تولید صنایع سنگین به عنوان راهی برای تبدیل چین به یک قدرت صنعتی مدرن تأکید داشت. به عنوان مثال، در طول "جهش بزرگ به جلو" (۱۹۵۸-۱۹۶۲)، تلاش‌های شدیدی برای افزایش تولید فولاد از طریق کوره‌های خانگی انجام شد که در نهایت منجر به تولید فولاد با کیفیت پایین و اختلالات اقتصادی قابل توجهی شد. تولید زغال سنگ نیز مورد تأکید بود، زیرا این ماده معدنی برای تأمین انرژی و رشد صنعتی ضروری بود. تا اواخر دهه ۱۹۷۰، شرکت‌های دولتی (SOEs) بر این بخش‌ها تسلط داشتند و اکثریت تولیدات صنعتی کشور را طبق اهداف برنامه‌ریزی مرکزی تولید می‌کردند.

علاوه بر این، تولید ماشین‌آلات به عنوان یک عامل کلیدی برای حمایت از توسعه کشاورزی و صنعتی در نظر گرفته می‌شد. دولت سرمایه‌گذاری‌های زیادی در این بخش انجام داد تا اطمینان حاصل کند که ابزارهای کشاورزی و ماشین‌آلات صنعتی برای افزایش بهره‌وری در دسترس باشد. با این حال، این تمرکز بر صنایع سنگین به هزینه کالاها و خدمات مصرفی تمام شد و منجر به کمبود اقلام روزمره برای جمعیت شد. اقتصاد برنامه‌ریزی مرکزی مانع از رشد بنگاه‌های خصوصی و سرمایه‌گذاری خارجی شد که نوآوری و کارایی را در این بخش‌ها محدود کرد.

^{۱۱} <https://www.foodexport.org/export-insights/market-country-profiles/china/>

۲. سیستم مدیریت دولتی و برنامه‌ریزی متمرکز

در دوران رهبری مائو تسه‌تنگ، به ویژه از دهه ۱۹۵۰ تا اوایل دهه ۱۹۷۰، تمام صنایع در چین دولتی بودند و دولت کنترل دقیقی بر تولید، توزیع و قیمت‌گذاری داشت. این سیستم ریشه در ایدئولوژی کمونیستی داشت که هدف آن حذف مالکیت خصوصی و اطمینان از این بود که تمام فعالیت‌های اقتصادی به نفع جمعی خدمت کنند. به عنوان مثال همانطوریکه در صدر به آن اشاره شد، در طول "جهش بزرگ به جلو" (۱۹۵۸-۱۹۶۲)، مائو برای صنعتی‌سازی سریع فشار آورد و اهداف تولیدی بلندپروازانه‌ای برای فولاد و غلات تعیین کرد که به طور مرکزی برنامه‌ریزی و اجرا می‌شد. دولت سهمیه‌هایی را تعیین کرد که مقامات محلی مجبور به تحقق آن بودند، که اغلب منجر به گزارش‌های اغراق‌آمیز از تولید می‌شد که واقعیات را منعکس نمی‌کرد. این رویکرد منجر به ناکارآمدی‌های گسترده و در نهایت به اختلالات اقتصادی شدید، از جمله قحطی شد.

اقتصاد تحت کنترل دولت به این معنی بود که بیشتر کارگران شهری به عنوان کارمندان شرکت‌های دولتی فعالیت می‌کردند، که شغل و مزایایی مانند مراقبت‌های بهداشتی برای زندگی را تضمین می‌کرد که معمولاً به آن "کاسه برنج آهنی"^{۱۱۲} گفته می‌شود. با این حال، این سیستم همچنین منجر به عدم انگیزه برای کارگران برای کارایی یا بهره‌وری شد. در نتیجه، تولید صنعتی بسیاری از شرکت‌های دولتی با فناوری و شیوه‌های قدیمی فعالیت می‌کردند متوقف گردید. به عنوان مثال، در حالی که دولت هدف داشت تا فولاد را از طریق کوره‌های خانگی تولید کند، کیفیت آن اغلب پایین بود و منجر به هدر رفت منابع و عدم تحقق اهداف تولید شد. فقدان رقابت همچنین این مشکلات را تشدید کرد، زیرا SOE ها تحت فشار نبودند تا نوآوری کنند یا عملیات خود را بهبود بخشند.

۱۱۲ - "کاسه برنج آهنی" اصطلاحی است که در چین به سیستم امنیت شغلی و مزایای ارائه شده توسط دولت، به‌ویژه در دوران مائو تسه‌تنگ، اشاره دارد. این اصطلاح نماد تضمین اشتغال و حمایت‌های رفاهی است که کارگران دریافت می‌کردند و به نوعی به معنای استخدام مادام‌العمر در مشاغل دولتی بود. این مفهوم بخشی از وعده حزب کمونیست چین (CCP) برای فراهم کردن فرصت‌های شغلی برای همه شهروندان بود، به‌ویژه پس از آشفتگی‌های اقتصادی ناشی از حمله ژاپن و جنگ داخلی که بسیاری از کارگران شهری را بیکار کرده و با تورم شدید مواجه کرده بود. تحت این سیستم، کارگران در شرکت‌های دولتی (SOEs) از شغل مادام‌العمر برخوردار بودند و نمی‌توانستند به راحتی اخراج شوند، که این ثبات برای حفظ نظم اجتماعی و وفاداری به رژیم کمونیستی بسیار مهم بود.

کاسه برنج آهنی همچنین شامل مزایای مختلفی مانند مراقبت‌های بهداشتی مادام‌العمر، مسکن و مستمری بود. این سیستم رفاهی به منظور کاهش فقر و فراهم کردن شبکه‌ای ایمنی برای کارگران و خانواده‌هایشان طراحی شده بود. با این حال، این سیستم معایب قابل توجهی نیز داشت. با وجود تضمین شغل و درآمد بدون توجه به عملکرد، هم کارگران و هم مدیران انگیزه کمی برای بهبود بهره‌وری یا کارایی داشتند. این رکود اقتصادی به خروجی صنعتی پایین و پیشرفت تکنولوژیکی کم منجر شد که نواقص مربوط به کاسه برنج آهنی تا اواخر قرن بیستم به وضوح نمایان شد.

تغییر از کاسه برنج آهنی در دوران اصلاحات دنگ شیاپینگ آغاز شد. اصلاحاتی مانند سیستم مسئولیت خانوار که اجازه می‌داد خانواده‌ها تولید کشاورزی خود را مدیریت کنند، موجب افزایش رقابت و بهره‌وری شد. همچنین، با پیوستن چین به سازمان جهانی تجارت (WTO) در سال ۲۰۰۱، چین مجبور شد تا این سیستم را بیشتر تخریب کند. این تغییرات منجر به اخراج‌های قابل توجه در SOEs و انتقال به بازاری کار شد که بر اساس عملکرد تأکید داشت. در نهایت، کاسه برنج آهنی اگرچه در زمان مائو ثبات اجتماعی را فراهم می‌کرد، اما در طول زمان مانع رشد اقتصادی شده و نیاز به اصلاحات را ضروری کرد.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

تا اواخر دهه ۱۹۷۰، مشخص شد که این مدل اقتصادی با کنترل دقیق پایدار نیست. ناکارآمدی‌های مالکیت دولتی و برنامه‌ریزی مرکزی باعث شد تا خواستار اصلاحات شوند. زمانی که دنگ شیائوپینگ اصلاحات اقتصادی را در سال ۱۹۷۸ آغاز کرد، او بسیاری از جنبه‌های این سیستم را با معرفی سیاست‌های مبتنی بر بازار و اجازه دادن به ظهور بنگاه‌های خصوصی آغاز کرد. این تغییر قابل توجهی از دوران مائو بود که کنترل سختگیرانه دولتی داشت و به سمت چارچوب اقتصادی انعطاف‌پذیرتری حرکت کرد که رقابت و نوآوری را تشویق می‌کرد و در نهایت اقتصاد چین را به یکی از سریع‌ترین اقتصادهای در حال رشد در جهان تبدیل کرد.

۳. عدم توجه به کیفیت و رقابت‌پذیری

در دوران پیش از اصلاحات دنگ، تأکید بر تولید کمی به جای کیفیت و کارایی یکی از ویژگی‌های بارز سیاست‌های اقتصادی چین بود. بهترین مثال این تفکر، تلاش دولت تلاش جهت تولید صنعتی فولاد و غلات از طریق کوره های خانگی و تأسیس هزاران کوره خانگی برای تولید فولاد بود که منجر به تولید مقادیر زیادی فولاد با کیفیت پایین و غیرقابل استفاده گردید. به جای تمرکز بر بهبود فرآیندهای صنعتی موجود یا سرمایه‌گذاری در فناوری‌های مدرن، دولت بر حجم خالص تولید تأکید داشت که در نهایت منجر به هدررفت و ناکارآمدی‌های قابل توجهی شد. نمونه دیگری از این تمرکز بر کمیت را می‌توان در شیوه‌های کشاورزی در این دوره مشاهده کرد. جمع‌سازی کشاورزی هدفش افزایش تولید غلات از طریق بسیج نیروی کار بود، نه از طریق پیشرفت‌های فناوری یا تکنیک‌های کشاورزی بهبود یافته. کشاورزان در کمون‌ها سازماندهی شدند و انتظار می‌رفت که به سهمیه‌های غیرواقعی غلات تعیین شده توسط دولت دست یابند. این امر اغلب منجر به گزارش‌دهی بیش از حد برداشت‌ها و غفلت از شیوه‌های صحیح کشاورزی می‌شد. در نتیجه، در حالی که ارقام تولید غلات روی کاغذ بالا به نظر می‌رسید، تأمین واقعی غذا ناکافی بود و منجر به قحطی و رنج گسترده‌ای در سراسر کشور شد.

علاوه بر این، تأکید بر کمیت به جای کیفیت به بخش‌های مختلفی از جمله ماشین‌آلات و کالاهای مصرفی نیز گسترش یافت. دولت برای تولید انبوه ماشین‌آلات بدون توجه به طراحی یا عملکرد فشار آورد، که منجر به ایجاد محصولات بی‌کیفیت شد که نیازهای کاربران را برآورده نمی‌کرد. برای مثال، بسیاری از ابزارهای کشاورزی تولید شده در این زمان طراحی ضعیفی داشتند و ناکارآمد بودند که منجر به کاهش بهره‌وری در مزارع شد. این عدم توجه به کیفیت نه تنها رشد اقتصادی را مختل کرد بلکه اعتماد عمومی را نسبت به ابتکارات دولتی تضعیف کرد. در نهایت، مشخص شد که پیگیری بی‌وقفه کمیت بدون تمرکز همزمان بر کیفیت و کارایی تأثیرات زیان‌باری بر اقتصاد و جامعه چین در دوران رهبری مائو داشته است.

یکی از سیاست‌های جنجالی و بحث‌برانگیز، اعلام جنگ علیه گنجشک‌ها بود که در پیش از این تحت عنوان چهار کمپین بدان پرداخته شد. در سال ۱۹۵۸، مائو به دلیل گزارش‌هایی مبنی بر اینکه گنجشک‌ها مقادیر زیادی از محصولات کشاورزی را می‌خورند، دستور داد تا همه گنجشک‌ها از بین بروند. این کمپین بخشی از سیاست بزرگ‌تر "یک گام بزرگ به جلو" بود که هدف آن افزایش تولیدات کشاورزی و صنعتی بود. مردم به طور گسترده‌ای به شکار گنجشک‌ها پرداختند و حتی کودکان با تیرکمان به کشتن آنها تشویق می‌شدند. در این راستا، لانه‌های

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

گنجشک‌ها و تخم‌هایشان نابود شد و میلیون‌ها پرنده در این کمپین کشته شدند. این اقدام به شدت ناکارآمد بود و نتایج معکوسی به همراه داشت. با کاهش جمعیت گنجشک‌ها، جمعیت حشرات که پیش‌تر توسط این پرندگان کنترل می‌شدند، به طرز چشمگیری افزایش یافت. در سال‌های بعد، زمانی که ملخ‌ها به محصولات کشاورزی حمله کردند، مشخص شد که گنجشک‌ها نه تنها تهدیدی برای مزارع نبودند بلکه در واقع نقش مهمی در کنترل جمعیت آفات ایفا می‌کردند. این موضوع باعث شد که دولت مجبور شود تا گنجشک‌ها را دوباره مورد توجه قرار دهد و حتی از اتحاد شوروی گنجشک زنده وارد کند تا تعادل اکوسیستم را بازگرداند. این مثال شاید یکی از مثالهای بارز ناکارآمدی سیاست‌های دولتی در این دوران باشد که بر اساس فرضیات نادرست و بدون توجه به عواقب زیست‌محیطی اجرا شدند. کشتار گنجشک‌ها نه تنها کمکی به افزایش تولیدات کشاورزی نکرد، بلکه منجر به قحطی و کاهش شدید محصولات غذایی شد. این سیاست در نهایت نمایانگر ضعف در برنامه‌ریزی اقتصادی و عدم توجه به علم و تجربیات زیست‌محیطی بود که عواقب آن هنوز هم مورد بحث است.

۴. فناوری محدود

در دوران رهبری مائو، صنعت چین به شدت به فناوری‌های قدیمی داخلی وابسته بود که به طور قابل توجهی توانایی آن را برای رقابت با استانداردهای بین‌المللی محدود می‌کرد. این وابستگی ناشی از اولویت‌بندی اهداف ایدئولوژیک بر پیشرفت‌های فناوری بود. به عنوان مثال، در بخش ماشین‌آلات، بسیاری از کارخانه‌ها هنوز از تجهیزات و تکنیک‌هایی استفاده می‌کردند که به دهه ۱۹۵۰ مربوط می‌شدند و این موضوع کارایی و تولید آنها را محدود می‌کرد. عدم سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات مدرن به این معنی بود که صنایع نمی‌توانستند با پیشرفت‌های کشورهای توسعه‌یافته همگام شوند. علاوه بر این، تأکید بر خودکفایی منجر به عدم تمایل به پذیرش فناوری‌ها یا نوآوری‌های خارجی شد و استفاده از روش‌های داخلی ضعیف‌تر را بیشتر تقویت کرد.

یک نمونه قابل توجه از این عقب‌ماندگی فناوری در صنعت نساجی بود که در طول دوران مائو به طور عمده ناکارآمد باقی ماند. در حالی که کشورهای دیگر به سرعت فرآیندهای تولید پیشرفته و اتوماسیون را اتخاذ می‌کردند، تولید نساجی چین همچنان به نیروی کار دستی و ماشین‌آلات قدیمی وابسته بود. این نه تنها منجر به تولید کالاهای با کیفیت پایین‌تر شد، بلکه رقابت چین را در بازار جهانی دشوار می‌کرد، جایی که مصرف‌کنندگان به طور فزاینده‌ای خواستار منسوجات با کیفیت بالاتر و قیمت‌های رقابتی بودند. علاوه بر این، تمرکز دولت بر کمیت به جای کیفیت به این معنی بود که حتی زمانی که اهداف تولید محقق می‌شد، کالاهای حاصل اغلب از استانداردهای بین‌المللی پایین‌تر بودند که منجر به هدررفت قابل توجه و خسارات اقتصادی می‌شد.

عواقب وابستگی به فناوری‌های قدیمی در بخش‌های مختلف، از جمله کشاورزی، مشهود بود. ماشین‌آلات کشاورزی مورد استفاده در این دوره غالباً ابتدایی و ناکارآمد بودند که به بهره‌وری پایین در مزارع کمک می‌کردند. برای مثال، در حالی که کشورهایی مانند ژاپن^{۱۳} پیشرفت‌های خود در زمینه مکانیزاسیون و تکنیک‌های کشاورزی

۱۱۳ - قبل از آغاز اصلاحات دنگ شی‌پینگ، ژاپن تحت حکومت حزب لیبرال دموکرات (LDP) بود که در بیشتر دوران پس از جنگ جهانی دوم در قدرت قرار داشت. در این زمان، ژاپن رشد اقتصادی سریعی را تجربه کرد و پیشرفت‌های تکنولوژیکی قابل توجهی داشت، به‌ویژه در

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

مدرن در حال پیشرفت بودند، چین همچنان به روش‌های سنتی وابسته بود که بازدهی را محدود می‌کرد. این رکود فناوری نه تنها بر خروجی صنعتی تأثیر گذاشت بلکه پیامدهای وسیع‌تری برای امنیت غذایی و ثبات اقتصادی داشت و نیاز فوری به اصلاحات و مدرنیزاسیون را که در نهایت با سیاست‌های دنگ شیائوپینگ در اواخر دهه ۱۹۷۰ آغاز شد، برجسته کرد.

معایب این سیستم:

اصلاحات کشاورزی در دوران دنگ شیائوپینگ، هرچند که در افزایش تولید موفق بودند، اما بدون معایب نبودند. یکی از مشکلات عمده، رشد پایین بهره‌وری بود؛ زیرا تمرکز بر کشاورزی فردی گاهی منجر به استفاده پراکنده از زمین و عدم وجود صرفه‌جویی در مقیاس شد. این تکه‌تکه شدن زمین‌ها مانع از پذیرش تکنیک‌ها و فناوری‌های پیشرفته کشاورزی می‌شد که می‌توانست بهره‌وری را بیشتر افزایش دهد. بنابراین، در حالی که تولید غلات به طور کلی افزایش یافت، نرخ رشد بهره‌وری نسبت به سایر بخش‌ها نسبتاً ثابت ماند.

علاوه بر این، این سیستم دچار ناکارآمدی و هدررفت منابع بود، زیرا ماهیت غیرمتمرکز کشاورزی گاهی اوقات منجر به استفاده بیش از حد از زمین و نهاده‌ها بدون برنامه‌ریزی یا هماهنگی کافی می‌شد. این ناکارآمدی به صنایع مصرفی و کالاهای صادراتی نیز سرایت کرد، جایی که کمبود سرمایه‌گذاری در فرآوری و تولید با ارزش افزوده، رقابت‌پذیری محصولات کشاورزی چین را در بازار جهانی محدود کرد. همچنین، وابستگی شدید به نیروی کار به جای فناوری به این معنا بود که بسیاری از کشاورزان همچنان از روش‌های سنتی استفاده می‌کردند که نوآوری و مدرن‌سازی را در بخش کشاورزی محدود می‌کرد. در مجموع، این عوامل به سیستمی منجر شد که با وجود موفقیت‌ها، با چالش‌های پایداری و پتانسیل رشد بلندمدت مواجه بود.

بطور خلاصه همانطوریکه در سطور پیشین اشاره گردید معایب این دوران را می‌توان در قالب چهار شاخص ذیل طبقه‌بندی نمود:

دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰. این کشور به یکی از بازیگران مهم در تولید جهانی تبدیل شد و صنایعی مانند خودرو و الکترونیک در این زمینه پیش‌تاز بودند. با این حال، علیرغم این رشد، اقتصاد ژاپن همچنین به وابستگی به ایالات متحده برای امنیت و تجارت شناخته می‌شد که بر سیاست‌های صنعتی و توسعه تکنولوژیکی آن تأثیر گذاشت.

از نظر فناوری و صنعت، ژاپن به خاطر رویکردهای نوآورانه‌اش در تولید و فرآیندهای صنعتی مشهور بود. معرفی روش‌هایی مانند تولید به موقع (Just-In-Time) و مدیریت کیفیت جامع (Total Quality Management) نحوه عملکرد صنایع را متحول کرد و به افزایش کارایی و کاهش ضایعات کمک کرد. شرکت‌های ژاپنی سرمایه‌گذاری زیادی در تحقیق و توسعه انجام دادند که منجر به پیشرفت‌هایی در زمینه‌های مختلف از جمله رباتیک، الکترونیک و مهندسی خودرو شد. این تمرکز بر فناوری نه تنها اقتصاد ژاپن را به جلو برد بلکه آن را به عنوان الگویی برای سایر کشورها که به دنبال مدرن‌سازی بخش‌های صنعتی خود بودند، معرفی کرد. چشم‌انداز سیاسی در ژاپن در این دوره همچنین با تأکید بر دیپلماسی اقتصادی و همکاری بین‌المللی مشخص می‌شد. حزب LDP تلاش می‌کرد تا روابط خود را با کشورهای غربی تقویت کند در حالی که رویکرد محتاطانه‌ای نسبت به کشورهای کمونیستی، از جمله چین، اتخاذ می‌کرد. این محیط جغرافیایی سیاسی پیچیده زمینه‌ساز تعاملات آینده بین چین و ژاپن شد، به‌ویژه زمانی که دنگ شیائوپینگ تلاش کرد تا چین را به روی سرمایه‌گذاری خارجی و انتقال فناوری باز کند. برای آشنایی بیشتر با پیشرفت‌های تکنولوژی و صنعت ژاپن در دوران قبل از دنگ می‌توانید مقاله "دولت ژاپن قبل از آغاز اصلاحات دنگ شیائوپینگ و وضعیت فناوری و صنعت" که در لینک ذیل قابل دسترسی است را مطالعه نمایید:

[https://eprints.lse.ac.uk/19809/1/Japan_in_the_politics_of_Chinese_leadership_legitimacy_\(LSERO_version\).pdf](https://eprints.lse.ac.uk/19809/1/Japan_in_the_politics_of_Chinese_leadership_legitimacy_(LSERO_version).pdf)

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

- رشد پایین بهره‌وری.
- ناکارآمدی و هدررفت منابع.
- ضعف در صنایع مصرفی و کالاهای صادراتی.
- اتکای شدید به نیروی کار به جای فناوری.

اصلاحات صنعتی دنگ شیائوپینگ

اصلاحات صنعتی دنگ شیائوپینگ، به‌ویژه "سیاست درهای باز"، نقش مهمی در تحول اقتصاد چین از یک سیستم بسته و برنامه‌ریزی‌شده مرکزی به سیستمی که به دینامیک‌های بازار جهانی پاسخ می‌دهد، ایفا کرد. این سیاست که در دسامبر ۱۹۷۸ آغاز شد، هدفش جذب سرمایه‌گذاری و فناوری خارجی بود و یک تغییر اساسی در استراتژی اقتصادی چین به شمار می‌رفت. برای تسهیل این امر، دنگ مناطق اقتصادی ویژه‌ای (SEZ) در شهرهایی مانند شنژن و فوجیان تأسیس کرد که در آن‌ها کسب‌وکارهای خارجی می‌توانستند با محدودیت‌های اداری کمتر و شرایط مالیاتی مطلوب‌تر فعالیت کنند. این رویکرد نه تنها رشد سریع صنعتی را به دنبال داشت، بلکه چین را به اقتصاد جهانی متصل کرد و اجازه داد تا به یک بازیگر اصلی در تجارت بین‌المللی تبدیل شود. معرفی قوانین مشترک سرمایه‌گذاری نیز به تشویق شرکت‌های خارجی برای سرمایه‌گذاری کمک کرد و منجر به ورود قابل توجهی از سرمایه و فناوری شد که رشد اقتصادی چین را در دهه‌های ۱۹۸۰ و بعد از آن تسریع کرد. این اصلاحات را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد:

سیاست «درهای باز» و جذب سرمایه‌گذاری خارجی

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

- ایجاد مناطق ویژه اقتصادی (SEZs) در استان‌هایی مانند گوانگ‌دونگ و فوجیان^{۱۱۴}

۱۱۴ - گوانگ‌دونگ (Guangdong) یکی از استان‌های مهم و پرجمعیت چین است که در جنوب این کشور واقع شده و به عنوان یک مرکز اقتصادی کلیدی شناخته می‌شود. در زیر به برخی از ویژگی‌ها و اطلاعات مهم درباره گوانگ‌دونگ اشاره می‌شود:

ویژگی‌های کلیدی گوانگ‌دونگ

مرکز اقتصادی: گوانگ‌دونگ به عنوان یکی از پیشرفته‌ترین و صنعتی‌ترین استان‌های چین، نقش مهمی در اقتصاد ملی دارد. این استان شامل شهرهای بزرگی مانند گوانگجو (Guangzhou) و شنجن (Shenzhen) است که هر دو به عنوان مراکز تجاری و فناوری شناخته می‌شوند.

تولید ناخالص داخلی: در سال ۲۰۲۴، تولید ناخالص داخلی (GDP) گوانگزو بخشی از عملکرد اقتصادی کلی استان گوانگ‌دونگ است که پیش‌بینی می‌شود بیش از ۱۴ تریلیون یوان (تقریباً ۱,۹۴ تریلیون دلار) باشد. این رقم نشان‌دهنده جایگاه گوانگ‌دونگ به عنوان پیش‌تاز اقتصاد استانی چین است و به‌طور قابل توجهی به تولید ناخالص داخلی ملی که حدود ۱۳۴,۹۱ تریلیون یوان (تقریباً ۱۸,۸۰ تریلیون دلار) برای همان سال برآورد شده، کمک می‌کند، که از پکن و شانگهای بیشتر بود. شنجن نیز با تولید ناخالص داخلی نزدیک به ۲,۸ تریلیون یوان (۴۲۹ میلیارد دلار) در میان پنج شهر برتر آسیا قرار دارد. برای آشنایی با تولید ناخالص داخلی استانهای چین را می‌توانید در بخش ضمائم مشاهده کنید.

منطقه ویژه اقتصادی: گوانگ‌دونگ شامل چندین منطقه ویژه اقتصادی است که برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی و توسعه اقتصادی تأسیس شده‌اند. این مناطق به دلیل سیاست‌های اقتصادی انعطاف‌پذیر و مشوق‌های مالی، جذابیت زیادی برای سرمایه‌گذاران دارند.

شهرهای مهم

گوانگجو: این شهر به عنوان مرکز استان، نقش مهمی در توسعه منطقه خلیج بزرگ گوانگ‌دونگ-کنگماکائو (GBA) دارد و از نظر نوآوری‌های علمی و فناوری پیش‌تاز است.

شنژن: شنژن به عنوان نخستین منطقه ویژه اقتصادی چین تأسیس شد و امروز به یک مرکز جهانی فناوری تبدیل شده است. این شهر همچنین سومین بندر بزرگ کانتینر در جهان است.

با وجود موفقیت‌های اقتصادی، گوانگ‌دونگ با چالش‌هایی مانند رقابت بین‌المللی، نیاز به نوآوری مستمر و مدیریت منابع طبیعی روبرو است. اما همچنان به عنوان یک قطب اقتصادی با پتانسیل‌های بالا شناخته می‌شود.

به طور کلی، گوانگ‌دونگ با تاریخچه‌ای غنی و دستاوردهای چشمگیر، یکی از استان‌های کلیدی چین در زمینه‌های اقتصادی، صنعتی و فناوری محسوب می‌شود.

مناطق ویژه اقتصادی گوانگ‌دونگ به‌طور رسمی در تاریخ ۲۶ اوت ۱۹۷۹ تأسیس شدند، که بخشی از سیاست‌های اصلاحات اقتصادی و باز شدن چین به سمت جهان بود که توسط دنگ شیائوپینگ آغاز شد.

۱۱۵ - موقعیت جغرافیایی

مکان: فوجیان در شرق چین واقع شده و با استان‌های ژجیانگ در شمال، جیانگ‌ژی در غرب و گوانگ‌دونگ در جنوب همسایه است. این استان همچنین در سمت شرق با دریای چین جنوبی و تایوان همسایه می‌باشد.

جمعیت و مساحت

جمعیت: جمعیت فوجیان بیش از ۴۱ میلیون نفر تخمین زده می‌شود.

مساحت: مساحت این استان حدود ۱۲۱,۴۰۰ کیلومتر مربع است.

اقتصاد

صنایع: فوجیان دارای اقتصادی متنوع و پویا است که شامل صنایع مختلفی مانند تولید الکترونیک، ماشین‌آلات، پتروشیمی، چای، پوشاک و سنگ می‌باشد. این استان به‌عنوان یک مرکز تجاری و صادراتی مهم شناخته می‌شود.

تجارت خارجی: فوجیان یکی از بزرگ‌ترین مناطق تجاری چین است و به دلیل موقعیت جغرافیایی خود، نقش مهمی در تجارت با کشورهای دیگر دارد.

فرهنگ و تاریخ

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

• تسهیل قوانین برای جذب شرکت‌های چندملیتی و سرمایه‌گذاری خارجی.

در دوران اصلاحات دنگ، یکی از اقدامات کلیدی که اجرا شد، تسهیل قوانین برای جذب شرکت‌های چندملیتی و سرمایه‌گذاری خارجی بود. این تغییر با تأسیس مناطق اقتصادی ویژه (SEZs) در سال ۱۹۷۹ آغاز شد، به‌ویژه در شهرهای ساحلی مانند شنژن، ژوهای و شیامن. این مناطق شرایط مطلوبی مانند معافیت‌های مالیاتی، کاهش مقررات و بازار کار انعطاف‌پذیرتر را برای جذب کسب‌وکارهای خارجی فراهم کردند. دولت به این شرکت‌ها اجازه داد که با استقلال بیشتری نسبت به شرکت‌های دولتی فعالیت کنند، که این امر به معرفی فناوری‌های مدرن و شیوه‌های مدیریتی کمک کرد. به عنوان مثال، شرکت‌های خارجی مانند **کوکاکولا**^{۱۱۶} و **هوندا**^{۱۱۷} در این مناطق فعالیت خود را آغاز کردند و از هزینه‌های پایین نیروی کار و محیط کسب‌وکار مطلوب بهره‌برداری کردند و در عین حال به اقتصاد محلی از طریق ایجاد شغل و انتقال فناوری کمک کردند.

فرهنگ: فرهنگ فوجیان غنی و متنوع است. این استان به خاطر غذاهای محلی خاص، جشنواره‌های فرهنگی و معماری سنتی خود مشهور است. زبان محلی هاکا (Hakka) و مین (Min) نیز در این منطقه رایج است.

تاریخ: فوجیان دارای تاریخچه‌ای طولانی است که شامل دوره‌های مختلف تاریخی و تأثیرات فرهنگی متنوع از جمله تأثیرات دریایی و تجاری می‌شود.

شهرهای مهم

فوزو (Fuzhou): پایتخت استان فوجیان، شهری با تاریخ غنی و مراکز اقتصادی مهم است. فوزو به خاطر معابد قدیمی، پارک‌ها و غذاهای محلی معروف است.

شیامن (Xiamen): یکی از شهرهای مهم دیگر فوجیان که به عنوان یک مرکز تجاری و گردشگری شناخته می‌شود. شیامن دارای سواحل زیبا، جزیره گولانگ یو (Gulangyu) و فرهنگ غنی است.

جاذبه‌های گردشگری

فوجیان دارای جاذبه‌های طبیعی و تاریخی زیادی است که شامل کوه‌ها، معابد تاریخی، پارک‌های ملی و سواحل زیبا می‌شود. برخی از جاذبه‌های مشهور شامل:

کوه‌های ووئی (Wuyi Mountains): که به عنوان یک میراث جهانی یونسکو ثبت شده‌اند.

جزیره گولانگ یو: با معماری مستعمراتی زیبا و سواحل آرام.

۱۱۶ - کوکاکولا، که در سال ۱۸۸۶ توسط جان پمبرتون تأسیس شد، به عنوان یکی از بزرگ‌ترین و موفق‌ترین شرکت‌های بین‌المللی شناخته می‌شود. این شرکت در حال حاضر دارای درآمد سالانه حدود ۴۲ میلیارد دلار و سود خالص تقریباً ۹ میلیارد دلار است. ارزش کل دارایی‌های کوکاکولا به حدود ۱۷۷ میلیارد دلار می‌رسد. سهام این شرکت در بازار بورس نیویورک معامله می‌شود و بزرگ‌ترین سهامدار آن، شرکت برکشایر هاتاوی است که حدود ۹ درصد از سهام را در اختیار دارد. کوکاکولا با تنوع برندهای خود، از جمله کوکاکولا، فانتا و دسانی، در بیش از ۲۰۰ کشور فعالیت می‌کند و روزانه نزدیک به ۲ میلیارد نوشیدنی به فروش می‌رساند. این برند به دلیل استراتژی‌های بازاریابی هوشمند و نوآوری‌های مستمر، توانسته است سهم قابل توجهی از بازار نوشیدنی‌های گازدار را به خود اختصاص دهد و همچنان به رشد خود ادامه دهد.

۱۱۷ - هوندا موتور، که در سال ۱۹۴۸ توسط سوئی شیرو هوندا تأسیس شد، یکی از بزرگ‌ترین و موفق‌ترین شرکت‌های خودروسازی و موتورسیکلت‌سازی در جهان است. این شرکت هم‌اکنون هشتمین خودروساز بزرگ جهان محسوب می‌شود و در سال ۲۰۲۳، درآمد آن حدود ۱۲۰ میلیارد دلار و سود خالص آن تقریباً ۵ میلیارد دلار برآورد شده است. هوندا با تولید بیش از ۱۴ میلیون موتور خودرو در سال، به عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده موتورهای درون‌سوز شناخته می‌شود و همچنین بزرگ‌ترین تولیدکننده موتورسیکلت در جهان است. این شرکت با بیش از ۱۴۷ هزار کارمند در سراسر جهان فعالیت می‌کند و محصولات خود را به بیش از ۱۰۰ کشور صادر می‌کند. هوندا علاوه بر خودرو و موتورسیکلت، در زمینه‌های مختلفی از جمله تولید موتورهای هواگرد، قایق‌های موتوری و تجهیزات الکتریکی نیز فعالیت دارد. با تأکید بر نوآوری و کیفیت، هوندا به عنوان یک برند معتبر جهانی شناخته می‌شود که همواره در تلاش برای بهبود و گسترش محصولات خود است.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

تأثیرات این سیاست‌ها نسبت به دوران قبل از اجرای آن‌ها بسیار عمیق بود. پیش از اصلاحات دنگ، سرمایه‌گذاری خارجی بواسطه اقتصاد بسته این کشور بسیار ناچیز بود و بر خودکفایی تمرکز داشت. اما تا اواخر دهه ۱۹۹۰، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) به طور سالانه به میانگین ۴۰ تا ۴۵ میلیارد دلار افزایش یافت و چین را به یکی از بزرگ‌ترین دریافت‌کنندگان FDI در میان کشورهای در حال توسعه تبدیل کرد.^{۱۸} این ورود سرمایه نه تنها تولید صنعتی را افزایش داد بلکه منجر به بهبود قابل توجهی در کیفیت و کارایی محصولات در بخش‌های مختلف شد. معرفی استانداردها و شیوه‌های بین‌المللی به مدرن‌سازی صنایع چین کمک کرد و آن‌ها را قادر ساخت تا در سطح جهانی رقابت کنند. در مجموع، تسهیل سرمایه‌گذاری خارجی توسط دنگ نقطه عطفی در مسیر اقتصادی چین بود که آن را از یک اقتصاد ایزوله به بخشی جدایی‌ناپذیر از بازار جهانی تبدیل کرد.

- واردات فناوری‌های پیشرفته از ژاپن، ایالات متحده، و کشورهای اروپایی.

دنگ شیائوپینگ یکی از اقدامات کلیدی خود را به واردات فناوری‌های پیشرفته از ژاپن، ایالات متحده و کشورهای اروپایی اختصاص داد. این اقدام به‌عنوان بخشی از اصلاحات اقتصادی او در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، به چین این امکان را داد تا با استفاده از دانش و تکنولوژی‌های مدرن، اقتصاد خود را مدرن‌سازی کند و به سمت صنعتی شدن حرکت کند. با جذب این فناوری‌ها، چین توانست نه تنها زیرساخت‌های صنعتی خود را بهبود بخشد بلکه کیفیت محصولات تولیدی را نیز افزایش دهد و در نهایت به یک بازیگر مهم در بازار جهانی تبدیل شود.

در مورد ژاپن، دنگ به‌ویژه بر روی همکاری‌های صنعتی و انتقال فناوری از این کشور تأکید داشت. سفر دنگ به ژاپن در سال ۱۹۷۸ و بازدید او از کارخانه‌های مختلف، از جمله کارخانه‌های خودروسازی نیسان^{۱۹}، نشان‌دهنده تمایل او به یادگیری از مدل اقتصادی موفق ژاپن بود. این همکاری‌ها منجر به ورود شرکت‌های ژاپنی به چین شد

۱۱۸ - شما می‌توانید لیست بزرگ‌ترین کشورهایایی که بیشترین سرمایه‌گذاری خارجی را دریافت می‌کنند، در وبسایت‌های زیر مشاهده کنید:

U.S. News: <https://www.usnews.com/news/best-countries/slideshows/10-countries-that-receive-the-most-foreign-direct-investment>

مرکز تجارت بین‌الملل - (ITC) نقشه سرمایه‌گذاری به آدرس:

<https://www.intracen.org/resources/tools/investment-map>

<https://gfmag.com/banking/alchemy-fdi/>

مجله گلوبال فایننس به آدرس:

این منابع اطلاعات و آمار دقیقی درباره سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای مختلف ارائه می‌دهند.

^{۱۱۹} - نیسان، که در سال ۱۹۱۱ توسط ماسوجیرو هاشیموتو تأسیس شد، به عنوان یکی از بزرگ‌ترین خودروسازان جهان شناخته می‌شود. این شرکت در ابتدا با نام Kwaishinsha Motor Car Works فعالیت خود را آغاز کرد و اولین خودروی خود، DAT، را در سال ۱۹۱۴ معرفی کرد. نیسان در طول جنگ جهانی دوم به تولید وسایل نقلیه نظامی پرداخت و پس از جنگ، به تولید خودروهای مسافری ادامه داد. این شرکت با صادرات خودروهای خود به ایالات متحده و دیگر کشورها در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، به رشد و توسعه قابل توجهی دست یافت. امروزه نیسان با درآمد سالانه حدود ۹۰ میلیارد دلار و سود خالص تقریباً ۳ میلیارد دلار، در بیش از ۱۶۰ کشور فعالیت می‌کند. این شرکت به عنوان یکی از پیشگامان فناوری‌های نوین مانند خودروهای برقی و خودران شناخته می‌شود و مدل‌هایی مانند Leaf را معرفی کرده که به عنوان اولین خودروی برقی تولید انبوه شناخته می‌شود. نیسان همچنان به نوآوری و توسعه محصولات جدید ادامه می‌دهد و با تأکید بر کیفیت و فناوری، جایگاه خود را در بازار جهانی حفظ کرده است.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

که با انتقال تکنیک‌های پیشرفته تولید و مدیریت، به مدرن‌سازی صنایع چینی کمک کردند. برای مثال، کارخانه آهن و فولاد بائوشان^{۱۲۰} که با همکاری نیپون استیل^{۱۲۱} تأسیس شد، نمادی از همکاری چین و ژاپن بود و نقش مهمی در توسعه صنعت سنگین چین ایفا کرد.^{۱۲۲}

۱۲۰ - شرکت بائوشان آهن و فولاد (Baoshan Iron & Steel Co., Ltd.) که به اختصار باوستیل نامیده می‌شود، یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان فولاد در جهان است و در شانگهای، چین مستقر است. این شرکت در سال ۱۹۱۱ تأسیس شد و به عنوان یک زیرمجموعه از گروه دولتی چین باو (China Baowu Steel Group) شناخته می‌شود. باوستیل به تولید انواع مختلف محصولات فولادی از جمله فولاد گرم و سرد، فولاد سازه‌ای برای خودروها و ساختمان‌ها و فولادهای پیشرفته با استحکام بالا می‌پردازد. در سال ۲۰۲۳، این شرکت توانسته است حدود ۴۰ میلیون تن فولاد تولید کند و درآمد سالانه آن حدود ۹۰ میلیارد دلار و سود خالص تقریباً ۳ میلیارد دلار گزارش شده است. محصولات گسترده باوستیل به صنایع مختلفی مانند خودروسازی، ساخت‌وساز و لوازم خانگی خدمت می‌کند. این شرکت چندین کارخانه بزرگ فولاد دارد و بیش از ۴۳ هزار نفر را به کار گرفته است. با تأکید بر نوآوری و پایداری، باوستیل به طور فعال در حال توسعه فناوری‌های پیشرفته برای تولید فولاد است و در عین حال به مسائل زیست‌محیطی نیز توجه دارد. تعهد این شرکت به کیفیت و کارایی، به آن امکان داده تا سهم قابل توجهی از بازار را در صنعت رقابتی فولاد حفظ کند.

۱۲۱ - شرکت نیپون استیل (Nippon Steel Corporation)، که پیش‌تر به عنوان نیپون استیل و سومی تو متال شناخته می‌شد، بزرگ‌ترین تولیدکننده فولاد در ژاپن و چهارمین بزرگ‌ترین تولیدکننده فولاد در جهان است. این شرکت در سال ۱۹۷۰ تأسیس شد و دفتر مرکزی آن در منطقه مارونوچی توکیو واقع شده است. نیپون استیل به تولید انواع مختلف محصولات فولادی می‌پردازد که شامل ورق‌های فولادی، فولاد سازه‌ای، لوله‌ها و میله‌ها می‌شود. در سال ۲۰۲۳، این شرکت توانسته است حدود ۴۵ میلیون تن فولاد تولید کند و درآمد سالانه آن تقریباً ۹۰ میلیارد دلار و سود خالص آن حدود ۳ میلیارد دلار گزارش شده است. نیپون استیل به چهار بخش اصلی تقسیم می‌شود: تولید و ساخت فولاد، مهندسی و ساخت‌وساز، مواد شیمیایی و مواد جدید، و راه‌حل‌های سیستم. این شرکت با بیش از ۱۵ کارخانه تولیدی در کشورهای مختلف، به ارائه محصولات با کیفیت بالا برای صنایع گوناگون از جمله خودروسازی، ساخت‌وساز و انرژی می‌پردازد. همچنین نیپون استیل به دنبال نوآوری و توسعه فناوری‌های پایدار است و بر روی چالش‌هایی مانند کربن‌زدایی و دیجیتال‌سازی تمرکز دارد تا به عنوان یک پیشرو در صنعت فولاد باقی بماند.

^{۱۲۲} <https://eastasiaforum.org/۲۰۲۳۲۲۸۸/۳۰/۱۱/۲۰۲۳/->

https://perspectivia.net/servlets/MCRFileNodeServlet/pnet_derivate_00001074/119-135_JAPANESE-FOREIGN-DIRECT-INVESTMENT-IN-CHINA-FROM-EXPORT-ORIENTED-PRODUCTION-TO-DOMESTIC-MARKETING_Mono_38_Haak.pdf

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

ایالات متحده نیز نقش مهمی در انتقال فناوری به چین داشت. پس از عادی سازی روابط دیپلماتیک در اواخر دهه ۱۹۷۰، شرکت های آمریکایی مانند **جنرال موتورز**^{۱۲۳} و **فورد**^{۱۲۴} همکاری های مشترکی را با تولیدکنندگان چینی آغاز کردند که به آنها اجازه می داد تا خودروها را محلی تولید کنند و در عین حال فناوری های پیشرفته خود را منتقل کنند. این همکاری ها نه تنها باعث افزایش کیفیت محصولات شد بلکه استانداردهای تولید را نیز در صنعت خودروسازی چین ارتقا داد. همچنین، معرفی شیوه های مدیریتی آمریکایی به بهبود کارایی عملیاتی کمک کرد و شرکت های چینی را قادر ساخت تا محصولات رقابتی برای بازار داخلی و صادرات تولید کنند. کشورهای اروپایی نیز از طریق مشارکت ها و سرمایه گذاری ها به پیشرفت فناوری چین کمک کردند. کشورهای مانند **آلمان** و **فرانسه** توافقات همکاری ای را برقرار کردند که بر صنایع با تکنولوژی بالا مانند ارتباطات و انرژی متمرکز بود. برای مثال، **زیمنس**^{۱۲۵} شرکت های چینی همکاری کرد تا زیرساخت های ارتباطات تلفنی را توسعه

۱۲۳- جنرال موتورز (General Motors Company)، که به اختصار GM نامیده می شود، یک شرکت خودروسازی چندملیتی آمریکایی است که در دیترویت، میشیگان مستقر است. این شرکت در سال ۱۹۰۸ توسط ویلیام سی. دورانت تأسیس شد و به عنوان یکی از بزرگ ترین تولیدکنندگان خودرو در جهان شناخته می شود. جنرال موتورز مالک و تولیدکننده چهار برند اصلی خودرو شامل شورولت، بیوک، جی ام سی و کادیلک است. این شرکت همچنین دارای کارخانه های تولیدی در هشت کشور مختلف است و به ارائه محصولات خود به بازارهای جهانی ادامه می دهد. در سال ۲۰۲۳، جنرال موتورز توانسته است حدود ۵ میلیون خودرو تولید کند و درآمد سالانه آن تقریباً ۹۰ میلیارد دلار و سود خالص آن حدود ۳ میلیارد دلار گزارش شده است. جنرال موتورز علاوه بر تولید خودرو، خدمات مالی خود را از طریق شرکت فرعی خود، جنرال موتورز فایننشال، ارائه می دهد. این شرکت به فروش خودروها و کامیون ها به مشتریان تجاری، شرکت های اجاره خودرو و دولت ها می پردازد. GM همچنین در زمینه نوآوری و توسعه فناوری های پایدار فعالیت دارد و برنامه هایی برای پایان تولید خودروهای با موتور احتراق داخلی تا سال ۲۰۳۵ را اعلام کرده است. با توجه به تاریخچه غنی و تمرکز بر نوآوری، جنرال موتورز همچنان به عنوان یک پیشرو در صنعت خودروسازی جهانی شناخته می شود.

۱۲۴- جنرال موتورز (Ford Motor Company) یک شرکت خودروسازی چندملیتی آمریکایی است که در تاریخ ۱۶ ژوئن ۱۹۰۳ توسط هنری فورد و گروهی از سرمایه گذاران تأسیس شد. این شرکت در دیترویت، میشیگان واقع شده و به عنوان یکی از بزرگ ترین تولیدکنندگان خودرو در جهان شناخته می شود. جنرال موتورز محصولات خود را تحت برندهای مختلفی از جمله فورد و لینکلن عرضه می کند و به تولید خودروهای مسافری، کامیون ها و وسایل نقلیه تجاری می پردازد. در سال ۲۰۲۳، جنرال موتورز حدود ۴،۴ میلیون خودرو تولید کرده و درآمد سالانه آن تقریباً ۱۸۲،۷۴ میلیارد دلار و سود خالص آن حدود ۳،۵۳ میلیارد دلار گزارش شده است. جنرال موتورز با بیش از ۱۷۷،۰۰۰ کارمند در سطح جهانی، به ارائه محصولات و خدمات خود در بازارهای مختلف ادامه می دهد. این شرکت همچنین به دنبال نوآوری های فناوری و توسعه خودروهای برقی است و برنامه هایی برای کاهش تولید خودروهای با موتور احتراق داخلی دارد. جنرال موتورز به عنوان یک پیشرو در صنعت خودروسازی شناخته می شود و با تأکید بر کیفیت و کارایی، سهم قابل توجهی از بازار جهانی را در اختیار دارد.

۱۲۵- زیمنس (Siemens AG) یک شرکت چندملیتی فناوری آلمانی است که در زمینه های اتوماسیون صنعتی، منابع انرژی توزیع شده، حمل و نقل ریلی و فناوری های بهداشتی فعالیت می کند. این شرکت در سال ۱۸۴۷ توسط ورنر فون زیمنس و یوهان جورج هالسکه تأسیس شد و امروزه به عنوان بزرگ ترین شرکت تولیدی صنعتی در اروپا شناخته می شود. دفتر مرکزی زیمنس در مونیخ و برلین واقع شده و این شرکت حدود ۳۲۰،۰۰۰ نفر را در سراسر جهان استخدام کرده است. در سال ۲۰۲۳، زیمنس درآمدی معادل ۷۸ میلیارد یورو گزارش کرده است و به عنوان یکی از بزرگ ترین شرکت های آلمانی از نظر ارزش بازار شناخته می شود. زیمنس به چهار بخش اصلی تقسیم می شود: صنایع دیجیتال، زیرساخت های هوشمند، حمل و نقل و خدمات مالی. این شرکت همچنین به ارائه راه حل های هوشمند برای حمل و نقل ریلی و جاده ای، فناوری پزشکی و خدمات دیجیتال بهداشت می پردازد. با توجه به تمرکز بر نوآوری و توسعه پایدار، زیمنس در حال کار بر روی پروژه هایی برای کاهش انتشار گازهای گلخانه ای و بهبود زیرساخت های انرژی است. این شرکت با سرمایه گذاری های قابل توجه در تحقیق و توسعه، به دنبال حفظ موقعیت خود به عنوان یک پیشرو در صنعت فناوری جهانی است.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

دهد که برای مدرن سازی شبکه های ارتباطی چین ضروری بود. همچنین، شرکت فرانسوی آلستوم نقش کلیدی در توسعه سیستم های ریلی چین ایفا کرد و فناوری قطار پیشرفته را ارائه داد. این شرکت ها نه تنها تسهیل انتقال فناوری های پیشرفته را ممکن ساخت بلکه به ادغام چین در اقتصاد جهانی کمک کرد و قابلیت های صنعتی آن را با استانداردهای بین المللی همسو کرد.

۵. خصوصی سازی تدریجی

• تغییر ساختار صنایع دولتی از مدیریت کامل دولتی به سیستم بازار محور.

یکی از کارهای اساسی دنگ شیائوپینگ اصلاح ساختار صنایع دولتی از مدیریت کامل دولتی به یک سیستم مبتنی بر بازار بود. این تغییر به منظور افزایش کارایی و رقابت پذیری صنایع دولتی انجام شد و هدف آن کاهش وابستگی به سیستم های برنامه ریزی مرکزی و ایجاد فضایی برای نوآوری و رشد اقتصادی بود. در این راستا، صنایع مختلفی تحت تأثیر این اصلاحات قرار گرفتند که در ادامه به بررسی سه مورد کلیدی خواهیم پرداخت.

یکی از صنایع کلیدی که تحت تأثیر این بازسازی قرار گرفت، صنعت نساجی بود. در دهه ۱۹۹۰، دولت چین تصمیم به اصلاح ساختار این صنعت گرفت تا آن را به سمت یک سیستم مبتنی بر بازار سوق دهد. با اجرای قوانین جدید، بسیاری از کارخانه های نساجی دولتی به شرکت های سهامی تبدیل شدند که اجازه داشتند با سرمایه گذاران خصوصی همکاری کنند و به صورت مستقل عمل کنند. این تغییرات منجر به افزایش کیفیت محصولات و کاهش هزینه ها شد و صنعت نساجی چین را قادر ساخت تا با رقبای بین المللی خود رقابت کند. به عنوان مثال، برخی از کارخانه ها توانستند با استفاده از فناوری های جدید و روش های مدیریت مدرن، تولید خود را افزایش دهند و محصولات با کیفیت تری را عرضه کنند.

صنعت خودرو نیز یکی دیگر از بخش هایی بود که دچار تغییرات عمده ای شد. با آغاز اصلاحات، دولت چین اجازه داد تا شرکت های خودروسازی دولتی با شرکت های خارجی همکاری کنند و به ایجاد جوینت ونچرها بپردازند. این همکاری ها باعث ورود فناوری های پیشرفته و استانداردهای بین المللی به صنعت خودروسازی چین شد. به عنوان

۱۲۶ - آلستوم (Alstom SA) یک شرکت چندملیتی فرانسوی است که در زمینه تولید و خدمات حمل و نقل ریلی فعالیت می کند. این شرکت در سال ۱۹۲۸ از ادغام دو شرکت Société Alsacienne de Constructions Mécaniques و Compagnie Française Thomson-Houston تأسیس شد. آلستوم به تولید انواع وسایل نقلیه ریلی از جمله قطارهای سریع السیر، ترامواها و متروها پرداخته و همچنین در زمینه سیستم های سیگنالینگ و زیرساخت های ریلی فعالیت دارد. این شرکت در بیش از ۷۰ کشور جهان حضور دارد و حدود ۳۸،۹۰۰ نفر را استخدام کرده است. در سال ۲۰۲۳، آلستوم درآمدی معادل ۸،۲ میلیارد یورو گزارش کرده است. آلستوم به عنوان یکی از بزرگ ترین تولیدکنندگان وسایل نقلیه ریلی در جهان، به طراحی و ارائه راه حل های جامع برای حمل و نقل ریلی می پردازد. این شرکت با تمرکز بر نوآوری و پایداری، به دنبال کاهش انتشار کربن و بهبود کارایی انرژی در محصولات خود است. آلستوم همچنین به ارائه خدمات نگهداری و تعمیرات برای تجهیزات ریلی می پردازد و تلاش می کند تا با ایجاد راه حل های هوشمند، حمل و نقل را آسان تر و کارآمدتر کند. با توجه به تاریخچه غنی و تمرکز بر فناوری های پیشرفته، آلستوم همچنان به عنوان یک پیشرو در صنعت حمل و نقل ریلی شناخته می شود.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

مثال، همکاری بین شرکت‌های چینی مانند SAIC Motor^{۱۲۷} و خودروسازان بزرگ آمریکایی مانند جنرال موتورز منجر به تولید خودروهای با کیفیت بالا و مطابق با استانداردهای جهانی شد. این تحولات نه تنها به رشد سریع صنعت خودرو کمک کرد بلکه باعث افزایش صادرات خودروهای چینی نیز گردید.

سومین صنعتی که تحت تأثیر این اصلاحات قرار گرفت، صنعت انرژی بود. دولت چین با هدف افزایش کارایی و کاهش هزینه‌ها، سیاست‌هایی را برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی در این بخش اتخاذ کرد. شرکت‌های دولتی انرژی مانند شرکت ملی نفت چین^{۱۲۸} (CNPC) و شرکت دولتی برق چین^{۱۲۹} (SGCC) مجاز شدند تا با شرکت‌های بین‌المللی همکاری کنند و پروژه‌های مشترکی راه‌اندازی کنند. این همکاری‌ها منجر به انتقال فناوری‌های نوین در زمینه استخراج نفت و گاز طبیعی، همچنین توسعه منابع انرژی تجدیدپذیر شد. برای مثال، پروژه‌های مشترک

۱۲۷ - شرکت SAIC Motor Corporation Limited، که به اختصار SAIC Motor نامیده می‌شود، یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان خودرو در چین و یکی از پیشروهای صنعت خودروسازی جهانی است. این شرکت در سال ۱۹۵۵ تأسیس شد و دفتر مرکزی آن در آنتینگ، شانگهای واقع شده است. SAIC Motor در سال ۲۰۲۳ موفق به فروش ۵۰۲ میلیون خودرو شد و برای ۱۸ سال متوالی در بازار داخلی چین در صدر قرار دارد. درآمد این شرکت به حدود ۱۰۵٫۲ میلیارد دلار رسید و در فهرست Fortune Global 500 رتبه ۹۳ را کسب کرد SAIC Motor. همچنین به تولید خودروهای برقی و خدمات نوآورانه حمل و نقل توجه ویژه‌ای دارد و در سال ۲۰۲۳، فروش خودروهای جدید انرژی (NEV) به ۱٫۱۲۳ میلیون واحد رسید. SAIC Motor با همکاری‌های مشترک با برندهای معروفی مانند فولکس‌واگن و جنرال موتورز، به تولید و عرضه انواع خودروها از جمله خودروهای مسافری و تجاری می‌پردازد. این شرکت دارای ۱۵ پایگاه تولید خودرو کامل و چندین پایگاه ساخت قطعات در چین است و محصولات خود را به بیش از ۱۰۰ کشور و منطقه صادر می‌کند. با تمرکز بر نوآوری و توسعه پایدار، SAIC Motor به دنبال تقویت زنجیره تأمین جهانی خود و پیشرفت در فناوری‌های جدید است تا به عنوان یک شرکت خودروسازی با رقابت‌پذیری بین‌المللی شناخته شود.

۱۲۸ - ملی نفت چین (China National Petroleum Corporation یا CNPC) یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های نفت و گاز در جهان و بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت در چین است. این شرکت در تاریخ ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۸ تأسیس شد و دفتر مرکزی آن در پکن واقع شده است. CNPC به عنوان یک شرکت دولتی، مسئولیت‌های گسترده‌ای در زمینه اکتشاف، تولید، پالایش و توزیع نفت و گاز را بر عهده دارد. این شرکت همچنین با دارا بودن دارایی‌ها و منافع در بیش از ۳۰ کشور، به عنوان سومین شرکت بزرگ نفتی جهان شناخته می‌شود. در سال ۲۰۱۹، CNPC درآمدی معادل ۳۹۶٫۶۵ میلیارد دلار گزارش کرد و تعداد کارکنان آن به حدود ۱٫۳۴۴ میلیون نفر رسید. CNPC به تولید روزانه حدود ۱۰۰ میلیون تن نفت خام در سال ۲۰۱۹ دست یافته و سهم قابل توجهی از تولید کل نفت چین را به خود اختصاص داده است. این شرکت همچنین در زمینه توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر فعالیت‌هایی انجام داده اما هنوز برنامه مشخصی برای انتقال به کربن کم‌تری ندارد. CNPC با تمرکز بر نوآوری و توسعه فناوری‌های جدید، به دنبال تقویت موقعیت خود در بازار جهانی انرژی و پاسخگویی به نیازهای فزاینده انرژی چین است.

۱۲۹ - شرکت برق دولتی چین (State Grid Corporation of China یا SGCC) در تاریخ ۲۹ دسامبر ۲۰۰۲ تأسیس شد و به عنوان بزرگ‌ترین شرکت برق جهان شناخته می‌شود. این شرکت دولتی با دفتر مرکزی در منطقه شیچنگ پکن، مسئولیت انتقال و توزیع برق در سراسر چین و همچنین در بازارهای بین‌المللی را بر عهده دارد. SGCC شبکه‌ای وسیع را پوشش می‌دهد که شامل بیش از ۲۶ استان، مناطق خودمختار و شهرداری‌ها می‌شود و به میلیون‌ها مشتری خدمات ارائه می‌دهد. این شرکت به منظور ارتقاء شبکه برق، ترویج راه‌حل‌های انرژی پایدار و حمایت از رشد اقتصادی کشور، به ارائه برق ایمن، قابل اعتماد و با کیفیت بالا متعهد است. در سال ۲۰۲۳، SGCC درآمدی معادل ۳۶۳ میلیارد دلار گزارش کرده و با داشتن بیش از ۱٫۷ میلیون کارمند، به تأمین برق برای بیش از ۱٫۱ میلیارد نفر در ۸۸ درصد از سرزمین چین می‌پردازد. این شرکت همچنین در پروژه‌های بین‌المللی سرمایه‌گذاری کرده و دارایی‌هایی در کشورهای مختلف از جمله فیلیپین، برزیل و ایتالیا دارد. SGCC با تمرکز بر نوآوری و توسعه فناوری‌های جدید، به دنبال تقویت زیرساخت‌های انرژی و پیشبرد اهداف کربن‌زدایی چین است تا به عنوان پیشرو در تحول انرژی پاک و کم‌کربن شناخته شود.

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

با شرکت‌های آمریکایی در زمینه انرژی خورشیدی و بادی باعث پیشرفت قابل توجهی در ظرفیت تولید انرژی پاک در چین گردید. این تحولات نشان‌دهنده موفقیت دنگ شیائوپینگ در بازسازی صنایع دولتی و حرکت به سمت یک اقتصاد مبتنی بر بازار است که همچنان تأثیرات آن در اقتصاد چین قابل مشاهده است.

• تشویق به تشکیل شرکت‌های خصوصی و تعاونی.

تشویق به تشکیل شرکت‌های خصوصی و تعاونی یکی از اقدامات مهم دنگ شیائوپینگ در دوران اصلاحات اقتصادی او در اواخر دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ بود. این ابتکار هدفش تنوع‌بخشی به اقتصاد چین و کاهش تسلط شرکت‌های دولتی (SOEs) از طریق اجازه دادن به مالکیت خصوصی و شکوفایی کارآفرینی بود. این اصلاحات پتانسیل شرکت‌های خصوصی را برای تحریک رشد اقتصادی، ایجاد شغل و تشویق نوآوری شناسایی کرد. در نتیجه، بسیاری از شرکت‌های خصوصی و تعاونی شکل گرفتند که به تحول سریع اقتصادی چین کمک کردند. یکی از نمونه‌های بارز یک شرکت خصوصی موفق، شرکت فناوری‌های هوآوی^{۱۳۰} است که در سال ۱۹۸۷ توسط رن ژنگفی تأسیس شد. این شرکت ابتدا به عنوان یک توزیع‌کننده کوچک تجهیزات تبادل تلفن آغاز به کار کرد، اما به سرعت با سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه، عملیات خود را گسترش داد. تمرکز هوآوی بر نوآوری و کیفیت باعث شد تا این شرکت به یکی از ارائه‌دهندگان پیشرو تجهیزات مخابراتی و الکترونیک مصرفی در جهان تبدیل شود. امروزه، هوآوی به خاطر فناوری‌های پیشرفته‌اش در شبکه‌های 5G و گوشی‌های هوشمند شناخته می‌شود و نشان‌دهنده این است که چگونه شرکت‌های خصوصی می‌توانند در سطح جهانی رقابت کنند و به پیشرفت فناوری چین کمک کنند.

علاوه بر شرکت‌های خصوصی، شرکت‌های تعاونی نیز نقش مهمی در توسعه اقتصادی چین ایفا کردند. مثالی از این نوع شرکت‌ها شرکت توسعه ملی کشاورزی چین^{۱۳۱} (CNADC) است که با هدف ترویج تعاونی‌های

۱۳۰ - هوآوی (Huawei Technologies Co., Ltd.) یک شرکت چندملیتی چینی است که در زمینه فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) و تولید دستگاه‌های هوشمند فعالیت می‌کند. این شرکت در سال ۱۹۸۷ توسط رن ژنگفی تأسیس شد و دفتر مرکزی آن در شنژن، چین واقع شده است. هوآوی با بیش از ۲۰۷,۰۰۰ کارمند در بیش از ۱۷۰ کشور و منطقه فعالیت می‌کند و به ارائه راه‌حل‌های جامع در زمینه زیرساخت‌های شبکه، رایانش ابری و دستگاه‌های هوشمند نظیر گوشی‌های هوشمند، لپ‌تاپ‌ها و دستگاه‌های پوشیدنی می‌پردازد. در سال ۲۰۲۳، هوآوی موفق به ثبت درآمدی معادل ۱۰۰ میلیارد دلار شد که نشان‌دهنده رشد قابل توجه این شرکت در بازار جهانی است. هوآوی به عنوان یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان گوشی‌های هوشمند جهان، با سهم بازار ۱۷,۶ درصدی، پس از سامسونگ و اپل قرار دارد. این شرکت همچنین در زمینه تحقیق و توسعه (R&D) سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی انجام داده و در سال ۲۰۲۳ حدود ۲۳,۴ درصد از درآمد خود را به R&D اختصاص داده است. هوآوی با تمرکز بر نوآوری و فناوری‌های پایدار، به دنبال کاهش فاصله دیجیتال و ارائه خدمات بهتر به مشتریان خود است. این شرکت همچنین در تلاش است تا با توسعه فناوری‌های جدید، نقش مهمی در تحول دیجیتال صنایع مختلف ایفا کند.

۱۳۱ - شرکت توسعه کشاورزی ملی چین (China National Agricultural Development Corporation یا CNADC) یک شرکت دولتی است که در سال ۲۰۰۴ به عنوان نتیجه ادغام و بازسازی شرکت‌های مختلف کشاورزی تأسیس شد. این شرکت تحت نظارت کمیسیون نظارت و مدیریت دارایی‌های دولتی شورای دولتی چین فعالیت می‌کند و به عنوان تنها شرکت جامع کشاورزی مرکزی شناخته می‌شود. CNADC به توسعه منابع استراتژیک، تحقیق و توسعه، تولید و توزیع واکسن‌های زیستی، داروهای دامپزشکی و افزودنی‌های خوراکی مشغول است. این شرکت همچنین در زمینه ماهی‌گیری عمیق و تجارت بین‌المللی بذر و بیمه کشاورزی فعالیت می‌کند. CNADC با هدف حمایت از "کشاورزی، مناطق روستایی و کشاورزان" به توسعه صنعتی‌سازی کشاورزی کمک می‌کند و در بیش از ۴۰ کشور و منطقه شعبه یا

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

کشاورزی در سراسر کشور تأسیس شد. با تشویق کشاورزان به تشکیل تعاونی‌ها، CNADC هدفش افزایش بهره‌وری و بهبود سطح زندگی در مناطق روستایی بود. این تعاونی‌ها به کشاورزان این امکان را می‌دادند که منابع خود را جمع‌بندی کنند، دانش را به اشتراک بگذارند و به بازارهای بزرگ‌تر دسترسی پیدا کنند که در نهایت منجر به افزایش درآمد آن‌ها و توسعه روستایی شد. موفقیت تعاونی‌های کشاورزی نشان‌دهنده اهمیت تلاش‌های جمعی در بهبود کارایی کشاورزی و حمایت از اقتصادهای روستایی در چین است.

ظهور هر دو نوع شرکت خصوصی مانند هوآوی و سازمان‌های تعاونی مانند نشان‌دهنده تأثیر تحول‌آفرین اصلاحات دنگ شیائوپینگ بر اقتصاد چین است. با تشویق کارآفرینی و همکاری، این اقدامات نه تنها چشم‌انداز اقتصادی را متنوع کردند بلکه به چین کمک کردند تا به طور مؤثری در اقتصاد جهانی ادغام شود. نتیجه این تحولات رشد بی‌سابقه‌ای بود که میلیون‌ها نفر را از فقر نجات داد و چین را به یک بازیگر مهم در صحنه جهانی تبدیل کرد.

۶. اصلاحات در مالکیت شرکت‌های دولتی (SOEs)

پایگاه‌هایی را تأسیس کرده است. این شرکت به دنبال بهبود ساختار تجاری خود و افزایش رقابت‌پذیری در بازارهای داخلی و بین‌المللی است. CNADC همچنین به توسعه خدمات مکمل برای کسب‌وکارهای اصلی خود مانند تولید دیزل و ساخت بنادر پرداخته و تلاش می‌کند تا با پیروی از برنامه‌های کلان دولت چین، اهداف بلندپروازانه‌ای را در زمینه اصلاحات شرکتی دنبال کند.

۱۳۲ - قبل از اصلاحات دنگ شیائوپینگ در سال ۱۹۷۸، مالکیت و عملکرد شرکت‌های دولتی (SOEs) در چین با یک سیستم اقتصادی متمرکز و برنامه‌ریزی شده مشخص می‌شد. در زیر به نکات کلیدی درباره مالکیت SOEs در آن دوره اشاره می‌شود:

مالکیت متمرکز

کنترل دولتی: تمام شرکت‌های دولتی تحت مالکیت و کنترل دولت بودند. دولت مرکزی، از طریق وزارتخانه‌ها و دولت‌های محلی، کنترل مستقیم بر عملیات، مدیریت و سود این شرکت‌ها داشت. این ساختار یکی از جنبه‌های اساسی مدل اقتصادی سوسیالیستی چین بود.

نقش اقتصادی

تسلط در صنعت: تا سال ۱۹۶۵، شرکت‌های دولتی تقریباً ۹۰٫۱ درصد از تولید ناخالص صنعتی چین را تشکیل می‌دادند. این رقم نشان‌دهنده هدف دستیابی به مالکیت عمومی کامل بر شرکت‌های صنعتی بود که به عنوان نشانه‌ای از موفقیت سوسیالیسم تحت رهبری مائو تسه‌تونگ محسوب می‌شد.

محدودیت خودمختاری: در حالی که SOEs قرار بود در چارچوب یک اقتصاد برنامه‌ریزی شده عمل کنند، اما خودمختاری بسیار محدودی داشتند. تصمیم‌گیری درباره تولید، قیمت‌گذاری و توزیع به طور مرکزی برنامه‌ریزی می‌شد و فضای کمی برای ابتکار فردی یا پاسخگویی به بازار وجود داشت.

چالش‌ها

ناکارآمدی: ساختار rigid و عدم رقابت منجر به ناکارآمدی‌های قابل توجهی در SOEs شد. بسیاری از شرکت‌ها به دلیل شیوه‌های مدیریتی ضعیف و عدم وجود مشوق‌هایی برای افزایش بهره‌وری، با زیان مواجه بودند.

ایستایی: تا اواخر دهه ۱۹۷۰، عملکرد SOEs دچار ایستایی شده بود که نیاز به اصلاحات را مطرح کرد. سیاست‌های اقتصادی تحت رهبری مائو تسه‌تونگ بیشتر بر اهداف ایدئولوژیک تأکید داشتند تا کارایی اقتصادی، که منجر به مشکلات مالی گسترده‌ای در میان شرکت‌های دولتی شد.

گذار به اصلاحات

آغاز اصلاحات: این گذار از اواخر سال ۱۹۷۸ آغاز شد که دنگ شیائوپینگ اصلاحات مبتنی بر بازار را معرفی کرد. این شامل اعطای خودمختاری بیشتر به SOEs و اجازه دادن به آنها برای حفظ بخشی از سودهای خود برای سرمایه‌گذاری مجدد بود که نشان‌دهنده تغییر قابل توجهی از مدل قبلی کنترل سخت دولتی بود. منبع:

<https://clb.org.hk/en/content/reform-state-owned-enterprises-china>

• واگذاری مسئولیت تولید و مدیریت به مدیران کارخانه‌ها.

واگذاری مسئولیت تولید و مدیریت به مدیران کارخانه‌ها یکی از اصلاحات مهمی بود که دنگ شیائوپینگ به عنوان بخشی از استراتژی گسترده‌تر خود برای تحول اقتصادی در چین اجرا کرد. این ابتکار هدفش افزایش بهره‌وری و کارایی در شرکت‌های دولتی (SOEs) بود و به مدیران محلی اجازه می‌داد تا استقلال بیشتری در تصمیم‌گیری‌های مربوط به فرآیندهای تولید، تخصیص منابع و مدیریت مالی داشته باشند. با این تغییر، دولت سعی داشت نوآوری را تحریک کرده و به نیازهای بازار پاسخگوتر باشد. این تغییر نشان‌دهنده انحراف از اقتصاد برنامه‌ریزی مرکزی و سخت‌گیرانه دوران مائو بود و به صنایع این امکان را می‌داد که به شرایط اقتصادی متغیر بهتر سازگار شوند.

یک مثال بارز، واگذاری^۳ شرکت صنعت خودروسازی شانگهای (SAIC) است که یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان خودرو در چین محسوب می‌شود. در دهه ۱۹۸۰، رهبری SAIC کنترل بیشتری بر تصمیمات تولید پیدا کرد که به آن‌ها اجازه می‌داد به سرعت به ترجیحات مصرف‌کنندگان و روندهای بازار پاسخ دهند. این استقلال به SAIC این امکان را داد تا جوینت ونچرهایی با خودروسازان خارجی مانند جنرال موتورز ایجاد کند که منجر به پیشرفت‌های قابل توجهی در فناوری و بهبود فرآیندهای تولید شد. در نتیجه، SAIC نه تنها ظرفیت تولید خود را افزایش داد بلکه کیفیت خودروهای خود را نیز ارتقا داد و به عنوان یک بازیگر رقابتی در بازارهای داخلی و بین‌المللی شناخته شد.

مثال دیگری از این واگذاری، شرکت ملی نفت چین (CNPC) است که در دوران دنگ اصلاحات قابل توجهی را تجربه کرد. واگذاری مالکیت شرکت ملی نفت چین (CNPC) در سال ۱۹۹۸ انجام شد. این تغییر مدیریت و ساختار عملیاتی شرکت، نقطه عطفی در تحولات CNPC بود، زیرا این شرکت از یک نهاد دولتی به یک سازمان با رویکرد بازار محور تبدیل شد که تحت اصلاحات گسترده‌ای که دنگ آغاز کرده بود، قرار گرفت. قبل از این واگذاری، سطح تولید CNPC نسبت به دستاوردهای بعدی آن نسبتاً متوسط بود. در اوایل دهه ۱۹۹۰، CNPC حدود ۱،۵ میلیون بشکه نفت در روز تولید می‌کرد. پس از اصلاحات و بازسازی‌های صورت‌گرفته در سال

ل- پس از واگذاری شرکت صنایع خودروسازی شانگهای (SAIC) در سال ۱۹۹۴ این شرکت رشد قابل توجهی را تجربه کرد. در اوایل دهه ۱۹۹۰، SAIC ظرفیت تولید سالانه‌ای حدود ۳۰۰،۰۰۰ خودرو داشت. این ظرفیت عمده‌تاً با همکاری‌های مشترک با شرکت‌های خارجی، به ویژه فولکس‌واگن و جنرال موتورز، تقویت شد که به SAIC این امکان را داد تا فناوری‌های پیشرفته را ادغام کرده و قابلیت‌های تولید خود را گسترش دهد. تا اوایل دهه ۲۰۰۰، به‌ویژه بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۴، تولید خودرو در SAIC دو برابر شد که نشان‌دهنده افزایش قوی تقاضای داخلی و شراکت‌های استراتژیک بود که مقیاس و کارایی عملیاتی آن را بهبود بخشید. در زمینه آمار تولید، خروجی SAIC تا سال ۲۰۱۰ به حدود ۳،۵۸ میلیون واحد رسید که این شرکت را به بزرگ‌ترین خودروساز چین در آن سال تبدیل کرد. این شرکت همچنان موقعیت رهبری خود را حفظ کرده و در سال ۲۰۲۳ حدود ۵،۰۲۱ میلیون خودرو تولید کرد که نشان‌دهنده افزایش نسبت به سال‌های گذشته است. از نظر مالی، درآمد حاصل از این عملیات نیز پس از واگذاری شاهد افزایش قابل توجهی بود؛ به‌عنوان مثال، فروش خودروهای جدید انرژی SAIC در سال ۲۰۲۳ به رکورد ۱،۱۲۳ میلیون واحد رسید که سهم زیادی در جریان درآمدی آن داشت. به‌طور کلی، تحول از یک بازیگر نسبتاً کوچک به یک نیروی غالب در صنعت خودروسازی نشان می‌دهد که چگونه شراکت‌های استراتژیک و حمایت دولت موجب تسهیل رشد چشمگیر SAIC پس از واگذاری شد. منبع:

<https://www.automotive-iq.com/car-body-and-materials/articles/top-10-car-manufacturers-saic-motor-corporation>

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

۱۹۹۸، ظرفیت تولید CNPC به طور قابل توجهی افزایش یافت. تا سال ۲۰۲۳، تولید این شرکت به حدود ۴,۵ میلیون بشکه در روز رسید که نشان دهنده رشد آن به یکی از بزرگترین شرکت های نفتی جهان است. این تحول نه تنها کارایی عملیاتی CNPC را بهبود بخشید، بلکه آن را به عنوان یک بازیگر کلیدی در بازارهای انرژی داخلی و بین المللی معرفی کرد.

با اعطای آزادی مدیریتی بیشتر به مدیران CNPC، دولت به آن ها اجازه داد تا تصمیمات حیاتی درباره اکتشاف، تولید و استراتژی های سرمایه گذاری اتخاذ کنند. این تغییر موجب تخصیص مؤثرتر منابع شد و CNPC را قادر ساخت تا فناوری های پیشرفته ای را از شرکای بین المللی خود بپذیرد. در نتیجه، CNPC به یکی از بزرگترین شرکت های نفت و گاز در جهان تبدیل شد و خروجی خود را به طرز چشمگیری افزایش داد و عملیات خود را هم در داخل کشور و هم در خارج گسترش داد. توانمندسازی مدیران CNPC نمونه ای از این است که چگونه واگذاری اختیارات می تواند منجر به عملکرد بهتر و رقابت جهانی در صنایع حیاتی شود.

شرکت ملی شیمیایی چین^۴ (ChemChina) نیز نمونه دیگری از موفقیت واگذاری مسئولیت ها تحت اصلاحات دنگ است. با اجازه دادن به مدیریت چم چاینا برای داشتن استقلال بیشتر در فرآیندهای تصمیم گیری، این شرکت توانست خطوط تولید خود را متنوع کرده و وارد بازارهای جدید شود. این انعطاف پذیری به چم چاینا این امکان را داد تا به دنبال خریده ها و مشارکت های استراتژیک با شرکت های خارجی باشد که قابلیت های فناوری و دامنه بازار آن را افزایش داد. برای مثال، خرید چم چاینا از سینجنتا در سال ۲۰۱۷ گام مهمی در استراتژی گسترش جهانی آن بود. توانایی مدیران کارخانه ها در چم چاینا برای اتخاذ تصمیمات مستقل نقش حیاتی در سازگاری با تقاضاهای بازار بین المللی و تشویق نوآوری در صنعت شیمیایی ایفا کرد. به طور کلی، این مثال ها نشان دهنده تأثیر واگذاری مسئولیت های تولید و مدیریت بر تحول صنایع کلیدی در چین هستند که منجر به افزایش کارایی و رقابت پذیری در سطح جهانی شد.

• تبدیل برخی شرکت های دولتی به شرکت های سهامی و خصوصی سازی تدریجی.

تبدیل برخی از شرکت های دولتی به شرکت های سهامی و خصوصی سازی تدریجی یکی از اقدامات مهم دنگ

۱۳۴ - شرکت ملی شیمیایی چین (China National Chemical Corporation یا ChemChina) یکی از بزرگترین شرکت های شیمیایی در چین و جهان است که در سال ۲۰۰۴ تأسیس شد. این شرکت با دفتر مرکزی در پکن، به تولید و فروش مواد شیمیایی پیشرفته، شیمیایی پایه، محصولات کشاورزی، لاستیک و تجهیزات شیمیایی مشغول است. چم چاینا در حال حاضر در بیش از ۱۵۰ کشور فعالیت می کند و دارای بیش از ۱۴۰,۰۰۰ کارمند است. در سال ۲۰۲۳، این شرکت درآمدی معادل ۱۵,۳ میلیارد دلار گزارش کرده است. چم چاینا با دارا بودن ۲۶ مؤسسه تحقیق و طراحی و ۱۱۲ واحد تولیدی، به عنوان یک پیشرو در نوآوری و توسعه فناوری های جدید شناخته می شود. این شرکت همچنین با ثبت نزدیک به ۵,۰۰۰ محصول و بیش از ۶,۰۰۰ علامت تجاری، نقش مهمی در بازار جهانی ایفا می کند. چم چاینا به دنبال کاهش انتشار کربن و حفظ محیط زیست از طریق برنامه های پایداری و مدیریت "صفر آلاینده" است. این شرکت همچنین در زمینه تولید سیلیکون و مواد فلورینی، لاستیک و ماشین آلات شیمیایی رهبری بازار را در اختیار دارد.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

شیائوپینگ در راستای اصلاحات اقتصادی بود. این تغییرات به منظور افزایش کارایی و رقابت‌پذیری شرکت‌های دولتی انجام شد و هدف آن کاهش بار مالی دولت و ایجاد فضایی برای نوآوری و رشد اقتصادی بود. با این اصلاحات، بسیاری از شرکت‌های دولتی به سمت خصوصی‌سازی و تبدیل به شرکت‌های سهامی حرکت کردند که به آن‌ها اجازه می‌دادند تا با جذب سرمایه‌گذاران خصوصی و مدیریت مستقل‌تر، عملکرد خود را بهبود بخشند.

یکی از مثال‌های بارز در این زمینه، **شرکت نساجی شانگهای**^{۱۳۵} است که در دهه ۱۹۹۰ به عنوان بخشی از برنامه‌های اصلاحی دنگ، به یک شرکت سهامی تبدیل شد. این تغییر ساختاری به مدیران این شرکت اجازه داد تا تصمیمات مدیریتی را با توجه به نیازهای بازار اتخاذ کنند و همچنین برای جذب سرمایه‌گذاری‌های خصوصی تلاش کنند. نتیجه این تحولات، افزایش بهره‌وری و کیفیت محصولات نساجی بود که باعث شد این شرکت توانایی رقابت با رقبای بین‌المللی را پیدا کند. تبدیل شدن به یک شرکت سهامی نه تنها موجب افزایش سرمایه‌گذاری در این صنعت شد بلکه به نوآوری و توسعه فناوری‌های جدید نیز کمک کرد.

مثال دیگر، شرکت ملی پتروشیمی چین (سینوپک) در سال ۲۰۰۰ به عنوان یک شرکت سهامی عام واگذار شد.^{۱۳۶} این تغییر ساختاری به سینوپک اجازه داد تا سهام خود را در بازار بورس عرضه کند و سرمایه‌گذاران خصوصی را جذب کند. با ورود سرمایه‌گذاران جدید و افزایش رقابت، سینوپک توانست فرآیندهای تولید خود را بهینه‌سازی کند و بر روی تحقیق و توسعه تمرکز بیشتری داشته باشد. این تحولات باعث شد که سینوپک نه تنها در بازار داخلی بلکه در بازارهای بین‌المللی نیز موفقیت‌هایی کسب کند و به یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های پتروشیمی جهان تبدیل شود. این تغییر نشان‌دهنده انتقال این شرکت از یک بنگاه دولتی به یک شرکت عمومی

۱۳۵ - شرکت بافت و نساجی شانگهای (Shanghai Textile Co.) یکی از شرکت‌های بزرگ و مهم در صنعت نساجی چین است. این شرکت به تولید و صادرات انواع محصولات نساجی، از جمله پارچه‌ها و پوشاک، مشغول است. با توجه به اطلاعات موجود، چندین زیرمجموعه و برند مرتبط با این شرکت وجود دارد که هر کدام در زمینه‌های خاصی فعالیت می‌کنند. شرکت بافت چالش شانگهای (Shanghai Challenge Textile Co., Ltd.) یکی از این زیرمجموعه‌ها است که به طراحی، تحقیق و توسعه، و تولید پارچه‌های عملکردی برای ورزش‌های فضای باز می‌پردازد. این شرکت در سال ۲۰۲۳ موفق به تولید حدود یک میلیارد یوان درآمد شده و محصولات خود را به بازارهای داخلی و خارجی توزیع می‌کند. شرکت نساجی عمومی شانگهای (Shanghai General Textile Co., Ltd.) نیز به تولید محصولات نساجی برای هتل‌ها، از جمله ملحفه‌ها، حوله‌ها و لباس‌های خواب، مشهور است. این شرکت با بیش از ۲۰ سال تجربه در صادرات، همکاری‌های نزدیکی با هتل‌های بین‌المللی معروف دارد. این شرکت‌ها نشان‌دهنده تنوع و قدرت صنعت نساجی در شانگهای و چین هستند که به عنوان یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان نساجی در جهان شناخته می‌شوند.

۱۳۶ - شرکت ملی پتروشیمی چین (Sinopec) در سال ۲۰۲۲ به تولید و فروش قابل توجهی دست یافت. این شرکت درآمد کل خود را ۳,۴ **تریلیون یوان** (تقریباً ۵۰۰ میلیارد دلار) گزارش کرد، با سود قبل از مالیات به مبلغ ۲۶۶,۸۷ **میلیارد یوان** و سود خالص ۱۸۰,۳۶ **میلیارد یوان**. این نتایج نشان‌دهنده عملکرد قوی سینوپک در بخش نفت و گاز و همچنین تعهد مستمر آن به امنیت انرژی و ثبات اقتصادی در چین است. در زمینه تولید، تولید داخلی نفت خام سینوپک به ۱۰۵ **میلیون تن** رسید، در حالی که تولید گاز طبیعی به ۱۴۵,۵ **میلیارد متر مکعب** (BCM) رسید که یک رکورد جدید در معادل بشکه نفت (BOE) محسوب می‌شود. این شرکت همچنین ۷,۴۱۹ **میلیون تن** اتیلن تولید کرد که افزایش ۱۰,۵ **درصدی** نسبت به سال قبل را نشان می‌دهد. علاوه بر این، فروش محصولات پلاستیک شده در داخل کشور به ۱۰۴,۲۳ **میلیون تن** رسید که سهم بازار ثابتی را حفظ کرد.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

بود که امکان بهره‌وری بیشتر و مشارکت در بازار را فراهم کرد. قبل از واگذاری، ظرفیت تولید سینوپک عمدتاً بر روی پالایش متمرکز بود و در اواخر دهه ۱۹۹۰، تولید آن حدود ۶۰ میلیون تن نفت خام در سال بود. پس از واگذاری و بازسازی‌های بعدی، سینوپک عملیات خود را به‌طور قابل توجهی گسترش داد. تا سال ۲۰۲۳، تولید این شرکت به حدود ۸۰ میلیون تن نفت خام در سال رسید که نشان‌دهنده رشد آن به یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های نفتی و پتروشیمی جهان است. این تحول نه تنها قابلیت‌های تولید سینوپک را بهبود بخشید، بلکه آن را به عنوان یک بازیگر کلیدی در بازارهای داخلی و بین‌المللی معرفی کرد.

مثال دیگر: شرکت هواپیمایی چین (Air China) نیز نمونه‌ای از خصوصی‌سازی تدریجی است که هرچند در زمان دنگ نبود، اما در راستای اصلاحات وی انجام شد. با تبدیل ایرچاینا به یک شرکت سهامی در اوایل دهه ۲۰۰۰، این شرکت توانست سرمایه‌گذاری‌های خارجی را جذب کند و خدمات خود را گسترش دهد. این تغییر ساختاری موجب افزایش کیفیت خدمات و ارتقاء ناوگان هوایی شد که در نهایت باعث افزایش تعداد مسافران و درآمدهای شرکت گردید. خصوصی‌سازی ایرچاینا نه تنها باعث افزایش کارایی عملیاتی آن شد بلکه به آن اجازه داد تا با رقبای بین‌المللی خود رقابت کند. این مثال‌ها نشان‌دهنده تأثیر مثبت تبدیل شرکت‌های دولتی به شرکت‌های سهامی بر رشد اقتصادی چین است.

واگذاری شرکت هواپیمایی چین (Air China)، به‌ویژه در مورد واحد باربری آن، در سال ۲۰۲۱ انجام شد. این اقدام بخشی از تلاش‌های گسترده‌تر برای بهینه‌سازی عملیات و تمرکز بر خدمات اصلی مسافری بود. قبل از واگذاری، شرکت هواپیمایی چین در سال ۲۰۱۷ حدود ۱۰۲ میلیون مسافر در سال را جابجا کرد و درآمد آن به حدود ۱۰۰ میلیارد یوان (تقریباً ۱۵,۴ میلیارد دلار آمریکا) رسید. پس از واگذاری، هرچند که آمار خاصی درباره ترافیک مسافری در سال‌های بعدی ارائه نشده است، اما ایرچاینا همچنان به گسترش عملیات خود ادامه داد و تا سال ۲۰۲۳ یکی از بزرگ‌ترین خطوط هوایی چین باقی ماند. ارقام درآمد پس از واگذاری تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله شرایط بازار و تأثیرات ناشی از پاندمی COVID-19 نوسان داشت؛ با این حال، این شرکت به دنبال بهبود و افزایش ترافیک مسافری و درآمد خود در سال‌های آینده بود.

۷. تشویق به تولید صادراتمحور

۱۳۷- شرکت هواپیمایی چین (Air China) که به عنوان پرچمدار کشور چین شناخته می‌شود، در سال ۱۹۸۸ تأسیس شد و دفتر مرکزی آن در منطقه شون‌یی پکن واقع شده است. این شرکت یکی از بزرگ‌ترین خطوط هوایی در چین است و به ارائه خدمات پروازهای داخلی و بین‌المللی به مقاصد مختلف در چین و سراسر جهان می‌پردازد. در سال ۲۰۲۳، هواپیمایی چین حدود ۱۲۵,۴ میلیون مسافر را جابجا کرد و همچنین ۱,۱ میلیون تن بار و پست را حمل نمود. درآمد خالص این شرکت عمدتاً از خدمات حمل و نقل هوایی (حدود ۹۶,۹۸ درصد) تأمین می‌شود، در حالی که بخش‌های دیگر شامل خدمات نگهداری، خدمات پذیرایی و مدیریت هتل‌ها تنها حدود ۳,۱ درصد از درآمد را تشکیل می‌دهند. در پایان سال ۲۰۲۳، این شرکت دارای ناوگانی متشکل از ۹۰۵ فروند هواپیما بود و تقریباً ۷۴,۶ درصد از درآمد خالص آن از بازار چین حاصل می‌شود. تعداد کارکنان هواپیمایی چین بالغ بر ۱۰۲,۸۷۴ نفر است، که نشان‌دهنده مقیاس بزرگ عملیات این شرکت در صنعت هوانوردی است.

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

اصلاحات اقتصادی دنگ شیاپینگ در چین که از اواخر دهه ۱۹۷۰ آغاز شد، بر تولید صادرات محور به عنوان یک استراتژی کلیدی برای رشد اقتصادی تأکید داشت. با اولویت دادن به صنایع مانند الکترونیک و نساجی، دولت قصد داشت از نیروی کار فراوان و هزینه‌های پایین تولید در چین بهره‌برداری کند تا حضور خود را در بازارهای جهانی تقویت کند. تأسیس مناطق اقتصادی ویژه (SEZ) نقش مهمی در این استراتژی ایفا کرد، زیرا این مناطق اجازه سرمایه‌گذاری خارجی و انتقال فناوری را فراهم می‌کردند و محیطی مناسب برای تولید و صادرات ایجاد می‌نمودند. این رویکرد نه تنها موجب رشد اقتصادی شد بلکه با ایجاد شغل و افزایش درآمدها، به کاهش ناآرامی‌های اجتماعی کمک کرد.

تمرکز بر صنایع صادراتی به چند دلیل اهمیت داشت. اولاً، این امر به چین اجازه داد تا به اقتصاد جهانی وارد شود و از یک اقتصاد بسته به یک اقتصاد رقابتی در سطح بین‌المللی تبدیل شود. اصلاحات منجر به افزایش چشمگیر صادرات، به ویژه در بخش‌های نیروی کار-محور مانند نساجی و پوشاک شد که به عنوان یک محور استراتژی توسعه اقتصادی چین شناخته می‌شد. علاوه بر این، با کاهش تعرفه‌ها و حذف موانع تجاری، دولت محیطی مطلوب برای کسب و کارهای صادرات محور فراهم کرد که نقش چین را به عنوان یک بازیگر اصلی در تجارت جهانی تقویت کرد.^{۱۳۸}

• ارائه مشوق‌های مالیاتی به شرکت‌هایی که در بازارهای جهانی رقابت می‌کردند.

دنگ شیاپینگ در راستای اصلاحات اقتصادی خود، به منظور تشویق تولید صادرات محور، به ارائه مشوق‌های مالیاتی به شرکت‌هایی که در بازارهای جهانی رقابت می‌کردند، اهمیت زیادی داد. این مشوق‌ها شامل کاهش نرخ مالیات بر درآمد و معافیت‌های مالیاتی برای شرکت‌های خارجی و داخلی بود که در مناطق اقتصادی ویژه (SEZ) فعالیت می‌کردند. این سیاست‌ها به جذب سرمایه‌گذاری خارجی کمک کرد و شرایط مناسبی را برای توسعه صنایع صادراتی فراهم آورد. به ویژه، شرکت‌هایی که حداقل ۷۰ درصد از تولیدات سالانه خود را صادر می‌کردند، از تخفیف‌های مالیاتی بیشتری بهره‌مند شدند، که این امر موجب افزایش انگیزه برای تولید و صادرات کالاها شد.

این سیاست‌های مالیاتی نه تنها به جذب سرمایه‌گذاری خارجی کمک کرد، بلکه به تقویت صنایع داخلی نیز منجر شد. با کاهش تعرفه‌ها و معافیت‌های مالیاتی برای واردات تجهیزات و فناوری، شرکت‌ها توانستند با هزینه‌های کمتری به تولید بپردازند و در نتیجه توانایی رقابت در بازارهای جهانی را افزایش دهند. این رویکرد نه تنها به رشد سریع اقتصادی چین کمک کرد بلکه زمینه‌ساز تبدیل این کشور به یکی از بزرگ‌ترین صادرکنندگان جهان شد.

۸. مدرن‌سازی فناوری و ماشین‌آلات

دنگ شیاپینگ به عنوان بخشی از طرح چهار نوسازی، اقدامات و برنامه‌های متعددی را برای نوسازی فناوری و ماشین‌آلات در چین اجرا کرد. علم و فناوری به یکی از مهم‌ترین اهداف اقتصادی دولت تبدیل شد و از سه نوسازی

^{۱۳۸} - "اصلاحات اقتصادی دنگ شیاپینگ و توسعه صادرات"

<https://study.com/learn/lesson/deng-xiaoping-chinese-economic-reform.html>

^{۱۳۹} - "مشوق‌های مالیاتی در چین و تأثیر آن بر سرمایه‌گذاری خارجی"

<https://www.elibrary.imf.org/display/book/9781589061781/ch005.xml>

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

دیگر (کشاورزی، صنعت و ارتش) پشتیبانی کرد. برای نوسازی فناوری و ماشین‌آلات، دنگ اقداماتی به شرح زیر را انجام داد که تا حدودی به شرح هر یک از این اقدامات پرداخته شد.

سیاست درهای باز: دنگ از طریق سیاست درهای باز، چین را به روی غرب باز کرد و از سرمایه‌گذاری خارجی در توسعه صنعتی چین دعوت کرد. مناطق ویژه اقتصادی برای جذب شرکت‌های خارجی با هزینه‌های پایین نیروی کار و مالیات ایجاد شد که به شرح و تفصیل به آن پرداخته شد.

آموزش و پژوهش: کالج‌ها و دانشگاه‌ها بازگشایی و گسترش یافتند و مراکز تحقیقاتی دوباره تاسیس شدند. دانشجویان چینی برای مطالعه تکنیک‌های علمی غربی به خارج از کشور فرستاده شدند.

انتقال فناوری: تولیدکنندگان خارجی که در چین فعالیت می‌کنند، ملزم به انتقال فناوری‌های ضروری به شرکای محلی بودند.

سرمایه‌گذاری در صنایع با فناوری پیشرفته: دولت از صنایع با فناوری پیشرفته، از جمله فناوری اطلاعات، حمایت کرد. شورای دولتی سیاست‌هایی را برای تشویق توسعه صنایع نرم‌افزار و مدار مجتمع صادر کرد.

تمرکز بر تحقیق و توسعه: دولت منابعی را به پروژه‌های تحقیقاتی ملی و پروژه‌های توسعه با فناوری پیشرفته اختصاص داد و زیرساخت‌های صنعتی و قابلیت‌های تحقیق و توسعه را ایجاد کرد.

برنامه ۸۶۳: دنگ شیائوپینگ شخصاً برنامه ملی تحقیق و توسعه با فناوری پیشرفته، معروف به برنامه ۸۶۳ را تأیید کرد.

۱۴۰- برنامه ۸۶۳، که رسماً با نام طرح توسعه فناوری پیشرفته دولتی شناخته می‌شود، یک ابتکار دولتی چین بود که در مارس ۱۹۸۶ برای پیشبرد نوآوری و توسعه فناوری در زمینه‌های کلیدی آغاز شد. این برنامه که به دلیل تاریخ تأسیس آن (مارس ۱۹۸۶) نام گذاری شده است، هدف برنامه این بود که چین را از تعهدات مالی برای فناوری‌های خارجی مستقل کند.

منشاء و الهام برنامه ۸۶۳ از ابتکار دفاع استراتژیک ("پروژه جنگ ستارگان") که توسط رئیس جمهور ایالات متحده، رونالد ریگان در سال ۱۹۸۳ پیشنهاد شده بود، الهام گرفته شد. چهار دانشمند چینی، وانگ داهنگ، وانگ گانچانگ، یانگ جیاچی و چن فانگیون، در مارس ۱۹۸۶ به دنگ شیائوپینگ نامه نوشتند و پیشنهاد کردند که چین برای ردیابی توسعه فناوری‌های پیشرفته در جهان نیاز به اقدامات متقابل دارد. دنگ شیائوپینگ این برنامه را ظرف دو روز تأیید کرد و نیاز فوری چین به "رسیدن به -catch up" سطح بین‌المللی در فناوری را تشخیص داد. جزئیات برنامه بودجه: دولت در سال ۱۹۸۶، ۱۰ میلیارد یوان (۱.۲ میلیارد دلار آمریکا) به این برنامه اختصاص داد که ۵٪ از کل هزینه‌های دولت در آن سال را تشکیل می‌داد. بیش از ۶۹۰۰ پروژه با فناوری پیشرفته توسط بودجه‌های دولتی حمایت شدند که در مجموع ۱۵ میلیارد یوان (۱.۸ میلیارد دلار آمریکا) بود.

تمرکز اولیه: این برنامه در ابتدا بر هفت زمینه فناوری کلیدی متمرکز بود: ۱- بیوتکنولوژی، ۲- فضا، ۳- فناوری اطلاعات، ۴- فناوری لیزر، ۵- اتوماسیون، ۶- انرژی، ۷- مواد جدید

گسترش: مخبرات (۱۹۹۲) و فناوری دریایی (۱۹۹۶) بعداً اضافه شدند.

اهداف: اهداف استراتژیک برنامه ۸۶۳ شامل موارد زیر بود:

۱. ردیابی سطوح بین‌المللی در زمینه‌های مهم برای کاهش شکاف بین چین و کشورهای خارجی.
۲. تلاش برای دستیابی به پیشرفت در زمینه‌هایی که چین در آن برتری دارد تا شرایطی را برای توسعه اقتصادی و دفاع ملی ایجاد کند.
۳. تربیت نسل جدیدی از استعدادهای علمی و فناوری سطح بالا.
۴. ترویج توسعه علم و فناوری در زمینه‌های مرتبط از طریق اثر "پوششی تابشی".

۹. افزایش واردات ماشین‌آلات و فناوری‌های مدرن برای افزایش بهره‌وری و کیفیت تولید.

دنگ شیاپینگ در برنامه‌های اصلاحات خود بر مدرنیزاسیون فناوری و ماشین‌آلات تأکید زیادی داشت و به اهمیت افزایش واردات ماشین‌آلات و فناوری‌های مدرن برای ارتقای بهره‌وری و کیفیت تولید در چین پی برد. با باز کردن اقتصاد و تشویق سرمایه‌گذاری خارجی، دنگ هدف داشت تا دسترسی به فناوری‌های پیشرفته را تسهیل کند که می‌توانستند چشم‌انداز صنعتی چین را متحول کنند. دولت سیاست‌هایی را اجرا کرد که تعرفه‌های واردات ماشین‌آلات را کاهش می‌داد و مشوق‌هایی برای شرکت‌های داخلی فراهم می‌آورد تا تجهیزات مدرن را خریداری کنند. این ورود فناوری‌های پیشرفته نه تنها فرآیندهای تولید را بهبود بخشید بلکه به صنایع چینی این امکان را داد که کالاهای با کیفیت بالاتری تولید کنند که بتوانند در بازار جهانی رقابت کنند و در نهایت منجر به افزایش صادرات و رشد اقتصادی شد.

علاوه بر این، تلاش‌های مدرنیزاسیون بخشی از استراتژی جامع‌تری به نام "چهار مدرنیزاسیون" بود که شامل کشاورزی، صنعت، علم و فناوری و دفاع ملی می‌باشد که با جزئیات کامل به مدرن سازی های دیگر در مباحث جلوتر خواهیم پرداخت. با اولویت دادن به کسب فناوری‌های خارجی، دنگ قصد داشت شکاف بین چین و کشورهای توسعه‌یافته‌تر را پر کند. این شامل ارسال دانشجویان چینی به خارج برای یادگیری تکنیک‌های علمی پیشرفته و دعوت از کارشناسان خارجی برای کمک به انتقال فناوری بود. بنابراین، تأکید بر ماشین‌آلات و فناوری‌های مدرن به یک سنگ بنای اصلاحات اقتصادی چین تبدیل شد که زمینه‌ساز تغییر از روش‌های سنتی به شیوه‌های کارآمدتر و تولیدی شد و پایه‌گذار صعود سریع اقتصادی چین در دهه‌های بعدی گردید.

۱۰. تقویت همکاری‌های علمی و صنعتی با کشورهای غربی و ژاپن.

دنگ شیاپینگ در راستای برنامه‌های اصلاحات خود، به تقویت همکاری‌های علمی و صنعتی با کشورهای غربی و ژاپن اهمیت ویژه‌ای داد. این همکاری‌ها به‌ویژه در زمینه انتقال فناوری و دانش فنی، نقش کلیدی در مدرنیزاسیون صنایع چین ایفا کرد. با توجه به نیاز فوری چین به فناوری‌های پیشرفته، دنگ تصمیم گرفت تا از تجارب و

اجرا: برنامه ۸۶۳ در دوره برنامه پنج ساله نهم در دو سطح اجرا شد. یک سطح مستقیماً به اهداف توسعه اقتصادی و اجتماعی ملی برای سال ۲۰۰۰ با ترویج علم و فناوری در کشاورزی، اصلاح صنایع سنتی و ترویج صنعتی شدن فناوری‌های پیشرفته کمک کرد. سطح دیگر با هدف دستیابی به پیشرفت در فناوری‌های کلیدی، ترویج تبدیل دستاوردهای تحقیقاتی به نیروهای مولد و دستیابی به اهداف استراتژیک در هر زمینه بود.

مدیریت: پروژه‌های مهم بیش از ۵۰٪ از بودجه را دریافت می‌کردند، با شدت سرمایه‌گذاری سرانه سالانه بیش از ۷۵۰۰۰ تا ۱۰۰ هزار یوان. تاثیر و ارزیابی مجدد پس از اجرای آن در طول برنامه پنج ساله هفتم، این برنامه از طریق دو برنامه پنج ساله بعدی ادامه یافت، با تأمین مالی دولتی حدود ۱۱ میلیارد یوان و خروجی حدود ۲۰۰۰ پتنت. در سال ۲۰۰۱، تحت برنامه پنج ساله دهم، این برنامه با کارشناسان خارجی مورد ارزیابی مجدد قرار گرفت و منجر به گسترش تمرکز برای تقویت رقابت‌پذیری چین در اقتصاد جهانی شد. عمل ارزیابی به عنوان یک سیستم مدیریت پروژه در این برنامه گنجانده شده است. تحولات بعدی برنامه ۸۶۳ در سال ۲۰۱۶ به همراه برنامه ۹۷۳ در "برنامه ملی تحقیق و توسعه کلیدی" جذب شد.

۱۴۱- "مدرنیزاسیون فناوری و ماشین‌آلات در چین"

<https://yris.yira.org/essays/science-and-technology-in-modern-china-a-historical-and-strategic-perspective-on-state-power/>

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

تکنولوژی‌های کشورهای صنعتی بهره‌برداری کند. این امر شامل جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و دعوت از کارشناسان بین‌المللی برای کمک به توسعه صنایع داخلی بود. این همکاری‌ها نه تنها به ارتقای کیفیت تولید و افزایش بهره‌وری کمک کرد، بلکه زمینه‌ساز ایجاد شبکه‌های صنعتی و علمی جدید در چین شد که می‌توانستند در سطح جهانی رقابت کنند.

علاوه بر این، دنگ با ارسال دانشجویان چینی به خارج از کشور برای یادگیری تکنیک‌های علمی و فناوری‌های نوین، سعی در تقویت پایه‌های علمی کشور داشت. این اقدام به چین کمک کرد تا از دانش و تجربیات کشورهای پیشرفته بهره‌مند شود و به تدریج توانایی خود را در زمینه تحقیق و توسعه افزایش دهد. نتیجه این تلاش‌ها نه تنها به رشد سریع اقتصادی چین منجر شد، بلکه پایه‌گذار تبدیل این کشور به یکی از قدرت‌های صنعتی و اقتصادی بزرگ جهان گردید.^{۱۴۲}

آثار اصلاحات در تولیدات صنعتی

این اصلاحات باعث جهشی بزرگ در تولیدات صنعتی چین شد. تولیدات صنعتی در دسته‌بندی‌های عمده به شکل قابل توجهی رشد کرد.

صنایع سنگین و معدنی (معدن‌کاری و تولیدات سنگین)

- فولاد: تولید فولاد از ۳۴ میلیون تن در ۱۹۷۸ به ۶۶ میلیون تن در ۱۹۹۰ افزایش یافت.^{۱۴۳}
- زغال‌سنگ: تولید زغال‌سنگ از ۶۱۷ میلیون تن در ۱۹۷۸ به ۱,۱ میلیارد تن در ۱۹۹۰ رسید.^{۱۴۴}
- ماشین‌آلات صنعتی: تولید تجهیزات صنعتی، از جمله توربین‌ها و جرثقیل‌ها، رشد ۲۵۰ درصدی داشت.

صنایع سبک و مصرفی (تولید محصولات مصرفی)

- نساجی: تولید پارچه از ۱۰ میلیارد متر مربع در ۱۹۷۸ به ۲۲ میلیارد متر مربع در ۱۹۹۰ رسید.^{۱۴۵}
- پوشاک: صادرات پوشاک در این دوره بیش از ۵ برابر شد.
- لوازم خانگی: تولید یخچال، تلویزیون، و ماشین لباس‌شویی به بیش از ۱۵ میلیون دستگاه در سال رسید.

۱۴۲ - "تقویت همکاری‌های علمی و صنعتی با کشورهای غربی"

<https://study.com/academy/lesson/deng-xiaoping-and-the-four-modernizations.html>

۱۴۳ - پیش‌بینی می‌شود تولید فولاد خام چین در سال ۲۰۲۴ به حدود ۱,۰۱۹ میلیارد تن برسد که با تولید سال گذشته مطابقت دارد. در ده ماه اول سال ۲۰۲۴، تولید فولاد تقریباً ۸۵۱ میلیون تن بوده که نشان‌دهنده کاهش ۳ درصدی نسبت به مدت مشابه در سال ۲۰۲۳ است. با این حال، در ماه اکتبر ۲۰۲۴، تولید فولاد به ۸۲ میلیون تن رسید که افزایش ۶,۲ درصدی نسبت به ماه قبل و ۲,۹ درصدی نسبت به اکتبر ۲۰۲۳ را نشان می‌دهد.

۱۴۴ - در سال ۲۰۲۴، پیش‌بینی می‌شود تولید زغال‌سنگ چین به حدود ۴,۶۸ میلیارد تن برسد که نشان‌دهنده افزایش اندکی حدود ۰,۵ درصد نسبت به رکورد سال گذشته با تولید ۴,۶۶ میلیارد تن است. در ده ماه اول سال ۲۰۲۴، چین تقریباً ۳,۸۹ میلیارد تن زغال‌سنگ تولید کرده است که این رقم نمایانگر افزایش ۱,۲ درصدی نسبت به سال گذشته می‌باشد.

۱۴۵ - در سال ۲۰۲۴، تولید پارچه در چین به حدود ۱۵,۸۷ میلیارد متر رسید که نشان‌دهنده افزایش ۲,۱ درصدی نسبت به سال گذشته است. این آمار بیانگر ادامه قدرت صنعت نساجی چین و تمرکز این کشور بر صادرات پارچه به بازارهای جهانی است.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

صنایع شیمیایی (تولیدات شیمیایی و پتروشیمی)

- کودهای شیمیایی: تولید کودهای شیمیایی از ۸ میلیون تن در ۱۹۷۸ به ۱۷ میلیون تن در ۱۹۹۰ افزایش یافت.

- محصولات پتروشیمی: تولید مواد پلاستیکی و لاستیکی رشد سالانه بیش از ۱۲٪ داشت.

صنایع الکترونیکی (تجهیزات الکترونیکی و دیجیتال)

- تولید قطعات الکترونیکی:

✓ چین در دهه ۱۹۸۰ به بزرگ‌ترین تولیدکننده تلویزیون‌های رنگی و وسایل الکترونیکی تبدیل شد.

✓ صادرات قطعات الکترونیکی به بیش از ۶ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۰ رسید.^{۱۴۶}

- کامپیوتر: چین در این دوره تولید رایانه‌های اولیه را آغاز کرد و صادرات آن به کشورهای آسیایی گسترش یافت.^{۱۴۷}

مقایسه عملکرد صنعتی قبل و بعد از اصلاحات

شاخص صنعتی	۱۹۷۸ (قبل از اصلاحات)	۱۹۹۰ (بعد از اصلاحات)
تولید فولاد (میلیون تن)	۳۴	۶۶
تولید زغال سنگ (میلیون تن)	۶۱۷	۱,۱۰۰
تولید پارچه (میلیارد متر)	۱۰	۲۲
تولید کود شیمیایی (میلیون تن)	۸	۱۷
صادرات صنعتی (میلیارد دلار)	۱۰	۶۲

اصلاحات صنعتی دنگ شیائوپینگ، با تغییر سیاست‌های سنتی و متمرکز به سیستم بازار محور، باعث تحولی عمیق در صنعت چین شد.

۱۴۶ - در سال ۲۰۲۴، پیش‌بینی می‌شود صادرات قطعات الکترونیکی چین به حدود ۸۹۶,۴ میلیارد دلار برسد. این رقم شامل دسته‌های مختلفی از بخش الکترونیک، از جمله مدارهای یکپارچه، تلفن‌های همراه و سایر تجهیزات الکترونیکی است. صادرات مدارهای یکپارچه به تنهایی انتظار می‌رود حدود ۱۷۷,۷ میلیارد دلار باشد، در حالی که صادرات تلفن‌های همراه تخمین زده می‌شود به ۱۶۲,۹ میلیارد دلار و صادرات گوشی‌های هوشمند به ۱۲۵,۵ میلیارد دلار برسد. این اعداد نشان‌دهنده نقش قابل توجه چین در بازار جهانی الکترونیک و قدرت مستمر این کشور در تولیدات فناوری پیشرفته است. منبع:

<https://www.china-briefing.com/news/chinas-export-surge-a-closer-look-at-h2024-1-trade-expansion/>

۱۴۷ - در سال ۲۰۲۴، پیش‌بینی می‌شود تولید رایانه‌های شخصی در چین به حدود ۳۳۸,۶ میلیون دستگاه برسد. این رقم نشان‌دهنده کاهش جزئی در تولید نسبت به سال‌های گذشته است، زیرا بازار با چالش‌هایی مانند کاهش تقاضا و تنظیمات اقتصادی مواجه شده است. منبع:

<https://www.statista.com/statistics/1150918/china-monthly-production-of-finished-computers/>

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

- صنایع سبک و مصرفی به رشد صادرات و افزایش درآمد ارزی کمک کردند.

دنگ شیائوپینگ با اصلاحات اقتصادی خود، تحول عمیقی در چشم‌انداز صنعتی چین ایجاد کرد، به‌ویژه از طریق توسعه صنایع سبک و مصرفی. یکی از نمونه‌های بارز این تغییرات، **صنعت کفش** است که به‌عنوان یکی از ارکان اصلی اقتصاد صادراتی چین شناخته می‌شود. پیش از این اصلاحات، صادرات کفش چین محدود بود و در اواخر دهه ۱۹۷۰ حدود ۱٫۵ میلیارد دلار درآمدزایی داشت. اما پس از اجرای سیاست‌های مبتنی بر بازار و حمایت از صنایع سبک و مصرفی و ایجاد مناطق اقتصادی ویژه (SEZ)، این بخش شاهد رشد چشمگیری بود. تا سال ۲۰۲۴، صادرات کفش به بیش از ۴۲٫۱ میلیارد دلار افزایش یافت و چین را به بزرگ‌ترین صادرکننده کفش در جهان تبدیل کرد. این تحول نه تنها درآمدهای ارزی را افزایش داد بلکه میلیون‌ها شغل ایجاد کرد و به شهرنشینی و ثبات اقتصادی کمک کرد.^{۱۴۸}

یکی دیگر از دسته‌های مهم، **صنعت الکترونیک** است که نقش حیاتی در استراتژی صادرات چین ایفا کرده است. در اوایل دهه ۱۹۸۰، محصولات الکترونیکی تنها درصد کمی از کل صادرات چین را تشکیل می‌دادند و درآمد آن‌ها حدود ۱ میلیارد دلار بود. اصلاحات اقتصادی موجب جذب سرمایه‌گذاری خارجی و انتقال فناوری شد و به تأسیس شرکت‌های متعدد تولید الکترونیک در مناطق اقتصادی ویژه منجر گردید. تا سال ۲۰۰۰، این بخش به بیش از ۳۰ میلیارد دلار درآمد صادراتی دست یافت و در پایان سال ۲۰۲۴ این میزان به رقم شگفت‌انگیز ۴۰۰ میلیارد دلار رسیده است. پیشرفت سریع در صنعت الکترونیک نه تنها درآمدهای ارزی را افزایش داد بلکه چین را به عنوان یک رهبر جهانی در فناوری و نوآوری معرفی کرد و آن را بیشتر در زنجیره تأمین جهانی ادغام نمود. در نهایت، **بخش کالاهای مصرفی**، به‌ویژه لوازم خانگی، نمونه دیگری از موفقیت‌های ناشی از اصلاحات دنگ شیائوپینگ است. در اوایل دهه ۱۹۷۰، صادرات این دسته تقریباً ناچیز بود و تخمین آن حدود ۵۰۰ میلیون دلار درآمد بوده است. تغییر به سمت یک اقتصاد مبتنی بر بازار امکان رقابت و نوآوری بیشتری را در این صنعت فراهم کرد. صادرات لوازم خانگی در سال ۲۰۰۰ به میزان ۴ برابر افزایش یافت و به رقم ۲ میلیارد دلار رسید و در سال ۲۰۲۴، صادرات لوازم خانگی به حدود ۳۰ میلیارد دلار رسید. این رشد نه تنها نشان‌دهنده افزایش درآمدهای ارزی بود بلکه استانداردهای زندگی مصرف‌کنندگان چینی را نیز بهبود بخشید، زیرا تولید داخلی برای پاسخگویی به نیازهای محلی و بین‌المللی گسترش یافت. این مثال‌ها نشان می‌دهند که چگونه اصلاحات دنگ شیائوپینگ صنایع سبک و مصرفی را به اجزای حیاتی اقتصاد صادراتی چین تبدیل کرده است.

- صنایع سنگین، با بهره‌گیری از فناوری‌های مدرن، رشد اقتصادی پایدار را تضمین کردند.

۱۴۸ - یک وب سایت معتبر برای اطلاعات مربوط به تولید و صادرات کفش در کشورهای مختلف جهان، World Population Review است. این وب‌سایت <https://worldpopulationreview.com/country-rankings/shoe-production-by-country> آمار دقیقی درباره تولید کفش در کشورهای مختلف ارائه می‌دهد و می‌تواند به شما در درک وضعیت جهانی این صنعت کمک کند. همچنین، RunRepeat نیز منبع خوبی <https://runrepeat.com/footwear-production-statistics> برای آمار تولید کفش و روندهای صادراتی است. این سایت اطلاعات مفصلی درباره تولید جهانی کفش، کشورهای پیشرو در این زمینه و آمارهای صادراتی ارائه می‌دهد.

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

اصلاحات صنعتی دنگ شیائوپینگ تغییرات قابل توجهی در صنایع سنگین چین ایجاد کرد و بر استفاده از فناوری‌های مدرن برای تضمین رشد اقتصادی پایدار تأکید داشت. در ذیل به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

صنعت فولاد: صنعت فولاد، صنعتی که در این دوره به‌طور چشمگیری مدرن شد. با ادغام فناوری‌های پیشرفته مانند کوره‌های قوس الکتریکی (EAF) و فرآیندهای ریخته‌گری پیوسته، تولیدکنندگان فولاد چینی توانستند کارایی تولید را افزایش دهند و مصرف انرژی را کاهش دهند. معرفی فناوری EAF امکان بازیافت ضایعات فلزی را فراهم کرد و به‌طور قابل توجهی اثر کربنی مرتبط با تولید فولاد را کاهش داد. در نتیجه، صنعت فولاد نه تنها تولید خود را افزایش داد بلکه با تطابق با استانداردهای زیست‌محیطی، به رشد اقتصادی پایدار کمک کرد و نیازهای فزاینده داخلی و بین‌المللی به محصولات فولادی را تأمین نمود.

قبل از استفاده از فناوری‌های پیشرفته مانند کوره‌های قوس الکتریکی^{۴۹} (EAF) و فرآیندهای ریخته‌گری پیوسته، تولید فولاد در چین به‌طور قابل توجهی محدود بود. در سال ۱۹۷۸، تولید فولاد خام چین حدود ۳۱,۷۸ میلیون تن بود. با اجرای اصلاحات اقتصادی و تغییر به سمت فناوری‌های مدرن، صنعت فولاد چین به سرعت رشد کرد. تا سال ۲۰۰۰، تولید فولاد خام به ۱۲۸,۵ میلیون تن رسید که نشان‌دهنده افزایش ۴ برابری در این دوره بود. در سال ۲۰۲۴، پیش‌بینی می‌شود که تولید فولاد چین به حدود ۱ میلیارد تن برسد. این افزایش قابل توجه در تولید ناشی از ادغام فناوری‌های مدرن و سرمایه‌گذاری‌های کلان در زیرساخت‌ها و کارخانه‌های جدید است. با توجه به اینکه چین اکنون **بزرگ‌ترین تولیدکننده فولاد** در جهان است، این رشد نه تنها به تأمین نیازهای داخلی کمک کرده بلکه صادرات این کشور را نیز تقویت کرده است. در سال ۲۰۲۴، صادرات فولاد چین به حدود **۱۱۱ میلیون تن** پیش‌بینی شده است (که معادل ۷۶۱ دلار به ازای هر تن دلار) معادل ۸۴,۵ میلیارد دلار، این میزان نشان‌دهنده افزایش ۲۳ درصدی نسبت به سال ۲۰۲۳ است که صادرات فولاد در آن سال به ۹۰,۳ میلیون تن رسید این روند نشان‌دهنده تغییرات عمیق در صنعت فولاد چین است که با استفاده از فناوری‌های نوین، نه تنها ظرفیت تولید را افزایش داده بلکه به رشد پایدار اقتصادی نیز کمک کرده است. با ادامه این روند و بهبود فناوری‌ها، انتظار می‌رود که چین همچنان به عنوان یک بازیگر کلیدی در بازار جهانی فولاد باقی بماند.^{۱۵۰}

۱۴۹ - کوره‌های قوس الکتریکی (EAF) کوره‌های صنعتی هستند که مواد، معمولاً فلزاتی مانند فولاد، را با استفاده از قوس الکتریکی تا دمای بسیار بالا گرم می‌کنند. این قوس، جرقه‌ای مداوم از جریان الکتریکی است، که بین الکترودها و مواد بارگذاری شده در داخل کوره شکل می‌گیرد و گرمای شدیدی تولید می‌کند که به دمای ۳۵۰۰ درجه سانتیگراد (۶۳۰۰ درجه فارنهایت) می‌رسد. کوره‌های قوس الکتریکی قادر به ذوب مخلوط‌های بار مختلف، از جمله ۱۰۰٪ ضایعات فلزی هستند که آنها را به سنگ بنای تولید فولاد مدرن تبدیل می‌کند.

EAF ها در مقایسه با روش‌های ابتدایی‌تر مانند کوره‌های بلند، راندمان بهتری ارائه می‌دهند. برخلاف کوره‌های بلند، کوره‌های قوس الکتریکی برای احتراق به مقادیر زیادی سوخت یا افزودن مداوم کک برای دستیابی به خلوص بالا نیاز ندارند. کوره‌های قوس الکتریکی می‌توانند در فضایی کوچک‌تر کار کنند و می‌توانند برای تولید مینی‌میل‌ها کوچک شوند، که با کوره بلند امکان‌پذیر نیست. همچنین، کوره‌های قوس الکتریکی می‌توانند بارهایی را که حاوی حداکثر ۱۰٪ مواد ضایعاتی هستند، تصفیه کنند.

۱۵۰ - یک وب‌سایت معتبر برای اطلاعات مربوط به تولید و صادرات فولاد در کشورهای مختلف جهان، **سازمان جهانی فولاد** (World Steel Association) است. این سازمان به آدرس: <https://worldsteel.org> آمار و گزارش‌های دقیقی درباره تولید و تجارت فولاد ارائه می‌دهد که شامل داده‌هایی درباره کشورهای تولیدکننده و صادرکننده فولاد می‌شود. علاوه بر این، اداره بین‌المللی تجارت ایالات متحده

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

صنعت خودرو: یک بخش حیاتی دیگر که از پیشرفت‌های فناوری مدرن بهره‌مند شد، صنعت خودرو است.^{۱۵۱} مراحل اولیه اصلاحات، چین به شدت به شراکت‌های خارجی وابسته بود تا تکنیک‌های مدرن تولید را معرفی کند، از جمله اتوماسیون رباتیک و طراحی به کمک کامپیوتر (CAD). این فناوری‌ها دقت بالاتری در تولید و کنترل کیفیت به ارمغان آوردند و منجر به افزایش ظرفیت تولید و کیفیت خودروها شدند. قبل از ادغام فناوری‌های پیشرفته‌ای مانند اتوماسیون رباتیک و طراحی به کمک کامپیوتر، صنعت خودروسازی چین نسبتاً توسعه‌نیافته بود. در اوایل دهه ۱۹۸۰، تولید سالانه به حدود ۲۰۰,۰۰۰ خودرو محدود بود. بیشتر این خودروها کامیون‌ها و وسایل نقلیه نظامی بودند و خودروهای سواری تقریباً وجود نداشتند. این صنعت با چالش‌های زیادی مواجه بود، از جمله کمبود رقابت و شیوه‌های تولید قدیمی. پس از پذیرش فناوری‌های مدرن در اواسط دهه ۱۹۸۰، به‌ویژه پس از تأسیس همکاری‌های مشترک با شرکت‌های خارجی مانند فولکس‌واگن، نرخ تولید به‌طور چشمگیری افزایش یافت. تا سال ۲۰۰۰، تولید خودرو در چین به حدود ۲ میلیون خودرو در سال رسید. این رشد ناشی از معرفی خطوط تولید خودکار و تکنیک‌های بهبود یافته تولید بود که کارایی و خروجی را به‌طور قابل توجهی افزایش داد. ارزش صادرات خودرو در آن زمان نیز به حدود ۳ میلیارد دلار رسید. تا سال ۲۰۲۴، پیش‌بینی می‌شود که تولید خودرو در چین به حدود ۳۰ میلیون خودرو برسد که موقعیت این کشور را به‌عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده خودرو در جهان تثبیت می‌کند. از نظر صادرات، قبل از استفاده از فناوری‌های پیشرفته، صادرات خودرو بسیار کم بود و ارقام آن در اوایل دهه ۱۹۸۰ حدود ۱۰,۰۰۰ خودرو تخمین زده می‌شد. تا سال ۲۰۰۰، صادرات به حدود ۳۰۰,۰۰۰ خودرو افزایش یافت و ارزش آن به تقریباً ۵ میلیارد دلار رسید. در سال ۲۰۲۴، انتظار می‌رود که صادرات به حدود ۵ میلیون خودرو برسد و ارزش دلاری آن به حدود ۵۰ میلیارد دلار برسد که نشان‌دهنده نقش برجسته چین در بازار جهانی خودروسازی و توانایی آن در تولید انواع خودروها مطابق با استانداردهای بین‌المللی است. تا سال ۲۰۲۴، چین به بزرگ‌ترین بازار خودرو در جهان تبدیل شد و صادرات آن به ارقام قابل توجهی رسید. این تحول نه تنها از طریق افزایش تولید به رشد اقتصادی کمک کرد بلکه

(International Trade Administration) نیز گزارشی جامع به نام Global Steel Report منتشر می‌کند که شامل آمارهای مربوط به تولید و صادرات فولاد در سطح جهانی است.

۱۵۱- صنعت خودروسازی جهانی یک بخش عظیم است که شامل طراحی، توسعه، تولید، بازاریابی و فروش خودروها می‌شود. در سال ۲۰۲۳، ارزش بازار جهانی صنعت خودروسازی ۳,۵۶ تریلیون دلار آمریکا ارزیابی شد و انتظار می‌رود تا سال ۲۰۳۳ به ۶,۸۶ تریلیون دلار آمریکا برسد. چین با تولید بیش از ۳۰ میلیون دستگاه خودرو در سال ۲۰۲۴، پیش‌تاز تولید خودرو است و تویوتا پرفروش‌ترین برند خودرو در جهان در سال ۲۰۲۴ بود و برای پنجمین سال متوالی این مقام را حفظ کرد. در سال ۲۰۲۴، تویوتا و شرکت‌های تابعه آن ۹,۰۹ میلیون دستگاه خودرو فروختند. شرکت تویوتا موتور سال ۲۰۲۴ را با فروش ۱۰,۸۲ میلیون دستگاه به پایان رساند. این صنعت در حال حاضر با چالش‌هایی مانند افزایش قیمت مواد اولیه و کمبود نیمه‌هادی‌ها روبرو است که باعث کند شدن تولید در برخی بخش‌ها شده است. علاوه بر این، این صنعت در حال تجربه تغییر به سمت خودروهای الکتریکی است که نیازمند سرمایه‌گذاری قابل توجهی در تحقیق و توسعه، سیستم‌های محرکه جایگزین و زیرساخت شارژ است.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

چین را به عنوان یک بازیگر کلیدی در زنجیره تأمین جهانی خودرو معرفی کرد و نوآوری و رقابت پذیری را تقویت نمود.^{۱۵۲}

بخش انرژی، به‌ویژه در زمینه انرژی‌های تجدیدپذیر، نمونه دیگری از جایی است که فناوری مدرن رشد اقتصادی پایدار را به حرکت درآورده است. پس از اصلاحات دنگ، چین سرمایه‌گذاری‌های زیادی در فناوری‌های انرژی خورشیدی و بادی انجام داد و به یکی از رهبران تولید انرژی تجدیدپذیر تبدیل شد. اجرای تکنیک‌های پیشرفته ساخت پنل‌های خورشیدی و فناوری توربین‌های بادی امکان استقرار گسترده منابع انرژی تجدیدپذیر را فراهم کرد. تا سال ۲۰۲۴، چین سهم قابل توجهی از ظرفیت جهانی انرژی تجدیدپذیر را به خود اختصاص داد که وابستگی به سوخت‌های فسیلی را به‌طور قابل ملاحظه‌ای کاهش داد و به پایداری زیست‌محیطی کمک کرد. این تغییر نه تنها تأمین انرژی پایدارتری را تضمین کرد بلکه با جذب سرمایه‌گذاری‌ها در فناوری‌ها و زیرساخت‌های سبز، موجب ایجاد مشاغل جدید و تحریک رشد اقتصادی شد.^{۱۵۳}

چین در زمینه انرژی‌های تجدیدپذیر، به‌ویژه در استفاده از فناوری‌های مدرن، به‌سرعت پیشرفت کرده است. فناوری‌های انرژی تجدیدپذیر عمدتاً از کشورهای آلمان و ژاپن به چین وارد شدند. سرمایه‌گذاری اولیه در این صنعت در اوایل دهه ۲۰۰۰ به حدود ۱۰ میلیارد دلار رسید که شامل تأسیسات و زیرساخت‌های لازم برای تولید انرژی‌های تجدیدپذیر بود. در آغاز استفاده از این فناوری‌ها، تولید انرژی تجدیدپذیر در چین بسیار محدود بود و در سال ۲۰۰۰، تولید کل انرژی تجدیدپذیر به حدود ۲۰ گیگاوات می‌رسید. با توجه به رشد سریع صنعت و سرمایه‌گذاری‌های کلان، این رقم تا سال ۲۰۲۴ به بیش از ۱،۲۰۰ گیگاوات خواهد رسید. چین اکنون به عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده انرژی تجدیدپذیر در جهان شناخته می‌شود و سهم قابل توجهی از ظرفیت جهانی را به خود اختصاص داده است. در زمینه صادرات تجهیزات تولید انرژی تجدیدپذیر، چین در سال ۲۰۰۰ حدود ۵۰۰ میلیون دلار صادرات داشت. اما این رقم تا سال ۲۰۲۴ به حدود ۵۲ میلیارد دلار افزایش یافته است، که نشان‌دهنده رشد چشمگیر در توانایی چین برای تولید و صادرات تجهیزات انرژی تجدیدپذیر، به ویژه پنل‌های خورشیدی و توربین‌های بادی است. این دستاوردها نه تنها به رشد اقتصادی پایدار کمک کرده بلکه چین را به یک بازیگر کلیدی در بازار جهانی انرژی‌های تجدیدپذیر تبدیل کرده است.

۱۵۲- یک وب‌سایت معتبر برای اطلاعات مربوط به تولید و صادرات خودرو در کشورهای مختلف جهان، سازمان بین‌المللی تولیدکنندگان وسایل نقلیه موتوری (OICA) است. وب‌سایت این سازمان <https://www.oica.net/category/production-statistics/> آمار جامع و دقیقی درباره تولید خودرو ارائه می‌دهد، از جمله داده‌هایی که به تفکیک کشور و سال هستند. شما می‌توانید گزارش‌ها و آمارهای دقیق درباره روندهای تولید خودروی جهانی را در این سایت پیدا کنید که برای درک دینامیک‌های صنعت بسیار مهم است.

۱۵۳- یک وب‌سایت معتبر برای اطلاعات مربوط به تولید انرژی توسط کشورهای مختلف در جهان، سازمان بین‌المللی انرژی (IEA) است. <https://www.iea.org/data-and-statistics> این سازمان آمار و داده‌های جامع و دقیقی درباره تأمین و تقاضای انرژی، تولید انرژی و همچنین روندهای جهانی در این زمینه ارائه می‌دهد. وب‌سایت Enerdata نیز منبع خوبی برای آمار تولید انرژی و تجزیه و تحلیل‌های مربوط به آن است. این سایت <https://yearbook.enerdata.net/electricity/> اطلاعاتی درباره تولید برق و انواع منابع انرژی در کشورهای مختلف را ارائه می‌دهد.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

• نتیجه این اصلاحات، تبدیل چین به بزرگ‌ترین تولیدکننده صنعتی جهان در دهه‌های بعد بود. دنگ شیائوپینگ با اجرای اصلاحات اقتصادی در چین از سال ۱۹۷۸، زمینه‌ساز تبدیل این کشور به بزرگ‌ترین تولیدکننده صنعتی جهان در دهه‌های بعدی شد. یکی از عوامل کلیدی در این روند، افزایش چشمگیر بهره‌وری و تولید بود. به عنوان مثال، از سال ۱۹۷۹ تا ۱۹۹۴، بهره‌وری در چین با نرخ سالانه ۳٫۹ درصد افزایش یافت که این رقم نسبت به ۱٫۱ درصد در دوره پیش از اصلاحات (۱۹۵۳-۱۹۷۸) بسیار بالاتر بود. همچنین، تولید ناخالص داخلی چین از ۱۵۰ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۸ به بیش از ۱۴ تریلیون دلار در سال ۲۰۲۰ رسید که نشان‌دهنده رشد اقتصادی بی‌سابقه‌ای است.

تغییرات ساختاری در اقتصاد چین نیز به این موفقیت کمک کرد. سهم صنایع دولتی از تولید ناخالص داخلی کاهش یافت و به جای آن، بخش خصوصی و شرکت‌های مشترک رشد کردند. به عنوان مثال، سهم شرکت‌های دولتی از تولید ملی از ۵۶ درصد در سال ۱۹۷۸ به ۴۰ درصد در سال ۱۹۹۲ کاهش یافت. این تغییرات نه تنها باعث افزایش تنوع محصولات صنعتی شد، بلکه چین را قادر ساخت تا به یکی از بزرگ‌ترین صادرکنندگان کالاهای صنعتی تبدیل شود. به طوری که در سال ۲۰۲۰، چین با صادرات بیش از ۲٫۵ تریلیون دلار کالا، بزرگ‌ترین صادرکننده جهان شناخته شد. برای آنسایی با آثار اصلاحات دنگ می‌توانید به مطالعه این مقاله "تأثیر اصلاحات دنگ شیائوپینگ بر صنعت چین" به آدرس ذیل مراجعه کنید.^{۱۵۴}

ج: مدرن سازی علوم و فناوری

مدرن سازی علوم و فناوری در سیاست‌های دنگ شیائوپینگ یکی از ستون‌های اصلی سیاست‌های دنگ شیائوپینگ در مدرن سازی چهارگانه، **علوم و فناوری** بود. دنگ با درک اهمیت این حوزه برای رشد اقتصادی و صنعتی، برنامه‌های جامعی برای بازسازی سیستم‌های تحقیق و توسعه (R&D)، تقویت آموزش عالی، و گسترش همکاری‌های علمی بین‌المللی اجرا کرد. این اقدامات نقش مهمی در تبدیل چین به یکی از رهبران جهانی در علوم و فناوری داشت.

وضعیت علوم و فناوری پیش از اصلاحات دنگ

ویژگی‌های نظام علوم و فناوری پیش از ۱۹۷۸:

تمرکز بر علوم پایه و صنایع نظامی :

✓ پژوهش‌ها عمدتاً به توسعه تسلیحات و علوم پایه محدود می‌شدند.

قبل از اصلاحات دنگ شیائوپینگ، وضعیت علم و فناوری در چین عمدتاً بر روی علوم پزشکی متمرکز بود، اما این تمرکز بیشتر به توسعه تکنیک‌های اولیه و درمان‌های سنتی محدود می‌شد. در این دوره، تحقیقات پزشکی به‌ویژه در زمینه‌های مربوط به بیماری‌های عفونی و بهداشت عمومی انجام می‌شد، اما به دلیل کمبود منابع و فناوری‌های پیشرفته، پیشرفت‌های چشمگیری در این حوزه مشاهده نمی‌شد. دولت چین تلاش می‌کرد تا با استفاده از

^{۱۵۴}<https://eastasiaforum.org/2023/11/30/2333288-2/>

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

روش‌های سنتی و طب چینی، به مشکلات بهداشتی جامعه پاسخ دهد، اما این رویکرد نتوانست نیازهای پیچیده‌تر پزشکی مدرن را برآورده کند.

در کنار علوم پزشکی، علوم کشاورزی نیز یکی از حوزه‌های مهم تحقیقاتی بود که دولت بر روی آن تمرکز داشت. در این دوره، هدف اصلی افزایش تولید محصولات کشاورزی برای تأمین نیازهای غذایی جمعیت رو به رشد چین بود. تحقیقات در این زمینه بیشتر بر روی تکنیک‌های سنتی کشاورزی و اصلاح نژاد گیاهان معطوف بود. اگرچه برخی از پیشرفت‌ها در زمینه کشاورزی صورت گرفت، اما عدم توجه به فناوری‌های نوین و روش‌های علمی مدرن باعث محدودیت در بهره‌وری و تولید پایدار محصولات کشاورزی شد.

همچنین، مهندسی یکی دیگر از حوزه‌هایی بود که پیشرفت‌های آن تحت تأثیر محدودیت‌های علمی قرار داشت. مهندسی در چین عمدتاً به طراحی و ساخت زیرساخت‌های پایه‌ای مانند جاده‌ها و پل‌ها محدود می‌شد و توجه کمی به نوآوری‌های فناوری و مهندسی مدرن وجود داشت. دولت بیشتر بر روی پروژه‌های بزرگ مقیاس متمرکز بود که عمدتاً تحت کنترل نظامی قرار داشتند. این رویکرد باعث شد که مهندسی نتواند به‌طور مؤثری با چالش‌های جدید اقتصادی و اجتماعی مواجه شود و نیازهای نوآورانه جامعه را برآورده کند. با آغاز اصلاحات دنگ شیائوپینگ، این حوزه‌ها به تدریج تغییر کردند و توجه بیشتری به توسعه علمی و فناوری مدرن معطوف شد. به عنوان مثال می‌توان به کارخانه آهن و فولاد بائوشان در شانگهای، اولین مجموعه فولادی یکپارچه چین، اشاره کرد که ساخت آن در سال ۱۹۷۸ آغاز شد. پروژه‌های دیگر شامل ساخت راه آهن، ساخت بزرگراه و ساخت پل می‌باشد. دولت همچنین بر توسعه منابع انرژی، از جمله برق آبی، نفت و گاز، در غرب چین و انتقال آنها به مناطق ساحلی تمرکز کرد.

✓ کمتر به کاربردهای تجاری و صنعتی فناوری توجه می‌شد.

قبل از اصلاحات دنگ شیائوپینگ، وضعیت علم و فناوری در چین عمدتاً بر روی علوم پایه متمرکز بود و توجه کمتری به کاربردهای تجاری و صنعتی فناوری وجود داشت. تحقیقات بیشتر حول اصول علمی بنیادی و فناوری‌های نظامی انجام می‌شد و به کاربردهای عملی که می‌توانستند به اقتصاد کمک کنند، توجه چندانی نمی‌شد. به عنوان مثال، در حالی که پیشرفت‌هایی در فیزیک و شیمی صورت گرفته بود، این توسعه‌ها عمدتاً نظری بودند و به محصولات تجاری یا فرآورده‌های صنعتی تبدیل نمی‌شدند. تأکید بیشتر بر تولید سلاح‌ها و تأمین نیازهای نظامی بود که این امر پتانسیل نوآوری در کالاهای مصرفی یا ماشین‌آلات صنعتی را محدود می‌کرد.

با آغاز اصلاحات دنگ، تغییرات قابل توجهی در سمت‌وسوی کاربردهای صنعتی علم و فناوری رخ داد. یکی از نمونه‌های بارز این تغییرات، صنعت خودروسازی است که با ورود فناوری‌های خارجی از طریق همکاری‌های مشترک، قابلیت‌های تولید را متحول کرد. با همکاری با شرکت‌های بین‌المللی، تولیدکنندگان چینی تکنیک‌های مدرن خط تولید و فرآورده‌های کنترل کیفیت را به کار گرفتند که نه تنها کارایی تولید را افزایش داد بلکه کیفیت

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

محصولات را نیز بهبود بخشید. این انتقال به چین اجازه داد تا به عنوان یک بازیگر اصلی در بازار جهانی خودرو ظاهر شود و نشان دهد که چگونه علم کاربردی می‌تواند محرک رشد اقتصادی باشد.

علاوه بر این، اصلاحات دنگ بر اهمیت فناوری‌های کشاورزی برای افزایش تولید غذا و تضمین امنیت غذایی تأکید داشت. معرفی **بذرهای هیبریدی**^{۱۵۵}، تکنیک‌های آبیاری پیشرفته و تجهیزات کشاورزی مدرن، شیوه‌های کشاورزی در چین را متحول کرد. این نوآوری‌ها منجر به افزایش قابل توجهی در عملکرد محصولات و بهره‌وری کشاورزی شد. دولت از طریق سیاست‌هایی که تحقیق در علوم کشاورزی و انتشار فناوری‌های جدید میان کشاورزان را تشویق می‌کرد، از این تغییرات حمایت کرد. در نتیجه، کشاورزی کارآمدتر و پایدارتر شد و سهم قابل توجهی در توسعه اقتصادی چین ایفا کرد.

دنگ شیائوپینگ چندین اقدام برای تسهیل کاربرد علم و فناوری در این حوزه‌ها انجام داد. او بر ایجاد همکاری‌های مشترک با شرکت‌های خارجی برای انتقال فناوری و دانش تأکید کرد، همکاری مؤسسات تحقیقاتی با صنایع را تشویق نمود و بر اهمیت آموزش برای پرورش نیروی کار ماهر که قادر به نوآوری باشد، تأکید کرد. همچنین، سیاست‌هایی برای حمایت از سرمایه‌گذاری‌های تحقیق و توسعه (R&D) در بخش‌های عمومی و خصوصی معرفی شد که هدف آن ایجاد محیطی مناسب برای پیشرفت فناوری و تجاری‌سازی بود. از طریق این تلاش‌ها، چین به تدریج از تمرکز بر علوم پایه به رویکردی بیشتر مبتنی بر کاربرد منتقل شد که توانایی‌های صنعتی و رشد اقتصادی آن را به طور قابل توجهی افزایش داد.

مدیریت متمرکز :

✓ تمام پژوهش‌ها و نوآوری‌ها تحت کنترل مستقیم دولت و حزب کمونیست انجام می‌شد.

قبل از اصلاحات دنگ شیائوپینگ، تمامی تحقیقات و نوآوری‌ها تحت کنترل مستقیم دولت و حزب کمونیست چین انجام می‌شد. در این دوره، پژوهش‌ها عمدتاً به نیازهای نظامی و امنیت ملی محدود بود و هرگونه نوآوری باید با دستورالعمل‌های حزب هم‌راستا می‌شد. به عنوان مثال، پروژه‌های تحقیقاتی در زمینه‌های علمی مانند فیزیک و شیمی، بیشتر بر روی توسعه تسلیحات و فناوری‌های نظامی متمرکز بودند. این کنترل شدید مانع از خلاقیت و نوآوری در سایر حوزه‌ها می‌شد و پژوهشگران قادر به آزمایش ایده‌های جدید یا توسعه فناوری‌های کاربردی نبودند.

با آغاز اصلاحات دنگ، کنترل دولت و حزب بر تحقیقات و نوآوری‌ها کاهش یافت و آزادی بیشتری به پژوهشگران داده شد. یکی از نمونه‌های بارز این تغییر، تأسیس **منطقه‌های اقتصادی ویژه (SEZ)** بود که به عنوان

۱۵۵ - بذر هیبرید با گرده افشانی متقابل عمدی دو نوع مختلف از یک گونه گیاهی، اغلب به صورت کنترل شده، تولید می‌شود. پرورش دهندگان گیاهان این گونه‌ها را با هم تلاقی می‌دهند و گیاهان والد را بر اساس ویژگی‌های مطلوب مانند عملکرد بالای محصول، مقاومت در برابر بیماری، طعم بهتر یا بلوغ زودتر انتخاب می‌کنند، با هدف ترکیب بهترین صفات ژنتیکی هر دو والد در یک بذر هیبرید. این بذرها به عنوان انواع F1 طبقه بندی می‌شوند و به طور کلی منجر به گیاهان قوی تر با عملکرد بالاتر در مقایسه با انواع گرده افشانی باز می‌شوند. با این حال، نسل‌های بعدی بذرهای هیبریدی به دلیل جور شدن ژنتیکی، به طور مداوم همان ویژگی‌های گیاهان والد را نشان نمی‌دهند، که باعث می‌شود ذخیره بذر از گیاهان هیبریدی برای محصولات آینده کمتر مطلوب باشد.

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

آزمایشگاه‌هایی برای نوآوری و توسعه اقتصادی عمل کردند. در این مناطق، شرکت‌ها و مؤسسات تحقیقاتی می‌توانستند بدون محدودیت‌های شدید دولتی فعالیت کنند و از فناوری‌های جدید بهره‌برداری کنند. این تغییر رویکرد به پژوهشگران اجازه داد تا ایده‌های خود را آزمایش کنند و به توسعه فناوری‌های جدید بپردازند که تأثیرات مثبتی بر رشد اقتصادی داشت.

دنگ شیائوپینگ اقدامات متعددی برای تسهیل این تغییرات انجام داد. او بر اهمیت همکاری با شرکت‌های خارجی تأکید کرد و از طریق ایجاد مشارکت‌های مشترک، فناوری‌ها و دانش‌های جدید را به چین وارد کرد. دنگ شیائوپینگ بر همکاری با شرکت‌های خارجی برای مدرن کردن چین تأکید کرد که منجر به چندین ابتکار و سرمایه‌گذاری مشترک کلیدی شد. یک نمونه قابل توجه "توافقنامه آقایان-Gentlemen's Agreement" او با کونسوکه ماتسوشیتا، بنیانگذار ماتسوشیتا الکتریک (بعدها پاناسونیک)، بود که در ژاپن به عنوان "خدای مدیریت" شناخته می‌شد. ماتسوشیتا متعهد شد که در مدرن سازی صنعت الکترونیک چین کمک کند. اگرچه طرح اولیه ماتسوشیتا برای گرد هم آوردن شرکت‌های الکتریکی و الکترونیکی ژاپنی به منظور حمایت مشترک از اصلاحات صنعتی چین به نتیجه نرسید، اما شرکت ماتسوشیتا به تنهایی با ایجاد یک سرمایه‌گذاری مشترک با چین همکاری کرد.

دنگ همچنین با ایجاد مناطق ویژه اقتصادی (SEZ)، شهرهای ساحلی باز، مناطق توسعه اقتصادی و فناوری و مناطق توسعه صنعت هایتک، گام‌هایی برای باز کردن چین به روی سرمایه‌گذاری خارجی برداشت. این مناطق سرمایه‌گذاری قابل توجهی را به ویژه از شرکت‌های هنگ کنگی و تایوانی جذب کردند. او همچنین دهها هزار چینی را برای یادگیری از تجربیات آنها به سنگاپور و کشورهای دیگر فرستاد.

در سال ۱۹۷۸، بوئینگ از فروش هواپیماهای ۷۴۷ به شرکت‌های هواپیمایی در چین خبر داد و کوکاکولا قصد خود را برای افتتاح کارخانه تولید در شانگهای اعلام کرد. همچنین، او بر ضرورت تحقیقات کاربردی تأکید کرد که بتوانند نیازهای بازار را برآورده کنند. دنگ همچنین سیاست‌هایی را برای تشویق سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه (R&D) معرفی کرد که به پژوهشگران این امکان را می‌داد تا با استفاده از منابع مالی بیشتر، پروژه‌های نوآورانه خود را پیش ببرند. این اقدامات نه تنها منجر به کاهش کنترل دولت بر علم و فناوری شد بلکه زمینه را برای رشد سریع نوآوری‌ها و پیشرفت‌های علمی در چین فراهم کرد.

کمبود منابع مالی و انسانی :

✓ هزینه‌های تحقیق و توسعه (R&D) بسیار پایین بود و آموزش عالی به دلیل انقلاب فرهنگی مختل شده بود.

۱۵۶ - هزینه‌های تحقیق و توسعه (R&D) چیست؟

هزینه‌های تحقیق و توسعه (R&D) به منابع مالی اختصاص یافته توسط شرکت‌ها، دولت‌ها و سازمان‌ها برای نوآوری، بهبود محصولات یا خدمات موجود و ایجاد فناوری‌های جدید اشاره دارد. این هزینه‌ها برای ترویج نوآوری و حفظ مزیت رقابتی در صنایع مختلف بسیار حیاتی هستند. جنبه‌های کلیدی هزینه‌های R&D

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

قبل از اصلاحات دنگ شیائوپینگ، بنیان علوم و فناوری (S&T) چین ضعیف بود و سطح تحقیقات S&T آن بسیار عقب تر از کشورهای توسعه یافته بود. مدل شوروی برای تحقیقات S&T، که در دهه ۱۹۶۰ به تصویب رسید، اشکالات جدی داشت و باعث قطع ارتباط بین تحقیق و صنعت شد. آموزش عالی و تحقیق و توسعه (R&D) تحت تأثیر انقلاب فرهنگی مختل شد. اصلاحات اولیه سیاست بر انشعاب و خصوصی سازی جزئی بخش های تجاری سودمند از موسسات تحقیقاتی دولتی متمرکز بود. هزینه های تحقیق و توسعه به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی بسیار پایین بود. همانطوریکه پیش از این عنوان گردید در سال ۱۹۸۳، چهار دانشمند چینی به دنگ شیائوپینگ نامه نوشتند و اظهار داشتند که چین در زمینه فناوری بسیار عقب تر از غرب است و برای جبران عقب ماندگی باید گام هایی بردارد که منجر به برنامه هایی شد که در ایجاد پایگاه علمی و فناوری چین سرمایه گذاری کردند.

عدم همکاری بین المللی :

✓ به دلیل انزوای سیاسی، چین دسترسی محدودی به فناوری ها و دانش بین المللی داشت. قبل از اصلاحات دنگ شیائوپینگ، چین به دلیل سیاست های سیاسی انزوا و کنترل شدید دولت، دسترسی محدودی به فناوری ها و دانش های بین المللی داشت. در این دوره، کشور به شدت تحت تأثیر ایدئولوژی مائوئیستی قرار داشت که بر اهمیت خودکفایی و عدم وابستگی به کشورهای غربی تأکید می کرد. این رویکرد باعث شد که چین از تبادل دانش و فناوری با دیگر کشورها محروم بماند و پژوهش ها عمدتاً در زمینه های نظامی و نیازهای داخلی

تعریف: هزینه های R&D شامل تمام هزینه های مرتبط با تحقیق و توسعه محصولات یا خدمات است، از جمله هزینه های نیروی کار، مواد اولیه و هزینه های عمومی مرتبط با کشف دانش جدید و تبدیل یافته های تحقیق به کاربردهای عملی. هدف: هدف اصلی R&D نوآوری و بهبود ارائه ها است که می تواند منجر به افزایش سهم بازار و سودآوری در طول زمان شود. روش حسابداری: اصول حسابداری پذیرفته شده (GAAP) ایجاب می کند که هزینه های R&D در سال وقوع به عنوان هزینه شناسایی شوند، اگرچه برخی هزینه ها ممکن است در صورت داشتن استفاده های آینده جایگزین، سرمایه گذاری شوند. در سال ۲۰۲۲، هزینه های تحقیق و توسعه (R&D) در کشورهای مختلف به شکل قابل توجهی افزایش یافته است. ایالات متحده با صرف تقریباً ۴۷۶٫۵ میلیارد دلار، بالغ بر ۲۶٫۴٪ از کل هزینه های جهانی R&D را به خود اختصاص داده است. چین در رده دوم با حدود ۳۷۰٫۶ میلیارد دلار و ۲۰٫۶٪ از کل هزینه ها قرار دارد. ژاپن با ۱۷۰٫۵، آلمان با ۱۰۹٫۸ و کره جنوبی با ۷۳٫۲ میلیارد دلار به ترتیب در رده های سوم تا پنجم قرار دارند. همچنین فرانسه حدود ۶۴، هند حدود ۴۵، بریتانیا تقریباً ۳۸، ایتالیا حدود ۲۷ و کانادا تقریباً ۲۵ میلیارد دلار برای R&D هزینه کرده اند. این ارقام نشان دهنده تعهد کشورهای مختلف به نوآوری و پیشرفت فناوری است و اهمیت سرمایه گذاری در حوزه تحقیق و توسعه را به وضوح نمایان می سازد. برای کسب اطلاعات بیشتر به این سایت مراجعه نمایید:

<https://finmark.com/glossary/research-development-expenses/>

۱۵۷ - از زمان تأسیس جمهوری خلق چین در سال ۱۹۴۹، علم و فناوری (S&T) به عنوان یک تمرکز برای توسعه اقتصادی چین بوده است. دولت برنامه هایی مانند برنامه ۸۶۳ و "استراتژی احیای کشور از طریق علم و آموزش" را برای ترویج توسعه علم و فناوری اجرا کرده است. تمرکز آشکار دولت از طریق تخصیص بودجه، سرمایه گذاری در تحقیقات، اقدامات اصلاحی و افزایش شناخت اجتماعی از این زمینه ها نشان داده می شود. بنیاد ملی علوم طبیعی چین (NSFC) که در سال ۱۹۸۶ تأسیس شد، وظیفه دارد صندوق ملی علوم طبیعی را از دولت مرکزی برای حمایت از تحقیقات پایه، پرورش محققان با استعداد، توسعه همکاری های بین المللی و ترویج توسعه اقتصادی-اجتماعی اداره کند. بودجه سالانه NSFC از ۸۰ میلیون RMB در سال ۱۹۸۶ به ۱۷ میلیارد RMB در سال ۲۰۱۲ افزایش یافت. در سال ۲۰۱۸، NSFC تحت مدیریت وزارت علوم و فناوری (MOST) قرار گرفت، در حالی که استقلال عملیاتی خود را حفظ کرد.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

متمرکز شود. به عنوان مثال، بسیاری از پروژه‌های تحقیقاتی در دانشگاه‌ها و مؤسسات علمی به تأمین نیازهای نظامی محدود بود و پژوهشگران قادر به استفاده از فناوری‌های مدرن یا همکاری با محققان خارجی نبودند.

معایب این سیستم:

- ضعف در تجاری‌سازی نوآوری‌ها.
- کمبود فناوری‌های پیشرفته در صنعت و کشاورزی.
- عدم بهره‌مندی از دانش و فناوری‌های بین‌المللی.

اصلاحات علوم و فناوری دنگ شیائوپینگ

دنگ شیائوپینگ مجموعه‌ای از سیاست‌های جامع را برای مدرن‌سازی و تقویت علوم و فناوری چین اجرا کرد. این اصلاحات شامل اقدامات زیر بود:

بازسازی آموزش عالی و پژوهش

- بازگشایی دانشگاه‌ها و مراکز علمی :

✓ دانشگاه‌های چین که در دوران انقلاب فرهنگی تعطیل یا تضعیف شده بودند، دوباره فعال شدند. قبل از اصلاحات دنگ شیائوپینگ، دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی در چین به دلیل **انقلاب فرهنگی** که از سال ۱۹۶۶ تا ۱۹۷۶ ادامه داشت، به طور گسترده‌ای تعطیل شدند. در این دوره، حزب کمونیست چین به رهبری مائو زدوونگ بر این باور بود که نهادهای آموزشی و دانشگاه‌ها تحت تأثیر ایده‌های بورژوازی و غربی قرار دارند و باید به طور کامل بازسازی شوند. به همین دلیل، بیش از یک میلیون مدرسه و ۴۳ دانشگاه در چین مجبور به توقف فعالیت‌های خود شدند. این تعطیلی‌ها نه تنها به کاهش سطح تحصیلات و فرصت‌های آموزشی برای نسل جوان منجر شد، بلکه آسیب‌های جدی به زیرساخت‌های علمی کشور وارد کرد و بسیاری از استادان و دانشمندان مورد آزار و اذیت قرار گرفتند.

پس از پایان انقلاب فرهنگی و با مرگ مائو در سال ۱۹۷۶، دنگ شیائوپینگ اقداماتی را برای **بازگشایی دانشگاه‌ها** و تقویت نظام آموزشی آغاز کرد. او بر اهمیت آموزش عالی و نیاز به بازسازی سیستم آموزشی تأکید کرد. دانشگاه‌ها دوباره باز شدند و برنامه‌های تحصیلی به تدریج احیا شدند. دنگ همچنین بر ضرورت جذب دانشجویان مستعد و ایجاد یک سیستم آموزشی مدرن تأکید کرد که بتواند نیازهای اقتصادی و اجتماعی کشور را برآورده کند. این اقدامات نه تنها به بازگشت دانشگاه‌ها به فعالیت کمک کرد بلکه زمینه را برای نوآوری علمی و تکنولوژیکی فراهم آورد.

دنگ شیائوپینگ همچنین با **تأسیس سیستم ورودی ملی** برای دانشگاه‌ها و بازگرداندن آزمون‌های ورودی، امکان دسترسی بیشتر جوانان به آموزش عالی را فراهم کرد. او بر اهمیت همکاری با کشورهای خارجی تأکید کرد تا دانشجویان چینی بتوانند از تجربیات بین‌المللی بهره‌برداری کنند. این تغییرات باعث شد که دانشگاه‌ها نه تنها به

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

مراکز علمی تبدیل شوند بلکه نقش مهمی در توسعه اقتصادی چین ایفا کنند و نسل جدیدی از پژوهشگران و متخصصان را تربیت کنند که قادر بودند در عرصه‌های مختلف علمی و صنعتی فعالیت کنند.

• افزایش سرمایه‌گذاری در آموزش عالی :

قبل از اصلاحات دنگ شیائوپینگ، بودجه آموزش عالی در چین بسیار محدود بود و منعکس‌کننده تمرکز دولت بر آموزش ایدئولوژیک به جای توسعه علمی بود. در اواخر دهه ۱۹۷۰، بودجه آموزش عالی تخمین زده می‌شد که حدود ۱ میلیارد دلار باشد. این مبلغ برای حمایت از یک سیستم آموزشی قوی کافی نبود، به‌ویژه با توجه به تعطیلی‌های گسترده دانشگاه‌ها در دوران انقلاب فرهنگی و تأکید بر تلقین سیاسی به جای برتری علمی.

بین سال‌های ۱۹۷۸ و ۱۹۹۰، چین شاهد افزایش چشمگیری در سرمایه‌گذاری خود در آموزش و تحقیقات بود، به طوری که بودجه از ۱۰ میلیارد یوان به بیش از ۵۰ میلیارد یوان (۱۰,۵ میلیارد دلار) افزایش یافت. این افزایش در بودجه، نتیجه مستقیم اصلاحات دنگ شیائوپینگ بود که علم و فناوری را به عنوان محرک‌های کلیدی رشد اقتصادی و توسعه ملی در اولویت قرار داد. این حمایت مالی افزایش یافته، بهبود در زیرساخت‌های آموزشی را تسهیل کرد، از طرح‌های تحقیقاتی در رشته‌های مختلف علمی حمایت کرد و آموزش نسل جدیدی از دانشمندان و مهندسان را ممکن ساخت. این دوره نشان‌دهنده یک تغییر محوری در رویکرد چین به آموزش و تحقیقات بود و زمینه را برای پیشرفت‌های آینده آن در علم، فناوری و نوآوری فراهم کرد.

پس از اصلاحات دنگ، سرمایه‌گذاری در آموزش عالی به‌طور قابل توجهی افزایش یافت، زیرا دولت اهمیت آن را برای توسعه اقتصادی کشور شناسایی کرد. تا سال ۲۰۰۰، بودجه آموزش عالی به حدود ۱۲ میلیارد دلار افزایش یافت که نشان‌دهنده تعهد به گسترش دسترسی به دانشگاه‌ها و بهبود کیفیت آموزشی بود. این تغییر بخشی از یک استراتژی گسترده‌تر برای مدرن‌سازی اقتصاد چین و ادغام آن در بازار جهانی بود و منجر به تمرکز بیشتر بر علوم، فناوری و آموزش عالی شد. در سال ۲۰۲۴، پیش‌بینی می‌شود که بودجه آموزش عالی به حدود ۶۰ میلیارد دلار برسد. این رشد مداوم نشان‌دهنده تعهد چین به تقویت زیرساخت‌های آموزشی و تولید نیروی کار ماهر است که قادر به پاسخگویی به نیازهای یک اقتصاد در حال تحول سریع باشد. سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی که در طول سال‌ها انجام شده، چشم‌انداز آموزش عالی چین را متحول کرده است و امکان افزایش نرخ ثبت‌نام و بهبود نتایج آموزشی را فراهم کرده است که برای حفظ رشد اقتصادی و نوآوری حیاتی است.^{۱۵۸}

۱۵۸ - برای مشاهده بودجه آموزش عالی در کشورهای مختلف، می‌توانید به چندین وبسایت معتبر مراجعه کنید که اطلاعات مقایسه‌ای درباره تأمین مالی آموزش عالی ارائه می‌دهند:

۱. سایت OECD: وبسایت سازمان همکاری و توسعه اقتصادی - <https://www.oecd.org/en/data/indicators/spending-on-tertiary-education.html> شامل اطلاعات جامعی درباره هزینه‌های آموزش عالی در کشورهای عضو خود ارائه می‌دهد. این سایت شامل داده‌هایی درباره هزینه‌های عمومی و خصوصی در آموزش عالی و مقایسه این هزینه‌ها بین کشورها است.

۲. مقاله Higher Education Funding across the Globe این مقاله که توسط Education International منتشر شده، نگاهی به تأمین مالی آموزش عالی در سطح جهانی دارد و به بررسی میزان هزینه‌های کشورهای مختلف بر روی آموزش عالی می‌پردازد. این مقاله شامل داده‌هایی درباره تغییرات هزینه‌ها در طول زمان و تأثیرات آن‌ها بر کیفیت آموزش است. آدرس مقاله:

<https://www.ei-ie.org/en/item/28080:higher-education-funding-across-the-globe>

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

• اعزام دانشجویان به خارج از کشور :

از سال ۱۹۷۸، چین توافق نامه‌های تبادل آموزشی با دانشگاه‌های آمریکایی را آغاز کرد که نشان‌دهنده تغییری در رویکرد این کشور به نوسازی بود. در آن سال، از رئیس‌جمهور جیمی کارتر خواسته شد که ۵۰۰۰ دانشجویان از چین را بپذیرد، اما او پیشنهاد داد ۱۰۰۰۰۰ نفر فرستاده شوند. تا سال ۱۹۸۸، بیش از ۶۰۰۰۰ دانشجویان و محقق چینی به خارج از کشور رفتند و ۹۳ درصد از آنها ایالات متحده را به عنوان مقصد خود انتخاب کردند. دانشجویان در موج پس از ۱۹۷۸ اغلب خودگردان بودند و تمایل داشتند پس از فارغ التحصیلی در خارج از کشور بمانند. تعداد نامتناسبی از این دانشجویان رشته‌های STEM (علوم، فناوری، مهندسی و ریاضیات) را دنبال کردند. در طول دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، چین نیز اصلاحات ضد شوروی را برای تقویت آموزش عمومی آغاز کرد.^{۱۵۹}

تجاری سازی فناوری و نوآوری

• تأسیس پارک‌های فناوری :

در حالی که اصلاحات دنگ شیائوپینگ منجر به ایجاد مناطق ویژه اقتصادی (SEZ) برای جذب سرمایه گذاری خارجی، افزایش صادرات و ایجاد شغل شد، اولین پارک فناوری Zhongguancun در پکن معمولاً یکی از SEZ های اصلی در نظر گرفته نمی شود، ایجاد شد که عمدتاً در مناطق ساحلی مانند شنژن، شانتو، ژوهای و شیامن واقع شده بودند. این SEZ ها به منظور اجرای سیاست های سرمایه داری مبتنی بر بازار طراحی شده بودند و مشوق هایی را برای جذب سرمایه گذاری خارجی و فناوری ارائه می دادند. بعداً، چین این مناطق را گسترش داد تا شهرهای ساحلی و مناطق توسعه را نیز شامل شود. تاکید اولیه در SEZ هایی مانند شانتو بر مناطق صنعتی برای صنایع سبک، شیمیایی، الکترونیکی و فرآوری بود. تلاش های گسترده تر شامل ایجاد پارک های علمی و مناطق توسعه فناوری پیشرفته (HTDZ) برای ترویج پیشرفت فناوری، نوآوری و تجارت بود.

• تقویت همکاری صنعت و دانشگاه :

۳. سایت Statista: این وبسایت <https://www.statista.com/statistics/707557/higher-education-spending-share-gdp/> نیز

اطلاعاتی درباره هزینه های آموزش عالی به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی (GDP) کشورهای مختلف ارائه می دهد. این سایت می تواند به شما کمک کند تا مقایسه ای از میزان سرمایه گذاری در آموزش عالی در کشورهای مختلف داشته باشید. این منابع می توانند به شما در دریافت اطلاعات دقیق و مقایسه ای درباره بودجه آموزش عالی در کشورهای مختلف کمک کنند.

۱۵۹ - وضعیت تعداد دانشجویان در خارج کشور:

الف: ده کشوری که بیشترین تعداد دانشجویان را در حال تحصیل در خارج از کشور دارند، به ترتیب عبارتند از:

ردیف	چین	هند	ویتنام	آلمان	ازبکستان	کره جنوبی	پاکستان	برزیل	مکزیک	نیپال
هزار دانشجو	۱۰۰۰	۵۰۸	۲۰۰	۱۲۰	۱۰۰	۸۰	۷۵	۵۰	۴۰	۴۰

ب: ده کشوری که بیشترین تعداد دانشجویان بین المللی را پذیرفته اند، به ترتیب زیر است:

ردیف	امریکا	کانادا	بریتانیا	استرالیا	فرانسه	آلمان	روسیه	ژاپن	عربستان	چین
هزار دانشجو	۱۰۰۰	۶۲۲	۴۵۸	۴۰۰	۳۵۸	۳۰۲	۳۰۰	۲۲۸	۱۹۵	۱۶۹

منبع:

<https://www.statista.com/chart/3624/the-countries-with-the-most-students-studying-abroad/>

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

در دوران دنگ شیائوپینگ، سیاست‌هایی برای تقویت پیوندهای دانشگاه-صنعت (UILS) اجرا شد، با این درک که علم و فناوری محرک‌های اصلی پیشرفت اقتصادی هستند. این ابتکارات با هدف مرتبط کردن نوآوری‌های علمی با خواسته‌های صنعتی و بازار انجام شد. اصلاحات شامل سیاست‌های انتقال فناوری، افزایش حمایت مالی از سوی دولت‌های مرکزی و محلی و تغییرات در دستورالعمل‌های دانشگاهی بود. پروژه ۲۱۱ در سال ۱۹۹۵ با هدف بهبود ظرفیت تحقیق و توسعه در دانشگاه‌ها و افزایش همکاری دانشگاه و صنعت انجام شد. پارک‌های علم و فناوری دانشگاهی ملی (NUSPs) برای انتقال نتایج تحقیقات، پرورش شرکت‌های با فناوری پیشرفته و فراهم کردن پایه‌های کارآفرینی برای محققان و دانشجویان تأسیس شدند.

تقویت تحقیق و توسعه (R&D)

• افزایش بودجه تحقیق و توسعه :

هزینه‌های تحقیق و توسعه (R&D) در سال ۱۹۷۸: GDP چین حدود ۱۵۰ میلیارد دلار تخمین زده می‌شد. با توجه به اینکه هزینه‌های R&D کمتر از ۰٫۵٪ از GDP بود، این مقدار تقریباً ۷۵۰ میلیون دلار می‌شود. در سال ۱۹۹۰، GDP چین به حدود ۴۰۰ میلیارد دلار رسید و با توجه به اینکه هزینه‌های R&D به بیش از ۱٪ افزایش یافت، این مقدار به حدود ۴ میلیارد دلار رسید. تا سال ۲۰۰۰، GDP چین به حدود ۱٫۲ تریلیون دلار افزایش یافت. با توجه به اینکه هزینه‌های R&D همچنان در حال افزایش بود و به حدود ۱٫۵٪ از GDP رسید، این مقدار تقریباً ۱۸ میلیارد دلار برآورد می‌شود. پیش‌بینی می‌شود که تا سال ۲۰۲۴، GDP چین به حدود ۱۸ تریلیون دلار برسد و با توجه به اینکه هزینه‌های R&D ممکن است به ۲٪ یا بیشتر از GDP افزایش یابد، این مقدار می‌تواند به حدود ۳۶۰ میلیارد دلار برسد.^{۱۶۲}

۱۶۰ - پیوندهای دانشگاه-صنعت (UILS) روابط مشارکتی بین دانشگاه‌ها و صنایع هستند که هدفشان به اشتراک گذاشتن منابع و دستیابی به اهداف مشترک است و به عنوان سازمان‌های مکمل عمل می‌کنند. این پیوندها به عنوان نیروی محرکه در درآمدزایی دانشگاه‌ها و صنایع عمل می‌کنند و یک عنصر مهم در سیاست آموزش عالی هستند. UILS به منظور ترویج ارتباط و سهم دانشگاه‌ها در توسعه اقتصادی-اجتماعی هستند. این ارتباطات می‌توانند اشکال مختلفی داشته باشند، از جمله هیئت‌های برنامه درسی با متخصصان صنعت، مراکز نوآوری، مشارک‌های مستقیم برای تحقیقات کاربردی و آموزش، و فرصت‌هایی برای دانشجویان برای کسب تجربه عملی. اهداف UILS شامل بهبود بخش‌های تولیدی و خدماتی از طریق استفاده از دانش و ایجاد فناوری، ارتقای آموزش و گسترش دانش در دسترس عموم است.

۱۶۱ - پارک‌های علم و فناوری دانشگاهی ملی (NUSPs) با هدف پر کردن شکاف بین دانشگاه‌ها و صنعت، تجاری‌سازی پیشرفت‌های علمی و فناوری را ترویج می‌کنند. آن‌ها با ادغام منابع نوآورانه و تبدیل دستاوردهای علمی به کاربردهای عملی، نوآوری و کارآفرینی را تقویت می‌کنند. NUSPs از طریق فضاهای ایجاد جمعی، مراکز رشد و شتاب‌دهنده‌ها، از شرکت‌های علم و فناوری در مراحل مختلف پشتیبانی می‌کنند. این پارک‌ها جریان دانش و فناوری را در بین دانشگاه‌ها، مؤسسات تحقیق و توسعه، شرکت‌ها و بازارها تسهیل می‌کنند، شرکت‌های با فناوری پیشرفته را پرورش می‌دهند و پایه‌های کارآفرینی را برای محققان و دانشجویان ارائه می‌دهند. آن‌ها با ترویج نوآوری و رقابت‌پذیری، به عنوان کاتالیزورهایی برای توسعه اقتصادی منطقه‌ای عمل می‌کنند.

۱۶۲ - برای مشاهده میزان هزینه‌های R&D به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی (GDP) کشورهای مختلف، وبسایت OECD (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی) منبع مناسبی است که اطلاعات دقیقی درباره هزینه‌های تحقیق و توسعه در کشورهای مختلف ارائه می‌دهد.

<https://www.oecd.org/en/topics/science-technology-and-innovation.html>

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

• تشکیل آکادمی‌های تحقیقاتی :

✓ سازمان‌های تحقیقاتی مانند آکادمی علوم چین (CAS) و آکادمی مهندسی چین (CAE) با حمایت ویژه تقویت شدند.

الف: آکادمی علوم چین (CAS)

آکادمی علوم چین (CAS) در تاریخ ۱ نوامبر ۱۹۴۹ تأسیس شد و هدف آن ارتقاء تحقیقات علمی و فناوری در کشور بود. این سازمان به عنوان بالاترین نهاد مشاوره‌ای برای علم و فناوری در جمهوری خلق چین عمل می‌کند و به توسعه علوم طبیعی و ارائه خدمات مشاوره‌ای در زمینه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی می‌پردازد. آکادمی علوم چین به عنوان بزرگ‌ترین سازمان تحقیقاتی جهان، شامل ۱۰۶ مؤسسه تحقیقاتی و دو دانشگاه است. در سال‌های اولیه تأسیس، بودجه CAS محدود بود، اما با گذشت زمان و به ویژه پس از اصلاحات دنگ شیائوپینگ، این بودجه به طور قابل توجهی افزایش یافت. به عنوان مثال، در اوایل دهه ۲۰۰۰، بودجه این آکادمی به حدود ۷۰۰ میلیون دلار رسید که نشان‌دهنده افزایش توجه دولت به تحقیقات علمی و فناوری بود. بودجه آکادمی علوم چین (CAS) در سال ۲۰۲۴ به طور رسمی اعلام نشده است، اما بر اساس اطلاعات موجود، بودجه سالانه این سازمان در سال ۲۰۲۲ بیش از ۲۳٫۵ میلیارد دلار بوده است با توجه به روندهای افزایش بودجه در سال‌های اخیر و تمرکز دولت بر تقویت تحقیقات علمی و فناوری، انتظار می‌رود که این مبلغ در سال ۲۰۲۴ نیز افزایش یابد.

آکادمی علوم چین (CAS) به عنوان یکی از نهادهای کلیدی در پیشبرد علم و فناوری در چین، اقدامات مؤثری را در زمینه‌های مختلف انجام داده است. این سازمان مسئول اجرای حدود ۳۰ درصد از پروژه‌های کلیدی علوم پایه کشور تحت برنامه ۹۷۳ است و همچنین دارای بیش از ۸۰ درصد از تسهیلات علمی بزرگ چین می‌باشد. CAS به عنوان یک مرکز تحقیقاتی جامع، به توسعه فناوری‌های نوین مانند ارتباطات کوانتومی و محاسبات کوانتومی پرداخته و موفقیت‌های قابل توجهی در زمینه‌های تحقیقاتی مانند سلول‌های بنیادی و هوش مصنوعی کسب کرده است. با توجه به برنامه "نواآوری ۲۰۲۰" که در سال ۲۰۱۱ تصویب شد، CAS^{۶۳} به دنبال ارتقاء تحقیقات نواآورانه و تربیت استعدادهای علمی با کیفیت بالاتر است. این اقدامات نه تنها به پیشرفت علمی چین کمک کرده بلکه این کشور را به یکی از بازیگران اصلی در عرصه جهانی علم و فناوری تبدیل کرده است.

ب: آکادمی مهندسی چین (CAE)

۱۶۳ - استراتژی نوآوری چین شامل اهدافی برای سال ۲۰۲۰ است، مانند اختصاص ۲٫۵ درصد از تولید ناخالص داخلی به تحقیق و توسعه و تأمین ۶۰ درصد رشد از پیشرفت علم و فناوری. هدف این بود که ۷۰ درصد تولید بر اساس فناوری‌های بومی باشد و سهم صنایع استراتژیک و نوظهور به ۱۵ درصد از تولید ناخالص داخلی افزایش یابد. برای حمایت از این اهداف، از سال ۲۰۱۱ بیش از ۱۷۰ سیاست حمایتی از علم، فناوری و نوآوری (STI) معرفی شده است. همچنین در سال ۲۰۱۱، چین متعهد شد که فهرست‌های ملی برای صدور گواهینامه محصولات نوآوری بومی را حذف کند، اما دولت‌های محلی همچنان به فهرست‌های محلی در تدارکات عمومی ارجاع می‌دهند. علاوه بر این، "طرح دو برابر کردن" چین با هدف دو برابر کردن سرمایه‌گذاری دولتی و/یا هدایت شده دولتی در تحقیق و توسعه انرژی پاک، به عنوان بخشی از مشارکت خود در مأموریت نوآوری، از ۲۵ میلیارد RMB در سال ۲۰۱۵ به ۵۰ میلیارد RMB (تقریباً ۷٫۶ میلیارد دلار) تا سال ۲۰۲۰ بود.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

آکادمی مهندسی چین (CAE) به عنوان بالاترین نهاد مشاوره‌ای و علمی در زمینه علوم و فناوری‌های مهندسی در چین تأسیس شد. هدف این سازمان ترویج توسعه فناوری‌های مهندسی و ارائه مشاوره‌های علمی به دولت چین است. CAE به تحقیق و بررسی مسائل کلیدی در حوزه مهندسی می‌پردازد و تلاش می‌کند تا همکاری و همبستگی در جامعه مهندسی را تقویت کند. بودجه این سازمان در زمان تأسیس آن در سال ۱۹۹۴ حدود ۳۰ میلیون دلار بود. تا سال ۲۰۰۰، این بودجه به حدود ۱۵۰ میلیون دلار افزایش یافت، و پیش‌بینی می‌شود که تا سال ۲۰۲۴، بودجه آکادمی به ۵۰۰ میلیون دلار برسد. این افزایش نشان‌دهنده توجه بیشتر دولت به اهمیت تحقیقات و نوآوری‌های مهندسی در توسعه اقتصادی کشور است.

آکادمی مهندسی چین (CAE) به عنوان یک نهاد مشاوره‌ای و علمی، نقش مؤثری در ترویج نوآوری‌های مهندسی و فناوری در چین ایفا می‌کند. یکی از اقدام‌های برجسته این سازمان، معرفی ۱۰ "دست‌آورد برتر مهندسی جهانی" است که به‌طور سالانه از سوی نشریه آکادمی منتشر می‌شود.^{۴۴} این پروژه‌ها به‌عنوان نمونه‌هایی از نوآوری‌های برجسته در زمینه مهندسی و فناوری انتخاب می‌شوند و تأثیرات قابل توجهی بر توسعه اقتصادی و اجتماعی دارند. CAE همچنین با همکاری با وزارتخانه‌ها و نهادهای دولتی، مشاوره‌هایی در زمینه برنامه‌ریزی و سیاست‌های کلان ارائه می‌دهد که به تصمیم‌گیری‌های استراتژیک کشور کمک می‌کند. این اقدامات نشان‌دهنده تعهد CAE به پیشرفت علم و فناوری و ارتقاء سطح مهارت‌های مهندسی در چین است.

همکاری‌های بین‌المللی

• جذب فناوری‌های خارجی :

۱۶۴- آکادمی مهندسی چین ۱۰ (CAE) دست‌آورد برتر مهندسی جهانی ۲۰۲۴" را اعلام کرده است، که دست‌آوردهای مهندسی و فناوری قابل توجه و نوآورانه‌ای را که در پنج سال گذشته تکمیل شده و تأثیر جهانی داشته‌اند، به رسمیت می‌شناسد. دست‌آوردهای انتخاب شده نشان‌دهنده پیشرفته‌ترین سطوح فناوری یا پیشرفت‌های اساسی اصلی در مهندسی و فناوری است که پیشرفت‌های تکنولوژیکی آینده را هدایت می‌کند ۱۰. دست‌آورد برتر مهندسی جهانی ۲۰۲۴ عبارتند از:

۱. درمان سلولی CAR-T
۲. مأموریت ماهنورد چانگ ای-۶
۳. صورت فلکی ماهواره ای ارتباطی مدار پایین زمین
۴. نمایشگرهای انعطاف پذیر
۵. نیروگاه هسته ای راکتور خنک شونده با گاز در دمای بالا
۶. کارخانه های هوشمند
۷. خودروهای خودران
۸. ربات های جراحی
۹. مدل هوش مصنوعی تولید ویدیو Sora
۱۰. تجهیزات فوق العاده بزرگ نیروی بادی

این دست‌آوردها از طریق یک فرآیند نامزدی جهانی، بررسی متخصصان، نظرسنجی‌های عمومی و بررسی توسط کمیته گزینش انتخاب شدند. این انتخاب‌ها دست‌آوردهای نوآورانه‌ای را به نمایش می‌گذارند که محرک توسعه اقتصادی و اجتماعی هستند، نوآوری‌های مهندسی و فناوری را ترویج می‌کنند و اشتیاق عمومی به این پیشرفت‌ها را برمی‌انگیزند.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

✓ چین قراردادهای فناوری با شرکت‌های ژاپنی، اروپایی، و آمریکایی امضا کرد.

اصلاحات دنگ شیائوپینگ در زمینه همکاری‌های بین‌المللی منجر به امضای قراردادهای فناوری با کشورهای مختلف، به‌ویژه ژاپن شد. یکی از مهم‌ترین توافقات در این زمینه، همکاری با کشورهای غربی و همچنین ژاپن بود.

ژاپن:

ماتسوشیتا، یکی از همکاری‌های چین با کونوسکه ماتسوشیتا بنیان‌گذار شرکت ماتسوشیتا الکتریک^{۵۴} (اکنون پاناسونیک) بود. در جریان سفر دنگ به ژاپن در سال ۱۹۷۸، او نیاز چین به کمک‌های فناوری برای مدرن‌سازی اقتصاد را بیان کرد. ماتسوشیتا که تحت تأثیر صداقت دنگ قرار گرفته بود، موافقت کرد که به چین در توسعه صنعت الکترونیک کمک کند. این توافق غیررسمی آغازگر یک تلاش مشترک بود که طی آن شرکت‌های ژاپنی فناوری و تخصص خود را برای حمایت از اصلاحات صنعتی چین ارائه کردند. اگرچه تلاش‌های اولیه با چالش‌هایی مواجه شد، اما این توافق زمینه‌ساز همکاری‌های آینده بین شرکت‌های چینی و ژاپنی شد و در نهایت به مدرن‌سازی بخش الکترونیک چین کمک کرد.

توشیبا: یکی دیگر از توافقات مهم چین و ژاپن در زمان دنگ، قرارداد دیگری با شرکت توشیبا^{۵۶} برای انتقال فناوری در زمینه تولید نیمه‌هادی‌ها امضا شد که به چین کمک کرد تا در این حوزه پیشرفت کند. این توافقات زمینه‌ساز همکاری‌های آینده بین شرکت‌های چینی و ژاپنی شد و در نهایت به مدرن‌سازی بخش الکترونیک چین کمک کرد.

۱۶۵ - شرکت ماتسوشیتا الکتریک (Matsushita Electric)، که امروزه به عنوان پاناسونیک (Panasonic) شناخته می‌شود، در سال ۱۹۱۸ تأسیس شد و به یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان لوازم خانگی و الکترونیکی در جهان تبدیل شده است. این شرکت در سال ۲۰۲۲ درآمدی معادل ۶۲ میلیارد دلار گزارش کرد و با داشتن بیش از ۳۵ هزار کارمند، به تولید و عرضه محصولات متنوعی از جمله لوازم خانگی، تجهیزات صوتی و تصویری، و فناوری‌های نوین پرداخته است.

پاناسونیک همچنین در زمینه صادرات فعالیت‌های گسترده‌ای دارد و محصولات خود را به بازارهای مختلف در آسیا، اروپا، آمریکای شمالی و جنوبی ارائه می‌دهد. این شرکت با تمرکز بر نوآوری و توسعه پایدار، به دنبال افزایش سهم خود در بازار جهانی و ارتقاء کیفیت محصولات خود است. با توجه به پیش‌بینی‌ها، انتظار می‌رود که درآمد این شرکت در سال‌های آینده افزایش یابد و به رشد قابل توجهی در تولید و صادرات دست یابد. دارایی کل پاناسونیک نیز حدود ۷۵ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود که نشان‌دهنده موقعیت قوی این شرکت در صنعت الکترونیک جهانی است.

۱۶۶ - شرکت توشیبا (Toshiba Corporation) در سال ۱۹۳۹ تأسیس شد و نتیجه ادغام دو شرکت بزرگ ژاپنی، شباورا (Shibaura) و توکیو الکتریک (Tokyo Denki)، بود. این شرکت به عنوان یکی از پیشگامان صنعت الکترونیک و فناوری اطلاعات در جهان شناخته می‌شود و محصولات متنوعی از جمله تجهیزات الکتریکی، سیستم‌های اطلاعاتی، لوازم خانگی و تجهیزات پزشکی تولید می‌کند. در سال ۲۰۲۲، توشیبا درآمدی معادل ۳۱٫۵ میلیارد دلار گزارش کرد و به تولید محصولات مختلف در زمینه‌های فناوری اطلاعات، انرژی، و زیرساخت‌های صنعتی ادامه می‌دهد. این شرکت همچنین در زمینه تحقیق و توسعه سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی انجام داده و به دنبال نوآوری در محصولات خود است.

توشیبا با دارا بودن حدود ۱۲۵،۰۰۰ کارمند، به عنوان یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های الکترونیکی در جهان شناخته می‌شود و به صادرات محصولات خود به بازارهای جهانی ادامه می‌دهد. دارایی کل این شرکت نیز حدود ۲۱ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود که نشان‌دهنده موقعیت قوی آن در صنعت الکترونیک است.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

اروپا و آمریکا:

علاوه بر ژاپن، چین همچنین قراردادهای فناوری با چندین کشور اروپایی برقرار کرد. همکاری‌ها با آلمان به‌ویژه برای توسعه صنعتی چین حیاتی بود. در اوایل دهه ۱۹۸۰، چین یک قرارداد مهم با آلمان برای ساخت یک کارخانه شیمیایی بزرگ در نانجینگ امضا کرد که یکی از اولین پروژه‌های انتقال فناوری از اروپا به شمار می‌رفت. این همکاری نه تنها فناوری پیشرفته فرآوری شیمیایی را به چین منتقل کرد بلکه آموزش مهندسان و تکنسین‌های چینی در آلمان را نیز تسهیل نمود. چنین همکاری‌هایی نقش مهمی در مدرن‌سازی پایه صنعتی چین و بهبود قابلیت‌های تولید در بخش‌های مختلف ایفا کرد.

آلمان:

زیمنس: علاوه بر قراردادهای چین قراردادی با شرکت زیمنس برای توسعه سیستم‌های حمل و نقل ریلی امضا کرد که به مدرن‌سازی زیرساخت‌های حمل و نقل کشور کمک شایانی کرد. این همکاری‌ها نقش مهمی در مدرن‌سازی پایه صنعتی چین و بهبود قابلیت‌های تولید در بخش‌های مختلف ایفا کرد.

ایالات متحده آمریکا:

علاوه بر این، اصلاحات دنگ درها را برای همکاری با ایالات متحده نیز باز کرد. در سال ۱۹۷۹، بلافاصله پس از برقراری روابط دیپلماتیک، چین یک توافقنامه مهم با شرکت‌های آمریکایی برای انتقال فناوری در زمینه‌های مختلف از جمله ارتباطات و کشاورزی امضا کرد. یکی از پروژه‌های قابل توجه، همکاری با اچ‌پی و موتورولا^{۶۷} برای توسعه زیرساخت‌های ارتباطی در چین بود. این توافقات به چین اجازه داد تا به

۱۶۷ - شرکت اچ‌پی (HP Inc.)، که به عنوان یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان تجهیزات کامپیوتری و پرینترها در جهان شناخته می‌شود، در سال ۱۹۳۹ توسط بیل هیولت و دیوید پکارد تأسیس شد. این شرکت در ابتدا فعالیت خود را با تولید تجهیزات آزمایش الکترونیکی آغاز کرد و اولین محصول آن، اسیلاتور صوتی HP 200A، به سرعت مورد توجه قرار گرفت.

در سال ۲۰۲۲، اچ‌پی درآمدی معادل ۵۳٫۳۲ میلیارد دلار گزارش کرد و با دارا بودن حدود ۵۱٫۰۰۰ کارمند، به تولید و عرضه محصولات متنوعی از جمله رایانه‌های شخصی، پرینترها و لوازم جانبی می‌پردازد. این شرکت همچنین در زمینه تحقیق و توسعه فناوری‌های نوین سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی انجام داده و به دنبال نوآوری در محصولات خود است. اچ‌پی به صادرات محصولات خود به بازارهای جهانی ادامه می‌دهد و با تمرکز بر کیفیت و خدمات مشتری، سهم قابل توجهی از بازار تجهیزات الکترونیکی را در اختیار دارد. دارایی کل این شرکت حدود ۳۰٫۴۹ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود که نشان‌دهنده موقعیت قوی آن در صنعت فناوری اطلاعات است.

۱۶۸ - شرکت موتورولا (Motorola) در سال ۱۹۲۸ توسط پاول و جوزف گالوین در شهر شامبورگ، ایلینوی، ایالات متحده تأسیس شد. این شرکت ابتدا به تولید تجهیزات بی‌سیم و رادیوهای مخصوص ماشین‌های پرداخت و به سرعت در این زمینه شهرت یافت. نام "موتورولا" از ترکیب دو کلمه "motor" به معنای موتور و "ola" که به معنای صدا است، تشکیل شده است. موتورولا در دهه ۱۹۳۰ با تولید رادیوهای ماشین‌های موفقیت‌های بیشتری دست یافت و در دهه ۱۹۴۰ به توسعه فناوری‌های جدید پرداخته و آزمایشگاه‌های تحقیقاتی را تأسیس کرد. این شرکت همچنین در زمینه‌های نظامی و فضایی نیز فعالیت داشته و در زمان فوت پاول گالوین در سال ۱۹۵۹، موتورولا به عنوان پیشرو در ارتباطات تجاری شناخته می‌شد. در سال ۲۰۱۱، موتورولا به دو شرکت مجزا تقسیم شد: موتورولا سلوشنز (Motorola Solutions) که بر روی سیستم‌های ارتباطی و تجهیزات مربوطه تمرکز دارد، و موتورولا موبیلیتی (Motorola Mobility) که به تولید دستگاه‌های موبایل می‌پردازد. در سال ۲۰۱۰، درآمد موتورولا به ۱۱٫۴۶ میلیارد دلار رسید و تعداد کارکنان آن حدود ۵۳٫۰۰۰ نفر بود. این شرکت همچنین نقش مهمی در

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

فناوری‌های پیشرفته و شیوه‌های مدیریتی دسترسی پیدا کند که برای تحول اقتصادی آن ضروری بودند. ورود فناوری و تخصص آمریکایی نقش محوری در تسریع تلاش‌های مدرن‌سازی چین و ادغام آن در اقتصاد جهانی ایفا کرد.

همچنین، قرارداد دیگری با **موتورولا** برای ایجاد شبکه‌های ارتباطی موبایل امضا شد که نقش کلیدی در توسعه صنعت ارتباطات چین داشت. این توافقات به چین اجازه داد تا به فناوری‌های پیشرفته و شیوه‌های مدیریتی دسترسی پیدا کند که برای تحول اقتصادی آن ضروری بودند و نقش محوری در تسریع تلاش‌های مدرن‌سازی چین ایفا کردند.

✓ **دسترسى به فناوری‌های مدرن از طریق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) تسهیل شد!**
دنگ شیائوپینگ با هدف تسهیل دسترسی به فناوری‌های مدرن از طریق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI)، اقداماتی را در زمینه جذب سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی انجام داد. یکی از مهم‌ترین حوزه‌هایی که تحت تأثیر این سیاست‌ها قرار گرفت، **صنعت تولید** بود. چین از اوایل دهه ۱۹۸۰ شروع به جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی کرد و این روند به سرعت در حال گسترش بود. به عنوان مثال، قراردادهایی با شرکت‌های بزرگ مانند جنرال

صنعت تلفن همراه ایفا کرده و اولین گوشی همراه هوشمند را به بازار عرضه کرد. با این حال، موتورولا با چالش‌هایی مواجه شد و در نهایت تحت مالکیت لنوو قرار گرفت.

۱۶۹ - وضعیت سرمایه‌گذاری خارجی در ده کشور اول جهان:

الف: ده کشوری که بیشترین سرمایه‌گذاری را طی دهه گذشته جذب کرده اند (کشورهای سرمایه‌پذیر)، به ترتیب عبارتند از:

ردیف	امریکا	چین	سنگاپور	هنگ کنگ	فرانسه	برزیل	استرالیا	کانادا	سوئد	هند
میلیارد دلار	۳۸۸	۱۸۰	۱۴۱	۱۲۱	۱۰۵,۴	۹۱,۵	۶۰	۶۰	۶۰	۶۰

ب: ده کشوری که بیشترین سرمایه را در خارج از کشور انجام داده اند (کشورهای سرمایه‌فرست)، به ترتیب زیر است:

ردیف	امریکا	چین	بریتانیا	هنگ کنگ	برزیل	جزایر ویرجین بریتانیا	کانادا	سنگاپور	هلند	ایرلند
میلیارد دلار	۲۴۰۰	۱۱۷۰	۸۹۸	۸۷۹	۶۱۱	۳۰۲	۵۱۶	۵۱۵	۴۵۳	۴۴۲

منبع:

<https://www.usnews.com/news/best-countries/slideshows/>

<https://www.statista.com/chart/۳۶۲۴/the-countries-with-the-most-students-studying-abroad/>

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

الکترونیک و افورد^{۱۷۰} امضا شد که به انتقال فناوری‌های پیشرفته در زمینه تولید و خودروسازی کمک کرد. این سرمایه‌گذاری‌ها نه تنها به چین در بهبود فرآیندهای تولیدی کمک کرد، بلکه موجب ارتقاء کیفیت محصولات و افزایش بهره‌وری در صنایع مختلف شد.

علاوه بر صنعت تولید، بخش خدمات نیز یکی از حوزه‌هایی بود که از سرمایه‌گذاری‌های خارجی بهره‌مند شد. چین با امضای قراردادهایی با شرکت‌های بین‌المللی در زمینه فناوری اطلاعات و ارتباطات، مانند موتورولا و اچ‌پی، توانست به فناوری‌های نوین دسترسی پیدا کند. این همکاری‌ها به توسعه زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات در چین کمک کرد و موجب رشد سریع این بخش شد. همچنین، سرمایه‌گذاری در بخش خدمات مالی و بانکی نیز افزایش یافت که به تقویت نظام مالی کشور کمک کرد و زمینه را برای جذب سرمایه‌های بیشتر فراهم نمود.

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی همچنین به توسعه مناطق کمتر برخوردار کمک کرد. دولت چین با ایجاد مناطق اقتصادی ویژه (SEZ) و ارائه مشوق‌های مالیاتی، شرکت‌های خارجی را تشویق کرد تا در این مناطق سرمایه‌گذاری کنند. به عنوان مثال، منطقه اقتصادی ویژه شنزن به یک مرکز مهم برای جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی تبدیل شد و شرکت‌هایی مانند سامسونگ^{۱۷۲} و توشیبا را به خود جلب کرد. این اقدامات نه تنها موجب

۱۷۰ - شرکت جنرال الکتریک (General Electric یا GE) در سال ۱۸۹۲ تأسیس شد و به عنوان یکی از بزرگ‌ترین و معتبرترین شرکت‌های چندملیتی در زمینه تولید تجهیزات الکتریکی و صنعتی شناخته می‌شود. این شرکت با دفتر مرکزی در بوستون، ایالت ماساچوست، به تولید و عرضه محصولات متنوعی از جمله تجهیزات هوانوردی، انرژی، بهداشت و مالی می‌پردازد. در سال ۲۰۲۳، جنرال الکتریک درآمدی معادل ۷۲٫۶ میلیارد دلار گزارش کرد و با دارا بودن حدود ۱۶۰،۰۰۰ کارمند، به عنوان یکی از بزرگ‌ترین کارفرمایان در صنعت خود شناخته می‌شود. این شرکت همچنین در زمینه تحقیق و توسعه سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی انجام داده و به دنبال نوآوری در محصولات خود است. جنرال الکتریک به صادرات محصولات خود به بازارهای جهانی ادامه می‌دهد و با تمرکز بر کیفیت و خدمات مشتری، سهم قابل توجهی از بازار تجهیزات الکترونیکی و صنعتی را در اختیار دارد. دارایی کل این شرکت حدود ۱۲۰ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود که نشان‌دهنده موقعیت قوی آن در صنعت جهانی است. با وجود چالش‌های مالی و مدیریتی که این شرکت در سال‌های اخیر با آن مواجه بوده، همچنان یکی از بازیگران اصلی در صنایع مختلف باقی مانده است.

۱۷۱ - شرکت فورد موتور (Ford Motor Company) در ۱۶ ژوئن ۱۹۰۳ تأسیس شد و به عنوان یکی از بزرگ‌ترین و معتبرترین تولیدکنندگان خودرو در جهان شناخته می‌شود. این شرکت با دفتر مرکزی در دیربورن، میشیگان، ایالات متحده، به تولید و فروش خودروهای مسافری و تجاری تحت برند فورد و خودروهای لوکس تحت برند لینکلن می‌پردازد. در سال ۲۰۲۳، فورد حدود ۴٫۴ میلیون خودرو تولید کرد و درآمدی معادل ۱۵۶٫۷ میلیارد دلار گزارش کرد. این شرکت با دارا بودن حدود ۱۷۷،۰۰۰ کارمند، به عنوان یکی از بزرگ‌ترین کارفرمایان در صنعت خودروسازی شناخته می‌شود. فورد همچنین در زمینه تحقیق و توسعه سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی انجام داده و به دنبال نوآوری در محصولات خود است. فورد به صادرات محصولات خود به بازارهای جهانی ادامه می‌دهد و با تمرکز بر کیفیت و خدمات مشتری، سهم قابل توجهی از بازار خودرو را در اختیار دارد. دارایی کل این شرکت حدود ۴۰٫۷ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود که نشان‌دهنده موقعیت قوی آن در صنعت خودروسازی جهانی است. این شرکت همچنین در پروژه‌های مشترک در چین، تایوان، تایلند و ترکیه فعالیت دارد و با هدف گسترش بازارهای خود، به توسعه فناوری‌های جدید و پایدار ادامه می‌دهد.

۱۷۲ - شرکت سامسونگ الکترونیکس (Samsung Electronics) در ۱۳ ژانویه ۱۹۶۹ در سئول، کره جنوبی تأسیس شد و به عنوان یکی از بزرگ‌ترین و معتبرترین تولیدکنندگان لوازم الکترونیکی و فناوری‌های اطلاعاتی در جهان شناخته می‌شود. این شرکت بخشی از گروه سامسونگ است و به تولید محصولات متنوعی از جمله گوشی‌های هوشمند، تلویزیون‌ها، لوازم خانگی و تجهیزات نیمه‌هادی مشغول است. در سال ۲۰۲۳،

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

افزایش اشتغال و رشد اقتصادی در این مناطق شد، بلکه دسترسی چین به فناوری‌های پیشرفته را تسهیل کرد و به ارتقاء سطح صنعتی کشور کمک نمود.

• تبادل دانشمندان و محققان :

✓ همکاری‌های علمی و پژوهشی با کشورهای پیشرفته گسترش یافت.

دنگ شیائوپینگ با هدف تقویت همکاری‌های علمی و تحقیقاتی با کشورهای پیشرفته، اقدام به تبادل دانشمندان و پژوهشگران کرد. یکی از اولین اقدامات در این زمینه، امضای توافق‌نامه‌ای با ایالات متحده در سال ۱۹۷۹ بود که به تسریع تبادل‌های علمی میان دو کشور کمک کرد.^۳ لار این سال، ۵۰ دانشجوی چینی به ایالات متحده رفتند و در سال بعد، تعداد دانشجویان چینی در این کشور به حدود ۱۰۲۵ نفر رسید. تا سال ۱۹۸۴، بیش از ۱۴۰۰۰ دانشجوی، که دو سوم آن‌ها در رشته‌های علوم پایه، علوم بهداشتی و مهندسی تحصیل می‌کردند، در دانشگاه‌های آمریکایی مشغول به تحصیل بودند. این تبادل‌ها نه تنها به ارتقاء سطح علمی چین کمک کرد بلکه موجب تقویت روابط فرهنگی و علمی میان دو کشور شد.

در کنار ایالات متحده، چین همچنین همکاری‌های علمی و تبادل پژوهشگران را با کشورهای اروپایی گسترش داد. دنگ شیائوپینگ تصمیم گرفت که سالانه ۳۰۰۰ دانشجوی و پژوهشگر را به خارج از کشور بفرستد تا آموزش‌های لازم را کسب کنند. این برنامه به ویژه با کشورهای مانند آلمان و فرانسه گسترش یافت که در آن‌ها برنامه‌های

سامسونگ الکترونیک درآمدی معادل ۲۲۱ میلیارد دلار گزارش کرد و با دارا بودن حدود ۲۵۰،۰۰۰ کارمند، به عنوان یکی از بزرگ‌ترین کارفرمایان در صنعت فناوری اطلاعات شناخته می‌شود. این شرکت همچنین در زمینه تحقیق و توسعه سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی انجام داده و به دنبال نوآوری در محصولات خود است. سامسونگ به صادرات محصولات خود به بازارهای جهانی ادامه می‌دهد و با تمرکز بر کیفیت و خدمات مشتری، سهم قابل توجهی از بازار الکترونیک را در اختیار دارد. دارایی کل این شرکت حدود ۳۰۰ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود که نشان‌دهنده موقعیت قوی آن در صنعت جهانی است. سامسونگ همچنین به توسعه فناوری‌های نوین مانند G5، هوش مصنوعی و رباتیک پرداخته و به دنبال گسترش مرزهای نوآوری در محصولات خود است.

۱۷۳ - در سال ۱۹۷۹، توافق‌نامه مهمی بین ایالات متحده و چین برای تقویت همکاری‌های علمی و فناوری امضا شد. این توافق‌نامه که به عنوان "توافق‌نامه همکاری در علم و فناوری" شناخته می‌شود، در تاریخ ۳۱ ژانویه توسط رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده، جیمی کارتر، و رهبر چین، دنگ شیائوپینگ، در جریان سفر دنگ به ایالات متحده امضا شد. هدف اصلی این توافق‌نامه فراهم کردن فرصت‌های گسترده برای همکاری در زمینه‌های مختلف علمی و فناوری از جمله کشاورزی، انرژی، فضا، بهداشت، علوم محیطی و مهندسی بود.

این توافق‌نامه یک لحظه کلیدی در روابط ایالات متحده و چین به شمار می‌آید، زیرا یکی از نخستین توافقات رسمی پس از عادی‌سازی روابط دیپلماتیک بین دو کشور بود. هدف آن تسهیل نه تنها تبادل‌های دولتی بلکه تعاملات آموزشی و علمی نیز بود که به ترویج درک عمیق‌تر بین دو کشور کمک می‌کرد. پس از امضای این توافق‌نامه، تعداد دانشجویان چینی که به ایالات متحده می‌آمدند به طور قابل توجهی افزایش یافت و بیش از ۱۰۰۰ دانشجوی در عرض یک سال وارد این کشور شدند و هزاران نفر دیگر در سال‌های بعد.

مفاد این توافق‌نامه شامل تعهدات برای اشتراک‌گذاری یافته‌های تحقیقاتی و همکاری در پروژه‌های علمی بود. اگرچه در ابتدا تمرکز بر تبادل نمادین اطلاعات بود، اما همکاری به تدریج به تلاش‌های مشترک تحقیقاتی معناداری تبدیل شد که نتایج قابل توجهی را در زمینه‌هایی مانند بهداشت عمومی و انرژی‌های تجدیدپذیر به همراه داشت. این توافق‌نامه چندین بار در طول سال‌ها تجدید شده است که نشان‌دهنده اهمیت آن در ترویج همکاری مداوم با وجود تغییرات سیاسی است. در مجموع، این توافق‌نامه زمینه را برای دهه‌ها تبادل علمی و همکاری بین ایالات متحده و چین فراهم کرد و تأثیر قابل توجهی بر قابلیت‌های تحقیقاتی و پیشرفت‌های فناوری هر دو کشور گذاشت.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

تبادل دانشجویی و همکاری‌های تحقیقاتی برقرار شد. به عنوان مثال، چین قراردادهایی با دانشگاه‌های آلمانی برای تبادل پژوهشگران و برگزاری کارگاه‌های آموزشی امضا کرد که به ارتقاء دانش فنی و علمی در چین کمک شایانی کرد.^{۷۴} همچنین، بسیاری از محققان چینی توانستند در پروژه‌های تحقیقاتی بین‌المللی شرکت کنند که این امر موجب افزایش کیفیت تحقیقات علمی در چین شد.

علاوه بر این، چین همکاری‌های گسترده‌ای با کشورهای آسیایی نیز برقرار کرد. کشورهای مانند ژاپن و کره جنوبی نقش مهمی در انتقال فناوری و دانش به چین ایفا کردند.^{۷۵} چنین توافقاتی را با دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی این کشورها امضا کرد که شامل تبادل پژوهشگران و برگزاری کنفرانس‌های مشترک بود. این همکاری‌ها به چین کمک کرد تا از تجربیات پیشرفته این کشورها بهره‌برداری کند و زمینه رشد نوآوری‌ها را در صنایع مختلف فراهم آورد.

۱۷۴ - در سال‌های پس از اصلاحات دنگ شیائوپینگ، چین به دنبال تقویت همکاری‌های علمی و فناوری با کشورهای پیشرفته بود. یکی از اقدامات کلیدی در این راستا، امضای توافق‌نامه‌هایی با دانشگاه‌های آلمان بود که به تبادل محققان و برگزاری کارگاه‌های آموزشی اختصاص داشت. این توافق‌نامه‌ها به طور قابل توجهی به پیشرفت دانش علمی و فنی در چین کمک کردند. توافق‌نامه‌ها به امضای نمایندگان دانشگاه‌های آلمانی و مقامات چینی رسیدند و شامل چندین بند کلیدی بودند.

اولین بند این توافق‌نامه‌ها، تسهیل تبادل محققان و دانشجویان بین دو کشور بود. این امر به چین این امکان را داد که از تجربیات علمی و فناوری آلمان بهره‌برداری کند و همچنین محققان آلمانی نیز می‌توانستند در پروژه‌های تحقیقاتی چین مشارکت داشته باشند.

دومین بند شامل برگزاری کارگاه‌های آموزشی و سمینارهای مشترک بود که هدف آن ارتقاء مهارت‌ها و دانش فنی محققان چینی بود. این کارگاه‌ها به ویژه در زمینه‌های مهندسی، فناوری اطلاعات و علوم طبیعی برگزار می‌شدند و فرصت‌هایی برای یادگیری از متخصصان آلمانی فراهم می‌آوردند.

سومین بند توافق‌نامه‌ها به همکاری در پروژه‌های تحقیقاتی مشترک اشاره داشت که می‌توانست شامل تأمین مالی از سوی هر دو طرف باشد. این همکاری‌ها به توسعه فناوری‌های نوین در چین کمک کرد و باعث شد تا چین بتواند در زمینه‌هایی مانند انرژی‌های تجدیدپذیر و فناوری اطلاعات پیشرفت کند. این توافق‌نامه‌ها نه تنها به تقویت روابط علمی بین دو کشور کمک کردند، بلکه زمینه را برای تبادل فرهنگی و آموزشی نیز فراهم آوردند. دنگ شیائوپینگ با این اقدامات، نشان داد که چین به دنبال یادگیری از تجربیات جهانی است تا بتواند به رشد اقتصادی و علمی خود ادامه دهد.

۱۷۵ - در سال‌های پس از اصلاحات اقتصادی دنگ شیائوپینگ، چین به دنبال تقویت همکاری‌های علمی و فناوری با کشورهای پیشرفته، به ویژه ژاپن و کره جنوبی بود. این تلاش‌ها شامل امضای توافق‌نامه‌هایی با دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی این کشورها بود که هدف اصلی آن تبادل محققان و برگزاری کنفرانس‌های مشترک بود. این توافق‌نامه‌ها به امضای دنگ شیائوپینگ و مقامات ارشد ژاپنی و کره‌ای رسید و به ایجاد بسترهای جدیدی برای همکاری‌های علمی و تحقیقاتی کمک کرد. در این راستا، دنگ شیائوپینگ در سفرهای خود به ژاپن در سال‌های ۱۹۷۸ و ۱۹۷۹، با مقامات ژاپنی مذاکراتی انجام داد که به امضای توافقاتی در زمینه تبادل دانشجویان و محققان منجر شد.

مفاد این توافق‌نامه‌ها شامل چندین بند کلیدی بود. **اولین بند** به تبادل محققان و دانشجویان بین دو کشور اشاره داشت که به محققان چینی این امکان را می‌داد تا از تجربیات علمی و فناوری ژاپن و کره جنوبی بهره‌برداری کنند. **دومین بند** شامل برگزاری کنفرانس‌ها و سمینارهای مشترک بود که هدف آن ارتقاء دانش و مهارت‌های علمی در زمینه‌های مختلف مانند مهندسی، فناوری اطلاعات، و علوم طبیعی بود. **سومین بند** نیز به همکاری در پروژه‌های تحقیقاتی مشترک اشاره داشت که می‌توانست شامل تأمین مالی از سوی هر دو طرف باشد. این توافقات نه تنها به توسعه فناوری‌های نوین کمک کردند بلکه زمینه را برای تبادل فرهنگی نیز فراهم آوردند. دنگ شیائوپینگ با این اقدامات نشان داد که چین به دنبال یادگیری از تجربیات جهانی است تا بتواند به رشد اقتصادی و علمی خود ادامه دهد.

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

در نهایت، تبادل دانشمندان و پژوهشگران نه تنها به تقویت زیرساخت‌های علمی چین کمک کرد بلکه موجب ایجاد شبکه‌ای از ارتباطات بین‌المللی شد که برای توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور حیاتی بود. دنگ شیائوپینگ با تأکید بر اهمیت بازگشت دانشجویان و پژوهشگران به چین، سیاست‌هایی را برای جذب آن‌ها پس از تحصیل در خارج از کشور وضع کرد. این اقدامات باعث شد تا بسیاری از محققان چینی که در خارج از کشور تحصیل کرده بودند، به کشور بازگردند و دانش خود را برای توسعه علم و فناوری در چین به کار بگیرند.

آثار اصلاحات در علوم و فناوری

این اصلاحات آثار قابل توجهی در حوزه علوم و فناوری چین داشت. دستاوردها را می‌توان در دسته‌بندی‌های زیر تحلیل کرد:

پیشرفت در پژوهش‌های علمی

- تعداد مقالات علمی: تعداد مقالات علمی منتشر شده توسط پژوهشگران چینی از ۵,۰۰۰ مقاله در سال ۱۹۷۸ به ۲۰,۰۰۰ مقاله در سال ۱۹۹۰ افزایش یافت.

۱۷۶- برای دسترسی به تعداد مقالات علمی منتشر شده توسط پژوهشگران در جهان، چندین پایگاه داده معتبر وجود دارد که می‌توانند اطلاعات دقیقی ارائه دهند که عبارتند از:

۱. **Scopus**: یکی از بزرگ‌ترین و معتبرترین پایگاه‌های داده علمی است که بیش از ۸۴ میلیون مقاله از ۲۵,۰۰۰ ژورنال علمی را شامل می‌شود. این پایگاه به پژوهشگران امکان جستجو و تحلیل استنادی مقالات را می‌دهد و پوشش آن از سال ۱۸۲۳ تاکنون ادامه دارد.
۲. **Web of Science**: نیز به عنوان یکی از منابع معتبر برای جستجوی مقالات ISI شناخته می‌شود. این پایگاه شامل بیش از ۲۱,۰۰۰ ژورنال علمی و ۱۰۰ میلیون رکورد استنادی است و اطلاعات آن از سال ۱۹۰۰ تاکنون به‌روز می‌شود.
۳. **Google Scholar**: یک منبع جامع برای جستجوی مقالات در تمامی رشته‌ها است و به میلیون‌ها منبع علمی دسترسی دارد. با این حال، تعداد دقیق مقالات موجود در این پایگاه مشخص نیست.
۴. **Microsoft Academic Research**: این پایگاه اطلاعاتی که توسط مایکروسافت راه‌اندازی شده، بیش از ۴۸ میلیون مقاله را شامل می‌شود و امکان جستجو در رشته‌های مختلف را فراهم می‌کند.

۵. **PubMed**: یکی از منابع اصلی برای مقالات پزشکی است و به پژوهشگران علوم پزشکی دسترسی به مقالات معتبر را ارائه می‌دهد. به عنوان نمونه میزان انتشار مقالات پزشکی در جدول ذیل بر اساس دو منبع اول تهیه شده است و تعداد به هزار می‌باشد.

رتبه	کشور	۲۰۲۲	۲۰۲۳	تغییر (%)	رتبه	کشور	۲۰۲۲	۲۰۲۳	تغییر (%)
۱	چین	۸۹۸/۹	۱۰۰۰	+۱۱.۲۳٪	۱۱	فرانسه	۶۷/۵	۷۰	+۳.۷۰٪
۲	امریکا	۴۵۷/۳	۴۷۰	+۲.۳۱٪	۱۲	برزیل	۶۰	۶۳	+۵.۰۰٪
۳	هند	۲۰۷/۴	۲۲۰	+۶.۰۶٪	۱۳	استرالیا	۵۵	۵۷/۵	+۴.۵۵٪
۴	آلمان	۱۱۴	۱۲۰	+۵.۳۶٪	۱۴	ایران	۷۳/۵	۷۵	+۱.۹۸٪
۵	انگلستان	۱۰۵/۶	۱۱۰	+۴.۱۰٪	۱۵	اسپانیا	۵۰	۵۲/۵	+۵.۰۰٪
۶	ژاپن	۱۰۳/۷	۱۱۰	+۶.۱۰٪	۱۶	هلند	۴۸	۵۰	+۴.۱۷٪
۷	ایتالیا	۹۰/۶	۹۵	+۴.۹۹٪	۱۷	ترکیه	۴۵	۴۷/۵	+۵.۵۶٪
۸	روسیه	۸۴/۳	۸۸	+۴.۱۹٪	۱۸	سوئد	۴۲	۴۴/۵	+۵.۹۵٪
۹	کره جنوبی	۷۶/۹	۸۰	+۴.۱۹٪	۱۹	سوئیس	۴۰	۴۲/۵	+۶.۲۵٪
۱۰	کانادا	۶۹/۱	۷۲	+۴.۲۵٪	۲۰	تایوان	۳۸	۴۰	+۵.۲۶٪

منبع:

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

در سال ۲۰۰۰، تعداد مقالات علمی منتشر شده توسط پژوهشگران چینی به حدود ۵۰,۰۰۰ مقاله رسید که نشان‌دهنده رشد قابل توجهی در تولید علم در این کشور بود. این افزایش در تعداد مقالات به دلیل سرمایه‌گذاری‌های گسترده در تحقیق و توسعه و همچنین تبادل دانشمندان و پژوهشگران با کشورهای پیشرفته بود. پیش‌بینی می‌شود که تا سال ۲۰۲۴، این تعداد به بیش از ۲,۲ میلیون مقاله برسد، که این رقم نشان‌دهنده پیشرفت چشمگیر چین در عرصه علم و فناوری است.

بزرگ‌ترین تعداد مقالات منتشر شده در هر حوزه علمی نیز قابل توجه است. به عنوان مثال، در زمینه علوم پزشکی، چین به یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان مقالات تبدیل شده و در سال ۲۰۲۴، بیش از ۵۰۰,۰۰۰ مقاله در این حوزه منتشر خواهد شد. همچنین، در علوم مهندسی و فناوری اطلاعات نیز چین به تولید مقالات زیادی پرداخته است که هر کدام به ترتیب حدود ۴۰۰,۰۰۰ و ۳۵۰,۰۰۰ مقاله را شامل می‌شود. این ارقام نشان‌دهنده تمرکز چین بر روی حوزه‌های کلیدی علمی و فناوری است که در توسعه اقتصادی کشور نقش بسزایی دارند.^{۱۷۷}

• رتبه جهانی تولید علم :

قبل از اصلاحات دنگ شیائوپینگ که در سال ۱۹۷۸ آغاز شد، رتبه چین در تولید علمی نسبتاً پایین بود و معمولاً در رده‌های پایین کشورهای دیگر از نظر خروجی تحقیقاتی قرار داشت چین تا سال ۱۹۹۰ به رتبه بیستم در تولید علم جهانی دست یافت و در سال ۲۰۰۰، تغییرات قابل توجهی رخ داد و چین به رتبه دوم جهانی در تعداد مقالات علمی منتشر شده دست یافت که نشان‌دهنده افزایش چشمگیر فعالیت‌های تحقیقاتی و سرمایه‌گذاری‌ها در علم و فناوری بود. این تغییر عمدتاً به دلیل اصلاحاتی بود که همکاری‌های بین‌المللی، سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش، و تأسیس مؤسسات تحقیقاتی را تشویق می‌کرد.

تا سال ۲۰۲۴، پیش‌بینی می‌شود که چین به بزرگ‌ترین تولیدکننده علم در سطح جهانی تبدیل شود. گزارش‌ها نشان می‌دهند که چین در بسیاری از معیارهای تولید علمی، از جمله تعداد کل مقالات و مشارکت در مجلات با تأثیر بالا، از ایالات متحده پیشی گرفته است. این افزایش سریع در خروجی تحقیقاتی به دلیل تأمین مالی گسترده دولت، شراکت‌های استراتژیک با مؤسسات خارجی و تمرکز بر روی تحقیقات با کیفیت بالا در حوزه‌های مختلف بوده است.

<http://www.sciencepeak.com/> & <https://iranpaper.ir/blog/elsevier/> & <https://charbzaban.com/other>

۱۷۷ - برای مشاهده تعداد مقالات علمی منتشر شده توسط پژوهشگران از کشورهای مختلف، وبسایت Statista به آدرس <https://www.statista.com/statistics/published-scientific-papers-in-china/۲۳۴۷۸۰> منبع مناسبی است که اطلاعات دقیقی درباره آمار مقالات علمی را ارائه می‌دهد. همچنین، پایگاه داده‌های Clarivate Analytics به آدرس: <https://mjl.clarivate.com/home> نیز اطلاعات جامع‌تری درباره مقالات علمی و ارزیابی تأثیر آن‌ها در سطح جهانی دارد. این منابع می‌توانند به شما کمک کنند تا با روندهای تولید علم در کشورهای مختلف آشنا شوید و مقایسه‌ای از وضعیت علمی آن‌ها داشته باشید.

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

برای مشاهده موقعیت کشورهای مختلف در تولید علم، منابع معتبری مانند بنیاد ملی علوم ایالات متحده^{۱۷۸} (NSF) و Nature Index وجود دارند که داده‌های جامع‌تری درباره مقالات علمی و عملکرد تحقیقاتی در سطح جهانی ارائه می‌دهند. Nature Index به‌طور خاص به دنبال ردیابی مشارکت‌ها در مجلات علمی با کیفیت بالا است و بینش‌هایی درباره عملکرد نسبی کشورهای مختلف در طول زمان ارائه می‌دهد. همچنین، گزارش‌های Clarivate Analytics تحلیل‌های بیلیومتریکی دقیقی را ارائه می‌دهند که روندهای تولید علم را بر اساس کشورها برجسته می‌کنند و امکان مقایسه بین حوزه‌های مختلف و دوره‌های زمانی متفاوت را فراهم می‌آورند.

توسعه فناوری‌های صنعتی

• صنعت نیمه‌رساناها:

تاریخ تولید اولین نیمه‌هادی‌ها و چیپ‌ها در ایالات متحده بوده است، جایی که پیشرفت‌های قابل توجهی در فناوری نیمه‌هادی در اواسط قرن بیستم آغاز شد. توسعه کلیدی با اختراع ترانزیستور در آزمایشگاه‌های بل در سال ۱۹۴۷ صورت گرفت که پایه‌گذار فناوری مدرن نیمه‌هادی شد. پس از آن، شرکت‌ها و مؤسسات تحقیقاتی مختلف در ایالات متحده به تکامل فرآیندهای تولید نیمه‌هادی کمک کردند. تأسیس سیلیکون ولی در کالیفرنیا نیز به عنوان یک محرک برای ایالات متحده به عنوان رهبر تحقیق و تولید نیمه‌هادی در نیمه دوم قرن بیستم عمل کرد. در حالی که کشورهایی مانند تایوان امروزه به بازیگران مهمی در تولید نیمه‌هادی تبدیل شده‌اند، به ویژه از طریق شرکت‌هایی مانند شرکت تولید نیمه‌هادی تایوان (TSMC)، مفاهیم اولیه و تکنیک‌های تولید عمدتاً در ایالات متحده توسعه یافته‌اند.

• مهندسی مکانیک و رباتیک:

۱۷۸ - بنیاد ملی علوم ایالات متحده (NSF) یک نهاد مستقل در قوه مجریه ایالات متحده است که در سال ۱۹۵۰ تأسیس شد و هدف آن حمایت از پژوهش و آموزش در زمینه‌های علوم و مهندسی است NSF. به عنوان بزرگ‌ترین نهاد تأمین مالی تحقیقاتی در کشور، به تأمین بودجه برای پروژه‌های علمی، برنامه‌های آموزشی و تبادل اطلاعات می‌پردازد و مسئولیت مشاوره به رئیس‌جمهور و کنگره در زمینه سیاست‌های علمی را بر عهده دارد. این بنیاد با ارائه بورس‌های تحصیلی، کمک‌های مالی و حمایت از همکاری‌های بین‌المللی، به ارتقاء کیفیت آموزش و پژوهش کمک می‌کند. NSF دارای ساختار تشکیلاتی مشخصی است که شامل شورای ملی علوم و معاونت‌ها می‌شود و فرآیند تصویب پیشنهادها شامل ارزیابی دقیق علمی است. با بودجه‌ای که در سال ۲۰۲۲ حدود ۱۱٫۵ میلیارد دلار پیش‌بینی شده، NSF به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای تأمین مالی تحقیقاتی در جهان شناخته می‌شود. برای اطلاعات بیشتر می‌توانید به وب‌سایت NSF رسمی به آدرس www.nsf.gov مراجعه کنید.

۱۷۹ - TSMC (شرکت تولید نیمه‌هادی تایوان) بزرگ‌ترین کارخانه تولید نیمه‌هادی در جهان است که در سال ۱۹۸۷ توسط موريس چانگ در تایوان تأسیس شد. این شرکت به تولید میکروچیپ‌ها برای کاربردهای مختلف، از جمله رایانه‌های با کارایی بالا، گوشی‌های هوشمند و الکترونیک خودرو اختصاص دارد. در سال ۲۰۲۳، TSMC تقریباً ۱۱٫۸۹۵ محصول تولید کرد، از نظر حجم صادرات، مجموع صادرات مدارهای مجتمع تایوان در سال ۲۰۲۲ به ۱۸۴ میلیارد دلار رسید که TSMC بخش قابل توجهی از این رقم را تشکیل می‌دهد و نقش حیاتی آن در زنجیره تأمین جهانی نیمه‌هادی‌ها را نشان می‌دهد.

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

در دوران اصلاحات دنگ شیائوپینگ، استفاده از ربات‌های صنعتی در کارخانه‌های خودروسازی چین به شدت افزایش یافت. یکی از اولین کارخانه‌هایی که ربات‌های صنعتی را به خط تولید خود وارد کرد، **کارخانه خودروسازی دانگفنگ موتور**^{۱۸۰} بود. این کارخانه با همکاری شرکت رباتیک **یوبیتک**^{۱۸۱} ربات‌های انسان‌نما را برای انجام وظایف مختلف مانند بازرسی کمر بند ایمنی و بررسی کیفیت بدنه خودرو به کار گرفت. عمدتاً ربات‌ها از کشورهای ژاپن و آلمان وارد می‌شدند، که به دلیل فناوری پیشرفته و کیفیت بالای محصولاتشان، در صنعت خودروسازی چین مورد استقبال قرار گرفتند. با ورود این فناوری‌ها به کارخانه دانگفنگ، نرخ تولید خودرو به طور قابل توجهی افزایش یافت. قبل از استفاده از رباتیک، این کارخانه قادر به تولید حدود ۱۰۰,۰۰۰ خودرو در سال بود. اما پس از پیاده‌سازی ربات‌های صنعتی و اتوماسیون فرآیندها، این رقم به بیش از ۵۰۰,۰۰۰ خودرو در سال رسید. این تغییر نه تنها موجب افزایش ظرفیت تولید شد بلکه کیفیت محصولات نیز بهبود یافت و زمان تولید هر خودرو کاهش یافت.

تولید ربات‌های صنعتی در چین نیز به سرعت در حال افزایش است. بر اساس آمارها، تعداد ربات‌های صنعتی فعال در چین در سال ۲۰۲۱ به ۲۴۳,۳۰۰ واحد رسید و انتظار می‌رود که این تعداد تا سال ۲۰۲۴ به بیش از ۱ میلیون واحد برسد. ارزش بازار رباتیک صنعتی در چین نیز به طور قابل توجهی افزایش یافته است؛ به طوری که ارزش آن از حدود ۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۵ به بیش از ۲۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۴ پیش‌بینی می‌شود. این رشد نشان‌دهنده تعهد چین به استفاده از فناوری‌های نوین برای تقویت صنعت و رقابت‌پذیری جهانی است.

در نهایت، تأثیرات مثبت استفاده از مهندسی مکانیک و رباتیک فراتر از افزایش نرخ تولید است. این فناوری‌ها نه تنها موجب کاهش هزینه‌های تولید و افزایش کیفیت محصولات شده‌اند، بلکه همچنین به ایجاد فرصت‌های شغلی جدید در زمینه طراحی، برنامه‌نویسی و نگهداری ربات‌ها کمک کرده‌اند. بدین ترتیب، چین با سرمایه‌گذاری در

۱۸۰ - شرکت خودروسازی دونگفنگ (Dongfeng Motor Corporation) در سال ۱۹۶۹ تأسیس شد و به عنوان یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان خودرو در چین شناخته می‌شود. این شرکت با هدف تولید وسایل نقلیه و تجهیزات مرتبط، به ویژه خودروهای تجاری و سواری، فعالیت می‌کند. در سال ۲۰۲۳، دونگفنگ موفق به تولید ۲,۵ میلیون خودرو شد و درآمد سالانه آن به حدود ۷۰ میلیارد دلار رسید. این شرکت با دارا بودن حدود ۱۰۰,۰۰۰ کارمند، نقش مهمی در صنعت خودروسازی چین ایفا می‌کند و به صادرات محصولات خود به بازارهای جهانی ادامه می‌دهد. دونگفنگ همچنین در زمینه تحقیق و توسعه سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی انجام داده و به دنبال نوآوری در محصولات خود است.

۱۸۱ - شرکت **یوبیتک** (UBTech) یک شرکت رباتیک مستقر در شنژن چین است که به طراحی و تولید ربات‌های انسان‌نما و هوش مصنوعی مشهور است. این شرکت در سال ۲۰۱۲ تأسیس شد و به سرعت به یکی از پیشگامان صنعت رباتیک تبدیل شد. یکی از محصولات برجسته این شرکت، ربات انسان‌نمای **واکر اس** (Walker S) است که برای پاسخگویی به نیازهای صنعتی طراحی شده و می‌تواند وظایف مختلفی مانند بازرسی کیفیت، تست قفل درب و بررسی کمر بند ایمنی را در خطوط تولید انجام دهد. ربات‌های یوبیتک به دلیل استفاده از فناوری‌های پیشرفته، مانند حسگرهای دوگانه RGBD و سیستم‌های بینایی، قابلیت‌های ادراکی بالایی دارند و می‌توانند به طور مؤثری با محیط خود تعامل داشته باشند. این شرکت همچنین بر توسعه ربات‌های هوشمند برای کاربردهای مختلف در صنایع مختلف تأکید دارد و به دنبال ارتقاء سطح اتوماسیون در فرآیندهای تولیدی است.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

فناوری‌های پیشرفته، نه تنها به توسعه صنعت خود کمک کرده بلکه موقعیت خود را در بازار جهانی تقویت نموده است.

• بیوتکنولوژی:

در دوران اصلاحات دنگ شیائوپینگ، بیوتکنولوژی چین به عنوان پیشگام در تولید واکسن‌های جدید و تحقیقات ژنتیکی شناخته شد. یکی از نمونه‌های بارز این پیشرفت، تولید واکسن **هپاتیت B** بود. این واکسن در اوایل دهه ۱۹۸۰ توسعه یافت و چین به یکی از کشورهای پیشرو در تولید آن تبدیل شد. تا سال ۲۰۰۰، تولید این واکسن به حدود **۱۰۰ میلیون دوز** در سال رسید و ارزش بازار آن به حدود **۵۰۰ میلیون دلار** تخمین زده می‌شد. این واکسن نه تنها به کاهش شیوع هپاتیت B در چین کمک کرد بلکه به صادرات این محصول به کشورهای دیگر نیز منجر شد.

نمونه دیگر، تولید **واکسن آنفولانزا** است که در سال ۱۹۹۹ توسط شرکت^{۱۸۲} Sinovac آغاز شد. این شرکت با استفاده از فناوری‌های نوین بیوتکنولوژی، توانست واکسن آنفولانزا را با کیفیت بالا تولید کند. تا سال ۲۰۰۵، Sinovac موفق به تولید **۲۰ میلیون دوز** از این واکسن شد و ارزش بازار آن به حدود **۲۰۰ میلیون دلار** رسید. این واکسن به عنوان بخشی از برنامه‌های ملی بهداشت عمومی چین برای کنترل شیوع آنفولانزا مورد استفاده قرار گرفت و تأثیر مثبتی بر سلامت عمومی داشت.

علاوه بر واکسن‌ها، چین همچنین در زمینه **تحقیقات ژنتیکی** پیشرفت‌های چشمگیری داشته است. یکی از پروژه‌های مهم، پروژه **ژنوم انسانی چین**^{۱۸۳} بود که در سال ۲۰۰۱ آغاز شد و هدف آن تعیین توالی ژنوم انسانی چینی‌ها بود. این پروژه با سرمایه‌گذاری حدود **۳۰۰ میلیون دلار** انجام شد و نتایج آن به افزایش دانش علمی درباره بیماری‌ها و درمان‌های مرتبط کمک کرد. تا سال ۲۰۲۰، داده‌های جمع‌آوری شده از این پروژه به بیش از

۱۸۲ - شرکت سینوواک بیوتک (Sinovac Biotech) در سال ۱۹۹۹ تأسیس شد و توسط **وی‌دونگ بنیان‌گذاری** گردید. این شرکت به تحقیق، توسعه، تولید و تجاری‌سازی واکسن‌هایی که از بیماری‌های عفونی انسانی محافظت می‌کنند، مشغول است. در سال ۲۰۲۳، سینوواک موفق به تولید **۱۰۰ میلیون دوز واکسن COVID-19** (کروناواک) و سایر واکسن‌ها شد. درآمد سالانه این شرکت به حدود **۱٫۲ میلیارد دلار** رسید. سینوواک با تمرکز بر نوآوری و توسعه محصولات جدید، به دنبال گسترش سهم خود در بازار جهانی واکسن‌ها است و نقش مهمی در تأمین واکسن‌های مورد نیاز در چین و سایر کشورها ایفا می‌کند. این شرکت همچنین به دلیل تولید واکسن‌های غیرفعال، از جمله واکسن کروناواک، در سطح جهانی شناخته شده است و توانسته است مجوزهای لازم برای استفاده از محصولات خود را در کشورهای مختلف دریافت کند.

۱۸۳ - در حالی که پروژه ژنوم انسان (HGP) یک پروژه تحقیقاتی علمی بین‌المللی با هدف تعیین جفت پایه‌هایی بود که DNA انسان را تشکیل می‌دهند، چین سهم قابل توجهی در آن داشت. اولین پروژه ملی چین در مورد ژنوم انسان که رسماً در سال ۱۹۹۴ اعلام شد، به دلیل محدودیت منابع در آن زمان، بر ایجاد زیرساخت، فناوری اصلی، جمع‌آوری نمونه ژنتیکی و آموزش متخصصان تحقیق تمرکز داشت. چین در سال ۱۹۹۹ به HGP پیوست و تقریباً ۱٪ از کل تلاش توالی‌یابی ژنوم انسان را برعهده گرفت و توالی‌یابی ۳۰ میلیون جفت باز روی کروموزوم ۳ را تکمیل کرد. پیش‌نویس مأموریت تا پایان ماه می ۲۰۰۰ به پایان رسید. پس از HGP، پروژه Yanhuang با هدف توالی‌یابی ۱۰۰ ژنوم انسان چینی برای ساخت نقشه پلی مورفیسم ژنتیکی با وضوح بالا برای ترویج تحقیقات پزشکی در چین انجام شد. در سپتامبر ۲۰۲۴، پیشنهادی برای پروژه ژنوم انسان ۲ (HGP2) ارائه شد که هدف آن توالی‌یابی ژنوم بیش از ۱٪ از جمعیت جهان (۸۰ میلیون نفر از بیش از ۱۰۰ کشور) است.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

یک میلیون نمونه ژنتیکی رسید که به پژوهشگران کمک کرد تا تحقیقات بیشتری در زمینه درمان‌های شخصی‌سازی شده انجام دهند.

در نهایت، شرکت^{۱۸۴} BGI Genomics نیز یکی از پیشگامان چینی در زمینه بیوتکنولوژی است که بر روی تسلسل‌یابی ژنوم و تحقیقات مرتبط با بیوتکنولوژی تمرکز دارد. این شرکت تا سال ۲۰۲۰ توانسته بود بیش از ۱۰ میلیون تست COVID-19 را انجام دهد و ارزش بازار آن به حدود ۲ میلیارد دلار رسید. BGI با استفاده از فناوری‌های پیشرفته خود، نقش مهمی در کنترل شیوع بیماری‌ها و ارتقاء سطح تحقیقات علمی در چین ایفا کرده است. این نمونه‌ها نشان‌دهنده پیشرفت قابل توجه چین در زمینه بیوتکنولوژی و تأثیر آن بر سلامت عمومی و علم پزشکی است.

فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT)

• توسعه شبکه‌های ارتباطی :

برای چین اولین ماهواره ارتباطی خود را در ۱ فوریه ۱۹۸۶ با پرتاب ماهواره DFH-2 به فضا راه‌اندازی کرد. این ماهواره توسط موشک Long March 3 به مدار فرستاده شد. در حال حاضر، چین دارای دو ایستگاه فضایی است: ایستگاه فضایی تیانگونگ که در حال حاضر در حال ساخت و توسعه است و شامل بخش‌های مختلفی برای انجام تحقیقات علمی و آزمایش‌های فضایی می‌باشد. در زمینه تعداد ماهواره‌ها، چین حدود ۵۰۰ ماهواره فعال در فضا دارد که شامل انواع مختلفی از ماهواره‌ها برای ارتباطات، ناوبری، رصد زمین و تحقیقات علمی می‌شود. ایران تا کنون موفق به پرتاب حداقل ۱۰ ماهواره مختلف شده است و برنامه‌هایی برای پرتاب‌های بیشتری نیز دارد.

در حال حاضر مجموع تعداد ماهواره‌ها موجود در مدار بیش از ۲۵،۰۰۰ می‌باشد که تقریباً ۹،۱۱۵ عدد از آن‌ها فعال می‌باشند که به ترتیب امریکا با ۴۵۱۱، چین با ۵۸۶، انگلستان ۵۶۱، روسیه ۱۷۷، هند ۶۲، کانادا ۵۶، آلمان ۴۵، لوکزامبورگ ۴۵، آرژانتین ۳۸ اسرائیل ۲۷ و سایر کشور ۱۰۰۰ عدد را در اختیار دارند.

۱۸۴ - شرکت BGI Genomics که در سال ۱۹۹۹ تأسیس و در شنزن چین مستقر است، یکی از سازمان‌های پیشرو در زمینه علوم زندگی و ژنومیک در سطح جهانی به شمار می‌آید. این شرکت به عنوان یک زیرمجموعه از گروه BGI، به ارائه راه‌حل‌های یکپارچه برای پزشکی دقیق، توالی‌یابی ژنومی و خدمات آزمایش بالینی می‌پردازد. BGI Genomics در بیش از ۱۰۰ کشور فعالیت می‌کند و به مشتریان متنوعی از جمله مؤسسات دانشگاهی، ارائه‌دهندگان خدمات بهداشتی و شرکت‌های داروسازی خدمت‌رسانی می‌کند. این شرکت به خاطر فناوری نوآورانه توالی‌یابی DNBSEQTM خود شناخته شده است و خدمات گسترده‌ای از جمله آزمایش‌های غیرتهاجمی پیش از زایمان، غربالگری ژنتیکی نوزادان و تشخیص سرطان را ارائه می‌دهد. هدف این شرکت بهره‌گیری از تحقیقات ژنومی برای بهبود سلامت عمومی و تسریع نوآوری‌های علمی در حوزه‌های مختلفی مانند سلامت باروری و پرورش مولکولی است.

از نظر عملکرد مالی، BGI Genomics در سال ۲۰۲۳ درآمد سالانه‌ای حدود ۱،۶ میلیارد دلار گزارش کرده است که حاشیه سود آن نشان‌دهنده موقعیت قوی این شرکت در بازار ژنومیک است. این رشد به تجربه گسترده آن در این حوزه، قابلیت‌های پیشرفته بیوانفورماتیک و تعهد به ارائه نتایج با کیفیت بالا و قیمت‌های رقابتی نسبت داده می‌شود. این شرکت همچنان به گسترش حضور جهانی خود و سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه برای ارتقاء خدمات خود و حفظ رهبری‌اش در بخش ژنومیک ادامه می‌دهد.

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

نکته جالب در خصوص ماهوره ها در عصر حاضر، حضور بخش خصوصی است بطوریکه تعداد ماهواره‌های «استارلینک»^{۱۸۵} که توسط شرکت اسپیس‌ایکس به فضا پرتاب شده، در حال حاضر به بیش از ۶۵۰۰ رسیده است. و این شرکت در نظر دارد تا ۴۲ هزار ماهواره دیگر را نیز به فضا پرتاب کند.

- **تولید کامپیوتر:** تولید رایانه شخصی، صنعتی رشد چشمگیری داشت و صادرات آن به کشورهای آسیایی افزایش یافت.^{۱۸۶} در مجموع، تولید جهانی کامپیوتر به ۲۴۷ میلیون دستگاه در سال ۲۰۲۳ رسید که نشان‌دهنده کاهش ۱۳ تا ۱۴ درصدی نسبت به سال گذشته است. این کاهش به دلیل چالش‌های مختلف بازار، از جمله کاهش تقاضا و عدم قطعیت‌های اقتصادی رخ داده است. در میان چهار تولید کننده ۷۰٪ از تولید کامپیوترهای شخصی را در اختیار دارند که عبارتند از ۱- Lenovo ۵۹ میلیون، ۲- HP ۵۳ میلیون، ۳- Dell ۴۰ میلیون و ۴- Apple ۴۰ میلیون دستگاه تولید کرده اند.

علوم فضایی

• پروژه‌های فضایی :

در دوران اصلاحات دنگ شیائوپینگ، بیوتکنولوژی چین به پیشرفت‌های چشمگیری در تولید ماهواره‌های تحقیقاتی دست یافت که از جمله آن‌ها می‌توان به سری ماهواره‌های **دونگ فانگ هونگ** اشاره کرد. این سری ماهواره‌ها به عنوان نمادی از توانمندی‌های علمی و فناوری چین در زمینه تحقیقات فضایی شناخته می‌شوند و اولین ماهواره از این سری در سال ۱۹۷۰ به فضا پرتاب شد. هدف اصلی این ماهواره‌ها جمع‌آوری داده‌های علمی و جغرافیایی بود که به توسعه فناوری‌های مختلف در چین کمک کرد. با توجه به سرمایه‌گذاری‌های گسترده در این حوزه،

۱۸۵ - شرکت استارلینک (Starlink) به عنوان یک پروژه اینترنت ماهواره‌ای، در سال ۲۰۱۵ به صورت عمومی اعلام شد و توسط **ایلان ماسک** و برادرش **کیمبال ماسک** تأسیس گردید. این پروژه به عنوان بخشی از شرکت اسپیس‌اکس (SpaceX) شکل گرفت و هدف آن ارائه خدمات اینترنتی با سرعت بالا از طریق یک شبکه ماهواره‌ای در مدار پایین زمین (LEO) است. از زمان آغاز عملیات، اسپیس‌اکس اولین ماهواره‌های استارلینک را در **ماه مه ۲۰۱۹** پرتاب کرد. تا سپتامبر ۲۰۲۴، این شبکه شامل بیش از ۷,۰۰۰ **ماهواره** تولید شده به صورت انبوه بود و هدف آن ارائه پوشش اینترنتی به بیش از **۱۰۰ کشور** و منطقه مختلف است. در سال ۲۰۲۲، استارلینک به بیش از **۱ میلیون مشترک** دست یافت و تا سپتامبر ۲۰۲۴، این تعداد به **۴ میلیون مشترک** افزایش یافت. درآمد سالانه استارلینک در سال ۲۰۲۲ حدود **۱,۴ میلیارد دلار** گزارش شد و پیش‌بینی می‌شود که این درآمد در سال ۲۰۲۵ به **۱۱,۸ میلیارد دلار** برسد. استارلینک با هدف ارائه خدمات اینترنتی در مناطق دورافتاده و کم‌برخوردار از اینترنت، به یکی از پروژه‌های کلیدی اسپیس‌اکس تبدیل شده و نقش مهمی در توسعه زیرساخت‌های ارتباطی جهانی ایفا می‌کند.

۱۸۶ - تولید اولین کامپیوتر جهان به چندین توسعه کلیدی در تاریخ مربوط می‌شود. چارلز بابیج در دهه ۱۸۳۰ مفهوم اولین کامپیوتر مکانیکی، یعنی «ماشین تحلیلی» را ارائه داد که پایه‌گذار محاسبات مدرن بود، هرچند که این پروژه در زمان حیات او به اتمام نرسید. اولین کامپیوتر الکترونیکی، که به نام «کامپیوتر آتاناسوف-بری (ABC)» شناخته می‌شود، توسط دکتر جان وینسنت آتاناسوف و دانشجوی تحصیلات تکمیلی‌اش، کلیفورد بری، بین سال‌های ۱۹۳۷ تا ۱۹۴۲ توسعه یافت؛ این کامپیوتر از لامپ‌های خلا برای محاسبات استفاده می‌کرد اما برنامه‌پذیر نبود. سپس، «کامپیوتر عددی الکترونیکی و جامع (ENIAC)» که در سال ۱۹۴۵ تکمیل شد، به عنوان اولین کامپیوتر الکترونیکی عمومی و برنامه‌پذیر شناخته می‌شود که برای انجام محاسبات پیچیده برای ارتش ایالات متحده طراحی شده بود. این نوآوری‌ها به طور کلی نقاط عطف مهمی در تکامل کامپیوترها را نشان می‌دهند.

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

چین توانست تا سال ۲۰۰۰ بیش از ۳۰ ماهواره از این سری را به فضا پرتاب کند و ارزش بازار مرتبط با این فناوری‌ها به حدود یک میلیارد دلار رسید. پیشرفت در این زمینه نه تنها به تقویت زیرساخت‌های علمی و فناوری چین کمک کرد، بلکه موقعیت کشور را در عرصه بین‌المللی نیز تقویت نمود و نشان‌دهنده تعهد چین به نوآوری و تحقیق در زمینه علوم فضایی بود.

آغاز پروژه‌های فضایی بلندپروازانه، که بعدها به ماموریت‌های سرنشین‌دار منجر شد.

در دوران اصلاحات دنگ شیائوپینگ، پروژه‌های فضایی بلندپروازانه‌ای آغاز شد که به تدریج به ماموریت‌های انسانی منجر گردید. یکی از مهم‌ترین این پروژه‌ها، پروژه ۹۲۱ بود^{۴۷} که در اوایل دهه ۱۹۹۰ راه‌اندازی شد و هدف آن توسعه فناوری‌های فضایی و ارسال فضانوردان به فضا بود. این پروژه با تأکید بر تقویت توانمندی‌های علمی و فناوری چین، به طراحی و ساخت فضاپیماهای پیشرفته‌ای مانند شِنژو (Shenzhou) منجر شد. اولین پرواز انسانی چین با فضاپیماي شِنژو-۵ در سال ۲۰۰۳ انجام شد که فضانورد چینی یانگ لی‌وی را به فضا برد و چین را به سومین کشور جهان تبدیل کرد که توانسته بود فضانوردی را به فضا بفرستد.

این موفقیت‌ها نه تنها به تقویت موقعیت چین در عرصه بین‌المللی کمک کرد بلکه نشان‌دهنده عزم راسخ این کشور برای پیشرفت در علوم فضایی و فناوری‌های مرتبط بود. پروژه‌های فضایی چین به سرعت توسعه یافتند و تا سال ۲۰۲۴، برنامه‌های جدیدی برای ایجاد ایستگاه فضایی دائمی در حال اجراست. این ایستگاه فضایی با نام تیانِهه (Tianhe) قرار است به عنوان یک پایگاه تحقیقاتی برای انجام آزمایشات علمی در فضا مورد استفاده قرار گیرد. این تحولات نشان‌دهنده پیشرفت قابل توجه چین در زمینه فناوری فضایی و تعهد آن به توسعه پایدار در این حوزه است.

مقایسه عملکرد علوم و فناوری قبل و بعد از اصلاحات

شاخص علمی/فناوری	۱۹۷۸ (قبل از اصلاحات)	۱۹۹۰ (بعد از اصلاحات)
مقالات علمی منتشرشده	۵,۰۰۰	۲۰,۰۰۰
هزینه‌های D&R به GDP	کمتر از ۰.۵٪	بیش از ۱٪

۱۸۷ - برنامه فضایی سرنشین‌دار چین که با نام پروژه ۹۲۱ نیز شناخته می‌شود، رسماً در ۲۱ سپتامبر ۱۹۹۲ تصویب شد و به منظور توسعه و ارتقای قابلیت‌های پرواز فضایی انسان آغاز شد. این پروژه به سه فاز تقسیم شد: پرتاب فضاپیماهای سرنشین‌دار و اطمینان از بازگشت آنها، ایجاد آزمایشگاه‌های فضایی با قابلیت‌های فعالیت خارج از خودرو و ساخت یک ایستگاه فضایی مدولار بلند مدت. حمایت سیاسی و مالی سطح بالا به این برنامه دامن زد، که چین آن را راهی برای افزایش غرور ملی و افزایش اعتبار جهانی، قدرت اقتصادی، مهارت علمی، دفاع ملی و انسجام خود می‌دانست. اهداف اصلی پروژه ۹۲۱ شامل دستیابی به پرواز فضایی انسان و بهره‌برداری از یک ایستگاه فضایی سرنشین‌دار "دائمی" چینی بود. موفقیت پروژه ۹۲۱ باعث شده است که چین سومین کشوری باشد که به طور مستقل به پرواز فضایی انسان دست یافته است و دومین کشوری باشد که یک ایستگاه فضایی مدولار تک کشوری را اداره می‌کند.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

تعداد دانشجویان اعزامی به خارج	کمتر از ۵،۰۰۰	بیش از ۱۰۰،۰۰۰
تعداد ماهواره‌های پرتاب‌شده	۱	۶

اصلاحات دنگ در حوزه علوم و فناوری نه تنها زیرساخت‌های علمی را بازسازی کرد، بلکه با جذب فناوری‌های مدرن و ایجاد پیوند بین دانش و صنعت، مسیر چین را به سمت تبدیل شدن به یکی از پیشگامان علمی و فناوری جهان هموار کرد. این اصلاحات تأثیر مستقیمی بر رشد صنعتی و اقتصادی چین گذاشت و زمینه را برای موفقیت‌های بعدی در فناوری اطلاعات، علوم فضایی، و بیوتکنولوژی فراهم کرد.

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

د: مدرن سازی دفاع ملی

دنگ شیائوپینگ به خوبی درک می کرد که مدرن سازی دفاع ملی نقشی اساسی در تضمین امنیت و استقلال چین دارد. او معتقد بود که برای رقابت در عرصه بین المللی و حفاظت از تمامیت ارضی، چین به یک نیروی نظامی مدرن و کارآمد نیاز دارد. سیاست های دنگ در حوزه دفاع ملی عمدتاً بر بازسازی ساختار نظامی، مدرن سازی تجهیزات، کاهش بودجه نظامی برای تمرکز بر توسعه اقتصادی، و تقویت صنایع دفاعی متمرکز بود.

وضعیت دفاع ملی چین پیش از اصلاحات دنگ

ویژگی های دفاع ملی پیش از ۱۹۷۸:

تمرکز بر نیروی انسانی:

✓ ارتش آزادی بخش خلق چین (PLA):

قبل از اصلاحات دنگ شیائوپینگ، ارتش آزادی بخش مردم چین (PLA) عمدتاً بر اساس ایدئولوژی انقلابی فعالیت می کرد و به نیروی انسانی بسیار زیادی (حدود ۶ میلیون نفر) وابسته بود. این ارتش به عنوان یک نیروی نظامی بزرگ، بیشتر بر روی تاکتیک های جنگی نامتقارن و جنگ های چریکی تمرکز داشت و به دلیل عدم مدرن سازی تجهیزات و استراتژی ها، کارایی کمتری در مقایسه با نیروهای مسلح کشورهای پیشرفته داشت. در این دوره، PLA نقش فعالی در سیاست های داخلی ایفا می کرد و در بسیاری از مسائل اجتماعی و اقتصادی دخالت داشت. با این حال، عملکرد ضعیف ارتش در جنگ چین و ویتنام در اوایل دهه ۱۹۸۰، ضرورت انجام اصلاحات را نمایان کرد. دنگ شیائوپینگ با هدف کاهش نقش سیاسی ارتش و افزایش کارایی نظامی آن، اصلاحات گسترده ای را آغاز کرد که به تدریج به مدرن سازی PLA منجر شد و این نیرو را از یک نیروی انقلابی به یک نیروی نظامی حرفه ای تر تبدیل کرد.

✓ تجهیزات قدیمی و عمدتاً برگرفته از شوروی، بدون برنامه ریزی برای ارتقاء فناوری.

قبل از اصلاحات دنگ شیائوپینگ، تجهیزات نظامی چین عمدتاً قدیمی و وابسته به فناوری های شوروی بود و برنامه ای برای به روزرسانی تکنولوژیکی وجود نداشت. ارتش آزادی بخش مردم چین (PLA) به شدت به تسلیحات و تجهیزات نظامی که در دهه های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ از اتحاد جماهیر شوروی دریافت کرده بود، وابسته بود. این تجهیزات شامل تانک ها، هواپیماها و سیستم های تسلیحاتی بودند که با گذشت زمان و پیشرفت فناوری در دیگر کشورها، به شدت کهنه شده بودند. به عنوان مثال، بسیاری از جنگنده ها و تانک های موجود در ارتش چین از مدل های قدیمی شوروی مانند T-54 و J-7 بودند که کارایی کمتری نسبت به رقبای مدرن تر داشتند. این وضعیت نه تنها توان نظامی چین را تحت تأثیر قرار داده بود، بلکه نیاز به اصلاحات گسترده در زمینه مدرنیزاسیون ارتش را نمایان می کرد. دنگ شیائوپینگ با آغاز اصلاحات نظامی خود در اواخر دهه ۱۹۷۰، تلاش کرد تا با جذب فناوری های جدید و همکاری با کشورهای دیگر، به خصوص روسیه، این کمبودها را جبران کند و ارتش را به سمت مدرن سازی سوق دهد.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

تمرکز بر جنگ‌های زمینی:

✓ دکترین نظامی بر جنگ‌های زمینی و دفاع در برابر حملات خارجی متمرکز بود.

قبل از اصلاحات دنگ شیائوپینگ، دکترین نظامی چین به شدت تحت تأثیر ایدئولوژی مائو تسه‌تونگ و تجربیات جنگ‌های داخلی و خارجی قرار داشت. این دکترین عمدتاً بر روی جنگ‌های زمینی متمرکز بود و به مفهوم "جنگ پیاده نظام" تأکید می‌کرد که به معنای استفاده از نیروی انسانی زیاد و تاکتیک‌های نامتقارن در برابر دشمنان بود. ارتش آزادی‌بخش مردم چین (PLA) به عنوان یک نیروی بزرگ، به بیش از ۶ میلیون نفر نیروی انسانی وابسته بود و اعتقاد داشت که این تعداد زیاد می‌تواند در نبردهای زمینی برتری ایجاد کند. استراتژی‌های نظامی چین در این دوره بیشتر بر روی دفاع از مرزها و مقابله با تهدیدات خارجی متمرکز بود. با توجه به تاریخچه جنگ‌های چین با قدرت‌های خارجی، به ویژه جنگ چین و ژاپن و جنگ کره، PLA به دنبال تقویت توانایی‌های خود برای جلوگیری از هرگونه حمله خارجی بود. این رویکرد شامل تقویت خطوط دفاعی و استقرار نیروها در مناطق حساس مرزی می‌شد. دکترین نظامی آن زمان همچنین بر روی استفاده از تاکتیک‌های جنگ چریکی تأکید داشت، که به نیروهای کوچک و متحرک اجازه می‌داد تا در برابر دشمنان بزرگ‌تر و مجهزتر مقاومت کنند.

با این حال، این دکترین با چالش‌هایی مواجه بود. تجهیزات نظامی چین عمدتاً قدیمی و وابسته به فناوری‌های شوروی بودند و برنامه‌ای برای به‌روزرسانی آن‌ها وجود نداشت. بسیاری از تسلیحات موجود، مانند تانک‌ها و هواپیماها، از مدل‌های دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ بودند که دیگر کارایی لازم را نداشتند. همچنین، تمرکز بیش از حد بر روی جنگ‌های زمینی باعث غفلت از توسعه توانایی‌های هوایی و دریایی شد که در دنیای مدرن جنگ اهمیت فزاینده‌ای پیدا کرده بودند. این وضعیت نشان‌دهنده نیاز به تغییر در دکترین نظامی چین بود که با آغاز اصلاحات دنگ شیائوپینگ در اواخر دهه ۱۹۷۰، به تدریج آغاز شد. دنگ شیائوپینگ با هدف مدرن‌سازی ارتش و تغییر در استراتژی‌ها، تلاش کرد تا با جذب فناوری‌های جدید و همکاری با کشورهای پیشرفته، PLA را به سمت یک نیروی نظامی حرفه‌ای‌تر و چندجانبه هدایت کند. این تغییرات نه تنها به تقویت توان دفاعی چین کمک کرد بلکه موقعیت کشور را در عرصه بین‌المللی نیز تقویت نمود.

✓ نیروی هوایی و دریایی نسبت به نیروی زمینی بسیار ضعیف‌تر بودند

قبل از اصلاحات دنگ شیائوپینگ، نیروی هوایی و نیروی دریایی چین به مراتب ضعیف‌تر از نیروی زمینی بودند و این عدم تعادل به وضوح در ساختار نظامی کشور مشاهده می‌شد. ارتش آزادی‌بخش مردم چین (PLA) عمدتاً بر روی جنگ‌های زمینی متمرکز بود و دکترین نظامی آن به طور عمده بر اساس نیازهای دفاعی در برابر تهدیدات خارجی شکل گرفته بود. نیروی زمینی با تکیه بر تعداد بالای نیروها و تجهیزات قدیمی، به عنوان نیروی اصلی ارتش شناخته می‌شد، در حالی که نیروی هوایی و دریایی به دلیل کمبود منابع و تجهیزات مدرن، نقش ثانویه‌ای ایفا می‌کردند. این وضعیت ناشی از تمرکز تاریخی بر روی تقویت توانایی‌های زمینی و غفلت از توسعه توانایی‌های هوایی و دریایی بود که در دنیای مدرن جنگ اهمیت فزاینده‌ای پیدا کرده بودند.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

نیروی هوایی چین در این دوره عمدتاً متکی به جنگنده‌های قدیمی شوروی بود و فاقد توانایی‌های لازم برای انجام عملیات‌های پیچیده هوایی بود. همچنین، نیروی دریایی چین با ناوگان کوچکی از کشتی‌ها و زیر دریایی‌ها، قادر به تأمین امنیت سواحل کشور و انجام عملیات‌های دریایی گسترده نبود. این عدم تعادل در توانمندی‌ها باعث شد که چین نتواند به طور مؤثر در نبردهای چندجانبه یا جنگ‌های مدرن شرکت کند. با آغاز اصلاحات دنگ، نیاز به مدرن‌سازی و تقویت نیروی هوایی و دریایی به وضوح احساس شد و تلاش‌هایی برای افزایش سرمایه‌گذاری در این حوزه‌ها آغاز گردید تا ارتش چین بتواند در برابر چالش‌های جدید جهانی پاسخگو باشد.

اقتصاد نظامی محور:

✓ بودجه عظیم نظامی

قبل از اصلاحات دنگ شیائوپینگ، بودجه نظامی چین در دهه ۱۹۶۰ به بیش از ۱۰ درصد از تولید ناخالص داخلی (GDP) کشور می‌رسید. به طور خاص، در سال ۱۹۶۷، بودجه نظامی چین حدود ۱۰ میلیارد دلار بود که این رقم معادل تقریباً ۱۰,۵ درصد از GDP آن سال بود. این بودجه هنگفت فشار زیادی بر اقتصاد کشور وارد کرد و موجب کاهش سرمایه‌گذاری در سایر بخش‌ها شد، زیرا منابع مالی زیادی به تأمین هزینه‌های نظامی اختصاص می‌یافت. در سال ۲۰۰۰، بودجه نظامی چین به حدود ۲۲,۴ میلیارد دلار رسید که معادل تقریباً ۲,۳ درصد از GDP کشور بود. این رقم نشان‌دهنده تغییرات قابل توجهی در ساختار اقتصادی و نظامی چین پس از اصلاحات دنگ است. پیش‌بینی می‌شود که در سال ۲۰۲۴، بودجه نظامی چین به ۴۷۱ میلیارد دلار برسد که معادل حدود ۱,۷ درصد از GDP خواهد بود. این تغییرات نشان‌دهنده تلاش‌های چین برای مدرن‌سازی نیروهای مسلح خود و افزایش توانایی‌های دفاعی در برابر تهدیدات جهانی است.^{۱۸۸}

فقدان فناوری پیشرفته:

✓ فناوری‌های نظامی چین

قبل از اصلاحات دنگ شیائوپینگ، فناوری نظامی چین به طور قابل توجهی از کشورهای پیشرفته غربی و حتی از اتحاد جماهیر شوروی عقب‌تر بود. ارتش آزادی‌بخش مردم چین (PLA) عمدتاً به تجهیزات و تسلیحات قدیمی وابسته بود که از دهه‌های گذشته به ارث رسیده بودند، به‌ویژه از شوروی. عدم مدرنیزاسیون به این معنا بود که قابلیت‌های نظامی چین محدود بود، به‌ویژه در زمینه فناوری‌های پیشرفته‌ای مانند سلاح‌های دقیق، هواپیماهای مدرن و کشتی‌های نیروی دریایی. برای مثال، در حالی که شوروی در حال توسعه سیستم‌های موشکی پیشرفته و جنگنده‌های مدرن بود، ارتش چین هنوز از مدل‌های قدیمی استفاده می‌کرد که فاقد پیچیدگی‌های تکنولوژیکی لازم برای جنگ‌های معاصر بودند.

۱۸۸ - برای مشاهده آمار دقیق‌تر و مقایسه بودجه‌های نظامی کشورهای مختلف، می‌توانید به وبسایت‌های معتبر مانند SIPRI به آدرس: www.sipri.org یا Macrotrends به آدرس: www.macrotrends.net مراجعه کنید که اطلاعات جامعی درباره هزینه‌های نظامی کشورهای مختلف ارائه می‌دهند.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

این عقب‌ماندگی تکنولوژیکی با تمرکز بر جنگ‌های زمینی و دکتترین نظامی که بر روی نیروی انسانی زیاد تأکید داشت، تشدید شد. PLA به شدت به نیروی انسانی (حدود ۶ میلیون نفر) وابسته بود و این موضوع باعث شد که سرمایه‌گذاری کمی در تحقیق و توسعه یا خرید فناوری‌های مدرن صورت گیرد. در نتیجه، توانایی چین برای شرکت در سناریوهای جنگ مدرن به شدت محدود بود. این وضعیت دنگ شیائوپینگ را بر آن داشت تا مجموعه‌ای از اصلاحات نظامی را آغاز کند که هدف آن مدرن‌سازی PLA بود، شامل جستجوی فناوری‌های خارجی، بازسازی سازمان‌های نظامی و افزایش بودجه دفاعی به منظور تقویت قابلیت‌های نظامی چین در برابر تهدیدات جهانی در حال تغییر.

✓ عدم تولید سیستم‌های پیشرفته مانند موشک‌های هدایت‌شونده، رادارهای مدرن، یا زیردریایی‌های پیشرفته.

قبل از اصلاحات دنگ شیائوپینگ، صنعت نظامی چین به شدت از تولید سیستم‌های پیشرفته‌ای مانند موشک‌های هدایت‌شونده، رادارهای مدرن و زیردریایی‌های پیشرفته عقب مانده بود. این کمبودها ناشی از وابستگی چین به فناوری‌های قدیمی و تجهیزات نظامی بود که عمدتاً از اتحاد جماهیر شوروی به دست آمده بودند و در طول زمان به‌روز نشده بودند. در این دوره، چین نتوانست به تولید سلاح‌های پیشرفته‌ای که برای مقابله با تهدیدات مدرن ضروری بودند، بپردازد. به عنوان مثال، در حالی که کشورهای پیشرفته در حال توسعه موشک‌های بالستیک و سیستم‌های دفاع هوایی پیشرفته بودند، چین هنوز در تلاش بود تا توانایی‌های ابتدایی خود را در این زمینه‌ها تقویت کند.

علاوه بر این، عدم سرمایه‌گذاری کافی در تحقیق و توسعه و کمبود منابع مالی باعث شد که چین نتواند به فناوری‌های نوین دست یابد. این وضعیت نه تنها بر توانایی‌های نظامی چین تأثیر منفی گذاشت بلکه موجب شد که ارتش آزادی‌بخش مردم چین (PLA) نتواند به طور مؤثر در نبردهای مدرن شرکت کند. با شروع اصلاحات دنگ و تلاش برای مدرن‌سازی ارتش، نیاز به تولید سیستم‌های پیشرفته نظامی و جذب فناوری‌های خارجی به وضوح احساس شد. این تغییرات به تدریج آغاز شد و هدف آن افزایش توانایی‌های دفاعی چین و همگام شدن با پیشرفت‌های جهانی در زمینه فناوری نظامی بود.

اصلاحات دنگ در حوزه دفاع ملی

دنگ شیائوپینگ با اجرای اصلاحات گسترده، رویکردی جدید را برای مدرن‌سازی دفاع ملی اتخاذ کرد. این اصلاحات شامل موارد زیر بودند:

کاهش اندازه ارتش و بهینه‌سازی ساختار نظامی:

• **کاهش تعداد نیروها:** دنگ به‌منظور افزایش کارایی، اندازه ارتش را از ۶ میلیون نفر به ۴ میلیون نفر در اوایل دهه ۱۹۸۰ کاهش داد و تا ۱۹۹۰ این رقم به حدود ۳ میلیون نفر رسید و این تعداد تقریباً تا کنون ثابت مانده است (۳,۳ میلیون نفر در سال ۲۰۲۳ می باشد که ۲ میلیون فعال و ۱,۳ میلیون نفر آماده به

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

خدمت هستند) از این تعداد ۱,۶ میلیون نفر نیروی زمینی، نیروی هوایی ۴۰۰ هزار نفر، ۲۵۰ هزار نفر نیروی دریایی و نیروهای پدافند موشکی ۱۰۰ هزار نفر می باشد.

از لحاظ تعداد نیروهای مسلح (فعال و آماده به خدمت) کشورهای بعد عبارتند از: ۲- روسیه ۳ میلیون (۸۵۰ هزار فعال)، ۳- هند ۲,۶ میلیون نفر (۱,۴۵ فعال)، ۴- امریکا (۱,۴ فعال)، ۵- کره شمالی ۱,۹ میلیون نفر (۱,۲ فعال)، ۶- پاکستان ۱,۲ میلیون نفر (۶۴۰ هزار فعال)، ۷- ایران ۵۷۵ هزار نفر^{۱۸۹}

• تمرکز بر کیفیت به جای کمیت:

یکی از جنبه‌های اصلاحات نظامی دنگ شیائوپینگ، تمرکز بر کیفیت به جای کمیت بود که به تخصصی‌تر شدن نیروها و جایگزینی آموزش‌های فنی و نظامی به جای ایدئولوژی منجر شد. در این دوره، دنگ تأکید کرد که ارتش آزادی‌بخش مردم چین (PLA) باید به یک نیروی مدرن و کارآمد تبدیل شود که قادر به پاسخگویی به تهدیدات جدید باشد. او با کاهش تعداد نیروها و تمرکز بر بهبود کیفیت آموزش و تجهیزات، تلاش کرد تا PLA را از یک نیروی نظامی بزرگ و نامنظم به یک نیروی تخصصی و حرفه‌ای تبدیل کند. این تغییرات شامل سرمایه‌گذاری در فناوری‌های نوین و به‌روزرسانی تجهیزات نظامی بود که به ارتقای توانایی‌های عملیاتی ارتش کمک کرد.

دنگ همچنین ایدئولوژی مائو را که بر جنگ‌های چریکی و تکیه بر نیروی انسانی تأکید داشت، کنار گذاشت و به جای آن بر استفاده از تکنیک‌ها و استراتژی‌های مدرن تمرکز کرد. این تغییر رویکرد شامل آموزش‌های فنی پیشرفته برای پرسنل نظامی و ایجاد ساختارهای جدید سازمانی بود که امکان همکاری بهتر بین بخش‌های مختلف نیروهای مسلح را فراهم می‌آورد. در نتیجه، PLA توانست با افزایش قابلیت‌های خود در زمینه‌های هوایی، دریایی و زمینی، به یک نیروی مؤثرتر در صحنه جهانی تبدیل شود. این اصلاحات نه تنها به تقویت توان دفاعی چین کمک کرد بلکه موقعیت آن را در برابر چالش‌های بین‌المللی نیز تقویت نمود.

تقویت صنایع دفاعی:

• توسعه فناوری‌های پیشرفته:

✓ سرمایه‌گذاری در صنایع دفاعی برای تولید موشک‌های بالستیک، زیردریایی‌های هسته‌ای، و جت‌های جنگنده.

در دوران اصلاحات دنگ شیائوپینگ، یکی از اولویت‌های اصلی تقویت صنعت دفاعی چین و توسعه فناوری‌های پیشرفته نظامی بود.

موشک‌های بالستیک یکی از این فناوری‌ها بودند که چین به سرعت در توسعه آن‌ها پیشرفت کرد. برنامه موشکی چین به عنوان یکی از فعال‌ترین و متنوع‌ترین برنامه‌های جهان شناخته می‌شود. تا سال ۲۰۲۱، چین دارای حدود **۳۵۰ موشک بالستیک قاره‌پیما (ICBM)** بود که شامل پرتابگرهای ثابت و متحرک می‌شود. موشک **DF-5**، که قابلیت حمل کلاهک‌های هسته‌ای را دارد، به عنوان یکی از مهم‌ترین موشک‌ها در زرادخانه

^{۱۸۹} <https://www.isna.ir/news/1401060604494> / بزرگ‌ترین ارتش‌های جهان - بر مبنای آمار و ارقام - کمی

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

هسته‌ای چین محسوب می‌شود. با توجه به گزارش‌ها، چین در سال ۲۰۱۹ بیشترین تعداد آزمایش‌های موشکی را نسبت به سایر کشورها انجام داد و این نشان‌دهنده تعهد این کشور به تقویت توانایی‌های نظامی خود است. زیردریایی‌های هسته‌ای نیز یکی دیگر از دستاوردهای مهم چین در زمینه فناوری نظامی بودند. در سال ۱۹۸۲، چین اولین آزمایش موفق زیردریایی هسته‌ای خود را انجام داد و از آن زمان به تدریج ناوگان زیردریایی‌های هسته‌ای خود را گسترش داد. تا سال ۲۰۲۲، چین دارای حدود ۱۲ زیردریایی هسته‌ای بود که قادر به حمل موشک‌های بالستیک بودند. این زیردریایی‌ها به عنوان بخشی از استراتژی بازدارندگی هسته‌ای چین عمل می‌کنند و توانایی انجام مأموریت‌های طولانی‌مدت در آب‌های عمیق را دارند. سرمایه‌گذاری در این حوزه نه تنها به تقویت قدرت دریایی چین کمک کرده بلکه نشان‌دهنده عزم راسخ این کشور برای ارتقاء توانمندی‌های نظامی خود است. جنگنده‌ها نیز بخش دیگری از تلاش‌های چین برای مدرن‌سازی نیروی هوایی بودند. جنگنده‌های J-20 و J-10 به عنوان نمونه‌هایی از پیشرفته‌ترین جنگنده‌های چینی شناخته می‌شوند. جنگنده J-20 که در سال ۲۰۱۶ وارد خدمت شد، یک جنگنده پنهانکار نسل پنجم است که برای رقابت با جنگنده‌های پیشرفته غربی طراحی شده است. تا سال ۲۰۲۱، چین دارای حدود ۱،۵۰۰ جنگنده فعال بود که شامل انواع مختلفی از جنگنده‌ها و بمب‌افکن‌ها می‌شود. این پیشرفت‌ها نشان‌دهنده تلاش چین برای افزایش قابلیت‌های هوایی خود و رقابت با قدرت‌های بزرگ جهانی است. این اصلاحات و سرمایه‌گذاری‌ها در صنایع دفاعی نه تنها به مدرن‌سازی ارتش چین کمک کرد بلکه موقعیت این کشور را در صحنه بین‌المللی تقویت نمود و نشان‌دهنده عزم راسخ آن برای تبدیل شدن به یک قدرت نظامی بزرگ بود.

✓ آغاز تولید موشک‌های قاره‌پیما مانند سری DF-5 و DF-21

موشک DF-5 (Dong Feng-5) یکی از مهم‌ترین موشک‌های بالستیک بین‌قاره‌ای چین است که در دهه ۱۹۶۰ توسعه یافت و در سال ۱۹۸۱ به خدمت درآمد. این موشک دارای بردی بین ۱۲،۰۰۰ تا ۱۳،۰۰۰ کیلومتر است و قادر به حمل کلاهک‌های هسته‌ای با وزن ۳،۹۰۰ کیلوگرم می‌باشد. DF-5 یک موشک دو مرحله‌ای با سوخت مایع است که در سیلوهای زیرزمینی مستقر می‌شود و به عنوان اولین ICBM چین شناخته می‌شود. این موشک می‌تواند با کلاهک‌های هسته‌ای با قدرت تخریبی بین ۱ تا ۳ مگاتن مجهز شود و دقت آن در حدود ۸۰۰ متر CEP است. همچنین، تخمین زده می‌شود که چین حدود ۱۰ فروند از این موشک‌ها را در اختیار دارد. موشک DF-21 نیز یکی دیگر از موشک‌های بالستیک مهم چین است که به عنوان نسل دوم ICBM ها شناخته می‌شود. این موشک دارای بردی بالغ بر ۱،۵۰۰ کیلومتر است و به عنوان یکی از پیشرفته‌ترین موشک‌های بالستیک چین محسوب می‌شود. DF-21 به ویژه به عنوان یک سیستم ضد کشتی بالستیک (ASBM) شناخته شده است و قابلیت هدف‌گیری گروه‌های دریایی متحرک را دارد. این موشک می‌تواند با استفاده از وسایل ورودی قابل مانور (MaRVs) و سیستم‌های هدایت نهایی، دقت بالایی را در هدف‌گیری فراهم کند. DF-21 همچنین در چندین نسخه مختلف تولید شده که شامل DF-21D برای هدف‌گیری کشتی‌ها و DF-21C برای حمل کلاهک‌های هسته‌ای می‌شود.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

این دو موشک نشان‌دهنده تلاش‌های چین برای تقویت توانایی‌های نظامی خود و ایجاد یک بازدارندگی مؤثر در برابر تهدیدات جهانی هستند و نقش مهمی در استراتژی دفاعی چین ایفا می‌کنند.

• همکاری با بخش غیرنظامی:

یکی از اصلاحات نظامی در دوران دنگ شیائوپینگ، همکاری با بخش غیرنظامی بود که به صنایع دفاعی مأموریت داد تا فناوری‌های خود را برای کاربردهای غیرنظامی توسعه دهند. این رویکرد به ویژه در صنایع الکترونیک و هوافضا تأثیرگذار بود. به عنوان مثال، برنامه‌های فضایی چین که به تولید ماهواره‌ها و فناوری‌های فضایی منجر شد، به طور مستقیم از فناوری‌های نظامی نشأت گرفت. تا سال ۲۰۲۰، چین موفق به پرتاب بیش از ۳۰۰ ماهواره شده بود. چین از ابتدای برنامه فضایی خود تا سال ۲۰۲۴، در مجموع تقریباً ۱۲۰۰ ماهواره را با موفقیت به فضا پرتاب کرده است. این رقم نشان‌دهنده پیشرفت‌های سریع چین در فناوری فضایی و تعهد آن به گسترش قابلیت‌های ماهواره‌ای خود برای کاربردهای مختلف، از جمله ارتباطات، رصد زمین و تحقیقات علمی است. این کشور به طور مداوم فرکانس پرتاب خود را افزایش داده است و اهداف بلندپروازانه‌ای را برای مأموریت‌های آینده تعیین کرده است و موقعیت خود را به عنوان یک بازیگر اصلی در صنعت فضایی جهانی بیشتر تثبیت می‌کند. این همکاری همچنین باعث شد که صنایع دفاعی چین به سمت تولید کالاهای غیرنظامی حرکت کنند و به افزایش تنوع محصولات خود بپردازند. در سال ۲۰۱۹، ارزش بازار صنایع دفاعی چین حدود ۲۰۰ میلیارد دلار تخمین زده شد و پیش‌بینی می‌شود که این رقم تا سال ۲۰۲۵ به ۳۰۰ میلیارد دلار برسد. با توجه به این تغییرات، صنایع دفاعی توانستند با استفاده از منابع و فناوری‌های موجود، محصولات جدیدی را توسعه دهند که نه تنها نیازهای نظامی را برآورده می‌کرد بلکه در زمینه‌های اقتصادی نیز مفید واقع می‌شد. این رویکرد به چین کمک کرد تا به یک قدرت صنعتی بزرگ تبدیل شود و توانایی‌های خود را در زمینه‌های مختلف اقتصادی و نظامی تقویت کند.

بازنگری دکنترین نظامی:

• تمرکز بر جنگ‌های مدرن:

✓ دنگ سیاست نظامی را از جنگ‌های زمینی سنتی به توانایی انجام جنگ‌های مدرن و ترکیبی تغییر داد.

قبل از اصلاحات دنگ شیائوپینگ، سیاست نظامی چین عمدتاً بر اساس جنگ‌های زمینی سنتی بنا شده بود و بر روی تاکتیک‌های نامتقارن و جنگ‌های چریکی تأکید داشت. اما در دوران دنگ، تغییرات اساسی در دکنترین نظامی چین آغاز شد که هدف آن پاسخگویی به چالش‌های جدید جهانی و مدرن‌سازی نیروی نظامی بود. یکی از مهم‌ترین تغییرات، انتقال تمرکز از جنگ‌های زمینی به جنگ‌های مدرن و محلی بود. در سال ۱۹۸۵، دنگ مفهوم "جنگ مردم تحت شرایط مدرن"^{۱۹۰} را معرفی کرد که شامل "دفاع عمیق" و "جنگ محلی در حاشیه چین"

۱۹۰ - مفهوم "جنگ مردم تحت شرایط مدرن" که توسط دنگ شیائوپینگ معرفی شد، به‌طور اساسی استراتژی نظامی چین را تغییر داد و به‌ویژه از طریق اصول "دفاع عمیق" و "جنگ محلی در حاشیه چین" شکل گرفت. اصل دفاع عمیق شامل یک استراتژی دفاعی لایه‌ای است

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

بود. این تغییرات نشان‌دهنده یک رویکرد جدید در استراتژی نظامی چین بود که به جای تمرکز بر روی نبردهای طولانی‌مدت، به نیاز به توانایی‌های سریع و مؤثر در مواجهه با تهدیدات محلی تأکید می‌کرد. در راستای این تغییرات، دنگ شیائوپینگ همچنین بر اهمیت مدرنیزاسیون تجهیزات نظامی تأکید کرد. این اصلاحات شامل سرمایه‌گذاری در فناوری‌های پیشرفته، خرید تجهیزات مدرن و آموزش پرسنل نظامی بود. به عنوان مثال، تا سال ۲۰۲۰، حدود ۷۰ درصد از تانک‌های اصلی ارتش آزادی‌بخش مردم چین (PLA) به عنوان تانک‌های مدرن طبقه‌بندی شدند و جنگنده‌های جدید مانند J-20 وارد خدمت شدند. همچنین، چین شروع به توسعه موشک‌های بالستیک قاره‌پیما و زیردریایی‌های هسته‌ای کرد که نشان‌دهنده تعهد این کشور به تقویت توانایی‌های دفاعی خود بود. این تغییرات نه تنها قدرت نظامی چین را افزایش داد بلکه موقعیت آن را در صحنه بین‌المللی نیز تقویت کرد و نشان‌دهنده عزم راسخ چین برای تبدیل شدن به یک قدرت نظامی پیشرفته بود.

✓ تقویت نیروی هوایی و دریایی برای محافظت از خطوط تجاری و منافع چین در آب‌های بین‌المللی.

در دوران اصلاحات دنگ شیائوپینگ، یکی از اولویت‌های اصلی تقویت نیروی هوایی و دریایی چین بود تا از مسیرهای تجاری و منافع این کشور در آب‌های بین‌المللی محافظت کند. دنگ با تأکید بر مدرن‌سازی تجهیزات نظامی، به ویژه در نیروی دریایی، به توسعه ناوگان کشتی‌های جنگی و زیردریایی‌ها پرداخت. به عنوان مثال، چین در سال ۱۹۹۸ اولین ناو هواپیمابر خود،^{۱۹} Liaoning، را خریداری کرد و در سال ۲۰۱۲ آن را به خدمت گرفت.

که هدف آن جذب و کند کردن پیشروی دشمن است تا بتوان در زمان مناسب یک ضدحمله انجام داد. این استراتژی بر استفاده از سرزمین وسیع چین برای ایجاد چندین خط دفاعی تأکید دارد، جایی که نیروها می‌توانند عقب‌نشینی کرده و دوباره سازماندهی شوند در حالی که به دشمن مهاجم آسیب می‌زنند. با جذب دشمنان به عمق سرزمین چین، ارتش آزادی‌بخش مردم (PLA) می‌تواند از آگاهی خود نسبت به زمین بهره‌برداری کند و ذخایر خود را به‌طور مؤثر mobilize کند و بدین ترتیب شرایط را برای خود تغییر دهد. این رویکرد نشان‌دهنده تغییر از وابستگی سنتی به بسیج انبوه نیروها به استفاده استراتژیک‌تر از منابع نظامی است که فناوری و تاکتیک‌های پیشرفته را برای افزایش کارایی جنگی ادغام می‌کند.

مفهوم جنگ محلی در حاشیه به تمرکز بر درگیری‌هایی اشاره دارد که ممکن است در مناطق مرزی چین رخ دهد، به جای اینکه درگیر جنگ‌های بزرگ و طولانی‌مدت شود. استراتژی دنگ این واقعیت را می‌پذیرد که جنگ‌های مدرن با قابلیت‌های فناوری بالا و درگیری‌های سریع مشخص می‌شوند و بنابراین نیاز به اقداماتی سریع و قاطع برای حفاظت از منافع ملی وجود دارد. تأکید بر جنگ‌های محلی به چین این امکان را می‌دهد که تلاش‌های نظامی خود را بر روی تهدیدات خاص متمرکز کند بدون اینکه منابع خود را بیش از حد گسترش دهد. این تغییر استراتژیک همچنین شامل توسعه سلاح‌های پیشرفته و بهبود قابلیت‌های عملیاتی مشترک میان شاخه‌های مختلف نظامی است تا اطمینان حاصل شود که PLA می‌تواند به سرعت به هرگونه تجاوز پاسخ دهد. به‌طور کلی، دیدگاه دنگ درباره "جنگ مردم تحت شرایط مدرن" نشان‌دهنده سازگاری با واقعیت‌های ژئوپلیتیکی معاصر است و بر چابکی و برتری فناوری در عملیات‌های دفاعی تأکید دارد.

۱۹۱ - چین در سال ۱۹۹۸ اولین ناو هواپیمابر خود، به نام لیائونینگ (Liaoning)، را خریداری کرد، این ناو در سال ۲۰۱۲ به خدمت گرفته شد. این ناو در ابتدا به عنوان یک ناو "ناو هواپیمابر سنگین" در سال ۱۹۸۵ با نام ریگا (Riga) یک نمونه اولیه از یک ناو هواپیمابر شوروی به نام واریگ (Varyag) بود که در کشتی‌سازی نیکولایف (Nikolayev Shipyard) اوکراین برای نیروی دریایی شوروی ساخته شده بود. که چین آن را به قیمت حدود ۲۰ میلیون دلار خریداری نمود. لیائونینگ یک ناو هواپیمابر نوع STOBAR (Take-Off But Arrested Recovery) است که دارای طولی معادل ۳۰۶٫۴ متر و عرض ۷۴٫۴ متر می‌باشد. این ناو ظرفیت جابجایی ۶۰٫۹۰۰ تن در حالت بار کامل را دارد و می‌تواند تا ۲،۵۰۰ نفر شامل خدمه و گروه هوایی را در خود جای دهد. حداکثر سرعت این ناو ۳۲ گره (۵۹ کیلومتر در ساعت) است و

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

این ناو به عنوان نماد قدرت دریایی چین شناخته می‌شود و توانایی انجام عملیات‌های گسترده در اقیانوس‌ها را دارد. همچنین، چین تا سال ۲۰۲۰ حدود ۱۰ زیردریایی هسته‌ای و بیش از ۳۰ زیردریایی غیرهسته‌ای را به ناوگان خود اضافه کرده بود که نشان‌دهنده تعهد این کشور به تقویت توانایی‌های دریایی خود است. در نیروی هوایی نیز دنگ شیائوپینگ اصلاحات قابل توجهی را آغاز کرد که شامل سرمایه‌گذاری در تولید جنگنده‌های مدرن و سیستم‌های دفاع هوایی بود. جنگنده‌های J-10 و J-20 نمونه‌هایی از پیشرفته‌ترین جنگنده‌های چینی هستند که برای رقابت با جنگنده‌های غربی طراحی شده‌اند. جنگنده J-20 که به عنوان یک جنگنده پنهانکار نسل پنجم شناخته می‌شود، در سال ۲۰۱۶ وارد خدمت شد و قابلیت‌های بالایی در انجام مأموریت‌های هوایی دارد. تا سال ۲۰۲۱، چین دارای حدود ۱،۵۰۰ جنگنده آماده پرواز بود که شامل انواع مختلفی از جنگنده‌ها و بمب‌افکن‌ها می‌شود. این تغییرات نه تنها به تقویت توانایی‌های نظامی چین کمک کرد بلکه موقعیت این کشور را در صحنه بین‌المللی تقویت نمود و نشان‌دهنده عزم راسخ آن برای حفاظت از منافع تجاری و امنیت ملی بود.

کاهش بودجه نظامی و افزایش سرمایه‌گذاری در توسعه اقتصادی:

• کاهش سهم بودجه نظامی در GDP :

✓ سهم بودجه نظامی از بیش از ۱۰٪ تولید ناخالص داخلی در دهه ۱۹۶۰ به کمتر از ۳٪ در سال ۱۹۹۰ کاهش یافت. این کاهش به چین اجازه داد تا منابع بیشتری به توسعه اقتصادی اختصاص دهد.

در سال ۲۰۲۳، بودجه نظامی ده کشور پر هزینه جهان به شرح زیر بوده است: ۱- ایالات متحده ۹۱۶، ۲- چین ۲۹۶، ۳- روسیه ۱۰۹، ۴- هند ۸۳،۶، ۵- عربستان سعودی ۷۵،۸، ۶- بریتانیا ۷۴،۹، ۷- آلمان ۶۶،۸، ۷- اوکراین ۶۴،۸، ۸- فرانسه ۶۱،۳، ۹- ژاپن ۵۰،۲ میلیارد

به طور کلی، هزینه‌های نظامی جهانی در سال ۲۰۲۳ به حدود ۲،۴۴ تریلیون دلار رسید که معادل ۲،۳ درصد از تولید ناخالص جهانی است. این رقم نشان‌دهنده افزایش ۶،۸ درصدی نسبت به سال قبل است و این افزایش در تمامی مناطق جهان، به ویژه در اروپا و آسیا، مشاهده شده است.^{۱۳}

همکاری‌های بین‌المللی:

• انتقال فناوری از کشورهای غربی:

می‌تواند حدود ۴۰ فروند هواپیما و هلی‌کوپتر را حمل کند. از نظر تسلیحات، لیوانینگ به سیستم‌های پیشرفته‌ای مجهز است که شامل دوازده پرتابگر موشک ضد کشتی C-602 و هجده پرتابگر موشک سطح به هوای HQ-10 می‌شود. همچنین این ناو دارای سه سیستم سلاح نزدیک Type 1130 است که برای مقابله با تهدیدات نزدیک طراحی شده‌اند. سیستم‌های راداری پیشرفته نیز بر روی این ناو نصب شده‌اند که شامل رادار AESA Type 346 برای ردیابی و هدف‌گیری می‌باشد. با این ویژگی‌ها، لیوانینگ به یک نیروی قابل توجه در دریای چین جنوبی تبدیل شده و توانایی انجام مأموریت‌های مختلف از جمله قدرت نمایی نظامی و کمک‌های انسانی را داراست.

^{۱۳} <https://wisevoter.com/country-rankings/military-spending-by-country/>

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

✓ در دهه ۱۹۸۰، چین فناوری‌های نظامی مدرن را از کشورهای غربی و ژاپن وارد کرد، مانند هواپیماهای جنگی از فرانسه و سیستم‌های راداری از بریتانیا.

در دوران اصلاحات دنگ شیائوپینگ، چین به طور فعال به واردات فناوری‌های نظامی از کشورهای غربی و ژاپن پرداخت تا توانایی‌های نظامی خود را مدرن‌سازی کند.

ژاپن: یکی از کشورهای مهم در این زمینه بود که چین از آن فناوری‌های پیشرفته‌ای مانند رادارها و سیستم‌های الکترونیکی^{۱۸۳} را وارد کرد. به عنوان مثال، در اوایل دهه ۱۹۸۰، چین با شرکت‌های ژاپنی همکاری کرد تا تکنولوژی‌های مربوط به رادارهای هوایی و دریایی را به دست آورد. این همکاری‌ها به چین کمک کرد تا سیستم‌های راداری خود را بهبود بخشد و قابلیت‌های شناسایی و نظارت خود را افزایش دهد. در نتیجه، توانایی چین در کنترل فضای هوایی و دریایی خود به طرز چشمگیری افزایش یافت.

فرانسه: فرانسه نیز یکی از کشورهای کلیدی در تأمین فناوری‌های نظامی برای چین بود. در سال ۱۹۸۶، چین قرارداد خرید جنگنده‌های Mirage 2000 را امضاء و در مجموع ۴۰ فروند از این هواپیماها را خریداری نمود. هزینه کل این خرید حدود ۲ میلیارد دلار تخمین زده شده است که نشان‌دهنده تلاش چین برای تقویت نیروی هوایی خود بود. این جنگنده‌ها با قابلیت‌های پیشرفته‌تری نسبت به مدل‌های قبلی ارتش چین، به ویژه در زمینه رادار و تسلیحات هوایی، وارد خدمت شدند. همچنین، فرانسه به چین کمک کرد تا فناوری‌هایی برای تولید موشک‌های بالستیک و سیستم‌های دفاع هوایی را توسعه دهد. این همکاری‌ها به چین اجازه داد تا توانمندی‌های نظامی خود را تقویت کند و به سمت یک نیروی هوایی مدرن‌تر حرکت کند.

بریتانیا: این کشور نیز نقش مهمی در انتقال فناوری‌های نظامی به چین ایفا کرد. در اوایل دهه ۱۹۸۰، چین با شرکت‌هایی مانند^{۱۹۴} BAE Systems همکاری کرد تا فناوری‌های پیشرفته‌ای از جمله سیستم‌های راداری و

۱۹۳ - در اوایل دهه ۱۹۸۰، چین با شرکت ژاپنی میتسوبیشی الکتریک (Mitsubishi Electric) همکاری کرد تا فناوری‌های مربوط به رادارهای هوایی و دریایی را به دست آورد. این همکاری به چین کمک کرد تا در زمینه توسعه و بهبود سیستم‌های راداری خود پیشرفت کند و توانایی‌های نظامی‌اش را افزایش دهد. میتسوبیشی الکتریک به عنوان یکی از پیشروان صنعت رادار در ژاپن، نقش مهمی در انتقال دانش و فناوری‌های پیشرفته به چین ایفا کرد که به تقویت قابلیت‌های دفاعی و نظارتی این کشور کمک کرد.

۱۹۴ - شرکت BAE Systems plc یک شرکت چندملیتی بریتانیایی در زمینه هوافضا، دفاع و امنیت اطلاعات است که در ۳۰ نوامبر ۱۹۹۹ از ادغام سیستم‌های الکترونیکی مارکونی (Marconi Electronic Systems) و هوافضای بریتانیا (British Aerospace) تأسیس شد. این شرکت با ارزشی معادل تقریباً ۷٫۷ میلیارد پوند تأسیس شد و به یکی از بزرگ‌ترین پیمانکاران دفاعی در اروپا و همچنین هفتمین بزرگ‌ترین در سطح جهانی تبدیل شد. BAE Systems دارای دفتر مرکزی در لندن است و عمدتاً در بریتانیا و ایالات متحده فعالیت می‌کند و بازارهای قابل توجهی در عربستان سعودی، استرالیا، کانادا، ژاپن، هند، ترکیه، قطر، عمان و سوئد دارد. BAE Systems درآمد سالانه‌ای نزدیک به ۲۳ میلیارد دلار دارد که بر اساس برآوردهای اخیر تخمین زده شده است. این شرکت محصولات متنوعی تولید می‌کند که شامل هواپیماهای نظامی (مانند یوروفایتر تایفون و F-35 Lightning II)، کشتی‌های دریایی (مانند زیر دریایی‌های کلاس آستوت و ناوهای هواپیمابر کلاس ملکه الیزابت)، وسایل نقلیه زرهی (از جمله وسیله نقلیه جنگی M2/M3 برادلی و تانک Challenger 2) و سیستم‌های الکترونیکی پیشرفته (مانند رادارها و راه‌حل‌های امنیت سایبری) می‌شود. BAE Systems نقش حیاتی در پروژه‌های دفاعی مختلف ایفا می‌کند و به امنیت ملی و همکاری‌های بین‌المللی در زمینه دفاع کمک می‌کند.

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

تجهیزات الکترونیکی را وارد کند. این همکاری‌ها شامل تأمین سیستم‌های راداری پیشرفته برای کشتی‌ها و هواپیماها بود که توانایی شناسایی تهدیدات هوایی و دریایی را افزایش داد. با توجه به این انتقال فناوری‌ها، چین توانست ساختار نظامی خود را مدرن‌سازی کرده و قابلیت‌های دفاعی خود را در برابر تهدیدات خارجی تقویت کند. این اقدامات نه تنها بر تقویت توان نظامی چین تأثیر گذاشت بلکه موقعیت آن را در صحنه بین‌المللی نیز تقویت نمود.

• تقویت روابط نظامی با ایالات متحده:

✓ چین همکاری‌های نظامی محدودی با آمریکا در زمینه‌های فناوری پیشرفته و تجهیزات نظامی برقرار کرد.

در دوران اصلاحات دنگ شیائوپینگ، چین به تدریج همکاری‌های نظامی محدودی با ایالات متحده برقرار کرد که به تقویت توانایی‌های نظامی این کشور کمک کرد. یکی از زمینه‌های مهم همکاری، انتقال فناوری‌های نظامی بود. به عنوان مثال، در اوایل دهه ۱۹۸۰، چین موفق به خرید ۵۰ فروند جنگنده‌های F-8 به مبلغ ۵۰۲ میلیون دلار از ایالات متحده شد که به عنوان یک پیشرفت بزرگ در نیروی هوایی چین شناخته می‌شد. این قرارداد شامل ارتقاء تجهیزات الکترونیکی و سیستم‌های ناوبری برای این جنگنده‌ها بود که به بهبود قابلیت‌های نیروی هوایی آزادی‌بخش مردم (PLAAF) کمک کرد. با این حال، پس از حوادث میدان تیان‌آن‌من در سال ۱۹۸۹، همکاری‌های نظامی چین و ایالات متحده به شدت تحت تأثیر قرار گرفت و برنامه‌های مربوط به ارتقاء این جنگنده‌ها متوقف شد.

این جنگنده‌ها به چین کمک کردند تا توانایی‌های خود را در زمینه جنگ هوایی افزایش دهد و به مدرنیزاسیون نیروی هوایی خود بپردازد. همچنین، این همکاری‌ها شامل تأمین تجهیزات الکترونیکی پیشرفته و سیستم‌های راداری بود که به بهبود قابلیت‌های شناسایی و نظارت ارتش چین کمک کرد.

دیگر زمینه همکاری، آموزش و تبادل اطلاعات بود. چین از برنامه‌های آموزشی ایالات متحده برای ارتقاء مهارت‌های نظامی پرسنل خود بهره‌برداری کرد. در این راستا، هزاران افسر چینی برای آموزش‌های نظامی و فنی به ایالات متحده اعزام شدند. این برنامه‌ها شامل آموزش در زمینه مدیریت نظامی، استراتژی‌های جنگ مدرن و استفاده از فناوری‌های نوین بود که به ارتش آزادی‌بخش مردم چین (PLA) اجازه داد تا با استانداردهای بین‌المللی هماهنگ شود. بر اساس گزارش‌ها، تعداد دانشجویان چینی که در سال ۱۹۸۰ برای تحصیل در ایالات متحده اعزام شدند، حدود ۱۰,۰۰۰ نفر بود که نشان‌دهنده تمایل چین به یادگیری از تجربیات نظامی و فناوری‌های پیشرفته غربی است.

سومین زمینه همکاری، توسعه صنایع دفاعی بود. چین با هدف تقویت صنعت دفاعی خود، از فناوری‌ها و تجهیزات آمریکایی بهره‌برداری کرد تا قابلیت‌های تولید داخلی خود را افزایش دهد. این همکاری شامل انتقال فناوری‌هایی برای تولید موشک‌ها و سیستم‌های دفاع هوایی بود که به چین کمک کرد تا توانایی‌های خود را در زمینه بازدارندگی تقویت کند. با توجه به این همکاری‌ها، چین توانست به تدریج به یک قدرت نظامی بزرگ تبدیل شود و موقعیت

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

خود را در صحنه بین‌المللی تقویت کند. این اصلاحات نه تنها بر توان نظامی چین تأثیر گذاشت بلکه نشان‌دهنده تغییرات اساسی در رویکرد این کشور نسبت به همکاری با کشورهای غربی بود.

آثار اصلاحات در حوزه دفاع ملی

اصلاحات دنگ تأثیرات قابل توجهی در حوزه دفاع ملی چین داشت. این تأثیرات را می‌توان در دسته‌بندی‌های زیر بررسی کرد:

مدرن‌سازی تجهیزات نظامی:

۱. موشک‌های بالستیک:

✓ تولید موشک‌های قاره‌پیما مانند DF-5 که توانایی حمل کلاهک هسته‌ای داشتند.

✓ توسعه موشک‌های میان‌برد مانند DF-21 برای اهداف منطقه‌ای.

۲. نیروی هوایی:

✓ تولید جنگنده‌های مدرن مانند J-8 و ارتقاء سیستم‌های قدیمی شوروی مانند MiG-21.

تولید جنگنده‌های مدرن مانند J-8 در چین و به‌روزرسانی سیستم‌های قدیمی شوروی مانند MiG-21 در کشورهای مختلف، نشان‌دهنده تلاش‌های مستمر برای بهبود قابلیت‌های هوایی است. جنگنده J-8 که در دهه ۱۹۷۰ طراحی شده، به عنوان یک جنگنده چندمنظوره با قابلیت‌های پیشرفته‌تر در حال ارتقاء است. چین همچنین با توسعه جنگنده‌های نسل پنجم مانند J-20 و J-35، به دنبال تقویت توانمندی‌های هوایی خود است و این امر نشان‌دهنده تعهد این کشور به فناوری‌های نوین نظامی است.

✓ آغاز تولید هواپیماهای ترابری سنگین و بمب‌افکن‌های دوربرد.

پس از اصلاحات دنگ شیائوپینگ، تولید هواپیماهای حمل و نقل سنگین و بمب‌افکن‌های دوربرد به عنوان بخشی از برنامه‌های مدرن‌سازی نظامی چین آغاز شد. یکی از نمونه‌های بارز این تلاش‌ها، توسعه هواپیمای حمل و نقل سنگین Y-20 است که اولین بار در سال ۲۰۱۳ به پرواز درآمد. این هواپیما با ظرفیت باربری حدود ۶۶ تن، قادر به حمل تجهیزات نظامی و محموله‌های سنگین در مسافت‌های طولانی است. Y-20 به عنوان یک هواپیمای چندمنظوره طراحی شده و می‌تواند در عملیات‌های انسانی، لجستیکی و نظامی مورد استفاده قرار گیرد. با توجه

۱۹۵ - در سال ۲۰۲۳، کشورهایی که بیشترین تعداد موشک‌های بالستیک قاره‌پیما (ICBM) را دارند، عمدتاً ایالات متحده، روسیه و چین هستند. ایالات متحده حدود ۴۰۵ موشک ICBM از نوع LGM-30G Minuteman-III را در اختیار دارد، در حالی که روسیه تقریباً ۲۸۶ موشک ICBM دارد که قادر به حمل تعداد قابل توجهی از کلاهک‌های هسته‌ای هستند. چین نیز تخمین زده می‌شود حدود ۳۵۰ موشک ICBM داشته باشد و به سرعت در حال مدرن‌سازی زرادخانه هسته‌ای خود است و برنامه‌هایی برای افزایش قابلیت‌های خود در سال‌های آینده دارد. سایر کشورهایی که دارای موشک‌های ICBM عملیاتی هستند شامل هند می‌باشد که سری موشک‌های آگنی را توسعه داده است و کره شمالی که به آزمایش و گسترش قابلیت‌های موشکی خود ادامه می‌دهد. همچنین، فرانسه و بریتانیا نیز سیستم‌های موشکی ICBM خود را به عنوان بخشی از نیروهای بازدارنده استراتژیک خود حفظ کرده‌اند.

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

به نیاز روزافزون چین به تقویت توانایی‌های حمل و نقل هوایی خود، این هواپیما به سرعت به یکی از ارکان اصلی نیروی هوایی چین تبدیل شد.

در زمینه بمبافکن‌ها، بمبافکن H-6 که نسخه‌ای از بمبافکن شوروی Tu-16 است، نیز به‌روز شده و به عنوان یکی از مهم‌ترین بمبافکن‌های دوربرد ارتش آزادی‌بخش مردم چین (PLA) شناخته می‌شود. این بمبافکن‌ها قابلیت حمل کلاهک‌های هسته‌ای و غیرهسته‌ای را دارند و می‌توانند در عملیات‌های استراتژیک و بازدارنده مورد استفاده قرار گیرند. تا سال ۲۰۲۰، چین بیش از ۱۰۰ فروند از این بمبافکن‌ها را در اختیار داشت که نشان‌دهنده تعهد کشور به تقویت توانایی‌های هوایی خود برای انجام مأموریت‌های دوربرد است. توسعه این نوع هواپیماها نه تنها به تقویت توان نظامی چین کمک کرد بلکه همچنین به ارتقاء توانایی‌های لجستیکی و عملیاتی ارتش در صحنه بین‌المللی منجر شد. با توجه به موقعیت جغرافیایی چین و نیازهای امنیتی آن، تولید هواپیماهای حمل و نقل سنگین و بمبافکن‌های دوربرد به عنوان بخشی از استراتژی کلی دفاعی کشور، اهمیت فزاینده‌ای پیدا کرد. این تحولات نشان‌دهنده تغییرات بنیادی در دکتترین نظامی چین و تلاش برای ایجاد یک نیروی هوایی مدرن و کارآمد است که بتواند به طور مؤثر از منافع ملی کشور دفاع کند.

۳. نیروی دریایی:

- ✓ تولید اولین زیردریایی‌های هسته‌ای چین مانند سری Type 091 و ناوهای مدرن^{۱۹۶}.
- ✓ افزایش توانایی‌های دریایی برای گشت‌زنی و دفاع از خطوط تجاری در دریای چین جنوبی.

۴. فناوری‌های فضایی و ماهواره‌ای:

- ✓ پرتاب ماهواره‌های نظامی و ارتباطی پیشرفته مانند Ziyuan و Fengyun برای رصد و ارتباطات نظامی.

ماهواره Fengyun: این ماهواره از سری ماهواره‌های Fengyun (FY) که به عنوان ماهواره‌های هواشناسی چین شناخته می‌شوند، از سال ۱۹۸۸ به منظور جمع‌آوری داده‌های جوی و پیش‌بینی وضعیت آب و هوا به فضا پرتاب شده‌اند. این ماهواره‌ها در دو نوع اصلی طراحی شده‌اند: نوع FY-1 و FY-3 که در مدارهای قطبی و نوع FY-2 و FY-4 که در مدارهای ژئواستیشنری^{۱۹۷} قرار دارند. به عنوان مثال، FY-3A، اولین ماهواره از

۱۹۶ - تا سال ۲۰۲۳، در مجموع ۱۲۶ زیر دریایی هسته‌ای در جهان وجود دارد که توسط شش کشور اداره می‌شوند. ایالات متحده با ۶۶ فروند در صدر قرار دارد که شامل کلاس‌های مختلفی مانند Los Angeles، Ohio، Seawolf و Virginia می‌شود. روسیه با ۳۱ زیر دریایی در رتبه دوم قرار دارد که شامل ۱۰ زیر دریایی موشک بالستیک (SSBN) از کلاس‌های Delta IV و Borei می‌باشد. چین دارای ۱۲ فروند است که شامل زیر دریایی‌های کلاس Shang و موشک‌های بالستیک کلاس Type 094 می‌باشد. همچنین، بریتانیا ۱۰ فروند دارد که عمدتاً از کلاس‌های Vanguard و Astute قرار دارند. فرانسه نیز با ۹ فروند شامل زیر دریایی‌های کلاس Rubis و Le Triomphant را عملیاتی کرده است. در نهایت، هند ۲ زیر دریایی هسته‌ای توسعه داده است که شامل INS Arihant و INS Arighat می‌شود و به طور قابل توجهی توانمندی‌های دریایی خود را افزایش داده است.

۱۹۷ - مدارهای ژئواستیشنری، که به عنوان مدار زمین‌ایستا نیز شناخته می‌شوند، مدارهایی هستند که در ارتفاع ۳۵،۷۸۶ کیلومتری بالای سطح زمین قرار دارند و با سرعتی برابر با سرعت چرخش زمین به دور خود می‌چرخند. این ویژگی باعث می‌شود که ماهواره‌های مستقر در این

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

سری FY-3، در May 2008 به فضا پرتاب شد و هدف آن ارائه اندازه‌گیری‌های جهانی از دما و رطوبت در سه بعد، پارامترهای ابر و بارش، و رویدادهای جوی و هیدرولوژیکی بود. تا سال ۲۰۲۱، چین موفق به پرتاب ۲۱ ماهواره Fengyun در چهار کلاس مختلف شده است که نشان‌دهنده پیشرفت قابل توجه این کشور در زمینه فناوری فضایی و جمع‌آوری داده‌های جوی است.

ماهواره: Ziyuan ماهواره‌های زایون نیز به عنوان ماهواره‌های سنجش از دور چین شناخته می‌شوند که برای اهداف نظامی و غیرنظامی طراحی شده‌اند. این ماهواره‌ها برای جمع‌آوری تصاویر با وضوح بالا از زمین و نظارت بر منابع طبیعی استفاده می‌شوند. اولین ماهواره از این سری، Ziyuan-1 در ۱۹۹۹ به فضا پرتاب شد و پس از آن چندین نسخه دیگر از جمله Ziyuan-2 و Ziyuan-3 با قابلیت‌های پیشرفته‌تر توسعه یافتند. به عنوان مثال، Ziyuan-3 که در ۲۰۱۲ به فضا پرتاب شد، دارای توانایی تصویربرداری با وضوح ۱ متر بود و برای کاربردهای نظامی مانند نظارت بر تحرکات نظامی و ارزیابی وضعیت جغرافیایی مورد استفاده قرار گرفت. این ماهواره‌ها نه تنها به تقویت توانایی‌های نظامی چین کمک کردند بلکه همچنین در زمینه مدیریت منابع طبیعی و محیط زیست نیز نقش مهمی ایفا کردند.

کاهش هزینه‌ها و افزایش کارایی:

- کاهش اندازه ارتش باعث شد هزینه‌های جاری کاهش یابد و منابع بیشتری به تجهیزات و فناوری اختصاص یابد که در این خصوص در قسمت بودجه نظامی و درصد از تولید ناخالص داخلی تشریح گردید.

استقلال دفاعی و فناوری:

- چین به‌طور فزاینده‌ای در تولید تجهیزات نظامی پیشرفته خودکفا شد.

چین به تدریج به خودکفایی در تولید تجهیزات نظامی پیشرفته دست یافته و در زمینه‌های مختلفی از جمله تولید سلاح‌ها، تکنولوژی‌های هوایی و ناوگان دریایی به استقلال دفاعی رسیده است. در زمینه تولید سلاح، چین بین سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰ حدود ۹۲ درصد از سلاح‌هایی که به کار گرفته، به صورت داخلی تولید کرده است. این خودکفایی در تولید سلاح نه تنها به چین اجازه می‌دهد تا در زمان جنگ تأمین و تعمیر تجهیزات خود را تضمین کند، بلکه همچنین به کاهش وابستگی به تأمین‌کنندگان خارجی کمک می‌کند. چهار شرکت بزرگ صنایع

مدار از دید ناظری که بر روی زمین ایستاده است، ثابت به نظر برسند و همواره یک نقطه مشخص از سطح زمین را پوشش دهند. این نوع مدار به ویژه برای کاربردهای مخابراتی و هواشناسی بسیار مناسب است، زیرا نیاز به تغییر مداوم زاویه آنتن‌های زمینی را کاهش می‌دهد. ماهواره‌هایی که در مدارهای ژئواستیشنری قرار دارند، معمولاً برای ارائه خدماتی مانند پخش تلویزیونی، ارتباطات رادیویی و نظارت بر وضعیت جوی استفاده می‌شوند. به عنوان مثال، تنها سه ماهواره در این مدار می‌توانند تقریباً تمام سطح زمین (به جز مناطق قطبی) را پوشش دهند. این ویژگی‌ها باعث شده است که مدارهای ژئواستیشنری به یک منبع راهبردی برای سیستم‌های ارتباطی و اطلاعاتی تبدیل شوند و نقش مهمی در تأمین نیازهای ارتباطاتی و نظارتی کشورها ایفا کنند.

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

دفاعی چین^{۱۹۸} بین ۱۰ شرکت برتر جهان قرار دارند که نشان‌دهنده قدرت و ظرفیت بالای این کشور در تولید سلاح است.

در زمینه تکنولوژی‌های هوایی، چین توانسته است تا با توسعه موتورهای جت بومی مانند WS-10 و WS-۱۵، وابستگی خود به موتورهای وارداتی را کاهش دهد. این پیشرفت‌ها در صنعت هوافضا به چین کمک کرده تا جنگنده‌های مدرن مانند J-20 را تولید کند که قابلیت‌های هوایی این کشور را به طرز چشمگیری افزایش داده است. همچنین، چین توانسته است با توسعه برنامه‌های فضایی خود، ماهواره‌های پیشرفته‌ای برای اهداف نظامی و غیرنظامی تولید کند که شامل ماهواره‌های Ziyuan و Fengyun می‌شود.

در نهایت، چین در زمینه ناوگان دریایی نیز به خودکفایی رسیده است. این کشور اکنون بزرگ‌ترین تولیدکننده کشتی‌های جنگی در جهان است و قادر به ساخت انواع مختلف ناوها و زیردریایی‌ها می‌باشد. با توجه به اینکه چین در حال حاضر حدود ۳۷۰ کشتی جنگی دارد، این کشور توانسته است قدرت دریایی خود را تقویت کرده و از منافع تجاری‌اش در آب‌های بین‌المللی محافظت کند. این پیشرفت‌ها نشان‌دهنده عزم راسخ چین برای ایجاد یک صنعت دفاعی مستقل و قوی است که می‌تواند نیازهای نظامی و امنیت ملی این کشور را برآورده کند.

• واردات فناوری‌های نظامی کاهش یافت و صادرات تجهیزات نظامی به کشورهای در حال توسعه آغاز شد.

چین در سال‌های اخیر به تدریج به کاهش واردات فناوری‌های نظامی و افزایش صادرات تجهیزات نظامی به کشورهای در حال توسعه دست یافته است. بر اساس گزارش‌ها، چین بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۴ به عنوان چهارمین بزرگ‌ترین صادرکننده تجهیزات نظامی در جهان شناخته شده و در این دوره، صادرات تسلیحاتی این کشور به حدود ۱۶,۶ میلیارد دلار رسیده است. این صادرات شامل انواع تجهیزات نظامی از جمله هواپیماهای

۱۹۸ - چهار شرکت بزرگ صنایع دفاعی چین که در بین ۱۰ شرکت برتر جهان قرار دارند عبارتند از:

شرکت Norinco - (China North Industries Group Corporation) این شرکت یکی از بزرگترین تولیدکنندگان سلاح و تجهیزات نظامی در چین است و در زمینه تولید تانک، سلاح‌های انفرادی، توپخانه و موشک فعالیت می‌کند. Norinco به عنوان هفتمین شرکت بزرگ تسلیحاتی در جهان شناخته می‌شود.

شرکت AVIC - (Aviation Industry Corporation of China) این شرکت به عنوان یکی از بزرگترین پیمانکاران دفاعی چین، در زمینه طراحی و تولید هواپیماهای نظامی و غیرنظامی فعالیت دارد. AVIC به ویژه برای توسعه جنگنده J-20 مشهور است و در رتبه هشتمین شرکت بزرگ تسلیحاتی جهان قرار دارد.

شرکت CASC - (China Aerospace Science and Technology Corporation) این شرکت پیمانکار اصلی برنامه فضایی چین است و علاوه بر فناوری‌های فضایی، سیستم‌های موشکی و تجهیزات نظامی را نیز توسعه می‌دهد. CASC نهمین شرکت بزرگ دفاعی در جهان است.

شرکت CETC - (China Electronics Technology Group Corporation) این شرکت در زمینه تولید تجهیزات الکترونیکی و سیستم‌های دفاعی فعالیت می‌کند و دهمین شرکت بزرگ تسلیحاتی جهان محسوب می‌شود.

این چهار شرکت با سرمایه‌گذاری‌های کلان و توسعه فناوری‌های بومی، نقش مهمی در تقویت توان نظامی چین ایفا کرده‌اند و به خودکفایی این کشور در تولید تجهیزات نظامی کمک کرده‌اند.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

بدون سرنشین (UAV)، سلاح‌های سبک، و سیستم‌های موشکی می‌شود که به کشورهای مختلفی عرضه شده است. چین دارای چندین شریک اصلی در زمینه صادرات تجهیزات نظامی است که شامل کشورهای زیر می‌شود: **پاکستان**: چین بزرگ‌ترین تأمین‌کننده تسلیحات برای پاکستان است و عمدتاً شامل جنگنده‌ها، تانک‌ها و سیستم‌های موشکی می‌شود. برآورد می‌شود که صادرات چین به پاکستان در این دوره به حدود ۳,۵ میلیارد دلار برسد.

بنگلادش: چین به بنگلادش نیز تجهیزات نظامی از جمله سلاح‌های سبک و وسایل نقلیه زرهی صادر کرده است، با صادراتی نزدیک به ۱,۲ میلیارد دلار.

تایلند: تایلند یکی دیگر از مقاصد مهم برای صادرات تسلیحات چینی است که شامل تانک‌ها و تجهیزات دریایی می‌شود، با برآورد صادراتی حدود ۸۰۰ میلیون دلار.

عراق: عراق نیز از خریداران تسلیحات چینی بوده و شامل سلاح‌های سبک و تجهیزات نظامی است که ارزش آن به حدود ۶۰۰ میلیون دلار می‌رسد.

امارات متحده عربی: چین همچنین به امارات متحده عربی تجهیزات نظامی پیشرفته‌ای مانند UAV ها و سیستم‌های دفاع هوایی صادر کرده است که ارزش آن تقریباً ۵۰۰ میلیون دلار تخمین زده می‌شود.

این روند نشان‌دهنده توانایی چین در تولید تجهیزات نظامی پیشرفته و ایجاد روابط تجاری قوی با کشورهای در حال توسعه است که به تقویت موقعیت این کشور در بازار جهانی تسلیحات کمک کرده است.

مقایسه وضعیت دفاع ملی قبل و بعد از اصلاحات

شاخص دفاعی	۱۹۷۸ (قبل از اصلاحات)	۱۹۹۰ (بعد از اصلاحات)
تعداد نیروهای نظامی	۶ میلیون نفر	۳ میلیون نفر
هزینه نظامی به GDP	۱۰٪	۳٪
تولید موشک‌های قاره‌پیما	محدود	سری ۵DF- و ۲۱DF-
تعداد زیردریایی‌های هسته‌ای	۰	۵
تعداد ماهواره‌های نظامی	کمتر از ۲	بیش از ۱۰

دنگ شیائوپینگ با اصلاحات بنیادین در ساختار و دکترین نظامی، چین را از یک ارتش بزرگ اما ناکارآمد به نیرویی مدرن و فناورانه تبدیل کرد. این اصلاحات به چین اجازه داد که علاوه بر کاهش هزینه‌های نظامی، تمرکز بیشتری بر توسعه اقتصادی داشته باشد. هم‌زمان، توانایی‌های نظامی چین در حوزه‌های استراتژیک مانند موشک‌های بالستیک، فناوری فضایی، و جنگ‌های دریایی به‌طور چشمگیری افزایش یافت.

تأثیرات اصلاحات

الف: تأثیرات اقتصادی

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

سیاست‌های دنگ، رشد اقتصادی چین را به سطح بی‌سابقه‌ای رساند. نرخ رشد اقتصادی به‌طور میانگین بیش از ۹ درصد در سال بود و صدها میلیون نفر از فقر خارج شدند. چین به یکی از بزرگ‌ترین صادرکنندگان جهان تبدیل شد.

برای بررسی تأثیرات اصلاحات دنگ شیائوپینگ در چین و تحلیل مقایسه‌ای وضعیت اقتصادی این کشور پیش و پس از اصلاحات، می‌توان به سه بخش اصلی پرداخت: **رشد اقتصادی، وضعیت جمعیت کاری و فقر و بیکاری، و صادرات.** این موارد را در ادامه به تفصیل بررسی می‌کنیم:

رشد اقتصادی (قبل و بعد از اصلاحات)

پیش از اصلاحات (۱۹۷۸-۱۹۴۹):

• **میانگین رشد اقتصادی:** بین سال‌های ۱۹۵۲ تا ۱۹۷۸، میانگین رشد تولید ناخالص داخلی (GDP) چین حدود ۴,۴ درصد در سال بود. این رشد به دلیل سیاست‌های متمرکز دولتی و برنامه‌های پنج‌ساله تحقق یافت، اما کارایی پایین و نبود رقابت باعث محدودیت در افزایش بهره‌وری شد.

بین سال‌های ۱۹۷۸ تا ۲۰۰۰، نرخ رشد اقتصادی چین به‌طور متوسط حدود ۹,۵٪ در سال بود. این دوره شاهد تحول قابل توجهی در اقتصاد چین بود که به دلیل اجرای اصلاحات اقتصادی و سیاست درهای باز، کشور را به سمت یک رویکرد بیشتر مبتنی بر بازار سوق داد. این نرخ رشد در این زمان به‌عنوان یکی از سریع‌ترین گسترش‌های پایدار یک اقتصاد بزرگ در تاریخ شناخته می‌شود و به چین این امکان را داد که تولید ناخالص داخلی خود را تقریباً هر هشت سال یک‌بار دو برابر کند و حدود ۸۰۰ میلیون نفر را از فقر خارج کند. بین سال‌های ۱۹۷۸ تا ۲۰۰۰، رشد اقتصادی چین به‌طور قابل توجهی تحت تأثیر تغییرات در سه بخش اصلی آن، یعنی کشاورزی، صنعت و خدمات قرار داشت. نرخ‌های رشد متوسط این بخش‌ها در این دوره به شرح زیر است:

کشاورزی: بخش کشاورزی به‌طور متوسط با نرخ سالانه حدود ۵,۳٪ رشد کرد.

صنعت: بخش صنعتی، که شامل صنایع شهری می‌شود، شاهد رشد قابل توجهی با نرخ تقریبی ۸,۶٪ در سال بود.

خدمات: بخش خدمات نیز با نرخ متوسط سالانه حدود ۷,۱٪ رشد داشت.^{۱۹۹}

به‌طور کلی، در حالی که نرخ متوسط رشد اقتصادی چین در این دوره حدود ۹,۵٪ بود، تأثیر ترکیبی این نرخ‌های رشد بخشی نشان‌دهنده تحول ساختاری اقتصاد است که در آن سهم صنعت و خدمات به‌طور فزاینده‌ای در تولید ناخالص داخلی افزایش یافته و سهم کشاورزی به‌طور قابل توجهی کاهش یافته است.

این تغییر ساختاری یکی از ویژگی‌های انتقال چین از یک اقتصاد برنامه‌ریزی‌شده مرکزی به یک اقتصاد بیشتر مبتنی بر بازار است که بر بهبود بهره‌وری و تنوع فعالیت‌های اقتصادی در بخش‌های مختلف تأکید دارد.

۱۹۹ - برای آشنایی بیشتر با آمار رشد اقتصادی چین بین سال‌های ۱۹۷۸ الی ۲۰۲۲ می‌توانید این مقاله را مطالعه نمایید.

<https://www.perplexity.ai/search/between-1978-and-2000-china-s-vxLvzPLZSamD4zHIEpAsw>

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

این دوره شاهد اصلاحات اقتصادی قابل توجهی بود که توسط دنگ شیائوپینگ آغاز شد و کشور را از یک اقتصاد برنامه‌ریزی‌شده مرکزی به سمت یک اقتصاد بازارمحور سوق داد. این اصلاحات منجر به صنعتی‌سازی سریع و ادغام چین در اقتصاد جهانی شد و افزایش قابل توجهی در تولید ناخالص داخلی و بهبود سطح زندگی مردم را به همراه داشت. رشد اقتصادی در این دوره با نرخ‌های بالای سرمایه‌گذاری، رشد صادرات و کاهش قابل توجه فقر همراه بود که به طور مؤثری چین را به یکی از سریع‌ترین اقتصادهای در حال رشد جهان تبدیل کرد.^{۲۰}

• **رشد کشاورزی:** سالانه کمتر از ۲٫۵ درصد. اقتصاد عمدتاً مبتنی بر کشاورزی سنتی بود و کشاورزان

مشمول سیستم کمون‌ها (Commune) بودند.

بین سال‌های ۱۹۷۸ تا ۲۰۰۰، بخش کشاورزی چین رشد قابل توجهی را تجربه کرد و نرخ رشد متوسط سالانه آن حدود ۵٪ بود. این افزایش چشمگیر عمدتاً ناشی از اصلاحات اقتصادی بود که کشور را از کشاورزی جمعی به سیستم مسئولیت خانوار منتقل کرد و به کشاورزان اجازه داد تا خودمختاری بیشتری داشته باشند و انگیزه‌های بیشتری برای افزایش تولید پیدا کنند. در این دوره، تولیدات کشاورزی به‌طور سریع افزایش یافت که بهبود بهره‌وری، معرفی فناوری‌های جدید و تخصیص بهتر منابع از جمله عوامل مؤثر در آن بودند. همچنین، این اصلاحات منجر به تنوع محصولات کشاورزی و افزایش قابل توجه امنیت غذایی شد و چین را به یکی از تولیدکنندگان پیشرو کشاورزی در جهان تبدیل کرد.

• **رشد صنعتی:** رشد صنعتی پیش از اصلاحات سالانه حدود ۶ درصد بود، صنایع تحت مالکیت دولت و

وابسته به سرمایه‌گذاری دولتی فعالیت داشتند، اما عمدتاً برای تأمین نیازهای داخلی بودند.

بین سال‌های ۱۹۷۸ تا ۲۰۰۰، نرخ رشد صنعتی چین حدود ۱۱٪ در سال بود. این رشد چشمگیر ناشی از اصلاحات اقتصادی قابل توجهی بود که کشور را از یک اقتصاد برنامه‌ریزی‌شده مرکزی به سمت یک اقتصاد بیشتر بازارمحور سوق داد. این اصلاحات توسعه شرکت‌های دولتی و خصوصی را تشویق کرد و منجر به افزایش بهره‌وری و سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف صنعتی شد. در نتیجه، تولید صنعتی چین به‌طور سریع افزایش یافت و این کشور را در این دوره به یکی از قدرت‌های صنعتی پیشرو در جهان تبدیل کرد در فصول قبل به بررسی آنها پرداختیم.^{۲۰۱}

^{۲۰} <https://www.everycrsreport.com/reports/RL33534.html>

^{۲۰۱} - بین سال‌های ۱۹۷۸ تا ۲۰۰۰، پنج کشوری که بالاترین نرخ رشد صنعتی را در جهان داشتند، عمدتاً شامل چین، هند، کره جنوبی، برزیل و تایلند بودند.

۱. هند شاهد نرخ رشد صنعتی متوسطی در حدود ۷٪ بود که از سیاست‌های آزادسازی آغاز شده در اوایل دهه ۱۹۹۰ بهره‌مند شد.
۲. کره جنوبی با نرخ رشد صنعتی حدود ۸٪ ادامه داد که از استراتژی صنعتی‌سازی مبتنی بر صادرات و پیشرفت‌های فناوری حمایت می‌شد.
۳. تایلند نیز نرخ رشد صنعتی متوسطی در حدود ۷٪ را ثبت کرد که به دلیل صادرات و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بود. این کشورها به‌طور جمعی به روند جهانی صنعتی‌سازی سریع در این دوره کمک کردند و به طور قابل توجهی پروفایل اقتصادی خود را تقویت نمودند.
۴. برزیل نرخ رشد صنعتی متوسطی نزدیک به ۵٪ داشت که ناشی از گسترش بازار داخلی و سرمایه‌گذاری‌های خارجی بود.
۵. بین سال‌های ۱۹۷۸ تا ۲۰۰۰، نرخ رشد صنعتی ایران حدود ۴٫۶٪ در سال بود. این دوره با نوسانات قابل توجهی همراه بود که ناشی از تأثیرات انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ و جنگ ایران و عراق بود که به طور منفی بر تولید صنعتی تأثیر گذاشت. با وجود این چالش‌ها، بخش صنعت

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

وضعیت جمعیت کاری، فقر و بیکاری

• جمعیت کاری:

در دهه ۱۹۷۰، جمعیت چین با رشد قابل توجهی مواجه بود. در این دوره، جمعیت این کشور از حدود ۸۰۰ میلیون نفر در اوایل دهه به حدود ۹۰۰ میلیون نفر تا پایان دهه ۱۹۷۰ رسید نرخ رشد جمعیت در این سال‌ها به طور متوسط حدود ۲٫۷ درصد بود، که نشان‌دهنده افزایش سریع جمعیت در مقایسه با دهه‌های قبل است. در دهه ۱۹۷۰، جمعیت شاغل چین با روندهای جمعیتی و الگوهای اشتغال در بخش‌های مختلف مشخص می‌شد. در اینجا یک مرور جامع از وضعیت جمعیت شاغل در این دوره و پس از آن آورده شده است:

تعداد: تا اوایل دهه ۱۹۷۰، جمعیت کاری حدود ۶۰۰ میلیون نفر از افراد را که در سن کار (سنین ۱۵ تا ۶۴ سال) بودند تشکیل میداد.

اشتغال در بخش‌ها: اکثریت این جمعیت شاغل در بخش کشاورزی مشغول به کار بودند که تقریباً ۷۰٪ از جمعیت اشتغال را شامل می‌شد. سهم بخش صنعت به طور قابل توجهی کمتر بود و خدمات نیز سهم اندکی داشت.

جمعیت شاغل بین سال‌های ۱۹۷۸ تا ۲۰۰۰

پس از اصلاحات اقتصادی دنگ شیائوپینگ که در اواخر سال ۱۹۷۸ آغاز شد، چین شاهد رشد سریع جمعیت شاغل خود بود:

تعداد: تا سال ۲۰۰۰، جمعیت افراد در سن کار به حدود ۸۶۰ میلیون نفر افزایش یافته بود که این افزایش ناشی از تغییرات جمعیتی و اصلاحات اقتصادی بود پیش بینی می‌شود جمعیت افراد در سن کار در سال ۲۰۲۴ به رقم یک میلیارد نفر برسد.

اشتغال در بخش‌ها:

کشاورزی: در سال ۲۰۰۰ حدود ۵۰٪ از جمعیت شاغل هنوز در کشاورزی مشغول به کار بودند، اما این درصد به تدریج کاهش می‌یافت. نرخ اشتغال نیروی کار در این بخش در سال ۲۰۲۴ به نصف سال ۲۰۰۰ کاهش یافته است یعنی ۲۵٪.

صنعت: بخش صنعتی در سال ۲۰۰۰ شاهد رشد قابل توجهی بود و حدود ۳۰٪ از نیروی کار را به خود اختصاص داد. این نرخ به صنعتی شدن روزافزون چین در سال ۲۰۲۴ نسبت به سال ۲۰۰۰ با افزایش مواجه بوده و به رقم ۳۵٪ رسیده است.

توانست رشد کند، هرچند با سرعتی کندتر نسبت به دهه‌های قبل. این نرخ رشد متوسط نشان‌دهنده مشکلاتی است که در این دوره پرتنش وجود داشت، از جمله کنترل دولت بر اقتصاد و اختلالات در تولید و سرمایه‌گذاری.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

خدمات: نیروی های فعال در بخش خدمات در سال ۲۰۰۰ به حدود ۲۰٪ از نیروی کار می رسید امروز با افزایش میزان شهرنشینی و تنوع اقتصادی و رفاه بیشتر مردم، نرخ این خدمات دو برابر گردیده و به رقم ۴٪ رسیده است که حتی از شاغلان بخش صنعت نیز پیشی گرفته است.

ترکیب پیش‌بینی شده برای سال ۲۰۲۴

- **فقر:** بیش از ۸۸ درصد از جمعیت چین در سال ۱۹۸۱ (بر اساس معیار بین‌المللی فقر، درآمد روزانه کمتر از ۱,۹۰ دلار) زیر خط فقر بودند.
- **بیکاری:** بیکاری رسمی پایین بود، زیرا اشتغال در نظام متمرکز دولتی الزامی بود. اما بهره‌وری بسیار پایین بود و بسیاری از شاغلان در کشاورزی و صنایع دولتی عملاً نیروی کاری مازاد محسوب می‌شدند.

صادرات و تجارت بین‌المللی

پیش از اصلاحات:

- **حجم صادرات:** تا سال ۱۹۷۸، حجم کل صادرات چین حدود ۱۰ میلیارد دلار در سال بود.
- **محصولات صادراتی:** چین عمدتاً محصولات کشاورزی (مانند برنج و چای) و مواد خام اولیه صادر می‌کرد. سهم کالاهای صنعتی در صادرات بسیار ناچیز بود.
- **شرکای تجاری:** چین بیشتر با کشورهای بلوک شرق و کشورهای در حال توسعه در آسیا و آفریقا تجارت می‌کرد.

پس از اصلاحات:

- **حجم صادرات:** تا سال ۲۰۰۰، صادرات چین به ۲۴۹ میلیارد دلار رسید. در سال ۲۰۲۳، چین حدود ۳,۳۸ تریلیون دلار کالا صادر کرده است که این رقم نسبت به سال گذشته میلادی حدود ۴,۶٪ کاهش داشته است. با وجود این کاهش، چین همچنان به عنوان بزرگ‌ترین صادرکننده جهان و یکی از بزرگ‌ترین اقتصادهای تولیدی باقی مانده است. ماشین‌آلات، کامپیوترها، تجهیزات حمل و نقل و فناوری‌های پیشرفته از جمله عمده‌ترین اقلام صادراتی چین به شمار می‌روند. همچنین، این کشور روابط تجاری قوی با آمریکا، اتحادیه اروپا و کشورهای آسه‌آن دارد و به طور کلی حجم تجارت خارجی چین در سال ۲۰۲۳ به حدود ۵,۹۴ میلیارد دلار رسید که شامل ۲,۵۶ میلیارد دلار واردات و ۳,۳۸ میلیارد دلار صادرات می‌شود.
- **محصولات صادراتی:** چین به یکی از بزرگ‌ترین صادرکنندگان کالاهای صنعتی مانند محصولات الکترونیک، ماشین‌آلات، پوشاک، و تجهیزات مخابراتی تبدیل شد.
- **شرکای تجاری:** چین همکاری تجاری خود را با کشورهای توسعه‌یافته مانند ایالات متحده، اتحادیه اروپا، و ژاپن گسترش داد و عضو سازمان تجارت جهانی (WTO) در سال ۲۰۰۱ شد.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

جمع‌بندی مقایسه‌ای:

شاخص‌ها	قبل از اصلاحات (۱۹۴۹-۱۹۷۸)	پس از اصلاحات (۱۹۷۸ به بعد)
میانگین رشد اقتصادی	۴,۴ درصد	بیش از ۹ درصد
فقر (زیر خط فقر)	بیش از ۸۸ درصد	کمتر از ۱۲ درصد تا سال ۲۰۰۰
بیکاری رسمی	حدود ۲-۳ درصد	حدود ۳-۴ درصد
سهم کشاورزی از اشتغال	بیش از ۷۰ درصد	کمتر از ۵۰ درصد
حجم صادرات	۱۰ میلیارد دلار	۲۴۹ میلیارد دلار تا سال ۲۰۰۰
محصولات صادراتی اصلی	کشاورزی و مواد خام	کالاهای صنعتی و فناوری

این اصلاحات نه تنها اقتصاد چین را متحول کرد، بلکه این کشور را به یکی از بازیگران اصلی در تجارت و اقتصاد جهانی تبدیل نمود.

برای دسترسی به اطلاعات تجاری کلیه کشورهای جهان در کد تعرفه‌های HS دو رقمی به بالا و آشنایی با شرکای تجاری می‌توانید به سایت <https://www.trademap.org/> مراجعه کنید.

ب: تأثیرات اجتماعی

اصلاحات دنگ منجر به بهبود استانداردهای زندگی، توسعه شهرنشینی و افزایش نابرابری‌های منطقه‌ای شد. همچنین طبقه متوسط جدیدی شکل گرفت که نقش مهمی در توسعه اجتماعی و اقتصادی داشت.

بررسی آثار اجتماعی اصلاحات دنگ شیائوپینگ:

بهبود استانداردهای زندگی، شهرنشینی، نابرابری‌های منطقه‌ای و شکل‌گیری طبقه متوسط جدید اصلاحات اقتصادی و اجتماعی دنگ شیائوپینگ از سال ۱۹۷۸ منجر به تغییرات گسترده‌ای در جامعه چین شد. در اینجا با ارائه آمار و تحلیل‌های دقیق، تأثیرات اصلاحات بر این حوزه‌ها بررسی می‌شود.

استانداردهای زندگی

• درآمد سرانه:

در سال ۱۹۷۸، درآمد سالانه سرانه مردم چین حدود ۶۱۵ یوان بود. با توجه به نرخ تبدیل آن زمان، این مقدار تقریباً معادل ۵۶,۲۹ دلار آمریکا می‌شود. این ارقام نشان‌دهنده وضعیت اقتصادی پایین و محدودیت‌های موجود در آن زمان است، که به‌خصوص در مقایسه با رشد اقتصادی و افزایش درآمدها در دهه‌های بعدی قابل توجه است. تا سال ۲۰۰۰، درآمد سرانه به حدود ۹۵۹ دلار رسید و در سال ۲۰۲۰ به بیش از ۱۲,۰۰۰ دلار افزایش یافت. باید دقت کرد رسیدن درآمد سرانه از ۵۶ دلار در سال ۱۹۷۸ به ۹۵۹ دلار به معنی ۱۷ برابر شدن درآمد سرانه

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

نباید تلقی کرد بلکه بایستی تغییر قیمت ها و قدرت خرید مردم را در نظر گرفت. بطور مثال در سال ۱۹۷۸، قیمت برنج در چین حدود ۰,۵ یوان به ازای هر کیلوگرم، قیمت گوشت خوک (مصرف قالب گوشت در چین) تقریباً ۲,۵ یوان به ازای هر کیلوگرم بود. سال ۲۰۰۰، این قیمت ها به طور قابل توجهی افزایش یافته بودند و برنج به حدود ۲,۵ یوان به ازای هر کیلوگرم و گوشت خوک به تقریباً ۲۰ یوان به ازای هر کیلوگرم رسید. این افزایش قیمت ها نشان دهنده تغییرات قابل توجهی در قیمت مواد غذایی طی دو دهه است که ناشی از اصلاحات اقتصادی و تغییرات در عرضه و تقاضا در بازار چین بود. به دیگر سخن یک فرد چینی با درآمد سرانه در سال ۱۹۷۸ می توانست ۵۰ کیلو برنج و ۱۳ کیلو گرم گوشت خریداری کند و در سال ۲۰۰۰ می توانست ۱۵۰ کیلو گرم برنج و ۲۹,۵ کیلو گرم گوشت بخرد یعنی تقریباً قدرت خرید مردم در سبد خوراکی سه برابر شده بود که تحول در خور تقذیر بود.

• امید به زندگی:

در سال ۱۹۷۸، امید به زندگی در چین حدود ۶۵,۵ سال بود. این رقم در سال ۲۰۰۰ به ۷۱,۲ سال افزایش یافت. این تغییر نشان دهنده پیشرفت های قابل توجه در زمینه بهداشت عمومی، تغذیه و شرایط زندگی در چین پس از اصلاحات اقتصادی دنگ شیائوپینگ است، سال ۲۰۲۰ امید به زندگی به ۷۷ سال و در سال ۲۰۲۴، امید به زندگی در چین به ۷۸,۶ سال رسیده است.^{۲۰۲}

• دسترسی به خدمات عمومی:

دولت سرمایه گذاری عظیمی در حوزه های بهداشت و آموزش انجام داد در سال ۱۹۷۸، نرخ سواد در چین حدود ۷۷٪ بود. این رقم در سال ۲۰۰۰ به ۹۰,۹٪ افزایش یافت و در سال ۲۰۲۴، پیش بینی می شود که نرخ سواد به ۹۷٪ برسد. این تغییرات نشان دهنده پیشرفت های قابل توجهی در نظام آموزشی و تلاش های دولت چین برای ارتقاء سطح سواد در میان جمعیت کشور است و خدمات بهداشتی به شدت گسترش یافت است.^{۲۰۳}

• کیفیت زندگی:

در سال ۱۹۷۸، دسترسی به کالاهای مصرفی در چین بسیار محدود بود و بیشتر مردم به کالاهای اساسی و اولیه اکتفا می کردند. در این سال، اقتصاد چین تحت نظام برنامه ریزی مرکزی قرار داشت و تولیدات عمدتاً به نیازهای اساسی معطوف بود. با آغاز اصلاحات اقتصادی در اواخر دهه ۱۹۷۰، دسترسی به کالاهای مصرفی به تدریج افزایش یافت. تا سال ۲۰۰۰، با رشد اقتصادی و توسعه بازار، خانواده ها قادر به خرید لوازم خانگی مدرن مانند یخچال، تلویزیون و خودرو شدند. در این سال، نرخ مالکیت لوازم خانگی در میان ساکنان شهری به طور قابل توجهی

۲۰۲ - برای آشنایی با امید به زندگی کشورهای مختلف می توانید به آدرس ذیل مراجعه کنید:

"China Life Expectancy 1950-2025 - Macrotrends"

<https://www.macrotrends.net/global-metrics/countries/chn/china/life-expectancy>

۲۰۳ - برای آشنایی با نرخ باسوادی کشورهای مختلف می توانید به آدرس ذیل مراجعه کنید:

"China Literacy Rate 1982-2025 - Macrotrends"

<https://www.macrotrends.net/global-metrics/countries/chn/china/literacy-rate>

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

افزایش یافت. پیش‌بینی می‌شود که در سال ۲۰۲۴، دسترسی به کالاهای مصرفی همچنان ادامه یابد و خانواده‌ها بتوانند از انواع بیشتری از محصولات مدرن بهره‌مند شوند. این تغییرات نشان‌دهنده تحولات عمیق اقتصادی و اجتماعی در چین از زمان آغاز اصلاحات تا کنون است.^۲

• نرخ شهرنشینی:

نرخ شهرنشینی در چین در طول سال‌ها تغییرات قابل توجهی را تجربه کرده است. در سال ۱۹۷۸، نرخ شهرنشینی حدود ۱۷,۹٪ بود که نشان‌دهنده یک جامعه عمدتاً روستایی بود. با آغاز اصلاحات اقتصادی و تغییرات اجتماعی، این نرخ در سال ۲۰۰۰ به ۳۶,۲٪ افزایش یافت، که نشان‌دهنده روند سریع مهاجرت به شهرها و رشد مناطق شهری بود. پیش‌بینی می‌شود که در سال ۲۰۲۴، نرخ شهرنشینی به حدود ۶۴٪ برسد، که این امر بیانگر ادامه این روند و تأثیرات عمیق اقتصادی و اجتماعی بر زندگی مردم چین است. این تغییرات نشان‌دهنده تحولات کلیدی در ساختار اجتماعی و اقتصادی کشور و افزایش تمرکز جمعیت در مناطق شهری است.

• ساختار اقتصادی:

اقتصاد روستایی چین در سال ۱۹۷۸ عمدتاً بر پایه کشاورزی متمرکز بود و بیش از ۸۲ درصد از جمعیت کشور، معادل تقریباً ۸۰۰ میلیون نفر، در مناطق روستایی زندگی می‌کردند. در این زمان، تولیدات کشاورزی به ویژه محصولات غلات محور اصلی اقتصاد را تشکیل می‌داد و سطح درآمد و بهره‌وری در این بخش بسیار پایین بود. با آغاز اصلاحات اقتصادی دنگ شیائوپینگ، تغییرات ساختاری در اقتصاد روستایی آغاز شد و حقوق مالکیت فردی به کشاورزان داده شد. این اصلاحات به افزایش تولید و درآمدها کمک کرد و زمینه‌ساز رشد اقتصادی در سال‌های بعدی شد.

تا سال ۲۰۰۰، اقتصاد روستایی چین به طور قابل توجهی متحول شده بود. نرخ رشد واقعی درآمد سرانه روستایی به طور متوسط ۹,۶ درصد در سال افزایش یافته و تولیدات غیرکشاورزی به یک بخش مهم از اقتصاد روستایی تبدیل شده بودند. بسیاری از مردم روستاها به مشاغل غیرکشاورزی مشغول شدند و سهم فعالیت‌های غیرکشاورزی از درآمد روستایی به طور فزاینده‌ای افزایش یافت. پیش‌بینی می‌شود که در سال ۲۰۲۴، اقتصاد روستایی همچنان به سمت تنوع بیشتر حرکت کند و با توسعه فناوری‌های نوین و سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف اقتصادی، کیفیت زندگی در مناطق روستایی بهبود یابد.^۳

• شرایط زندگی شهری:

۲۰۴ - برای آشنایی با میزان مصرف و استانداردهای زندگی چین می‌توانید به مقاله‌ای که توسط کمبریج به آدرس ذیل منشر شده است، مراجعه کنید:

<https://www.cambridge.org/core/journals/china-quarterly/article/abs/consumption-and-living-standards-in-china-197883/F7D865F8781A6C1525D36400F1D04158>

۲۰۵ - برای مطالعه بیشتر در مورد حقوق زمین در روستایی چین از سال ۱۹۷۸ به بعد می‌توانید این مقاله را مطالعه کنید:

"Land Rights in Rural China since 1978"

<https://journals.openedition.org/chinaperspectives/pdf/5345>

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

شرایط زندگی شهری در چین قبل از اصلاحات دنگ شیائوپینگ در سال ۱۹۷۸ به شدت محدود و نامناسب بود. شهرها عمدتاً به عنوان مراکز اداری و صنعتی عمل می‌کردند و زیرساخت‌های شهری مانند مسکن، حمل و نقل و خدمات عمومی به شدت ناکافی بود. کیفیت زندگی پایین بود و اکثر ساکنان شهرها با کمبود کالاهای مصرفی و امکانات اولیه مواجه بودند. در این دوره، دولت کنترل شدیدی بر زندگی روزمره مردم داشت و آزادی‌های فردی به شدت محدود بود.

با آغاز اصلاحات اقتصادی در سال ۱۹۷۸ و تغییرات ساختاری در اقتصاد، شرایط زندگی شهری به تدریج بهبود یافت. تا سال ۲۰۰۰، با رشد اقتصادی سریع و توسعه زیرساخت‌ها، کیفیت زندگی در شهرها افزایش یافت و مردم توانستند به کالاهای مصرفی مدرن دسترسی پیدا کنند. نرخ مالکیت لوازم خانگی مانند یخچال و تلویزیون به طور قابل توجهی افزایش یافت. پیش‌بینی می‌شود که تا سال ۲۰۲۴، شرایط زندگی شهری همچنان بهبود یابد و با توسعه فناوری‌های نوین و افزایش سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، کیفیت زندگی در شهرها به سطح بالاتری برسد. این تغییرات نمایانگر تحولات عمیق اقتصادی و اجتماعی در چین است که تأثیرات مثبتی بر زندگی روزمره مردم داشته است.^۲

• مهاجرت روستایی:

مهاجرت روستایی به شهری در چین از زمان آغاز اصلاحات اقتصادی دنگ شیائوپینگ در سال ۱۹۷۸، روندی سریع و بی‌سابقه را تجربه کرده است. از سال ۱۹۷۸ تا ۱۹۹۹، حدود ۱۷۴ میلیون نفر از روستاها به شهرها مهاجرت کردند که این تعداد معادل ۷۵ درصد از کل رشد جمعیت شهری در این دوره بود. در این زمان، نرخ شهرنشینی از ۱۷٫۹ درصد به ۳۱ درصد افزایش یافت. این مهاجرت عمدتاً به دلیل جستجوی فرصت‌های شغلی و بهبود شرایط زندگی انجام شد و به رشد سریع شهرها و توسعه اقتصادی کمک کرد.

تا سال ۲۰۰۰، نرخ مهاجرت روستایی به شهری همچنان ادامه داشت و با افزایش فرصت‌های شغلی در بخش‌های صنعتی و خدماتی، تعداد بیشتری از مردم روستاها به شهرها نقل مکان کردند. پیش‌بینی می‌شود که تا سال ۲۰۲۴، نرخ مهاجرت روستایی به شهری به دلیل تغییرات اقتصادی و اجتماعی و همچنین سیاست‌های جدید دولت برای تسهیل اسکان مهاجران روستایی در شهرها افزایش یابد. بر اساس پیش‌بینی‌ها، نرخ شهرنشینی چین تا سال ۲۰۲۴ به حدود ۶۷ درصد خواهد رسید، که نشان‌دهنده ادامه روند مهاجرت و تغییرات ساختاری در جمعیت کشور است.^۲

• توسعه زیرساخت‌ها:

توسعه شهرهای جدید و زیرساخت‌های شهری در چین پس از اصلاحات دنگ شیائوپینگ به طور قابل توجهی به رشد شهرنشینی کمک کرده است. در سال‌های اخیر، دولت چین با سرمایه‌گذاری‌های کلان در ساخت مترو،

۲۰۶ - برای مطالعه بیشتر در مورد شرایط زندگی شهری می‌توانید مقاله "دنگیزم و اصلاحات در جمهوری خلق چین" را مطالعه کنید:

<https://anthropologyandculture.com/>

۲۰۷ - برای مطالعه بیشتر در مورد مهاجرت روستائیان چین به شهرها می‌توانید مقاله "مهاجرت روستایی-شهری در چین از سال ۱۹۷۸ -

<https://vanguardthinktank.org/rural-urban-migration-in-china-since-1978>

اتاق فکر پیش‌تاز" را مطالعه کنید:

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

جاده‌ها و سیستم‌های حمل‌ونقل عمومی، شرایط زندگی را در شهرها بهبود بخشیده است. این زیرساخت‌ها نه تنها به تسهیل حرکت و جابجایی ساکنان کمک کرده‌اند، بلکه زمینه‌ساز رشد اقتصادی و جذب جمعیت بیشتر به مناطق شهری شده‌اند. به عنوان مثال، طرح‌های توسعه خوشه‌ای شهری که شامل ایجاد مجموعه‌های شهری مرتبط با هم است، به افزایش فعالیت‌های اقتصادی و رونق کسب‌وکارها کمک کرده است.

در سال ۲۰۲۴، پیش‌بینی می‌شود که جمعیت شهری چین به بیش از ۶۴ درصد از کل جمعیت کشور برسد. این تغییرات نشان‌دهنده تأثیر مستقیم توسعه زیرساخت‌ها بر افزایش نرخ شهرنشینی و بهبود کیفیت زندگی ساکنان شهری است. همچنین، توجه به جنبه‌های کیفی توسعه شهری، مانند طراحی فضاهای عمومی و ایجاد امکانات رفاهی، می‌تواند به ارتقای سلامت و پایداری شهرها کمک کند. در مجموع، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های شهری و ساخت شهرهای جدید به عنوان موتور محرک رشد اقتصادی و اجتماعی چین عمل کرده و باعث تغییرات عمده‌ای در الگوهای زندگی مردم شده است.

• وضعیت مناطق روستایی و شهری:

پس از اصلاحات دنگ شیائوپینگ، چشم‌انداز اقتصادی چین تغییرات قابل توجهی را تجربه کرد، به‌ویژه در زمینه شکاف درآمدی بین مناطق شهری و روستایی. در سال ۲۰۰۰، این شکاف به یکی از بزرگ‌ترین شکاف‌های درآمدی در جهان تبدیل شد. در حالی که سال‌های اولیه پس از اصلاحات شاهد کاهش این فاصله بود (به‌طوری که نسبت درآمد خالص سرانه خانوارهای روستایی به خانوارهای شهری از ۲٫۵ به ۱٫۸ بین سال‌های ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۳ کاهش یافت) این روند ادامه نیافت. تا سال ۲۰۰۷، نسبت درآمد شهری به روستایی به حدود ۳٫۳ رسید که نشان‌دهنده این بود که درآمد‌های شهری به‌طور قابل توجهی از درآمد‌های روستایی پیشی گرفته است. رشد سریع درآمد‌های شهری، که به‌طور متوسط حدود ۱۱ درصد در سال افزایش می‌یافت، در مقایسه با رشد حدود ۷ درصدی درآمد‌های روستایی، به این شکاف وسیع کمک کرد و تقریباً نیمی از تمام نابرابری‌های درآمدی در چین را شامل می‌شد.

تا سال ۲۰۲۴، با وجود تلاش‌هایی که برای کاهش این نابرابری‌ها از طریق ابتکاراتی مانند **"کمپین ساخت یک روستای جدید سوسیالیستی"**^{۲۰۸} انجام شد، که هدف آن افزایش هزینه‌های عمومی در مناطق روستایی بود، شکاف درآمدی بین شهر و روستا همچنان قابل توجه باقی مانده است. سیستم **هوکو (hukou)**، که تحرک نیروی کار و دسترسی به خدمات شهری را برای مهاجران روستایی محدود می‌کند، این نابرابری را تشدید می‌کند. با

۲۰۸ - دولت چین از اواسط دهه ۲۰۰۰، نوسازی روستاها را تحت عنوان "ساختن یک روستا سوسیالیستی جدید" ترویج کرده است. هدف این ابتکار عمل، رفع عدم تعادل بین شهر و روستا و بین صنعت و کشاورزی بود. شعار این بود: "صنعت به کشاورزی پاداش می‌دهد؛ شهرها روستا را همراهی می‌کنند." اهداف شامل توسعه تولید، غنی‌سازی معیشت، تمدن عادات روستایی، مرتب کردن روستاها و دموکراتیزه کردن مدیریت بود. با وجود اجتناب از اصطلاح "کمپین"، لفاظی‌ها و شیوه‌های مائوئیستی در این ابتکار نفوذ داشت، که شامل اعزام کادرها برای انتشار علم، فرهنگ و بهداشت به روستاها بود. با این حال، با وجود تأکید اولیه بر مشارکت روستایی، این کمپین به یک رویکرد از بالا به پایین شامل تخریب و بازسازی روستاها تبدیل شد. عواملی که این فرآیند را شکل می‌دادند، بسیج بوروکراتیک، سازمان‌های ضعیف روستایی و تغییر اولویت‌های سیاست ملی بودند.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

وجود بهبودهایی در درآمدهای روستایی ناشی از سیاست‌های دولتی برای کاهش فقر و افزایش بهره‌وری کشاورزی، روند کلی نشان می‌دهد که ساکنان شهری هنوز از درآمدهای قابل تصرف و استانداردهای زندگی بسیار بالاتری نسبت به هم‌تایان روستایی خود برخوردارند.^{۲۰۹}

• تمرکز صنعتی:

اصلاحات اقتصادی دنگ شیائوپینگ منجر به صنعتی‌سازی سریع در چین شد، اما این فرآیند به طور نامتقارن در مناطق مختلف کشور اتفاق افتاد. در سال‌های پس از ۱۹۷۸، بیشتر صنایع جدید در شهرهای مرکزی و شرقی مانند پکن، شانگهای و تیانجین متمرکز شدند. به عنوان مثال، استان گوانگدونگ که به دلیل نزدیکی به بازارهای جهانی و تأسیس مناطق ویژه اقتصادی (SEZs) از جمله شنژن، به یکی از قطب‌های صنعتی چین تبدیل شد. در سال ۲۰۰۰، تولید ناخالص داخلی این استان تقریباً ۱,۱ تریلیون یوان (۱۳۲ میلیارد دلار) بود که نشان‌دهنده رشد سریع صنعتی در مقایسه با سایر مناطق کشور بود.

در مقابل، مناطق مرکزی و غربی چین با چالش‌های بیشتری مواجه بودند و نتوانستند از مزایای اصلاحات بهره‌برداری کنند. برای مثال، در سال ۲۰۰۰، پنج استان با پایین‌ترین رتبه در تولید ناخالص داخلی (GDP) چین شامل گوانگشی، گانسو، نیانگشی، تبت و هینان بودند. GDP استان گوانگشی حدود ۲۷۱,۵ میلیارد یوان (تقریباً ۳۲,۸ میلیارد دلار)، گانسو حدود ۳۱۲,۲ میلیارد یوان (تقریباً ۳۷,۷ میلیارد دلار)، نیانگشی حدود ۲۰۲,۶ میلیارد یوان (تقریباً ۲۴,۴ میلیارد دلار)، تبت حدود ۵۶,۵ میلیارد یوان (تقریباً ۶,۸ میلیارد دلار) و هینان حدود ۱۹۸,۷ میلیارد یوان (تقریباً ۲۴ میلیارد دلار) بود. در مجموع، این پنج استان تقریباً یک تریلیون یوان (حدود ۱۲۰ میلیارد دلار) تولید ناخالص داخلی داشتند که معادل تقریباً ۱۰٪ از کل GDP چین در آن سال بود، در حالی که GDP کل چین در سال ۲۰۰۰ حدود ۱۰ تریلیون یوان (حدود ۱,۲ تریلیون دلار) برآورد شده است. این ارقام نشان‌دهنده عقب‌ماندگی اقتصادی این استان‌ها در مقایسه با استان‌های توسعه‌یافته‌تر چین است که به دلیل زیرساخت‌های ضعیف و کمبود سرمایه‌گذاری با چالش‌های بیشتری مواجه بودند.^{۲۱۰}

• توسعه نامتقارن:

اصلاحات اقتصادی دنگ شیائوپینگ منجر به توسعه نامتقارن در چین شد که در آن مناطق ساحلی، به ویژه استان‌های گوانگدونگ، شانگهای و ژجیانگ، با سرعت بیشتری رشد کردند و به مراکز اقتصادی و صنعتی تبدیل

۲۰۹ - برای مطالعه بیشتر در مورد علل نابرابری درآمد در چین می‌توانید مقاله "نابرابری درآمد در چین: علل و پاسخ‌های سیاسی" را مطالعه کنید:

<https://openresearch-repository.anu.edu.au/server/api/core/bitstreams/f28fe9e2-825d-4819-95be-a0621463531b/content>

۲۱۰ - برای مطالعه بیشتر در مورد تولید ناخالص استانهای چین طی دهه نود در چین می‌توانید مقاله "تولید ناخالص داخلی منطقه ای در چین از ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۰" را مطالعه کنید:

https://www.researchgate.net/figure/Regional-GDPs-in-China-from-1991-to-2000-Unit-100-million-RMB_tbl1_24085063

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

شدند. این مناطق به دلیل نزدیکی به بازارهای جهانی و سرمایه‌گذاری‌های خارجی، از مزایای بیشتری برخوردار شدند. به عنوان مثال، در سال ۱۹۸۱، مناطق ویژه اقتصادی (SEZs) مانند شنژن و ژوهای تأسیس شدند که به سرعت رشد اقتصادی را تسهیل کردند و در عرض چهار سال، تولید ناخالص داخلی این مناطق با نرخ‌های چشمگیری افزایش یافت، به طوری که نرخ رشد GDP در شنژن به ۵۸٪ رسید. این مناطق همچنین ۵۹٫۸٪ از کل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) چین را در آن زمان جذب کردند.

در مقابل، مناطق مرکزی و غربی چین با چالش‌های بیشتری مواجه بودند و نتوانستند از مزایای اصلاحات بهره‌برداری کنند. این مناطق به دلیل زیرساخت‌های ضعیف، کمبود سرمایه‌گذاری و دسترسی محدود به بازارها، رشد کمتری داشتند. به عنوان مثال، در سال ۲۰۰۰، درآمد سرانه در استان گوانگدونگ تقریباً دو برابر درآمد سرانه در استان‌های مرکزی مانند هنان بود. این شکاف درآمدی و توسعه‌ای همچنان ادامه دارد و دولت چین تلاش‌هایی را برای کاهش این نابرابری‌ها از طریق برنامه‌های توسعه‌ای در مناطق کمتر توسعه‌یافته انجام داده است. با این حال، تا سال ۲۰۲۴، انتظار می‌رود که شکاف بین مناطق توسعه‌یافته و کمتر توسعه‌یافته همچنان وجود داشته باشد.^{۲۱۱}

• شکاف درآمدی:

بین سال‌های ۱۹۷۸ تا ۲۰۰۰، حداقل دستمزد در چین به‌طور یکنواخت در سراسر کشور تعیین نشده بود، زیرا مقررات حداقل دستمزد فقط در اواسط دهه ۱۹۹۰ به‌طور رسمی معرفی شد. در سال ۱۹۸۰ نسبت درآمد میانگین شهری به روستایی حدود ۲ به ۱ بود، اما این نسبت تا دهه ۲۰۰۰ به حدود ۳ به ۱ رسید. با این حال، برآوردها نشان می‌دهد که حداقل دستمزد متوسط در مناطق شهری تا اواخر دهه ۱۹۹۰ حدود ۳۰۰ یوان در ماه بوده است. از نظر دلار آمریکا، این مقدار تقریباً ۳۶ تا ۴۰ دلار در ماه می‌شد، بسته به نرخ ارز در آن زمان. لازم به ذکر است که این ارقام نشان‌دهنده دوره‌ای از تغییرات اقتصادی قابل توجه و نوسانات در سطوح دستمزد در مناطق و بخش‌های مختلف چین است. حداقل دستمزد تحت مقررات دولت‌های محلی قرار داشت و به همین دلیل می‌توانست از یک استان به استان دیگر تفاوت‌های قابل توجهی داشته باشد.

• ویژگی‌ها:

• واکنش دولت:

در دهه‌های بعد، دولت پروژه‌هایی برای توسعه مناطق کمتر توسعه‌یافته (مانند "برنامه توسعه غرب") آغاز کرد. که در مبحثی جداگانه به تشریح آن خواهیم پرداخت.

شکل‌گیری طبقه متوسط جدید

۲۱۱ - برای آشنایی بیشتر با توسعه نامتقارن در چین و بازبینی اصلاحات اقتصادی می‌توانید مقاله "تکامل چین: بازبینی اصلاحات اقتصادی دنگ شیائوپینگ" را مطالعه کنید:

<https://junioreconomist.org/chinas-evolution-revisiting-deng-xiaoping-s-economic-reforms-8f906b0614ad?gi=37f041e0229b>

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

طبقه متوسط جدید در چین پس از اصلاحات اقتصادی دهه ۱۹۸۰ به تدریج شکل گرفت و به یکی از عوامل کلیدی در تحول اجتماعی و اقتصادی کشور تبدیل شد. قبل از اصلاحات دنگ شیائوپینگ در سال ۱۹۷۸، به طور تقریبی می توان گفت که تعداد افراد طبقه متوسط در چین بسیار محدود بود و به طور رسمی نمی توانستند به عنوان طبقه متوسط شناخته شوند. با این حال، در سال ۲۰۰۰، تعداد افراد طبقه متوسط به حدود ۳۹,۱ میلیون نفر رسید که معادل ۳,۱ درصد از جمعیت کل کشور بود. این تغییرات نشان دهنده رشد سریع اقتصادی و افزایش سطح درآمدها در چین پس از اصلاحات است که منجر به ظهور طبقه متوسط جدیدی در جامعه شد. این تحولات نه تنها بر ساختار اجتماعی چین تأثیر گذاشت، بلکه به تغییرات اقتصادی و فرهنگی نیز منجر شد که در نهایت به افزایش مصرف و تقاضا برای کالاها و خدمات منجر گردید. رشد طبقه متوسط یکی از نتایج مهم اصلاحات اقتصادی دنگ شیائوپینگ بود که به توسعه پایدار و متوازن تر کشور کمک کرد.

اساساً، قبل از این اصلاحات، جامعه چین عمدتاً به دو بخش تقسیم می شد: کشاورزان و کارگران معمولی از یک سو و نخبگان دولتی از سوی دیگر. با آغاز اصلاحات، طبقه متوسط جدید شروع به ظهور کرد و تا سال ۲۰۲۰، جمعیت آن به حدود ۴۰۰ میلیون نفر رسید که معادل ۳۰ درصد از جمعیت کل کشور بود. این طبقه جدید به دلیل دسترسی به تحصیلات عالی، مشاغل حرفه ای و درآمد بالاتر از میانگین ملی، سبک زندگی مصرفی را در پیش گرفتند که شامل خرید خانه و خودرو، سفرهای خارجی و استفاده از فناوری های مدرن بود.

ویژگی های طبقه متوسط جدید شامل سطح درآمد بالاتر، تحصیلات عالی و تمرکز جغرافیایی در شهرهای بزرگ مانند شانگهای، گوانگژو و پکن است. این طبقه به عنوان محرک اصلی مصرف داخلی عمل کرده و نقش مهمی در گسترش بازارها و حمایت از سیاست های دولت ایفا کرده است. با این حال، چالش هایی نیز وجود دارد؛ از جمله نیاز به ادغام کارگران کشاورزی در این طبقه و حفظ ثبات اجتماعی. طبقه متوسط جدید نه تنها باید الگوی رفتاری برای سایر طبقات باشد، بلکه باید در فرآیندهای سیاسی نیز فعالانه شرکت کند تا بتواند به توسعه پایدار کشور کمک کند.

جمع بندی مقایسه ای:

شاخص ها	قبل از اصلاحات (۱۹۷۸-۱۹۴۹)	پس از اصلاحات (۱۹۷۸ به بعد)
درآمد سرانه	۱۵۶ دلار	بیش از ۱۲,۰۰۰ دلار (۲۰۲۰)
نرخ شهرنشینی	۱۸ درصد	بیش از ۶۴ درصد (۲۰۲۰)
شکاف درآمدی شهری-روستایی	کمتر از ۲ به ۱	حدود ۳ به ۱
طبقه متوسط	تقریباً وجود نداشت	حدود ۳۰ درصد از جمعیت (۲۰۲۰)
امید به زندگی	۶۶ سال	۷۷ سال

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

اصلاحات دنگ شیائوپینگ نه تنها تحول اقتصادی، بلکه دگرگونی عظیمی در جامعه چین به همراه داشت. شهرنشینی سریع، بهبود استانداردهای زندگی، و ظهور طبقه متوسط به عنوان یکی از ارکان اصلی توسعه اجتماعی و اقتصادی، چین را به جایگاهی جدید در جهان رساند.

ج: تأثیرات سیاسی

دنگ اصلاحات سیاسی محدودی برای بهبود کارآمدی حزب کمونیست انجام داد. اما کنترل سیاسی حزب همچنان ادامه یافت و دموکراسی خواهی سرکوب شد، مانند حادثه میدان تیان آن من در سال ۱۹۸۹ که نقطه ضعف اصلاحات سیاسی به شمار می رود.

بررسی تأثیرات سیاسی اصلاحات دنگ شیائوپینگ: کنترل سیاسی

دنگ شیائوپینگ با وجود اجرای اصلاحات اقتصادی گسترده، اصلاحات سیاسی محدودی را برای بهبود کارآمدی حزب کمونیست چین (CPC) انجام داد. با این حال، تمرکز اصلی او بر حفظ کنترل سیاسی حزب بود. در اینجا به بررسی وضعیت سیاسی چین قبل و بعد از اصلاحات دنگ، تلاش های او برای افزایش کارآمدی، و محدودیت های اصلاحات سیاسی پرداخته می شود.

وضعیت سیاسی قبل از اصلاحات (۱۹۴۹-۱۹۷۸)

وضعیت سیاسی چین قبل از اصلاحات (۱۹۴۹-۱۹۷۸) تحت حاکمیت حزب کمونیست چین (CPC) به عنوان تنها حزب سیاسی کشور، با ساختاری متمرکز و ایدئولوژی محور مشخص می شود. از زمان تأسیس جمهوری خلق چین در سال ۱۹۴۹، تمامی امور کشور تحت کنترل این حزب قرار داشت و قدرت سیاسی به شدت در دستان مائو تسه تونگ و کمیته مرکزی متمرکز بود. تصمیم گیری ها عمدتاً بر اساس ایدئولوژی مارکسیسم-لنینیسم و دیدگاه های شخصی مائو انجام می شد. این ساختار سیاسی با عدم انعطاف پذیری و ناکارآمدی در سازوکارهای تصمیم گیری همراه بود، که منجر به بروز اشتباهات سیاسی بزرگی مانند "جهش بزرگ به جلو" و "انقلاب فرهنگی" شد. آزادی بیان و فعالیت های سیاسی مخالف به شدت سرکوب می شد و هرگونه انتقاد از حزب با مجازات های سخت مواجه می گردید.

حکومت قبل از اصلاحات همچنین با یک ساختار بوروکراتیک پیچیده و فساد در میان مقامات حزبی همراه بود. در سال ۱۹۷۸، تعداد اعضای حزب کمونیست چین به حدود ۳۷ میلیون نفر رسید و تمامی سطوح دولتی، ارتش، و سیستم قضایی تحت کنترل مستقیم حزب قرار داشتند. این وضعیت نشان دهنده انحصار قدرت حزب کمونیست چین بود که هیچ رقیب سیاسی دیگری را تحمل نمی کرد و احزاب دیگر صرفاً به عنوان ارگان های مشورتی تحت رهبری حزب عمل می کردند. در این دوره، قوانین اساسی متعددی تصویب شد که اهداف سیاسی حزب را بازتاب می دادند اما هیچ تأثیری بر ساختار نهادهای سیاسی چین نداشتند.

اصلاحات سیاسی دنگ شیائوپینگ

دنگ شیائوپینگ از سال ۱۹۷۸ اصلاحات سیاسی و اقتصادی را در چین آغاز کرد که هدف آن افزایش کارآمدی حزب کمونیست و جلوگیری از اشتباهات گذشته بود. این اصلاحات شامل تفکیک نقش‌های حزب و دولت، اصلاح ساختار تصمیم‌گیری، مبارزه با فساد و افزایش شایسته‌سالاری در مدیریت دولتی بود. دنگ تلاش کرد تا بوروکراسی را کاهش دهد و نقش مقامات دولتی را در تصمیم‌گیری‌ها افزایش دهد. همچنین، او با تمرکززدایی بخشی از اختیارات را به دولت‌های محلی واگذار کرد که این امر به انعطاف‌پذیری و کارآمدی سیاست‌ها کمک کرد. در راستای مبارزه با فساد، کمیته‌هایی برای نظارت بر مقامات حزبی و دولتی تشکیل شد و چندین مقام عالی‌رتبه به اتهام فساد مجازات شدند.

اصلاحات دنگ به بهبود کیفیت زندگی مردم کمک کرد، اما همزمان بی‌عدالتی و نابرابری را نیز در جامعه گسترش داد. در دهه ۱۹۸۰، سیستم تصمیم‌گیری حزبی کارآمدتر شد و توانست بحران‌های اقتصادی و اجتماعی را مدیریت کند. همچنین، دنگ با بازسازی ارتش آزادی‌بخش خلق (PLA) نقش نظامیان را در سیاست کاهش داد و به مدرنیزه کردن این نیروها پرداخت. این اصلاحات به چین کمک کرد تا از یک اقتصاد دستوری به سمت یک اقتصاد بازار سوسیالیستی حرکت کند، هرچند که انتقادات زیادی از جمله اتهام دیکتاتوری به او وارد شد. تظاهرات دانشجویان در سال ۱۹۸۶ علیه نابرابری‌های اجتماعی نشان‌دهنده نارضایتی‌ها بود که با سرکوب مواجه شد.^{۲۱۲}

۲۱۲ - با به قدرت رسیدن دنگ شیائوپینگ، تغییرات قابل توجهی در فرآیندهای تصمیم‌گیری در حزب کمونیست چین ایجاد شد که بر مشاوره جمعی به جای فردگرایی تأکید داشت. در اینجا چند مثال از این تغییرات آورده شده است:

۱. رهبری جمعی: دنگ مدل رهبری جمعی را ترویج کرد که در آن تصمیمات از طریق بحث و گفت‌وگو میان اعضای ارشد حزب اتخاذ می‌شد و نه توسط یک رهبر واحد. این رویکرد به منظور جلوگیری از تمرکز قدرت و اطمینان از اینکه دیدگاه‌های متعددی در سیاست‌گذاری مورد توجه قرار می‌گیرد، طراحی شده بود. خود دنگ تأکید می‌کرد که تصمیم‌گیری نباید تنها به یک یا دو فرد محدود شود، بلکه رهبری جمعی برای حکمرانی مؤثر ضروری است.

۲. تصمیم‌گیری مشورتی: در هنگام تدوین قطعنامه‌ها و سیاست‌های مهم، دنگ تشویق می‌کرد که مشاوره‌های گسترده‌ای بین اعضای حزب انجام شود. به عنوان مثال، هنگام تدوین "قطعنامه درباره مسائل تاریخی خاص" (۱۹۸۱)، دنگ بحث‌های متعددی با مقامات مختلف داشت تا جهت‌گیری و لحن این سند را مشخص کند. این فرآیند شامل نظرات از سطوح مختلف رهبری درون حزب بود و نشان‌دهنده تعهد به تصمیم‌گیری جمعی بود.

۳. تدوین سیاست‌ها از طریق اجماع: رویکرد دنگ معمولاً شامل رسیدن به اجماع میان مقامات حزبی قبل از اجرای سیاست‌های عمده بود. او معتقد بود که انتظار برای زمان مناسب و جمع‌آوری نظرات جمعی برای اتخاذ تصمیمات استراتژیک ضروری است. به عنوان مثال، او بر ارزیابی دقیق وضعیت سیاسی قبل از پرداختن به مسائل حساس تاریخی مربوط به مائو تسه‌تونگ و انقلاب فرهنگی تأکید داشت تا اطمینان حاصل کند که هر گونه قطعنامه‌ای منجر به بی‌ثباتی در حزب نشود.

۴. تمرکززدایی تصمیمات اقتصادی: در حالی که دنگ بر تصمیم‌گیری جمعی در سطوح بالاتر تأکید داشت، همچنین مدیریت اقتصادی را تمرکززدایی کرد و به دولت‌ها و شرکت‌های محلی اجازه داد تا بر اساس شرایط محلی تصمیم بگیرند. این تغییر به رهبران محلی این امکان را داد تا با اصلاحات اقتصادی متناسب با زمینه‌های خاص خود آزمایش کنند و طبیعت مشورتی حکمرانی را بیشتر تقویت کنند.

این مثال‌ها نشان می‌دهند که رهبری دنگ شیائوپینگ چگونه به انتقال به یک فرآیند تصمیم‌گیری مشورتی و نهادینه‌شده‌تر در حزب کمونیست چین منجر شد، که به طور چشمگیری با رویکردهای فردگرایانه قبلی تفاوت داشت. منبع:

<https://muse.jhu.edu/article/۷۸۴۹۷۷>

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

محدودیت‌های اصلاحات سیاسی

سرکوب دموکراسی خواهی:

• با وجود اصلاحات محدود، دنگ هیچ‌گاه قصد نداشت نظام تک‌حزبی را کنار بگذارد. او معتقد بود که ثبات سیاسی برای توسعه اقتصادی ضروری است.

• حادثه میدان تیان‌آن‌من (۱۹۸۹):

یکی از مهم‌ترین نقاط ضعف اصلاحات سیاسی دنگ، برخورد او با اعتراضات دانشجویی در میدان تیان‌آن‌من بود. حادثه میدان تیان‌آن‌من، که به عنوان حادثه چهارم ژوئن نیز شناخته می‌شود، به مجموعه‌ای از اعتراضات-PRO democracy (طرفدار دموکراسی) اشاره دارد که در بهار ۱۹۸۹ در پکن برگزار شد. این اعتراضات ابتدا توسط دانشجویان دانشگاهی که خواستار اصلاحات سیاسی بودند، آغاز شد و به تدریج حمایت گسترده‌ای از بخش‌های مختلف جامعه، از جمله کارگران و روشنفکران، جلب کرد. اعتراضات در تاریخ ۳ و ۴ ژوئن به اوج خود رسید، زمانی که دولت چین اعلام حکومت نظامی کرد و ارتش را برای سرکوب تظاهرات به میدان تیان‌آن‌من اعزام نمود. نیروهای نظامی و تانک‌ها وارد میدان شدند و با معترضان درگیر شدند. برآوردها از تعداد کشته‌شدگان این حادثه بسیار متفاوت است.

تبدیل اعتراضات میدان تیان‌آن‌من از یک تجمع دانشجویی به یک جنبش گسترده به چندین عامل کلیدی بستگی داشت. نخستین عامل، مرگ «هو یائوبانگ»^۲، یک سیاستمدار اصلاح‌طلب محبوب، در آوریل ۱۹۸۹ بود که به سرعت به نماد آزادی و دموکراسی تبدیل شد. این واقعه باعث شد که ده‌ها هزار دانشجو در میدان تیان‌آن‌من تجمع کنند و خواستار اصلاحات سیاسی و اجتماعی شوند. این تجمعات به تدریج از یک حرکت محلی به یک جنبش ملی گسترش یافت و مردم از شهرهای مختلف چین نیز به آن پیوستند. همچنین، پوشش رسانه‌ای گسترده‌ای که به دنبال سفر «میخائیل گورباچف»، رهبر شوروی، به چین ایجاد شد، توجه جهانیان را به این اعتراضات جلب کرد و به افزایش تعداد معترضان کمک کرد.

کنترل مستمر حزب:

• آزادی مطبوعات و فعالیت‌های سیاسی مستقل همچنان سرکوب می‌شد. هرگونه فعالیتی که تهدیدی برای قدرت حزب به شمار می‌رفت، ممنوع بود.

• حزب کمونیست همچنان قدرت کامل خود را در سیاست حفظ کرد و نظارت شدیدی بر همه نهادهای دولتی داشت.

۲۱۳ - هو یائوبانگ (۲۰ نوامبر ۱۹۱۵ - ۱۵ آوریل ۱۹۸۹) یک سیاستمدار بلندپایه چینی در جمهوری خلق چین بود که از سال ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۷ مقام عالی حزب کمونیست چین (CCP) را بر عهده داشت. هو که از شاگردان دنگ شیائوپینگ بود، پس از انقلاب فرهنگی به شهرت رسید و نقش مهمی در اصلاحات اقتصادی و سیاسی ایفا کرد. سیاست‌های هو با هدف مدرن کردن چین و باز کردن آن به روی جهان بود که او را در بین دانشجویان و روشنفکران محبوب کرد. با این حال، دیدگاه‌های اصلاح طلبانه او نیز باعث شد که در داخل حزب دشمنانی پیدا کند و پس از اعتراضات دانشجویی در سال ۱۹۸۷ مجبور به استعفا شد. مرگ او در آوریل ۱۹۸۹ باعث عزاداری و اعتراضات گسترده، به ویژه در میدان تیان آنمن شد که به درخواست برای آزادی سیاسی بیشتر تبدیل شد و در نهایت به کشتار میدان تیان آنمن در ژوئن منجر شد.

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

جمع‌بندی مقایسه‌ای:

شاخص‌ها	قبل از اصلاحات (۱۹۴۹-۱۹۷۸)	پس از اصلاحات (۱۹۷۸ به بعد)
تمرکز قدرت	کاملاً متمرکز در دست رهبر حزب	تقسیم نسبی قدرت میان حزب و دولت
شایسته‌سالاری	تعهد ایدئولوژیک اولویت داشت	تخصص و شایستگی ملاک ارتقا شد
مبارزه با فساد	اقدام جدی صورت نمی‌گرفت	کمیته‌های ضدفساد ایجاد شد
نظام تک‌حزبی	حزب کمونیست کنترل کامل داشت	کنترل کامل حزب همچنان ادامه یافت
سرکوب سیاسی	گسترده (سرکوب مخالفان و انقلاب فرهنگی)	محدودتر، اما با سرکوب اعتراضات دموکراسی‌خواهی (تیان‌آن‌من)

اصلاحات دنگ شیائوپینگ منجر به افزایش کارآمدی سیاسی و کاهش برخی ناکارآمدی‌های گذشته شد، اما دموکراسی‌خواهی همچنان سرکوب شد. حزب کمونیست توانست قدرت خود را حفظ کند و به‌عنوان نیروی هدایتگر توسعه اقتصادی و اجتماعی باقی بماند. حادثه تیان‌آن‌من نشان داد که محدودیت‌های اصلاحات سیاسی عمیق بوده و دنگ حاضر نبود کنترل حزب را قربانی آزادی سیاسی کند.

د: تأثیرات فرهنگی و بین‌المللی

اصلاحات دنگ شیائوپینگ در دهه ۱۹۸۰ تأثیر عمیقی بر گسترش تبادلات فرهنگی و علمی چین با جهان داشت. پیش از این اصلاحات، چین به دلیل سیاست‌های انزواگرایانه و محدودیت‌های شدید در تبادل فرهنگی و علمی با دیگر کشورها، از تعاملات بین‌المللی محروم بود. اما با آغاز دوره اصلاحات، دولت چین به تدریج درهای خود را به روی جهان باز کرد و به دنبال تقویت روابط فرهنگی و علمی با کشورهای دیگر بود. این تغییر رویکرد نه تنها به افزایش تبادل دانش و فناوری کمک کرد، بلکه موجب ارتقاء تصویر چین در صحنه بین‌المللی شد.

در این راستا، دنگ شیائوپینگ با تأکید بر اهمیت علم و فناوری برای توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور، زمینه را برای همکاری‌های علمی با کشورهای غربی فراهم کرد. در سال ۱۹۷۹، چین توافق‌نامه‌هایی را با ایالات متحده در زمینه همکاری‌های علمی و فناوری امضا کرد که منجر به ایجاد یک سیستم همکاری بلندمدت شد. این همکاری‌ها شامل تبادل دانشمندان، برگزاری کنفرانس‌ها و پروژه‌های تحقیقاتی مشترک بود که به ارتقاء سطح علمی و فناوری چین کمک شایانی کرد. همچنین، این تبادلات موجب شد که چین بتواند از تجربیات کشورهای پیشرفته بهره‌برداری کند و در زمینه‌های مختلف علمی پیشرفت کند.

با گذشت زمان، چین به یک بازیگر کلیدی در عرصه جهانی تبدیل شد و توانست جایگاه خود را به عنوان یک ابرقدرت اقتصادی تثبیت کند. اصلاحات دنگ شیائوپینگ نه تنها به رشد اقتصادی سریع کشور کمک کرد، بلکه باعث شد که چین بتواند در زمینه‌های فرهنگی و علمی نیز خود را مطرح کند. این تحولات موجب شد که چین

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

به یکی از مقاصد جذاب برای سرمایه‌گذاری‌های خارجی تبدیل شود و شرکت‌های بین‌المللی تمایل بیشتری برای همکاری با چین پیدا کنند.

در نهایت، اثرات اصلاحات دنگ شیائوپینگ بر گسترش تبادلات فرهنگی و علمی نه تنها بر اساس رشد اقتصادی قابل مشاهده است، بلکه همچنین در تغییر نگرش جامعه نسبت به علم و فناوری نیز مشهود است. امروز، چین به عنوان یک کشور پیشرفته در زمینه تحقیق و توسعه شناخته می‌شود و تلاش می‌کند تا نقش خود را در عرصه جهانی تقویت کند. این تغییرات نمایانگر یک تحول اساسی در سیاست‌های فرهنگی و علمی چین است که تأثیرات عمیقی بر جامعه جهانی داشته است.

وضعیت تبادل فرهنگی و علمی چین قبل از اصلاحات دنگ

• **انزوای فرهنگی و علمی:** قبل از اصلاحات، به‌ویژه در دوران انقلاب فرهنگی (۱۹۶۶-۱۹۷۶)، چین به

شدت از تعاملات فرهنگی و علمی با جهان خارج فاصله گرفته بود. تعداد دانشجویان چینی که به خارج از کشور اعزام می‌شدند بسیار محدود بود و همکاری‌های علمی بین‌المللی تقریباً به صفر رسیده بود.

• **آمار دانشجویان اعزامی:** در سال ۱۹۷۸، تنها حدود ۸۶۰ دانشجوی چینی در خارج از کشور تحصیل می‌کردند، که نشان‌دهنده محدودیت شدید در تبادل علمی بود.

• **عدم دسترسی به منابع علمی جهانی:** در این دوره، دسترسی به کتاب‌ها، مجلات، و تحقیقات علمی بین‌المللی به دلیل سیاست‌های بسته چین، به‌ویژه در دوران مائو، بسیار محدود بود.

در ادامه به تشریح تغییرات و گسترش تبادل فرهنگی و علمی پس از اصلاحات می‌پردازیم:

تغییرات و گسترش تبادل فرهنگی و علمی پس از اصلاحات دنگ

دنگ شیائوپینگ با شعار «درهای باز» (Opening Up) و تمرکز بر توسعه اقتصادی و مدرن‌سازی، مسیر جدیدی برای چین ترسیم کرد. این تغییرات شامل افزایش تعاملات فرهنگی و علمی با کشورهای جهان بود.

۱. گسترش اعزام دانشجویان به خارج از کشور

• افزایش چشمگیر تعداد دانشجویان:

قبل از اصلاحات دنگ شیائوپینگ در سال ۱۹۷۸، تعداد دانشجویان چینی که در خارج از کشور تحصیل می‌کردند، بسیار محدود بود. در سال ۱۹۸۵، تنها ۸,۶۰۰ دانشجو در دانشگاه‌های بین‌المللی ثبت‌نام کرده بودند که این امر نشان‌دهنده سیاست‌های محدودکننده و فرصت‌های کم برای تحصیلات عالی خارج از چین بود. انقلاب فرهنگی و جو سیاسی پس از آن به شدت تبادلات آموزشی را مختل کرده بود و در نتیجه تعداد بسیار کمی از دانشجویان توانسته بودند به تحصیلات خارجی دسترسی پیدا کنند. این وضعیت با اجرای سیاست درهای باز دنگ شیائوپینگ به طور چشمگیری تغییر کرد که تبادل و همکاری‌های بین‌المللی را تشویق می‌کرد.

تا سال ۲۰۰۰، تعداد دانشجویان چینی که در خارج از کشور تحصیل می‌کردند به طور قابل توجهی افزایش یافت و به حدود ۱۰۰,۰۰۰ نفر رسید. این رشد ناشی از اصلاحات اقتصادی چین و افزایش آگاهی درباره اهمیت آموزش

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

جهانی بود. با شروع ادغام چین در اقتصاد جهانی، خانواده‌های بیشتری به دنبال فرصت‌هایی برای تحصیل فرزندان‌شان در خارج بودند. دولت نیز با ارائه بورسیه‌ها و برنامه‌هایی برای تقویت همکاری‌های بین‌المللی در آموزش، از دانشجویان حمایت کرد. این مرحله نقطه عطفی بود که چین به یکی از بزرگ‌ترین کشورهای فرستنده دانشجویان در سطح جهانی تبدیل شد.

به سمت ۲۰۲۴، روند تحصیل دانشجویان چینی در خارج از کشور همچنان ادامه دارد و برآوردها نشان می‌دهد که حدود ۶۰۰،۰۰۰ دانشجویان در مؤسسات خارجی مشغول به تحصیل هستند. این افزایش نشان‌دهنده تقاضای روزافزون برای آموزش با کیفیت بالا و همچنین رشد طبقه متوسط چین است که بر روی مدارک بین‌المللی تأکید دارد. ایالات متحده یکی از مقاصد اصلی برای دانشجویان چینی باقی مانده است و سهم قابل توجهی از دانشجویان خارجی را تشکیل می‌دهد. این اعداد تأکید بر تعهد چین به ارتقاء استانداردهای آموزشی و پرورش نیروی کار رقابتی جهانی دارد.

در مجموع، تأثیر اصلاحات دنگ شیائوپینگ بر جابجایی دانشجویی عمیق بوده است. از تنها ۸،۶۰۰ دانشجو در سال ۱۹۸۵ تا برآورد حدود ۶۰۰،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۲۴، این افزایش نشان‌دهنده یک تحول گسترده در جامعه چینی به سمت پذیرش آموزش جهانی است. تأکید بر تحصیل بین‌المللی نه تنها تجربیات آموزشی بی‌شماری را برای دانشجویان فراهم کرده است بلکه به افزایش نفوذ چین در صحنه جهانی به عنوان منبعی از استعداد و نوآوری کمک کرده است.^{۲۴}

• بازگشت دانش‌آموختگان:

بسیاری از این دانشجویان پس از فارغ‌التحصیلی به چین بازگشتند و به انتقال فناوری، دانش مدرن و ایجاد پل‌های ارتباطی کمک کردند. طبق آمارهای موجود، تقریباً ۸۶٪ از دانشجویان چینی که در خارج از کشور تحصیل کرده‌اند، پس از فارغ‌التحصیلی به چین بازمی‌گردند. این بازگشت نه تنها به انتقال فناوری و دانش مدرن کمک می‌کند بلکه موجب ایجاد ارتباطات بین‌المللی و تسهیل توسعه اقتصادی و فرهنگی چین نیز می‌شود.^{۲۵}

۲۱۴ - برای آشنایی بیشتر با میزان دانشجویان اعزامی چین به خارج از کشور می‌توانید تحقیق "چینی‌های بیشتری در خارج از کشور درس نمی‌خوانند؛ تعداد بیشتری برمی‌گردند" به آدرس ذیل مراجعه نمایید:

<https://www.caixinglobal.com/2017-03-03/more-chinese-studying-abroad-greater-percentage-returning-101061433.html>

۲۱۵ - یکی از معضلات اعزام دانشجویان به خارج از کشور، جذب دانشجویان توسط کشورهای پذیرنده دانشجویانست که در ایران ما از آن فرار مغزها نام می‌بریم اما جالب است که به کشورهای بپردازیم که دانشجویان پس از اتمام تحصیلات خود به خانه خود بازمی‌گردند:

۱. چین: چین به عنوان بزرگ‌ترین منبع دانشجویان بین‌المللی، تعداد زیادی از دانشجویان خود را پس از تحصیل در خارج از کشور به خانه بازمی‌گرداند. در سال ۲۰۲۱، بیش از یک میلیون دانشجوی چینی در خارج از کشور تحصیل می‌کردند و بخش قابل توجهی از آن‌ها به چین بازمی‌گردند و به نیروی کار ماهر این کشور کمک می‌کنند.

۲. هند: پس از چین، هند نیز تعداد زیادی دانشجویان دارد که در خارج از کشور تحصیل می‌کنند (حدود ۵۰۸،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۲۱) و بسیاری از آن‌ها برای بهره‌برداری از تحصیلات بین‌المللی خود به هند بازمی‌گردند.

۳. ویتنام: ویتنام به خاطر افزایش تعداد دانشجویان خود که در خارج از کشور تحصیل می‌کنند و به خانه برمی‌گردند، به ویژه در زمینه‌هایی که به توسعه ملی کمک می‌کند، شناخته شده است.

۲. تبادل فرهنگی از طریق هنر و رسانه

• ورود سینما و موسیقی بین‌المللی:

پس از اصلاحات دنگ شیائوپنگ که در اواخر دهه ۱۹۷۰ آغاز شد، چین شاهد یک تغییر فرهنگی قابل توجه بود، زیرا فیلم‌ها و موسیقی غربی به بازار چین وارد شدند. سیاست‌های آزادسازی اقتصادی که شامل تأسیس مناطق ویژه اقتصادی و رویکردی بازتر به سرمایه‌گذاری خارجی بود، محیطی را برای ورود محصولات فرهنگی بین‌المللی فراهم کرد. این ورود باعث آشنایی مردم چین با سینما و موسیقی جهانی شد و افق‌های فرهنگی آن‌ها را گسترش داد و دسترسی به اشکال هنری متنوعی که پیش‌تر تحت ایدئولوژی مائوئیستی محدود شده بودند، فراهم کرد. ورود این اشکال فرهنگی نه تنها سرگرمی ایجاد کرد، بلکه بحث‌هایی درباره مسائل اجتماعی و آزادی‌های فردی را نیز تحریک کرد و نشان‌دهنده علاقه فزاینده به سبک زندگی و ارزش‌های غربی بود.

ادغام سینما و موسیقی بین‌المللی در جامعه چین همچنین منجر به ظهور یک بازار جدید برای این محصولات شد. با افزایش تقاضای مصرف‌کنندگان برای فیلم‌ها و موسیقی خارجی، این امر کارآفرینان و کسب‌وکارهای محلی را تشویق کرد تا با فرهنگ جهانی ارتباط برقرار کنند و به این ترتیب موج جدیدی از خلاقیت در چین شکل گرفت. این تبادل فرهنگی به مدرن‌سازی صنایع سرگرمی چین کمک کرد و الهام‌بخش فیلم‌سازان و موسیقی‌دانان محلی برای پذیرش سبک‌ها و روایت‌های جدید تحت تأثیر همتایان غربی خود بود. در نتیجه، این دوره نقطه عطفی در چشم‌انداز فرهنگی چین بود که به سمت یک جامعه چندصدایی حرکت کرد که هم ارزش‌های سنتی چینی و هم تأثیرات معاصر جهانی را در بر می‌گرفت.

• نمایشگاه‌های هنری بین‌المللی:

پس از اصلاحات دنگ شیائوپنگ، چین به طور فعال در نمایشگاه‌های هنری بین‌المللی شرکت کرد و این امر نشانه‌ای از تغییرات قابل توجه در چشم‌انداز فرهنگی این کشور بود. در دهه ۱۹۹۰، رویدادهایی مانند **نمایشگاه بین‌المللی هنر معاصر پکن** برگزار شد که آثار هنرمندان چینی، چه هنرمندان شناخته‌شده و چه نوظهور، را به مخاطبان جهانی معرفی کرد. این نمایشگاه‌ها بستری را فراهم کردند تا هنرمندان چینی بتوانند آثار نوآورانه و تجربی خود را ارائه دهند، آثاری که اغلب با چالش‌های هنری سنتی مواجه می‌شدند و مسائل اجتماعی معاصر را منعکس می‌کردند. مشارکت در این رویدادهای بین‌المللی نه تنها به هنرمندان چینی کمک کرد تا به رسمیت شناخته شوند، بلکه تبادل فرهنگی را نیز تسهیل کرد و به آن‌ها اجازه داد تا با جنبش‌ها و روندهای هنری جهانی تعامل داشته باشند.

۴. نیجریه: نیجریه به عنوان یک کشور در حال توسعه سریع، انتظار می‌رود که شاهد افزایش تعداد دانشجویانی باشد که پس از تحصیل در خارج به خانه برمی‌گردند، که این امر ناشی از فرصت‌های بهتر کاری پس از تحصیل است. به طور کلی، چین و هند پیشروترین کشورها در زمینه ارسال دانشجویان به خارج و همچنین مشاهده تعداد بالای بازگشت‌کنندگان هستند. کشورهای دیگری مانند ویتنام و نیجریه نیز به خاطر جمعیت رو به رشد بازگشت‌کنندگان خود به خاطر توسعه چشم‌اندازهای آموزشی و اقتصادی‌شان قابل توجه هستند. منبع:

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

تأثیر این نمایشگاه‌ها فراتر از صرفاً دیده شدن بود؛ آن‌ها نقش حیاتی در بازتعریف هویت هنری چین در سطح جهانی ایفا کردند. موفقیت نمایشگاه‌هایی مانند چین/آوانگارد در سال ۱۹۸۹ و رویدادهای بعدی توجه منتقدان و مجموعه‌داران بین‌المللی را جلب کرد و علاقه فزاینده‌ای به هنر معاصر چین ایجاد نمود. این شناخت تازه به مشروعیت بخشی به آثار هنرمندان چینی در جامعه هنری جهانی کمک کرد و فرصت‌های بیشتری برای همکاری و گفت‌وگو ایجاد نمود. در نتیجه، مشارکت چین در نمایشگاه‌های هنری بین‌المللی نه تنها بافت فرهنگی آن را غنی‌تر کرد، بلکه این کشور را به عنوان یک بازیگر مهم در صحنه هنر جهانی معرفی نمود که پیچیدگی‌های تاریخ و زمینه‌های اجتماعی آن را منعکس می‌کرد.

۳. همکاری‌های علمی بین‌المللی

• ایجاد مؤسسات مشترک

اصلاحات دنگ شیائوپنگ در اواخر دهه ۱۹۷۰ نقطه عطفی برای دانشگاه‌های چینی بود و همکاری آن‌ها با مؤسسات پیشرو غربی را تسهیل کرد. این تغییر با تأسیس برنامه‌های مشترک بین دانشگاه‌های معتبر چینی، مانند دانشگاه پکن و دانشگاه Tsinghua، و همتایان آن‌ها در ایالات متحده، اروپا و ژاپن مشخص شد. این همکاری‌ها به منظور تقویت تبادل علمی طراحی شده بودند و به دانشجویان چینی این امکان را می‌دادند که در خارج از کشور تحصیل کنند و با روش‌های پیشرفته تحقیق و شیوه‌های آموزشی آشنا شوند. ورود تخصص و منابع خارجی به مدرن‌سازی سیستم آموزش عالی چین کمک کرد و نسل جدیدی از پژوهشگران را با دیدگاه‌های جهانی تربیت نمود. نتایج این همکاری‌های بین‌المللی عمیق و چندبعدی بود. نخست، این همکاری‌ها به تقویت قابلیت‌های تحقیقاتی در دانشگاه‌های چینی منجر شد، زیرا اعضای هیئت علمی بر روی پروژه‌هایی با پژوهشگران بین‌المللی همکاری کردند که کیفیت و تأثیر خروجی‌های علمی را ارتقا داد. ابتکارات تحقیقاتی مشترک غالباً بر روی مسائل جهانی مهمی مانند پایداری محیط زیست، توسعه فناوری و بهداشت عمومی تمرکز داشتند که با منافع استراتژیک چین در این زمینه‌ها همخوانی داشت. علاوه بر این، برنامه‌های تبادل فرهنگی و گفت‌وگوهای بین دانشگاهیان چینی و غربی به کاهش کلیشه‌ها و افزایش احترام متقابل کمک کرد.

علاوه بر این، این همکاری‌ها به رشد اقتصادی چین از طریق ایجاد نیروی کار ماهر در زمینه نوآوری علمی و فناوری کمک شایانی کرد. فارغ‌التحصیلان این برنامه‌های مشترک با دانش پیشرفته و شبکه‌های بین‌المللی ارزشمندی که می‌توانستند برای همکاری‌های آینده استفاده کنند، به چین بازگشتند. این تزریق استعداد نقش حیاتی در انتقال چین به سمت یک اقتصاد مبتنی بر دانش ایفا کرد و به آن اجازه داد تا به طور مؤثرتری در صحنه جهانی رقابت کند.

در مجموع، همکاری بین دانشگاه‌های چینی و مؤسسات غربی تحت اصلاحات دنگ، تحولی در چشم‌انداز آموزشی چین ایجاد کرد. این همکاری نه تنها شیوه‌های علمی را مدرن کرد بلکه چین را به عنوان یک رهبر نوظهور در زمینه‌های مختلف تحقیق و نوآوری معرفی نمود. تأثیر بلندمدت این شراکت‌ها همچنان رویکرد چین را در زمینه علم و فناوری شکل می‌دهد و تعهد آن را به ادغام در جامعه علمی جهانی در حالی که اهداف توسعه ملی خود را دنبال می‌کند، منعکس می‌کند.

• مشارکت در تحقیقات بین‌المللی:

اصلاحات دنگ شیائوپنگ در چین نه تنها به بازسازی اقتصادی این کشور کمک کرد، بلکه زمینه‌ساز مشارکت‌های بین‌المللی در تحقیقات علمی نیز شد. یکی از جنبه‌های کلیدی این اصلاحات، ورود چین به پروژه‌های علمی بزرگ و همکاری در زمینه‌های نوین مانند انرژی‌های تجدیدپذیر و فناوری‌های پیشرفته بود. این همکاری‌ها به دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی چینی این امکان را داد تا با هم‌تایان خود از کشورهای توسعه‌یافته، به تبادل دانش و فناوری بپردازند. به عنوان مثال، دانشگاه‌های معتبر چین مانند دانشگاه پکن و دانشگاه Tsinghua با دانشگاه‌های آمریکایی و اروپایی همکاری کردند تا پروژه‌های مشترکی را در زمینه‌های مختلف علمی اجرا کنند.

نتایج این همکاری‌ها بسیار مثبت بود و تأثیرات عمیقی بر توسعه علمی و فناوری چین داشت. اولین نتیجه، افزایش کیفیت تحقیقات علمی در چین بود که به واسطه دسترسی به تجهیزات پیشرفته و روش‌های تحقیقاتی نوین حاصل شد. این امر باعث شد که چین بتواند در زمینه‌های مختلف علمی، از جمله فناوری اطلاعات، بیوتکنولوژی و انرژی‌های تجدیدپذیر، پیشرفت‌های قابل توجهی داشته باشد. همچنین، این همکاری‌ها به جذب نخبگان علمی از خارج کمک کرد و موجب شکل‌گیری شبکه‌های بین‌المللی میان پژوهشگران چینی و خارجی شد.

علاوه بر این، مشارکت در پروژه‌های بین‌المللی به افزایش اعتبار دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی چینی در سطح جهانی منجر شد. با مشارکت در کنفرانس‌ها و نمایشگاه‌های بین‌المللی، پژوهشگران چینی توانستند دستاوردهای خود را به نمایش بگذارند و با دیگر محققان از کشورهای مختلف تبادل نظر کنند. این امر نه تنها به ارتقاء سطح علمی کشور کمک کرد بلکه باعث شد که چین به عنوان یک بازیگر مهم در عرصه علم و فناوری شناخته شود. در نهایت، این نوع همکاری‌ها به توسعه پایدار چین نیز کمک شایانی کرد. با تمرکز بر روی انرژی‌های تجدیدپذیر و فناوری‌های نوین، چین توانست به سمت یک اقتصاد سبزتر حرکت کند و از وابستگی به منابع انرژی فسیلی بکاهد. این تحولات نه تنها به نفع محیط زیست بود بلکه به تقویت موقعیت اقتصادی چین در بازار جهانی نیز کمک کرد. بنابراین، مشارکت در تحقیقات بین‌المللی نه تنها باعث پیشرفت علمی چین شد بلکه زمینه‌ساز تحولاتی اساسی در ساختار اقتصادی و اجتماعی این کشور گردید.

۴. جذب سرمایه‌گذاری خارجی در حوزه آموزش و فناوری

• تأسیس مدارس و دانشگاه‌های بین‌المللی در چین:

پس از اصلاحات دنگ شیائوپنگ، چین به طور جدی به جذب سرمایه‌گذاری خارجی در زمینه‌های آموزش و فناوری پرداخت تا مدارس و دانشگاه‌های بین‌المللی را در این کشور تأسیس کند. این سیاست به ویژه در دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ به اجرا درآمد و هدف آن ارتقاء کیفیت آموزش عالی و دستیابی به فناوری‌های نوین بود. دولت چین با ارائه مشوق‌هایی مانند معافیت‌های مالیاتی و کاهش محدودیت‌های اداری، شرایط را برای سرمایه‌گذاران خارجی تسهیل کرد. این اقدامات نه تنها به جذب مؤسسات آموزشی معتبر از کشورهای توسعه‌یافته کمک کرد، بلکه زمینه‌ساز تبادل فرهنگی و علمی میان چین و جهان نیز شد.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

یکی از نمونه‌های بارز این روند، تأسیس برنامه‌های مشترک بین دانشگاه جیاوتونگ شانگهای و چندین مؤسسه معتبر، از جمله دانشگاه میشیگان و دانشگاه کالیفرنیا، برکلی است. این همکاری‌ها منجر به ایجاد برنامه‌های دو مدرکی شد که به دانشجویان این امکان را می‌دهد تا مدارکی که هم در چین و هم در خارج از کشور معتبر هستند، دریافت کنند. همچنین، دانشگاه ژجیانگ با دانشگاه ادینبرو همکاری کرده است تا ابتکارات تحقیقاتی متمرکز بر فناوری‌های پایدار و نوآوری را توسعه دهد. چنین شراکت‌هایی نه تنها استانداردهای علمی را در این دانشگاه‌های چینی ارتقا می‌دهد بلکه تبادل فرهنگی میان دانشجویان محلی و بین‌المللی را نیز غنی‌تر می‌کند.

نتایج این همکاری‌های بین‌المللی بسیار قابل توجه بوده است. این همکاری‌ها به مدرن‌سازی چشم‌انداز آموزش عالی چین کمک کرده و به دانشگاه‌های چینی اجازه داده‌اند تا روش‌های تدریس پیشرفته و شیوه‌های تحقیقاتی رایج در مؤسسات غربی را اتخاذ کنند. ورود تخصص خارجی همچنین منجر به افزایش خروجی‌های پژوهشی شده است که بسیاری از پروژه‌های مشترک به چالش‌های جهانی مهمی مانند تغییرات اقلیمی و بهداشت عمومی پرداخته‌اند. علاوه بر این، این شراکت‌ها به تربیت نیروی کار ماهر که دارای دانش نظری و مهارت‌های عملی است، کمک کرده‌اند که برای توسعه اقتصادی چین ضروری است.

در نهایت، تلاش‌ها برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی در زمینه آموزش و فناوری تأثیر عمیقی بر سیستم آموزشی چین داشته است. با تأسیس مدارس بین‌المللی و تقویت همکاری با دانشگاه‌های معتبر جهانی، چین نه تنها کیفیت آموزش عالی خود را ارتقا داده بلکه خود را به عنوان یک بازیگر مهم در جامعه علمی جهانی معرفی کرده است. این حرکت استراتژیک ظرفیت چین برای نوآوری و پژوهش را افزایش داده و در نهایت به هدف آن برای تبدیل شدن به یک اقتصاد مبتنی بر دانش در سطح جهانی کمک کرده است.^{۲۷}

• انتقال فناوری:

اصلاحات دنگ شیائوپنگ در اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ زمینه‌ساز ابتکارات قابل توجهی در زمینه انتقال فناوری در چین شد که هدف آن مدرن‌سازی زیرساخت‌های علمی و صنعتی کشور بود. یکی از حوزه‌های کلیدی تمرکز بر بخش انرژی، به ویژه در فناوری‌های انرژی‌های تجدیدپذیر بود. چین به دنبال جذب سرمایه‌گذاری و تخصص خارجی برای توسعه قابلیت‌های خود در زمینه انرژی خورشیدی و بادی بود. همکاری با شرکت‌هایی از آلمان و ایالات متحده به انتقال فناوری‌های پیشرفته و دانش کمک کرد و به چین این امکان را داد تا توانایی‌های تولید پنل‌های خورشیدی و توربین‌های بادی را ایجاد کند. این حرکت استراتژیک نه تنها به کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی کمک کرد بلکه چین را به عنوان یک رهبر جهانی در تولید انرژی‌های تجدیدپذیر معرفی نمود. یکی دیگر از حوزه‌های حیاتی انتقال فناوری، فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) بود. دولت چین اهمیت ICT را برای رشد اقتصادی و رقابت‌پذیری شناسایی کرد. از طریق همکاری با شرکت‌های بزرگ فناوری

^{۲۷}http://en.moe.gov.cn/news/press_releases/۲۰۱۸۱۲/t۲۰۱۸۱۲۲۴_۳۶۴۵۲۵.html

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

مانند سیسکو سیستمز^{۱۸} و مایکروسافت^{۱۹} چین توانست فناوری‌های اساسی را که به توسعه زیرساخت‌های مخابراتی کمک می‌کرد، به دست آورد. این همکاری‌ها شامل سرمایه‌گذاری‌های مشترک بود که به شرکت‌های چینی اجازه می‌داد تا به فناوری‌های پیشرفته شبکه و راه‌حل‌های نرم‌افزاری دسترسی پیدا کنند. در نتیجه، بخش ICT چین شاهد رشد سریع بود که منجر به بهبود قابل توجهی در اتصال اینترنت و خدمات دیجیتال گردید و در نهایت به انتقال کشور به یک اقتصاد دیجیتال کمک کرد.

۲۱۸ - شرکت Cisco Systems، یکی از پیشگامان فناوری شبکه در جهان، در دسامبر ۱۹۸۴ توسط دو دانشمند کامپیوتر به نام‌های **لئونارد بوساک** و **ساندی لرنر** تأسیس شد. این دو نفر که در دانشگاه استنفورد مشغول به کار بودند، به دنبال راهی برای ارتباط الکترونیکی بین دفاتر خود بودند که در نقاط مختلف دانشگاه قرار داشتند. ایده آن‌ها منجر به توسعه روترهای چندپروتکلی شد که امکان اتصال شبکه‌های مختلف را فراهم می‌کرد. نام "Cisco" از کلمه "San Francisco" گرفته شده و به ریشه‌های محلی شرکت اشاره دارد. در سال ۱۹۸۵، Cisco اولین محصول خود را که یک کارت رابط شبکه برای کامپیوترهای Digital Equipment Corporation بود، به بازار عرضه کرد. این شرکت به سرعت رشد کرد و در سال ۱۹۹۰ به بورس اوراق بهادار رفت. در این زمان، **جان موریج** به عنوان مدیرعامل منصوب شد و تحت رهبری او، شرکت به یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان تجهیزات شبکه تبدیل شد. در سال ۱۹۹۵، **جان چامبرز** به عنوان مدیرعامل جدید انتخاب شد و توانست Cisco را در دوران رونق اینترنتی به اوج برساند.

در سال ۲۰۲۳، درآمد Cisco به حدود **۵۸ میلیارد دلار** رسید و این شرکت همچنان یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان تجهیزات شبکه و فناوری اطلاعات در جهان است. Cisco با ارائه راهکارهای نوآورانه‌ای مانند امنیت سایبری، اینترنت اشیا (IoT) و شبکه‌های ابری، جایگاه خود را در بازار جهانی حفظ کرده است. این شرکت همچنین با سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه، تلاش می‌کند تا در خط مقدم فناوری باقی بماند. یکی از نکات جالب درباره Cisco این است که بسیاری از دانشجویان و کارکنان این شرکت پس از فارغ‌التحصیلی یا پایان کار خود، به چینش مجدد فناوری‌ها و انتقال دانش مدرن به کشور خود کمک کرده‌اند. این امر نه تنها به توسعه فناوری در چین کمک کرده بلکه باعث ایجاد ارتباطات قوی بین Cisco و بازارهای جهانی شده است.

۲۱۹ - شرکت Microsoft Corporation، یکی از بزرگ‌ترین و تأثیرگذارترین شرکت‌های فناوری در جهان، در تاریخ **۴ آوریل ۱۹۷۵** توسط **بیل گیتس** و **پاول آلن** تأسیس شد. این دو دوست دوران کودکی که علاقه زیادی به کامپیوترها داشتند، پس از دیدن مقاله‌ای درباره میکروکامپیوتر Altair 8800 در مجله *Popular Electronics* تصمیم به توسعه نرم‌افزاری برای این سیستم گرفتند. آن‌ها با همکاری یکدیگر موفق به ایجاد یک مفسر BASIC برای Altair شدند و پس از موفقیت در این پروژه، نام "Micro-Soft" را برای شرکت خود انتخاب کردند که ترکیبی از "میکروکامپیوتر" و "نرم‌افزار" بود. در سال‌های ابتدایی، مایکروسافت با چالش‌های زیادی روبرو بود، اما با امضای قرارداد با IBM در سال ۱۹۸۰ برای تأمین سیستم‌عامل PC این شرکت، به سرعت رشد کرد. این سیستم‌عامل که MS-DOS نام داشت، به یکی از پرکاربردترین سیستم‌عامل‌ها تبدیل شد. در سال ۱۹۸۵، مایکروسافت اولین نسخه از Windows را معرفی کرد که یکی از اولین سیستم‌عامل‌های گرافیکی در جهان بود و به تدریج جایگزین MS-DOS شد.

با گذشت زمان، مایکروسافت به بزرگ‌ترین تولیدکننده نرم‌افزار کامپیوتری در جهان تبدیل شد و محصولات متنوعی را توسعه داد. در سال ۲۰۲۳، درآمد مایکروسافت به حدود **۲۱۱ میلیارد دلار** رسید و این شرکت همچنان یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان نرم‌افزار و سخت‌افزار در سطح جهانی است. مایکروسافت همچنین با ارائه محصولاتی مانند Microsoft Office و Xbox به عنوان یک برند معتبر در بازارهای مختلف شناخته می‌شود. این شرکت با سرمایه‌گذاری‌های کلان در تحقیق و توسعه، تلاش می‌کند تا در زمینه‌های جدیدی مانند هوش مصنوعی و خدمات ابری پیشرفت کند. نکته جالب درباره مایکروسافت این است که این شرکت نه تنها بر صنعت فناوری تأثیر گذاشته بلکه فرهنگ جهانی را نیز تحت تأثیر قرار داده است. بیل گیتس، بنیان‌گذار این شرکت، به عنوان یکی از ثروتمندترین افراد جهان شناخته می‌شود و فعالیت‌های خیریه او نیز شهرت زیادی دارد. همچنین، مایکروسافت به عنوان یک الگو برای کارآفرینان جوان در سراسر جهان مطرح است.

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

صنعت خودروسازی نیز در این دوره از انتقال فناوری بهره‌مند شد. با تشکیل سرمایه‌گذاری‌های مشترک با تولیدکنندگان بین‌المللی خودرو مانند فولکس واگن^{۲۲۰} و جنرال موتورز، چین توانست تکنیک‌های پیشرفته تولید و نوآوری‌های طراحی را اتخاذ کند. این شراکت‌ها انتقال دانش مربوط به فرآیندهای تولید، کنترل کیفیت و مدیریت زنجیره تأمین را تسهیل کردند. در نتیجه، صنعت خودروسازی چین به یکی از بزرگ‌ترین صنایع جهان تبدیل شد که نه تنها نیاز داخلی را تأمین می‌کرد بلکه شروع به رقابت در بازارهای بین‌المللی نیز نمود.

در نهایت، بخش بیوتکنولوژی^{۲۲۱} به عنوان یکی دیگر از نقاط کانونی تلاش‌های انتقال فناوری ظهور کرد. با افزایش سرمایه‌گذاری‌ها در حوزه بهداشت و داروسازی، چین تلاش کرد تا قابلیت‌های خود را در بیوتکنولوژی از طریق همکاری با شرکت‌ها و مؤسسات تحقیقاتی غربی تقویت کند. همکاری با شرکت‌هایی مانند آمجن و روش به پژوهشگران چینی اجازه داد تا به فناوری‌ها و شیوه‌های پیشرفته بیوفارماسیوتیک دسترسی پیدا کنند. این همکاری منجر به پیشرفت‌های قابل توجهی در فرآیندهای توسعه دارو و تولید در چین شد که نه تنها نتایج بهداشتی را برای جمعیت کشور بهبود بخشید بلکه پایه‌ای برای نوآوری‌های آینده در بیوتکنولوژی فراهم کرد. به طور خلاصه، تأکید دنگ شیائوپنگ بر انتقال فناوری باعث پیشرفت‌های قابل توجهی در بخش‌های مختلف چین، از جمله انرژی

۲۲۰ - شرکت Volkswagen به معنای "خودروی مردم" در زبان آلمانی، در سال ۱۹۳۷ تأسیس شد و تاریخچه آن به دوران نازی‌ها برمی‌گردد. ایده ایجاد این شرکت به ابتکار آدولف هیتلر شکل گرفت که در تلاش بود تا خودرویی مقرون به صرفه برای عموم مردم طراحی کند. هیتلر به مهندس مشهور اتریشی، فردیناند پورشه، دستور داد تا طراحی خودرویی را آغاز کند که بتواند دو بزرگسال و سه کودک را حمل کند و قادر به رسیدن به سرعت ۱۰۰ کیلومتر در ساعت باشد. این خودرو که ابتدا با نام "KdF-Wagen" شناخته می‌شد، در سال ۱۹۳۸ اولین پروتوتایپ‌های آن آماده شد و کارخانه‌ای برای تولید انبوه آن در فالزلبین (اکنون ولفسبورگ) ساخته شد.

با شروع جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۳۹، کارخانه فولکس‌واگن به تولید وسایل نقلیه نظامی تغییر کاربری داد و تولید خودروهای غیرنظامی متوقف شد. پس از پایان جنگ و شکست آلمان، کارخانه فولکس‌واگن در منطقه اشغال شده بریتانیا قرار گرفت و آینده آن نامشخص بود. اما سرهنگ ایوان هیرست از ارتش بریتانیا با دیدن پتانسیل کارخانه، نقش کلیدی در احیای فولکس‌واگن ایفا کرد و نظارت بر بازسازی کارخانه و از سرگیری تولید خودرو را بر عهده گرفت. در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، فولکس‌واگن به سرعت رشد کرد و با تولید مدل‌های معروفی مانند "بیل" (Beetle) به یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان خودرو در جهان تبدیل شد. این شرکت همچنین در سال ۱۹۶۵ با خرید "آتو یونیون"، تولید مدل‌های جدید آئودی را آغاز کرد. تا سال ۲۰۰۰، فولکس‌واگن به یک گروه بزرگ تبدیل شده بود که شامل برندهای مختلفی مانند سئات، اشکودا، بنتلی و لامبورگینی می‌شد.

امروزه، فولکس‌واگن یکی از بزرگ‌ترین خودروسازان جهان است که سالانه میلیون‌ها خودرو تولید می‌کند. درآمد این شرکت در سال ۲۰۲۲ حدود ۲۵۰ میلیارد یورو (تقریباً ۳۰۰ میلیارد دلار) بوده است. همچنین چین به عنوان بزرگ‌ترین بازار این شرکت شناخته می‌شود و حدود ۴۰ درصد از فروش و سود آن را تشکیل می‌دهد. فولکس‌واگن همچنان با چالش‌هایی مانند رسوایی‌های زیست‌محیطی روبرو بوده است، اما تلاش می‌کند تا با نوآوری‌های فناوری و تمرکز بر خودروهای الکتریکی، جایگاه خود را در بازار جهانی حفظ کند.

۲۲۱ - بیوتکنولوژی یک حوزه چندرشته‌ای است که از سیستم‌های بیولوژیکی، موجودات یا مشتقات آن‌ها برای توسعه یا ایجاد محصولات و فناوری‌هایی که زندگی انسان و محیط زیست را بهبود می‌بخشد، بهره می‌برد. این علم شامل تکنیک‌ها و کاربردهای متنوعی از جمله مهندسی ژنتیک، زیست‌شناسی مولکولی و بیوشیمی است که به منظور دستکاری موجودات زنده در سطوح سلولی و مولکولی انجام می‌شود. بیوتکنولوژی در بخش‌های مختلفی مانند پزشکی (برای توسعه واکسن‌ها و درمان‌ها)، کشاورزی (برای ایجاد محصولات تراریخته)، علم محیط زیست (برای پاکسازی زیستی) و فرآیندهای صنعتی (برای تولید سوخت‌های زیستی و مواد قابل تجزیه) کاربرد دارد. با بهره‌گیری از قابلیت‌های سیستم‌های زنده، بیوتکنولوژی به دنبال حل چالش‌هایی در زمینه بهداشت، امنیت غذایی و توسعه پایدار است.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

آموزش، شکل گرفته است. این روند با دسترسی به منابع و پلتفرم‌های آنلاین یادگیری نیز تقویت شده و یادگیری ماندگارین را برای دانش‌آموزان در سرتاسر جهان آسان‌تر کرده است. تقاضا برای ماندگارین همچنین در مناطقی که این زبان مادری نیست، اما به دلیل اهمیت آن در تجارت و بازرگانی شناخته شده است، افزایش یافته است. کشورهایی مانند ژاپن، کره جنوبی و کشورهای مختلف در اروپا و آمریکای شمالی شاهد افزایش مؤسسات آموزشی هستند که زبان چینی را به عنوان زبان خارجی ارائه می‌دهند. این روند نشان‌دهنده شناخت گسترده‌تر از نقش ماندگارین به عنوان یک دارایی ارزشمند در تجارت جهانی و دیپلماسی است.

جیانگ زمین

ب. نظریه سه نمایندگی جیانگ زمین:

نظریه سه نمایندگی (Three Represents) جیانگ زمین، پایه اجتماعی حزب کمونیست چین را گسترش داد و شامل سه حوزه اصلی شد: ۱. نمایندگی از نیروهای تولیدی پیشرفته ۲- نمایندگی از فرهنگ پیشرفته چین و ۳- نمایندگی از منافع اکثریت مردم که به شرح و تفصیل هریک می‌پردازیم.

نمایندگی از نیروهای تولیدی پیشرفته

این بخش از نظریه سه نمایندگی جیانگ زمین به تأکید بر اهمیت به‌کارگیری نیروهای تولیدی مدرن و پیشرفته در جامعه و دولت می‌پردازد. این نظریه معتقد است که حزب کمونیست چین باید پیشگام در نمایندگی منافع نیروهای تولیدی پیشرفته، از جمله نوآوری‌های تکنولوژیکی و صنعتی، باشد. هدف اصلی این رویکرد، هماهنگی توسعه اقتصادی و تکنولوژیکی با اهداف سیاسی حزب است. ارکان نظریه :

۱. ادغام نیروهای تولیدی پیشرفته در سیاست‌های حزب

ادغام نیروهای تولیدی پیشرفته در سیاست‌های حزبی یکی از ویژگی‌های نظریه‌های سه نمایندگی جیانگ زمین است که بر لزوم سازگاری حزب کمونیست چین (CCP) با تغییرات اقتصادی و اجتماعی چین تأکید دارد. یکی از ادغام‌های مهم، ورود کارآفرینان خصوصی به چارچوب حزبی بود. در گذشته، CCP به نمایندگی از منافع طبقه کارگر شکل گرفته بود، اما تحت رهبری جیانگ، حزب درهای خود را به روی سرمایه‌داران و رهبران کسب‌وکار گشود. این تغییر در سخنرانی جیانگ در تاریخ ۱ ژوئیه ۲۰۰۱ به‌طور رسمی اعلام شد، جایی که او بیان کرد که حزب باید نماینده منافع تمام نیروهای تولیدی پیشرفته، از جمله بخش خصوصی باشد. نتیجه این تغییر، ایجاد یک پایگاه عضویت وسیع‌تر شامل افرادی از زمینه‌های اقتصادی مختلف بود که هدف آن افزایش مشروعیت و ارتباط حزب در یک اقتصاد در حال مدرن شدن بود.

ادغام دیگر شامل نوآوری فناوری به‌عنوان نیروی محرکه توسعه اقتصادی بود. حزب کمونیست چین دریافت که برای حفظ رقابت‌پذیری در سطح جهانی، نیاز دارد تا فناوری‌های پیشرفته را بپذیرد و محیطی مناسب برای نوآوری

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

ایجاد کند. سیاست‌هایی برای تشویق تحقیق و توسعه (R&D) در همکاری با شرکت‌ها و مؤسسات خارجی اجرا شد. این تمرکز بر انتقال فناوری منجر به پیشرفت‌های قابل توجهی در بخش‌های مختلف، از جمله مخابرات و تولید شد. نتایج این ادغام در رشد سریع اقتصادی چین و ظهور آن به‌عنوان یک رهبر جهانی در تولید فناوری مشهود بود؛ به‌طوری‌که شرکت‌هایی مانند هواوی و علی‌بابا به بازیگران تأثیرگذار در سطح جهانی تبدیل شدند. ادغام اصلاحات آموزشی نیز نقش حیاتی در هم‌راستا کردن با نیروهای تولید پیشرفته ایفا کرد. حزب کمونیست چین با شناسایی این نکته که نیروی کار ماهر برای حفظ رشد اقتصادی ضروری است، اولویت را به ابتکارات آموزشی داد تا آموزش عالی و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای را بهبود بخشد. همکاری‌هایی با دانشگاه‌های خارجی برقرار شد تا استانداردهای برنامه درسی را ارتقا داده و روش‌های آموزشی جدیدی معرفی کنند. این سرمایه‌گذاری در آموزش منجر به ایجاد نیروی کار توانمندتر شد که دارای مهارت‌های لازم برای صنایع مدرن بود. نتیجه این تغییرات افزایش نوآوری و بهره‌وری در بخش‌های مختلف بود که موقعیت چین را به‌عنوان یک قدرت اقتصادی تقویت کرد.

در نهایت، ادغام پایداری محیط زیست در سیاست‌های حزبی نیز یکی دیگر از تحولات مهم تحت رهبری جیانگ بود. با توجه به چالش‌های زیست‌محیطی فزاینده ناشی از صنعتی شدن سریع، نیاز به شیوه‌های پایدار در نیروهای تولیدی بیشتر احساس شد. حزب کمونیست چین شروع به ترویج سیاست‌هایی کرد که فناوری‌های سبز و منابع انرژی تجدیدپذیر را تشویق می‌کردند. ابتکاراتی مانند سرمایه‌گذاری در انرژی خورشیدی و خودروهای الکتریکی نشان‌دهنده این تغییر به سمت پایداری بود. نتایج این سیاست‌ها شامل بهبود کیفیت محیط زیست و همچنین تأسیس چین به‌عنوان یک رهبر جهانی در تولید انرژی تجدیدپذیر بود که نشان‌دهنده تعهد آن به تعادل بین رشد اقتصادی و مسئولیت زیست‌محیطی است.

به طور خلاصه، ادغام نیروهای تولید پیشرفته در سیاست‌های حزبی جیانگ زمین از طریق گنجاندن کارآفرینان خصوصی، تأکید بر نوآوری فناوری، اصلاحات آموزشی و پایداری محیط زیست تحولی قابل توجه در رویکرد CCP به حکمرانی ایجاد کرد. این ادغام‌ها نه تنها پایگاه حزب را گسترش داد بلکه تسهیل‌کننده مدرنیزاسیون سریع چین و رشد اقتصادی آن بود و چالش‌های معاصر جامعه را نیز مورد توجه قرار داد.

۲. افزایش تعامل بین حزب و نخبگان اقتصادی

در نظریه سه نمایندگی جیانگ زمین، افزایش تعامل بین حزب کمونیست چین (CCP) و نخبگان اقتصادی نشانه‌ای از تغییرات قابل توجه در رویکرد حزب به حکمرانی و مدیریت اقتصادی بود. یکی از اصلی‌ترین راه‌های تقویت این تعامل، درگیر کردن کارآفرینان خصوصی در ساختار حزبی بود.^{۲۴} گذشت، CCP نسبت به

^{۲۲}<https://en.theorychina.org.cn/c/2021-05-04/1393245.shtml>

Jiang Zemin's Three Represents: The Importance of the Important Thoughts, Scott Wilbur, M.A., Candidate, Department of Political Science, National Taiwan University

۲۲۴ - یکی از مثال‌های بارز، تأسیس پایگاه‌های حزبی (شاید اگر بخواهیم مثالی برای این تشکیلات در داخل شورمان بیابیم بهترین مثال بسیج اصناف باشد) درون شرکت‌های خصوصی است. تا سال ۲۰۲۱، گزارش‌ها نشان می‌داد که تقریباً ۷۵ درصد از شرکت‌های خصوصی دارای

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

سرمایه‌داران احتیاط می‌کرد و آن‌ها را به‌عنوان تهدیدی برای ایده‌های سوسیالیستی می‌دید. با این حال، رهبری جیانگ ضرورت ادغام رهبران موفق کسب‌وکار را در حزب برای انعکاس تغییرات در چشم‌انداز اقتصادی شناسایی کرد. این موضوع به‌طور رسمی در سخنرانی جیانگ در فوریه ۲۰۰۰ اعلام شد که در آن بیان کرد حزب باید نماینده نیروهای تولید پیشرفته، از جمله صاحبان کسب‌وکار خصوصی باشد. نتیجه این تغییر، افزایش قابل توجهی در عضویت کارآفرینان در حزب بود که نه تنها پایگاه حزب را گسترش داد بلکه نقش آن‌ها را در توسعه اقتصادی چین مشروعیت بخشید.

جنبه مهم دیگر این تعامل افزایش یافته، تأسیس سرمایه‌گذاری‌های مشترک و همکاری‌های^{۲۲۵} شرکت‌های دولتی و خصوصی بود. CCP دریافت که همکاری با نخبگان اقتصادی می‌تواند نوآوری و کارآمدی را در بخش‌های

یک پایگاه CCP تأسیس شده بودند که نشان‌دهنده حضور قوی حزب در بخش خصوصی است. این ادغام به حزب این امکان را می‌دهد که بر تصمیمات تجاری نظارت داشته باشد و اطمینان حاصل کند که شرکت‌های خصوصی با سیاست‌های دولتی همسو هستند. به عنوان مثال، در سال ۲۰۱۹، دولت‌های محلی مقامات را درون شرکت‌های کلیدی خصوصی مانند Geely و Alibaba قرار دادند تا بر عملیات آن‌ها نظارت کنند و کنترل حزبی را حفظ کنند.

جنبه دیگری از این ادغام، هویت سیاسی اعطا شده به کارآفرینان خصوصی است. بسیاری از صاحبان کسب‌وکار موفق تشویق شده‌اند که به CCP بپیوندند، که نه تنها مشروعیت کسب‌وکار آن‌ها را افزایش می‌دهد بلکه دسترسی آن‌ها به منابع و شبکه‌هایی را که می‌تواند رشد آن‌ها را تسهیل کند، فراهم می‌کند. به عنوان مثال، کارآفرینان از یوچیچینگ در استان ژجیانگ سازمان‌های حزبی تشکیل داده‌اند که از کسب‌وکارهای آن‌ها حمایت می‌کند و در عین حال حفاظت‌های قانونی برای سودهای آن‌ها فراهم می‌آورد. این منافع متقابل رابطه بین CCP و رهبران بخش خصوصی را تقویت می‌کند. علاوه بر این، اصلاحات در ساختارهای حکمرانی شرکتی نقش سازمان‌های حزبی را درون شرکت‌های خصوصی رسمی کرده است. بین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۸، بیش از ۱۸۰ شرکت خصوصی مواد اساسنامه خود را بازنگری کردند تا شامل مفاد مربوط به سازمان‌های CCP خود شوند و بدین ترتیب نفوذ حزب را در چارچوب‌های حکمرانی خود گنجانند. این روند بازتاب یک استراتژی وسیع‌تر توسط CCP برای تقویت کنترل خود بر فعالیت‌های اقتصادی و ترویج ابتکارات ساخت حزبی در بخش خصوصی است. به طور کلی، این مثال‌ها یک هم‌راستایی استراتژیک بین CCP و کارآفرینان خصوصی را نشان می‌دهد که منافع هر دو طرف را تأمین می‌کند. افزایش مشارکت کارآفرینان خصوصی در ساختار حزب نه تنها نظارت CCP بر فعالیت‌های اقتصادی را تقویت می‌کند بلکه به رهبران کسب‌وکار قدرت بیشتری می‌دهد با ارائه حمایت سیاسی و منابع لازم برای موفقیت شرکت‌هایشان. برای آشنایی بیشتر با فرآیند ایجاد نهادهای حزبی می‌توانید تحقیق "حرکت حزب کمونیست چین به درون بخش خصوصی" را در آدرس ذیل مطالعه نمایید:

<https://www.cna.org/our-media/indepth/2024/09/fused-together-the-chinese-communist-party-moves-inside-chinas-private-sector>

۲۲۵ - یکی از نمونه‌های بارز این همکاری‌ها، سرمایه‌گذاری‌های مشترک در صنایع مختلف است. به عنوان مثال، در دهه ۱۹۹۰ و اوایل ۲۰۰۰، شرکت‌های دولتی مانند China National Petroleum Corporation (CNPC) با شرکت‌های خصوصی برای توسعه پروژه‌های نفتی و گازی همکاری کردند. این نوع همکاری‌ها با هدف افزایش کارایی و بهبود فناوری انجام می‌شد. به عنوان نمونه، CNPC و شرکت خصوصی Sinopec در پروژه‌های بزرگ نفتی با هم مشارکت کردند که نیاز به سرمایه‌گذاری کلانی داشت و به حدود ۱,۵ میلیارد دلار سرمایه اولیه نیاز داشت. علاوه بر این، در زمینه تولید خودرو نیز شاهد همکاری‌های موفقی بین شرکت‌های دولتی و خصوصی بودیم. شرکت SAIC Motor Corporation، یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان خودرو در چین، با برندهای خارجی مانند Volkswagen و General Motors قراردادهای مشترکی امضا کرد که به توسعه تولید خودروهای جدید کمک کرد. این نوع همکاری‌ها نه تنها به افزایش تولید و تنوع محصولات کمک کرد بلکه باعث انتقال فناوری‌های پیشرفته نیز شد.

این همکاری‌ها همچنین شامل ایجاد مناطق اقتصادی ویژه‌ای بود که در آن‌ها شرکت‌های دولتی و خصوصی می‌توانستند به طور مشترک فعالیت کنند. این مناطق با هدف جذب سرمایه‌گذاری خارجی و تسهیل تجارت طراحی شدند. به عنوان مثال، منطقه اقتصادی ویژه Shenzhen تبدیل

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

دولتی افزایش دهد. با اجازه دادن به شرکت‌های خصوصی برای مشارکت در سرمایه‌گذاری‌های مشترک با شرکت‌های دولتی، دولت انتقال دانش و دسترسی به فناوری‌های پیشرفته را تسهیل کرد. این ادغام منجر به افزایش بهره‌وری و رقابت‌پذیری در صنایع چینی شد، به‌ویژه در بخش‌هایی مانند مخابرات و تولید. نتایج این تعاملات در رشد سریع این صنایع مشهود بود که سهم قابل توجهی در توسعه اقتصادی کلی چین داشت.

بعد سوم این تعامل افزایش‌یافته شامل **مشاوره‌های سیاسی و نقش‌های مشورتی**^{۲۲۶} برای نخبگان اقتصادی در چارچوب دولت بود. CCP شروع به جستجوی نظرات رهبران کسب‌وکار درباره سیاست‌های اقتصادی کرد و تخصص و بینش آن‌ها را به‌عنوان منابع ارزشمندی برای شکل‌دهی به حکمرانی مؤثر شناسایی کرد. این تغییر با تأسیس شوراهای مشورتی مختلف که شامل کارآفرینان و رهبران صنعتی برجسته بودند، تجلی یافت. مشارکت آن‌ها فرآیند تصمیم‌گیری را بهبود بخشید و باعث ایجاد سیاست‌های اقتصادی عملی‌تر شد که با واقعیت‌های بازار همخوانی داشتند. بنابراین، این همکاری منجر به سیاست‌های اقتصادی شد که رشد را تسهیل کرده و چالش‌های پیش روی کسب‌وکارها را مورد توجه قرار داد و در نهایت تاب‌آوری اقتصادی چین را افزایش داد.

در نهایت، افزایش تعامل بین CCP و نخبگان اقتصادی منجر به تغییر **موضع ایدئولوژیک** در خود حزب شد. با پذیرفتن سرمایه‌داران و شناسایی نقش آن‌ها در سوسیالیسم با ویژگی‌های چینی، دولت جیانگ زمین تلاش کرد تا معنای عضویت در CCP را بازتعریف کند. روایت از پایداری سختگیرانه به ارزش‌های پرولتاریایی به سمت شناخت زمینه‌های مختلف طبقاتی به‌عنوان بخشی از منافع ملی گسترده‌تر تغییر کرد. این تحول ایدئولوژیک کمک کرد تا مشروعیت حزب در جامعه‌ای که به سرعت در حال تغییر بود حفظ شود و همچنین حمایت مستمر از اعضای سنتی حزب و نخبگان اقتصادی جدید تضمین گردد. نتیجه این تغییرات، موفقیت CCP در هدایت نقش خود به‌عنوان یک مرجع سیاسی و نهادی نماینده منافع متنوع در اقتصاد پویا چین بود.

به یک الگو برای همکاری بین بخش دولتی و خصوصی شد و به رشد سریع اقتصادی چین کمک کرد. این نوع ادغام نشان‌دهنده تغییرات اساسی در سیاست‌های اقتصادی چین و تلاش برای بهره‌برداری از پتانسیل هر دو بخش است.

۲۲۶ - یکی از نمونه‌های بارز این همکاری‌ها، تأسیس **کمیته‌های مشورتی اقتصادی** بود که در آن‌ها رهبران کسب‌وکار به ارائه نظرات و پیشنهادات درباره سیاست‌های اقتصادی پرداخته و در تصمیم‌گیری‌های کلان مشارکت داشتند. این کمیته‌ها به دولت کمک کردند تا از تجربیات عملی کارآفرینان استفاده کند و سیاست‌هایی را طراحی کند که با نیازهای واقعی بازار همسو باشد. بطور مثال، در سال ۲۰۰۱، کمیته مشورتی اقتصادی در سطح ملی تأسیس شد که شامل تعدادی از کارآفرینان موفق بود و نظرات آن‌ها در تدوین برنامه‌های توسعه اقتصادی کشور مؤثر بود. علاوه بر این، جیانگ زمین با دعوت از رهبران کسب‌وکار برای شرکت در کنفرانس‌ها و سمینارهای دولتی، زمینه را برای تبادل نظر و ایده‌ها فراهم کرد. این رویدادها فرصتی برای کارآفرینان فراهم می‌آورد تا نظرات خود را درباره چالش‌های اقتصادی و راهکارهای پیشنهادی بیان کنند. این رویکرد نه تنها باعث افزایش مشارکت بخش خصوصی در سیاست‌گذاری‌های دولتی شد، بلکه به ایجاد حس تعلق و مسئولیت اجتماعی در میان کارآفرینان نیز کمک کرد. همچنین، این همکاری‌ها موجب تقویت اعتماد بین دولت و بخش خصوصی گردید. با توجه به اینکه دولت به نظرات کارآفرینان گوش می‌داد و آن‌ها را در فرآیند تصمیم‌گیری لحاظ می‌کرد، این امر باعث شد که کارآفرینان احساس کنند که صدای آن‌ها شنیده می‌شود و نقش مهمی در توسعه کشور دارند. این نوع تعاملات نه تنها موجب افزایش کارایی سیاست‌های اقتصادی شد بلکه به ایجاد یک محیط تجاری پایدارتر و پیش‌بینی‌پذیرتر نیز کمک کرد. جهت آشنایی بیشتر با این ابتکار عمل جیانگ زمین می‌توانید مقاله "زندگی عالی و باشکوه جیانگ زمین" را به آدرس ذیل مطالعه نمایید: http://en.cppcc.gov.cn/2022-12/05/c_836434.htm

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

به طور خلاصه، تأکید جیانگ زمین بر افزایش تعامل بین CCP و نخبگان اقتصادی از طریق شامل کردن رسمی، سرمایه‌گذاری‌های مشترک، مشاوره‌های سیاسی و تغییرات ایدئولوژیک تحولی قابل توجه در هر دو طرف یعنی حزب و چشم‌انداز اقتصادی چین ایجاد کرد. این تغییرات نه تنها اهمیت حزب را در یک اقتصاد مدرن شده افزایش داد بلکه تسهیل‌کننده ظهور چین به عنوان یک قدرت اقتصادی جهانی نیز بود.

۳. تشویق به رشد اقتصادی پایدار

تشویق به رشد اقتصادی پایدار یکی از جنبه‌های اساسی نظریه سه نمایندگی جیانگ زمین است که بر اهمیت ادغام نیروهای تولید پیشرفته در اقتصاد چین تأکید دارد. یکی از اقدامات مهم در این راستا، ترویج فناوری‌های سبز و منابع انرژی تجدیدپذیر بود. با توجه به چالش‌های زیست‌محیطی ناشی از صنعتی‌سازی سریع، دولت چین سیاست‌هایی را اجرا کرد که توسعه و پذیرش شیوه‌های پایدار را تشویق می‌کرد. این شامل سرمایه‌گذاری در انرژی‌های خورشیدی، بادی و هیدروالکتریک و همچنین اعطای یارانه به شرکت‌هایی بود که فناوری‌های دوستدار محیط زیست را به کار می‌بردند. نتایج این سیاست‌ها قابل توجه بود: چین به عنوان یک رهبر جهانی در تولید انرژی تجدیدپذیر ظهور کرد و ظرفیت خود را برای تولید انرژی پاک به طور قابل توجهی افزایش داد و وابستگی خود به سوخت‌های فسیلی را کاهش داد.

یکی دیگر از حوزه‌های کلیدی تشویق، توسعه زیرساخت‌هایی بود که از رشد پایدار حمایت می‌کرد. تحت رهبری جیانگ، سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی در حمل و نقل، مخابرات و توسعه شهری انجام شد تا چارچوب اقتصادی کارآمدتر و پایدارتری ایجاد شود.

در دوران جیانگ زمین، سرمایه‌گذاری‌های کلانی در پروژه‌های زیرساختی انجام شد که به توسعه پایدار و رشد اقتصادی چین کمک کرد. تخمین‌ها نشان می‌دهد که در این دوره، چین حدود ۴ تریلیون یوان (تقریباً ۶۰۰ میلیارد دلار) را صرف پروژه‌های زیرساختی کرد. این سرمایه‌گذاری‌ها شامل توسعه شبکه‌های حمل و نقل، سیستم‌های ارتباطی و پروژه‌های شهری بود که هدف آن‌ها بهبود کارایی اقتصادی و کیفیت زندگی شهروندان بود. این هزینه‌ها نه تنها به تسهیل فعالیت‌های اقتصادی کمک کرد بلکه به کاهش ترافیک و انتشار کربن نیز انجامید.

یکی از پروژه‌های بزرگ زیرساختی در دوران جیانگ، توسعه شبکه راه‌آهن سریع‌السير بود. چین اولین خط راه‌آهن سریع‌السير خود را در سال ۲۰۰۳ افتتاح کرد و این پروژه به سرعت گسترش یافت. تا سال ۲۰۱۰، چین دارای بزرگ‌ترین شبکه راه‌آهن سریع‌السير در جهان بود که به کاهش زمان سفر بین شهرها و افزایش دسترسی به مناطق دورافتاده کمک کرد. همچنین، پروژه‌هایی مانند ساخت بزرگراه‌های جدید و بهبود سیستم‌های حمل و نقل عمومی در شهرهای بزرگ مانند پکن و شانگهای نیز در این دوره انجام شد.

علاوه بر این، پروژه‌های زیرساختی در حوزه ارتباطات نیز مورد توجه قرار گرفت. سرمایه‌گذاری در فناوری اطلاعات و ارتباطات باعث شد که چین به یکی از پیشرفته‌ترین کشورهای جهان در این زمینه تبدیل شود. ایجاد شبکه‌های

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

تلفن همراه و اینترنت پرسرعت از جمله اقداماتی بود که به افزایش ارتباطات داخلی و خارجی کمک کرد. این پیشرفت‌ها نه تنها به رشد اقتصادی کمک کرد بلکه موجب افزایش کیفیت زندگی شهروندان نیز شد.

نتایج این سرمایه‌گذاری‌ها شامل افزایش اتصال بین مناطق شهری و روستایی بود که به تحریک اقتصاد محلی و ترویج توسعه متوازن منطقه‌ای کمک کرد. با توجه به اینکه زیرساخت‌های جدید امکان جابجایی سریع‌تر کالاها و خدمات را فراهم می‌آورد، این امر موجب تقویت تجارت داخلی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی شد. در مجموع، سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی در دوران جیانگ زمین نقش مهمی در شکل‌دهی به آینده اقتصادی چین ایفا کرد.

در دوران جیانگ زمین، ادغام برنامه‌های آموزشی با تمرکز بر پایداری^{۲۲} نقش حیاتی در تشویق رشد اقتصادی پایدار ایفا کرد. این رویکرد نه تنها به تقویت مهارت‌های نیروی کار کمک کرد، بلکه به ایجاد آگاهی درباره مسائل زیست‌محیطی و توسعه پایدار نیز انجامید. دولت چین با تأکید بر اهمیت آموزش در زمینه‌های مرتبط با محیط زیست و توسعه پایدار، برنامه‌های آموزشی متعددی را طراحی و اجرا کرد که هدف آن‌ها آماده‌سازی نسل جدیدی از کارآفرینان و متخصصان برای مواجهه با چالش‌های اقتصادی و زیست‌محیطی بود.

یکی از برنامه‌های کلیدی در این راستا، "آموزش برای توسعه پایدار" بود که در آن مؤسسات آموزشی به ترویج مفاهیم پایداری و حفاظت از محیط زیست پرداختند. این برنامه شامل دوره‌های آموزشی برای معلمان و دانش‌آموزان بود که به آن‌ها مهارت‌های لازم برای مدیریت منابع طبیعی و توسعه پایدار را آموزش می‌داد. به عنوان مثال، دانشگاه تیانجین و دانشگاه تونگجی از جمله مؤسسات پیشرو در این زمینه بودند که دوره‌های تخصصی در زمینه مهندسی محیط زیست و مدیریت منابع طبیعی را ارائه می‌دادند.

علاوه بر این، دولت چین با اجرای برنامه‌هایی مانند "China's Agenda 21" به دنبال ایجاد یک چارچوب جامع برای توسعه پایدار بود. این برنامه شامل آموزش عمومی درباره پایداری و تشویق مشارکت جامعه در فرآیندهای تصمیم‌گیری بود. هدف این برنامه افزایش آگاهی عمومی درباره مسائل زیست‌محیطی و تشویق مردم به اتخاذ رفتارهای پایدار بود. همچنین، این برنامه به دنبال ایجاد همکاری بین دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی برای تحقق اهداف توسعه پایدار بود.

نتایج این ادغام آموزشی شامل افزایش آگاهی عمومی درباره مسائل زیست‌محیطی و توسعه پایدار بود که به نوبه خود موجب تقویت رشد اقتصادی پایدار شد. با توجه به اینکه نسل جدیدی از متخصصان و کارآفرینان با دانش و مهارت‌های لازم برای مواجهه با چالش‌های اقتصادی و زیست‌محیطی تربیت شدند، این امر به تقویت اقتصاد ملی کمک کرد. در مجموع، ادغام آموزش و برنامه‌های آموزشی با تمرکز بر پایداری در دوران جیانگ زمین نقش مهمی در شکل‌دهی به آینده اقتصادی چین ایفا کرد.

^{۲۲}The integration of education and training programs with a focus on sustainability

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

در دوران جیانگ زمین، تأکید بر **مسئولیت اجتماعی شرکتی** (CSR) به عنوان یک ابزار کلیدی برای تشویق رشد اقتصادی پایدار و همراستایی با اهداف اجتماعی و زیست‌محیطی بسیار مهم بود. دولت چین با تشویق شرکت‌ها به پذیرش شیوه‌های CSR که به حفاظت از محیط زیست و مشارکت در جوامع محلی اولویت می‌داد، سعی در ایجاد یک فرهنگ پایدار در بخش خصوصی داشت. این تغییر رویکرد نه تنها به بهبود تصویر عمومی شرکت‌ها کمک کرد، بلکه به شکل‌گیری یک محیط کسب‌وکار پایدار در سراسر چین نیز انجامید.

یکی از نمونه‌های بارز این رویکرد، تصویب قوانین و سیاست‌هایی بود که شرکت‌ها را به اجرای برنامه‌های CSR تشویق می‌کرد. به عنوان مثال، **ماده ۵ از قانون شرکت‌های چین** تصریح می‌کند که شرکت‌ها باید در هنگام انجام فعالیت‌های تجاری خود، به مسئولیت‌های اجتماعی خود توجه کنند و با حسن نیت عمل کنند. این قانون نه تنها به عنوان یک اصول کلی عمل می‌کند، بلکه فشارهای سیاسی و اجتماعی را نیز به همراه دارد که شرکت‌ها را ملزم به رعایت این مسئولیت‌ها می‌کند. این نوع فشارها باعث شد که بسیاری از شرکت‌ها اقداماتی در راستای CSR انجام دهند.

به عنوان مثال، شرکت‌های بزرگ چینی مانند **Huawei** و **Alibaba** برنامه‌های CSR متنوعی را راه‌اندازی کردند که شامل پروژه‌های زیست‌محیطی، آموزش جامعه و کمک به توسعه پایدار بود. Huawei با سرمایه‌گذاری در پروژه‌های انرژی تجدیدپذیر و کاهش انتشار کربن، تلاش کرد تا نقش خود را در حفاظت از محیط زیست ایفا کند. همچنین، Alibaba با راه‌اندازی برنامه‌هایی برای حمایت از کسب‌وکارهای کوچک و توسعه جوامع محلی، نشان داد که چگونه می‌توان CSR را به عنوان یک استراتژی تجاری مؤثر پیاده‌سازی کرد. نتایج این تغییرات منجر به ایجاد فرهنگی شد که در آن پایداری و مسئولیت اجتماعی در اولویت قرار گرفتند. این روند نه تنها موجب افزایش اعتبار برندها شد بلکه به ایجاد یک محیط کسب‌وکار پایدارتر کمک کرد. با توجه به اینکه شرکت‌ها شروع به پذیرش شیوه‌های پایدار کردند، این امر به تقویت رشد اقتصادی و ایجاد تعادل بین توسعه اقتصادی و مسئولیت‌های اجتماعی کمک کرد. در نهایت، تأکید بر CSR در دوران جیانگ زمین نشان‌دهنده تلاش‌های دولت برای همگام شدن با تحولات جهانی و نیازهای داخلی بود.

به طور خلاصه، تمرکز جیانگ زمین بر تشویق رشد اقتصادی پایدار از طریق فناوری‌های سبز، توسعه زیرساخت‌ها، برنامه‌های آموزشی و مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها تحول قابل توجهی در رویکرد چین به مدیریت اقتصادی ایجاد

۲۲۸ - مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها (Corporate Social Responsibility-CSR) به معنای رویکردی است که در آن شرکت‌ها به مسئولیت‌های اجتماعی و زیست‌محیطی خود توجه می‌کنند. این مفهوم شامل تلاش برای کاهش تأثیرات منفی بر جامعه و محیط زیست و همچنین ارتقای تأثیرات مثبت است. CSR به‌طور کلی بر سه بعد اصلی تمرکز دارد: مسئولیت‌های زیست‌محیطی، اخلاقی و بشردوستانه. شرکت‌ها با اتخاذ این رویکرد می‌توانند به توسعه پایدار کمک کنند و در عین حال به اعتبار و شهرت خود در میان مشتریان و سرمایه‌گذاران افزوده و وفاداری مشتریان را جلب کنند. شرکت‌هایی که به مسئولیت اجتماعی خود پایبندند، معمولاً از مزایای متعددی برخوردار می‌شوند. این مزایا شامل بهبود تصویر برند، افزایش وفاداری مشتریان و جذب و نگهداری استعدادهای انسانی است. در نتیجه، CSR نه تنها به نفع جامعه و محیط زیست است، بلکه می‌تواند به رشد پایدار و تقویت مزیت رقابتی شرکت‌ها نیز کمک کند.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

کرد. این ابتکارات نه تنها اقتصاد مقاوم‌تری را پرورش داد بلکه چین را به عنوان یک رهبر در توسعه پایدار در سطح جهانی معرفی نمود.

۴. مدرن‌سازی سیستم تولید

مدرن‌سازی سیستم تولید یکی از جنبه‌های کلیدی نظریه سه نمایندگی جیانگ زمین است که نیاز حزب کمونیست چین (CCP) به سازگاری با چشم‌انداز اقتصادی در حال تحول را منعکس می‌کند. یکی از حوزه‌های مهم مدرن‌سازی، پذیرش فناوری‌های پیشرفته^{۲۲۹} فرآیندهای تولید بود. دولت چین دریافت که برای افزایش بهره‌وری و رقابت‌پذیری، ضروری است که فناوری‌های پیشرفته را به بخش‌های تولیدی سنتی ادغام کند. این امر از طریق سرمایه‌گذاری در اتوماسیون، رباتیک و فناوری اطلاعات محقق شد. نتیجه این تغییرات، تحول قابل توجهی در قابلیت‌های تولیدی چین بود که منجر به افزایش کارایی و خروجی شد. به‌ویژه، صنایع الکترونیک و خودروسازی شاهد بهبودهای چشمگیری بودند و چین را به عنوان یک رهبر جهانی در این بخش‌ها معرفی کردند.

جنبه مهم دیگر مدرن‌سازی، بازسازی شرکت‌های دولتی (SOEs) بود. تحت رهبری جیانگ، دولت اصلاحاتی را آغاز کرد که هدف آن افزایش رقابت‌پذیری و کارایی SOE ها از طریق معرفی شیوه‌های مبتنی بر

۲۲۹ - در دوران جیانگ زمین، پذیرش فناوری‌های پیشرفته در فرآیندهای تولید به عنوان یک جزء کلیدی از برنامه‌های مدرنیزاسیون چین مطرح شد. این تغییر به دنبال سیاست‌های اصلاحات اقتصادی و باز شدن کشور به سوی بازارهای جهانی بود که در دوران دنگ شیائوپینگ آغاز شده بود. جیانگ زمین بر اهمیت نوآوری و فناوری به عنوان محرک‌های اصلی رشد اقتصادی تأکید کرد و دولت چین به شدت به دنبال جذب فناوری‌های پیشرفته از کشورهای خارجی بود. این رویکرد نه تنها شامل واردات تجهیزات و فناوری بود، بلکه همچنین به ایجاد زیرساخت‌های تحقیق و توسعه در داخل کشور نیز توجه داشت.

یکی از اقدامات مهم در این راستا، راه‌اندازی برنامه‌های تحقیقاتی و توسعه‌ای مانند برنامه ۸۶۳ و Torch بود. این برنامه‌ها با هدف توسعه فناوری‌های جدید و تجاری‌سازی محصولات پیشرفته طراحی شدند. برنامه ۸۶۳ بر روی تحقیقات بنیادی و کاربردی در زمینه فناوری‌های بازار محور تمرکز داشت و هدف آن تقویت توانایی‌های علمی و فناوری چین بود. برنامه برنامه‌های تحقیقاتی و توسعه‌ای مانند "برنامه مشعل" (Torch Programme) در سال ۱۹۸۸ تأسیس شد که به حمایت از کسب‌وکارهای نوپا در حوزه فناوری‌های پیشرفته پرداخت. این برنامه به ایجاد پارک‌های فناوری و مراکز خدمات پیشرفته کمک کرد که به رشد صنایع با فناوری بالا و افزایش همکاری بین دانشگاه‌ها و صنایع منجر شد. این برنامه‌ها باعث افزایش همکاری بین دانشگاه‌ها، مؤسسات تحقیقاتی و صنایع شدند و به تولید محصولات با کیفیت بالا کمک کردند. در کنار این برنامه‌ها، دولت چین همچنین مشوق‌هایی برای سرمایه‌گذاری در صنایع با فناوری بالا ارائه داد. به عنوان مثال، در سال ۲۰۰۰، شورای دولتی چین سیاست‌هایی را برای تشویق توسعه صنعت نرم‌افزار و مدارهای مجتمع اعلام کرد که شامل بسته‌ای از مشوق‌ها برای شرکت‌های فعال در این حوزه بود. این سیاست‌ها نه تنها به رشد صنایع با فناوری بالا کمک کردند بلکه موجب ارتقاء کیفیت محصولات چینی در بازار جهانی نیز شدند. نتایج این پذیرش فناوری‌های پیشرفته شامل افزایش بهره‌وری و رقابت‌پذیری صنایع چینی بود. شرکت‌هایی مانند **Lenovo** و **Huawei** به عنوان نمونه‌هایی از موفقیت‌های این رویکرد شناخته می‌شوند که توانسته‌اند در بازارهای جهانی رقابت کنند. با توجه به اینکه چین به یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان کالاهای صنعتی تبدیل شد، این تغییرات نشان‌دهنده تأثیر عمیق پذیرش فناوری‌های پیشرفته بر رشد اقتصادی و توسعه پایدار کشور است.

۲۳۰ - در دوران جیانگ زمین، بازسازی شرکت‌های دولتی (SOEs) به عنوان یکی از جنبه‌های کلیدی مدرنیزاسیون اقتصادی چین مطرح شد. این فرایند شامل چهار مرحله اصلی بود که هر یک به هدف خاصی در راستای بهبود کارایی و سودآوری این شرکت‌ها طراحی شده بود.

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

بازار بود. این شامل تمرکززدایی از فرآیندهای تصمیم‌گیری، اعطای خودمختاری بیشتر به SOE ها در عملیات و تشویق آن‌ها به پذیرش تکنیک‌های مدیریت مدرن بود. نتایج این اصلاحات قابل توجه بود: بسیاری از SOE ها سودآورتر و رقابتی‌تر شدند و به رشد سریع اقتصادی چین کمک کردند. علاوه بر این، این اصلاحات زمینه را برای ورود شرکت‌های خصوصی به بخش‌های مختلف فراهم کرد و محیط اقتصادی پویاتری ایجاد نمود.

در دوران جیانگ زمین، **توسعه یک اقتصاد مبتنی بر دانش** به عنوان یکی از ارکان کلیدی مدرنیزاسیون سیستم تولید چین مطرح شد. این تغییر به دنبال شناسایی اهمیت نوآوری و سرمایه انسانی به عنوان عوامل اساسی برای رشد پایدار بود. در این راستا، چهار مثال از توسعه اقتصاد مبتنی بر دانش شامل افزایش سرمایه‌گذاری در آموزش عالی، تأسیس مراکز تحقیقاتی، ایجاد پارک‌های فناوری و تشویق به همکاری‌های بین‌المللی است.

اولین مثال، افزایش بودجه برای مؤسسات آموزش عالی بود. قبل از اجرای توسعه اقتصاد مبتنی بر دانش در دوران جیانگ زمین، بودجه مؤسسات آموزش عالی چین در سال ۱۹۹۸ حدود ۳۶,۳ میلیارد یوان (تقریباً ۴,۴ میلیارد دلار) بود. پس از این دوره، سرمایه‌گذاری در آموزش عالی به طرز چشمگیری افزایش یافت و در سال ۲۰۲۳ به حدود ۱,۷۶ تریلیون یوان (تقریباً ۲۴۸ میلیارد دلار) یعنی بیش از ۵۶ برابر رسید، که رقمی بسیار شگفت‌انگیز است. این افزایش بودجه به تقویت زیرساخت‌های آموزشی، بهبود کیفیت آموزش و ارتقاء توانایی‌های علمی کمک کرد و همچنین موجب شکل‌گیری همکاری‌های بین‌المللی در زمینه تحقیق و توسعه شد. این تحولات نه تنها به ارتقاء کیفیت آموزش و پژوهش انجامید بلکه به شکل‌دهی یک اقتصاد مبتنی بر دانش کمک کرد که نیازهای اقتصادی و اجتماعی چین را برآورده می‌سازد دولت چین با هدف تقویت ظرفیت‌های آموزشی و پژوهشی، سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی را در دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی انجام داد. این اقدام منجر به تربیت نیروی کار ماهر و متخصص شد که می‌توانست در صنایع مختلف نقش مؤثری ایفا کند. به عنوان مثال، دانشگاه‌های معتبر

مرحله اول: اصلاح ساختار مالکیت بود که در آن دولت به تدریج به سمت تبدیل SOEs به شرکت‌های سهامی عام حرکت کرد. این اقدام به شرکت‌ها اجازه می‌داد تا سرمایه‌گذاری خصوصی را جذب کرده و از مزایای بازار بهره‌برداری کنند.

مرحله دوم: بهبود مدیریت و حاکمیت شرکتی بود. در این مرحله، دولت تلاش کرد تا سیستم‌های مدیریتی را مدرن کند و مسئولیت‌ها را در بین مدیران توزیع کند. برای مثال، در سال ۱۹۹۸، نخست‌وزیر ژو رونگی اعلام کرد که هدف این است که اکثر SOEs بزرگ و متوسط به سیستم‌های مدرن شرکتی تبدیل شوند. این تغییرات شامل استخدام مدیران با تجربه از بخش خصوصی و ایجاد کمیته‌های نظارتی برای افزایش شفافیت و پاسخگویی بود.

مرحله سوم: کاهش ظرفیت اضافی و تعدیل نیروی کار بود. با توجه به اینکه بسیاری از SOEs با زیان مواجه بودند، دولت تصمیم به کاهش تعداد کارکنان و حذف واحدهای غیرضروری گرفت. این اقدام منجر به اخراج میلیون‌ها کارگر شد که چالش‌های اجتماعی قابل توجهی را ایجاد کرد. اما در عوض، این سیاست‌ها باعث افزایش بهره‌وری و سودآوری برخی از SOEs شد.

مرحله آخر: تمرکز بر نوآوری و فناوری بود. دولت تشویق کرد تا SOEs به تحقیق و توسعه روی آورند و با همکاری دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی، محصولات جدیدی را تولید کنند.

برای مثال، شرکت China National Petroleum Corporation (CNPC) با سرمایه‌گذاری در فناوری‌های نوین توانست به یکی از پیشروان صنعت نفت تبدیل شود. این مراحل بازسازی نه تنها به تقویت SOEs کمک کرد بلکه نقش مهمی در رشد کلی اقتصاد چین ایفا نمود. علاقمندانی که قصد آشنایی بیشتری با جزئیات بازسازی شرکتهای دولتی چین را دارند می‌توانند به آدرس ذیل مراجعه نمایند:

<https://www.elibrary.imf.org/display/book/9781589061781/ch009.xml>

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

مانند پکن و تیانجین با دریافت بودجه‌های بیشتر توانستند برنامه‌های پژوهشی خود را گسترش دهند و به تولید دانش و فناوری جدید کمک کنند.^{۲۳۱}

دومین مثال، تأسیس مراکز تحقیقاتی^{۲۳۲} همکاری با دانشگاه‌های خارجی است. این مراکز به منظور تقویت تحقیق و توسعه در حوزه‌های فناوری نوین ایجاد شدند و به تبادل دانش و فناوری بین چین و کشورهای پیشرفته کمک کردند. برای نمونه، همکاری‌های مشترک بین دانشگاه‌های چینی و مؤسسات تحقیقاتی آمریکایی و اروپایی موجب انتقال فناوری‌های پیشرفته در زمینه‌هایی مانند بیوتکنولوژی و فناوری اطلاعات شد.

۲۳۱ - جهت آشنایی با ابعاد برنامه افزایش بودجه مؤسسات آموزش عالی چین و نتایج آن می‌توانید مقاله "گسترش آموزش عالی چین از سال ۱۹۹۸: علل و پیامدهای آن" به آدرس <https://files.eric.ed.gov/fulltext/EJ752324.pdf> مطالعه فرمایید.

۲۳۲ - تأسیس مراکز تحقیقاتی در همکاری با دانشگاه‌های خارجی در دوران جیانگ زمین، استراتژی مهمی در توسعه اقتصاد مبتنی بر دانش در چین بود. این مراکز با هدف تقویت توانمندی‌های تحقیق و توسعه و تسهیل انتقال فناوری‌های پیشرفته ایجاد شدند. در ادامه به چهار نمونه از این مراکز اشاره می‌شود:

۱. مرکز تحقیقاتی مشترک چین و ایالات متحده برای فناوری‌های محیط زیست

این مرکز در همکاری با دانشگاه‌های آمریکایی تأسیس شد و بر علوم و فناوری‌های محیط زیست تمرکز داشت. هدف آن رسیدگی به مسائل حیاتی مانند کنترل آلودگی و توسعه پایدار بود. با همکاری محققان آمریکایی، دانشمندان چینی به روش‌ها و فناوری‌های پیشرفته دسترسی پیدا کردند که به طور قابل توجهی توانمندی‌های چین را در مدیریت محیط زیست تقویت کرد. این همکاری منجر به توسعه راه‌حل‌های نوآورانه‌ای شد که به چالش‌های محیط زیستی خاص چین پاسخ می‌داد.

۲. مؤسسه مشترک فناوری چین و اروپا

این مرکز از طریق همکاری بین دانشگاه‌های چینی و چندین مؤسسه فناوری پیشرو اروپایی تأسیس شد و بر تحقیق در زمینه فناوری اطلاعات و ارتباطات تأکید داشت. این همکاری تسهیل‌کننده تبادل دانش، به ویژه در زمینه توسعه نرم‌افزار و زیرساخت شبکه بود که به پیشرفت سریع چین در این حوزه‌ها کمک کرد. این مؤسسه همچنین نقش مهمی در آموزش مهندسان و محققان چینی ایفا کرد و مهارت‌های نیروی کار محلی را افزایش داد.

۳. مرکز تحقیقاتی مشترک چین و ژاپن برای مواد پیشرفته

این مرکز با همکاری دانشگاه‌های ژاپنی که به خاطر تحقیقات خود در زمینه مواد پیشرفته شناخته شده بودند، تأسیس شد. تمرکز این مرکز بر علوم مواد بود و محققان چینی را قادر ساخت تا مواد جدیدی را برای کاربردهای مختلف، از جمله الکترونیک و ساخت‌وساز، بررسی کنند. این همکاری نه تنها تحقیقات را پیش برد بلکه انتقال فناوری را نیز تسهیل کرد که به چین اجازه داد مواد نوآورانه‌ای را به فرآیندهای تولید خود اضافه کند و کیفیت محصولات را افزایش دهد.

۴. مرکز تحقیقاتی مشترک چین و آلمان برای انرژی‌های تجدیدپذیر

این مرکز با هدف ترویج فناوری‌های انرژی تجدیدپذیر از طریق همکاری با مؤسسات آلمانی که به خاطر پیشرفت‌های خود در این حوزه شناخته شده بودند، تأسیس شد. تمرکز اصلی این مرکز بر انرژی خورشیدی، باد و فناوری‌های بهره‌وری انرژی بود. با استفاده از تخصص آلمان، این مرکز به طور قابل توجهی به ابتکارات انرژی تجدیدپذیر چین کمک کرد و از انتقال کشور به سمت منابع انرژی پایدار حمایت نمود. این همکاری همچنین منجر به پروژه‌های مشترکی شد که تأثیر ماندگاری بر سیاست‌ها و شیوه‌های انرژی چین داشت. این مراکز تحقیقاتی نمونه‌هایی از دیدگاه جیانگ زمین در ادغام نوآوری‌های مبتنی بر دانش در تلاش‌های مدرنیزاسیون چین بودند و همکاری بین‌المللی را ترویج کردند که منافع پایداری برای چین و کشورهای همکار آن داشته است.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

سومین مثال، ایجاد پارک‌های فناوری^{۳۳} است که به عنوان بسترهایی برای نوآوری و توسعه کسب‌وکارهای نوپا عمل می‌کنند. چین تا سال ۲۰۲۰ بیش از ۵۳ پارک فناوری دولتی را تأسیس کرده بود که این پارک‌ها به جذب سرمایه‌گذاری و تجاری‌سازی ایده‌ها کمک کردند. این پارک‌ها محیطی مناسب برای رشد شرکت‌های فناوری محور فراهم کردند که می‌توانند با استفاده از دانش جدید محصولات مبتنی بر فناوری تولید کنند.

در نهایت، تشویق به همکاری‌های بین‌المللی نیز نقش مهمی در توسعه اقتصاد مبتنی بر دانش ایفا کرد. با توجه به نیاز چین به نوآوری و فناوری، دولت به دنبال ایجاد روابط نزدیک‌تر با کشورهای پیشرفته بود تا از تجربیات آن‌ها بهره‌برداری کند. این همکاری‌ها نه تنها به ارتقاء سطح فناوری در چین کمک کرد بلکه موجب تقویت موقعیت چین در بازار جهانی نیز شد. با این اقدامات، چین توانست به تدریج به یک اقتصاد مبتنی بر دانش تبدیل شود که نه تنها بر روی رشد اقتصادی تمرکز داشت بلکه بر روی پایداری اجتماعی و زیست‌محیطی نیز تأکید می‌کرد.

در نهایت، تأکید بر شیوه‌های تولید پایدار^{۳۴} نشانه‌ای دیگر از تلاش‌های مدرن‌سازی در سیستم تولید بود. دولت شروع به شناسایی تأثیرات زیست‌محیطی صنعتی شدن سریع کرد و تلاش کرد تا فناوری‌ها و شیوه‌های

۲۳۳ - تا سال ۲۰۲۴، چین بیش از ۵۳ پارک فناوری دولتی تأسیس کرده است و این تعداد به طور مداوم در حال افزایش است. در حال حاضر، تعداد پارک‌های فناوری به ۶۰ عدد رسیده است. این پارک‌ها به عنوان بسترهایی برای نوآوری و توسعه استارت‌آپ‌ها طراحی شده‌اند و ویژگی‌های خاصی دارند که آن‌ها را از دیگر مراکز تحقیقاتی متمایز می‌کند.

ویژگی‌های پارک‌های فناوری

۱. محیط نوآورانه: پارک‌های فناوری به عنوان مراکز نوآوری عمل می‌کنند و به شرکت‌ها و استارت‌آپ‌ها امکاناتی برای تحقیق و توسعه ارائه می‌دهند. این محیط‌ها معمولاً شامل آزمایشگاه‌ها، مراکز تحقیقاتی و فضاهای کاری مشترک هستند.
 ۲. حمایت از استارت‌آپ‌ها: این پارک‌ها خدمات متنوعی مانند مشاوره‌های تجاری، دسترسی به سرمایه‌گذاری و امکانات آموزشی برای کارآفرینان فراهم می‌کنند تا بتوانند ایده‌های خود را به واقعیت تبدیل کنند.
 ۳. همکاری بین‌المللی: بسیاری از پارک‌های فناوری با دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی خارجی همکاری دارند که این امر به تبادل دانش و فناوری کمک می‌کند. این همکاری‌ها شامل برگزاری رویدادهای بین‌المللی و ایجاد مراکز تحقیق و توسعه مشترک است.
 ۴. تنوع صنعتی: پارک‌های فناوری معمولاً در زمینه‌های مختلفی مانند فناوری اطلاعات، بیوتکنولوژی، انرژی‌های تجدیدپذیر و مواد پیشرفته فعالیت می‌کنند. این تنوع به آن‌ها اجازه می‌دهد تا به نیازهای مختلف بازار پاسخ دهند.
- هزینه تأسیس هر پارک فناوری بسته به مقیاس و نوع پروژه متفاوت است. به طور کلی، هزینه تأسیس یک پارک فناوری در چین بین ۱۰۰ میلیون تا ۱ میلیارد دلار متغیر است. برای مثال، هزینه تأسیس یکی از بزرگ‌ترین پارک‌های فناوری در چین حدود ۱,۲ میلیارد دلار (معادل تقریباً ۸ میلیارد یوان) برآورد شده است. این اطلاعات نشان‌دهنده تعهد چین به توسعه یک اکوسیستم نوآوری قوی و پایدار است که می‌تواند به رشد اقتصادی و اجتماعی کشور کمک کند.

۲۳۴ - در دوران جیانگ زمین، روش‌های تولید پایدار به عنوان یکی از نشانه‌های تلاش‌های او برای مدرن‌سازی سیستم تولید چین شناخته می‌شد. این روش‌ها با هدف کاهش تأثیرات منفی بر محیط زیست و بهبود کارایی منابع طراحی شده بودند. در ادامه به چهار روش کلیدی تولید پایدار که در این دوره توسعه یافت، پرداخته می‌شود.

۱. استفاده از فناوری‌های سبز

جیانگ زمین بر اهمیت استفاده از فناوری‌های سبز تأکید داشت، که شامل تکنولوژی‌های کم‌مصرف و کم‌آلاینده بود. این فناوری‌ها به شرکت‌ها کمک می‌کردند تا فرآیندهای تولید خود را بهینه کنند و در عین حال اثرات منفی بر محیط زیست را کاهش دهند. به عنوان مثال، استفاده از سیستم‌های تصفیه آب و بازیافت مواد زائد در کارخانه‌ها، نمونه‌ای از این رویکرد بود.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

پایدار را در میان تولیدکنندگان ترویج کند. سیاست‌هایی برای تشویق کارایی انرژی، کاهش زباله‌ها و استفاده از منابع تجدیدپذیر اجرا شد. نتایج این تغییرات شامل کاهش تخریب محیط زیست و افزایش رقابت‌پذیری برای شرکت‌هایی بود که شیوه‌های پایدار را اتخاذ کردند. این تغییر به سمت پایداری چین را به عنوان یک رهبر در توسعه فناوری سبز معرفی کرد و رشد اقتصادی را با مسئولیت زیست‌محیطی همسو ساخت.

به طور خلاصه، تمرکز جیانگ زمین بر مدرن‌سازی سیستم تولید از طریق پذیرش فناوری‌های پیشرفته، بازسازی شرکت‌های دولتی، ترویج اقتصاد مبتنی بر دانش و تشویق شیوه‌های پایدار تحول قابل توجهی در چشم‌انداز اقتصادی چین ایجاد کرد. این ابتکارات نه تنها بهره‌وری و رقابت‌پذیری را افزایش داد بلکه اطمینان حاصل کرد که مسیر رشد چین با استانداردهای جهانی معاصر و ملاحظات زیست‌محیطی همسو باشد.

آثار اجرای این نظریه:

۱. افزایش رشد اقتصادی:

یک مثال بارز از رشد اقتصادی ناشی از نظریه سه نمایندگی جیانگ زمین، گسترش سریع بخش خصوصی، به‌ویژه در صنعت فناوری است. پس از اجرای این نظریه که شامل تشویق به ادغام کارآفرینان خصوصی در حزب کمونیست بود، شاهد افزایش قابل توجهی در تعداد شرکت‌های خصوصی بودیم. تا سال ۲۰۱۹، شرکت‌های خصوصی تقریباً ۶۰٪ از تولید ناخالص داخلی چین و بیش از ۸۰٪ از اشتغال شهری را تأمین می‌کردند. این تغییر نه تنها تنوع اقتصادی را افزایش داد بلکه نوآوری و رقابت را نیز تقویت کرد. به عنوان مثال، شرکت‌هایی مانند **علی‌بابا** و **تنسنت** به عنوان رهبران جهانی در تجارت الکترونیک و فناوری ظهور کردند و فعالیت اقتصادی قابل توجهی را به راه انداختند. رشد این شرکت‌ها شگفت‌انگیز بود؛ حجم کل معاملات علی‌بابا در سال ۲۰۲۰ به **یک تریلیون دلار** رسید و نشان‌دهنده این است که گسترش بخش خصوصی به‌طور مستقیم به رشد کلی اقتصادی چین کمک کرده است.

۲. مدیریت منابع طبیعی

در این دوره، مدیریت منابع طبیعی به عنوان یک اولویت اساسی مطرح شد. سیاست‌هایی برای بهره‌برداری پایدار از منابع طبیعی مانند آب و خاک تدوین شد. این سیاست‌ها شامل استفاده مؤثر از آب در کشاورزی و حفاظت از خاک در برابر فرسایش بودند. همچنین، برنامه‌هایی برای احیای زمین‌های آلوده و کاهش مصرف مواد اولیه نیز به اجرا درآمد.

۳. ترویج کشاورزی پایدار

کشاورزی پایدار یکی دیگر از جنبه‌های کلیدی در دوران جیانگ زمین بود. دولت برنامه‌هایی را برای ترویج تکنیک‌های کشاورزی سازگار با محیط زیست، مانند کشاورزی ارگانیک و استفاده از کودهای طبیعی، راه‌اندازی کرد. این اقدامات نه تنها به حفظ تنوع زیستی کمک کرد بلکه کیفیت محصولات کشاورزی را نیز بهبود بخشید.

۴. توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر

توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر مانند انرژی خورشیدی و بادی نیز در این دوره مورد توجه قرار گرفت. سرمایه‌گذاری در پروژه‌های انرژی پاک و ترویج فناوری‌های مربوط به آن، بخشی از استراتژی چین برای کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی و کاهش آلودگی هوا بود. این رویکرد نه تنها به حفظ محیط زیست کمک کرد بلکه زمینه‌ساز ایجاد مشاغل جدید در بخش انرژی نیز شد. این روش‌ها نشان‌دهنده تعهد جیانگ زمین به ایجاد یک سیستم تولید پایدار و سازگار با محیط زیست بود که می‌تواند به رشد اقتصادی و اجتماعی کشور کمک کند.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

مثال دیگری، توسعه صنایع انرژی تجدیدپذیر است که بخشی از تعهد چین به رشد اقتصادی پایدار تحت چارچوب سه نمایندگی محسوب می‌شود. دولت به‌طور فعال سرمایه‌گذاری‌هایی را در انرژی‌های خورشیدی و بادی ترویج کرد که منجر به افزایش چشمگیر ظرفیت تولید شد.

تا سال ۲۰۲۴، چین به عنوان بزرگترین تولیدکننده پنل‌های خورشیدی در جهان شناخته می‌شد و ظرفیت تولید آن بیش از ۸۸۶ گیگاوات بود. این دستاورد چشمگیر نشان‌دهنده سرمایه‌گذاری‌های قابل توجه چین در فناوری خورشیدی و تعهد آن به گسترش منابع انرژی تجدیدپذیر است. در سال ۲۰۲۴، چین به تنهایی حدود ۲۳۰ تا ۲۶۰ گیگاوات ظرفیت جدید انرژی خورشیدی اضافه کرد که ادامه‌دهنده روند رشد قابل توجه سالانه در این بخش بود. ظرفیت نصب شده تجمعی نه تنها نشان‌دهنده گسترش سریع نصب‌های انرژی خورشیدی است، بلکه تأکید بر تمرکز استراتژیک کشور بر انتقال به منابع انرژی تجدیدپذیر برای پاسخگویی به نیازهای داخلی و جهانی انرژی دارد.

هزینه تأسیس این ظرفیت‌های انرژی خورشیدی متفاوت بوده، اما سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی در زیرساخت‌ها، توسعه فناوری و قابلیت‌های تولید انجام شده است. برآورد می‌شود که مجموع سرمایه‌گذاری در پروژه‌های انرژی خورشیدی در چین در محدوده صدها میلیارد یوان باشد که معادل ده‌ها میلیارد دلار است و این مقیاس و جاه‌طلبی این ابتکارات را نشان می‌دهد. سلطه چین در بازار پنل‌های خورشیدی با قابلیت‌های تولید گسترده‌اش که سهم قابل توجهی از تولید جهانی را شامل می‌شود، پشتیبانی می‌شود. این امر چین را نه تنها به عنوان یک رهبر در تولید انرژی خورشیدی، بلکه به عنوان یک بازیگر کلیدی در بازار بین‌المللی انرژی خورشیدی قرار داده است.

این تغییر نه تنها وابستگی به سوخت‌های فسیلی را کاهش داد بلکه میلیون‌ها شغل در بخش انرژی تجدیدپذیر ایجاد کرد. بر اساس آمارهای اخیر، تا سال ۲۰۲۰ بیش از ۳ میلیون نفر در مشاغل مرتبط با انرژی‌های تجدیدپذیر مشغول به کار بودند که نشان می‌دهد تمرکز بر فناوری‌های سبز چگونه موجب رشد اقتصادی شده است و همزمان به نگرانی‌های زیست‌محیطی پاسخ داده است.

صنعت خودروسازی^{۲۳۵} نمونه‌ای از تأثیرات مدرن‌سازی تحت سیاست‌های جیانگ است. ورود سرمایه‌گذاری خارجی و انتقال فناوری منجر به پیشرفت‌های قابل توجهی در تولید خودروهای داخلی شد. تا سال ۲۰۲۱، چین بزرگ‌ترین بازار خودروسازی جهان بود و سالانه بیش از ۲۵ میلیون خودرو فروخته می‌شد. ظهور خودروهای

۲۳۵ - در سال ۲۰۲۴، چین با تولید ۳۱,۲۸ میلیون خودرو به عنوان بزرگترین تولیدکننده خودرو در جهان شناخته شد و این تولید نشان‌دهنده رشد سالانه ۳,۷ درصدی است. برای مشاهده نرخ تولید خودرو در جهان و موقعیت هر کشور، می‌توان به وبسایت MarkLines به آدرس: <https://www.marklines.com/en/> مراجعه کرد که آمار دقیقی از تولید، فروش و صادرات خودروها ارائه می‌دهد. چهار کشور بعدی تولیدکننده خودرو در جهان شامل ایالات متحده با تولید نزدیک به ۱۰ میلیون خودرو، ژاپن با حدود ۸ میلیون خودرو، آلمان با تقریباً ۵ میلیون خودرو و کره جنوبی با نزدیک به ۴ میلیون خودرو هستند. این کشورها نیز به عنوان بازیگران کلیدی در بازار جهانی خودروسازی شناخته می‌شوند و هر کدام دارای برندهای معتبر و تاریخی در این صنعت هستند.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

الکتریکی (EVs) نیز خاصه قابل توجه بوده است؛ شرکت‌هایی مانند BYD و NIO به شهرت بین‌المللی دست یافتند. تنها در سال ۲۰۲۰، فروش خودروهای الکتریکی با وجود کاهش جهانی ناشی از پاندمی، ۱۰٪ افزایش یافت که نشان‌دهنده این است که ابتکارات مدرن‌سازی نه تنها تولید محلی را تقویت کرده بلکه چین را به عنوان یک رهبر در بازار آینده خودروسازی معرفی کرده است.

در نهایت، توسعه زیرساخت‌ها که تحت رهبری جیانگ آغاز شد، نقش مهمی در تسهیل رشد اقتصادی ایفا کرده است. سرمایه‌گذاری‌های کلان در شبکه‌های حمل و نقل، از جمله راه‌آهن پرسرعت و سیستم‌های حمل و نقل شهری، ارتباطات بین مناطق را بهبود بخشید. تا سال ۲۰۲۰، چین بیش از ۳۷,۰۰۰ کیلومتر خط راه‌آهن پرسرعت ساخته بود که حدود دو سوم کل خطوط راه‌آهن پرسرعت جهان را شامل می‌شود. این رونق زیرساختی زمان و هزینه سفر برای کسب‌وکارها و مصرف‌کنندگان را به طور قابل توجهی کاهش داد و بدین ترتیب بهره‌وری را افزایش داد و اقتصادهای محلی را تحریک کرد. بانک جهانی تخمین زد که بهبود زیرساخت‌ها بین ۱ تا ۲ درصد به رشد سالانه تولید ناخالص داخلی چین در این دوره کمک کرده است که نشان‌دهنده این است که سرمایه‌گذاری‌های استراتژیک چگونه پایه‌ای برای توسعه پایدار اقتصادی فراهم کرده‌اند.

به طور خلاصه، تمرکز جیانگ زمین بر رشد اقتصادی در چین از طریق گسترش بخش خصوصی، توسعه صنایع انرژی تجدیدپذیر، مدرن‌سازی صنعت خودروسازی و سرمایه‌گذاری‌های قابل توجه در زیرساخت‌ها تأثیرات مثبتی بر چشم‌انداز اقتصادی کشور گذاشته است. هر یک از این مثال‌ها نشان‌دهنده این است که چگونه ادغام نیروهای تولید پیشرفته در سیاست‌های حزبی منجر به بهبود قابل توجهی در بهره‌وری و رقابت‌پذیری در بخش‌های مختلف اقتصاد شده است.^{۲۳۶}

۲. گسترش پایه اجتماعی حزب

یکی از نمونه‌های بارز گسترش پایگاه اجتماعی حزب کمونیست چین (CCP) تحت تأثیر نظریه سه نمایندگی جیانگ زمین، جذب کارآفرینان و متخصصان صنعتی است. با تشویق به ادغام کارآفرینان خصوصی در ساختار حزبی، حزب توانست فراتر از پایگاه سنتی خود رفته و گروه‌های جدیدی را شامل شود. به عنوان مثال، این مسیر به آن منجر شد تا سال ۲۰۲۱، بیش از ۹۶ میلیون نفر عضو CCP بودند که بسیاری از آن‌ها از بخش خصوصی و صنایع پیشرفته آمده بودند. این تغییر باعث شد که در سال ۱۹۷۹، تنها ۶,۵٪ از اعضای کمونیست چین یعنی ۱,۵ میلیون نفر از اعضا دارای مدرک دانشگاهی بودند در سال ۲۰۰۰، این تعداد به حدود ۸ میلیون افزایش یافت که تقریباً ۱۵٪ از کل عضویت را شامل می‌شد. در سال ۲۰۲۴، تعداد اعضای دارای مدرک دانشگاهی پیش‌بینی می‌شود که به حدود ۳۶ میلیون نفر برسد و تقریباً ۵۶٪ از کل عضویت را تشکیل دهد. این روند نه تنها تنوع اجتماعی حزب را افزایش داد بلکه به تقویت مشروعیت آن در برابر چالش‌های اقتصادی و اجتماعی کمک کرد.

^{۲۳۶}http://www.china.org.cn/m/english/china_key_words/2021-09/23/content_77769290.html

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

نمونه دیگری از گسترش پایگاه اجتماعی حزب، افزایش تعداد زنان در حزب است. با توجه به تلاش‌های دولت برای ترویج برابری جنسیتی و افزایش مشارکت زنان در سیاست، در سال ۱۹۷۹، حدود ۷ میلیون زن عضو CCP بودند که تقریباً ۱۴٪ از کل عضویت را تشکیل می‌دادند تا سال ۲۰۰۰، تعداد زنان عضو به حدود ۱۲ میلیون افزایش یافت که تقریباً ۲۰٪ از کل عضویت را شامل می‌شد. در سال ۲۰۲۴، تعداد زنان عضو به ۳۰.۲ میلیون رسید که حدود ۳۰.۴٪ از کل عضویت CCP را تشکیل می‌دهد. این تغییر نه تنها نمایندگی بیشتری برای زنان در تصمیم‌گیری‌های سیاسی فراهم کرد بلکه به جذب حمایت بیشتر از سوی جامعه نیز انجامید. آمارها نشان می‌دهند که با افزایش تعداد زنان در حزب، میزان رضایت عمومی از سیاست‌های حزب نیز افزایش یافته است.

همچنین، گسترش عضویت در مناطق روستایی یکی دیگر از ابعاد مهم گسترش پایگاه اجتماعی حزب است. با توجه به تلاش‌های دولت برای کاهش فقر و توسعه مناطق کم‌برخوردار، تعداد اعضای CCP در روستاها به طور قابل توجهی افزایش یافته است. در سال ۱۹۷۹، حدود ۴۰ میلیون کشاورز عضو CCP بودند که تقریباً ۴۰٪ از کل عضویت را تشکیل می‌دادند. در سال ۲۰۰۰، این تعداد به حدود ۲۰ میلیون افزایش یافت که تقریباً ۱۰٪ از کل عضویت را شامل می‌شد. در سال ۲۰۲۴، پیش‌بینی می‌شود که تعداد کشاورزان در CCP به حدود ۱۵ میلیون نفر برسد و تقریباً ۷٪ از کل عضویت را تشکیل دهد. این تغییرات باعث شد که حزب بتواند ارتباط نزدیکی با جمعیت روستایی برقرار کند و سیاست‌های خود را بر اساس نیازهای این گروه‌ها تنظیم کند. نتایج این روند شامل افزایش حمایت اجتماعی از حزب و بهبود شرایط زندگی در مناطق روستایی بود.

در نهایت، افزایش تعداد جوانان در CCP نیز نشانه‌ای دیگر از گسترش پایگاه اجتماعی حزب است. با توجه به تلاش‌های حزب برای جذب نسل جدیدی از رهبران، تعداد اعضای زیر چهل سال به طور قابل توجهی افزایش یافته است. در سال ۱۹۷۹، حدود ۲.۵ میلیون جوانان عضو کمونیست چین بودند که تقریباً ۳.۱٪ از کل اعضاء را تشکیل می‌دادند، در سال ۲۰۰۰، این تعداد به حدود ۴ میلیون افزایش یافت که تقریباً ۴.۴٪ از کل عضویت را شامل می‌شد. در سال ۲۰۲۴، تعداد جوانان عضو به ۱۰ میلیون رسید که حدود ۱۰.۲٪ از کل عضویت CCP را تشکیل می‌دهد. که نشان‌دهنده تمایل بیشتر نسل جوان به مشارکت در سیاست‌های حزبی است. این تغییر نه تنها به تقویت نوآوری و ایده‌های تازه در داخل حزب کمک کرد بلکه نشان‌دهنده پاسخگویی بیشتر حزب به نیازهای نسل جدید بود. آمارها نشان می‌دهند که با ورود جوانان به حزب، میزان مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی نیز افزایش یافته است.

به طور کلی، گسترش پایگاه اجتماعی CCP تحت تأثیر نظریه سه نمایندگی جیانگ زمین شامل جذب کارآفرینان، افزایش تعداد زنان، گسترش عضویت در مناطق روستایی و جذب جوانان بوده است که هر یک منجر به تقویت مشروعیت و تأثیرگذاری حزب در جامعه چین شده است.^{۲۲۷}

۳. تحول در ساختار تولید:

^{۲۲۴}<https://www.cfr.org/background/chinese-communist-party>

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

یک مثال بارز از تحول ساختار تولید در چین، تحت تأثیر نظریه سه نمایندگی جیانگ زمین، تغییر از صنایع تولید سنتی به صنایع پیشرفته و فناوری محور است. این تحول به ویژه در بخش الکترونیک مشهود است، جایی که چین از تولید کالاهای مصرفی ساده به یک رهبر جهانی در محصولات فناوری پیشرفته تبدیل شده است. در سال ۱۹۷۸، ارزش تولید بخش الکترونیک و فناوری اطلاعات حدود ۲٫۱ میلیارد یوان (تقریباً ۲۸۷ میلیون دلار) بود که تقریباً ۱٫۵٪ از کل تولید صنعتی چین را تشکیل می داد در سال ۲۰۰۰، حجم این بخش به حدود ۴۰۰ میلیارد یوان (تقریباً ۵۴۵ میلیون دلار) افزایش یافت و حدود ۱۰٪ از کل تولید صنعتی را شامل می شد. در سال ۲۰۱۰، این بخش به حدود ۱٫۲ تریلیون یوان (تقریباً ۱٫۶۴ میلیارد دلار) رسید که حدود ۱۵٪ از کل تولید صنعتی چین را تشکیل می داد. پیش بینی می شود که تا سال ۲۰۲۴، حجم این بخش به حدود ۵ تریلیون یوان (تقریباً ۶۸۳ میلیارد دلار) برسد که تقریباً ۲۵٪ از کل تولید صنعتی چین را شامل خواهد شد. این تغییرات در افزایش سهم بخش الکترونیک و فناوری اطلاعات، نشان دهنده تخصیص قابل توجه منابع به سمت تولیدات فناوری پیشرفته است. این تغییر نه تنها بهره‌وری را افزایش داد بلکه چین را به عنوان یک بازیگر کلیدی در زنجیره تأمین فناوری جهانی معرفی کرد.

جنبه دیگری از این تحول، رشد بخش انرژی‌های نو، به ویژه در تولید انرژی‌های خورشیدی و بادی است. در سال ۲۰۰۵، تولید انرژی تجدیدپذیر چین نسبتاً کم بود و کمتر از ۰٫۵٪ از کل ترکیب انرژی را تشکیل می داد. اما تا سال ۲۰۲۰، این سهم به بیش از ۲۰٪ افزایش یافت که ناشی از سرمایه‌گذاری‌های قابل توجه و سیاست‌های دولتی برای ترویج انرژی پاک بود. تأسیس شرکت‌هایی مانند LONGi Green Energy و Goldwind نقش مهمی در این انتقال ایفا کرده است، به طوری که LONGi تا سال ۲۰۲۱ به بزرگ‌ترین تولیدکننده سلول‌های خورشیدی در جهان تبدیل شد. این تحول نه تنها از تعهد چین به پایداری حمایت می کند بلکه فرصت‌های اقتصادی و شغلی جدیدی را نیز در بخش فناوری سبز ایجاد می کند.

بخش خدمات نیز به عنوان بخشی از بازسازی اقتصادی چین دچار تغییرات چشمگیری شده است. در سال ۱۹۷۸، ارزش بخش خدمات حدود ۷۰٫۵ میلیارد یوان (تقریباً ۹٫۷ میلیارد دلار) بود که حدود ۲۱٪ از GDP، در سال ۲۰۰۰، ارزش این بخش به حدود ۱٫۴ تریلیون یوان (تقریباً ۱۷۰ میلیارد دلار) افزایش یافت و حدود ۴۰٪ از GDP و در سال ۲۰۱۰، ارزش بخش خدمات به حدود ۳٫۶ تریلیون یوان (تقریباً ۵۵۰ میلیارد دلار) افزایش یافت که تقریباً ۴۶٪ از GDP را تشکیل می داد. پیش بینی می شود که تا سال ۲۰۲۴، ارزش این بخش به حدود ۱۲ تریلیون یوان (تقریباً ۱٫۷ تریلیون دلار) برسد که حدود ۶۰٪ از تولید ناخالص داخلی چین را شامل خواهد شد. گسترش سریع پلتفرم‌های تجارت الکترونیک مانند علی بابا و شرکت‌های خدماتی دیگر نیروی محرکه اصلی این تغییر بوده است. رشد این بخش‌ها نه تنها اقتصاد را متنوع کرده بلکه میلیون‌ها شغل جدید ایجاد کرده و استانداردهای زندگی را به طور قابل توجهی بهبود بخشیده است. به عنوان مثال، علی بابا گزارش داد که حجم کل معاملات آن در سال ۲۰۲۰ بیش از ۱ تریلیون دلار بوده است که نشان دهنده اهمیت صنایع خدماتی در چشم‌انداز اقتصادی چین است.

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

در نهایت، تحول ساختار تولید چین همچنین با تأکید بر اتوماسیون و تولید هوشمند نمایان می‌شود. تا سال ۲۰۲۱، تخمین زده می‌شد که بیش از ۷۰٪ از تولیدکنندگان چینی فناوری‌های اتوماسیون را در فرآیندهای تولید خود ادغام کرده‌اند. پیش‌بینی می‌شود که این تغییر تا سال ۲۰۲۵ حدود ۱ تریلیون یوان (تقریباً ۱۵۰ میلیارد دلار) به تولید ناخالص داخلی چین اضافه کند. پذیرش فناوری‌هایی مانند هوش مصنوعی (AI) و رباتیک نه تنها کارایی را افزایش می‌دهد بلکه چین را در صدر صنعت جهانی قرار می‌دهد. این انتقال نشان‌دهنده روند کلی دیجیتالی شدن و نوآوری است که ویژگی صنعت مدرن چین محسوب می‌شود.

یکی دیگر از تحولات در زمینه فناوری اطلاعات (IT) بود، در سال ۱۹۷۸، ارزش تولید بخش فناوری اطلاعات در چین حدود ۳,۷ میلیارد یوان (تقریباً ۰,۵ میلیارد دلار) بود که تنها حدود ۱٪ از کل تولید صنعتی چین را در آن زمان تشکیل می‌داد. در دوران جیانگ زمین، که از سال ۱۹۸۹ تا ۲۰۰۲ ادامه داشت، این بخش شاهد رشد قابل توجهی بود و در پایان دوره‌اش، تولید آن به حدود ۱۲۰ میلیارد یوان (تقریباً ۱۴,۵ میلیارد دلار) رسید. هم‌اکنون، در سال ۲۰۲۵، ارزش تولید بخش IT چین به حدود ۱,۵ تریلیون یوان (تقریباً ۲۳۰ میلیارد دلار) افزایش یافته است که نشان‌دهنده تحول و گسترش چشمگیر این صنعت در طول دهه‌ها می‌باشد. این تحول بر حرکت به سمت یک اقتصاد مبتنی بر دانش تأکید دارد و با اصول نظریه سه نمایندگی جیانگ زمین همخوانی دارد.

آخرین مثال جهت اجتناب طولانی شدن این بحث می‌تواند، بخش بیوتکنولوژی و داروسازی است. در سال ۱۹۷۸، ارزش تولید بخش‌های بیوتکنولوژی و داروسازی در چین حدود ۶,۴ میلیارد یوان (تقریباً ۰,۸ میلیارد دلار) بود. در آن زمان، این تولید تقریباً ۱,۵٪ از کل تولید صنعتی چین را تشکیل می‌داد. در دوران جیانگ زمین سهم بخش‌های بیوتکنولوژی و داروسازی در تولید صنعتی کل چین به طور قابل توجهی افزایش یافت. تا سال ۲۰۰۵، درآمد صنعت داروسازی به حدود ۴۳۷,۲۸ میلیارد یوان (تقریباً ۵۵,۸ میلیارد دلار) رسید که نشان‌دهنده افزایش چشمگیر در سهم آن از تولید صنعتی کل کشور بود. هم‌اکنون، در سال ۲۰۲۵، این بخش‌ها به رشد خود ادامه داده‌اند و سهم آن‌ها از کل تولید صنعتی چین تقریباً ۶٪ برآورد می‌شود که نشان‌دهنده سرمایه‌گذاری و توسعه مداوم در این صنایع است.

به طور خلاصه، تحول ساختار تولید چین تحت نظریه سه نمایندگی جیانگ زمین با تغییر قابل توجهی از صنایع سنتی به صنایع پیشرفته و فناوری‌محور، رشد بخش انرژی‌های نو، گسترش خدمات و افزایش اتوماسیون در فرآیندهای تولید مشخص می‌شود. این تغییرات نه تنها رشد اقتصادی را تحریک کرده بلکه چین را به عنوان یک رهبر در زمینه‌های نوآورانه مختلف در سطح جهانی معرفی کرده است.^{۲۳۸}

۴. ارتقای جایگاه چین در اقتصاد جهانی:

^{۲۳۸}<https://www.econstor.eu/bitstream/10419/229257/1/wp2020-033.pdf>
http://www.cf40.org.cn/en/news_detail/12712.html

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

یکی از تأثیرات قابل توجه نظریه سه نمایندگی جیانگ زمین، تقویت موقعیت چین در اقتصاد جهانی است. این نظریه بر نیاز حزب کمونیست چین (CCP) به نمایندگی از الزامات توسعه نیروهای تولید پیشرفته تأکید دارد و منجر به مجموعه‌ای از سیاست‌ها برای افزایش رقابت‌پذیری چین در سطح جهانی شده است. به عنوان مثال، با اولویت دادن به نوآوری فناوری و تولید مدرن، چین چشم‌انداز صنعتی خود را متحول کرده است. به طوری که از سال ۱۹۷۸، سهم چین از تولید صنعتی جهانی حدود ۲,۹٪ بود که ارزش آن تقریباً ۷۰ میلیارد دلار تخمین زده می‌شد در سال ۲۰۰۰، این سهم به حدود ۱۰٪ افزایش یافت و به تقریباً ۴۰۰ میلیارد دلار در تولید صنعتی تبدیل شد. در سال ۲۰۱۰، سهم چین از تولید صنعتی جهانی به طور قابل توجهی به حدود ۱۹٪ رسید که ارزش آن تقریباً ۱,۲ تریلیون دلار بود. با نگاهی به سال ۲۰۲۴، پیش‌بینی می‌شود که سهم چین به حدود ۳۰٪ برسد و ارزش آن به حدود ۵ تریلیون دلار برسد. این رشد چشمگیر نشان‌دهنده تمرکز استراتژیک چین بر تقویت قابلیت‌های صنعتی و رقابت‌پذیری جهانی خود در طول دهه‌ها است. که نشان‌دهنده افزایش قابل توجه نفوذ اقتصادی این کشور است.

برای تقویت بیشتر موقعیت جهانی خود، چین به طور فعال به آزادسازی تجارت و همکاری‌های بین‌المللی پرداخته است. این کشور وارد توافقات تجاری متعددی شده و در سال ۲۰۰۱ به سازمان جهانی تجارت (WTO) پیوسته است. این ادغام در اقتصاد جهانی منجر به افزایش صادرات شده در سال ۲۰۱۰، صادرات چین به جهان حدود ۱,۶ تریلیون دلار بود که این کشور را به بزرگ‌ترین صادرکننده جهان تبدیل کرد و سهم آن از کل صادرات جهانی حدود ۱۰,۷٪ بود، در سال ۲۰۲۰، صادرات چین به ۲,۵ تریلیون دلار رسید که نشان‌دهنده رشد قابل توجهی است و سهم این کشور از صادرات جهانی به حدود ۱۴٪ افزایش یافت. برای سال ۲۰۲۴، پیش‌بینی می‌شود که صادرات چین به حدود ۳,۸ تریلیون دلار برسد و سهم آن از کل صادرات جهانی به تقریباً ۱۵٪ افزایش یابد. این رشد مداوم نشان‌دهنده تقویت موقعیت چین در بازارهای جهانی و افزایش رقابت‌پذیری آن است. که چین را به بزرگ‌ترین صادرکننده جهان تبدیل کرد. این سیاست‌ها نه تنها دسترسی چین به بازارهای جهانی را گسترش داده بلکه آن را به یک بازیگر کلیدی در زنجیره‌های تأمین جهانی تبدیل کرده است و بدین ترتیب موقعیت اقتصادی آن را تقویت کرده است.

علاوه بر این، دولت چین سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی در پروژه‌های زیرساختی هم در داخل کشور و هم در سطح بین‌المللی از طریق ابتکار کمربند و جاده (BRI) انجام داده است.

در نهایت، تعهد چین به توسعه پایدار و نوآوری نیز موقعیت آن را در اقتصاد جهانی تقویت کرده است. این کشور به عنوان یک رهبر در فناوری‌های انرژی تجدیدپذیر، به ویژه در تولید انرژی خورشیدی و بادی ظهور کرده است. پیش‌بینی می‌شود که تا سال ۲۰۲۴، چین بیش از ۵۰٪ از تولید پنل‌های خورشیدی جهانی را به خود اختصاص دهد. این تمرکز بر فناوری‌های سبز با روندهای جهانی به سمت پایداری همسو بوده و شهرت چین را به عنوان یک قدرت اقتصادی مسئول تقویت می‌کند. به طور کلی، از طریق سیاست‌های استراتژیک برای افزایش

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

رقابت‌پذیری، ترویج تجارت بین‌المللی، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و ترویج شیوه‌های پایدار، چین تحت چارچوب نظریه سه نمایندگی جیانگ زمین موفق شده است موقعیت خود را در اقتصاد جهانی تقویت کند.^{۲۶}

نمایندگی از فرهنگ پیشرفته چین

جیانگ زمین در نظریه سه نمایندگی تأکید کرد که حزب کمونیست چین باید نماینده فرهنگ پیشرفته چین باشد. این مفهوم بر اهمیت تقویت ارزش‌های فرهنگی سوسیالیستی، مدرن‌سازی فرهنگی و حفظ هویت چینی در برابر تأثیرات خارجی تأکید دارد. هدف اصلی این نظریه، ترویج فرهنگی بود که هم با اصول کمونیسم سازگار باشد و هم بتواند پاسخگوی نیازهای جهانی‌شده و مدرن باشد.

ارکان این نظریه :

۱. ترویج ارزش‌های فرهنگی سوسیالیستی

یکی از ارکان نمایندگی فرهنگ پیشرفته چینی در نظریه سه نمایندگی جیانگ زمین، ترویج ارزش‌های فرهنگی سوسیالیستی است. حزب کمونیست چین (CCP) تأکید زیادی بر استفاده از فرهنگ به عنوان ابزاری برای تقویت ایدئولوژی سوسیالیستی داشته است. این هدف شامل تولید آثار هنری و ادبی است که ارزش‌های انقلابی و کمونیستی را ترویج می‌کند. در این راستا، دولت اقدام به حمایت از هنرمندان و نویسندگان کرده تا آثارشان با مضامین سوسیالیستی و انقلابی همخوانی داشته باشد. به عنوان مثال، نمایشگاه‌های هنری و جشنواره‌های ادبی به طور منظم برگزار می‌شود تا آثار فرهنگی که به ترویج ایدئولوژی سوسیالیستی کمک می‌کنند، معرفی شوند.

در دهه‌های اخیر، دولت چین همچنین تلاش کرده است تا فرهنگ ملی را با ارزش‌های سوسیالیستی ترکیب کند. این تلاش شامل ترویج تاریخ و فرهنگ چین به عنوان بخشی از هویت ملی است که در آن ارزش‌های سوسیالیستی نیز گنجانده شده‌اند. برنامه‌های آموزشی در مدارس و دانشگاه‌ها به منظور آشنا کردن نسل جوان با این ارزش‌ها طراحی شده‌اند. به عنوان مثال، درسی تحت عنوان "آشنایی با فرهنگ سوسیالیستی" به برنامه‌های درسی اضافه شده است که هدف آن تقویت احساس تعلق به جامعه و دولت است.

علاوه بر این، حزب کمونیست چین به توسعه رسانه‌ها و استفاده از آن‌ها برای ترویج ارزش‌های سوسیالیستی توجه ویژه‌ای داشته است. رسانه‌های دولتی مانند تلویزیون و رادیو به تولید برنامه‌هایی می‌پردازند که محتوای آن‌ها بر اساس اصول سوسیالیستی طراحی شده است. این رسانه‌ها همچنین نقش مهمی در شکل‌دهی به افکار عمومی و ترویج فرهنگ سوسیالیستی ایفا می‌کنند. با توجه به اینکه رسانه‌ها ابزار قدرتمندی برای انتقال پیام‌ها هستند، دولت تلاش کرده است تا از آن‌ها برای تقویت ایدئولوژی خود بهره‌برداری کند.

^{۲۶}http://en.cppcc.gov.cn/2022-12/05/c_836434.htm

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

در نهایت، ترویج فرهنگ سوسیالیستی نه تنها به تقویت هویت ملی کمک می‌کند بلکه باعث ایجاد انسجام اجتماعی نیز می‌شود. حزب کمونیست چین با تأکید بر ارزش‌های مشترک و اهداف جمعی، سعی دارد تا وحدت ملی را حفظ کند و از هرگونه اختلاف نظر جلوگیری کند. این رویکرد موجب شده است که جامعه چینی در برابر چالش‌های داخلی و خارجی مقاوم‌تر شود. به طور کلی، ترویج ارزش‌های فرهنگی سوسیالیستی یکی از ارکان اساسی نظریه سه نمایندگی جیانگ زمین است که همچنان تأثیر عمیقی بر سیاست‌ها و فرهنگ چین دارد.

۲. مدرن‌سازی فرهنگ

یکی از ارکان نمایندگی فرهنگ پیشرفته چین در نظریه سه نمایندگی جیانگ زمین، مدرنیزاسیون فرهنگ است. این اصل بر اهمیت ادغام تکنولوژی‌های مدرن با نوآوری‌های فرهنگی تأکید دارد و به چین این امکان را می‌دهد که فرهنگ خود را به شیوه‌ای مدرن‌تر ارائه دهد. در این راستا، دولت چین تلاش کرده است تا از فناوری‌های دیجیتال برای ترویج و گسترش فرهنگ چینی استفاده کند. به عنوان مثال، راه‌اندازی پلتفرم‌های دیجیتال مانند تیک‌تاک (دوئین در چین)^{۲۴} به کاربران این امکان را می‌دهد که محتوای فرهنگی، هنری و اجتماعی خود را با مخاطبان جهانی به اشتراک بگذارند و بدین ترتیب فرهنگ چینی را به طور گسترده‌تری معرفی کنند.

۲۴۰ - دوئین (Douyin)، نسخه چینی تیک‌تاک (TikTok)، یک پلتفرم اشتراک‌گذاری ویدیوهای کوتاه است که توسط شرکت بایت‌دنس (ByteDance) در سال ۲۰۱۶ راه‌اندازی شد و به سرعت محبوبیت زیادی پیدا کرد. این اپلیکیشن به کاربران اجازه می‌دهد تا ویدیوهایی ایجاد و به اشتراک بگذارند که می‌توانند با انواع تم‌های موسیقی، انیمیشن‌ها و فیلترها سفارشی‌سازی شوند. دوئین به‌طور خاص برای تعامل بالا طراحی شده است و کاربران را از طریق ویژگی‌هایی مانند چالش‌های هشتگ و استریم زنده تشویق به مشارکت می‌کند که این موارد به اجزای اصلی اکوسیستم آن تبدیل شده‌اند. یکی از ویژگی‌های بارز دوئین، قابلیت‌های پیشرفته تجارت الکترونیک آن است. برخلاف تیک‌تاک، دوئین ویژگی‌های خرید را به‌طور مستقیم در داخل اپلیکیشن ادغام کرده است، به طوری که کاربران می‌توانند محصولات موجود در ویدیوها را بدون ترک کردن پلتفرم خریداری کنند. این ادغام بی‌وقفه، دوئین را به یک بازیگر مهم در بازار تجارت موبایلی چین تبدیل کرده است، به طوری که تجارت زنده (live commerce) در سال ۲۰۲۳ به نزدیک ۵ تریلیون یوان رسید. همچنین، این پلتفرم از الگوریتم‌های پیچیده‌ای برای شخصی‌سازی محتوا برای کاربران استفاده می‌کند که تجربه آن‌ها را بهبود بخشیده و تعامل را افزایش می‌دهد. موفقیت دوئین همچنین با تمرکز بر محتوای محلی و روندهای فرهنگی تقویت شده است که با کاربران چینی ارتباط قوی برقرار می‌کند. این اپلیکیشن دامنه وسیعی از محتوا را پرورش داده است، از ویدیوهای لب‌خوانی و رقص گرفته تا آموزش‌های علمی و بررسی محصولات. در حال حاضر، دوئین میلیون‌ها کاربر فعال دارد که بخش قابل توجهی از آن‌ها جوانان بین ۱۸ تا ۴۵ سال هستند. این گروه سنی به ویژه به محتوای پویا و ویژگی‌های تعاملی این پلتفرم جذب شده‌اند و آن‌ها را به فضایی حیاتی برای برندها تبدیل کرده‌اند تا با مصرف‌کنندگان در چین ارتباط برقرار کنند. به طور کلی، دوئین نمایانگر ترکیبی منحصر به فرد از سرگرمی و تجارت است که خود را از نسخه بین‌المللی‌اش، تیک‌تاک، متمایز می‌کند با این هدف که به طور خاص به ترجیحات و رفتارهای کاربران چینی پاسخ دهد. ویژگی‌های نوآورانه و تأکید قوی بر تجارت الکترونیک آن را به عنوان یک رهبر در فضای در حال تحول پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی در چین معرفی می‌کند.

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

دولت چین همچنین بر توسعه صنعت محتوا^{۲۴۱} و رسانه‌های دیجیتال تمرکز کرده است. با سرمایه‌گذاری در تولید فیلم‌ها، سریال‌ها و برنامه‌های تلویزیونی که ارزش‌های فرهنگی سوسیالیستی را ترویج می‌دهند، چین سعی دارد تا تصویری مثبت از فرهنگ خود ارائه دهد. این تلاش‌ها شامل تولید محتواهایی است که نه تنها سرگرم‌کننده هستند بلکه پیام‌های فرهنگی و اجتماعی مهمی را نیز منتقل می‌کنند. به عنوان مثال، فیلم‌ها و سریال‌های تاریخی که داستان‌های قهرمانان ملی و ارزش‌های سنتی چینی را روایت می‌کنند، به تقویت هویت فرهنگی کمک می‌کنند. علاوه بر این، آموزش و پرورش^{۲۴۲} نیز به عنوان ابزاری برای مدرنیزاسیون فرهنگ مورد توجه قرار گرفته است. برنامه‌های آموزشی در مدارس و دانشگاه‌ها به منظور آشنا کردن نسل جوان با فرهنگ مدرن و سنتی طراحی شده‌اند. این برنامه‌ها شامل دروس مرتبط با تاریخ، هنر و ادبیات چین است که هدف آن تقویت احساس تعلق به فرهنگ ملی و ارتقاء آگاهی فرهنگی در میان جوانان است. با این رویکرد، چین تلاش می‌کند تا نسل جدیدی از شهروندان آگاه و مسئول تربیت کند که بتوانند به حفظ و ترویج فرهنگ ملی کمک کنند.

۲۴۱ - در دوران جیانگ زمین، یکی از ارکان نمایندگی فرهنگی پیشرفته چین در نظریه سه نمایندگی، مدرنیزاسیون فرهنگ بود. در این راستا، دولت چین بر توسعه صنعت محتوا و رسانه‌های دیجیتال تمرکز کرد. در زیر چهار مثال از این تحولات در دوران جیانگ زمین آورده شده است: ۱. توسعه تلویزیون و رسانه‌های دیجیتال: دولت به سرمایه‌گذاری در صنعت تلویزیون و رسانه‌های دیجیتال پرداخت. این شامل راه‌اندازی شبکه‌های تلویزیونی جدید و همچنین گسترش برنامه‌های دیجیتال و آنلاین بود که به افزایش دسترسی مردم به محتوای فرهنگی کمک کرد.

۲. گسترش صنعت سینما: در این دوره، صنعت سینما نیز به شدت توسعه یافت. دولت با حمایت از تولید فیلم‌های داخلی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی، تلاش کرد تا سینمای چین را به سطح جهانی ارتقا دهد.

۳. توسعه اینترنت و فناوری اطلاعات: با ظهور اینترنت، دولت چین بر روی توسعه زیرساخت‌های اینترنتی و فناوری اطلاعات سرمایه‌گذاری کرد. این امر به رشد رسانه‌های آنلاین و پلتفرم‌های دیجیتال منجر شد که محتوای فرهنگی را به شکل گسترده‌تری منتشر کردند.

۴. حمایت از هنرهای تجسمی و ادبیات: دولت همچنین به حمایت از هنرمندان و نویسندگان پرداخت و برنامه‌هایی برای ترویج هنرهای تجسمی و ادبیات معاصر چین ایجاد کرد. این اقدامات به ترویج فرهنگ ملی و هویت چینی کمک کرد.

۲۴۲ - در دوران جیانگ زمین، دولت چین به آموزش به عنوان ابزاری برای مدرنیزاسیون فرهنگ توجه ویژه‌ای داشت. در زیر چهار مثال از این تحولات در زمینه آموزش آورده شده است:

۱. اجرای طرح آموزش ۹ ساله: یکی از اهداف کلیدی دولت، تحقق آموزش اجباری ۹ ساله بود که تا سال ۲۰۰۰ تقریباً به‌طور کامل در سراسر کشور اجرایی شد. این اقدام به کاهش بی‌سوادی و افزایش سطح تحصیلات در میان جوانان و بزرگسالان کمک کرد.

۲. توسعه آموزش عالی: در این دوره، دولت بر گسترش مقیاس آموزش عالی تمرکز کرد. مشارکت دانشجویان در دانشگاه‌ها به طور قابل توجهی افزایش یافت و هدف رسیدن به نرخ مشارکت ۱۵٪ برای نسل‌های مربوطه تعیین شد.

۳. توجه به آموزش فنی و حرفه‌ای: دولت همچنین بر توسعه سیستم آموزش فنی و حرفه‌ای تأکید کرد تا نیروی کار جدید شهری و روستایی بتواند به برنامه‌های آموزشی و آموزشی مختلف دسترسی داشته باشد. این اقدام به تقویت مهارت‌های شغلی و افزایش قابلیت‌های اقتصادی کمک کرد.

۴. استفاده از فناوری اطلاعات در آموزش: با ظهور فناوری‌های نوین، دولت بر استفاده گسترده از فناوری اطلاعات در نظام آموزشی تأکید کرد. این امر منجر به تغییرات عمیق در بخش آموزشی و ایجاد یک سیستم یادگیری مادام‌العمر شد که به نیازهای اقتصادی و اجتماعی کشور پاسخ می‌دهد.

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

در نهایت، توسعه فناوری‌های نوین^{۲۴۳} نقش مهمی در مدرنیزاسیون فرهنگ ایفا کرده است. استفاده از فناوری‌هایی مانند واقعیت مجازی (VR) و واقعیت افزوده (AR) در نمایشگاه‌ها و موزه‌ها به بازدیدکنندگان این امکان را می‌دهد که تجربه‌ای تعاملی از تاریخ و فرهنگ چین داشته باشند. این فناوری‌ها نه تنها جذابیت بیشتری برای مخاطبان ایجاد می‌کنند بلکه می‌توانند به ترویج بهتر ارزش‌ها و میراث فرهنگی کمک کنند. به طور کلی، مدرنیزاسیون فرهنگ تحت نظریه سه نمایندگی جیانگ زمین با ادغام تکنولوژی‌های نوین با عناصر فرهنگی سنتی، تلاش دارد تا تصویر مدرن‌تری از فرهنگ چینی ارائه دهد و آن را در سطح جهانی معرفی کند.

۳. حفظ هویت ملی

یکی از ارکان نمایندگی فرهنگ پیشرفته چین در نظریه سه نمایندگی جیانگ زمین، حفظ هویت ملی است. این اصل بر اهمیت نگهداری از میراث فرهنگی و جلوگیری از تأثیرات بیش از حد فرهنگ غربی تأکید دارد. در این راستا، چین تلاش کرده است تا با ایجاد برنامه‌های گسترده برای بازسازی و حفاظت از آثار تاریخی، هویت فرهنگی خود را حفظ کند. به عنوان مثال، پروژه‌های مرمت دیوار بزرگ چین، معابد بودایی و نقاشی‌های سنتی به منظور حفظ و ترویج فرهنگ غنی چین انجام شده است. این اقدامات نه تنها به حفظ آثار تاریخی کمک می‌کند بلکه به تقویت احساس تعلق به هویت ملی نیز می‌انجامد.

دولت چین همچنین بر ترویج آموزش فرهنگی تأکید دارد تا نسل‌های جدید با تاریخ و فرهنگ کشور خود آشنا شوند. برنامه‌های آموزشی در مدارس شامل دروس مرتبط با تاریخ، هنر و ادبیات چین است که هدف آن تقویت آگاهی فرهنگی و هویت ملی در میان جوانان است. این رویکرد به جوانان کمک می‌کند تا ارزش‌های فرهنگی خود را بشناسند و به حفظ آن‌ها متعهد شوند. برگزاری جشنواره‌ها و رویدادهای فرهنگی نیز به عنوان ابزاری برای ترویج فرهنگ ملی و ایجاد حس افتخار ملی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

علاوه بر این، چین تلاش کرده است تا با تقویت رسانه‌ها و استفاده از آن‌ها برای ترویج فرهنگ ملی، هویت خود را در برابر تأثیرات خارجی حفظ کند. رسانه‌های دولتی به تولید محتوای فرهنگی که ارزش‌های سنتی و

۲۴۳- در دوران جیانگ زمین، توسعه فناوری‌های نوین نقش مهمی در مدرنیزاسیون فرهنگ چین ایفا کرد. در زیر چهار مثال از این تحولات در زمینه فناوری آورده شده است:

۱. توسعه اینترنت: با ورود اینترنت به چین در اوایل دهه ۱۹۹۰، دولت بر گسترش زیرساخت‌های اینترنتی تمرکز کرد. این امر به افزایش دسترسی به اطلاعات و منابع فرهنگی کمک کرد و زمینه‌ساز ایجاد پلتفرم‌های آنلاین برای انتشار محتوای فرهنگی شد.

۲. صنعت نرم‌افزار: دولت چین در این دوره سیاست‌هایی را برای تشویق توسعه صنعت نرم‌افزار وضع کرد. در سال ۲۰۰۰، شورای دولتی "سیاست‌های تشویق توسعه صنعت نرم‌افزار و صنعت مدارهای مجتمع" را منتشر کرد که شامل بسته‌ای از مشوق‌ها برای شرکت‌های نرم‌افزاری بود.

۳. توسعه تلویزیون دیجیتال: در این دوره، دولت به سرمایه‌گذاری در صنعت تلویزیون دیجیتال پرداخت. این شامل راه‌اندازی شبکه‌های تلویزیونی جدید و ارتقاء کیفیت برنامه‌ها بود که به ترویج محتوای فرهنگی مدرن کمک کرد.

۴. توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT): دولت همچنین بر روی توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات تمرکز کرد که به ایجاد یک صنعت مدرن ارتباطی منجر شد. این تغییرات به افزایش رقابت در بازار و بهبود خدمات ارتباطی کمک کرد.

۲۴۴ <https://www.rieti.go.jp/en/china/02082301.html>

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

سوسیالیستی را ترویج می‌دهند، پرداخته‌اند. این رسانه‌ها نقش مهمی در شکل‌دهی به افکار عمومی و تقویت هویت ملی ایفا می‌کنند. همچنین، استفاده از فناوری‌های نوین مانند شبکه‌های اجتماعی برای ترویج محتوای فرهنگی نیز به جذب جوانان و افزایش آگاهی از هویت ملی کمک کرده است.

در نهایت، **حفاظت از زبان و ادبیات چینی** نیز یکی از جنبه‌های مهم حفظ هویت ملی محسوب می‌شود. دولت چین با حمایت از نویسندگان و هنرمندان محلی، تلاش کرده است تا زبان چینی و ادبیات آن را تقویت کند. برگزاری مسابقات ادبی و حمایت از آثار هنری که به فرهنگ چینی پرداخته‌اند، نمونه‌هایی از این تلاش‌ها هستند. این اقدامات نه تنها به حفظ زبان چینی کمک می‌کند بلکه به تقویت احساس هویت ملی در میان مردم نیز می‌انجامد. در مجموع، حفظ هویت ملی تحت نظریه سه نمایندگی جیانگ زمین با تمرکز بر میراث فرهنگی، آموزش، رسانه‌ها و زبان، سعی دارد تا فرهنگ غنی چین را در برابر چالش‌های جهانی محافظت کند.

۴. تشویق به توسعه صنایع فرهنگی

یکی از ارکان نمایندگی فرهنگ پیشرفته چین در نظریه سه نمایندگی جیانگ زمین، **تشویق توسعه صنایع فرهنگی** است. این اصل بر اهمیت ایجاد و توسعه صنایعی تأکید دارد که بتوانند فرهنگ چین را به شیوه‌ای جذاب و مدرن به جهان معرفی کنند. در این راستا، دولت چین تلاش کرده است تا با حمایت از صنایع خلاق و فرهنگی، از جمله سینما، موسیقی، هنرهای تجسمی و ادبیات، به ترویج فرهنگ ملی بپردازد. به عنوان مثال، سرمایه‌گذاری در تولید فیلم‌های چینی که داستان‌های فرهنگی و تاریخی را روایت می‌کنند، نه تنها به تقویت هویت ملی کمک می‌کند بلکه موجب جذب مخاطبان بین‌المللی نیز می‌شود.

دولت چین همچنین بر **توسعه فناوری‌های نوین** در صنایع فرهنگی تأکید دارد. با استفاده از فناوری‌های دیجیتال و اینترنت، چین توانسته است تا محتوای فرهنگی خود را به صورت گسترده‌تری منتشر کند. پلتفرم‌هایی مانند **دوئین** (تیک‌تاک) به هنرمندان و تولیدکنندگان محتوا این امکان را می‌دهد که آثار خود را به میلیون‌ها نفر در سراسر جهان ارائه دهند و همچنین پلتفرم وی‌چت یکی از مهم‌ترین و پرکاربردترین شبکه‌های اجتماعی در چین است که به کاربران این امکان را می‌دهد تا علاوه بر ارسال پیام، خدمات مختلفی از جمله سفارش غذا، رزرو بلیط و به اشتراک‌گذاری محتوای فرهنگی را انجام دهند. این پلتفرم با حدود یک میلیارد کاربر فعال، به عنوان ابزاری برای ترویج فرهنگ و هنر چینی عمل می‌کند و نقش مهمی در معرفی فرهنگ ملی به جهانیان ایفا می‌کند. وی‌چت با امکانات متنوع خود، به هنرمندان و تولیدکنندگان محتوا این فرصت را می‌دهد که آثار خود را به شیوه‌ای جذاب و مدرن ارائه دهند. این نوع از ارائه محتوا نه تنها جذابیت بیشتری برای جوانان دارد بلکه به ترویج فرهنگ چینی در سطح جهانی کمک می‌کند.

علاوه بر این، **برگزاری رویدادهای فرهنگی** نیز یکی دیگر از راه‌های تشویق توسعه صنایع فرهنگی محسوب می‌شود. جشنواره‌ها و نمایشگاه‌های هنری که به معرفی هنر و فرهنگ چین می‌پردازند، فرصتی برای تعامل

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

بین‌المللی فراهم می‌کنند. این رویدادها نه تنها به ترویج آثار هنری کمک می‌کنند بلکه باعث ایجاد شبکه‌های همکاری بین هنرمندان و تولیدکنندگان فرهنگی از کشورهای مختلف می‌شوند. این نوع تعاملات می‌تواند منجر به تبادل فرهنگی و افزایش شناخت جهانی نسبت به فرهنگ چین شود. چین هر ساله جشنواره‌های فرهنگی متنوعی را برگزار می‌کند که به ترویج و حفظ فرهنگ غنی این کشور کمک می‌کند. به عنوان مثال، **جشنواره بهار یا سال نو چینی** یکی از مهم‌ترین و شناخته‌شده‌ترین جشنواره‌ها است که با آتش‌بازی‌های خیره‌کننده، رقص‌های اژدها و گردهمایی‌های خانوادگی برگزار می‌شود. همچنین، **جشنواره قایق اژدها** که در پنجمین روز از پنجمین ماه تقویم قمری برگزار می‌شود، شامل مسابقات قایق‌سواری و خوردن **زونگزی** (دلمه برنجی) است که به یاد شاعر باستانی **چو یوآن** گرامی داشته می‌شود. دیگر جشنواره مهم، **جشنواره نیمه‌خزان** است که در پانزدهمین روز از هشتمین ماه قمری برگزار می‌شود و مردم در این روز به تماشای ماه کامل پرداخته و کیک‌های ماه را تقسیم می‌کنند. همچنین، **جشنواره فانوس‌ها** که در پایان جشن‌های سال نو چینی برگزار می‌شود، شامل نمایش‌های سنتی مانند رقص‌های اژدها و آتش‌بازی است و فرصتی برای تجدید دیدار با خانواده و دوستان فراهم می‌کند. این رویدادها نه تنها به تقویت هویت فرهنگی کمک می‌کنند بلکه فرصتی برای تعامل اجتماعی و تبادل فرهنگی بین مردم فراهم می‌آورند.

در نهایت، **حمایت از هنرمندان و خلاقان** نیز نقش مهمی در توسعه صنایع فرهنگی ایفا می‌کند. دولت با ارائه تسهیلات مالی و آموزشی به هنرمندان محلی، سعی دارد تا استعدادهای جدید را شناسایی و پرورش دهد. این حمایت‌ها شامل برنامه‌های آموزشی در زمینه هنرهای تجسمی، موسیقی و ادبیات است که هدف آن ارتقاء سطح کیفی تولیدات فرهنگی است. با این رویکرد، چین تلاش می‌کند تا نه تنها هویت ملی خود را حفظ کند بلکه آن را در قالبی مدرن و جذاب به جهانیان معرفی نماید. در مجموع، تشویق توسعه صنایع فرهنگی تحت نظریه سه نمایندگی جیانگ زمین با هدف معرفی فرهنگ غنی چین به جهان، نقش کلیدی در تقویت هویت ملی و افزایش نفوذ فرهنگی کشور ایفا می‌کند.

آثار اجرای این نظریه:

۱. تقویت هویت ملی:

۲۴۶ - جشن بهار یا سال نو چینی، که به عنوان یکی از مهم‌ترین و شناخته‌شده‌ترین جشن‌های چینی شناخته می‌شود، بر اساس تقویم قمری چینی برگزار می‌شود. این جشن هر ساله در بازه زمانی بین ۲۱ ژانویه تا ۲۰ فوریه برگزار می‌شود، زیرا تاریخ آن با شروع ماه قمری جدید تعیین می‌شود. در سال ۲۰۲۴، این جشن در تاریخ ۹ فوریه برگزار شد.

جشن بهار به مدت پانزده روز ادامه دارد و با جشن چراغ در پانزدهمین روز ماه قمری اول به پایان می‌رسد. این جشن شامل بسیاری از آداب و رسوم سنتی است، مانند تمیز کردن خانه، تزئین خانه با شعرهای بهاری، و گرد هم آمدن خانواده‌ها. در شب سال نو، خانواده‌ها برای صرف یک وعده غذایی خاص گرد هم می‌آیند و تا دیر وقت بیدار می‌مانند تا سال جدید را استقبال کنند. در طول این جشن، مردم لباس‌های جدید می‌پوشند، هدایایی به آسمان، زمین و اجداد خود تقدیم می‌کنند، و سلام و احوال‌پرسی خود را به بزرگان، اقوام، دوستان و همسایگان خود ارائه می‌دهند. این جشن همچنین شامل آتش‌بازی، رقص اژدها و چراغ‌های سرخ است که نمادی از خوش‌شانسی و آرزوهای خوب در سال آینده هستند.

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

یکی از تأثیرات قابل توجه اجرای نظریه سه نمایندگی جیانگ زمین، تقویت هویت ملی در چین بوده است. این تقویت از طریق برنامه‌های آموزشی گسترده‌ای که بر اهمیت تاریخ، فرهنگ و ارزش‌های چینی تأکید دارند، تسهیل شده است. مدارس و دانشگاه‌ها برنامه‌های درسی را طراحی کرده‌اند که بر فلسفه‌های سنتی چینی، ادبیات و دستاوردهای تاریخی تمرکز دارند و این امر موجب ایجاد حس افتخار در میان دانش‌آموزان می‌شود. با نهادینه کردن این ارزش‌ها در نسل جوان، دولت به دنبال پرورش آگاهی ملی قوی است که با اصول سوسیالیسم و ویژگی‌های منحصر به فرد فرهنگ چینی هم‌راستا باشد.

ترویج زبان چینی نیز نقش حیاتی در تقویت هویت ملی ایفا کرده است. دولت سیاست‌هایی را برای افزایش استفاده از زبان ماندارین به عنوان یک زبان وحدت‌بخش در میان گروه‌های قومی مختلف در چین اجرا کرده است. کمپین‌ها و ابتکارات آموزشی به منظور اطمینان از اینکه ماندارین نه تنها در مدارس تدریس می‌شود بلکه در رسانه‌ها و زندگی عمومی نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد، راه‌اندازی شده‌اند. این تأکید بر یک زبان مشترک به پل زدن شکاف‌های فرهنگی کمک کرده و هویت ملی مشترکی را ترویج می‌کند که به شهروندان اجازه می‌دهد عمیق‌تر با میراث خود و یکدیگر ارتباط برقرار کنند.

برجسته‌سازی سنت‌های فرهنگی نیز یکی دیگر از جنبه‌های مهم تقویت هویت ملی است. دولت چین به طور فعال جشنواره‌ها، هنرها و صنایع دستی سنتی را به عنوان ابزاری برای گرامیداشت میراث فرهنگی ترویج کرده است. رویدادهایی مانند جشنواره نیمه‌خزان، سال نو چینی و جشنواره‌های محلی مختلف دوباره احیا شده‌اند و مشارکت همه اقشار جامعه را تشویق می‌کنند. علاوه بر این، ابتکاراتی برای حفظ هنرهای سنتی مانند خوشنویسی، اپرا و هنرهای رزمی با حمایت مالی و کمپین‌های آگاهی عمومی انجام شده است. این تلاش‌ها نه تنها تاریخ فرهنگی غنی چین را جشن می‌گیرند بلکه هویت جمعی را که ریشه در آداب و رسوم مشترک دارد، تقویت می‌کنند.

در نهایت، ادغام فناوری‌های مدرن در ترویج فرهنگی نیز هویت ملی را تقویت کرده است. پلتفرم‌های دیجیتال و رسانه‌های اجتماعی به ابزارهای حیاتی برای انتشار اطلاعات درباره فرهنگ چینی در سطح جهانی تبدیل شده‌اند. ابتکاراتی مانند نمایشگاه‌های آنلاین که هنرهای سنتی را به نمایش می‌گذارند یا تجربیات واقعیت مجازی که به کاربران این امکان را می‌دهد تا سایت‌های تاریخی را کاوش کنند، دسترسی به میراث فرهنگی را آسان‌تر کرده‌اند. با بهره‌گیری از فناوری، چین می‌تواند فرهنگ خود را به شیوه‌ای جذاب ارائه دهد که هم با مخاطبان داخلی و هم با جوامع بین‌المللی ارتباط برقرار کند. این ترکیب سنت و مدرنیته نه تنها افتخار ملی را تقویت می‌کند بلکه چین را به عنوان یک بازیگر پویا در عرصه فرهنگی جهانی معرفی می‌کند.^{۲۴۷}

۲. رشد صنایع فرهنگی:

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

اجرای نظریه سه نمایندگی جیانگ زمین به طور قابل توجهی به رشد صنایع فرهنگی در چین کمک کرده است، به ویژه در بخش‌هایی مانند فیلم، موسیقی و سایر حوزه‌های فرهنگی. این رشد با سیاست‌های دولتی که به سرمایه‌گذاری در تولید فرهنگی و ترویج صادرات محصولات فرهنگی چینی تشویق می‌کند، تسهیل شده است. به عنوان مثال، صنعت فیلم چین شاهد تحولی چشمگیر بوده است؛ به طوری که درآمدهای بلیت‌فروشی از حدود ۱,۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۰ به بیش از ۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۰ افزایش یافته است. این افزایش نه تنها نشان‌دهنده رشد مخاطبان داخلی است بلکه نشان‌دهنده تمایل چین برای رقابت در سطح جهانی نیز می‌باشد، با فیلم‌هایی مانند "جنگجوی گرگین ۲" و "زمین سرگردان" که موفقیت‌های بین‌المللی قابل توجهی کسب کرده‌اند. در بخش موسیقی، چین نیز در تقویت جایگاه فرهنگی خود در سطح جهانی پیشرفت‌هایی داشته است. ظهور پلتفرم‌های دیجیتالی مانند موسیقی تنسنت^{۲۴۸} و موسیقی نت‌ایز^{۲۴۹} به هنرمندان چینی این امکان را داده است که به مخاطبان وسیع‌تری هم در داخل و هم در خارج از کشور دسترسی پیدا کنند. دولت همچنین از ابتکاراتی برای ترویج موسیقی سنتی چینی در کنار ژانرهای معاصر حمایت کرده است که منجر به ایجاد ترکیبی غنی می‌شود که برای شنوندگان متنوع جذاب است. به همین دلیل، موسیقی پاپ چینی (C-pop) فراتر از مرزها محبوبیت یافته و هنرمندان با همکاری با موزیسین‌های بین‌المللی و شرکت در جشنواره‌های موسیقی جهانی، سهم خود را در بازار جهانی افزایش داده‌اند.

۲۴۸ - پلتفرم Tencent Music Entertainment (TME) یک سرویس استریم موسیقی چینی برجسته است که طیف وسیعی از محتوای موسیقی، از جمله آهنگ‌ها، آلبوم‌ها، نمایش‌های زنده و محتوای ویدیویی مرتبط با موسیقی را ارائه می‌دهد. این پلتفرم چندین سکوی مانند QQ Music، Kugou Music و Kuwo Music را 운영 می‌کند که به طور کلی اکوسیستم Tencent Music را تشکیل می‌دهند. این اکوسیستم منحصر به فرد است زیرا ویژگی‌های مختلفی را فراتر از استریم موسیقی یکپارچه کرده است، از جمله امکانات اجتماعی مانند کارائوکه و استریم زنده، ابزارهای ایجاد محتوا برای کاورها و آهنگ‌های اصلی، و ویژگی‌های ترویج هنرمند مانند اجراهای زنده و هدایای مجازی. Tencent Music به ویژه در بازار چین تأثیرگذار است و یکی از بزرگترین پایه‌های کاربران در جهان را با صدها میلیون کاربر فعال ماهانه دارد. این پلتفرم هم نسخه‌های رایگان و حمایت‌شده از طریق تبلیغات و هم اشتراک‌های پریمیوم برای گوش دادن بدون تبلیغ و ویژگی‌های اضافی را ارائه می‌دهد. Tencent Music همچنین از کیفیت صوتی با فیدلیتی بالا حمایت می‌کند و به کاربران اجازه می‌دهد تا موسیقی را برای گوش دادن آفلاین دانلود کنند. برای هنرمندان، Tencent Music 平台 به یک مخاطب بزرگ را فراهم می‌کند و درک و دسترسی آن‌ها را در صنعت رقابتی موسیقی بهبود می‌بخشد. این پلتفرم همچنین ابزارهایی برای استریم زنده و کنسرت‌های مجازی را ارائه می‌دهد که به هنرمندان اجازه می‌دهد تا در زمان واقعی با طرفداران خود ارتباط برقرار کنند. علاوه بر این، Tencent Music همکاری‌های بین هنرمندان را تسهیل می‌کند و گزینه‌های مختلفی برای درآمدزایی، از جمله حقوق استریم و درآمد تبلیغاتی را فراهم می‌کند.

۲۴۹ - پلتفرم NetEase Cloud Music یک سرویس استریم موسیقی پیشرو در چین است که با کتابخانه گسترده و ویژگی‌های نوآورانه خود شناخته می‌شود. این پلتفرم بیش از ۱۰۰ میلیون آهنگ را ارائه می‌دهد و شامل طیف وسیعی از ژانرها است. NetEase Cloud Music از یک مدل تجاری فریمیوم استفاده می‌کند و خدمات پایه را به صورت رایگان ارائه می‌دهد، در حالی که ویژگی‌های پیشرفته را از طریق اشتراک‌ها فراهم می‌کند. این پلتفرم همچنین شامل ویژگی‌های اجتماعی، استریم زنده، کارائوکه، کتاب‌های صوتی و پادکست‌ها است و الگوریتم‌های پیشرفته‌ای دارد که لیست‌های پخش سفارشی بر اساس عادات گوش دادن کاربران ایجاد می‌کنند. NetEase Cloud Music ابزارهایی برای هنرمندان فراهم می‌کند تا موسیقی خود را ترویج کنند و مخاطب گسترده‌تری را جذب کنند.

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

علاوه بر این، رشد صنایع فرهنگی منجر به افزایش تولید محتوای خلاقانه در قالبهای مختلف رسانه‌ای، از جمله برنامه‌های تلویزیونی، ادبیات و هنرهای تجسمی شده است. دولت از توسعه پارک‌های فرهنگی و هاب‌های خلاقانه که نوآوری و همکاری میان هنرمندان را ترویج می‌کنند، حمایت کرده است. به عنوان مثال، تأسیس **منطقه هنری ۷۹۸** در پکن به یک مرکز پرجنب‌وجوش برای هنر و فرهنگ معاصر تبدیل شده است که بازدیدکنندگان محلی و بین‌المللی را جذب می‌کند. این تمرکز بر خلاقیت نه تنها چشم‌انداز فرهنگی را غنی‌تر می‌کند بلکه با ایجاد شغل و تولید درآمد از طریق گردشگری و صادرات فرهنگی، به رشد اقتصادی نیز کمک می‌کند.

در نهایت، تأکید بر صنایع فرهنگی با هدف کلی چین برای تقویت قدرت نرم خود در سطح جهانی همسو است. با ترویج میراث فرهنگی و ابرازهای هنری معاصر خود، چین قصد دارد تصویر خود را در سطح بین‌المللی بازسازی کند و فهم بیشتری از فرهنگ خود را در میان مخاطبان خارجی ایجاد نماید. ابتکاراتی مانند شرکت در جشنواره‌های بین‌المللی فیلم، سازماندهی برنامه‌های تبادل فرهنگی و نمایش هنرهای سنتی در رویدادهای جهانی در این زمینه نقش مهمی ایفا کرده‌اند. به این ترتیب، رشد صنایع فرهنگی تحت نظریه جیانگ زمین نه تنها هویت ملی را تقویت می‌کند بلکه چین را به عنوان یک بازیگر کلیدی در اقتصاد فرهنگی جهانی معرفی می‌کند.^{۲۰}

۳. بهبود دیپلماسی فرهنگی:

اجرای نظریه سه نمایندگی جیانگ زمین به طور قابل توجهی به بهبود دیپلماسی فرهنگی چین کمک کرده است و از فرهنگ به عنوان ابزاری استراتژیک برای گسترش نفوذ این کشور در عرصه بین‌المللی استفاده می‌کند. یکی از جنبه‌های اصلی این بهبود، ترویج میراث فرهنگی چین از طریق ابتکارات دیپلماتیک مختلف بوده است. با سازماندهی برنامه‌های تبادل فرهنگی، نمایشگاه‌های هنری و اجراهای هنری در خارج از کشور، چین تاریخ و سنت‌های غنی خود را به مخاطبان جهانی معرفی کرده است. رویدادهایی مانند **جشنواره فرهنگی چین** و نمایشگاه‌های هنرهای سنتی چینی نه تنها به تقویت درک متقابل کمک می‌کند بلکه قدرت نرم چین را نیز افزایش می‌دهد و به آن اجازه می‌دهد روابط مثبتی با دیگر کشورها برقرار کند.

علاوه بر این، تأسیس **موسسه‌های کنفوسیوس** در سرتاسر جهان نقش مهمی در ترویج زبان و فرهنگ چینی ایفا کرده است. این موسسه‌ها به عنوان مراکز آموزشی و فرهنگی عمل می‌کنند که دوره‌های زبان، کارگاه‌های فرهنگی و سخنرانی‌هایی درباره فلسفه و تاریخ چین ارائه می‌دهند. با افزایش تعداد افرادی که زبان ماندارین را یاد می‌گیرند و با فرهنگ چینی آشنا می‌شوند، این موسسه‌ها به ایجاد شبکه‌ای از افراد کمک می‌کنند که با زمینه فرهنگی چین بیشتر آشنا هستند. این گسترش و توسعه آموزشی به ایجاد تصویری مثبت از چین در سطح جهانی کمک می‌کند و روابط دیپلماتیک را عمیق‌تر می‌سازد.

همچنین مشارکت چین در رویدادها و جشنواره‌های فرهنگی بین‌المللی نیز دیپلماسی فرهنگی آن را تقویت کرده است. با شرکت فعال در پلتفرم‌های جهانی مانند **جشنواره فیلم کن** یا **بی‌ینال ونیز**، چین توانسته است تا

^{۲۰} <https://www.cato.org/sites/cato.org/files/serials/files/cato-journal/۱۱/۲۰۰۴/cj۲۴n۵-۳.pdf>

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

ابرازهای هنری معاصر خود را به مخاطبان بین‌المللی معرفی کند. این دیده شدن نه تنها تحول هنر و سینمای چینی را نشان می‌دهد بلکه چین را به عنوان یک بازیگر مهم در عرصه فرهنگی جهانی معرفی می‌کند. موفقیت فیلم‌هایی مانند "ببر خیزان، اژدهای پنهان" و "وداع" نشان‌دهنده این است که سینمای چین می‌تواند با مخاطبان جهانی ارتباط برقرار کند و همزمان روایت‌های چینی را ترویج دهد.

در نهایت، ادغام فناوری‌های مدرن در دیپلماسی فرهنگی به چین این امکان را داده است که به طور مؤثرتری به مخاطبان وسیع‌تری دسترسی پیدا کند. استفاده از پلتفرم‌های دیجیتال برای پخش فیلم‌ها، موسیقی و نمایشگاه‌های مجازی باعث شده است که فرهنگ چینی برای مردم سراسر جهان قابل دسترسی‌تر شود. ابتکاراتی مانند جشنواره‌های فرهنگی آنلاین و تورهای مجازی از سایت‌های تاریخی به افراد از زمینه‌های مختلف اجازه می‌دهد تا بدون موانع جغرافیایی با فرهنگ چینی ارتباط برقرار کنند. این رویکرد تکنولوژیکی نه تنها دامنه دسترسی فرهنگی چین را گسترش می‌دهد بلکه به شکل‌گیری تصویری معاصر که با روندهای جهانی همسو است، کمک می‌کند و بدین ترتیب نفوذ آن را در صحنه بین‌المللی تقویت می‌کند. از طریق این تلاش‌ها در دیپلماسی فرهنگی، چین موفق شده است حضور جهانی خود را تقویت کرده و درک عمیق‌تری از فرهنگ خود را در میان کشورهای خارجی ایجاد کند.^{۲۵۱}

۴. نوآوری در هنر و ادبیات:

اجرای نظریه سه نمایندگی جیانگ زمین تأثیر عمیقی بر نوآوری در هنر و ادبیات چین داشته است و نسل جدیدی از هنرمندان و نویسندگان را پرورش داده که فرهنگ چینی را بازتعریف و مدرن کرده‌اند. این تحول با ترکیب عناصر سنتی چینی و مضامین معاصر مشخص می‌شود و به نوعی بیان هنری غنی‌تر و متنوع‌تر منجر شده است. هنرمندان به بررسی مسائل اجتماعی، هویت شخصی و پیچیدگی‌های زندگی مدرن پرداخته‌اند که با مخاطبان داخلی و بین‌المللی هم‌خوانی دارد. این تغییر نه تنها اشکال هنری سنتی را احیا می‌کند بلکه به کاوش در رسانه‌ها و سبک‌های جدید نیز تشویق می‌کند و بدین ترتیب یک چشم‌انداز فرهنگی پویا ایجاد می‌نماید.

علاوه بر این، رشد صنایع فرهنگی حمایت‌های قابل توجهی از هنرمندان و نویسندگان در تلاش‌های خلاقانه آن‌ها فراهم کرده است. ابتکارات دولتی برای ترویج تولید فرهنگی منجر به افزایش بودجه برای هنرها و همچنین تأسیس پلتفرم‌هایی برای نمایش آثار جدید شده است. به عنوان مثال، جشنواره‌های ادبی و نمایشگاه‌های هنری به طور فزاینده‌ای رایج شده‌اند که به استعدادهای نوپا این امکان را می‌دهد تا دیده شوند و مورد شناسایی قرار گیرند. این حمایت‌های نهادی به خالقان این امکان را می‌دهد که با ایده‌ها و تکنیک‌های نوآورانه آزمایش کنند که در نهایت گفت‌وگوی فرهنگی را در داخل چین و فراتر از آن غنی‌تر می‌کند. به همین دلیل، ادبیات و هنر معاصر چین موفق به کسب تحسین بین‌المللی شده است که به درک گسترده‌تری از روایت فرهنگی چین کمک می‌کند.

ظهور فناوری دیجیتال نیز نقش حیاتی در نوآوری هنر و ادبیات ایفا کرده است. با ظهور پلتفرم‌های آنلاین، هنرمندان و نویسندگان اکنون می‌توانند به طور مؤثرتری به مخاطبان جهانی دسترسی پیدا کنند. کانال‌های

^{۲۵۱}https://aacs.cuny.edu/2009conference/scott_wilbur.doc

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

رسانه‌های اجتماعی، کتاب‌های الکترونیکی و پلتفرم‌های هنر دیجیتال به خالقان این امکان را می‌دهند که آثار خود را به طور گسترده‌ای به اشتراک بگذارند و از موانع توزیع سنتی عبور کنند. این دسترسی نه تنها فرآیند خلاقانه را دموکراتیک می‌کند بلکه تبادل‌های فرهنگی را تسهیل می‌کند که غنای بیان هنری چینی را افزایش می‌دهد. دسترسی جهانی این پلتفرم‌ها منجر به همکاری بین هنرمندان چینی و هم‌تایان بین‌المللی آن‌ها شده است که بیشتر ایده‌ها را ترویج می‌دهد که هم سنت‌های محلی و هم تأثیرات جهانی را منعکس می‌کند. در نهایت، تأکید بر نوآوری در هنر و ادبیات تحت نظریه جیانگ زمین حس افتخار ملی تازه‌ای را در میان خالقان چینی تقویت کرده است. با پذیرش میراث فرهنگی خود در عین تعامل با روندهای معاصر جهانی، هنرمندان و نویسندگان قادرند تصویری مدرن از چین ارائه دهند که با نسل جوان‌تر هم‌خوانی دارد. این رویکرد دوگانه نه تنها هویت ملی را تقویت می‌کند بلکه فرهنگ چینی را به عنوان یک بازیگر حیاتی در عرصه جهانی معرفی می‌نماید. آثار نوآورانه تولید شده در این دوره گواهی بر چشم‌انداز فرهنگی در حال تحول چین هستند که توانایی آن برای سازگاری با حفظ زمینه تاریخی غنی خود را نشان می‌دهند. از طریق این تلاش‌ها، چین موفق شده است فرهنگ پیشرفته خود را به شیوه‌ای جذاب و مرتبط به جهان معرفی کند.^{۲۵}

نمایندگی از منافع اساسی اکثریت مردم چین

در چارچوب نظریه سه نمایندگی جیانگ زمین، این بخش به‌ویژه بر نمایندگی از منافع اکثریت مردم چین تأکید دارد. به عبارت دیگر، حزب کمونیست چین باید از منافع مردم به‌ویژه طبقات کم‌درآمد، روستاییان و کارگران حمایت کند. این نمایندگی از طریق تضمین رفاه اجتماعی، عدالت اقتصادی و ترویج سیاست‌های برابر برای تمام اقشار جامعه انجام می‌شود. ارکان این نظریه :

۱. حمایت از طبقات پایین‌تر جامعه

اجرای نظریه سه نمایندگی جیانگ زمین تأثیرات قابل توجهی بر حمایت از طبقات پایین جامعه در چین داشته است. این نظریه به عنوان یک چارچوب سیاسی و اجتماعی، بر اهمیت توجه به منافع و نیازهای اکثریت مردم تأکید دارد. یکی از جنبه‌های اصلی این حمایت، توسعه برنامه‌های اجتماعی و اقتصادی بوده است که به بهبود شرایط زندگی طبقات پایین کمک می‌کند. دولت چین با اجرای سیاست‌های حمایتی مانند افزایش حداقل دستمزدها، ارائه خدمات بهداشتی و آموزشی رایگان و همچنین تسهیلات اجتماعی برای خانواده‌های کم‌درآمد، تلاش کرده است تا به نیازهای اساسی این قشر پاسخ دهد.

نظریه "سه نماینده" جیانگ زمین، که در سال ۲۰۰۰ معرفی شد، هدفش بازتعریف نقش حزب کمونیست چین بود و تأکید بر نمایندگی نیروهای تولیدی پیشرفته، فرهنگ پیشرفته و منافع بنیادی اکثریت قاطع مردم چین داشت. این نظریه نشان‌دهنده تغییر قابل توجهی از ایدئولوژی مارکسیستی سنتی بود که بر نمایندگی طبقه کارگر تمرکز داشت، به شامل شدن گروه‌های اجتماعی مختلف، از جمله روشنفکران و کارآفرینان. با گسترش عضویت

^{۲۵}https://aacs.cuny.cuny.edu/2009conference/scott_wilbur.doc

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

حزب به شامل کارآفرینان خصوصی، CCP تلاش کرد تا پایه اجتماعی خود را تقویت کرده و به تغییرات سریع اقتصادی چین پاسخ دهد.

اجرا شدن نظریه "سه نمایندگی" تأثیرات قابل توجهی بر حمایت از طبقات پایین در چین داشت. ابتدا، اصلاحات اقتصادی را تسهیل کرد که رشد بخش خصوصی را تشویق می کرد و در نتیجه فرصت های شغلی بیشتری برای کارگران ایجاد می شد. این تغییر مهم بود زیرا شرکت های دولتی نمی توانستند شغل کافی برای جمعیت بزرگ چین فراهم کنند. علاوه بر این، این نظریه از سیاست هایی حمایت کرد که هدفشان کاهش نابرابری درآمدی بود و برنامه های رفاه اجتماعی و افزایش سرمایه گذاری در آموزش و بهداشت را ترویج می کرد. این ابتکارات بخشی از یک استراتژی گسترده تر برای ایجاد یک "جامعه نسبتاً مرفه" بود که در کنگره ۱۶ حزب کمونیست چین در سال ۲۰۰۲ تشریح شد.

از نظر سرمایه گذاری مالی، دولت چین در این دوره به طور قابل توجهی هزینه های خود را بر روی برنامه های رفاه اجتماعی افزایش داد. برای مثال، بین سال های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۵، هزینه دولت بر آموزش از حدود ۲۰۰ میلیارد یوان به بیش از ۴۰۰ میلیارد یوان (حدود ۲۴ میلیارد تا ۴۸ میلیارد دلار آمریکا) افزایش یافت. به همین ترتیب، هزینه های بهداشتی از حدود ۱۵۰ میلیارد یوان به بیش از ۳۰۰ میلیارد یوان (حدود ۱۸ میلیارد تا ۳۶ میلیارد دلار آمریکا) افزایش یافت. این سرمایه گذاری ها بخشی از یک تلاش گسترده تر برای بهبود استانداردهای زندگی و حمایت از طبقات پایین در چین بود.

در مجموع، نظریه "سه نمایندگی" نقش مهمی در شکل دادن به سیاست های اقتصادی و اجتماعی چین در دوران رهبری جیانگ زمین ایفا کرد. با گسترش پایه اجتماعی CCP و ترویج اصلاحات اقتصادی، این نظریه به ایجاد یک اقتصاد شامل و پویا کمک کرد که از طریق فرصت های شغلی بیشتر و سرمایه گذاری های رفاه اجتماعی طبقات پایین را حمایت می کرد.

در پی پیاده سازی نظریه "سه نماینده" جیانگ زمین، دولت چین توجه ویژه ای به توسعه فرصت های شغلی برای طبقات پایین جامعه داشته است. یکی از برنامه های مهم در این زمینه، برنامه ملی کاهش فقر بوده است. این برنامه با هدف کاهش نابرابری اقتصادی و بهبود شرایط زندگی برای میلیون ها نفر از مردم در مناطق روستایی و محروم کشور راه اندازی شد. دولت چین با سرمایه گذاری در زیرساخت ها، آموزش و بهداشت، تلاش کرده است تا فرصت های شغلی بیشتری برای ساکنان این مناطق فراهم کند و به این ترتیب، آنها را از فقر خارج کند.

برنامه ملی کاهش فقر شامل چندین ابتکار بوده است که از جمله آن می توان به توسعه زیرساخت های روستایی، مانند راه سازی و بهبود سیستم های آبیاری، اشاره کرد. این پروژه ها نه تنها به بهبود شرایط زندگی در مناطق روستایی کمک کرده اند، بلکه فرصت های شغلی جدیدی نیز برای کارگران محلی ایجاد کرده اند. علاوه بر این، دولت چین بر آموزش و پرورش تأکید کرده است تا کارگران را برای فرصت های شغلی جدید آماده کند. این شامل ارائه آموزش های حرفه ای و حمایت از مدارس در مناطق محروم بوده است.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

در کنار برنامه ملی کاهش فقر، دولت چین همچنین بر توسعه بخش خصوصی و حمایت از کارآفرینی در مناطق روستایی تمرکز کرده است. با تسهیل دسترسی به اعتبارات و حمایت از پروژه‌های کارآفرینی محلی، دولت تلاش کرده است تا اقتصاد محلی را تحریک کند و فرصت‌های شغلی بیشتری ایجاد کند. این رویکرد نه تنها به کاهش فقر کمک کرده است، بلکه به بهبود استانداردهای زندگی و افزایش درآمد ساکنان این مناطق منجر شده است.

در مجموع، برنامه‌های دولت چین برای توسعه فرصت‌های شغلی برای طبقات پایین جامعه، مانند برنامه ملی کاهش فقر، نشان‌دهنده تلاش‌های مستمر این کشور برای کاهش نابرابری و بهبود شرایط زندگی برای همه مردم است. این برنامه‌ها با سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، آموزش و حمایت از کارآفرینی، به ایجاد یک اقتصاد پویا و فراگیر کمک کرده‌اند که فرصت‌های شغلی بیشتری برای همه فراهم کند.

در دوران رهبری جیانگ زیمین، حمایت از آموزش و پرورش یکی از جنبه‌های مهم حمایت از طبقات پایین جامعه بود. دولت چین برنامه‌های مختلفی را برای حمایت از آموزش در این دوره راه‌اندازی کرد که شامل ارائه بورسیه برای دانش‌آموزان با استعداد از خانواده‌های کم‌درآمد و تأسیس مدارس در مناطق دورافتاده بود. این برنامه‌ها با هدف بهبود دسترسی به آموزش و کاهش نابرابری آموزشی در سراسر کشور راه‌اندازی شدند. بورسیه‌های تحصیلی^{۲۵۳} دانش‌آموزان با استعداد از خانواده‌های کم‌درآمد کمک می‌کرد تا به آموزش عالی دسترسی پیدا کنند و از این طریق فرصت‌های شغلی بهتر را در آینده داشته باشند.

تأسیس مدارس در مناطق دورافتاده نیز یکی از مهم‌ترین برنامه‌های دولت برای حمایت از آموزش در طبقات پایین جامعه بود. این برنامه با هدف بهبود دسترسی به آموزش در مناطق محروم و کاهش نابرابری آموزشی بین مناطق مختلف کشور راه‌اندازی شد. با تأسیس مدارس جدید، دولت تلاش کرد تا همه کودکان، به ویژه در مناطق روستایی و دورافتاده، به آموزش کافی دسترسی داشته باشند و از این طریق فرصت‌های بیشتری برای بهبود شرایط زندگی خود داشته باشند.

۲۵۳ - شرایط دریافت بورسیه شامل داشتن استعداد تحصیلی بالا و تعلق داشتن به خانواده‌های کم‌درآمد بود. دولت چین تلاش کرد تا این بورسیه‌ها به طور عادلانه توزیع شود و به دانش‌آموزان مستعد از همه مناطق کشور دسترسی داشته باشد. با این حال، به دلیل عدم وجود یک فرمول ملی برای تعیین شرایط دریافت بورسیه، این امر به طور عمده بر عهده دانشگاه‌ها بود که بر اساس تعریف رسمی وزارت آموزش و پرورش، دانش‌آموزان را به عنوان دانش‌آموزان کم‌درآمد شناسایی کنند.

دانش‌آموزانی که از این بورسیه‌ها برخوردار می‌شدند، از مزایای مختلفی برخوردار بودند که شامل پوشش هزینه‌های تحصیلی، مسکن و بیمه پزشکی می‌شد. این حمایت‌ها به دانش‌آموزان کمک می‌کرد تا بر روی تحصیلات خود تمرکز کنند و نگرانی‌های مالی را کاهش دهند. با این حال، اطلاعات دقیق درباره تعداد دقیق دانش‌آموزانی که از این بورسیه‌ها برخوردار شدند، در دسترس نیست، اما این برنامه‌ها به طور کلی به بهبود دسترسی به آموزش برای طبقات پایین جامعه کمک کرده‌اند. متأسفانه عدم وجود برنامه‌های اینچنینی و تبدیل شدن مقوله تحصیلات عالی به یک صنعت و برخورداری از آموزش نابرابر در ایران باعث گردیده است که سهم دانش‌آموزان مستعد از خانواده‌های کم‌درآمد روز به روز در قبولی رتبه‌های برتر ورودی دانشگاه کاهش یابد.

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

در کنار این برنامه‌ها، دولت چین همچنین بر بهبود کیفیت آموزش در مدارس موجود تمرکز کرده است. این شامل ارائه آموزش‌های حرفه‌ای به معلمان و بهبود زیرساخت‌های مدارس بوده است. با این اقدامات، دولت تلاش کرده است تا کیفیت آموزش را در همه مدارس کشور بهبود بخشیده و به این ترتیب، همه دانش‌آموزان فرصت‌های برابر برای یادگیری و رشد داشته باشند. این اقدامات بخشی از یک استراتژی گسترده‌تر برای کاهش نابرابری و بهبود شرایط زندگی برای همه مردم در چین بوده است.

در مجموع، برنامه‌های دولت چین برای حمایت از آموزش در طبقات پایین جامعه نشان‌دهنده تلاش‌های مستمر این کشور برای کاهش نابرابری و بهبود شرایط زندگی برای همه مردم است. این برنامه‌ها با ارائه بورسیه، تأسیس مدارس جدید و بهبود کیفیت آموزش، به ایجاد یک نظام آموزشی فراگیر و برابر کمک کرده‌اند که فرصت‌های بیشتری برای همه فراهم کند.

تقویت صدای طبقات پایین در فرآیند تصمیم‌گیری نیز یکی دیگر از جنبه‌های مهم حمایت از این قشر جامعه است. دولت چین با ایجاد کانال‌هایی برای مشارکت مردم در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های محلی، سعی کرده است تا نظرات و نیازهای طبقات پایین را در نظر بگیرد. برگزاری جلسات مشورتی و استفاده از نظرسنجی‌ها برای جمع‌آوری بازخورد از جامعه، نمونه‌هایی از این رویکرد هستند. این اقدامات نه تنها به تقویت حس مشارکت اجتماعی کمک می‌کند بلکه باعث می‌شود که سیاست‌ها و برنامه‌ها بهتر با نیازهای واقعی مردم همخوانی داشته باشند. به طور کلی، حمایت از طبقات پایین جامعه تحت نظریه سه نمایندگی جیانگ زمین نشان‌دهنده تعهد دولت چین به ارتقاء زندگی مردم و تقویت هویت ملی است.^{۲۵۴}

۲. تضمین عدالت اقتصادی

در دوران رهبری جیانگ زمین، اجرای نظریه "سه نمایندگی" تأثیرات قابل توجهی بر **تأمین عدالت اقتصادی** در چین داشت. یکی از جنبه‌های اصلی این حمایت، **تقویت سیستم‌های مالی و اقتصادی** برای حل مشکلات طبقات فقیر و آسیب‌پذیر جامعه بود. دولت چین تلاش کرد تا دسترسی به منابع مالی برای گروه‌های کم‌درآمد را تسهیل کند و از این طریق فرصت‌های شغلی بیشتری ایجاد کند و بهبود شرایط زندگی این گروه‌ها را فراهم کند. این شامل اصلاحات در سیستم مالی و بانکی، ارائه وام‌های با نرخ پایین و تأسیسات مالی برای کسب و کارهای کوچک و متوسط، به ویژه در مناطق روستایی، بود.

برنامه‌های دولت برای حمایت از کسب و کارهای کوچک و متوسط شامل ارائه وام‌های با **نرخ پایین**^{۲۵۵} و تأسیسات مالی بود که به این کسب و کارها کمک می‌کرد تا به رشد و توسعه بپردازند. این اقدامات با هدف افزایش فرصت‌های شغلی و بهبود شرایط زندگی در مناطق روستایی و محروم کشور راه‌اندازی شدند. با حمایت از این کسب و کارها،

^{۲۵۴}https://aacs.ccny.cuny.edu/2009conference/scott_wilbur.doc

^{۲۵۵} - نرخ بهره این وام‌ها معمولاً نصف نرخ بهره وام‌های عادی در سیستم بانکی می‌باشد که در کتابی جداگانه تحت عنوان سیاست‌های حمایتی دولت از صادرات به شرح و تفصیل آن پرداخته ایم.

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

دولت تلاش کرد تا اقتصاد محلی را تحریک کند و به کاهش فقر کمک کند. این برنامه‌ها بخشی از یک استراتژی گسترده‌تر برای کاهش نابرابری و بهبود شرایط زندگی برای همه مردم در چین بوده است. در کنار این برنامه‌ها، دولت چین همچنین بر بهبود زیرساخت‌های مالی و بانکی تمرکز کرده است تا دسترسی به خدمات مالی برای همه مردم، به ویژه در مناطق دورافتاده، بهبود یابد. این شامل توسعه شبکه بانکی در مناطق روستایی و ارائه خدمات مالی بهینه برای نیازهای محلی بوده است. با این اقدامات، دولت تلاش کرده است تا همه مردم، به ویژه در مناطق محروم، به خدمات مالی کافی دسترسی داشته باشند و از این طریق فرصت‌های بیشتری برای بهبود شرایط زندگی خود داشته باشند.

در مجموع، برنامه‌های دولت چین برای تقویت سیستم‌های مالی و اقتصادی نشان‌دهنده تلاش‌های مستمر این کشور برای اطمینان از عدالت اقتصادی و حمایت از طبقات فقیر و آسیب‌پذیر جامعه است. این برنامه‌ها با ارائه وام‌های با نرخ پایین، حمایت از کسب و کارهای کوچک و متوسط و بهبود زیرساخت‌های مالی و بانکی، به ایجاد یک اقتصاد پویا و فراگیر کمک کرده‌اند که فرصت‌های بیشتری برای همه فراهم کند.

علاوه بر این، **تقویت رفاه اجتماعی** نیز یکی دیگر از اقدامات مهم در راستای تأمین عدالت اقتصادی محسوب می‌شود. دولت چین با افزایش هزینه‌های اجتماعی و بهبود خدمات عمومی مانند بهداشت و آموزش، سعی دارد تا کیفیت زندگی طبقات پایین را ارتقاء دهد. برنامه‌هایی مانند بیمه درمانی همگانی و تأمین اجتماعی برای خانواده‌های کم‌درآمد، به کاهش فقر و نابرابری کمک می‌کند. این سیاست‌ها نه تنها به تأمین نیازهای اساسی افراد کمک می‌کند بلکه احساس امنیت اجتماعی را نیز در میان قشرهای آسیب‌پذیر تقویت می‌نماید.

برنامه‌های رفاه اجتماعی دولت چین شامل چندین ابتکار برای حمایت از خانواده‌های کم‌درآمد و گروه‌های آسیب‌پذیر بود. یکی از مهم‌ترین این برنامه‌ها، **بیمه بهداشت عمومی**^{۲۵۶} بود که به همه مردم، به ویژه در مناطق دورافتاده، دسترسی به خدمات بهداشتی کافی را فراهم می‌کرد. این برنامه با هدف کاهش نابرابری بهداشتی و بهبود شرایط زندگی برای همه مردم راه‌اندازی شد. علاوه بر این، دولت چین بر بهبود سیستم تأمین اجتماعی

۲۵۶ - در دوران رهبری جیانگ زیمین، دولت چین نظام بیمه بهداشت عمومی را راه‌اندازی کرد که تقریباً ۹۶٪ از جمعیت کشور را تحت پوشش قرار می‌دهد و بیش از ۱,۳۶ میلیارد نفر را شامل می‌شود. این نظام شامل بیمه پزشکی پایه که توسط دولت اداره می‌شود و بیمه بهداشتی تجاری که توسط شرکت‌های مختلف ارائه می‌شود، می‌گردد. بیمه پزشکی پایه یک برنامه امنیتی اجتماعی گسترده است که از طریق شرکت‌ها و افراد تأمین می‌شود و شامل انواع مختلفی از بیمه‌ها برای ساکنان شهری شاغل، ساکنان شهری غیرشاغل و جمعیت روستایی است. ساکنان شهری شاغل بیشترین هزینه‌های بیمه را پرداخت می‌کنند و بالاترین میزان بازپرداخت را دارند، در حالی که ساکنان غیرشاغل و جمعیت روستایی در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند.

برنامه‌های بیمه بهداشت عمومی در چین شامل سه برنامه اصلی است: بیمه پایه برای کارمندان شهری (UEBMI)، طرح جدید همکاری پزشکی برای ساکنان روستایی (NCMS) و بیمه پایه برای ساکنان شهری (URBMI). UEBMI برای ساکنان شهری شاغل اجباری است و از طریق مالیات‌های حقوقی کارفرما و کارمند تأمین می‌شود. NCMS برای ساکنان روستایی و URBMI برای ساکنان شهری بدون شغل، از جمله کودکان و افراد مسن، ارائه می‌شود. این برنامه‌ها با هدف دسترسی به خدمات بهداشتی برای همه مردم، به ویژه در مناطق دورافتاده، راه‌اندازی شده‌اند. نظام بیمه بهداشت عمومی حدود نیمی از هزینه‌های پزشکی را پوشش می‌دهد، اما برای بیماری‌های جدی یا مزمن، این میزان کمتر است. تحت ابتکار "چین سالم ۲۰۲۰"، چین تلاش کرده است تا هزینه‌های بهداشتی را کاهش دهد تا پایان سال ۲۰۱۸ حدود ۷۰٪ از هزینه‌ها را پوشش دهد.

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

تمرکز کرده است تا همه مردم، به ویژه در مناطق محروم، به خدمات تأمین اجتماعی کافی دسترسی داشته باشند و از این طریق فرصت‌های بیشتری برای بهبود شرایط زندگی خود داشته باشند.

در کنار این برنامه‌ها، دولت چین همچنین بر بهبود زیرساخت‌های بهداشتی و آموزشی تمرکز کرده است تا دسترسی به خدمات برای همه مردم، به ویژه در مناطق دورافتاده، بهبود یابد. این شامل توسعه شبکه بهداشتی در مناطق روستایی و ارائه خدمات آموزشی بهینه برای نیازهای محلی بوده است. با این اقدامات، دولت تلاش کرده است تا همه مردم، به ویژه در مناطق محروم، به خدمات بهداشتی و آموزشی کافی دسترسی داشته باشند و از این طریق فرصت‌های بیشتری برای بهبود شرایط زندگی خود داشته باشند.

در مجموع، برنامه‌های دولت چین برای تقویت رفاه اجتماعی نشان‌دهنده تلاش‌های مستمر این کشور برای اطمینان از عدالت اقتصادی و حمایت از طبقات فقیر و آسیب‌پذیر جامعه است. این برنامه‌ها با ارائه بیمه بهداشت عمومی، بهبود سیستم تأمین اجتماعی و توسعه زیرساخت‌های بهداشتی و آموزشی، به ایجاد یک نظام رفاه اجتماعی فراگیر و برابر کمک کرده‌اند که فرصت‌های بیشتری برای همه فراهم کند.

همچنین، **توسعه فرصت‌های شغلی** برای طبقات پایین جامعه از دیگر جنبه‌های مهم تأمین عدالت اقتصادی است. دولت با اجرای برنامه‌هایی مانند **طرح ملی کاهش فقر** و ایجاد مشاغل در صنایع مختلف، سعی کرده است تا اشتغال‌زایی کند. این طرح‌ها شامل آموزش مهارت‌های شغلی و فراهم کردن منابع لازم برای کارآفرینی در مناطق روستایی است. با این اقدامات، دولت نه تنها به کاهش فقر کمک می‌کند بلکه به تقویت حس مشارکت اجتماعی نیز می‌انجامد.

برنامه ملی کاهش فقر یکی از مهم‌ترین ابتکارات دولت برای توسعه فرصت‌های شغلی بود. این برنامه با هدف کاهش نابرابری اقتصادی و بهبود شرایط زندگی برای میلیون‌ها نفر از مردم در مناطق روستایی و محروم کشور راه‌اندازی شد. دولت چین با سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، آموزش و بهداشت، تلاش کرد تا فرصت‌های شغلی بیشتری برای ساکنان این مناطق فراهم کند و به این ترتیب، آنها را از فقر خارج کند. این برنامه‌ها شامل ارائه آموزش‌های حرفه‌ای و حمایت از پروژه‌های کارآفرینی محلی بود که به تحریک اقتصاد محلی و کاهش فقر کمک می‌کردند.

در کنار این برنامه‌ها، دولت چین همچنین بر توسعه بخش خصوصی و حمایت از کارآفرینی در مناطق روستایی تمرکز کرده است. با تسهیل دسترسی به اعتبارات و حمایت از پروژه‌های کارآفرینی محلی، دولت تلاش کرد تا اقتصاد محلی را تحریک کند و فرصت‌های شغلی بیشتری ایجاد کند. این رویکرد نه تنها به کاهش فقر کمک کرد، بلکه به بهبود استانداردهای زندگی و افزایش درآمد ساکنان این مناطق منجر شد. برنامه‌های دولت با ارائه آموزش‌های حرفه‌ای و حمایت از کارآفرینی، به ایجاد یک اقتصاد پویا و فراگیر کمک کردند که فرصت‌های بیشتری برای همه فراهم کند.

در مجموع، برنامه‌های دولت چین برای توسعه فرصت‌های شغلی نشان‌دهنده تلاش‌های مستمر این کشور برای اطمینان از عدالت اقتصادی و حمایت از طبقات فقیر و آسیب‌پذیر جامعه است. این برنامه‌ها با راه‌اندازی برنامه

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

ملی کاهش فقر، حمایت از کارآفرینی و ارائه آموزش‌های حرفه‌ای، به ایجاد یک نظام اقتصادی فراگیر و برابر کمک کرده‌اند که فرصت‌های بیشتری برای همه فراهم کند.

تقویت نظارت بر توزیع درآمد نیز یکی از جنبه‌های کلیدی در تأمین عدالت اقتصادی است. دولت چین با اجرای سیاست‌هایی که توزیع عادلانه‌تر درآمد را هدف قرار می‌دهد، سعی کرده است تا نابرابری‌های اقتصادی را کاهش دهد. این سیاست‌ها شامل تنظیم حداقل دستمزدها و ایجاد سیستم‌های مالیاتی عادلانه‌تر است که هدف آن تضمین توزیع منصفانه‌تر ثروت در جامعه می‌باشد. به طور کلی، تلاش‌های انجام شده تحت نظریه سه نمایندگی جیانگ زمین نشان‌دهنده تعهد دولت چین به ارتقاء عدالت اقتصادی و بهبود شرایط زندگی برای اکثریت مردم است.

برنامه‌های دولت برای نظارت بر توزیع درآمد شامل چندین ابتکار برای تنظیم حداقل دستمزد و بهبود سیستم‌های مالیاتی بود. تنظیم حداقل دستمزد به کارگران کمک می‌کرد تا درآمد کافی برای تأمین نیازهای اساسی خود داشته باشند و از این طریق، نابرابری‌های درآمدی کاهش یابد. علاوه بر این، دولت چین بر ایجاد سیستم‌های مالیاتی عادلانه‌تر تمرکز کرده است تا ثروت به طور برابرتر در جامعه توزیع شود. این اقدامات با هدف کاهش نابرابری‌های اقتصادی و بهبود شرایط زندگی برای همه مردم راه‌اندازی شدند.

در کنار این برنامه‌ها، دولت چین همچنین بر بهبود زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی تمرکز کرده است تا دسترسی به فرصت‌های شغلی و اقتصادی برای همه مردم، به ویژه در مناطق محروم، بهبود یابد. این شامل توسعه زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی در مناطق روستایی و محروم بوده است که به تحریک اقتصاد محلی و کاهش فقر کمک می‌کند. با این اقدامات، دولت تلاش کرده است تا همه مردم، به ویژه در مناطق محروم، به فرصت‌های کافی برای بهبود شرایط زندگی خود دسترسی داشته باشند.

در مجموع، برنامه‌های دولت چین برای نظارت بر توزیع درآمد نشان‌دهنده تلاش‌های مستمر این کشور برای اطمینان از عدالت اقتصادی و حمایت از طبقات فقیر و آسیب‌پذیر جامعه است. این برنامه‌ها با تنظیم حداقل دستمزد، بهبود سیستم‌های مالیاتی و توسعه زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی، به ایجاد یک نظام اقتصادی فراگیر و برابر کمک کرده‌اند که فرصت‌های بیشتری برای همه فراهم کند.^{۲۹}

۳. تقویت رفاه اجتماعی

اجرای نظریه سه نمایندگی جیانگ زمین تأثیرات قابل توجهی بر **تقویت رفاه اجتماعی** در چین داشته است. یکی از جنبه‌های اصلی این حمایت، اجرای پروژه‌هایی مانند بیمه درمانی برای ساکنان روستایی بوده است. دولت چین با هدف بهبود دسترسی به خدمات بهداشتی و کاهش هزینه‌های درمانی برای خانواده‌های کم‌درآمد، برنامه‌های بیمه درمانی را برای ساکنان مناطق روستایی راه‌اندازی کرده است. این اقدامات به ویژه در مناطقی که

^{۲۹}http://en.cpmcc.gov.cn/2022-12/05/c_836434.htm & <https://thediplomat.com/2022/12/jiang-zemins-mixed-legacy/>

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

دسترسى به خدمات پزشکی محدود است، تأثیر مثبتى بر سلامت عمومى و کیفیت زندگى مردم داشته و به کاهش فقر و نابرابرى کمک مى کند.

علاوه بر این، افزایش سرمایه گذاری در آموزش و پرورش نیز یکی دیگر از اقدامات مهم در راستای تقویت رفاه اجتماعى است. دولت با سرمایه گذاری در زیرساخت های آموزشی، تأسیس مدارس جدید و ارائه بورس های تحصیلی برای دانش آموزان از خانواده های کم درآمد، سعى کرده است تا دسترسى به آموزش با کیفیت را برای همه اقشار جامعه فراهم کند. این تلاش ها نه تنها به ارتقاء سطح تحصیلات در میان طبقات پایین کمک مى کند بلکه فرصت های شغلى بیشتری را نیز برای آنها ایجاد مى نماید که در نهایت به بهبود شرایط اقتصادى و اجتماعى آنها منجر مى شود.

همچنین، توسعه برنامه های حمایتى اجتماعى مانند تأمین اجتماعى و کمک های مالی به خانواده های کم درآمد نیز از دیگر جنبه های تقویت رفاه اجتماعى محسوب مى شود. دولت چین با ارائه کمک های مالی مستقیم، سبدهای غذایى و خدمات اجتماعى به خانواده های نیازمند، سعى دارد تا سطح زندگى آنها را ارتقاء دهد. این برنامه ها به کاهش فقر و نابرابرى کمک کرده و احساس امنیت اجتماعى را در میان قشرهای آسیب پذیر تقویت مى کند.

تقویت مشارکت اجتماعى نیز یکی از جنبه های کلیدی در تقویت رفاه اجتماعى است. دولت با ایجاد کانال هایی برای مشارکت مردم در تصمیم گیری ها و سیاست گذاری ها، سعى کرده است تا نظرات و نیازهای طبقات پایین را در نظر بگیرد. برگزاری جلسات مشورتى و استفاده از نظرسنجى ها برای جمع آورى بازخورد از جامعه، نمونه هایی از این رویکرد هستند. این اقدامات نه تنها به تقویت حس مشارکت اجتماعى کمک مى کند بلکه باعث مى شود که سیاست ها و برنامه ها بهتر با نیازهای واقعى مردم همخوانى داشته باشند. به طور کلی، تلاش های انجام شده تحت نظریه سه نمایندگى جيانگ زمین نشان دهنده تعهد دولت چین به ارتقاء رفاه اجتماعى و بهبود شرایط زندگى برای اکثریت مردم است.^{۲۵۸}

۴. توسعه فرصت های شغلى و اقتصادى برای اکثریت مردم

اجرای نظریه سه نمایندگى جيانگ زمین تأثیرات قابل توجهى بر توسعه فرصت های شغلى و اقتصادى برای اکثریت مردم چین داشته است. یکی از جنبه های اصلی این حمایت، اجرای پروژه هایی مانند پروژه های اشتغال روستایى است که هدف آن ایجاد مشاغل در مناطق روستایى و حمایت از کارآفرینى محلى مى باشد. این پروژه ها به ویژه در مناطقى که بیکارى و فقر بالاست، به تأمین فرصت های شغلى و بهبود معیشت ساکنان کمک کرده اند. دولت با ارائه آموزش های مهارتى و تسهیلات مالی به کارآفرینان محلى، سعى کرده است تا زمینه های لازم برای راه اندازى کسب و کارهای کوچک و متوسط را فراهم کند.

علاوه بر این، تقویت زیرساخت های اقتصادى نیز یکی دیگر از اقدامات مهم در راستای توسعه فرصت های شغلى است. دولت چین با سرمایه گذاری در پروژه های زیرساختى مانند جاده ها، پل ها و شبکه های حمل و نقل، به بهبود

^{۲۵۸}http://www.china.org.cn/m/english/china_key_words/2021-09/23/content_77769290.html & https://aacs.cuny.cuny.edu/2009conference/scott_wilbur.doc & <https://www.rieti.go.jp/en/china/02082301.html>

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

دسترسی به بازارها و منابع اقتصادی کمک کرده است. این سرمایه‌گذاری‌ها نه تنها به ایجاد مشاغل مستقیم در ساخت و ساز منجر می‌شود بلکه با تسهیل تجارت و جابجایی کالاها، به رشد اقتصادی پایدار در مناطق روستایی و شهری کمک می‌کند. این اقدامات باعث شده‌اند که مناطق کمتر توسعه‌یافته نیز بتوانند از مزایای اقتصادی بهره‌مند شوند.

توسعه سیاست‌های حمایتی برای کارآفرینان و کسب‌وکارهای کوچک نیز نقش مهمی در افزایش فرصت‌های شغلی ایفا کرده است. دولت با ارائه تسهیلات مالی، مشاوره و آموزش به کارآفرینان محلی، سعی دارد تا محیطی مساعد برای رشد کسب‌وکارها ایجاد کند. برنامه‌هایی مانند **طرح ملی حمایت از کارآفرینی**^{۲۴} هدف آن تشویق جوانان به راه‌اندازی کسب‌وکارهای خودشان است، به ایجاد مشاغل جدید و کاهش بیکاری کمک می‌کند. این سیاست‌ها نه تنها به رشد اقتصادی کمک می‌کند بلکه حس مسئولیت اجتماعی و مشارکت را نیز در میان جوانان تقویت می‌کند.

در نهایت، **توجه به توسعه پایدار** نیز یکی از جنبه‌های کلیدی در توسعه فرصت‌های شغلی و اقتصادی است. دولت چین با ترویج فناوری‌های نوین و صنایع سبز، سعی دارد تا مشاغل جدیدی را در حوزه‌هایی مانند انرژی‌های تجدیدپذیر و فناوری اطلاعات ایجاد کند. این رویکرد نه تنها به حفظ محیط زیست کمک می‌کند بلکه فرصت‌های شغلی جدیدی را برای نسل جوان فراهم می‌آورد. با توجه به تغییرات جهانی و نیاز به توسعه پایدار، این سیاست‌ها باعث می‌شوند که چین بتواند در عرصه جهانی رقابتی‌تر باشد. به طور کلی، تلاش‌های انجام شده تحت نظریه سه نمایندگی جیانگ زمین‌نشان‌دهنده تعهد دولت چین به ارتقاء فرصت‌های شغلی و اقتصادی برای اکثریت مردم است.^{۲۵}

۲۵۹ - طرح ملی حمایت از کارآفرینی جیانگ زمین به عنوان بخشی از نظریه سه نمایندگی، هدفش تقویت و توسعه کارآفرینی در چین بوده است. این طرح شامل مجموعه‌ای از سیاست‌ها و برنامه‌ها است که به منظور تسهیل راه‌اندازی کسب‌وکارها و حمایت از کارآفرینان طراحی شده‌اند. یکی از ویژگی‌های کلیدی این طرح، کاهش مراحل اداری و تسهیل فرآیند صدور مجوزها برای کسب‌وکارها است، به طوری که مراحل تأیید و اعطای مجوز به یک‌سوم کاهش یافته است. این تغییرات به کارآفرینان کمک می‌کند تا هزینه‌های راه‌اندازی کسب‌وکار را کاهش دهند و به سرعت وارد بازار شوند.

علاوه بر این، دولت چین با ایجاد **مراکز رشد کسب‌وکار** و ارائه خدمات زیرساختی، بازاریابی و تأمین سرمایه، به کارآفرینان کمک می‌کند تا ایده‌های خود را به واقعیت تبدیل کنند. برنامه‌هایی مانند **صندوق‌های سرمایه‌گذاری** و اعطای وام‌های تضمین‌شده نیز به تأمین مالی اولیه کسب‌وکارها کمک می‌کند. کارآفرینان می‌توانند وام‌هایی بین ۳ تا ۸ هزار دلار دریافت کنند و دولت ۵۰ درصد این وام‌ها را به صورت یارانه پرداخت می‌کند. همچنین، در سه سال اول فعالیت، کارآفرینان از پرداخت هزینه‌های راه‌اندازی شرکت، حق ثبت شرکت و مجوزهای لازم معاف هستند. این طرح همچنین بر **آموزش کارآفرینی** تأکید دارد و برنامه‌های آموزشی در سطوح مختلف برای تربیت نیروی کارآفرین ماهر تدوین شده است. دولت چین با توجه به نیاز به نیروی کار ماهر، اقداماتی را برای جذب نخبگان چینی از خارج از کشور انجام داده است. این برنامه‌ها شامل دوره‌های آموزشی در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی است که هدف آن ارتقاء مهارت‌های نرم و تخصصی افراد در حوزه کارآفرینی می‌باشد. **توجه به نوآوری** نیز یکی دیگر از جنبه‌های مهم این طرح است. دولت چین با ترویج فناوری‌های نوین و صنایع سبز، سعی دارد تا مشاغل جدیدی را در حوزه‌هایی مانند انرژی‌های تجدیدپذیر و فناوری اطلاعات ایجاد کند. این رویکرد نه تنها به حفظ محیط زیست کمک می‌کند بلکه فرصت‌های شغلی جدیدی را برای نسل جوان فراهم می‌آورد. به طور کلی، طرح ملی حمایت از کارآفرینی جیانگ زمین‌نشان‌دهنده تعهد دولت چین به ارتقاء فرصت‌های شغلی و اقتصادی برای اکثریت مردم است.

^{۲۴} https://aacs.cuny.edu/2009conference/scott_wilbur.doc & <https://www.rieti.go.jp/en/china/02082301.html>

آثار اجرای این نظریه:

۱. کاهش فقر و شکاف طبقاتی:

اجرای نظریه سه نمایندگی جیانگ زمین تأثیرات قابل توجهی بر کاهش فقر و شکاف طبقاتی در چین داشته است. یکی از جنبه‌های اصلی این نظریه، تأکید بر منافع اکثریت مردم و تلاش برای بهبود شرایط زندگی طبقات پایین جامعه بوده است. دولت چین با اجرای برنامه‌های مختلف، از جمله برنامه‌های کاهش فقر هدفمند، به دنبال شناسایی و رفع نیازهای خاص گروه‌های آسیب‌پذیر بوده است. این برنامه‌ها شامل ارائه آموزش‌های حرفه‌ای، تسهیلات مالی و حمایت‌های اجتماعی برای افرادی است که در مناطق فقیر زندگی می‌کنند. به عنوان مثال، در سال ۱۹۹۴، دولت چین برنامه‌ای^{۲۶۱} برای کاهش فقر آغاز کرد که هدف آن تأمین نیازهای اساسی ۸۰ میلیون نفر در مناطق فقیر بود.

دولت همچنین با تقویت زیرساخت‌ها و توسعه اقتصادی در مناطق روستایی، به کاهش فقر کمک کرده است. سرمایه‌گذاری در پروژه‌های زیرساختی مانند جاده‌ها، پل‌ها و تأسیسات عمومی باعث بهبود دسترسی به بازارها و منابع اقتصادی شده و به افزایش درآمد ساکنان این مناطق کمک کرده است. این اقدامات نه تنها به ایجاد مشاغل جدید منجر شده بلکه به رشد اقتصادی پایدار در مناطق کمتر توسعه‌یافته نیز کمک کرده است. با توجه به اینکه بسیاری از افراد فقیر در مناطق روستایی زندگی می‌کنند، این رویکرد به طور خاص بر روی آن‌ها تمرکز دارد. علاوه بر این، حمایت از کارآفرینی محلی نیز یکی دیگر از جنبه‌های کلیدی در کاهش فقر و تقسیمات طبقاتی بوده است. دولت چین با ارائه تسهیلات مالی و مشاوره به کارآفرینان محلی، سعی کرده است تا زمینه‌های لازم برای راه‌اندازی کسب‌وکارهای کوچک را فراهم کند. این سیاست‌ها به ویژه در شرایطی که بیکاری و فقر بالا است، می‌تواند به ایجاد مشاغل پایدار و افزایش درآمد خانواده‌ها کمک کند. با تشویق جوانان به راه‌اندازی کسب‌وکارهای خودشان، دولت تلاش کرده است تا حس مسئولیت اجتماعی و مشارکت را در میان قشرهای پایین جامعه تقویت کند.

۲۶۱ - در سال ۱۹۹۴، دولت چین برنامه کاهش فقر هفت‌ساله را راه‌اندازی کرد که هدف آن ریشه‌کنی فقر از میان ۸۰ میلیون نفر ساکن در مناطق روستایی تا سال ۲۰۰۰ بود. این برنامه به عنوان یک تلاش ملی مهم با اهداف و معیارهای مشخص طراحی شده بود تا به نیازهای جمعیت‌های فقیر پاسخ دهد. این ابتکار بر ارائه حمایت‌های اساسی مانند غذا، پوشاک و خدمات بهداشتی تمرکز داشت و همچنین توسعه اقتصادی را از طریق سرمایه‌گذاری‌های هدفمند در زیرساخت‌ها و صنایع محلی ترویج می‌کرد. بودجه‌های ویژه‌ای برای کاهش فقر اختصاص داده شد که شامل حمایت‌های مالی، برنامه‌های کار در ازای غذا و وام‌های با بهره پایین برای تحریک رشد اقتصادی در مناطق مشخص شده بود. اجرای این برنامه شامل یک رویکرد چندوجهی بود که ترکیبی از امداد فوری و استراتژی‌های توسعه بلندمدت را در بر می‌گرفت. اقدامات کلیدی شامل افزایش بهره‌وری کشاورزی از طریق بهبود تکنیک‌ها و منابع، تأسیس تعاونی‌ها برای توانمندسازی کشاورزان و توسعه صنایع محلی برای افزایش فرصت‌های شغلی بود. تا پایان برنامه در سال ۲۰۰۰، پیشرفت قابل توجهی حاصل شد و تعداد افراد فقیر در مناطق روستایی به طور چشمگیری کاهش یافت. موفقیت این ابتکار زمینه‌ساز تلاش‌های بعدی برای کاهش فقر در چین شد و تعهد دولت به بهبود شرایط زندگی آسیب‌پذیرترین جمعیت‌ها را نشان داد. منبع:

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

توجه به آموزش و پرورش نیز نقش مهمی در کاهش فقر و تقسیمات طبقاتی ایفا کرده است. دولت چین با سرمایه‌گذاری در نظام آموزشی و فراهم کردن دسترسی به آموزش با کیفیت برای همه اقشار جامعه، سعی دارد تا فرصت‌های شغلی بیشتری را برای افراد کم‌درآمد فراهم کند. برنامه‌هایی مانند ارائه بورس‌های تحصیلی برای دانش‌آموزان مستعد از خانواده‌های کم‌درآمد نمونه‌هایی از این تلاش‌ها هستند. این اقدامات نه تنها به ارتقاء سطح تحصیلات کمک می‌کند بلکه فرصت‌های شغلی بیشتری را نیز برای آن‌ها ایجاد می‌نماید. به طور کلی، تلاش‌های انجام شده تحت نظریه سه نمایندگی جیانگ زمین نشان‌دهنده تعهد دولت چین به کاهش فقر و تقسیمات طبقاتی و ارتقاء وضعیت زندگی اکثریت مردم است.^{۲۴۲}

۲. تقویت حمایت از کشاورزان و روستاییان:

اجرای نظریه سه نمایندگی جیانگ زمین تأثیرات قابل توجهی بر تقویت حمایت از کشاورزان و روستاییان در چین داشته است. یکی از جنبه‌های اصلی این حمایت، اجرای طرح‌های اصلاحات اراضی بوده است که هدف آن بهبود شرایط زندگی کشاورزان و افزایش بهره‌وری کشاورزی است. دولت چین با اصلاح مالکیت زمین و اعطای حقوق بیشتر به کشاورزان، سعی کرده است تا به آن‌ها انگیزه بیشتری برای تولید و سرمایه‌گذاری در زمین‌های خود بدهد. این اصلاحات به کشاورزان این امکان را می‌دهد که از درآمد حاصل از زمین‌های خود بهره‌مند شوند و بهبود شرایط اقتصادی خود را تجربه کنند.

علاوه بر این، توسعه سیاست‌های حمایتی برای کشاورزان نیز نقش مهمی در تقویت حمایت از آن‌ها ایفا کرده است. دولت با ارائه یارانه‌ها، تسهیلات مالی و آموزش‌های فنی به کشاورزان، سعی دارد تا به آن‌ها کمک کند تا محصولات خود را بهبود بخشند و در بازارهای محلی و جهانی رقابت کنند. برنامه‌هایی مانند یارانه‌های خرید بذر و کود و همچنین تأمین مالی برای خرید تجهیزات مدرن کشاورزی، به افزایش تولید و کیفیت محصولات کمک کرده است. این اقدامات نه تنها به افزایش درآمد کشاورزان کمک می‌کند بلکه به تأمین امنیت غذایی کشور نیز می‌انجامد.

همچنین، تقویت زیرساخت‌های روستایی نیز یکی دیگر از جنبه‌های کلیدی در حمایت از کشاورزان محسوب می‌شود. دولت چین با سرمایه‌گذاری در پروژه‌های زیرساختی مانند جاده‌ها، سیستم‌های آبیاری و تأسیسات عمومی، سعی کرده است تا دسترسی کشاورزان به بازارها و منابع را تسهیل کند. این سرمایه‌گذاری‌ها باعث می‌شود که کشاورزان بتوانند محصولات خود را سریع‌تر و با هزینه کمتری به بازار عرضه کنند، که در نهایت به افزایش درآمد آن‌ها منجر می‌شود.

توجه به آموزش و پرورش نیز نقش مهمی در تقویت حمایت از کشاورزان دارد. دولت با سرمایه‌گذاری در برنامه‌های آموزشی برای کشاورزان، سعی دارد تا مهارت‌ها و دانش آن‌ها را در زمینه‌های مختلف کشاورزی افزایش دهد. این آموزش‌ها شامل تکنیک‌های نوین کشت، مدیریت منابع آب و بازاریابی محصولات است که به کشاورزان

^{۲۴۲}<https://www.scirp.org/journal/paperinformation?paperid=۱۱۷۷۷۵> & http://sy.china-embassy.gov.cn/eng/xwfb/202104/t20210420_8922554.htm & <https://www.jstor.org/stable/4413399>

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

کمک می‌کند تا بهره‌وری خود را افزایش دهند و درآمد بیشتری کسب کنند. به طور کلی، تلاش‌های انجام شده تحت نظریه سه نمایندگی جیانگ زمین نشان‌دهنده تعهد دولت چین به تقویت حمایت از کشاورزان و روستاییان و ارتقاء وضعیت زندگی آن‌ها است.^{۲۴۳}

۳. ایجاد سیستم‌های رفاهی و اجتماعی:

اجرای نظریه سه نمایندگی جیانگ زمین تأثیرات قابل توجهی بر ایجاد سیستم‌های رفاهی و اجتماعی در چین داشته است. یکی از جنبه‌های اصلی این نظریه، تأکید بر بهبود شرایط زندگی مردم و ارتقاء سطح رفاه اجتماعی از طریق توسعه سیستم‌های بهداشتی، آموزشی و تأمین اجتماعی بوده است. دولت چین با سرمایه‌گذاری در این حوزه‌ها، سعی کرده است تا دسترسی به خدمات پایه‌ای را برای همه اقشار جامعه فراهم کند. به عنوان مثال، برنامه‌هایی برای گسترش بیمه درمانی همگانی و بهبود زیرساخت‌های بهداشتی در مناطق روستایی اجرا شده است که هدف آن کاهش هزینه‌های درمانی و افزایش کیفیت خدمات بهداشتی برای افراد کم‌درآمد است. علاوه بر این، توسعه نظام آموزشی یکی دیگر از اقدامات کلیدی در راستای تقویت رفاه اجتماعی بوده است. دولت با افزایش بودجه‌های آموزشی و تأسیس مدارس جدید در مناطق کم‌برخوردار، سعی دارد تا دسترسی به آموزش با کیفیت را برای همه فراهم کند. این تلاش‌ها شامل ارائه بورس‌های تحصیلی برای دانش‌آموزان مستعد از خانواده‌های کم‌درآمد و همچنین برنامه‌های آموزشی برای معلمان می‌شود. با ارتقاء سطح تحصیلات، دولت امیدوار است که فرصت‌های شغلی بیشتری برای جوانان ایجاد کند و از این طریق به کاهش فقر و نابرابری کمک نماید.

تقویت سیستم‌های تأمین اجتماعی نیز نقش مهمی در ارتقاء رفاه اجتماعی ایفا کرده است. دولت چین با ایجاد برنامه‌هایی مانند بیمه بازنشستگی و تأمین اجتماعی برای کارگران و کشاورزان، سعی دارد تا امنیت اقتصادی را برای اقشار آسیب‌پذیر فراهم کند. این برنامه‌ها شامل پرداخت مستمری به بازنشستگان و حمایت مالی از خانواده‌های کم‌درآمد در مواقع بحران اقتصادی می‌شود. با این اقدامات، دولت تلاش می‌کند تا حس امنیت اجتماعی را در میان مردم تقویت کرده و بهبود شرایط زندگی آن‌ها را تسهیل کند.

در نهایت، **توجه به مشارکت اجتماعی** نیز یکی از جنبه‌های کلیدی در ایجاد سیستم‌های رفاهی و اجتماعی است. دولت با برگزاری جلسات مشورتی و نظرسنجی‌ها از مردم، سعی دارد تا نظرات و نیازهای آن‌ها را در فرآیند تصمیم‌گیری‌ها لحاظ کند. این رویکرد نه تنها به تقویت حس مشارکت اجتماعی کمک می‌کند بلکه باعث می‌شود که سیاست‌ها و برنامه‌ها بهتر با نیازهای واقعی مردم همخوانی داشته باشند. به طور کلی، تلاش‌های انجام شده تحت نظریه سه نمایندگی جیانگ زمین نشان‌دهنده تعهد دولت چین به ایجاد سیستم‌های رفاهی مؤثر و ارتقاء کیفیت زندگی برای اکثریت مردم است.^{۲۴۴}

^{۲۴۳} <https://chineseposters.net/themes/jiangzemin-theory> & <https://en.theorychina.org.cn/c/2021-05-04/1393245.shtml> & <https://www.rieti.go.jp/en/china/02082301.html>

^{۲۴۴} <https://chineseposters.net/themes/jiangzemin-theory> & <https://en.theorychina.org.cn/c/2021-05-04/1393245.shtml> & <https://www.rieti.go.jp/en/china/02082301.html>

۴. حضور بیشتر در سیاست‌های محلی:

اجرای نظریه سه نمایندگی جیانگ زمین تأثیرات قابل توجهی بر افزایش مشارکت در سیاست‌های محلی در چین داشته است. یکی از جنبه‌های کلیدی این نظریه، تأکید بر نمایندگی منافع اکثریت مردم و تشویق به مشارکت فعال آن‌ها در فرآیندهای سیاسی است. با توجه به این نظریه، دولت چین تلاش کرده است تا کانال‌های بیشتری برای مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌های محلی ایجاد کند. این اقدام شامل برگزاری انتخابات محلی و فراهم کردن فرصت‌هایی برای مردم جهت ابراز نظرات و پیشنهادات خود در زمینه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی است. این نوع مشارکت نه تنها به تقویت حس تعلق اجتماعی کمک می‌کند بلکه به افزایش شفافیت و پاسخگویی در مدیریت محلی نیز منجر می‌شود.

علاوه بر این، تقویت ساختارهای محلی نیز یکی دیگر از جنبه‌های مهم در افزایش مشارکت سیاسی است. دولت با حمایت از نهادهای محلی و تشویق به تشکیل شوراهای محلی، سعی کرده است تا قدرت تصمیم‌گیری را به سطوح پایین‌تر منتقل کند. این شوراها به نمایندگان محلی این امکان را می‌دهند که نیازها و خواسته‌های جامعه خود را بهتر شناسایی کرده و در فرآیند تصمیم‌گیری‌ها مؤثر باشند. با این رویکرد، مردم احساس می‌کنند که صدای آن‌ها شنیده می‌شود و می‌توانند به طور مستقیم بر روی مسائل مربوط به زندگی روزمره خود تأثیر بگذارند. آموزش و آگاهی بخشی نیز نقش مهمی در افزایش مشارکت سیاسی ایفا کرده است. دولت چین با اجرای برنامه‌های آموزشی برای آشنا کردن مردم با حقوق و وظایف خود در سیستم سیاسی، سعی کرده است تا سطح آگاهی عمومی را افزایش دهد. این برنامه‌ها شامل کارگاه‌ها، سمینارها و دوره‌های آموزشی است که هدف آن ارتقاء فهم مردم از فرآیندهای سیاسی و توانمندسازی آن‌ها برای مشارکت فعال‌تر در سیاست‌های محلی می‌باشد. با افزایش آگاهی، مردم بیشتر تمایل دارند تا در انتخابات محلی شرکت کنند و نظرات خود را بیان کنند.

توجه به نیازهای جامعه نیز یکی از جنبه‌های کلیدی در افزایش مشارکت سیاسی است. دولت با توجه به نظرات مردم در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های محلی، سعی دارد تا نیازها و خواسته‌های واقعی جامعه را مد نظر قرار دهد. این رویکرد نه تنها به تقویت حس تعلق اجتماعی کمک می‌کند بلکه باعث می‌شود که سیاست‌ها و برنامه‌ها بهتر با واقعیت‌های زندگی مردم همخوانی داشته باشند. به طور کلی، تلاش‌های انجام شده تحت نظریه سه نمایندگی جیانگ زمین نشان‌دهنده تعهد دولت چین به افزایش مشارکت مردم در سیاست‌های محلی و تقویت دموکراسی در سطوح پایین‌تر است.^{۲۶۵}

هو جین تائو

نگاهی به زندگی ششمین رئیس جمهور چین

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

اوایل زندگی و خانواده: هو جینتائو در ۲۱ دسامبر ۱۹۴۲ در شهرستان تای، استان جیانگسو، چین به دنیا آمد. او در یک خانواده با شرایط اقتصادی متوسط به دنیا آمد. پدرش، هو جینگجو، یک بازرگان چای کوچک بود و مادرش، وانگ ژینگفان، معلمی بود که زمانی که هو جوان بود، درگذشت. این فقدان زودرس تأثیر زیادی بر او گذاشت و او را وادار کرد تا از سن جوانی مسئولیت‌های بیشتری به عهده بگیرد. هو توسط یک عمه بزرگ شد و این تجربه او را به یک فرد مستقل و خودکفا تبدیل کرد. او در مدرسه ابتدایی و متوسطه در زادگاهش تحصیل کرد و از همان اوایل نشان داد که یک دانش‌آموز ممتاز است.

اوایل کار سیاسی: کار سیاسی هو در دوران انقلاب فرهنگی آغاز شد، زمانی که به عنوان کارگر ساختمانی در استان گانسو کار می‌کرد. این دوره برای او بسیار مهم بود زیرا او را با سونگ پینگ، یک چهره قدرتمند در حزب کمونیست، آشنا کرد. سونگ پینگ به عنوان یک مربی و حامی برای هو عمل کرد و به او کمک کرد تا در حزب کمونیست چین به بالا برود. هو در سال ۱۹۶۴ به حزب کمونیست پیوست و به دلیل شایستگی و تعهدش به زودی توجهات را به خود جلب کرد. او در پروژه‌های مهندسی و توسعه اقتصادی در گانسو و بعداً در تبت کار کرد و در این مدت، تجربه‌ای ارزشمند در مدیریت پروژه و حل مشکلات پیچیده به دست آورد.

اصلاحات اقتصادی و رهبری: هو جینتائو در سال ۲۰۰۲ به عنوان دبیرکل حزب کمونیست چین و در سال ۲۰۰۳ به عنوان رئیس جمهور چین انتخاب شد. در دوران رهبری او، تمرکز بر رشد اقتصادی و حل نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی بود. او "نظریه علمی توسعه" را معرفی کرد که هدف آن ایجاد یک "جامعه سوسیالیستی هماهنگ" از طریق کاهش فقر و نابرابری‌های درآمدی بود. این نظریه بر توسعه پایدار، عدالت اجتماعی و بهبود شرایط زندگی مردم تأکید داشت. دولت او یارانه‌های بهداشت و درمان و آموزش را افزایش داد، خصوصی‌سازی را متوقف کرد و شرکت‌های دولتی را بر رقبای بخش خصوصی ترجیح داد. او همچنین تلاش کرد تا توسعه اقتصادی را با حفظ استقلال و حاکمیت ملی چین توازن کند.

چالش‌ها: رهبری هو با چالش‌های متعددی مواجه بود، از جمله اعتراضات اقلیت‌های قومی و ناآرامی‌های اجتماعی. او در سال ۱۹۸۹ برای سرکوب ناآرامی‌ها در تبت قانون نظامی را اعلام کرد، تصمیمی که به دلیل شدت آن مورد انتقاد قرار گرفت. این اقدام نشان‌دهنده رویکرد او به حفظ یکپارچگی و ثبات در چین بود، اگرچه با واکنش‌های منفی داخلی و بین‌المللی مواجه شد. دولت او همچنین به دلیل رویکرد محافظه‌کارانه‌اش به اصلاحات سیاسی و سرکوب مخالفان مورد انتقاد قرار گرفت. هو به حفظ کنترل حزب بر جامعه و جلوگیری از هر گونه تغییر سیاسی و ناپایدار تأکید داشت، اما این رویکرد به انتقاد از عدم پیشرفت در زمینه آزادی‌های مدنی و سیاسی منجر شد.

سیاست خارجی: در سیاست خارجی، هو از "رشد صلح‌آمیز" چین حمایت کرد و بر قدرت نرم و دیپلماسی تأکید کرد. او تلاش کرد تا تصویر چین را به عنوان یک قدرت جهانی مسئول و همکاری‌جو بهبود بخشد. در دوران رهبری او، تأثیر چین در آفریقا، آمریکای لاتین و مناطق در حال توسعه دیگر گسترش یافت. او به توسعه همکاری‌های اقتصادی و تجاری با این مناطق پرداخت و تلاش کرد تا از طریق دیپلماسی و همکاری‌های چندجانبه،

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

نفوذ چین را افزایش دهد. هو همچنین به حفظ روابط خوب با قدرت‌های بزرگ مانند ایالات متحده و اتحادیه اروپا اهمیت داد و تلاش کرد تا از طریق مذاکره و همکاری، منافع چین را در صحنه بین‌المللی حفظ کند.

سال‌های پایانی: هو جینتائو در سال ۲۰۱۲ از همه سمت‌های خود استعفا داد و رهبری را به شی جین‌پینگ واگذار کرد. استعفای داوطلبانه او به عنوان یک اقدام نادر در تاریخ سیاسی چین مورد تحسین قرار گرفت، زیرا نشان‌دهنده یک انتقال قدرت منظم و بدون درگیری بود. در سال‌های اخیر، هو کمتر در زندگی عمومی ظاهر شده است، اگرچه همچنان یک چهره مهم در صحنه سیاسی چین باقی مانده است. او به عنوان یک رهبر که تلاش کرد تا توسعه اقتصادی را با حفظ استقلال و حاکمیت ملی چین توازن کند، شناخته می‌شود. هو جینتائو به عنوان یک رهبر که به حفظ ثبات و یکپارچگی در چین تأکید داشت، اما با چالش‌های زیادی در زمینه نابرابری و آزادی‌های مدنی مواجه بود، در تاریخ چین به یادگار می‌ماند.

ج. چشم‌انداز علمی توسعه (هو جین‌تائو): توسعه پایدار و متوازن

تأکید بر کاهش نابرابری اقتصادی

نابرابری اقتصادی در چین قبل از اجرای رکن کاهش نابرابری اقتصادی توسط هو جین‌تائو

قبل از اجرای برنامه‌های کاهش نابرابری اقتصادی توسط هو جین‌تائو، چین با شکاف‌های وسیع اقتصادی بین مناطق شهری و روستایی مواجه بود. در دوران اصلاحات اقتصادی تحت رهبری دنگ ژیاوپینگ، چین توانست رشد اقتصادی چشمگیری داشته باشد، اما این رشد بیشتر در مناطق شهری و در میان طبقات بالای اجتماعی متمرکز شد. به‌ویژه، بخش‌های روستایی و کم‌درآمد از این پیشرفت‌های اقتصادی بهره‌مند نبودند و شکاف‌های اجتماعی و اقتصادی به شدت افزایش یافت.

در اوایل دهه ۲۰۰۰، چین با نابرابری‌های قابل توجهی در توزیع درآمد روبه‌رو بود. به‌عنوان مثال، درآمد سرانه در مناطق شهری به‌طور چشمگیری بالاتر از مناطق روستایی بود و در عین حال، مناطقی مانند شرق چین پیشرفت بیشتری نسبت به غرب چین داشتند.

مشخصه‌های رکن کاهش نابرابری اقتصادی هو جین‌تائو:

۱. تقویت توسعه متوازن مناطق

دولت هو جین‌تائو تأکید زیادی بر تقویت توسعه متوازن مناطق به عنوان یکی از جنبه‌های کلیدی کاهش نابرابری اقتصادی در چین داشت. یکی از استراتژی‌های اصلی او، اجرای سیاست‌های هدفمند برای رسیدگی به نابرابری‌ها بین مناطق شهری و روستایی و همچنین میان مناطق مختلف بود. هو بر افزایش سرمایه‌گذاری در مناطق کمتر توسعه‌یافته تأکید کرد و به توسعه زیرساخت‌ها و بهبود دسترسی به خدمات اساسی مانند آموزش و بهداشت پرداخت. این رویکرد هدفش ایجاد توزیع عادلانه‌تر منابع و فرصت‌ها بود تا همه مناطق بتوانند در رشد اقتصادی چین مشارکت کرده و از آن بهره‌مند شوند.

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

یکی از عناصر کلیدی برنامه هُو جین تائو، ایجاد استراتژی‌های توسعه منطقه‌ای بود که بر همکاری بین مناطق اقتصادی پیشرفته و کمتر توسعه‌یافته تأکید می‌کرد. با تشویق به مشارکت‌ها، تبادل دانش و تخصیص منابع، دولت سعی داشت تا فعالیت‌های اقتصادی را در مناطق عقب‌مانده تحریک کند. برنامه‌هایی برای حمایت از صنایع محلی و کشاورزی آغاز شد که شامل ارائه آموزش و کمک‌های مالی برای افزایش بهره‌وری و ایجاد مشاغل بود. این اقدامات نه تنها به ارتقاء سطح زندگی در مناطق فقیر کمک کرد بلکه به ثبات اقتصادی ملی نیز با تنوع بخشی به اقتصادهای منطقه‌ای کمک کرد.

علاوه بر ابتکارات اقتصادی، هُو بر اهمیت توسعه اجتماعی در دستیابی به رشد متوازن منطقه‌ای تأکید داشت. دولت سیاست‌هایی را برای بهبود دسترسی و کیفیت آموزش در تمام مناطق، به ویژه در مناطق روستایی که منابع آموزشی کمیاب بودند، اجرا کرد. با سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی از طریق آموزش و آموزش‌های حرفه‌ای، دولت سعی داشت تا افراد را با مهارت‌های لازم برای مشارکت در اقتصاد مدرن توانمند کند. این تمرکز بر آموزش به عنوان یک استراتژی بلندمدت برای کاهش نابرابری و ترویج توسعه پایدار دیده می‌شد.

در نهایت، تعهد هُو جین تائو به توسعه متوازن منطقه‌ای شامل پایداری محیط زیستی نیز بود. با توجه به اینکه رشد اقتصادی نباید به قیمت سلامت اکولوژیکی تمام شود، سیاست‌هایی برای ترویج شیوه‌های پایدار در کشاورزی و صنعت معرفی شد. تلاش‌هایی برای حفاظت از منابع طبیعی در کنار تشویق فناوری‌های سبز و منابع انرژی تجدیدپذیر انجام شد. با ادغام ملاحظات محیط زیستی در برنامه‌های توسعه منطقه‌ای، هُو سعی داشت تا اطمینان حاصل کند که همه مناطق بتوانند بدون آسیب رساندن به سلامت اکولوژیکی خود، از نظر اقتصادی شکوفا شوند. این رویکرد جامع نه تنها نابرابری‌های اقتصادی فوری را مورد توجه قرار داد بلکه زمینه‌ساز آینده‌ای پایدارتر برای همه مناطق چین شد.^{۲۶۷}

۲. توسعه کشاورزی و روستاها

• دولت هُو جین تائو بر توسعه کشاورزی و مناطق روستایی به عنوان یکی از ارکان اساسی کاهش نابرابری اقتصادی در چین تأکید داشت. یکی از برنامه‌های کلیدی که در دوران رهبری او آغاز شد، برنامه ۱۰ ساله

کشاورزی^{۲۶۷}

^{۲۶۷}https://www.mfa.gov.cn/mfa_eng/xw/zyjh/202405/t20240530_11339872.html &
https://www.mfa.gov.cn/eng/wjb/zzjg_663340/gjs_665170/gjsxw_665172/202406/t20240606_11401216.html &
<https://d-nb.info/997375965/34>

۲۶۷ - برنامه ۱۰ ساله کشاورزی چین، که به‌ویژه در اسناد سیاستی اخیر مورد توجه قرار گرفته است، بر افزایش امنیت غذایی، افزایش بهره‌وری کشاورزی و ترویج شیوه‌های پایدار تأکید دارد. این برنامه چندین هدف و ابتکار کلیدی را برای تحول در چشم‌انداز کشاورزی کشور تعیین کرده است.

اهداف و ابتکارات کلیدی

۱. امنیت غذایی: یکی از اهداف اصلی، تضمین امنیت غذایی از طریق افزایش تولید محصولات اساسی است. هدف این برنامه دستیابی به تولید سالانه غلات به میزان ۶۵۰ میلیون تن متریک و تثبیت مساحت کشت غلات در حدود ۱۱۸ میلیون هکتار است. این شامل تمرکز خاص بر بهبود عملکرد ذرت از طریق تکنیک‌های پیشرفته کشاورزی و احتمالاً معرفی محصولات مهندسی ژنتیک شده می‌باشد.

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

بود که هدف آن افزایش بهره‌وری کشاورزی و بهبود سطح زندگی کشاورزان بود. این برنامه بر افزایش سرمایه‌گذاری در فناوری‌های کشاورزی، مدرن‌سازی شیوه‌های کشت و ترویج روش‌های کشاورزی پایدار تمرکز داشت. با اولویت دادن به مدرن‌سازی کشاورزی، دولت سعی داشت تا امنیت غذایی را تأمین کرده و همزمان درآمد کشاورزان را افزایش دهد و بدین ترتیب به برخی از مشکلات اساسی جوامع روستایی رسیدگی کند.

یکی دیگر از جنبه‌های مهم استراتژی توسعه روستایی هو جین تائو، ترویج مسائل سه‌گانه روستایی (سان نونگ) بود که شامل کشاورزی، مناطق روستایی و کشاورزان می‌شد. این رویکرد جامع به دنبال حل نابرابری‌ها بین اقتصادهای شهری و روستایی از طریق بهبود زیرساخت‌ها در مناطق روستایی، افزایش دسترسی به آموزش و خدمات بهداشتی و ارائه حمایت‌های مالی به کشاورزان بود. دولت برنامه‌های مختلفی را اجرا کرد، از جمله یارانه‌های مستقیم برای تولید غلات و تأمین ملزومات کشاورزی، که هدف آن کاهش بار مالی بر دوش کشاورزان و تشویق به افزایش تولیدات کشاورزی بود. این اقدامات در ایجاد یک محیط اقتصادی عادلانه‌تر در سراسر کشور بسیار مؤثر بودند.

علاوه بر این، دولت هو بر سیاست‌های اصلاحات اراضی تأکید داشت که هدف آن تأمین حقوق زمین برای کشاورزان و بهبود شیوه‌های مدیریت زمین بود. با اعطای کنترل بیشتر به کشاورزان بر استفاده از زمین‌های خود،

۲. حمایت از کشاورزان: برنامه بر اهمیت حمایت از کشاورزان از طریق سیاست‌های مختلف تأکید دارد. این شامل حفظ قیمت‌های خرید حداقل برای محصولات کلیدی مانند گندم و ذرت، ارائه بیمه درآمد برای تولیدکنندگان برنج، گندم و ذرت و تشویق شهرستان‌های بزرگ تولید غلات است. این اقدامات به منظور اطمینان از اینکه کشاورزان می‌توانند از فعالیت‌های کشاورزی خود درآمد پایداری کسب کنند، طراحی شده‌اند.

۳. شیوه‌های پایدار: برنامه ترویج شیوه‌های پایدار کشاورزی را شامل می‌شود، از جمله توسعه تولید سویا و محصولات دانه‌های روغنی. این برنامه تشویق به پرورش محصول، به ویژه بین غلات و سویا، برای بهبود سلامت خاک و بهره‌وری را در نظر دارد. همچنین، تأکید بر افزایش بهره‌وری زمین‌های زراعی با اجرای اقداماتی که عملکرد در واحد سطح را افزایش می‌دهد، وجود دارد.

۴. دیجیتالی‌سازی در کشاورزی: "برنامه اقدام کشاورزی هوشمند" مکمل استراتژی کلی کشاورزی است که بر ادغام دیجیتال در شیوه‌های کشاورزی تمرکز دارد. هدف این است که تا سال ۲۰۲۸، نرخ ادغام دیجیتال در تولید کشاورزی به بیش از ۳۲٪ برسد. این شامل توسعه مزارع هوشمند مجهز به فناوری مدرن و ایجاد یک پلتفرم داده‌های کلان ملی برای کشاورزی است.

۵. سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها: سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی برای بهبود زیرساخت‌های کشاورزی، از جمله پروژه‌های حفاظت آب و سیستم‌های آبیاری بهتر برنامه‌ریزی شده است. این سرمایه‌گذاری‌ها برای حمایت از افزایش بهره‌وری و اطمینان از استفاده کارآمد از منابع حیاتی هستند.

۶. همکاری بین‌المللی: برنامه به اهمیت همکاری بین‌المللی در زمینه اشتراک فناوری، استانداردها و بهترین شیوه‌ها در کشاورزی اشاره دارد. این همکاری هدفش تقویت قابلیت‌های کشاورزی چین و ادغام آن‌ها در زنجیره تأمین جهانی است.

به طور کلی، برنامه ۱۰ ساله کشاورزی چین نشان‌دهنده یک رویکرد جامع برای مدرن‌سازی بخش کشاورزی این کشور در حالی که امنیت غذایی و توسعه روستایی را تضمین می‌کند، می‌باشد. با تمرکز بر شیوه‌های پایدار، پیشرفت‌های فناوری و سیستم‌های حمایتی قوی برای کشاورزان، چین قصد دارد تا کشاورزی خود را به یک بخش تولیدی و مقاوم تبدیل کند که قادر به پاسخگویی به نیازهای داخلی و چالش‌های جهانی باشد.

منبع:

https://apps.fas.usda.gov/newgainapi/api/Report/DownloadReportByFileName?fileName=Top+Ag+Policy+Document+Outlines+Key+Agricultural+and+Rural+Development+Priorities_Beijing_China+-+People's+Republic+of_CH0026-2023.pdf

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

از جمله امکان اجاره یا انتقال حقوق استفاده از زمین، دولت سعی داشت تا شیوه‌های کشاورزی کارآمدتری را ترویج کند و به کشاورزان اجازه دهد تا در عملیات کشاورزی بزرگ‌تر شرکت کنند. این اصلاحات به منظور افزایش بهره‌وری و قابلیت اقتصادی در مناطق روستایی طراحی شده بود.

تعهد هو جین تائو به توسعه روستایی شامل تأکید بر شیوه‌های پایدار و حفاظت از محیط زیست نیز بود. با توجه به اینکه توسعه کشاورزی نباید به قیمت سلامت اکولوژیکی تمام شود، سیاست‌هایی برای ترویج تکنیک‌های کشاورزی دوستدار محیط زیست و تلاش‌های حفاظتی معرفی شد. ادغام شیوه‌های پایدار در سیاست‌های کشاورزی هدفش اطمینان از پایداری بلندمدت جوامع روستایی در کنار رسیدگی به نگرانی‌های زیست‌محیطی بود. به طور کلی، تمرکز هو جین تائو بر توسعه کشاورزی و مناطق روستایی نقش حیاتی در کاهش نابرابری اقتصادی و بهبود کیفیت زندگی میلیون‌ها نفر در چین ایفا کرد.

۳. گسترش خدمات عمومی

دولت هو جین تائو بر توسعه کشاورزی و مناطق روستایی به عنوان یکی از ارکان اساسی کاهش نابرابری اقتصادی در چین تأکید داشت. یکی از برنامه‌های کلیدی که در دوران رهبری او آغاز شد، برنامه ۱۰ ساله کشاورزی بود^{۲۶۸} که هدف آن افزایش بهره‌وری کشاورزی و بهبود سطح زندگی کشاورزان بود. این برنامه بر

۲۶۸ - برنامه کاهش فقر چین در دوران هو جین تائو بر روی کاهش فقر، به‌ویژه در مناطق روستایی، تمرکز داشت و بخشی از دیدگاه کلی او برای ایجاد یک "جامعه هماهنگ" بود. این برنامه به دنبال رسیدگی به نابرابری‌های قابل توجه بین جمعیت‌های شهری و روستایی و بهبود شرایط زندگی افراد فقیر بود.

الف: اهداف برنامه

۱. از بین بردن فقر: یکی از اهداف اصلی، رهایی میلیون‌ها نفر از ساکنان روستایی از فقر بود. این برنامه اهداف مشخصی برای کاهش تعداد افراد فقیر تعیین کرده و بهبود شرایط زندگی کلی را هدف قرار داد.
۲. توسعه اقتصادی: این برنامه بر رشد اقتصادی در مناطق روستایی از طریق سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، آموزش و بهداشت تأکید داشت. این شامل ابتکاراتی برای توسعه صنایع محلی و ایجاد فرصت‌های شغلی بود.
۳. شبکه‌های ایمنی اجتماعی: ایجاد شبکه‌های ایمنی اجتماعی برای بهبود دسترسی به آموزش، بهداشت و مسکن برای جوامع فقیر بسیار مهم بود.
۴. کمک‌های هدفمند: این برنامه رویکردی هدفمند برای کاهش فقر اتخاذ کرد که شامل شناسایی خانوارهای خاص نیازمند و تنظیم برنامه‌های کمک متناسب با آن‌ها بود.

ب: نتایج برنامه

نتایج تلاش‌های هو جین تائو برای کاهش فقر قابل توجه بود:

۱. کاهش چشمگیر فقر: تا سال ۲۰۱۰، تعداد افراد فقیر روستایی به طرز چشمگیری کاهش یافت و از ۳۲ میلیون نفر به حدود ۱۰ میلیون نفر رسید که نشان‌دهنده بهبود قابل توجهی در شرایط زندگی بود.
۲. بهبود زیرساخت‌ها: پیشرفت‌های قابل توجهی در زیرساخت‌های روستایی، از جمله جاده‌های بهتر، دسترسی به آب تمیز و مراکز بهداشتی به وجود آمد.
۳. افزایش سطح درآمدها: درآمد خانوارها در مناطق فقیر به طور قابل توجهی افزایش یافت که این امر به تقویت قدرت خرید و ثبات اقتصادی کلی در این جوامع کمک کرد.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

افزایش سرمایه‌گذاری در فناوری‌های کشاورزی، مدرن‌سازی شیوه‌های کشت و ترویج روش‌های کشاورزی پایدار تمرکز داشت. با اولویت دادن به مدرن‌سازی کشاورزی، دولت سعی داشت تا امنیت غذایی را تأمین کرده و همزمان درآمد کشاورزان را افزایش دهد و بدین ترتیب به برخی از مشکلات اساسی جوامع روستایی رسیدگی کند.

یکی دیگر از جنبه‌های مهم استراتژی توسعه روستایی هو جین‌تائو، ترویج مسائل سه‌گانه روستایی (سان نونگ)^۹ بود که شامل کشاورزی، مناطق روستایی و کشاورزان می‌شد. این رویکرد جامع به دنبال حل نابرابری‌ها بین اقتصادهای شهری و روستایی از طریق بهبود زیرساخت‌ها در مناطق روستایی، افزایش دسترسی به آموزش و خدمات بهداشتی و ارائه حمایت‌های مالی به کشاورزان بود. دولت برنامه‌های مختلفی را اجرا کرد، از جمله یارانه‌های مستقیم برای تولید غلات و تأمین ملزومات کشاورزی، که هدف آن کاهش بار مالی بر دوش کشاورزان و تشویق به افزایش تولیدات کشاورزی بود. این اقدامات در ایجاد یک محیط اقتصادی عادلانه‌تر در سراسر کشور بسیار مؤثر بودند.

علاوه بر این، دولت هو بر سیاست‌های اصلاحات اراضی تأکید داشت که هدف آن تأمین حقوق زمین برای کشاورزان و بهبود شیوه‌های مدیریت زمین بود. با اعطای کنترل بیشتر به کشاورزان بر استفاده از زمین‌های خود، از جمله امکان اجاره یا انتقال حقوق استفاده از زمین، دولت سعی داشت تا شیوه‌های کشاورزی کارآمدتری را ترویج کند و به کشاورزان اجازه دهد تا در عملیات کشاورزی بزرگ‌تر شرکت کنند. این اصلاحات به منظور افزایش بهره‌وری و قابلیت اقتصادی در مناطق روستایی طراحی شده بود.

۴. پایه‌گذاری برای سیاست‌های آینده: موفقیت این ابتکارات زمینه را برای سیاست‌های بعدی تحت رهبری شی جین‌پینگ فراهم کرد که او نیز بر ادامه تأکید بر کاهش هدفمند فقر به عنوان اولویت ملی تأکید داشت. به طور کلی، برنامه کاهش فقر هو جین‌تائو نقطه عطفی در رویکرد چین به مقابله با فقر بود که با ترکیب توسعه اقتصادی و ابتکارات رفاه اجتماعی، هدف ایجاد یک جامعه عادلانه‌تر را دنبال می‌کرد.

۲۶۹ - مسائل سه‌گانه روستایی (سان نونگ) که در دوران ریاست‌جمهوری هو جین‌تائو مورد تأکید قرار گرفت، بر سه حوزه کلیدی تمرکز دارد: کشاورزی، مناطق روستایی و کشاورزان. این ابتکار به منظور رسیدگی به چالش‌های موجود در این بخش‌ها طراحی شده بود، به‌ویژه نیاز به مدرن‌سازی کشاورزی، بهبود سطح زندگی در مناطق روستایی و ارتقاء رفاه کشاورزان. این مفهوم در کنگره ملی مردم چین در سال ۲۰۰۶ به‌طور برجسته‌ای مطرح شد، جایی که نخست‌وزیر ون جیابائو بر ضرورت رسیدگی به این مسائل به عنوان بخشی از استراتژی توسعه گسترده‌تر چین تأکید کرد. دولت متوجه شد که اگرچه اصلاحات کشاورزی در ابتدا درآمد کشاورزان را افزایش داده بود، اما چالش‌های بعدی مانند کمبود زمین و افزایش هزینه‌های تولید منجر به کاهش رفاه روستایی شده است.

ترویج سان نونگ شامل چندین استراتژی کلیدی بود. برای کشاورزی، تلاش‌ها معطوف به صنعتی‌سازی، افزایش دسترسی بازار برای محصولات کشاورزی و تضمین امنیت غذایی بود. در زمینه مناطق روستایی، هدف دولت کاهش شکاف اقتصادی و فرهنگی بین جمعیت‌های شهری و روستایی بود که ناشی از سیستم ثبت خانوار بود. در نهایت، ابتکاراتی بر افزایش سطح درآمد کشاورزان، بهبود آموزش و مهارت‌های آن‌ها و حفاظت از حقوقشان متمرکز بود. این استراتژی‌های جامع بخشی از چشم‌انداز وسیع‌تر برای ساخت "جامعه روستایی جدید سوسیالیستی" بود که شامل سرمایه‌گذاری‌های قابل توجه در زیرساخت‌های روستایی و خدمات عمومی برای ارتقاء شرایط زندگی کشاورزان و ترویج توسعه پایدار روستایی می‌شد. منبع:

<https://www.nottingham.ac.uk/iaps/documents/cpi/briefings/briefing-۱۱-chinas-۱۱th-five-year-plan.pdf>

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

و در آخر، تعهد هو جین تائو به توسعه روستایی شامل تأکید بر شیوه‌های پایدار و حفاظت از محیط زیست نیز بود. با توجه به اینکه توسعه کشاورزی نباید به قیمت سلامت اکولوژیکی تمام شود، سیاست‌هایی برای ترویج تکنیک‌های کشاورزی دوستدار محیط زیست و تلاش‌های حفاظتی معرفی شد. ادغام شیوه‌های پایدار در سیاست‌های کشاورزی هدفش اطمینان از پایداری بلندمدت جوامع روستایی در کنار رسیدگی به نگرانی‌های زیست‌محیطی بود. به طور کلی، تمرکز هو جین تائو بر توسعه کشاورزی و مناطق روستایی نقش حیاتی در کاهش نابرابری اقتصادی و بهبود کیفیت زندگی میلیون‌ها نفر در چین ایفا کرد.

۴. پیشبرد عدالت اجتماعی

طرح کاهش فقر

دولت هو جین تائو بر ترویج عدالت اجتماعی به عنوان یکی از ارکان سیاست‌های اقتصادی خود تأکید زیادی داشت، به‌ویژه از طریق ابتکارانی که هدفشان کاهش نابرابری بود. یکی از برنامه‌های بارز در این زمینه، طرح کاهش فقر بود که به‌منظور خارج کردن میلیون‌ها نفر از فقر، به‌ویژه در مناطق روستایی، طراحی شده بود. این طرح بخشی از دیدگاه وسیع‌تر هو برای ایجاد "جامعه سوسیالیستی هماهنگ"^{۲۷۰} بود که هدف آن رسیدگی به نابرابری‌هایی بود که در نتیجه رشد سریع اقتصادی چین به وجود آمده بود. دولت استراتژی‌های هدفمند کاهش فقر را اجرا کرد که شامل حمایت مالی مستقیم، توسعه زیرساخت‌ها و برنامه‌هایی برای بهبود دسترسی به آموزش و بهداشت در مناطق فقیر بود. با تمرکز بر توسعه روستایی، هو تلاش کرد تا اطمینان حاصل کند که منافع اقتصادی به افرادی که در گذشته مورد بی‌توجهی قرار گرفته بودند، برسد.

۲۷۰ - ابعاد جامعه سوسیالیستی هماهنگ: هو جین تائو مفهوم "جامعه سوسیالیستی هماهنگ" را به عنوان یک هدف استراتژیک برای حزب کمونیست چین در سال ۲۰۰۴ معرفی کرد. این مفهوم به عنوان پاسخی به نارضایتی‌های اجتماعی رو به رشد و نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی که در دو دهه قبل از آن به وجود آمده بود، مطرح شد. هدف از این مفهوم ایجاد یک جامعه‌ای بود که در آن همه گروه‌ها و طبقات با همکاری یکدیگر کار کنند و تضادهای زیربنایی را حل کنند. این جامعه باید دموکراتیک، عادلانه و منصفانه باشد و همه عوامل مثبت را برای رسیدن به این هدف بسیج کند.

دموکراسی و قانون: یکی از ابعاد اصلی جامعه سوسیالیستی هماهنگ، تأکید بر دموکراسی و قانون است. در این جامعه، دموکراسی سوسیالیستی به طور کامل به کار گرفته می‌شود و سیاست‌های قانونی به اجرا درمی‌آیند. این امر شامل بسیج همه عناصر مثبت در جامعه برای بهبود ظرفیت ساختار این جامعه و افزایش توانمندی آن برای حل مشکلات اجتماعی است. همچنین، تأکید بر قانون‌گذاری و ایجاد یک نظام قانونی برای حمایت از توسعه خصوصی و راهنمایی آن از اصول مهم این جامعه است.

عدالت و برابری: عدالت و برابری از دیگر ابعاد مهم جامعه سوسیالیستی هماهنگ هستند. در این جامعه، منافع مختلف بخش‌های اجتماعی به طور مناسب هماهنگ می‌شوند و تضادهای اجتماعی به درستی حل می‌شوند. این امر شامل کاهش شکاف‌های درآمدی، رفع فقر و بهبود رفاه اجتماعی است. هو جین تائو بر این نکته تأکید داشت که توسعه پایدار و سریع اقتصادی تنها راه رسیدن به یک جامعه هماهنگ است و این امر مستلزم بهبود مداوم سطح زندگی مردم و کاهش نابرابری‌های اجتماعی است.

هماهنگی با طبیعت: هماهنگی با طبیعت نیز یکی از ابعاد مهم این جامعه است. در جامعه سوسیالیستی هماهنگ، تلاش برای حفظ تعادل بین توسعه اقتصادی و حفاظت از محیط زیست وجود دارد. این امر شامل بهبود شرایط زیست محیطی و کاهش تأثیرات منفی توسعه بر طبیعت است. هو جین تائو بر اهمیت پیشرفت اکولوژیکی و حفظ یکپارچگی محیطی تأکید داشت و این را به عنوان بخشی از تلاش برای ایجاد یک جامعه هماهنگ و پایدار در نظر گرفت.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

تعهد مالی: اگرچه اعداد دقیق هزینه‌های سالانه برای دوره هو جینتائو در نتایج جستجو مشخص نشده‌اند، اما می‌توان گفت که این برنامه‌ها بخشی از یک استراتژی گسترده‌تر برای توسعه پایدار و کاهش نابرابری بودند. در دوران بعد، تحت رهبری شی جین‌پینگ، دولت چین ۹۱ میلیارد یوان (حدود ۱۳ میلیارد دلار) به صندوق‌های کاهش فقر اختصاص داد. این رقم نشان‌دهنده میزان تعهد مالی در تلاش‌های کاهش فقر است و اگرچه به یک دوره بعد مربوط می‌شود، اما می‌تواند به عنوان یک مرجع برای درک میزان هزینه‌های احتمالی در دوران هو جینتائو نیز مورد استفاده قرار گیرد.

تأثیر و دستاوردها: برنامه‌های کاهش فقر در دوران هو جینتائو به بهبود قابل توجهی در مناطق روستایی کمک کرد. این تلاش‌ها میلیون‌ها نفر را از فقر خارج کردند و دسترسی به خدمات ضروری و فرصت‌های اقتصادی را بهبود بخشیدند. بهبود زیرساخت‌ها، مانند راه‌ها و ارتباطات، به افزایش دسترسی به بازارهای کار و خدمات ضروری کمک کرد. همچنین، بهبود سیستم‌های آموزشی و بهداشتی به افزایش سطح زندگی و کاهش نرخ مرگ و میر و بیماری‌ها منجر شد. این برنامه‌ها همچنین به کاهش نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی کمک کردند و پایه‌ای برای تلاش‌های آینده در دوران شی جین‌پینگ فراهم کردند که بر این دستاوردها بنا نهاده شد.

چالش‌ها و نتایج: برنامه‌های کاهش فقر با چالش‌های زیادی مواجه بودند، از جمله نیاز به بهبود زیرساخت‌ها و ایجاد فرصت‌های شغلی در مناطق روستایی. این برنامه‌ها همچنین به عنوان بخشی از تلاش‌های بزرگ‌تر برای رسیدن به یک جامعه سوسیالیستی هماهنگ بود که در آن همه گروه‌ها و طبقات با همکاری یکدیگر کار کنند و تضادهای زیربنایی را حل کنند. اگرچه این برنامه‌ها به طور کلی به عنوان یک گام مثبت در جهت کاهش فقر و نابرابری شناخته می‌شوند، اما همچنان چالش‌های زیادی در زمینه رسیدن به یکپارچگی کامل و پایدار در جامعه وجود داشت. این برنامه‌ها نشان‌دهنده تعهد دولت به کاهش فقر و بهبود شرایط زندگی مردم بودند و به عنوان یک پایه برای تلاش‌های آینده در نظر گرفته می‌شدند.

تقویت سیستم رفاه اجتماعی

یکی دیگر از جنبه‌های مهم ترویج عدالت اجتماعی توسط هو جین‌تائو، **تقویت سیستم رفاه اجتماعی** بود. در دوران رهبری او، تلاش‌های قابل توجهی برای گسترش دسترسی به خدمات بهداشتی و آموزشی صورت گرفت، زیرا این موارد حقوق بنیادی هستند که به تحقق برابری اجتماعی کمک می‌کنند. دولت با افزایش بودجه برای ابتکارات بهداشت عمومی و اصلاحات آموزشی، سعی کرد خدمات و فرصت‌های بهتری برای همه شهروندان فراهم کند. این شامل تلاش‌هایی برای بهبود کیفیت آموزش در مناطق روستایی و همچنین افزایش دسترسی و مقرون به صرفه بودن خدمات بهداشتی بود که به برخی از علل ریشه‌ای نابرابری‌ها رسیدگی می‌کرد. **تأسیس صندوق**

۲۷۱ - "برنامه کاهش فقر هو جینتائو":

https://www.eda.admin.ch/dam/countries/countries-content/china/en/20210608-Poverty-Reduction-China_EN.pdf

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

تأمین اجتماعی ملی برای فراهم کردن خدمات درمانی و بازنشستگی برای افراد غیر رسمی و مناطق روستایی یکی از اقدامات مهم پیشبرد عدالت اجتماعی هوچین تائوست.

در دوران رهبری هو جینتائو، تلاش‌های قابل توجهی برای تقویت نظام رفاه اجتماعی چین انجام شد که تمرکز آن بر گسترش دسترسی به خدمات بهداشتی و آموزشی بود. یکی از مهم‌ترین ابتکارات، بازآفرینی نظام پزشکی تعاونی روستایی بود که هدف آن ارائه پوشش بهداشتی به جمعیت‌های روستایی بود که تا حد زیادی از طرح‌های امنیتی اجتماعی شهری مستثنی شده بودند. دولت به طور قابل توجهی در ساخت زیرساخت‌های بهداشتی روستایی و گسترش پوشش بیمه‌ای سرمایه‌گذاری کرد تا اطمینان حاصل شود که افراد بیشتری به خدمات پزشکی دسترسی خواهند داشت. این امر برای حل نابرابری‌های بهداشتی بین مناطق شهری و روستایی بسیار مهم بود.

۲۷۲ - تأسیس صندوق ملی تأمین اجتماعی (NSSF) در چین گامی مهم در راستای ارائه خدمات تأمین اجتماعی، به ویژه برای کارگران غیررسمی و جمعیت‌های روستایی بود. در زیر به بررسی تشکیل و اهداف این صندوق پرداخته شده است:

زمینه و تأسیس

در آگوست ۲۰۰۰، کمیته مرکزی حزب کمونیست چین و شورای دولتی تصمیم به ایجاد صندوق ملی تأمین اجتماعی (NSSF) به همراه شورای ملی صندوق تأمین اجتماعی (NCSSF) گرفتند تا دارایی‌های آن را مدیریت کنند. این تصمیم بخشی از تلاش‌های گسترده‌تر برای مقابله با چالش‌های ناشی از افزایش سن جمعیت و اطمینان از دسترسی همگانی به خدمات تأمین اجتماعی، به ویژه برای کارگران غیررسمی و جمعیت‌های روستایی بود.

اهداف NSSF شامل موارد زیر است:

ارائه حمایت مالی: این صندوق به عنوان یک ذخیره مالی برای سیستم تأمین اجتماعی چین عمل می‌کند و اطمینان حاصل می‌کند که منابع کافی برای پرداخت مستمری‌ها و خدمات پزشکی موجود باشد.

پرداختن به اشتغال غیررسمی: بخش قابل توجهی از نیروی کار چین در اشتغال غیررسمی مشغول به کار است که معمولاً از مزایای سنتی تأمین اجتماعی بی‌بهره است. NSSF طراحی شده است تا پوشش را به این کارگران گسترش دهد و به آن‌ها کمک کند تا درآمد بازنشستگی و خدمات بهداشتی را تأمین کنند.

حمایت از مناطق روستایی: جمعیت‌های روستایی در چین معمولاً با چالش‌هایی در دسترسی به خدمات تأمین اجتماعی مواجه هستند. NSSF با هدف بهبود این وضعیت، منابعی را فراهم می‌کند که می‌تواند به برنامه‌های تأمین اجتماعی روستایی تخصیص یابد.

مدیریت و عملیات

شورای ملی صندوق تأمین اجتماعی (NCSSF) مسئول مدیریت دارایی‌های NSSF است که شامل نظارت بر سرمایه‌گذاری‌ها و اطمینان از استفاده مؤثر از منابع می‌شود. دارایی‌های این صندوق از منابع مختلفی تأمین می‌شود، از جمله: تخصیص‌ها از دولت مرکزی، انتقالات از شرکت‌های دولتی، درآمدهای سرمایه‌گذاری.

تا سال ۲۰۲۲، دارایی‌های NSSF تقریباً ۲,۵ تریلیون یوان (حدود ۳۶۱ میلیارد دلار) تخمین زده شده است که نقش مهمی در چشم‌انداز تأمین اجتماعی چین ایفا می‌کند.

تأثیر بر کارگران و مناطق روستایی

با ارائه حمایت مالی از طریق مستمری‌ها و خدمات پزشکی، NSSF به کاهش خطرات مرتبط با پیری و مسائل سلامتی برای کارگران غیررسمی و ساکنان مناطق روستایی کمک می‌کند. این ابتکار نه تنها رفاه فردی را افزایش می‌دهد بلکه به ثبات اقتصادی کلی نیز کمک می‌کند زیرا اطمینان حاصل می‌شود که همه شهروندان به خدمات اجتماعی اساسی دسترسی دارند. به طور خلاصه، تأسیس صندوق ملی تأمین اجتماعی نمایانگر تلاش مهم دولت چین برای افزایش پوشش تأمین اجتماعی برای جمعیت‌های آسیب‌پذیر، به ویژه کارگران غیررسمی و ساکنان مناطق روستایی است.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

علاوه بر این، تمرکز دیگر بر بهبود دسترسی به آموزش بود. دولت سیاست‌هایی را پیاده کرد تا اطمینان حاصل شود که همه کودکان، به ویژه در مناطق روستایی، به آموزش اجباری در مدارس ابتدایی و متوسطه اول دسترسی خواهند داشت. این شامل ابتکاراتی برای کاهش هزینه‌های مدرسه و ارائه یارانه برای دانش‌آموزان خانواده‌های کم درآمد بود. هدف ایجاد یک نظام آموزشی متعادل‌تر بود که به کاهش شکاف بین مناطق و گروه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی کمک کند. همچنین، اداره هو جینتائو بر گسترش پوشش امنیتی اجتماعی کار کرد تا افراد بیشتری را شامل شود. این امر شامل ایجاد یک نظام امنیتی اجتماعی پایه بود که به عنوان یک شبکه امنیتی برای جمعیت‌های آسیب‌پذیر، از جمله افراد مسن، معلول و بیکار، عمل کند. دولت هدف داشت تا فقر را کاهش دهد و اطمینان حاصل کند که همه شهروندان به خدمات و حمایت‌های اساسی دسترسی خواهند داشت.

تعهد مالی به این اصلاحات رفاهی قابل توجه بود. دولت چین منابع مالی قابل توجهی برای حمایت از این ابتکارات اختصاص داد. برای مثال، برنامه پنج‌ساله یازدهم، که به عنوان نقشه راهی برای توسعه اجتماعی و اقتصادی در دوران رهبری هو جینتائو عمل می‌کرد، شامل سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی در برنامه‌های رفاهی بود. اگرچه اعداد دقیق به یوان و معادل دلار در نتایج جستجو مشخص نشده‌اند، اما روشن است که این تلاش‌ها نیاز به منابع مالی قابل توجهی داشتند. سرمایه‌گذاری دولت در زیرساخت‌های بهداشتی و آموزشی، همچنین یارانه‌ها و برنامه‌های امنیتی اجتماعی، بخش مهمی از بودجه بود.

پیاده‌سازی این برنامه‌ها چندین اثر داشت. با گسترش دسترسی به خدمات بهداشتی و آموزشی، دولت توانست فقر و نابرابری را کاهش دهد. افراد بیشتری به خدمات ضروری دسترسی داشتند که به بهبود کیفیت زندگی و فرصت‌های اقتصادی آن‌ها کمک کرد. اصلاحات بهداشتی به بهبود نتایج بهداشتی در مناطق روستایی منجر شد. افراد بیشتری به خدمات پزشکی دسترسی داشتند که به کاهش نرخ مرگ و میر و بهبود کلی سلامت کمک کرد. همچنین، اصلاحات آموزشی به افزایش دسترسی به آموزش، به ویژه در مناطق روستایی، منجر شد. کودکان بیشتری توانستند به مدرسه بروند که به بهبود نرخ باسوادی و نتایج آموزشی کمک کرد. با این حال، علیرغم این بهبودها، رهبری هو-ون به دلیل عدم دستیابی به اصلاحات بنیادی‌تر مورد انتقاد قرار گرفت. برخی از منتقدان اشاره کردند که اگرچه بهبودهایی وجود داشت، اما نظام رفاهی کلی هنوز به نفع افراد نسبتاً ثروتمند بود و با موانع نهادی مواجه بود که کارایی اقتصادی و برابری بیشتری را محدود می‌کرد. با این حال، این تلاش‌ها نشان‌دهنده یک تغییر قابل توجه به سمت رویکردی حفاظت‌گرایانه‌تر در نظام رفاه اجتماعی چین بود.

به طور کلی، تلاش‌های هو جینتائو برای تقویت نظام رفاه اجتماعی بخشی مهم از استراتژی گسترده‌تر او برای ترویج عدالت اجتماعی و ایجاد یک جامعه هماهنگ‌تر بود. اگرچه چالش‌ها و انتقادهایی وجود داشت، اما این اصلاحات پایه‌ای برای بهبودهای آینده در نظام رفاه اجتماعی چین فراهم کردند.

اقدامات توزیع مجدد درآمد

همچنین، دولت هو جینتائو بر اقدامات توزیع مجدد درآمد نیز تمرکز داشت که بخشی از دستور کار عدالت اجتماعی او بود. دولت تلاش کرد تا سیاست‌هایی را اجرا کند که شکاف درآمدی بین جمعیت‌های شهری و روستایی و همچنین بین طبقات مختلف اجتماعی را کاهش دهد. این شامل افزایش حداقل دستمزدها، افزایش

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

یارانه‌ها برای خانواده‌های کم‌درآمد و ترویج شیوه‌های کار عادلانه بود. با پرداختن مستقیم به نابرابری‌های درآمدی، هو تلاش کرد تا جامعه‌ای عادلانه‌تر ایجاد کند که در آن همه افراد بتوانند از رشد اقتصادی چین بهره‌مند شوند. رویکرد هو شامل تقویت مشارکت سیاسی به عنوان ابزاری برای ارتقاء عدالت اجتماعی بود. مفهوم "دموکراسی اجتماعی" در دوران او معرفی شد که بر مشارکت‌های پایه‌ای و حکمرانی محلی تأکید داشت. این ابتکار شهروندان را تشویق می‌کرد تا در فرآیندهای تصمیم‌گیری که بر زندگی آن‌ها تأثیر می‌گذارد، مشارکت داشته باشند و بدین ترتیب حس مالکیت و مسئولیت را در جوامع تقویت کند. با ترویج مشارکت سیاسی بیشتر همراه با اصلاحات اقتصادی، هو تلاش کرد تا جامعه‌ای فراگیرتر ایجاد کند که در آن همه صداها شنیده شوند و در شکل‌دهی به آینده کشور ارزشمند باشند.^{۲۷۳}

در دوران رهبری هو جینتائو، دولت چین بر کاهش نابرابری درآمدی تمرکز کرد که بخشی از برنامه عدالت اجتماعی آن بود. یکی از اقدامات کلیدی، افزایش پرداخت‌های انتقالی و تشدید تنظیم درآمد از طریق مالیات بود. هو جینتائو در سخنرانی کلیدی خود در کنگره هفدهم حزب کمونیست چین، تأکید کرد که چین اصلاح نظام توزیع درآمد را عمیق‌تر خواهد کرد تا نابرابری رو به رشد درآمدی را کاهش دهد. او اظهار داشت که دولت تلاش‌های جدی برای افزایش درآمد گروه‌های کم‌درآمد، به طور تدریجی افزایش کمک‌های کاهش فقر و حداقل دستمزد، و ایجاد مکانیسم افزایش منظم دستمزد برای کارمندان شرکت‌ها را انجام خواهد داد.

برنامه‌های هو جینتائو همچنین شامل اقدامات برای گسترش فرصت‌های برابر و شکستن انحصارهای تجاری بود. دولت هدف داشت تا شرایطی را فراهم کند که شهروندان بیشتری به درآمد ملکی دسترسی داشته باشند و درآمد قانونی را محافظت کند. علاوه بر این، دولت به طور فعالانه‌ای تلاش کرد تا درآمدهای بیش از حد بالا را تنظیم و سودهای غیرقانونی را ممنوع کند. این اقدامات بخشی از تلاش برای ایجاد یک جامعه هماهنگ‌تر بود که در آن همه مردم از حقوق خود به آموزش، اشتغال، مراقبت‌های پزشکی و مسکن لذت ببرند.

در برنامه پنج‌ساله دوازدهم (۲۰۱۱-۲۰۱۵)، دولت چین یک چارچوب برای اقتصاد ارائه داد که شامل چندین اصلاحات برای کاهش نابرابری بود. این برنامه شامل افزایش حداقل دستمزد به حداقل ۴۰ درصد از میانگین حقوق، کاهش کنترل بر نرخ‌های وام و سپرده، و افزایش هزینه‌ها برای آموزش و مسکن قابل دسترسی بود. همچنین، شرکت‌های دولتی ملزم شدند که بخشی بیشتری از سود خود را به دولت بازگردانند تا به کاهش نابرابری کمک کنند. این اقدامات به طور نظری هدف داشتند تا نابرابری درآمدی را کاهش دهند، اما با مخالفت‌های قابل توجهی از شرکت‌های دولتی و دیگر بازیگران قدرتمند روبرو شدند که از هر طرح توزیع مجدد درآمد ضرر می‌کردند. پیاده‌سازی این برنامه‌ها چندین اثر داشت. اگرچه برخی از بهبودها وجود داشت، اما نظام کلی هنوز به نفع افراد نسبتاً ثروتمند بود و با موانع نهادی مواجه بود که کارایی اقتصادی و برابری بیشتری را محدود می‌کرد. با این حال، این تلاش‌ها نشان‌دهنده یک تغییر قابل توجه به سمت رویکردی حفاظت‌گرایانه‌تر در نظام رفاه اجتماعی چین

^{۲۷۳} <https://www.nottingham.ac.uk/iaps/documents/cpi/briefings/briefing-28-hu-jintao-road-map-party-congress-analysis.pdf> & <https://www.nottingham.ac.uk/iaps/documents/cpi/briefings/briefing-26-harmonious-society-and-harmonious-world.pdf> &

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

بود. در نهایت، برنامه نهایی شامل ۳۵ نکته برای عمق بخشی به اصلاح نظام توزیع درآمد بود، اما تنها توصیه مشخص آن افزایش سودهای پرداخت شده توسط شرکت های دولتی به دولت بود.^{۲۷۴}

تغییرات پس از اجرای طرح:

پس از اجرای این سیاست ها توسط هو جین تائو، نتایج قابل توجهی مشاهده شد:

۱. کاهش شکاف درآمدی بین مناطق شهری و روستایی:

دولت چین با توجه به طرح های حمایتی از مناطق روستایی و ایجاد مشاغل بیشتر در این مناطق، توانست از میزان فاصله درآمدی بین شهر و روستا بکاهد.

سیاست های هو جین تائو در راستای ترویج عدالت اجتماعی تأثیر قابل توجهی بر کاهش شکاف درآمدی بین مناطق شهری و روستایی در چین داشت. پیش از اجرای این سیاست ها، نابرابری درآمدی بسیار مشهود بود؛ در سال ۲۰۰۵، متوسط درآمد سالانه ساکنان شهری حدود ۱۳,۰۰۰ یوان (تقریباً ۱,۶۰۰ دلار) بود، در حالی که ساکنان روستایی تنها حدود ۴,۰۰۰ یوان (تقریباً ۵۰۰ دلار) درآمد داشتند. این وضعیت نسبت درآمد روستایی به شهری را به حدود ۳,۲۵:۱ می رساند که نشان دهنده شکاف اقتصادی قابل توجهی بود. تمرکز دولت بر عدالت اجتماعی شامل ابتکارات مختلفی مانند افزایش حداقل دستمزدها، تقویت برنامه های رفاه اجتماعی و ارائه حمایت های مالی مستقیم به مناطق فقیر روستایی بود.

پس از اصلاحات هو، شاهد بهبود قابل توجهی در درآمدهای روستایی بودیم. تا سال ۲۰۱۲، متوسط درآمد سالانه ساکنان شهری به حدود ۲۴,۰۰۰ یوان (تقریباً ۳,۸۰۰ دلار) افزایش یافت، در حالی که درآمدهای سالانه روستایی به حدود ۷,۲۰۰ یوان (تقریباً ۱,۱۰۰ دلار) رسید. این تغییر نسبت درآمد را به حدود یک به ۳,۳ کاهش داد که نشان دهنده پیشرفت در رسیدگی به نابرابری ها بود. سیاست های اجرایی در این دوره شامل برنامه های هدفمند کاهش فقر، یارانه های کشاورزی و سرمایه گذاری در زیرساخت های روستایی بود. این اقدامات نه تنها به افزایش بهره وری کشاورزی کمک کرد بلکه سطح زندگی در جوامع روستایی را نیز ارتقا داد. کاهش شکاف درآمدی همچنین تأثیرات گسترده تری بر ثبات اجتماعی و رشد اقتصادی داشت. با افزایش درآمدهای روستایی، هزینه های مصرفی در این مناطق نیز شروع به افزایش کرد و به توسعه اقتصادی کلی کمک کرد. تعهد دولت به تقویت رفاه اجتماعی و اطمینان از اینکه رشد اقتصادی به نفع همه اقشار جامعه باشد، حس شمولیت را در میان جمعیت های روستایی تقویت کرد. این تغییر برای حفظ هماهنگی اجتماعی و جلوگیری از ناآرامی های احتمالی ناشی از نابرابری گسترده بسیار مهم بود.

با وجود این پیشرفت های مثبت، چالش هایی نیز باقی ماند. اگرچه شکاف درآمدی کمی کاهش یافته بود، اما هنوز هم نسبت به استانداردهای بین المللی قابل توجه بود. ضریب جینی (معیاری برای اندازه گیری نابرابری درآمد) در سال ۲۰۱۲ همچنان بالا و حدود ۰,۴۷۴ باقی ماند که نشان دهنده نابرابری های جاری در میان

۲۷۴ - "تعهد هو جین تائو برای 'برگشت نابرابری رو به رشد درآمدی'" <http://www.chinatoday.com.cn/17ct/17e/1018/17e1815.htm>

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

جمعیت بود. بنابراین، هرچند سیاست‌های هو جین تائو گام‌هایی به سوی کاهش شکاف درآمدی برداشتند، اما تلاش‌های بیشتری برای تضمین پیشرفت پایدار و رشد عادلانه در تمام مناطق چین ضروری بود.^{۲۷۵}

۲. بهبود وضعیت اقتصادی در غرب چین:

سیاست‌های هو جین تائو به‌ویژه در غرب چین منجر به رشد اقتصادی در این مناطق شد. در طی دوره ریاست جمهوری وی، رشد اقتصادی در غرب چین به حدود ۱۰ درصد رسید که نسبت به رشد متوسط ۸ درصد در کل کشور بالاتر بود.

اجرای سیاست ترویج عدالت اجتماعی توسط هو جین تائو تأثیر قابل توجهی بر بهبود وضعیت اقتصادی در غرب چین داشت، منطقه‌ای که به طور تاریخی در توسعه عقب‌افتاده بود. پیش از این اصلاحات، در سال ۲۰۰۵، متوسط درآمد سالانه ساکنان استان‌های غربی حدود ۶,۰۰۰ یوان (تقریباً ۷۵۰ دلار) بود، در حالی که ساکنان شهری در این مناطق حدود ۱۰,۰۰۰ یوان (تقریباً ۱,۲۵۰ دلار) درآمد داشتند. این تفاوت چشمگیر چالش‌های اقتصادی را که جوامع روستایی در غرب چین با آن مواجه بودند، به وضوح نشان می‌داد. دولت هو به نیاز به مداخلات هدفمند برای رسیدگی به این نابرابری‌ها پی برد و برنامه‌های مختلفی را برای تحریک رشد اقتصادی و بهبود سطح زندگی معرفی کرد.

یکی از ابتکارات کلیدی، **استراتژی توسعه غرب** بود که هدف آن افزایش سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و ترویج توسعه صنعتی در این منطقه بود. تا سال ۲۰۱۲، پس از اجرای سیاست‌های عدالت اجتماعی، متوسط درآمد سالانه در استان‌های غربی به حدود ۱۲,۰۰۰ یوان (تقریباً ۱,۹۰۰ دلار) افزایش یافت، در حالی که درآمدهای شهری به حدود ۱۸,۰۰۰ یوان (حدود ۲,۸۰۰ دلار) رسید. این افزایش نشان‌دهنده تلاش‌های هماهنگ دولت برای بهبود فرصت‌های اقتصادی از طریق سرمایه‌گذاری در حمل و نقل، آموزش و بهداشت بود. این استراتژی همچنین شامل مشوق‌هایی برای کسب‌وکارها بود تا فعالیت‌های خود را در مناطق غربی راه‌اندازی کنند و بدین ترتیب شغل ایجاد کرده و کارآفرینی محلی را تقویت کنند.

بهبود شرایط اقتصادی همچنین تأثیرات گسترده‌تری بر ثبات اجتماعی و همبستگی داشت. با افزایش درآمدها، تغییرات قابل توجهی در سطح زندگی بسیاری از خانواده‌ها مشاهده شد. معرفی برنامه‌های رفاه اجتماعی اطمینان حاصل کرد که نیازهای اساسی برآورده می‌شود، از جمله دسترسی به خدمات بهداشتی و آموزشی. تا سال ۲۰۱۲، بسیاری از خانواده‌ها در غرب چین گزارش دادند که الگوهای مصرف آن‌ها بهتر شده است—شرایط مسکن بهبود یافته، دسترسی بهتر به غذا و پوشاک و خدمات عمومی ارتقا یافته است. این تغییرات به ایجاد حس رفاه اجتماعی و کاهش احساس حاشیه‌نشینی در میان ساکنان کمک کرد.

^{۲۷۵}<https://www.govinfo.gov/content/pkg/GOVPUB-Y3-PURL-gpo161004/pdf/GOVPUB-Y3-PURL-gpo161004.pdf> & <https://www.worldbank.org/content/dam/Worldbank/document/Poverty%20documents/Inequality-In-Focus-0813.pdf> & <http://www.chinatoday.com.cn/17ct/17e/1018/17e1815.htm>

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

با وجود این پیشرفت‌ها، چالش‌هایی نیز باقی ماند. اگرچه سطح درآمدها به طور قابل توجهی افزایش یافته بود، اما نابرابری‌ها بین مناطق شهری و روستایی همچنان وجود داشت. ضریب جینی برای نابرابری درآمدی در سال ۲۰۱۲ حدود ۰,۴۵ باقی ماند که نشان‌دهنده مشکلات جاری مربوط به توزیع ثروت بود. علاوه بر این، هرچند سیاست‌های هو گام‌هایی به سوی بهبود اقتصادی در غرب چین برداشتند، اما تلاش‌های مداوم برای تضمین توسعه پایدار و رشد عادلانه در تمام مناطق ضروری بود. تمرکز بر عدالت اجتماعی پایه‌ای برای ابتکارات آینده فراهم کرد که هدف آن کاهش بیشتر شکاف درآمدی و ارتقاء کیفیت کلی زندگی برای همه شهروندان بود.^{۲۷}

۳. **افزایش درآمد کشاورزان:** دولت چین از طریق برنامه‌هایی مانند "**طرح ۱۰ ساله کشاورزی**", درآمد کشاورزان را با حمایت از تولیدات کشاورزی و تخصیص اعتبار افزایش داد.

سیاست هو جین‌تائو در راستای ترویج عدالت اجتماعی تأثیر قابل توجهی بر افزایش درآمد کشاورزان در چین داشت و به نابرابری‌های اقتصادی دیرینه بین مناطق روستایی و شهری رسیدگی کرد. پیش از اجرای این سیاست‌ها، در سال ۲۰۰۵، متوسط درآمد سالانه کشاورزان حدود ۴,۰۰۰ یوان (تقریباً ۵۰۰ دلار) بود. این رقم به‌طور قابل توجهی با درآمد ساکنان شهری که به‌طور متوسط حدود ۱۳,۰۰۰ یوان (تقریباً ۱,۶۰۰ دلار) در سال درآمد داشتند، تفاوت داشت. این شکاف درآمدی بزرگ، نیاز فوری به اصلاحات برای بهبود معیشت جوامع روستایی و تضمین رشد اقتصادی عادلانه را نشان می‌داد.

طرح ۱۰ ساله کشاورزی

یکی از ابتکارات کلیدی در دوران هو، "**طرح ۱۰ ساله کشاورزی**" بود که هدف آن افزایش تولید کشاورزی از طریق مکانیزم‌های حمایتی مختلف بود. این طرح شامل افزایش سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های روستایی، دسترسی به اعتبار و یارانه‌های کشاورزی بود که به‌طور مستقیم به نفع کشاورزان بود. این برنامه شامل سرمایه‌گذاری مالی قابل توجهی بود. دولت چین منابع قابل توجهی را برای حمایت از توسعه روستایی، از جمله پروژه‌های زیرساختی و حمایت مالی از بخش کشاورزی، تخصیص داد. برای مثال، برنامه تحریک اقتصادی پس از بحران مالی جهانی شامل ۴ تریلیون یوان (حدود ۵۸۶ میلیارد دلار) سرمایه‌گذاری بود که بخش بزرگی از آن به مناطق روستایی اختصاص داده شد. این سرمایه‌گذاری برای بهبود شبکه‌های حمل و نقل که برای تولید و توزیع محصولات کشاورزی بسیار مهم هستند، در نظر گرفته شده بود.

تا سال ۲۰۱۲، پس از اجرای سیاست‌های عدالت اجتماعی، متوسط درآمد سالانه کشاورزان به حدود ۷,۲۰۰ یوان (تقریباً ۱,۱۰۰ دلار) افزایش یافت. این افزایش نشان‌دهنده بهبود قابل توجهی در وضعیت اقتصادی آن‌ها بود و تعهد دولت به رسیدگی به فقر روستایی و افزایش بهره‌وری کشاورزی را منعکس می‌کرد.

افزایش درآمد کشاورزان نه تنها به بهبود معیشت فردی کمک کرد بلکه به رشد اقتصادی و ثبات اجتماعی نیز کمک کرد. با افزایش درآمدها، قدرت خرید کشاورزان افزایش یافت و این منجر به بهبود الگوهای مصرف در جوامع روستایی شد. تمرکز دولت بر برنامه‌های رفاه اجتماعی اطمینان حاصل کرد که نیازهای اساسی برآورده

^{۲۷}https://en.wikipedia.org/wiki/Hu_Jintao & <https://www.nottingham.ac.uk/iaps/documents/cpi/briefings/briefing-28-hu-jintao-road-map-party-congress-analysis.pdf> & http://np.china-embassy.gov.cn/eng/Features/200711/t20071104_1579245.htm

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

می‌شود، از جمله دسترسی به خدمات بهداشتی و آموزشی. این رویکرد جامع نه تنها سطح زندگی را ارتقا داد بلکه حس رفاه اجتماعی را تقویت کرده و احساس حاشیه‌نشینی را در میان جمعیت‌های روستایی کاهش داد. با وجود این پیشرفت‌ها، چالش‌هایی نیز باقی ماند. هرچند درآمد کشاورزان به طور قابل توجهی افزایش یافته بود، اما نابرابری‌ها بین درآمدهای شهری و روستایی همچنان وجود داشت. تا سال ۲۰۱۲، ساکنان شهری حدود ۲۴,۰۰۰ یوان (تقریباً ۳,۸۰۰ دلار) در سال درآمد داشتند که نشان‌دهنده شکاف همچنان موجود است. ضریب جینی برای نابرابری درآمدی نیز در سال ۲۰۱۲ حدود ۰,۴۵ باقی ماند. بنابراین، هرچند سیاست‌های هو جین تائو گام‌های مهمی در راستای افزایش درآمد کشاورزان و ترویج عدالت اجتماعی برداشتند، اما تلاش‌های مداوم برای تضمین توسعه پایدار و توزیع عادلانه منابع در تمام مناطق چین ضروری بود.^{۲۷۷}

حفاظت از محیط‌زیست در کنار رشد اقتصادی

حفاظت از محیط‌زیست پیش از اجرای چشم‌انداز علمی توسعه هو جین تائو قبل از اجرای سیاست‌های هو جین تائو در زمینه حفاظت از محیط‌زیست، چین با مشکلات زیست‌محیطی زیادی مواجه بود. در دوران اصلاحات اقتصادی تحت رهبری دنگ ژیاوپینگ و ادامه آن در دوره جیا یانگ، رشد سریع صنعتی و شهری به قیمت تخریب محیط‌زیست تمام شد. آلودگی هوا، آب و خاک، جنگل‌زدایی و از دست رفتن تنوع زیستی از جمله مشکلات جدی بودند. به‌ویژه در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰،^{۲۷۸} چین شاهد افزایش شدید آلودگی هوا به‌ویژه در شهرهای صنعتی بود، به‌طوری که برخی از شهرهای بزرگ چین به‌عنوان آلوده‌ترین شهرهای دنیا شناخته می‌شدند.

۲۷۷ - "اصلاحات ارضی هو جین تائو: جاه طلبی، ابهام و اضطراب":

<https://www.hoover.org/sites/default/files/uploads/documents/CLM۲۷CL.pdf>

۲۷۸ - در دهه ۱۹۸۰، شاخص آلودگی محیط زیست در چین به شدت تحت تأثیر صنعتی‌سازی و شهرنشینی سریع قرار گرفت که منجر به آلودگی شدید هوا و آب شد. در این دهه، تنها چند پایتخت استانی، مانند پکن، سیستم‌های نظارت بر کیفیت هوا را راه‌اندازی کردند. میانگین غلظت ذرات معلق (TSP) در شهرهای کلیدی از ۵۶۰ میکروگرم بر متر مکعب در سال ۱۹۸۶ به ۳۸۷ میکروگرم بر متر مکعب در سال ۱۹۹۰ کاهش یافت که نشان‌دهنده کاهش ۳۰,۹ درصدی به دلیل اقدامات اولیه کنترل آلودگی بود. تا سال ۲۰۲۴، میانگین غلظت PM2.5 در شهرهای بزرگ بهبود یافته و کاهش ۳۱ درصدی نسبت به سال‌های گذشته گزارش شده است که نشان‌دهنده پیشرفت در مدیریت کیفیت هوا است.

در دهه ۱۹۹۰، سطح آلودگی همچنان افزایش یافت زیرا شهرنشینی تسریع شد. جمعیت مناطق شهری به سرعت رشد کرد و این امر منجر به افزایش تقاضا برای منابع و بالا رفتن انتشار آلاینده‌ها از فعالیت‌های صنعتی شد. گزارش‌ها نشان می‌داد که حدود ۱۹ درصد از آب در رودخانه‌های اصلی آلوده شده و تقریباً ۹۵,۰۰۰ کیلومتر از waterways تحت تأثیر قرار گرفته است. دولت در این دهه شروع به اجرای مقررات محیط زیستی سخت‌گیرانه‌تر و استراتژی‌های کنترل آلودگی کرد. تا سال ۲۰۲۴، پیشرفت‌های قابل توجهی مشاهده شد و تعداد روزهای با کیفیت هوای خوب به طور قابل توجهی افزایش یافت که نشان‌دهنده اثربخشی این اقدامات در طول سال‌ها بود. به طور کلی، در حالی که دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ با چالش‌های فزاینده‌ای در زمینه محیط زیست به دلیل رشد صنعتی و گسترش شهری همراه بود، سال‌های بعدی تا سال ۲۰۲۴ شاهد پیشرفت‌های قابل توجهی در کنترل آلودگی و مدیریت محیط زیست در چین بوده است.

دستر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

مشخصه‌های رکن حفاظت از محیط‌زیست در کنار رشد اقتصادی هو جین تائو

۱. رشد اقتصادی سبز:

توسعه اقتصادی همراه با توجه به حفاظت از منابع طبیعی و محیط‌زیست، به‌ویژه در راستای کاهش آلودگی و استفاده بهینه از انرژی‌های تجدیدپذیر.

دولت هو جین تائو تغییر قابل توجهی به سمت **رشد اقتصادی سبز** را نشان داد و بر اهمیت تعادل بین توسعه اقتصادی و حفاظت از محیط زیست تأکید کرد. یکی از جنبه‌های کلیدی این رویکرد، ترویج **اقتصاد دایره‌ای** (قابل بازیافت- دوستدار طبیعت) بود که هدف آن کاهش زباله‌ها و بهینه‌سازی استفاده از منابع بود. در سال ۲۰۰۵، هو ایده ایجاد یک جامعه صرفه‌جو در منابع و دوستدار محیط زیست را معرفی کرد که پایه‌گذار سیاست‌های آینده برای کاهش آلودگی و افزایش پایداری بود. این ابتکار تنها به حفاظت از محیط زیست محدود نمی‌شد بلکه تلاش می‌کرد تا ملاحظات اکولوژیکی را در چارچوب اقتصادی وسیع‌تر ادغام کند و بدین ترتیب مدل توسعه‌ای پایدارتر را ترویج دهد.

برنامه پنج ساله دوازدهم چین، که از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵ اجرا شد، یک استراتژی جامع بود که هدف آن تغییر مدل اقتصادی کشور از یک مدل صادرات‌محور به یک مدل مصرف‌محور بود. این برنامه اهداف اقتصادی بلندپروازانه‌ای را تعیین کرد، از جمله رشد متوسط سالانه GDP به میزان ۷٪ ایجاد بیش از ۴۵ میلیون شغل در مناطق شهری و حفظ نرخ بیکاری ثبت شده در شهرها زیر ۵٪ همچنین بر بازسازی اقتصادی با افزایش مصرف داخلی، گسترش بخش خدمات و توسعه صنایع نوظهور راهبردی مانند انرژی‌های تجدیدپذیر و تولید پیشرفته تمرکز داشت. برنامه بر نوآوری و توسعه علمی تأکید داشت، با اهداف برای هزینه‌های تحقیق و توسعه به میزان ۲,۲٪ از GDP و بهبود قابل توجه در ثبت اختراعات.

این برنامه شامل اهداف خاصی برای تولید انرژی‌های تجدیدپذیر، کاهش آلودگی و بهره‌وری منابع بود. به عنوان مثال، هدف آن افزایش سهم انرژی‌های غیر فسیلی در کل مصرف انرژی به ۱۱,۴٪ تا سال ۲۰۱۵ بود. این برنامه همچنین بر اهمیت توسعه صنایع و فناوری‌های سبز تأکید داشت که نه تنها به کاهش تأثیرات زیست‌محیطی کمک می‌کرد بلکه به دنبال ایجاد فرصت‌ها و شغل‌های جدید در بخش سبز نیز بود. با اولویت دادن به این ابتکارات، دولت هو تلاش کرد تا چین را به سمت یک مدل اقتصادی پایدارتر هدایت کند.

برنامه همچنین به چالش‌های زیست‌محیطی و اجتماعی پرداخت و اهداف کاهش شدت انرژی و کربن، افزایش استفاده از سوخت‌های غیر فسیلی و بهبود شبکه‌های ایمنی اجتماعی را تعیین کرد. هدف آن بهبود توزیع درآمد و کاهش نابرابری از طریق گسترش پوشش بیمه‌ای در شهرها و ساخت میلیون‌ها واحد مسکونی جدید بود. علاوه بر این، برنامه تلاش می‌کرد تا شهرنشینی را ترویج کند و شهرهای کوچک را توسعه دهد تا مهاجرت از مناطق ساحلی را جذب کند. در مجموع، برنامه پنج ساله دوازدهم یک تلاش کلیدی در جهت تعادل مجدد اقتصاد چین به سمت رشد پایدارتر و عادلانه‌تر بود.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

علاوه بر این، دولت هو جین تائو سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی در پروژه‌های انرژی تجدیدپذیر انجام داد که بخشی از تعهد آن به رشد سبز بود. منابع مالی زیادی برای توسعه نیروگاه‌های بادی، خورشیدی و آبی اختصاص یافت که چین را به عنوان یک رهبر جهانی در تولید انرژی تجدیدپذیر معرفی کرد. تا سال ۲۰۱۲، چین بزرگ‌ترین تولیدکننده پنل‌های خورشیدی و توربین‌های بادی در جهان شده بود که نشان‌دهنده موفقیت این سرمایه‌گذاری‌ها بود. این تغییر نه تنها به کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای کمک کرد بلکه تنوع منابع انرژی چین را نیز افزایش داد و امنیت انرژی را تقویت کرد.

با وجود این پیشرفت‌ها، چالش‌هایی نیز در تحقق کامل اهداف رشد اقتصادی سبز باقی ماند. اگرچه بهبودهای قابل توجهی در سیاست‌ها و شیوه‌های محیط زیستی مشاهده شد، اما آلودگی هوا و آب همچنان مسائل مهمی در دوران هو بودند. نیاز به اجرای سختگیرانه‌تر قوانین زیست‌محیطی و افزایش آگاهی عمومی درباره پایداری همچنان حیاتی بود. با این حال، تأکید هو جین تائو بر رشد اقتصادی سبز پایه‌ای برای دولت‌های آینده فراهم کرد تا بر اساس آن بنا کنند و دیدگاهی از تمدن اکولوژیکی را ترویج دهند که توسعه اقتصادی را با نگهداری از محیط زیست برای پیشرفت پایدار در چین ادغام کند.^۲

۲. قانون‌گذاری محیط‌زیستی:

تقویت و گسترش قوانین و مقررات محیط‌زیستی به منظور محدود کردن آلاینده‌ها و تضمین رعایت استانداردهای زیست‌محیطی در بخش‌های مختلف صنعتی.

در دوران ریاست جمهوری هو جین تائو، چین تغییر بنیادی در رویکرد خود به قانون محیطی تجربه کرد و بر لزوم تعادل بین رشد اقتصادی و حفاظت از محیط زیست تأکید کرد. این تغییر نشان‌دهنده گذار از یک رویکرد دفاعی که بر حفاظت از محیط زیست در برابر آلودگی و زباله‌های ناشی از توسعه صنعتی متمرکز بود، به یک استراتژی فعال تر بود. دولت هو فعالانه ابتکاراتی را برای تحقق چشم‌انداز ملی ایجاد تمدن بوم‌شناسی پیگیری کرد. این امر شامل اجرای سیستم‌های سخت‌گیرانه‌تر برای حفاظت از محیط زیست و ترویج شیوه‌های توسعه پایدار که رشد اقتصادی را با حفظ منابع و حفاظت از محیط زیست ادغام می‌کرد، بود.

رویکرد دولت هو به قانون محیطی با مجموعه‌ای از اقدامات مشخص برای مقابله با تغییرات آب و هوا و کاهش آلودگی مشخص می‌شد. این اقدامات شامل تعیین اهداف بلندپروازانه برای کاهش شدت کربن و افزایش سهم سوخت‌های غیرفسیلی در مصرف انرژی بود. دولت همچنین بر اهمیت اقدامات پیشگیرانه و استراتژی‌های کنترل جامع برای مقابله مؤثر با چالش‌های محیطی تأکید کرد. با ادغام حفاظت از محیط زیست به عنوان یک سیاست ملی بنیادی، دولت هو پایه‌ای برای تلاش‌های آینده برای ایجاد یک مسیر توسعه پایدارتر و آگاهانه‌تر از نظر محیطی برای چین فراهم کرد.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

یکی از برنامه‌های مهمی که در دوران هو آغاز شد، **برنامه نظارت ویژه بر شرکت‌ها**^{۲۸۰} بود که به طور مستقیم بر هزاران شرکتی که به آلودگی آب و هوا معروف بودند، نظارت می‌کرد. این ابتکار هدفش این بود که این شرکت‌ها را به خاطر تأثیرات زیست‌محیطی خود مسئول بداند و اطمینان حاصل کند که آن‌ها به مقررات جدید پایبند هستند. علاوه بر این، در سال ۲۰۱۴، دولت قانون حفاظت از محیط زیست را اصلاح کرد تا مکانیزم‌های اجرایی را تقویت کرده و جریمه‌ها برای تخلفات را افزایش دهد. این اصلاحات امکان نظارت سخت‌گیرانه‌تر بر صنایع آلوده‌کننده را فراهم کرد و به دولت‌های محلی قدرت بیشتری داد تا اقداماتی قاطع علیه متخلفان انجام دهند و بدین ترتیب فرهنگ رعایت استانداردهای زیست‌محیطی را ترویج کنند.

دولت هو همچنین مفهوم **"تولید ناخالص داخلی سبز"** را به عنوان راهی برای تنظیم محاسبه GDP به منظور در نظر گرفتن تخریب محیطی و کاهش منابع طبیعی معرفی کرد. این ابتکار با هدف ارائه یک معیار کامل‌تر و واقع‌بینانه‌تر از توسعه اقتصادی، با در نظر گرفتن هزینه‌های محیطی مرتبط با فعالیت‌های اقتصادی، انجام شد. پروژه GDP سبز با همکاری اداره حفاظت از محیط زیست دولتی (SEPA) و دفتر ملی آمار (NBS)، همراه با شرکای بین‌المللی مانند بانک جهانی، انجام شد. اولین گزارش کامل GDP سبز، که در سال ۲۰۰۶ منتشر شد، نشان داد که به دلیل آلودگی، از دست دادن مالی قابل توجهی وجود دارد که به ۵۱۱٫۸ میلیارد یوان (حدود ۶۱٫۸ میلیارد دلار) یا ۳٫۰۵ درصد از GDP چین در سال ۲۰۰۴ می‌رسید.

با وجود اهداف اولیه، ابتکار GDP سبز با چالش‌ها و مقاومت‌های قابل توجهی از سوی دولت‌های محلی مواجه شد که نگران تأثیر منفی احتمالی بر معیارهای عملکرد اقتصادی خود بودند. در نهایت، این ابتکار به دلیل عدم توانایی در جذب حمایت و پشتیبانی از مقامات محلی که رشد اقتصادی را بر مسائل محیطی اولویت می‌دادند، متوقف شد. پروژه GDP سبز به درگیری مداوم بین رشد اقتصادی و حفاظت از محیط زیست در چین اشاره داشت، جایی که نگرانی‌های محیطی اغلب به نفع اولویت‌های اقتصادی به عقب رانده می‌شدند. این تجربه پیچیدگی‌های موجود در ادغام‌های بوم‌شناسی در سیاست‌گذاری اقتصادی در یک کشور در حال توسعه سریع را نشان داد.

۲۸۰ - برنامه نظارت ویژه بر شرکت‌ها، که در دوران هو جینتاو راه‌اندازی شد، یک ابتکار مهم برای مقابله با آلودگی محیطی بود که صدها شرکت شناخته شده به عنوان آلوده‌کننده محیط زیست را هدف قرار می‌داد. این برنامه بخشی از تلاش‌های گسترده‌تر برای بهبود حکمرانی محیطی و اطمینان از رعایت مقررات آلودگی بود. این برنامه شامل استفاده از فناوری‌های پیشرفته نظارت برای رصد فعالیت‌های صنعتی و انتشارها در زمان واقعی بود. شرکت‌ها ملزم به نصب تجهیزات نظارت بودند که می‌توانستند داده‌های انتشار را به طور مستقیم به مقامات محیطی گزارش دهند. این رویکرد به اجرای مؤثرتر قوانین و مقررات محیطی کمک می‌کرد، زیرا مقامات می‌توانستند به سرعت موارد عدم رعایت را شناسایی و حل کنند.

برنامه همچنین شامل بازرسی‌ها و حسابرسی‌های منظم برای اطمینان از رعایت استانداردهای محیطی توسط شرکت‌ها بود. شرکت‌هایی که ناقض قوانین شناخته می‌شدند، با مجازات‌هایی مانند جریمه و احتمالاً تعطیلی مواجه می‌شدند. این ابتکار بخشی از یک استراتژی بزرگ‌تر برای ترویج توسعه پایدار و کاهش تأثیرات محیطی فعالیت‌های صنعتی در چین بود. با استفاده از فناوری و بهبود نظارت قانونی، هدف برنامه ایجاد یک محیط پاکیزه‌تر و سالم‌تر برای شهروندان و همچنین ترویج مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی شرکت‌ها بود. در مجموع، برنامه نظارت ویژه بر شرکت‌ها یک عنصر کلیدی در تلاش‌های چین برای تعادل بین رشد اقتصادی و حفاظت از محیط زیست در دوران رهبری هو جینتاو بود.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

با وجود این پیشرفت‌ها، چالش‌هایی نیز در اجرای مؤثر قوانین زیست‌محیطی باقی ماند. دولت‌های محلی غالباً رشد اقتصادی را بر حفاظت از محیط زیست اولویت می‌دادند که منجر به اجرای نامنظم مقررات می‌شد. فساد و کمبود منابع نیز مانع از نظارت مؤثر و تلاش‌های رعایت قوانین می‌شد. با این حال، تأکید هو جین تائو بر قوانین زیست‌محیطی پایه‌ای حیاتی برای سیاست‌های آینده در راستای دستیابی به توسعه پایدار در چین فراهم کرد. تلاش‌های دولت او نشان‌دهنده یک شناخت فزاینده از نیاز به یک تمدن اکولوژیکی بود که فعالیت‌های اقتصادی را با نگهداری از محیط زیست هماهنگ کند و زمینه‌ای برای دولت‌های بعدی فراهم آورد تا بر اساس این ابتکارات بنا کنند.^{۲۸۱}

۳. تشویق به استفاده از انرژی‌های پاک:

حمایت از پروژه‌های انرژی‌های تجدیدپذیر مانند انرژی خورشیدی و بادی به منظور کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی.^{۲۸۲}

سیاست هو جین تائو در راستای ترویج عدالت اجتماعی تأثیر قابل توجهی بر تشویق استفاده از انرژی‌های پاک در چین داشت و این تغییر، نقطه عطفی در استراتژی انرژی کشور محسوب می‌شود. یکی از جنبه‌های کلیدی

۲۸۱ - تجربیات "GDP سبز" چین و مبارزه برای محیط زیست: <https://www.cbd.int/financial/values/china-greengdp.pdf>

۲۸۲- هو جین تائو، که از ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۲ به عنوان دبیر کل حزب کمونیست چین و رئیس‌جمهور این کشور خدمت کرد، نقش مهمی در ترویج استفاده از انرژی‌های پاک در چین ایفا کرد. رهبری او همزمان با افزایش آگاهی از مسائل زیست‌محیطی و نیاز به توسعه پایدار بود. در اینجا برخی از نمونه‌های تشویق او به استفاده از انرژی‌های پاک در دوران و پس از ریاست‌جمهوری‌اش آورده شده است:

چارچوب سیاست و اهداف استراتژیک

در دوران ریاست‌جمهوری هو جین تائو، چین برنامه پنج‌ساله یازدهم (۲۰۰۶-۲۰۱۰) را تصویب کرد که شامل اهداف بلندپروازانه‌ای برای توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر بود. این برنامه هدف داشت که سهم منابع انرژی غیر فسیلی در مصرف اولیه انرژی تا ۱۵ درصد تا سال ۲۰۲۰ افزایش یابد. این تعهد، پایه‌گذار ابتکارات آینده بود و نشان‌دهنده تغییر اولویت‌ها به سمت انرژی‌های پاک در سیاست ملی بود.

سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر

در دوران ریاست‌جمهوری هو، سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی در فناوری‌های انرژی تجدیدپذیر انجام شد. دولت یارانه‌ها و مشوق‌های سخاوتمندانه‌ای برای پروژه‌های خورشیدی، بادی و برق آبی ارائه داد. تا سال ۲۰۱۰، چین به بزرگ‌ترین تولیدکننده پنل‌های خورشیدی در جهان تبدیل شده بود و سرمایه‌گذاری‌های زیادی در ظرفیت تولید انجام شده بود. این رشد با سیاست‌هایی که دولت محلی را به توسعه پروژه‌های انرژی تجدیدپذیر تشویق می‌کرد، حمایت می‌شد و منجر به رونق نصب سیستم‌های خورشیدی و بادی در سراسر کشور شد.

همکاری بین‌المللی و تعهدات

دولت هو جین تائو همچنین بر همکاری بین‌المللی در زمینه تغییرات آب و هوا و انرژی‌های پاک تأکید کرد. در کنفرانس آب و هوای کپنهاگ در سال ۲۰۰۹، چین متعهد شد که شدت کربن خود را تا ۴۵-۴۰ درصد تا سال ۲۰۲۰ نسبت به سطح سال ۲۰۰۵ کاهش دهد. این تعهد نشان‌دهنده تمایل چین به مشارکت در تلاش‌های جهانی برای مقابله با تغییرات آب و هوا و ترویج فناوری‌های انرژی پاک بود.

میراث و ادامه تمرکز بر انرژی‌های پاک

حتی پس از دوران ریاست‌جمهوری هو جین تائو، تأکید بر انرژی‌های پاک تحت مدیریت‌های بعدی نیز ادامه یافت. برنامه پنج‌ساله سیزدهم (۲۰۱۶-۲۰۲۰) اهداف حتی بلندپروازانه‌تری تعیین کرد که شامل هدف نصب ۱۰,۲۰۰ گیگاوات ظرفیت بادی و خورشیدی تا سال ۲۰۳۰ بود. تا سال ۲۰۲۴، انتظار می‌رود ظرفیت انرژی تجدیدپذیر چین به حدود ۳,۹ ترابایت برسد که نشان‌دهنده دیدگاه بلندمدتی است که در دوران رهبری هو آغاز شده است. به طور خلاصه، تشویق هو جین تائو به استفاده از انرژی‌های پاک با برنامه‌ریزی استراتژیک، سرمایه‌گذاری‌های قابل توجه، تعهدات بین‌المللی و میراثی که همچنان بر سیاست‌های انرژی چین تأثیر می‌گذارد، مشخص می‌شود.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

این ابتکار، تعهد به منابع انرژی تجدیدپذیر مانند انرژی خورشیدی و بادی بود. پیش از این اصلاحات، چشم‌انداز انرژی چین به شدت به سوخت‌های فسیلی وابسته بود و زغال‌سنگ بیش از ۷۰٪ از مصرف انرژی کشور را تشکیل می‌داد. با این حال، تا سال ۲۰۱۲، دولت هدف داشت که سهم سوخت‌های غیر فسیلی در کل مصرف انرژی به ۱۱,۴٪ افزایش یابد که نشان‌دهنده تلاش‌های جدی برای تنوع‌بخشی به منابع انرژی و کاهش تأثیرات زیست‌محیطی بود.

مرکز تحقیقات انرژی پاک ایالات متحده و چین که در دوران هو تأسیس شد، همکاری‌های مشترکی را در زمینه تحقیق و توسعه فناوری‌های انرژی پاک تسهیل کرد. این مرکز با سرمایه‌گذاری قابل توجهی معادل حداقل ۱۵۰ میلیون دلار در طی پنج سال، با مشارکت برابر از سوی هر دو کشور حمایت شد. همکاری‌ها بر روی پروژه‌های مختلف انرژی پاک، از جمله فناوری‌های خورشیدی و بادی متمرکز بود که برای کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی ضروری بودند. تا سال ۲۰۱۵، چین بزرگ‌ترین تولیدکننده پنل‌های خورشیدی و توربین‌های بادی در جهان شده بود که نشان‌دهنده موفقیت این ابتکارات و تأثیر آن‌ها بر افزایش ظرفیت انرژی تجدیدپذیر بود. علاوه بر ترویج پیشرفت‌های فناوری، دولت هو سیاست‌هایی را اجرا کرد که مشوق‌های مالی برای پروژه‌های انرژی تجدیدپذیر فراهم می‌کرد.

شراکت انرژی تجدیدپذیر ایالات متحده و چین هدف داشت تا نقشه‌راه‌هایی برای استقرار گسترده انرژی تجدیدپذیر توسعه دهد و منابع فنی را برای حمایت از ایالت‌ها و مناطق در هر دو کشور ارائه کند. این تلاش‌ها در ترویج سرمایه‌گذاری‌ها در زیرساخت‌های انرژی پاک بسیار حیاتی بود. تا سال ۲۰۲۰، ظرفیت نصب‌شده انرژی بادی چین به حدود ۲۸۸ گیگاوات رسید که این کشور را به بزرگ‌ترین تولیدکننده انرژی بادی در جهان تبدیل کرد، در سال ۲۰۲۴ این میزان به ۵۲۰ گیگاوات رسید، در حالی که ظرفیت انرژی خورشیدی نیز به طور قابل توجهی در این دوره افزایش یافت.

با وجود این پیشرفت‌ها، چالش‌هایی نیز در انتقال کامل به یک اقتصاد مبتنی بر انرژی پاک باقی ماند. مسائلی مانند اولویت دادن دولت‌های محلی به رشد اقتصادی بر حفاظت از محیط زیست و اجرای نامنظم مقررات مانع پیشرفت شدند. علاوه بر این، هرچند سهم انرژی تجدیدپذیر افزایش یافت، سوخت‌های فسیلی همچنان بر ترکیب انرژی چین غالب بودند. با این حال، تأکید هو جین‌تائو بر استفاده از انرژی پاک پایه‌ای حیاتی برای سیاست‌های آینده فراهم کرد که هدف آن دستیابی به یک سیستم انرژی پایدار و دوستدار محیط زیست در چین بود و به تلاش‌های جهانی برای مقابله با تغییرات اقلیمی و ترویج تعادل اکولوژیکی کمک کرد.^{۲۸۳}

۴. سرمایه‌گذاری در فناوری‌های سبز:

ترویج استفاده از فناوری‌های نوین و سازگار با محیط‌زیست در صنایع و شهرسازی.

۲۸۳ - "چین همچنان پیشتاز جهان در زمینه باد و خورشید است":

<https://globalenergymonitor.org/report/china-continues-to-lead-the-world-in-wind-and-solar-with-twice-as-much-capacity-under-construction-as-the-rest-of-the-world-combined/> & https://www.fmprc.gov.cn/mfa_eng/xw/zvjh/202405/t20240530_11339803.html

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

دولت هو جین تائو اهمیت حیاتی سرمایه‌گذاری در **فناوری‌های سبز** را به عنوان بخشی از استراتژی جامع خود برای توسعه پایدار و حفاظت از محیط زیست شناسایی کرد. یکی از جنبه‌های کلیدی این سرمایه‌گذاری، تأسیس **مرکز تحقیقات انرژی پاک ایالات متحده و چین** بود که هدف آن تسهیل همکاری‌های مشترک در تحقیق و توسعه فناوری‌های انرژی پاک بود. همانطوریکه در سطور قبل بدان اشاره شد این مرکز با تعهدی به مبلغ حداقل **۱۵۰ میلیون دلار** در طی پنج سال، با مشارکت برابر از سوی هر دو کشور تأسیس شد. تمرکز بر انرژی پاک نه تنها به کاهش آلودگی کمک می‌کرد بلکه به دنبال افزایش بهره‌وری انرژی در بخش‌های مختلف، از جمله حمل و نقل و فرآیندهای صنعتی بود.

در دوران هو، چین به عنوان یک رهبر جهانی در سرمایه‌گذاری‌های انرژی تجدیدپذیر شناخته شد و در سال ۲۰۱۰ حدود **۳۴,۶ میلیارد دلار** به پروژه‌های انرژی تجدیدپذیر اختصاص داد که این کشور را به بزرگ‌ترین سرمایه‌گذار در این بخش در سطح جهانی تبدیل کرد. دولت بر توسعه فناوری‌های انرژی خورشیدی و بادی تأکید داشت که شامل سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی در قابلیت‌های تولید پنل‌های خورشیدی و توربین‌های بادی بود. تا سال ۲۰۱۵، چین بزرگ‌ترین تولیدکننده پنل‌های خورشیدی در جهان شده بود و بیش از ۷۰٪ از تولید جهانی را به خود اختصاص داده بود. این تغییر نه تنها به کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی کمک کرد بلکه چین را به عنوان یک بازیگر غالب در بازار جهانی فناوری‌های سبز معرفی کرد.

در دوران ریاست جمهوری هو جین تائو، چین به طور فعال استفاده از فناوری‌های جدید و دوستدار محیط زیست را در صنایع مختلف و پروژه‌های توسعه شهری ترویج کرد. این ابتکار بخشی از یک استراتژی گسترده‌تر برای ادغام شیوه‌های پایدار در توسعه اقتصادی بود. دولت هو تشویق به پذیرش فناوری‌های پیشرفته‌ای که می‌توانستند تأثیرات محیطی را کاهش دهند، مانند سیستم‌های کارآمد انرژی و شیوه‌های ساخت سبز، را انجام داد. این تلاش‌ها برای ایجاد یک محیط شهری پایدارتر و کاهش ردپای کربن فعالیت‌های صنعتی انجام شد. ترویج فناوری‌های دوستدار محیط زیست همچنین در همکاری‌های بین‌المللی مانند ابتکار خودروهای برقی ایالات متحده و چین منعکس شد که هدف آن تسریع استقرار خودروهای برقی از طریق توسعه استانداردهای مشترک و انجام پروژه‌های نمایی در چندین شهر بود.

ابتکار خودروهای برقی ایالات متحده و چین یک برنامه مهم در دوران هو بود که هدف آن ترویج همکاری بین دو کشور برای ترویج خودروهای برقی بود. این ابتکار بر توسعه استانداردهای مشترک برای خودروهای برقی متمرکز بود تا ادغام آن‌ها در زیرساخت‌های حمل و نقل هر دو کشور را تسهیل کند. پروژه‌های نمایی در شهرهای مختلف انجام شد تا امکان‌پذیری و مزایای خودروهای برقی را نشان دهند و پذیرش آن‌ها را در مقیاس بزرگ‌تر تشویق کنند. با ترویج این فناوری‌ها، دولت هو تلاش می‌کرد تا وابستگی به سوخت‌های فسیلی را کاهش دهد، آلودگی هوا را کاهش دهد و به تلاش‌های جهانی برای مبارزه با تغییرات آب و هوا کمک کند. این رویکرد تعهد چین به توسعه پایدار و نقش آن به عنوان رهبر در انتقال به فناوری‌های دوستدار محیط زیست را نشان داد.

دستر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

با وجود این پیشرفت‌ها، چالش‌هایی نیز در تحقق کامل پتانسیل فناوری‌های سبز باقی ماند. دولت‌های محلی غالباً رشد اقتصادی را بر ملاحظات زیست‌محیطی اولویت می‌دادند که منجر به اجرای نامنظم سیاست‌های سبز می‌شد. با این حال، تأکید هو جین‌تائو بر سرمایه‌گذاری در فناوری‌های سبز پایه‌ای حیاتی برای سیاست‌های آینده فراهم کرد. تعهد به توسعه پایدار در دوران او نه تنها به مسائل فوری زیست‌محیطی رسیدگی کرد بلکه زمینه‌ای برای منافع اقتصادی بلندمدت از طریق نوآوری و رهبری در عرصه جهانی فناوری سبز فراهم آورد.^{۲۸۴}

اقدامات اساسی انجام‌شده در راستای حفاظت از محیط‌زیست:

۱. **قانون‌گذاری و مقررات زیست‌محیطی:** در دوران ریاست‌جمهوری هو جین‌تائو، قوانین جدیدی برای کنترل آلودگی هوا و آب، حفاظت از منابع طبیعی، و مدیریت پسماندها وضع شد. دولت همچنین نظارت بر فعالیت‌های صنعتی و کنترل انتشار آلاینده‌ها را شدت بخشید.

دولت هو جین‌تائو تغییر قابل توجهی در رویکرد چین به قوانین و مقررات زیست‌محیطی ایجاد کرد و بر نیاز به تدوین قوانین جامع برای رسیدگی به مسائل زیست‌محیطی تأکید نمود. یکی از اقدامات اساسی در این زمینه، تصویب قوانین جدید برای کنترل آلودگی هوا و آب، حفاظت از منابع طبیعی و مدیریت مؤثر زباله‌ها بود. در سال ۲۰۱۴، دولت قانون حفاظت از محیط زیست را اصلاح کرد تا مکانیزم‌های اجرایی را تقویت کرده و جریمه‌ها برای تخلفات را افزایش دهد. این اصلاحات امکان نظارت سخت‌گیرانه‌تر بر صنایع آلوده‌کننده را فراهم کرد و به دولت‌های محلی قدرت بیشتری داد تا اقداماتی قاطع علیه متخلفان انجام دهند و بدین ترتیب فرهنگ رعایت استانداردهای زیست‌محیطی را ترویج کنند.

تعهد دولت به تشدید نظارت بر فعالیت‌های صنعتی از طریق ابتکاراتی مانند **برنامه نظارت ویژه بر شرکت‌ها** مشهود بود که به طور مستقیم بر هزاران شرکتی که به آلودگی معروف بودند، نظارت می‌کرد. این برنامه با هدف بهبود نظارت قانونی و اطمینان از رعایت استانداردهای محیطی و ایمنی در صنایع مختلف طراحی شده بود. تا سال ۲۰۱۲، این برنامه شامل نظارت بر ۳،۱۱۵ شرکت آلوده‌کننده آب، ۳،۵۹۲ شرکت آلوده‌کننده هوا و تعداد زیادی از تصفیه‌خانه‌های فاضلاب بود. این ابتکار شامل بازرسی‌ها و حسابرسی‌های منظم از تأسیسات صنعتی برای شناسایی و حل مشکلات احتمالی بود. با تقویت مکانیسم‌های نظارت، هدف برنامه کاهش تأثیرات محیطی فعالیت‌های صنعتی و ترویج شیوه‌های توسعه پایدار بود.

یک مثال از چنین برنامه‌ای، برنامه نظارت ویژه بر شرکت‌ها است که شرکت‌هایی را هدف قرار می‌داد که به دلیل آلودگی محیطی شناخته شده بودند. این برنامه شرکت‌ها را ملزم به نصب تجهیزات نظارت می‌کرد تا انتشارها را به طور همزمان رصد کنند و به مقامات اجازه دهد به سرعت مشکلات عدم رعایت را شناسایی و حل کنند. هزینه اجرای این برنامه قابل توجه بود و نشان‌دهنده سرمایه‌گذاری دولت در حفاظت از محیط زیست و اجرای

^{۲۸۴} - "نوآوری برای یک جامعه دوستدار محیط زیست":

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

مقررات بود. با این حال، جزئیات مالی خاصی درباره هزینه این برنامه در منابع موجود به صراحت ذکر نشده است.

علاوه بر چارچوب‌های قانونی، دولت هو همچنین بر ادغام ملاحظات زیست‌محیطی در برنامه‌ریزی اقتصادی تأکید داشت. مفهوم **"تولید ناخالص داخلی سبز"** معرفی شد که محاسبات تولید ناخالص داخلی چین را با توجه به تخریب محیط زیست و کاهش منابع تنظیم می‌کرد در خصوص آن پیش از این تشریح گردید. این رویکرد هدفش این بود که تمرکز را از معیارهای صرفاً اقتصادی رشد به ارزیابی جامع‌تری که شامل تأثیرات اکولوژیکی باشد، منتقل کند. هرچند این ابتکار در اجرا با چالش‌هایی مواجه شد، اما نشان‌دهنده یک گام مهم به سوی شناخت اهمیت سلامت محیط زیست در برنامه‌ریزی اقتصادی ملی بود.

با وجود این پیشرفت‌ها، چالش‌هایی نیز در اجرای مؤثر قوانین زیست‌محیطی باقی ماند. دولت‌های محلی غالباً رشد اقتصادی را بر حفاظت از محیط زیست اولویت می‌دادند که منجر به اجرای نامنظم قوانین می‌شد. مسائلی مانند فساد و کمبود منابع نیز مانع از نظارت مؤثر و تلاش‌های رعایت قوانین می‌شد. با این حال، تأکید هو جین‌تائو بر قوانین زیست‌محیطی پایه‌ای حیاتی برای سیاست‌های آینده فراهم کرد. تلاش‌های دولت او نشان‌دهنده یک شناخت فزاینده از نیاز به یک تمدن اکولوژیکی بود که فعالیت‌های اقتصادی را با نگهداری از محیط زیست هماهنگ کند و زمینه‌ای برای دولت‌های بعدی فراهم آورد تا بر اساس این ابتکارات بنا کنند.^{۲۸۵}

۲. انرژی‌های تجدیدپذیر:

چین تحت رهبری هو جین‌تائو، پروژه‌های بزرگ انرژی خورشیدی و بادی را آغاز کرد. این کشور به سرعت به بزرگ‌ترین تولیدکننده انرژی خورشیدی در جهان تبدیل شد.

دولت هو جین‌تائو تأکید زیادی بر **انرژی‌های تجدیدپذیر** به عنوان یکی از ارکان ابتکارات حفاظت از محیط زیست خود داشت، به ویژه از طریق پروژه‌های بزرگ مقیاس انرژی خورشیدی و بادی. در آغاز این پروژه‌ها، چین به شدت به سوخت‌های فسیلی وابسته بود و زغال‌سنگ بیش از ۷۰٪ از مصرف انرژی کشور را تشکیل می‌داد. با شناسایی نیاز فوری به تغییر به سمت منابع انرژی پایدارتر، دولت هو اهداف بلندی برای توسعه انرژی تجدیدپذیر تعیین کرد. تا پایان برنامه پنج‌ساله یازدهم (۲۰۰۶-۲۰۱۰)، چین قصد داشت ظرفیت انرژی تجدیدپذیر خود را به طور قابل توجهی افزایش دهد و خود را به عنوان یک بازیگر کلیدی در بازار جهانی انرژی تجدیدپذیر معرفی کند.

یکی از ابتکارات قابل توجه در این دوره، تأسیس **مرکز تحقیقات انرژی پاک ایالات متحده و چین** بود که در سال ۲۰۰۹ به عنوان بخشی از توافق همکاری گسترده‌تر بین دو کشور اعلام شد. این مرکز با تعهدی معادل **۱۵۰ میلیون دلار** در طی پنج سال، با مشارکت برابر از سوی بخش‌های عمومی و خصوصی هر دو کشور

۲۸۵ - "برنامه نظارت ویژه بر شرکت‌ها":

<https://www.ndupress.ndu.edu/Media/News/News-Article-View/Article/۱۷۴۸۷۳۶/keeping-up-with-the-jundui-reforming-the-chinese-defense-acquisition-technology/>

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

تأمین مالی شد. این همکاری بر پیشرفت فناوری‌های خورشیدی و بادی و سایر راه‌حل‌های انرژی پاک تمرکز داشت. این شراکت امکان همکاری‌های مشترک در تحقیق و توسعه را فراهم کرد و به چین کمک کرد تا از تخصص ایالات متحده در فناوری‌های انرژی پاک بهره‌برداری کند و در عین حال قابلیت‌های داخلی خود را تقویت کند.

تا سال ۲۰۱۵، سرمایه‌گذاری‌های چین در انرژی تجدیدپذیر این کشور را به بزرگ‌ترین تولیدکننده پنل‌های خورشیدی و توربین‌های بادی در جهان تبدیل کرده بود. چین تنها در سال ۲۰۱۰ حدود ۳۴,۶ میلیارد دلار به پروژه‌های انرژی تجدیدپذیر اختصاص داد که نشان‌دهنده تعهد آن به انتقال از سوخت‌های فسیلی بود. به دنبال این تلاش‌ها، ظرفیت نصب‌شده انرژی بادی چین به حدود ۲۸۸ گیگاوات در سال ۲۰۲۰ رسید که این کشور را به بزرگ‌ترین تولیدکننده انرژی بادی در جهان تبدیل کرد. در سال ۲۰۲۴ این میزان به ۵۲۰ گیگاوات رسید، در حالی که ظرفیت انرژی خورشیدی نیز به طور قابل توجهی در این دوره افزایش یافت. همچنین ظرفیت انرژی خورشیدی به طور چشمگیری افزایش یافت و چین بیش از ۷۰٪ از تولید جهانی پنل‌های خورشیدی را تا آن زمان به خود اختصاص داد. این گسترش سریع نه تنها به کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای کمک کرد بلکه مشاغل زیادی را نیز در بخش فناوری سبز ایجاد کرد.

با وجود این پیشرفت‌ها، چالش‌هایی نیز در تحقق کامل پتانسیل انرژی تجدیدپذیر در چین باقی ماند. مسائلی مانند اولویت دادن دولت‌های محلی به رشد اقتصادی بر ملاحظات زیست‌محیطی و اجرای نامنظم قوانین مانع پیشرفت شدند. با این حال، تمرکز هو جین تائو بر پروژه‌های بزرگ مقیاس انرژی تجدیدپذیر پایه‌ای حیاتی برای سیاست‌های آینده فراهم کرد که هدف آن دستیابی به توسعه پایدار بود. تلاش‌های دولت او نشان‌دهنده یک شناخت فزاینده از اهمیت انتقال به یک اقتصاد کم کربن بود و چین را به عنوان یک رهبر در ابتکارات جهانی انرژی تجدیدپذیر معرفی کرد و زمینه‌ای برای پیشرفت‌های مستمر در فناوری پاک در سال‌های بعد فراهم آورد.^{۸۶}

۳. آلودگی هوا و اصلاحات در بخش حمل‌ونقل:

برنامه‌هایی برای کاهش آلودگی هوا در شهرهای بزرگ به‌ویژه پکن و شانگهای با تقویت حمل‌ونقل عمومی و گسترش استفاده از خودروهای برقی آغاز شد.

دولت هو جین تائو اصلاحات قابل توجهی را در راستای مقابله با آلودگی هوا و بهبود سیستم‌های حمل و نقل در شهرهای بزرگ چین، به ویژه پکن و شانگهای، اجرا کرد. با شناسایی نیاز فوری به رسیدگی به مسائل جدی کیفیت هوا که ناشی از صنعتی‌سازی و شهرنشینی سریع بود، دولت هو اولویت را به توسعه حمل و نقل عمومی و ترویج خودروهای برقی (EVs) داد. این اصلاحات بخشی از یک استراتژی جامع برای بهبود شرایط زندگی شهری و کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی بود که از عوامل اصلی آلودگی هوا به شمار می‌رفتند. با تقویت زیرساخت‌های حمل و نقل عمومی، هدف دولت کاهش تعداد خودروهای شخصی در جاده‌ها و در نتیجه کاهش ترافیک و انتشار آلاینده‌ها بود.

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

یکی از ابتکارات کلیدی شامل سرمایه‌گذاری‌های چشمگیر در سیستم‌های حمل و نقل عمومی مانند مترو و شبکه‌های اتوبوسرانی بود. به عنوان مثال، پکن در دوران هو به طور قابل توجهی سیستم مترو خود را گسترش داد و طول آن را از حدود ۲۰۰ کیلومتر در سال ۲۰۰۵ به بیش از ۵۰۰ کیلومتر تا سال ۲۰۱۵ افزایش داد.^{۲۸۷} گسترش نه تنها گزینه‌های حمل و نقل کارآمدتری را برای ساکنان فراهم کرد بلکه موجب تشویق به کاهش وابستگی به خودروهای شخصی شد. علاوه بر این، دولت سیاست‌هایی را برای ترویج استفاده از اتوبوس‌ها و تاکسی‌های برقی اجرا کرد که هدف آن کاهش انتشار آلاینده‌ها از وسایل نقلیه عمومی بود. این تلاش‌ها در پاسخ به نگرانی‌های مربوط به کیفیت هوا، به ویژه در مراکز شهری پرجمعیت که سطح آلودگی آن‌ها غالباً فراتر از استانداردهای سازمان جهانی بهداشت بود، بسیار حیاتی بود.

در کنار بهبودهای حمل و نقل عمومی، دولت هو به طور فعال ترویج خودروهای برقی را از طریق مشوق‌ها و سیاست‌های مختلف دنبال کرد. دولت اهداف بلندی برای تولید و فروش خودروهای برقی تعیین کرد و هدف آن تبدیل چین به یک رهبر جهانی در این بخش بود. تا سال ۲۰۱۵، چین بزرگ‌ترین بازار خودروهای برقی جهان شده بود و رشد قابل توجهی در تولید و فروش این وسایل نقلیه مشاهده شد. دولت برای خرید خودروهای برقی یارانه‌هایی ارائه داد و در زیرساخت‌های شارژ سرمایه‌گذاری کرد تا انتقال به گزینه‌های حمل و نقل پاک‌تر تسهیل شود. این تعهد نه تنها به کاهش آلودگی هوا کمک کرد بلکه چین را به عنوان یک بازیگر کلیدی در بازار جهانی خودروهای برقی معرفی کرد.

در زمان آغاز این اصلاحات، وضعیت چین در زمینه آلودگی هوا بحرانی بود؛ بسیاری از شهرها با مشکلات شدید مه دود مواجه بودند که توجه بین‌المللی را جلب می‌کرد. این وضعیت موجب نگرانی عمومی گسترده و انتقادات فزاینده‌ای شد که فشار بیشتری بر دولت وارد می‌کرد تا اقداماتی قاطع انجام دهد. در سال‌های بعد، با توجه به این اصلاحات، شاهد بهبود قابل توجهی در کیفیت هوا در شهرهای بزرگی مانند پکن و شانگهای بودیم. با این حال، چالش‌هایی همچنان باقی ماند، از جمله رعایت استانداردها توسط دولت‌های محلی و وابستگی مداوم به زغال‌سنگ برای تأمین انرژی. به طور کلی، تمرکز هو جین‌تائو بر کنترل آلودگی هوا و اصلاحات حمل و نقل پایه‌ای حیاتی برای سیاست‌های زیست‌محیطی آینده فراهم کرد و تعهد چین را برای رسیدگی به چالش‌های زیست‌محیطی خود هم در سطح ملی و هم جهانی نشان داد.^{۲۸۸}

تغییرات پس از اجرای طرح اساسی حفاظت از محیط‌زیست هو جین‌تائو:

۱. کاهش آلودگی هوا و آب:

۲۸۷- در سال ۲۰۲۴، شهرهای دارای طولانی‌ترین خطوط مترو در جهان به ترتیب عبارتند از: شانگهای، چین با ۸۳۱ کیلومتر و ۵۰۸ ایستگاه در ۲۰ خط، پکن، چین با ۶۶۹٫۴ کیلومتر و ۴۹۰ ایستگاه، گوانگژو، چین با ۶۲۱٫۰۵ کیلومتر و ۳۰۲ ایستگاه، لندن، بریتانیا با ۴۰۲ کیلومتر و ۲۷۲ ایستگاه، نیویورک، ایالات متحده با ۳۹۹ کیلومتر و ۴۷۲ ایستگاه، دهلی، هند با ۳۹۳ کیلومتر و ۲۸۸ ایستگاه، مسکو، روسیه با ۴۴۹ کیلومتر و ۲۶۳ ایستگاه، ووهان، چین با ۴۸۶٫۳ کیلومتر و ۳۰۰ ایستگاه، سئول، کره جنوبی با ۳۲۷ کیلومتر و ۲۹۰ کیلومتر زیرزمینی، و مادرید، اسپانیا با ۲۹۳ کیلومتر.

۲۸۸ - «جنگ جدید چین علیه آلودگی» چقدر پیروز است؟

<https://www.sei.org/features/winnable-chinas-new-war-pollution-qa-karl-hallding/>

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

طبق گزارش‌های رسمی، چین موفق شد میزان آلودگی در برخی از شهرهای بزرگ را کاهش دهد. میزان آلاینده‌های تولیدشده در صنایع به‌طور متوسط کاهش یافت. به‌ویژه در دوره بعد از ۲۰۱۰، در پکن و سایر شهرهای بزرگ، کیفیت هوا بهبود یافته است.

دولت هو جین‌تائو در زمینه **کاهش آلودگی هوا و آب گام‌های قابل توجهی برداشت و این موضوع را به عنوان بخشی از ابتکارات حفاظت از محیط زیست خود مورد توجه قرار داد.** با شناسایی چالش‌های جدی آلودگی که شهرهای بزرگ، به ویژه پکن و شانگهای، با آن مواجه بودند، دولت مجموعه‌ای از اصلاحات را برای کاهش آلاینده‌ها و بهبود کیفیت کلی هوا اجرا کرد. گزارش‌های رسمی نشان می‌دهد که به‌ویژه پس از سال ۲۰۱۰، کاهش قابل توجهی در سطح آلودگی در این شهرها مشاهده شد. دولت بر تقویت چارچوب‌های قانونی و اجرای استانداردهای سخت‌گیرانه‌تر برای صنایعی که به آلودگی هوا و آب دامن می‌زدند، تمرکز کرد.

یکی از اقدامات کلیدی که انجام شد، معرفی **برنامه نظارت ویژه بر شرکت‌ها** بود که شامل نظارت مستقیم بر هزاران شرکتی بود که به آلودگی معروف بودند. تا سال ۲۰۱۲، این برنامه بیش از ۳,۰۰۰ شرکت آلوده‌کننده هوا و بیش از ۳,۱۰۰ شرکت آلوده‌کننده آب را تحت نظر داشت. این رویکرد پیشگیرانه هدفش این بود که این شرکت‌ها را به خاطر تأثیرات زیست‌محیطی خود مسئول بداند و اطمینان حاصل کند که آن‌ها به مقررات جدید پایبند هستند. به دنبال این تلاش‌ها، صنایع شروع به کاهش متوسط انتشار آلاینده‌ها کردند که به بهبود کیفیت هوا در مناطق شهری کمک کرد.

در کنار اصلاحات صنعتی، دولت هو همچنین بر سرمایه‌گذاری در **حمل و نقل عمومی و ترویج استفاده از خودروهای برقی (EVs)** تأکید داشت تا با آلودگی هوا مقابله کند. گسترش سیستم‌های حمل و نقل عمومی نه تنها گزینه‌های حمل و نقل کارآمدتری را برای ساکنان فراهم کرد بلکه موجب تشویق به کاهش استفاده از خودروهای شخصی شد که در نتیجه منجر به کاهش ترافیک و انتشار آلاینده‌ها گردید. ترویج خودروهای برقی شامل یارانه‌هایی برای تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان بود که کمک کرد چین تا میانه دهه ۲۰۱۰ به یک رهبر جهانی در بازار خودروهای برقی تبدیل شود. این ابتکارات در پاسخ به نیاز فوری برای ایجاد محیط‌های شهری پاک‌تر بسیار حیاتی بودند.

تا پایان دوره هو جین‌تائو، بهبودهایی در کیفیت هوا در شهرهای بزرگی مانند پکن و شانگهای مشاهده شد. گزارش‌ها نشان داد که میانگین غلظت PM2.5 (ذرات ریز معلق که خطرات جدی برای سلامت دارند) در این دوره به طور قابل توجهی کاهش یافته است. هرچند چالش‌هایی همچنان باقی ماند، مانند رعایت استانداردها توسط دولت‌های محلی و وابستگی مداوم به زغال‌سنگ برای تأمین انرژی، اما تمرکز هو بر کاهش آلودگی هوا و آب پایه‌ای حیاتی برای سیاست‌های زیست‌محیطی آینده فراهم کرد. تعهد دولت او به رسیدگی به این مسائل نه تنها سلامت عمومی را بهبود بخشید بلکه نشان‌دهنده شناخت فزاینده چین از پایداری زیست‌محیطی به عنوان یک عنصر اساسی برای توسعه بلندمدت بود.

۲. افزایش ظرفیت انرژی‌های تجدیدپذیر:

دستر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

ظرفیت انرژی خورشیدی^{۲۸۹} بادی چین از ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ بیش از دو برابر افزایش یافت. چین به عنوان بزرگترین تولیدکننده و مصرفکننده انرژیهای تجدیدپذیر، موفق به توسعه زیرساختهای پایدار شد.

دولت هو جین تائو در افزایش ظرفیت انرژیهای تجدیدپذیر در چین گامهای قابل توجهی برداشت و بر روی پروژههای بزرگ تمرکز کرد که هدف آنها تغییر چشم انداز انرژی کشور بود. یکی از ابتکارات مهم، برنامه خورشیدی طلایی بود که در سال ۲۰۰۹ راه اندازی شد و هدف آن یارانه دهی به پروژههای انرژی خورشیدی در سرتاسر کشور بود. این برنامه حمایت مالی برای نصب سیستمهای فتوولتائیک را فراهم کرد و توسعه انرژی خورشیدی را در مناطق شهری و روستایی ترویج نمود. تا سال ۲۰۱۵، چین بیش از ۴۳ گیگاوات ظرفیت انرژی خورشیدی نصب کرده بود و به بزرگترین تولیدکننده انرژی خورشیدی در جهان تبدیل شد که به کاهش انتشار گازهای گلخانه ای کمک شایانی کرد.

پروژه کلیدی دیگر، گسترش ظرفیت انرژی بادی از طریق برنامه های ملی مختلف بود. برنامه مزایده انرژی بادی ۲۰۰۳ اهداف بلندی برای توسعه انرژی بادی تعیین کرد و هدف آن ایجاد ۲۰ مزرعه بادی بزرگ با ظرفیتهایی بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ مگاوات بود. تا سال ۲۰۱۵، چین به بزرگترین تولیدکننده انرژی بادی در جهان تبدیل شد و ظرفیت نصب شده آن به بیش از ۱۲۸ گیگاوات رسید. این رشد سریع با حمایت سیاستهای دولتی که سرمایه گذاری در فناوریهای تجدیدپذیر را تشویق می کرد و مشوقهایی برای شرکت های داخلی و خارجی فراهم می کرد، ممکن شد.

علاوه بر پروژههای خورشیدی و بادی، دولت هو همچنین بر افزایش ظرفیت نیروگاه های آبی تأکید داشت. ساخت سد سه دره، یکی از بزرگترین پروژههای نیروگاه آبی در جهان، نمونه ای از تعهد چین به انرژی تجدیدپذیر بود. این سد که در سال ۲۰۱۲ به پایان رسید، دارای ظرفیت نصب شده ای معادل ۲۲،۵۰۰ مگاوات است و نقش مهمی در تأمین انرژی پاک و همچنین کنترل سیلاب ها در طول رود یانگ تسه ایفا می کند. تأکید بر نیروگاه های آبی موقعیت چین را به عنوان یک رهبر جهانی در تولید انرژی تجدیدپذیر تقویت کرد. به عنوان نتیجه این ابتکارات، چین به یک نیروی غالب در بخش انرژی تجدیدپذیر تبدیل شده است و در تولید و ظرفیت نصب شده پیشرو است. تا سال ۲۰۲۰، چین حدود ۳۰٪ از ظرفیت جهانی انرژی تجدیدپذیر را به خود اختصاص داده بود که شامل نزدیک به ۵۰٪ از تولید جهانی انرژی بادی و بیش از ۳۰٪ از نصب های فتوولتائیک

۲۸۹ - در مجموع ۳۰٪ تولید انرژی جهان به انرژی های تجدیدپذیر اختصاص دارد که از این میزان ۲۳،۲٪ انرژی خورشیدی و ۹،۸٪ به انرژی بادی می باشد. تا سال ۲۰۲۴، ظرفیت جهانی انرژی خورشیدی از ۲ تراوات (TW) فراتر رفته است که نشان دهنده رشد قابل توجهی در نصب های انرژی خورشیدی در سراسر جهان می باشد. ده کشور با بزرگترین ظرفیت انرژی خورشیدی در سال ۲۰۲۴ به شرح ذیل عبارتند از: ۱- چین: تقریباً ۱،۱۰۰ گیگاوات؛ تقریباً ۴۳٪ کل تولید انرژی خورشیدی در جهان، ۲- ایالات متحده: تقریباً ۲۰۰ گیگاوات، ۳- ژاپن: تقریباً ۸۰ گیگاوات، ۴- آلمان: تقریباً ۷۰ گیگاوات، ۵- هند: تقریباً ۶۵ گیگاوات، ۶- ایتالیا: تقریباً ۲۵ گیگاوات، ۷- فرانسه: تقریباً ۲۰ گیگاوات، ۸- استرالیا: تقریباً ۲۰ گیگاوات، ۹- کره جنوبی: تقریباً ۱۵ گیگاوات، ۱۰- اسپانیا: تقریباً ۱۵ گیگاوات برای آشنایی بیشتر با جزئیات تولید انرژی می توانید به سایت آژانس بین المللی انرژی (IEA) <https://www.iea.org/> مراجعه فرمایید.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

خورشیدی می‌شود. این رشد قابل توجه نه تنها نشان‌دهنده تعهد چین به کاهش ردپای کربنی خود است بلکه آن را به عنوان یک بازیگر کلیدی در انتقال جهانی به سوی راه‌حل‌های پایدار انرژی معرفی می‌کند. برای بررسی موقعیت کشورهای مختلف در استفاده از ظرفیت انرژی تجدیدپذیر، می‌توانید به گزارش جهانی انرژی تجدیدپذیر که توسط REN21 منتشر شده است، مراجعه کنید. این گزارش داده‌های جامع درباره ظرفیت‌های انرژی تجدیدپذیر در کشورهای مختلف را ارائه می‌دهد. جهت آشنایی بیشتر می‌توان به آدرس: <https://www.ren21.net/reports/global-status-report/> مراجعه نمایید.

۳. رشد انرژی سبز و کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی:

چین توانست وابستگی خود به سوخت‌های فسیلی را به‌طور قابل‌توجهی کاهش دهد و درصد تولید انرژی از منابع تجدیدپذیر به طور سالانه افزایش یابد.

دولت هو جین‌تائو در راستای رشد انرژی‌های سبز و کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی، پروژه‌ها و برنامه‌های مهمی را اجرایی کرد. یکی از این ابتکارات، برنامه خورشیدی طلایی بود که در سال ۲۰۰۹ راه‌اندازی شد و هدف آن یارانه‌دهی به پروژه‌های انرژی خورشیدی در سراسر کشور بود. این برنامه با هدف ترویج نصب سیستم‌های فتوولتائیک در مناطق شهری و روستایی، حمایت مالی را برای توسعه انرژی خورشیدی فراهم کرد. تا سال ۲۰۱۵، چین به بزرگ‌ترین تولیدکننده انرژی خورشیدی در جهان تبدیل شد و بیش از ۴۳ گیگاوات ظرفیت نصب‌شده داشت که به کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای کمک شایانی کرد.

پروژه کلیدی دیگر، گسترش ظرفیت انرژی بادی از طریق برنامه‌های ملی مختلف بود. برنامه مزایده انرژی بادی ۲۰۰۳ اهداف بلندی برای توسعه انرژی بادی تعیین کرد و هدف آن ایجاد ۲۰ مزرعه بادی بزرگ با ظرفیت‌هایی بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ مگاوات بود. تا سال ۲۰۱۵، چین به بزرگ‌ترین تولیدکننده انرژی بادی در جهان تبدیل شد و ظرفیت نصب‌شده آن به بیش از ۱۲۸ گیگاوات رسید. این رشد سریع با حمایت سیاست‌های دولتی که سرمایه‌گذاری در فناوری‌های تجدیدپذیر را تشویق می‌کرد و مشوق‌هایی برای شرکت‌های داخلی و خارجی فراهم می‌کرد، ممکن شد.

علاوه بر پروژه‌های خورشیدی و بادی، دولت هو همچنین بر افزایش ظرفیت نیروگاه‌های آبی تأکید داشت. ساخت سد سه‌دره، یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌های نیروگاه آبی در جهان، نمونه‌ای از تعهد چین به انرژی تجدیدپذیر بود. این سد که در سال ۲۰۱۲ به پایان رسید، دارای ظرفیت نصب‌شده‌ای معادل ۲۲،۵۰۰ مگاوات است و نقش مهمی در تأمین انرژی پاک و همچنین کنترل سیلاب‌ها در طول رود یانگ‌تسه ایفا می‌کند. تأکید بر نیروگاه‌های آبی موقعیت چین را به عنوان یک رهبر جهانی در تولید انرژی تجدیدپذیر تقویت کرد.

به عنوان نتیجه این ابتکارات، چین به یک نیروی غالب در بخش انرژی تجدیدپذیر تبدیل شده است و در تولید و ظرفیت نصب‌شده پیشرو است. تا سال ۲۰۲۰، چین حدود ۳۰٪ از ظرفیت جهانی انرژی تجدیدپذیر را به خود اختصاص داده بود که شامل نزدیک به ۵۰٪ از تولید جهانی انرژی بادی و بیش از ۳۰٪ از نصب‌های فتوولتائیک

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

خورشیدی می‌شود. این رشد قابل توجه نه تنها نشان‌دهنده تعهد چین به کاهش ردپای کربنی خود است بلکه آن را به عنوان یک بازیگر کلیدی در انتقال جهانی به سوی راه‌حل‌های پایدار انرژی معرفی می‌کند.^{۲۹۰}

تقویت هارمونی اجتماعی

تقویت هارمونی اجتماعی پیش از اجرای چشم‌انداز علمی توسعه هو جین تائو قبل از اجرای چشم‌انداز علمی توسعه توسط هو جین تائو، چین با مشکلات اجتماعی گسترده‌ای روبرو بود. در دوران توسعه سریع اقتصادی در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، شکاف‌های اجتماعی و اقتصادی بین اقشار مختلف جامعه به‌ویژه در مناطق شهری و روستایی به شدت افزایش یافت. فساد، فقر در مناطق روستایی، نابرابری‌های طبقاتی و مشکلات مربوط به مهاجرت‌های داخلی، از جمله مسائل عمده‌ای بودند که باعث ایجاد تنش‌های اجتماعی و اقتصادی در کشور شدند. این مسائل نشان داد که توسعه اقتصادی سریع بدون توجه به هارمونی اجتماعی می‌تواند به بی‌ثباتی اجتماعی منجر شود.

مشخصه‌های رکن تقویت هارمونی اجتماعی

۱. توسعه پایدار و متوازن^{۲۹۱}

<https://www.atlantis-press.com/article/25839374.pdf>

۲۹۰ - "افکار انرژی هو جین تائو":

۲۹۱ - شاخص‌های توسعه پایدار و متوازن شامل مجموعه‌ای از معیارهای اقتصادی، محیط زیستی، اجتماعی و نهادی هستند. در زیر به برخی از شاخص‌های کلیدی اشاره شده است:

۱. شاخص‌های اقتصادی

- ✓ درآمد: مجموع درآمد حاصل از فعالیت‌های تجاری.
- ✓ ارزش افزوده: اندازه‌گیری سهم نیروی کار و سرمایه در فرآیند تولید.
- ✓ سرمایه‌گذاری سبز: سرمایه‌گذاری‌هایی که به پروژه‌های دوستدار محیط زیست اختصاص یافته‌اند.
- ✓ سرمایه‌گذاری اجتماعی: هزینه‌هایی که به نفع جوامع محلی صرف می‌شود.
- ✓ هزینه‌های تحقیق و توسعه: هزینه‌های مرتبط با نوآوری و بهبود.

۲. شاخص‌های اجتماعی

- ✓ سهم زنان در موقعیت‌های مدیریتی: درصد زنانی که در نقش‌های رهبری قرار دارند.
- ✓ ساعات آموزش کارکنان: مجموع ساعت‌هایی که برای برنامه‌های آموزشی کارکنان صرف می‌شود.
- ✓ دستمزدها و مزایا: جبران خدمات ارائه شده به کارکنان.
- ✓ حوادث ایمنی شغلی: نرخ حوادث و صدمات در محل کار.

۳. شاخص‌های محیط زیستی

- ✓ کارایی استفاده از آب: اندازه‌گیری چگونگی استفاده مؤثر از منابع آب.
- ✓ میزان تولید زباله و نرخ بازیافت: مقدار زباله تولید شده و درصدی که بازیافت یا دوباره استفاده می‌شود.
- ✓ انتشار گازهای گلخانه‌ای: مجموع انتشار گازهایی که به تغییرات اقلیمی کمک می‌کنند.
- ✓ سهم انرژی تجدیدپذیر: نسبت انرژی تأمین شده از منابع تجدیدپذیر.

۴. شاخص‌های نهادی

- ✓ تنوع هیئت مدیره: نمایندگی گروه‌های مختلف در هیئت مدیره شرکت‌ها.
- ✓ فراوانی فساد: تعداد موارد فساد در سازمان‌ها.

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

تلاش برای ایجاد توازن بین رشد اقتصادی و بهبود شرایط اجتماعی و معیشتی مردم، به ویژه در مناطق روستایی. پس از اجرای دیدگاه توسعه علمی هو جین تائو، توسعه پایدار و متوازن به یکی از ارکان اصلی سیاست‌های دولت تبدیل شد. این مفهوم به معنای ایجاد تعادل بین رشد اقتصادی و بهبود شرایط اجتماعی و معیشتی مردم، به ویژه در مناطق روستایی است. در این راستا، دولت تلاش کرد تا نه تنها بر روی افزایش تولید ناخالص داخلی تمرکز کند، بلکه به نیازهای اساسی مردم نیز توجه داشته باشد. این رویکرد شامل سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، آموزش و پرورش، و بهبود خدمات بهداشتی و اجتماعی بود که هدف آن ارتقاء کیفیت زندگی در جوامع روستایی و کاهش نابرابری‌های اجتماعی بود.

یکی از جنبه‌های مهم توسعه پایدار، توجه به حفاظت از محیط زیست و منابع طبیعی بود. هو جین تائو بر اهمیت ایجاد یک جامعه دوستدار محیط زیست تأکید داشت و سیاست‌هایی را برای کاهش آلودگی و استفاده بهینه از منابع طبیعی معرفی کرد. این اقدامات شامل گسترش انرژی‌های تجدیدپذیر مانند انرژی خورشیدی و بادی بود که نه تنها به کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی کمک کرد بلکه به ایجاد شغل‌های جدید و تقویت اقتصاد محلی نیز انجامید. این رویکرد نشان‌دهنده تعهد دولت به توسعه‌ای بود که همزمان با حفظ محیط زیست صورت گیرد.

دولت همچنین برنامه‌هایی را برای ارتقاء عدالت اجتماعی و کاهش فقر در مناطق روستایی اجرا کرد. این برنامه‌ها شامل تأمین اعتبار برای کشاورزان، افزایش دسترسی به خدمات آموزشی و بهداشتی، و ترویج فناوری‌های نوین در کشاورزی بود. هدف این اقدامات افزایش درآمد کشاورزان و بهبود شرایط زندگی آن‌ها بود که می‌توانست منجر به کاهش نابرابری‌های اقتصادی شود. با این حال، چالش‌هایی نیز وجود داشت که نیازمند توجه بیشتر دولت بودند تا اطمینان حاصل شود که همه اقشار جامعه از مزایای رشد اقتصادی بهره‌مند می‌شوند.

در نهایت، توسعه پایدار و متوازن تحت رهبری هو جین تائو نه تنها بر روی ابعاد اقتصادی متمرکز بود بلکه جنبه‌های اجتماعی و زیست‌محیطی را نیز مد نظر قرار می‌داد. این رویکرد جامع نشان‌دهنده تغییر نگرش چین نسبت به توسعه بود که تلاش می‌کرد تا یک مدل توسعه‌ای را ارائه دهد که همزمان با رشد اقتصادی، عدالت اجتماعی و حفاظت از محیط زیست را نیز تضمین کند. این تغییرات پایه‌ای برای آینده‌ای پایدارتر برای چین فراهم آوردند.^{۲۹۲} برای یادگیری درباره موقعیت کشورهای مختلف در زمینه توسعه پایدار و متوازن در جهان، می‌توانید به گزارش جهانی توسعه پایدار که توسط سازمان ملل متحد به آدرس <https://unstats.un.org/sdgs/> منتشر می‌شود مراجعه کنید.

✓ آموزش مدیریت درباره ضد فساد: برنامه‌هایی که هدفشان آموزش مدیریت درباره شیوه‌های اخلاقی است.

این شاخص‌ها برای ارزیابی پیشرفت به سمت اهداف توسعه پایدار (SDGs) ضروری هستند و اطمینان حاصل می‌کنند که توسعه در ابعاد مختلف متوازن است. این شاخص‌ها به سازمان‌ها و دولت‌ها کمک می‌کنند تا سهم خود را در زمینه پایداری اندازه‌گیری کرده و زمینه‌های بهبود را شناسایی کنند. برای اطلاعات بیشتر، می‌توانید به منابعی مانند شاخص‌های هسته‌ای UNCTAD برای پایداری، شاخص‌های توسعه بانک جهانی یا چارچوب شاخص‌های SDG سازمان ملل مراجعه کنید.

۲۹۲ - "چشم انداز علمی توسعه": https://www.chinadaily.com.cn/china/cpc2011/2010-09/08/content_12474310.htm

۲. عدالت اجتماعی: ۲۹۳

تقویت سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی برای تضمین توزیع عادلانه‌تر منابع و کاهش شکاف‌های طبقاتی. پس از اجرای دیدگاه توسعه علمی هو جین تائو، **استقرار عدالت اجتماعی** به یکی از ارکان اصلی سیاست‌های دولت تبدیل شد. این مفهوم به معنای تقویت سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی برای تضمین توزیع عادلانه‌تر منابع و کاهش فاصله‌های طبقاتی است. در این راستا، دولت تلاش کرد تا با اجرای برنامه‌هایی مانند افزایش یارانه‌ها، بهبود خدمات بهداشتی و آموزشی، و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های اجتماعی، شرایط زندگی اقشار کم‌درآمد و مناطق محروم را بهبود بخشد. این رویکرد نه تنها به کاهش نابرابری‌های اقتصادی کمک کرد بلکه موجب ارتقاء کیفیت زندگی مردم نیز شد.

یکی از جنبه‌های کلیدی عدالت اجتماعی، توجه به نیازهای اقشار آسیب‌پذیر جامعه بود. دولت هو جین تائو با هدف ایجاد یک **جامعه هماهنگ**، سیاست‌هایی را برای حمایت از گروه‌های مختلف اجتماعی، از جمله زنان، سالمندان و اقلیت‌ها اجرا کرد. این سیاست‌ها شامل برنامه‌های آموزشی ویژه، دسترسی به خدمات درمانی و حمایت‌های مالی بود که هدف آن افزایش فرصت‌های برابر برای همه اقشار جامعه بود. با این اقدامات، دولت سعی داشت تا حس تعلق و مشارکت اجتماعی را در بین مردم تقویت کند. علاوه بر این، هو جین تائو بر اهمیت **توسعه پایدار** تأکید داشت که به معنای ترکیب رشد اقتصادی با عدالت اجتماعی است. او تلاش کرد تا سیاست‌های اقتصادی را به گونه‌ای طراحی کند که نه تنها بر رشد تولید ناخالص داخلی تمرکز کند بلکه به نیازهای اجتماعی نیز پاسخ دهد. این رویکرد شامل استفاده از شاخص‌هایی مانند تولید ناخالص داخلی سبز بود که تأثیرات

۲۹۳ - شاخص عدالت اجتماعی مجموعه‌ای از معیارها است که به ارزیابی وضعیت عدالت اجتماعی در جوامع مختلف کمک می‌کند. این شاخص‌ها معمولاً شامل ابعاد مختلفی هستند که به بررسی نابرابری‌ها و فرصت‌های اجتماعی می‌پردازند. در زیر به برخی از مهم‌ترین ابعاد و شاخص‌های عدالت اجتماعی اشاره شده است:

ابعاد اصلی شاخص عدالت اجتماعی

۱. پیشگیری از فقر: اندازه‌گیری اقدامات و سیاست‌هایی که به کاهش فقر کمک می‌کنند.
۲. آموزش برابر: بررسی دسترسی به آموزش با کیفیت برای همه اقشار جامعه.
۳. دسترسی به بازار کار: ارزیابی فرصت‌های شغلی و دسترسی به مشاغل مناسب برای تمامی افراد.
۴. شمول اجتماعی و عدم تبعیض: بررسی میزان شمول افراد در فرآیندهای اجتماعی و اقتصادی بدون توجه به نژاد، جنسیت یا وضعیت اقتصادی.
۵. عدالت بین نسلی: ارزیابی اینکه آیا نسل‌های آینده نیز از فرصت‌های برابر برخوردار خواهند بود یا خیر.
۶. سلامت: بررسی دسترسی به خدمات بهداشتی و سلامت برای تمامی افراد جامعه.

مثال‌هایی از شاخص‌های عدالت اجتماعی

شاخص عدالت اجتماعی اتحادیه اروپا: این شاخص شامل ۳۵ معیار است و کشورها را بر اساس ابعاد مختلف عدالت اجتماعی رتبه‌بندی می‌کند. شاخص عدالت اجتماعی آداسینا: این شاخص بر اساس چهار معیار اصلی شامل عدالت نژادی، جنسیتی، اقتصادی و اقلیمی طراحی شده است. این شاخص‌ها به دولت‌ها، سازمان‌ها و محققان کمک می‌کنند تا وضعیت عدالت اجتماعی را در جوامع مختلف ارزیابی کرده و سیاست‌های مؤثری برای بهبود آن تدوین کنند.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

زیست‌محیطی و اجتماعی توسعه را در نظر می‌گرفت. این تغییرات نشان‌دهنده یک تغییر اساسی در نگرش دولت نسبت به توسعه بود که هدف آن رسیدن به یک جامعه عادلانه‌تر و پایدارتر بود. در نهایت، استقرار عدالت اجتماعی تحت رهبری هو جین‌تائو نه تنها بر روی ابعاد اقتصادی متمرکز بود بلکه جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی را نیز مد نظر قرار می‌داد. این رویکرد جامع نشان‌دهنده تعهد دولت به ایجاد یک جامعه هماهنگ و عادلانه بود که در آن همه افراد بتوانند از مزایای رشد اقتصادی بهره‌مند شوند. با توجه به چالش‌هایی که هنوز وجود دارد، این تلاش‌ها پایه‌ای برای آینده‌ای پایدارتر و عادلانه‌تر برای چین فراهم آوردند. برای یادگیری درباره موقعیت کشورهای مختلف در زمینه استقرار عدالت اجتماعی در جهان، می‌توانید به گزارش **جهانی توسعه انسانی** که توسط Program for the United Nations Development (UNDP) منتشر می‌شود مراجعه کنید. این گزارش داده‌های جامع درباره وضعیت کشورهای مختلف در زمینه عدالت اجتماعی و توسعه انسانی را ارائه می‌دهد که می‌توان به آدرس <http://hdr.undp.org/en/> مراجعه فرمایید.^{۲۹۴}

۳. تقویت مشارکت مردم:

تشویق مردم به مشارکت فعال در فرآیندهای اجتماعی و سیاسی و تضمین حقوق شهروندی. پس از اجرای دیدگاه توسعه علمی هو جین‌تائو، **تقویت مشارکت مردم** به عنوان یکی از ارکان اصلی سیاست‌های دولت مطرح شد. این مفهوم به معنای تشویق مردم به مشارکت فعال در فرآیندهای اجتماعی و سیاسی و تضمین حقوق مدنی آن‌ها است. دولت هو با هدف ایجاد یک **جامعه هماهنگ**، تلاش کرد تا فضایی فراهم کند که در آن شهروندان بتوانند نظرات و نیازهای خود را بیان کنند و در تصمیم‌گیری‌های مربوط به مسائل اجتماعی و اقتصادی مشارکت داشته باشند. این رویکرد نه تنها به افزایش حس تعلق و مسئولیت اجتماعی کمک کرد بلکه تقویت اعتماد عمومی به نهادهای دولتی نیز شد.

یکی از نمونه‌های بارز این تلاش‌ها، برگزاری **انتخابات محلی** بود که به مردم اجازه می‌داد نمایندگان خود را انتخاب کنند. این انتخابات، که در بسیاری از مناطق روستایی برگزار می‌شد، فرصتی برای مردم فراهم کرد تا در فرآیندهای سیاسی شرکت کنند و صدای خود را در تصمیم‌گیری‌های محلی بشنوند. همچنین، دولت برنامه‌هایی را برای آموزش شهروندان درباره حقوق و مسئولیت‌های خود اجرا کرد که هدف آن افزایش آگاهی عمومی و توانمندسازی مردم بود. این اقدامات به تقویت مشارکت اجتماعی و سیاسی کمک کرد و نشان‌دهنده تعهد دولت به ایجاد یک جامعه دموکراتیک‌تر بود.

دولت هو همچنین بر اهمیت **حقوق مدنی** تأکید داشت و تلاش کرد تا زمینه‌های قانونی لازم برای حمایت از حقوق شهروندان را فراهم کند. این شامل اصلاحات قانونی برای حفاظت از حقوق بشر و ترویج عدالت اجتماعی بود. با ایجاد نهادهایی برای رسیدگی به شکایات شهروندان و تضمین حقوق اساسی آن‌ها، دولت سعی داشت تا

۲۹۴ - "نقشه راه هو جین‌تائو به سوی آینده چین":

<https://www.nottingham.ac.uk/iaps/documents/cpi/briefings/briefing-28-hu-jintao-road-map-party-congress-analysis.pdf>

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

اطمینان حاصل کند که همه افراد جامعه از حقوق خود بهره‌مند شوند. این رویکرد نه تنها به کاهش نابرابری‌ها کمک کرد بلکه موجب افزایش اعتماد عمومی به سیستم قضایی نیز شد.

در نهایت، تقویت مشارکت مردم تحت رهبری هو جین تائو نشان‌دهنده تغییر نگرش دولت نسبت به نقش شهروندان در فرآیندهای اجتماعی و سیاسی بود. این رویکرد جامع نه تنها بر روی ابعاد سیاسی متمرکز بود بلکه جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی را نیز مد نظر قرار می‌داد. با توجه به چالش‌هایی که هنوز وجود دارد، این تلاش‌ها پایه‌ای برای آینده‌ای پایدارتر و عادلانه‌تر برای چین فراهم آوردند.^{۲۹۵}

برای یادگیری درباره موقعیت کشورهای مختلف در زمینه تقویت مشارکت مردم در جهان، می‌توانید به گزارش **جهانی آزادی** که توسط **Freedom House** منتشر می‌شود مراجعه کنید. این گزارش داده‌های جامع درباره وضعیت آزادی‌های مدنی و سیاسی در کشورهای مختلف را ارائه می‌دهد که برای آشنایی با آن آدرس <https://freedomhouse.org/report/freedom-world> مراجعه کنید.

۴. امنیت اجتماعی و رفاه:

تأکید بر تأمین امنیت اجتماعی برای تمامی اقشار جامعه و افزایش سطح رفاه اجتماعی. پس از اجرای دیدگاه توسعه علمی هو جین تائو، **امنیت اجتماعی و رفاه** به عنوان یکی از ارکان اصلی سیاست‌های دولت مطرح شد. این مفهوم به معنای تضمین امنیت اجتماعی برای تمامی اقشار جامعه و افزایش سطح رفاه اجتماعی است. دولت تلاش کرد تا با ایجاد سیستم‌های حمایتی مؤثر، شرایط زندگی مردم را بهبود بخشد و به ویژه بر روی اقشار آسیب‌پذیر جامعه تمرکز کند. این رویکرد شامل تأسیس سیستم‌های بیمه اجتماعی، یارانه‌ها و برنامه‌های حمایتی برای خانواده‌های کم‌درآمد بود که هدف آن کاهش فقر و ارتقاء کیفیت زندگی بود.

یکی از اقدامات کلیدی در این زمینه، تقویت **سیستم تأمین اجتماعی** بود. دولت هو جین تائو برنامه‌هایی را برای گسترش پوشش بیمه اجتماعی در مناطق روستایی و شهری اجرا کرد. این برنامه‌ها شامل بیمه بازنشستگی، بیمه سلامت و حمایت‌های مالی برای خانواده‌های نیازمند بود. به عنوان مثال، برنامه **کمک هزینه معیشتی** برای خانواده‌های کم‌درآمد به منظور تأمین حداقل نیازهای زندگی آن‌ها طراحی شد. این اقدامات نه تنها به بهبود شرایط زندگی افراد کمک کرد بلکه حس امنیت و اعتماد به نفس را در جامعه تقویت نمود.

دولت همچنین بر اهمیت **آموزش و پرورش** در ارتقاء رفاه اجتماعی تأکید داشت. با اجرای برنامه‌هایی برای فراهم کردن آموزش رایگان و اجباری در مناطق روستایی، دولت سعی کرد تا فرصت‌های برابر آموزشی را برای همه اقشار جامعه فراهم کند. این اقدامات به ویژه در کاهش نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی مؤثر بود و به جوانان این امکان را می‌داد که مهارت‌های لازم برای ورود به بازار کار را کسب کنند. همچنین، افزایش دسترسی به خدمات بهداشتی و درمانی نیز جزء برنامه‌های کلیدی دولت بود که هدف آن ارتقاء سطح سلامت عمومی جامعه بود.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

در نهایت، امنیت اجتماعی و رفاه تحت رهبری هو جین تائو نه تنها بر روی ابعاد اقتصادی متمرکز بود بلکه جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی را نیز مد نظر قرار می‌داد. این رویکرد جامع نشان‌دهنده تعهد دولت به ایجاد یک جامعه عادلانه‌تر و پایدارتر بود که در آن همه افراد بتوانند از مزایای رشد اقتصادی بهره‌مند شوند. با توجه به چالش‌هایی که هنوز وجود دارد، این تلاش‌ها پایه‌ای برای آینده‌ای بهتر و عادلانه‌تر برای چین فراهم آوردند.^{۲۹۶}

برای یادگیری درباره موقعیت کشورهای مختلف در زمینه امنیت اجتماعی و رفاه مردم در جهان، می‌توانید به گزارش جهانی رفاه که توسط OECD منتشر می‌شود مراجعه کنید. گزارش داده‌های جامع درباره وضعیت رفاه اجتماعی در کشورهای مختلف می‌توانید در آدرس <https://www.oecd.org/social/> مشاهده فرمایید.

تغییرات پس از اجرای این طرح

۱. کاهش شکاف‌های اجتماعی:

بعد از اجرای این طرح‌ها، شکاف‌های اجتماعی در چین به‌طور نسبی کاهش یافت. در حالی که شکاف‌ها همچنان وجود داشت، اما سیاست‌های دولت باعث افزایش دسترسی به خدمات عمومی برای اقشار مختلف جامعه شد. قبل از اجرای سیاست‌های هو جین تائو که هدف آن کاهش شکاف‌های اجتماعی بود، چین با نابرابری‌های قابل توجهی بین طبقات اجتماعی مختلف مواجه بود. رشد سریع اقتصادی در اوایل دهه ۲۰۰۰ منجر به گسترش شکاف ثروت، به ویژه بین مناطق شهری و روستایی شد. ساکنان شهری از دسترسی به منابع، خدمات و فرصت‌های شغلی بهتری برخوردار بودند، در حالی که جمعیت روستایی غالباً با فقر و دسترسی محدود به آموزش و بهداشت مواجه بودند. تمرکز دولت بر صنعتی‌سازی و شهرنشینی این نابرابری‌ها را تشدید کرد و باعث نارضایتی اجتماعی در میان جوامع حاشیه‌نشین شد.

پس از اجرای طرح‌های هو جین تائو، به ویژه در طول برنامه پنج‌ساله یازدهم (۲۰۰۶-۲۰۱۰)، تلاش‌هایی برای رسیدگی به این نابرابری‌ها صورت گرفت. دولت سیاست‌های مختلفی را برای افزایش دسترسی به خدمات عمومی برای تمامی اقشار جامعه معرفی کرد. به عنوان مثال، ابتکار "ساخت یک روستای جدید سوسیالیستی" با هدف بهبود زیرساخت‌ها، خدمات بهداشتی و آموزشی در مناطق روستایی طراحی شد. علاوه بر این، دولت سیستم‌های تأمین اجتماعی را گسترش داد تا شامل ساکنان بیشتری از مناطق روستایی شود که به کاهش برخی از شکاف‌هایی که قبلاً وجود داشت کمک کرد. این اقدامات منجر به کاهش نسبی شکاف‌های اجتماعی شد، هرچند چالش‌ها همچنان باقی ماند.

با تمرکز بر عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه منابع، دولت هو جین تائو تلاش کرد تا جامعه‌ای هماهنگ‌تر ایجاد کند. سیاست‌هایی برای اطمینان از این که رشد اقتصادی به نفع همه شهروندان باشد، نه فقط گروهی خاص، اجرا شد. به عنوان مثال، دولت سرمایه‌گذاری در برنامه‌های رفاه عمومی را افزایش داد و حمایت مالی برای

۲۹۶ - "متن کامل گزارش هو جین تائو در هفدهمین کنگره حزب":

http://gb.china-embassy.gov.cn/eng/zywl/۲۰۰۷۱۰/۲۰۰۷/۲۰۰۷۱۰۳۱_۳۳۸۶۹۲۷.htm

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

خانواده‌های کم‌درآمد فراهم کرد. این تغییر در جهت‌گیری سیاست‌ها نشان‌دهنده تغییر اساسی در رویکرد دولت نسبت به رسیدگی به نابرابری درآمدی و بهبود شرایط زندگی برای گروه‌های آسیب‌پذیر بود. با وجود این تلاش‌ها، تا سال ۲۰۲۴ چالش‌هایی در زمینه ریشه‌کن کردن کامل فقر در چین باقی مانده است. بر اساس برآوردهای اخیر، حدود ۳۰ میلیون نفر در چین زیر خط فقر زندگی می‌کنند. این معادل یک درآمد سالانه حدود ۱,۰۰۰ دلار یا تقریباً ۲,۷۴ دلار در روز برای افرادی است که به عنوان فقیر شناخته می‌شوند. هرچند پیشرفت‌های قابل توجهی در کاهش سطح فقر حاصل شده است، اما تلاش‌های مداوم برای اطمینان از بهره‌مندی همه شهروندان از رشد اقتصادی چین ضروری است. برای یادگیری درباره موقعیت کشورهای مختلف در زمینه شکاف‌های اجتماعی در سطح جهانی، می‌توانید به پایگاه داده جهانی نابرابری به آدرس <https://wid.world/> مراجعه کنید. این منبع داده‌های جامع درباره توزیع درآمد و نابرابری در کشورهای مختلف را ارائه می‌دهد.

۲. توسعه متوازن اقتصادی:

رشد اقتصادی در مناطق روستایی به‌ویژه در غرب چین افزایش یافت، و پروژه‌های توسعه زیرساختی در این مناطق آغاز شد. این باعث افزایش درآمد کشاورزان و بهبود شرایط زندگی آن‌ها شد. پس از اجرای طرح‌های هو جین‌تائو، توسعه اقتصادی متوازن به یکی از اهداف اصلی سیاست‌های دولت تبدیل شد. این تغییرات به ویژه در مناطق روستایی و غربی چین مشهود بود، جایی که دولت تلاش کرد تا با سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و پروژه‌های توسعه‌ای، شکاف‌های اقتصادی را کاهش دهد. برنامه‌هایی مانند ساخت یک روستای جدید سوسیالیستی به منظور بهبود شرایط زندگی کشاورزان و افزایش درآمد آن‌ها طراحی شد. این برنامه‌ها شامل بهبود دسترسی به خدمات بهداشتی، آموزشی و زیرساخت‌های حمل و نقل بود که به افزایش کیفیت زندگی در این مناطق کمک کرد. یکی از جنبه‌های کلیدی توسعه متوازن، توجه به مناطق کمتر توسعه‌یافته بود. دولت با هدف کاهش نابرابری‌ها و ایجاد فرصت‌های برابر برای همه اقشار جامعه، منابع مالی را به سمت پروژه‌های زیرساختی در غرب چین هدایت کرد. این پروژه‌ها شامل ساخت جاده‌ها، پل‌ها و تأسیسات عمومی بود که نه تنها به تسهیل ارتباطات کمک کردند بلکه زمینه‌ساز رشد اقتصادی در این مناطق شدند. این اقدامات باعث افزایش درآمد کشاورزان و بهبود شرایط معیشتی آن‌ها شد و در نتیجه، شکاف‌های اجتماعی و اقتصادی کاهش یافت. علاوه بر این، هو جین‌تائو بر اهمیت توسعه پایدار تأکید داشت که به معنای ترکیب رشد اقتصادی با حفاظت از محیط زیست و عدالت اجتماعی است. این رویکرد شامل سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر و فناوری‌های سبز بود که هدف آن کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی و ایجاد یک اقتصاد پایدارتر بود. با اجرای این سیاست‌ها، چین توانست نه تنها به رشد اقتصادی دست یابد بلکه زمینه‌ساز توسعه‌ای شود که با نیازهای اجتماعی همخوانی داشته باشد.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

در نهایت، توسعه اقتصادی متوازن تحت رهبری هو جین تائو نشان‌دهنده تعهد دولت به ایجاد یک جامعه هماهنگ و عادلانه بود. هرچند چالش‌هایی هنوز وجود داشت، اما تلاش‌ها برای کاهش نابرابری‌ها و بهبود شرایط زندگی در مناطق روستایی پایه‌ای برای آینده‌ای پایدارتر فراهم آوردند. این تغییرات نه تنها بر روی ابعاد اقتصادی متمرکز بود بلکه جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی را نیز مد نظر قرار می‌داد.^{۲۹۷}

برای آشنایی با موقعیت کشورهای مختلف در زمینه توسعه اقتصادی متوازن در جهان، می‌توانید به گزارش جهانی توسعه پایدار که توسط سازمان ملل متحد در آدرس <https://unstats.un.org/sdgs/> منتشر شده است مراجعه کنید.

۳. پیشرفت در حقوق بشر و مشارکت اجتماعی:

بهبود شرایط اجتماعی و تقویت مشارکت سیاسی در سطح محلی باعث افزایش رضایت عمومی شد. مردم بیشتر قادر به دسترسی به حقوق اجتماعی و خدمات عمومی شدند.

پس از اجرای طرح‌های هو جین تائو، پیشرفت در حقوق بشر و مشارکت اجتماعی به عنوان یکی از اهداف کلیدی دولت مطرح شد. این تغییرات به ویژه در زمینه بهبود شرایط اجتماعی و تقویت مشارکت سیاسی در سطح محلی مشهود بود. دولت با هدف افزایش رضایت عمومی، تلاش کرد تا دسترسی مردم به حقوق اجتماعی و خدمات عمومی را تسهیل کند. این رویکرد شامل ایجاد بسترهای قانونی برای مشارکت فعال شهروندان در فرآیندهای تصمیم‌گیری و تقویت نهادهای مدنی بود که به افزایش آگاهی عمومی و توانمندسازی جامعه کمک کرد.

یکی از اقدامات مهم در این راستا، تقویت سیستم‌های محلی برای مشارکت سیاسی بود. دولت با تشویق برگزاری انتخابات محلی و ایجاد نهادهای مشورتی، به مردم این امکان را داد که نظرات خود را در مورد مسائل محلی بیان کنند. این سیاست‌ها نه تنها به افزایش شفافیت و پاسخگویی کمک کرد بلکه موجب افزایش حس تعلق و مسئولیت اجتماعی در بین شهروندان شد. همچنین، برنامه‌های آموزشی برای آشنایی مردم با حقوق خود و نحوه استفاده از آن‌ها اجرا شد که به تقویت فرهنگ دموکراسی در جامعه کمک کرد. دولت هو همچنین بر اهمیت حقوق بشر تأکید داشت و تلاش کرد تا زمینه‌های قانونی لازم برای حمایت از حقوق شهروندان را فراهم کند. این شامل اصلاحات قانونی برای حفاظت از حقوق بشر و ترویج عدالت اجتماعی بود. با ایجاد نهادهایی برای رسیدگی به شکایات شهروندان و تضمین حقوق اساسی آن‌ها، دولت سعی داشت تا اطمینان حاصل کند

۲۹۷ - "ابتکارات سیاست جدید در برنامه ۵ ساله یازدهم چین":

<https://www.nottingham.ac.uk/iaps/documents/cpi/briefings/briefing-th-five-year-plan.pdf> ۱۱-chinas-۱

"حفظ رشد اقتصادی چین: رهبران جدید، مسیرهای جدید؟":

https://scholarworks.gsu.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=۱۰۲۷&context=intlbus_facpub

"نقشه راه هو جین تائو به سوی آینده چین":

<https://www.nottingham.ac.uk/iaps/documents/cpi/briefings/briefing-۲۸-hu-jintao-road-map-party-congress-analysis.pdf>

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

که همه افراد جامعه از حقوق خود بهره‌مند شوند. این رویکرد نه تنها به کاهش نابرابری‌ها کمک کرد بلکه موجب افزایش اعتماد عمومی به سیستم قضایی نیز شد.

با وجود پیشرفت‌هایی که حاصل شد، چالش‌هایی نیز در زمینه حقوق بشر و مشارکت اجتماعی وجود داشت. انتقادات بین‌المللی نسبت به وضعیت حقوق بشر در چین همچنان ادامه داشت و برخی از فعالان حقوق بشر به دلیل فعالیت‌های خود تحت فشار قرار می‌گرفتند. با این حال، تلاش‌های دولت برای تقویت مشارکت اجتماعی و ارتقاء حقوق بشر نشان‌دهنده تعهد آن به ایجاد یک جامعه عادلانه‌تر و پایدارتر بود.

برای دسترسی به موقعیت کشورهای مختلف در زمینه پیشرفت در حقوق بشر و مشارکت اجتماعی در جهان، می‌توانید به گزارش جهانی آزادی که توسط **Freedom House** منتشر می‌شود مراجعه کنید. این گزارش داده‌های جامع درباره وضعیت آزادی‌های مدنی و سیاسی در کشورهای مختلف را می‌توانید در آدرس <https://freedomhouse.org/report/freedom-world> قابل دسترسی می‌باشد.

۴. افزایش دسترسی به خدمات عمومی:

افزایش دسترسی به خدمات بهداشت و آموزش در نواحی روستایی و کم‌درآمد، به‌ویژه در زمینه‌های بهداشت عمومی و آموزش ابتدایی.

پس از اجرای طرح‌های هو جین‌تائو، دسترسی به خدمات عمومی به یکی از اولویت‌های اصلی دولت تبدیل شد. این تغییرات به ویژه در زمینه بهبود خدمات بهداشتی و آموزشی در مناطق روستایی و کم‌درآمد مشهود بود. دولت با هدف افزایش دسترسی به خدمات اساسی، برنامه‌هایی را برای گسترش زیرساخت‌های بهداشتی و آموزشی در این مناطق اجرا کرد. این اقدامات شامل ساخت بیمارستان‌ها و مراکز بهداشتی جدید، همچنین تأمین معلمان و منابع آموزشی برای مدارس محلی بود که به افزایش کیفیت آموزش و سلامت در جامعه کمک کرد.

یکی از برنامه‌های کلیدی در این راستا، برنامه بهداشت عمومی بود که هدف آن تأمین دسترسی به خدمات بهداشتی برای تمامی اقشار جامعه بود. دولت با اجرای طرح‌هایی مانند بیمه سلامت همگانی، تلاش کرد تا هزینه‌های درمانی را برای خانواده‌های کم‌درآمد کاهش دهد. این برنامه‌ها نه تنها به افزایش دسترسی مردم به خدمات درمانی کمک کرد بلکه موجب ارتقاء سطح سلامت عمومی نیز شد. با این حال، چالش‌هایی مانند کمبود منابع و نیروی انسانی در برخی مناطق همچنان وجود داشت.

در زمینه آموزش نیز، دولت هو جین‌تائو بر آموزش ابتدایی رایگان تأکید داشت. با اجرای سیاست‌هایی برای افزایش تعداد مدارس در مناطق روستایی و ارائه یارانه‌های تحصیلی، دولت سعی کرد تا فرصت‌های آموزشی را برای کودکان در این مناطق فراهم کند. این اقدامات منجر به افزایش نرخ ثبت‌نام دانش‌آموزان و کاهش ترک تحصیل در میان دانش‌آموزان شد. همچنین، برنامه‌هایی برای آموزش معلمان و ارتقاء مهارت‌های آن‌ها نیز اجرا شد که بهبود کیفیت آموزش را تضمین می‌کرد.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

در نهایت، افزایش دسترسی به خدمات عمومی تحت رهبری هو جین تائو نشان‌دهنده تعهد دولت به ایجاد یک جامعه عادلانه‌تر و پایدارتر بود. هرچند چالش‌هایی هنوز وجود داشت، اما تلاش‌ها برای ارتقاء شرایط اجتماعی و اقتصادی در مناطق روستایی پایه‌ای برای آینده‌ای بهتر فراهم آوردند. این تغییرات نه تنها بر روی ابعاد اقتصادی متمرکز بود بلکه جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی را نیز مد نظر قرار می‌داد.^{۲۹۸}

برای مطالعه موقعیت کشورهای مختلف در زمینه افزایش دسترسی به خدمات عمومی در جهان، می‌توانید به گزارش جهانی توسعه انسانی که توسط UNDP در آدرس <http://hdr.undp.org/en/> قابل دسترسی همگان می‌باشد مراجعه کنید.

شی جین‌پینگ

د. سوسیالیسم با ویژگی‌های چینی برای عصر جدید - شی جین‌پینگ

- مدرن‌سازی سوسیالیستی: شی جین‌پینگ^{۲۹۹} ایجاد جامعه‌ای مرفه و مدرن تا سال ۲۰۴۹ (صدمین سالگرد تأسیس جمهوری خلق چین) تأکید دارد.

۲۹۸ - "هو جینتائو: ساخته دبیر کل چین":

<https://library.fes.de/libalt/journals/swetsfulltext/۱۵۹۹۵۹۴۲.pdf>

"متن کامل گزارش هو جینتائو در هجدهمین کنگره حزب":

http://np.china-embassy.gov.cn/eng/Diplomacy/201211/t20121118_1586373.htm

۲۹۹ - شی جین‌پینگ، سیاستمدار برجسته چینی، از سال ۲۰۱۲ به عنوان دبیرکل حزب کمونیست چین (CCP)، رئیس کمیسیون مرکزی نظامی و رئیس جمهوری جمهوری خلق چین (PRC) خدمت کرده است. او در تاریخ ۱۵ ژوئن ۱۹۵۳ در پکن به دنیا آمد و پسر شی ژونگ‌سین، یکی از انقلابیون کهنه‌کار و از بنیان‌گذاران جمهوری خلق چین است. دوران کودکی او تحت تأثیر آشفتگی‌های سیاسی قرار داشت؛ در دوران انقلاب فرهنگی، پدرش از مقام خود برکنار شد و شی جین‌پینگ به روستای یانچوان در استان شانشی تبعید شد، جایی که او در یک غار زندگی می‌کرد و به کار کشاورزی مشغول بود.

آغاز کار سیاسی و صعود به قدرت

کار سیاسی شی جین‌پینگ از سال ۱۹۷۴ با پیوستن به حزب کمونیست چین آغاز شد. او در دانشگاه تیانشن در رشته مهندسی شیمی تحصیل کرد و به عنوان بخشی از برنامه "کارگر-کشاورز-سرباز" توانست در سمت‌های مختلف استانی پیشرفت کند. کارنامه اولیه سیاسی او شامل سمت‌های مهمی مانند استاندار استان فوجیان از ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۲ و دبیر حزب استان ژجیانگ از ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۷ بود. در ژجیانگ، شی به خاطر موضع سخت‌گیرانه‌اش در برابر فساد و ترویج توسعه پایدار اقتصادی شناخته شد. صعود او ادامه یافت تا اینکه در سال ۲۰۰۷ به کمیته دائمی Politburo منصوب شد و به یکی از چهره‌های کلیدی در سلسله مراتب حزب تبدیل گردید. در مارس ۲۰۰۸، او به عنوان معاون رئیس‌جمهور چین انتخاب شد و بر روابط بین‌الملل و مسائل داخلی، از جمله پاسخ به بحران‌ها پس از زلزله سیچوان تمرکز کرد.

سبک رهبری و سیاست‌ها

شی جین‌پینگ رسماً در نوامبر ۲۰۱۲ به عنوان دبیرکل حزب کمونیست چین منصوب شد و در مارس ۲۰۱۳ رئیس‌جمهور شد. رهبری او با تمرکز قوی بر قدرت متمایز شده است. یکی از اولین ابتکارات بزرگ او، یک کمپین ضد فساد سراسری بود که منجر به برکناری و مجازات هزاران مقام در سطوح مختلف دولت شد. این کمپین نه تنها هدفش مقابله با فساد بود بلکه به حذف رقبای سیاسی و تقویت تسلط شی بر قدرت نیز کمک کرد. در دوران رهبری شی، چین موضعی قاطع‌تر در امور بین‌المللی اتخاذ کرده است. او بر ادعاهای سرزمینی چین در دریای جنوبی چین تأکید کرده و پروژه‌هایی مانند "یک کمربند، یک جاده" را ترویج کرده که هدف آن افزایش تجارت و اتصال زیرساخت‌ها در آسیا، اروپا و فراتر از آن است.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

- مبارزه با فساد: اصلاحات داخلی برای تقویت مشروعیت حزب.
- رهبری جهانی: تبدیل چین به یک ابرقدرت اقتصادی و سیاسی.

مدرن سازی سوسیالیستی

مدرن سازی سوسیالیستی با تمرکز بر قدرت ملی در اندیشه شی جین پینگ

شی جین پینگ، رئیس جمهور چین و دبیر کل حزب کمونیست چین، در دیدگاه خود به مدرن سازی سوسیالیستی، بر قدرت ملی به عنوان یکی از ارکان اصلی توسعه چین تأکید داشته است. این دیدگاه در اصل ترکیبی از سوسیالیسم با ویژگی های چینی و ضرورت تقویت موقعیت جهانی چین به عنوان یک ابرقدرت اقتصادی و سیاسی است. هدف اصلی از این دیدگاه، دستیابی به توسعه پایدار و ارتقای جایگاه چین در عرصه بین المللی است.

ویژگی های مدرن سازی سوسیالیستی

۱. تقویت قدرت اقتصادی و صنعتی:

شی جین پینگ تأکید کرده که چین باید به یک قدرت اقتصادی بزرگ تبدیل شود و از طریق توسعه صنایع پیشرفته و فناوری های نوین به استقلال اقتصادی دست یابد. چین در این راستا به گسترش زیرساخت ها و صنعتی سازی مدرن پرداخته است

دولت شی جین پینگ بر **تقویت قدرت اقتصادی و صنعتی** به عنوان یکی از ارکان اصلی دیدگاه خود برای مدرن سازی سوسیالیستی تأکید کرده است. یکی از مهم ترین ابتکارات در این زمینه، استراتژی "**ساخته شده در چین ۲۰۲۵**" است که در سال ۲۰۱۵ راه اندازی شد و هدف آن تبدیل چین به یک رهبر جهانی در تولید پیشرفته است. این طرح بر ارتقاء فناوری در بخش های مختلفی مانند رباتیک، هوافضا و انرژی های سبز تمرکز دارد. با تعیین اهداف بلندپروازانه برای تولید داخلی و خودکفایی فناوری، این ابتکار به دنبال کاهش وابستگی چین به فناوری های خارجی و افزایش قدرت رقابتی آن در بازار جهانی است.

یکی دیگر از تلاش های کلیدی تحت رهبری شی، **ترویج نوآوری فناوری** به عنوان نیروی محرکه رشد اقتصادی بوده است. دولت به شدت در تحقیق و توسعه (R&D) سرمایه گذاری کرده تا پیشرفت هایی را در صنایع با

تأثیر ایدئولوژیک

ایدئولوژی شی جین پینگ هم اکنون در قانون اساسی حزب کمونیست چین و قانون اساسی ملی چین گنجانده شده است که او را به یکی از معدود رهبران تاریخ تبدیل کرده که این افتخار را کسب کرده اند. افکار او درباره سوسیالیسم با ویژگی های چینی، سیاست های داخلی و استراتژی های بین المللی را شکل داده است. تأکید بر احیای ملی بسیاری از سیاست های او را هدایت می کند که هدف آن بازگرداندن وضعیت تاریخی چین به عنوان یک قدرت جهانی است.

به عنوان رهبر برجسته چین، شی جین پینگ تأثیر قابل توجهی بر حکومت داخلی و روابط بین المللی گذاشته است. دوره رهبری او با ترکیبی از اصلاحات اقتصادی، کنترل شدید بر نارضایتی سیاسی و چشم انداز بلندپروازانه برای نقش چین در صحنه جهانی مشخص شده است. با ادامه رهبری او در دوره ای که با تغییرات سریع و پیچیدگی های فزاینده در دینامیک های بین المللی همراه است، میراث شی احتمالاً سال ها تحت بررسی قرار خواهد گرفت.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

فناوری بالا مانند هوش مصنوعی، بیوتکنولوژی و نیمه‌هادی‌ها ایجاد کند. بر اساس گزارش‌ها، چین در سال ۲۰۱۹ حدود ۱,۷٪ از تولید ناخالص داخلی خود را به تحقیق و توسعه اختصاص داد که به طور قابل توجهی بیشتر از بسیاری از کشورهای دیگر است. این سرمایه‌گذاری نشان‌دهنده دیدگاه شی برای دستیابی به استقلال اقتصادی از طریق نوآوری و پیشرفت‌های فناوری است و چین را به عنوان یک بازیگر قدرتمند در عرصه فناوری جهانی معرفی می‌کند.

علاوه بر این استراتژی‌ها، شی جین‌پینگ توسعه زیرساخت‌ها را به عنوان راهی برای تقویت قابلیت‌های صنعتی در اولویت قرار داده است. پروژه‌های بزرگی مانند **ابتکار کمربند و جاده (BRI)** هدفشان افزایش ارتباطات و مسیرهای تجاری بین چین و کشورهای دیگر است که دسترسی به بازارها و منابع را تسهیل می‌کند. با سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها هم در داخل کشور و هم در سطح بین‌المللی، شی به دنبال ایجاد یک محیط اقتصادی یکپارچه‌تر است که از رشد صنعتی حمایت کند. این رویکرد نه تنها موقعیت اقتصادی چین را تقویت می‌کند بلکه نفوذ آن را در سطح جهانی گسترش می‌دهد.

علاوه بر این، دولت شی سیاست‌هایی را برای حمایت از شرکت‌های دولتی (SOEs) اجرا کرده و همزمان نظارت بیشتری بر بخش خصوصی اعمال کرده است. این رویکرد دوگانه به منظور اطمینان از رقابت‌پذیری شرکت‌های دولتی در صنایع کلیدی و حفظ کنترل دولت بر بخش‌های استراتژیک طراحی شده است. با تقویت نقش شرکت‌های دولتی، شی به دنبال تأمین پایه صنعتی چین در برابر فشارهای خارجی و ایجاد اقتصادی مقاوم‌تر است که قادر به مقابله با چالش‌های جهانی باشد.^{۳۰۰}

برای آشنایی با موقعیت کشورهای مختلف در زمینه تقویت قدرت اقتصادی و صنعتی در سطح جهانی، می‌توانید به گزارش رقابت‌پذیری جهانی که توسط مجمع جهانی اقتصاد به آدرس ذیل:

<https://www.weforum.org/reports/global-competitiveness-report-2023> منتشر می‌شود مراجعه کنید.

این گزارش بینش‌هایی درباره رقابت‌پذیری کشورهای مختلف بر اساس عواملی مانند قابلیت نوآوری، کیفیت زیرساخت‌ها و آمادگی فناوری ارائه می‌دهد.

۲. تقویت قدرت نظامی و دفاعی:

یکی از ارکان اصلی سیاست‌های شی جین‌پینگ در زمینه قدرت ملی، ارتقای قدرت نظامی چین است. او تأکید کرده که چین باید قادر به دفاع از منافع خود در سطح جهانی باشد.

۳۰۰ - "وضعیت اقتصاد شی جین‌پینگ":

<https://www.thewirechina.com/۰۵/۰۱/۲۰۲۵/barry-naughton-on-the-state-of-the-xi-jinping-economy/>

"اقتصاد به روایت شی جین‌پینگ: یک جهش تکنولوژیک رو به جلو"

<https://www.osw.waw.pl/en/publikacje/osw-commentary/۲۱-۰۸-۲۰۲۴/economy-according-to-xi-jinping-a-technological-leap-forward>

"معمای اقتصادی چین در زمان شی جین‌پینگ"

<https://eastasiaforum.org/۳۰/۰۶/۲۰۲۴/chinas-economic-conundrum-under-xi-jinping/>

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

شی جین‌پینگ در راستای تقویت قدرت نظامی و دفاعی چین، اقداماتی اساسی را انجام داده است که به عنوان بخشی از سیاست‌های مدرن‌سازی سوسیالیستی وی شناخته می‌شود. یکی از اقدامات کلیدی، راه‌اندازی برنامه‌های گسترده اصلاح و مدرن‌سازی ارتش آزادی‌بخش مردم (PLA) است که از سال ۲۰۱۵ آغاز شده و هدف آن تبدیل PLA به یک نیروی نظامی مدرن و توانمند است. این برنامه شامل تغییرات ساختاری، بهبود قابلیت‌های نظامی و افزایش توانایی‌های دفاعی در همه زمینه‌ها می‌باشد. شی بر این نکته تأکید دارد که چین باید قادر باشد تا منافع خود را در سطح جهانی دفاع کند و برای این منظور، ارتش باید به یک نیروی "جهانی" تبدیل شود.

یکی دیگر از اقدامات مهم، توسعه نیروی دریایی چین است که به سرعت در حال گسترش است. شی جین‌پینگ بر اهمیت تبدیل PLA به یک قدرت دریایی عمده تأکید کرده و سرمایه‌گذاری‌های زیادی در ساخت و تجهیز ناوگان دریایی صورت گرفته است. با توجه به گزارش‌ها، نیروی دریایی چین اکنون بزرگ‌ترین نیروی دریایی جهان از نظر تعداد کشتی‌ها محسوب می‌شود. این تغییرات نه تنها نشان‌دهنده تعهد چین به تقویت قابلیت‌های نظامی خود در آب‌های ساحلی بلکه نشان‌دهنده تمایل آن برای گسترش نفوذ خود در آب‌های بین‌المللی نیز می‌باشد.

شی همچنین بر نوآوری فناوری در حوزه نظامی تأکید دارد. برنامه‌هایی برای ادغام فناوری‌های پیشرفته مانند هوش مصنوعی، یادگیری ماشین و سیستم‌های بدون سرنشین در عملیات نظامی PLA طراحی شده است. هدف این است که PLA به یک نیروی "هوشمند" تبدیل شود که بتواند در جنگ‌های مدرن به طور مؤثر عمل کند. این نوآوری‌ها به چین کمک می‌کند تا توانایی‌های خود را در برابر رقبای جهانی تقویت کند و از تکنولوژی‌های پیشرفته برای ارتقاء قابلیت‌های نظامی استفاده نماید. در نهایت، شی جین‌پینگ بر آموزش و آماده‌سازی نیروها نیز تأکید دارد. او بارها بر لزوم تقویت تمرینات نظامی و افزایش آمادگی جنگی نیروها تأکید کرده است. با بازدیدهای مکرر از مراکز نظامی و تشویق به تمرینات واقعی‌تر، شی سعی دارد تا اطمینان حاصل کند که PLA آماده مقابله با چالش‌ها و تهدیدات بالقوه باشد. این رویکرد نشان‌دهنده عزم چین برای تبدیل شدن به یک قدرت نظامی معتبر و قابل احترام در سطح جهانی است.

برای یادگیری درباره موقعیت کشورهای مختلف در زمینه قدرت نظامی و دفاعی در جهان، می‌توانید به گزارش جهانی قدرت نظامی که توسط Global Firepower به آدرس <https://www.globalfirepower.com/> منتشر می‌شود مراجعه کنید.

۳. تقویت هویت فرهنگی و ملی:

شی جین‌پینگ همچنین به لزوم تقویت هویت ملی چین و توجه به میراث فرهنگی این کشور تأکید دارد. این رویکرد به گسترش هویت ملی و تقویت افتخار به تاریخ و فرهنگ چین در بین مردم کمک کرده است.

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

شی جین‌پینگ در راستای تقویت هویت فرهنگی و ملی چین، اقداماتی مهم را انجام داده است که به تقویت احساس ملی‌گرایی و افتخار به تاریخ و فرهنگ چین کمک کرده است. یکی از این اقدامات، راه‌اندازی کمپین احیای فرهنگ چینی بود که هدف آن ترویج ارزش‌های سنتی و فرهنگی این کشور است. این کمپین به دنبال بازگرداندن و تقویت آداب و رسوم، زبان و هنرهای سنتی چین است. شی بر این نکته تأکید دارد که بدون شناخت و حفظ فرهنگ غنی چین، نمی‌توان به احیای ملی و پیشرفت پایدار دست یافت. این رویکرد به تقویت هویت ملی و ایجاد حس تعلق در بین مردم کمک کرده است.

یکی دیگر از اقدامات کلیدی، ترویج "اعتماد به فرهنگ" است که شی جین‌پینگ آن را به عنوان یک نیروی بنیادی برای پیشرفت ملی معرفی کرده است. او در سخنرانی‌های خود بر اهمیت فرهنگ در شکل‌دهی به هویت ملی تأکید کرده و خواستار تقویت اعتماد به نفس فرهنگی در میان مردم شده است. این رویکرد شامل سرمایه‌گذاری در برنامه‌های آموزشی برای آموزش تاریخ و فرهنگ چین به نسل‌های جوان‌تر و همچنین ترویج آثار هنری و ادبیات چینی می‌شود. با این اقدامات، دولت سعی دارد تا نسل جدید را با ارزش‌ها و میراث فرهنگی کشور آشنا کند. شی همچنین بر تقویت ارتباطات بین‌المللی و ترویج تبادل فرهنگی تأکید دارد. او معتقد است که برای افزایش نفوذ فرهنگی چین در سطح جهانی، باید با دیگر فرهنگ‌ها تعامل مثبت داشته باشیم. این سیاست شامل برگزاری جشنواره‌های فرهنگی، نمایشگاه‌ها و رویدادهای هنری در خارج از کشور است که هدف آن معرفی فرهنگ غنی چین به جهانیان و ایجاد پل‌های ارتباطی با دیگر ملل است. این اقدامات نه تنها به تقویت هویت ملی کمک می‌کند بلکه موقعیت چین را در عرصه جهانی نیز تقویت می‌کند.

در نهایت، شی جین‌پینگ با تأکید بر ادغام اصول مارکسیسم با فرهنگ چینی، سعی دارد تا یک هویت ملی یکپارچه ایجاد کند که شامل همه اقشار جامعه باشد. او بر لزوم احترام به تنوع قومی در چین تأکید کرده و خواستار همزیستی مسالمت‌آمیز بین اقوام مختلف شده است. این رویکرد نشان‌دهنده تلاش دولت برای ایجاد یک جامعه متحد بر اساس هویت فرهنگی مشترک است که می‌تواند به ثبات اجتماعی و توسعه پایدار کمک کند.^{۳۰۱}

برای یادگیری درباره هویت فرهنگی و ملی کشورهای مختلف در جهان، می‌توانید به گزارش‌های سازمان یونسکو به آدرس <https://en.unesco.org/>:مراجعه کنید.

۳۰۱ - "سیاست قومی چین تحت حکومت شی جین‌پینگ":

<https://jamestown.org/program/chinas-ethnic-policy-under-xi-jinping/>

"اندیشه شی جین‌پینگ در مورد فرهنگ":

https://www.idcpc.org.cn/english2023/ttxw_202310/05749/t20231010_162455.html

"شی جین‌پینگ: مرد فرهنگ":

http://en.moj.gov.cn/2024-02/02/c_960550.htm

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

۴. توسعه زیرساخت‌ها و پروژه‌های بزرگ: چین تحت رهبری شی جین‌پینگ با اجرای پروژه‌های بزرگ‌مقیاس مانند پروژه "کمربند و جاده" تلاش کرده است تا موقعیت خود را در سطح جهانی تقویت کند.

یکی دیگر از اقدامات کلیدی شی، توسعه نیروی دریایی و سرمایه‌گذاری در بنادر است. شی بر اهمیت گسترش مسیرهای دریایی تأکید کرده و سرمایه‌گذاری‌های زیادی در توسعه بنادر در سواحل چین و همچنین کشورهای دیگر انجام داده است. به عنوان مثال، بندر پیرواس در یونان که زمانی در آستانه ورشکستگی بود، با کمک چین به یکی از شلوغ‌ترین هاب‌های کشتیرانی جهان تبدیل شده است. این نوع پروژه‌ها نه تنها به تقویت زیرساخت‌های اقتصادی کشورهای شریک کمک می‌کند بلکه موقعیت چین را در عرصه جهانی نیز تقویت می‌نماید. شی همچنین بر نوآوری فناوری در پروژه‌های زیرساختی تأکید دارد. او بر این باور است که استفاده از فناوری‌های پیشرفته مانند اینترنت اشیا و هوش مصنوعی می‌تواند به بهبود کارایی پروژه‌ها کمک کند. چین با استفاده از تجربیات خود در ساخت و توسعه زیرساخت‌ها و با تکیه بر فناوری‌های نوین، تلاش می‌کند تا پروژه‌های BRI را به شکلی کارآمدتر اجرا کند. این رویکرد نه تنها به رشد اقتصادی چین کمک می‌کند بلکه به سایر کشورها نیز فرصت‌های جدیدی برای توسعه ارائه می‌دهد.

در نهایت، شی جین‌پینگ بر همکاری بین‌المللی تأکید دارد و معتقد است که برای دستیابی به توسعه پایدار، کشورها باید با یکدیگر همکاری کنند. او بارها بر لزوم ایجاد پل‌های ارتباطی میان کشورهای مختلف تأکید کرده و خواستار تبادل تجربیات و منابع شده است. این رویکرد نشان‌دهنده عزم چین برای تبدیل شدن به یک بازیگر کلیدی در عرصه جهانی و کمک به توسعه پایدار کشورهای دیگر است.^{۳۰۲}

جهت آشنایی با توسعه زیرساخت‌ها و پروژه‌های بزرگ کشورهای مختلف در جهان، می‌توانید به گزارش جهانی زیرساخت که توسط بانک جهانی به آدرس: <https://www.worldbank.org/en/topic/infrastructure> منتشر می‌شود مراجعه کنید. این گزارش داده‌های جامع درباره وضعیت زیرساخت‌ها در کشورهای مختلف را ارائه می‌دهد.

آثار اجرای این ویژگی

۱. رشد اقتصادی سریع:

چین در سال‌های اخیر شاهد رشد اقتصادی بسیار بالایی بوده است. بر اساس گزارش‌های بانک جهانی، GDP چین در سال ۲۰۲۳ به ۱۷,۷ تریلیون دلار رسید که چین را به دومین اقتصاد بزرگ جهان تبدیل کرده است.

https://en.wikipedia.org/wiki/Belt_and_Road_Initiative

۳۰۲ - "ابتکار کمربند و جاده":

http://en.moj.gov.cn/2023-10/17/c_930994.htm

"شی جین‌پینگ: معمار اصلی طرح کمربند و جاده":

"ابتکار کمربند و جاده چین ۱۰ ساله می‌شود. آنچه باید بدانید در اینجا آمده است":

<https://www.weforum.org/stories/2023/11/china-belt-road-initiative-trade-bri-silk-road/>

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

پس از اجرای مدرنیزاسیون سوسیالیستی با تمرکز بر قدرت ملی در تفکر شی جین‌پینگ، رشد اقتصادی سریع به یکی از نتایج بارز این سیاست‌ها تبدیل شد. چین در سال‌های اخیر شاهد رشد اقتصادی بالایی بوده است که به ویژه در زمینه‌های مختلف صنعتی و تجاری مشهود است. یکی از نتایج این رشد، افزایش تولید ناخالص داخلی (GDP) و بهبود شرایط زندگی مردم بوده است. بر اساس آمارها، چین در سال ۲۰۲۳ رشد اقتصادی ۵,۲ درصدی را تجربه کرد که نشان‌دهنده توانایی کشور در حفظ ثبات اقتصادی حتی در شرایط چالش‌برانگیز جهانی است.

رشد سریع اقتصادی همچنین به افزایش سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی منجر شده است. دولت چین با ایجاد محیطی مناسب برای سرمایه‌گذاری، به جذب سرمایه‌های خارجی کمک کرده و پروژه‌های زیرساختی بزرگی را راه‌اندازی کرده است. این سرمایه‌گذاری‌ها نه تنها به توسعه زیرساخت‌ها بلکه به ایجاد فرصت‌های شغلی جدید نیز انجامیده است. با توجه به اینکه چین به عنوان یکی از بزرگ‌ترین بازارهای مصرف دنیا شناخته می‌شود، این رشد اقتصادی موجب افزایش تقاضا برای کالاها و خدمات داخلی شده و به تقویت صنایع محلی کمک کرده است.

از دیگر نتایج رشد اقتصادی، تقویت موقعیت چین در سطح جهانی است. با افزایش قدرت اقتصادی، چین توانسته است نفوذ خود را در عرصه‌های بین‌المللی گسترش دهد. ابتکار کمربند و جاده (BRI) که توسط شی جین‌پینگ معرفی شد، نمونه‌ای از تلاش‌های چین برای توسعه روابط تجاری و اقتصادی با کشورهای دیگر است. این پروژه‌ها نه تنها به تقویت زیرساخت‌ها کمک می‌کنند بلکه موقعیت چین را به عنوان یک بازیگر کلیدی در اقتصاد جهانی تقویت می‌کنند.

در نهایت، رشد اقتصادی سریع همچنین به چالش‌هایی منجر شده است که نیازمند توجه جدی هستند. مشکلاتی مانند نابرابری درآمدی، فشار بر منابع طبیعی و چالش‌های زیست‌محیطی از جمله مسائلی هستند که باید مورد توجه قرار گیرند. هرچند که رشد اقتصادی بهبودهایی را در زندگی مردم ایجاد کرده است، اما دولت باید اقداماتی برای مدیریت این چالش‌ها انجام دهد تا بتواند توسعه‌ای پایدار و عادلانه را تضمین کند.^۳

برای یادگیری درباره رشد اقتصادی کشورهای مختلف در جهان، می‌توانید به بانک جهانی به آدرس <https://data.worldbank.org/indicator/ny.gdp.mktp.cd> مراجعه کنید که اطلاعات جامع درباره وضعیت اقتصادی کشورها را ارائه می‌دهد.

۲. تقویت موقعیت جهانی چین:

۳۰۳ - "دیدگاه تاریخی شی جین‌پینگ از اقتصاد مانع رشد چین شده است:"

<https://www.omfif.org/۰۸/۲۰۲۳/xi-jinpings-historical-view-of-economics-hampering-chinas-growth/>

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

چین به عنوان یک بازیگر کلیدی در سیاست‌های جهانی و اقتصاد بین‌الملل ظاهر شده است. از جمله اقدامات مهم در این زمینه می‌توان به عضویت در سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان تجارت جهانی و گسترش نفوذ اقتصادی و سیاسی در کشورهای در حال توسعه اشاره کرد.

پس از اجرای مدرنیزاسیون سوسیالیستی با تمرکز بر قدرت ملی در تفکر شی جین‌پینگ، **تقویت موقعیت جهانی چین** به یکی از نتایج مهم این سیاست‌ها تبدیل شد. یکی از نخستین نتایج این تقویت، **افزایش نفوذ چین در سازمان‌های بین‌المللی** است. چین با پیوستن به سازمان‌هایی مانند **سازمان تجارت جهانی (WTO)** و ایفای نقش فعال در نهادهایی مانند **سازمان ملل متحد**، توانسته است صدای خود را در عرصه جهانی تقویت کند. این مشارکت به چین این امکان را داده تا در فرآیندهای تصمیم‌گیری جهانی تأثیرگذار باشد و به شکل‌دهی به سیاست‌های بین‌المللی کمک کند.

علاوه بر این، شی جین‌پینگ بر **توسعه ابتکار کمربند و جاده (BRI)** تأکید کرده که هدف آن گسترش روابط اقتصادی و سیاسی با کشورهای در حال توسعه است. این پروژه بزرگ زیرساختی شامل سرمایه‌گذاری در جاده‌ها، راه‌آهن‌ها و بنادر در کشورهای مختلف است که به تقویت ارتباطات تجاری و اقتصادی کمک می‌کند. این ابتکار نه تنها به تقویت موقعیت چین در سطح جهانی کمک کرده بلکه به کشورهای شریک نیز فرصت‌های جدیدی برای توسعه اقتصادی ارائه می‌دهد. با این اقدامات، چین توانسته است به عنوان یک بازیگر کلیدی در عرصه جهانی شناخته شود.

همچنین، شی جین‌پینگ بر **توسعه روابط دیپلماتیک** با کشورهای مختلف تأکید دارد. او تلاش کرده تا روابط نزدیک‌تری با کشورهای آفریقایی، آسیای جنوبی و آمریکای لاتین برقرار کند. این روابط نه تنها به تقویت همکاری‌های اقتصادی کمک می‌کند بلکه موجب افزایش نفوذ سیاسی چین در این مناطق می‌شود. با توجه به اینکه بسیاری از این کشورها به دنبال تأمین نیازهای زیرساختی خود هستند، چین با ارائه کمک‌های مالی و فنی توانسته است جایگاه خود را تقویت کند. در نهایت، تقویت موقعیت جهانی چین تحت رهبری شی جین‌پینگ به **چالش‌های جدیدی** نیز منجر شده است. افزایش نفوذ چین در عرصه جهانی باعث بروز نگرانی‌هایی در میان برخی کشورها، به ویژه ایالات متحده، شده است. این نگرانی‌ها شامل مسائل مربوط به امنیت ملی و رقابت اقتصادی هستند که ممکن است به تنش‌های بیشتری منجر شوند. با این حال، تلاش‌های شی برای تقویت موقعیت چین نشان‌دهنده عزم کشور برای تبدیل شدن به یک قدرت جهانی معتبر و تأثیرگذار است.^{۳۰۴}

۳۰۴ - "سفری جدید با رهبری شی جین‌پینگ:"

<https://english.news.cn/۹۷/۲۰۲۲۱۰۲۵bce۶c۷۶۱۴۲۴۲۵a۶e۰c۳ecf۵e۸۳۷ee/c.html>

<https://www.cfr.org/china-global-governance/>

"رویکرد چین به حکمرانی جهانی:"

"چین دو راه برای سلطه جهانی دارد:"

<https://carnegieendowment.org/posts/۰۵/۲۰۲۰/china-has-two-paths-to-global-domination?lang=en>

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

برای یادگیری درباره وضعیت کشورهای مختلف در زمینه موقعیت جهانی و نفوذ اقتصادی، می‌توانید به گزارش‌های شورای روابط خارجی (CFR) به آدرس <https://www.cfr.org/china-global-governance/> مراجعه کنید.

۳. توسعه نیروی نظامی:

چین در زمینه تقویت قدرت نظامی خود موفقیت‌های چشمگیری داشته است. نیروی نظامی چین به یکی از بزرگ‌ترین و پیشرفته‌ترین نیروهای جهان تبدیل شده است.

س از اجرای مدرنیزاسیون سوسیالیستی با تمرکز بر قدرت ملی در تفکر شی جین‌پینگ، توسعه قدرت نظامی چین به یکی از نتایج بارز این سیاست‌ها تبدیل شد. یکی از نتایج مهم این توسعه، مدرن‌سازی و بازسازی ارتش آزادی‌بخش مردم (PLA) است. از سال ۲۰۱۵، شی جین‌پینگ اقدام به اجرای بزرگ‌ترین اصلاحات در PLA کرده است که شامل ایجاد یک ساختار فرماندهی مشترک و بهبود قابلیت‌های نظامی در تمامی حوزه‌ها می‌باشد. این اصلاحات همچنین شامل تأسیس نیروهای جدیدی مانند نیروی موشکی PLA و نیروی پشتیبانی استراتژیک است که مسئولیت عملیات فضایی، سایبری و جنگ الکترونیکی را بر عهده دارند. این تغییرات نشان‌دهنده عزم چین برای تبدیل PLA به یک نیروی نظامی "جهانی" و توانمند است.

دومین نتیجه قابل توجه، افزایش قدرت دریایی چین است. شی جین‌پینگ بر اهمیت گسترش نیروی دریایی تأکید کرده و سرمایه‌گذاری‌های زیادی در ساخت کشتی‌های جنگی، زیردریایی‌ها و سایر تجهیزات دریایی انجام داده است. نیروی دریایی چین اکنون به یکی از بزرگ‌ترین و پیشرفته‌ترین نیروهای دریایی جهان تبدیل شده است. این تحولات نه تنها به تقویت موقعیت چین در آب‌های ساحلی کمک کرده بلکه به افزایش نفوذ آن در آب‌های بین‌المللی نیز انجامیده است.

سومین نتیجه، توجه به نوآوری‌های فناوری در حوزه نظامی است. دولت چین با سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه فناوری‌های پیشرفته مانند هوش مصنوعی، رباتیک و سامانه‌های تسلیحاتی نوین، تلاش می‌کند تا توانایی‌های نظامی خود را بهبود بخشد. این رویکرد شامل ادغام فناوری‌های جدید در عملیات نظامی و ایجاد یک نیروی "هوشمند" است که قادر به واکنش سریع و مؤثر در برابر تهدیدات باشد. با این اقدامات، چین به دنبال دستیابی به برتری نظامی در سطح جهانی است.

در نهایت، شی جین‌پینگ بر آماده‌سازی نیروها برای جنگ‌های آینده تأکید دارد. او بارها بر لزوم تقویت آمادگی جنگی نیروها تأکید کرده و خواستار تمرینات واقعی‌تر و افزایش توانایی‌های عملیاتی شده است. این رویکرد نشان‌دهنده عزم چین برای تبدیل شدن به یک قدرت نظامی معتبر و قابل احترام در سطح جهانی است که قادر به دفاع از منافع ملی خود در برابر چالش‌ها باشد.^{۳۰۵}

۳۰۵ - "گسترش نظامی چین: تغییر قدرت جهانی در حال شکل‌گیری".

<https://www.gisreportsonline.com/r/china-military-expansion/>

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

برای یادگیری درباره توسعه نیروهای نظامی کشورهای مختلف در جهان، می‌توانید به گزارش سالانه وزارت دفاع ایالات متحده مراجعه کنید که اطلاعات جامع درباره وضعیت نظامی کشورها را ارائه می‌دهد. آدرس دقیق برای دسترسی به این اطلاعات می‌توان به آدرس پاورقی مراجعه کنید.^{۳۰۶}

۴. افزایش تنش‌ها با کشورهای غربی:

سیاست‌های مدرن‌سازی سوسیالیستی با تمرکز بر قدرت ملی، به‌ویژه در زمینه‌های اقتصادی و نظامی، باعث ایجاد تنش‌هایی با کشورهای غربی به‌ویژه ایالات متحده شده است. این تنش‌ها به‌ویژه در زمینه تجارت و امنیت بین‌المللی نمود داشته است.

پس از اجرای مدرنیزاسیون سوسیالیستی با تمرکز بر قدرت ملی در تفکر شی جین‌پینگ، تنش‌ها بین چین و کشورهای غربی، به ویژه ایالات متحده، به طور قابل توجهی افزایش یافته است. یکی از اصلی‌ترین زمینه‌های این تنش‌ها، مسائل تجاری است. چین با سیاست‌های تجاری خود و تلاش برای تسلط بر بازارهای جهانی، نگرانی‌هایی را در ایالات متحده و دیگر کشورهای غربی ایجاد کرده است. به عنوان مثال، دولت بایدن به طور مکرر چین را متهم کرده که با استفاده از شیوه‌های ناعادلانه تجاری و حمایت از صنایع داخلی، به رقابت نابرابر با شرکت‌های آمریکایی می‌پردازد. این موضوع باعث شده تا ایالات متحده اقداماتی نظیر وضع تعرفه‌های سنگین بر کالاهای چینی را در پیش بگیرد که به تشدید تنش‌ها منجر شده است.

علاوه بر مسائل تجاری، مسائل امنیتی نیز به عنوان یک منبع تنش بین چین و غرب مطرح شده است. چین با تقویت توان نظامی خود و افزایش فعالیت‌های نظامی در آب‌های جنوبی چین و اطراف تایوان، نگرانی‌هایی را در میان کشورهای غربی ایجاد کرده است. شی جین‌پینگ بارها بر لزوم "تجمیع قدرت نظامی" تأکید کرده و این موضوع باعث شده تا ایالات متحده و متحدانش به تقویت حضور نظامی خود در منطقه آسیا-پاسفیک بپردازند. این اقدامات نه تنها به افزایش تنش‌ها منجر شده بلکه خطر بروز درگیری‌های نظامی را نیز افزایش داده است.

همچنین، حمایت چین از روسیه در جنگ اوکراین نیز عاملی برای تشدید تنش‌ها بوده است. چین به دلیل موضع‌گیری خود نسبت به جنگ اوکراین و عدم محکومیت روسیه، با انتقادات شدیدی از سوی کشورهای غربی مواجه شده است. این حمایت‌ها باعث شده تا برخی کشورها نگرانی‌هایی درباره هم‌پیمانی چین با کشورهایی مانند روسیه و ایران داشته باشند که ممکن است به تضعیف نظم جهانی منجر شود. این وضعیت نه تنها روابط چین با ایالات متحده بلکه روابط آن با کشورهای اروپایی را نیز تحت تأثیر قرار داده است.

^{۳۰۶} "شی خواستار توسعه سیستم تئوری نظامی مدرن است!"

https://english.www.gov.cn/news/۱۵/۲۰۲۴/۱۰/content_WS۶۷۰e۴d۸fc۶d۰۸۶۸f۴e۸ebe۶۹.html

^{۳۰۶} "تحولات نظامی و امنیتی جمهوری خلق چین:"

<https://media.defense.gov/۲۰۲۴/Dec/۲۰۰۳۶۱۵۵۲۰/۱۸/-/۱/MILITARY-AND-SECURITY-DEVELOPMENTS-INVOLVING-THE-PEOPLES-REPUBLIC-OF-CHINA-۲۰۲۴.PDF>

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

در نهایت، تغییرات در سیاست‌های داخلی چین نیز بر تنش‌ها افزوده است. شی جین‌پینگ با اتخاذ سیاست‌های سختگیرانه‌تر داخلی و سرکوب مخالفان، نگرانی‌هایی را در مورد حقوق بشر و آزادی‌های مدنی ایجاد کرده است. این موضوع باعث شده تا کشورهای غربی نسبت به رفتارهای چین انتقاد کنند و خواستار تغییرات شوند. این انتقادات نه تنها به تشدید تنش‌ها کمک کرده بلکه موجب افزایش فاصله بین چین و سایر کشورها شده است.^{۳۷}

برای یادگیری درباره تنش‌ها بین کشورها در جهان، می‌توانید به گزارش‌های مرکز تحقیقات بین‌المللی (International Crisis Group) به آدرس <https://www.crisisgroup.org/> مراجعه کنید در این آدرس اطلاعات جامعی درباره وضعیت تنش‌ها و بحران‌های جهانی منتشر گردیده است.

مبارزه با فساد

مبارزه با فساد با تمرکز بر قدرت ملی در اندیشه شی جین‌پینگ

یکی از ویژگی‌های برجسته سیاست‌های شی جین‌پینگ در دوران رهبری‌اش مبارزه بی‌امان با فساد در سطوح مختلف حکومت و حزب کمونیست چین بوده است. این مبارزه نه تنها به‌عنوان یک استراتژی برای تقویت مشروعیت و اعتبار حکومت بلکه به‌عنوان ابزاری برای تقویت قدرت ملی و جلوگیری از تهدیدات داخلی و خارجی در نظر گرفته شده است.

ویژگی‌های مبارزه با فساد در چارچوب قدرت ملی

۱. تمرکز بر اصلاحات درون‌حکومتی:

شی جین‌پینگ تأکید کرده است که مبارزه با فساد باید از درون سیستم سیاسی و حزبی آغاز شود. او معتقد است که فساد می‌تواند باعث تضعیف قدرت حزب و دولت شود و به تهدیدی برای منافع ملی تبدیل گردد. شی جین‌پینگ در راستای اصلاحات داخلی دولت به منظور مبارزه با فساد و تقویت قدرت ملی، اقداماتی اساسی را انجام داده است. یکی از این اقدامات، راه‌اندازی کمپین ضد فساد است که از زمان آغاز به کار او در سال ۲۰۱۲ آغاز شد. این کمپین به هدف ریشه‌کن کردن فساد در حزب کمونیست و دولت طراحی شده و شامل بررسی‌های گسترده و مجازات‌های شدید برای مقامات فاسد است. این اقدام نه تنها به افزایش شفافیت و پاسخگویی در دولت کمک کرده بلکه موجب تقویت اعتماد عمومی به نظام سیاسی چین شده است. از جمله موارد بارز این کمپین، مجازات مقامات عالی‌رتبه‌ای مانند ژو یانگ‌کانگ و گوانگ باوکسونگ بود که به شدت تحت پیگرد قانونی قرار گرفتند.

<https://www.cer.eu/insights/china-and-west-gap-set-grow>

۳۰۷ - "چین و غرب: شکاف در حال افزایش":

"افزایش تنش‌ها با چین وجود داشته با کنترل دوره سوم ریاست جمهوری توسط شی جینگ پینگ":

<https://www.pbs.org/newshour/world/more-tensions-with-china-expected-as-leader-xi-jinping-tightens-control-with-third-term>

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

یکی دیگر از اصلاحات کلیدی، تقویت سیستم نظارت ملی است. شی جین‌پینگ با تأسیس سیستم نظارت ملی که مسئولیت نظارت بر تمامی مقامات دولتی را بر عهده دارد، تلاش کرده تا قدرت را در یک "قفس نهادی"^{۳۰۸} محدود کند. این سیستم به منظور جلوگیری از سوءاستفاده‌های قدرت و فساد در سطح محلی و مرکزی طراحی شده است. با ایجاد این سیستم، دولت چین توانسته است تا نظارت بیشتری بر رفتارهای مقامات داشته باشد و از تخلفات احتمالی جلوگیری کند.

علاوه بر این، شی جین‌پینگ بر اصلاحات ساختاری در حزب کمونیست تأکید دارد. او خواستار ایجاد یک سیستم خودکنترلی قوی در حزب شده و اصلاحاتی را برای تقویت انضباط داخلی آغاز کرده است. این اصلاحات شامل تدوین قوانین جدید برای رفتار مقامات و ایجاد سازوکارهای مؤثر برای نظارت بر فعالیت‌های حزبی است. هدف این اقدامات، ارتقاء کارآمدی و شفافیت در عملکرد حزب و جلوگیری از فساد داخلی است.

شی جین‌پینگ همچنین بر توسعه حکمرانی قانون‌مدار تأکید دارد. او بارها بر لزوم احترام به قانون و ایجاد یک نظام قضایی مستقل تأکید کرده و خواستار تدوین قوانین جدید برای حمایت از رقابت عادلانه و جلوگیری از انحصار شده است. این رویکرد نشان‌دهنده عزم چین برای ایجاد یک نظام حکمرانی پایدارتر و مؤثرتر است که می‌تواند به حل مشکلات طولانی‌مدت مرتبط با فساد کمک کند.^{۳۰۹}

خوانندگان محترم جهت آشنایی با وضعیت کشورهای مختلف در زمینه مبارزه با فساد، می‌توانند به گزارش جهانی فساد که توسط سازمان شفافیت بین‌الملل که در آدرس <https://www.transparency.org/en/cpi> منتشر می‌شود مراجعه کند. این گزارش اطلاعات جامع درباره وضعیت فساد در کشورهای مختلف را ارائه می‌دهد.

۳۰۸ - مفهوم "قفس نهادی" در زمان شی جین‌پینگ به سیستمی اشاره دارد که برای محدود کردن و تنظیم اعمال قدرت در مرزهای سازمانی دقیق طراحی شده است. این رویکرد بخشی از برنامه اصلاحات گسترده‌تر شی است که هدف آن تقویت سیستم نظارت ملی و اطمینان از عملکرد مقامات دولتی در چارچوب قوانین و مقررات است. با ایجاد کمیسیون نظارت ملی، شی یک نهاد قدرتمند ایجاد کرده است که از دیوان عالی کشور بالاتر است و می‌تواند همه مقامات دولتی را تحت نظارت قرار دهد و اطمینان حاصل کند که مقررات حزب رعایت می‌شود. این سیستم برای جلوگیری از فساد و سوءاستفاده از قدرت با پیاده‌سازی مکانیسم‌های نظارت که مقامات را مسئول اعمال خود می‌کنند، طراحی شده است.

قفس نهادی همچنین در تلاش‌های شی برای اصلاحات نهادهای حزب و دولت منعکس شده است که شامل بهبود سیستم بازرسی و ایجاد یک سیستم جامع از مقررات حزب است. این اصلاحات برای از بین بردن منافع مستقر و حل مشکلات عمده‌ای که توجه گسترده‌ای را به خود جلب کرده‌اند، طراحی شده‌اند. با محدود کردن قدرت در قفس نهادی، شی هدف دارد تا اطمینان حاصل کند که مقامات تحت قوانین و مقررات حزب رهبری کنند، بنابراین ریسک فساد را کاهش داده و یک سیستم حاکمیت شفاف‌تر و پاسخگوتر را ترویج کند. این رویکرد تعهد شی به حفظ برتری حزب کمونیست و در عین حال مدرن‌سازی ساختارهای حاکمیتی آن را نشان می‌دهد.

۳۰۹ - "اصلاحات نظامی در عصر شی جین‌پینگ: محرک‌ها، چالش‌ها و پیامدها":

<https://ndupress.ndu.edu/Portals/68/Documents/stratperspective/china/ChinaPerspectives-10.pdf>

"راه‌هایی که چین تحت شی جین‌پینگ تغییر کرده است":

<https://www.voanews.com/a/ways-china-has-changed-under-xi-jinping/۶۸۰۷۵۶۱.html>

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

۲. گسترش نهادهای نظارتی:

شی جین‌پینگ گام‌هایی برای تقویت نهادهای نظارتی نظیر کمیسیون مرکزی بازرسی انضباطی (CCDI) برداشت. این نهاد به‌عنوان یکی از ارکان اصلی مبارزه با فساد عمل می‌کند و گزارش‌های مفصل از تخلفات مقامات و دادرسی‌های صورت‌گرفته را منتشر می‌کند.

شی جین‌پینگ در راستای **گسترش نهادهای نظارتی** به منظور مبارزه با فساد و تقویت قدرت ملی، اقداماتی اساسی را انجام داده است. یکی از مهم‌ترین این اقدامات، **تأسیس و گسترش کمیسیون ملی نظارت (National Supervisory Commission)** است که در سال ۲۰۱۸ به عنوان بخشی از اصلاحات گسترده ضد فساد ایجاد شد. این نهاد مسئولیت نظارت بر تمامی مقامات دولتی، اعم از اعضای حزب کمونیست و دیگر افرادی که در موقعیت‌های عمومی فعالیت می‌کنند، را بر عهده دارد.

این نهاد جدید از طریق یک اصلاحیه قانون اساسی که توسط کنگره ملی خلق تصویب شد، ایجاد شد و قدرت‌های ضدفساد چندین آژانس موجود، از جمله وزارت نظارت و دفتر ملی پیشگیری از فساد، را در خود ادغام کرد. NSC به طور مستقل از سیستم‌های قضایی و دولتی چین عمل می‌کند و مستقیماً به کنگره ملی خلق و کمیته دائمی آن گزارش می‌دهد. این قدرت متمرکز هدف دارد تا با ادغام وظایف نظارتی مختلف تحت یک چتر، مؤثر بودن تلاش‌های ضدفساد را افزایش دهد، دخالت‌های محلی را کاهش دهد و اجرای یکنواخت اقدامات ضدفساد در سراسر کشور را تضمین کند.

قلمرو کمیسیون نظارت ملی شامل همه کارمندان بخش عمومی، از جمله کارکنان مدیریت شرکت‌های دولتی، کارمندان دولتی و مقامات در بخش‌های آموزش، پژوهش، فرهنگ، بهداشت و دیگر بخش‌ها است. با ادغام با کمیسیون مرکزی برای نظارت بر انضباط حزب کمونیست، NSC منابع و دفاتر را به اشتراک می‌گذارد و این امکان را فراهم می‌کند که بازرسی‌های انضباطی بر اعضای حزب و کارمندان دولتی انجام دهد. این ادغام منظر ضدفساد چین را دگرگون کرده است و یک آژانس قدرتمند واحد ایجاد کرده است که می‌تواند بر طیف وسیعی از وظایف عمومی نظارت داشته باشد و پاسخگویی در میان مقامات دولتی را تضمین کند. تأسیس NSC تعهد شی جین‌پینگ به مبارزه با فساد در همه سطوح، از مقامات بلندپایه تا کارمندان دولتی محلی، را نشان می‌دهد و کنترل حزب مرکزی بر تلاش‌های ضدفساد را تقویت می‌کند.

در سال ۲۰۱۶، **کمیسیون مرکزی بازرسی انضباط (CCDI)** بیش از ۲,۰۰۰ مقام عالی‌رتبه را مورد بررسی قرار داد که بسیاری از آن‌ها به دلیل فساد از سمت‌های خود برکنار شدند. این نوع اقدامات نشان‌دهنده عزم جدی دولت برای مبارزه با فساد و افزایش شفافیت در سیستم حکومتی است. با توجه به اینکه این کمیسیون‌ها به طور مستقیم تحت نظارت شی جین‌پینگ عمل می‌کنند، این امر نشان‌دهنده تمرکز قدرت در دست او و تلاش برای حفظ انضباط در حزب کمونیست است.

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

شی جین‌پینگ همچنین با معرفی سیستم "لیوزی"^{۳۰} که یک سیستم بازداشت برای نگهداری مظنونان فساد است، گام‌های بلندی در راستای تقویت نهادهای نظارتی برداشته است. این سیستم به نهادهای نظارتی اجازه می‌دهد تا بدون دسترسی به وکیل یا ملاقات با خانواده، مظنونان را برای مدت طولانی‌تری نگهداری کنند. انتقادات زیادی نسبت به این سیستم وجود دارد، اما دولت ادعا می‌کند که این روش به مبارزه مؤثرتر با فساد کمک می‌کند و به جلوگیری از سوءاستفاده‌های قدرت در بخش عمومی می‌انجامد.

در نهایت، شی جین‌پینگ بر توسعه فرهنگ ضد فساد نیز تأکید دارد و تلاش می‌کند تا از طریق آموزش و ترویج ارزش‌های اخلاقی در میان مقامات، رفتارهای فاسد را کاهش دهد. برنامه‌هایی برای افزایش آگاهی عمومی درباره فساد و پیامدهای آن اجرا شده است. این اقدامات نه تنها به تقویت نهادهای نظارتی کمک کرده بلکه باعث افزایش اعتماد عمومی به نظام سیاسی چین شده است.^{۳۱}

۳. تشدید مجازات‌ها:

شی جین‌پینگ به تشدید مجازات‌ها برای مجرمان فساد، به‌ویژه در سطوح بالای سیاسی و اقتصادی، پرداخته است. این مجازات‌ها نه تنها به عنوان یک ابزار بازدارنده عمل می‌کنند، بلکه پیام قاطعانه‌ای به سایر مقامات و عموم مردم ارسال می‌کنند.

شی جین‌پینگ در راستای مبارزه با فساد و تقویت قدرت ملی، تشدید مجازات‌ها برای متخلفان فساد را به عنوان یکی از ارکان اصلی سیاست‌های خود قرار داده است. این رویکرد به ویژه بر روی مقامات عالی‌رتبه و افراد تأثیرگذار در اقتصاد متمرکز شده است. یکی از اقدامات مهم، اصلاحات قانونی است که به موجب آن مجازات‌های

۳۱۰ - سیستم "لیوزی - Liuzhi" که توسط شی جین‌پینگ معرفی شد، یک مکانیسم بازداشت برای نگهداری مظنونان فساد است. این سیستم خارج از چارچوب قضایی سنتی عمل می‌کند و به کمیسیون نظارت ملی (NSC) اجازه می‌دهد تا افراد را برای مدت‌های طولانی بدون اتهامات رسمی یا دسترسی به نمایندگی قانونی بازداشت کند. مراکز لیوزی با سطوح پوشیده و نظارت ۲۴ ساعته مجهز شده‌اند و محیطی کنترل‌شده ایجاد می‌کنند که در آن بازداشت‌شدگان تا شش ماه می‌توانند نگهداری شوند. این سیستم نه تنها اعضای حزب کمونیست بلکه هر کسی که قدرت عمومی را اعمال می‌کند، از جمله کارمندان دولتی و مدیران شرکت‌های دولتی، را هدف قرار می‌دهد. سیستم لیوزی به دلیل پتانسیل سوءاستفاده آن مورد انتقاد قرار گرفته است، زیرا بازداشت‌شدگان اغلب تحت فشار روانی شدید و اجبار قرار می‌گیرند که منجر به اقرارهای اجباری می‌شود.

گسترش سیستم لیوزی نشان‌دهنده کمپین گسترده ضدفساد شی جین‌پینگ است که منجر به ساخت یا گسترش بیش از ۲۰۰ مرکز بازداشت در سراسر چین شده است. این مراکز بخشی از یک استراتژی برای مقابله با فساد گسترده در بخش عمومی، از رشوه‌گیری در بیمارستان‌ها تا سوءاستفاده از بودجه آموزشی، هستند. در حالی که رسانه‌های دولتی ادعا می‌کنند که سیستم لیوزی شکاف‌های تلاش‌های ضدفساد را پر می‌کند، منتقدان آن را به عنوان گسترش کنترل حزب بر دولت و جامعه می‌بینند. موارد برجسته تحت این سیستم شامل چهره‌های سرشناس مانند بانکدار سرمایه‌گذاری میلیاردری به نام باو فان و ستاره سابق فوتبال لی تی است. سیستم لیوزی تعهد شی به جمع‌کردن قدرت و ریشه‌کن کردن فساد را نشان می‌دهد، علیرغم نگرانی‌های مربوط به نقض حقوق بشر.

^{۳۱} <https://economictimes.indiatimes.com/news/international/world-news/china-expands-nationwide-detention-facilities-as-xi-jinping-intensifies-anti-corruption-campaign/articleshow/116766690.cms> & https://www.uscc.gov/sites/default/files/2022-11/Chapter_1--CCP_Decision-Making_and_Xi_Jinpings_Centralization_of_Authority.pdf & <https://www.csis.org/blogs/trustee-china-hand/completed-construction-xi-jinping-system-governance>

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

سخت‌تری برای افرادی که به مقامات رشوه می‌دهند، وضع شده است. به عنوان مثال، در دسامبر ۲۰۲۳، تغییراتی در قانون مجازات چین تصویب شد که بر اساس آن، افرادی که به مقامات دولتی رشوه می‌دهند، به ویژه در زمینه‌های حساس مانند محیط زیست و بهداشت عمومی، با مجازات‌های شدیدتری مواجه خواهند شد. این تغییرات نشان‌دهنده عزم جدی دولت برای مبارزه با فساد و ایجاد یک سیستم نظارتی قوی‌تر است.

از دیگر نمونه‌های تشدید مجازات‌ها می‌توان به پرونده‌های فساد مهم اشاره کرد که در سال‌های اخیر مورد بررسی قرار گرفته‌اند. یکی از این موارد، پرونده سان لیجون، معاون سابق وزیر امنیت عمومی چین است که به اتهام جمع‌آوری ۹۲ میلیون دلار از طریق معاملات فاسد به حکم مرگ تعلیقی محکوم شد. همچنین، وزرای سابقی مانند فو ژنگهوا و وانگ لیکه نیز به اتهام فساد مالی و دریافت رشوه‌های کلان با مجازات‌های سنگین مواجه شدند. این پرونده‌ها نه تنها نشان‌دهنده شدت مبارزه با فساد هستند بلکه پیام روشنی به دیگر مقامات می‌فرستند که هیچ‌کس از مجازات مصون نیست.

در سال ۲۰۲۳، کمیسیون مرکزی بازرسی انضباط (CCDI) بیش از دوازده مدیر ارشد را در مؤسسات مالی بزرگ چین مورد بررسی قرار داد. این اقدامات نشان‌دهنده عزم دولت برای مبارزه با فساد در بخش‌های کلیدی اقتصادی است. یکی از موارد بارز دیگر، برکناری تانگ شوانگینگ^{۳۱۲} رئیس سابق گروه چین اوربایت^{۳۱۳} بود که به اتهام ترک وظایف و دریافت رشوه برکنار شد. این نوع اقدامات نه تنها موجب افزایش شفافیت در سیستم حکومتی می‌شود بلکه اعتماد عمومی را نیز تقویت می‌کند.

۳۱۲ - تانگ شوانگینگ، یک بانکدار و سیاستمدار سابق چینی از قوم منچو بود که به عنوان رئیس و دبیر حزب گروه اوربایت چین خدمت می‌کرد. او در مؤسسات مالی مختلفی مانند بانک مرکزی چین و کمیسیون نظارت بر بانکداری چین مناصب مهمی داشت. تانگ نماینده در کنگره ملی هجدهم حزب کمونیست چین و عضو کمیته ملی یازدهم کنفرانس مشورتی سیاسی خلق چین بود. او در دسامبر ۲۰۱۷ بازنشسته شد، اما بعداً به دلیل نقض جدی انضباط و قانون تحت تحقیق قرار گرفت و در ژانویه ۲۰۲۴ از حزب کمونیست اخراج شد. در دسامبر ۲۰۲۴، او به دلیل اختلاس و رشوه‌گیری به ۱۲ سال زندان محکوم شد.

کارنامه تانگ با نقش‌های رهبری او در مؤسسات مالی بزرگ مشخص می‌شود، اما سقوط او زمانی اتفاق افتاد که به او اتهامات پذیرش رشوه برای تسهیل وام‌ها و ارتقای شغلی و همچنین عدم جلوگیری مؤثر از ریسک‌های مالی وارد شد. پرونده او بخشی از یک کمپین گسترده ضدفساد توسط رئیس‌جمهور شی جین‌پینگ است که هدف آن مقامات بلندپایه‌ای است که در تخلفات مالی دخیل بوده‌اند.

۳۱۳ - گروه اوربایت چین یک شرکت دولتی برجسته در چین است که عمدتاً در زمینه خدمات مالی و سرمایه‌گذاری‌های صنعتی فعالیت می‌کند. این گروه تحت نظارت شورای دولتی جمهوری خلق چین از طریق شرکت مرکزی هوجین و وزارت دارایی فعالیت می‌کند. گستره فعالیت‌های این گروه شامل طیف وسیعی از بخش‌ها مانند بانکداری، اوراق بهادار، بیمه، مدیریت دارایی و حفاظت از محیط زیست است. گروه اوربایت چین در توسعه اقتصادی چین نقش مهمی داشته است و خدمات مالی همه‌جانبه ارائه می‌دهد و همکاری بین صنعت و مالی را ترویج می‌کند. این گروه همچنین حضور قابل توجهی در بازارهای داخلی و بین‌المللی، از جمله هنگ کنگ و مناطق دیگر خارج از کشور، دارد.

گروه اوربایت چین چندین دگرگونی استراتژیک را برای بهبود چابکی، ادغام فناوری و تمرکز بر محیط زیست تجربه کرده است. این دگرگونی‌ها منجر به توسعه چندین بخش تجاری مانند مدیریت ثروت، بانکداری سرمایه‌گذاری، حفاظت از محیط زیست، گردشگری و بهداشت و درمان شده است. گروه اوربایت چین به دلیل رقابت‌پذیری جهانی شناخته شده است و در فهرست ۵۰۰ شرکت برتر جهانی فورچون قرار دارد. تعهد این گروه به نوآوری و مدیریت ریسک به رشد و شهرت آن به عنوان یک شرکت هلدینگ مالی درجه یک جهانی کمک کرده است. ابتکارات استراتژیک این گروه همچنین ارتباط بین سرزمین اصلی و هنگ کنگ را تقویت کرده و موقعیت آن را در چشم‌انداز مالی جهانی مستحکم‌تر کرده است.

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

در نهایت، شی جین‌پینگ با تأکید بر لزوم حفظ یکپارچگی شخصی^{۳۱۴} و ایجاد قوانین سختگیرانه برای خانواده‌ها و نزدیکان مقامات، تلاش کرده است تا از بروز فساد جلوگیری کند. او بارها بر اهمیت رعایت اصول اخلاقی و جلوگیری از فساد در میان اعضای حزب کمونیست تأکید کرده است. این رویکرد نه تنها پیامدهای جدی برای متخلفان دارد بلکه به تقویت فرهنگ ضد فساد در جامعه نیز کمک می‌کند.^{۳۱۵}

۴. تقویت شفافیت و مسئولیت‌پذیری:

علاوه بر مجازات‌های سختگیرانه، شی جین‌پینگ بر لزوم افزایش شفافیت و مسئولیت‌پذیری در ساختارهای حکومتی و اقتصادی تأکید کرده است. این امر شامل بهبود سیستم‌های گزارش‌دهی و ارتقای شفافیت در تخصیص منابع دولتی است.

شی جین‌پینگ در راستای تقویت شفافیت و پاسخگویی در ساختارهای دولتی و اقتصادی چین، اقداماتی اساسی را انجام داده است. یکی از این اقدامات، اصلاح سیستم‌های گزارش‌دهی است که به منظور افزایش شفافیت در تخصیص منابع دولتی و نظارت بر عملکرد مقامات طراحی شده است که به شرح آن می‌پردازیم:

شی جین‌پینگ چندین اصلاحات مهم را برای افزایش شفافیت و پاسخگویی در ساختارهای دولتی و اقتصادی چین پیاده کرده است. یکی از ابتکارات کلیدی، اصلاحات سیستم‌های گزارش‌دهی است که هدف آن افزایش شفافیت در تخصیص منابع دولتی و نظارت بر عملکرد مقامات است. این اصلاحات شامل دسترسی بیشتر به بودجه‌های دولتی و معاملات مالی برای عموم مردم است که به شهروندان اجازه می‌دهد تا ردیابی کنند که چگونه منابع استفاده می‌شوند و اطمینان حاصل کنند که مقامات برای اعمال خود پاسخگو هستند. با افزایش شفافیت، دولت تلاش می‌کند تا فساد را کاهش دهد و اعتماد عمومی به عملیات آن را بهبود بخشد. گام دیگر

۳۱۴ - شی جین‌پینگ راهبرد ضدفسادی را پیاده کرده است که بر حفظ صداقت فردی در میان مقامات و ایجاد مقررات سختگیرانه برای خانواده و وابستگان آنها تأکید دارد. در جلسه‌ای اخیر، او از اعضای ارشد حزب کمونیست خواست تا از استانداردهای بالای انضباط فردی پیروی کنند و اطمینان حاصل کنند که اعضای خانواده و کارمندان آنها نیز از مقررات ضدفساد سختگیرانه تبعیت کنند. این ابتکار نشان‌دهنده باور شی است که تخریب فضایل خانوادگی می‌تواند به طور قابل توجهی به نقض مقررات در میان مقامات منجر شود. او اظهار داشت که مقامات باید دستورالعمل‌های واضحی برای اعضای خانواده و کارمندان خود تعیین کنند و اهمیت صداقت فردی را نه تنها برای خود، بلکه برای کسانی که به آنها مرتبط هستند، تأکید کنند.

برای حمایت از این چارچوب ضدفساد، شی اصلاحات نهادی مختلفی را معرفی کرده است که هدف آن تقویت نظارت و افزایش پاسخگویی در حزب است. ایجاد یک سیستم نظارت ملی یک سنگ‌بنای مهم بوده است که امکان نظارت کامل بر مقامات عمومی را فراهم کرده است. دولت شی همچنین بر لزوم بهبود مداوم چارچوب‌های قانونی مرتبط با ضدفساد، از جمله اصلاحات در قوانین موجود، تأکید کرده است. این رویکرد چندوجهی به دنبال ایجاد محیطی است که در آن فساد به طور سیستماتیک محدود شود و اطمینان حاصل شود که مقامات به هر رتبه و موقعیتی که باشند، پاسخگو خواهند بود.

۳۱۵ - "چین مجازات رشوه خواری را به عنوان بخشی از سرکوب ضد فساد تشدید می‌کند":

https://www.business-standard.com/world-news/china-toughens-punishment-for-bribery-as-part-of-anti-corruption-crackdown-۱۲۳۱۲۲۹۰۰۷۹۲_۱.html

"مقابله با فساد از طریق کمپین‌های سیاسی از بالا به پایین: ارزیابی سرکوب ضد فساد چین در زمان شی جین‌پینگ":

https://juan-qian.github.io/Qian_Tang_Chapter.pdf

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

مهمی که شی جین‌پینگ برداشته است، معرفی پروژه‌های اظهار دارایی برای مقامات دولتی است. این ابتکار مقامات را ملزم به افشا دارایی‌های خود می‌کند که به عموم مردم اجازه می‌دهد تا ارزیابی کنند که آیا ثروت آن‌ها با حقوق رسمی آن‌ها هماهنگ است. این اقدامات به شناسایی موارد احتمالی فساد کمک می‌کند که مقامات ممکن است بیش از حد خود زندگی کنند، بنابراین مقامات را برای تحقیقات بیشتر هشدار می‌دهد. این رویکرد نه تنها به کاهش فساد کمک می‌کند، بلکه فرهنگ شفافیت را در میان کارمندان دولتی ترویج می‌کند. اداره شی جین‌پینگ همچنین بر افزایش استقلال نهادی در قوه قضاییه و سیستم انضباط و بازرسی حزب تمرکز کرده است. هدف ایجاد یک ساختار تصمیم‌گیری عمودی تر است که تأثیر نادرست مقامات حزبی در همان سطح بوروکراتیک با کسانی که تحت بررسی قرار دارند را کاهش دهد. این اصلاحات تلاش می‌کند تا مسائل دخالت محلی در فرآیندهای قضایی را حل کند و یک سیستم عادلانه‌تر را ترویج کند که تصمیمات بر اساس شایستگی و نه ارتباطات شخصی گرفته می‌شود. با تقویت استقلال نهادی، دولت هدف دارد تا اطمینان حاصل کند که عدالت به طور بی‌طرفانه اجرا می‌شود و پاسخگویی در سراسر سیستم حفظ می‌شود.

علاوه بر این، اصلاحات شی جین‌پینگ شامل اقداماتی برای افزایش شفافیت در شرکت‌های خصوصی و شرکت‌های دولتی شده است. دولت پیشنهاد کرده است تا خود را از این شرکت‌ها دور کند تا مشارکت بازار را بیشتر کند، بنابراین رقابت و کارایی را ترویج کند. این شامل افزایش شفافیت در گزارش‌دهی داخلی و افشای مالی شرکت‌های دولتی است که اطمینان حاصل کند که عملیات آن‌ها برای ذینفعان داخلی و بین‌المللی شفاف‌تر و پاسخگوتر است. با پیاده‌سازی این اصلاحات، اداره شی جین‌پینگ هدف دارد تا یک سیستم حاکمیت شفاف‌تر و پاسخگوتر ایجاد کند که از رشد و توسعه اقتصادی پایدار حمایت کند.^{۳۱۶}

یکی دیگر از جنبه‌های مهم تقویت شفافیت، توسعه نهادهای نظارتی است که مسئولیت نظارت بر عملکرد دولت و مقامات را بر عهده دارند. شی جین‌پینگ با تأسیس نهادهایی مانند **کمیسیون ملی نظارت**^{۳۱۷} تلاش

۳۱۶ - "گام‌های مهم شی جین‌پینگ برای افزایش شفافیت و پاسخگویی در ساختارهای دولتی و اقتصادی چین":

<https://www.transparency.org/en/news/chinas-chance-to-reform>

۳۱۷ - کمیسیون نظارت ملی (NSC) چین در مارس ۲۰۱۸ به عنوان بخشی از مجموعه‌ای از اصلاحات در سیستم ضد فساد چین در دوران اول شی جین‌پینگ به عنوان دبیرکل حزب کمونیست تأسیس شد. NSC دارای همان وضعیت قانونی اساسی به عنوان شورای دولتی، دیوان عالی کشور و دیوان عالی دادستانی است.

پیشینه تاریخی

ریشه‌های تاریخی: مفهوم یک سیستم نظارتی در چین به دوران دودمان‌های چین و هان برمی‌گردد، جایی که این دفاتر وظیفه حفظ عدالت، اجرای انضباط و نظارت بر اخلاقیات دولتی را داشتند.

اصلاحات مدرن: NSC با ادغام سه آژانس دولتی با اختیارات بازرسی (وزارت نظارت، اداره ملی پیشگیری از فساد و اداره عمومی ضد فساد و رشوه دیوان عالی دادستانی) با یک نهاد حزبی، کمیسیون مرکزی برای نظارت بر انضباط (CCDI)، تشکیل شد.

تأسیس و ساختار

تشکیل: NSC به طور رسمی با اصلاح قانون اساسی در سال ۲۰۱۸ تأسیس شد. این کمیسیون کنترل بر منابع ضد فساد را به مقامات مرکزی متمرکز کرد تا از دخالت‌های محلی در تلاش‌های ضد فساد جلوگیری کند.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

کرده تا نظارت بیشتری بر رفتار مقامات دولتی داشته باشد. این نهادها با هدف بررسی تخلفات و فساد در میان مقامات، به صورت مستقل عمل می‌کنند و گزارش‌های خود را به عموم ارائه می‌دهند. این نوع اقدامات نه تنها موجب افزایش شفافیت در عملکرد دولت می‌شود بلکه به تقویت پاسخگویی مقامات نیز کمک می‌کند.

شفافیت در سیاست‌گذاری‌ها

شی جین‌پینگ بر نیاز به شفافیت در فرآیندهای سیاست‌گذاری تأکید کرده است تا حکومت را بهبود بخشد و اعتماد عمومی به تصمیمات دولتی را افزایش دهد. این رویکرد بخشی از تلاش‌های گسترده‌تر برای مدرن‌سازی نظام حکومتی چین و هماهنگ‌سازی آن با استانداردهای جهانی شفافیت و پاسخگویی است. با ترویج شفافیت، شی جین‌پینگ هدف دارد تا محیطی ایجاد کند که شهروندان بتوانند به طور فعال در فرآیندهای تصمیم‌گیری شرکت کنند و از این طریق احساس مالکیت و مسئولیت در میان مردم را تحریک کند.

یکی از اقدامات کلیدی برای افزایش شفافیت، اجرای مشاوره‌های عمومی در فرآیندهای سیاست‌گذاری است. این امر شامل دعوت از مشارکت عمومی در مورد سیاست‌ها و برنامه‌های پیشنهادی می‌شود که به شهروندان اجازه می‌دهد تا نظرات و نگرانی‌های خود را بیان کنند. هدف از این مشاوره‌ها اطمینان از اینکه سیاست‌های دولتی منعکس‌کننده نیازها و آرزوهای مردم باشد، است که در نتیجه کارایی و پذیرش آن‌ها را افزایش می‌دهد. علاوه بر این، حزب کمونیست چین (CCP) مقرراتی را اتخاذ کرده است که باز بودن بیشتری در امور حزبی را می‌طلبد، که شامل افشا برخی اطلاعات به اعضای حزب و در برخی موارد به عموم مردم است. این مقررات هدف بهبود توانایی حکومت حزب و ترویج شفافیت در ساختار حزبی را دارند.

گام دیگر قابل توجه در جهت شفافیت، نهادینه کردن ابتکارات دولت باز است. برای مثال، مقررات "اطلاعات باز دولتی" شورای دولتی، نیاز به افشا اسناد دولتی به طور فعال و بر اساس تقاضا دارد. این اقدام برای افزایش دسترسی عمومی به اطلاعات دولتی طراحی شده است که در نتیجه شفافیت و پاسخگویی در مدیریت عمومی را بهبود می‌بخشد. علاوه بر این، دیوان عالی کشور چین "امور قضایی باز" را ترویج کرده است که منجر به افزایش محاکمات باز و ایجاد یک پایگاه داده جامع اطلاعات قضایی شده است. این تلاش‌ها بخشی از یک استراتژی گسترده‌تر برای باز کردن عملیات دولتی و دسترسی بیشتر به آن برای عموم هستند.

رهبری: مدیر NSC توسط کنگره ملی خلق انتخاب می‌شود و به کنگره ملی خلق و کمیته دائمی آن گزارش می‌دهد. معاونان مدیر و اعضای کمیسیون توسط مدیر نامزد و توسط کمیته دائمی منصوب می‌شوند.

وظایف و حوزه قضاوت

نقش ضد فساد: NSC به عنوان یک نهاد سیاسی با حوزه قضاوت بر همه کارمندان بخش عمومی دارای اختیارات است. این کمیسیون نقش کلیدی در کمپین‌های ضد فساد چین ایفا می‌کند و بازرسی‌ها و تحقیقات در مورد سازمان‌های حزبی و مقامات انجام می‌دهد. چارچوب قانونی: تأسیس NSC همراه با معرفی قانون نظارت جمهوری خلق چین بود که عملیات آن را تنظیم می‌کند و کمپین‌های ضد فساد مداوم چین را تحت رویه‌های قانونی قرار می‌دهد.

به طور کلی، NSC نمایانگر یک تغییر قابل توجه در رویکرد چین به ضد فساد است که وظایف نظارتی مختلف را در یک نهاد قدرتمند متمرکز می‌کند تا کنترل سیاسی را افزایش دهد و به نگرانی‌های فساد سیستمیک بپردازد.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

با وجود این تلاش‌ها، چالش‌هایی در رسیدن به شفافیت کامل در فرآیندهای سیاست‌گذاری وجود دارد. در حالی که پیشرفت قابل توجهی در برخی زمینه‌ها مانند اطلاعات باز دولتی و شفافیت قضایی حاصل شده است، محدودیت‌هایی در میزان و عمق اطلاعات افشا شده وجود دارد. فرآیندهای تصمیم‌گیری داخلی CCP همچنان به طور عمده غیرشفاف باقی مانده‌اند و بسیاری از اطلاعات مربوط به تصمیمات سیاسی و اقتصادی سطح بالا به طور عمومی در دسترس نیست. با این حال، اقدامات انجام شده تحت رهبری شی جین‌پینگ نشان‌دهنده یک گام محتاطانه اما قابل توجه در جهت شفافیت بیشتر در نظام حکومتی چین است و نشان‌دهنده تعهد به مدرن‌سازی و بهبود اعتماد عمومی به نهادهای دولتی است.^{۳۱۸}

حکمرانی قانون‌مدار

شی جین‌پینگ همچنین با تأکید بر اهمیت حکمرانی قانون‌مدار، تلاش کرده است تا شفافیت را به عنوان یک اصل اساسی در سیاست‌های خود قرار دهد. او بارها بر لزوم رعایت قوانین و مقررات تأکید کرده و خواستار ایجاد یک نظام قضایی مستقل شده است که بتواند حقوق شهروندان را محافظت کند. این رویکرد نه تنها به تقویت شفافیت کمک می‌کند بلکه موجب افزایش اعتبار نظام سیاسی چین در سطح بین‌المللی نیز می‌شود. چشم‌انداز شی جین‌پینگ در مورد قانون‌مداری به طور عمقی در استراتژی گسترده‌تر او برای مدرن‌سازی نظام حکومتی چین ادغام شده است که با استانداردهای جهانی هماهنگ است و در عین حال ویژگی‌های منحصر به فرد سوسیالیسم چینی را حفظ می‌کند. یکی از اقدامات کلیدی که شی جین‌پینگ برای ترویج قانون‌مداری انجام داده است، پیشرفت همه‌جانبه حکومت بر اساس قانون است. این امر شامل ایجاد یک سیستم کامل از قوانین، یک سیستم اجرای مؤثر و یک سیستم نظارت دقیق است. هدف این است که اطمینان حاصل شود همه جنبه‌های حکومت مطابق با قانون انجام می‌شود و پیشرفت هماهنگ در حکومت بر اساس قانون، اعمال قدرت دولتی بر اساس قانون و اداره دولتی بر اساس قانون را ترویج کند. با انجام این کار، شی جین‌پینگ هدف دارد تا محیطی ایجاد کند که در آن قانون‌مداری نه تنها مورد احترام قرار گیرد، بلکه به طور فعال در عمل روزمره حکومت ادغام شود.

شی جین‌پینگ همچنین بر ضرورت قانون‌گذاری علمی، اجرای دقیق قانون، محاکمات عادلانه و یک جمعیت قانون‌مند تأکید کرده است. این عناصر در مرکز چشم‌انداز او از "قانون‌مداری سوسیالیستی با ویژگی‌های چینی" قرار دارند که او معتقد است برای مدرن‌سازی نظام و ظرفیت حکومت چین ضروری است. این رویکرد شامل تقویت رهبری متمرکز و یکپارچه حزب کمونیست بر قانون‌مداری است و اطمینان حاصل می‌کند که همه نهادهای دولتی به طور مورد انتظار حزب عمل کنند. هدف نهایی ایجاد یک چارچوب قانونی است که از توسعه چین حمایت کند و در عین حال کنترل حزب بر فرآیندهای کلیدی حکومت را حفظ کند.

۳۱۸ - "تجربه حزب کمونیست چین با شفافیت":

<https://www.brookings.edu/articles/the-chinese-communist-partys-experiment-with-transparency/>

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

با وجود این تلاش‌ها، چالش‌هایی در تحقق کامل چشم‌انداز شی جین‌پینگ در مورد قانون‌مداری وجود دارد. در حالی که پیشرفت قابل توجهی در کدگذاری قوانین و بهبود فرآیندهای قضایی حاصل شده است، رهبری حزب اغلب از الزامات قانونی دولتی در مسائل حساس اجتناب می‌کند. این سیستم دوگانه به ایجاد یک چارچوب قانونی پیچیده برای بیشتر شهروندان و حفظ انعطاف‌پذیری برای حزب در رسیدگی به تهدیدات ادراک شده خارج از سیستم قانونی رسمی امکان‌پذیر می‌کند. با این حال، ابتکارات شی جین‌پینگ نشان‌دهنده یک گام قابل توجه در جهت نهادینه کردن قانون‌مداری در چین است که هدف آن تعادل بین حکومت مدرن و کنترل اقتدارگرایانه است.^{۳۱۹}

در ذیل به بررسی چندین پرونده مبارزه با فساد می‌پردازیم:
مقامات مهمی که در جریان مبارزه با فساد با آنها برخورد شد:

۱. ژو یانگ کانگ (Zhou Yongkang):

ژو یانگ کانگ، رئیس سابق کمیته دائمی Politburo حزب کمونیست چین و یکی از مقامات عالی‌رتبه، در سال ۲۰۱۴ به اتهام فساد و سوءاستفاده از قدرت دستگیر شد و در سال ۲۰۱۵ به حبس ابد محکوم گردید. او به عنوان یکی از قدرتمندترین شخصیت‌ها در چین شناخته می‌شد و تا زمان بازنشستگی‌اش در سال ۲۰۱۲، بر بسیاری از نهادهای امنیتی و قانونی کشور نظارت داشت. پس از بازنشستگی، در دسامبر ۲۰۱۴، اعلام شد که او تحت تحقیق قرار دارد و این اقدام بخشی از کمپین گسترده مبارزه با فساد شی جین‌پینگ بود.

محاکمه ژو در تاریخ ۲۲ مه ۲۰۱۵ به صورت محرمانه برگزار شد و او به اتهام‌های متعددی از جمله دریافت رشوه، سوءاستفاده از قدرت و افشای عمدی اسرار دولتی محکوم شد. طبق گزارش‌ها، او به طور مستقیم حدود ۷۳۱،۰۰۰ یوان (حدود ۱۱۷،۰۰۰ دلار) رشوه دریافت کرده و خانواده‌اش نیز به دریافت رشوه‌هایی بالغ بر ۱۲۹ میلیون یوان (بیش از ۲۰ میلیون دلار) متهم شدند. این پرونده نشان‌دهنده عزم دولت برای مبارزه با فساد در سطوح بالا بود و به عنوان اولین بار در تاریخ جمهوری خلق چین، یک مقام ارشد حزب کمونیست به دلیل فساد محاکمه و محکوم شد. در تاریخ ۱۱ ژوئن ۲۰۱۵، دادگاه میانه تیانجین حکم نهایی را صادر کرد و ژو یانگ کانگ به حبس ابد محکوم شد. او در دادگاه اعتراف کرد که "به جایگاه حزب و مردم آسیب رسانده است" و به خاطر جنایاتش ابراز پشیمانی کرد. این حکم نه تنها نشان‌دهنده شدت مبارزه با فساد در چین است بلکه پیام قاطعی به دیگر مقامات می‌دهد که هیچ‌کس از مجازات مصون نیست.

محکومیت ژو یانگ کانگ با واکنش مثبتی در شبکه‌های اجتماعی چین مواجه شد و بسیاری این اقدام را نشانه‌ای از عزم راسخ شی جین‌پینگ برای ریشه‌کن کردن فساد دانستند. این پرونده همچنین سوالاتی را درباره سیستم

۳۱۹ - "شی جین‌پینگ و قانون‌مداری": http://en.moj.gov.cn/2022-02/22/c_713616.htm

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

سیاسی چین و میزان فساد در سطوح بالای حکومتی مطرح کرد، چرا که اگر یک مقام تا این حد فاسد باشد، ممکن است دیگر مقامات نیز تحت تأثیر قرار گرفته باشند.

۲. بو شیلای (Bo Xilai) :

بو شیلای، عضو کمیته سیاسی حزب کمونیست چین و دبیر کمیته حزب در چنگدو، در سال ۲۰۱۳ به اتهام فساد و توطئه سیاسی دستگیر شد. این پرونده به دلیل ابعاد گسترده‌اش و ارتباط آن با قتل یک تاجر بریتانیایی به نام نیل هی‌وود، توجهات زیادی را به خود جلب کرد. بو شیلای در دوران فعالیتش به عنوان یکی از چهره‌های برجسته سیاسی چین شناخته می‌شد و به خاطر سیاست‌های سخت‌گیرانه‌اش در مبارزه با جرم و جنایت در چنگدو معروف بود. اما سقوط او به دلیل افشاگری‌ها و جنجال‌های سیاسی آغاز شد.

محاکمه بو شیلای در تاریخ ۲۲ اوت ۲۰۱۳ آغاز شد و او به اتهام‌های سنگین شامل دریافت رشوه، سوءاستفاده از قدرت و فساد مالی محاکمه گردید. دادگاه در تاریخ ۲۲ سپتامبر ۲۰۱۳ حکم خود را صادر کرد و بو شیلای را به حبس ابد محکوم کرد. او متهم شده بود که از موقعیت خود سوءاستفاده کرده و حدود ۲۰ میلیون یوان (تقریباً ۳٫۲ میلیون دلار) رشوه دریافت کرده است. همچنین، او به دلیل اختلاس وجوه عمومی و سوءاستفاده از قدرت برای پوشش‌دهی به همسرش، گو کایلای، که به جرم قتل نیل هی‌وود محکوم شده بود، تحت پیگرد قرار گرفت. در طول محاکمه، بو شیلای تمام اتهامات را رد کرد و ادعا کرد که اعترافات او تحت فشار و شکنجه اخذ شده است. با این حال، قاضی این ادعاها را رد کرد و گفت که اعترافات او معتبر است. دادگاه همچنین به جزئیات زندگی لوکس بو شیلای و همسرش اشاره کرد که نشان‌دهنده فساد سیستماتیک در سطوح بالای حزب کمونیست بود. این پرونده نه تنها بر روند سیاسی چین تأثیر گذاشت بلکه نشان‌دهنده وجود اختلافات عمیق درون حزب نیز بود.

حکم بو شیلای با واکنش‌های مختلفی مواجه شد؛ برخی آن را نشانه‌ای از عزم دولت برای مبارزه با فساد دانستند، در حالی که دیگران آن را یک اقدام سیاسی برای حذف رقبای بالقوه در ساختار قدرت تلقی کردند. بو شیلای حق اعتراض به حکم خود را داشت، اما پیش‌بینی می‌شود که هرگونه تلاش برای تجدید نظر در حکم او با موفقیت همراه نباشد. این پرونده به عنوان یکی از بزرگ‌ترین رسوایی‌های سیاسی در تاریخ معاصر چین شناخته می‌شود و تأثیرات عمیقی بر سیاست‌های داخلی کشور داشته است.

۳. وانگ کیشان (Wang Qishan) :

وانگ کیشان، یکی از مقامات برجسته حزب کمونیست چین، به عنوان رئیس کمیسیون مرکزی بازرسی انضباط (CCDI) از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۷، نقش کلیدی در مبارزه با فساد ایفا کرد. تحت رهبری او، این کمیسیون به طور فعال به بررسی و پیگرد قانونی هزاران مقام دولتی در سطوح مختلف پرداخت. این اقدامات بخشی از کمپین گسترده ضد فساد شی جین‌پینگ بود که هدف آن تقویت شفافیت و پاسخگویی در دولت و کاهش فساد در میان مقامات بود.

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

یکی از پرونده‌های مهم که تحت نظارت وانگ کیشان رسیدگی شد، پرونده **بو شیلا** بود. بو، که در آن زمان دبیر کمیته حزب در چنگدو بود، به اتهام فساد و توطئه سیاسی دستگیر شد. او به دلیل ارتباطاتش با یک قتل جنجالی و فساد مالی مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفت. در سال ۲۰۱۳، بو شیلا به اتهام‌های متعددی شامل دریافت رشوه و سوءاستفاده از قدرت محاکمه و در نهایت به حبس ابد محکوم شد. این پرونده نه تنها تأثیرات عمیقی بر سیاست‌های داخلی چین داشت بلکه نشان‌دهنده عزم دولت برای مبارزه با فساد در سطوح بالا بود. وانگ کیشان همچنین به بررسی پرونده **ژو یانگ کانگ**، رئیس سابق کمیته سیاسی حزب کمونیست و یکی از مقامات ارشد امنیتی چین پرداخت. ژو در سال ۲۰۱۴ دستگیر شد و در سال ۲۰۱۵ به حبس ابد محکوم گردید. او به اتهام فساد مالی و سوءاستفاده از قدرت مورد پیگرد قرار گرفت و این پرونده نیز نشان‌دهنده جدیت کمیسیون در مبارزه با فساد بود.

تحت رهبری وانگ کیشان، کمیسیون مرکزی بازرسی انضباط همچنین اقداماتی را برای اصلاحات ساختاری انجام داد تا شفافیت بیشتری را در فرآیندهای نظارتی ایجاد کند. او مجموعه‌ای از قوانین جدید برای انضباط اعضای حزب و همچنین فرآیندهای نظارتی برای خود مقامات نظارتی معرفی کرد. این اقدامات نه تنها موجب افزایش شفافیت در عملکرد دولت شد بلکه اعتماد عمومی را نیز تقویت کرد و پیام قاطعی به دیگر مقامات فرستاد که هیچ‌کس از مجازات مصون نیست.

۴. چن ژیوان (Chen Jianguo) :

چن جیان‌گو، معاون وزیر راه و حمل و نقل چین، در سال ۲۰۱۷ به اتهام فساد و سوءاستفاده از قدرت دستگیر شد. او به عنوان یکی از مقامات کلیدی در وزارتخانه خود شناخته می‌شد و مسئولیت‌های زیادی در زمینه مدیریت پروژه‌های بزرگ زیرساختی داشت. دستگیری او بخشی از کمپین گسترده ضد فساد شی جین‌پینگ بود که هدف آن ریشه‌کن کردن فساد در سطوح مختلف دولت و تقویت شفافیت و پاسخگویی بود.

جزئیات پرونده چن جیان‌گو شامل اتهاماتی از جمله دریافت رشوه و سوءاستفاده از قدرت برای تأمین منافع شخصی بود. او متهم شده بود که با استفاده از موقعیت خود در وزارت راه و حمل و نقل، به برخی از پیمانکاران پروژه‌های دولتی اجازه داده است تا به صورت غیرقانونی قراردادهایی را به دست آورند. این اقدامات نه تنها به منافع مالی او بلکه به فساد سیستماتیک در وزارتخانه نیز دامن زده بود. محاکمه چن جیان‌گو به صورت عمومی برگزار شد و او به شدت اتهامات را رد کرد. با این حال، شواهد و مدارک جمع‌آوری شده توسط کمیسیون مرکزی بازرسی انضباط (CCDI) نشان‌دهنده تخلفات او بود. در نهایت، چن جیان‌گو به **حبس طولانی‌مدت محکوم** شد، اگرچه جزئیات دقیق حکم صادر شده و مدت زمان حبس او در دسترس نیست. این حکم نشان‌دهنده عزم دولت برای مقابله با فساد در سطوح بالا و ایجاد یک سیستم نظارتی مؤثرتر است.

دستگیری و محکومیت چن جیان‌گو همچنین پیام قاطعی به دیگر مقامات دولتی ارسال کرد که هیچ‌کس از مجازات مصون نیست. این پرونده بخشی از تلاش‌های مستمر چین برای افزایش شفافیت و پاسخگویی در دولت و مبارزه با فساد است که تحت رهبری شی جین‌پینگ انجام می‌شود.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

اقدامات اساسی در مبارزه با فساد:

- توسعه کمیسیون مرکزی بازرسی انضباطی: این نهاد به عنوان یکی از ابزارهای اصلی مبارزه با فساد عمل کرد و بیش از ۲۰۰۰ مقام عالی رتبه را تحت پیگرد قرار داد که در فوق به نام و پرونده برخی اشاره نمودیم و بصورت خلاصه وار نام تعداد دیگری از مقامات بدین شرح است:
در زیر فهرست مقامات عالی رتبه که به دلیل اتهامات فساد تحت پیگرد قرار گرفته اند، بر اساس جایگاهشان از عالی به پایین مرتب شده است:
 ۱. سان ژنگکای: دبیر سابق کمیته حزب در چنگدو؛ به حبس ابد محکوم شد.
 ۲. لینگ جی هوا: معاون رئیس مشاوران سیاسی مردم چین؛ به حبس ابد محکوم شد.
 ۳. جیانگ جیمن: رئیس سابق شرکت ملی نفت چین؛ به ۱۶ سال حبس محکوم شد.
 ۴. لی دونگ شنگ: معاون وزیر امنیت عمومی؛ به ۱۲ سال حبس محکوم شد.
 ۵. ژانگ جون: معاون رئیس کمیسیون نظارت و مدیریت دارایی های دولتی؛ به ۱۰ سال حبس محکوم شد.
 ۶. یانگ داکای: رئیس سابق اداره ایمنی کار استان شانشی؛ به ۱۴ سال حبس محکوم شد.
 ۷. لای شیامین: رئیس سابق شرکت مدیریت دارایی چین هورونگ؛ اعدام شد.
 ۸. گو یانگ شیانگ: معاون سابق فرماندار استان سیچوان؛ به حبس ابد محکوم شد.
 ۹. وانگ شیواجون: رئیس سابق آکادمی فناوری پرتاب چین؛ تحت بررسی قرار گرفت.
 ۱۰. ژائو ژنگ یونگ: دبیر سابق کمیته حزب استان شانشی؛ به حبس ابد محکوم شد.
 ۱۱. فو ژنگهوا: وزیر سابق دادگستری؛ به مرگ با تعلیق دو ساله محکوم شد.
 ۱۲. ژانگ شوگانگ: مهندس ارشد وزارت راه آهن؛ حکم طولانی مدتی دریافت کرد.
 ۱۳. شی فنگ: معاون وزیر امور خارجه؛ تحت تحقیقات قرار گرفت.
 ۱۴. لی شانگفو: وزیر دفاع سابق؛ تحت تحقیقاتی برای فساد قرار دارد.
 ۱۵. گو هوو: معاون سابق مدیر کل کمیسیون توسعه و اصلاحات ملی؛ تحت بررسی قرار گرفت.این فهرست نشان دهنده گستردگی و عمق تلاش های دولت چین برای مبارزه با فساد در سطوح مختلف حکومتی است.

آثار اجرای این سیاست ها:

- کاهش فساد در سطوح بالا:
طبق گزارش های دولتی، در دوره ریاست جمهوری شی جین پینگ، میزان فساد در مقامات ارشد کاهش یافته است. گزارش ها حاکی از آن است که در سال های اول رهبری او، بیش از ۱۰۰ هزار مقام به خاطر فساد تحت پیگرد قرار گرفتند.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

• افزایش اعتماد عمومی به دولت: ۳۲

این اقدامات موجب شد که اعتماد مردم به حزب کمونیست و دولت افزایش یابد. در سال ۲۰۲۲، نظرسنجی‌ها نشان داد که درصد رضایت از حکومت چین به بالاترین سطح خود در دهه‌های اخیر رسید.

بر اساس نتایج جستجو، آمارها و نظرسنجی‌ها نشان می‌دهند که **اعتماد عمومی به دولت چین** در سال‌های اخیر، به ویژه پس از اجرای کمپین‌های ضد فساد، افزایش یافته است. در سال ۲۰۲۲، نظرسنجی‌ها نشان داد که درصد رضایت از دولت چین به بالاترین سطح خود در چند دهه اخیر رسیده است. به عنوان مثال، گزارش **Edelman** در سال ۲۰۲۲ نشان می‌دهد که ۹۱ درصد از مردم چین به دولت خود اعتماد دارند و این رقم در سال ۲۰۲۳ به ۸۹ درصد کاهش یافته است. با این حال، هنوز هم چین در مقایسه با سایر کشورها بالاترین سطح اعتماد عمومی را دارد.

نظرسنجی‌های دیگر نیز نشان می‌دهند که در سال ۲۰۱۶، حدود ۹۵٫۵ درصد از پاسخ‌دهندگان به دولت مرکزی "راضی" یا "بسیار راضی" بودند. این آمارها نشان‌دهنده تأثیر مثبت اقدامات ضد فساد بر افزایش اعتماد عمومی به دولت و حزب کمونیست چین است. همچنین، تحقیقاتی که توسط **مرکز مطالعات خانواده چین** انجام شده، نشان می‌دهد که افزایش اعتماد عمومی به مقامات دولتی با بهبود رضایت زندگی افراد ارتباط مستقیم دارد. به طور کلی، این آمارها و نظرسنجی‌ها نشان‌دهنده این است که اقدامات شی جین‌پینگ در مبارزه با فساد و تقویت شفافیت و پاسخگویی در دولت، به افزایش اعتماد عمومی کمک کرده است. این روند نه تنها موجب تقویت اعتبار دولت شده بلکه احساس رضایت و خوشبینی مردم نسبت به آینده را نیز افزایش داده است.^{۳۲۱}

۳۲۰ - چندین وبسایت وجود دارد که سطح اعتماد عمومی به دولت‌ها را نشان می‌دهد و کشورهای مختلف را بر اساس این اعتماد رتبه‌بندی می‌کند. در زیر به برخی از این منابع اشاره شده است:

شاخص اعتماد ادلمان (Edelman Trust Index): این شاخص سطح اعتماد به دولت، رسانه‌ها، کسب‌وکارها و سازمان‌های غیردولتی را در کشورهای مختلف اندازه‌گیری می‌کند. آدرس وبسایت

<https://www.statista.com/chart/12634/where-trust-in-government-is-highest-and-lowest/>

مرکز تحقیقاتی پیو (Pew Research Center): این مرکز تحقیقاتی نظرسنجی‌هایی درباره اعتماد عمومی به دولت انجام می‌دهد و داده‌های تاریخی را ارائه می‌دهد. آدرس وبسایت

<https://www.pewresearch.org/topic/politics-policy/trust-in-government/>

OECD Trust Survey: سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) نظرسنجی‌هایی برای اندازه‌گیری سطح اعتماد مردم به دولت‌ها و نهادهای عمومی انجام می‌دهد. آدرس وبسایت

<https://www.oecd.org/en/topics/sub-issues/trust-in-government.html>

دبیلو. پی آر (World Population Review): این وبسایت به بررسی و رتبه‌بندی کشورهای مختلف بر اساس اعتماد شهروندان به دولت‌ها می‌پردازد. آدرس وبسایت

<https://worldpopulationreview.com/country-rankings/trust-in-government-by-country>

این منابع اطلاعات مفیدی درباره نحوه تغییر سطح اعتماد عمومی در کشورهای مختلف ارائه می‌دهند و می‌توانند به درک تأثیرات گسترده‌تر حکمرانی و سیاست‌های عمومی کمک کنند.

۳۲۱ - "اطلاعیه آماری جمهوری خلق چین در مورد توسعه اقتصادی و اجتماعی ملی ۲۰۲۲":

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

آثار اجرای این ویژگی

۱. کاهش فساد در حزب و دولت: طبق گزارش‌ها، در دوران ریاست شی جین‌پینگ، مبارزه با فساد باعث کاهش چشمگیر فساد در رده‌های بالا و میانه حزب کمونیست شده است. این امر موجب افزایش اعتماد عمومی به رهبری حزب و تقویت مشروعیت آن در میان مردم گردید.
۲. تأثیرات اقتصادی: مبارزه با فساد باعث بهبود محیط کسب و کار و جذب سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی شد. از آنجایی که فساد یکی از موانع اصلی توسعه اقتصادی در چین بود، مبارزه با آن به ایجاد محیطی شفاف‌تر و کارآمدتر برای سرمایه‌گذاران منجر شد.
- چین در سال‌های اخیر شاهد رشد قابل توجهی در جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی بوده است. طبق گزارش‌های سازمان تجارت جهانی، چین در سال ۲۰۲۲ توانسته است به‌عنوان بزرگ‌ترین مقصد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در جهان معرفی شود.
۳. پیشگیری از بحران‌های داخلی و تقویت قدرت ملی: مبارزه با فساد همچنین باعث کاهش خطرات سیاسی ناشی از فساد در سطوح بالای حکومتی شد و این امر به‌نوبه خود به تقویت قدرت ملی و حفظ استحکام سیاسی کشور کمک کرد.
- در سال ۲۰۲۳، درصد اعتماد عمومی به حزب کمونیست چین نسبت به دوره‌های قبل افزایش یافت، که این امر نشان‌دهنده موفقیت در مبارزه با فساد و ارتقای مشروعیت حکومتی بود.

رهبری جهانی - شی جین‌پینگ

رهبری جهانی و تبدیل چین به یک ابرقدرت اقتصادی و سیاسی یکی از اهداف کلیدی شی جین‌پینگ در دوران ریاست‌جمهوری‌اش بوده است. این ویژگی از سوسیالیسم چینی به‌ویژه با تمرکز بر قدرت ملی و تقویت موقعیت چین در صحنه جهانی نمایان می‌شود. در این راستا، شی جین‌پینگ برنامه‌های مختلفی در زمینه‌های اقتصادی، دیپلماتیک، نظامی و فرهنگی طراحی کرده است تا چین را به یک قدرت پیشرو تبدیل کند.

برنامه‌های شی جین‌پینگ برای تبدیل چین به یک ابرقدرت جهانی:

الف: پروژه «کمربند و جاده» (Belt and Road Initiative - BRI) :

این پروژه را با توجه به اهمیت آن قدری بیشتر مورد بررسی قرار می‌دهیم:

ابتکار کمربند و جاده (Belt and Road Initiative)

شی جین‌پینگ در راستای تقویت زیرساخت‌ها و پروژه‌های بزرگ، اقداماتی اساسی را انجام داده است که به عنوان بخشی از سیاست‌های مدرن‌سازی سوسیالیستی وی شناخته می‌شود. یکی از مهم‌ترین این اقدامات، راه‌اندازی ابتکار کمربند و جاده (BRI) است. ابتکار کمربند و جاده یکی از مهم‌ترین پروژه‌های توسعه‌ای و

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

ژئوپلیتیکی چین است که در سال ۲۰۱۳ معرفی شد. این طرح بر پایه تقویت ارتباطات بین‌المللی از طریق زیرساخت‌ها، تجارت، و همکاری‌های اقتصادی بین آسیا، آفریقا، اروپا و سایر مناطق جهان طراحی شده است. تا سال ۲۰۲۴، مجموع هزینه‌های صرف شده در ابتکار کمربند و جاده (BRI) از ۱,۰۵۳ تریلیون دلار فراتر رفته است. این مشارکت تجمعی شامل حدود ۶۳۴ میلیارد دلار در قراردادهای ساخت و ساز و تقریباً ۴۱۹ میلیارد دلار در سرمایه‌گذاری‌های غیرمالی می‌باشد. همانطوریکه اشاره شد هدف این پروژه تقویت تجارت و ارتباطات زیرساختی در سراسر آسیا، اروپا و آفریقا است و شامل بیش از ۲۰۰ توافق نامه همکاری با بیش از ۱۵۰ کشور می‌باشد. این ابتکار همچنان نقش مهمی در استراتژی اقتصادی و نفوذ جهانی چین ایفا می‌کند. این سرمایه‌گذاری‌های استراتژیک نه تنها بازارهای جدیدی برای کالاهای چینی فراهم می‌کند بلکه شراکت‌های اقتصادی را نیز تقویت می‌کند که قدرت ژئوپلیتیکی چین را افزایش می‌دهد.

۱. اهداف اصلی BRI

ارتباط بهتر بین کشورها: ایجاد یک شبکه جهانی از زیرساخت‌های حمل‌ونقل برای تسهیل تجارت و حمل‌ونقل بین‌المللی.

تقویت همکاری‌های اقتصادی: تشویق سرمایه‌گذاری‌های دوجانبه و چندجانبه و افزایش حجم تجارت بین کشورهای مشارکت‌کننده.

ارتقای نفوذ چین: تقویت جایگاه ژئوپلیتیکی و اقتصادی چین در جهان.

دو مؤلفه اصلی BRI

۱.۱. کمربند اقتصادی راه ابریشم: (Silk Road Economic Belt)

تمرکز بر اتصال زمینی از طریق شبکه‌های حمل‌ونقل جاده‌ای، ریلی، و خطوط لوله بین آسیا، خاورمیانه، و اروپا. توسعه مسیرهای تجاری تاریخی راه ابریشم.

بررسی کمربند اقتصادی جاده ابریشم

کمربند اقتصادی جاده ابریشم (SREB) یکی از اجزای کلیدی ابتکار «یک کمربند، یک جاده» (BRI) چین است که به منظور بهبود تجارت جهانی و تحریک رشد اقتصادی در آسیا، اروپا و خاورمیانه از طریق ارتقای اتصال و توسعه زیرساخت‌ها طراحی شده است. این ابتکار در سال ۲۰۱۳ توسط رئیس‌جمهور شی جین‌پینگ معرفی شد و هدف آن احیای مسیرهای تجاری قدیمی است که به‌طور تاریخی این مناطق را به هم متصل می‌کردند و نه تنها حرکت کالاها بلکه تبادل فرهنگی و همکاری اقتصادی را تسهیل می‌کرد.

زمینه تاریخی

جاده ابریشم اصلی در دوران سلسله هان (۲۰۶ قبل از میلاد - ۲۲۰ میلادی) تأسیس شد و به عنوان یک شبکه تجاری حیاتی بین چین، آسیای مرکزی، خاورمیانه و اروپا عمل کرد. این مسیر امکان تبادل کالاهای

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

ارزشمندی مانند ابریشم، ادویه‌ها و فلزات گرانبها را فراهم کرد و باعث رونق اقتصادی و تعاملات فرهنگی بین تمدن‌های مختلف شد. SREB هدف دارد تا با ایجاد زیرساخت‌های مدرن، کارایی تجارت و اتصال میان کشورهای شرکت‌کننده را افزایش دهد و آنها را به یک چارچوب اقتصادی یکپارچه تبدیل کند.

اهداف کلیدی

اهداف اصلی کمربند اقتصادی جاده ابریشم شامل موارد زیر است:

توسعه زیرساخت‌ها: ساخت و به‌روزرسانی شبکه‌های حمل‌ونقل مانند جاده‌ها، راه‌آهن‌ها و خطوط لوله برای تسهیل مسیرهای تجاری.

یکپارچگی اقتصادی: ترویج همکاری‌های اقتصادی میان کشورهای واقع در کمربند برای ایجاد یک بازار واحد که جریان‌های تجاری را تقویت کند.

کاهش فقر: تحریک رشد اقتصادی در مناطق در حال توسعه با بهبود دسترسی به بازارها، انرژی و فناوری.

تبادل فرهنگی: تشویق ارتباطات انسانی از طریق تبادل‌های آموزشی و ابتکارات فرهنگی که فهم متقابل را تقویت می‌کند.

کریدورهای اقتصادی اصلی:

SREB شامل چندین کریدور اقتصادی کلیدی است که به عنوان ستون فقرات استراتژی زیرساختی آن عمل می‌کنند. این کریدورها شامل موارد زیر هستند:

پل زمینی اوراسیا جدید: اتصال چین غربی با اروپا غربی از طریق آسیای مرکزی.^{۳۲۲}

کریدور اقتصادی چین-مغولستان-روسیه (CMREC): تقویت اتصال بین چین، مغولستان و روسیه.^{۳۲۳}

۳۲۲ - پل زمینی جدید اوراسیا یک پروژه زیرساختی مهم است که هدف آن بهبود ارتباطات بین چین غربی و اروپا غربی از طریق آسیای مرکزی است. این پروژه بخشی از برنامه راه و کمربند چین است و به عنوان یک پیوند راه‌آهن زمینی حیاتی عمل می‌کند که تجارت و حمل و نقل بین این مناطق را تسهیل می‌کند. این پروژه شامل مدرن‌سازی زیرساخت‌های ریلی برای تسهیل تجارت بین مرزها است، به ویژه با اتصال مناطق غربی چین به اروپا از طریق قزاقستان و روسیه. این مسیر از پاهای جنوبی راه‌آهن ترانس-سیبری عبور می‌کند و یک مسیر مستقیم‌تر از طریق سین‌کیانگ ارائه می‌دهد و مسیرهای حمل و نقل چین را از گلوگاه‌های دریایی مانند تنگه ملاکا متنوع می‌کند.

هدف پل زمینی جدید اوراسیا کاهش زمان و هزینه‌های حمل و نقل است تا حمل و نقل ریلی رقابتی‌تر نسبت به گزینه‌های دریایی و هوایی شود. این پروژه به بهبود همکاری و یکپارچگی اقتصادی بین کشورها شرکت‌کننده با افزایش کارایی حمل و نقل کالا می‌پردازد. این پروژه همچنین به کاهش ریسک‌های ژئوپلیتیکی مرتبط با وابستگی به مسیرهای عبور خاص، مانند آنهایی که توسط روسیه کنترل می‌شوند، می‌پردازد. در حالی که هزینه‌های دقیق برای کل پروژه در نتایج جستجو مشخص نشده‌اند، قزاقستان برنامه‌ای به ارزش ۲٫۷ میلیارد دلار برای بهسازی بخش‌هایی از مسیر راه‌اندازی کرده است.

۳۲۳ - گلوگاه اقتصادی چین-مغولستان-روسیه (CMREC) یک ابتکار راهبردی است که هدف آن ترویج توسعه اقتصادی از طریق کاهش هزینه‌های معاملات و بهبود شرایط لجستیکی است. این پروژه به دنبال تنوع‌بخشی به اقتصاد مغولستان، که به شدت به معدن وابسته است، از طریق ترویج صادرات محصولات غیر معدنی و گسترش تجارت با کشورهای همسایه است. علاوه بر این، گلوگاه به دنبال استفاده از موقعیت راهبردی مغولستان بین روسیه و چین برای تقویت پیوندهای تجاری بین آسیا و اروپا است. بهبود ارتباطات و همکاری اقتصادی بین چین، مغولستان و روسیه است. این پروژه بخشی از برنامه راه و کمربند چین است و هدف آن ادغام این کشورها در یک شبکه اقتصادی گسترده‌تر است تا فرصت‌های تجارت و سرمایه‌گذاری را افزایش دهد.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

کریدور اقتصادی چین-پاکستان (CPEC): اتصال منطقه سین کیانگ چین با بندر گوادر پاکستان، تسهیل تجارت با جنوب آسیا و فراتر از آن.^{۳۲۴}

کریدور اقتصادی چین-آسیای مرکزی و غربی: ادغام کشورهای آسیای مرکزی در حوزه اقتصادی چین.^{۳۲۵}

در حالی که هزینه‌های دقیق برای کل پروژه در نتایج جستجو مشخص نشده‌اند، مغولستان برنامه‌ای به ارزش ۵۰ میلیارد دلار برای توسعه زیرساخت به عنوان بخشی از برنامه راهپیمایی خود راه‌اندازی کرده است تا از این گلوگاه حمایت کند.

۳۲۴ - گلوگاه اقتصادی چین-پاکستان (CPEC) یک پروژه زیرساختی گسترده است که هدف آن اتصال منطقه سین کیانگ چین به بندر گوادر پاکستان است تا تجارت با جنوب آسیا و فراتر از آن را تسهیل کند.

این گلوگاه حدود ۳،۰۰۰ کیلومتر طول دارد و شامل یک شبکه از راه‌ها، راه‌آهن‌ها و پروژه‌های انرژی است. CPEC به سه مسیر اصلی تقسیم می‌شود: مسیر شمالی، مسیر شرقی و مسیر غربی. مسیر شمالی از سین کیانگ از طریق بزرگراه قره‌قروم به ابوت‌آباد در پاکستان می‌گذرد. مسیر شرقی از مناطق پرجمعیت پنجاب عبور می‌کند و شهرهای بزرگ مانند لاهور و فیصل‌آباد را به هم متصل می‌کند. مسیر غربی، که کمتر پرجمعیت است، کوئته در بلوچستان را از طریق ژوب و دیره اسماعیل‌خان به بندر گوادر متصل می‌کند. این مسیرها به هدف بهبود ارتباطات و توسعه اقتصادی در سراسر پاکستان و همچنین تقویت پیوندهای منطقه‌ای با چین طراحی شده‌اند.

اهداف اصلی CPEC شامل مدرن‌سازی زیرساخت‌های پاکستان، بهبود اقتصاد آن از طریق ساخت شبکه‌های حمل و نقل مدرن و حل مشکل کمبود برق است. این پروژه همچنین به هدف تبدیل پاکستان به یک مرکز اقتصادی با ترویج صنعتی‌سازی و تنوع بخشی اقتصاد آن از کشاورزی می‌پردازد. گلوگاه بخشی از برنامه راه و کمربند چین است و انتظار می‌رود تأثیر قابل توجهی بر توسعه اجتماعی و اقتصادی پاکستان داشته باشد و فرصت‌های جدیدی برای تجارت و سرمایه‌گذاری ایجاد کند.

CPEC شامل طیف وسیعی از پروژه‌های زیرساختی است، از جمله توسعه یک بندر عمیق در گوادر که به عنوان یک دروازه دریایی استراتژیک برای واردات انرژی چین از خاورمیانه عمل می‌کند. این گلوگاه همچنین شامل ساخت یک شبکه راه و راه‌آهن قوی است که گوادر را به سین کیانگ متصل می‌کند و فاصله حمل و نقل نفت به چین را از ۱۲،۰۰۰ کیلومتر به ۲،۳۹۵ کیلومتر کاهش می‌دهد، که به چین سالانه حدود ۲ میلیارد دلار صرفه‌جویی می‌دهد. هزینه این پروژه با گذشت زمان افزایش یافته است، با برآوردهای اولیه ۴۶ میلیارد دلار که تا سال ۲۰۲۰ به ۶۲ میلیارد دلار رسید و سرمایه‌گذاری‌های بیشتر مجموعاً به ۶۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۲ رسید. این سرمایه‌گذاری‌ها بخشی از یک استراتژی گسترده‌تر برای بهبود ارتباطات منطقه‌ای و همکاری اقتصادی بین چین و پاکستان هستند.

۳۲۵ - گلوگاه اقتصادی چین-آسیای مرکزی و غرب آسیا (CCAWEK) یک بخش مهم از برنامه راه و کمربند چین است که هدف آن ادغام کشورهای آسیای مرکزی در حوزه اقتصادی چین است. این گلوگاه از شمال غرب چین به سمت غرب از طریق آسیای مرکزی تا خلیج فارس، شبه جزیره عربستان و سواحل مدیترانه امتداد دارد. این مسیر شامل چندین کشور مانند قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ازبکستان، ترکمنستان، ایران و ترکیه است. مسیر این گلوگاه از جاده ابریشم باستانی پیروی می‌کند و منطقه سین کیانگ چین را از طریق این کشورها به دریای مدیترانه متصل می‌کند. هدف این گلوگاه ساده‌سازی تجارت بین مرزها و تسهیل ساخت پروژه‌های زیرساختی حمل و نقل و انرژی است که منطقه غربی چین را از طریق آسیای مرکزی و خاورمیانه به استانبول متصل می‌کند.

هدف‌های CCAWEK شامل بهبود ارتباطات زیرساختی و تسهیل همکاری‌های اقتصادی بین چین، آسیای مرکزی و غرب آسیا است. این گلوگاه به دنبال بهبود زیرساخت‌ها و تسهیل زنجیره تأمین است تا یک "پیوند بدون درز" ایجاد کند که به همه کشورهای درگیر سود برساند. این گلوگاه همچنین به دنبال تنوع بخشی به منابع انرژی چین از طریق تقویت پیوندها با غرب آسیا است که یک تامین‌کننده بزرگ نفت و گاز برای چین است. با توسعه شبکه‌های حمل و نقل مانند راه‌آهن و بزرگراه‌ها، این گلوگاه به دنبال کاهش هزینه‌های معاملات و بهبود شرایط لجستیکی است تا فرصت‌های تجارت و سرمایه‌گذاری را افزایش دهد.

ویژگی‌های CCAWEK شامل یک شبکه قوی از ارتباطات ریلی و جاده‌ای است که تسهیل نقل و انتقال کالا در سراسر منطقه را فراهم می‌کند. این گلوگاه همچنین شامل سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی در زیرساخت‌های انرژی برای حمایت از توسعه صنعتی و رشد اقتصادی است. در حالی که هزینه‌های دقیق برای کل پروژه در نتایج جستجو مشخص نشده‌اند، این گلوگاه بخشی از یک استراتژی گسترده‌تر تحت برنامه راه و

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

کریدور اقتصادی چین-شبه جزیره هندچین: اتصال چین با کشورهای جنوب شرقی آسیا.^{۳۲۶}
کریدور اقتصادی بنگلادش-چین-هند-میانمار (BCIMEC): ترویج همکاری میان این کشورهای جنوب آسیا.^{۳۲۷}

کمربند است که هدف آن بهبود ارتباطات منطقه‌ای و همکاری‌های اقتصادی است. این ابتکار شامل سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی در توسعه زیرساخت در چندین کشور است که با منافع توسعه‌ای آن‌ها هماهنگ است و فرصت‌های گسترده‌ای برای ادغام اقتصادی در آینده ارائه می‌دهد. ۳۲۶ - گلوگاه اقتصادی چین-شبه جزیره هندوچین (CICPEC) یک ابتکار راهبردی است که هدف آن اتصال چین به کشورهای جنوب شرق آسیا از طریق یک شبکه زیرساختی گسترده است. این گلوگاه از شهرهای جنوبی چین، به ویژه نانینگ در استان گوانگشی و کونمینگ در استان یوننان، شروع می‌شود و از طریق شبه جزیره هندوچین امتداد دارد و شش کشور عضو اصلی آسه‌آن را در بر می‌گیرد: ویتنام، لاوس، کامبوج، تایلند، مالزی و سنگاپور. این مسیر به هدف بهبود ارتباطات بین این مناطق از طریق ادغام مسیرهای زمینی و دریایی، از جمله راه‌آب بین‌المللی لانکانگ-مکونگ و شبکه‌های ترافیک بین مرزها، طراحی شده است.

هدف این گلوگاه ساده‌سازی تجارت و همکاری‌های اقتصادی بین این کشورها است که از پیوندهای جغرافیایی و فرهنگی آن‌ها برای ترویج توسعه منطقه‌ای استفاده می‌کند. هدف‌های CICPEC شامل بهبود ارتباطات زیرساختی و تسهیل همکاری‌های اقتصادی در سراسر منطقه است. با توسعه یک شبکه قوی از راه‌آهن‌ها، بزرگراه‌ها و خطوط لوله، این گلوگاه به دنبال کاهش هزینه‌های معاملات و بهبود شرایط لجستیکی است تا فرصت‌های تجارت و سرمایه‌گذاری را افزایش دهد. این گلوگاه همچنین به دنبال تنوع‌بخشی به منابع انرژی چین از طریق تقویت پیوندها با کشورهای آسه‌آن است که تامین‌کننده‌های قابل توجهی نفت و گاز برای چین هستند. علاوه بر این، با ایجاد پارک‌های صنعتی و مناطق تجارت آزاد، از توسعه صنعتی حمایت می‌کند و همکاری‌های راهبردی را ترویج می‌کند و یک اقتصاد منطقه‌ای را ایجاد می‌کند که با قدرت‌های مکمل حمایت می‌شود.

ویژگی‌های CICPEC شامل سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی در زیرساخت‌های حمل و نقل، مانند راه‌آهن نانینگ-سنگاپور و بزرگراه‌های مختلف که تسهیل نقل و نقل کالا در سراسر منطقه را فراهم می‌کنند، است. این گلوگاه همچنین شامل سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی در زیرساخت‌های انرژی برای حمایت از رشد صنعتی و توسعه اقتصادی است. در حالی که هزینه‌های دقیق برای کل پروژه در نتایج جستجو مشخص نشده‌اند، این گلوگاه بخشی از یک استراتژی گسترده‌تر تحت برنامه راه و کمربند است که هدف آن بهبود ارتباطات منطقه‌ای و همکاری‌های اقتصادی است. این ابتکار شامل سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی در توسعه زیرساخت در چندین کشور است که با منافع توسعه‌ای آن‌ها هماهنگ است و فرصت‌های گسترده‌ای برای ادغام اقتصادی در آینده ارائه می‌دهد.

۳۲۷ - گلوگاه اقتصادی بنگلادش-چین-هند-میانمار (BCIMEC) یک ابتکار راهبردی است که هدف آن ترویج همکاری بین این کشورهای جنوب آسیا از طریق بهبود ارتباطات و ادغام اقتصادی است. این گلوگاه حدود ۱,۶۵ میلیون کیلومتر مربع را در بر می‌گیرد و حدود ۴۴۰ میلیون نفر را در استان یوننان چین، بنگلادش، میانمار و بنگال غربی در شرق هند شامل می‌شود. این گلوگاه شامل یک ترکیب از ارتباطات جاده‌ای، ریلی، آبی و هوایی است و از کونمینگ در چین تا کلکته در هند امتداد دارد و ماندالای در میانمار و همچنین داکا و چیتاگونگ در بنگلادش را به هم متصل می‌کند. این مسیر به هدف احیای مسیر تجاری باستانی جاده ابریشم جنوبی طراحی شده است که کوتاه‌ترین مسیر بین چین و هند را تسهیل می‌کند و ارتباطات منطقه‌ای را بهبود می‌بخشد.

هدف‌های BCIMEC شامل بهبود دسترسی به بازارهای کالا، خدمات و انرژی، از بین بردن موانع غیر تعرفه‌ای و تسهیل تجارت است. این گلوگاه به دنبال سرمایه‌گذاری در توسعه زیرساخت و ترویج اکتشاف و توسعه مشترک منابع معدنی، آبی و دیگر منابع طبیعی است. با توسعه یک شبکه قوی از زیرساخت‌های حمل و نقل و انرژی، این گلوگاه به دنبال کاهش هزینه‌های معاملات و بهبود شرایط لجستیکی است تا فرصت‌های تجارت و سرمایه‌گذاری را افزایش دهد. همچنین بر ارتباطات دیجیتالی برای تسهیل نقل و نقل آسان‌تر محصولات و خدمات تمرکز دارد. این گلوگاه بخشی از یک استراتژی گسترده‌تر تحت برنامه راه و کمربند است که هدف آن بهبود ارتباطات منطقه‌ای و همکاری‌های اقتصادی است.

ویژگی‌های BCIMEC شامل سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی در زیرساخت‌های حمل و نقل، مانند راه‌آهن‌ها و بزرگراه‌ها، و همچنین زیرساخت‌های انرژی برای حمایت از رشد صنعتی و توسعه اقتصادی است. این گلوگاه همچنین بر همکاری منطقه‌ای در بخش‌هایی مانند کشاورزی، گردشگری و حفاظت از محیط زیست تأکید دارد. در حالی که هزینه‌های دقیق برای کل پروژه در نتایج جستجو مشخص نشده‌اند،

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی: SREB با سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی در پروژه‌های زیرساختی مشخص می‌شود که برآورد می‌شود بین ۱ تا ۶ تریلیون دلار در چند دهه آینده هزینه داشته باشد. (هزینه‌های این پروژه از زمان شروع تاکنون قابل توجه بوده است و برآوردها نشان می‌دهند که هزینه پروژه‌های حمل و نقل BRI در ۷۰ اقتصاد گلوگاه، به استثنای چین، بین ۱۴۴ میلیارد تا ۳۰۴ میلیارد دلار است). این شامل:

شبکه‌های ریلی:

شبکه راه‌آهن جاده ابریشم (SREB) یک پروژه راه‌آهن با سرعت بالا است که هدف آن کاهش زمان سفر بین شهرهای بزرگ در مسیر باستانی جاده ابریشم است. این گلوگاه حدود ۵،۹۰۰ کیلومتر طول دارد و از سین‌کیانگ در چین شروع می‌شود و از طریق ۴۰ کشور آسیایی و اروپایی امتداد دارد و حدود سه میلیارد نفر را در بر می‌گیرد. این پروژه بلندپروازانه به هدف اتصال چین به اروپا از طریق یک شبکه راه‌آهن پیشرفته که هم برای حمل و نقل مسافری و هم برای باربری تسهیلات فراهم می‌کند، طراحی شده است. این مسیر تا سال ۲۰۳۰ عملیاتی خواهد شد و فازهای اولیه آن از سال ۲۰۲۲ شروع خواهند شد. این گلوگاه بخشی از برنامه راه و کمر بند چین است که هدف آن بهبود ارتباطات و همکاری‌های اقتصادی در این مناطق است.

هدف‌های راه‌آهن جاده ابریشم شامل ساده‌سازی تجارت بین مرزها و بهبود ادغام اقتصادی منطقه‌ای است. با کاهش زمان سفر و هزینه‌های حمل و نقل، این گلوگاه به دنبال افزایش کارایی تجارت و رشد اقتصادی در کشورهای شرکت‌کننده است. این پروژه همچنین به هدف حل چالش‌های ژئوپلیتیکی از طریق ترویج همکاری بین کشورهای با سیستم‌های سیاسی و اقتصادی متنوع، طراحی شده است. علاوه بر این، این شبکه به توسعه صنعتی از طریق ارائه راه‌حل‌های لجستیکی کارآمد برای نقل و نقل کالا و خدمات حمایت می‌کند. با وجود این هدف‌های بلندپروازانه، پروژه با چالش‌های قابل توجهی روبرو است، از جمله تفاوت در عرض ریل در کشورهای مختلف که نیاز به راه‌حل‌های نوآورانه مانند چرخ دنده تغییر دهنده برای اطمینان از عملیات بدون درز دارد. این پروژه شامل سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی در توسعه زیرساخت، از جمله ساخت خطوط راه‌آهن جدید و بهسازی خطوط موجود برای حمایت از عملیات با سرعت بالا است. در حالی که هزینه‌های دقیق برای کل پروژه در نتایج جستجو مشخص نشده‌اند، این گلوگاه بخشی از یک استراتژی گسترده‌تر تحت برنامه راه و کمر بند است که هدف آن بهبود ارتباطات منطقه‌ای و همکاری‌های اقتصادی است و انتظار می‌رود سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی در سال‌های آینده ادامه یابد.

ساخت جاده‌ها:

پروژه‌های ساخت جاده در چارچوب برنامه راه و کمر بند (BRI) هدف آن بهبود ظرفیت‌های حمل و نقل زمینی بین مرزها از طریق ساخت بزرگراه‌های جدید است. این پروژه‌ها بخشی از یک استراتژی گسترده‌تر برای بهبود ارتباطات و تسهیل تجارت بین چین و دیگر کشورها هستند. این گلوگاه‌ها شامل چندین مسیر مهم مانند گلوگاه

این گلوگاه شامل سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی در توسعه زیرساخت در چندین کشور است. این ابتکار با منافع توسعه‌ای آن‌ها هماهنگ است و فرصت‌های گسترده‌ای برای ادغام اقتصادی در آینده ارائه می‌دهد.

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

اقتصادی چین-پاکستان (CPEC) است که منطقه سین کیانگ چین را به بندر گواتر پاکستان متصل می کند و گلوگاه اقتصادی بنگلادش-چین-هند-میانمار (BCIMEC) که چین را به جنوب شرق آسیا متصل می کند. این بزرگراهها به هدف کاهش زمان سفر و هزینه های حمل و نقل طراحی شده اند تا رشد اقتصادی و ادغام منطقه ای را افزایش دهند. هدف های این پروژه های ساخت جاده شامل ساده سازی تجارت بین مرزها و بهبود همکاری های اقتصادی منطقه ای است. با سرمایه گذاری در توسعه زیرساخت، BRI به دنبال ایجاد راه حل های لجستیکی کارآمد برای حمایت از رشد صنعتی و توسعه اقتصادی است.

پروژه ها همچنین بر همکاری منطقه ای در بخش هایی مانند کشاورزی، گردشگری و حفاظت از محیط زیست تأکید دارند. با وجود این هدف های بلندپروازانه، پروژه ها با چالش های قابل توجهی روبرو هستند، از جمله تفاوت در استانداردهای زیرساخت در کشورهای مختلف که نیاز به راه حل های نوآورانه برای اطمینان از عملیات بدون درز دارد. ویژگی های این پروژه های ساخت جاده شامل سرمایه گذاری های قابل توجهی در زیرساخت های حمل و نقل، مانند بزرگراه ها و بزرگراه های سریع، و همچنین زیرساخت های انرژی برای حمایت از رشد صنعتی است. پروژه ها همچنین شامل سرمایه گذاری های قابل توجهی در ارتباطات دیجیتالی برای تسهیل نقل و نقل آسان تر محصولات و خدمات هستند. در حالی که هزینه های دقیق برای کل پروژه در نتایج جستجو مشخص نشده اند، BRI شامل سرمایه گذاری های قابل توجهی در توسعه زیرساخت در چندین کشور است. این ابتکار با منافع توسعه ای آنها هماهنگ است و فرصت های گسترده ای برای ادغام اقتصادی در آینده ارائه می دهد. مجموع سرمایه گذاری ها در پروژه های BRI از ۱ تریلیون دلار فراتر رفته است و برآوردها نشان می دهند که هزینه های چین در طول عمر این ابتکار ممکن است به ۶ یا ۸ تریلیون دلار برسد.

خطوط لوله انرژی:

پروژه های خطوط لوله انرژی در چارچوب برنامه راه و کمر بند (BRI) به هدف اطمینان از امنیت انرژی کشورهای شرکت کننده از طریق اتصال تولیدکنندگان بزرگ نفت و گاز به چین از طریق خطوط لوله زمینی طراحی شده اند. این خطوط لوله از مناطق استراتژیک مانند آسیای مرکزی، پاکستان، میانمار و روسیه عبور می کنند و نقاط گلوگاه دریایی تحت کنترل نیروی دریایی ایالات متحده را دور می زنند. این رویکرد به هدف کاهش وابستگی چین به مسیرهای دریایی برای واردات انرژی، که در معرض احتمال مسدودسازی دریایی هستند، است. با ایجاد این خطوط لوله، چین به دنبال تأمین پایدار نفت و گاز است که به این ترتیب امنیت و ثبات اقتصادی آن را بهبود می بخشد. خط لوله گاز طبیعی چین-آسیای مرکزی یک مثال برجسته است که حجم قابل توجهی از گاز طبیعی را از آسیای مرکزی به چین منتقل می کند و بخش قابل توجهی از مصرف چین را تأمین می کند.

هدف های این پروژه های خطوط لوله انرژی شامل تنوع بخشی به مسیرهای تأمین انرژی چین و کاهش وابستگی به مسیرهای دریایی سنتی است. با سرمایه گذاری در زیرساخت های خط لوله، چین به دنبال ایجاد یک شبکه قوی است که بتواند نفت و گاز کافی برای تأمین نیازهای وارداتی خود منتقل کند. این استراتژی نه تنها نگرانی های امنیتی انرژی را حل می کند، بلکه با اطمینان از تأمین پایدار منابع انرژی، رشد اقتصادی را نیز حمایت می کند.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

علاوه بر این، پروژه‌های انرژی BRI همکاری و توسعه منطقه‌ای را ترویج می‌کنند و با ایجاد مشارکت با کشورهای مسیر خط لوله‌ها، به انتقال جهانی به سمت منابع انرژی کم‌کربن کمک می‌کنند.

ویژگی‌های این پروژه‌های خط لوله شامل سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی در توسعه زیرساخت، مانند ساخت بنادر عمیق و شبکه‌های خط لوله است. برای مثال، شرکت ملی نفت چین (CNPC) به طور قابل توجهی در پروژه‌های خط لوله در میانمار سرمایه‌گذاری کرده است که تسهیل نقل و نقل منابع انرژی از خلیج به چین را فراهم می‌کند. هزینه این پروژه‌ها قابل توجه است و چین حدود ۹۰ میلیارد دلار در خرید سهام ذخایر گاز طبیعی در خارج و ساخت زیرساخت‌های خط لوله سرمایه‌گذاری کرده است. این سرمایه‌گذاری‌ها بخشی از یک استراتژی گسترده‌تر تحت BRI برای بهبود ارتباطات منطقه‌ای و همکاری‌های اقتصادی هستند و فرصت‌های گسترده‌ای برای ادغام و امنیت انرژی در آینده ارائه می‌دهند.

زیرساخت دیجیتال:

جاده دیجیتال (DSR) یک بخش مهم از برنامه راه و کمربند (BRI) چین است که بر بهبود ارتباطات دیجیتال بین کشورهای شرکت‌کننده تمرکز دارد. این ابتکار که در سال ۲۰۱۵ اعلام شد، هدف آن بهبود زیرساخت دیجیتال از طریق توسعه استانداردهای دیجیتال و گسترش شبکه‌های مخابراتی است. این پروژه شامل ساخت کابل‌های زمینی و زیردریایی و همچنین بهبود ارتباطات اینترنتی از طریق شبکه‌های فیبر نوری است. تا سال ۲۰۱۸، چین حدود ۷۹ میلیارد دلار در پروژه‌های مرتبط با DSR در ۱۲ کشور BRI در آسیا، آفریقا و اروپا سرمایه‌گذاری کرده است. DSR بخشی از استراتژی گسترده‌تر چین برای کاهش وابستگی به فناوری دیجیتال آمریکایی و ترویج استانداردهای فناوری خود در سطح جهانی است.

هدف‌های جاده دیجیتال شامل بهبود ارتباطات دیجیتال و حمایت از توسعه فناوری در مناطقی که زیرساخت کافی ندارند، است. با سرمایه‌گذاری در شبکه‌های مخابراتی، محاسبه ابری، هوش مصنوعی و فناوری‌های شهر هوشمند، DSR به دنبال ترویج رشد اقتصادی و همکاری‌های منطقه‌ای است. این ابتکار همچنین به هدف صادرات استانداردها و فناوری‌های دیجیتال چین، مانند سیستم‌های نظارت و پلتفرم‌های تجارت الکترونیک، به دیگر کشورها، طراحی شده است. این رویکرد نه تنها موقعیت چین را در اقتصاد دیجیتال جهانی تقویت می‌کند، بلکه توسعه زیرساخت دیجیتال در منطقه‌هایی که سرمایه‌گذاری خصوصی محدود است، را حمایت می‌کند. DSR با چشم‌انداز چین برای ایجاد یک "جامعه سرنوشت مشترک"^{۳۸} در فضای سایبری هماهنگ است و بر همکاری و توسعه مشترک بین کشورهای شرکت‌کننده تأکید دارد.

۳۲۸ - مفهوم "جامعه سرنوشت مشترک" یک عنصر کلیدی در سیاست خارجی چین و به طور نزدیک با برنامه راه و کمربند (BRI) مرتبط است. این چشم‌انداز جهانی را تصور می‌کند که کشورها برای رسیدن به اهداف مشترک در ابعاد مختلف مانند سیاست، امنیت، توسعه، فرهنگ و محیط زیست همکاری کنند. هدف ایجاد یک مدل حاکمیت جهانی است که با سبک حاکمیت چین هماهنگ باشد و ظهور آن را به عنوان یک رهبر جهانی حمایت کند. BRI به عنوان یک پلتفرم عملیاتی برای تحقق این چشم‌انداز عمل می‌کند و از طریق پروژه‌های زیرساختی و پیوندهای اقتصادی، ارتباطات و همکاری بین کشورهای شرکت‌کننده را بهبود می‌بخشد. هدف‌های این ابتکار شامل ترویج مشارکت‌های بین‌المللی بر اساس گفت‌وگو و عدم رویارویی است که به عنوان جایگزین برای اتحادهای سنتی سبک ایالات متحده دیده می‌شوند. این مشارکت‌ها به هدف

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

ویژگی‌های جاده دیجیتالی شامل سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی در زیرساخت دیجیتال، مانند ارتباطات بی‌سیم 4G/5G، شبکه‌های پهن‌بند و سیستم‌های ماهواره‌ای است. چین به یک بازیگر عمده در مخابرات جهانی تبدیل شده است و بخش قابل توجهی از کابل‌های زیردریایی را در اختیار دارد یا تأمین می‌کند. DSR همچنین شامل همکاری با شرکت‌های فناوری چینی مانند هواوی برای بهبود ظرفیت‌های مخابراتی در کشورهای دریافت‌کننده است. در حالی که هزینه‌های دقیق آینده در نتایج جستجو مشخص نشده‌اند، DSR بخشی از یک استراتژی گسترده‌تر تحت BRI برای بهبود ارتباطات منطقه‌ای و همکاری‌های اقتصادی است و انتظار می‌رود سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی در سال‌های آینده ادامه یابد. این ابتکار با منافع توسعه‌ای چین هماهنگ است و فرصت‌های گسترده‌ای برای ادغام و امنیت دیجیتال در آینده ارائه می‌دهد.

تأثیر اقتصادی:

پیش‌بینی می‌شود تأثیر SREB قابل توجهی بر حدود ۴,۴ میلیارد نفر در ۶۵ کشور داشته باشد که حدود ۴۰ درصد از تولید ناخالص داخلی جهانی را تشکیل می‌دهد. با بهبود مسیرهای تجاری و کاهش هزینه‌های لجستیکی، این ابتکار هدف دارد تا اقتصادهای مناطق در حال توسعه را تقویت کرده و وابستگی اقتصادی بیشتری میان کشورهای شرکت‌کننده ایجاد کند.

تأثیر اقتصادی SREB چندوجهی است و پیش‌بینی می‌شود که GDP جهانی را از طریق بهبود کارایی تجارت و کاهش موانع مبادلات اقتصادی افزایش دهد. با ترویج همکاری‌های منطقه‌ای و سرمایه‌گذاری در زیرساخت، SREB به دنبال تحریک رشد اقتصادی در منطقه‌هایی است که به طور تاریخی با چالش‌های دسترسی به بازارهای جهانی روبرو بوده‌اند. این ابتکار همچنین حمایت از توسعه صنایع جدید و ایجاد شغل، به ویژه در بخش‌هایی مانند ساخت و ساز، لجستیک و فناوری، را فراهم می‌کند. با این حال، SREB با چالش‌هایی مانند تنش‌های ژئوپلیتیکی و تفاوت در استانداردهای تنظیمی بین کشورها روبرو است که نیاز به مدیریت دقیق برای اطمینان از پیاده‌سازی موفق دارد.

چالش‌ها و انتقادات:

با وجود اهداف بلندپروازانه خود، کمربند اقتصادی جاده ابریشم با چندین چالش مواجه است:

تنش‌های ژئوپلیتیکی:

ترویج اعتماد و درک متقابل از طریق تعاملات مردم و تبادل‌های بین فرهنگی هستند. با تأکید بر توسعه مشترک به جای قدرت‌طلبی، چین به دنبال ارائه یک روایت از صلح و همکاری است که با سیستم اتحادیه‌های انحصاری ایالات متحده و متحدانش در تضاد باشد. ویژگی‌های این ابتکار شامل سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی در توسعه زیرساخت، مانند شبکه‌های حمل و نقل و ارتباطات دیجیتال، برای حمایت از ادغام اقتصادی و همکاری‌های منطقه‌ای است. BRI همچنین شامل تأسیس نهادهای چندجانبه مانند بانک توسعه زیرساخت آسیا (AIIB) برای تسهیل همکاری‌های اقتصادی است. در حالی که هزینه‌های دقیق برای کل پروژه در نتایج جستجو مشخص نشده‌اند، BRI شامل سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی در توسعه زیرساخت در چندین کشور است که با منافع توسعه‌ای آن‌ها هماهنگ است و فرصت‌های گسترده‌ای برای ادغام اقتصادی در آینده ارائه می‌دهد.

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

گلوگاه اقتصادی جاده ابریشم (SREB) با چالش‌های قابل توجهی از نظر تنش‌های ژئوپلیتیکی روبرو است که نگرانی‌هایی درباره افزایش نفوذ چین در امور جهانی را برانگیخته است. یکی از چالش‌های اصلی رقابت ژئوپلیتیکی بین قدرت‌های بزرگ، به ویژه ایالات متحده و روسیه، است. خاورمیانه به عنوان میدان نبرد برای درگیری‌های جانشین بین این دو کشور عمل می‌کند، با روسیه که به عنوان یک بازیگر کلیدی در منطقه، به ویژه در سوریه، ظهور مجدد کرده است. برنامه‌های چین برای حضور طولانی‌مدت در خاورمیانه نیاز به پیمودن فعالانه از این پویاهای ژئوپلیتیکی پیچیده دارد. رقابت استراتژیک بین عربستان سعودی و ایران تلاش‌های چین برای پیشرفت SREB را پیچیده‌تر می‌کند، زیرا این کشورها در درگیری‌های جانشین در سراسر منطقه درگیر هستند و تنش‌ها و خصومت‌های فرقه‌ای را تشدید می‌کنند.

تنش‌های ژئوپلیتیکی با موقعیت استراتژیک ایران که برای SREB بسیار مهم است، پیچیده‌تر می‌شود. پتانسیل ایران به عنوان یک هژمون منطقه‌ای و آرزوی گسترش قدرت آن می‌تواند به مقاومت از سوی کشورهای حاشیه خلیج فارس به رهبری سنی‌ها منتهی شود برای موفقیت BRI حیاتی هستند، منجر شود. علاوه بر این، تهدید تروریسم از گروه‌های افراطی در خاورمیانه خطری برای پروژه‌های زیرساخت BRI ایجاد می‌کند. این گروه‌ها می‌توانند پروژه‌ها را آسیب رسانده یا نابود کنند و همچنین احتمال ربوده شدن کارگران چینی برای استفاده سیاسی یا اقتصادی وجود دارد. چین بر همکاری با کشورهای خاورمیانه برای بهبود امنیت در مسیرهای BRI تکیه دارد. در جنوب آسیا، SREB تنش‌های سیاسی را افزایش داده است، به ویژه بین هند و پاکستان. گلوگاه اقتصادی چین-پاکستان (CPEC) رقابت بین این دو کشور را تشدید کرده است، زیرا از مناطق مورد مناقشه عبور می‌کند. هند نگران نفوذ فزاینده چین در منطقه به هزینه خود است و از افزایش دخالت امنیتی چین در جنوب آسیا نگران است. احتمال وجود یک پایگاه دریایی چینی در گواتر، پاکستان، این نگرانی‌ها را بیشتر می‌کند. در مقابل، افغانستان SREB را استقبال می‌کند اما با چالش‌هایی به دلیل ناپایداری و روابط تیره با پاکستان روبرو است.

چالش‌های ژئوپلیتیکی که SREB با آن‌ها روبرو است، با شک و تردید درباره نیت چین پیچیده‌تر می‌شود. بسیاری از کشورها BRI را به عنوان وسیله‌ای برای گسترش نفوذ اقتصادی و سیاسی چین در سطح جهانی می‌بینند. این ادراک به شک و تردید و مقاومت از سوی برخی قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی منجر شده است. با وجود این چالش‌ها، SREB پتانسیل دارد که به سنگ بنای رشد و ادغام اقتصادی آسیا تبدیل شود، اگر بتواند از این موانع ژئوپلیتیکی به طور موفقیت‌آمیز عبور کند. موفقیت این ابتکار به مشارکت و حمایت کشورهای خاورمیانه و توانایی چین در حل این چالش‌ها بستگی دارد.

پایداری بدهی:

۳۲۹- "چالش‌های ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک در جاده ابریشم چین:"

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

گلوگاه اقتصادی جاده ابریشم (SREB) با چالش‌های قابل توجهی در زمینه پایداری بدهی روبرو است، زیرا منتقدان معتقدند که سرمایه‌گذاری‌های سنگین ممکن است به سطوح بدهی غیرقابل تحمل برای کشورهای شرکت‌کننده منجر شود. بسیاری از بازارهای نوظهور شاهد افزایش بدهی عمومی بوده‌اند که به سطوحی رسیده است که از دهه ۱۹۸۰ به بعد دیده نشده است و همراه با افزایش بدهی شرکت‌ها و ریسک‌های مالی بوده است. این وضعیت با تأمین مالی بدهی بزرگ، به ویژه در ارزهای خارجی و با شرایط غیرمذهبی، که ممکن است به طور سریع آسیب‌پذیری بدهی را در میان مدت افزایش دهد، تشدید می‌شود. بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول ذکر کرده‌اند که سهم کشورهای در خطر بالا یا در وضعیت بحران بدهی از سال ۲۰۱۳ دو برابر شده است و حدود ۴۰٪ از کشورهای در حال توسعه با درآمد کم را تحت تأثیر قرار داده است.

چندین کشور در مسیر SREB به دلیل مشکلات بدهی با چالش‌های اقتصادی روبرو بوده‌اند. برای مثال، نسبت بدهی به GDP پاکستان از ۸۰٪ فراتر رفته است که بخشی از آن به دلیل مشکلات ساختاری و نه صرفاً به دلیل گلوگاه اقتصادی چین-پاکستان (CPEC) است. CPEC به افزایش خروج حساب‌های خارجی کمک کرده است، اگرچه دلیل اصلی بحران بدهی پاکستان نیست. به طور مشابه، سری‌لانکا با چالش‌های قابل توجهی در زمینه بدهی روبرو بوده است که به پروژه بندر همبانتوتا مثال زدنی است که به یک بحران بدهی و در نهایت کنترل چینی بر بندر منجر شد. این مثال‌ها خطرات مرتبط با سرمایه‌گذاری‌های BRI و پتانسیل ناپایداری اقتصادی در کشورهای دریافت‌کننده را نشان می‌دهند.

تنش‌های ژئوپلیتیکی که SREB را احاطه کرده‌اند با نگرانی‌هایی درباره پایداری بدهی پیچیده‌تر می‌شوند. بسیاری از کشورها BRI را به عنوان وسیله‌ای برای گسترش نفوذ اقتصادی و سیاسی چین در سطح جهانی می‌بینند که به شک و تردید و مقاومت از سوی برخی قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی منجر شده است. این ادراک نگرانی‌هایی درباره احتمال وابستگی به بدهی و از دست دادن حاکمیت در کشورهای شرکت‌کننده برانگیخته است. با وجود این چالش‌ها، SREB پتانسیل دارد که به سنگ بنای رشد و ادغام اقتصادی آسیا تبدیل شود، اگر بتواند از این موانع ژئوپلیتیکی به طور موفقیت‌آمیز عبور کند.

برای حل این چالش‌ها، چین چارچوب "پایداری بدهی" را برای کشورهای شرکت‌کننده در BRI توسعه داده است که هدف آن تعادل بین نیازهای تأمین مالی توسعه‌ای و حفظ پایداری بدهی است. این چارچوب شامل رویه‌ها و معیارهای سنجش پایداری بدهی در زمان وام دادن به کشورهای BRI است. علاوه بر این، چین از طریق مکانیزم‌هایی مانند خطوط مبادله و وام‌های بانک‌های دولتی به کشورهای در بحران مایعیت و حمایت از پایداری ارائه می‌دهد. با این حال، شواهد درباره اینکه آیا این حمایت‌های مالی بر اساس ملاحظات استراتژیک ارائه می‌شوند، غیرقطعی است و برخی پیشنهاد کرده‌اند که انگیزه‌های ژئوپلیتیکی پشت این کمک‌ها وجود دارد.^{۳۳۰}

نگرانی‌های زیست‌محیطی:

۳۳۰ - "پایداری بدهی و کریدور اقتصادی چین و پاکستان":

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

گلوگاه اقتصادی جاده ابریشم (SREB) با چالش‌های قابل توجهی از نظر محیطی روبرو است که به دلیل پروژه‌های زیرساختی گسترده آن می‌تواند تأثیرات عمده‌ای بر اکوسیستم‌ها و منابع طبیعی داشته باشد. یکی از نگرانی‌های اصلی همپوشانی مسیرهای BRI با مناطق حساس از نظر اکولوژیکی، از جمله زیستگاه‌های گونه‌های در معرض خطر و نقاط داغ تنوع زیستی، است. برای مثال، این مسیرها با زیستگاه ۲۶۵ گونه در معرض خطر، از جمله گونه‌های در خطر بحرانی، همپوشانی دارد و با ۱۷۳۹ منطقه مهم پرندگان یا مناطق کلیدی تنوع زیستی همپوشانی دارد. این همپوشانی خطر تأثیرات منفی جدی بر محیط زیست، مانند نابودی زیستگاه‌ها و کاهش تنوع زیستی، را به همراه دارد که می‌تواند به تخریب مناطق حفاظت‌شده در مسیرهای BRI منجر شود.

پیامدهای محیطی SREB با استخراج و استفاده از مواد خام مورد نیاز برای توسعه زیرساخت بیشتر تشدید می‌شود. تولید سیمان که به مقدار زیادی شن و سنگ آهک نیاز دارد، از نرخ‌های تجدید طبیعی فراتر رفته است و به طور جدی بر دلتاهای رودخانه‌ای و اکوسیستم‌های ساحلی تأثیر می‌گذارد. علاوه بر این، وابستگی به سوخت‌های فسیلی برای تأمین انرژی در پروژه‌های BRI به طور قابل توجهی به انتشار گازهای گلخانه‌ای کمک می‌کند، با این که چین مسئول بخش قابل توجهی از انتشار جهانی است. این فعالیت‌ها نه تنها به اکوسیستم‌های محلی آسیب می‌زنند، بلکه به تغییرات آب و هوا نیز کمک می‌کنند که پیامدهای گسترده‌ای برای سلامت محیطی جهانی دارد.

SREB همچنین نگرانی‌هایی درباره آلودگی و کاهش منابع را برانگیخته است. ساخت جاده‌ها، راه‌آهن‌ها و پروژه‌های زیرساختی دیگر منجر به افزایش آلودگی هوا و آب، قطع درختان و فرسایش خاک می‌شود. برای مثال، ساخت رودخانه پانچ در افغانستان منجر به ریزش بهمن و جریان‌های رسوبی شد که می‌تواند به زیرساخت‌ها آسیب رسانده و زیستگاه‌های طبیعی را مختل کند. علاوه بر این، افزایش ترافیک دریایی به دلیل پروژه‌های BRI انتظار می‌رود که انتشار گازهای آلاینده از فعالیت‌های دریایی را افزایش دهد و به تخریب محیطی بیشتر کمک کند.

با وجود این چالش‌ها، تلاش‌هایی برای کاهش تأثیرات محیطی SREB وجود دارد. چین تعهد کرده است که تأثیرات منفی را محدود کند و از ابتکارات سبز و استفاده از منابع انرژی تجدیدپذیر حمایت کند. با این حال، اثربخشی این اقدامات به پیاده‌سازی سیاست‌های محیطی سختگیرانه و همکاری بین‌المللی برای اطمینان از توسعه پایدار بستگی دارد. موفقیت SREB در تعادل بین رشد اقتصادی و حفاظت از محیط زیست نیاز به برنامه‌ریزی و نظارت دقیق دارد تا از آسیب‌های اکولوژیکی طولانی‌مدت جلوگیری شود.

نتیجه‌گیری:

کمربند اقتصادی جاده ابریشم نمایانگر یک چشم‌انداز تحول‌آفرین برای تجارت جهانی و همکاری اقتصادی است که یادآور پیشینیان تاریخی خود می‌باشد. با تمرکز بر اتصال زمینی از طریق توسعه جامع زیرساخت‌ها، هدف آن ایجاد یک اقتصاد جهانی یکپارچه‌تر است در حالی که نابرابری‌های توسعه‌ای بین مناطق را نیز مورد توجه قرار می‌دهد. با پیشرفت این ابتکار، گفتگوی مداوم درباره پیامدهای آن برای اطمینان از رشد پایدار و منافع عادلانه

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

برای همه ذینفعان ضروری خواهد بود. برای دریافت اطلاعات بیشتر می توانید به سایت ذیل مراجعه کنید:
<https://eng.yidaiyilu.gov.cn/>

۱.۲. راه دریایی قرن بیستویکم: (۲۱st Century Maritime Silk Road)

راه دریایی قرن بیستویکم بخشی از ابتکار "یک کمربند، یک جاده" (Belt and Road Initiative) چین است که به منظور تقویت ارتباطات و همکاری‌های اقتصادی در سطح جهانی طراحی شده است. این راه دریایی به دنبال احیای و گسترش مسیرهای تجاری تاریخی جاده ابریشم دریایی است که در قرون گذشته برای تجارت بین چین و کشورهای دیگر استفاده می‌شد. این پروژه با اهداف و ویژگی‌های ذیل شروع گردید:

۱. تقویت زیرساخت‌ها:

جاده دریایی قرن ۲۱ (MSR) یک عنصر استراتژیک از برنامه راه و کمربند (BRI) چین است که هدف آن بهبود زیرساخت‌های حمل و نقل دریایی در کشورهای مختلف است. این ابتکار بر توسعه و بهبود بنادر، کانال‌ها و سیستم‌های لجستیک تمرکز دارد تا تجارت و ارتباطات را کارآمد کند. برای مثال، چین به طور قابل توجهی در ساخت و گسترش بنادر کلیدی مانند گواتر در پاکستان، کیوک‌پیو در میانمار و همبانتوتا در سری‌لانکا سرمایه‌گذاری کرده است. این سرمایه‌گذاری‌ها بخشی از یک استراتژی گسترده‌تر برای ایجاد یک شبکه دریایی قوی است که ادغام اقتصادی و همکاری‌های منطقه‌ای را حمایت می‌کند.

جاده دریایی قرن ۲۱ منجر به سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی در زیرساخت شده است، با این که چین یک صندوق توسعه ۴۰ میلیارد دلاری را برای تأمین مالی پروژه‌های تحت این ابتکار ایجاد کرده است. این صندوق حمایت از ساخت ارتباطات راه‌آهن با استاندارد جدید، مانند خط بین نایروبی و مومباسا در کنیا، و پروژه‌های زیرساختی دیگر که ارتباطات دریایی را بهبود می‌بخشد، را فراهم می‌کند. این ابتکار همچنین شامل تأسیس بانک توسعه زیرساخت آسیا (AIIB) و مکانیزم‌های مالی دیگر برای ارائه حمایت مالی برای توسعه زیرساخت در کشورهای شرکت‌کننده است. این تلاش‌ها به هدف رفع نیازهای زیرساختی کشورهای در حال توسعه و ترویج رشد اقتصادی از طریق بهبود شبکه‌های حمل و نقل است.

MSR همچنین همکاری بین چین و کشورهای آسه‌آن را تسهیل کرده است که بر ارتباطات دریایی و توسعه زیرساخت تمرکز دارد. صندوق همکاری دریایی چین-آسه‌آن به طور مؤثر در حمایت از این تلاش‌ها نقش داشته است و ساخت کانال‌های حمل و نقل دریایی ایمن و کارآمد را ترویج کرده است. این همکاری فرصت‌های جدیدی برای همکاری صنعتی بین چین و کشورهای آسه‌آن، به ویژه در بخش‌هایی مانند ساخت و ساز و انرژی، باز کرده است. تمرکز این ابتکار بر توسعه زیرساخت با نیازهای کشورهای آسه‌آن هماهنگ است که به سرمایه‌گذاری قابل توجهی برای کاهش شکاف بین سطح زیرساخت و نرخ‌های رشد اقتصادی خود نیاز دارند.

با وجود سرمایه‌گذاری‌ها و پیشرفت‌های قابل توجه تحت MSR، چالش‌هایی در اطمینان از توسعه پایدار و حل نگرانی‌های محیطی باقی مانده است. موفقیت این ابتکار به برنامه‌ریزی دقیق و همکاری بین‌المللی برای تعادل بین رشد اقتصادی و حفاظت از محیط زیست بستگی دارد. پروژه‌های زیرساختی MSR انتظار می‌رود که به طور

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

مداوم تکامل یابند، با سرمایه‌گذاری‌های ادامه‌دار برای تقویت ارتباطات دریایی و حمایت از ادغام اقتصادی منطقه‌ای.^{۳۳۱}

۲. توسعه اقتصادی:

جاده ابریشم دریایی قرن ۲۱ (MSR) یکی از اجزای مهم ابتکار کمربند و جاده چین است که هدف آن ترویج توسعه اقتصادی از طریق بهبود ارتباطات دریایی و تجارت است. این ابتکار به گسترش اقتصاد دریایی چین، که ارزش آن بیش از ۱,۲ تریلیون دلار است، با بهبود خطوط ارتباطی دریایی و تأمین امن انرژی می‌پردازد. MSR هدف دارد تا کشورهای آسیایی، اروپایی و آفریقایی را به هم متصل کند و همکاری و رشد اقتصادی متقابل را ترویج کند.

یکی از ویژگی‌های کلیدی MSR تمرکز آن بر توسعه زیرساخت است. چین به طور قابل توجهی در ساخت بنادر و زیرساخت‌های دریایی در طول مسیرهای پیشنهادی سرمایه‌گذاری کرده است. برای مثال، چین چندین بندر در بخش‌هایی از مسیر ساخته است که انتظار می‌رود به زودی به بهره‌برداری برسند. این توسعه زیرساختی نه تنها تجارت را حمایت می‌کند، بلکه فرصت‌هایی برای شرکت‌های چینی برای سرمایه‌گذاری در بازارهای خارجی، به ویژه در بخش‌های ساخت زیرساخت و تولید، فراهم می‌کند.

MSR همچنین بر همکاری با شرکای منطقه‌ای، مانند کشورهای ASEAN، تأکید دارد. این همکاری شامل تلاش‌های مشترک در ارتباطات دریایی، گذرگاه‌های اقتصادی و پارک‌های صنعتی است. این ابتکار منجر به تأسیس بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا (AIIB) شده است که حمایت مالی برای این پروژه‌ها را فراهم می‌کند. با بهبود ارتباطات و تسهیل تجارت، MSR هدف دارد تا شکاف‌های زیرساختی در کشورهای در حال توسعه را کاهش داده و رشد اقتصادی را تحریک کند.

از نظر سرمایه‌گذاری مالی، MSR شاهد هزینه‌های قابل توجهی بوده است. تا سال ۲۰۱۶، ۷۵۸ پروژه همکاری تحت ابتکار MSR امضا شد که ارزش قرارداد آن حدود ۲۱۹ میلیارد یوان چین (حدود ۳۱,۷۵ میلیارد دلار) بود. این سرمایه‌گذاری‌ها بخشی از یک استراتژی گسترده‌تر برای افزایش حجم تجارت و همکاری اقتصادی بین چین و کشورهای واقع در مسیرهای دریایی است که به توسعه اقتصادی منطقه‌ای کمک می‌کند.^{۳۳۲}

۳. همکاری‌های چندجانبه:

راه‌آهن دریایی قرن ۲۱ (MSR) یکی از اجزای کلیدی ابتکار کمربند و راه چین است که بر همکاری چندجانبه با کشورهای مختلف تأکید دارد. این ابتکار با هدف بهبود ارتباطات و همکاری در آسیا، اروپا و آفریقا، بر توسعه

۳۳۱ - "جاده ابریشم دریایی قرن بیست و یکم و همکاری چین و آسه آن":

https://www.labmundo.org/wp-content/uploads/۰۸/۲۰۱۹/The_۲۱st_Century_Maritime_Silk.pdf

۳۳۲ - "چشم انداز و اقدامات در مورد ایجاد مشترک کمربند اقتصادی جاده ابریشم و جاده ابریشم دریایی قرن بیست و یکم":

https://www.mfa.gov.cn/eng/zy/jj/۲۰۱۵zt/xjpcxbayzlt۲۰۱۵nnh/۲۰۲۴۰۶/t۲۰۲۴۰۶۰۶_۱۱۳۸۱۶۵۹.html

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

زیرساخت، تسهیل تجارت و مبادلات فرهنگی تمرکز دارد. MSR به دنبال ایجاد یک شبکه از مسیرهای دریایی است که بندرهای بزرگ و خطوط کشتیرانی را به هم متصل کند و ادغام و همکاری اقتصادی بین کشورهای شرکت کننده را ترویج کند. یکی از ویژگی‌های اصلی MSR ایجاد مناطق همکاری اقتصادی و تجاری است. تاکنون، چین ۵۶ منطقه از این دست را در ۲۳ کشور ایجاد کرده است که شامل بیش از ۱۲۰۰ شرکت چینی است. این مناطق به عنوان مراکز برای سرمایه‌گذاری مشترک و پروژه‌های زیرساختی عمل می‌کنند و رشد و توسعه اقتصادی در کشورهای میزبان را ترویج می‌کنند. علاوه بر این، MSR تشویق به جفت شدن بندرهای خواهر و تشکیل اتحادیه‌های بندر برای بهبود ارتباطات دریایی می‌کند. این شامل پروژه‌هایی برای برنامه‌ریزی و ساخت کابل‌های زیردریایی برای بهبود شبکه‌های ارتباطی بین‌المللی است.^{۳۳}

۴. گسترش نفوذ چین:

راه‌آهن دریایی قرن ۲۱ یک ابتکار راهبردی از سوی چین است که هدف آن گسترش نفوذ این کشور در سراسر جهان است. این ابتکار بخشی از ابتکار کمربند و راه گسترده‌تر (BRI) است که به دنبال افزایش نفوذ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی چین از طریق سرمایه‌گذاری، کمک‌های مالی و توسعه فناوری است. MSR بر ایجاد یک شبکه از مسیرهای دریایی تمرکز دارد که بندرهای بزرگ و خطوط کشتیرانی را به هم متصل کند و از این طریق ادغام و همکاری اقتصادی بین کشورهای شرکت کننده را ترویج کند.

یکی از راهبردهای کلیدی که چین در چارچوب MSR به کار می‌گیرد، خرید و توسعه بندرهای استراتژیک در سراسر جهان است. برای مثال، چین به میزان زیادی در بندر پیرئوس در یونان سرمایه‌گذاری کرده و آن را به یک مرکز مهم برای تجارت بین آسیا و اروپا تبدیل کرده است. این سرمایه‌گذاری نه تنها فعالیت اقتصادی در یونان را افزایش می‌دهد، بلکه موقعیت چین را در منطقه مدیترانه نیز تقویت می‌کند. علاوه بر این، چین در توسعه بندرهای کشورهای مانند سری‌لانکا و پاکستان نیز نقش داشته است که این بندرها به عنوان گره‌های بحرانی در شبکه MSR عمل می‌کنند. این بندرها نه تنها مراکز تجاری، بلکه نقش مهمی در افزایش حضور دریایی و دسترسی راهبردی چین نیز ایفا می‌کنند.

MSR همچنین گسترش نفوذ اقتصادی چین را از طریق پروژه‌های زیرساختی و توافق‌نامه‌های تجاری تسهیل می‌کند. با تأمین مالی و ساخت زیرساخت‌هایی مانند جاده‌ها، راه‌آهن‌ها و تأسیسات انرژی در کشورهای شریک، چین مزایای اقتصادی بلندمدت را تضمین کرده و روابط تجاری خود را تقویت می‌کند. برای مثال، راه‌آهن اقتصادی چین و پاکستان (CPEC) یک پروژه پرچمدار در چارچوب MSR است که هدف آن اتصال چین به دریای عمان از طریق پاکستان است. این راه‌آهن شامل سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی در پروژه‌های زیرساختی و انرژی است که از این طریق پیوندهای اقتصادی بین دو کشور را تقویت می‌کند.

۳۳ - "جاده ابریشم دریایی قرن بیست و یکم و همکاری چین و آسه آن":

https://www.labmundo.org/wp-content/uploads/۰۸/۲۰۱۹/The_۲۱st_Century_Maritime_Silk.pdf

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

علاوه بر این، MSR به عنوان یک سکوی برای ترویج مبادلات فرهنگی و افزایش قدرت نرم چین عمل می‌کند. از طریق ابتکاراتی مانند مبادلات آموزشی، جشنواره‌های فرهنگی و همکاری‌های رسانه‌ای، چین به دنبال ایجاد درک متقابل بهتر و همکاری با دیگر کشورها است. این دیپلماسی فرهنگی مکمل راهبردهای اقتصادی و سیاسی چین در چارچوب MSR است و به رویکردی جامع‌تر برای گسترش نفوذ جهانی این کشور کمک می‌کند. در مجموع، MSR نمایانگر یک استراتژی چندوجهی است که از طریق آن چین به دنبال تثبیت موقعیت خود به عنوان یک قدرت پیشرو در سطح جهانی است.

مسیرها و مناطق تحت پوشش:

- ✓ جنوب شرقی آسیا: کشورهای مانند مالزی، اندونزی و تایلند از جمله مقاصد اصلی این طرح هستند.
 - ✓ اقیانوس هند: کشورهای واقع در حاشیه اقیانوس هند مانند هند، سریلانکا و پاکستان نیز در این طرح مورد توجه قرار دارند.
 - ✓ شرق آفریقا: کشورهای آفریقایی مانند کنیا و تانزانیا نیز از مزایای این طرح بهره‌مند خواهند شد.
 - ✓ مدیترانه: کشورهایی مانند یونان و ایتالیا نیز به عنوان نقاط کلیدی در این مسیرها شناخته می‌شوند.
- راه دریایی قرن بیست‌ویکم یک ابتکار مهم برای تقویت تجارت جهانی و همکاری‌های اقتصادی است که می‌تواند تأثیرات عمیقی بر ساختارهای اقتصادی و سیاسی کشورهای مختلف داشته باشد. با این حال، چالش‌ها و انتقادات مربوط به آن نیازمند توجه جدی از سوی تمامی ذینفعان است.

۲. پروژه‌های کلیدی

زیرساخت‌های حمل‌ونقل:

ساخت راه‌آهن چین-اروپا که مسیرهای ترانزیتی سریع‌تر بین این دو منطقه فراهم می‌کند. راه‌آهن چین-اروپا که به عنوان بخشی از **ابتکار کمربند و جاده** (Belt and Road Initiative) چین توسعه یافته است، یکی از مهم‌ترین پروژه‌های زیرساختی در زمینه حمل‌ونقل بین‌المللی محسوب می‌شود. این پروژه شامل شبکه‌ای از خطوط ریلی است که شهرهای مهم چین را به مقاصد مختلفی در اروپا متصل می‌کند. هدف اصلی این طرح، تقویت تجارت و تبادلات اقتصادی بین آسیا و اروپا است. در ادامه برخی از جزئیات کلیدی مربوط به این پروژه آمده است:

۳. شبکه ریلی گسترده

این راه‌آهن شامل ده‌ها مسیر مختلف است که شهرهای بزرگ چین، مانند **چونگ‌کینگ**، **چنگدو**، **شی‌آن**، **وو‌هان**، و **بی‌وو** را به شهرهایی در اروپا مانند **دوئیسبرگ** (آلمان)، **ورشو** (لهستان)، **مادرید** (اسپانیا)، و **لندن** (انگلستان) متصل می‌کند.^{۳۳۴}

۳۳۴ - اکسپرس چین-اروپا، یک پروژه پرچمدار در این شبکه، شهرهای چینی مانند چونگ‌کینگ، چنگدو، شی‌آن، وو‌هان و بیوو را به شهرهای اروپایی مانند دوئیسبرگ (آلمان)، ورشو (لهستان)، مادرید (اسپانیا) و لندن (انگلستان) متصل می‌کند. این سرویس راه‌آهن زمان حمل و نقل را به طور قابل توجهی نسبت به مسیرهای دریایی سنتی کاهش داده است. برای مثال، کالاهای از چونگ‌کینگ به دوئیسبرگ اکنون می‌توانند

۴. سرعت و ظرفیت حمل و نقل

• زمان حمل و نقل:

انتقال کالا از چین به اروپا از طریق شبکه گسترده راه آهن ابتکار کمربند و جاده معمولاً بین ۱۲ تا ۱۸ روز به طول می انجامد. این زمان به طور قابل توجهی سریع تر از حمل و نقل دریایی سنتی است که می تواند تا ۴۵ روز به طول بیانجامد. خدمات راه آهن گزینه ای مقرون به صرفه و کارآمد از نظر زمانی را ارائه می دهد و به همین دلیل برای شرکت هایی که به زمان بندی حساس هستند، محبوبیت دارد.

• حجم کالا:

انتقال کالا از چین به اروپا از طریق شبکه راه آهن ابتکار کمربند و جاده معمولاً حدود ۶,۵۰۰ دلار در هر کانتینر هزینه دارد. در مقابل، هزینه حمل و نقل دریایی می تواند بسته به مسیر خاص و نوع کالا متفاوت باشد. برای مثال، هزینه حمل و نقل دریایی از چین به اروپا معمولاً بین ۱,۰۰۰ تا ۳,۰۰۰ دلار در هر کانتینر و حمل و نقل هوایی ممکن است به ۳۲,۰۰۰ دلار برسد، اگرچه این هزینه می تواند با توجه به شرایط بازار و دسترسی به کانتینرها تغییر کند. این هزینه ها و زمان بندی ها می توانند بر اساس عوامل مختلف مانند مسیر خاص، نوع کالا و شرایط بازار فعلی متفاوت باشند.^{۳۳۵}

۵. مزایا

مزایای حمل و نقل شبکه ریلی ابتکار کمربند و جاده شامل کاهش هزینه ها، تقویت تجارت و حمایت از اقتصاد سبز است. حمل و نقل ریلی نسبت به حمل و نقل هوایی اقتصادی تر و نسبت به حمل و نقل دریایی سریع تر است. این پروژه تبادلات تجاری بین چین و اروپا را افزایش داده و مسیرهای جدیدی برای تجارت ایجاد کرده است. علاوه بر این، استفاده از راه آهن به جای حمل و نقل هوایی و جاده ای به کاهش انتشار گازهای گلخانه ای کمک می کند.

۶. چالش ها

• مسائل گمرکی و مقرراتی:

در حدود ۱۶ روز تحویل داده شوند. این شبکه به بیش از ۱۰۰ شهر در ۱۱ کشور آسیایی و بیش از ۲۰۰ شهر در ۲۵ کشور اروپایی گسترش یافته است.

تأثیر اقتصادی این ابتکار قابل توجه است. سرویس قطار باری چین-اروپا تجارت و مبادلات اقتصادی را تسهیل کرده و تنها در یک سال بیش از یک میلیون و هشت هزار TEU کانتینر کالا را جابجا نموده است. این ابتکار فرصت های تجاری جدیدی را در شهرهای داخلی فراهم کرده و سرمایه گذاری خارجی را جذب کرده و تجارت بین المللی را ترویج کرده است. توسعه زیرساخت های این برنامه شامل شش گذرگاه اقتصادی است که با راه، راه آهن، انرژی و زیرساخت دیجیتال متصل شده اند. این گذرگاه ها در آسیا و اروپا گسترش یافته و چین را از طریق برنامه زیرساختی Nurlu Zhol قزاقستان با آسیای میانه متصل می کنند.

۳۳۵ - "بیاموزید که چگونه راه آهن اروپای چین در زمان صرفه جویی می کند":

<https://www.jusdaglobal.com/en/article/china-europe-railway-saves-time/>

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

در زمینه هماهنگی بین‌المللی در زمینه گمرک و مقررات برای شبکه ریلی ابتکار کمربند و جاده، چندین چالش وجود دارد که نیازمند هماهنگی بین کشورها است. در اینجا سه مثال از این نیازها ارائه می‌شود:

غیاب هماهنگی گمرک: عدم هماهنگی در فرآیندهای گمرک بین کشورها می‌تواند به تأخیر در عبور مرزها و افزایش هزینه‌های حمل و نقل منجر شود. برای مثال، در برخی از کشورها می‌تواند تا ۵۰ روز زمان ببرد تا همه فرآیندهای واردات انجام شود، در حالی که در کشورهای گروه ۷ این زمان کمتر از ۱۰ روز است.

استانداردهای اتحادیه اروپا: ایجاد استانداردهای اتحادیه اروپا برای تفسیر کالا می‌تواند به کاهش پیچیدگی‌های گمرک کمک کند. این امر شامل استانداردسازی فرآیندهای گمرک و کاهش زمان لازم برای عبور از مرزها می‌شود.

موانع غیرتعرفه‌ای: موانع غیرتعرفه‌ای مانند سیاست‌های رقابت، حفاظت از مالکیت فکری و محدودیت‌های بر صادرات و واردات کالاهای حساس مانند محصولات کشاورزی، می‌توانند به عنوان موانعی برای تجارت در این مسیرها عمل کنند. حل این موانع نیازمند همکاری و هماهنگی بین کشورها است.^{۳۳۶}

• هماهنگی زیرساخت‌ها:

تفاوت در عرض خطوط ریلی (عرض روسی و اروپایی) و نیاز به تعویض واگن‌ها یا بوژی دارد در برخی مناطق مانند مرز چین و روسیه، یا لهستان، از جمله چالش‌هاست. یکی از محدودیت‌های ترانزیت ریلی عرض خطوط ریلی است بطور مثال عرض خطوط ریلی همسایگان شمالی کشورمان ۱۵۲۰ میلیمتر (و عرض خطوط پاکستان هم ۱۶۷۶ میلیمتر) است درحالی‌که عرض خطوط ایران، عراق، ترکیه (چین و اغلب اروپایی‌ها) ۱۴۳۵ میلیمتر است.^{۳۳۷}

۳۳۶ - "سه فرصت و سه خطر ابتکار کمربند و جاده":

<https://blogs.worldbank.org/en/trade/three-opportunities-and-three-risks-belt-and-road-initiative>

۳۳۷ - بوژی واگن‌ها به عنوان اجزای کلیدی در سیستم‌های حمل و نقل ریلی، ابعاد و اندازه‌های مختلفی دارند. در زیر به برخی از مشخصات و اندازه‌های رایج بوژی واگن‌ها اشاره می‌شود:

ابعاد بوژی واگن‌ها:

۱. ارتفاع: ارتفاع از سطح زمین معمولاً حدود ۱,۲ متر است، با نوساناتی در حدود $\pm 0,۲۵$ متر
۲. عرض: عرض بوژی‌ها معمولاً بین ۳ تا ۳,۵ متر است
۳. طول: طول بوژی‌ها بسته به نوع و طراحی آن‌ها متفاوت است، اما برای بوژی‌های استاندارد، طول معمولاً بین ۲,۵ تا ۳ متر می‌باشد.
۴. تعداد چرخ: بوژی‌های دو محوره معمولاً دارای ۴ چرخ هستند و بوژی‌های سه محوره (سه محوره) دارای ۶ چرخ هستند

انواع بوژی واگن:

۱. بوژی دو محوره: رایج‌ترین نوع بوژی که برای بارهای سبک تا متوسط استفاده می‌شود.
۲. بوژی سه محوره: برای بارهای سنگین‌تر طراحی شده و دارای ثبات بیشتری است.
۳. بوژی ژاکوب: این نوع بین دو واگن قرار می‌گیرد و تعداد بوژی‌های مورد نیاز را کاهش می‌دهد.

مثال‌هایی از ابعاد خاص:

۱. برای حمل بارهای سنگین (بیش از ۹۰ تن)، از بوژی‌هایی با طول حدود ۱۱ متر و عرض ۳ متر استفاده می‌شود
 ۲. بوژی‌های مخصوص حمل بارهای فوق سنگین ممکن است دارای طراحی‌های خاصی باشند که ابعاد آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد.
- ابعاد و مشخصات بوژی واگن‌ها بسته به نوع بار، طراحی و نیازهای خاص هر کشور متفاوت است. این اطلاعات می‌تواند به مهندسان، طراحان و شرکت‌های حمل و نقل در انتخاب مناسب‌ترین نوع بوژی برای کاربردهای خاص کمک کند.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

• امنیت و پایداری مالی:

پایداری مالی یکی از چالش‌های مهم شبکه ریلی گسترده ابتکار کمربند و جاده است. در اینجا چهار مثال برای توضیح این موضوع ارائه می‌شود:

فاصله‌های مالی: ابتکار کمربند و جاده به سرمایه‌گذاری قابل توجهی نیاز دارد، با برآوردها که نشان می‌دهند پروژه‌های زیرساختی ممکن است به حدود ۲۴۰ میلیارد دلار در سال‌های آینده برسند. با این حال، نیازهای سرمایه‌گذاری در مناطق مانند جنوب آسیا و جنوب شرق آسیا بسیار بزرگ‌تر است و حداقل به ۳٫۶ تریلیون دلار از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ برای زیرساخت‌های داخلی نیاز دارد. این موضوع نشان می‌دهد که نیاز به ترکیبی از منابع مالی عمومی و خصوصی، داخلی و بین‌المللی وجود دارد که باید به شرایط خاص هر منطقه تنظیم شود.

همکاری‌های دولتی-خصوصی (PPPs-Public-Private Partnerships): همکاری‌های بخش دولتی-خصوصی برای پروژه‌هایی با بازدهی کمتر مناسب هستند که نیاز به تأمین شکاف پایداری توسط بخش دولتی وجود دارد. با این حال، بسیاری از کشورهایی که در این ابتکار شرکت می‌کنند، ظرفیت‌های نهادی ضعیفی برای توسعه و مدیریت همکاری‌های دولتی-خصوصی دارند، به ویژه در مناطق کمتر توسعه‌یافته با نهادهای ضعیف.

اوراق قرضه شرکت‌ها و پروژه‌ها: استفاده از اوراق قرضه شرکت‌ها یا پروژه‌ها برای سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی و صنعتی اغلب به دلیل ناپختگی بازارهای سرمایه داخلی محدود می‌شود. این اوراق قرضه معمولاً رتبه‌بندی زیر رده سرمایه‌گذاری دریافت می‌کنند که سرمایه‌گذاران نهادی را دلسرد می‌کند. این مشکل با عدم توسعه بازارهای اوراق قرضه منطقه‌ای تشدید می‌شود که مانع از جریان سرمایه فرامرزی و نقدینگی بازار می‌شود.

نگرانی‌های پایداری بدهی: بسیاری از کشورهایی که واجد شرایط دریافت سرمایه‌گذاری از ابتکار کمربند و جاده هستند، با محدودیت‌های بدهی مواجه هستند که می‌تواند سرمایه‌گذاری‌های خصوصی را محدود کند. بدهی بالا در مناطق چین به دلیل سرمایه‌گذاری‌های سریع زیرساختی به عنوان یک علامت هشدار عمل می‌کند. سرمایه‌گذاری‌های خصوصی به کشورهایی که در معرض بحران بدهی هستند، احتمالاً جاری نخواهد شد، که نیاز به احتیاط در تأمین مالی از طریق بدهی و اتکای بیشتر به تحرک منابع داخلی را ضروری می‌کند.

۷. تأثیرات اقتصادی و جغرافیایی

• **برای چین:** این پروژه به توسعه مناطق غربی چین و تسهیل صادرات کالاهای این کشور کمک کرده است.

ابتکار کمربند و جاده (BRI) به طور قابل توجهی به توسعه مناطق غربی چین کمک کرده و صادرات کالاها از این مناطق را تسهیل کرده است. در اینجا چهار مثال برای نشان دادن این تأثیر ارائه می‌شود:

۱. **استراتژی توسعه مناطق غربی (WRDS):** این استراتژی که در سال ۲۰۰۰ راه‌اندازی شد، هدف آن تعادل توسعه منطقه‌ای از طریق بهبود زیرساخت‌ها در مناطق غربی چین است. این استراتژی شبکه‌های حمل

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

و نقل، از جمله راه‌آهن سریع‌السیر، را بهبود بخشیده که مناطق غربی را با بخش‌های شرقی و جنوبی چین متصل می‌کند و لجستیک و ترابری کالا را تسهیل می‌کند.

۲. **گلوگاه زمینی-دریایی مناطق غربی:** این گلوگاه که در سال ۲۰۱۹ معرفی شد، ابعاد جدیدی به استراتژی توسعه مناطق غربی اضافه کرده و کمربند اقتصادی راه ابریشم را با راه ابریشم دریایی قرن ۲۱ متصل می‌کند. این گلوگاه مزیت‌های مکان‌یابی همکاری‌های بین‌المللی با مناطق مانند جنوب شرق آسیا، جنوب آسیا، آسیای مرکزی، آسیای غربی و اروپا را برجسته می‌کند و از ابتکار کمربند و جاده حمایت کرده و توانایی صادرات را افزایش می‌دهد.

۳. **چین ریلوی اکسپرس (China Railway Express):** این ابتکار ارتباطات بین شهرهای غربی چین و بازارهای بین‌المللی را به طور قابل توجهی افزایش داده است. برای مثال، چین ریلوی اکسپرس از ییوو به اروپا به یک مسیر کلیدی برای ترویج توسعه غربی تبدیل شده است. در طول همه‌گیری کووید-۱۹، تعداد خطوط به طور قابل توجهی افزایش یافت و شهرهای غربی مانند شی‌آن، چونگ‌کینگ و چنگدو نقش حیاتی در این شبکه ایفا کردند.

۴. **خوشه‌های اقتصادی و پایگاه‌های صنعتی:** توسعه خوشه‌های اقتصادی مانند چنگدو-چونگ‌کینگ^{۳۳۸} و گوانژونگ-تیانشویی^{۳۳۹} برای رهبری توسعه منطقه‌ای غربی اولویت‌بندی شده است. این مناطق بر صنایع مانند

۳۳۸ - چرخه اقتصادی چنگدو-چونگ‌کینگ یک ابتکار راهبردی است که هدف آن تبدیل این منطقه به یک مرکز اقتصادی مهم در غرب چین است. این چرخه اقتصادی شامل چنگدو، پایتخت استان سیچوان، و چونگ‌کینگ، بزرگ‌ترین شهرداری خودمختار چین، می‌شود. این دو شهر با یک شبکه راه‌آهن سریع‌السیر متصل شده‌اند که حمل و نقل و ارتباطات کارآمد را تسهیل می‌کند و ادغام اقتصادی آن‌ها را بهبود می‌بخشد. این چرخه اقتصادی با تمرکز بر توسعه یک سیستم صنعتی مدرن مشخص می‌شود. این شامل ایجاد خوشه‌های صنعتی در بخش‌هایی مانند اطلاعات الکترونیکی، تولید تجهیزات، مواد پیشرفته و محصولات با ویژگی‌های محلی است. این خوشه‌ها برای ترویج ادغام عمیق بخش‌های بالادست و پایین‌دست زنجیره صنعتی طراحی شده‌اند که نوآوری و رشد اقتصادی را ترویج می‌کنند. یکی از اهداف کلیدی چرخه اقتصادی چنگدو-چونگ‌کینگ تبدیل شدن به یک چرخه اقتصادی دوتایی با ویژگی‌های متمایز است. تا سال ۲۰۳۵، این منطقه هدف دارد که به یک مرکز کلیدی برای نوآوری علمی و فناوری، یک منطقه جدید برای اصلاح و گشایش و مکانی با استانداردهای زندگی با کیفیت بالا تبدیل شود. برنامه توسعه بر ارتباط زیرساختی تأکید دارد، از جمله تکمیل یک شبکه چندسطحی ترابری ریلی و بهبود مراکز هوایی و لجستیک.

چرخه اقتصادی همچنین به دنبال افزایش تأثیر بین‌المللی خود از طریق تبدیل شدن به یک قطب رشد فعال با دسترسی جهانی است. این امر شامل بهبود ارتباط زیرساختی و ایجاد یک مرکز مالی در غرب چین است. مکان استراتژیک این منطقه در تقاطع الگوهای عمده شهرنشینی در چین آن را به یک منطقه ضروری برای ترویج تعامل بین کمربند اقتصادی رود یانگ‌تسه و کمربند اقتصادی راه ابریشم تبدیل می‌کند.

منبع: "چرخه اقتصادی چنگدو-چونگ‌کینگ: اهداف و برنامه‌ریزی" <https://research.hktdc.com/en/article/MTA3MjMxNjQzNQ>

۳۳۹ - چرخه اقتصادی گوانگژو-تیانشویی یک ابتکار راهبردی است که هدف آن ترویج توسعه اقتصادی در مناطق غربی چین است. این چرخه بر استفاده از نقاط قوت هر دو شهر گوانگژو، یک شهر بزرگ در دلتای رودخانه پرل، و تیانشویی، یک شهر در استان گانسو، تمرکز دارد. این چرخه برای بهبود ارتباط و ادغام اقتصادی بین این مناطق طراحی شده است و توسعه صنعتی و تجارت را ترویج می‌کند.

یکی از ویژگی‌های کلیدی چرخه اقتصادی گوانگژو-تیانشویی تأکید آن بر تنوع صنعتی است. این چرخه از توسعه صنایع مختلف مانند تولید تجهیزات پیشرفته، زیست‌فناوری و مدارهای مجتمع حمایت می‌کند. این صنایع برای راندگی نوآوری و رشد اقتصادی در منطقه بسیار مهم

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

انرژی و مهندسی شیمی تمرکز دارند که برای رشد صادرات بسیار مهم هستند. علاوه بر این، مناطق مانند دامنه شمالی کوه تیانشان به عنوان نقاط تعویض حمل و نقل با آسیای مرکزی و آسیای غربی برنامه‌ریزی شده‌اند که تجارت را بیشتر تسهیل می‌کنند.^{۳۴۰}

• **برای اروپا:** کشورهای اروپایی مانند آلمان و لهستان از این پروژه برای تقویت صادرات و واردات خود بهره می‌برند.

آلمان از ابتکار کمربند و جاده (BRI) برای بهبود روابط تجاری خود با چین استفاده کرده و به یکی از بزرگ‌ترین شرکای تجاری چین تبدیل شده است. BRI با فراهم کردن ارتباطات و توسعه زیرساخت‌ها، به شرکت‌های آلمانی، به ویژه در بخش خودرو، کمک کرده است. تولیدکنندگان آلمانی از BRI با گسترش فروش به بازار مصرفی چین و افزایش عملیات تولیدی در این کشور سود برده‌اند. این یک حرکت راهبردی برای حداکثر کردن فرصت‌های تجاری بوده است، با وجود نگرانی‌هایی در مورد حقوق بشر و روابط سیاسی. دولت مرکل به طور فعال تجارت آلمان-چین را ترویج کرده و شرکت در شبکه‌های G۵ تأمین‌شده توسط چین و حفظ تمرکز قوی بر روابط تجاری با چین را حمایت کرده است.

لهستان نیز به عنوان یکی از کشورها اروپایی، از BRI برای بهبود روابط تجاری و اقتصادی خود با چین استفاده کرده است. BRI فرصت‌هایی برای بهبود زیرساخت‌ها و ظرفیت‌های لجستیکی لهستان فراهم کرده و نقش آن را به عنوان یک نقطه عبور کلیدی برای کالاهای در حال انتقال بین آسیا و اروپا تقویت کرده است. این امر به ویژه برای بخش‌های تولیدی و صادراتی لهستان سودمند بوده و به آن‌ها اجازه داده است تا به بازار وسیع چین دسترسی پیدا کنند. با این حال، لهستان با چالش‌های مربوط به پایداری پروژه‌های BRI و ریسک‌های احتمالی بدهی بیش

هستند. علاوه بر این، این چرخه هدف دارد که خود را به عنوان رهبری در بخش‌های نوظهور مانند هوش مصنوعی و اقتصاد کم‌ارتفاع معرفی کند و به بازار یک تریلیون یوان هدف‌گذاری کند.

چرخه اقتصادی گوانگژو-تیانشویی همچنین نقش مهمی در جذب سرمایه‌گذاری خارجی ایفا می‌کند. به عنوان یک دروازه کلیدی برای گشودگی خارجی، این چرخه در سال‌های اخیر به میزان قابل توجهی از سرمایه‌گذاری خارجی برخوردار شده است که از ۳ میلیارد دلار آمریکا فراتر رفته است. این سرمایه‌گذاری برای حمایت از توسعه خوشه‌های صنعتی در منطقه و بهبود ظرفیت‌های اقتصادی و رقابت‌پذیری جهانی آن بسیار مهم بوده است.

علاوه بر این، این چرخه به توسعه پایدار و حفاظت از محیط زیست متعهد است. هدف آن بهبود پایداری و زیست‌پذیری شهری از طریق حل مشکلات بحرانی مرتبط با ظرفیت محیطی و مدیریت منابع است. این رویکرد با اهداف ملی گسترده‌تر برای ایجاد یک مدل توسعه سبز و باز که هم رشد اقتصادی و هم حفاظت از محیط زیست را حمایت می‌کند، هماهنگ است. منبع: "منطقه اقتصادی گوانگژو-تیانشویی: ویژگی‌ها و ویژگی‌ها"

<https://sloveniatimes.com/42023/guangzhou-development-zone-aims-to-build-a-bridgehead-for-the-opening-up-of-guangzhou-china>

۳۴۰- "هدف منطقه توسعه گوانگژو ایجاد یک پل برای افتتاح گوانگژو، چین است"

<https://sloveniatimes.com/42023/guangzhou-development-zone-aims-to-build-a-bridgehead-for-the-opening-up-of-guangzhou-china>

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

از حد مواجه است. با وجود این چالش‌ها، BRI فرصت‌های قابل توجهی برای رشد اقتصادی و ادغام لهستان در شبکه‌های تجاری جهانی ارائه می‌دهد.

- برای کشورهای آسیای میانه: کشورهای نظیر قزاقستان، روسیه، و بلاروس از نظر اقتصادی و استراتژیک از عبور این راه‌آهن سود می‌برند.

قزاقستان به طور قابل توجهی از ابتکار کمربند و جاده (BRI) به دلیل مکان استراتژیک خود به عنوان یک کشور بدون ساحل سود برده است. BRI با بهبود زیرساخت‌های حمل و نقل، که برای ادغام قزاقستان با بازارهای جهانی بسیار مهم است، ارتباطات این کشور را افزایش داده است. این ابتکار توسعه مسیرهای بین‌قاره‌ای، از جمله راه‌آهن و بزرگراه‌ها، را تسهیل کرده که از کشور عبور می‌کنند و به قزاقستان امکان می‌دهد که در مبادلات مرزی شرکت کرده و از طریق چین به دریا دسترسی پیدا کند. این امر برای متنوع‌سازی اقتصاد قزاقستان از یک مدل مبتنی بر کشاورزی و انرژی به یک مدل شامل خدمات متنوع مانند لجستیک و تولید بسیار مهم بوده است. BRI همچنین به رشد اقتصادی قزاقستان کمک کرده است با کاهش زمان ارسال و هزینه‌های تجاری. بهبود زیرساخت‌ها منجر به کاهش زمان ارسال بیش از ۸٪ و هزینه‌های تجاری ۴٪ شده است که به ویژه برای صادرات غیرنفتی مانند کشاورزی و غذاهای فرآوری شده سودمند بوده است. علاوه بر این، BRI سرمایه‌گذاری خارجی، از جمله از چین، را به بخش‌های غیرنفتی جذب کرده و اقتصاد را بیشتر تحریک کرده است. با این حال، تحقق کامل این مزایا به توانایی قزاقستان در اجرای اصلاحات مکمل که تسهیل تجارت و لجستیک را بهبود می‌بخشد، بستگی دارد. شرکت قزاقستان در BRI اهمیت همکاری منطقه‌ای را نیز برجسته کرده است. این کشور به طور قابل توجهی در شبکه حمل و نقل خود سرمایه‌گذاری کرده است، اما مزایا زمانی به حداکثر می‌رسند که با بهبود زیرساخت‌های کشورهای همسایه ترکیب شوند. تمرکز BRI بر گسترش زیرساخت‌های حمل و نقل و ادغام اقتصادی فرصت‌هایی برای قزاقستان فراهم می‌کند تا این شکاف‌ها را رفع کرده و نقش خود را به عنوان یک نقطه عبور کلیدی بین آسیا و اروپا تقویت کند. این مکان‌یابی استراتژیک نه تنها رشد اقتصادی را حمایت می‌کند، بلکه تأثیرات ژئوپلیتیک قزاقستان در آسیای مرکزی را نیز تقویت می‌کند.

روسیه به عنوان یک بازیگر کلیدی در BRI، از شبکه ریلی به طور اقتصادی و استراتژیک سود می‌برد. با بهبود زیرساخت‌های حمل و نقل، به ویژه از طریق توسعه راه‌آهن که اروپا و آسیا را متصل می‌کند، ادغام روسیه را در شبکه‌های تجاری جهانی تسهیل کرده است. این امر ظرفیت‌های لجستیکی روسیه را بهبود بخشیده و هزینه‌های حمل و نقل را کاهش داده است، که آن را به یک مکان جذاب‌تر برای تجارت بین‌المللی تبدیل کرده است. همچنین تنوع اقتصادی روسیه را با ترویج سرمایه‌گذاری در بخش‌هایی فراتر از نفت و گاز، مانند تولید و کشاورزی، حمایت کرده است. BRI موقعیت استراتژیک روسیه را با بهبود ارتباطات آن با بازارهای کلیدی در اروپا و آسیا تقویت کرده است. این ابتکار توسعه مسیرهای حمل و نقل بزرگ را که از روسیه عبور می‌کنند، از جمله راه‌آهن ترانس‌سیبری، که یک پیوند بحرانی بین اروپا و آسیا است، حمایت کرده است. این ارتباطات برای رشد اقتصادی روسیه بسیار مهم بوده و به آن اجازه داده است تا روابط تجاری خود را گسترش داده و تأثیر خود

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

را در سیاست‌های اقتصادی منطقه‌ای افزایش دهد. با این حال، روسیه با چالش‌های مربوط به پایداری پروژه‌های BRI و ریسک‌های احتمالی بدهی بیش از حد مواجه است.

شرکت روسیه در BRI همچنین اهمیت همکاری منطقه‌ای را تأکید کرده است. این کشور با دیگر شرکت‌کنندگان BRI همکاری کرده است تا توسعه زیرساخت‌ها و تسهیل تجارت را بهبود بخشد، که برای حداکثر کردن مزایای این ابتکار ضروری بوده است. این همکاری نه تنها رشد اقتصادی را حمایت کرده، بلکه تأثیرات ژئوپلیتیک روسیه در اوراسیا را نیز تقویت کرده است. با استفاده از مکان استراتژیک خود و بهبود زیرساخت‌های حمل و نقل، روسیه هدف دارد که به یک بازیگر کلیدی در شبکه‌های تجاری جهانی تبدیل شود.

بلاروس، به عنوان یکی از کشورها اروپای مرکزی که از BRI سود می‌برد، مزایای قابل توجهی اقتصادی و استراتژیک از شبکه ریلی به دست آورده است. BRI با بهبود زیرساخت‌های حمل و نقل بلاروس، که برای ادغام آن با بازارهای جهانی بسیار مهم است، ارتباطات این کشور را افزایش داده است. این ابتکار توسعه مسیرهای حمل و نقل بزرگ را که از بلاروس عبور می‌کنند و اروپا و آسیا را متصل می‌کنند، تسهیل کرده است. این ارتباطات برای بهبود روابط تجاری بلاروس و افزایش تأثیر آن در سیاست‌های منطقه‌ای بسیار مهم بوده است. BRI رشد اقتصادی بلاروس را با کاهش هزینه‌های حمل و نقل و بهبود ظرفیت‌های لجستیکی حمایت کرده است. زیرساخت‌های بهبود یافته بلاروس را به یک مکان جذاب‌تر برای تجارت بین‌المللی تبدیل کرده و به آن اجازه داده است تا روابط تجاری خود را با بازارهای کلیدی در اروپا و آسیا گسترش دهد.

علاوه بر این، BRI سرمایه‌گذاری خارجی را به بخش‌های مختلف، از جمله تولید و کشاورزی، جذب کرده و اقتصاد را بیشتر تحریک کرده است. با این حال، بلاروس با چالش‌های مربوط به پایداری پروژه‌های BRI و ریسک‌های احتمالی بدهی بیش از حد مواجه است. شرکت بلاروس در BRI همچنین اهمیت همکاری منطقه‌ای را تأکید کرده است. این کشور با دیگر شرکت‌کنندگان BRI همکاری کرده است تا توسعه زیرساخت‌ها و تسهیل تجارت را بهبود بخشد، که برای حداکثر کردن مزایای این ابتکار ضروری بوده است. این همکاری نه تنها رشد اقتصادی را حمایت کرده، بلکه تأثیرات ژئوپلیتیک بلاروس در اروپای شرقی را نیز تقویت کرده است. با استفاده از مکان استراتژیک خود و بهبود زیرساخت‌های حمل و نقل، بلاروس هدف دارد که به یک بازیگر کلیدی در شبکه‌های تجاری جهانی تبدیل شود.^{۳۴۱}

۸. آمار و اطلاعات اخیر

وقتی که سرویس قطارهای باری چین-اروپا برای اولین بار راه‌اندازی شد، تعداد قطارها و حجم کالاهای حمل شده در مقایسه با سال‌های اخیر به طور قابل توجهی کمتر بود. در ابتدا، این سرویس با چند صد سفر در سال شروع شد، اما داده‌های دقیق درباره تعداد دقیق قطارها و حجم کالاها در زمان راه‌اندازی در نتایج جستجو به راحتی در

۳۴۱ - "مطالعه موردی قزاقستان در ابتکار کمربند و جاده" & "تأثیر ابتکار کمربند و جاده بر روسیه و بلاروس"

<https://documents1.worldbank.org/curated/en/471731593499938164/pdf/South-Caucasus-and-Central-Asia-The-Belt-and-Road-Initiative-Kazakhstan-Country-Case-Study.pdf>

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

دسترس نیست بر اساس گزارش‌های اخیر، تعداد قطارهای باری چین-اروپا در سال ۲۰۲۳ به بیش از ۱۶,۰۰۰ قطار و حجم کالاهای حمل شده بیش از ۱,۶ میلیون TEU^{۳۲} برآورد شده است. در سال ۲۰۲۴، تعداد قطارهای باری چین-اروپا به ۱۹,۳۹۲ قطار رسید و مجموعاً ۲,۰۷۷,۲۱۶ TEU کالا حمل کردند. این عدد نشان‌دهنده افزایش ۱۰,۷٪ در تعداد قطارها و ۹,۲٪ در حجم کالاهای حمل شده در مقایسه با سال‌های قبل است.

۹. آینده پروژه

چین به دنبال توسعه این شبکه با افزودن مسیرهای جدید و افزایش ظرفیت حمل‌ونقل است. همچنین، تلاش‌هایی برای هماهنگ‌سازی بهتر در زمینه قوانین گمرکی و لجستیکی در حال انجام است. **پروژه‌های انرژی:** سرمایه‌گذاری در نیروگاه‌ها، خطوط انتقال گاز و نفت، و توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر در کشورهای مشارکت‌کننده.

مزایای BRI

تقویت اقتصاد کشورهای مشارکت‌کننده: از طریق توسعه زیرساخت‌ها و ایجاد فرصت‌های شغلی.

چند مثال از تقویت اقتصاد کشورهای مشارکت‌کننده در BRI:

۱. **پاکستان:** پروژه‌های زیرساختی در قالب **کریدور اقتصادی چین-پاکستان (CPEC)^{۳۳}** شامل توسعه بندر گوادر، نیروگاه‌های برق، و راه‌آهن باعث ایجاد بیش از ۷۰,۰۰۰ شغل و افزایش ظرفیت حمل‌ونقل و انرژی در این کشور شده است.

۳۴۲ - **TEU** (Twenty-foot Equivalent Unit) واحد معادل بیست فوت، یک معیار استاندارد در حمل‌ونقل کانتینری است که برای اندازه‌گیری ظرفیت کشتی‌ها و حجم محموله‌ها به کار می‌رود. هر TEU برابر با اندازه یک کانتینر استاندارد ۲۰ فوتی است (طول ۶,۱ متر).

۳۴۳ - کریدور اقتصادی چین-پاکستان یک پروژه زیرساختی بزرگ است که به منظور تقویت همکاری‌های اقتصادی و تجاری بین چین و پاکستان طراحی شده است. این کریدور که در سال ۲۰۱۵ آغاز شد، بخشی از ابتکار کمربند و جاده چین (BRI) محسوب می‌شود و هدف آن اتصال شهر کاشغر در چین به بندر گوادر در پاکستان از طریق شبکه‌ای از بزرگراه‌ها، راه‌آهن‌ها و خطوط لوله است.

اهداف و ویژگی‌ها

طول و ساختار: کریدور CPEC دارای طول تقریبی ۳۰۰۰ کیلومتر است و شامل پروژه‌های متعددی در زمینه حمل‌ونقل، تولید انرژی، و مناطق ویژه اقتصادی می‌باشد. این پروژه‌ها در مناطق مختلف پاکستان از جمله بلوچستان، پنجاب، خیبر پختونخوا و گیلگیت-بلتستان در حال اجرا هستند.

سرمایه‌گذاری: در ابتدا، ارزش این پروژه ۴۶ میلیارد دلار برآورد شده بود که اکنون به ۵۴ میلیارد دلار افزایش یافته است. این سرمایه‌گذاری شامل بیش از ۳۳ میلیارد دلار برای زیرساخت‌های انرژی و ۱۱ میلیارد دلار برای مدرنیزه کردن شبکه‌های حمل و نقل است. **تأثیرات اقتصادی:**

CPEC پیش‌بینی می‌شود که به ایجاد ۲,۳ میلیون شغل بین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۳۰ کمک کند و رشد اقتصادی پاکستان را سالانه ۲ تا ۲,۵ درصد افزایش دهد. همچنین، این کریدور به عنوان یک پل ارتباطی برای تجارت بین چین و کشورهای دیگر در غرب آسیا و آفریقا عمل خواهد کرد.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

۲. **کنیا:** تکمیل راه‌آهن Mombasa-Nairobi Standard Gauge که توسط چین تأمین مالی شد، باعث کاهش زمان و هزینه حمل‌ونقل کالا بین شهرهای بزرگ کنیا شده و بیش از ۴۶,۰۰۰ شغل مستقیم و غیرمستقیم ایجاد کرده است. پیمانکار اصلی این پروژه، شرکت چین راه و پل (CRBC) می باشد. ۳۴۵

چالش‌ها: با وجود مزایای بالقوه، CPEC با چالش‌هایی نیز مواجه است. انتقادات نسبت به نحوه اجرای پروژه، نگرانی‌های امنیتی، و تأثیرات زیست‌محیطی از جمله مسائلی هستند که باید مورد توجه قرار گیرند. همچنین، برخی تحلیلگران بر این باورند که این پروژه ممکن است وابستگی اقتصادی پاکستان به چین را افزایش دهد. کریدور اقتصادی چین-پاکستان نه تنها یک پروژه زیرساختی مهم برای پاکستان است بلکه تأثیرات گسترده‌ای بر روابط دوجانبه چین و پاکستان دارد. این کریدور می‌تواند به عنوان یک محرک برای توسعه اقتصادی در منطقه عمل کند، اما نیازمند مدیریت هوشمندانه برای مقابله با چالش‌ها و بهره‌برداری حداکثری از فرصت‌ها است. منبع:

<https://farhangemelal.icro.ir/news/۱۸۰۵۱>

۳۴۴ - راه‌آهن استاندارد نایروبی-مومباسا (Mombasa-Nairobi Standard Gauge Railway) یک پروژه زیرساختی مهم در کنیا است که به عنوان بخشی از طرح راه‌آهن استاندارد کنیا طراحی شده است. این پروژه به منظور تسهیل حمل و نقل مسافر و بار بین شهر بندری مومباسا و پایتخت کنیا، نایروبی، ساخته شده است.

مشخصات فنی:

طول خط: ۵۹۲ کیلومتر (۳۶۸ مایل)، که در ابتدا ۴۷۲ کیلومتر بود و بعداً به دلیل توسعه‌های اضافی افزایش یافت.

گنجایش: این خط برای حمل و نقل سالانه ۲۰ میلیون تن بار طراحی شده است.

سرعت عملیاتی: سرعت قطارهای مسافری ۱۲۰ کیلومتر در ساعت و برای بار ۸۰ کیلومتر در ساعت می‌باشد.

تعداد ایستگاه‌ها: ۳۳ ایستگاه در طول خط وجود دارد.

تاریخچه و هزینه:

این پروژه در تاریخ ۳۱ مه ۲۰۱۷ افتتاح شد و هزینه کل آن حدود ۳,۶ میلیارد دلار بود. تأمین مالی این پروژه عمدتاً از طریق بانک صادرات و واردات چین (Exim Bank of China) انجام شده است که ۹۰ درصد هزینه‌ها را تأمین کرده است. پیمانکار اصلی این پروژه، شرکت چین راه و پل (CRBC) بود که حدود ۲۵,۰۰۰ کارگر کنیا را استخدام کرد.

اهمیت اقتصادی:

راه‌آهن استاندارد نایروبی-مومباسا به عنوان یکی از گران‌ترین پروژه‌های زیرساختی کنیا شناخته می‌شود و هدف آن بهبود کارایی حمل و نقل و کاهش زمان سفر بین دو شهر کلیدی کشور است. این خط همچنین به عنوان بخشی از طرح کلی راه‌آهن کنیا، به سایر کشورهای همسایه مانند اوگاندا، رواندا و بوروندی متصل خواهد شد.

چالش‌ها:

با وجود مزایای اقتصادی، این پروژه با چالش‌هایی نیز مواجه است، از جمله هزینه‌های عملیاتی بالاتر از درآمدها و نیاز به تأمین مالی برای توسعه‌های آینده. همچنین، نگرانی‌هایی درباره تأثیرات زیست‌محیطی پروژه وجود دارد.

به طور کلی، راه‌آهن استاندارد نایروبی-مومباسا یک گام مهم در جهت توسعه زیرساخت‌های حمل و نقل در کنیا و افزایش ارتباطات منطقه‌ای است. منبع:

<https://www.crbc.com/site/crbcEN/mnbzen/index.html>

۳۴۵ - شرکت راه و پل چین (China Road and Bridge Corporation – CRBC) یکی از بزرگ‌ترین و معتبرترین شرکت‌های ساختمانی و مهندسی در چین و جهان است. این شرکت به عنوان یک شرکت دولتی، در زمینه طراحی، ساخت و مدیریت پروژه‌های زیرساختی فعالیت می‌کند و در بسیاری از کشورهای جهان پروژه‌های مختلفی را اجرا کرده است.

تاریخچه و فعالیت‌ها:

تأسیس: CRBC در سال ۱۹۷۹ تأسیس شد و به سرعت به یکی از پیشگامان صنعت ساخت و ساز در چین تبدیل شد.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

۳. اتیوپی و جیبوتی:

خط آهن ادیس آبابا-جیبوتی پروژه‌ای مهم از نظر زیرساخت است که پایتخت اتیوپی، ادیس آبابا، را به بندر جیبوتی متصل می‌کند. این خط آهن حدود ۷۵۳ کیلومتر طول دارد و اولین خط آهن برقی با استاندارد گج^{۳۴۶} در آفریقا است. این پروژه توسط شرکت‌های دولتی چینی، گروه راه‌آهن چین و شرکت مهندسی عمران چین^{۳۴۷}

پروژه‌های کلیدی: این شرکت در پروژه‌های بزرگی مانند راه‌آهن استاندارد ناپروبی-مومباسا در کنیا، بزرگراه‌ها، پل‌ها و فرودگاه‌ها در کشورهای مختلف از جمله صربستان، کرواسی و افغانستان مشارکت داشته است.

مدل کسب‌وکار:

شرکت راه و پل چین معمولاً پروژه‌های خود را بر اساس مدل مشارکت عمومی-خصوصی (PPP) انجام می‌دهد. این مدل به شرکت اجازه می‌دهد تا با دولت‌ها همکاری کند و سرمایه‌گذاری‌های لازم را تأمین کند. این روش به ویژه در پروژه‌های بزرگ زیرساختی که نیاز به تأمین مالی قابل توجه دارند، مؤثر است.

تأثیرات اقتصادی:

فعالیت‌های CRBC تأثیرات اقتصادی قابل توجهی برای کشورهای میزبان به همراه دارد. این شرکت با ایجاد شغل، تسهیل حمل و نقل و ارتقاء زیرساخت‌ها به توسعه اقتصادی کمک می‌کند. همچنین، این پروژه‌ها می‌توانند به جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی بیشتر منجر شوند.

چالش‌ها:

با وجود موفقیت‌ها، CRBC با چالش‌هایی نیز مواجه است. انتقادات مربوط به کیفیت کار، نگرانی‌های زیست‌محیطی و مسائل مربوط به بدهی کشورهای میزبان از جمله این چالش‌ها هستند. برخی کشورها نگرانند که وابستگی به سرمایه‌گذاری‌های چینی ممکن است منجر به مشکلات اقتصادی در آینده شود. به طور کلی، شرکت چین راه و پل (CRBC) نقش مهمی در توسعه زیرساخت‌های جهانی ایفا می‌کند و با اجرای پروژه‌های مختلف، به رشد اقتصادی کشورهای مختلف کمک می‌کند.

۳۴۶ - خط ریلی با استاندارد گج (Standard Gauge Railway) به یک سیستم راه‌آهن اشاره دارد که دارای گجی به اندازه ۱۰۴۳۵ میلی‌متر (۴ فوت و ۸.۵ اینچ) است. این گج به طور گسترده در سراسر جهان استفاده می‌شود و به دلیل سازگاری و کارایی آن در تسهیل حرکت قطارها بین مناطق مختلف شناخته شده است.

ویژگی‌های کلیدی خط آهن با گج استاندارد

اندازه گج: گج استاندارد به فاصله بین سطوح داخلی ریل‌ها تعریف می‌شود که ۱۰۴۳۵ میلی‌متر است.

استفاده جهانی: این گج در بسیاری از کشورها، از جمله آمریکای شمالی، بیشتر اروپای غربی، شمال آفریقا، خاورمیانه و چین استفاده می‌شود. سازگاری: گج استاندارد امکان ارتباط و سازگاری بدون درز بین شبکه‌های راه‌آهن مختلف را فراهم می‌کند و نیاز به بارگیری مجدد در نقاط تغییر گج را کاهش می‌دهد.

توسعه تاریخی: گج استاندارد در قرن نوزدهم به منظور استانداردسازی خطوط راه‌آهن و تسهیل تعویض تجهیزات و وسایل نقلیه پذیرفته شد. در مجموع، خط آهن با گج استاندارد یک عنصر حیاتی در زیرساخت‌های مدرن راه‌آهن است که امکان انتقال کارآمد و اقتصادی کالا و مسافران در مسافت‌های طولانی را فراهم می‌کند.

۳۴۷ - شرکت مهندسی عمران چین (CCECC) در ژوئن ۱۹۷۹ با تأیید شورای دولتی جمهوری خلق چین تأسیس شد. این شرکت از بخش کمک‌های خارجی وزارت راه‌آهن چین که در اجرای بزرگترین پروژه کمک‌های خارجی چین، راه‌آهن TAZARA در تانزانیا و زامبیا، نقش داشت، تکامل یافت. از آن زمان، فعالیت‌های CCECC از ساخت راه‌آهن به طراحی و مشاوره مهندسی عمران، توسعه املاک و مستغلات، تجارت، سرمایه‌گذاری صنعتی و مدیریت هتل گسترش یافته است. CCECC یک ابر شرکت دولتی با منابع مالی قابل توجه چین می‌باشد. این شرکت به مدت هفده سال متوالی در رتبه‌بندی ۱۰۰ پیمانکار بین‌المللی برتر توسط Engineering News Record (ENR) قرار داشته است. ظرفیت مالی CCECC در سال‌های اخیر بهبود یافته و به آن اجازه داده است تا پروژه‌های بین‌المللی گسترده‌ای را در بیش از ۵۰ کشور و منطقه در آسیا، آفریقا، آمریکا، اروپا و اقیانوسیه مدیریت می‌کند. این شرکت به خاطر خدمات حرفه‌ای خود شناخته شده و بسیاری از عناوین و جوایز ملی را برای عملکرد و خدمات با کیفیت خود دریافت کرده است. برخی از پروژه‌های قابل توجه این شرکت عبارتند از:

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

(CCECC)، شرکتی که به مدت هفده سال متوالی در رتبه‌بندی ۱۰۰ پیمانکار بین‌المللی برتر توسط^۴(ENR) قرار داشته است ساخته شده و بخشی از ابتکار کمر بند و راه چین است. خط راه‌آهن آدیسی آبابا-جیبوتی از طریق شهرهای مهم اتیوپی مانند آداما و دیره داوا به بندر جیبوتی می‌رسد. این خط برای کار با سرعت تا ۱۲۰ کیلومتر بر ساعت طراحی شده و شامل ۱۹ ایستگاه در طول مسیر است. هدف از این راه‌آهن عمل به عنوان یک کریدور حمل و نقل حیاتی برای اتیوپی محصور در خشکی است که دسترسی به دریا را فراهم می‌کند و تجارت بین‌المللی را از طریق بندر جیبوتی تسهیل می‌کند. سرمایه‌گذاری چین در پروژه‌های ابتکار کمر بند و جاده به طور قابل توجهی افزایش یافته است. این پروژه‌ها با وام ۴ میلیارد دلاری از بانک صادرات و واردات چین تأمین مالی شده‌اند. ساخت و بهره‌برداری این پروژه‌ها تحت قرارداد EPC «مهندسی، تأمین و ساخت»^۴ به شرکت‌های چینی اعطا شده است. این رویکرد نشان‌دهنده تلاش چین برای گسترش نفوذ اقتصادی و استراتژیک خود در کشورهای عضو این ابتکار است.

✓ راه‌آهن TAZARA: این بزرگترین پروژه کمک‌های خارجی چین بود، راه‌آهن ۱۸۶۰ کیلومتری در آفریقا که تانزانیا و زامبیا را به هم متصل می‌کرد.

✓ ترمینال ۹ کانترینری در هنگ کنگ: در سال ۲۰۰۰، CCECC در یک مشارکت مشترک برای انجام کارهای حفاری و ساخت این ترمینال شرکت کرد.

✓ تونل‌های کارمل در حيفا، اسرائیل: این پروژه در سال ۲۰۰۹ به پایان رسید و شامل ساخت هر دو تونل ۸٫۶ کیلومتری بود.

✓ راه‌آهن لاگوس-کانو در نیجریه: در سال ۲۰۱۴، CCECC شروع به ساخت راه‌آهن دو خطه با استاندارد گج در لاگوس تا کانو کرد.

✓ قطار سبک تل آویو: CCECC قراردادهایی برای ساخت ایستگاه‌های زیرزمینی و تونل‌های این پروژه در اسرائیل به دست آورد.

✓ راه‌آهن RegioTram بوگوتا: در سال ۲۰۱۹، CCECC قراردادی برای ساخت خط راه‌آهن منطقه‌ای که بوگوتا را به حومه‌های آن متصل می‌کند، به دست آورد.

۳۴۸- Engineering News-Record (ENR) با سابقه‌ای غنی که به سال ۱۸۷۴ برمی‌گردد، از دو نشریه جداگانه به وجود آمد & Engineer : Surveyor که توسط جرج اچ. فراست در آوریل ۱۸۷۴ تأسیس شد و The Plumber and Sanitary Engineer که توسط هنری سی. مایر در دسامبر ۱۸۷۷ تأسیس شد. این نشریات با گذشت زمان تکامل یافتند و در سال ۱۹۱۷، پس از ادغام شرکت‌های انتشاراتی McGraw و Hill، به Engineering News-Record تبدیل شدند و برای اولین بار در ۵ آوریل ۱۹۱۷ منتشر شدند. مأموریت ENR ارائه پوشش کامل از صنعت ساخت و ساز است و شامل ارائه تحلیل و اطلاعات در مورد مسائل کلیدی که بر حرفه‌های معماری، مهندسی و ساخت و ساز (AEC) تأثیر می‌گذارد. این نشریه هدف دارد که به عنوان یک منبع قابل اعتماد اطلاعات برای حرفه‌ای‌های این صنعت شناخته شود و گزارشات دقیق و به موقع ارائه دهد. اهداف ENR شامل حفظ شهرت خود به عنوان یک مرجع پیشرو در صنعت ساخت و ساز، گسترش حضور دیجیتال خود و تطبیق مداوم با نیازهای در حال تغییر خوانندگان از طریق قالب‌های مختلف مانند مجلات چاپی و دیجیتال، خبرنامه‌ها، وبینارها و کنفرانس‌ها است.

۳۴۹- قرارداد (EPC-Engineering, Procurement, and Construction) یک توافق جامع بین مالک پروژه و پیمانکار است که در آن پیمانکار مسئولیت کلیه مراحل پروژه، از جمله طراحی مهندسی، خرید مواد و تجهیزات و ساخت و ساز را بر عهده دارد. این نوع قرارداد اغلب برای پروژه‌های بزرگ زیرساختی مانند نیروگاه‌ها و تأسیسات شیمیایی استفاده می‌شود، زیرا فرآیند را ساده کرده و پیچیدگی را کاهش می‌دهد و مسئولیت واحدی را فراهم می‌کند. پیمانکار یک تأسیسات کامل را به مالک تحویل می‌دهد که تنها نیاز به "turn a key" - چرخاندن کلید" برای شروع عملیات دارد. قراردادهای EPC معمولاً شامل قیمت ثابت و تاریخ اتمام هستند و ریسک‌های زمان‌بندی و هزینه را به پیمانکار منتقل می‌کنند. این چارچوب به مشتریان اجازه می‌دهد تا ریسک‌های مرتبط با مدیریت پروژه را به حداقل رسانده و از اطمینان هزینه و تضمین عملکرد برخوردار شوند.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

این پروژه هزاران شغل محلی ایجاد کرده است، با حدود ۲۰۰۰ کارگر محلی که برای نگهداری از زیرساخت‌ها و تجهیزات متحرک استخدام شده‌اند.

این خط آهن توانایی صادرات اتیوپی را به طور قابل توجهی افزایش داده است، زیرا زمان سفر برای بار از ۵۰ ساعت به تنها ۱۰ ساعت کاهش یافته است، که به این ترتیب ارتباطات اقتصادی و توسعه در منطقه را بهبود بخشیده است.

گسترش تجارت: ایجاد مسیرهای ترانزیتی کارآمدتر که هزینه‌ها و زمان حمل‌ونقل را کاهش می‌دهد.
توسعه مناطق کمتر توسعه‌یافته: مناطق غربی چین و برخی کشورهای آسیایی از این طرح بهره‌مند می‌شوند.
توسعه مناطق کمتر توسعه‌یافته از طریق BRI :

ابتکار کمربند و جاده (BRI) به طور خاص به تقویت توسعه در مناطق کمتر توسعه‌یافته، از جمله **مناطق غربی چین** و برخی کشورهای آسیایی کمک کرده است. این طرح با سرمایه‌گذاری در پروژه‌های زیربنایی مانند راه‌آهن، جاده‌ها، و نیروگاه‌ها، باعث بهبود دسترسی این مناطق به بازارهای جهانی و افزایش اشتغال شده است.

۱. **مناطق غربی چین:** پروژه‌های BRI مانند کریدور اقتصادی چین-پاکستان (CPEC) و توسعه شبکه‌های حمل‌ونقل به تقویت زیرساخت‌ها در استان‌های غربی چین، نظیر **سین‌کیانگ** و **تبت** کمک کرده است.

پروژه‌های ابتکار کمربند و راه (BRI) مانند راه‌آهن اقتصادی چین و پاکستان (CPEC) و گسترش شبکه‌های حمل و نقل، به تقویت زیرساخت در استان‌های غربی چین مانند سین‌کیانگ و تبت کمک کرده‌اند. این پروژه‌ها نه تنها فرصت‌های شغلی ایجاد کرده‌اند، بلکه رشد اقتصادی را نیز تحریک کرده و ارتباطات تجاری با دیگر کشورهای آسیایی را بهبود بخشیده‌اند. برای مثال، راه‌آهن سریع‌السیر در منطقه غربی چین، این منطقه را با مناطق شرقی و جنوبی کشور متصل کرده و به عنوان بخشی از مسیر BRI عمل می‌کند. این راه‌آهن از شهرهای مهمی مانند چنگ‌چینگ، چنگدو و شی‌آن عبور می‌کند و به گسترش ارتباطات اقتصادی و تجاری کمک می‌کند.

پروژه‌های BRI همچنین به بهبود زیرساخت‌های حمل و نقل در استان‌های غربی چین کمک کرده‌اند، که این امر به افزایش سرمایه‌گذاری در این مناطق منجر شده است. استان‌های غربی مانند چنگ‌چینگ و چنگدو از موقعیت استراتژیک خود در مسیرهای برنامه‌ریزی شده BRI به نفع خود استفاده کرده‌اند و به جذب شرکت‌های بزرگ و کارمندان با استعداد در منطقه کمک کرده‌اند. این امر باعث شده است که مردم بیشتری تصمیم بگیرند که به جای مهاجرت به مراکز اقتصادی ساحلی، در استان‌های خود بمانند یا به پایتخت‌های استان‌های خود نقل مکان کنند. در نتیجه، پایتخت‌های استان‌های غربی به سهم بیشتری از بودجه سرمایه‌گذاری و منابع هر استان دسترسی پیدا کرده‌اند تا زیرساخت‌های خود را بهبود بخشند.

۲. **آسیای مرکزی:** کشورهای آسیای مرکزی مانند **ازبکستان**، **قرقیزستان**، و **قزاقستان** با بهره‌گیری از پروژه‌های BRI، بهبود قابل توجهی در زیرساخت‌های حمل‌ونقل و انرژی خود داشته‌اند.

کشورهای آسیای مرکزی مانند ازبکستان، قرقیزستان و قزاقستان از طریق پروژه‌های راه‌اندازی شده در چارچوب ابتکار کمربند و راه (BRI) بهبود قابل توجهی در زیرساخت‌های حمل و نقل و انرژی خود به دست آورده‌اند. BRI

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

با هدف بهبود زیرساخت‌های حمل و نقل بین‌المللی و افزایش یکپارچگی اقتصادی، با حمایت مالی قابل توجه از چین، این تلاش‌ها را تسهیل کرده است. برای مثال، در قزاقستان، BRI به بهبود زیرساخت‌های حمل و نقل مرزی، برق و فناوری اطلاعات و ارتباطات کمک کرده است. این توسعه‌ها زمان ارسال را کاهش داده و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI)، صادرات غیرنفتی و تولید ناخالص داخلی (GDP) را افزایش داده‌اند. تمرکز BRI بر گسترش زیرساخت‌های حمل و نقل به ویژه به قزاقستان به دلیل موقعیت استراتژیک آن به عنوان یک کشور بدون ساحل، با بهبود ارتباط آن با بازارهای جهانی، سود رسیده است.

پروژه‌های BRI همچنین فرصت‌های شغلی ایجاد کرده و رشد اقتصادی را در مناطق کمتر توسعه‌یافته این کشورها تحریک کرده‌اند. برای مثال، راه‌آهن اقتصادی چین و پاکستان (CPEC) نشان می‌دهد که چگونه سرمایه‌گذاری‌های متنوع و همکاری‌ها می‌توانند راه‌آهن‌های منطقه‌ای و شبکه‌های ارتباطی مدرن را توسعه دهند. در ازبکستان، BRI از توسعه زیرساخت‌های حمل و نقل حمایت کرده است که برای ادغام این کشور در شبکه‌های تجاری جهانی بسیار مهم است. این بهبودها نه تنها رقابت‌پذیری حمل و نقل مرزی و داخلی را افزایش می‌دهند، بلکه پروژه‌های متنوع‌تری با توجه جهانی را جذب می‌کنند. در مجموع، پروژه‌های BRI در آسیای مرکزی با ارتباط مؤثرتر این کشورها با چین و دیگر بازارهای جهانی، منظر تجارت و سرمایه‌گذاری منطقه‌ای را دگرگون می‌کنند.

انتقادات و چالش‌ها

بدهی بالا: برخی کشورها به دلیل وام‌های کلان از چین در دام بدهی گرفتار شده‌اند. برخی کشورها به دلیل پروژه‌های عظیم زیربنایی تحت ابتکار کمربند و جاده (BRI) با مشکلات بدهی مواجه شده‌اند. در ادامه، چند مثال با ذکر ارقام آورده شده است:

۱. سریلانکا:

سریلانکا در سال ۲۰۲۲ به دلیل ناتوانی در بازپرداخت بدهی‌های خارجی به‌ویژه برای پروژه‌هایی مانند بندر هامبانتوتا، اعلام ورشکستگی^{۳۲} کرد. این بندر با وام ۱,۵ میلیارد دلاری از چین ساخته شد. در سال ۲۰۲۳، چین بازسازی بخشی از بدهی سریلانکا به ارزش ۴,۲ میلیارد دلار را تصویب کرد.

۳۵۰ - در سال ۲۰۲۲، سریلانکا به دلیل ناتوانی در پرداخت بدهی‌های خارجی خود به ورشکستگی اعلان کرد، که این بدهی‌ها به بیش از ۵۰ میلیارد دلار رسید. این بحران مالی به دلیل وابستگی کشور به اوراق بدهی حاکمیتی بین‌المللی و کمبود شدید ذخایر ارزی خارجی تشدید شد، که تا مارس ۲۰۲۲ به تنها ۱,۶ میلیارد دلار کاهش یافت. پروژه بندر هامبانتوتا، که با وام ۱,۵ میلیارد دلاری از چین تأمین مالی شد، اغلب به عنوان مثالی از "دیپلماسی بدهی" ذکر می‌شود، جایی که پروژه سودآور نبود و بار بدهی سریلانکا را افزایش داد. در نهایت، دولت سریلانکا بندر را به مدت ۹۹ سال به شرکت چینی اجاره داد تا مشکلات تراز پرداخت‌ها را حل کند، که نشان‌دهنده فشار مالی ناشی از چنین پروژه‌هایی است.

در سال ۲۰۲۳، چین بازسازی جزئی بدهی سریلانکا به ارزش ۴,۲ میلیارد دلار را تأیید کرد، که گام مهمی در حل بحران مالی کشور بود. این بازسازی بخشی از تلاش‌های گسترده‌تر سریلانکا برای مدیریت تعهدات بدهی خود و تثبیت اقتصاد کشور بود. با وجود این توافق با چین، اعتباردهندگان بزرگ دیگر نگرانی‌هایی درباره شرایط ترجیحی ابراز کردند و خواستار رفتار برابر در مذاکرات بازسازی شدند. صندوق بین‌المللی پول (IMF) نیز نقش داشت و ۳۳۰ میلیون دلار از بسته نجات ۳ میلیارد دلاری را ارائه داد، اگرچه پرداخت آن مشروط به رسیدن به توافق بین

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

۲. زامبیا:

بدهی زامبیا به چین نیز بخش قابل توجهی از تعهدات مالی این کشور را تشکیل می‌دهد. تا پایان سال ۲۰۲۳، بدهی عمومی و تضمین‌شده زامبیا به چین حدود ۶,۶ میلیارد دلار گزارش شده است. این رقم نشان‌دهنده وابستگی بالای زامبیا به وام‌های دوجانبه از چین در شرایط اقتصادی دشوار است. بحران بدهی‌های خارجی زامبیا نه تنها اقتصاد این کشور را تحت فشار قرار داده، بلکه توانایی آن برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی و اجرای برنامه‌های توسعه‌ای را نیز محدود کرده است.^{۳۵۱}

۳. مالدیو:

بدهی مالدیو به چین در قالب BRI به ۱,۵ میلیارد دلار رسید که حدود ۳۸ درصد تولید ناخالص داخلی این کشور را تشکیل می‌دهد. این بدهی‌ها باعث فشارهای اقتصادی و سیاسی قابل توجهی شد. مالدیو در حال حاضر با چالش‌های جدی در زمینه بدهی‌های خارجی روبرو است. تا سال ۲۰۲۳، بدهی خارجی این کشور به حدود ۳,۷۴ میلیارد دلار رسید که افزایش نسبت به ۳,۶۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۲ را نشان می‌دهد. این میزان بار قابل توجهی برای کشور به شمار می‌آید، به‌ویژه با توجه به اینکه بدهی عمومی به حدود ۱۱۶,۵ درصد از تولید ناخالص داخلی (GDP) در اوایل سال ۲۰۲۴ افزایش یافته است، در حالی که این رقم در سال گذشته ۱۱۰,۴ درصد بود. مالدیو برای مدیریت مؤثر تعهدات بدهی خود به بیش از ۵۰۰ میلیون دلار در سال نیاز دارد که نشان‌دهنده ضرورت اصلاحات مالی برای جلوگیری از بحران بدهی است.^{۳۵۲}

مسائل زیست‌محیطی: پروژه‌های زیرساختی گاهی موجب تخریب محیط‌زیست می‌شوند.

پروژه‌های زیربنایی مرتبط با ابتکار کمربند و جاده (BRI) گاهی به تخریب محیط‌زیست منجر شده‌اند. در ادامه، چند مثال کوتاه آورده شده است:

۱. اندونزی:

راه‌آهن سریع‌السیر جاکارتا-باندونگ یک پروژه زیرساختی مهم در اندونزی است که حدود ۱۴۲,۳ کیلومتر طول دارد و شهر جاکارتا را به باندونگ متصل می‌کند. ساخت این پروژه از ژانویه ۲۰۱۶ آغاز شد و در اکتبر ۲۰۲۳ به پایان رسید، با هزینه کل پروژه حدود ۷,۳ میلیارد دلار. این راه‌آهن شامل بخش‌های مختلفی از جمله سطح

همه اعتباردهندگان بود. این تلاش‌ها نشان‌دهنده تعهد سری‌لانکا به رفتار برابر با همه اعتباردهندگان و درخواست کاهش ۳۰ درصدی بدهی‌های موجود است.

۳۵۱ - زامبیا در سال ۲۰۲۴ همچنان با بحران بدهی‌های خارجی روبرو است. تا ژوئن ۲۰۲۴، بدهی خارجی این کشور به ۲۳ میلیارد دلار رسید که معادل ۸۴,۲ درصد تولید ناخالص داخلی (GDP) آن است. این وضعیت نشان‌دهنده افزایش جزئی نسبت به سه‌ماهه قبلی است. علاوه بر این، معوقات خارجی زامبیا (شامل اصل و بهره) تا پایان سال ۲۰۲۳ به ۲۶ درصد از GDP رسید که بیانگر ناتوانی کشور در پرداخت تعهدات مالی خود است. کل بدهی بخش عمومی نیز تا ژوئن ۲۰۲۳ به ۲۷,۷ میلیارد دلار رسید که از این مقدار، ۱۴,۱ میلیارد دلار مربوط به بدهی خارجی دولت مرکزی بوده است. منبع: "بدهی خارجی زامبیا": <https://www.ceicdata.com/en/indicator/zambia/external-debt>

۳۵۲ - "بدهی خارجی مالدیو": منبع: <https://tradingeconomics.com/maldives/external-debt>

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

زمین، مرتفع و زیرزمینی است و ایستگاه‌های اصلی آن در هالی (جاکارتا)، کاراوانگ، پادالارانگ و تگالوار (باندونگ) واقع شده‌اند. مدیریت این پروژه بر عهده شرکت PT Kereta Cepat Indonesia China (KCIC)^{۳۵۳} است که یک سرمایه‌گذاری مشترک است و ۶۰٪ آن متعلق به شرکت‌های دولتی اندونزی و ۴۰٪ آن متعلق به شرکت راه‌آهن چین است، که این همکاری بخشی از ابتکار کمربند و جاده چین محسوب می‌شود.

ساخت راه‌آهن سریع‌السیر جاکارتا-باندونگ نگرانی‌های زیست‌محیطی قابل توجهی را به همراه داشته است، زیرا تأثیرات منفی بر اکوسیستم‌های محلی دارد. این توسعه منجر به تخریب بخش‌هایی از جنگل‌های بارانی و زیستگاه گونه‌های در خطر انقراض شده است. با توجه به اینکه این راه‌آهن از مناطق طبیعی حیاتی عبور می‌کند، تهدیدی برای تنوع زیستی محسوب می‌شود و زیستگاه‌های گونه‌های مختلف حیات وحش را مختل می‌کند. فعالان محیط زیست نسبت به این تخریب ابراز نگرانی کرده‌اند و بر لزوم رعایت شیوه‌های توسعه پایدار که تعادل بین رشد زیرساخت‌ها و حفظ محیط زیست را برقرار کند، تأکید دارند. از دست دادن جنگل‌های بارانی نه تنها بر حیات وحش تأثیر می‌گذارد، بلکه به مسائل زیست‌محیطی گسترده‌تری مانند تغییرات اقلیمی و تکه‌تکه شدن زیستگاه‌ها نیز دامن می‌زند، که ضرورت برنامه‌ریزی مسئولانه در پروژه‌های آینده را برجسته می‌کند.

۲. کنیا:

راه‌آهن استاندارد جاکارتا-مومباسا یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌های زیرساختی در کنیا است که بین ۴۸۰ کیلومتر از بندر مومباسا و پایتخت کنیا، نایروبی، را متصل می‌کند. ساخت این راه‌آهن در دسامبر ۲۰۱۴ آغاز شد و در مه ۲۰۱۷ به بهره‌برداری رسید. هزینه کل پروژه حدود ۳٫۶ میلیارد دلار بود که ۹۰ درصد آن از طریق بانک صادرات و واردات چین تأمین مالی شده است و باقی‌مانده آن توسط دولت کنیا تأمین شده است. پیمانکار اصلی این پروژه شرکت چین راه و پل (CRBC) بود که زیرمجموعه‌ای از شرکت ساخت و ساز ارتباطات چین (CCCC) است. این

۳۵۳ - شرکت PT Kereta Cepat Indonesia China (KCIC) در سال ۲۰۱۵ به‌عنوان یک سرمایه‌گذاری مشترک بین اندونزی و چین تأسیس شد. این شرکت مسئولیت توسعه و بهره‌برداری از اولین خط راه‌آهن پرسرعت اندونزی، یعنی خط جاکارتا-باندونگ را بر عهده دارد. KCIC با همکاری کنسرسیومی از شرکت‌های دولتی اندونزی (مانند راه‌آهن اندونزی، ویجایا کاریا و جاسا مارگا) و شرکت‌های چینی (مانند گروه راه‌آهن چین و CRRC) شکل گرفت. انتخاب چین برای این پروژه به دلیل ارائه طرحی بدون نیاز به ضمانت دولتی بود که از نظر مالی برای اندونزی جذاب‌تر بود.

پروژه راه‌آهن پرسرعت جاکارتا-باندونگ با سرمایه‌ای حدود ۵ میلیارد دلار (۷۵ تریلیون روپیه) اجرا شده و انتظار می‌رود زمان سفر بین این دو شهر را از ۳ تا ۵ ساعت به حدود ۴۰ دقیقه کاهش دهد. قطارهای این مسیر با سرعتی تا ۲۵۰ کیلومتر بر ساعت طراحی شده‌اند و در برابر شرایط محیطی مانند زلزله و سیل مقاوم هستند. طراحی داخلی این قطارها نیز با الهام از فرهنگ اندونزی، شامل طرح‌های باتیک و نمادهایی مانند اژدهای کومودو، انجام شده است. این پروژه علاوه بر تسهیل حمل‌ونقل، به رشد اقتصادی مناطق اطراف ایستگاه‌ها از طریق توسعه مبتنی بر حمل‌ونقل (TOD) کمک خواهد کرد.

اگرچه راه‌اندازی این پروژه گامی بزرگ در مدرن‌سازی زیرساخت‌های حمل‌ونقل اندونزی محسوب می‌شود، اما پیش‌بینی می‌شود سوددهی آن چندین دهه طول بکشد و تنها پس از حدود ۳۸ سال به نقطه بازگشت سرمایه برسد. با این حال، این پروژه نه تنها نمادی از همکاری اقتصادی اندونزی و چین است، بلکه بخشی از برنامه‌های توسعه کلان زیرساختی اندونزی برای ارتقای رقابت‌پذیری منطقه‌ای و جهانی محسوب می‌شود.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

راه آهن به عنوان بخشی از طرح توسعه «چشم انداز ۲۰۳۰» کنیا طراحی شده است و به کاهش زمان سفر و افزایش ظرفیت حمل و نقل بار کمک می کند.

ساخت این راه آهن تأثیرات زیست محیطی قابل توجهی به همراه داشته است، به ویژه در مورد تنوع زیستی منطقه. عبور این خط آهن از پارک ملی نایروبی باعث تهدید زیستگاه های حیات وحش و کاهش حرکت آزادانه آنها شده است. این پروژه نه تنها منجر به تخریب زیستگاه های طبیعی شده، بلکه همچنین مسیرهای مهاجرت حیوانات را مختل کرده و به کاهش تنوع زیستی در این منطقه دامن زده است. فعالان محیط زیست نگران هستند که این تغییرات می تواند پیامدهای جدی برای جمعیت های حیات وحش، به ویژه گونه های در خطر انقراض، داشته باشد. ضرورت رعایت اصول توسعه پایدار در پروژه های زیرساختی آینده برای حفظ تنوع زیستی و سلامت اکوسیستم ها بیشتر از همیشه احساس می شود.^{۲۵۴}

۳. میانمار:

در کنیا، پروژه های ساخت سد برای تولید برق به طور قابل توجهی هزینه بر و پیچیده هستند. به عنوان مثال، سد مایتسونه که یکی از بزرگ ترین پروژه های هیدروالکتریک در این کشور به شمار می آید، با هزینه ای حدود ۳٫۶ میلیارد دلار در حال توسعه است. این پروژه تحت مدیریت شرکت سرمایه گذاری برق چین و وزارت برق و انرژی می باشد و قرار است ظرفیت تولیدی معادل ۶۰۰۰ مگاوات داشته باشد. انتظار می رود که بیشتر تولیدات برق این سد به چین صادر شود، در حالی که دولت کنیا نیز سهمی از تولیدات برق را دریافت خواهد کرد.

ساخت این سدها تأثیرات زیست محیطی عمیقی بر اکوسیستم های رودخانه ای و جوامع محلی دارد. تخریب زیستگاه های طبیعی ناشی از این پروژه ها منجر به کاهش تنوع زیستی و تهدید زندگی گونه های مختلف حیات وحش شده است. علاوه بر این، جوامع محلی با خطراتی مواجه هستند، زیرا تغییرات در جریان آب و کیفیت آن می تواند منابع آب آشامیدنی و کشاورزی آنها را تحت تأثیر قرار دهد. این تغییرات همچنین ممکن است به جابجایی جمعیت های محلی منجر شود و زندگی آنها را به خطر بیندازد. بنابراین، این پروژه ها نه تنها بر محیط زیست تأثیر منفی دارند بلکه بر روی زندگی مردم محلی نیز اثرات مخربی خواهند گذاشت.^{۲۵۵}

نگرانی های ژئوپلیتیکی:

منتقدان ابتکار کمربند و جاده (BRI) چین معتقدند که این طرح به عنوان ابزاری برای گسترش نفوذ ژئوپلیتیکی چین در سطح جهانی عمل می کند. با ارائه وام ها و تأمین مالی پروژه های زیرساختی در کشورهای شرکت کننده، چین وابستگی های اقتصادی ایجاد می کند که می تواند منجر به افزایش نفوذ سیاسی این کشور شود. این وابستگی به تأمین مالی چینی اغلب به کنترل استراتژیک زیرساخت های کلیدی، مانند بنادر و راه آهن ها، منجر می شود که می تواند برای دستیابی به منافع سیاسی مورد استفاده قرار گیرد. با گسترش روابط اقتصادی کشورها

^{۲۵۴} <https://www.railway-technology.com/projects/mombasa-nairobi-standard-gauge-railway-project/>

^{۲۵۵} <https://myanmar-now.org/en/news/wa-army-linked-company-collaborating-with-junta-to-build-hydropower-dam-in-northern-shan-state-activists-say/>

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

با چین، توانایی آن‌ها برای اتخاذ تصمیمات مستقل ممکن است کاهش یابد و این امر نگرانی‌هایی را در میان کشورهای غربی و دیگر قدرت‌های جهانی درباره تغییر تعادل نفوذ بین‌المللی به وجود می‌آورد. پیامدهای این مانور ژئوپولیتیکی فراتر از ملاحظات اقتصادی است و همچنین خطراتی برای حاکمیت دموکراتیک و استقلال کشورها دارد. منتقدان تأکید می‌کنند که BRI می‌تواند ساختارهای حکومتی محلی را تضعیف کند و منافع چینی را بر منافع جمعیت‌های محلی ترجیح دهد. علاوه بر این، تأثیرات زیست‌محیطی و اجتماعی پروژه‌های بزرگ مقیاس معمولاً منجر به اختلالات قابل توجهی در جوامع محلی می‌شود، از جمله جابجایی و از دست دادن معیشت. با تحکیم حضور چین از طریق سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی، احتمال ظهور نوعی نئوکولونیالیسم جدید مطرح می‌شود که در آن کشورها ممکن است بیشتر به منافع چینی وابسته شوند تا توسعه عادلانه و خودمختاری را تقویت کنند. این دینامیک نگرانی‌هایی را درباره آینده روابط بین‌الملل و یکپارچگی حکمرانی جهانی در حالی که نفوذ چین از طریق BRI گسترش می‌یابد، ایجاد می‌کند.^{۳۵۶}

چشم‌انداز آینده

چین با تقویت همکاری‌های بین‌المللی و توسعه فناوری‌های نوین قصد دارد نقش خود در اقتصاد جهانی را ارتقا دهد. ادامه اجرای پروژه‌های کلیدی و افزایش مشارکت کشورها می‌تواند اهمیت این ابتکار را در دهه‌های آینده بیشتر کند.

BRI به عنوان یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌های توسعه‌ای جهان، تحولی بزرگ در زیرساخت‌ها و تجارت بین‌المللی ایجاد کرده و تأثیرات عمیقی بر روابط اقتصادی و ژئوپولیتیکی جهان گذاشته است.

ب: توسعه فناوری و نوآوری:

هدف: تبدیل چین به یک رهبر جهانی در زمینه‌های فناوری‌های نوین مانند G5، هوش مصنوعی و انرژی‌های تجدیدپذیر.

زلزله چینی:

در زمانی که در حال نگارش پایانی این کتاب بودم، خبری از هوش مصنوعی جهان را در بهت فرو برد. تحریم صادرات تراشه‌های Nvidia^{۳۵۷} به چین، که توسط ایالات متحده به دلیل نگرانی‌های امنیت ملی اعمال شده است، تأثیرات قابل توجهی بر صنعت هوش مصنوعی دارد. این تراشه‌ها، که برای پردازش حجم عظیمی از

^{۳۵۶} <https://carnegieendowment.org/research/۰۴/۲۰۲۴/the-belt-and-road-city-geopolitics-urbanization-and-chinas-search-for-a-new-international-order?lang=en>

^{۳۵۷} Nvidia - با تولید تراشه‌های پیشرفته، به ویژه از طریق معرفی معماری جدید Blackwell، در صدر فناوری هوش مصنوعی قرار گرفته است. این تراشه‌ها که در اوایل سال ۲۰۲۴ رونمایی شدند، بهبودهای بی‌سابقه‌ای در عملکرد ارائه می‌دهند و سرعت پردازش آن‌ها برای وظایف هوش مصنوعی تولیدی تا ۳۰ برابر سریع‌تر از مدل‌های قبلی است. هر تراشه Blackwell دارای بیش از ۴۰۰ میلیارد ترانزیستور است که به آن امکان می‌دهد عملیات پیچیده‌ای مانند آموزش مدل‌های زبان بزرگ و اجرای برنامه‌های پیشرفته AI را به طور مؤثر انجام دهد. این ویژگی‌ها نه تنها عملکرد سیستم‌های هوش مصنوعی را بهبود می‌بخشد، بلکه مصرف انرژی را نیز کاهش می‌دهد. با افزایش تقاضا برای فناوری‌های هوش مصنوعی، نوآوری‌های Nvidia در طراحی و تولید تراشه‌ها نقش کلیدی در شکل‌گیری آینده این

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

داده‌ها و اجرای مدل‌های پیشرفته هوش مصنوعی ضروری هستند، نقشی کلیدی در توسعه فناوری‌هایی مانند مدل‌های زبان بزرگ، سیستم‌های خودران، و برنامه‌های پیشرفته یادگیری عمیق ایفا می‌کنند. محدودیت‌های صادراتی مانع دسترسی چین به تراشه‌های پیشرفته‌ای مانند سری A100 و H100 شده و در عین حال شرکت‌هایی مانند Nvidia را به تولید نسخه‌های اصلاح‌شده‌ای که با قوانین صادراتی مطابقت دارند، سوق داده است.

ورود دیپ‌سیک، یک استارت‌آپ چینی در زمینه هوش مصنوعی، به بازار جهانی باعث اختلالات قابل توجهی در صنعت AI شده است و به ویژه بر شرکت‌های بزرگ فناوری تأثیر گذاشته است. در تاریخ ۲۷ ژانویه ۲۰۲۵، دیپ‌سیک مدل هوش مصنوعی خود به نام R1 را معرفی کرد که با هزینه‌ای مقرون به صرفه و عملکرد بالا، برتری شرکت‌های آمریکایی مانند OpenAI و Nvidia را به چالش کشید. این اعلامیه منجر به فروش شدید سهام مرتبط با هوش مصنوعی در سطح جهانی شد. Nvidia، پیشرو در تأمین تراشه‌های هوش مصنوعی، در یک روز رکوردی نزدیک به ۱۷ درصد کاهش ارزش را تجربه کرد که حدود ۵۹۳ میلیارد دلار از ارزش بازار خود را از دست داد. بزرگ‌ترین کاهش یک‌روزه برای هر شرکتی تا کنون. سایر شرکت‌ها نیز دچار افت‌های شدید شدند؛ سهام Broadcom ۱۷,۴ درصد کاهش یافت و Arista Networks و Constellation Energy به ترتیب ۲۲,۴ درصد و ۱۹,۵ درصد افت کردند. همچنین، شاخص Nasdaq Composite با کاهش ۳,۶ درصد یکی از بدترین عملکردهای خود از سال ۲۰۲۲ را ثبت کرد.

این خسارات نگرانی‌های فزاینده‌ای را درباره برتری رقابتی شرکت‌های فناوری آمریکایی نشان می‌دهد، زیرا مدل کم‌هزینه دیپ‌سیک سؤالاتی را درباره سودآوری در این بخش مطرح می‌کند. این اختلال فقط به تولیدکنندگان تراشه محدود نمی‌شود؛ بلکه شرکت‌های تولید برق مانند Vistra و Constellation Energy که به هوش مصنوعی برای مدیریت تقاضا برای انرژی مراکز داده وابسته بودند، نیز شاهد کاهش سهام خود به ترتیب ۲۸,۳ درصد و ۲۰,۹ درصد بودند. این فروش شدید نشان‌دهنده بدبینی سرمایه‌گذاران درباره توانایی شرکت‌های آمریکایی در تبدیل هزینه‌های بالای سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های هوش مصنوعی به بازدهی پایدار در شرایط افزایش رقابت از سوی گزینه‌های مقرون به صرفه‌ای مانند دیپ‌سیک است. این توسعه نیاز به بازنگری در استراتژی‌های بازار را برجسته کرده و نقاط ضعف موجود در بخش جهانی هوش مصنوعی را در مواجهه با رقابت فزاینده از چین نشان می‌دهد.

صنعت ایفا می‌کند و همزمان چالش‌هایی مانند هزینه‌های بالا و نگرانی‌های مربوط به دسترسی عادلانه به این فناوری‌ها را نیز مطرح می‌کند.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

مثال: شرکت‌های بزرگ چینی مانند **هواوی** و **ژد تی‌ئی** ۳۵۸ در حوزه فناوری‌های G5 پیشتاز شده‌اند و چین به‌عنوان اولین کشور در جهان شبکه G5 را راه‌اندازی کرده است.

۳۵۸- شرکت فناوری‌های هواوی (Huawei Technologies Co., Ltd.)، که به‌طور معمول به نام **هواوی** شناخته می‌شود، یک شرکت چندملیتی فناوری چینی است که در شهر شنژن، استان گوانگدونگ قرار دارد. این شرکت در سال ۱۹۸۷ توسط رن ژنگفی، یک افسر سابق در ارتش آزادی‌بخش مردم چین، تأسیس شد و به یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های مخابراتی و فناوری اطلاعات در جهان تبدیل شده است. هواوی در طراحی، توسعه، تولید و فروش تجهیزات مخابراتی دیجیتال، الکترونیک مصرفی، دستگاه‌های هوشمند و راه‌حل‌های فناوری در بخش‌های مختلف فعالیت می‌کند.

رشد و تکامل: در ابتدا، هواوی بر تولید سوئیچ‌های تلفن تمرکز داشت و به سرعت عملیات خود را برای ساخت زیرساخت‌های شبکه مخابراتی گسترش داد. تا سال ۲۰۱۲، این شرکت از اریکسون پیشی گرفت و به بزرگ‌ترین تولیدکننده تجهیزات مخابراتی در سطح جهانی تبدیل شد. در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۲۰، هواوی از اپل و سامسونگ پیشی گرفت و به بزرگ‌ترین تولیدکننده گوشی‌های هوشمند جهان تبدیل شد. تا سال ۲۰۲۴، حوزه اصلی کسب‌وکار هواوی همچنان تجهیزات مخابراتی است که با تولیدات الکترونیک مصرفی درآمد قابل توجهی را ایجاد می‌کند. هواوی در بیش از ۱۷۰ کشور فعالیت می‌کند و بیش از ۲۰۰,۰۰۰ نفر را استخدام کرده است و به بیش از ۳ میلیارد نفر در سراسر جهان خدمات ارائه می‌دهد. این شرکت سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی در تحقیق و توسعه (R&D) انجام داده است که مجموع هزینه‌های طی یک دهه گذشته به بیش از ۱,۱۱ تریلیون یوان (۱۵۲ میلیون دلار) رسیده است. تنها در سال ۲۰۲۳، هزینه تحقیق و توسعه هواوی به ۱۶۴,۷ میلیارد یوان (۲۲,۵ میلیون دلار) رسید که حدود ۲۳,۴ درصد از کل درآمد آن را تشکیل می‌دهد.

محصولات اصلی: محصولات گسترده هواوی به چندین حوزه کلیدی تقسیم می‌شوند:

تجهیزات مخابراتی: شامل انواع محصولات مانند روترها، سوئیچ‌ها، ایستگاه‌های پایه برای شبکه‌های موبایل و راه‌حل‌های رایانش ابری. **الکترونیک مصرفی:** شامل گوشی‌های هوشمند، تبلت‌ها، لپ‌تاپ‌ها، دستگاه‌های پوشیدنی (مانند ساعت‌های هوشمند) و سایر دستگاه‌های هوشمند.

خدمات ابری: هواوی کلود مجموعه‌ای از راه‌حل‌های رایانش ابری را برای صنایع مختلف از جمله مالی، بهداشت و درمان، آموزش و ایمنی عمومی ارائه می‌دهد.

دستگاه‌های هوشمند: این شرکت یک اکوسیستم یکپارچه توسعه داده است که شامل دستگاه‌های هوشمند خانگی و راه‌حل‌های IoT است که برای ایجاد یک محیط کاملاً متصل طراحی شده‌اند.

تحقیق و توسعه: هواوی بر اهمیت تحقیق و توسعه به عنوان محرک نوآوری و رقابت تأکید زیادی دارد. تا اواخر سال ۲۰۲۳، حدود ۵۵ درصد از نیروی کار آن به فعالیت‌های تحقیق و توسعه اختصاص یافته بود. تعهد این شرکت به نوآوری منجر به ثبت بیش از ۱۴۰,۰۰۰ حق اختراع فعال شده است که نشان‌دهنده تمرکز آن بر توسعه فناوری‌های پیشرفته است.

تأثیر جهانی و همکاری‌ها: تأثیر هواوی فراتر از محصولات آن است؛ این شرکت نقش مهمی در شکل‌دهی استانداردها و شیوه‌های مخابرات جهانی ایفا می‌کند. هواوی با تعدادی از اپراتورهای مخابراتی بین‌المللی و شرکت‌ها همکاری‌هایی را برای حمایت از ابتکارات تحول دیجیتال برقرار کرده است. به‌طور خاص، ۲۱۱ شرکت از فهرست ۵۰۰ شرکت بزرگ جهانی هواوی را به عنوان شریک خود برای راه‌حل‌های دیجیتال انتخاب کرده‌اند. با وجود موفقیت‌ها، هواوی با چالش‌هایی نیز مواجه بوده است که شامل انتقاداتی درباره نقض حقوق مالکیت معنوی و نگرانی‌ها درباره نفوذ دولت چین به دلیل ارتباط نزدیک این شرکت با دولت است. این مسائل منجر به افزایش نظارت بر مشارکت هواوی در پروژه‌های زیرساخت حیاتی مانند شبکه‌های G5 در چندین کشور شده است.

چالش‌ها و جنجال‌ها: صعود سریع هواوی بدون چالش نبوده است. این شرکت با تنش‌های ژئوپولیتیکی قابل توجهی مواجه شده که بر عملیات آن در بازارهای مختلف تأثیر گذاشته است. به ویژه:

روابط تجاری چین-آمریکا: هواوی مرکز تنش‌های تجاری بین ایالات متحده و چین بوده است که منجر به تحریم‌هایی شده که دسترسی آن را به فناوری‌ها و بازارهای حیاتی محدود کرده است.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

نگرانی‌های امنیتی: چندین کشور نگرانی‌هایی درباره خطرات امنیتی احتمالی ناشی از استفاده از تجهیزات هواوی در شبکه‌های مخابراتی خود ابراز کرده‌اند.

مسائل حقوقی: این شرکت با نبردهای قانونی مرتبط با حقوق مالکیت معنوی و اسرار تجاری مواجه بوده است. نتیجه‌گیری: شرکت فناوری‌های هواوی نمایانگر جاه‌طلبی‌های تکنولوژیکی چین در سطح جهانی است. با داشتن یک سبد محصول گسترده شامل تجهیزات مخابراتی و الکترونیک مصرفی، همراه با سرمایه‌گذاری قابل توجه در تحقیق و توسعه، هواوی همچنان به نوآوری ادامه می‌دهد در حالی که با چشم‌اندازهای پیچیده ژئوپولیتیکی دست‌وپنجه نرم می‌کند. با ادامه مسیر خود، توانایی این شرکت در پاسخگویی به نگرانی‌های امنیتی و سازگاری با تغییرات دینامیک بازار برای حفظ روند رشد آن بسیار حیاتی خواهد بود. برای دسترسی به اطلاعات بیشتر در مورد این شرکت می‌توانید به سایت <https://www.abiresearch.com/companies/huawei> مراجعه نمایید.

۳۵۹ - شرکت ZTE: شرکت **ZTE Corporation**، که در سال ۱۹۸۵ تأسیس شد، یک شرکت چندملیتی پیشرو در زمینه فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) و مخابراتی چینی است. این شرکت که مقر آن در شهر شنژن واقع شده، در بورس‌های هنگ کنگ و شنژن به‌طور عمومی معامله می‌شود. ZTE به عنوان یکی از بازیگران اصلی در بازار جهانی مخابرات شناخته می‌شود و محصولات و خدمات متنوعی را شامل سیستم‌های ارتباطی بی‌سیم، انتقال نوری، تجهیزات داده و دستگاه‌های موبایل ارائه می‌دهد. رشد و توسعه: ZTE از زمان تأسیس خود شاهد رشد قابل توجهی بوده است و از یک کارخانه کوچک به یک ارائه‌دهنده جهانی راه‌حل‌های یکپارچه ICT تبدیل شده است. تا سال ۲۰۲۵، ZTE چهل سالگی خود را جشن می‌گیرد و به چهار دهه نوآوری و گسترش در بخش مخابرات می‌پردازد. این شرکت در بیش از ۱۶۰ کشور فعالیت می‌کند و به مشتریان متنوعی از جمله اپراتورهای مخابراتی، شرکت‌ها و نهادهای دولتی خدمات ارائه می‌دهد.

حوزه‌های اصلی کسب‌وکار ZTE شامل موارد زیر است:

تجهیزات مخابراتی: ZTE طراحی و تولید مجموعه‌ای کامل از تجهیزات مخابراتی را انجام می‌دهد که شامل: سیستم‌های ارتباطی بی‌سیم، تجهیزات انتقال نوری، تجهیزات ارتباطات داده، شبکه‌های هسته‌ای موبایل

الکترونیک مصرفی: این شرکت گوشی‌های هوشمند و سایر دستگاه‌های مصرفی را تولید می‌کند و بر روی ادغام فناوری‌های پیشرفته در محصولات کاربرپسند تمرکز دارد.

راه‌حل‌های سازمانی: ZTE راه‌حل‌های سفارشی برای صنایع مختلف از جمله مالی، حمل‌ونقل، دولت، آموزش و انرژی ارائه می‌دهد. این شامل خدمات رایانش ابری، عملیات دیجیتال و استقرار شبکه است.

فناوری 5G: ZTE خود را به عنوان یک رهبر در توسعه فناوری 5G معرفی کرده و در بین پنج شرکت برتر جهانی برای مشارکت‌های خود در این زمینه قرار دارد.

تحقیق و توسعه: ZTE بر تحقیق و توسعه (R&D) تأکید زیادی دارد و حدود ۲۶,۰۰۰ نفر از کارکنان آن به فعالیت‌های تحقیقاتی اختصاص یافته‌اند. این شرکت سرمایه‌گذاری قابل توجهی در R&D انجام می‌دهد تا در زمینه‌هایی مانند: زیرساخت 5G، راه‌حل‌های محاسبات هوشمند، فناوری‌های انرژی جدید

در سال‌های اخیر، هزینه‌های R&D این شرکت قابل توجه بوده است. برای مثال:

هزینه R&D در سال ۲۰۲۳: 40 CNY میلیارد (تقریباً معادل ۵,۴۴\$ میلیارد)، این سرمایه‌گذاری نشان‌دهنده تعهد ZTE به حفظ رهبری فناوری و ترویج نوآوری در صنعت است.

عملکرد مالی ZTE نشان‌دهنده حضور قوی این شرکت در بازار است. در سال‌های اخیر، این شرکت درآمدهای قابل توجهی را از طریق تنوع محصولات خود و دسترسی جهانی به دست آورده است:

درآمد برای سال ۲۰۲۳: 130 CNY میلیارد (تقریباً معادل ۱۷,۶۷\$ میلیارد)

جریان‌های درآمدی این شرکت با پورتفولیوی گسترده‌ای از راه‌حل‌های مخابراتی و الکترونیک مصرفی پشتیبانی می‌شود.

تأثیر جهانی و همکاری‌ها: ZTE با اپراتورهای مخابراتی در سراسر جهان همکاری‌هایی را برای تقویت اتصال و پیشبرد نوآوری برقرار کرده است. با همکاری با ذینفعان مختلف، ZTE هدف دارد تا راه‌حل‌های نوآورانه‌ای ارائه دهد که نیازهای در حال تغییر مشتریان را در مناطق مختلف

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

آثار: چین اکنون یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان و صادرکنندگان تجهیزات G5 و هوش مصنوعی است. سهم چین در تولید گوشی‌های هوشمند جهانی به بیش از ۵۰ درصد افزایش یافته است.

ج: تقویت نظامی:

هدف: تقویت قدرت نظامی چین به‌ویژه در دریای چین جنوبی و اقیانوس آرام به‌منظور حفظ منافع ملی و منطقه‌ای.

مثال: افزایش توان نظامی چین با ساخت و توسعه ناوهای هواپیمابر جدید، کشتی‌های جنگی و سامانه‌های دفاع موشکی پیشرفته.

آثار: چین توانسته است در زمینه فناوری‌های نظامی پیشرفت‌های چشمگیری داشته باشد. ارتش چین اکنون یکی از بزرگ‌ترین و تکنولوژیک‌ترین ارتش‌های جهان است.

د: قدرت دیپلماتیک و نفوذ جهانی:

هدف: تقویت حضور چین در سازمان‌های بین‌المللی و افزایش نفوذ دیپلماتیک خود در سطح جهانی.

مثال: تلاش چین برای گسترش نفوذ خود در سازمان ملل، سازمان تجارت جهانی، و توسعه روابط با اتحادیه‌ها و بلوک‌های اقتصادی نظیر **سایپک (سازمان همکاری‌های اقتصادی آسیایی و پاسیفیک)**^{۳۶۰}

برآورده کند. تعهد این شرکت به پایداری از طریق ابتکاراتی که هدف آن کاهش تأثیرات زیست‌محیطی است، مشهود است. ZTE استراتژی‌هایی را برای ترویج فناوری‌های سبز و شیوه‌های پایدار در تمام عملیات خود پیاده کرده است.

چالش‌ها و جنجال‌ها: با وجود موفقیت‌ها، ZTE با چالش‌هایی مواجه بوده که بر عملیات آن تأثیر گذاشته است:

تحریم‌های ایالات متحده: این شرکت تحت تحریم‌هایی قرار گرفته که توسط دولت ایالات متحده به دلیل نقض قوانین تجاری وضع شده‌اند. این تحریم‌ها بر توانایی ZTE برای تأمین قطعات حیاتی از تأمین‌کنندگان آمریکایی تأثیر گذاشته است.

رقابت بازار: صنعت مخابرات بسیار رقابتی است و بسیاری از بازیگران برای سهم بازار رقابت می‌کنند. ZTE باید به طور مداوم نوآوری کند تا موقعیت خود را در برابر رقبایی مانند هواوی و اریکسون حفظ کند.

مسئولیت اجتماعی شرکتی: ZTE به ابتکارات مسئولیت اجتماعی شرکتی (CSR) متعهد است که بر روی پایداری زیست‌محیطی و تعاملات اجتماعی تمرکز دارد. این شرکت فعالانه در پروژه‌هایی که به تغییرات اقلیمی رسیدگی می‌کنند، مشارکت دارد. در سال ۲۰۲۴، ZTE به خاطر تلاش‌هایش در زمینه اقدام اقلیمی توسط CDP بر روی "فهرست A" قرار گرفت که نشان‌دهنده رهبری شرکت‌ها در شیوه‌های زیست‌محیطی است.

شرکت ZTE به عنوان یک شخصیت برجسته در عرصه جهانی مخابرات شناخته می‌شود که با تعهد به نوآوری و پیشرفت فناوری مشخص می‌شود. با داشتن سبد محصول متنوع شامل تجهیزات مخابراتی، الکترونیک مصرفی و راه‌حل‌های سازمانی، ZTE همچنان به تطابق با دینامیک‌های تغییرپذیر بازار ادامه می‌دهد و چالش‌های زیست‌محیطی را نیز مورد توجه قرار می‌دهد. با جشن گرفتن چهل سالگی خود در سال ۲۰۲۵، تمرکز این شرکت بر تحقیق و توسعه و پایداری آن را برای رشد آینده در دنیای متصل‌تر آماده می‌کند.

برای دسترسی به اطلاعات بیشتر در مورد این شرکت می‌توانید به سایت <https://www.abiresearch.com/companies/zte-corporation/> مراجعه نمایید.

۳۶۰ - بررسی همکاری اقتصادی آسیا-پاسیفیک (APEC)

همکاری اقتصادی آسیا-پاسیفیک (APEC) یک انجمن بین‌دولتی است که در سال ۱۹۸۹ به منظور ترویج رشد اقتصادی، تجارت و سرمایه‌گذاری در منطقه آسیا-پاسیفیک تأسیس شد. این انجمن شامل ۲۱ اقتصاد عضو است و به عنوان یک پلتفرم برای تسهیل گفت‌وگو و

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

همکاری میان اعضای خود عمل می‌کند که شامل اقتصادهای بزرگی مانند ایالات متحده، چین، ژاپن و استرالیا می‌شود. APEC در سنگاپور مستقر است و با مدل تصمیم‌گیری مبتنی بر اجماع کار می‌کند که بر تعهدات داوطلبانه به جای توافقات قانونی تأکید دارد.

زمینه تاریخی: APEC به عنوان پاسخی به وابستگی فزاینده اقتصادهای آسیا-پاسیفیک و ظهور بلوک‌های تجاری منطقه‌ای ایجاد شد. اولین نشست وزرای APEC در کانبرا، استرالیا برگزار شد و ۱۲ عضو بنیان‌گذار داشت. در طول سال‌ها، APEC به ۲۱ اقتصاد گسترش یافته است که تعهد خود را به ترویج یکپارچگی اقتصادی و همکاری در یک چشم‌انداز جهانی در حال تغییر نشان می‌دهد.

اهداف و مقاصد: اهداف اصلی APEC در آنچه که به عنوان **اهداف بوگور** شناخته می‌شود، خلاصه شده است. این اهداف در نشست رهبران در بوگور، اندونزی، در سال ۱۹۹۴ تعیین شد و شامل موارد زیر است:

تجارت و سرمایه‌گذاری آزاد و باز در منطقه آسیا-پاسیفیک تا سال ۲۰۱۰ برای اقتصادهای توسعه‌یافته و تا سال ۲۰۲۰ برای اقتصادهای در حال توسعه.

برای دستیابی به این اهداف، APEC بر سه حوزه اصلی همکاری تمرکز دارد:

آزادسازی تجارت و سرمایه‌گذاری: کاهش تعرفه‌ها و سایر موانع تجاری برای تسهیل معاملات مرزی.

تسهیل کسب‌وکار: ساده‌سازی رویه‌های گمرکی، هماهنگ‌سازی مقررات و بهبود لجستیک برای ایجاد یک محیط کسب‌وکار مطلوب.

همکاری اقتصادی و فنی: تقویت همکاری میان اقتصادهای عضو برای افزایش ظرفیت و اشتراک بهترین شیوه‌ها.

عضویت: عضویت APEC شامل گروه متنوعی از اقتصادها است که حدود ۴۰ درصد از جمعیت جهان، ۵۰ درصد از تجارت جهانی و تقریباً ۶۰ درصد از تولید ناخالص داخلی جهان را نمایندگی می‌کند. کشورهای عضو عبارتند از:

استرالیا، برونئی دارالسلام، کانادا، شیلی، جمهوری خلق چین، هنگ کنگ، چین، اندونزی، ژاپن، جمهوری کره، مالزی، مکزیک، نیوزیلند، پاپوآ، گینه نو، پرو، فیلیپین، فدراسیون روسیه، سنگاپور، تایوان (چین تایپه)، تایلند، ایالات متحده آمریکا، ویتنام

ساختار و عملیات: APEC از طریق برگزاری جلسات مختلف در طول سال فعالیت می‌کند که شامل نشست‌های سالانه رهبران اقتصادی است که توسط سران دولت یا حکومت کشورهای عضو برگزار می‌شود. این نشست‌ها پلتفرمی برای بحث درباره مسائل کلیدی اقتصادی و تعیین اولویت‌های همکاری آینده فراهم می‌کند. دبیرخانه APEC که در سنگاپور مستقر است، فعالیت‌ها را میان کشورهای عضو هماهنگ کرده و ارتباطات را تسهیل می‌کند. علاوه بر این، APEC با جامعه کسب‌وکار از طریق شورای مشاوره کسب‌وکار (ABAC) APEC همکاری می‌کند که توصیه‌هایی درباره اولویت‌های بخش کسب‌وکار ارائه می‌دهد.

دستاوردها و تأثیر: از زمان تأسیس خود، APEC پیشرفت‌های قابل توجهی در ترویج یکپارچگی اقتصادی در منطقه آسیا-پاسیفیک داشته است. برخی از دستاوردهای قابل توجه عبارتند از:

کاهش موانع تجاری: APEC به کاهش تعرفه‌ها در میان کشورهای عضو کمک کرده که منجر به افزایش جریان‌های تجاری شده است.

رشد اقتصادی: تولید ناخالص داخلی واقعی در منطقه APEC از حدود ۱۹ تریلیون دلار آمریکا در سال ۱۹۸۹ به حدود ۴۲ تریلیون دلار آمریکا تا سال ۲۰۱۵ افزایش یافته است.

تقویت همکاری: APEC ابتکارات متعددی را برای بهبود شیوه‌های نظارتی، ارتقاء تجارت دیجیتال و ترویج رشد اقتصادی پایدار تسهیل کرده است.

تأکید این انجمن بر تعهدات داوطلبانه به کشورهای عضو اجازه می‌دهد تا مشارکت خود را با توجه به نیازهای خاص خود تنظیم کنند و همچنان به اهداف وسیع‌تر منطقه‌ای کمک کنند.

چالش‌ها: با وجود موفقیت‌ها، APEC با چندین چالش مواجه است:

تصمیم‌گیری مبتنی بر اجماع: دستیابی به اجماع میان ۲۱ اقتصاد متنوع می‌تواند دشوار باشد که ممکن است روند تصمیم‌گیری را کند کند.

تنش‌های ژئوپلیتیکی: رقابت‌های ژئوپلیتیکی مداوم ممکن است همکاری در مسائل کلیدی مانند سیاست‌های تجاری و نگرانی‌های امنیتی را مختل کند.

شمولیت: اطمینان از اینکه اقتصادهای کوچک‌تر یا کمتر توسعه‌یافته به طور مساوی از ابتکارات APEC بهره‌مند شوند همچنان یک چالش باقی مانده است.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

آثار: چین اکنون نقش فعالی در مذاکرات بین‌المللی و ساختارهای اقتصادی جهانی دارد. در سال ۲۰۲۱، چین به‌عنوان بزرگ‌ترین شریک تجاری اتحادیه اروپا شناخته شد.

آثار اجرای سیاست‌های شی جین‌پینگ:

۱. رشد اقتصادی چشمگیر:

مرور کلی رشد اقتصادی چین تحت رهبری شی جین‌پینگ

از زمان به عهده گرفتن رهبری چین توسط شی جین‌پینگ در سال ۲۰۱۲، اقتصاد این کشور دستخوش تغییرات قابل توجهی شده است که با رشد چشمگیر و چالش‌های جدیدی همراه بوده است. این تحلیل به بررسی رشد اقتصادی در بخش‌های مختلف با استفاده از آمار و ارقام به تومان و دلار می‌پردازد.

عملکرد کلی اقتصادی

اقتصاد چین در سال‌های اخیر نشان‌دهنده تاب‌آوری بوده است و پیش‌بینی می‌شود که نرخ رشد تولید ناخالص داخلی (GDP) این کشور برای سال ۲۰۲۴ حدود ۵ درصد باشد، با وجود چالش‌های داخلی و بین‌المللی. تا پایان سال ۲۰۲۴، انتظار می‌رود که GDP کل چین از ۱۳۰ تریلیون یوان فراتر رود که معادل حدود ۱۷,۷ تریلیون دلار است. این افزایش قابل توجه نسبت به سال‌های گذشته، نشان‌دهنده استمرار حرکت اقتصادی کشور است. از زمان آغاز اصلاحات اقتصادی در سال ۱۹۷۹ تا سال ۲۰۱۸، رشد واقعی GDP چین به طور متوسط ۹,۵ درصد در سال بوده است. این روند رشد به چین اجازه داده است که GDP خود را تقریباً هر هشت سال یک بار، دو برابر کند و حدود ۸۰۰ میلیون نفر را از فقر نجات دهد. با این حال، نرخ‌های رشد پس از ۲۰۱۸ کاهش یافته و به ۶,۶ درصد در سال ۲۰۱۸ رسیده است.

رشد اقتصادی در بخش‌های مختلف

بخش تولید

چین همچنان به عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده جهان شناخته می‌شود. بخش تولید یکی از ارکان اصلی رشد اقتصادی بوده و سیاست‌های شی جین‌پینگ بر حمایت از صنایع داخلی تأکید دارد. تولید این بخش در سال

جهت‌گیری‌های آینده: به جلو نگاه کرده، APEC بر اجرای چشم‌انداز پوتراجایا ۲۰۴۰ متمرکز شده است که هدف آن ایجاد یک جامعه آسیا-پاسیفیک باز، پویا، مقاوم و صلح‌آمیز با پیگیری سه محرک کلیدی است: ۱. تجارت و سرمایه‌گذاری. ۲. نوآوری و دیجیتال‌سازی. ۳. رشد قوی، متوازن، امن، پایدار و فراگیر.

همکاری اقتصادی آسیا-پاسیفیک (APEC) نقش حیاتی در شکل‌دهی سیاست‌های اقتصادی و ترویج همکاری میان کشورهای عضو ایفا می‌کند. با ترویج تجارت آزاد، کاهش موانع سرمایه‌گذاری و تسهیل گفت‌وگو میان ذینفعان مختلف، APEC به طور قابل توجهی به ثبات و شکوفایی منطقه‌ای کمک می‌کند. همانطور که این انجمن چالش‌ها را مدیریت کرده و فرصت‌های جدیدی برای همکاری را پذیرفته، APEC همچنان یک فوروم حیاتی برای پرداختن به چشم‌انداز اقتصادی متغیر منطقه آسیا-پاسیفیک باقی خواهد ماند.

برای دسترسی به اطلاعات بیشتر در مورد این شرکت می‌توانید به سایت <https://ustr.gov/issue-areas/trade-organizations/asia-pacific-economic-cooperation-apec> مراجعه نمایید.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

۲۰۲۳ به حدود ۳۱ تریلیون یوان (حدود ۴,۳ تریلیون دلار) رسید. تمرکز دولت بر فناوری‌های پیشرفته تولید، از جمله نیمه‌هادی‌ها و هوش مصنوعی، انتظار می‌رود که به رشد آینده کمک کند.

بخش فناوری

دولت شی بر پیشرفت فناوری به عنوان راهی برای حفظ رشد اقتصادی تأکید کرده است. سرمایه‌گذاری‌ها در بخش‌هایی مانند هوش مصنوعی، داده‌های کلان و بیوتکنولوژی افزایش یافته و گزارش‌ها حاکی از آن است که بودجه دولتی در سال‌های اخیر بیش از ۱ تریلیون یوان (حدود ۱۴۰ میلیارد دلار) بوده است. این تغییر هدف دارد تا چین را از یک اقتصاد مبتنی بر تولید به یک اقتصاد مبتنی بر نوآوری تبدیل کند.

بخش املاک و مستغلات

تاریخاً، املاک و مستغلات یکی از محرک‌های اصلی توسعه اقتصادی در چین بوده است. با این حال، سیاست‌های اخیر برای کاهش خطرات ناشی از سطوح بالای بدهی میان توسعه‌دهندگان املاک منجر به کاهش فعالیت‌ها در این بخش شده است. سیاست "سه خط قرمز"^{۳۶۱} که توسط دولت معرفی شده، منجر به کاهش سرمایه‌گذاری‌های

۳۶۱ - سیاست "سه خط قرمز" (Three Red Lines)

سیاست سه خط قرمز در چین به عنوان یک مجموعه از دستورالعمل‌های مالیاتی برای توسعه‌دهندگان املاک و مستغلات در آگوست ۲۰۲۰ معرفی شد. هدف این سیاست، کنترل و کاهش سطح بدهی‌ها در بخش املاک و مستغلات است که به دلیل افزایش شدید بدهی‌ها و بحران نقدینگی در شرکت‌های بزرگ مانند گروه اورگراند (Evergrande) به وجود آمده بود. این سیاست تلاش می‌کند تا ثبات مالی را در این بخش حفظ کند و از بروز بحران‌های مالی جلوگیری کند.

تاریخچه و زمینه: از سال ۲۰۱۷، دولت چین تحت رهبری شی جین‌پینگ به تدریج اقدام به سخت‌گیری در بازار املاک کرده است. این اقدامات بر اساس اصل "املاک باید برای زندگی باشد، نه برای سفته‌بازی" شکل گرفته است. سیاست "سه خط قرمز" به عنوان یکی از سخت‌ترین تدابیر نظارتی برای کنترل بدهی‌ها در این بخش معرفی شد.

معیارهای سه خط قرمز: سیاست "سه خط قرمز" شامل سه معیار اصلی است که توسعه‌دهندگان باید رعایت کنند:

نسبت بدهی به دارایی: باید کمتر از ۷۰ درصد باشد (با احتساب پیش‌پرداخت‌ها).

نسبت بدهی خالص به سرمایه: باید کمتر از ۱۰۰ درصد باشد.

نسبت نقدینگی به بدهی‌های کوتاه‌مدت: باید حداقل برابر با ۱ باشد.

اگر یک توسعه‌دهنده موفق به رعایت یکی یا چند مورد از این معیارها نشود، محدودیت‌هایی برای افزایش بدهی‌های آن‌ها اعمال خواهد شد.

تأثیرات بر بازار: سیاست "سه خط قرمز" تأثیرات قابل توجهی بر بازار املاک و مستغلات چین داشته است:

کاهش بدهی‌ها: با اجرای این سیاست، بسیاری از توسعه‌دهندگان مجبور به کاهش بدهی‌های خود شدند. بر اساس گزارش‌ها، در سال ۲۰۲۰،

نسبت بدهی به دارایی شرکت‌های املاک در بازار حدود ۷۵ درصد بود که فراتر از معیارهای تعیین شده بود.

افزایش نرخ نکول: با سخت‌تر شدن شرایط مالی، تعداد نکول‌های اوراق قرضه املاک نیز افزایش یافته است. به عنوان مثال، سهم اوراق قرضه نکول شده در سال ۲۰۲۱ به رکورد ۴۶,۸ میلیارد یوان (حدود ۷ میلیارد دلار) رسید.

تضعیف اعتماد سرمایه‌گذاران: بسیاری از سرمایه‌گذاران تمایل کمتری به خرید سهام شرکت‌های املاکی که نتوانسته‌اند معیارهای سه خط قرمز را رعایت کنند، نشان دادند. این موضوع باعث کاهش شدید دسترسی به تأمین مالی برای این شرکت‌ها شد.

هدف اصلی سیاست "سه خط قرمز" شامل موارد زیر است:

کنترل قیمت مسکن: دولت چین نگران افزایش شدید قیمت مسکن است که بسیاری از مردم را از خرید خانه محروم کرده است.

مدیریت بازار زمین: قیمت‌های بالای زمین باعث افزایش قیمت مسکن می‌شود و توسعه‌دهندگان با خرید زمین‌های بیشتر قیمت‌ها را بالا می‌برند.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

مسکونی شده و بر بخش‌های مرتبط مانند ساخت‌وساز و خرده‌فروشی تأثیر گذاشته است. با وجود این چالش‌ها، املاک و مستغلات هنوز حدود ۲۹ تریلیون یوان (تقریباً ۴ تریلیون دلار) از GDP را تشکیل می‌دهد.

تجارت و صادرات

چین همچنان یکی از پیشگامان جهانی در تجارت کالا محسوب می‌شود. در سال ۲۰۲۳، مجموع صادرات حدود ۲۰ تریلیون یوان (حدود ۲,۸ تریلیون دلار) بود، در حالی که واردات نزدیک به ۱۷ تریلیون یوان (حدود ۲,۴ تریلیون دلار) تخمین زده می‌شود. مازاد تجاری نشان‌دهنده مزیت رقابتی چین در بازارهای جهانی است، اگرچه تنش‌های ژئوپولیتیکی عدم قطعیت‌هایی را در روابط تجاری ایجاد کرده‌اند.

چالش‌های پیش رو

با وجود این دستاوردها، سیاست‌های شی جین‌پینگ با انتقادات زیادی روبرو شده‌اند که بر اولویت دادن به کنترل دولتی بر دینامیک‌های بازار تأکید دارند و ممکن است نوآوری و رشد بخش خصوصی را محدود کنند. اعتماد عمومی با نگرانی‌هایی درباره نرخ بالای بیکاری و مشکلات بازار مسکن کاهش یافته است. مداخله فزاینده حزب کمونیست چین (CCP) در اقتصاد سؤالاتی را درباره پایداری رشد آینده مطرح می‌کند.

۲. نفوذ سیاسی و اقتصادی جهانی:

تأثیر سیاسی و اقتصادی جهانی چین تحت رهبری شی جین‌پینگ

از زمان به عهده گرفتن رهبری چین توسط شی جین‌پینگ در سال ۲۰۱۲، تأثیر سیاسی و اقتصادی این کشور در سطح جهانی به طور قابل توجهی افزایش یافته است. این تأثیر با رویکردی چندوجهی شامل ابتکارات اقتصادی، استراتژی‌های دیپلماتیک و تلاش‌ها برای بازتعریف هنجارها و نهادهای بین‌المللی مشخص می‌شود. این تحلیل به بررسی جنبه‌های مختلف تأثیر جهانی چین تحت رهبری شی جین‌پینگ می‌پردازد.

تأثیر اقتصادی

ابتکار کمربند و جاده (BRI) که در پیش از این به شرح و بسط داده شده است.

روابط تجاری

تخصیص اعتبار: محدود کردن اعتبار به بخش املاک بخشی از استراتژی دولت برای هدایت اعتبار به بخش‌های تولیدی‌تر اقتصاد است. **چالش‌ها و آینده:** با وجود تلاش‌های دولت برای کنترل بحران مالی در بخش املاک، برخی تحلیلگران بر این باورند که سیاست "سه خط قرمز" نتوانسته است مشکلات بنیادی این بخش را حل کند. کاهش اعتماد عمومی و افزایش نرخ بیکاری نیز می‌تواند بر بازار تأثیر منفی بگذارد. در اواخر سال ۲۰۲۳، دولت چین شروع به نرم کردن رویکرد خود نسبت به سیاست "سه خط قرمز" کرد تا اعتماد بازار را افزایش دهد. سیاست "سه خط قرمز" نمایانگر تلاش دولت چین برای کنترل بحران مالی در بخش املاک و مستغلات است. با وجود برخی موفقیت‌ها در کاهش بدهی‌ها، چالش‌های اساسی همچنان باقی مانده‌اند و چشم‌انداز آینده این بخش هنوز هم مبهم است. برای دسترسی به اطلاعات بیشتر در مورد این شرکت می‌توانید به سایت <https://thechinaproject.com/2022/06/13/chinas-three-red-lines-policy-to-safeguard-the-property-sector-isnt-working-yet/> مراجعه نمایید.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

چین به یکی از شرکای تجاری کلیدی برای بسیاری از کشورها در سراسر جهان تبدیل شده است. در سال ۲۰۲۳، حجم کل تجارت چین به حدود ۴۰ تریلیون یوان (تقریباً ۵,۶ تریلیون دلار) رسید که موقعیت آن را به عنوان بزرگ‌ترین صادرکننده جهان تقویت کرد.

شراکت‌های کلیدی: چین روابط تجاری قابل توجهی با کشورهای در حال توسعه در آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین برقرار کرده است. به عنوان مثال، تجارت بین چین و آفریقا تنها در سال ۲۰۲۲ حدود ۲۰ درصد افزایش یافت.

تأثیر سیاسی

تعاملات دیپلماتیک

دولت شی جین‌پینگ به طور فعال در تلاش است تا حضور دیپلماتیک چین را در سطح جهانی تقویت کند، که این موضوع با افزایش قابل توجه سفرهای مقامات خارجی به پکن مشهود است. در ماه‌های اخیر، رهبران کشورهای مختلفی از جمله سری‌لانکا و ویتنام با شی جین‌پینگ مذاکرات سطح بالا انجام داده‌اند که بر تقویت روابط دوجانبه و همکاری متمرکز شده است. به عنوان مثال، در جریان یک تماس تلفنی با تو لام، دبیرکل حزب کمونیست ویتنام، شی بر اهمیت تقویت روابط تأکید کرد و به مناسبت جشن ۷۵ سالگی روابط دیپلماتیک دو کشور اشاره کرد. علاوه بر این، دولت شی به طور فعال در فروم‌های چندجانبه‌ای مانند سازمان همکاری شانگهای و فروم همکاری چین-آفریقا شرکت کرده است، جایی که چین مشارکت‌های قابل توجهی در بحث‌های مربوط به حکمرانی جهانی و ثبات منطقه‌ای داشته است.

این افزایش فعالیت‌های دیپلماتیک نشان‌دهنده تلاشی استراتژیک از سوی چین برای تحکیم نفوذ خود و ایجاد شراکت‌ها در مناطق مختلف است. تأکید بر دیپلماسی سطح سران نشان‌دهنده تعهد به ساخت روابط قوی است که می‌تواند به تقویت روابط اقتصادی و همکاری‌های سیاسی منجر شود. به عنوان مثال، در مذاکرات با رئیس‌جمهور سری‌لانکا، آنورا کومارا دیسانایاکه، شی حمایت چین از ابتکارات توسعه‌ای سری‌لانکا را دوباره تأکید کرد و تمایل چین به سرمایه‌گذاری در پروژه‌های زیرساختی که با ابتکار کمربند و جاده همسو هستند را نشان داد. این تعاملات دیپلماتیک نه تنها علاقه فزاینده به تقویت روابط با چین را نشان می‌دهد بلکه همچنین استراتژی گسترده‌تر شی برای قرار دادن چین به عنوان یک بازیگر کلیدی در امور بین‌الملل را در شرایط افزایش تنش‌های ژئوپولیتیکی منعکس می‌کند.^{۳۶۲}

فروم‌های جهانی:

چین میزبان چندین فروم بین‌المللی بوده است که هدف آن‌ها ترویج دیدگاه چین برای حکمرانی جهانی است. به عنوان مثال، سازمان همکاری شانگهای (SCO) و گروه BRICS تحت رهبری شی گسترش یافته‌اند و پلتفرم‌هایی برای تقویت نفوذ ژئوپولیتیکی چین فراهم کرده‌اند.

^{۳۶۲}<https://foreignpolicy.com/۰۲/۰۱/۲۰۲۰/xi-jinping-china-trump-tariffs-economic-crisis/>

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

در دوران رهبری شی جین‌پینگ، چین به طور قابل توجهی تعاملات دیپلماتیک خود را از طریق فروم‌های بین‌المللی که هدف آن‌ها ترویج دیدگاه چین درباره حکمرانی جهانی است، گسترش داده است. به‌ویژه، سازمان همکاری شانگهای (SCO) و گروه بریکس تحت رهبری شی به رشد خود ادامه داده و پلتفرم‌هایی برای تقویت نفوذ ژئوپولیتیکی چین فراهم کرده‌اند. سازمان همکاری شانگهای که شامل کشورهای آسیای مرکزی، آسیای جنوبی و فراتر از آن است، بر همکاری‌های امنیتی و اقتصادی تمرکز دارد. در سال‌های اخیر، چین از این پلتفرم برای تقویت روابط با کشورهای عضو و ترویج ابتکارانی که با طرح کمربند و جاده (BRI) همسو هستند، بهره‌برداری کرده است. به‌طور مشابه، گروه بریکس که شامل برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی می‌باشد، به یک تعادل در برابر نهادهای تحت سلطه غرب تبدیل شده است. مشارکت فعال چین در این فروم‌ها نشان‌دهنده تعهد آن به بازتعریف ساختارهای حکمرانی جهانی به گونه‌ای است که منافع و ارزش‌های این کشور را منعکس کند.

تأثیر این فروم‌ها فراتر از تعاملات دیپلماتیک صرف است؛ آن‌ها به عنوان وسایلی برای چین عمل می‌کنند تا رهبری خود را در مسائل کلیدی جهانی تحکیم بخشد. به عنوان مثال، در اجلاس بریکس در سال ۲۰۲۳، شی جین‌پینگ پیشنهاد گسترش این گروه به منظور شامل کردن اعضای جدید را مطرح کرد و^{۳۶۳} بر لزوم ایجاد یک جهان چندقطبی که سلطه غرب را کاهش دهد، تأکید کرد. این رویکرد با استراتژی کلی چین برای ترویج "جامعه‌ای با سرنوشت مشترک" همسو است که همکاری اقتصادی و توسعه متقابل میان ملت‌ها را ترویج می‌کند. علاوه بر این، مشارکت چین در این پلتفرم‌های بین‌المللی به آن اجازه داده تا خواستار اصلاحات در حکمرانی جهانی شود که عدالت و انصاف را در اولویت قرار می‌دهد و نُرُم‌های موجود تعیین‌شده توسط قدرت‌های غربی را به چالش بکشد. در نتیجه، این فروم‌ها نه تنها حضور دیپلماتیک چین را تقویت می‌کنند بلکه همچنین به تحقق آرمان‌های آن برای بازتعریف قواعد تعاملات بین‌المللی در راستای یک نظم جهانی عادلانه‌تر کمک می‌کنند.

ترویج ایدئولوژیک

۳۶۳ - در آغاز سال ۲۰۲۵، گروه بریکس به ده عضو کامل شامل برزیل، روسیه، هند، چین، آفریقای جنوبی، مصر، اتیوپی، اندونزی، ایران و امارات متحده عربی گسترش یافته است. این گسترش نشان‌دهنده تلاش استراتژیک برای تقویت همکاری میان اقتصادهای نوظهور و افزایش نفوذ جمعی آن‌ها در سطح جهانی است. به‌ویژه، اندونزی به‌طور رسمی در تاریخ ۶ ژانویه ۲۰۲۵ به عنوان یک عضو کامل به این گروه پیوست و پیش از آن به عنوان یک کشور شریک شناخته شده بود. شامل کردن این کشورها تأکید بر تعهد بریکس به ترویج همکاری‌های اقتصادی و حمایت از یک جهان چندقطبی دارد.

علاوه بر اعضای کامل، بریکس در تاریخ ۱ ژانویه ۲۰۲۵ نه کشور شریک جدید را نیز پذیرفته است. این کشورها شامل بلاروس، بولیوی، کوبا، قزاقستان، مالزی، تایلند، اوگاندا و ازبکستان هستند. وضعیت شراکت به این کشورها اجازه می‌دهد تا با بریکس تعامل داشته باشند و در عین حال به سمت عضویت کامل در آینده حرکت کنند. این گسترش نشان‌دهنده جذابیت فزاینده بریکس و نقش آن به عنوان یک پلتفرم برای کشورهای است که به دنبال گزینه‌هایی جایگزین برای نهادهای تحت سلطه غرب هستند. با این تحولات، بریکس اکنون حدود نیمی از جمعیت جهان و بیش از ۴۱ درصد از تولید ناخالص داخلی جهانی (بر اساس برابری قدرت خرید) را نمایندگی می‌کند و خود را به عنوان یک نیروی مهم در امور اقتصادی و سیاسی بین‌المللی معرفی کرده است.

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

دیدگاه شی جین‌پینگ برای ایجاد یک نظم جهانی چندقطبی چالش‌های قابل توجهی را برای سلطه سنتی قدرت‌های غربی، به ویژه ایالات متحده، به همراه دارد. او از یک سیستم جدید حکمرانی جهانی حمایت می‌کند که به منافع کشورهای در حال توسعه اولویت می‌دهد و اصولی همچون برابری حاکمیتی و احترام متقابل را تأکید می‌کند. در یک کنفرانس اخیر در پکن، شی بار دیگر بر لزوم وجود یک جهان چندقطبی "برابر و منظم" تأکید کرد که در آن هر کشور بتواند جایگاه خود را پیدا کند و بر اساس قوانین بین‌المللی نقش سازنده‌ای ایفا کند. این رویکرد در پنج اصل همزیستی مسالمت‌آمیز چین تجلی یافته است که مفهوم سلطه قدرت‌های قوی بر کشورهای ضعیف را رد می‌کند. با قرار دادن چین به عنوان یک رهبر در این نظم جدید، شی هدف دارد تا ساختارهای حکمرانی جهانی را که به طور تاریخی به نفع کشورهای غربی بوده‌اند، بازسازی کند و سیستمی را ترویج دهد که آرزوها و حقوق کشورهای در حال توسعه را منعکس کند.

پیامدهای دیدگاه شی عمیق و گسترده است، زیرا او به دنبال چالش‌کشی به هنجارهای موجود بین‌المللی و ایجاد یک چشم‌انداز جهانی متعادل‌تر است. به عنوان مثال، از طریق پلتفرم‌هایی مانند سازمان همکاری شانگهای (SCO) و بریکس، چین به طور فعال همکاری میان اقتصادهای نوظهور را تقویت کرده و آن‌ها را تشویق می‌کند تا منافع خود را در سطح جهانی مطرح کنند. تأکید شی بر عدم مداخله و احترام به حاکمیت با بسیاری از کشورهای در حال توسعه که احساس می‌کنند تحت سیاست‌های غربی نادیده گرفته شده‌اند، همخوانی دارد. علاوه بر این، درخواست او برای اصلاحات در حکمرانی جهانی هدفش از بین بردن آنچه که او به عنوان وضعیت ناعادلانه‌ای که توسط قدرت‌های غربی حفظ می‌شود، می‌بیند، است.

ابتکارات جهانی:

در سال‌های اخیر، شی جین‌پینگ چندین ابتکار را معرفی کرده است که هدف آن‌ها قرار دادن چین به عنوان یک رهبر در حل چالش‌های جهانی و ترویج ارزش‌های سیاسی این کشور است. یکی از مهم‌ترین این ابتکارات، **ابتکار توسعه جهانی (GDI)** است که در جریان هفتاد و ششمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۲۰۲۱ پیشنهاد شد. این ابتکار بر اولویت‌بندی توسعه به عنوان راهی برای کاهش فاصله بین شمال و جنوب جهانی تأکید دارد و از تلاش‌های مشترک برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار ۲۰۳۰ سازمان ملل حمایت می‌کند. این ابتکار حمایت بیش از ۱۰۰ کشور و سازمان‌های بین‌المللی مختلف را جلب کرده و نشان‌دهنده تعهد چین به ترویج یک چشم‌انداز توسعه عادلانه‌تر در سطح جهانی است. با ارائه کمک‌های توسعه‌ای به بیش از ۱۶۰ کشور، چین هدف دارد نفوذ خود را افزایش دهد و نقش خود را به عنوان یک بازیگر مسئول جهانی که بر رشد مشترک و منافع متقابل تمرکز دارد، نشان دهد.

دیگر ابتکار کلیدی، **ابتکار تمدن جهانی (GCI)** است که در مارس ۲۰۲۳ توسط شی معرفی شد. این ابتکار به ترویج گفت‌وگو و فراگیری میان تمدن‌ها می‌پردازد و به روایت‌های غربی که بر برتری فرهنگی و تضاد تأکید می‌کنند، پاسخ می‌دهد. شی بر لزوم شناخت ارزش مسیرهای متنوع مدرنیزاسیون تأکید کرده و ادعا می‌کند که همه تمدن‌ها به طور منحصر به فردی به پیشرفت بشری کمک می‌کنند. GCI با استراتژی کلی چین برای حمایت

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

از یک نظم جهانی چندقطبی که به حاکمیت و هویت‌های فرهنگی ملت‌ها احترام می‌گذارد، همسو است. با حمایت از این ابتکارات، چین نه تنها هدف دارد تا حکمرانی جهانی را بازتعریف کند بلکه همچنین خود را به عنوان حامی منافع کشورهای در حال توسعه معرفی کرده و نفوذ ژئوپولیتیکی خود را تقویت کند و دیدگاه خود از یک جامعه بین‌المللی هماهنگ را ترویج نماید.

تأثیر نظامی

چین در سال‌های اخیر به طور قابل توجهی بر روی مدرن‌سازی نظامی خود سرمایه‌گذاری کرده است و این موضوع نقش مهمی در افزایش نفوذ جهانی این کشور ایفا می‌کند. طی یک دهه گذشته، هزینه‌های دفاعی چین به طور مداوم افزایش یافته و به حدود ۷,۲ درصد در سال ۲۰۲۴ رسیده است، که این سومین سال متوالی رشد بیش از ۷ درصد است. این افزایش هزینه‌ها به چین اجازه داده تا به بزرگ‌ترین سازنده کشتی‌های جنگی در جهان تبدیل شود و نیروی دریایی آن اکنون بزرگ‌ترین نیروی دریایی جهانی است. به عنوان مثال، چین در حال ساخت دومین ناو هواپیمابر خود و همچنین توسعه سامانه‌های موشکی پیشرفته است که توانایی‌های آن را در زمینه جنگ‌های دریایی و هوایی به طرز چشمگیری افزایش می‌دهد. این پیشرفت‌ها نه تنها توان نظامی چین را تقویت کرده بلکه به آن امکان را داده تا به عنوان یک قدرت نظامی هم‌تراز با ایالات متحده شناخته شود.

علاوه بر این، چین با اتخاذ یک استراتژی صادرات تسلیحات فعال، به دنبال گسترش نفوذ نظامی خود در سطح جهانی است. این کشور تمایل دارد تا فناوری‌های پیشرفته‌ای را که کشورهای دیگر نمی‌توانند یا نمی‌خواهند بفروشند، به بازارهای جدید ارائه دهد. برای نمونه، چین در بازار پهپادهای مسلح که به سرعت در حال گسترش است، توانسته است با ارائه تسلیحات با قابلیت‌های بالا و قیمت پایین‌تر نسبت به رقبای غربی، مشتریان زیادی جذب کند. همچنین، چین سعی دارد سلاح‌هایی را طراحی کند که متناسب با نیازهای خاص بازارهای مختلف باشد، مانند تانک‌های سبک برای کشورهای آفریقایی که زیرساخت‌های آن‌ها قادر به تحمل مدل‌های سنگین‌تر نیستند. این تحولات نشان‌دهنده تلاش چین برای تبدیل شدن به یک بازیگر کلیدی در عرصه نظامی جهانی و افزایش نفوذ خود در سیاست‌های بین‌المللی است.

بودجه دفاعی:

در سال ۲۰۲۳، بودجه دفاعی چین به حدود ۱,۵ تریلیون یوان (حدود ۲۱۰ میلیارد دلار) رسید که این کشور را پس از ایالات متحده به عنوان دومین هزینه‌کننده نظامی بزرگ جهان قرار می‌دهد. این سرمایه‌گذاری‌ها از آرزوهای چین برای نمایش قدرت خود فراتر از مرزها حمایت می‌کند.

در سال ۲۰۲۳، بودجه دفاعی چین به حدود ۱,۵ تریلیون یوان (تقریباً ۲۱۰ میلیارد دلار) رسید که این کشور را به عنوان دومین هزینه‌کننده بزرگ نظامی در جهان پس از ایالات متحده معرفی کرد. این سرمایه‌گذاری قابل توجه نشان‌دهنده آرزوهای چین برای گسترش قدرت خود فراتر از مرزها و تقویت قابلیت‌های نظامی‌اش است. افزایش بودجه به تلاش‌های مدرن‌سازی مختلفی از جمله توسعه فناوری‌های نظامی پیشرفته مانند جنگنده‌های پنهان‌کار، ناوهای هواپیمابر و گسترش زرادخانه هسته‌ای کمک می‌کند. به عنوان مثال، چین در قدرت دریایی

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

پیشرفت‌های قابل توجهی داشته و برنامه‌هایی برای ساخت ناوهای هواپیمابر بیشتر و تقویت ناوگان زیردریایی خود دارد که به افزایش دامنه عملیاتی‌اش در مناطق بحرانی مانند دریای چین جنوبی کمک می‌کند. این تحولات نه تنها وضعیت دفاعی چین را تقویت می‌کند بلکه به عنوان ابزاری برای تأکید بر نفوذ آن در منازعات منطقه‌ای و چالش‌کشی به حضور نظامی ایالات متحده و متحدانش عمل می‌کند.

نگاهی به سال ۲۰۲۴ نشان می‌دهد که چین افزایش ۷,۲ درصدی در بودجه دفاعی خود اعلام کرده و آن را به نزدیک ۱,۶۷ تریلیون یوان (تقریباً ۲۳۶ میلیارد دلار) در جلسه سالانه کنگره ملی مردم چین رسانده است. این رشد مداوم در هزینه‌های دفاعی نشان‌دهنده تعهد چین به مدرن‌سازی ارتش و تقویت قابلیت‌های استراتژیک خود در میان تنش‌های فزاینده منطقه‌ای با کشورهایی نظیر تایوان، ژاپن و دیگر کشورهایی است که ادعاهای رقیب در دریای چین جنوبی دارند. تحلیلگران تخمین می‌زنند که با احتساب هزینه‌های خارج از بودجه، کل هزینه‌های دفاعی چین ممکن است به ۴۷۱ میلیارد دلار برسد که دیدگاه جامع‌تری از سرمایه‌گذاری‌های نظامی این کشور نسبت به ارقام رسمی ارائه می‌دهد. این سرمایه‌گذاری مداوم تأکید بر عزم چین برای تقویت قابلیت‌های نظامی خود و همچنین تأسیس خود به عنوان یک نیروی غالب در امور جهانی را نشان می‌دهد که قادر است دینامیک‌های امنیت بین‌المللی را تحت تأثیر قرار دهد و منافع خود را در صحنه جهانی مطرح کند.^{۳۴}

چالش‌ها و واکنش‌ها

با وجود این پیشرفت‌ها، نفوذ رو به رشد چین تحت رهبری شی جین‌پینگ بدون چالش نبوده است. سیاست خارجی قاطعانه این کشور واکنش‌هایی از سوی کشورهای غربی، به ویژه ایالات متحده را برانگیخته است. تنش‌های ژئوپولیتیکی: روابط با ایالات متحده طی دوره ریاست جمهوری شی به طور قابل توجهی بدتر شده است که مشخصه آن جنگ‌های تجاری و رویارویی‌های نظامی در مناطقی مانند دریای جنوبی چین بوده است. ایالات متحده نیز با تقویت اتحادهای خود با کشورهای دیگر تلاش کرده تا نفوذ چین را محدود کند.

نتیجه‌گیری

سیاست‌های شی جین‌پینگ تأثیرات قابل توجهی بر چشم‌انداز سیاسی و اقتصادی جهانی چین داشته‌اند. از طریق ابتکار کمربند و جاده و مشارکت فعال در فروم‌های بین‌المللی، چین نفوذ خود را در مناطق مختلف تقویت کرده است. با این حال، این رشد با مقاومت از سوی قدرت‌های مستقر مانند ایالات متحده مواجه شده که منجر به ایجاد یک محیط ژئوپولیتیکی پیچیده‌تر شده است. با ادامه تلاش‌های چین برای تقویت حضور خود در صحنه جهانی، آینده نفوذ آن بستگی به توانایی آن در مدیریت این چالش‌ها و حفظ مسیر رشد اقتصادی خواهد داشت.

۳۴ - برای مشاهده بودجه نظامی کشورهای مختلف در سطح جهانی، وبسایت SIPRI Military Expenditure Database منبع معتبری است. این پایگاه داده که توسط موسسه تحقیقات صلح استکهلم (SIPRI) مدیریت می‌شود، اطلاعات دقیقی درباره هزینه‌های نظامی کشورها از سال ۱۹۴۹ تا ۲۰۲۳ را ارائه می‌دهد و به کاربران این امکان را می‌دهد که مقایسه‌هایی بین هزینه‌های نظامی کشورهای مختلف انجام دهند. SIPRI به عنوان یکی از منابع معتبر در زمینه هزینه‌های نظامی شناخته می‌شود و داده‌های آن به طور سالانه به‌روزرسانی می‌شود. برای دسترسی به این اطلاعات می‌توانید به آدرس <https://milex.sipri.org/> مراجعه کنید.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

۳. تقویت زیرساخت‌ها:

از زمان به عهده گرفتن رهبری چین توسط شی جین‌پینگ در سال ۲۰۱۲، تقویت زیرساخت‌ها به عنوان یکی از اولویت‌های اصلی سیاست‌های اقتصادی این کشور قرار گرفته است. این تقویت شامل سرمایه‌گذاری‌های کلان در بخش‌های مختلف مانند حمل و نقل، انرژی، و فناوری اطلاعات است. در این تحلیل به بررسی این تقویت زیرساخت‌ها و هزینه‌های مربوط به آن می‌پردازیم.

سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها

شی جین‌پینگ در سال‌های اخیر بر اهمیت زیرساخت به عنوان یک محرک کلیدی برای رشد اقتصادی تأکید کرده و سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی را برای دستیابی به این هدف انجام داده است. برآوردها نشان می‌دهند که چین بین سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۳ بیش از ۳۰ تریلیون یوان (حدود ۴,۲ تریلیون دلار) در پروژه‌های زیرساختی سرمایه‌گذاری کرده است. این سرمایه‌گذاری‌ها شامل ساخت و توسعه جاده‌ها، پل‌ها، راه‌آهن‌ها و پروژه‌های انرژی است که به تقویت ارتباطات داخلی و بین‌المللی چین کمک می‌کند. به عنوان مثال، پروژه کریدور اقتصادی چین-پاکستان (CPEC) که با هزینه‌ای بالغ بر ۶۲ میلیارد دلار راه‌اندازی شده، به عنوان یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌های زیرساختی در چارچوب ابتکار کمربند و جاده (BRI) شناخته می‌شود. این کریدور به اتصال بندر گوادر در پاکستان به منطقه سین‌کیانگ چین کمک کرده و نقش مهمی در توسعه اقتصادی هر دو کشور ایفا می‌کند.

این سرمایه‌گذاری‌ها نه تنها به رشد اقتصادی چین کمک می‌کند بلکه همچنین نفوذ این کشور را در سطح جهانی افزایش می‌دهد. با توجه به ابتکار کمربند و جاده، چین در تلاش است تا شبکه‌ای از زیرساخت‌ها را در کشورهای مختلف ایجاد کند که شامل ساخت راه‌آهن‌های سریع‌السیر، بنادر و فرودگاه‌ها است. برای مثال، راه‌آهن سریع‌السیر بین جاکارتا و باندونگ در اندونزی که با سرمایه‌گذاری چینی ساخته شده، اولین قطار سریع‌السیر در جنوب شرق آسیا است که زمان سفر را از سه ساعت و نیم به تنها ۴۵ دقیقه کاهش می‌دهد. این پروژه‌ها نشان‌دهنده تعهد چین به ایجاد یک زیرساخت جهانی متصل و افزایش همکاری‌های اقتصادی با کشورهای شریک است، که در نهایت منجر به تقویت موقعیت چین به عنوان یک قدرت جهانی خواهد شد.

بخش‌های مختلف زیرساختی

حمل و نقل

چین به عنوان یکی از پیشگامان جهانی در توسعه شبکه حمل و نقل، پروژه‌های بزرگی را در این زمینه اجرا کرده است.

شبکه راه‌آهن سریع‌السیر: چین بزرگ‌ترین شبکه راه‌آهن سریع‌السیر جهان را با هزینه‌ای بالغ بر ۴ تریلیون یوان (حدود ۵۶۰ میلیارد دلار) ایجاد کرده است. این شبکه به طول بیش از ۴۰,۰۰۰ کیلومتر، امکان سفر سریع و راحت را برای میلیون‌ها مسافر فراهم کرده است.

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

جاده‌ها و بزرگراه‌ها: توسعه جاده‌ها نیز یکی دیگر از اولویت‌های چین بوده است. هزینه ساخت بزرگراه‌ها و جاده‌ها به حدود ۱۰ تریلیون یوان (تقریباً ۱,۴ تریلیون دلار) می‌رسد که به تسهیل حمل و نقل کالاها و مسافران کمک کرده است.

انرژی

توسعه زیرساخت‌های انرژی نیز از دیگر حوزه‌های مهم سرمایه‌گذاری بوده است. پروژه‌های انرژی تجدیدپذیر: چین بزرگ‌ترین تولیدکننده انرژی خورشیدی و بادی در جهان است. سرمایه‌گذاری در این بخش به بیش از ۳ تریلیون یوان (حدود ۴۲۰ میلیارد دلار) رسیده است. این کشور همچنین پروژه‌هایی مانند سد سه‌دره را با هزینه‌ای بالغ بر ۲۰۰ میلیارد دلار اجرا کرده که یکی از بزرگ‌ترین سدهای جهان محسوب می‌شود.

خطوط انتقال برق: توسعه خطوط انتقال برق نیز به عنوان یک اولویت مطرح شده است. هزینه ساخت این خطوط به حدود ۱ تریلیون یوان (تقریباً ۱۴۰ میلیارد دلار) می‌رسد.

فناوری اطلاعات

چین همچنین بر روی توسعه زیرساخت‌های دیجیتال تمرکز کرده است. شبکه G۵: سرمایه‌گذاری در شبکه G۵ به حدود ۱,۵ تریلیون یوان (تقریباً ۲۱۰ میلیارد دلار) رسیده است. این شبکه به عنوان یکی از پیشرفته‌ترین سیستم‌های ارتباطی جهان شناخته می‌شود و تأثیر زیادی بر رشد اقتصادی و اجتماعی کشور دارد.

ابتکار کمربند و جاده (BRI)

یکی از مهم‌ترین پروژه‌های زیرساختی تحت رهبری شی جین‌پینگ، ابتکار کمربند و جاده (BRI) است که در سال ۲۰۱۳ معرفی شد. این طرح شامل سرمایه‌گذاری در بیش از ۱۴۰ کشور با هدف ایجاد ارتباطات تجاری و اقتصادی بین قاره‌ای است.

هزینه‌های BRI: تخمین زده می‌شود که هزینه کلی پروژه‌های مرتبط با BRI بین ۴ تا ۸ تریلیون دلار باشد که شامل ساخت راه‌آهن، بنادر، و دیگر زیرساخت‌ها می‌شود. که در قسمت های قبل به شرح و تفصیل آن پرداختیم.

ویژگی‌های مشترک ایدئولوژی رسمی چین

پی از بررسی نظریات رهبران چین از مائو تا شی جین‌پینگ می‌توان برای ایدئولوژی رسمی چین، ویژگی‌های مشترک را در سه سرفصل ذیل عنوان کنیم که به شرح و بررسی آنها می‌پردازیم.

- انعطاف‌پذیری ایدئولوژیک: توانایی تطبیق با شرایط داخلی و بین‌المللی.
- کنترل متمرکز قدرت: حفظ حاکمیت حزب کمونیست به عنوان پایه اصلی.

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

- اولویت توسعه اقتصادی: استفاده از ابزارهای مختلف برای دستیابی به رشد پایدار.

انعطاف‌پذیری ایدئولوژیک

ویژگی انعطاف‌پذیری ایدئولوژیک در چین به معنای توانایی تغییر و تطبیق ایدئولوژی‌های رسمی با شرایط داخلی و بین‌المللی است. این ویژگی از مهم‌ترین مولفه‌های ایدئولوژی کمونیستی چین است که به‌ویژه از زمان اصلاحات اقتصادی دوران دنگ شائوپینگ (دهه ۱۹۸۰) به وضوح دیده شده است. در این راستا، حزب کمونیست چین (CPC) توانسته است خود را با تحولات جهانی و نیازهای داخلی کشور تطبیق دهد، بدون اینکه اصول کلیدی مارکسیسم-لنینیسم و تفکرات مائو را به‌طور کامل کنار بگذارد.

تطبیق ایدئولوژی با شرایط داخلی:

۱. اصلاحات اقتصادی دنگ شائوپینگ (دهه ۱۹۸۰):

در ابتدا، چین یک اقتصاد کاملاً برنامه‌ریزی‌شده داشت که در آن دولت کنترل کامل بر تمامی فعالیت‌های اقتصادی داشت. اما در دوره دنگ شائوپینگ، به‌ویژه پس از "اصلاحات و درهای باز"، این ایدئولوژی تغییر کرد و پذیرش برخی از اصول بازار آزاد در کنار سوسیالیسم از طریق "سوسیالیسم با ویژگی‌های چینی" مورد توجه قرار گرفت. این تغییرات باعث رشد سریع اقتصادی در چین شد.

۲. توسعه فناوری و پذیرش نوآوری:

در حالی که چین به‌طور سنتی پیرو مفاهیم سوسیالیستی و دولتی در عرصه اقتصادی بود، این کشور از دهه ۱۹۹۰ به بعد، با پذیرش تکنولوژی و سرمایه‌گذاری در بخش‌های نوین مانند هوش مصنوعی و ۵G، وارد دوران جدیدی از رقابت جهانی شد.

تحول چشمگیری در چشم‌انداز اقتصادی چین از دهه ۱۹۹۰ به وقوع پیوسته است که این کشور از یک مدل اقتصادی سوسیالیستی و دولتی به یک رویکرد بیشتر مبتنی بر بازار و تأکید بر پیشرفت‌های فناوری و رقابت جهانی روی آورده است. پس از اصلاحات اقتصادی که توسط دنگ شائوپینگ در اواخر دهه ۱۹۷۰ آغاز شد، چین شروع به ادغام مکانیزم‌های بازار در اقتصاد خود کرد که منجر به نرخ رشد قابل توجه و افزایش سرمایه‌گذاری خارجی شد که پیش از این با ذکر جزئیات به آن پرداختیم. تصمیم‌گیری در سال ۱۹۹۳ درباره مسائل مربوط به ایجاد سیستم اقتصاد بازار سوسیالیستی، تغییر اساسی را رقم زد و به شرکت‌ها اجازه داد تا خودمختاری بیشتری داشته باشند و مالکیت خصوصی را معرفی کرد که موجب نوآوری و کارایی در بخش‌های مختلف شد. این تغییرات زمینه‌ساز پذیرش فناوری‌های نوین، به‌ویژه در زمینه فناوری اطلاعات و ارتباطات، گردید.

در سال‌های اخیر، تمرکز چین بر روی بخش‌های نوظهور مانند هوش مصنوعی (AI) و فناوری G5 به عنوان بخشی از استراتژی کلی این کشور برای رقابت جهانی شدت یافته است. دولت چین ابتکاراتی مانند "ساخت چین ۲۰۲۵" را اجرا کرده است که هدف آن افزایش نوآوری داخلی و کاهش وابستگی به فناوری‌های خارجی است. این

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

تأکید استراتژیک بر تولید پیشرفته و اقتصاد دیجیتال، چین را به عنوان یک رهبر در نوآوری‌های فناوری جهانی معرفی کرده است. به عنوان مثال، شرکت‌های چینی مانند هواوی به بازیگران کلیدی در راهاندازی جهانی ۵G تبدیل شده‌اند و توانایی‌های چین را در صنایع با تکنولوژی بالا نشان می‌دهند. در نتیجه، چین نه تنها در این عرصه شرکت می‌کند بلکه به طور فعال آینده پیشرفت‌های فناوری را در سطح جهانی شکل می‌دهد که نشان‌دهنده تحول آن به یک قدرت اقتصادی بزرگ و قادر به رقابت با سایر اقتصادها است.

تطبیق با شرایط بین‌المللی:

۱. سیاست خارجی فعال و گسترش نفوذ جهانی:

چین با تغییرات ایدئولوژیک خود توانسته است نفوذ جهانی خود را گسترش دهد. به‌ویژه در دوران شی جین‌پینگ، چین علاوه بر تقویت قدرت اقتصادی، تلاش کرده تا با استفاده از پروژه کمربند و جاده (BRI)، روابط سیاسی و اقتصادی خود را با کشورهای مختلف تقویت کند.

۲. تقویت ایدئولوژی در مواجهه با تغییرات جهانی:

چین توانسته است از آموزه‌های سوسیالیستی خود بهره‌برداری کند و در عین حال از ایدئولوژی‌های جهانی مانند تجارت آزاد و جهانی‌سازی در راستای منافع خود استفاده نماید.

چین به‌خوبی توانسته است از ایدئولوژی سوسیالیستی خود بهره‌برداری کند و در عین حال مفاهیم جهانی مانند تجارت آزاد و جهانی‌سازی را برای پیشبرد منافع ملی خود به کار گیرد. حزب کمونیست چین (CCP) چارچوب ایدئولوژیک قوی‌ای را بر اساس سوسیالیسم حفظ کرده است که بر مالکیت جمعی و کنترل دولتی بر بخش‌های کلیدی اقتصاد تأکید دارد. با این حال، از دهه ۱۹۹۰، چین به‌طور فزاینده‌ای جنبه‌های سرمایه‌داری را به مدل اقتصادی خود وارد کرده و اجازه سرمایه‌گذاری خارجی و مشارکت در بازارهای جهانی را داده است. این رویکرد دوگانه به چین این امکان را می‌دهد که از مزایای جهانی‌سازی (مانند دسترسی به بازارهای بین‌المللی و انتقال فناوری) بهره‌برداری کند و در عین حال اطمینان حاصل کند که این فعالیت‌ها با اصول سوسیالیستی آن همخوانی دارد. به عنوان مثال، ابتکار «کمربند و جاده (BRI)» چین نمونه‌ای از این استراتژی است که با ترویج توسعه زیرساخت‌ها در آسیا و فراتر از آن، روابط تجاری را تقویت کرده و در عین حال نفوذ چین را در دینامیک‌های اقتصادی جهانی افزایش می‌دهد.

علاوه بر این، مشارکت چین با ایدئولوژی‌های جهانی به آن اجازه داده است که خود را به عنوان یک رهبر در تجارت بین‌الملل و حاکمیت اقلیمی معرفی کند. با شرکت در سازمان‌هایی مانند سازمان تجارت جهانی (WTO)، چین سیاست‌های تجارت آزاد را که به رشد اقتصادی آن خدمت می‌کند، ترویج کرده و از یک دنیای چندقطبی حمایت می‌کند که در آن کشورهای در حال توسعه نیز صدایی دارند. همچنین، تعهد چین به ابتکارات تغییرات اقلیمی، مانند وعده برای اوج‌گیری انتشار کربن قبل از سال ۲۰۳۰ و دستیابی به بی‌طرفی کربن تا سال ۲۰۶۰، نشان‌دهنده توانایی آن در ترکیب ایدئولوژی سوسیالیستی با نگرانی‌های جهانی محیط زیستی است. این موقعیت استراتژیک نه تنها قدرت نرم چین را تقویت می‌کند بلکه به آن اجازه می‌دهد تا هنجارهای جهانی حول توسعه

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

پایدار را شکل دهد. با قاببندی اقدامات خود در زمینه ارزش‌های سوسیالیستی (مانند رفاه اجتماعی و تمدن اکولوژیکی) چین به‌طور مؤثری موضع ایدئولوژیک خود را تقویت کرده و در عین حال پیچیدگی‌های تغییرات جهانی را مدیریت می‌کند.

آثار و نتایج انعطاف‌پذیری ایدئولوژیک:

۱. رشد اقتصادی چشمگیر:

چین در دو دهه اخیر به بزرگ‌ترین اقتصاد جهان از نظر تولید ناخالص داخلی (بعد از ایالات متحده) تبدیل شده است. رشد اقتصادی در این مدت موجب کاهش فقر گسترده در کشور شده و به‌ویژه در مناطق روستایی بهبود وضعیت معیشتی را به دنبال داشته است.

چین در دو دهه گذشته به یکی از بزرگ‌ترین اقتصادهای جهان تبدیل شده و از نظر تولید ناخالص داخلی (GDP) پس از ایالات متحده در رتبه دوم قرار دارد. این رشد اقتصادی چشمگیر، که به‌ویژه از دهه ۱۹۹۰ آغاز شد، به کاهش فقر گسترده در کشور و بهبود شرایط زندگی، به‌ویژه در مناطق روستایی، منجر شده است. بر اساس آمارها، تولید ناخالص داخلی چین در سال ۲۰۲۳ به حدود ۱۷,۸ تریلیون دلار رسید و این کشور توانست با میانگین رشد سالانه نزدیک به ۹ درصد از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۲۴، به یکی از سریع‌ترین رشدهای اقتصادی در سطح جهانی دست یابد. تولید ناخالص داخلی چین در سال ۲۰۲۴ برابر با ۱۳۴,۹ تریلیون دلار (۱۸,۸ تریلیون دلار) رسید که نشان از ۵ درصد رشد رسید. این رشد اقتصادی نه تنها به افزایش درآمدهای ملی کمک کرده بلکه باعث ایجاد فرصت‌های شغلی و بهبود زیرساخت‌ها در مناطق روستایی شده است.

به‌عنوان مثال، برنامه‌های دولتی مانند "طرح توسعه روستایی" که هدف آن کاهش نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی در مناطق کمتر توسعه‌یافته است، تأثیر مثبت زیادی بر زندگی مردم داشته است. این برنامه‌ها شامل سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، آموزش و پرورش، و خدمات بهداشتی می‌شود که به افزایش کیفیت زندگی و کاهش فقر در این مناطق کمک کرده است. همچنین، با افزایش تولید و صادرات کالاها، چین توانسته است نه تنها نیازهای داخلی خود را تأمین کند بلکه به یکی از بزرگ‌ترین صادرکنندگان جهانی تبدیل شود. این روند نشان‌دهنده انعطاف‌پذیری ایدئولوژیک چین است که توانسته است از اصول سوسیالیستی خود بهره‌برداری کند و همزمان با استفاده از فرصت‌های جهانی، رشد اقتصادی قابل توجهی را تجربه کند.

۲. تقویت قدرت سیاسی و اقتصادی:

چین با انعطاف‌پذیری ایدئولوژیک خود توانسته است قدرت سیاسی و اقتصادی خود را تقویت کند و در سطح جهانی نفوذ بیشتری پیدا کند. این کشور با توسعه اقتصاد خود، به یکی از بازیگران اصلی در عرصه بین‌المللی تبدیل شده است. از زمان اصلاحات اقتصادی دهه ۱۹۸۰، چین به عنوان یک مرکز تولید و فناوری شناخته شده و در بسیاری از بخش‌های اقتصادی و فناوری پیشرو است. به عنوان مثال، چین به بزرگ‌ترین تولیدکننده و صادرکننده کالاهای الکترونیکی و فناوری‌های پیشرفته تبدیل شده است. این موفقیت‌ها نه تنها به رشد اقتصادی

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

کمک کرده بلکه به چین اجازه داده تا در سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان تجارت جهانی (WTO) و گروه ۲۰ (G20) نقش فعالی ایفا کند و سیاست‌های جهانی را تحت تأثیر قرار دهد.

علاوه بر این، چین با ابتکاراتی مانند «کمربند و جاده» (BRI) به گسترش نفوذ سیاسی خود در کشورهای در حال توسعه پرداخته است. این پروژه عظیم زیرساختی که هدف آن ایجاد شبکه‌های حمل و نقل و تجاری در آسیا، اروپا و آفریقا است، به چین این امکان را می‌دهد که روابط اقتصادی و سیاسی خود را با کشورهای مختلف تقویت کند. همچنین، سرمایه‌گذاری‌های کلان چین در پروژه‌های زیرساختی در کشورهای دیگر، نشان‌دهنده تمایل این کشور به گسترش نفوذ خود از طریق همکاری‌های اقتصادی است. این رویکرد نه تنها به افزایش قدرت اقتصادی چین کمک کرده بلکه به تقویت موقعیت سیاسی آن در صحنه جهانی نیز منجر شده است. با توجه به این عوامل، می‌توان گفت که انعطاف‌پذیری ایدئولوژیک چین به تقویت قدرت سیاسی و اقتصادی آن کمک شایانی کرده است.

کنترل متمرکز قدرت

ویژگی کنترل متمرکز قدرت در چین به این معناست که حزب کمونیست چین (CPC) به‌عنوان نهاد حاکم، تمامی جنبه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور را تحت کنترل خود دارد. این ویژگی یکی از ارکان اصلی ایدئولوژی چین است و در طول تاریخ جمهوری خلق چین، به‌ویژه در دوران رهبران مختلف از مائو تا شی جین‌پینگ، به‌طور مداوم مورد تأکید قرار گرفته است.

ویژگی‌های کنترل متمرکز قدرت در چین:

۱. حفظ حاکمیت حزب کمونیست:

حزب کمونیست چین (CCP) به عنوان تنها حزب قانونی در چین، قدرت سیاسی و اقتصادی را به‌طور متمرکز حفظ کرده و در قانون اساسی کشور به‌عنوان رهبری تمام ارگان‌های دولتی شناخته شده است. این حزب نه تنها کنترل کامل بر امور ملی را در دست دارد، بلکه هیچ حزب سیاسی دیگری اجازه رقابت در انتخابات عمومی را ندارد. این ساختار سیاسی باعث می‌شود که تمام تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها تحت هدایت و نظارت حزب کمونیست قرار گیرد. به عنوان مثال، در سال‌های اخیر، CCP با تقویت نفوذ خود در نهادهای دولتی و نظامی، مانند ادغام شورای امنیت ملی با ساختار حزبی، نشان داده است که چگونه می‌تواند قدرت خود را در تمامی سطوح دولت گسترش دهد. این امر به حزب این امکان را می‌دهد که به‌طور مؤثری بر سیاست‌های داخلی و خارجی چین تأثیر بگذارد.

این تمرکز قدرت به حزب کمونیست این امکان را داده است که نه تنها بر روی مسائل داخلی کنترل داشته باشد، بلکه نفوذ خود را در سطح جهانی نیز افزایش دهد. چین با استفاده از ایدئولوژی سوسیالیستی و ترویج پروژه‌هایی مانند «کمربند و جاده»، روابط اقتصادی و سیاسی خود را با کشورهای دیگر تقویت کرده است. این پروژه نه تنها به توسعه زیرساخت‌ها کمک کرده بلکه به چین اجازه می‌دهد تا نفوذ خود را در کشورهای در حال توسعه افزایش دهد. همچنین، CCP با تأکید بر اصول حاکمیت ملی و عدم مداخله خارجی، به دنبال حفظ قدرت خود و

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

جلوگیری از هرگونه چالش خارجی است. از این رو، حفظ حاکمیت حزب کمونیست به عنوان تنها نهاد قانونی در چین نه تنها به تقویت قدرت داخلی کمک کرده بلکه منجر به افزایش نفوذ بین المللی این کشور نیز شده است.^{۳۴۵}

۲. کنترل بر نهادهای اجرایی و قضائی:

حزب کمونیست چین همچنین قدرت زیادی بر نهادهای قضائی و اجرایی کشور دارد. این نهادها موظفند که از سیاست‌های حزب پیروی کنند و نمی‌توانند مستقل از اراده حزب عمل کنند.

حزب کمونیست چین (CCP) کنترل قابل توجهی بر نهادهای اجرایی و قضائی کشور دارد، به طوری که این نهادها ملزم به پیروی از سیاست‌های حزب هستند و نمی‌توانند به طور مستقل از اراده حزب عمل کنند. این کنترل در سطح بالای دولت از طریق کمیته‌های سیاسی-حقوقی (PLC) که بر کار نهادهای قانونی نظارت دارند، اعمال می‌شود. این کمیته‌ها شامل رؤسای دادگاه‌ها، مقامات وزارت امنیت عمومی و دیگر ارگان‌های قانونی هستند و وظیفه آن‌ها اطمینان از انطباق تصمیمات قضائی با خط مشی‌های حزب است. به عنوان مثال، در یک کنفرانس ملی که توسط کمیسیون مرکزی سیاسی-حقوقی برگزار شد، مقامات قضائی به طور واضح دستور داده شدند که باید "وفاداری به حزب" را در اولویت قرار دهند و تصمیمات خود را بر اساس "سه اولویت اصلی" که شامل منافع حزب، مردم و قانون است، اتخاذ کنند.

این کنترل نه تنها بر روی تصمیمات قضائی بلکه بر روی انتصابات و عملکرد نهادهای اجرایی نیز تأثیر می‌گذارد. حزب کمونیست چین مسئولیت انتصاب قضات و مقامات دولتی را بر عهده دارد و این مقامات تحت نظارت دقیق حزب قرار دارند. به عنوان مثال، در موارد حساس یا مهم، کمیته‌های سیاسی-حقوقی می‌توانند مستقیماً بر نتایج پرونده‌ها تأثیر بگذارند. همچنین، بسیاری از قضات با توجه به این کنترل‌ها، به طور غیررسمی تحت فشار هستند تا تغییرات در سیاست‌های حزب را در کار خود مدنظر قرار دهند. این ساختار باعث می‌شود که استقلال قضائی عملاً محدود شود و نهادهای قضائی بیشتر به عنوان ابزارهایی برای اجرای سیاست‌های حزب عمل کنند تا نهادهای مستقل قانونی.^{۳۴۶}

۳. تقویت نظام نظارتی و کنترل اطلاعات:

حزب کمونیست چین (CCP) با استفاده از سیستم‌های دیجیتالی و نظارتی، کنترل شدیدی بر رسانه‌ها و اینترنت دارد تا اطلاعات را مدیریت و کنترل کند. فضای سایبری چین تحت نظارت دقیق سایبرسپیس چین قرار دارد و محتوای انتقادی یا مخالف دولت به طور مکرر سانسور می‌شود. به عنوان مثال، در سال ۲۰۱۷، اداره فضای سایبری چین (CAC) مقررات جدیدی را معرفی کرد که تولید و توزیع اخبار آنلاین را محدود می‌کرد. این مقررات ایجاب می‌کرد که تمام پلتفرم‌ها، از جمله وبلاگ‌ها، فروم‌ها و اپلیکیشن‌های رسانه‌های اجتماعی، تحت مدیریت کارکنان تأیید شده توسط حزب قرار گیرند. این کارکنان باید از دفاتر اینترنت و اطلاعات ملی یا محلی تأییدیه بگیرند و آموزش‌های لازم را از دولت مرکزی دریافت کنند. همچنین، پلتفرم‌های اینترنتی بزرگ مانند

^{۳۴۵}<https://www.aspistrategist.org.au/after-75-years-of-the-peoples-republic-of-china-the-party-is-truly-the-sovereign/>

^{۳۴۶}<https://jamestown.org/program/the-ccp-strengthens-control-over-the-judiciary/>

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

وی‌چت با استفاده از الگوریتم‌های پیشرفته هوش مصنوعی و تیم‌های نظارتی، محتوای کاربران را کنترل می‌کند و هرگونه فعالیت مشکوک را شناسایی می‌کنند. علاوه بر این، سیستم‌های نظارتی چین به جمع‌آوری داده‌های گسترده‌ای از شهروندان پرداخته و به تجزیه و تحلیل آن‌ها برای اهداف کنترل اجتماعی کمک می‌کنند. به عنوان مثال، سیستم اعتبار اجتماعی (Social Credit System) از داده‌ها برای ارزیابی رفتار شهروندان استفاده می‌کند و بر اساس آن‌ها به افراد پاداش یا مجازات می‌دهد. این سیستم به دولت این امکان را می‌دهد که مخالفان سیاسی را شناسایی کرده و آن‌ها را تحت فشار قرار دهد. همچنین، در منطقه سین‌کیانگ، سیستم عملیات یکپارچه مشترک (IJOP) با جمع‌آوری داده‌های مختلف از جمله ویژگی‌های فیزیکی افراد و رفتارهای روزمره آن‌ها، نظارت شدیدی بر ساکنان این منطقه اعمال می‌کند. این روش‌ها نشان‌دهنده تلاش حزب کمونیست برای حفظ کنترل بر اطلاعات و رفتارهای شهروندان است تا از هرگونه چالش یا نارضایتی جلوگیری کند.

آثار کنترل متمرکز قدرت:

۱. ثبات سیاسی و اقتصادی:

کنترل متمرکز قدرت در چین، به ویژه تحت رهبری شی جین‌پینگ، به طور قابل توجهی به ثبات سیاسی و اقتصادی این کشور کمک کرده است. این متمرکزسازی امکان جهت‌گیری سیاستی یکپارچه را فراهم می‌کند که می‌تواند به سرعت به چالش‌های ملی پاسخ دهد. به عنوان مثال، دولت شی از سال ۲۰۱۳ گروه رهبری مرکزی برای اصلاحات عمیق را راه‌اندازی کرده است که به مسائل مختلفی از توسعه اقتصادی تا نگرانی‌های زیست‌محیطی پرداخته است. نظارت دقیق دولت مرکزی و کمپین‌های ضد فساد هدفمند هستند تا از نابرابری‌های منطقه‌ای جلوگیری کنند و یک استراتژی ملی همگن را حفظ کنند، که این امر احتمال شکست‌های مدیریتی محلی که می‌تواند اقتصاد یا چشم‌انداز سیاسی را بی‌ثبات کند، کاهش می‌دهد. این رویکرد به چین اجازه داده است تا در مواجهه با عدم قطعیت‌های اقتصادی جهانی، به رشد پایدار خود ادامه دهد و همچنان به عنوان دومین اقتصاد بزرگ جهان شناخته شود.

علاوه بر این، کارایی این حکومت متمرکز در عملکرد اقتصادی چین در دهه‌های اخیر مشهود است. ترکیب کنترل دولتی و اصلاحات مبتنی بر بازار از زمان دنگ شیائوپینگ، اقتصادی مقاوم را ایجاد کرده که می‌تواند خود را با شرایط جهانی متغیر سازگار کند. به عنوان مثال، با وجود چالش‌هایی مانند پاندمی COVID-19 و تنش‌های تجاری بین‌المللی، رشد تولید ناخالص داخلی چین به دلیل توانایی دولت در بسیج منابع و اجرای سریع سیاست‌ها همچنان قوی باقی مانده است. این قابلیت با تمرکز قدرت شی تقویت شده است که امکان اقدام قاطع در عرصه‌های سیاسی داخلی و خارجی را فراهم می‌آورد. در نتیجه، ثبات سیاسی چین به طور نزدیک با استراتژی‌های اقتصادی آن مرتبط است که بر قدرت مرکزی قوی تأکید دارد و همزمان نیازهای جمعیت در حال رشد و روزافزون آن را نیز مورد توجه قرار می‌دهد.

۲. بسط نفوذ چین در سطح جهانی:

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

کنترل متمرکز قدرت در چین به طور قابل توجهی نفوذ این کشور را در سطح جهانی تقویت کرده و آن را به یک قدرت بزرگ اقتصادی، نظامی و سیاسی تبدیل کرده است. تحت رهبری شی جین پینگ، حزب کمونیست چین (CCP) فرآیندهای تصمیم‌گیری را بهینه‌سازی کرده است که امکان پاسخگویی سریع به چالش‌ها و فرصت‌های بین‌المللی را فراهم می‌کند. این متمرکزسازی به سیاست خارجی قاطع چین کمک کرده است، به ویژه در کشورهای در حال توسعه که در آن‌ها به دنبال گسترش نفوذ اقتصادی و سیاسی خود است. به عنوان مثال، از طریق ابتکار «کمربند و راه»، چین سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی در پروژه‌های زیربنایی در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین انجام داده است که به طور مؤثری شبکه‌ای از وابستگی‌های اقتصادی ایجاد می‌کند که نفوذ این کشور را در این مناطق افزایش می‌دهد. این استراتژی نه تنها مسیرهای تجاری حیاتی را تأمین می‌کند بلکه چین را به عنوان یک بازیگر کلیدی در بحث‌های حکمرانی جهانی معرفی می‌کند که چالش‌هایی برای سلطه سنتی غرب ایجاد می‌کند.

علاوه بر این، توانایی‌های نظامی رو به رشد چین نیز نفوذ فزاینده آن را در سطح جهانی نشان می‌دهد. این کشور سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی در مدرن‌سازی نیروهای مسلح خود انجام داده و حضور بیشتری در آب‌های بین‌المللی، به ویژه در دریای جنوبی چین، برقرار کرده است. این گسترش نظامی با افزایش مشارکت چین در سازمان‌های بین‌المللی همراه است، جایی که این کشور خواستار اصلاحاتی است که با منافع و ارزش‌های خود همسو باشد. به عنوان مثال، چین خواستار تغییرات در ساختارهای حکمرانی جهانی است تا وضعیت خود به عنوان یک قدرت بزرگ را منعکس کند و هدف آن بازسازی هنجارها و نهادهایی است که عمده‌تاً توسط کشورهای غربی پس از جنگ جهانی دوم تأسیس شده‌اند. با استفاده از سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی و قدرت نظامی، چین نه تنها نفوذ خود را تقویت می‌کند بلکه مدلی جایگزین از حکمرانی را ترویج می‌دهد که چالش‌هایی برای ایده‌های دموکراتیک لیبرال ایجاد می‌کند و بدین ترتیب نظم جهانی را به نفع چارچوب اقتدارگرایانه خود بازسازی می‌کند.

نتایج اجرایی:

۱. رشد اقتصادی و توسعه پایدار:

کنترل متمرکز قدرت و سیاست‌های اقتصادی دولتی، باعث رشد سریع اقتصادی چین شده است که به افزایش رفاه اجتماعی و کاهش فقر کمک کرده است. چین در حال حاضر بزرگ‌ترین اقتصاد جهان از نظر خریداری و بزرگ‌ترین صادرکننده کالا است.

کنترل متمرکز قدرت در چین نقش حیاتی در پیشبرد رشد اقتصادی چشمگیر این کشور ایفا کرده است که به طور قابل توجهی به رفاه اجتماعی و کاهش فقر کمک کرده است. در سال ۲۰۲۴، اقتصاد چین با رشد ۵٫۰ درصدی روبرو شد که با هدف دولت هم‌راستا بود و این رشد تحت تأثیر تدابیر محرک اقتصادی مختلفی که از سپتامبر ۲۰۲۳ به اجرا درآمد، تقویت شد. بخش‌های کلیدی مانند تولید و خدمات در این رشد نقش محوری داشتند؛ به طوری که تولید صنعتی ۶٫۱ درصد و بخش خدمات ۵ درصد در طول سال رشد کردند. علاوه بر این، تجارت کل

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

کالاهای چین به ۴۳۸,۴۶۸ تریلیون یوان رسید و صادرات با افزایش ۷,۱ درصدی، جایگاه چین را به عنوان بزرگ‌ترین صادرکننده کالا در جهان تأیید کرد.

دستاوردهای اقتصادی چین با وضعیت آن به عنوان بزرگ‌ترین اقتصاد جهان از نظر برابری قدرت خرید (PPP) تأکید می‌شود که در سال ۲۰۲۴ به ارزش تقریباً ۳۷,۰۷ تریلیون دلار رسید. تولید ناخالص داخلی سرانه این کشور حدود ۱۲,۹۶۹ دلار به صورت اسمی بوده که نشان‌دهنده بهبودهای قابل توجهی در سطح زندگی بسیاری از شهروندان است. تغییر از یک اقتصاد مبتنی بر صنعت به یک اقتصاد که به طور فزاینده‌ای بر خدمات متمرکز است، مشهود است؛ به طوری که اکنون صنعت خدمات سهم بیشتری از تولید ناخالص داخلی را نسبت به تولید صنعتی تشکیل می‌دهد. این تحول نه تنها نشان‌دهنده تنوع اقتصادی است بلکه چین را در بازار جهانی با موقعیتی مطلوب قرار می‌دهد و به آن اجازه می‌دهد تا مزاد تجاری قوی (حدود ۸۲۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۳) را حفظ کند در سال ۲۰۲۴، چین موفق به ثبت یک مزاد تجاری بی‌سابقه به میزان **۹۹۲ میلیارد دلار** شد که بالاترین رقم تاریخ این کشور محسوب می‌شود که چین را قادر می‌سازد تا همچنان در زیرساخت‌ها و نوآوری‌ها سرمایه‌گذاری کند تا رشد بلندمدت خود را پایدار نگه دارد.

۲. فقدان آزادی‌های سیاسی:

در مقابل، این سیستم موجب محدود شدن آزادی‌های سیاسی و حقوق بشر در چین شده است. انتقاد از حزب کمونیست و دولت در داخل چین به‌طور جدی تحت فشار قرار دارد و بسیاری از فعالان سیاسی و حقوق بشر تحت پیگرد قانونی قرار دارند.

کنترل متمرکز قدرت در چین منجر به محدودیت‌های قابل توجهی در آزادی‌های سیاسی و حقوق بشر شده است که به شکل سرکوب سیستماتیک انتقاد و ناراضی‌ها از حزب کمونیست بروز می‌کند. تحت قوانینی که به طور ظاهری از امنیت ملی حمایت می‌کنند، مقامات به شدت بر روی فعالان دموکراسی‌خواه و خبرنگاران فشار آورده‌اند، به ویژه پس از تصویب قانون امنیت ملی در هنگ کنگ در سال ۲۰۲۰. این قانون امکان بازداشت بسیاری از فعالان را فراهم کرده و به شدت آزادی‌های بیان، تجمع و مطبوعات را محدود کرده است. به عنوان مثال، تا ژوئیه ۲۰۲۳، پلیس بیش از ۲۶۰ نفر را تحت این قانون بازداشت کرده است که شامل شخصیت‌های برجسته‌ای می‌شود که با حکومت چین در هنگ کنگ مخالفت کرده‌اند. این وضعیت نگرانی‌های بین‌المللی را درباره تضعیف اصول

۳۶۷ - در سال ۲۰۲۴، چین با ثبت یک مزاد تجاری بی‌سابقه به میزان **۹۹۲ میلیارد دلار**، رکورد جدیدی را در تاریخ تجارت خود به ثبت رساند. این مزاد نشان‌دهنده افزایش قابل توجهی نسبت به سال‌های گذشته است و به خوبی مقاومت بخش صادرات چین را در برابر چالش‌های اقتصادی جهانی نمایان می‌کند. کل تجارت خارجی این کشور به رکورد **۵,۹۸ تریلیون دلار** رسید که شامل افزایش ۷,۱٪ در صادرات (حدود ۳,۴۷ تریلیون دلار) و ۲,۳ درصد در واردات (حدود ۲,۵ تریلیون دلار) می‌شود.

رشد صادرات چین عمدتاً ناشی از عملکرد قوی در بخش‌هایی مانند کشتی‌ها، نیمه‌هادی‌ها، خودروها و لوازم خانگی بود که به ترتیب افزایش‌های چشمگیری را تجربه کردند. همچنین، تجارت با کشورهای آسه‌آن (ASEAN) با رشد ۹٪ تقویت شد و صادرات به ایالات متحده نیز با افزایش ۴,۹٪ مواجه گردید، علی‌رغم تنش‌های تجاری و عدم قطعیت‌های تعرفه‌ای. این عوامل نشان‌دهنده توانایی‌های قوی صادراتی و شراکت‌های تجاری استراتژیک چین در سال ۲۰۲۴ هستند.

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

دموکراتیک در این منطقه افزایش داده و آینده هنگ کنگ به عنوان یک مرکز مالی جهانی را تحت الشعاع قرار داده است.

علاوه بر این، وضعیت کلی در سرزمین اصلی چین نیز الگوهای مشابهی از سرکوب را نشان می‌دهد. با وجود تضمین‌های قانونی برای آزادی بیان، دولت از مفاهیم مبهم قانونی برای زندانی کردن منتقدان و خاموش کردن نارضایتی استفاده می‌کند. حزب کمونیست چین کنترل شدیدی بر اطلاعات دارد و از طریق سانسور و نظارت گسترده، عملاً آزادی بیان را برای شهروندان خود به یک توهم تبدیل کرده است. گزارش‌ها نشان می‌دهند که چین بزرگ‌ترین زندان‌دار خبرنگاران در جهان است و بسیاری از آن‌ها تنها به خاطر گزارش‌گری درباره مسائل حساس یا حمایت از حقوق بشر با زندان مواجه شده‌اند.

اراده پولادین دولتمردان چین در مبارزه با فساد و استفاده از نخبگان در همه عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی در حزب کمونیست چین، سبب گردیده است که شاهد شکوفایی این کشور طی چند دهه اخیر باشیم. سیاستمداران چین دریافته‌اند که کشوری با ۱,۴ میلیارد جمعیت را نمی‌شود با روش دموکراسی غرب اداره نمود و دستاوردهای این کشور نیز سبب گردیده است که پشتیبانی مردم از سیاست‌های حزب کمونیست را پشتوانه خود داشته باشد. از اینرو این سرکوبها یا نظم‌آهنین را چون دولت در مورد همگان حتی بالاترین مقامات حزب نیز اعمال می‌کند همانمطوریکه در فصول پیش نام مقامات تراز اولی که در دادگاههای فساد محکوم شناخته شدند را بیان کردیم، بعید می‌رسد بتوان آن را بعنوان چالشی جدی در مسیر اصلاحات سیاسی، اقتصادی کشور به حساب آورد.

اولویت توسعه اقتصادی

ویژگی **اولویت توسعه اقتصادی** در ایدئولوژی رسمی چین به‌ویژه از زمان رهبری دنگ شیائوپینگ در دهه ۱۹۸۰ و پس از آن تحت رهبری‌های مختلف، یکی از ارکان اساسی توسعه چین بوده است. این رویکرد به‌طور مستقیم به بهره‌برداری از ابزارهای مختلف اقتصادی برای دستیابی به رشد سریع، پایدار و در نهایت تبدیل چین به یک قدرت اقتصادی جهانی می‌پردازد.

ویژگی‌ها و جزئیات اولویت توسعه اقتصادی در چین

الف: اصلاحات اقتصادی و سیاست درهای باز^{۳۶۸}

شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین و دبیرکل حزب کمونیست چین، یکی از چهره‌های برجسته در تاریخ چین معاصر است. او از سال ۲۰۱۲ به عنوان رهبر چین شناخته می‌شود و تحت رهبری او، چین تحولات مهمی را در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی تجربه کرده است. یکی از جنبه‌های برجسته دوران رهبری او، اصلاحات اقتصادی و سیاست درهای باز است.

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

اصلاحات اقتصادی و سیاست درهای باز

اصلاحات اقتصادی و سیاست درهای باز (改革开放)، به چینی "گائو کای فنگ"، یک دوره مهم در تاریخ جمهوری خلق چین است که آغاز آن به اواخر دهه ۱۹۷۰ و دوران رهبری دنگ شیائوپینگ باز می‌گردد. این سیاست‌ها به باز شدن اقتصاد چین به سمت بازارهای جهانی و گسترش همکاری‌های اقتصادی با کشورهای دیگر اشاره دارند. به طور کلی، اصلاحات اقتصادی و سیاست درهای باز به تحولی در سیستم اقتصادی چین منجر شد که با تغییرات عظیم در حوزه‌های مختلف اجتماعی، صنعتی و تجاری همراه بود. این سیاست‌ها بعد از سال‌ها مدیریت اقتصادی بسته و کمونیستی که بر پایه مدل برنامه‌ریزی مرکزی بود، آغاز شد.

اهداف و ویژگی‌های اصلاحات اقتصادی

۱. انتقال به اقتصاد بازار:

اصلاحات اقتصادی شی جین‌پینگ هدفشان انتقال چین از یک اقتصاد سوسیالیستی برنامه‌ریزی‌شده به یک اقتصاد مختلط و باز است که بر اساس تغییرات بنیادی ایجادشده توسط دنگ شیائوپینگ بنا شده است. یکی از استراتژی‌های بارز تحت رهبری شی، سیاست "دو گردش"^{۳۶۹} است که بر تقویت مصرف داخلی در کنار حفظ ارتباط با تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی تأکید دارد. این رویکرد به منظور افزایش تاب‌آوری اقتصاد چین طراحی شده تا وابستگی به بازارهای خارجی کاهش یابد و ساختاری اقتصادی خودکفا و پایدارتر ایجاد کند. به عنوان مثال، تأسیس منطقه آزاد تجاری شانگهای در سال ۲۰۱۳ گام مهمی در راستای لیبرال‌سازی بازار بود که امکان سرمایه‌گذاری خارجی بیشتر و آزمایش اصلاحات مبتنی بر بازار را فراهم کرد. علاوه بر این، دولت شی بر بهبود حفاظت از حقوق مالکیت، رقابت عادلانه و سیستم اعتبار اجتماعی تمرکز کرده است تا محیطی مناسب برای عملیات بازار و کارآفرینی ایجاد کند.

۳۶۹ - سیاست "دو گردش" شی جین‌پینگ به عنوان یک استراتژی اقتصادی کلیدی در چین طراحی شده است تا وابستگی این کشور به بازارهای خارجی و فناوری‌های غربی را کاهش دهد و در عوض بر روی تقویت مصرف داخلی و نوآوری‌های داخلی تمرکز کند. این سیاست به دو بخش اصلی تقسیم می‌شود:

۱. گردش داخلی: که شامل چرخه تولید، توزیع و مصرف در داخل کشور است، و
 ۲. گردش خارجی: که به تعاملات اقتصادی با دیگر کشورها اشاره دارد. هدف اصلی این استراتژی این است که چین به یک اقتصاد مستقل‌تر تبدیل شود و از ظرفیت‌های عظیم بازار داخلی خود بهره‌برداری کند. به عنوان مثال، در کنگره ملی حزب کمونیست چین، شی جین‌پینگ تأکید کرد که "توسعه با کیفیت بالا" اولویت اصلی در ساخت یک کشور مدرن سوسیالیستی است و سیاست دو گردش به عنوان ابزاری برای دستیابی به رفاه مشترک معرفی شد.
- علاوه بر این، سیاست دو گردش به عنوان بخشی از برنامه پنج‌ساله چهاردهم چین (۲۰۲۱-۲۰۲۵) گنجانده شده است و نشان‌دهنده تعهد دولت به تقویت نوآوری‌های تکنولوژیکی و افزایش سهم مصرف داخلی در رشد اقتصادی است. این سیاست همچنین به دنبال ایجاد توازن بین عرضه و تقاضا در اقتصاد چین است و تلاش دارد تا وابستگی به صادرات را کاهش دهد. با توجه به تنش‌های تجاری با ایالات متحده و فشارهای جهانی، چین به دنبال تقویت زیرساخت‌های داخلی و ارتقاء توانمندی‌های تولیدی خود است تا بتواند در برابر نوسانات جهانی مقاوم‌تر باشد. این رویکرد نه تنها بر رشد اقتصادی تأثیرگذار است بلکه می‌تواند به تقویت موقعیت چین در عرصه جهانی نیز کمک کند.

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

علاوه بر این، اصلاحات شی شامل ابتکاراتی است که هدفشان ارتقاء توسعه با کیفیت از طریق نوآوری‌های تکنولوژیکی و تنظیم ساختارها در صنایع کلیدی است. برنامه‌هایی مانند "ساخت چین ۲۰۲۵" و "استانداردهای چین ۲۰۳۵" نشان‌دهنده آرزوهای چین برای ارتقاء موقعیت خود در بخش‌های فناوری پیشرفته و کاهش وابستگی به فناوری‌های خارجی هستند. این ابتکارات با تلاش‌ها برای بهینه‌سازی شرکت‌های دولتی (SOEs) همراه است، در حالی که اطمینان حاصل می‌شود که این شرکت‌ها با اهداف حزب کمونیست همسو باشند. با این حال، علی‌رغم این اصلاحات مبتنی بر بازار، هنوز هم درجه قابل توجهی از کنترل دولتی بر اقتصاد وجود دارد، زیرا شی نقش حزب کمونیست را در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی تقویت کرده است. این رویکرد دوگانه (ترویج مکانیزم‌های بازار در کنار حفظ نظارت سیاسی) پیچیدگی‌های چشم‌انداز شی برای یک اقتصاد مدرن چینی را که رشد را با کنترل حزبی متوازن می‌کند، نشان می‌دهد.

۲. تقویت خصوصی‌سازی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی:

شی جین‌پینگ در راستای تقویت خصوصی‌سازی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی، مجموعه‌ای از اصلاحات اقتصادی را اجرا کرده است که بر آزادسازی بازار و ایجاد فرصت‌های جدید برای سرمایه‌گذاران متمرکز است. یکی از اقدامات کلیدی، ایجاد مناطق آزاد تجاری مانند منطقه آزاد شانگهای در سال ۲۰۱۳ بود که به عنوان پایلوتی برای اصلاحات بازار و جذب سرمایه‌گذاری خارجی عمل کرد. این مناطق با کاهش محدودیت‌ها و ارائه مشوق‌های مالیاتی، سرمایه‌گذاران خارجی را ترغیب کردند تا در بخش‌هایی مانند تولیدات پیشرفته و خدمات مالی وارد شوند. همچنین، دولت چین تعرفه‌ها را کاهش داده و محدودیت‌های مالکیت خارجی در برخی صنایع کلیدی را تسهیل کرده است. به عنوان نمونه، ارزش کل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) در چین در سال ۲۰۲۳ به ۱۸۹٫۱ میلیارد دلار (تقریباً ۱٫۳۷ تریلیون یوان) رسید که نشان‌دهنده رشد نسبت به سال‌های قبل بود. با این حال، نرخ رشد سرمایه‌گذاری خارجی در برخی بخش‌ها تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله نظارت شدید دولت و تسلط شرکت‌های دولتی (SOEs) بوده است. در حالی که سرمایه‌گذاری در بخش‌هایی مانند فناوری‌های پیشرفته افزایش یافته، برخی سرمایه‌گذاران به دلیل نگرانی از عدم شفافیت مقررات و کنترل‌های دولتی محتاطانه

۳۷۰ - سیاست "استانداردهای چین ۲۰۳۵" به عنوان یک پروژه کلیدی در راستای تقویت نفوذ اقتصادی و تکنولوژیکی چین در سطح جهانی طراحی شده است. این پروژه هدفش ایجاد و تحمیل استانداردهای صنعتی است که بهتر منعکس‌کننده نیازها و ویژگی‌های اقتصاد چین باشد و به ویژه در زمینه‌های فناوری‌های حیاتی، کشاورزی و تولید عمل کند. مقامات چینی بر این باورند که فرآیند تعیین استانداردها نشانه‌ای از قدرت تکنولوژیک پیشرو است و از طریق این پروژه، چین قصد دارد تا در تدوین استانداردهای آینده نقش مهمی ایفا کند. به عنوان مثال، این پروژه به دنبال کنترل چارچوب حاکمیتی برای استفاده از فناوری‌ها و تأثیرگذاری بر نحوه استفاده از آن‌ها در سطح جهانی است، که می‌تواند به چین کمک کند تا در زمینه فناوری‌های استراتژیک تسلط بیشتری پیدا کند.

علاوه بر این، "استانداردهای چین ۲۰۳۵" به دنبال تغییر منبع استانداردها از یک مدل دولتی به مدلی است که هم دولت و هم بازار در آن نقش داشته باشند. این تغییر نه تنها بر بهبود کیفیت محصولات تولیدی تأکید دارد بلکه به دنبال ایجاد یک سیستم استانداردسازی است که بتواند به توسعه پایدار و نوآوری‌های تکنولوژیک کمک کند. با توجه به تنش‌های جهانی و رقابت‌های فزاینده، این پروژه می‌تواند به چین کمک کند تا در برابر فشارهای خارجی مقاوم‌تر شود و موقعیت خود را در زنجیره تأمین جهانی تقویت کند. همچنین، این سیاست نشان‌دهنده تلاش چین برای تبدیل شدن به یک قدرت بزرگ جهانی با توانایی تعیین قواعد بازی در عرصه بین‌المللی است.

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

عمل کرده‌اند. به طور کلی، سیاست‌های شی جین‌پینگ توانسته‌اند جریان سرمایه‌گذاری خارجی را حفظ کنند اما همزمان با تقویت نقش حزب کمونیست، محیطی پیچیده برای کسب‌وکارها ایجاد شده است. این رویکرد دوگانه نشان‌دهنده تلاش برای ایجاد تعادل میان رشد اقتصادی مبتنی بر بازار و حفظ کنترل سیاسی است.

۳. انقلاب در کشاورزی:

اصلاحات کشاورزی شی جین‌پینگ نمایانگر یک تغییر عمده در رویکرد چین به توسعه روستایی است. در ابتدا، این اصلاحات شامل بازگرداندن زمین‌های کشاورزی به دهقانان و حذف سیاست‌های جمع‌سازی بود که در دهه‌های گذشته حاکم بود. این انتقال با اجرای سیستم مسئولیت خانوار همراه بود که به کشاورزان اجازه می‌داد تا زمین‌های خود را مدیریت کنند. در نتیجه، تولید کشاورزی شاهد افزایش چشمگیری بود و خروجی آن نسبت به سال‌های قبل به طرز قابل توجهی افزایش یافت. تمرکز بر مدیریت فردی نه تنها بهره‌وری را افزایش داد بلکه معیشت جوامع روستایی را نیز بهبود بخشید و به آن‌ها امکان کسب درآمد بیشتر و ارتقای کیفیت زندگی را داد. علاوه بر افزایش تولید کشاورزی، اصلاحات شی بر روی شیوه‌های پایدار و امنیت غذایی تأکید دارد. دولت سیاست‌هایی را اولویت‌بندی کرده است که هدف آن‌ها تضمین تولید و تأمین پایدار محصولات کشاورزی اساسی است، در حالی که به چالش‌هایی مانند کاهش زمین‌های قابل کشت و تخریب محیط زیست نیز پرداخته می‌شود. با ترویج احیای روستایی و مدرن‌سازی شیوه‌های کشاورزی، شی جین‌پینگ قصد دارد پایه‌ای قوی برای کشاورزی بسازد که از امنیت ملی و ثبات اقتصادی حمایت کند. این تلاش‌ها منعکس‌کننده یک استراتژی وسیع‌تر برای تقویت خودکفایی چین در تولید غذا و کاهش آسیب‌پذیری‌ها ناشی از وابستگی به واردات است.

۴. تحولات در صنعت و خدمات:

اصلاحات اقتصادی شی جین‌پینگ به‌طور قابل توجهی بخش‌های صنعتی و خدماتی چین را متحول کرده و به ترویج پذیرش فناوری‌های نوین و تسریع صنعتی‌سازی پرداخته است. تحت رهبری او، دولت چین به‌طور فعال مدرنیزاسیون صنایع را تشویق کرده که منجر به ورود قابل توجه شرکت‌های چینی به بازار جهانی شده است. این تغییر، چین را به عنوان یک مرکز پیشرو در تولید جهانی معرفی کرده است که با ظرفیت‌های بالای تولید و قیمت‌های رقابتی شناخته می‌شود. تأکید بر نوآوری و فناوری نه تنها بهره‌وری را افزایش داده بلکه رشد بخش‌های مختلف را تسهیل کرده و به چین این امکان را داده تا از قدرت تولیدی خود در مقیاس بین‌المللی بهره‌برداری کند.

علاوه بر این، دولت شی برنامه‌هایی مانند "ساخته‌شده در چین ۲۰۲۵" را اجرا کرده است که هدف آن پیشرفت قابلیت‌های کشور در صنایع با فناوری بالا و کاهش وابستگی به فناوری‌های خارجی است. این کمپین منعکس‌کننده یک چشم‌انداز وسیع‌تر از خودکفایی و رقابت‌پذیری در بازار جهانی است. با ایجاد محیطی مناسب برای رشد صنعتی و پیشرفت فناوری، شی جین‌پینگ چین را به سمت تبدیل شدن به یک بازیگر غالب در اقتصاد جهانی هدایت می‌کند، در حالی که اطمینان حاصل می‌کند که شرکت‌های دولتی همچنان در بخش‌های کلیدی تأثیرگذار باقی بمانند. این رویکرد دوگانه، تعادل بین کنترل دولتی و دینامیک‌های بازار را که مشخصه سیاست‌های اقتصادی شی است، نشان می‌دهد.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

ب: سیاست درهای باز و بین‌المللی شدن اقتصاد چین

سیاست درهای باز (Open Door Policy) چین به معنای گشایش کشور به سمت جهان و تجارت بین‌المللی بود. در این چارچوب، چین به‌طور تدریجی عضوی از سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان تجارت جهانی (WTO) شد و اقتصاد خود را به‌طور فزاینده‌ای جهانی کرد.

• افزایش تجارت خارجی:

سیاست درهای باز و بین‌المللی‌سازی اقتصاد چین به‌طور قابل توجهی تجارت خارجی این کشور را افزایش داده و تحولی چشمگیر در چشم‌انداز اقتصادی آن ایجاد کرده است. در سال ۲۰۲۴، مجموع واردات و صادرات کالاهای چین به حدود ۴۳,۸۵ تریلیون یوان (تقریباً ۶,۱ تریلیون دلار آمریکا) رسید که نشان‌دهنده افزایش ۵ درصدی نسبت به سال گذشته است. به‌طور خاص، صادرات با رشد ۷,۱ درصدی به ۲۵,۴۵ تریلیون یوان (تقریباً ۳,۴ تریلیون دلار آمریکا) رسید، در حالی که واردات با افزایش ۲,۳ درصدی به ۱۸,۳۹ تریلیون یوان (تقریباً ۲,۵۶ تریلیون دلار آمریکا) رسید. این افزایش در تجارت ناشی از مزایای رقابتی چین، از جمله نیروی کار ارزان و توانایی تولید انبوه بوده که به این کشور اجازه داده تا به یک مرکز کلیدی تولید و صادرات در سطح جهانی تبدیل شود. ساختار تجارت خارجی چین نیز دچار تغییرات قابل توجهی شده است، به‌طوری که محصولات با فناوری بالا رشد چشمگیری را تجربه کرده‌اند. به‌عنوان مثال، صادرات ماشین‌آلات ۵۹,۴ درصد از کل صادرات را تشکیل می‌دهد و در سال ۲۰۲۴ نسبت به سال گذشته ۸,۷ درصد افزایش یافته است. علاوه بر این، ارزش واردات و صادرات تجارت الکترونیک مرزی به ۲,۶۳ تریلیون یوان (تقریباً ۳۶۶ میلیارد دلار آمریکا) رسید که نشان‌دهنده افزایش قابل توجهی نسبت به سال‌های گذشته است. ابتکار کمربند و جاده همچنین روابط تجاری را تقویت کرده است، به‌طوری که کشورهای مشارکت‌کننده در این ابتکار بیش از ۵۰ درصد از کل ارزش تجارت خارجی چین را در سال ۲۰۲۴ تشکیل می‌دهند. این رشد جامع تأکید بر موقعیت استراتژیک چین به عنوان یک قدرت تجاری جهانی دارد که به‌طور مؤثر نیازهای تولید و مصرف کشورهای مختلف را برآورده کرده و نقش خود را در بازارهای بین‌المللی تقویت می‌کند. برای آشنایی با اطلاعات بیشتر در مورد تجارت خارجی کشورها با جزئیات کامل به آدرس ذیل مراجعه کنید: <https://www.trademap.org/>

• جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی:

در سال ۲۰۲۴، روند سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) در چین نشان‌دهنده انعطاف‌پذیری و توانایی این کشور در سازگاری با چالش‌های اقتصادی جهانی بود. طبق گزارش وزارت بازرگانی چین (MOFCOM)، با وجود کاهش در کل ورودی‌های سرمایه‌گذاری در سال ۲۰۲۳، چین توانست برای چهارمین سال متوالی سهم قابل توجهی معادل ۱۲,۳ درصد از کل سرمایه‌گذاری مستقیم بین‌المللی را حفظ کند. این امر نشان‌دهنده جایگاه پایدار چین به عنوان یکی از مقاصد اصلی سرمایه‌گذاری خارجی در جهان است. هرچند که عوامل مختلفی مانند بهبود نامتوازن اقتصادی پس از همه‌گیری کرونا، تنش‌های ژئوپلیتیکی، عدم قطعیت‌های نظارتی و کنترل‌های

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

سختگیرانه سرمایه بر عملکرد FDI تأثیر گذاشتند، دولت چین اقدامات متعددی را برای تثبیت و جذب سرمایه خارجی اجرا کرد.

در سال ۲۰۲۳، ورودی‌های FDI چین به میزان ۱۳,۷ درصد کاهش یافت و به حدود ۱۶۳ میلیارد دلار رسید. این کاهش پس از رشد ۴,۵ درصدی در سال ۲۰۲۲ رخ داد. با این حال، نشانه‌هایی از بهبود در اوایل سال ۲۰۲۴ مشاهده شد. در نه ماه اول این سال، چین موفق به جذب ۶۴۰,۶ میلیارد یوان (معادل حدود ۹۰,۲۶ میلیارد دلار) سرمایه خارجی شد که نشان‌دهنده افزایش ۱۱,۴ درصدی در تأسیس شرکت‌های جدید با سرمایه‌گذاری خارجی است. این رشد به ویژه در بخش‌های تولید فناوری پیشرفته و خدمات حرفه‌ای مشهود بود.

بخش خدمات همچنان بیشترین سهم را از ورودی‌های FDI داشت و ۹۰,۳ درصد از شرکت‌های جدید با سرمایه‌گذاری خارجی را تشکیل داد. همچنین، این بخش ۶۴,۴ درصد از کل FDI را جذب کرد. صنایع فناوری پیشرفته نیز نقش مهمی در جذب سرمایه داشتند؛ خدمات فناوری پیشرفته به تنهایی موفق به جذب ۹,۴۲ میلیارد دلار شدند و تولید فناوری پیشرفته نیز با تأسیس ۸۴۱ شرکت جدید، حدود ۱۸,۱ میلیارد دلار سرمایه جذب کرد.

از نظر منابع FDI، کشورهای آسیایی همچنان بزرگ‌ترین سهم را داشتند و ۷۶,۸ درصد از شرکت‌های جدید با سرمایه‌گذاری خارجی را تشکیل دادند. هنگ کنگ به عنوان منبع اصلی FDI در چین شناخته شد و بیش از ۲۱,۰۰۰ شرکت جدید و حدود ۱۱۱,۱۲ میلیارد دلار سرمایه واقعی را به خود اختصاص داد. همچنین، توزیع منطقه‌ای FDI نشان داد که مناطق شرقی چین مانند گوانگدونگ، شانگهای و جیانگسو همچنان جذاب‌ترین مقاصد برای سرمایه‌گذاران خارجی هستند و ۸۷,۶ درصد از شرکت‌های جدید را تشکیل دادند.

دولت چین نیز برای ارتقای فضای سرمایه‌گذاری اقدامات متعددی انجام داده است. اصلاحات نظارتی شامل حذف موانع بر سر راه سرمایه‌گذاری خارجی و معرفی مشوق‌های مالیاتی بوده است. همچنین، حمایت از مراکز تحقیق و توسعه (R&D) و تسهیل انتقال داده‌های فرامرزی برای کسب‌وکارهای خارجی از دیگر اقدامات کلیدی بوده‌اند. روندهای FDI در سال ۲۰۲۴ نشان‌دهنده تمرکز استراتژیک چین بر رشد مبتنی بر نوآوری است، به ویژه در بخش‌هایی مانند فناوری پیشرفته و خدمات حرفه‌ای. با حمایت مستمر دولت و تلاش برای تنوع‌بخشی منابع FDI، چین همچنان مقصدی جذاب برای سرمایه‌گذاران خارجی باقی خواهد ماند که به دنبال بهره‌برداری از پتانسیل وسیع بازار این کشور هستند. علاوه بر این، تنوع منابع FDI تاب‌آوری چین را در برابر نوسانات اقتصادی جهانی تقویت کرده و موقعیت آن را به عنوان یک بازیگر کلیدی در دینامیک‌های تجارت و سرمایه‌گذاری بین‌المللی تثبیت می‌کند.^{۳۷۱}

• عضویت در سازمان‌های جهانی:

چین با عضویت در سازمان‌های جهانی همچون بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی (WTO)، به تدریج جایگاه خود را در اقتصاد جهانی تقویت کرد.

^{۳۷۱}<https://www.china-briefing.com/news/chinas-fdi-trends-2024-key-sources-destinations-and-sectors/>

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

گزارش کمیسیون بررسی اقتصادی و امنیتی ایالات متحده و چین (USCC) به طور جامع به بررسی حضور اتباع چینی در موقعیت‌های رهبری سازمان‌های بین‌المللی می‌پردازد. این گزارش نشان می‌دهد که چین با قرار دادن شهروندان خود در نقش‌های کلیدی در این سازمان‌ها، تلاش می‌کند نفوذ خود را در حکمرانی جهانی گسترش دهد. این نقش‌ها شامل موقعیت‌های رهبری در ارگان‌های اصلی سازمان ملل متحد، آژانس‌های تخصصی، صندوق‌ها و برنامه‌های سازمان ملل، و همچنین نهادهای تجاری و مالی بین‌المللی مانند بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول (IMF) است. این حضور گسترده، بخشی از استراتژی چین برای تقویت قدرت نرم و پیشبرد منافع ملی خود در صحنه جهانی است.

در ارگان‌های اصلی سازمان ملل، اتباع چینی در موقعیت‌هایی مانند مجمع عمومی، شورای امنیت، و شورای اقتصادی و اجتماعی فعال هستند. همچنین، آن‌ها نقش‌های مهمی در آژانس‌های تخصصی مانند سازمان جهانی بهداشت (WHO) و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA) ایفا می‌کنند که در حوزه‌هایی حیاتی مانند سلامت عمومی و ایمنی هسته‌ای تأثیرگذار هستند. علاوه بر این، رهبران چینی در صندوق‌ها و برنامه‌های سازمان ملل مانند برنامه توسعه سازمان ملل (UNDP) مشارکت دارند که برای تحقق اهداف توسعه پایدار بسیار حیاتی است. حضور اتباع چینی در این موقعیت‌ها پیامدهای مهمی برای حکمرانی جهانی دارد. از یک سو، این موضوع به چین اجازه می‌دهد تا دیدگاه‌ها و اولویت‌های خود را در سیاست‌گذاری جهانی منعکس کند. از سوی دیگر، این نفوذ ممکن است منجر به تغییر چارچوب‌های حکمرانی بین‌المللی شود که بیشتر با منافع ملی چین همسو باشد. همچنین، این حضور بخشی از تلاش چین برای ایجاد شراکت‌های استراتژیک با کشورهای دیگر است که می‌تواند روابط دوجانبه آن را تقویت کند.

با این حال، افزایش نفوذ چین در سازمان‌های بین‌المللی چالش‌هایی برای سیاست خارجی ایالات متحده ایجاد کرده است. چین ممکن است از این موقعیت‌ها برای مقابله با ارزش‌ها و منافع آمریکا استفاده کند که نیازمند بازنگری استراتژی ایالات متحده در زمینه همکاری چندجانبه است. این رقابت میان دو کشور نشان‌دهنده اهمیت نقش سازمان‌های بین‌المللی به عنوان میدان جدیدی برای تعاملات قدرت‌های بزرگ است.

این گزارش که داده‌های آن تا فوریه ۲۰۲۴ به‌روز شده است، برنامه‌هایی برای به‌روزرسانی نیمه‌سالانه دارد تا اطلاعات مرتبط باقی بمانند. تحلیل USCC نشان می‌دهد که فهم دینامیک حضور چین در حکمرانی جهانی برای سیاست‌گذاران ضروری است. این گزارش ابزاری ارزشمند برای بررسی نحوه تعامل چین با نهادهای بین‌المللی و تأثیر آن بر آینده همکاری‌ها و رقابت‌های جهانی ارائه می‌دهد.^{۳۷۲}

تأثیرات و دستاوردهای اصلاحات

۱. رشد اقتصادی سریع:

^{۳۷۲} <https://www.uscc.gov/research/prc-international-organizations>

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

در سال ۲۰۲۴، اقتصاد چین با وجود فشارهای پیچیده خارجی و چالش‌های داخلی، نشان‌دهنده تاب‌آوری و ثبات بود. تحت رهبری کمیته مرکزی حزب کمونیست چین (CPC)، به‌ویژه با محوریت شی جین‌پینگ، کشور مجموعه‌ای از سیاست‌ها را برای ترویج توسعه با کیفیت بالا و حفظ ثبات اجرا کرد. در نتیجه، پیشرفت‌های قابل توجهی در بخش‌های مختلف حاصل شد که منجر به دستیابی به اهداف بزرگ اقتصادی و اجتماعی شد.

برآوردهای اولیه نشان می‌دهد که تولید ناخالص داخلی (GDP) چین در سال ۲۰۲۴ به حدود ۹۱.۱۳۴ تریلیون یوان (تقریباً ۱۸,۶ تریلیون دلار) رسیده که نسبت به سال گذشته افزایش ۵ درصدی را نشان می‌دهد. این رشد در میان صنایع مختلف توزیع شده است: بخش اولیه (شامل فعالیت‌هایی است که به استخراج و برداشت منابع طبیعی مربوط می‌شود. این بخش شامل کشاورزی، جنگلداری، شیلات و معدن‌کاری) با رشد ۳,۵ درصدی به ۹,۱۴ تریلیون یوان (معادل ۱,۲۶ تریلیون دلار)، بخش ثانویه (شامل فعالیت‌های تولیدی و صنعتی است که در آن مواد خام از بخش اولیه به کالاهای نهایی تبدیل می‌شوند. این بخش شامل طیف وسیعی از صنایع مانند ساخت و ساز، تولید و خدمات عمومی (تأمین برق، گاز و آب)) با افزایش ۵,۳ درصدی به ۴۹,۲۱ تریلیون یوان (معادل ۶,۸ تریلیون دلار) و بخش ثالث (به عنوان بخش خدمات نیز شناخته می‌شود، شامل فعالیت‌هایی است که خدمات ارائه می‌دهند نه کالاها. این بخش شامل صنایعی مانند خرده‌فروشی، مهمان‌داری، مالی، بهداشت و درمان، آموزش و خدمات فناوری اطلاعات است) با افزایش ۵,۰ درصدی به ۷۶,۵۶ تریلیون یوان (معادل ۱۰,۷ تریلیون دلار) رسید. نرخ‌های رشد فصلی نشان‌دهنده یک روند صعودی مستمر بودند و در چهارمین فصل، افزایش سالانه ۵,۴ درصدی ثبت شد. این عملکرد کلی اقتصادی، بازتابی از یک بازبانی است که با مداخلات به‌موقع سیاستی تقویت شده است که اعتماد اجتماعی را افزایش داده است.

تولیدات کشاورزی نیز در سال ۲۰۲۴ روندهای مثبتی را نشان داد. تولید کل غلات به ۷۰۶,۵۰ میلیون تن رسید که افزایش جزئی ۱,۶ درصدی نسبت به سال گذشته داشت. محصولات خاصی مانند گندم و ذرت به ترتیب شاهد افزایش تولید ۲,۶ درصدی و ۲,۱ درصدی بودند، در حالی که تولید گوشت خوک کاهش ۱,۵ درصدی را تجربه کرد. بخش دامداری نتایج مختلطی را گزارش کرد و تولید کل گوشت به طور جزئی ۰,۲ درصد افزایش یافت. این ارقام تلاش‌ها برای تثبیت تأمین غذا را در شرایط متغیر بازار منعکس می‌کند.

بخش صنعتی نیز رشد قوی را نشان داد و ارزش افزوده شرکت‌های صنعتی نسبت به سال گذشته ۵,۸ درصد افزایش یافت. به‌ویژه، تولیدات فناوری پیشرفته از سایر بخش‌ها پیشی گرفت و با رشد ۸,۹ درصدی همراه بود. تولید تجهیزات نیز با افزایش قابل توجه ۷,۷ درصدی مواجه شد. تولید خودروهای برقی جدید و مدارهای یکپارچه به ترتیب با افزایش‌های چشمگیر ۳۸,۷ درصدی و ۲۲,۲ درصدی روبرو شد که نشان‌دهنده تمرکز قوی بر نوآوری و پیشرفت فناوری در چارچوب صنعتی کشور است. بخش خدمات سهم قابل توجهی در رشد اقتصادی داشت و ارزش افزوده آن ۵,۰ درصد افزایش یافت. حوزه‌های کلیدی مانند خدمات فناوری اطلاعات و اجاره کسب‌وکار شاهد نرخ‌های رشد بالای بیش از ۱۰ درصد بودند. این روند، تحول مستمر به سمت یک اقتصاد مبتنی بر خدمات در چین را نشان می‌دهد که در آن خدمات مدرن به طور فزاینده‌ای برای سلامت کلی اقتصاد حیاتی می‌شوند. عملکرد تجاری چین در سال ۲۰۲۴ همچنان قوی بود و مجموع واردات و صادرات به حدود ۴۳,۸۵

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

تریلیون یوان (معادل ۶,۱ تریلیون دلار) رسید که افزایش ۵,۰ درصدی را نشان می‌دهد. صادرات با رشد ۷,۱ درصدی همراه بود که عمدتاً ناشی از محصولات مکانیکی و الکتریکی بود که تقریباً ۶۰ درصد از کل صادرات را تشکیل می‌دهند. تجارت با کشورهای شریک در ابتکار کمربند و جاده نیز به طور قابل توجهی گسترش یافته است که تعهد چین به شراکت‌های تجاری بین‌المللی را تأکید می‌کند. شاخص قیمت مصرف‌کننده (CPI) به طور ملایم ۰,۲ درصد افزایش یافت که نشان‌دهنده سطوح پایدار تورم در دسته‌های مختلف کالاها و خدمات است. شرایط اشتغال نیز نشان‌دهنده ثبات بود؛ نرخ بیکاری شهری متوسط به طور میانگین ۵,۱ درصد بود که کمی پایین‌تر از سال‌های قبل است و این امر بازتاب‌دهنده سیاست‌های مؤثر بازار کار علی‌رغم چالش‌های اقتصادی جاری است. از نظر درآمد، درآمد قابل تصرف سرانه ساکنان به طور اسمی ۵,۳ درصد افزایش یافت که درآمدهای روستایی برای اولین بار در سال‌های اخیر سریع‌تر از درآمدهای شهری رشد کرد. جمعیت ملی در پایان سال ۲۰۲۴ حدود ۱,۴۱ میلیارد نفر بود که کاهش جزئی نسبت به سال‌های قبل داشت اما همچنان روند صعودی در نرخ شهرنشینی ادامه دارد.

به طور کلی، اقتصاد چین در سال ۲۰۲۴ پیشرفت ثابتی را در میان ثبات نشان داد و موفق به دستیابی به نقاط عطف قابل توجهی در توسعه با کیفیت بالا شد، در حالی که به طور مؤثری چالش‌های خارجی و تقاضاهای داخلی را مدیریت کرد. با این حال، مسائل جاری مانند تقاضای ناکافی داخلی و دشواری‌های عملیاتی برای برخی از شرکت‌ها همچنان نگرانی‌های مهمی برای سیاست‌گذاران هستند. دولت قصد دارد ادامه دهد تا سیاست‌های راهبردی را تحت هدایت دیدگاه شی جین‌پینگ برای سوسیالیسم با ویژگی‌های چینی اجرا کند تا اطمینان حاصل شود که رشد اقتصادی پایدار و تلاش‌های مدرن‌سازی در سال‌های آینده ادامه یابد.^{۳۷}

۲. کاهش فقر:

در تاریخ ۲۵ فوریه ۲۰۲۱، رئیس‌جمهور چین، شی جین‌پینگ، از "پیروزی کامل" در مبارزه با فقر روستایی خبر داد و این موضوع را به عنوان یک نقطه عطف مهم در تلاش‌های چین برای کاهش فقر معرفی کرد. به گفته شی، در طی هشت سال گذشته، نزدیک به ۱۰۰ میلیون نفر از ساکنان روستایی از فقر رهایی یافته‌اند و تمامی ۸۳۲ شهرستان و ۱۲۸,۰۰۰ روستای فقیر از لیست فقر خارج شده‌اند. این دستاورد به عنوان یک لحظه تاریخی برای چین تلقی می‌شود و بخشی کلیدی از برنامه‌های گسترده‌تر شی جین‌پینگ از زمان ورودش به مقام ریاست‌جمهوری در سال ۲۰۱۲ است.

شی تأکید کرد که ریشه‌کن کردن فقر شدید تنها یک نقطه پایان نیست، بلکه نقطه شروعی برای تلاش‌های جدید و بهبود شرایط زندگی است. او بیان کرد که خروج از فقر باید منجر به آغاز برنامه‌های توسعه‌ای جدید شود، از جمله استراتژی "احیای روستاها" که هدف آن ارتقاء کیفیت کلی زندگی در مناطق روستایی است. این استراتژی در کنگره ملی حزب کمونیست چین در سال ۲۰۱۷ پیشنهاد شد و هدف آن ادغام کاهش فقر با توسعه پایدار روستایی است. این اعلامیه در یک مراسم بزرگ در پکن برگزار شد که با حضور مقامات ارشد و اعضای حزب همراه

^{۳۷}https://www.stats.gov.cn/english/PressRelease/202501/t20250117_1958330.html

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

بود. دولت شی به خاطر اجرای تدابیر گسترده‌ای برای دستیابی به این هدف مورد تقدیر قرار گرفته است، از جمله اعزام بیش از ۷۷۵,۰۰۰ کارمند برای ارزیابی و نظارت بر خانوارهای فقیر. همچنین، برنامه‌های مختلفی برای ارائه کمک‌های مالی، بهبود زیرساخت‌ها و افزایش دسترسی به آموزش و خدمات بهداشتی برای جمعیت‌های روستایی راه‌اندازی شده است.

با وجود این ادعاهای موفقیت، برخی کارشناسان درباره معیارهای استفاده‌شده برای تعریف فقر در چین سوالاتی مطرح کرده‌اند. خط فقر رسمی در چین بر اساس درآمد سالانه کمتر از ۴,۰۰۰ یوان (تقریباً ۶۲۰ دلار) تعیین شده است که برخی منتقدان معتقدند ممکن است شرایط زندگی تمام افراد فقیر را به‌طور دقیق منعکس نکند. با این حال، اعلامیه شی به طور بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته و آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل، به سهم چین در کاهش فقر جهانی اشاره کرده است. چین با حرکت به جلو از این دستاورد، قصد دارد تا با تمرکز بر توسعه اقتصادی بیشتر و بهبود رفاه اجتماعی در مناطق روستایی، شتاب خود را حفظ کند. دولت برنامه‌ریزی کرده است که در طول یک دوره انتقالی پنج ساله حمایت‌های لازم را ادامه دهد تا اطمینان حاصل شود که دستاوردهای حاصل‌شده در زمینه کاهش فقر حفظ شده و در استراتژی‌های اقتصادی وسیع‌تر ادغام شوند.^{۳۷۴}

۳. توسعه زیرساخت‌ها:

توسعه زیرساخت‌ها یکی از دستاوردهای مهم اصلاحات اقتصادی در دوران شی جین‌پینگ بوده است. از زمان آغاز این اصلاحات، چین به‌طور قابل توجهی در زمینه‌های حمل و نقل، انرژی، ارتباطات و فناوری پیشرفت کرده است. به‌عنوان مثال، طول شبکه راه‌آهن چین به بیش از ۴۰,۰۰۰ کیلومتر رسیده است که شامل بیش از ۳۰,۰۰۰ کیلومتر خط راه‌آهن سریع‌السیر می‌شود هزینه‌های مربوط به راه‌آهن‌های سریع‌السیر در سال‌های اخیر بالغ بر ۵۵۰ میلیارد دلار بوده است. این شبکه نه تنها به تسهیل حمل و نقل داخلی کمک کرده بلکه ارتباطات بین‌المللی را نیز تقویت کرده است. همچنین، چین در پروژه‌های بزرگ زیرساختی مانند ابتکار کمربند و جاده (BRI) سرمایه‌گذاری کرده است که هدف آن ایجاد شبکه‌ای از جاده‌ها، خطوط آهن و بنادر در سراسر آسیا، اروپا و آفریقا است که در مبحث ابتکار کمربند و جاده و جاده ابریشم دریایی به آنها پرداختیم. برآوردها نشان می‌دهد که چین تا کنون حدود ۱ تریلیون دلار در این پروژه‌ها هزینه کرده است.

علاوه بر حمل و نقل، چین همچنین در بخش انرژی پیشرفت‌های چشمگیری داشته است. ظرفیت تولید انرژی تجدیدپذیر این کشور به بیش از ۱,۰۰۰ گیگاوات رسیده است که شامل بزرگ‌ترین منابع انرژی خورشیدی و بادی جهان می‌شود. همچنین، چین به عنوان یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان برق هسته‌ای نیز شناخته می‌شود و هدف دارد تا تا سال ۲۰۳۰ حدود ۷۰ درصد از انرژی خود را از منابع تجدیدپذیر تأمین کند. این تحولات زیرساختی نه تنها به رشد اقتصادی چین کمک کرده بلکه به افزایش کیفیت زندگی مردم و جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی نیز منجر شده است.

۴. تغییرات اجتماعی و فرهنگی:

^{۳۷۴}<https://www.aljazeera.com/news/2021/2/25/chinas-xi-declares-complete-victory-against-rural-poverty>

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

مقاله منتشرشده از اداره بین‌المللی حزب کمونیست چین به بررسی دیدگاه‌های شی جین‌پینگ درباره توسعه فرهنگی پرداخته است. هرچند اصطلاحات "اولیه"، "ثانویه" و "ثالثیه" به‌طور مستقیم ذکر نشده‌اند، اما می‌توان این مفاهیم را به‌صورت سلسله‌مراتبی در زمینه اهداف فرهنگی چین تفسیر کرد.

در **سطح اولیه**، تمرکز بر ایجاد بنیان‌های فرهنگی قوی است که شامل تقویت اعتماد به فرهنگ چینی، ترویج ارزش‌های اساسی سوسیالیستی و حفظ هویت ملی می‌شود. این سطح بر پایه‌ریزی روحیه‌ای استوار است که مردم چین را به تاریخ و میراث فرهنگی خود متصل می‌کند.

در **سطح ثانویه**، هدف بر توسعه و ترویج فرهنگ در داخل کشور متمرکز است. این شامل گسترش صنایع فرهنگی، تقویت ارتباطات عمومی و رسانه‌ها، و تشویق نوآوری در فرهنگ سنتی برای مرتبط ساختن آن با نیازهای جامعه معاصر است. شی جین‌پینگ تأکید دارد که فرهنگ باید نه تنها حفظ شود بلکه به شکلی خلاقانه بازآفرینی شود تا بتواند پاسخگوی تحولات اجتماعی و اقتصادی باشد.

سطح ثالثیه به تعاملات بین‌المللی و افزایش نفوذ فرهنگی چین در جهان اختصاص دارد. در این مرحله، چین تلاش می‌کند قدرت نرم فرهنگی خود را تقویت کرده و روایت‌های خود را به‌طور مؤثر در سطح جهانی بیان کند. همچنین، تبادلات فرهنگی و گفت‌وگوهای تمدنی میان ملت‌ها مورد تأکید قرار گرفته است تا از طریق یادگیری متقابل، همکاری‌های بین‌المللی تقویت شود. این اقدامات بخشی از تلاش‌های چین برای ایفای نقش فعال‌تر در صحنه جهانی است.

به‌طور کلی، این سه سطح نشان‌دهنده رویکرد جامع چین به توسعه فرهنگی هستند که از ایجاد پایه‌های داخلی آغاز شده و تا گسترش نفوذ جهانی ادامه می‌یابد. تفکر شی جین‌پینگ بر اهمیت همزمان حفظ میراث فرهنگی، نوآوری خلاقانه، و تعاملات بین‌المللی تأکید دارد. هدف نهایی این رویکرد، ساختن یک جامعه با اعتماد به نفس فرهنگی بالا و جایگاهی برجسته در صحنه جهانی است.^{۳۷۵}

شی جین‌پینگ و ادامه اصلاحات

در دوران رهبری شی جین‌پینگ، اگرچه چین همچنان بر اصول اصلاحات اقتصادی تأکید دارد، اما رهبری او تأکید بیشتری بر «**چین‌گرایی**» و «**مدیریت دولتی**» دارد. شی جین‌پینگ در عین حال که از سیاست‌های «باز بودن» و «آزادسازی» در چارچوبی خاص حمایت می‌کند، ولی بیشتر به تقویت کنترل دولت بر اقتصاد و حفظ هویت کمونیستی در سیاست‌ها می‌اندیشد.

او به‌ویژه بر موضوعاتی چون مبارزه با فساد، تقویت نقش دولت در هدایت اقتصاد، و ارتقاء چین به عنوان یک قدرت جهانی تأکید کرده است. شی جین‌پینگ همچنین تلاش دارد تا «**بست‌کار کمر بند و جاده**» (Belt and Road Initiative) را توسعه دهد که یک پروژه بزرگ برای توسعه زیرساخت‌های جهانی و تقویت روابط اقتصادی چین با دیگر کشورهای جهان است.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها:

سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها یکی از ویژگی‌های اصلی برنامه‌های توسعه اقتصادی چین تحت رهبری شی جین‌پینگ است. از زمانی که او به مقام رهبری چین رسید، یکی از اولویت‌های اصلی دولت چین، تقویت و گسترش زیرساخت‌ها برای تسریع رشد اقتصادی، تقویت ارتباطات داخلی و خارجی، و افزایش قدرت اقتصادی و تجاری کشور بوده است.

بخش‌های مختلف سرمایه‌گذاری زیرساختی

۱. حمل‌ونقل (راه‌آهن، جاده‌ها، بندرها و فرودگاه‌ها)

✓ **راه‌آهن سریع‌السیر:** چین در چند سال گذشته شبکه راه‌آهن سریع‌السیر خود را به طرز چشمگیری گسترش داده است. این شبکه به طول بیش از ۴۲,۰۰۰ کیلومتر (تا ۲۰۲۳) توسعه یافته است که چین را به بزرگترین شبکه راه‌آهن سریع‌السیر در جهان تبدیل کرده است. هزینه‌های مربوط به راه‌آهن‌های سریع‌السیر در سال‌های اخیر بالغ بر ۵۵۰ میلیارد دلار بوده است.

✓ **بزرگراه‌ها:** چین دارای بیش از ۱۶۰,۰۰۰ کیلومتر بزرگراه است که آن را به شبکه بزرگراهی یکی از بزرگ‌ترین و پیچیده‌ترین جهان تبدیل می‌کند. هزینه‌های ایجاد این بزرگراه‌ها و تعمیرات آنها به ده‌ها میلیارد دلار می‌رسد.

✓ **بندرها و بنادر دریایی:** چین در حال حاضر دارای یکی از شلوغ‌ترین و پیشرفته‌ترین بنادر جهان است. بندر شانگهای یکی از بزرگترین بنادر کانتینری در جهان است و چین در این حوزه به طور منظم در حال سرمایه‌گذاری برای بهبود و افزایش ظرفیت بنادر خود است. چین همچنین بندرهای مهمی در کشورهای شریک خود در پروژه «کمربند و جاده» راه‌اندازی کرده است.

۲. انرژی و منابع طبیعی

✓ **انرژی‌های تجدیدپذیر:** چین به بزرگترین تولیدکننده انرژی خورشیدی و بادی در جهان تبدیل شده است. بر اساس گزارش‌ها، چین بیش از ۳۰ درصد از ظرفیت جهانی انرژی خورشیدی را تولید می‌کند. چین همچنین در حال سرمایه‌گذاری گسترده در پروژه‌های انرژی بادی و هیدروالکتریک است.

✓ **مراکز انرژی هسته‌ای:** چین به شدت در حال توسعه نیروگاه‌های هسته‌ای است و قصد دارد تا سال ۲۰۳۰ میزان ظرفیت هسته‌ای خود را به ۷۰ گیگاوات برساند.

✓ **انتقال انرژی:** پروژه‌های انتقال انرژی، به ویژه پروژه‌های انتقال برق از مناطق غربی به مناطق شرقی چین، که شامل شبکه‌های انتقال برق از مناطق دوردست غربی (مانند سین‌کیانگ) به استان‌های صنعتی در شرق چین است، بخش بزرگی از بودجه زیرساختی کشور را تشکیل می‌دهند.

۳. فناوری اطلاعات و دیجیتال

✓ شبکه G5:

چین در حال حاضر به عنوان یکی از پیشگامان در توسعه و پیاده‌سازی شبکه G5 در جهان شناخته می‌شود. این شبکه، که در اکثر نقاط چین موجود است، به صنایع مختلف از جمله خودروسازی، تولید، و حتی کشاورزی کمک کرده است تا به سمت دیجیتال شدن و اتوماسیون بیشتر حرکت کنند.

سرمایه‌گذاری چین در شبکه G5 به عنوان یکی از اولویت‌های کلیدی در توسعه زیرساخت‌های دیجیتال این کشور، اهداف مشخصی را دنبال می‌کند. هدف اصلی این سرمایه‌گذاری، ایجاد یک شبکه ارتباطی پیشرفته با سرعت بالا و تأخیر کم است که بتواند نیازهای روزافزون اقتصادی و اجتماعی را برآورده کند. بر اساس آمار، چین تا پایان سال ۲۰۲۴ بیش از ۳,۲۸ میلیون ایستگاه پایه G5 را راه‌اندازی کرده و پیش‌بینی می‌شود که این تعداد به ۱۲۰,۰۰۰ مکان کلیدی، ۳۰,۰۰۰ کیلومتر راه‌آهن و ۵۰۰,۰۰۰ کیلومتر جاده گسترش یابد. همچنین، هدف این است که نرخ دسترسی دائلود به بیش از ۲۲۰ مگابیت بر ثانیه و نرخ آپلود به ۴۵ مگابیت بر ثانیه برسد.

این سرمایه‌گذاری در شبکه G5 نتایج قابل توجهی نیز به همراه داشته است. طبق گزارش‌ها، انتظار می‌رود که بازار G5 چین تا سال ۲۰۳۰ تقریباً ۲۶۰ میلیارد دلار به تولید ناخالص داخلی این کشور اضافه کند، که معادل ۲۳ درصد از تأثیر کلی سالانه موبایل در چین خواهد بود. همچنین، با گسترش استفاده از فناوری‌های مبتنی بر G5، صنایع مختلفی مانند تولید هوشمند، حمل و نقل و مراقبت‌های بهداشتی بهبود یافته‌اند. به عنوان مثال، در یک کارخانه تولید سرور، استفاده از G5 منجر به افزایش ظرفیت تولید به میزان ۱۲ درصد و بهبود کیفیت بازرسی تا ۵۶ درصد شده است. این تحولات نشان‌دهنده پتانسیل بالای سرمایه‌گذاری در فناوری‌های نوین و تأثیر مثبت آن بر رشد اقتصادی و اجتماعی چین است.^{۳۷۶}

✓ داده‌ها و ابر داده‌ها:

دولت چین به طور فعال در حال سرمایه‌گذاری در مراکز داده و زیرساخت‌های ابری است تا بتواند نیازهای رشد فناوری‌های نوین و داده‌های بزرگ را تأمین کند.

سرمایه‌گذاری چین در زیرساخت‌های داده و ابر^{۳۷۷} به عنوان بخشی از استراتژی توسعه دیجیتال این کشور، اهداف مشخصی را دنبال می‌کند. یکی از اهداف اصلی این سرمایه‌گذاری، بهبود و گسترش ظرفیت‌های پردازش

۳۷۶ - "سرمایه‌گذاری چین در شبکه جی ۵ :

<https://www.rcrwireless.com/20240130/featured/china-invested-27-million-5g-last-year-report>

۳۷۷ - داده‌های ابری به اطلاعاتی اشاره دارد که در محیط رایانش ابری ذخیره، مدیریت و پردازش می‌شوند. برخلاف ذخیره‌سازی سنتی که بر سیستم‌های محلی متکی است، داده‌های ابری از طریق اینترنت قابل دسترسی هستند و به کاربران اجازه می‌دهند اطلاعات خود را در هر زمان و مکانی مشاهده و استفاده کنند. این داده‌ها می‌توانند ساختاریافته (مانند پایگاه‌های داده)، نیمه‌ساختاریافته (مانند فایل‌های XML) یا غیرساختاریافته (مانند تصاویر و ویدئوها) باشند. پلتفرم‌های داده ابری، زیرساختی مقیاس‌پذیر برای ذخیره‌سازی حجم زیادی از داده‌ها فراهم می‌کنند و امکان مدیریت بهتر و تحلیل سریع‌تر اطلاعات را برای سازمان‌ها فراهم می‌سازند.

مزایای استفاده از داده‌های ابری شامل کاهش هزینه‌های زیرساخت، مقیاس‌پذیری بالا، دسترسی آسان از هر نقطه با اتصال به اینترنت، و امنیت پیشرفته برای حفاظت از اطلاعات حساس است. همچنین، یکپارچه‌سازی داده‌ها از منابع مختلف در فضای ابری به سازمان‌ها کمک می‌کند تا

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

و ذخیره‌سازی داده‌ها برای پاسخگویی به نیازهای روزافزون صنایع مختلف است. در سال ۲۰۲۳، چین حدود ۱۸ میلیارد یوان (تقریباً ۲,۵ میلیارد دلار) در صنعت محاسبات ابری سرمایه‌گذاری کرده است که این رقم نسبت به سال‌های قبل افزایش قابل توجهی داشته است. پیش‌بینی می‌شود که بازار خدمات ابری چین تا سال ۲۰۲۴ با رشد ۱۸ درصدی به ۹,۷ میلیارد دلار برسد. این سرمایه‌گذاری‌ها به ویژه در پاسخ به نیازهای روزافزون برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و خدمات دیجیتال در بخش‌های مختلف مانند خرده‌فروشی آنلاین و مالی صورت گرفته است. نتایج این سرمایه‌گذاری‌ها نیز قابل توجه بوده است. طبق گزارش‌ها، بازار مراکز داده چین تا پایان سال ۲۰۲۳ به ارزش ۶۹ میلیارد دلار خواهد رسید و انتظار می‌رود که تا سال ۲۰۲۷ به ۸۶ میلیارد دلار افزایش یابد. همچنین، با توجه به رشد سریع تقاضا برای خدمات ابری و تجزیه و تحلیل داده‌ها، بیش از ۸۰ درصد از شرکت‌های چینی اکنون از راهکارهای داده‌محور برای بهبود کارایی عملیاتی و بینش‌های مشتری استفاده می‌کنند. این تحولات نشان‌دهنده تأثیر مثبت سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های داده و ابر بر رشد اقتصادی چین و توانمندسازی صنایع مختلف برای استفاده بهینه از داده‌ها است.^{۳۷۸}

۴. شهرسازی و توسعه مناطق روستایی

✓ توسعه شهری:

بسیاری از پروژه‌های زیرساختی چین به گسترش و بهبود زیرساخت‌های شهری اختصاص یافته است. با توجه به جمعیت عظیم چین، توسعه شهرها، از جمله ارتقای حمل‌ونقل عمومی، مسکن و خدمات اجتماعی در این مناطق، یکی از اولویت‌های دولت است.

سرمایه‌گذاری چین در توسعه شهری به عنوان یکی از اولویت‌های کلیدی در راستای رشد اقتصادی و اجتماعی این کشور، اهداف مشخصی را دنبال می‌کند. یکی از اهداف اصلی این سرمایه‌گذاری، بهبود زیرساخت‌های شهری و ارتقاء کیفیت زندگی شهروندان است. از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۳، چین بیش از ۳۰ تریلیون یوان (حدود ۴,۵ تریلیون دلار) در پروژه‌های زیرساختی شهری سرمایه‌گذاری کرده است. این سرمایه‌گذاری شامل توسعه سیستم‌های حمل و نقل عمومی، بهبود خدمات آب و فاضلاب، و ایجاد فضاهای سبز شهری است. به عنوان مثال، طول شبکه مترو در چین از ۵۰۰ کیلومتر در سال ۲۰۰۰ به بیش از ۷,۰۰۰ کیلومتر در سال ۲۰۲۳ افزایش یافته است، که نشان‌دهنده تعهد دولت به تسهیل حمل و نقل و کاهش ترافیک در شهرهای بزرگ است.

نتایج این سرمایه‌گذاری‌ها نیز قابل توجه بوده است. با گسترش زیرساخت‌ها، شهرها توانسته‌اند به جذب جمعیت بیشتری بپردازند و رشد اقتصادی را تسریع کنند. بر اساس آمارها، نرخ رشد اقتصادی شهرهای بزرگ چین در

دیدگاهی جامع‌تر از اطلاعات خود داشته باشند و تحلیل‌های دقیق‌تری انجام دهند. این ویژگی‌ها باعث می‌شود سازمان‌ها بتوانند با سرعت بیشتری تصمیم‌گیری کنند، عملیات خود را بهینه کنند و در محیط رقابتی امروز نوآورتر عمل کنند.

۳۷۸ - "سرمایه‌گذاری چین در زیرساخت‌های داده و ابر:"

<https://www.canalys.com/newsroom/mainland-chinas-cloud-service-q3-2023>

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

سال ۲۰۲۴ به طور متوسط ۶,۵ درصد بوده که بالاتر از میانگین ملی است. همچنین، با افزایش کیفیت زیرساخت‌ها، رضایت عمومی نیز افزایش یافته و بر اساس نظرسنجی‌ها، بیش از ۸۰ درصد از ساکنان شهرهای بزرگ از خدمات عمومی راضی هستند. این تحولات نه تنها به رشد اقتصادی کمک کرده بلکه به ایجاد یک جامعه پایدارتر و مرفه‌تر نیز منجر شده است.

✓ توسعه روستاها:

یکی دیگر از بخش‌های مهم سرمایه‌گذاری چین، ارتقای زیرساخت‌های روستایی است. برنامه‌های دولتی شامل بهبود دسترسی به اینترنت، آب و برق، و تسهیل دسترسی به خدمات بهداشتی و آموزشی در مناطق روستایی است.

سرمایه‌گذاری چین در توسعه روستایی به عنوان بخشی از استراتژی احیای روستاها، اهداف مهمی را دنبال می‌کند. این استراتژی که در سال ۲۰۱۷ توسط شی جین‌پینگ معرفی شد، هدف اصلی خود را کاهش نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی بین مناطق شهری و روستایی قرار داده است. بر اساس آمار، درآمد ساکنان شهری تقریباً ۲,۶۵ برابر درآمد ساکنان روستایی است، و این نابرابری نیازمند اقداماتی جدی است. هدف این سرمایه‌گذاری‌ها شامل بهبود زیرساخت‌ها، ارتقاء فناوری‌های کشاورزی و افزایش حقوق مالکیت کشاورزان می‌شود. به عنوان مثال، پیش‌بینی می‌شود که بازار اقتصاد دیجیتال کشاورزی چین از حدود ۶۰۰ میلیارد یوان (تقریباً ۹۴ میلیارد دلار) در سال ۲۰۲۱ به ۱,۲ تریلیون یوان (تقریباً ۱۸۸ میلیارد دلار) تا سال ۲۰۲۵ رشد کند، که نشان‌دهنده توجه ویژه به نوآوری‌های فناوری در بخش کشاورزی است.

نتایج این سرمایه‌گذاری‌ها نیز قابل توجه بوده است. برنامه‌های مختلفی برای بهبود شرایط زندگی در مناطق روستایی طراحی شده که شامل آموزش و ارتقاء مهارت‌ها، توسعه زیرساخت‌های عمومی و خدمات بهداشتی می‌شود. بر اساس گزارش‌ها، دولت چین موفق به کاهش فقر مطلق در پایان سال ۲۰۲۰ شده و حالا تمرکز خود را بر روی توسعه پایدار و احیای روستاها قرار داده است. این تحولات نه تنها به بهبود کیفیت زندگی در مناطق روستایی کمک کرده بلکه به ایجاد فرصت‌های جدید برای سرمایه‌گذاران خارجی نیز منجر شده است. در مجموع، استراتژی احیای روستاها نشان‌دهنده تعهد چین به توسعه متوازن اقتصادی و اجتماعی است.^{۳۷۹}

۵. پروژه کمربند و جاده (Belt and Road Initiative)

✓ این پروژه، که به‌طور رسمی در سال ۲۰۱۳ توسط شی جین‌پینگ معرفی شد، شامل ساخت و توسعه زیرساخت‌های حیاتی در کشورهای مختلف از طریق تأسیس راه‌آهن، بزرگراه‌ها، بنادر، و حتی شبکه‌های برق و انرژی است.

۳۷۹ - "استراتژی احیای روستاها در چین":

<https://focus.cbbc.org/investment-opportunities-from-chinas-rural-revitalisation-strategy/>

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

✓ از زمان شروع این پروژه، چین بیش از ۴۰۰ میلیارد دلار در بیش از ۱۴۰ کشور در زمینه‌های مختلف زیرساختی سرمایه‌گذاری کرده است.

ج: تحولات صنعتی و فناوری:

تحولات صنعتی و فناوری در چین تحت رهبری شی جین‌پینگ یکی از ارکان اصلی استراتژی‌های توسعه اقتصادی این کشور است. از زمان به قدرت رسیدن شی جین‌پینگ در سال ۲۰۱۲، چین به طور خاص به تحول و مدرن‌سازی بخش‌های صنعتی و فناوری خود توجه ویژه‌ای داشته است. سیاست‌های اقتصادی او به دنبال ارتقاء چین به یک اقتصاد پیشرفته و نوآور با استفاده از فناوری‌های جدید و صنعتی‌سازی پایدار است.

تحولات صنعتی و فناوری: سیاست‌ها و اولویت‌ها

شی جین‌پینگ بر یک سری سیاست‌های کلیدی برای پیشبرد تحول صنعتی و فناوری چین تأکید کرده است. این سیاست‌ها شامل مدرن‌سازی صنایع، تسریع در تبدیل شدن چین به یک اقتصاد دیجیتال، و سرمایه‌گذاری گسترده در فناوری‌های نوین و زیرساخت‌های صنعتی است. در کنار این‌ها، شی جین‌پینگ بر اهمیت ارتقای ظرفیت‌های ملی چین در زمینه تحقیق و توسعه (R&D) و استفاده از فناوری‌های پیشرفته تأکید دارد.

مدرن‌سازی و نوآوری در صنایع

• صنعت تولیدی پیشرفته (Made in China 2025):

برنامه (Made in China 2025) یگی از اقدامات کلیدی برای مدرن‌سازی سیستم تولید چین و تقویت توانمندی‌های صنعتی کشور در زمینه‌هایی مانند هوش مصنوعی، انرژی‌های تجدیدپذیر و صنایع پیشرفته است.

۳۸۰ - برنامه "ساخت چین ۲۰۲۵" که در سال ۲۰۱۵ معرفی شد، هدف دارد تا چین را به یک قدرت جهانی در زمینه‌های فناوری و صنعت تبدیل کند. این برنامه بر بهبود و ارتقای ۱۰ صنعت استراتژیک تمرکز دارد. در اینجا به صورت تیتروار این صنایع و وضعیت کنونی و اهداف آنها آورده شده است:

۱. فن‌آوری اطلاعات (ICT)

✓ وضعیت امروز: چین یکی از بزرگترین تولیدکنندگان سخت‌افزارهای فناوری اطلاعات مانند گوشی‌های هوشمند، لپ‌تاپ‌ها و شبکه‌های اینترنت است.

✓ هدف: تبدیل شدن به پیشرو در تولید نیمه‌رساناها و پردازش داده‌های بزرگ.

✓ جایگاه مورد نظر: تبدیل به رهبر جهانی در صنعت نیمه‌رساناها و IT.

۲. دفاع و تجهیزات نظامی

✓ وضعیت امروز: چین در زمینه توسعه فناوری‌های دفاعی پیشرفت‌های زیادی داشته است و یکی از بزرگترین تولیدکنندگان تجهیزات نظامی است.

✓ هدف: ارتقای توانمندی‌های دفاعی و تولید تجهیزات نظامی پیشرفته‌تر.

✓ جایگاه مورد نظر: تبدیل به قدرت برجسته جهانی در فناوری نظامی و دفاعی.

۳. ماشین‌آلات و تجهیزات پیشرفته

✓ وضعیت امروز: چین تولیدکننده عمده تجهیزات صنعتی و ماشین‌آلات است.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

- ✓ هدف: بهبود بهره‌وری و دقت در تولید ماشین‌آلات پیشرفته.
 - ✓ جایگاه مورد نظر: تبدیل به بزرگترین تولیدکننده تجهیزات صنعتی با فناوری‌های نوین.
 - ۴. وسایل نقلیه جدید (خودروهای الکتریکی)
 - ✓ وضعیت امروز: چین بزرگترین بازار خودروی الکتریکی جهان است و چندین تولیدکننده بزرگ خودروهای برقی دارد.
 - ✓ هدف: رهبری بازار خودروهای الکتریکی و فناوری‌های مرتبط.
 - ✓ جایگاه مورد نظر: تبدیل به پیشتاز جهانی در تولید خودروهای الکتریکی و فناوری‌های خودران.
 - ۵. ماشین‌آلات کشاورزی
 - ✓ وضعیت امروز: چین در تولید ماشین‌آلات کشاورزی پیشرفت کرده، ولی همچنان نیاز به واردات دارد.
 - ✓ هدف: خودکفایی در تولید ماشین‌آلات کشاورزی و بهبود بهره‌وری کشاورزی.
 - ✓ جایگاه مورد نظر: تبدیل به بزرگترین تولیدکننده ماشین‌آلات کشاورزی با فناوری‌های نوین.
 - ۶. مواد پیشرفته (نانومواد و متریال‌های خاص)
 - ✓ وضعیت امروز: چین یکی از بزرگترین تولیدکنندگان مواد اولیه و محصولات شیمیایی است.
 - ✓ هدف: تولید مواد پیشرفته مانند نانومواد، سرامیک‌ها و فلزات خاص برای صنایع مختلف.
 - ✓ جایگاه مورد نظر: تبدیل به پیشتاز در تولید و کاربرد مواد پیشرفته.
 - ۷. بیوتکنولوژی
 - ✓ وضعیت امروز: چین در تحقیقات و توسعه بیوتکنولوژی پیشرفت‌هایی داشته است، اما هنوز در مقایسه با کشورهای غربی فاصله دارد.
 - ✓ هدف: تبدیل شدن به رهبری جهانی در تحقیق و تولید محصولات بیوتکنولوژیک.
 - ✓ جایگاه مورد نظر: تبدیل به پیشتاز جهانی در بیوتکنولوژی و داروسازی.
 - ۸. فن‌آوری دریایی
 - ✓ وضعیت امروز: چین یکی از بزرگترین تولیدکنندگان کشتی‌ها و تجهیزات دریایی است.
 - ✓ هدف: توسعه فناوری‌های دریایی و ساخت کشتی‌های با فناوری پیشرفته.
 - ✓ جایگاه مورد نظر: تبدیل به رهبر جهانی در صنعت دریایی و ساخت کشتی‌های پیشرفته.
 - ۹. فضا و هوافضا
 - ✓ وضعیت امروز: چین به سرعت در حال توسعه برنامه فضایی خود است و پروژه‌هایی مانند ایستگاه فضایی Tiangong را اجرا کرده است.
 - ✓ هدف: تبدیل شدن به یکی از قدرت‌های بزرگ فضایی.
 - ✓ جایگاه مورد نظر: تبدیل به پیشتاز جهانی در فناوری‌های فضایی و سفر به فضا.
 - ۱۰. محیط زیست و انرژی‌های تجدیدپذیر
 - ✓ وضعیت امروز: چین یکی از بزرگترین تولیدکنندگان پنل‌های خورشیدی و توربین‌های بادی است.
 - ✓ هدف: افزایش سهم انرژی‌های تجدیدپذیر و کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای.
 - ✓ جایگاه مورد نظر: تبدیل به رهبر جهانی در استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر و فناوری‌های محیط زیستی.
- برنامه "ساخت چین ۲۰۲۵" هدف دارد تا چین را به یک قدرت جهانی در صنایع پیشرفته تبدیل کرده و این صنایع را با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و افزایش خودکفایی، در صدر جهانی قرار دهد.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

این برنامه که در سال ۲۰۱۵ معرفی شد، هدف اصلی خود را ارتقاء توانمندی‌های تولیدی چین و حرکت به سمت تولید محصولات با فناوری بالا قرار داده است. یکی از اهداف کلیدی این برنامه، افزایش محتوای داخلی مواد اولیه به ۴۰ درصد تا سال ۲۰۲۰ و ۷۰ درصد تا سال ۲۰۲۵ است. این برنامه همچنین بر تولید محصولات با فناوری پیشرفته، به ویژه در صنایع نیمه‌هادی، هوش مصنوعی، و وسایل نقلیه الکتریکی تأکید دارد. بر اساس آمار، چین در حال حاضر حدود ۶۰ درصد از تقاضای جهانی نیمه‌هادی‌ها را دارد اما تنها ۱۳ درصد از عرضه جهانی را تولید می‌کند، که نشان‌دهنده نیاز این کشور به خودکفایی در این حوزه است.

نتایج این برنامه نیز قابل توجه بوده است. طبق گزارش‌ها، بیش از ۸۶ درصد از اهداف تعیین‌شده در این برنامه تا سال ۲۰۲۴ محقق شده است. به‌ویژه در بخش‌هایی مانند وسایل نقلیه الکتریکی و انرژی‌های تجدیدپذیر، اهداف به‌طور قابل توجهی فراتر رفته‌اند. همچنین، چین به عنوان یکی از رهبران جهانی در پنج فناوری کلیدی شامل راه‌آهن پرسرعت، گرافن، پمپا‌های بدون سرنشین، پنل‌های خورشیدی و باتری‌های لیتیومی شناخته شده است. این تحولات نشان‌دهنده پیشرفت‌های قابل توجه چین در راستای تبدیل شدن به یک قدرت صنعتی پیشرفته و رقابتی در سطح جهانی است.

• حمایت از صنایع با فناوری‌های پیشرفته:

دولت چین از صنایع با فناوری‌های نوین مانند رباتیک، هوش مصنوعی، نیمه‌هادی‌ها، فناوری‌های فضایی و بیوتکنولوژی به شدت حمایت می‌کند.

سرمایه‌گذاری چین در حمایت از صنایع با فناوری پیشرفته به عنوان بخشی از استراتژی "ساخت چین ۲۰۲۵" اهداف مهمی را دنبال می‌کند. این برنامه که در سال ۲۰۱۵ معرفی شد، هدف اصلی خود را تبدیل چین به یک قدرت جهانی در تولید محصولات با فناوری بالا قرار داده است. بر اساس گزارش‌ها، دولت چین برای حمایت از این صنایع، بیش از ۱ تریلیون یوان (حدود ۱۵۰ میلیارد دلار) در سال‌های اخیر سرمایه‌گذاری کرده است. این سرمایه‌گذاری شامل تأمین مالی برای تحقیق و توسعه، ارائه یارانه‌ها و تسهیلات مالی به شرکت‌های نوآور و ایجاد مناطق صنعتی ویژه برای فناوری‌های نوین است. به عنوان مثال، چین تا سال ۲۰۲۴ بیش از ۵۳ منطقه توسعه فناوری پیشرفته را تأسیس کرده است که به تجمع صنایع با فناوری بالا در مناطق مختلف کشور کمک کرده است.

نتایج این سرمایه‌گذاری‌ها نیز قابل توجه بوده است. طبق آمار، سهم صنایع با فناوری پیشرفته از تولید ناخالص داخلی چین از ۱۱ درصد در سال ۲۰۱۵ به بیش از ۲۰ درصد در سال ۲۰۲۵ رسید. این رقم به حدود ۱۴ تریلیون یوان (تقریباً ۲ تریلیون دلار) رسیده است. همچنین، این تحولات نشان‌دهنده موفقیت چین در تبدیل شدن به یک مرکز جهانی برای نوآوری و تولید محصولات با فناوری پیشرفته است. علاوه بر این، برنامه‌های حمایتی دولت باعث افزایش اشتغال و رشد اقتصادی پایدار شده و به تقویت موقعیت چین در بازارهای جهانی کمک کرده است.

اقتصاد دیجیتال و فناوری اطلاعات

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

- **اینترنت و G5:** چین یکی از پیشگامان جهانی در حوزه فناوری اطلاعات و اینترنت است. از جمله برنامه‌های مهم دولت چین، پیاده‌سازی شبکه G5 و ایجاد زیرساخت‌های دیجیتال برای پشتیبانی از اقتصاد دیجیتال است که پیش از این به آن اشاره کردیم.

- **تحول در تجارت الکترونیک:** رشد سریع شرکت‌های تجارت الکترونیک مانند علی‌بابا و تن‌سنت نمونه‌هایی از پیشرفت‌های بزرگ در این حوزه هستند. همچنین، چین در زمینه پرداخت‌های موبایلی و خدمات آنلاین پیشرو است.

توسعه تجارت الکترونیک در چین تحت رهبری شی جین‌پینگ به عنوان یکی از دستاوردهای کلیدی در اقتصاد دیجیتال این کشور شناخته می‌شود. با توجه به آمارها، فروش خرده‌فروشی آنلاین چین در سال ۲۰۲۳ به بیش از ۲,۶۸ تریلیون دلار رسید که تقریباً ۵۰ درصد از کل معاملات آنلاین در سطح جهانی را تشکیل می‌دهد. پیش‌بینی می‌شود که این بازار با نرخ رشد سالانه ۱۰,۰۷ درصد به ۳,۸۵ تریلیون دلار تا سال ۲۰۲۴ و ۲,۵۴ تریلیون دلار تا سال ۲۰۳۰ برسد. این رشد چشمگیر نشان‌دهنده تغییر عمیق در عادات خرید مصرف‌کنندگان چینی و افزایش دسترسی به اینترنت و فناوری‌های دیجیتال است. یکی از عوامل کلیدی در موفقیت تجارت الکترونیک چین، پذیرش گسترده تجارت سیار (mobile commerce) است. با بیش از ۹۷۵ میلیون کاربر گوشی هوشمند، بیش از ۶۴ درصد خریدهای آنلاین از طریق دستگاه‌های موبایل انجام می‌شود. پلتفرم‌هایی مانند WeChat و Alipay با ارائه خدمات یکپارچه‌ای که شامل رسانه‌های اجتماعی، پردازش پرداخت و خرید آنلاین می‌شود، تجربه خرید را برای مصرف‌کنندگان تسهیل کرده‌اند. همچنین، اقتصاد بدون نقدی در چین رونق یافته و کیف پول‌های دیجیتال حدود ۵۹ درصد از معاملات را به خود اختصاص داده‌اند، که نشان‌دهنده اعتماد مصرف‌کنندگان به این روش‌های پرداخت است.

علاوه بر این، زیرساخت‌های لجستیکی تجارت الکترونیک چین یکی از کارآمدترین‌ها در سطح جهانی است. شرکت‌هایی مانند Cainiao (بازوی لجستیکی Alibaba) و JD Logistics قادر به ارائه خدمات تحویل همان روز یا روز بعد در شهرهای بزرگ هستند که به طور قابل توجهی رضایت مصرف‌کنندگان را افزایش داده و فروش را تقویت کرده است. همچنین، سیاست‌های تجاری دیجیتال دولت مانند ابتکار کمربند و جاده (BRI) به گسترش تجارت الکترونیک مرزی کمک کرده و میلیون‌ها مصرف‌کننده جدید را به دنیای دیجیتال وارد کرده است. تجارت الکترونیک چینی‌ها همچنین تأثیر قابل توجهی بر تجارت جهانی داشته است. صادرات چین از طریق پلتفرم‌های تجارت الکترونیک در سال ۲۰۲۳ با رشد ۱۵,۶ درصدی به ۳۳۱ میلیارد دلار رسید. شرکت‌هایی مانند AliExpress و Shein با ارائه محصولات مقرون به صرفه مستقیماً به مصرف‌کنندگان، بازار جهانی را تحت تأثیر قرار داده‌اند. همچنین، چین پیشگام خرید زنده (livestream shopping) بوده است که در آن تأثیرگذاران و برندها محصولات را به صورت زنده تبلیغ می‌کنند و این استراتژی بازاریابی اکنون توسط پلتفرم‌هایی مانند Amazon Live و TikTok Shop نیز مورد استفاده قرار گرفته است.^{۳۸۱}

۳۸۱ - "توسعه تجارت الکترونیک در چین":

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

تحول در بخش انرژی و خودروسازی

- انرژی‌های تجدیدپذیر: چین به بزرگترین تولیدکننده انرژی‌های تجدیدپذیر در جهان تبدیل شده است و هم‌اکنون در حال سرمایه‌گذاری‌های عظیم در زمینه انرژی خورشیدی، بادی، و هیدروالکتریک است.
- خودروهای الکتریکی: چین یکی از بزرگ‌ترین بازارهای خودروهای الکتریکی در جهان است و شرکت‌هایی مانند BYD و NIO در حال پیشرفت‌های چشمگیری در تولید این نوع خودروها هستند.^{۳۸۲}

نوآوری و تحقیق و توسعه (R&D)

- افزایش سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه: چین به شدت بر تحقیق و توسعه تمرکز کرده و در حال افزایش هزینه‌های خود در این زمینه است. در سال‌های اخیر، چین به یکی از کشورهای پیشرو در زمینه تحقیق و توسعه در جهان تبدیل شده است.
- حمایت از استارت‌آپ‌ها و شرکت‌های نوآور: دولت چین از شرکت‌های نوپا و استارت‌آپ‌های فناوری در زمینه‌های مختلف از جمله هوش مصنوعی، اینترنت اشیا (IoT)، و بیوتکنولوژی حمایت می‌کند.

۳۸۲ - بی‌وای دی (BYD)، که مخفف عبارت **Build Your Dreams** است، یک شرکت خودروسازی چینی واقع در شهر شنژن می‌باشد. این شرکت در سال ۲۰۰۳ تأسیس شده و به عنوان یکی از پیشروترین تولیدکنندگان خودروهای برقی و هیبریدی در جهان شناخته می‌شود. **NIO**، یکی دیگر از شرکت خودروسازی چینی است که در سال ۲۰۱۴ تأسیس شده و در طراحی و تولید خودروهای برقی و هوشمند تخصص دارد. دفتر مرکزی این شرکت در شانگهای واقع شده و به عنوان یکی از پیشروان صنعت خودروهای برقی در جهان شناخته می‌شود.

۳۸۳ - اینترنت اشیا (IoT)، **Internet of Things**، به شبکه‌ای از دستگاه‌ها و اشیاء فیزیکی اشاره دارد که قادر به جمع‌آوری، ارسال و تبادل داده‌ها از طریق اینترنت هستند. این فناوری به دستگاه‌ها اجازه می‌دهد تا بدون نیاز به دخالت انسانی با یکدیگر ارتباط برقرار کنند و اطلاعات را پردازش کنند.

ویژگی‌ها و کاربردهای اینترنت اشیا

۱. اتصال دستگاه‌ها: اینترنت اشیا شامل میلیاردها دستگاه متصل به اینترنت است که می‌توانند از حسگرها، نرم‌افزارها و سایر فناوری‌ها برای جمع‌آوری و تبادل داده‌ها استفاده کنند. این دستگاه‌ها می‌توانند از وسایل خانگی مانند یخچال و ترموستات گرفته تا تجهیزات صنعتی پیچیده باشند.

۲. کاربردهای متنوع: IoT در صنایع مختلف کاربرد دارد، از جمله:

- ✓ کشاورزی هوشمند: استفاده از حسگرها برای نظارت بر شرایط خاک و آب و بهینه‌سازی مصرف منابع.
 - ✓ بهداشت و درمان: دستگاه‌های پزشکی متصل که می‌توانند اطلاعات بیماران را به صورت آنلاین ارسال کنند.
 - ✓ حمل و نقل: سیستم‌های مدیریت ترافیک هوشمند که می‌توانند جریان ترافیک را بهبود بخشند.
۳. معماری اینترنت اشیا: این سیستم شامل چندین لایه است که شامل حسگرها، اتصالات، پردازش داده، تحلیل داده و رابط کاربری می‌شود. هر یک از این لایه‌ها نقش خاصی در جمع‌آوری و پردازش اطلاعات دارند.

۴. مزایای IoT:

- ✓ بهبود کارایی: با استفاده از داده‌های جمع‌آوری شده، سازمان‌ها می‌توانند فرآیندهای خود را بهینه‌سازی کنند.
- ✓ کاهش هزینه‌ها: اتوماسیون فرآیندها می‌تواند منجر به کاهش هزینه‌های عملیاتی شود.
- ✓ افزایش امنیت: با نظارت مداوم بر سیستم‌ها، امکان شناسایی سریع مشکلات و خطرات وجود دارد.

۵. چالش‌ها

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

مثالهایی از تحولات صنعتی و فناوری در بخش‌های مختلف

صنعت خودروسازی

- **گسترش خودروهای الکتریکی:** چین به یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان خودروهای الکتریکی (EV) تبدیل شده است. طبق گزارش‌ها، چین در سال ۲۰۲۳ بیش از ۵ میلیون خودرو الکتریکی تولید کرد که بیش از نیمی از تولید جهانی را شامل می‌شود.
- **سرمایه‌گذاری:** دولت چین و شرکت‌های خصوصی در مجموع بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار در پروژه‌های مربوط به خودروهای الکتریکی و باتری‌های لیتیم-یون سرمایه‌گذاری کرده‌اند.
- **BYD و NIO:** این دو برند چینی در حال تبدیل شدن به رقبای جهانی در صنعت خودروهای الکتریکی هستند. BYD به عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده EV در چین، پیش‌بینی می‌شود که فروش جهانی خود را به بیش از ۲ میلیون واحد تا سال ۲۰۲۵ افزایش دهد.

هوش مصنوعی و رباتیک

- **پیشرفت در هوش مصنوعی:** چین یکی از پیشگامان جهانی در زمینه توسعه هوش مصنوعی است. طبق پیش‌بینی‌ها، چین تا سال ۲۰۳۰ قصد دارد بازار هوش مصنوعی خود را به ۱۵۰ میلیارد دلار برساند.
- **رباتیک و اتوماسیون:** چین به سرعت در حال گسترش صنعت رباتیک است. بر اساس گزارش‌ها، چین در سال ۲۰۲۲ بیش از ۲۰۰,۰۰۰ ربات صنعتی نصب کرده است که بزرگ‌ترین بازار جهانی ربات‌های صنعتی را تشکیل می‌دهد.

انرژی‌های تجدیدپذیر

- **سرمایه‌گذاری در انرژی خورشیدی و بادی:** چین به بزرگ‌ترین تولیدکننده انرژی خورشیدی و بادی در جهان تبدیل شده است. طبق گزارش‌ها، چین بیش از ۴۰ درصد از ظرفیت جهانی انرژی خورشیدی و بادی را تولید می‌کند.
- **سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر:** چین در سال ۲۰۲۳ بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار در پروژه‌های انرژی‌های تجدیدپذیر و انرژی پاک سرمایه‌گذاری کرده است.

✓ امنیت سایبری: با افزایش تعداد دستگاه‌های متصل، خطرات امنیتی نیز افزایش می‌یابد. هکرها می‌توانند به راحتی به سیستم‌های متصل نفوذ کنند.

✓ حریم خصوصی: جمع‌آوری داده‌های شخصی توسط دستگاه‌های متصل ممکن است نگرانی‌هایی درباره حریم خصوصی ایجاد کند.

✓ استانداردها و سازگاری: نبود استانداردهای جهانی برای ارتباط بین دستگاه‌ها می‌تواند مشکلاتی را ایجاد کند.

اینترنت اشیا (IoT) یک فناوری تحول‌آفرین است که پتانسیل تغییر شیوه زندگی و کار انسان‌ها را دارد. با وجود چالش‌هایی که این فناوری با آن مواجه است، انتظار می‌رود که IoT در آینده نزدیک تأثیرات عمیقی بر صنایع مختلف داشته باشد و زندگی روزمره را هوشمندتر کند.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

فناوری اطلاعات و G۵

- شبکه G۵: چین به عنوان یکی از پیشگامان در توسعه فناوری G۵ شناخته می‌شود. شرکت‌هایی مانند هواوی و ZTE در حال رهبری این تحول هستند. چین در سال ۲۰۲۳ بیش از ۱,۶ میلیون ایستگاه پایه G۵ نصب کرده است.
- سرمایه‌گذاری در G۵: سرمایه‌گذاری چین در زیرساخت‌های G۵ تا سال ۲۰۲۵ به بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود.

توسعه فناوری فضایی

- پروژه‌های فضایی: چین یکی از برنامه‌های فضایی پیشرفته دنیا را دارد. چین تا سال ۲۰۲۳ بیش از ۱۵ میلیارد دلار در پروژه‌های فضایی خود سرمایه‌گذاری کرده است. این کشور به تازگی ایستگاه فضایی خود را راه‌اندازی کرده است و برنامه‌های آینده شامل سفرهای فضایی انسان به ماه و مریخ است.
- نیمه‌هادی‌ها و فناوری‌های پیشرفته
- توسعه صنعت نیمه‌هادی‌ها: چین به دنبال کاهش وابستگی خود به واردات تراشه‌های خارجی است. در سال ۲۰۲۳، چین حدود ۵۰ میلیارد دلار در صنعت نیمه‌هادی‌ها سرمایه‌گذاری کرده است تا تولید تراشه‌های خود را تقویت کند.
- خودکفایی در فناوری‌های نیمه‌هادی: با توجه به تحریم‌های تجاری از سوی ایالات متحده، چین به طور ویژه به سرمایه‌گذاری در تولید تراشه‌های پیشرفته و توسعه فناوری‌های نیمه‌هادی پرداخته است.^۸

د: اصلاحات در نظام مالی و پولی:

اصلاحات در نظام مالی و پولی چین تحت رهبری شی جین‌پینگ یکی از اجزای کلیدی استراتژی‌های اقتصادی این کشور است. این اصلاحات نه تنها به منظور تقویت و مدرن‌سازی سیستم مالی داخلی چین، بلکه برای افزایش شفافیت، کارایی، و ثبات اقتصادی در برابر تحولات جهانی و چالش‌های داخلی صورت گرفته است.

اهداف اصلاحات در نظام مالی و پولی چین:

اصلاحات در بخش‌های مالی و پولی چین تحت رهبری شی جین‌پینگ به‌طور کلی در چهار حوزه اصلی قرار می‌گیرد:

۱. بازار مالی آزادتر و شفاف‌تر: تقویت ساختار مالی با توجه به نیازهای اقتصاد بازار.
۲. نظام ارزی و پولی: اصلاحات در سیاست‌های پولی و تقویت ارزش یوان.
۳. تقویت نظارت و مقررات مالی: تقویت نظارت مالی برای جلوگیری از بحران‌های مالی و بهبود شفافیت.

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

۴. گسترش سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی و بین‌المللی کردن یوان: تقویت نقش یوان در تجارت جهانی و بهبود دسترسی به بازارهای جهانی.

بازار مالی آزادتر و شفاف‌تر

یکی از مهم‌ترین اصلاحات در نظام مالی چین در دوران رهبری شی جین‌پینگ، حرکت به سوی یک بازار مالی آزادتر و شفاف‌تر است. این اصلاحات شامل اقدامات زیر است:

۱.۱. بازار سهام و اوراق بهادار

چین در تلاش است تا بازار سهام خود را شفاف‌تر و رقابتی‌تر کند. در این راستا:

- سازمان نظارت بر اوراق بهادار چین^۴ (CSRC) اقداماتی برای تقویت شفافیت شرکت‌های بورسی و جلوگیری از سوءاستفاده‌های مالی انجام داده است. این اصلاحات در خصوص گزارش‌دهی شرکت‌ها، نظارت بر فعالیت‌های تجاری و معاملات داخلی شامل استفاده از فناوری‌های نوین مانند بلاکچین برای افزایش شفافیت بازار بوده است.

۱.۲. بازار بدهی‌ها و قرضی

- پذیرش بازار اوراق قرضه بین‌المللی: چین تلاش کرده است تا بازار اوراق قرضه خود را برای سرمایه‌گذاران خارجی جذاب‌تر کند. از سال ۲۰۱۷، چین در تلاش است تا پذیرش بازار اوراق قرضه خود در خارج از کشور را افزایش دهد. به عنوان مثال، چین در سال ۲۰۲۳ نزدیک به ۲۵۰ میلیارد دلار اوراق قرضه دولتی در بازارهای بین‌المللی منتشر کرد.

اصلاحات در سیاست‌های پولی و ارزی

نظام پولی و ارزی چین در سال‌های اخیر اصلاحات قابل توجهی را تجربه کرده است. مهم‌ترین اقدامات در این زمینه عبارتند از:

۱. مدیریت ارزش یوان

- رژیم ارزی قابل انعطاف‌تر:

چین در سال‌های اخیر تغییرات قابل توجهی در نظام ارزی خود ایجاد کرده است تا بتواند با نوسانات اقتصادی جهانی بهتر سازگار شود. از سال ۲۰۱۵، این کشور تلاش کرده است تا یوان (RMB) را از کنترل مستقیم نرخ ارز خارج کرده و به یک نظام ارزی انعطاف‌پذیرتر منتقل کند. در ادامه به بررسی این موضوع می‌پردازیم.

۳۸۴ - سازمان نظارت بر اوراق بهادار چین (CSRC)، نهاد اصلی نظارتی در صنعت اوراق بهادار و آتی در چین است. این سازمان مشابه کمیسیون بورس و اوراق بهادار ایالات متحده (SEC) عمل می‌کند و مسئولیت حفظ نظم و عدالت در بازارهای مالی چین را بر عهده دارد.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

زمینه تاریخی و تحول

تغییرات اولیه (۲۰۰۵-۲۰۱۰): در ژوئیه ۲۰۰۵، چین اعلام کرد که از یک نرخ ثابت به دلار آمریکا به یک رژیم نرخ ارز شناور مدیریت شده تغییر می‌کند. این سیستم جدید به یوان اجازه می‌دهد تا در یک باند محدود حول یک نرخ مرکزی نوسان کند، که تحت تأثیر عرضه و تقاضای بازار و همچنین سبدهی از ارزها قرار دارد. در سال‌های بعد، به ویژه تا نیمه ۲۰۰۸، چین به تدریج اجازه داد تا یوان تقویت شود و به فشارهای بین‌المللی و مازاد تجاری خود پاسخ دهد.

تنظیمات پس از بحران مالی جهانی: پس از بحران مالی جهانی در ۲۰۰۸، چین سیاست تقویت ارز را متوقف کرد، اما در ژوئن ۲۰۱۰ اصلاحات را دوباره آغاز کرد و بر افزایش انعطاف‌پذیری نرخ ارز تأکید کرد. بانک مرکزی چین (PBOC) از آن زمان به دنبال تقویت جنبه‌های مبتنی بر بازار ارزش یوان بوده است، در حالی که هنوز برخی کنترل‌ها بر نوسانات آن وجود دارد.

استراتژی و اهداف فعلی

رژیم شناور مدیریت شده: در حال حاضر، رژیم نرخ ارز چین به عنوان یک شناور مدیریت شده شناخته می‌شود، جایی که بانک مرکزی به طور انتخابی در بازار ارز مداخله می‌کند تا ثبات ارز را حفظ کند و از نوسانات شدید جلوگیری کند. این مداخله شامل تعیین یک نرخ مرکزی روزانه برای یوان در برابر سایر ارزها است که به عنوان نقطه مرجع برای معاملات روزانه عمل می‌کند. با وجود این اقدامات، همچنان تلاش برای افزایش انعطاف‌پذیری و تأثیر بازار بر ارزش یوان ادامه دارد.

اهداف برای انعطاف‌پذیری: اهداف اصلی افزایش انعطاف‌پذیری شامل موارد زیر است:

تاب‌آوری اقتصادی: نرخ ارز انعطاف‌پذیرتر می‌تواند به جذب شوک‌های خارجی کمک کند و اثربخشی سیاست‌های پولی را افزایش دهد.

ادغام با بازارهای جهانی: با توجه به تلاش چین برای ادغام عمیق‌تر در اقتصاد جهانی، نرخ ارزی مبتنی بر بازار ضروری برای تعاملات روان‌تر با دیگر اقتصادهای بزرگ دیده می‌شود.

تقویت انتقال سیاست‌های پولی: انتظار می‌رود که انعطاف‌پذیری بیشتر نحوه تأثیرگذاری سیاست‌های پولی بر شرایط اقتصادی داخلی را بهبود بخشد.

با وجود این اصلاحات، چالش‌هایی نیز باقی مانده است. بانک مرکزی هنوز کنترل قابل توجهی بر حرکات ارزی دارد که منجر به انتقادهایی شده است مبنی بر اینکه نرخ ارز چین نسبت به دیگر کشورها با ارزهای کاملاً شناور کمتر انعطاف‌پذیر است. علاوه بر این، فشارهای خارجی از سوی شرکای تجاری همچنان بر تصمیمات سیاست ارزی چین تأثیر می‌گذارد. به طور خلاصه، اگرچه چین از سال ۲۰۱۵ گام‌هایی به سوی یک رژیم نرخ ارز انعطاف‌پذیرتر برداشته است، اما همچنان باید بین اجازه دادن به نیروهای بازار برای ایفای نقش بزرگ‌تر و مدیریت

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

ارز برای ثبات اقتصادی تعادل برقرار کند. اصلاحات جاری نه تنها برای توسعه اقتصادی چین بلکه برای موقعیت آن در نظام مالی جهانی بسیار حائز اهمیت است.^{۳۸۵}

• تثبیت یوان در بازار جهانی:

چین به دنبال این است که یوان را به عنوان یک ارز بین‌المللی معرفی کند و این هدف استراتژیک به منظور افزایش نفوذ اقتصادی جهانی و کاهش وابستگی به دلار آمریکا است. این ابتکار شامل چندین مولفه کلیدی است و با چالش‌های مختلفی مواجه است.

اهداف بین‌المللی‌سازی یوان

۱. پذیرش و استفاده جهانی

در سال ۲۰۲۴، ارزهای برتر در تجارت بین‌المللی شامل دلار آمریکا (USD) و یورو (EUR) هستند که به‌طور کلی بیش از ۷۰ درصد از پرداخت‌های جهانی را تشکیل می‌دهند. دلار آمریکا همچنان به عنوان ارز غالب شناخته می‌شود و در حدود ۴۰ درصد از تمام معاملات بین‌المللی مورد استفاده قرار می‌گیرد، در حالی که یورو با حدود ۳۰ درصد در رتبه دوم قرار دارد. سایر ارزهای قابل توجه شامل پوند بریتانیا (GBP)، ین ژاپن (JPY) و فرانک سوئیس (CHF) هستند. یوان چینی (CNY) با وجود اینکه چین یکی از بزرگ‌ترین اقتصادهای جهان است، به عنوان هشتمین ارز پرکاربرد در پرداخت‌های بین‌المللی شناخته می‌شود و سهم آن در معاملات جهانی تقریباً ۲٫۵ درصد و برخی منابع این سهم را ۴٫۷۴ درصد می‌دانند. چین به‌طور فعال در تلاش است تا پذیرش یوان را در تجارت و مالی بین‌المللی افزایش دهد. دولت چین اهداف بلندپروازانه‌ای برای تقویت موقعیت یوان تعیین کرده و هدف دارد که سهم این ارز در پرداخت‌های جهانی تا سال ۲۰۳۰ به حدود ۱۰ درصد برسد.^{۳۸۶}

۲. استراتژی دفاعی در برابر تحریم‌ها

چین به منظور مقابله با تحریم‌ها و کاهش تأثیرات آن‌ها بر اقتصاد خود، استراتژی‌های متعددی را در پیش گرفته است. یکی از این استراتژی‌ها، ترویج استفاده از یوان در معاملات جهانی است. با توجه به تنش‌های ژئوپلیتیکی، به ویژه در مورد تایوان، چین تلاش می‌کند تا از یوان به عنوان یک سپر مالی در برابر فشارهای اقتصادی خارجی

^{۳۸۵}China's Evolving Exchange Rate Regime: <https://www.elibrary.imf.org/view/journals/001/2019/050/article-A001-en.xml> & China's Currency Policy: An Analysis of the Economic Issues:

<https://www.everycrsreport.com/reports/RS21625.html> & China's New Currency Peg :

<https://www.cfr.org/blog/chinas-new-currency-peg>

^{۳۸۶} - "رتبه‌بندی ارزها در تجارت بین‌المللی":

<https://www.statista.com/statistics/1189498/share-of-global-payments-by-currency/>

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

استفاده کند. در سال ۲۰۲۴، سهم یوان در معاملات بین‌المللی حدود ۲،۵ درصد بود و چین هدف دارد این سهم را تا سال ۲۰۳۰ به ۱۰ درصد افزایش دهد. این اقدام به چین این امکان را می‌دهد که وابستگی خود را به دلار آمریکا کاهش دهد و در برابر تحریم‌های احتمالی مقاومت بیشتری داشته باشد.

برای تحقق این هدف، چین اقداماتی نظیر ایجاد **توافقات تجاری دو جانبه** با کشورهای دیگر برای تسهیل استفاده از یوان را انجام داده است. به عنوان مثال، چین با کشورهای آسیای شرقی و آفریقایی توافقات تجاری امضا کرده که امکان تسویه حساب‌های تجاری به وسیله یوان را فراهم می‌کند. همچنین، چین در تلاش است تا کشورهای بیشتری را به استفاده از یوان برای ذخیره‌سازی ارزی تشویق کند. این اقدامات نه تنها به تقویت موقعیت یوان کمک می‌کند بلکه به چین اجازه می‌دهد تا نفوذ اقتصادی خود را در سطح جهانی گسترش دهد.

علاوه بر این، چین با ایجاد زیرساخت‌های مالی مناسب مانند بانک‌های مرکزی و سیستم‌های پرداخت بین‌المللی، زمینه را برای استفاده بیشتر از یوان فراهم کرده است. برای مثال، بانک مرکزی چین سیستم پرداخت بین‌المللی یوان (CIPS) را راه‌اندازی کرده که به تسهیل تراکنش‌های مالی بین‌المللی کمک می‌کند. این سیستم به بانک‌ها و شرکت‌ها اجازه می‌دهد تا بدون نیاز به دلار آمریکا، معاملات خود را انجام دهند و بدین ترتیب وابستگی خود را به ارزهای خارجی کاهش دهند. نتایج این استراتژی‌ها نیز قابل توجه بوده است. با افزایش استفاده از یوان در تجارت بین‌المللی، چین توانسته است نفوذ خود را در بازارهای جهانی افزایش دهد و از فشارهای اقتصادی ناشی از تحریم‌ها جلوگیری کند. همچنین، با توجه به رشد سریع تجارت الکترونیک و دیجیتال در چین، انتظار می‌رود که سهم یوان در آینده نزدیک افزایش یابد و این کشور بتواند نقش مهم‌تری در نظام مالی جهانی ایفا کند.

۳. توسعه یوان دیجیتال

در سال ۲۰۲۴، ارزش کل ارزهای دیجیتال به حدود **۳ تریلیون دلار** رسیده است و تجارت انجام شده با ارزهای دیجیتال در سطح جهانی به طور قابل توجهی در حال افزایش است. این رشد ناشی از پذیرش روزافزون ارزهای دیجیتال توسط افراد و کسب‌وکارها، بهبود زیرساخت‌های فناوری بلاک‌چین و افزایش استفاده از این ارزها در تراکنش‌های مالی است. معرفی یوان دیجیتال^{۲۷} (e-CNY) یکی دیگر از عناصر کلیدی استراتژی چین است.

^{۲۷} e-CNY - که به عنوان دیجیتال یوان نیز شناخته می‌شود، نسخه دیجیتالی ارز رسمی چین، (RMB) است. این ارز دیجیتال توسط بانک مرکزی چین (PBOC) صادر می‌شود و به عنوان یک ابزار پرداخت قانونی و مرکزی طراحی شده است.

ویژگی‌ها و اهداف e-CNY

۱. **هدف اصلی:** e-CNY به منظور تسهیل پرداخت‌های خرده‌فروشی در چین و بهبود سیستم پرداخت کشور معرفی شده است. این ارز دیجیتال به دنبال ایجاد یک روش پرداخت امن، سریع و کارآمد برای کاربران است.
۲. **عملکرد مشابه پول نقد:** e-CNY به عنوان یک نوع پول نقد دیجیتال عمل می‌کند و تمامی ویژگی‌های پول را دارد، از جمله واحد حساب، وسیله مبادله و ذخیره ارزش. این ارز می‌تواند برای خریدهای روزمره و معاملات کوچک استفاده شود.
۳. **ساختار دو لایه:** سیستم e-CNY دارای یک ساختار دو لایه است که شامل بانک‌های تجاری و بانک مرکزی می‌شود. بانک‌ها مسئول تسهیل تبادل e-CNY با پول نقد یا سپرده‌های بانکی هستند، در حالی که بانک مرکزی کنترل عرضه e-CNY را بر عهده دارد.

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

بانک مرکزی چین (PBOC) در پروژه‌هایی برای ایجاد پلتفرم‌هایی برای پرداخت‌های مرزی با استفاده از ارزهای دیجیتال بانک مرکزی (CBDC) مشارکت دارد که می‌تواند نقش یوان را در مالی جهانی تقویت کند. این ابتکار هدف دارد تا استانداردهایی برای ارزهای دیجیتال ایجاد کند و بر تسلط دلار چالش ایجاد کند.

۲. نظام مالی بین‌المللی و گسترش نقش یوان

- افزایش استفاده از یوان در تجارت جهانی: چین برای افزایش نقش یوان در تجارت جهانی و به‌ویژه در سیستم‌های پرداخت بین‌المللی (مانند سیستم‌های SWIFT) تلاش کرده است. بر اساس گزارش‌های بانک مرکزی چین، تا سال ۲۰۲۲، سهم یوان در معاملات جهانی به حدود ۳٫۲ درصد رسیده است که در مقایسه با سال ۲۰۱۰ که این رقم ۰٫۸ درصد بود، رشد چشمگیری داشته است.

تقویت نظارت و مقررات مالی

یکی دیگر از اصلاحات کلیدی در نظام مالی چین، تقویت نظارت مالی برای مقابله با بحران‌های مالی و بهبود شفافیت است. این اقدامات شامل موارد زیر می‌شود:

۱. اصلاحات نظارتی در سیستم مالی

- تقویت قوانین ضد فساد و نظارت مالی: دولت چین از زمان شروع رهبری شی جین‌پینگ، بر نظارت دقیق‌تری بر بخش مالی و مقابله با فساد در سیستم مالی تأکید داشته است. برای مثال، در سال ۲۰۱۸، چین قوانین جدیدی برای نظارت بیشتر بر بازارهای مالی و به‌ویژه در زمینه مدیریت سرمایه‌های خارجی تصویب کرد.

۴. حفاظت از حریم خصوصی: یکی از ویژگی‌های مهم e-CNY، امکان انجام معاملات با حفظ حریم خصوصی مدیریت‌شده است. این بدان معناست که کاربران می‌توانند تا حدی ناشناس باقی بمانند، در حالی که سیستم همچنان قادر به ردیابی فعالیت‌های غیرقانونی مانند پولشویی است.

۵. رقابت با ارزهای دیجیتال دیگر: هدف دیگر از معرفی e-CNY، رقابت با ارزهای دیجیتال غیرمتمرکز مانند بیت‌کوین و استیبل‌کوین‌هاست. این ارز دیجیتال تلاش دارد تا رنمینی را به عنوان ارز غالب در چین حفظ کند.

چالش‌ها

- ✓ رقابت با سیستم‌های پرداخت موجود: e-CNY باید با سیستم‌های پرداخت دیجیتال موجود مانند Alipay و WeChat Pay رقابت کند که در حال حاضر در چین بسیار محبوب هستند.
- ✓ نگرانی‌های امنیتی: با افزایش استفاده از ارزهای دیجیتال، نگرانی‌هایی درباره امنیت سایبری و حفاظت از اطلاعات شخصی کاربران وجود دارد.

e-CNY به عنوان یک ابتکار مهم در راستای تحول دیجیتالی اقتصاد چین، پتانسیل بالایی برای تغییر شیوه‌های پرداخت و افزایش کارایی اقتصادی دارد. این ارز دیجیتال نه تنها به تسهیل معاملات کمک می‌کند بلکه می‌تواند به عنوان ابزاری برای نظارت بر فعالیت‌های مالی نیز عمل کند.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

• **اصلاحات در بخش بانکی:** چین در حال توسعه سیستم نظارتی جدیدی برای بانک‌های تجاری است که شامل قوانین جدید برای مقابله با ریسک‌های اعتباری و مالی است. اصلاحات انجام شده، بسیاری از بانک‌ها را ملزم به انجام برنامه‌های ارزیابی ریسک و تطابق بیشتر با استانداردهای جهانی کرده است.

۲. تشدید قوانین مربوط به سایه‌بانک‌ها

• **بانکداری سایه^۸ (Shadow Banking):** از آنجا که چین به شدت به بانک‌های غیررسمی وابسته بود، اصلاحات در این بخش برای محدود کردن و نظارت بر این نوع بانک‌ها اهمیت ویژه‌ای داشت. اصلاحات در این بخش به کاهش خطرات سیستم مالی کمک کرده و برای شفاف‌تر شدن روندهای مالی ضروری بود.

گسترش سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی

چین از آغاز قرن ۲۱ به دنبال گسترش بازارهای مالی خود به سطح جهانی و ایجاد فضایی مناسب برای سرمایه‌گذاران خارجی بوده است.

۱. بازار سرمایه‌گذاری بین‌المللی

• سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI):

حجم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) در سطح جهانی به عنوان یک عامل کلیدی در رشد اقتصادی و توسعه کشورها شناخته می‌شود. در سال ۲۰۲۴، پیش‌بینی می‌شود که جریان‌های جهانی FDI به حدود ۱,۵ **تریلیون دلار** برسد، که نشان‌دهنده افزایش تدریجی نسبت به سال‌های گذشته است. این رشد به دلیل بهبود شرایط اقتصادی، افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران و سیاست‌های حمایتی دولت‌ها برای جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی صورت می‌گیرد. با این حال، چالش‌هایی نظیر نوسانات اقتصادی و تغییرات سیاسی همچنان بر روند FDI تأثیرگذار هستند.

در سال ۲۰۲۴، ایالات متحده با سهمی حدود **۲۰ درصد** از کل FDI، بزرگ‌ترین مقصد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در جهان محسوب می‌شود. چین در رتبه دوم قرار دارد و سهم آن تقریباً **۱۵ درصد** است، در حالی که کشورهای برزیل و هند به ترتیب با سهم‌های **۸ درصد** و **۶ درصد** در رتبه‌های بعدی قرار دارند. چین در سال ۲۰۲۲ نزدیک به **۱۸۰ میلیارد دلار** سرمایه‌گذاری خارجی جذب کرده است و برنامه‌هایی برای آینده خود دارد که شامل تقویت زیرساخت‌ها، توسعه فناوری‌های نوین و ایجاد محیطی مناسب برای سرمایه‌گذاران خارجی

۳۸۸ - بانکداری سایه Shadow Banking به مجموعه‌ای از نهادهای مالی غیر بانکی اشاره دارد که خدمات مشابهی با بانک‌های سنتی ارائه می‌دهند، اما تحت نظارت و قوانین بانکی قرار ندارند. این سیستم شامل مؤسسات مالی مانند صندوق‌های پوشش ریسک، شرکت‌های سرمایه‌گذاری خصوصی، و شرکت‌های وام‌دهی است که می‌توانند به ایجاد اعتبار بپردازند بدون اینکه الزامات سخت‌گیرانه‌ای که برای بانک‌ها وجود دارد را رعایت کنند.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

است.^{۳۸۹} برای مشاهده آمار دقیق و اطلاعات مرتبط با جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، می‌توانید به وبسایت UNCTAD به آدرس <https://unctad.org/> مراجعه کنید:

• پروژه‌های مشترک و همکاری‌های مالی:

چین همچنین در تلاش است تا در پروژه‌های بین‌المللی مانند ابتکار کمربند و جاده (BRI) مشارکت کند و با گسترش نفوذ مالی خود، زمینه جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی را فراهم کند. که بطور دقیق به شرح و تفصیل آن در فصول پیشین پرداخته شد.

۲. مدیریت ریسک‌های مالی بین‌المللی

چین همچنین به منظور کنترل ریسک‌های بین‌المللی و کاهش وابستگی به بازارهای مالی غربی، شروع به ایجاد سیستم‌های مالی موازی کرده است. از جمله مهم‌ترین این اقدامات، ایجاد شبکه پرداختی CIPS (Cross-Border Interbank Payment System) برای جایگزینی SWIFT بوده است.^{۳۹۰}

۳۸۹ Global Investment Trends Monitor, No. 47: <https://unctad.org/publication/global-investment-trends-monitor-no-47>

۳۹۰ - شبکه پرداختی CIPS (Cross-Border Interbank Payment System) یک سیستم پرداخت و تسویه حساب بین‌بانکی است که به منظور تسهیل معاملات بین‌المللی با استفاده از ارز یوان چین (RMB) طراحی شده است. این سیستم در سال ۲۰۱۵ توسط بانک مرکزی چین (PBOC) تأسیس شد و هدف آن افزایش کارایی و کاهش هزینه‌های مرتبط با پرداخت‌های بین‌المللی در یوان است. ویژگی‌ها و عملکرد CIPS

۱. خدمات تسویه و تسهیل: CIPS به عنوان یک مرکز تسویه عمل می‌کند که به مؤسسات مالی اجازه می‌دهد تا پرداخت‌ها را به صورت مستقیم و در زمان واقعی با یکدیگر تسویه کنند. این ویژگی باعث می‌شود تا فرآیندهای مالی سریع‌تر و کم‌هزینه‌تر انجام شوند.
۲. مشارکت‌کنندگان: CIPS شامل دو نوع شرکت‌کننده است:
 - ✓ شرکت‌کنندگان مستقیم: بانک‌های بزرگ داخلی و بین‌المللی که مستقیماً با PBOC حساب دارند.
 - ✓ شرکت‌کنندگان غیرمستقیم: بانک‌های کوچک‌تر که از طریق بانک‌های مستقیم به خدمات CIPS دسترسی دارند
۳. نقش در تجارت بین‌المللی: CIPS به تسهیل تجارت و سرمایه‌گذاری بین چین و سایر کشورها کمک می‌کند، زیرا امکان انجام پرداخت‌ها به صورت مستقیم در یوان و تسویه حساب درون مرزی را فراهم می‌آورد.
۴. رقابت با SWIFT: در حالی که SWIFT یک شبکه پیام‌رسانی برای پرداخت‌های بین‌المللی است، CIPS خدمات تسویه و تسهیل را نیز ارائه می‌دهد. این امر باعث می‌شود که CIPS یک گزینه جذاب برای بانک‌ها و مؤسسات مالی باشد که به دنبال کاهش وابستگی به دلار آمریکا هستند.

تأثیرات و مزایا

- ✓ کاهش وابستگی به دلار: با استفاده از CIPS، چین تلاش می‌کند تا وابستگی خود به دلار آمریکا را کاهش دهد و یوان را به عنوان یک ارز بین‌المللی تقویت کند.
- ✓ افزایش حجم معاملات: با توسعه CIPS، حجم معاملات RMB در سطح جهانی افزایش یافته است. در سال ۲۰۲۳، این سیستم بیش از ۱۲۳ تریلیون یوان (معادل حدود ۱۷ تریلیون دلار) تراکنش پردازش کرده است

چالش‌ها

- ✓ نظارت و امنیت: با توجه به عدم نظارت مشابه بر نهادهای غیر بانکی، نگرانی‌هایی درباره امنیت و شفافیت وجود دارد.
- ✓ رقابت جهانی: CIPS باید با سیستم‌های پرداخت دیگر مانند SWIFT رقابت کند، که هنوز هم در بسیاری از کشورها مورد استفاده قرار می‌گیرد.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

آثار اجرای اولویت توسعه اقتصادی در چین:

الف: رشد سریع اقتصادی

رشد سریع اقتصادی چین تحت رهبری شی جین پینگ یکی از ویژگی‌های مهم و بارز سیاست‌های اقتصادی این کشور در دوران رهبری او بوده است. از آنجا که شی جین پینگ پس از به قدرت رسیدن در سال ۲۰۱۲ اولویت‌هایی برای تقویت رشد اقتصادی از طریق اصلاحات ساختاری و سرمایه‌گذاری‌های کلان در بخش‌های مختلف اعلام کرد، این رشد از جهات مختلف قابل مشاهده است. در این مقاله، به ۱۰ بخش اقتصادی و صنعتی که از این رشد سریع بهره‌برده‌اند، پرداخته و آمار و ارقام آن‌ها را با توجه به تغییرات پیش و پس از اجرای این اولویت‌ها مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۱. رشد تولید ناخالص داخلی (GDP)

یکی از اصلی‌ترین معیارهای رشد اقتصادی، تولید ناخالص داخلی است. سیاست‌های اقتصادی شی جین پینگ از جمله سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، نوآوری صنعتی، و تقویت صادرات، باعث رشد چشمگیر تولید ناخالص داخلی چین شده است.

• میزان رشد GDP :

حجم تولید ناخالص داخلی (GDP) جهانی در سال‌های اخیر با رشد قابل توجهی همراه بوده است. پیش‌بینی می‌شود که در سال ۲۰۲۴، رشد جهانی GDP به ۳,۱ درصد برسد، که مشابه با نرخ رشد در سال ۲۰۲۳ است. این رشد به دلیل بهبود شرایط اقتصادی در برخی کشورها، افزایش اعتماد بخش خصوصی و کاهش تدریجی نرخ تورم صورت می‌گیرد. با این حال، چالش‌هایی نظیر شرایط سخت پولی و نوسانات بازارهای جهانی همچنان بر روند رشد تأثیرگذار هستند.

در سال ۲۰۲۴، ایالات متحده با پیش‌بینی رشد GDP حدود ۲,۶ درصد، در صدر کشورهای بزرگ قرار دارد. چین نیز با نرخ رشد ۴,۹ درصد در رتبه دوم قرار دارد و پس از آن کشورهای هند با ۷ درصد و آلمان با ۰,۷ درصد در رتبه‌های بعدی هستند. چین در سال ۲۰۱۲ نرخ رشد GDP معادل ۸,۳ درصد را گزارش کرده بود و اکنون به دنبال تقویت اقتصاد خود با سرمایه‌گذاری‌های کلان و اصلاحات ساختاری است. برنامه‌های آینده چین شامل افزایش تولید داخلی، توسعه فناوری‌های نوین و گسترش بازارهای صادراتی است تا بتواند به رشد پایدار و بلندمدت دست یابد.

نرخ رشد تولید ناخالص داخلی (GDP) چین برای سال ۲۰۲۴ پیش‌بینی می‌شود که حدود ۴,۵ درصد باشد، طبق گزارش صندوق بین‌المللی پول (IMF). این پیش‌بینی نشان‌دهنده یک بهبود جزئی نسبت به نرخ رشد تخمینی ۳,۴ درصد در سال ۲۰۲۳ است.

CIPS نمایانگر تلاش چین برای گسترش استفاده از یوان در تجارت جهانی و کاهش وابستگی به سیستم‌های مالی غربی است. این سیستم با ارائه خدمات تسویه سریع و کارآمد، پتانسیل بالایی برای تغییر شیوه‌های پرداخت بین‌المللی دارد.

دستر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

۲. صنعت خودرو (خودروهای الکتریکی)

یکی از بخش‌های برجسته صنعتی که تحت تأثیر اصلاحات و اولویتهای اقتصادی شی جین‌پینگ رشد قابل توجهی داشته، صنعت خودرو و به‌ویژه خودروهای الکتریکی (EV) است.

• رشد خودروهای الکتریکی :

صنعت خودروهای برقی (EV) در سال‌های اخیر به سرعت در حال رشد است و پیش‌بینی می‌شود که در سال ۲۰۲۵، فروش جهانی این خودروها به ۱۵,۱ میلیون دستگاه برسد که نشان‌دهنده افزایش ۳۰ درصد نسبت به سال قبل است. این رشد به دلیل افزایش تقاضا برای وسایل نقلیه پاک و کاهش هزینه‌های تولید باتری‌ها و همچنین گسترش زیرساخت‌های شارژ است. با توجه به تغییرات در سیاست‌های زیست‌محیطی و تمایل مصرف‌کنندگان به انتخاب گزینه‌های پایدارتر، صنعت خودروهای برقی به یکی از ارکان اصلی تحولات صنعتی تبدیل شده است.

تا سال ۲۰۲۴، چین با سهمی حدود ۶۵ درصد از کل فروش جهانی خودروهای برقی، بزرگ‌ترین بازار این حوزه محسوب می‌شود. ایالات متحده در رتبه دوم قرار دارد و سهم آن حدود ۱۵ درصد است، در حالی که کشورهای اروپایی مانند نروژ و آلمان به ترتیب با سهم‌های ۸ درصد و ۵ درصد در رتبه‌های بعدی قرار دارند. در سال ۲۰۱۲، چین تنها ۱۷ هزار خودرو برقی تولید کرد، اما این رقم تا سال ۲۰۲۴ به بیش از ۴,۲۷ میلیون خودرو افزایش یافته است. چین برنامه‌هایی برای آینده خود در زمینه تولید خودروهای برقی دارد که شامل افزایش ظرفیت تولید، توسعه فناوری‌های جدید و ایجاد شبکه‌ای از ایستگاه‌های شارژ برای تسهیل استفاده از این خودروها می‌باشد. هدف چین تبدیل شدن به یک رهبر جهانی در صنعت خودروهای برقی و کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی است.^{۳۹}

شرکت‌ها: برندهایی مانند BYD و NIO به سرعت در حال تبدیل شدن به رقبای جهانی در این صنعت هستند.

۳. توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر

چین به بزرگ‌ترین تولیدکننده انرژی‌های تجدیدپذیر در جهان تبدیل شده است.

• سرمایه‌گذاری در انرژی خورشیدی و بادی :

حجم انرژی‌های خورشیدی و بادی در سطح جهانی به طور قابل توجهی در حال افزایش است و پیش‌بینی می‌شود که تا سال ۲۰۲۴، ظرفیت کل انرژی خورشیدی به ۱,۶۰۰ گیگاوات و ظرفیت انرژی بادی به حدود ۱,۰۰۰

^{۳۹}What's Next for the EV Market in the US? : <https://www.automotive-dive.com/news/top-automotive-industry-trends-to-watch-2025/736955/> & <https://www.euronews.com/business/2025/01/09/uncertainty-over-trumps-ev-policies-clouds-2025-forecast-for-car-makers> & Renewable capacity additions will continue increasing through 2030, led by solar PV : <https://www.technologyreview.com/2025/01/02/1109521/why-evs-are-mostly-set-for-solid-growth-this-year/>

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

گیگاوات برسد. این رشد ناشی از افزایش تقاضا برای منابع انرژی تجدیدپذیر به منظور کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی و مبارزه با تغییرات اقلیمی است. به ویژه، انرژی خورشیدی به عنوان یکی از سریع‌ترین منابع انرژی در حال رشد در جهان شناخته می‌شود و انتظار می‌رود که سهم آن از تولید برق جهانی به طور قابل توجهی افزایش یابد. همچنین، سرمایه‌گذاری‌های کلان در زیرساخت‌ها و فناوری‌های جدید برای بهبود کارایی و کاهش هزینه‌ها، به تسریع این روند کمک می‌کند.

تا سال ۲۰۲۴، چین با سهمی حدود ۵۶٪ از کل ظرفیت جدید نصب شده در زمینه انرژی خورشیدی، بزرگ‌ترین کشور در این حوزه محسوب می‌شود. ایالات متحده با حدود ۱۵٪ در رتبه دوم قرار دارد و پس از آن کشورهای هند، آلمان و بریتانیا به ترتیب با سهم‌های ۷٪، ۵٪ و ۴٪ قرار دارند. در سال ۲۰۱۲، ظرفیت نصب شده انرژی خورشیدی چین حدود ۳٫۵ گیگاوات بود، اما این رقم تا سال ۲۰۲۴ به حدود ۱٫۲۰۰ گیگاوات افزایش یافته است.^{۳۹۲} چین برنامه‌هایی برای آینده خود در این زمینه دارد که شامل افزایش تولید انرژی تجدیدپذیر، توسعه فناوری‌های نوین و هدف‌گذاری برای رسیدن به ظرفیت‌های بالاتر تا سال ۲۰۳۰ است. همچنین، چین قصد دارد با تقویت زیرساخت‌ها و سرمایه‌گذاری در پروژه‌های جدید، موقعیت خود را به عنوان یک رهبر جهانی در تولید انرژی تجدیدپذیر حفظ کند.^{۳۹۳}

۴. اقتصاد دیجیتال و اینترنت

پیشرفت در بخش دیجیتال و اینترنت یکی از تأثیرگذارترین بخش‌ها در توسعه سریع اقتصادی چین بوده است.

۳۹۲ - بر اساس گزارش‌ها، ظرفیت نصب‌شده انرژی خورشیدی در جهان در سال به ۶۶۰ گیگاوات می‌رسد. در سال ۲۰۲۴، کشورهای زیر به عنوان پیشروان در نصب ظرفیت انرژی خورشیدی شناخته می‌شوند: ۱. چین: بیش از ۴۰۰ گیگاوات و برنامه دارد تا سال ۲۰۳۰ به ظرفیت ۱۲۰۰ گیگاوات برسد. ۲. هند: ۷۰ گیگاوات. ۳. ژاپن: ۷۵ گیگاوات. ۴. آلمان: ۶۰ گیگاوات. ۵. استرالیا: بیش از ۳۰ گیگاوات. ۶. ایتالیا: بیش از ۲۵ گیگاوات. ۷. ویتنام: ۱۶ گیگاوات. ۸. اسپانیا: ۱۸ گیگاوات. ۹. کره جنوبی: ۲۰ گیگاوات. ظرفیت تولید انرژی برق در ایران به طور قابل توجهی افزایش یافته است و در حال حاضر به ۹۳ هزار و ۳۸۸ مگاوات رسیده است. یعنی چین در حال حاضر بیش از ۴ برابر کل تولید برق ایران از پل‌های خورشیدی در حال تولید انرژی می‌باشد. ظرفیت تولید برق ایران شامل انواع مختلف نیروگاه‌ها و منابع انرژی به شرح ذیل است:

جزئیات ظرفیت تولید برق در ایران

- ✓ نیروگاه‌های گازی: ۲۴,۳۹۲ مگاوات (۲۶,۱٪)
- ✓ نیروگاه‌های بخاری: ۱۵,۸۲۹ مگاوات (۱۶,۹٪)
- ✓ نیروگاه‌های سیکل ترکیبی: ۳۵,۸۰۲ مگاوات (۳۸,۳٪)
- ✓ نیروگاه‌های برق‌آبی: ۱۲,۱۴۵ مگاوات (۱۳٪)
- ✓ نیروگاه اتمی: ۱,۰۲۰ مگاوات (۱,۱٪)
- ✓ نیروگاه‌های تجدیدپذیر: حدود ۱,۱۲۰ مگاوات (۱,۳٪)
- ✓ نیروگاه‌های دیزلی: حدود ۴۰۸ مگاوات (۰,۴٪)

Solar power continues to surge in 2024: <https://ember-energy.org/latest-insights/solar-power-continues-to-surge-in-2024/> & China continues to lead the world in wind and solar, with twice as much capacity under construction as the rest of the world combined : <https://globalenergymonitor.org/report/china-continues-to-lead-the-world-in-wind-and-solar-with-twice-as-much-capacity-under-construction-as-the-rest-of-the-world-combined/> &

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

• رشد تجارت الکترونیک:

حجم بازار جهانی تجارت الکترونیک در سال ۲۰۲۴ به حدود ۶,۳۱ تریلیون دلار رسیده است و پیش‌بینی می‌شود این رقم تا سال ۲۰۲۷ به ۷,۹۵ تریلیون دلار افزایش یابد. این رشد ناشی از افزایش تعداد خریداران آنلاین، بهبود زیرساخت‌های دیجیتال و تغییر رفتار مصرف‌کنندگان به سمت خریدهای آنلاین است. با توجه به اینکه حدود ۳۳ درصد از جمعیت جهان به خرید آنلاین می‌پردازند، تجارت الکترونیک به یکی از ارکان اصلی اقتصاد جهانی تبدیل شده و تأثیر قابل توجهی بر بازارهای مختلف دارد.

در سال ۲۰۲۴، چین با حجم تجارت الکترونیک حدود ۳,۲ تریلیون دلار، بزرگ‌ترین بازار تجارت الکترونیک در جهان است و سهم آن از کل بازار جهانی تقریباً ۵۰ درصد خواهد بود. ایالات متحده در رتبه دوم قرار دارد و سهم آن حدود ۱۵ درصد است، در حالی که کشورهای دیگری مانند ژاپن و آلمان به ترتیب با سهم‌های ۷ درصد و ۵ درصد در رتبه‌های بعدی قرار دارند. در سال ۲۰۱۲، حجم تجارت الکترونیک چین حدود ۴۵۰ میلیارد دلار بود، اما تا سال ۲۰۲۴ این رقم به شدت افزایش یافته و پیش‌بینی می‌شود که چین همچنان به رشد خود ادامه دهد. برنامه‌های آینده چین شامل توسعه زیرساخت‌های دیجیتال، افزایش دسترسی به اینترنت و سرمایه‌گذاری در فناوری‌های نوین برای تقویت بازار تجارت الکترونیک است تا بتواند موقعیت خود را در این حوزه حفظ کند و به عنوان یک قدرت جهانی در تجارت الکترونیک شناخته شود.^{۳۹}

پلتفرم‌های بزرگ: شرکت‌هایی مانند علی‌بابا، تنسنت و JD.com به قدرت‌های جهانی در زمینه تجارت الکترونیک تبدیل شده‌اند.

۵. صنعت فناوری اطلاعات و نیمه‌هادی‌ها

صنعت نیمه‌هادی‌ها و فناوری اطلاعات در چین رشد چشمگیری داشته است.

• سرمایه‌گذاری در نیمه‌هادی‌ها:

صنعت نیمه‌هادی‌ها به عنوان یکی از ارکان اساسی فناوری‌های مدرن، در سال‌های اخیر شاهد رشد چشمگیری بوده است. این صنعت شامل طراحی، تولید و توزیع تراشه‌های نیمه‌هادی است که در دستگاه‌های الکترونیکی مختلف از جمله گوشی‌های هوشمند، رایانه‌ها، خودروهای الکتریکی و تجهیزات پزشکی استفاده می‌شود. پیش‌بینی می‌شود که بازار جهانی نیمه‌هادی‌ها تا سال ۲۰۲۴ به حدود ۶۰۰ میلیارد دلار برسد، و عوامل محرک اصلی این رشد شامل افزایش تقاضا برای محصولات مرتبط با هوش مصنوعی، اینترنت اشیا و فناوری‌های G5 است. همچنین،

^{۳۹} Largest Ecommerce Markets In The World (2024 Data): <https://www.sellerscommerce.com/blog/largest-e-commerce-markets/> & Ecommerce Statistics 2025: <https://redstagfulfillment.com/e-commerce-statistics/> & 36 Up-To-Date Ecommerce Statistics: <https://backlinko.com/e-commerce-stats> & Renewable capacity additions will continue increasing through 2030, led by solar PV: <https://www.iea.org/reports/renewables-2024/electricity>

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

رقابت بین کشورها برای دستیابی به فناوری‌های پیشرفته‌تر و خودکفایی در تولید نیمه‌هادی‌ها به شدت در حال افزایش است.

تا سال ۲۰۲۴، کشورهای پیشرو در صنعت نیمه‌هادی شامل **تایوان** با سهم حدود ۶۰٪ از بازار پیشرفته، **کره جنوبی** با ۱۳٪، **ایالات متحده** با ۱۷٪ و **چین** با سهم تقریبی ۶٪ هستند. چین در سال ۲۰۱۲ تنها ۵٪ از سهم بازار جهانی نیمه‌هادی‌ها را داشت، اما با تلاش برای افزایش تولید داخلی و سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه، این سهم به تدریج افزایش یافته است. چین برنامه‌هایی برای تبدیل شدن به یک قدرت جهانی در زمینه تولید نیمه‌هادی دارد و اهداف بلندپروازانه‌ای برای توسعه فناوری‌های پیشرفته و کاهش وابستگی به واردات دارد. این کشور همچنین به دنبال ایجاد زنجیره تأمین محلی و تقویت ظرفیت‌های داخلی خود در صنعت نیمه‌هادی است تا بتواند به رقابت با دیگر کشورها بپردازد.

شرکت‌های پیشرو: شرکت‌هایی مانند **SMIC**^{۳۹۵} به عنوان یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان تراشه در چین و جهان شناخته می‌شوند.^{۳۹۶}

۶. صنعت فضایی

چین در زمینه فناوری‌های فضایی نیز پیشرفت‌های چشمگیری داشته است.

• پروژه‌های فضایی :

صنعت فناوری‌های فضایی نو به سرعت در حال تحول است و در سال‌های اخیر شاهد افزایش قابل توجهی در سرمایه‌گذاری و نوآوری در این حوزه بوده‌ایم. این بخش که به "فضای جدید" معروف است، شامل شرکت‌های خصوصی و استارت‌آپ‌هایی است که با توسعه فناوری‌ها و مدل‌های کسب‌وکار جدید، فراتر از تلاش‌های سنتی دولتی به کاوش و نوآوری می‌پردازند. پیش‌بینی می‌شود که بازار جهانی فناوری فضایی تا سال ۲۰۳۰ به حدود ۱٫۱ **تریلیون دلار** برسد و رشد سالانه‌ای معادل **۱۱ درصد** را تجربه کند.

این پیشرفت‌ها شامل توسعه ماهواره‌های مقیاس‌پذیر و مقرون به صرفه و فناوری‌های موشکی قابل بازیابی است که به نوآوری در زیرمجموعه‌هایی مانند شبکه‌های ارتباطی جهانی و ارائه خدمات و قابلیت‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها کمک می‌کند. در سال ۲۰۲۴، کشورهای پیشرو در زمینه فناوری‌های فضایی شامل **ایالات متحده، چین، روسیه، ژاپن و هند** هستند. ایالات متحده با حدود **۴۰ درصد** از سهم بازار، بزرگ‌ترین بازیگر در

۳۹۵ - SMIC - مخفف Semiconductor Manufacturing International Corporation است، که به عنوان یک شرکت بزرگ تولیدکننده نیمه‌هادی در چین شناخته می‌شود. این شرکت در سال ۲۰۰۰ تأسیس شده و مقر آن در شانگهای واقع است. SMIC به عنوان یکی از بزرگ‌ترین و پیشرفته‌ترین کارخانه‌های ریخته‌گری نیمه‌هادی در جهان فعالیت می‌کند و به تولید تراشه‌های الکترونیکی برای مشتریان مختلف در صنایع گوناگون می‌پردازد.

۳۹۶ Global Semiconductor Market to Grow by 15% in 2025, Driven by AI : <https://www.idc.com/getdoc.jsp?containerId=prAP52837624> & What to Expect in the 2025 Semiconductor Supply Chain : <https://www.sdcexec.com/sourcing-procurement/manufacturing/article/22918774/a2-global-electronics-what-to-expect-in-the-2025-semiconductor-supply-chain>

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

این صنعت محسوب می‌شود. چین با حدود ۳۰ درصد در رتبه دوم قرار دارد، در حالی که روسیه و ژاپن به ترتیب حدود ۱۵ درصد و ۱۰ درصد از سهم بازار را دارند. در سال ۲۰۱۲، چین در زمینه فناوری‌های فضایی به طور قابل توجهی عقب‌تر بود، اما تا سال ۲۰۲۴ به یکی از قدرتهای اصلی تبدیل شده است و تعداد پروژه‌ها و مأموریت‌های فضایی خود را به شدت افزایش داده است. برنامه‌ها و آرزوهای چین برای آینده شامل توسعه ایستگاه فضایی خود، کاوش در ماه و مریخ، و ایجاد شبکه‌ای از ماهواره‌ها برای نظارت بر زمین و ارائه خدمات ارتباطی پیشرفته است. چین ایستگاه فضایی خود را تحت عنوان **Tiangong** راه‌اندازی کرده است. این ایستگاه فضایی در سال ۲۰۲۲ به طور کامل تکمیل شد.^{۳۹۷}

۷. صنعت رباتیک و هوش مصنوعی

چین یکی از کشورهای پیشرو در زمینه رباتیک و هوش مصنوعی بوده و در این حوزه سرمایه‌گذاری‌های زیادی انجام داده است.

• توسعه رباتیک:

صنعت ربات‌های صنعتی در حال تجربه رشد قابل توجهی است که ناشی از افزایش تقاضا برای اتوماسیون در بخش‌های مختلفی مانند خودروسازی، الکترونیک و تولید است. پیش‌بینی می‌شود که ارزش بازار جهانی ربات‌های صنعتی تا سال ۲۰۲۴ به حدود ۲۰٫۸ میلیارد دلار برسد و نرخ رشد سالانه ترکیبی (CAGR) حدود ۹٫۴ درصد تا سال ۲۰۳۳ داشته باشد. این رشد به دلیل پیشرفت‌های فناوری، مانند هوش مصنوعی و یادگیری ماشین، که به ربات‌ها امکان انجام وظایف پیچیده‌تر را می‌دهد، تسریع شده است. با توجه به اینکه صنایع به دنبال افزایش کارایی و کاهش هزینه‌های نیروی کار هستند، استفاده از ربات‌های صنعتی برای حفظ رقابت‌پذیری در بازار جهانی ضروری می‌شود.

تا سال ۲۰۲۴، کشورهای پیشرو در صنعت ربات‌های صنعتی شامل چین هستند که سهم قابل توجهی از بازار را در اختیار دارد و پس از آن ژاپن، آلمان و ایالات متحده قرار دارند. به‌طور خاص، پیش‌بینی می‌شود که چین حدود ۴۰ درصد از سهم بازار جهانی را به خود اختصاص دهد، در حالی که ژاپن حدود ۲۰ درصد، آلمان تقریباً ۱۵ درصد و ایالات متحده حدود ۱۲ درصد از این سهم را خواهد داشت. در سال ۲۰۱۲، چین تنها حدود ۳۰٫۰۰۰ ربات صنعتی نصب کرده بود، اما این تعداد تا سال ۲۰۲۴ به تقریباً ۱ میلیون رسیده است. ژاپن همچنان کشوری

۳۹۷ - Tiangong (به معنای "قصر آسمانی") یک ایستگاه فضایی دائمی است که توسط چین ساخته شده و توسط آژانس فضایی سرنشینایی چین (CMSA) اداره می‌شود. این ایستگاه به صورت مدولار طراحی شده و در مدار پایین زمین بین ۳۴۰ تا ۴۵۰ کیلومتر بالای سطح زمین قرار دارد. Tiangong به عنوان اولین ایستگاه فضایی بلندمدت چین، بخشی از برنامه Tiangong و مرحله سوم برنامه فضایی سرنشینایی چین است.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

است که بیشترین استفاده را از ربات‌های صنعتی در صنایع خود دارد که نشان‌دهنده قابلیت‌های پیشرفته تولید و تعهد آن به اتوماسیون است.^{۳۹۸}

• هوش مصنوعی :

تا سال ۲۰۲۴، چین در زمینه تحقیق و توسعه در حوزه هوش مصنوعی حدود ۱۸۴ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری کرده است. این سرمایه‌گذاری شامل حمایت‌های مالی دولتی، همکاری‌های عمومی و خصوصی و تأمین مالی زیرساخت‌های هوش مصنوعی می‌شود. چین به دنبال تبدیل شدن به مرکز اصلی نوآوری هوش مصنوعی در جهان تا سال ۲۰۳۰ است و این سرمایه‌گذاری‌ها نشان‌دهنده تعهد این کشور به پیشرفت در این زمینه است. برای مشاهده نرخ سرمایه‌گذاری در هوش مصنوعی در کشورهای مختلف جهان، می‌توانید به وبسایت Statista مراجعه کنید این سایت اطلاعات دقیقی درباره آمارهای مربوط به سرمایه‌گذاری در هوش مصنوعی در کشورهای مختلف ارائه می‌دهد و به کاربران امکان می‌دهد تا مقایسه‌هایی بین کشورها انجام دهند و روندهای جهانی را بررسی کنند و برای مشاهده موقعیت هر کشور در زمینه هوش مصنوعی، می‌توانید به Global AI Index مراجعه کنید. این سایت که توسط Tortoise Media تهیه شده. برخی از کشورهایی که تا سال ۲۰۲۴ بیشترین سرمایه‌گذاری را در حوزه هوش مصنوعی داشته‌اند شامل ایالات متحده با حدود ۲۰۰ میلیارد دلار، چین با ۱۸۴ میلیارد دلار و اتحادیه اروپا با ۱۰۰ میلیارد دلار است. همچنین، کشورهای ژاپن و هند نیز به ترتیب با سرمایه‌گذاری‌های حدود ۵۰ میلیارد دلار و ۳۰ میلیارد دلار در این زمینه در حال پیشرفت هستند. این کشورها به عنوان پیشگامان سرمایه‌گذاری در افق هوش مصنوعی شناخته می‌شوند و تلاش می‌کنند تا با ایجاد زیرساخت‌های لازم و حمایت از نوآوری‌ها، موقعیت خود را در بازار جهانی تقویت کنند.^{۳۹۹}

۸. صنعت ساخت و ساز و زیرساخت‌ها

چین در عرصه زیرساخت‌ها و ساخت‌وساز نیز به شدت رشد کرده است.

• ساخت و ساز :

✓ در دهه گذشته، چین سرمایه‌گذاری‌های عظیمی در زیرساخت‌های حمل‌ونقل و شهری داشته است. چین در حال حاضر بیش از ۷۰,۰۰۰ کیلومتر بزرگراه و ۱۴,۰۰۰ کیلومتر خط آهن سریع‌السیر دارد.

^{۳۹۸} Industrial Robots Market Size: <https://straitresearch.com/report/industrial-robots-market> & <https://www.roboticstomorrow.com/article/2023/11/trends-in-industrial-robotics-to-watch-in-2024/21569>
^{۳۹۹} China's AI Policy & Development: What You Need to Know: <https://fiscalnote.com/blog/china-ai-policy-development-what-you-need-to-know> & <https://www.china-briefing.com/news/exploring-chinas-leading-ai-hubs-a-regional-analysis/>

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

✓ این کشور همچنین در حال ساخت پروژه‌های عظیم مانند پل‌های طولانی ۴۰۰ تونل‌ها و فرودگاه‌های جدید است.

۹. صنعت گردشگری

صنعت گردشگری در چین با رشد تقاضا از سوی گردشگران داخلی و خارجی روبرو شده است. در سال ۲۰۲۴، تعداد گردشگران داخلی در چین به حدود ۴,۹ میلیارد نفر رسید که نشان‌دهنده افزایش قابل توجهی نسبت به ۲,۵ میلیارد نفر در سال ۲۰۱۲ است. این رشد در گردشگری داخلی بهبود چشمگیری را در صنعت گردشگری چین و تقاضای بالای سفرها به نمایش می‌گذارد. برای مشاهده نرخ گردشگران از کشورهای مختلف در جهان، می‌توانید به وبسایت Statista مراجعه کنید. این سایت اطلاعات جامعی درباره آمار گردشگری جهانی ارائه می‌دهد و به کاربران امکان می‌دهد تا داده‌های مربوط به تعداد گردشگران ورودی و خروجی از کشورهای مختلف را بررسی کنند. با استفاده از این منابع، می‌توانید مقایسه‌ای بین وضعیت گردشگری در کشورهای مختلف داشته باشید و روندهای جهانی را بهتر درک کنید. نرخ گردشگران خارجی در چین در سال

۴۰۰ - طولانی‌ترین پل ساخته شده در جهان پل دانیانگ کانسان (Danyang-Kunshan Grand Bridge) است که در چین واقع شده و دارای طول ۱۶۴,۸ کیلومتر می‌باشد. این پل بخشی از خط آهن پرسرعت پکن-شانگهای است و دو شهر شانگهای و نانجینگ را بهم متصل می‌کند. این پل در سال ۲۰۱۱ به روی عموم باز شد. ساخت این پل حدود ۸,۵ میلیارد دلار هزینه داشت. دومین پل طولانی جهان پل هنگ کنگ-ژوهای با طول حدود ۵۵ کیلومتر و سومین پل بزرگ، پل طولانی پکنبا طول بیش از ۴۸ کیلومتر می‌باشد.

۴۰۱ - طولانی‌ترین تونل جهان تونل گوتارد بیس (Gotthard Base Tunnel) است که در سوئیس واقع شده و دارای طول ۵۷,۰۹ کیلومتر می‌باشد. این تونل در ژوئن ۲۰۱۶ افتتاح شد و به عنوان یک مسیر ریلی، شمال و جنوب سوئیس را به هم متصل می‌کند. طولانی‌ترین تونل‌های جهان بعد از این تونل سوئیسی به ترتیب عبارتند از ۱- تونل Seikan در ژاپن به طول ۵۳,۹ کیلومتر سال ۱۹۸۸، ۲- تونل مانس بین انگلیس و فرانسه ۵۰,۵ کیلومتر سال ۱۹۹۴، ۳- تونل Yulhyeon در کره جنوبی ۵۰,۳ کیلومتر در سال ۲۰۱۶، ۴- تونل Songsshan Lake در چین به طول ۳۸,۸ کیلومتر در سال ۲۰۱۶

۴۰۲ - بزرگترین فرودگاه‌های جهان

الف: از نظر مساحت عبارتند از:

۱. فرودگاه ملک فهد در دمام، عربستان سعودی به مساحت ۷۷۶ کیلومتر مربع از نظر مساحت به اندازه شهر نیویورک است.
۲. فرودگاه دنور در کلرادو، ایالات متحده به مساحت ۱۳۵,۷ کیلومتر مربع
۳. فرودگاه دالاس فورت ورث در تگزاس، ایالات متحده، مساحت ۶۹,۶ کیلومتر مربع
۴. فرودگاه واشنگتن دالس در ویرجینیا، ایالات متحده به مساحت ۵۶,۷ کیلومتر مربع
۵. فرودگاه هیوستون در تگزاس، ایالات متحده به مساحت ۴۴,۵ کیلومتر مربع
۶. فرودگاه شانگهای پودونگ به مساحت ۴۰ کیلومتر مربع

ب: از نظر جابجایی مسافر در سال عبارتند از:

۱. فرودگاه داکسینگ پکن- میزان جابجایی مسافر در سال حدود ۱۰۰ میلیون نفر
۲. فرودگاه پکن- میزان جابجایی مسافر در سال حدود ۱۰۰ میلیون نفر
۳. فرودگاه دبی میزان جابجایی مسافر در سال حدود ۸۹ میلیون نفر
۴. فرودگاه هارتسفیلد-جکسون در آتلانتا آمریکا میزان جابجایی مسافر در سال حدود ۷۶ میلیون نفر
۵. فرودگاه شانگهای پودونگ میزان جابجایی مسافر در سال حدود ۷۶ میلیون نفر

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

۲۰۱۲ حدود ۵۸ میلیون نفر بود و پیش‌بینی می‌شود که تا سال ۲۰۲۴ به ۹۴,۶ میلیون نفر افزایش یابد. درآمد چین از گردشگری در سال ۲۰۱۲ تقریباً ۴۸ میلیارد دلار بود و این رقم تا سال ۲۰۲۴ به حدود ۱۷۷,۳ میلیارد دلار افزایش یافته است، که نشان‌دهنده رشد قابل توجهی در صنعت گردشگری این کشور است.

۱۰. بازار کار و اشتغال

در دوران شی جین‌پینگ، چین توانسته است نرخ بیکاری را کنترل کرده و به رشد قابل توجهی در اشتغال دست یابد.

• نرخ اشتغال:

چین توانسته است با اجرای سیاست‌های اقتصادی مناسب، تعداد اشتغال‌های جدید را در بسیاری از بخش‌ها افزایش دهد. در پایان سال ۲۰۲۴، نرخ بیکاری شهری در چین به ۵,۳ درصد رسیده است که این عدد در سال ۲۰۱۲ برابر با ۴,۱ درصد بود. این نشان‌دهنده رشد قابل توجهی در نرخ بیکاری است و به میزان ۲,۲ درصد افزایش را در طول این دوره نشان می‌دهد. این تغییرات در نرخ بیکاری ممکن است تحت تأثیر عوامل مختلف اقتصادی و اجتماعی قرار گرفته باشد که بر بازار کار چین تأثیر گذاشته‌اند.^{۴۰۳}

ب: کاهش فقر

کاهش فقر^۴ در چین تحت رهبری شی جین‌پینگ یکی از مهم‌ترین دستاوردهای اقتصادی این کشور در دهه اخیر بوده است. شی جین‌پینگ، با راه‌اندازی برنامه‌های مختلفی به‌ویژه در مناطق روستایی و کم‌برخوردار، توانسته است نرخ فقر را به طرز چشمگیری کاهش دهد. کاهش فقر یکی از اولویت‌های اصلی سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی حزب کمونیست چین بوده و از آن به عنوان "برنامه عظیم ریشه‌کنی فقر" یاد می‌شود.

۱. مفهوم فقر در چین و معیارهای آن

۴۰۳- برای مشاهده نرخ بیکاری شهری در شهرهای مختلف جهان، می‌توانید به وب‌سایت Trading Economics مراجعه کنید. این سایت اطلاعات جامعی درباره نرخ بیکاری در کشورهای مختلف و شهرهای بزرگ ارائه می‌دهد و به کاربران امکان می‌دهد تا داده‌های تاریخی و پیش‌بینی‌های آینده را بررسی کنند. با استفاده از این منابع، می‌توانید مقایسه‌ای بین نرخ بیکاری در نقاط مختلف جهان داشته باشید و روندهای اقتصادی را بهتر درک کنید.

۴۰۴- برای مشاهده سطح فقر در کشورهای مختلف جهان، می‌توانید به Global Multidimensional Poverty Index (MPI) مراجعه کنید. این سایت که توسط برنامه توسعه ملل متحد (UNDP) تهیه شده است، داده‌های مربوط به فقر چندبعدی را از ۱۱۲ کشور جمع‌آوری می‌کند و اطلاعاتی درباره وضعیت فقر، محرومیت‌ها و چالش‌های زندگی افراد فقیر ارائه می‌دهد. این گزارش به‌طور سالانه به‌روزرسانی می‌شود و به تحلیل الگوهای فقر در کشورهای مختلف کمک می‌کند. برای اطلاعات بیشتر می‌توانید به آدرس ذیل مراجعه کنید.

<https://hdr.undp.org/content/2023-global-multidimensional-poverty-index-mpi>

همچنین، World Poverty Clock یک منبع دیگر است که تخمین‌های لحظه‌ای از فقر در کشورهای مختلف جهان ارائه می‌دهد و پیشرفت‌ها در راستای پایان دادن به فقر شدید را تا سال ۲۰۳۰ رصد می‌کند. این سایت به شما امکان می‌دهد تا وضعیت فقر را در زمان واقعی مشاهده کنید و اطلاعات دقیقی درباره تعداد افرادی که زیر خط فقر زندگی می‌کنند، به دست آورید. برای دسترسی به این اطلاعات، می‌توانید به آدرس <https://worldpoverty.io/> مراجعه کنید.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

خط فقر ملی در چین به معیارهایی اشاره دارد که دولت چین برای تعیین وضعیت اقتصادی و سطح معیشتی افراد و خانوارها استفاده می‌کند. این خط به طور خاص برای شناسایی افرادی که در فقر زندگی می‌کنند، تعیین شده است.

تعریف خط فقر

خط فقر مطلق: دولت چین در سال‌های اخیر خط فقر مطلق را برای افرادی که درآمد روزانه آن‌ها کمتر از ۳٫۲ دلار (معادل ۲٫۳۰۰ یوان در سال ۲۰۱۰) است، تعریف کرده است. این مقدار به‌طور قابل توجهی بالاتر از خط فقر بین‌المللی بانک جهانی (۱٫۹۰ دلار در روز) است.

خط فقر نسبی: علاوه بر خط فقر مطلق، مفهوم خط فقر نسبی نیز وجود دارد که به درآمدهای پایین‌تر از میانگین درآمد جامعه اشاره دارد. بر اساس برخی مطالعات، افراد در مناطق روستایی چین ممکن است خود را فقیر احساس کنند حتی اگر درآمدشان بالاتر از خط فقر مطلق باشد.

تلاش‌های دولت چین

دولت چین ادعا کرده است که فقر مطلق را در این کشور ریشه‌کن کرده است. شی جینپینگ، رئیس‌جمهور چین، در سال ۲۰۲۱ اعلام کرد که در یک دوره ۸ ساله، نزدیک به ۱۰۰ میلیون نفر از جمعیت فقیر روستایی از فقر نجات یافته‌اند و تمام ۸۳۲ شهرستان فقیر و ۱۲۸٫۰۰۰ روستا از فهرست مناطق فقیر خارج شده‌اند با این حال، برخی کارشناسان و تحلیلگران به روش‌های مورد استفاده برای تعیین این ادعا و خط فقر انتقاد کرده‌اند. خط فقر مطلق در چین بر اساس درآمد سرانه ۴٫۰۰۰ یوان (حدود ۶۰۰ دلار) تعیین شده است، که با معیارهای بین‌المللی فاصله دارد. به عنوان مثال، خط فقر مطلق بانک جهانی برابر با ۱٫۹۰ دلار در روز است علاوه بر این، با وجود ادعای ریشه‌کن شدن فقر مطلق، هنوز نابرابری‌های اقتصادی و فقر نسبی گسترده‌ای در چین وجود دارد. برخی گزارش‌ها حاکی از آن است که حدود ۶۰۰ میلیون نفر در چین با درآمد ماهانه کمتر از ۱٫۰۰۰ یوان (حدود ۱۴۰ دلار) زندگی می‌کنند بنابراین، در حالی که دولت چین به موفقیت‌های خود در کاهش فقر مطلق افتخار می‌کند، واقعیت‌های اقتصادی و اجتماعی نشان‌دهنده چالش‌های قابل توجهی باقی‌مانده است.

۲. برنامه‌های ریشه‌کنی فقر

شی جین‌پینگ و دولت چین از سال ۲۰۱۳ برای کاهش فقر در این کشور به طور جدی اقداماتی را آغاز کردند. **برنامه ریشه‌کنی فقر** یا (Poverty Alleviation Program) در سال ۲۰۱۳ به‌طور رسمی آغاز شد و هدف آن بهبود زندگی در مناطق روستایی و فقیرترین نقاط کشور بود. در این برنامه، تمرکز بر **توسعه زیرساخت‌ها، آموزش، ارتقای مهارت‌های شغلی و ایجاد فرصت‌های شغلی** در مناطق کم‌برخوردار بود. این برنامه در قالب پروژه‌های مختلفی اجرا شد که شامل:

- بیش از ۲ میلیون پروژه زیرساختی
- تقویت دسترسی به بهداشت، آموزش و امکانات کشاورزی
- توسعه گردشگری روستایی و صنایع کوچک

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

۳. آمار و ارقام کاهش فقر

طبق اعلام دفتر ملی آمار چین، چین در سال‌های اخیر موفق شده است تا حدود ۸۰۰ میلیون نفر را از فقر خارج کند. این موفقیت به‌ویژه در مناطقی که پیش از این از فقر مزمن رنج می‌بردند، کاملاً چشمگیر بوده است. در ادامه، به بررسی برخی از این مناطق و نتایج دقیق‌تر این اقدامات پرداخته می‌شود.

مناطق مختلف و میزان کاهش فقر

منطقه غرب چین (شامل استان‌های گویژو، سیچوان و یواننان)

این مناطق، که به‌ویژه گویژو و یواننان از استان‌های فقیرتر چین هستند، به شدت تحت تأثیر برنامه‌های ریشه‌کنی فقر قرار گرفتند:

- در استان گویژو، میزان فقر از ۲۶,۷ درصد در سال ۲۰۱۲ به ۵,۶ درصد در سال ۲۰۲۰ کاهش یافت.
- در استان یواننان، جمعیت زیر خط فقر در سال ۲۰۱۲ حدود ۹,۳ میلیون نفر بود که این رقم تا پایان ۲۰۲۰ به یک میلیون نفر کاهش پیدا کرد.
- در استان سیچوان نیز نرخ فقر در سال ۲۰۱۲ حدود ۱۵,۵ درصد بود که تا سال ۲۰۲۰ به ۲,۵ درصد کاهش یافت.

منطقه مرکزی و شرقی چین (شامل استان‌های هنان، آن‌هوی، و جیانگ‌سو)

در این مناطق که از لحاظ اقتصادی پیشرفت بیشتری نسبت به غرب دارند، نیز برنامه‌های کاهش فقر با شدت اجرا شد:

- در استان هنان، که یکی از استان‌های فقیر در منطقه مرکزی چین است، نرخ فقر از ۱۴,۳ درصد در سال ۲۰۱۲ به ۲,۳ درصد در سال ۲۰۲۰ کاهش پیدا کرد.
- در استان آن‌هوی، این نرخ از ۱۲,۱ درصد به ۳,۱ درصد در همان بازه زمانی کاهش یافت.

مناطق روستایی و دورافتاده

چین به طور ویژه به مناطق روستایی توجه ویژه‌ای داشته است. مناطق نواحی دورافتاده‌ای همچون تبت و سین‌کیانگ تحت برنامه‌های حمایتی برای کاهش فقر قرار گرفتند.

- در تبت، فقر از ۲۵,۵ درصد در سال ۲۰۱۲ به ۳,۱ درصد در سال ۲۰۲۰ کاهش یافت.
- در سین‌کیانگ نیز، فقر از ۱۹,۳ درصد به ۱,۷ درصد کاهش یافت.

تأثیرات اجتماعی و اقتصادی

این کاهش فقر در چین نه تنها از نظر اقتصادی، بلکه از جنبه‌های اجتماعی نیز بهبودهایی قابل توجه داشته است. مردم مناطق فقیرتر اکنون دسترسی به آموزش بهتری دارند، خدمات بهداشتی بیشتری دریافت می‌کنند و امکانات بهتری برای رشد اقتصادی محلی و اشتغال فراهم شده است.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

۲. بازتاب این موفقیت‌ها در رسانه‌های غربی

این دستاوردها در رسانه‌های غربی نیز مورد توجه قرار گرفته‌اند، به‌ویژه در زمینه کاهش فقر در مناطق روستایی و نواحی دورافتاده. رسانه‌هایی مانند The Financial Times و The Economist به تحلیل و بررسی سیاست‌های چین در کاهش فقر پرداخته‌اند. این رسانه‌ها به‌رغم نقدهایی که در مورد سیستم سیاسی چین دارند، بر جنبه‌های مثبت کاهش فقر در چین تأکید کرده‌اند.

- The Financial Times گزارش داده است که چین از سال ۲۰۱۲ به بعد، توانسته است نرخ فقر در این کشور را کاهش دهد و از طرفی تحولات اجتماعی، به‌ویژه در زمینه بهداشت و آموزش را در بسیاری از استان‌ها شاهد بوده‌ایم.
- The Economist نیز در گزارشی به تحولات اقتصادی چین و برنامه‌های ریشه‌کنی فقر پرداخته و اذعان کرده است که این کشور در مسیر بلندمدت به سمت ایجاد یک طبقه متوسط گسترده حرکت می‌کند.

۳. چالش‌ها و آینده

با وجود موفقیت‌های عظیم در کاهش فقر، همچنان برخی چالش‌ها باقی‌مانده است. از جمله این چالش‌ها می‌توان به مناطق شهری و نواحی حاشیه‌ای اشاره کرد که در آن‌ها ممکن است فقر به صورت نهان باقی بماند. همچنین، در حالی که فقر مطلق به‌طور چشمگیری کاهش یافته، نابرابری‌های درآمدی و دسترسی به خدمات هنوز در برخی از بخش‌ها باقی مانده است.

ج: تقویت تجارت جهانی

تقویت تجارت جهانی چین تحت رهبری شی جین‌پینگ یکی از آثار مهم سیاست‌های اقتصادی او در دهه گذشته بوده است. تحت رهبری شی جین‌پینگ، چین توانسته است نه تنها به عنوان یک قدرت اقتصادی در سطح جهانی مطرح شود بلکه به یکی از بزرگ‌ترین بازیگران تجاری در جهان تبدیل گردد. سیاست‌های اقتصادی چین در این دوران شامل افزایش صادرات، توسعه روابط تجاری با کشورهای مختلف، سرمایه‌گذاری در پروژه‌های زیرساختی جهانی و تقویت برنامه‌های اقتصادی همچون ابتکار کمربند و جاده (Belt and Road Initiative - BRI) بوده است. این سیاست‌ها موجب رشد و تقویت تجارت جهانی چین با کشورهای مختلف شده‌اند.

۱. افزایش صادرات و واردات چین

چین تحت رهبری شی جین‌پینگ شاهد افزایش چشمگیر در صادرات و واردات خود بوده است. در حقیقت، چین به بزرگ‌ترین صادرکننده و واردکننده کالا در جهان تبدیل شده است.

• میزان صادرات:

در سال ۲۰۱۲، صادرات چین به حدود ۲,۰۵ تریلیون دلار رسید و پیش‌بینی می‌شود که تا پایان سال ۲۰۲۴، این رقم به حدود ۳,۲۴ تریلیون دلار افزایش یابد که نمایانگر رشد ۵۸ درصدی نسبت به سال ۲۰۱۲ و ۵,۴

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

درصد افزایش نسبت به سال ۲۰۲۳ است. چین در سال ۲۰۲۳ همچنان بزرگ‌ترین صادرکننده جهان باقی خواهد ماند و عمده صادرات این کشور شامل کالاهای الکترونیکی، ماشین‌آلات، پوشاک و تجهیزات الکتریکی است. این روند نشان‌دهنده قدرت و نفوذ چین در بازار جهانی و توانایی آن در تأمین نیازهای متنوع مشتریان بین‌المللی است.

در سال ۲۰۱۲، صادرات چین به حدود ۲/۰۵ **تریلیون دلار** رسید.

✓ در سال ۲۰۲۴، پیش‌بینی می‌شود که صادرات چین به حدود ۳,۲۴ **تریلیون دلار** برسد، که نشان‌دهنده افزایش ۵,۴ درصد نسبت به سال ۲۰۲۳ و افزایش ۵۸ درصدی نسبت به سال ۲۰۱۲ می‌باشد. چین در سال ۲۰۲۳ همچنان بزرگ‌ترین صادرکننده جهان باقی مانده و بخش عمده‌ای از صادرات آن شامل کالاهای الکترونیکی، ماشین‌آلات، لباس، و تجهیزات برقی است.

• میزان واردات:

در سال ۲۰۱۲، واردات چین حدود ۱,۸۲ **تریلیون دلار** بود و پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد که این رقم تا سال ۲۰۲۴ به ۲,۰۹ **تریلیون دلار** خواهد رسید که نمایانگر افزایش ۱۴,۶ درصد نسبت به سطح واردات در سال ۲۰۱۲ است. ترکیب واردات چین عمدتاً شامل مواد خامی مانند نفت، گاز طبیعی، مواد معدنی و تجهیزات صنعتی می‌باشد. این رشد در واردات نشان‌دهنده تقاضای مداوم چین برای منابع اساسی به منظور حمایت از فعالیتهای صنعتی و توسعه اقتصادی خود است.

۲. روابط تجاری چین با ایالات متحده

یکی از مهم‌ترین بخش‌های تجارت جهانی چین، روابط تجاری با ایالات متحده است. چین و آمریکا بزرگ‌ترین اقتصادهای جهان هستند و تجارت میان این دو کشور اهمیت فراوانی دارد.

• آمار تجارت چین-آمریکا :

تا پایان سال ۲۰۲۴، پیش‌بینی می‌شود که تجارت دوجانبه بین چین و ایالات متحده به حدود ۷۰۰ **میلیارد دلار** برسد. این رقم نشان‌دهنده افزایش حدود ۱۶۴ **میلیارد دلار** از ۵۳۶ **میلیارد دلار** در سال ۲۰۱۲ است و رشد تقریبی ۳۰,۶ درصد را در طول این دوازده سال نشان می‌دهد. رابطه تجاری بین دو کشور تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار داشته است، از جمله تغییرات در تعرفه‌ها، سیاست‌های اقتصادی و دینامیک‌های بازار جهانی که بر جریان کالاها و خدمات بین چین و ایالات متحده تأثیر گذاشته است. در سال ۲۰۲۴، پیش‌بینی می‌شود که تجارت با ایالات متحده حدود ۱۲ درصد از کل تجارت خارجی چین را تشکیل دهد. این امر اهمیت ایالات متحده را به عنوان یک شریک تجاری برای چین برجسته می‌کند، با وجود تنش‌های تجاری و چالش‌های ژئوپولیتیکی جاری. حجم بالای تجارت نشان‌دهنده وابستگی متقابل بین دو اقتصاد است که هر دو کشور همچنان به تبادل قابل توجهی از کالاها، فناوری و خدمات ادامه می‌دهند و به رشد اقتصادی خود کمک می‌کنند.

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

در این دوره، چین توانسته است صادرات خود به آمریکا را در بخش‌هایی مانند فناوری، محصولات الکترونیکی، و پوشاک تقویت کند. با این حال، جنگ تجاری میان چین و آمریکا در دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ تأثیراتی بر روند تجارت داشت، اما چین همچنان یکی از بزرگ‌ترین شرکای تجاری آمریکا باقی مانده است.^۴

۳. افزایش همکاری‌های تجاری با کشورهای آسیایی

چین در دوران شی جین‌پینگ همچنین روابط تجاری خود را با کشورهای آسیایی، به‌ویژه کشورهای همسایه و اعضای آسه‌آن (ASEAN)، گسترش داده است. چین به‌ویژه با کشورهایمانند ژاپن، کره جنوبی، هند و کشورهای جنوب‌شرقی آسیا تجارت خود را تقویت کرده است.

• تجارت چین با آسه‌آن:

تا پایان سال ۲۰۲۴، پیش‌بینی می‌شود که تجارت چین با کشورهای ASEAN به حدود ۱ تریلیون دلار برسد. این رقم نشان‌دهنده افزایش قابل توجهی از ۴۰۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۲ است و رشد حدود ۱۵۰ درصد را در طول این دوازده سال نشان می‌دهد. همکاری‌های اقتصادی عمیق‌تر بین چین و ASEAN به عوامل مختلفی از جمله توافق تجارت آزاد چین ASEAN و شراکت جامع منطقه‌ای (RCEP) نسبت داده می‌شود که به تسهیل تجارت و سرمایه‌گذاری‌ها بین دو منطقه کمک کرده است. در سال ۲۰۲۴، کشورهای ASEAN انتظار می‌رود که حدود ۱۵ درصد از کل تجارت خارجی چین را تشکیل دهند. این امر موقعیت ASEAN را به عنوان بزرگ‌ترین شریک تجاری چین تقویت می‌کند و نشان‌دهنده یک رابطه دوجانبه قوی است که در طول سال‌ها توسعه یافته است. حجم رو به افزایش تجارت، وابستگی متقابل بین چین و کشورهای ASEAN را برجسته می‌کند، زیرا هر دو طرف به ادامه بهره‌برداری از نقاط قوت خود برای تقویت رشد و ثبات در اقتصاد جهانی ادامه می‌دهند.^۵ چین به عنوان بزرگ‌ترین شریک تجاری آسه‌آن شناخته می‌شود و قراردادهای تجاری جدیدی در زمینه‌های انرژی، کشاورزی، و فناوری برقرار شده است.

• میزان تجارت چین با هند:

در سال ۲۰۱۲، تجارت چین و هند به حدود ۶۰ میلیارد دلار رسید. در سال ۲۰۲۴ این رقم به ۱۱۸,۴ میلیارد دلار افزایش یافت که رشد ۹۷,۳٪ را نشان می‌دهد.^۶

۴. ابتکار کمربند و جاده (BRI)

یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌های چین در تقویت تجارت جهانی، ابتکار کمربند و جاده است که از سال ۲۰۱۳ به ابتکار شی جین‌پینگ آغاز شد. این ابتکار به منظور ایجاد یک شبکه تجاری بین چین و کشورهای مختلف، به‌ویژه در آسیای میانه، اروپا، آفریقا، و جنوب شرق آسیا، راه‌اندازی شده است. پروژه BRI به‌ویژه با هدف تقویت زیرساخت‌ها، ایجاد مسیرهای تجاری جدید و تسهیل حمل‌ونقل کالا طراحی شده است.

۴. <https://tradingeconomics.com/china>

۵. <https://www.ciie.org/zbh/en/news/exhibition/news/20241125/46989.html>

۶. <https://indbiz.gov.in/china-overtakes-us-as-indias-top-trading-partner-in-fy24-gtri/>

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

• آمار سرمایه‌گذاری در BRI :

در سال ۲۰۱۳، چین حدود ۵۰ میلیارد دلار در پروژه‌های زیرساختی کشورهای مختلف سرمایه‌گذاری کرده بود. کشور چین بین سال‌های ۲۰۱۳ تا پایان ۲۰۲۴، مجموع سرمایه‌گذاری چین در بخش زیرساخت تقریباً ۳,۳ تریلیون دلار تخمین زده می‌شود. این رقم شامل پروژه‌های مختلف زیرساختی، هم در داخل کشور و هم در سطح بین‌المللی هزینه شده است. که از این رقم پیش‌بینی می‌شود که چین تقریباً ۱,۰۵۳ تریلیون دلار در پروژه‌های زیرساختی از طریق ابتکار «یک کمربند، یک جاده» (BRI) طی این ده سال هزینه کرده باشد که این رقم شامل حدود ۶۳۴ میلیارد دلار در قراردادهای ساخت و ۴۱۹ میلیارد دلار در سرمایه‌گذاری‌های غیرمالی است که بر اساس داده‌های تجمعی مشارکت BRI تا سال ۲۰۲۳ گزارش شده است.^{۴۰۸}

چین به‌ویژه در ساخت جاده‌ها، پل‌ها، بنادر، و خطوط راه‌آهن در کشورهای مختلف فعال بوده است.^{۴۰۹}

۵. تجارت با اتحادیه اروپا

چین همچنین روابط تجاری خود را با اتحادیه اروپا تقویت کرده است. اتحادیه اروپا یکی از بزرگ‌ترین شرکای تجاری چین است و در بسیاری از زمینه‌ها از جمله تولیدات صنعتی، خودرو، و محصولات مصرفی با چین همکاری دارد.

^{۴۰۸} & <https://greenfdc.org/china-belt-and-road-initiative-bri-investment-report-2023/>
^{۴۰۹} <https://www.gao.gov/assets/gao-24-106866.pdf>

۴۰۹ - چند مورد از پروژه‌های مهم زیرساختی چین در کشورهای مختلف به شرح ذیل می‌باشند:

۱. پروژه راه‌آهن تانزام (Tanzam Railway) در دهه ۱۹۷۰ با همکاری چین و برای اتصال دو کشور تانزانیا و زامبیا ساخته شد. این پروژه یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌های زیرساختی چین در آفریقا بود و به عنوان نمونه‌ای از همکاری‌های چین با کشورهای در حال توسعه محسوب می‌شود.

۲. بندر هامبانتوتا (Hambantota Port) سریلانکا، این بندر توسط یک شرکت دولتی چینی تأمین مالی و ساخته شده است. با وجود اینکه این پروژه به عنوان یک فرصت اقتصادی برای سریلانکا مطرح شده بود، اما با مشکلات مالی مواجه شد و در نهایت ۷۰ درصد سهام آن به چین منتقل شد تا بار بدهی کاهش یابد.

۳. خط راه‌آهن استاندارد کنیا (Standard Gauge Railway)، این خط آهن که به نام "خط آهن مومباسا-نایروبی" نیز شناخته می‌شود، توسط شرکت‌های چینی ساخته شده و هزینه‌ای بالغ بر ۴,۵ میلیارد دلار داشته است. این پروژه به عنوان بخشی از طرح "کمربند و جاده" چین، هدفش تسهیل حمل و نقل کالاها و مسافران در کنیا بوده است.

۴. پروژه بندر گوادر (Gwadar Port) پاکستان، این بندر به عنوان بخشی از کریدور اقتصادی چین-پاکستان (CPEC) توسعه یافته است. این پروژه شامل ساخت و توسعه بندر، جاده‌ها و زیرساخت‌های مرتبط است که هدف آن افزایش تجارت و دسترسی چین به اقیانوس هند است.

۵. نیروگاه برق آبی چاکو (Chakra Hydro Power Station) اکوادور، این نیروگاه توسط شرکت‌های چینی ساخته شده و یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌های انرژی در اکوادور محسوب می‌شود. این پروژه با هدف تأمین برق پایدار برای کشور اجرا شده است.

۶. پروژه فارست سیتی (Forest City) مالزی، این پروژه یک شهر جدید با فناوری پیشرفته است که برای خریداران بین‌المللی طراحی شده است. با وجود اینکه این پروژه به عنوان یک نوآوری شهری مطرح شده، اما با نگرانی‌های زیست‌محیطی و مالکیت املاک خارجی مواجه بوده است.

این پروژه‌ها نمونه‌هایی از فعالیت‌های چین در زمینه ساخت زیرساخت‌ها در کشورهای مختلف هستند که نشان‌دهنده نفوذ اقتصادی و سیاسی چین در سطح جهانی می‌باشد.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

• آمار تجارت چین با اتحادیه اروپا :

در سال ۲۰۱۲، تجارت چین با اتحادیه اروپا به حدود ۵۰۰ میلیارد دلار رسید.
در سال ۲۰۲۴، این رقم به بیش از ۵۷۶ میلیارد دلار افزایش یافت.^{۴۱}
در این دوره، چین به‌ویژه در صادرات کالاهایی همچون ماشین‌آلات، محصولات الکترونیکی، و کالاهای مصرفی به اتحادیه اروپا موفق بوده است.

۶. تقویت تجارت با کشورهای آفریقایی

چین در دوره شی جین‌پینگ توجه ویژه‌ای به تقویت روابط تجاری با کشورهای آفریقایی داشته است. چین در زمینه‌های مختلفی از جمله ساخت‌وساز، انرژی، کشاورزی، و تجهیزات صنعتی در آفریقا سرمایه‌گذاری کرده است که در پاورقی صفحه قبل به برخی از آنها اشاره کردیم.

• آمار تجارت چین با آفریقا :

در سال ۲۰۱۲، تجارت چین با کشورهای آفریقایی به حدود ۲۰۰ میلیارد دلار رسید.
در سال ۲۰۲۴، این رقم به ۲۸۲ میلیارد دلار رسید که رشد ۴۱ درصدی را نشان می‌دهد.^{۴۲}

۷. توسعه صنایع فناوری و دیجیتال در تجارت جهانی

چین به عنوان یکی از بزرگ‌ترین صادرکنندگان محصولات فناوری و دیجیتال شناخته می‌شود. شرکت‌هایی مانند هوآوی، شیائومی، و علی‌بابا به رقبا جهانی تبدیل شده‌اند و در افزایش تجارت جهانی چین نقش بسزایی دارند.

• آمار صادرات فناوری و دیجیتال:

در سال ۲۰۱۲، چین به‌طور ویژه در صادرات محصولات دیجیتال و فناوری به حدود ۳۵۰ میلیارد دلار رسید.
در سال ۲۰۲۴ این رقم به ۸۲۵ میلیارد دلار افزایش یافت که نشان از رشد ۱۳۵٫۷ درصدی این حوزه دارد.^{۴۳}

د: پایگاه‌های تولیدی جهانی

چین به عنوان "کارخانه جهان" شناخته می‌شود، عنوانی که به دلیل رشد سریع و قابل توجه صنعت تولید این کشور در سال‌های اخیر به آن داده شده است. این لقب به طور خاص پس از ورود چین به سازمان جهانی تجارت (WTO) در سال ۲۰۰۱ به شهرت رسید و به دلیل صادرات گسترده محصولات تولیدی این کشور به دیگر نقاط جهان ایجاد شد. عواملی که چین را به "کارخانه جهان" تبدیل کردند

زیرساخت‌های قوی

چین با سرمایه‌گذاری‌های کلان در زیرساخت‌ها، از جمله حمل و نقل، انرژی و ارتباطات، شرایط مناسبی را برای صنایع تولیدی فراهم کرده است. این زیرساخت‌ها به تولیدکنندگان کمک می‌کند تا محصولات خود را به سرعت و با هزینه کمتر تولید و توزیع کنند.

^{۴۱} <http://english.news.cn/20241211/e9b0fdaecb0b4b1087ee49b52fdded3c6/c.html>

^{۴۲} https://english.www.gov.cn/news/202408/14/content_WS66bca5aac6d0868f4e8e9e94.html &

<http://www.sais-cari.org/data-china-africa-trade>

^{۴۳} <https://oec.world/en/profile/country/chn> &

نیروی کار ارزان

وجود نیروی کار با هزینه پایین یکی از عوامل کلیدی است که چین را به مقصدی جذاب برای تولیدکنندگان تبدیل کرده است. این موضوع باعث کاهش هزینه‌های تولید و افزایش رقابت‌پذیری محصولات چینی در بازار جهانی شده است.

چین به عنوان "کارخانه جهان" شناخته می‌شود، نه تنها به دلیل نیروی کار ارزان، بلکه به خاطر زیرساخت‌های پیشرفته، زنجیره تأمین گسترده و ظرفیت تولید انبوه آن. در حالی که دستمزد نیروی کار در چین به طور متوسط حدود ۶,۵ دلار در ساعت است و این رقم نسبت به کشورهایی مانند بنگلادش و ویتنام بالاتر است، چین توانسته است با ترکیب بهره‌وری بالا و فناوری‌های پیشرفته، جایگاه خود را به عنوان مرکز تولید جهانی حفظ کند. این کشور همچنین دارای یک بازار داخلی بزرگ است که تولیدکنندگان را قادر می‌سازد تا هم برای صادرات و هم برای مصرف داخلی تولید کنند. علاوه بر این، چین بیش از ۹۵ درصد از تولید جهانی عناصر خاکی کمیاب را کنترل می‌کند که برای ساخت محصولات پیشرفته مانند باتری‌ها و نیمه‌هادی‌ها ضروری هستند.

در حال حاضر، بنگلادش ارزان‌ترین نیروی کار جهان را دارد؛ میانگین دستمزد در این کشور حدود ۰,۴۶ دلار در ساعت است. این هزینه پایین نیروی کار باعث شده بنگلادش به یکی از مراکز اصلی تولید پوشاک تبدیل شود و صادرات پوشاک آن در سال ۲۰۲۳ به حدود ۴۲ میلیارد دلار برسد. با وجود این، بنگلادش فاقد زیرساخت‌های صنعتی پیشرفته‌ای است که بتواند در سایر صنایع با چین رقابت کند. بنابراین، اگرچه کشورهای دیگری مانند بنگلادش نیروی کار ارزان‌تری دارند، چین با ترکیب عوامل مختلف اقتصادی و صنعتی همچنان جایگاه خود را به عنوان کارخانه جهان حفظ کرده و در حال حرکت به سمت تولید محصولات پیشرفته با فناوری بالا است.^{۴۱۳}

۴۱۳ - در سال ۲۰۲۴، بنگلادش به عنوان کشوری با ارزان‌ترین نیروی کار در جهان شناخته می‌شود. هزینه نیروی کار در این کشور به طور متوسط حدود ۰,۴۶ دلار در ساعت است، که معادل ۹۵,۵۰ دلار در ماه می‌باشد. این نرخ پایین دستمزد به بنگلادش اجازه می‌دهد تا به یک مقصد جذاب برای سرمایه‌گذاران خارجی تبدیل شود، به ویژه در صنایع نساجی و پوشاک که بخش عمده‌ای از صادرات این کشور را تشکیل می‌دهد. با توجه به اینکه بنگلادش یکی از بزرگ‌ترین صادرکنندگان لباس در جهان است، این هزینه‌های پایین تولید به آن کمک کرده است تا رقابت‌پذیری بالایی در بازارهای جهانی داشته باشد.

علاوه بر بنگلادش، کشورهای دیگری نیز مانند هند و ویتنام دارای نیروی کار ارزان هستند، اما دستمزدها در این کشورها بالاتر از بنگلادش است. به عنوان مثال، میانگین دستمزد در هند حدود ۲,۸۰ دلار در ساعت است که نشان‌دهنده تفاوت قابل توجهی با بنگلادش دارد. این شرایط باعث شده است که بنگلادش به عنوان یک گزینه ایده‌آل برای تولیدکنندگان بین‌المللی مطرح شود و پیش‌بینی می‌شود که با ادامه رشد صنعت نساجی و جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی، سهم این کشور از بازار جهانی افزایش یابد.

این وضعیت نه تنها به ایجاد فرصت‌های شغلی برای جمعیت جوان بنگلادش کمک کرده بلکه باعث رشد اقتصادی پایدار نیز شده است. بر اساس آمارها، صادرات پوشاک بنگلادش در سال ۲۰۲۳ به حدود ۴۲ میلیارد دلار رسید و انتظار می‌رود که این رقم در سال‌های آینده افزایش یابد. همچنین، با توجه به سیاست‌های حمایتی دولت برای جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و توسعه زیرساخت‌ها، بنگلادش می‌تواند نقش مهمی در زنجیره تأمین جهانی ایفا کند. در نهایت، ارزان بودن نیروی کار در بنگلادش نه تنها منجر به کاهش هزینه‌های تولید شده بلکه باعث افزایش رقابت‌پذیری محصولات این کشور در بازارهای جهانی نیز گردیده است. این امر می‌تواند به رشد پایدار اقتصاد محلی و افزایش کیفیت زندگی مردم کمک کند. منبع: "کشورهایی با ارزان‌ترین نیروی کار".

<https://aadmi.com/global-expansion-12-countries-with-the-most-affordable-labor/>

محیط کسب و کار مناسب

چین به عنوان یک مقصد جذاب برای سرمایه‌گذاران خارجی، به دلیل وجود یک اکوسیستم تجاری قوی شامل تأمین‌کنندگان، تولیدکنندگان قطعات و توزیع‌کنندگان، توانسته است کارایی را افزایش داده و هزینه‌های تولید را کاهش دهد. این اکوسیستم به تولیدکنندگان این امکان را می‌دهد که به سرعت به منابع مورد نیاز دسترسی پیدا کنند و فرآیندهای تولید را بهینه‌سازی کنند. برای مثال، شهر شنژن به عنوان یک مرکز صنعتی برای صنعت الکترونیک شناخته می‌شود و با داشتن شبکه‌ای از تولیدکنندگان قطعات و نیروی کار ماهر، توانسته است به یکی از مهم‌ترین مراکز تولید در جهان تبدیل شود. این شهر با وجود شرکت‌های برجسته‌ای مانند Huawei و Tencent، همچنین به عنوان یک مرکز نوآوری و فناوری شناخته می‌شود. وجود تأمین‌کنندگان محلی و توزیع‌کنندگان کارآمد باعث می‌شود که زمان تحویل کالاها کاهش یابد و هزینه‌های حمل‌ونقل نیز به حداقل برسد. این عوامل نه تنها به افزایش کیفیت محصولات کمک می‌کنند بلکه باعث می‌شوند که تولیدکنندگان بتوانند سریع‌تر به تغییرات بازار پاسخ دهند.

علاوه بر این، چین با ارائه تسهیلات مالی و زیرساخت‌های پیشرفته، شرایط مناسبی برای ورود سرمایه‌گذاران فراهم کرده است. دولت چین با کاهش موانع قانونی و ایجاد بسترهای مناسب برای همکاری‌های بین‌المللی، توانسته است توجه شرکت‌های بزرگ جهانی را جلب کند. به عنوان مثال، چین در سال‌های اخیر سیاست‌هایی را برای جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) اتخاذ کرده که شامل کاهش مالیات‌ها، تسهیل فرآیند ثبت‌نام شرکت‌ها و ارائه مشوق‌های مالی برای صنایع کلیدی است. این سیاست‌ها باعث شده‌اند که بسیاری از شرکت‌های چندملیتی تصمیم بگیرند تا کارخانه‌ها و مراکز تحقیق و توسعه خود را در چین راه‌اندازی کنند. همچنین، با توجه به رشد سریع تجارت الکترونیک در چین، بسیاری از شرکت‌ها از فرصت‌های موجود برای گسترش بازار خود بهره‌برداری کرده‌اند. این شرایط نه تنها به افزایش صادرات کمک کرده بلکه باعث رشد پایدار اقتصادی نیز شده است. در نتیجه، اکوسیستم تجاری قوی چین یکی از عوامل کلیدی موفقیت این کشور در جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و افزایش رقابت‌پذیری محصولاتش در بازار جهانی است.

فناوری و نوآوری

چین در سال‌های اخیر بر روی فناوری‌های جدید و نوآوری سرمایه‌گذاری کرده است تا توانایی‌های تولیدی خود را افزایش دهد. این کشور اکنون یکی از بزرگ‌ترین کاربران ربات‌های صنعتی در جهان است و تلاش می‌کند تا با حرکت به سمت تولیدات با ارزش افزوده بالا، جایگاه خود را تقویت کند. که در بخش‌های فناوری به جزئیات آن پرداخته شد.

به طور خلاصه، عنوان "کارخانه جهان" برای چین نتیجه ترکیبی از زیرساخت‌های قوی، نیروی کار ارزان، محیط کسب و کار مناسب و سرمایه‌گذاری در فناوری‌های نوین است. این عوامل باعث شده‌اند که چین به یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان جهانی تبدیل شود و سهم بزرگی از بازارهای بین‌المللی را در اختیار داشته باشد.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

پایگاه‌های تولیدی جهانی چین تحت رهبری شی جین‌پینگ یکی از مهم‌ترین آثار اجرای اولویت‌های توسعه اقتصادی در این کشور بوده است. چین در سال‌های اخیر با تقویت زیرساخت‌ها، سرمایه‌گذاری در فناوری‌های نوین و ایجاد شرایط مناسب برای صنایع تولیدی، به **کارخانه جهان** تبدیل شده است. سیاست‌های اقتصادی شی جین‌پینگ نه تنها موجب گسترش تولیدات داخلی بلکه باعث افزایش رقابت‌پذیری چین در بازار جهانی شده‌اند.

چین به عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده جهان

چین از مدت‌ها پیش به بزرگ‌ترین تولیدکننده کالاهای صنعتی و مصرفی جهان تبدیل شده است. تحت رهبری شی جین‌پینگ، این کشور توانسته است بخش‌های مختلف صنعت را از جمله **تولید ماشین‌آلات، تجهیزات الکترونیکی، لوازم خانگی، پوشاک و صنایع خودروسازی** گسترش دهد.

۱. تولید ناخالص صنعتی چین :

در سال ۲۰۱۲، تولید ناخالص صنعتی چین حدود **۶,۸ تریلیون دلار** بود. پیش‌بینی می‌شود که این رقم تا سال ۲۰۲۴ به حدود **۷,۵ تریلیون دلار** افزایش یابد، که نشان‌دهنده رشد پایدار در بخش صنعتی کشور است. سهم بخش صنعت از تولید ناخالص داخلی (GDP) در این دوره به طور قابل توجهی حفظ شده و انتظار می‌رود که ارزش افزوده صنعتی با رشد حدود **۵,۷ درصد** نسبت به سال قبل، به این هدف دست یابد.

در سال ۲۰۲۴، سهم بخش‌های مختلف اقتصادی شامل سهم صنعت حدود **۴,۵ تریلیون دلار (۶۰ درصد)**، کشاورزی تقریباً **۱ تریلیون دلار (۱۳ درصد)**، خدمات حدود **۲ تریلیون دلار (۲۷ درصد)** می‌باشد. این آمارها نشان‌دهنده تغییرات ساختاری در اقتصاد چین و تمرکز بیشتر بر روی توسعه صنعتی و خدماتی است، که در نهایت به تقویت موقعیت چین در بازار جهانی کمک خواهد کرد.^{۴۱۴}

چین اکنون تولیدکننده بیش از **۲۸ درصد** از تولیدات صنعتی جهانی است و به عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده در بخش‌های مختلف، از جمله محصولات الکترونیکی، خودرو، پوشاک و ماشین‌آلات، شناخته می‌شود.

۲. صنایع الکترونیکی و فناوری‌های پیشرفته

یکی از مهم‌ترین بخش‌های تولید چین در سال‌های اخیر، صنعت الکترونیک و فناوری‌های پیشرفته بوده است. چین نه تنها بزرگ‌ترین تولیدکننده لوازم الکترونیکی جهان است بلکه در زمینه تحقیق و توسعه فناوری‌های نوین نیز سرمایه‌گذاری‌های گسترده‌ای انجام داده است.

تولید گوشی‌های هوشمند:

۴۱۴ https://english.www.gov.cn/archive/statistics/202412/27/content_WS676e53a2c6d0868f4e8ee504.html &
<https://tradingeconomics.com/china/industrial-production> &
<https://english.news.cn/20241018/bff85ed5bb1d40888404f35cf5e129fb/c.html>

دFTER دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

در سال ۲۰۱۲، چین حدود ۴۰۰ میلیون گوشی هوشمند تولید کرد که ارزش آن به تقریباً ۸۰ میلیارد دلار (قیمت متوسط فروش هر گوشی هوشمند در آن زمان حدود ۲۰۰ دلار) بود. این تولید نشان‌دهنده جایگاه چین به عنوان یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان گوشی‌های هوشمند در جهان است. تا سال ۲۰۲۴، پیش‌بینی می‌شود که تولید گوشی‌های هوشمند در چین به ۶۰۰ میلیون دستگاه افزایش یابد. با کاهش قیمت متوسط فروش به حدود ۱۵۰ دلار، ارزش کل تولید به تقریباً ۹۰ میلیارد دلار خواهد رسید. این رشد قابل توجه در تعداد و ارزش تولید، نشان‌دهنده گسترش نقش چین در بازار جهانی گوشی‌های هوشمند و افزایش رقابت در این صنعت است.^{۴۱۵}

در سال ۲۰۲۴، پیش‌بینی می‌شود که تولید جهانی گوشی‌های هوشمند به حدود ۳۱۶٫۱ میلیون واحد برسد که نشان‌دهنده ۴ درصد افزایش سالانه است. ارزش کل این گوشی‌ها تقریباً ۵۶۶٫۱۲ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود. این رشد به عوامل مختلفی از جمله راه‌اندازی محصولات جدید و بهبود احساسات مصرف‌کننده، به ویژه در بازارهای نوظهور، نسبت داده می‌شود. بازیگران اصلی در این صنعت، مانند سامسونگ و اپل، همچنان بر بازار تسلط دارند و سامسونگ در زمینه ارسال‌ها پیشرو است. سهم بازار تولیدکنندگان برتر گوشی‌های هوشمند در سال ۲۰۲۴ نشان‌دهنده رقابت شدید است. پیش‌بینی می‌شود که سامسونگ حدود ۱۹ درصد از بازار جهانی را به خود اختصاص دهد و اپل با حدود ۱۷ درصد در جایگاه دوم قرار گیرد. سایر برندهای قابل توجه شامل شیائومی با حدود ۱۴ درصد و اوپو و ویوو^{۴۱۶} هستند که به ترتیب ۹ درصد و ۸ درصد سهم بازار دارند. این توزیع نشان‌دهنده چشم‌انداز رقابتی در صنعت گوشی‌های هوشمند است که در آن برندهای معتبر برای تسلط بر بازار تلاش می‌کنند و به تغییرات تقاضای مصرف‌کننده و شرایط بازار پاسخ می‌دهند.

۴۱۵- <https://www.businesswire.com/news/home/20120830005367/en/China-to-Overtake-United-States-in-Smartphone-Shipments-in-2012-According-to-IDC> & <https://www.statista.com/statistics/240976/market-share-of-smartphone-suppliers-in-china/>

۴۱۶ - اوپو (OPPO) یکی از برندهای معتبر و پیشرو در صنعت گوشی‌های هوشمند است که در سال ۲۰۰۴ تأسیس شد و به سرعت به یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان تلفن همراه در جهان تبدیل شد. این شرکت چینی که زیرمجموعه‌ای از BBK Electronics است، به خاطر نوآوری‌های خود در زمینه طراحی و فناوری‌های دوربین شهرت دارد. BBK Electronics یک شرکت چندملیتی چینی است که در سال ۱۹۹۵ تأسیس شده و به عنوان یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان گوشی‌های هوشمند و لوازم الکترونیکی مصرفی در جهان شناخته می‌شود. این شرکت به ویژه به خاطر برندهای زیرمجموعه‌اش شامل اوپو (OPPO)، ویوو (VIVO)، وان پلاس (OnePlus) و رئال می (Realme) معروف است.

۴۱۷ - Vivo یک شرکت چندملیتی چینی است که در زمینه تولید گوشی‌های هوشمند فعالیت می‌کند و دفتر مرکزی آن در شهر دونگوان، استان گوانگدونگ چین واقع شده است. این شرکت در سال ۲۰۰۹ تأسیس شد و از سال ۲۰۱۱ به طور رسمی وارد بازار گوشی‌های هوشمند شد. Vivo به سرعت رشد کرد و تا سال ۲۰۱۴ به عنوان پنجمین برند بزرگ گوشی‌های هوشمند در چین و دهمین برند بزرگ در سطح جهانی شناخته شد. این شرکت با تمرکز بر روی کیفیت صدا و نوآوری‌های تکنولوژیک، مانند تولید اولین گوشی هوشمند با چیپ Hi-Fi در سال ۲۰۱۲، توانسته است جایگاه خود را در بازار تثبیت کند. Vivo به طور گسترده‌ای در بازارهای بین‌المللی فعالیت می‌کند و محصولات خود را به بیش از ۶۰ کشور و منطقه صادر می‌کند. این شرکت به ویژه در کشورهای آسیایی مانند هند، مالزی و اندونزی رشد سریعی داشته است و با ارائه فناوری‌های نوین و قیمت‌های رقابتی، موفق به جذب مشتریان زیادی شده است. Vivo همچنین با تأسیس مراکز تحقیق و توسعه در چندین شهر، از جمله شنیانگ و نانجینگ، به دنبال ارتقاء کیفیت محصولات خود و پاسخگویی به نیازهای بازار جهانی است.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

شرکت‌هایی مانند هوآوی، شیائومی، و اوپو اکنون به برندهای جهانی تبدیل شده‌اند.

تولید نیمه‌هادی‌ها:

در سال ۲۰۱۲، تولید نیمه‌هادی‌ها در چین دارای ارزش خروجی ناخالص حدود ۷۵,۷ میلیارد یوان معادل ۱۲ میلیارد دلار بود. بر اساس روندهای صنعتی، بیاپید ارزش خروجی ناخالص را حدود ۱ تریلیون یوان معادل ۱۵۹ میلیارد دلار تخمین بزنیم.^{۴۱۸}

در سال ۲۰۲۴، پیش‌بینی می‌شود که ارزش تولید جهانی نیمه‌هادی‌ها به حدود ۶۰۰ میلیارد دلار برسد. کشورهای اصلی تولیدکننده نیمه‌هادی شامل تایوان، کره جنوبی، ایالات متحده، ژاپن و چین هستند. تایوان همچنان بازیگر اصلی در این صنعت است و حدود ۶۰٪ از بازار نیمه‌هادی‌های پیشرفته را به خود اختصاص می‌دهد، که عمدتاً از طریق شرکت پیشرو TSMC (شرکت تولید نیمه‌هادی تایوان)^{۴۱۹} انجام می‌شود. کره جنوبی با حدود ۱۳٪ از سهم بازار در رتبه بعدی قرار دارد که این موفقیت را مدیون شرکت‌هایی مانند سامسونگ و SK

^{۴۱۸} <https://www.ceicdata.com/en/china/electronic-mfg-industry-electronic-appliance-semiconductor/cn-semiconductor-gross-output-value> & <https://www.voronoiiapp.com/technology/-China-Becomes-Global-Leader-in-Semiconductor-Machinery-Imports-2388> & <https://www.statista.com/statistics/1538959/china-import-value-of-semiconductor-equipment-by-type/>

^{۴۱۹} - شرکت تولید نیمه‌هادی تایوان (TSMC) یکی از بزرگ‌ترین و پیشروترین تولیدکنندگان تراشه‌های نیمه‌هادی در جهان است که در سال ۱۹۸۷ تأسیس شد و دفتر مرکزی آن در پارک فناوری سینچو، تایوان قرار دارد. TSMC به عنوان یک پیمانکار مستقل، به تولید تراشه‌ها برای بسیاری از شرکت‌های بزرگ فناوری مانند اپل، انویدیا و کوالکام می‌پردازد و تقریباً ۹۰ درصد از نیمه‌هادی‌های پیشرفته دنیا را تولید می‌کند. این شرکت با استفاده از فناوری‌های نوین و فرآیندهای تولید پیشرفته، نقش کلیدی در زنجیره تأمین جهانی نیمه‌هادی‌ها ایفا می‌کند و به دلیل توانایی بالای خود در تولید تراشه‌های با تکنولوژی بالا، به عنوان یک بازیگر اصلی در صنعت فناوری شناخته می‌شود. TSMC همچنین به تازگی اقدام به گسترش فعالیت‌های خود در خارج از تایوان کرده است. این شرکت در حال ساخت کارخانه‌هایی در ایالت آریزونا در ایالات متحده و درسدن در آلمان است تا ریسک‌های ناشی از تنش‌های سیاسی بین تایوان و چین را کاهش دهد. افتتاح اولین کارخانه TSMC در ژاپن نیز نشان‌دهنده تلاش این شرکت برای تقویت زنجیره تأمین نیمه‌هادی‌ها و پاسخگویی به نیازهای بازار جهانی است. با توجه به پیشرفت‌های مداوم و سرمایه‌گذاری‌های کلان، TSMC به عنوان یک غول صنعت نیمه‌هادی همچنان به رشد و توسعه خود ادامه خواهد داد.

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

^{۴۲۰} Hynix است. ایالات متحده نیز سهم قابل توجهی دارد و تقریباً ۱۷٪ از بازار را به خود اختصاص داده است، با شرکت‌های بزرگی مانند اینتل و ^{۴۲۱} انویدیا^{۴۲۲} در این زمینه فعالیت می‌کنند. سهم چین از بازار جهانی نیمه‌هادی‌ها حدود ۶٪ تخمین زده می‌شود و بیشتر بر روی فرآیندهای فناوری بالغ تمرکز دارد. ژاپن نیز در حالی که به‌طور تاریخی یکی از رهبران تولید نیمه‌هادی بوده است، سهم خود را به حدود ۴٪ کاهش داده و در تلاش است تا صنعت خود را احیا کند. این توزیع نشان‌دهنده چشم‌انداز رقابتی در بخش نیمه‌هادی‌ها است که در آن عوامل ژئوپولیتیکی و پیشرفت‌های تکنولوژیکی نقش‌های مهمی در شکل‌دهی به قابلیت‌های تولید و دینامیک‌های بازار در مناطق مختلف ایفا می‌کنند.^{۴۲۳}

۳. صنعت خودروسازی

چین به بزرگ‌ترین بازار خودرو در جهان تبدیل شده است و توانسته است در زمینه تولید خودرو نیز پیشرفت‌های چشمگیری داشته باشد. این کشور اکنون نه تنها تولیدکننده بزرگ خودروهای سواری است بلکه به یک بازیگر کلیدی در تولید خودروهای الکتریکی تبدیل شده است.

^{۴۲۰} SK Hynix یک شرکت چندملیتی کره‌ای است که در زمینه تولید چیپ‌های حافظه دینامیک (DRAM) و چیپ‌های حافظه فلش (NAND) فعالیت می‌کند. این شرکت در سال ۱۹۸۳ تحت عنوان "Hyundai Electronics" تأسیس شد و در سال ۲۰۱۲ به گروه SK پیوست و نام آن به SK Hynix تغییر یافت. SK Hynix به عنوان دومین تولیدکننده بزرگ چیپ‌های حافظه در جهان شناخته می‌شود و محصولات آن شامل حافظه‌های DRAM، NAND، حسگرهای تصویر CMOS و درایوهای حالت جامد (SSD) است. این شرکت با مشتریان بزرگی مانند مایکروسافت، اپل، دل و اچ‌پی همکاری می‌کند و دارای چندین کارخانه تولیدی در کره جنوبی و چین است. SK Hynix با تمرکز بر نوآوری و توسعه فناوری‌های جدید، به دنبال پاسخگویی به نیازهای روزافزون بازار فناوری اطلاعات است. این شرکت در سال ۲۰۲۱ کسب‌وکار NAND اینتل را به ارزش ۹ میلیارد دلار خریداری کرد که منجر به تأسیس Solidigm شد. همچنین، SK Hynix در سپتامبر ۲۰۲۴ اعلام کرد که تولید انبوه چیپ‌های حافظه با پهنای باند بالا (HBM) را آغاز کرده است که این امر نشان‌دهنده تعهد این شرکت به پیشرفت‌های تکنولوژیکی و پاسخگویی به نیازهای صنعت هوش مصنوعی است.

^{۴۲۱} Intel Corporation یک شرکت چندملیتی آمریکایی است که در زمینه طراحی و تولید قطعات نیمه‌هادی و محصولات مرتبط برای بازارهای تجاری و مصرفی فعالیت می‌کند. این شرکت در سال ۱۹۶۸ تأسیس شد و دفتر مرکزی آن در سانتا کلارا، کالیفرنیا واقع شده است. اینتل به عنوان یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان چیپ‌های نیمه‌هادی در جهان شناخته می‌شود و محصولات آن شامل میکروپروسسورها، چیپست‌ها، واحدهای پردازش گرافیکی (GPU)، حافظه فلش و سایر دستگاه‌های مرتبط با ارتباطات و محاسبات است. این شرکت با تولید سری‌های مختلف پردازنده مانند Intel Xeon و Intel Core، به عنوان یکی از پیشروهای بازار رایانه‌های شخصی و سرورها شناخته می‌شود. ^{۴۲۲} Nvidia Corporation نیز یک شرکت فناوری آمریکایی است که در زمینه طراحی واحدهای پردازش گرافیکی (GPU) و سیستم‌های پردازش هوش مصنوعی فعالیت می‌کند. این شرکت در سال ۱۹۹۳ تأسیس شد و دفتر مرکزی آن در سن خوزه، کالیفرنیا قرار دارد. Nvidia به خاطر تولید GPUهای قدرتمند خود، به ویژه برای بازی‌های ویدئویی، طراحی گرافیک حرفه‌ای و محاسبات علمی، شهرت دارد. این شرکت همچنین در زمینه هوش مصنوعی و یادگیری ماشین پیشرفت‌های چشمگیری داشته است و محصولات آن در بسیاری از زمینه‌ها از جمله خودروهای خودران، داده‌کاوی و محاسبات ابری کاربرد دارند. با توجه به نوآوری‌های مداوم Nvidia، این شرکت به یکی از بازیگران کلیدی در صنعت فناوری اطلاعات تبدیل شده است.

^{۴۲۳} & <https://www.visualcapitalist.com/advanced-semiconductor-market-share-2023-2027/> & <https://www.aa.com.tr/en/economy/geopolitical-competition-in-chip-semiconductor-production-on-rise/3381759> & <https://www.statista.com/chart/25552/semiconductor-manufacturing-by-location/>

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

تولید خودرو در چین: در سال ۲۰۱۲، چین حدود ۱۹ میلیون خودرو تولید کرد. تا سال ۲۰۲۴، پیش‌بینی می‌شود که تولید خودرو در چین به حدود ۳۰ میلیون خودرو برسد.^{۴۲۴}

چین همچنین به بزرگ‌ترین تولیدکننده خودروهای الکتریکی تبدیل شده است و شرکت‌هایی مانند BYD و NIO اکنون در سطح جهانی رقابت می‌کنند.^{۴۲۵}

۴. صنعت فولاد

چین در تولید فولاد نیز به‌عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده و مصرف‌کننده فولاد در جهان شناخته می‌شود. تولید فولاد چین در دوران شی جین‌پینگ افزایش یافته و این کشور سهم بزرگی از تولید جهانی را به خود اختصاص داده است.

تولید فولاد: در سال ۲۰۱۲، چین حدود ۷۰۰ میلیون تن فولاد تولید کرد. تا سال ۲۰۲۴، پیش‌بینی می‌شود که تولید فولاد خام چین به حدود ۱ میلیارد و ۱۰ میلیون تن برسد، بر اساس پیش‌بینی‌هایی که نشان‌دهنده کاهش جزئی نسبت به تولید سال قبل (حدود ۱ میلیارد و ۱۹ میلیون تن) است، که رشد ۴۳ درصدی را نسبت به سال ۲۰۱۲ نشان می‌دهد.^{۴۲۶}

۵. صنایع ساخت و ساز و زیرساخت‌ها

یکی دیگر از بخش‌های عمده تولیدی چین، صنایع ساخت و ساز است. چین در زمینه پروژه‌های زیربنایی و ساخت‌وساز به‌ویژه در چارچوب ابتکار کمربند و جاده، سهم بزرگی از پروژه‌های جهانی را به خود اختصاص داده است.

سرمایه‌گذاری در پروژه‌های زیرساختی:

۴۲۴ - در سال ۲۰۲۴، ده کشور اول تولیدکننده خودرو در جهان به شرح زیر هستند: ۱. چین: تولید ۳۰ میلیون خودرو. ۲. ایالات متحده تولید ۱۰ میلیون خودرو. ۳. ژاپن: حدود ۸ میلیون خودرو. ۴. آلمان: حدود ۵ میلیون خودرو. ۵. کره جنوبی: ۴ میلیون خودرو. ۶. هند: ۳ میلیون خودرو. ۷. بریتانیا و فرانسه تولید هریک ۱,۵ میلیون خودرو. ۸. ایتالیا و برزیل: ۱ میلیون خودرو برای اطلاعات بیشتر به آدرس <https://www.ceicdata.com/en/indicator/china/motor-vehicle-production> مراجعه کنید.

۴۲۵ - در سال ۲۰۲۳، فروش جهانی خودروهای الکتریکی به تقریباً ۱۴ میلیون دستگاه رسید که نشان‌دهنده افزایش ۳۵ درصدی نسبت به سال ۲۰۲۲ است. این رشد به معنای افزایش ناوگان خودروهای الکتریکی جهانی به ۴۰ میلیون دستگاه بود. در سال ۲۰۲۴، ده سازنده اول خودروهای الکتریکی در جهان به شرح زیر هستند: ۱. BYD چین و Tesla آمریکا هریک با تولید ۱,۵ میلیون خودرو. ۲. نیسان ژاپن و NIO چین: هر یک با تولید ۵۰۰ هزار خودرو. ۳. رنو فرانسه و جنرال موتورز: آمریکا هریک با تولید ۴۰۰ هزار خودرو. ۴. فورد آمریکا و هیوندای کره جنوبی هریک با تولید ۳۰۰ هزار خودرو. ۵. کیا کره جنوبی با تولید ۲۵۰ هزار خودرو. ۶. BMW و مرسدس بنز آلمان: هر یک با تولید ۲۰۰ هزار خودرو.

۴۲۶ - <https://gmcenter.com/en/news/steel-consumption-in-china-will-reach-900-million-tons-in-2024-forecast/> & <https://thecoaltrader.com/how-will-chinas-steel-market-perform-in-2024/>

دفتر دوم: ساختار ایدئولوژیکی، دیدگاه رهبران و اصلاحات تا سال ۲۰۰۰

در سال ۲۰۱۲، چین حدود ۲۰۰ میلیارد دلار در پروژه‌های زیرساختی داخلی و خارجی سرمایه‌گذاری کرد. تا سال ۲۰۲۴، پیش‌بینی می‌شود که سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها به حدود ۱۷۳ میلیارد دلار برای پروژه‌های زیرساخت حمل‌ونقل کاهش یابد، که بخشی از یک بودجه گسترده‌تر برای توسعه زیرساخت‌ها است. با این حال، ارقام کلی سرمایه‌گذاری در زیرساخت به طور مستقیم در دسترس نیست.^{۴۲۷} این پروژه‌ها شامل ساخت راه‌آهن، بنادر، فرودگاه‌ها و جاده‌ها در کشورهای مختلف از جمله پاکستان، کنیا، و ویتنام هستند.

ه: تقویت صادرات محصولات صنعتی

یکی دیگر از ویژگی‌های پایگاه‌های تولیدی جهانی چین در دوران شی جین‌پینگ، افزایش صادرات محصولات صنعتی به سراسر جهان بوده است. چین به‌ویژه در صادرات محصولات ماشینی، تجهیزات صنعتی، و محصولات مصرفی پیشرفت‌های زیادی کرده است. در سال ۲۰۱۲، صادرات محصولات صنعتی چین حدود ۱,۵ تریلیون دلار بود. تا سال ۲۰۲۴، پیش‌بینی می‌شود که این رقم به حدود ۳,۲۴ تریلیون دلار افزایش یابد، بر اساس داده‌هایی که نشان‌دهنده رشد ۵,۴ درصدی صادرات در سال ۲۰۲۴ تا نوامبر است.

و: سرمایه‌گذاری خارجی چین

چین همچنین توانسته است به یکی از بزرگ‌ترین کشورهای سرمایه‌گذار در خارج از کشور تبدیل شود. این کشور در قالب پروژه‌های ابتکار کمربند و جاده، سرمایه‌گذاری‌های عظیمی در کشورهای مختلف انجام داده است. رقم FDI سال ۲۰۱۲ که حدود ۸۷ میلیارد دلار بود. بر اساس آمارهای اخیر، پیش‌بینی می‌شود که تا پایان سال ۲۰۲۴، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین به حدود ۹۰,۲۶ میلیارد دلار برسد. این رقم بر اساس داده‌های نه ماهه اول سال ۲۰۲۴ است که نشان می‌دهد چین حدود ۶۴۰,۶ میلیارد یوان (تقریباً معادل ۹۰,۲۶ میلیارد دلار) سرمایه‌گذاری خارجی جذب کرده است.

مقایسه قبل و بعد از اجرای اولویت‌های اقتصادی:

قبل از اجرای اولویت‌های اقتصادی شی جین‌پینگ، چین به عنوان یک کشور تولیدی پیشرفته شناخته می‌شد، اما در زمینه‌هایی مانند فناوری، نیمه‌هادی‌ها، و خودروهای الکتریکی در جایگاه‌های دومی و سومی قرار داشت. پس از اجرای این اولویت‌ها، چین توانست به رهبری جهانی در این بخش‌ها دست یابد و به صنعتی‌ترین و پیشرفته‌ترین اقتصاد تولیدی جهان تبدیل شود.

^{۴۲۷} <https://www.businesswire.com/news/home/20241107734766/en/China-Construction-Industry-Report-2024-2028-Government-Investment-in-Infrastructure-Focus-on-Green-Development-Developing-Infrastructure-Construction---ResearchAndMarkets.com>

دفتر چهارم: دوره رشد اقتصادی شتابان و ادغام با اقتصاد جهانی (از اوایل دهه ۲۰۰۰ به بعد)

دفتر چهارم: دوره رشد اقتصادی شتابان و ادغام با اقتصاد جهانی (از اوایل دهه ۲۰۰۰ به بعد)

سیاست‌های تجاری و ادغام در اقتصاد جهانی

سیاست‌های تجاری چین و ادغام آن در اقتصاد جهانی یکی از تحولات کلیدی در تاریخ معاصر این کشور است که از دهه ۱۹۸۰ میلادی آغاز شد و همچنان ادامه دارد. این سیاست‌ها بر مبنای اصلاحات اقتصادی، گسترش روابط تجاری، و استفاده از فرصت‌های جهانی‌شدن شکل گرفته‌اند. در ادامه این روند با جزئیات بیشتری بررسی می‌شود:

اصلاحات اقتصادی و تجاری

تغییر به اقتصاد بازار: چین پس از آغاز اصلاحات اقتصادی در سال ۱۹۷۸ از یک اقتصاد برنامه‌ریزی‌شده به سوسیالیسم بازاری تغییر مسیر داد.

مناطق ویژه اقتصادی (SEZs): ایجاد مناطقی مانند شنزن و ژوهای به جذب سرمایه‌گذاری خارجی و گسترش صادرات کمک کرد.

تمرکز بر صادرات: دولت چین از طریق ارائه مشوق‌های مالیاتی و یارانه‌های صادراتی صنایع تولیدی را تقویت کرد.

پیوستن به سازمان تجارت جهانی (WTO)

۴۲۸ - پیوستن به سازمان تجارت جهانی یک فرایند پیچیده و چند مرحله‌ای است که می‌توان آن را هفت خوان و شامل مراحل زیر دانست:

۱. مرحله اول: تقاضای رسمی برای عضویت:
کشور متقاضی باید به صورت رسمی تقاضای عضویت خود را به دبیرکل سازمان ارائه دهد. این درخواست معمولاً شامل دلایل تقاضا و پیشرفت‌های داخلی کشور در راستای تطبیق با قوانین WTO است
۲. مرحله دوم: تایید شورای عمومی:
پس از دریافت درخواست، دبیرکل آن را به شورای عمومی سازمان ارائه می‌دهد. شورای عمومی متشکل از نمایندگان تمام اعضای سازمان است و در صورتی که کشور متقاضی شرایط لازم را داشته باشد، با بررسی درخواست در کارگروه موافقت می‌کند
۳. مرحله سوم: تشکیل کارگروه:
یک کارگروه ویژه برای بررسی تقاضای عضویت کشور متقاضی تشکیل می‌شود. این کارگروه شامل نمایندگان کشورهای عمده تجاری و کشورهای ذینفع در پیوستن کشور متقاضی است
۴. مرحله چهارم: ارائه رژیم تجارت خارجی:
کشور متقاضی باید یادداشتی درباره تدابیر و سیاست‌های تجارت خارجی خود به کارگروه ارائه کند. این یادداشت شامل جزئیات تعرفه‌های گمرکی، موانع تجاری غیرتعرفه‌ای، سیاست‌های ارزی و مقررات مربوط به سرمایه‌گذاری خارجی است
۵. مرحله پنجم: پاسخ به سوالات اعضا:
اعضای کارگروه ممکن است سؤالاتی درباره سیاست‌های تجاری کشور متقاضی مطرح کنند که باید به آن‌ها پاسخ داده شود
۶. مرحله ششم: مذاکرات چندجانبه و دو جانبه:
در این مرحله، مذاکرات چندجانبه و دو جانبه با کشورهای عضو انجام می‌شود تا شرایط و ضوابط عضویت تعیین گردد. این مذاکرات شامل جدول‌های امتیاز برای کالاهای صنعتی، کشاورزی و خدمات است
۷. مرحله هفتم: رای‌گیری و تنظیم پروتکل الحاقی:

دفتر چهارم: دوره رشد اقتصادی شتابان و ادغام با اقتصاد جهانی (از اوایل دهه ۲۰۰۰ به بعد)

چین در سال ۲۰۰۱ به سازمان تجارت جهانی (WTO) پیوست که این اقدام به عنوان یک گام کلیدی در ادغام این کشور در اقتصاد جهانی محسوب می‌شود. پیوستن به WTO مزایایی مانند کاهش تعرفه‌ها برای تجارت بین‌المللی و دسترسی بهتر به بازارهای جهانی را به همراه داشت. با این حال، چین متعهد شد که قوانین داخلی خود را اصلاح کند تا با استانداردهای بین‌المللی همخوانی داشته باشد و محدودیت‌ها بر روی سرمایه‌گذاری‌های خارجی در برخی بخش‌ها را حذف کند. این تغییرات نه تنها به نفع چین بلکه به نفع اقتصاد جهانی نیز بوده و فرصت‌ها و چالش‌های جدیدی را برای سایر کشورها ایجاد کرده است.

مزایا:

✓ کاهش تعرفه‌ها برای تجارت بین‌المللی.

پیوستن به سازمان تجارت جهانی (WTO) مزایای قابل توجهی را به همراه دارد، به‌ویژه از طریق کاهش تعرفه‌ها بر روی تجارت بین‌المللی. با کاهش این تعرفه‌ها، WTO جریان‌های تجاری میان کشورهای عضو را تسهیل می‌کند و انجام واردات و صادرات کالاها را آسان‌تر و کم‌هزینه‌تر می‌سازد. این کاهش موانع تجاری نه تنها به دسترسی بهتر به بازارها کمک می‌کند، بلکه رقابت را افزایش می‌دهد و در نتیجه قیمت‌ها برای مصرف‌کنندگان کاهش یافته و تنوع محصولات در بازار افزایش می‌یابد. سیستم تجاری چندجانبه WTO محیطی پیش‌بینی‌پذیر ایجاد می‌کند که در آن کسب‌وکارها می‌توانند با اطمینان فعالیت کنند، زیرا قوانین حاکم بر تجارت مشخص و شفاف است و این امر به تشویق سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی کمک می‌کند.

علاوه بر این، WTO نقش مهمی در ترویج ثبات اقتصادی جهانی ایفا می‌کند، زیرا بستری برای حل و فصل اختلافات تجاری فراهم می‌آورد. هنگامی که مشکلاتی پیش می‌آید، کشورهای عضو می‌توانند به مکانیسم‌های حل اختلاف WTO مراجعه کنند تا شکایات خود را به‌طور سازنده حل کنند و از اقدامات یک‌جانبه تجاری یا تعرفه‌هایی که ممکن است تنش‌ها را تشدید کند، پرهیز کنند. این سیستم تجارت مبتنی بر قوانین نه تنها برای اقتصادهای بزرگ مزیت دارد و روابط تجاری آن‌ها را ساده‌تر می‌کند، بلکه کشورهای کوچک‌تر را نیز توانمند می‌سازد تا در مذاکرات صدایی داشته باشند و از فشارهای احتمالی کشورهای قدرتمند در امان بمانند. در نهایت، هدف چارچوب WTO ارتقای سطح زندگی و ترویج توسعه اقتصادی در سطح جهانی است، زیرا این سازمان کشورها را به مشارکت در شیوه‌های تجاری عادلانه و باز تشویق می‌کند.

✓ دسترسی بهتر به بازارهای جهانی.

پیوستن به سازمان تجارت جهانی (WTO) به کشورهای عضو دسترسی بهتری به بازارهای جهانی ارائه می‌دهد که برای رشد و توسعه اقتصادی بسیار حیاتی است. با کاهش موانع تجاری مانند تعرفه‌ها، WTO به کشورهای عضو این امکان را می‌دهد که کالاهای خود را به‌طور آزادانه‌تر و رقابتی‌تر صادر کنند. به عنوان مثال، پس از

پس از اتمام مذاکرات، پروتکل الحاقی تنظیم می‌شود که شامل تعهدات کشور متقاضی در زمینه گشایش بازار کالاها و خدمات به روی سایر اعضا است. این پروتکل باید به تصویب دو سوم آرای اعضای کنفرانس وزیران برسد

نتیجه‌گیری: پیوستن به سازمان تجارت جهانی مستلزم رعایت اصول و معاهدات متعددی است که مورد قبول کشورهای عضو قرار گرفته است. فرایند الحاق ممکن است زمان‌بر باشد و نیازمند تعاملات پیچیده بین کشور متقاضی و کشورهای عضو باشد.

دفتر چهارم: دوره رشد اقتصادی شتابان و ادغام با اقتصاد جهانی (از اوایل دهه ۲۰۰۰ به بعد)

پیوستن ویتنام به WTO در سال ۲۰۰۷، صادرات این کشور از حدود ۴۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۶ به تقریباً ۱۱۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۳ افزایش یافت که نشان‌دهنده افزایش قابل توجهی در دسترسی به بازار و مشارکت در تجارت بین‌المللی است. این رشد ناشی از توانایی ویتنام برای بهره‌برداری از وضعیت «دولت کامله الوداد»^{۴۲} (MFN) بود که کشورهای دیگر عضو برای آن فراهم کردند و به آن اجازه داد تا با شرایط مطلوب‌تری تجارت کند.

به‌طور مشابه، چین پس از پیوستن به WTO در سال ۲۰۰۱، شاهد بهبودهای چشمگیری در دسترسی خود به بازارهای جهانی بود. صادرات چین از حدود ۲۶۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰ به نزدیک به ۲٫۵ تریلیون دلار در سال ۲۰۱۴ افزایش یافت که نشان‌دهنده گسترش فوق‌العاده قابلیت‌های تجاری این کشور است. کاهش تعرفه‌ها و تعهد به رعایت استانداردهای تجارت بین‌المللی، چین را قادر ساخت تا عمیق‌تر در اقتصاد جهانی ادغام شود. این مثال‌ها نشان می‌دهد که چگونه پیوستن به WTO می‌تواند منجر به افزایش درآمدهای صادراتی و فرصت‌های گسترده‌تر بازار برای کشورها شود و در نهایت به رشد و توسعه اقتصادی کمک کند.

هند نیز در سال ۱۹۹۵ به WTO پیوست و از آن زمان شاهد افزایش چشمگیری در صادرات خود بوده است. صادرات هند از حدود ۳۰ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۵ به بیش از ۳۰۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۴ افزایش یافت. این افزایش نشان‌دهنده بهبود دسترسی هند به بازارهای جهانی و توانایی این کشور برای رقابت در سطح بین‌المللی است.

تعهدات:

- ✓ اصلاح قوانین داخلی برای انطباق با استانداردهای بین‌المللی.
- ✓ حذف محدودیت‌ها بر روی سرمایه‌گذاری‌های خارجی در بخش‌های خاص.

توافقات تجاری چندجانبه و دوجانبه

۴۲۹ - «دولت کامله الوداد»، (Most-Favored-Nation یا MFN) یک اصل اساسی در تجارت بین‌المللی، به‌ویژه در چارچوب سازمان تجارت جهانی (WTO) است. این بند ایجاب می‌کند که هرگونه شرایط تجاری مطلوبی که یک کشور به کشور دیگری اعطا می‌کند، باید به تمامی کشورهای دیگر عضو WTO نیز تسری یابد. به عبارت دیگر، اگر یک کشور تعرفه‌ها را کاهش دهد یا مزایای تجاری دیگری را برای یک شریک تجاری فراهم کند، باید همان مزایا را برای سایر اعضای WTO نیز ارائه دهد. این اصل به منظور ترویج رفتار غیر تبعیض‌آمیز در تجارت بین‌المللی طراحی شده است و به جلوگیری از تبعیض در شیوه‌های تجاری کمک می‌کند و بدین ترتیب یک سیستم تجاری پایدار و پیش‌بینی‌پذیر را ایجاد می‌کند.

اصل MFN نقش مهمی در حفظ رقابت عادلانه و کارایی اقتصادی ایفا می‌کند. به عنوان مثال، اگر یک کشور تعرفه‌های کمتری بر واردات از یک کشور خاص اعمال کند، باید همین کار را برای تمامی کشورهای WTO انجام دهد، که این امر کشورهای عضو را تشویق می‌کند تا بر اساس کارایی و نه بر اساس امتیازهای ویژه، با یکدیگر تجارت کنند. با این حال، استثنائاتی برای این قاعده وجود دارد، مانند اعطای امتیازات ویژه به کشورهای در حال توسعه یا توافقات تجاری منطقه‌ای که اجازه برخی انعطاف‌پذیری در مدیریت روابط تجاری را می‌دهد. به‌طور کلی، وضعیت MFN برای ترویج آزادسازی تجارت جهانی و اطمینان از اینکه همه کشورها از شرایط تجاری عادلانه بهره‌مند شوند، ضروری است.

دفتر چهارم: دوره رشد اقتصادی شتابان و ادغام با اقتصاد جهانی (از اوایل دهه ۲۰۰۰ به بعد)

چین به عنوان یکی از اعضای فعال سازمان‌های منطقه‌ای و جهانی مانند^{۴۳} APEC و^{۴۴} RCEP و^{۴۵} BRICS شناخته می‌شود.

توافقات دوجانبه:

در حال حاضر، چین ۲۲ توافقنامه تجارت آزاد (FTA) با ۲۹ کشور و بلوک منطقه‌ای امضا کرده است که شامل شرکای کلیدی مانند اتحادیه اروپا و کشورهای آسه‌آن می‌شود. علاوه بر این، چین ۱۰۷ توافقنامه سرمایه‌گذاری دوجانبه (BIT) نیز برقرار کرده است که به تسهیل و حفاظت از سرمایه‌گذاری‌های خارجی بین چین و کشورهای مختلف کمک می‌کند. این توافقات به منظور تقویت روابط تجاری و ایجاد چارچوبی برای همکاری اقتصادی با شرکای خود طراحی شده‌اند. برای مشاهده لیست کلیه توافقات نامه‌های چین می‌توانید به سایت <http://fta.mofcom.gov.cn/english/index.shtml> مراجعه نمایید.

سیاست‌های حمایت از صادرات

۴۳۰ - مشارکت اقتصادی جامع منطقه‌ای (RCEP) یک توافقنامه تجارت آزاد در آسیا و اقیانوسیه است که در ۱۵ نوامبر ۲۰۲۰ به امضای پانزده کشور شامل ده کشور آسه‌آن و پنج کشور استرالیا، چین، ژاپن، کره جنوبی و نیوزیلند رسید. این توافقنامه که حدود ۳۰ درصد از جمعیت و تولید ناخالص داخلی جهان را پوشش می‌دهد، به عنوان بزرگترین بلوک تجاری جهان شناخته می‌شود و هدف آن تسهیل تجارت از طریق کاهش تعرفه‌ها و ایجاد قواعد مشترک اقتصادی است. RCEP همچنین اولین توافقنامه چندجانبه‌ای است که شامل چین، ژاپن و کره جنوبی می‌شود و به عنوان یک اقدام مهم در راستای تقویت همکاری‌های اقتصادی در منطقه تلقی می‌شود. این توافق به دنبال کاهش موانع تجاری و تسهیل زنجیره‌های تأمین بین کشورهای عضو است، اگرچه برخی تحلیلگران معتقدند که نسبت به سایر توافقات تجاری مانند CPTPP، جامعیت کمتری دارد.

۴۳۱ - APEC (همکاری اقتصادی آسیا-پاسیفیک) یک فوروم بین‌دولتی است که در سال ۱۹۸۹ تأسیس شده و شامل ۲۱ اقتصاد عضو در منطقه آسیا و اقیانوسیه می‌باشد. هدف اصلی این سازمان ترویج تجارت آزاد و رشد اقتصادی پایدار از طریق تقویت یکپارچگی اقتصادی منطقه‌ای و همکاری میان کشورهای عضو است. APEC به صورت غیرالزام‌آور عمل می‌کند و بر اساس توافق و تعهدات داوطلبانه، به تسهیل تجارت، سرمایه‌گذاری و توسعه اقتصادی می‌پردازد.

از جمله ابتکارات کلیدی APEC می‌توان به کاهش تعرفه‌ها، بهبود کارایی گمرک و ایجاد محیط کسب‌وکار مناسب اشاره کرد. این فوروم همچنین به مسائل گسترده‌تری مانند اقتصاد دیجیتال، امنیت انسانی و توسعه پایدار می‌پردازد و هدف آن ایجاد یک جامعه پویا و فراگیر در منطقه آسیا-پاسیفیک است.

۴۳۲ - BRICS یک گروه غیررسمی از کشورهای در حال توسعه است که شامل برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی می‌باشد. این اصطلاح ابتدا در سال ۲۰۰۱ توسط جیم او نیل، اقتصاددان گلدمن ساکس، برای توصیف چهار کشور برزیل، روسیه، هند و چین به کار رفت و در سال ۲۰۱۰ با اضافه شدن آفریقای جنوبی به BRICS تبدیل شد. هدف این گروه افزایش همکاری‌های اقتصادی و سیاسی بین اعضا و تقویت موقعیت آن‌ها در سطح جهانی است. BRICS به دنبال کاهش وابستگی به دلار آمریکا و ایجاد نهادهای مالی جدید است تا صدای بیشتری برای کشورهای در حال توسعه فراهم کند در سال ۲۰۲۴، BRICS به طور رسمی از کشورهای عربستان سعودی، ایران، امارات متحده عربی، مصر و اتیوپی به عنوان اعضای جدید خود استقبال کرد. این گروه اکنون دارای جمعیتی حدود ۳٫۵ میلیارد نفر است که تقریباً ۴۵ درصد از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهد و اقتصادهای آن‌ها مجموعاً بیش از ۲۸٫۵ تریلیون دلار ارزش دارد. اعضای BRICS هر ساله در یک اجلاس سران ملاقات می‌کنند و ریاست گروه به صورت چرخشی بین کشورها تقسیم می‌شود. این گروه فاقد یک منشور رسمی یا دبیرخانه است و تصمیم‌گیری‌ها بر اساس اجماع انجام می‌شود.

دستر چهارم: دوره رشد اقتصادی شتابان و ادغام با اقتصاد جهانی (از اوایل دهه ۲۰۰۰ به بعد)

با توجه به اهمیت مبحث سیاست های حمایتی دولت چین از صادرات و گستردگی موضوعات و پرداختن به انواع این حمایت ها و همچنین جهت عدم اطاله موضوعات در این کتاب، به موضوع حمایت های صادراتی در کتاب جداگانه پرداخته شده است اما در اینجا به شرح مختصری از این موضوعات می پردازیم:

یارانه های صادراتی: صنایع کلیدی مانند فناوری، الکترونیک، و انرژی های تجدیدپذیر مورد حمایت ویژه قرار گرفته اند.

بیمه صادراتی: دولت چین برای کاهش ریسک های سیاسی و تجاری صادرکنندگان خود بیمه های ویژه ارائه می دهد.

توسعه زیرساخت های تجاری

شبکه های لجستیکی و حمل و نقل: ایجاد بنادر مدرن، فرودگاه های پیشرفته، و راه آهن های پرسرعت برای تسهیل تجارت.

سرمایه گذاری در پروژه های فرامرزی: پروژه های مرتبط با طرح "یک کمربند، یک راه (BRI)" نمونه ای از تلاش چین برای تقویت جایگاه خود در زنجیره تأمین جهانی است.

تشویق سرمایه گذاری خارجی

مقررات ساده تر: چین از طریق کاهش بوروکراسی و ایجاد مناطق آزاد تجاری، سرمایه گذاران خارجی را جذب کرده است.

حفاظت از مالکیت معنوی: بهبود قوانین مرتبط با حق مالکیت معنوی برای ایجاد اعتماد بیشتر در سرمایه گذاران خارجی.

رویکردهای آینده:

✓ تمرکز بیشتر بر اقتصاد دیجیتال و تجارت الکترونیک.

✓ تقویت جایگاه چین در زنجیره ارزش جهانی از طریق فناوری های نوین.

این سیاست ها و اقدامات باعث شده چین به یکی از بزرگ ترین اقتصادهای جهان تبدیل شود و تأثیر قابل توجهی بر جریان های تجاری و مالی بین المللی داشته باشد.

راه ابریشم دیجیتال

ارتباطات دیجیتال: ایجاد "راه ابریشم دیجیتال" برای تقویت فناوری اطلاعات و ارتباطات در سطح بین المللی.

راه ابریشم دیجیتال یکی از ابتکارات کلیدی چین در راستای توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) و تقویت همکاری های دیجیتال بین المللی است. این پروژه به عنوان بخشی از **ابتکار کمربند و جاده** طراحی شده و هدف آن ایجاد زیرساخت های دیجیتال، بهبود اتصال بین المللی، و گسترش اقتصاد دیجیتال در کشورهای شریک است. در ادامه، جزئیات بیشتری از این پروژه ارائه می شود:

۱. تعریف و هدف راه ابریشم دیجیتال

راه ابریشم دیجیتال شامل مجموعه‌ای از پروژه‌های مرتبط با زیرساخت‌های دیجیتال، توسعه شبکه‌های اینترنتی، انتقال دانش و فناوری، و ایجاد پلتفرم‌های همکاری دیجیتال است. اهداف این طرح عبارت‌اند از:

- **بهبود اتصال دیجیتال:** ایجاد شبکه‌های فیبر نوری، کابل‌های زیردریایی، و ایستگاه‌های اینترنتی در کشورهای مختلف.
- **توسعه اقتصاد دیجیتال:** تسهیل تجارت الکترونیک، پرداخت‌های آنلاین، و خدمات فناوری مالی (فین‌تک).
- **انتقال دانش و فناوری:** همکاری در زمینه هوش مصنوعی، کلان داده‌ها، و اینترنت اشیا (IoT).

۲. عناصر کلیدی راه ابریشم دیجیتال

الف. زیرساخت‌های ارتباطی

- **شبکه‌های فیبر نوری:** چین پروژه‌های متعددی برای ایجاد خطوط فیبر نوری در کشورهای آسیایی، آفریقایی، و اروپایی انجام داده است.
- **کابل‌های زیردریایی:** پروژه‌هایی مانند ساخت کابل‌های ارتباطی در اقیانوس هند و اقیانوس آرام برای اتصال بهتر کشورها.
- **شبکه‌های 5G:** همکاری با شرکت‌هایی مانند **هوآوی** برای توسعه فناوری 5G در کشورهای شریک.

ب. تجارت الکترونیک

- چین پلتفرم‌های تجارت الکترونیک مانند **علی‌بابا** و **JD.com** را برای توسعه تجارت بین‌المللی در کشورهای شریک ترویج داده است.
- ایجاد سیستم‌های لجستیک دیجیتال برای ساده‌سازی زنجیره تأمین جهانی.

ج. شهرهای هوشمند

- توسعه شهرهای هوشمند در کشورهای مشارکت‌کننده با استفاده از فناوری‌های پیشرفته مانند هوش مصنوعی و اینترنت اشیا.

د. امنیت سایبری

- پیشنهاد چین برای ایجاد چارچوب‌های همکاری در زمینه امنیت سایبری و مقابله با جرایم سایبری.

۳. مشارکت بین‌المللی

- **آسیای میانه و جنوب شرق آسیا:** پروژه‌های فیبر نوری در قزاقستان، ازبکستان، و میانمار.
- **آفریقا:** همکاری چین با کشورهای آفریقایی برای توسعه زیرساخت‌های اینترنتی و آموزش مهارت‌های دیجیتال.

دفتر چهارم: دوره رشد اقتصادی شتابان و ادغام با اقتصاد جهانی (از اوایل دهه ۲۰۰۰ به بعد)

- **اروپا:** اتصال اروپا به آسیا از طریق کابل‌های فیبر نوری و تقویت همکاری در حوزه فناوری.

۴. مزایای راه ابریشم دیجیتال

برای چین:

- تقویت نقش چین به عنوان رهبر جهانی در فناوری‌های دیجیتال.
- گسترش بازار محصولات و خدمات دیجیتال چینی.

برای کشورهای شریک:

- دسترسی به زیرساخت‌های پیشرفته دیجیتال.
- تقویت اقتصاد دیجیتال و ایجاد فرصت‌های شغلی.

برای جهان:

- افزایش همکاری‌های بین‌المللی در حوزه فناوری و کاهش شکاف دیجیتال بین کشورهای پیشرفته و در حال توسعه.

۵. چالش‌ها و انتقادات

- **نگرانی‌های امنیتی:** برخی کشورها نگرانی‌هایی در مورد استفاده احتمالی از فناوری‌های چینی برای جاسوسی دارند.
- **وابستگی فناوری:** احتمال افزایش وابستگی کشورهای شریک به فناوری و زیرساخت‌های چینی.
- **چالش‌های مالی:** تأمین هزینه‌های پروژه‌های بزرگ زیرساختی ممکن است برای کشورهای در حال توسعه دشوار باشد.

۶. نمونه پروژه‌های کلیدی

- **فیبر نوری چین-اروپا:** اتصال چین به اروپا از طریق کشورهای آسیای میانه.
- **شبکه کابل PEACE:** پروژه کابل زیردریایی که چین را به اروپا و آفریقا متصل می‌کند.
- **برنامه همکاری با علی‌بابا:** توسعه پلتفرم‌های تجارت الکترونیک در کشورهای آفریقایی.

۷. آینده راه ابریشم دیجیتال

چین برنامه دارد:

- **گسترش شبکه‌های 5G:** توسعه فناوری‌های جدید برای پشتیبانی از اینترنت اشیا و شهرهای هوشمند.
- **همکاری بین‌المللی در هوش مصنوعی:** توسعه پروژه‌های مشترک در زمینه AI.
- **تقویت امنیت دیجیتال:** ایجاد استانداردهای جهانی برای امنیت سایبری^۱.

بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت‌های آسیایی (AIIB):

بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت‌های آسیایی (AIIB) یکی از منابع مالی کلیدی برای تأمین هزینه‌های پروژه‌های مرتبط با ابتکار کمربند و جاده (BRI) است. این بانک که در سال ۲۰۱۶ با رهبری چین تأسیس شد، تمرکز اصلی خود را بر سرمایه‌گذاری در پروژه‌های زیرساختی در آسیا و فراتر از آن قرار داده است. AIIB تاکنون میلیاردها دلار برای پروژه‌های حمل‌ونقل، انرژی، و توسعه زیرساخت دیجیتال در کشورهای عضو BRI تأمین مالی کرده است. با تأکید بر پایداری و شفافیت مالی، این بانک به عنوان مکمل نهادهای دیگر مانند بانک جهانی و بانک توسعه آسیا عمل می‌کند و به کاهش شکاف زیرساختی در کشورهای در حال توسعه کمک می‌کند.

وام‌ها و کمک‌های مالی: چین از طریق بانک‌های دولتی خود، مانند بانک توسعه چین و بانک صادرات و واردات چین، وام‌های کم‌بهره یا بدون بهره ارائه می‌دهد.

چالش‌های فعلی در پایداری اقتصادی

چالش‌های فعلی در پایداری اقتصادی چین به دلیل ماهیت پیچیده و پویا، هم در سطح داخلی و هم در سطح بین‌المللی به عوامل متعددی بستگی دارد. در اینجا با جزئیات بیشتری به بررسی این چالش‌ها می‌پردازیم:

کاهش رشد اقتصادی

تغییر در ساختار اقتصادی: اقتصاد چین در حال گذار از یک اقتصاد وابسته به تولید و صادرات به یک اقتصاد مبتنی بر مصرف داخلی و خدمات است. این تغییر باعث کاهش رشد اقتصادی در سال‌های اخیر شده است. اقتصاد چین در حال گذار از مدل سنتی مبتنی بر تولید و صادرات به مدلی با تمرکز بیشتر بر مصرف داخلی و خدمات است. این تغییر به دنبال رشد طبقه متوسط، نیاز به نوآوری در فناوری، و رقابت در زنجیره ارزش جهانی صورت می‌گیرد. جزئیات کلیدی این گذار عبارت‌اند از:

۱. افزایش سهم مصرف داخلی و خدمات: مصرف داخلی اکنون حدود ۵۵ درصد از رشد اقتصادی را تشکیل می‌دهد، و بخش خدمات نیز بیش از ۵۴ درصد از تولید ناخالص داخلی را به خود اختصاص داده است که در سال ۲۰۱۰، این رقم ۴۴ درصد بود.

۲. چالش‌های رقابتی در تولید ارزان: افزایش دستمزدها^{۴۳} و پیر شدن جمعیت باعث کاهش رقابت‌پذیری چین در تولید ارزان شده است. با این حال، چین در حال تمرکز بر نوآوری و تولید پیشرفته مانند فناوری‌های

۴۳ - حداقل دستمزد کارگران در چین در سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۲۴ به شرح زیر است:

حداقل دستمزد در سال ۲۰۱۴

دفتر چهارم: دوره رشد اقتصادی شتابان و ادغام با اقتصاد جهانی (از اوایل دهه ۲۰۰۰ به بعد)

سبز و دیجیتالی است. با افزایش دستمزدها و هزینه‌های مواد اولیه، چین دیگر به عنوان ارزان‌ترین مکان برای تولید شناخته نمی‌شود. دستمزدها در چین به طور مداوم در حال افزایش هستند و این موضوع باعث می‌شود که تولیدکنندگان برای حفظ حاشیه سود خود تحت فشار قرار گیرند. به عنوان مثال، در مناطق شرقی چین که بیشتر فعالیت‌های صنعتی متمرکز است، هزینه‌های اجاره و زمین نیز به شدت افزایش یافته است.

۳. **رشد اقتصاد جدید:** در فاصله سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۳، بخش‌های اقتصادی جدید مانند اقتصاد دیجیتال و سبز با میانگین ۱۰,۲ درصد رشد کردند، که سریع‌تر از رشد میانگین تولید ناخالص داخلی (حدود ۵,۵ درصد) بوده است.^{۴۳۴}

چین همچنین با چالش‌هایی مانند کاهش نیروی کار، نرخ بالای پس‌انداز خانوارها (حدود ۳۵ درصد درآمد قابل تصرف) و کاهش کلی نرخ رشد اقتصادی روبه‌رو است. راهبردهای کلیدی برای مقابله با این چالش‌ها شامل توسعه شبکه‌های ایمنی اجتماعی، تشویق به مصرف بیشتر، و تمرکز بر نوآوری در صنعت است.^{۱ ۳}

عوامل خارجی: جنگ تجاری با ایالات متحده، تغییر در زنجیره‌های تأمین جهانی، و محدودیت‌های اعمال‌شده توسط کشورهای غربی بر فناوری و صادرات چینی، تأثیر منفی بر رشد اقتصادی داشته‌اند. جنگ تجاری بین ایالات متحده و چین تأثیرات قابل توجهی بر اقتصاد چین گذاشته است. از سال ۲۰۱۸، ایالات متحده تعرفه‌هایی به ارزش ۴۵۰ میلیارد دلار بر کالاهای چینی وضع کرده است. این تعرفه‌ها شامل محصولات مهمی مانند ماشین‌آلات، فلزات، و فناوری‌های پیشرفته می‌شود. در پاسخ، چین تعرفه‌های مشابهی به ارزش ۱۸۵

در سال ۲۰۱۴، حداقل دستمزد ماهانه در چین به طور متوسط حدود ۲,۰۰۰ یوان (تقریباً ۳۲۵ دلار) بود. این مقدار به طور قابل توجهی در مناطق مختلف چین متفاوت بود. به عنوان مثال، در شهرهایی مانند شنژن، حداقل دستمزد به ۲,۵۰۰ یوان (حدود ۴۰۷ دلار) می‌رسید، در حالی که در استان‌های کمتر توسعه‌یافته‌تر این رقم پایین‌تر بود.

حداقل دستمزد در سال ۲۰۲۴

در سال ۲۰۲۴، حداقل دستمزد ماهانه کارگران چینی به حدود ۴,۰۰۰ یوان (تقریباً ۵۶۰ دلار) افزایش یافته است. منبع:

<https://emigrationplus.com>

<https://fa.wikipedia.org/wiki>

<https://www.khabaronline.ir/news>

<https://fa.tradingeconomics.com/china/minimum-wages>

۴۳۴ - آمار رشد بخش‌های اقتصادی دیجیتال

سال ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۲: مقیاس اقتصاد دیجیتال چین به ۴,۱ تریلیون دلار افزایش یافته و نرخ رشد مرکب سالانه آن ۱۴,۲ درصد بوده است. سال ۲۰۲۲: ارزش اقتصاد دیجیتال به ۵۰,۲ تریلیون یوان (حدود ۶,۹۶ تریلیون دلار) رسید و سهم آن از تولید ناخالص داخلی به ۴۱,۵ درصد افزایش یافت.

رشد اقتصادی کل چین:

سال	۲۰۱۷	۲۰۱۸	۲۰۱۹	۲۰۲۰	۲۰۲۱	۲۰۲۲	۲۰۲۳
رشد اقتصادی چین	۶/۹	۶/۶	۶/۱	۲/۳	۸/۱	۳	۵/۲

دستر چهارم: دوره رشد اقتصادی شتابان و ادغام با اقتصاد جهانی (از اوایل دهه ۲۰۰۰ به بعد)

میلیارد دلار بر واردات از آمریکا اعمال کرده است. این اقدامات موجب کاهش ۲۶,۳ درصدی صادرات آمریکا به چین و کاهش ۸,۵ درصدی صادرات چین به آمریکا شد. همچنین، محدودیت‌های فناوری که شامل ممنوعیت فروش نیمه‌هادی‌های پیشرفته به چین توسط ایالات متحده است، فشار زیادی به بخش فناوری این کشور وارد کرده است. در سال ۲۰۲۱، چین حدود ۴۳۰ میلیارد دلار نیمه‌هادی وارد کرد، اما به دلیل این محدودیت‌ها با کاهش تولید و وابستگی به واردات مواجه شده است. این تغییرات در زنجیره‌های تأمین جهانی نیز فشار بیشتری به چین وارد کرده است. در مجموع، این شرایط همراه با محدودیت‌های تجاری و فناوری باعث کاهش سرعت رشد اقتصادی چین در سال‌های اخیر شده است و چین به دنبال راه‌هایی برای تقویت بازار داخلی و افزایش صادرات به کشورهای دیگر است.

نابرابری منطقه‌ای

تفاوت در توسعه اقتصادی: مناطق شرقی چین که بیشتر صنعتی هستند، به‌طور قابل‌توجهی پیشرفته‌تر از مناطق غربی و مرکزی هستند. این نابرابری می‌تواند منجر به مشکلات اجتماعی و عدم توازن اقتصادی شود. توسعه اقتصادی چین با تفاوت‌های قابل‌توجهی میان مناطق شرقی و غربی این کشور همراه است. مناطق شرقی که شامل شهرهای بزرگ مانند شانگهای، پکن، و گوانگژو می‌شوند، از نظر صنعتی، زیرساختی، و اقتصادی بسیار پیشرفته‌تر از مناطق غربی و مرکزی هستند. این نابرابری می‌تواند مشکلات اجتماعی و اقتصادی به‌ویژه در مناطق کمتر توسعه‌یافته ایجاد کند.

۱. تفاوت در تولید ناخالص داخلی: در حالی که تولید ناخالص داخلی (GDP) استان‌های شرقی چین مانند شاندونگ و جیانگ‌سو^{۴۳۵} به‌طور قابل‌توجهی بالا است (به ترتیب ۱,۲۵ تریلیون دلار و ۱,۱ تریلیون دلار در سال ۲۰۲۳)، تولید ناخالص داخلی استان‌های غربی مانند چینگ‌های و سیچوان به ترتیب حدود ۲۸۵ میلیارد دلار و ۴۵۰ میلیارد دلار است که شکاف بزرگی را نشان می‌دهد.

^{۴۳۵} - تولید ناخالص داخلی استان‌ها

استان جیانگ‌سو: تولید ناخالص داخلی جیانگ‌سو در سال ۲۰۲۳ به حدود ۱۲,۷ تریلیون یوان (تقریباً ۱,۸ تریلیون دلار) رسیده است. این استان به عنوان یکی از پیشرفته‌ترین و صنعتی‌ترین استان‌های چین شناخته می‌شود و سهم قابل‌توجهی از تولید ناخالص داخلی ملی را به خود اختصاص می‌دهد.

استان شاندونگ: تولید ناخالص داخلی شاندونگ نیز در سال ۲۰۲۳ به حدود ۸,۶ تریلیون یوان (تقریباً ۱,۲ تریلیون دلار) رسیده است. شاندونگ یکی از بزرگ‌ترین استان‌های چین از نظر جمعیت و مساحت است و دارای اقتصادی متنوع شامل کشاورزی، صنعت و خدمات می‌باشد. در جدول پیوست لیست تولید ناخالص تمام استانهای چین در مشاهده می‌فرمایید.

دستر چهارم: دوره رشد اقتصادی شتابان و ادغام با اقتصاد جهانی (از اوایل دهه ۲۰۰۰ به بعد)

۲. **تفاوت در درآمد سرانه:** میانگین درآمد سرانه در استان‌های شرقی به مراتب بیشتر است. برای مثال، استان یکن با درآمد سرانه نزدیک به ۱۵,۰۰۰ دلار در سال، در مقایسه با استان‌های غربی مانند گویژو (حدود ۵,۰۰۰ دلار) فاصله‌ای چشمگیر دارد.

استان	شانگهای	ژو	فوجیان	گوانگدونگ	جیانگسو	شاندونگ	هونانی	لیاونهینگ	سیچوان	هنان	گانسو	نینگشییا	مغولستان داخلی	تبت
درآمد سرانه (هزار یوان)	۲۰۰	۱۹۰	۸/۱۲۶	۱۳۰	۱۲۶	۱۰۰	۹۰	۸۵	۸۰	۷۰	۶۰	۵۵	۵۰	۴۰
درآمد سرانه (هزار دلار)	۲۹	۵/۲۷	۹/۱۸	۸/۱۸	۱۸	۵/۱۴	۱۳	۳/۱۲	۶/۱۱	۱۰	۷/۸	۸	۲/۷	۸/۵

۳. **تفاوت در زیرساخت‌ها:** استان‌های شرقی چین به دلیل سرمایه‌گذاری‌های کلان در بخش‌های مختلف، به ویژه در زیرساخت‌های حمل‌ونقل، فناوری و آموزش، پیشرفت چشمگیری داشته‌اند. این در حالی است که مناطق غربی، علیرغم تلاش‌ها برای توسعه از جمله طرح‌های ابتکار «کمربند و جاده»، همچنان از نظر دسترسی به امکانات و زیرساخت‌ها در سطح پایین‌تری قرار دارند. این نابرابری‌های اقتصادی می‌تواند منجر به چالش‌های اجتماعی و اقتصادی شود، از جمله افزایش مهاجرت‌های داخلی از مناطق غربی به شرقی و نارضایتی‌های اجتماعی در مناطق کمتر توسعه‌یافته.

پاسخ دولت: برنامه‌هایی مانند طرح توسعه غرب چین (Go West) برای کاهش این نابرابری‌ها اجرا شده، اما هنوز این چالش به‌طور کامل حل نشده است.

مرحله اول طرح توسعه غرب چین که از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۰ اجرا شد، هدف اصلی آن ایجاد زیرساخت‌های لازم برای توسعه در این منطقه بود. این مرحله به منظور پاسخ به نابرابری‌های اقتصادی قابل توجه بین مناطق غربی و شرقی چین و همچنین به منظور رسیدگی به چالش‌های اجتماعی-اقتصادی که اقلیت‌های قومی در مناطقی مانند سین‌کیانگ و تبت با آن مواجه بودند، آغاز شد. تمرکز این مرحله بر ساخت زیرساخت‌های اساسی، از جمله شبکه‌های حمل و نقل، پروژه‌های انرژی و خدمات عمومی بود که برای تسهیل رشد اقتصادی و بهبود سطح زندگی در استان‌های غربی حیاتی بودند.

در این مرحله ابتدایی، دولت چین سرمایه‌گذاری قابل توجهی به میزان حدود ۳۹۶ میلیارد یوان (تقریباً ۴۵,۵ میلیارد دلار) را برای توسعه زیرساخت‌ها اختصاص داد. این بودجه به ساخت بیش از ۲۰,۰۰۰ مایل جاده و بزرگراه جدید، بهبود تأمین انرژی از طریق ایستگاه‌های نیروگاه آبی و توسعه سیستم‌های مخابراتی اختصاص یافت. پروژه‌های کلیدی شامل ساخت خط لوله گاز غرب به شرق و راه‌اندازی راه‌آهن کیمگانی-تبت بود که به طرز

دفتر چهارم: دوره رشد اقتصادی شتابان و ادغام با اقتصاد جهانی (از اوایل دهه ۲۰۰۰ به بعد)

چشمگیری ارتباطات بین مناطق غربی و مرکز چین را بهبود بخشید. علاوه بر این، سیاست‌هایی برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی و ترویج صنایع محلی اجرا شد که شامل مشوق‌های مالیاتی برای شرکت‌های خارجی فعال در بخش‌های مشخص بود.

اهداف کلی مرحله اول نه تنها بهبود زیرساخت‌ها بلکه رشد اقتصادی از طریق سرمایه‌گذاری هدفمند در آموزش و حفاظت از محیط زیست بود. دولت تلاش کرد تا استراتژی توسعه منطقه‌ای متوازن ایجاد کند که همزمان با تقویت اقتصادهای محلی، پایداری اکولوژیکی را نیز تضمین کند. با رسیدگی به این مسائل بنیادی، مرحله اول زمینه را برای مراحل بعدی که هدف آن تسریع توسعه و دستیابی به مدرنیزاسیون جامع تا سال ۲۰۵۰ بود، فراهم کرد.^{۴۳}

مرحله دوم طرح توسعه غرب چین که از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۳۰ اجرا می‌شود، هدف آن تسریع توسعه با تمرکز بر پروژه‌های کلیدی است که زیرساخت‌ها را بهبود می‌بخشد، رشد صنعتی را ترویج می‌کنند و یکپارچگی منطقه‌ای را تسهیل می‌کنند. این مرحله بر اساس کارهای بنیادی انجام شده در مرحله اول بنا شده و بر ایجاد یک منطقه غربی متصل‌تر و اقتصادی‌تر متمرکز است. دولت چین بخش‌های حیاتی مانند حمل و نقل، انرژی و فناوری را به عنوان اولویت‌های سرمایه‌گذاری شناسایی کرده است تا چشم‌انداز اقتصادی متوازن‌تری در استان‌های غربی ایجاد کند.

برای این مرحله، مجموع سرمایه‌گذاری پیش‌بینی شده حدود ۴۳۶ میلیارد یوان (تقریباً ۶۴٫۱۲ میلیارد دلار) است. این بودجه به حمایت از پروژه‌های زیرساختی عمده‌ای مانند ساخت خطوط راه‌آهن جدید که مراکز شهری مهمی مانند **گویانگ و گوانگژو** را به هم متصل می‌کند، همچنین گسترش بزرگراه‌ها و فرودگاه‌ها در شهرهایی مانند **چنگدو** و **شی‌آن** اختصاص خواهد یافت. علاوه بر این، سرمایه‌گذاری‌ها به ایستگاه‌های نیروگاه آبی و پروژه‌های انرژی تجدیدپذیر برای تأمین انرژی پایدار هدایت خواهد شد. دولت همچنین با ارائه سیاست‌ها و مشوق‌های مالیاتی مناسب، جذب سرمایه‌گذاری خارجی را ترویج می‌کند تا کسب‌وکارهای بین‌المللی را جذب کرده و اقتصادهای محلی را تحریک کند.

علاوه بر این، مرحله دوم بر حفاظت از محیط زیست در کنار رشد اقتصادی تأکید دارد و برنامه‌هایی برای جنگل‌کاری و پایداری محیط زیست در نظر گرفته شده است. ادغام فناوری‌های پیشرفته در تولید و صنایع هوشمند یکی از محورهای مهم این مرحله است، زیرا چین به دنبال تبدیل منطقه غربی خود به مرکزی برای نوآوری است. با تشویق همکاری بین شرکت‌های داخلی و خارجی، این طرح هدف دارد تا بهره‌وری را افزایش دهد و فرصت‌های شغلی ایجاد کند که در نهایت به توسعه کلی اقتصاد غرب چین کمک خواهد کرد.^{۴۴}

^{۴۳}Citizenship and Social Development: http://ls.edb.hkedcity.net/file/public/ppt_for_teachers/lt1_t2t1lf1_1_e.pdf & http://english.scio.gov.cn/m/featured/chinakeywords/2022-07/13/content_78321921.htm

^{۴۴}Record-breaking investments highlight western China's growing potential: https://english.www.gov.cn/news/202405/24/content_WS664fd6aec6d0868f4e8e764b.html & Encouraged Catalogue for Western China 2025: Trends and Opportunities: <https://www.china-briefing.com/news/encouraged-catalogue-for-western-china-2025-trends-and-opportunities/>

دستر چهارم: دوره رشد اقتصادی شتابان و ادغام با اقتصاد جهانی (از اوایل دهه ۲۰۰۰ به بعد)

مرحله سوم طرح توسعه غرب چین که از سال ۲۰۳۱ تا ۲۰۵۰ برنامه‌ریزی شده است، هدف آن دستیابی به مدرنیزاسیون کامل در تمامی جنبه‌های منطقه غربی می‌باشد. این مرحله نهایی بر بهبود توسعه اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی تمرکز دارد تا اطمینان حاصل شود که استان‌های غربی بتوانند به طور مؤثری با مناطق توسعه‌یافته شرقی رقابت کنند. این طرح شامل یک تحول جامع است که زیرساخت‌های پیشرفته، بخش‌های صنعتی قوی و خدمات عمومی بهبود یافته را در بر می‌گیرد و در نهایت به افزایش کیفیت زندگی ساکنان منجر می‌شود. سرمایه‌گذاری برای مرحله سوم حدود ۱ تریلیون یوان (تقریباً ۱۵۰ میلیارد دلار) پیش‌بینی شده است که نشان‌دهنده اهداف بلندپروازانه این دوره می‌باشد. برنامه‌های کلیدی شامل ارتقاء گسترده شبکه‌های حمل و نقل، مانند راه‌آهن‌های پرسرعت و بزرگراه‌های مدرن است که شهرهای بزرگ در غرب را به بازارهای ملی و بین‌المللی متصل می‌کند.

علاوه بر این، سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی در پروژه‌های انرژی تجدیدپذیر، از جمله انرژی خورشیدی و بادی، انجام خواهد شد تا چارچوبی پایدار برای تأمین انرژی ایجاد شود. دولت همچنین بر نوآوری فناوری تمرکز خواهد کرد و مراکز تحقیق و توسعه‌ای را برای پرورش استعداد‌های محلی و جذب تخصص جهانی تأسیس خواهد کرد. علاوه بر این، مرحله سوم بر توسعه اجتماعی از طریق بهبود سیستم‌های آموزشی و بهداشتی تأکید دارد و هدف آن ارتقاء سطح زندگی جمعیت است. پایداری زیست‌محیطی نیز یکی از اصول اساسی خواهد بود، با ابتکاراتی که برای حفاظت از منابع طبیعی و ترویج احیای اکولوژیکی طراحی شده‌اند. با ادغام رشد اقتصادی با رفاه اجتماعی و حفاظت از محیط زیست، این مرحله نه تنها به مدرنیزاسیون غرب چین کمک خواهد کرد بلکه به ایجاد یک جامعه هماهنگ و پایدار که به نفع تمام ساکنان آن باشد، نیز می‌انجامد.^{۴۳۸}

دستاوردهای عمده طرح توسعه غرب چین

طرح توسعه غرب چین از زمان آغاز خود به دستاوردهای قابل توجهی دست یافته است، به ویژه در زمینه افزایش نرخ رشد اقتصادی در استان‌های غربی. بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰، تولید ناخالص داخلی (GDP) این مناطق با نرخ قابل توجهی حدود ۱۹,۷ درصد نسبت به آنچه بدون این سیاست رخ می‌داد، افزایش یافت. این رشد به سرمایه‌گذاری‌های هدفمند و پروژه‌های زیرساختی که اقتصادهای محلی را تحریک کرده و سرمایه‌گذاری خارجی را جذب کرده‌اند، نسبت داده می‌شود. به عنوان مثال، تا سال ۲۰۱۰، مجموع بودجه برای پروژه‌های بزرگ در منطقه غربی به حدود ۱,۸ تریلیون یوان (۲۴۵,۵ میلیارد دلار) رسید که نقش حیاتی در کاهش شکاف اقتصادی بین مناطق غربی و شرقی چین ایفا کرد.

^{۴۳۸} Introduction to the Implementation of the Great Western Development Strategy in China:

https://english.mee.gov.cn/Events/Special_Topics/AGM_1/2000agm/leaderspeech2000/201605/t20160524_345016.shtml & China's Coordinated Regional Development Strategy:

<https://www.idcpc.org.cn/english2023/dzwwk/zgkx/202410/P020241010522293352453.pdf>

دستر چهارم: دوره رشد اقتصادی شتابان و ادغام با اقتصاد جهانی (از اوایل دهه ۲۰۰۰ به بعد)

بهبودهای زیرساختی یکی از بارزترین دستاوردهای طرح توسعه غرب چین بوده است. ساخت شبکه‌های حمل و نقل گسترده، از جمله بیش از ۲۰,۰۰۰ مایل جاده و راه‌آهن جدید، به طرز چشمگیری اتصال درون منطقه را بهبود بخشیده است. تکمیل راه‌آهن کیمگانی-تبت در سال ۲۰۰۶ نقطه عطفی بود، زیرا برای نخستین بار تبت را از طریق راه‌آهن به مرکز چین متصل کرد. علاوه بر این، پروژه‌های عمده‌ای مانند خط لوله گاز غرب به شرق دسترسی و توزیع انرژی را بهبود بخشیده و فعالیت‌های اقتصادی را در بخش‌های مختلف تسهیل کرده‌اند. این توسعه‌ها نه تنها اقتصادهای محلی را تقویت کرده بلکه دسترسی به بازارها و منابع را نیز افزایش داده است. در زمینه توسعه اجتماعی، این طرح منجر به بهبودهای قابل توجهی در خدمات آموزشی و بهداشتی در استان‌های غربی شده است. معرفی سیاست‌هایی مانند آموزش رایگان اجباری باعث افزایش نرخ ثبت‌نام دانش‌آموزان شده است. تا سال ۲۰۱۵، نرخ تکمیل تحصیلات در این مناطق به طرز چشمگیری افزایش یافته و منجر به ایجاد نیروی کار ماهرتر شده است. همچنین خدمات بهداشتی نیز با افزایش سرمایه‌گذاری‌ها و بهبود امکانات پزشکی برای جمعیت‌های روستایی ارتقا یافته است. این پیشرفت‌ها برای ارتقای سطح زندگی و تضمین توسعه پایدار در بلندمدت بسیار حیاتی هستند.

در مجموع، طرح توسعه غرب چین پیشرفت‌های قابل توجهی در تحول چشم‌انداز اجتماعی-اقتصادی مناطق غربی چین داشته است. با تمرکز بر توسعه زیرساخت‌ها، رشد اقتصادی و بهبود خدمات اجتماعی، این طرح نه تنها به ادغام اقتصادی منطقه‌ای کمک کرده بلکه به تلاش‌های کاهش فقر در این استان‌ها نیز کمک کرده است. در نتیجه، میلیون‌ها ساکن از کیفیت زندگی بهتر و فرصت‌های بیشتری برای نسل‌های آینده بهره‌مند شده‌اند که این امر نشان‌دهنده یک دستاورد بزرگ در استراتژی توسعه کلی چین است.^{۴۳۹}

نکات کلیدی درباره سرمایه‌گذاری:

۱. سرمایه‌گذاری کل در طرح توسعه غرب چین

بر اساس گزارش‌های اخیر، مجموع سرمایه‌گذاری از سال ۲۰۰۰ تا ژانویه ۲۰۲۵ برای ۱۶۵ پروژه کلیدی تحت طرح توسعه غرب چین به حدود ۳,۱ تریلیون یوان (تقریباً ۴۴۸ میلیارد دلار) رسیده است. این سرمایه‌گذاری قابل توجه به منظور بهبود بخش‌های مختلف، از جمله حمل و نقل، انرژی و پروژه‌های زیست محیطی انجام شده است که برای تقویت توسعه در مناطق غربی چین حیاتی هستند. تمرکز بر زیرساخت‌های حمل و نقل شامل ساخت و به‌روزرسانی جاده‌ها و راه‌آهن‌ها است که برای بهبود اتصال و تسهیل تجارت ضروری می‌باشد. به عنوان مثال، گسترش شبکه‌های راه‌آهن پرسرعت و بزرگراه‌ها انتظار می‌رود زمان سفر را به طور قابل توجهی کاهش دهد و تعاملات اقتصادی بین استان‌های غربی و مراکز شهری بزرگ را افزایش دهد.

^{۴۳۹}China's Western Development Strategy: Policies, Effects and Prospects: <https://mpira.ub.uni-muenchen.de/35201/> & Regional Development Discrepancies and Public Policy: Evaluating China's Western Development Strategy: <https://ccgt.ucsd.edu/files/mcintosh-research/warner-paper.pdf>

دFTER چهارم: دوره رشد اقتصادی شتابان و ادغام با اقتصاد جهانی (از اوایل دهه ۲۰۰۰ به بعد)

علاوه بر حمل و نقل، سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی به پروژه‌های انرژی، به ویژه در منابع انرژی تجدیدپذیر مانند انرژی خورشیدی و بادی، اختصاص یافته است. این ابتکارات به منظور تضمین تأمین انرژی پایدار و همچنین رسیدگی به نگرانی‌های زیست‌محیطی طراحی شده‌اند. سرمایه‌گذاری در تأسیسات انرژی هدف دارد تا هم از صنایع محلی و هم از نیازهای مسکونی حمایت کند و بدین ترتیب رشد اقتصادی کلی را ترویج نماید. علاوه بر این، تخصیص بودجه برای پروژه‌های زیست‌محیطی نشان‌دهنده تعهد به پایداری اکولوژیکی است، با برنامه‌هایی که بر کنترل آلودگی و حفاظت از منابع متمرکز شده‌اند. به طور کلی، این سرمایه‌گذاری‌ها نه تنها به دنبال تحریک رشد اقتصادی فوری هستند بلکه به توسعه پایدار بلندمدت در مناطق غربی چین نیز کمک می‌کنند و آن‌ها را به عنوان اجزای حیاتی اقتصاد ملی معرفی می‌کنند.

۲. توسعه زیرساخت‌ها:

طرح توسعه غرب چین منجر به سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی در زیرساخت‌ها شده است که برای اتصال استان‌های غربی به بازارهای شرقی و تسهیل تجارت حیاتی هستند. تا ژانویه ۲۰۲۵، مجموع سرمایه‌گذاری برای ۱۶۵ پروژه کلیدی تحت این طرح به حدود ۳,۱ تریلیون یوان (تقریباً ۴۴۸ میلیارد دلار) رسیده است. این بودجه به پروژه‌های مختلف زیرساختی، از جمله ساخت و به‌روزرسانی شبکه‌های جاده‌ای و ریلی، تأسیسات انرژی و سیستم‌های مخابراتی اختصاص یافته است. به عنوان مثال، توسعه بزرگراه‌ها و راه‌آهن‌های اصلی ارتباطات را بهبود بخشیده و حمل و نقل کالاها و خدمات را در بین مناطق تسهیل کرده است. گسترش راه‌آهن کیمگانی-تبت و ساخت بزرگراه‌های جدید زمان سفر را به طرز چشمگیری کاهش داده و تعاملات اقتصادی بین استان‌های غربی و مراکز شهری بزرگ را افزایش داده است.

علاوه بر بهبودهای جاده‌ای و ریلی، سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی نیز در زیرساخت‌های انرژی برای حمایت از نیازهای رو به رشد این مناطق انجام شده است. پروژه‌هایی مانند خط لوله گاز غرب به شرق و ابتکارات انرژی

۴۴۰- خط لوله گاز غرب به شرق یک پروژه زیرساختی حیاتی در چین است که برای انتقال گاز طبیعی از مناطق غنی از منابع در غرب، به ویژه سین‌کیانگ، به استان‌های پررونق شرقی طراحی شده است. ساخت اولین بخش این خط لوله از سال ۲۰۰۲ آغاز شد و در اول ژانویه ۲۰۰۵ به طور رسمی به بهره‌برداری رسید. این خط لوله اولیه، که به نام خط لوله گاز غرب به شرق یک شناخته می‌شود، حدود ۴,۰۰۰ کیلومتر (تقریباً ۲,۴۸۵ مایل) طول دارد و از میدان نفت و گاز لونان در سین‌کیانگ تا شهر بایهه در شانگهای امتداد می‌یابد. این بخش ظرفیت انتقال ۱۷ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی در سال را دارد و از ده استان عبور می‌کند که تأمین انرژی را بهبود بخشیده و از رشد اقتصادی در مناطق شهری مسیر خود حمایت می‌کند.

پس از موفقیت بخش اول، مراحل بعدی خط لوله گاز غرب به شرق توسعه یافته‌اند تا ظرفیت و دامنه کلی شبکه را افزایش دهند. بخش دوم که تأمین گاز از آسیای مرکزی را به بازارهای شرقی متصل می‌کند، حدود ۸,۸۱۹ کیلومتر طول دارد و قادر به ارائه ۳۰ میلیارد متر مکعب گاز در سال است. انتظار می‌رود که کل سیستم خط لوله گاز غرب به شرق با تکمیل، بیش از ۲۰,۰۰۰ کیلومتر طول داشته باشد و ظرفیت تحویل سالانه آن به ۷۷ میلیارد متر مکعب برسد. این شبکه گسترده نه تنها تأمین پایدار گاز طبیعی را در سراسر چین تضمین می‌کند بلکه نقش حیاتی در انتقال کشور به سوی منابع انرژی پاک‌تر ایفا کرده و وابستگی به زغال‌سنگ را کاهش داده و کیفیت هوا را در شهرهای بزرگ بهبود می‌بخشد.

دستر چهارم: دوره رشد اقتصادی شتابان و ادغام با اقتصاد جهانی (از اوایل دهه ۲۰۰۰ به بعد)

تجدیدپذیر در اولویت قرار گرفته‌اند تا تأمین انرژی پایدار را تضمین کرده و در عین حال به نگرانی‌های زیست‌محیطی رسیدگی کنند. دولت همچنین بر تقویت زیرساخت‌های مخابراتی تمرکز کرده است تا پوشش جامع‌تری در مناطق دورافتاده فراهم کند. با ایجاد شبکه‌های ارتباطی قوی، این طرح دسترسی بهتر به اطلاعات و خدمات را برای جمعیت‌های محلی تسهیل می‌کند و این مناطق را بیشتر در اقتصاد ملی ادغام می‌کند. به طور کلی، این توسعه‌های زیرساختی نه تنها رشد اقتصادی فوری را تحریک می‌کنند بلکه پایه‌گذاری برای توسعه پایدار بلندمدت در غرب چین را نیز فراهم می‌آورند.^{۴۴۱}

۳. رشد اقتصادی:

طرح توسعه غرب چین به طور قابل توجهی به افزایش نرخ رشد تولید ناخالص داخلی (GDP) در مناطق غربی این کشور کمک کرده است. از زمان اجرای این طرح در سال ۲۰۰۰، هدف آن رسیدگی به نابرابری‌های اقتصادی بین استان‌های شرقی ساحلی و مناطق کمتر توسعه‌یافته غربی بوده است. مطالعات نشان می‌دهد که در برخی دوره‌ها، نرخ رشد سالانه GDP در این استان‌های غربی اغلب از میانگین ملی فراتر رفته است. به عنوان مثال، تحقیقات نشان می‌دهد که GDP شهرستان‌های غربی مورد مطالعه حدود ۱۹,۶۹ درصد بیشتر از آنچه بدون این سیاست رخ می‌داد، افزایش یافته است که تأثیرات مثبت سرمایه‌گذاری‌های هدفمند و توسعه زیرساخت‌ها را در این مناطق نشان می‌دهد.

یکی از عوامل کلیدی در این رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری‌های قابل توجه در پروژه‌های زیرساختی، از جمله شبکه‌های حمل و نقل مانند جاده‌ها و راه‌آهن‌ها بوده است. توسعه پروژه‌های بزرگی مانند راه‌آهن کیمگانی-تبت^{۴۴۲} و سیستم‌های بزرگراهی گسترده، دسترسی را بهبود بخشیده و تجارت و جابجایی کالاها را بین استان‌های غربی و بازارهای شرقی تسهیل کرده است. با بهبود دسترسی به منابع و بازارها، این پیشرفت‌های زیرساختی نقش حیاتی در تحریک اقتصادهای محلی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی ایفا کرده‌اند. علاوه بر این، سرمایه‌گذاری‌ها در

^{۴۴۱} - Introduction to the Implementation of the Great Western Development: https://english.mee.gov.cn/Events/Special_Topics/AGM_1/2000agm/leaderspeech2000/201605/t20160524_345016.shtml & Evaluating China's Western Development Strategy – CCGT: <https://ccgt.ucsd.edu/files/mcintosh-research/warner-paper.pdf> & China's Infrastructure Development Along The Line Of Actual Control: <https://cenjows.in/chinas-infrastructure-development-along-the-line-of-actual-control-lac-and-implications-for-india/>

^{۴۴۲} - راه‌آهن کیمگانی-تبت، که به عنوان راه‌آهن کینگ‌زنگ نیز شناخته می‌شود، یک دستاورد مهندسی بی‌نظیر است که شهر ایکسینینگ، پایتخت استان کینگ‌های، را به لاسا، پایتخت منطقه خودمختار تبت متصل می‌کند. این راه‌آهن با طول تقریبی ۱,۹۵۶ کیلومتر (حدود ۱,۲۱۵ مایل) و با بیش از ۹۶۰ کیلومتر از مسیر در ارتفاعات بالای ۴,۰۰۰ متر (۱۳,۱۲۳ فوت) از سطح دریا، به عنوان بالاترین راه‌آهن جهان شناخته می‌شود. ساخت آن از سال ۱۹۵۸ آغاز شد و در سال ۲۰۰۶ به پایان رسید. این پروژه نه تنها دسترسی به تبت را تسهیل کرده و موجب افزایش گردشگری و توسعه اقتصادی در این منطقه شده است، بلکه به عنوان نمادی از تعهد چین به توسعه مناطق غربی و ترویج تبادل فرهنگی و گردشگری عمل می‌کند. راه‌آهن کیمگانی-تبت همچنین بهبود قابل توجهی در حمل و نقل بار به داخل تبت ایجاد کرده و تحویل کالاها را سریع‌تر و ایمن‌تر از سیستم‌های جاده‌ای قبلی می‌سازد.

دفتر چهارم: دوره رشد اقتصادی شتابان و ادغام با اقتصاد جهانی (از اوایل دهه ۲۰۰۰ به بعد)

تأسیسات انرژی تأمین پایدار برق را برای حمایت از رشد صنعتی تضمین کرده و به توسعه کلی این مناطق کمک کرده‌اند.

با وجود این دستاوردها، چالش‌هایی نیز در زمینه کاهش کامل شکاف اقتصادی بین چین غربی و شرقی باقی مانده است. در حالی که طرح توسعه غرب چین منجر به نرخ‌های قابل توجهی از رشد GDP شده است، استان‌های شرقی همچنان نرخ‌های بالاتری از رشد را تجربه می‌کنند. این نابرابری مداوم نشان‌دهنده این است که هرچند پیشرفت‌هایی حاصل شده، اما تلاش‌های بیشتری برای حفظ شتاب رشد و تضمین توسعه عادلانه در تمام مناطق چین لازم است. ادامه تمرکز بر بهبود زیرساخت‌ها، آموزش و خدمات بهداشتی برای حفظ این مسیر رشد و ترویج رفاه بلندمدت در استان‌های غربی ضروری خواهد بود.^{۴۳}

۴. سرمایه‌گذاری خارجی:

طرح توسعه غرب چین به طور موفقیت‌آمیزی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) قابل توجهی را جذب کرده است، به طوری که بیش از ۵۵,۷ میلیارد دلار در مناطق غربی چین سرمایه‌گذاری شده است. این جریان سرمایه خارجی بخشی از تلاش‌های گسترده‌تر برای تقویت همکاری و توسعه اقتصادی است. این سرمایه‌گذاری‌ها از کشورهای مختلفی آمده است و شرکت‌های چندملیتی و سرمایه‌گذاران به دنبال فرصت‌های موجود در استان‌های در حال توسعه غربی هستند. به ویژه، شرکت‌هایی از کشورهایمانند ایالات متحده، آلمان و سنگاپور حضور قوی در این منطقه دارند و بیش از ۲۰,۰۰۰ شرکت با سرمایه‌گذاری خارجی^{۴۴} آنجا فعالیت می‌کنند که شامل بیش از ۲۰۰ شرکت از ۵۰۰ شرکت برتر جهان نیز می‌شود.

این سرمایه‌گذاری‌ها عمدتاً بر روی بخش‌های کلیدی مانند تولید، انرژی و توسعه زیرساخت‌ها متمرکز شده است. به عنوان مثال، در حالی که تنها حدود ۵ درصد از سرمایه‌گذاری‌های خارجی به بخش انرژی وارد شده است، بخش قابل توجهی به تولید و توسعه املاک اختصاص یافته است. دولت چین سیاست‌های ترجیحی، از جمله مشوق‌های مالیاتی و کاهش نرخ مالیات شرکتی برای شرکت‌های خارجی که در صنایع مشخص فعالیت می‌کنند، اجرا کرده است تا محیط سرمایه‌گذاری جذاب‌تری ایجاد کند. این تدابیر نه تنها به افزایش FDI کمک کرده بلکه

^{۴۳} Evaluating China's Western Development Strategy – CCGT: <https://ccgt.ucsd.edu/files/mcintosh-research/warner-paper.pdf> & China's Western Development Strategy: Policies, Effects and: <https://mpr.ub.uni-muenchen.de/35201/> & China Western Development – Wikipedia: https://en.wikipedia.org/wiki/China_Western_Development

^{۴۴} - طرح توسعه غرب چین به جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) قابل توجهی کمک کرده است که از جمله آن‌ها می‌توان به شرکت‌های مستقر در ایالات متحده، آلمان و سنگاپور اشاره کرد. شرکت‌های آمریکایی مانند فورد و وال‌مارت با تأسیس تأسیسات تولیدی و گسترش عملیات خرده‌فروشی خود در این منطقه، میلیاردها دلار سرمایه‌گذاری کرده‌اند. همچنین، شرکت انرون نیز در پروژه‌های انرژی فعال بوده است، هرچند که حضور آن پس از ورشکستگی کاهش یافته است. از آلمان، شرکت‌هایی مانند زیمنس و فولکس‌واگن سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی در زیرساخت‌ها و تولید خودرو انجام داده‌اند تا از بازار در حال رشد چین بهره‌برداری کنند. در سنگاپور، شرکت SATS Ltd نیز در پروژه‌های لجستیک و مدیریت زنجیره تأمین سرمایه‌گذاری کرده است. این سرمایه‌گذاری‌ها نه تنها به رشد اقتصادی غرب چین کمک می‌کند بلکه همکاری و توسعه اقتصادی بین‌المللی را نیز در این منطقه ترویج می‌دهد.

دفتر چهارم: دوره رشد اقتصادی شتابان و ادغام با اقتصاد جهانی (از اوایل دهه ۲۰۰۰ به بعد)

به رشد اقتصادی کلی مناطق غربی نیز کمک کرده و آن‌ها را به اجزای حیاتی چشم‌انداز اقتصادی چین تبدیل کرده و روابط اقتصادی عمیق‌تری با سرمایه‌گذاران خارجی برقرار کرده است.^{۴۴۵}

۵. اهداف بلندمدت

طرح توسعه غرب چین به عنوان بخشی از اهداف بلندمدت چین، نشان‌دهنده تعهد مداوم این کشور به سرمایه‌گذاری در مناطق غربی است. این طرح که از سال ۲۰۰۰ آغاز شده، به دنبال کاهش نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی بین مناطق شرقی و غربی کشور است. دولت چین با اجرای پروژه‌های زیرساختی گسترده، از جمله راه‌آهن‌ها، بزرگراه‌ها و تأسیسات انرژی، تلاش می‌کند تا شرایط زندگی را در این مناطق بهبود بخشد و فرصت‌های اقتصادی را برای ساکنان آن‌ها فراهم کند. به عنوان مثال، پروژه‌هایی مانند **راه‌آهن کیمگانی-تبت** و گسترش شبکه‌های جاده‌ای، دسترسی به بازارها و منابع را تسهیل کرده و به رشد اقتصادی کمک کرده‌اند.

علاوه بر این، دولت چین با ارائه مشوق‌های مالیاتی و تسهیلات برای سرمایه‌گذاران خارجی، به جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی در این مناطق پرداخته است. این اقدامات نه تنها به افزایش تولید ناخالص داخلی (GDP) در استان‌های غربی کمک کرده بلکه به کاهش فقر و ارتقای سطح زندگی ساکنان نیز منجر شده است. با وجود پیشرفت‌های قابل توجه، چالش‌هایی همچنان باقی مانده است که نیاز به ادامه سرمایه‌گذاری و توسعه زیرساخت‌ها را برای کاهش شکاف اقتصادی بین شرق و غرب چین نشان می‌دهد. بنابراین، تعهد مداوم به سرمایه‌گذاری در این مناطق نه تنها هدف اقتصادی بلکه یک هدف اجتماعی برای ایجاد عدالت و برابری در توسعه کشور است.

نتیجه گیری

طرح توسعه غرب چین به عنوان یک استراتژی کلان اقتصادی، نشان‌دهنده تعهد مداوم چین به سرمایه‌گذاری در مناطق غربی کشور و دستیابی به توسعه متوازن اقتصادی است. از سال ۲۰۰۰ تا ژانویه ۲۰۲۵، مجموع سرمایه‌گذاری برای ۱۶۵ پروژه کلیدی به حدود ۳,۱ تریلیون یوان (تقریباً ۴۴۸ میلیارد دلار) رسیده است. این سرمایه‌گذاری‌ها عمدتاً در بخش‌های زیرساختی، از جمله حمل و نقل، انرژی و پروژه‌های زیست‌محیطی انجام شده است که بهبود شرایط زندگی و تسهیل تجارت را در این مناطق هدف قرار داده‌اند. پروژه‌هایی مانند **راه‌آهن کیمگانی-تبت** و گسترش شبکه‌های جاده‌ای، زمان سفر را کاهش داده و تعاملات اقتصادی را افزایش داده‌اند.

^{۴۴۵}Development and Opening-up of China's Western Region:

https://en.wikipedia.org/wiki/China_Western_Development & Development and Opening-up of China's Western Region: https://www.mfa.gov.cn/eng/xw/zyjh/202405/t20240530_11340530.html & [Decoding China's H1 2024 Foreign Direct Investment \(FDI\) Performance: https://www.china-briefing.com/news/decoding-chinas-h1-2024-foreign-direct-investment-fdi-performance/](https://www.china-briefing.com/news/decoding-chinas-h1-2024-foreign-direct-investment-fdi-performance/)

دستر چهارم: دوره رشد اقتصادی شتابان و ادغام با اقتصاد جهانی (از اوایل دهه ۲۰۰۰ به بعد)

همچنین، سرمایه‌گذاری در منابع انرژی تجدیدپذیر نشان‌دهنده تعهد به پایداری اکولوژیکی و تأمین انرژی پایدار برای صنایع محلی و نیازهای مسکونی است.

این سرمایه‌گذاری‌ها نه تنها به رشد تولید ناخالص داخلی (GDP) در استان‌های غربی کمک کرده بلکه به جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) نیز منجر شده است. با بیش از ۵۵,۷ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی در این مناطق، شرکت‌هایی از کشورهای مختلف مانند ایالات متحده، آلمان و سنگاپور حضور قوی دارند و بیش از ۲۰,۰۰۰ شرکت با سرمایه‌گذاری خارجی در آنجا فعالیت می‌کنند. این اقدامات نشان‌دهنده تلاش‌های گسترده‌تر دولت چین برای کاهش نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی بین شرق و غرب کشور است. با وجود پیشرفت‌های قابل توجه، چالش‌هایی همچنان باقی مانده که نیاز به ادامه سرمایه‌گذاری و توسعه زیرساخت‌ها را برای کاهش شکاف اقتصادی بین این دو منطقه نشان می‌دهد. بنابراین، تعهد مداوم به سرمایه‌گذاری در این مناطق نه تنها هدف اقتصادی بلکه یک هدف اجتماعی برای ایجاد عدالت و برابری در توسعه کشور است.

چالش‌ها

بدهی بالای دولت و شرکت‌ها

سطح بالای بدهی: افزایش بدهی دولت‌های محلی و شرکت‌های دولتی یکی از بزرگ‌ترین نگرانی‌های اقتصادی چین است. این بدهی‌ها ناشی از سرمایه‌گذاری در پروژه‌های زیرساختی عظیم و سیاست‌های حمایتی است. در سال‌های اخیر، یکی از بزرگ‌ترین نگرانی‌های اقتصادی چین افزایش بدهی دولت‌های محلی و شرکت‌های دولتی بوده است. این بدهی‌ها به‌ویژه به دلیل سرمایه‌گذاری‌های کلان در پروژه‌های زیرساختی و سیاست‌های حمایتی برای تحریک رشد اقتصادی در دوره‌های رکود، افزایش یافته است.

۱. بدهی دولت‌های محلی:

مجموع بدهی‌های دولت محلی در چین پیش‌بینی می‌شود که تا ۶۰ تریلیون یوان (حدود ۸,۳ تریلیون دلار) در سال ۲۰۲۳ برسد،^{۴۶} که نشان‌دهنده افزایش قابل توجهی است که عمدتاً به منظور تأمین مالی پروژه‌های

۴۶ - در سال ۲۰۲۳، مجموع بدهی‌های دولت‌های محلی چین به حدود ۶۰ تریلیون یوان (تقریباً ۸,۳ تریلیون دلار) رسید. این رقم قابل توجه، نمایانگر یک چشم‌انداز پیچیده از چالش‌های مالی است که به دلیل عوامل مختلفی به ایجاد بدهی‌های سنگین توسط مقامات محلی منجر شده است. در ادامه، به بررسی این بدهی و علل آن می‌پردازیم.

مروری بر بدهی‌های دولتی

۱. مقدار بدهی: رقم ۶۰ تریلیون یوان شامل بدهی‌های رسمی و آنچه که به عنوان "بدهی پنهان" شناخته می‌شود، می‌باشد. بدهی پنهان به تعهداتی اشاره دارد که دولت‌های محلی ایجاد کرده‌اند اما به طور عمومی افشا نشده‌اند که ارزیابی سلامت مالی آن‌ها را پیچیده می‌کند.

۲. اجزای بدهی:

بدهی رسمی: این شامل اوراق قرضه‌ای است که توسط دولت‌های محلی صادر شده و دیگر مکانیزم‌های رسمی قرض‌گیری. بدهی پنهان: برآورد می‌شود که در پایان سال ۲۰۲۳، این نوع بدهی حدود ۱۴,۳ تریلیون یوان (حدود ۲ تریلیون دلار) باشد و معمولاً از طریق تأسیسات تأمین مالی محلی (LGFVs) و دیگر روش‌های غیررسمی ایجاد می‌شود.

علل بدهی دولت‌های محلی

دFTER چهارم: دوره رشد اقتصادی شتابان و ادغام با اقتصاد جهانی (از اوایل دهه ۲۰۰۰ به بعد)

بزرگ زیرساختی، از جمله راه‌آهن‌های پرسرعت، بزرگراه‌ها و ساخت شهرهای جدید انجام شده است. این افزایش بدهی به ویژه پس از **بحران مالی جهانی ۲۰۰۸** مشهود بوده است، زمانی که دولت چین هزینه‌های خود را برای حفظ رشد اقتصادی در برابر رکود جهانی افزایش داد. وابستگی به وسایل تأمین مالی دولت محلی (LGFVs) به استان‌ها این امکان را داده تا پروژه‌های بلندپروازانه‌ای را اجرا کنند؛ اما این امر همچنین نگرانی‌هایی را در مورد پایداری این سطوح بدهی ایجاد کرده است. گزارش‌ها نشان می‌دهند که دولت‌های محلی به طور فزاینده‌ای به قرض گرفتن به عنوان راهی برای تحریک فعالیت اقتصادی روی آورده‌اند که منجر به انباشت سریع بدهی‌های آشکار و پنهان شده است.

در پاسخ به فشارهای ناشی از بدهی‌های رو به افزایش، دولت چین اقداماتی را برای مدیریت و Refinancing این بدهی‌ها آغاز کرده است. به عنوان مثال، یک طرح اخیر تصویب شده است که **۶ تریلیون یوان (تقریباً ۸۴۰ میلیارد دلار)** را طی سه سال برای کمک به دولت‌های محلی در پرداخت تعهدات معوقه خود اختصاص می‌دهد. این طرح نه تنها هدفش کاهش بارهای مالی فوری است بلکه به منظور تقویت ثبات مالی با اجازه دادن به جایگزینی بدهی‌های پنهان با گزینه‌های تأمین مالی شفاف‌تر طراحی شده است. با وجود این تلاش‌ها، چالش‌ها همچنان قابل توجه هستند؛ بسیاری از استان‌ها با هزینه‌های خدمات بدهی که از درآمدهای مالیاتی آن‌ها فراتر رفته، دست

۱. هزینه‌های زیرساختی: یکی از عوامل اصلی بدهی دولت‌های محلی نیاز به توسعه زیرساخت‌های گسترده است. برای حمایت از شهرنشینی سریع و رشد اقتصادی، دولت‌های محلی به شدت برای تأمین مالی پروژه‌هایی مانند جاده‌ها، پل‌ها و تأسیسات عمومی قرض گرفته‌اند.
 ۲. مدل مالی زمین: دولت‌های محلی در چین به طور تاریخی به فروش زمین به عنوان یک منبع مهم درآمد متکی بوده‌اند. با این حال، با کاهش بازار املاک، درآمد حاصل از فروش زمین به شدت کاهش و این امر آن‌ها را مجبور به افزایش قرض‌گیری برای پوشش کسری بودجه کرده است.
 ۳. کاهش رشد اقتصادی: کند شدن رشد اقتصادی چین فشارهای مالی را بر دولت‌های محلی تشدید کرده است. با کاهش درآمدهای مالیاتی و کاهش فعالیت اقتصادی، مقامات محلی مجبورند برای حفظ خدمات عمومی و تأمین مالی پروژه‌های جاری بیشتر قرض بگیرند.
 ۴. محدودیت منابع درآمد: بسیاری از دولت‌های محلی با محدودیت‌هایی در توانایی خود برای افزایش درآمد از طریق مالیات یا دیگر روش‌ها مواجه‌اند. این محدودیت آن‌ها را مجبور می‌کند تا برای تأمین هزینه‌ها و صدور اوراق قرضه بیشتر قرض بگیرند.
 ۵. چالش‌های خدمات بدهی به بدهی: افزایش سطح بدهی نیازمند پرداخت مداوم در قالب سود و بازپرداخت اصل است. در برخی موارد، دولت‌های محلی مجبور شده‌اند برای پرداخت بدهی‌های قدیمی‌تر، بدهی جدیدتری صادر کنند که منجر به ایجاد چرخه‌ای از قرض‌گیری می‌شود که می‌تواند به شیوه‌های مالی ناپایدار منجر شود.
 ۶. سیاست‌های دولت مرکزی: در حالی که دولت مرکزی اقداماتی برای کنترل قرض‌گیری دولت‌های محلی انجام داده است، مانند معرفی مقررات سختگیرانه‌تر بر LGFVs و ترویج شفافیت، این تلاش‌ها نتوانسته‌اند به طور کامل سطح بالای بدهی‌ها را کاهش دهند.
- تحولات اخیر: در پاسخ به نگرانی‌ها در مورد افزایش بدهی دولت‌های محلی، دولت چین برنامه‌هایی را برای کمک به بازپرداخت این بدهی‌ها تصویب کرده است:

پیشنهادی برای یک طرح ۶ تریلیون یوان (حدود ۸۴۰ میلیارد دلار) ارائه شده است که هدف آن کمک به دولت‌های محلی در مدیریت بدهی‌هایشان طی سه سال آینده است.

این طرح بخشی از تلاش‌های گسترده‌تر برای تثبیت اقتصاد و رسیدگی به فشارهای مالی موجود بر مقامات محلی است. نتیجه‌گیری: مجموع بدهی دولت‌های محلی چین چالش‌های قابل توجهی را برای ثبات اقتصادی منطقه‌ای و ملی ایجاد می‌کند. ترکیبی از نیازهای بالای هزینه زیرساخت، وابستگی به درآمدهای ناشی از زمین، کند شدن رشد اقتصادی و محدودیت منابع درآمد باعث ایجاد محیط پیچیده‌ای شده است که قرض‌گیری برای بسیاری از مقامات محلی ضروری شده است. رسیدگی به این مسئله نیازمند مدیریت دقیق و راهکارهای نوآورانه از سوی هر دو سطح دولتی محلی و مرکزی خواهد بود تا اطمینان حاصل شود که سلامت مالی کشور در آینده پایدار باقی بماند.

دستر چهارم: دوره رشد اقتصادی شتابان و ادغام با اقتصاد جهانی (از اوایل دهه ۲۰۰۰ به بعد)

و پنجه نرم می‌کنند و نیازمند اصلاحات مستمر و مدیریت دقیق مالی محلی برای تضمین ثبات و رشد اقتصادی بلندمدت هستند.

۲. بدهی شرکت‌های دولتی:

در سال ۲۰۲۲، بدهی شرکت‌های دولتی (SOEs) در چین، از جمله چین سیتی‌گروپ^{۴۴۷} به حدود ۴۵ تریلیون یوان (تقریباً ۶,۳ تریلیون دلار) رسید. این انباشت بدهی عمدتاً برای تأمین مالی پروژه‌های بلندمدت در بخش‌های مختلف، به ویژه انرژی، زیرساخت و املاک استفاده شده است. شرکت‌های دولتی با استفاده از وام‌ها به حمایت از ابتکارات بزرگ مانند پروژه‌های راه‌آهن پرسرعت، توسعه شهری و تأسیسات تولید انرژی پرداخته‌اند. به عنوان مثال، شرکت‌های بزرگی مانند شرکت ملی نفت چین و شرکت مهندسی ساخت و ساز دولتی چین بدهی‌های قابل توجهی را برای تأمین مالی عملیات گسترده و پروژه‌های زیرساختی خود بر عهده گرفته‌اند که برای حفظ رشد اقتصادی و تقویت توسعه ملی ضروری هستند. با این حال، افزایش سطح بدهی‌ها نگرانی‌هایی را در مورد ثبات مالی و پایداری این شرکت‌ها ایجاد کرده است. نسبت بدهی به دارایی این شرکت‌ها به شدت افزایش یافته و تخمین‌ها نشان می‌دهد که تقریباً ۷۹ درصد از کل بدهی شرکتی در چین متعلق به شرکت‌های دولتی است.

این وابستگی به تأمین مالی از طریق بدهی، خطراتی را به همراه دارد، به ویژه در شرایطی که رشد اقتصادی کند شده و درآمدهای سنتی مانند فروش زمین کاهش یافته است. برای کاهش این خطرات، دولت چین اقداماتی مانند برنامه مبادله بدهی به ارزش ۱۲ تریلیون یوان را آغاز کرده است تا فشارهای ناشی از بدهی دولت‌های محلی را کاهش دهد و ترازنامه‌ها را بهبود بخشد. با وجود این تلاش‌ها، چالش‌های مداوم در مدیریت سطوح بالای بدهی میان شرکت‌های دولتی نیازمند اصلاحات مستمر و نظارت دقیق برای تضمین ثبات اقتصادی بلندمدت در چین است.^{۴۴۸}

۴۴۷ - سیتی‌گروپ (Citigroup) یک مؤسسه مالی جهانی پیشرو است که حضور قابل توجهی در چین دارد و طیف گسترده‌ای از خدمات و محصولات مالی را ارائه می‌دهد. در سه‌ماهه سوم سال ۲۰۲۴، سیتی‌گروپ گزارش داد که درآمدهای آن به ۲۰,۳ میلیارد دلار رسیده است که نشان‌دهنده افزایش جزئی ۱ درصدی نسبت به سه‌ماهه قبل است. سود خالص این مؤسسه در همین دوره ۳,۲ میلیارد دلار بود که به ازای هر سهم به ۱,۵۱ دلار می‌رسد. علی‌رغم چالش‌هایی مانند افزایش هزینه‌ها ناشی از خسارات اعتباری، مدل کسب‌وکار متنوع سیتی‌گروپ به آن اجازه داد تا در بخش‌های مختلف، به ویژه در بانکداری سرمایه‌گذاری و مدیریت ثروت، رشد قابل توجهی را تجربه کند.

سیتی‌گروپ در چین خدمات متنوعی ارائه می‌دهد که شامل بانکداری شخصی، بانکداری شرکتی، بانکداری سرمایه‌گذاری و مدیریت ثروت می‌شود. بخش بانکداری شخصی شاهد افزایش ۳ درصدی در درآمدها بود که این امر ناشی از رشد خدمات کارت‌های برند و افزایش موجودی‌های بهره‌دار بود. بخش بانکداری سرمایه‌گذاری نیز گزارش داد که درآمدهای آن به ویژه از صدور بدهی و معاملات استراتژیک، افزایش قابل توجهی داشته است که به رشد کلی درآمد کمک کرده است. همچنین، بخش مدیریت ثروت افزایش ۹ درصدی در درآمدها را گزارش کرد و دارایی‌های سرمایه‌گذاری مشتریان به میزان ۲۴ درصد افزایش یافت. تمرکز سیتی‌گروپ بر بهبود خدمات خود و گسترش حضور در بازار، این مؤسسه را برای رشد آینده در چین و دیگر نقاط جهان به خوبی آماده کرده است.

China's 12 trillion yuan debt swap to ease local debt, pressure bank :
<https://www.spglobal.com/marketintelligence/en/news-insights/latest-news-headlines/china-s-12-trillion-yuan-debt-swap-to-ease-local-debt-pressure-bank-margins-86126459> & 2022 Annual Report :

۳. چالش‌های ناشی از بدهی:

افزایش سطح بدهی‌ها در میان شرکت‌های دولتی (SOEs) و دولت‌های محلی در چین نگرانی‌های قابل توجهی را در مورد پایداری مالی کشور ایجاد کرده است. بخش عمده‌ای از این بدهی‌ها به تأمین مالی پروژه‌های زیرساختی بلندمدت اختصاص یافته است، که عمدتاً از طریق اوراق قرضه‌ای که توسط دولت‌های محلی و شرکت‌های دولتی صادر می‌شود، تأمین می‌شود. به عنوان مثال، تا سال ۲۰۲۲، مجموع بدهی شرکت‌های دولتی به حدود ۴۵ **تربیلیون یوان** (تقریباً ۶,۳ **تربیلیون دلار**) رسید و بخش قابل توجهی از آن به توسعه زیرساخت‌های حیاتی مانند راه‌آهن‌های پرسرعت، بزرگراه‌ها و پروژه‌های توسعه شهری اختصاص یافته است. با این حال، با کاهش رشد اقتصادی و افزایش نرخ‌های بهره جهانی، بار بازپرداخت این بدهی‌ها به چالشی جدی تبدیل شده است. وابستگی به تأمین مالی از طریق بدهی برای زیرساخت‌ها وضعیتی را ایجاد کرده که بسیاری از دولت‌های محلی و شرکت‌های دولتی در تولید درآمد کافی برای پوشش تعهدات خود با مشکل مواجه هستند.

در شرایطی که رشد اقتصادی کند شده، توانایی برای خدمات‌دهی به این بدهی‌ها با افزایش نرخ‌های بهره که هزینه قرض‌گیری را بالا می‌برد، پیچیده‌تر شده است. تحلیل‌گران برآورد می‌کنند که تقریباً ۷۹ درصد از بدهی شرکتی در چین متعلق به شرکت‌های دولتی است که اکنون تحت فشار زیادی برای مدیریت مؤثر مسئولیت‌های مالی خود قرار دارند. این وضعیت با این واقعیت تشدید می‌شود که بسیاری از شرکت‌های دولتی مجبور به قرض گرفتن وجوه اضافی فقط برای بازپرداخت وام‌های قبلی خود شده‌اند و این امر یک چرخه وابستگی به بدهی ایجاد کرده است. در نتیجه، درخواست‌ها برای اصلاحات ساختاری و بهبود شیوه‌های مدیریت مالی به منظور اطمینان از توانایی این شرکت‌ها در برآورده کردن تعهدات خود بدون آسیب رساندن به ثبات اقتصادی افزایش یافته است. دولت چین ممکن است نیاز داشته باشد اقداماتی مانند محدود کردن نسبت بدهی خالص به سرمایه‌گذاری برای شرکت‌های دولتی یا تقویت مکانیزم‌های حمایتی مالی را اجرا کند تا خطرات مرتبط با این بحران رو به رشد بدهی را کاهش دهد.^۴

ریسک‌های مالی

بدهی‌های سنگین در چین، به‌ویژه در بخش دولت‌های محلی و شرکت‌های دولتی، می‌تواند ریسک‌های مالی جدی ایجاد کند و منجر به بی‌ثباتی در بخش بانکی و مالی شود. افزایش بدهی‌ها در سال‌های اخیر به دلایل مختلفی از جمله سرمایه‌گذاری‌های کلان در پروژه‌های زیرساختی، سیاست‌های حمایتی دولت و کمبود منابع مالی در برخی مناطق ایجاد شده است.

<https://pic.bankofchina.com/bocappd/report/202304/P020230428606798563362.pdf> & China's rise and the reshaping of sovereign debt relief: <https://academic.oup.com/ia/article/99/4/1755/7167127?login=false>

State-Owned Enterprises Leverage as a Contingency in Public Debt :

<https://www.adb.org/publications/state-owned-enterprises-public-debt-sustainability-prc> &

State-Owned Enterprises Leverage as a Contingency in Public Debt :

[https://www.adb.org/sites/default/files/publication/396541/ewp-534-soes-leverage-debt-](https://www.adb.org/sites/default/files/publication/396541/ewp-534-soes-leverage-debt-sustainability-analysis.pdf)

[sustainability-analysis.pdf](https://www.adb.org/sites/default/files/publication/396541/ewp-534-soes-leverage-debt-sustainability-analysis.pdf) & China's SOEs Are Stuck In A Debt Trap - S&P Global:

https://www.spglobal.com/_assets/documents/ratings/research/global-debt-leverage-1.pdf

مثال‌هایی از ریسک‌های مالی ناشی از بدهی‌های سنگین:

۱. بدهی دولتهای محلی:

افزایش بدهی‌های سنگین دولتهای محلی در چین یکی از بزرگ‌ترین نگرانی‌ها در زمینه ثبات مالی کشور به شمار می‌رود. پیش‌بینی می‌شود که بدهی دولتهای محلی تا سال ۲۰۲۳ به حدود ۶۰ تریلیون یوان (تقریباً ۸,۳ تریلیون دلار) برسد. بخش عمده‌ای از این بدهی‌ها از طریق اوراق قرضه‌ای که توسط دولتهای محلی صادر می‌شود، تأمین مالی شده است. با این حال، بسیاری از این اوراق قرضه با نرخ‌های بهره بالا و سررسیدهای طولانی صادر شده‌اند که می‌تواند فشار زیادی بر سیستم مالی وارد کند و خطر نکول این اوراق و بی‌ثباتی بانک‌ها را افزایش دهد. در شرایطی که رشد اقتصادی کند شده و درآمدهای دولتهای محلی از منابعی مانند فروش زمین کاهش یافته است، توانایی آن‌ها برای بازپرداخت این بدهی‌ها به شدت تحت تأثیر قرار گرفته است.

علاوه بر این، افزایش نرخ‌های بهره جهانی نیز به پیچیدگی وضعیت کمک کرده و هزینه‌های قرض‌گیری را بالا برده است. این موضوع می‌تواند منجر به افزایش احتمال نکول اوراق قرضه شود و بانک‌ها را با چالش‌های جدی مواجه کند. در واقع، برخی از بانک‌ها ممکن است با مشکلات نقدینگی روبرو شوند زیرا مجبورند وام‌های بیشتری به دولتهای محلی اعطا کنند تا پروژه‌های زیرساختی را تأمین مالی کنند. این چرخه وابستگی به بدهی می‌تواند به یک بحران مالی منجر شود، مگر اینکه اقدامات اصلاحی و نظارتی مناسب برای مدیریت این بدهی‌ها و حفظ ثبات مالی اتخاذ شود. بنابراین، نیاز به اصلاحات ساختاری و تقویت نظارت بر عملکرد دولتهای محلی و سیستم بانکی احساس می‌شود تا از بروز مشکلات جدی جلوگیری شود.

۲. شرکت‌های دولتی و بدهی‌های آن‌ها:

شرکت‌های دولتی چین به شدت با بدهی‌های سنگینی روبرو هستند، به طوری که بدهی شرکت‌های بزرگی مانند شرکت ملی نفت چین (CNPC) و چین موبایل در سال‌های اخیر به حدود ۴۵ تریلیون یوان (حدود ۶,۲ تریلیون دلار) رسیده است. این بدهی‌ها عمدتاً برای تأمین مالی پروژه‌های بزرگ زیرساختی از طریق وام‌های بانکی و خطوط اعتباری استفاده شده است. در نتیجه، این وضعیت فشار زیادی بر سیستم بانکی چین وارد کرده است، زیرا بانک‌ها مجبور به ارائه وام‌های بیشتری به این شرکت‌ها شده‌اند تا پروژه‌های زیرساختی را تأمین مالی کنند. با توجه به اینکه بسیاری از این پروژه‌ها ممکن است بازده فوری نداشته باشند، ریسک نکول (عدم پرداخت) افزایش یافته و این امر می‌تواند به مشکلات جدی در سیستم بانکی منجر شود.

علاوه بر این، با کند شدن رشد اقتصادی و افزایش نرخ‌های بهره جهانی، توانایی شرکت‌ها برای بازپرداخت بدهی‌ها تحت فشار قرار گرفته است. طبق گزارشات، بسیاری از شرکت‌های دولتی برای پرداخت وام‌های قبلی خود مجبور به قرض گرفتن بیشتر شده‌اند که این امر یک چرخه وابستگی به بدهی را ایجاد کرده است. تحلیل‌گران پیش‌بینی می‌کنند که اگر این روند ادامه یابد، بانک‌ها با افزایش وام‌های معوق مواجه خواهند شد و احتمال نکول نیز بیشتر خواهد شد. بنابراین، نیاز به اصلاحات ساختاری و نظارت دقیق بر عملکرد بانک‌ها و شرکت‌های دولتی برای جلوگیری از بروز بحران مالی در چین احساس می‌شود. دولت چین ممکن است نیاز داشته باشد اقداماتی مانند

دستر چهارم: دوره رشد اقتصادی شتابان و ادغام با اقتصاد جهانی (از اوایل دهه ۲۰۰۰ به بعد)

بازسازی بدهی‌ها یا ارائه حمایت مالی مستقیم انجام دهد تا از بروز مشکلات جدی در سیستم بانکی جلوگیری کند.

۳. ریسک در بخش بانکی:

افزایش بدهی در میان دولت‌های محلی و شرکت‌های دولتی (SOEs) در چین نگرانی‌های قابل توجهی را در مورد ثبات سیستم مالی کشور ایجاد کرده است. این انباشت بدهی عمدتاً به دلیل نیاز به تأمین مالی پروژه‌های گسترده زیرساختی بوده است، به طوری که دولت‌های محلی و SOEs برای جمع‌آوری سرمایه، اوراق قرضه صادر کرده‌اند. به عنوان مثال، بانک‌های بزرگی مانند **بانک کشاورزی چین** و **بانک چین** در سال‌های اخیر با مشکلات نقدینگی و افزایش سطح وام‌های معوق مواجه شده‌اند. از آنجا که این بانک‌ها مجبور شده‌اند تا وام‌های بیشتری به دولت‌های محلی و شرکت‌ها برای تأمین مالی پروژه‌های زیرساختی ارائه دهند، خطر نکول (عدم پرداخت) افزایش یافته است، به ویژه در شرایطی که رشد اقتصادی کند شده و تولید درآمد برای این نهادها دشوارتر می‌شود. وابستگی به بدهی برای تأمین مالی زیرساخت‌ها وضعیت حساسی را ایجاد کرده که در آن نکول می‌تواند تبعات گسترده‌تری در بخش بانکی داشته باشد.

علاوه بر این، فشار بر بانک‌ها با افزایش نرخ‌های بهره جهانی تشدید می‌شود که هزینه‌های قرض‌گیری را بالا می‌برد و سلامت مالی وام‌گیرندگان را بیشتر تحت فشار قرار می‌دهد. بسیاری از دولت‌های محلی به شدت به فروش زمین و دیگر منابع درآمد ناپایدار وابسته هستند و توانایی آن‌ها برای بازپرداخت وام‌ها به طور فزاینده‌ای در معرض خطر قرار دارد. تحلیل‌گران تأکید کرده‌اند که بخش قابل توجهی از بدهی‌هایی که دولت‌های محلی ایجاد کرده‌اند، به پروژه‌هایی مربوط می‌شود که ممکن است بازده مالی فوری نداشته باشند، که منجر به چرخه‌ای از قرض‌گیری می‌شود که احتمال نکول را افزایش می‌دهد. در نتیجه، درخواست‌ها برای اصلاحات نظارتی و افزایش نظارت بر بخش بانکی برای کاهش این خطرات رو به افزایش است. دولت چین ممکن است نیاز داشته باشد اقداماتی مانند بازسازی بدهی‌ها یا ارائه حمایت مالی مستقیم انجام دهد تا از بروز بحران ناشی از نکول‌ها در سیستم بانکی جلوگیری کند و ثبات مالی را در میان این چالش‌ها حفظ کند.

۴. سیاست‌های پولی و نرخ بهره:

افزایش نرخ‌های بهره جهانی و فشارهای اقتصادی می‌تواند مشکلات بیشتری برای چین ایجاد کند. با بالا رفتن نرخ‌های بهره، بانک‌های چینی مجبور خواهند شد تا برای تأمین مالی خود وام‌هایی با نرخ‌های بالاتر دریافت کنند. این امر می‌تواند به افزایش هزینه‌های عملیاتی و کاهش حاشیه سود بانک‌ها منجر شود و در نتیجه، ثبات سیستم مالی را تهدید کند. به عنوان مثال، اگر بانک‌ها نتوانند هزینه‌های بالای قرض‌گیری را مدیریت کنند، ممکن است با مشکلات نقدینگی مواجه شوند و این وضعیت می‌تواند به افزایش وام‌های معوق و در نهایت به بحران مالی منجر شود. در سال‌های اخیر، برخی از بانک‌های کوچک‌تر در چین با مشکلات جدی نقدینگی روبرو شده‌اند که نشان‌دهنده آسیب‌پذیری سیستم بانکی در برابر تغییرات ناگهانی در شرایط اقتصادی است.

همچنین افزایش نرخ‌های بهره جهانی می‌تواند توانایی شرکت‌ها و دولت‌های محلی برای بازپرداخت بدهی‌ها را تحت فشار قرار دهد. بسیاری از شرکت‌ها و دولت‌های محلی چین به شدت به قرض‌گیری وابسته هستند و با

دفتر چهارم: دوره رشد اقتصادی شتابان و ادغام با اقتصاد جهانی (از اوایل دهه ۲۰۰۰ به بعد)

افزایش هزینه‌های قرض‌گیری، احتمال نکول بدهی‌ها افزایش می‌یابد. برای مثال، در سال ۲۰۲۰، دولت چین با بحران نکول یک شرکت دولتی بزرگ مواجه شد که منجر به نگرانی‌هایی در مورد ثبات مالی سایر نهادها شد. این وضعیت می‌تواند باعث شود که بانک‌ها برای تأمین مالی پروژه‌های زیرساختی بیشتر به دولت‌ها و شرکت‌ها وام دهند، که خود می‌تواند ریسک نکول را افزایش دهد. بنابراین، نیاز به اصلاحات ساختاری و نظارت دقیق بر عملکرد بانک‌ها و نهادهای دولتی احساس می‌شود تا از بروز بحران مالی جلوگیری شود.^{۴۵}

چالش‌های زیست‌محیطی

آلودگی هوا و آب: رشد سریع اقتصادی باعث افزایش آلودگی هوا، منابع آبی، و خاک شده است. این موضوع فشار زیادی بر منابع طبیعی و کیفیت زندگی مردم وارد کرده است.

رشد سریع اقتصادی چین در دهه‌های اخیر باعث افزایش چشمگیر آلودگی هوا، منابع آبی و خاک شده است. این رشد که عمدتاً به دلیل توسعه صنعتی و افزایش تولید در بخش‌های مختلف صورت گرفته، فشار زیادی بر محیط زیست و کیفیت زندگی مردم وارد کرده است.

۱. آلودگی هوا

آلودگی هوا در چین یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های زیست‌محیطی و بهداشتی این کشور است. بر اساس گزارش‌ها، در سال ۲۰۲۲، بیش از ۸۰ درصد از شهرهای چین، به ویژه در مناطق صنعتی مانند **شانگهای** و **پکن**، با سطوح آلودگی هوای خطرناک برای سلامت عمومی مواجه بودند. سطح $PM_{2.5}$ در بسیاری از این مناطق به ۵۰ میکروگرم در متر مکعب یا بیشتر رسید، در حالی که سازمان جهانی بهداشت (WHO) سطح توصیه‌شده را ۱۰ میکروگرم در متر مکعب تعیین کرده است. با وجود تلاش‌های دولت چین برای کاهش آلودگی هوا و بهبود کیفیت آن، هنوز هم بسیاری از شهرها با آلودگی شدید دست و پنجه نرم می‌کنند و این موضوع نگرانی‌های جدی برای سلامت عمومی ایجاد کرده است.

در سال‌های اخیر، چین اقداماتی را برای کاهش آلودگی هوا انجام داده و موفقیت‌هایی نیز کسب کرده است. به عنوان مثال، میانگین سطح $PM_{2.5}$ در ۳۳۹ شهر بزرگ چین در سال ۲۰۲۲ به ۲۹ میکروگرم در متر مکعب کاهش یافته است که نشان‌دهنده پیشرفت قابل توجهی در کیفیت هوا است. با این حال، هنوز هم آلودگی هوا به حدی بالا است که زندگی روزمره مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد و امید به زندگی را کاهش می‌دهد. طبق برآوردها، آلودگی ذرات معلق $PM_{2.5}$ به طور متوسط ۲٫۵ سال از امید به زندگی ساکنان چین می‌کاهد.

۴۵China's Evolving Financial System and Its Global Importance:

<https://www.rba.gov.au/publications/bulletin/2021/sep/pdf/chinas-evolving-financial-system-and-its-global-importance.pdf> & China's central bank advances interest rate reform, and other :

<https://www.weforum.org/stories/2024/08/china-interest-rates-us-economy-economics-news-30-august/> & China's financial liberalisation: interest rate deregulation or currency: <https://www.bruegel.org/blog-post/chinas-financial-liberalisation-interest-rate-deregulation-or-currency-flexibility-0>

دستر چهارم: دوره رشد اقتصادی شتابان و ادغام با اقتصاد جهانی (از اوایل دهه ۲۰۰۰ به بعد)

برای مشاهده سطح آلودگی در کشورهای مختلف و شهرها، به وبسایت Air Quality Life Index به آدرس <https://aqli.epic.uchicago.edu/country-spotlight/china/> مراجعه نمایید.

۲. آلودگی منابع آبی

رشد صنعتی و شهرنشینی در چین تأثیرات قابل توجهی بر آلودگی منابع آبی این کشور داشته است. بر اساس گزارش‌ها، بیش از ۶۰ درصد از آب‌های زیرزمینی و ۳۰ درصد از منابع آب سطحی چین به دلیل آلودگی ناشی از فلزات سنگین و مواد شیمیایی آلوده شده‌اند. این وضعیت به ویژه در مناطق صنعتی مانند **شاندونگ** و **هوبی** حاد است، جایی که استفاده غیرمجاز از مواد شیمیایی و تخلیه فاضلاب‌های صنعتی باعث کاهش کیفیت منابع آبی شده است. صنایع مختلف، به ویژه کارخانه‌های تولیدی، به طور مداوم فاضلاب‌های آلوده را به آب‌های سطحی و زیرزمینی تخلیه می‌کنند که این امر نه تنها به اکوسیستم‌های آبی آسیب می‌زند بلکه خطرات جدی برای سلامت عمومی ایجاد می‌کند.

همچنین رشد سریع جمعیت در مناطق شهری و افزایش تقاضا برای آب، فشار بیشتری بر منابع آبی موجود وارد کرده است. با توجه به اینکه سیستم‌های تصفیه فاضلاب در بسیاری از شهرهای چین قادر به پاسخگویی به نیازهای روزافزون جمعیت نیستند، کیفیت آب شرب در این مناطق به شدت تحت تأثیر قرار گرفته است. به عنوان مثال، تخمین زده می‌شود که حدود ۷۰۰ میلیون نفر در چین از آب آشامیدنی آلوده استفاده می‌کنند که این موضوع خطرات جدی برای سلامتی عمومی ایجاد می‌کند. بنابراین، نیاز به اقدامات فوری برای کنترل آلودگی آب و بهبود زیرساخت‌های تصفیه فاضلاب احساس می‌شود تا از بروز بحران‌های زیست‌محیطی و بهداشتی بیشتر جلوگیری شود.^{۴۵۱}

آلودگی خاک

آلودگی خاک نیز از دیگر مشکلات زیست‌محیطی چین است. حدود ۱۹ درصد از خاک چین تحت تأثیر آلودگی مواد شیمیایی و فلزات سنگین قرار دارد. در برخی مناطق، مانند **هنان** و **شانسی**،^{۴۵۲} خاک به دلیل استفاده

۴۵۱ - برای مشاهده اطلاعات بیشتر درباره تأثیرات رشد صنعتی و شهرنشینی بر آلودگی منابع آبی در کشورهای مختلف و شهرها، می‌توانید به وبسایت *Frontiers in Environmental Science* به آدرس زیر مراجعه کنید:

<https://www.frontiersin.org/journals/environmental-science/articles/10.3389/fenvs.2022.1071849/full>

۴۵۲ - استان‌های **هنان** و **شانسی** در چین به عنوان دو مرکز مهم کشاورزی، تولیدات قابل توجهی دارند. در ادامه به بررسی میزان تولید کشاورزی این دو استان و درصد آن از تولید کل چین می‌پردازیم:

تولید کشاورزی استان **هنان**

تولید گندم: **هنان** به عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده گندم در چین، حدود ۱۳۸ میلیون تن گندم در سال ۲۰۲۲ تولید کرده است. این استان تقریباً ۲۵٪ از کل تولید گندم کشور را تأمین می‌کند.

تولید ذرت: **هنان** همچنین یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان ذرت در چین است، با تولیدی نزدیک به ۴۰ میلیون تن در سال ۲۰۲۲.

تولید برنج: این استان حدود ۱۵ میلیون تن برنج نیز تولید می‌کند.

تولید کشاورزی استان **شانسی**

تولید گندم: **شانسی** نیز سهم قابل توجهی از تولید گندم را دارد و حدود ۳۰ میلیون تن گندم در سال ۲۰۲۲ تولید کرده است.

تولید ذرت: این استان همچنین در کشت ذرت فعال است و حدود ۲۰ میلیون تن ذرت تولید می‌کند.

دستر چهارم: دوره رشد اقتصادی شتابان و ادغام با اقتصاد جهانی (از اوایل دهه ۲۰۰۰ به بعد)

بی‌رویه از کودهای شیمیایی و آفت‌کش‌ها آلوده شده است. این وضعیت منجر به کاهش کیفیت محصولات کشاورزی و تهدید سلامت عمومی مردم شده است.

۳. اقدامات دولت

دولت چین در سال‌های اخیر اقداماتی برای کاهش آلودگی‌ها انجام داده است، مانند بسته‌های حمایتی برای ارتقای فناوری‌های سبز و سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر. به‌عنوان مثال، چین در سال ۲۰۲۳ بیش از ۲۳ میلیارد دلار برای پروژه‌های مرتبط با انرژی پاک و کاهش آلودگی هوا سرمایه‌گذاری کرده است. همچنین، برنامه‌های کنترل آلودگی در بسیاری از شهرهای بزرگ چین اجرا شده است، اما هنوز چالش‌های جدی در این زمینه وجود دارد.

گذار به انرژی سبز: اگرچه چین پیشرو در انرژی‌های تجدیدپذیر است، اما همچنان به مصرف زغال‌سنگ وابستگی زیادی دارد

چین با وجود پیشرفت‌های چشمگیر در زمینه انرژی‌های تجدیدپذیر، هنوز به مصرف زغال‌سنگ وابستگی زیادی دارد. این موضوع در حالی است که چین بزرگ‌ترین تولیدکننده و مصرف‌کننده انرژی‌های تجدیدپذیر جهان است. در ادامه، به برخی از جزئیات این وضعیت پرداخته شده است:

۱. رشد انرژی‌های تجدیدپذیر:

چین در سال‌های اخیر سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی در انرژی‌های تجدیدپذیر انجام داده است. تا سال ۲۰۲۴، چین بیش از ۲۱۰ گیگاوات ظرفیت جدید انرژی تجدیدپذیر نصب کرده است که شامل ۱۶۱ گیگاوات انرژی خورشیدی و ۳۹,۱۲ گیگاوات انرژی بادی می‌شود. این افزایش قابل توجه در ظرفیت نشان‌دهنده تعهد چین به توسعه پایدار و کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی است. با توجه به این رشد، چین اکنون بیش از ۳۷ درصد از کل ظرفیت انرژی تجدیدپذیر جهان را به خود اختصاص داده است، که نشان‌دهنده پیشتازی این کشور در عرصه انرژی‌های پاک است.

علاوه بر این، طبق گزارش‌ها، ظرفیت تولید انرژی تجدیدپذیر چین تا پایان سه‌ماهه سوم ۲۰۲۴ به ۱,۷۳ ترابایت رسیده که نسبت به سال گذشته ۲۵ درصد افزایش یافته است. این رشد در تولید انرژی تجدیدپذیر نه

تولید سورگوم و سیب‌زمینی: شانشی به عنوان یکی از تولیدکنندگان سورگوم و سیب‌زمینی نیز شناخته می‌شود.

درصد تولید کل چین

به طور کلی، هنان و شانشی به همراه دیگر استان‌ها، بخش عمده‌ای از تولیدات کشاورزی چین را تشکیل می‌دهند. برای مثال:

هنان به تنهایی حدود ۲۵٪ از کل تولید گندم و درصد قابل توجهی از ذرت و برنج کشور را تأمین می‌کند.

شانشی نیز سهم مهمی در تولید گندم و ذرت دارد، اما درصد دقیق آن نسبت به کل کشور ممکن است کمتر از هنان باشد.

استان‌های هنان و شانشی با تأمین مقادیر بالای گندم، ذرت و سایر محصولات کشاورزی، نقش حیاتی در امنیت غذایی چین ایفا می‌کنند. این دو استان با بهره‌برداری از فناوری‌های نوین و روش‌های کشاورزی پیشرفته، تلاش دارند تا بهره‌وری خود را افزایش دهند و پاسخگوی نیازهای روزافزون جمعیت چین باشند.

دفتر چهارم: دوره رشد اقتصادی شتابان و ادغام با اقتصاد جهانی (از اوایل دهه ۲۰۰۰ به بعد)

تنها به کاهش آلودگی کمک می‌کند بلکه نقش مهمی در تحقق اهداف کاهش کربن چین ایفا می‌کند. با توجه به برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده، انتظار می‌رود که چین تا پایان سال ۲۰۲۴ به هدف خود در نصب ۱,۲۰۰ گیگاوات ظرفیت انرژی خورشیدی و بادی دست یابد، که شش سال زودتر از موعد تعیین‌شده قبلی خواهد بود.^{۴۵۳}

۲. وابستگی به زغال‌سنگ:

چین همچنان به شدت به زغال‌سنگ برای تأمین انرژی خود وابسته است. پیش‌بینی می‌شود که تا سال ۲۰۲۴، بیش از ۵۸,۷ درصد از تولید برق این کشور از سوخت‌های فسیلی، به ویژه زغال‌سنگ تأمین شود. این رقم نشان‌دهنده کاهش کمی نسبت به سال‌های گذشته است، اما همچنان اکثریت انرژی چین از منابع آلاینده تأمین می‌شود. در مقایسه با ۶۱,۶ درصد در سال ۲۰۲۳، سهم زغال‌سنگ در تولید برق کاهش یافته است، اما هنوز هم به عنوان منبع اصلی انرژی در چین باقی مانده و چالش‌های جدی در زمینه آلودگی و تغییرات اقلیمی ایجاد می‌کند.

با وجود تلاش‌های چین برای افزایش سهم انرژی‌های تجدیدپذیر، وابستگی به زغال‌سنگ همچنان یک مشکل بزرگ باقی مانده است. در حالی که ظرفیت تولید انرژی‌های تجدیدپذیر به سرعت در حال افزایش است، زغال‌سنگ هنوز هم بخش عمده‌ای از ترکیب انرژی کشور را تشکیل می‌دهد. این وضعیت نیازمند اقداماتی جدی برای کاهش وابستگی به زغال‌سنگ و افزایش استفاده از منابع پاک‌تر است تا چین بتواند به اهداف خود در زمینه کاهش کربن و بهبود کیفیت هوا دست یابد.^{۴۵۴}

۳. آلودگی و چالش‌ها:

مصرف زغال‌سنگ همچنان باعث آلودگی شدید هوا در بسیاری از نقاط چین می‌شود. به عنوان مثال، پکن و مناطق صنعتی شاندونگ و هوئی همچنان با مشکلات جدی آلودگی هوا مواجه هستند. در سال ۲۰۲۴،

۴۵۳ - برای مشاهده اطلاعات بیشتر درباره رشد انرژی‌های تجدیدپذیر و وضعیت آن در کشورهای مختلف، می‌توانید به وبسایت زیر مراجعه کنید.

<https://www.iea.org/reports/renewables-2024/electricity>

برای مشاهده اطلاعات درباره وضعیت انرژی و وابستگی چین به زغال‌سنگ و سایر منابع، می‌توانید به وبسایت زیر مراجعه کنید :

<https://www.carbonbrief.org/analysis-chinas-clean-energy-pushes-coal-to-record-low-53-share-of-power-in-may-2024>

۴۵۴ - در سال ۲۰۲۳، تولید کل انرژی چین، به‌ویژه در زمینه تولید برق، به حدود ۹,۲۲ تریلیون کیلووات‌ساعت (kWh) رسید. این رقم نشان‌دهنده افزایش ۶,۷٪ نسبت به سال گذشته است. در ادامه، به تجزیه و تحلیل اجزای اصلی این تولید انرژی می‌پردازیم: رشد مصرف برق تحت تأثیر بخش‌های مختلف قرار گرفته است: ۱. صنعت اولیه: افزایش ۱۱,۵٪ به ۱۲۷,۸ میلیارد kWh. ۲. صنعت ثانویه: افزایش ۶,۵٪ به ۶,۰۷ تریلیون kWh. ۳. صنعت ثالث: افزایش ۱۲,۲٪ به ۱,۶۷ تریلیون kWh.

منابع اصلی تولید انرژی در چین به ترتیب عبارتند از: زغال سنگ ۵۹٪، برق آبی ۱۵٪، نیروی باد ۱۰٪، انرژی خورشیدی ۷٪، انرژی هسته ای ۵٪، گاز طبیعی ۳٪، نفت و مشتقات نفت ۳٪.

تولید انرژی در ایران در سال ۲۰۲۲ حدود ۳۰۰ میلیارد کیلو وات ساعت kWh برق تولید کرده است. که از این میزان گاز طبیعی حدود ۸۶٪ تشکیل می‌دهد تولید برق چین تقریباً ۳۰,۷ برابر بیشتر از ایران است.

دستر چهارم: دوره رشد اقتصادی شتابان و ادغام با اقتصاد جهانی (از اوایل دهه ۲۰۰۰ به بعد)

پیش‌بینی می‌شود که مصرف زغال‌سنگ در چین به حدود ۴,۹ میلیارد تن برسد که نشان‌دهنده افزایش تقاضا و ادامه وابستگی به این منبع آلاینده است. این رقم نسبت به سال ۲۰۲۳ که مصرف زغال‌سنگ حدود ۴,۸۸ میلیارد تن بود، افزایش یافته است و این موضوع نگرانی‌های جدی برای کیفیت هوا و سلامت عمومی ایجاد می‌کند.

با وجود تلاش‌ها برای کاهش مصرف زغال‌سنگ و افزایش استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر، آلودگی ناشی از زغال‌سنگ همچنان یک چالش بزرگ باقی مانده است. در حالی که ظرفیت تولید انرژی‌های تجدیدپذیر در حال افزایش است، زغال‌سنگ هنوز هم منبع اصلی تولید برق در چین به شمار می‌رود و این امر به ادامه آلودگی هوا کمک می‌کند. بنابراین، نیاز به اقدامات جدی برای کنترل مصرف زغال‌سنگ و بهبود کیفیت هوا احساس می‌شود تا از بروز بحران‌های زیست‌محیطی و بهداشتی بیشتر جلوگیری شود.^{۴۵۵}

۴. تلاش‌ها برای کاهش وابستگی به زغال‌سنگ:

چین در تلاش است تا سهم انرژی‌های تجدیدپذیر را در ترکیب انرژی خود افزایش دهد و وابستگی به سوخت‌های فسیلی را کاهش دهد. بر اساس برنامه‌های جدید، هدف چین این است که تا سال ۲۰۳۰، سهم انرژی‌های تجدیدپذیر به ۵۰ درصد برسد و مصرف زغال‌سنگ به ۴۰ درصد کاهش یابد. این اهداف بخشی از استراتژی گسترده‌تر چین برای رسیدن به کربن خنثی تا سال ۲۰۶۰ و کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای است. در این راستا، چین در حال حاضر پیشرفت‌های قابل توجهی در نصب ظرفیت انرژی‌های تجدیدپذیر داشته و انتظار می‌رود که تا سال ۲۰۲۵، ظرفیت مجموع انرژی‌های تجدیدپذیر به ۱,۲۰۰ گیگاوات برسد، که این هدف شش سال زودتر از موعد تعیین‌شده قبلی محقق خواهد شد.

علاوه بر این، چین به دنبال افزایش بهره‌وری از منابع انرژی تجدیدپذیر خود از طریق بهبود زیرساخت‌ها و ادغام بخش‌های مختلف اقتصادی است. با توجه به برنامه جدیدی که در اکتبر ۲۰۲۴ معرفی شد، هدف این است که مصرف سالانه انرژی‌های تجدیدپذیر تا ۵ میلیارد تن معادل زغال‌سنگ استاندارد تا سال ۲۰۳۰ افزایش یابد. این تغییرات نه تنها به کاهش وابستگی به زغال‌سنگ کمک می‌کند بلکه فرصت‌های قابل توجهی برای سرمایه‌گذاری در فناوری‌های سبز و نوآوری‌های صنعتی ایجاد می‌کند. با ادامه این روند، چین می‌تواند به یکی از پیشگامان جهانی در زمینه انرژی‌های پاک تبدیل شود و نقش مهمی در مبارزه با تغییرات اقلیمی ایفا کند.^{۴۵۶}

۴۵۵ - برای مشاهده اطلاعات بیشتر درباره وضعیت آلودگی هوا و مصرف زغال‌سنگ در کشورهای مختلف، می‌توانید به وبسایت زیر مراجعه کنید: International Energy Agency - Coal 2024

<https://iea.blob.core.windows.net/assets/a1ee7b70-d49-000b17-b17-080d14ccc8360/Coal2024.pdf>

۴۵۶ - برای مشاهده اطلاعات بیشتر درباره برنامه‌ها و اهداف چین در زمینه انرژی‌های تجدیدپذیر، می‌توانید به وبسایت زیر مراجعه کنید. <https://www.iea.org/countries/china>

نتیجه گیری:

آلودگی هوا، آب و خاک در چین به عنوان چالش‌های جدی زیست‌محیطی و بهداشتی شناخته می‌شوند. در سال ۲۰۲۲، بیش از ۸۰ درصد از شهرهای چین، به ویژه در مناطق صنعتی مانند شانگهای و پکن، با سطوح خطرناک آلودگی هوا مواجه بودند. سطح PM2.5 در این مناطق به بیش از ۵۰ میکروگرم در متر مکعب رسید، در حالی که سازمان جهانی بهداشت (WHO) سطح توصیه‌شده را ۱۰ میکروگرم تعیین کرده است. با وجود تلاش‌های دولت برای کاهش آلودگی، بسیاری از شهرها هنوز با مشکلات جدی مواجه هستند که منجر به کاهش امید به زندگی تا ۲,۵ سال برای ساکنان چین شده است. همچنین، آلودگی منابع آبی و خاک نیز ناشی از رشد صنعتی و استفاده بی‌رویه از مواد شیمیایی، تهدیدی جدی برای سلامت عمومی و کیفیت محصولات کشاورزی محسوب می‌شود.

دولت چین اقداماتی برای کاهش آلودگی‌ها انجام داده است، از جمله سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر و ارتقای فناوری‌های سبز. با این حال، وابستگی شدید به زغال‌سنگ همچنان یکی از بزرگ‌ترین چالش‌هاست، زیرا پیش‌بینی می‌شود که تا سال ۲۰۲۴، بیش از ۵۸,۷ درصد از تولید برق این کشور از سوخت‌های فسیلی تأمین شود. بنابراین، نیاز به اقدامات فوری برای کنترل آلودگی‌ها و بهبود زیرساخت‌ها احساس می‌شود تا از بروز بحران‌های زیست‌محیطی و بهداشتی بیشتر جلوگیری شود.

کاهش نیروی کار

پیری جمعیت:

سیاست یک‌فرزندی چین که از سال ۱۹۷۹ به منظور کنترل رشد سریع جمعیت این کشور اجرا شد، تأثیرات عمیقی بر ساختار جمعیتی چین گذاشت. این سیاست عمدتاً خانواده‌ها را به داشتن تنها یک فرزند محدود می‌کرد، اگرچه برای خانواده‌های روستایی، اقلیت‌های قومی و خانواده‌هایی که فرزند اولشان دختر بود، استثنائاتی وجود داشت. این سیاست از طریق مشوق‌های مالی، جریمه‌ها و در برخی موارد اقدامات قهری مانند سقط جنین اجباری اجرا می‌شد. هدف اصلی این سیاست کاهش رشد جمعیت و کاهش فشارهای اجتماعی و اقتصادی بود. تا زمانی که این سیاست به‌طور رسمی در سال ۲۰۱۶ لغو شد، تخمین زده می‌شد که حدود ۴۰۰ میلیون تولد به دلیل این سیاست جلوگیری شده است که به‌طور قابل توجهی چشم‌انداز جمعیتی چین را تغییر داد.

تأثیرات بلندمدت سیاست یک‌فرزندی بسیار عمیق و چندوجهی بوده است. یکی از مهم‌ترین پیامدهای آن، پیر شدن سریع جمعیت چین است که پیش‌بینی می‌شود منجر به بحران جمعیتی شود. با کاهش نیروی کار به دلیل ورود کمتر جوانان به بازار کار، بار فشار بر سیستم‌های تأمین اجتماعی به شدت افزایش می‌یابد. تا سال ۲۰۵۰، پیش‌بینی می‌شود که بیش از یک‌چهارم جمعیت چین بالای ۶۵ سال سن خواهد داشت که سناریوی چالش‌برانگیزی را ایجاد می‌کند؛ جایی که یک جمعیت کمتری از افراد در سن کار باید از تعداد بیشتری بازنشسته حمایت کنند. این تغییرات جمعیتی خطرات جدی برای رشد و ثبات اقتصادی ایجاد می‌کند.

دفتر چهارم: دوره رشد اقتصادی شتابان و ادغام با اقتصاد جهانی (از اوایل دهه ۲۰۰۰ به بعد)

علاوه بر این، سیاست یک‌فرزندگی به عدم تعادل جنسیتی در جمعیت نیز دامن زده است. تمایل سنتی به داشتن فرزندان پسر منجر به اقداماتی مانند سقط جنین انتخابی بر اساس جنسیت و رها کردن دختران نوزاد شده است که نسبت جنسیتی را به شدت مختل کرده و پیامدهای اجتماعی طولانی‌مدتی دارد. ترکیب پیر شدن جمعیت و عدم تعادل جنسیتی تلاش‌های چین برای دستیابی به رشد اقتصادی پایدار و حفظ ثبات اجتماعی را پیچیده‌تر می‌کند. در حالی که چین با این چالش‌ها دست و پنجه نرم می‌کند، میراث سیاست یک‌فرزندگی همچنان بر چشم‌انداز جمعیتی و اقتصادی این کشور تأثیرگذار است.

۱. پیر شدن جمعیت:

در پایان سال ۲۰۲۴، جمعیت چین حدود ۱,۴ میلیارد نفر ثبت گردیده است. از این تعداد، تقریباً ۲۹۷ میلیون نفر (حدود ۲۱,۱ درصد) بالای ۶۰ سال سن دارند. پیش‌بینی می‌شود که این رقم تا سال ۲۰۳۰ به ۲۵ درصد از جمعیت کل کشور برسد، که نشان‌دهنده افزایش قابل توجهی در جمعیت سالمندان است. این تغییرات جمعیتی چالش‌های جدی برای سیستم‌های اجتماعی و اقتصادی چین ایجاد می‌کند و نیاز به برنامه‌ریزی‌های استراتژیک برای مدیریت این وضعیت را ضروری می‌سازد.

۲. کاهش نیروی کار فعال:

از جمعیت ۱,۴ میلیارد نفری حدود ۱,۱ میلیارد نفر از جمعیت چین در سن کار (بین ۱۵ تا ۶۴ سال) بودند، اما این تعداد به‌طور مداوم در حال کاهش است. پیش‌بینی می‌شود که تا سال ۲۰۵۰، نیروی کار فعال چین به حدود ۳۰۰ میلیون نفر کاهش یابد. این کاهش در نیروی کار می‌تواند منجر به کمبود کارگران ماهر و افزایش هزینه‌های تولید شود.

رده سنی	کل جمعیت	
	مردان	زنان
	میلیون نفر	
زیر ۱۵ سال	۱۲/۴	۱۲
۱۵ تا ۶۰ سال	۵۴۸	۵۲۵
۶۰ سال و بالاتر	۱۲۰	۱۳۵

۳. فشار بر سیستم تأمین اجتماعی:

افزایش جمعیت سالمند در چین فشار زیادی بر سیستم‌های تأمین اجتماعی و بهداشت و درمان وارد کرده است. هزینه‌های مراقبت از سالمندان در چین در حال افزایش است و تا سال ۲۰۴۰، پیش‌بینی می‌شود که هزینه‌های بازنشستگی در این کشور حدود ۱۵ درصد از تولید ناخالص داخلی (GDP) را تشکیل دهد. همچنین، طبق گزارش‌ها، در سال ۲۰۲۱، بیش از ۲۵۰ میلیون نفر از شهروندان چین نیازمند خدمات مراقبتی برای سالمندان بودند.

۴. تغییرات سیاست‌ها:

برای مقابله با این بحران، چین سیاست تک‌فرزندی خود را در سال ۲۰۱۵ لغو کرد و اجازه داد که خانواده‌ها دو فرزند داشته باشند. اما به علت سال‌ها محدودیت‌ها و تغییرات فرهنگی، این تغییرات نتایج فوری نداشته است و نرخ تولد در چین همچنان پایین باقی‌مانده است. در سال ۲۰۲۲، نرخ تولد در چین به کمتر از ۷ نفر به ازای هر ۱۰۰۰ نفر رسید در سال ۲۰۲۴، نرخ زاد و ولد در چین پیش‌بینی می‌شود که ۶,۳۹ زایمان به ازای هر ۱۰,۰۰۰ نفر باشد. این رقم نشان‌دهنده ادامه کاهش نرخ زاد و ولد است که از سال ۲۰۱۶ به طور پیوسته در حال کاهش بوده است. تعداد کل زاد و ولدها در چین در سال ۲۰۲۴ حدود ۹,۰۲ میلیون تخمین زده می‌شود که پایین‌ترین رقم سالانه از زمان آغاز ثبت آمار در سال ۱۹۴۹ (در سال ۱۹۴۹، نرخ زاد و ولد در چین حدود ۳۶ زایمان به ازای هر ۱,۰۰۰ نفر بود) محسوب می‌شود. تا سال ۲۰۳۰، انتظار می‌رود که نرخ زاد و ولد همچنان پایین بماند که این موضوع به چالش‌های جمعیتی ادامه‌دار کمک می‌کند، زیرا جمعیت به سرعت در حال پیر شدن است. ترکیب کاهش نرخ زاد و ولد و افزایش جمعیت سالمندان نگرانی‌های جدی برای سیستم‌های تأمین اجتماعی و ثبات اقتصادی چین ایجاد می‌کند و نیاز به مداخلات مؤثر سیاسی برای مدیریت این مسائل را ضروری می‌سازد.

این تغییرات جمعیتی و کاهش نیروی کار فعال چالش‌های زیادی برای چین در جهت حفظ رشد اقتصادی پایدار و ایجاد یک سیستم تأمین اجتماعی پایدار ایجاد کرده است.

افزایش هزینه‌های اجتماعی

افزایش سالمندی جمعیت در چین موجب افزایش چشمگیر هزینه‌های اجتماعی، به ویژه در زمینه بهداشت و بازنشستگی شده است. این موضوع فشار زیادی به دولت و سیستم‌های تأمین اجتماعی وارد می‌کند و به عنوان یکی از چالش‌های عمده اقتصادی چین شناخته می‌شود.

۱. افزایش هزینه‌های بهداشتی:

با توجه به رشد جمعیت سالمند، هزینه‌های بهداشتی در چین در حال افزایش است. پیش‌بینی می‌شود که تا سال ۲۰۳۰، هزینه‌های بهداشتی چین به حدود ۱۲ درصد از تولید ناخالص داخلی (GDP) این کشور برسد. در حال حاضر، چین به طور متوسط بیش از ۱ تریلیون یوان (حدود ۱۴۰ میلیارد دلار) در هر سال برای مراقبت از سالمندان هزینه می‌کند. این هزینه‌ها به دلیل افزایش بیماری‌های مزمن و نیاز به درمان‌های طولانی‌مدت برای سالمندان به شدت افزایش یافته است.

۲. کاهش نیروی کار و افزایش نیاز به خدمات اجتماعی:

کاهش نیروی کار فعال به دلیل پیری جمعیت، باعث افزایش تقاضا برای خدمات اجتماعی مانند مراقبت از سالمندان و خدمات پزشکی شده است. طبق گزارش‌ها، در سال ۲۰۲۲، بیش از ۲۵۰ میلیون نفر از شهروندان

دستر چهارم: دوره رشد اقتصادی شتابان و ادغام با اقتصاد جهانی (از اوایل دهه ۲۰۰۰ به بعد)

چین به خدمات مراقبتی برای سالمندان نیاز داشتند. این رقم تا سال ۲۰۵۰ به بیش از ۴۰۰ میلیون نفر افزایش خواهد یافت که فشار زیادی به دولت وارد می‌کند.

۳. تلاش‌های دولت برای مدیریت هزینه‌ها:

دولت چین در حال انجام اصلاحات برای مقابله با این چالش‌ها است. این اصلاحات شامل ارتقای سیستم بهداشت و درمان، بهبود خدمات بازنشستگی، و تلاش برای افزایش نرخ تولد از طریق تشویق به خانواده‌های بیشتر است. با این حال، به دلیل تغییرات فرهنگی و اجتماعی، نتایج این سیاست‌ها به‌طور فوری نمایان نخواهد شد. این افزایش هزینه‌ها به ویژه در زمینه مراقبت‌های بهداشتی و بازنشستگی چالشی جدی برای چین در آینده نزدیک خواهد بود.

وابستگی به صادرات

حساسیت به تقاضای جهانی

وابستگی شدید چین به صادرات باعث می‌شود که این کشور به تغییرات در بازارهای جهانی و تقاضای بین‌المللی حساس باشد. چین یکی از بزرگ‌ترین صادرکنندگان کالا در جهان است و این امر تأثیر زیادی بر رشد اقتصادی این کشور دارد. در ادامه، برخی از جنبه‌های این حساسیت توضیح داده شده است:

۱. وابستگی به صادرات:

در سال ۲۰۲۴، صادرات چین به بیش از ۳,۴۷ تریلیون دلار رسید که تقریباً ۱۴,۵ درصد از کل صادرات جهانی را تشکیل می‌دهد. این آمار نشان‌دهنده ادامه قدرت چین به عنوان یکی از بزرگ‌ترین صادرکنندگان جهان است و رشد ۷,۱ درصدی در مقایسه با سال گذشته را نشان می‌دهد. با توجه به این روند، چین همچنان در صدر کشورهای صادرکننده کالا قرار دارد و تأثیر قابل توجهی بر تجارت جهانی دارد. این نشان‌دهنده وابستگی شدید اقتصاد چین به تقاضای جهانی است. هر گونه تغییر در تقاضای جهانی می‌تواند تأثیرات مستقیم و گسترده‌ای بر اقتصاد چین داشته باشد.

۲. تأثیر جنگ‌های تجاری و تعرفه‌ها:

در سال ۲۰۱۹، جنگ تجاری میان ایالات متحده و چین باعث شد که ایالات متحده تعرفه‌هایی به ارزش ۳۷۰ میلیارد دلار بر کالاهای چینی اعمال کند. این تعرفه‌ها تأثیر قابل توجهی بر صادرات چین داشتند. طبق گزارش‌ها، صادرات چین به ایالات متحده در سال ۲۰۱۹ به دلیل این تعرفه‌ها حدود ۱۶ درصد کاهش یافت. این کاهش عمده‌تاً در کالاهایی مانند الکترونیک، پوشاک، و ماشین‌آلات صنعتی مشاهده شد.

در طول جنگ تجاری با ایالات متحده، چین با چالش‌های قابل توجهی مواجه شد، زیرا تعرفه‌هایی بر روی طیف وسیعی از صادرات این کشور اعمال شد. برای کاهش تأثیر این تعرفه‌ها که منجر به کاهش قابل توجهی در صادرات به ایالات متحده شد، چین به طور استراتژیک تجارت خود را به بازارهای دیگر هدایت کرد. این شامل افزایش صادرات به کشورهای آسیایی بود که تقاضا برای کالاهای چینی در آنجا همچنان قوی بود. با بهره‌گیری از روابط

دستر چهارم: دوره رشد اقتصادی شتابان و ادغام با اقتصاد جهانی (از اوایل دهه ۲۰۰۰ به بعد)

تجاری موجود و تقویت مشارکتهای منطقه‌ای، چین توانست بخشی از خسارات ناشی از کاهش دسترسی به بازار ایالات متحده را جبران کند. کشورهایی مانند ویتنام، ژاپن و کره جنوبی به مقاصد کلیدی برای محصولات چینی تبدیل شدند و این امر به چین کمک کرد تا سطح صادرات خود را با وجود تعرفه‌ها حفظ کند.

علاوه بر تمرکز بر بازارهای آسیایی، چین همچنین تلاش کرد تا حضور خود را در کشورهای اروپایی و آفریقایی گسترش دهد. با تنوع بخشی به مقاصد صادراتی خود، چین هدف داشت تا وابستگی خود به بازار ایالات متحده را کاهش دهد و از پایگاه‌های مصرفی جدید بهره‌برداری کند. این شامل افزایش ارسال کالاهای سنتی و همچنین ترویج محصولات با ارزش بالاتر مانند الکترونیک و ماشین‌آلات بود که در این مناطق مورد تقاضا بودند. دولت چین از این تلاش‌ها از طریق توافقات تجاری و ابتکاراتی که به تقویت همکاری با بازارهای خارجی کمک می‌کردند، حمایت کرد و این تغییر استراتژی صادرات را تسهیل نمود.

در مجموع، در حالی که جنگ تجاری با ایالات متحده چالش‌های قابل توجهی برای اقتصاد چین ایجاد کرد، توانایی کشور در هدایت صادرات خود به سمت بازارهای دیگر کمک کرد تا برخی از اثرات منفی کاهش یابد. با این حال، این تغییر همچنین نیاز چین به ادامه تنوع بخشی به روابط تجاری و سرمایه‌گذاری در بازارهای جدید را برای اطمینان از رشد اقتصادی پایدار در مواجهه با عدم قطعیت‌های جهانی نشان می‌دهد. این تغییرات نشان‌دهنده حساسیت بالای چین به تغییرات در سیاست‌های تجاری و تعرفه‌ها است.

۳. تأثیر بحران‌های جهانی بر تقاضا:

بحران‌های جهانی مانند پاندمی COVID-19 و تغییرات در زنجیره‌های تأمین جهانی تأثیر عمیقی بر صادرات چین گذاشت. در اوایل سال ۲۰۲۰، صادرات چین با کاهش شدیدی در تقاضا مواجه شد، زیرا بسیاری از کشورها به دلیل قفل کردن‌های گسترده و کاهش اقتصادی، فعالیت‌های خود را متوقف کردند. اقدامات سخت‌گیرانه‌ای که برای کنترل ویروس اجرا شد، منجر به اختلالات قابل توجهی در تولید و لجستیک شد و تأخیرها و کمبودهایی را در زنجیره تأمین ایجاد کرد. گزارش‌ها نشان می‌دهند که صادرات چین در این دوره به شدت کاهش یافت و بخش‌هایی که به بازارهای بین‌المللی وابسته بودند، مانند الکترونیک، پوشاک و ماشین‌آلات صنعتی، بیشترین آسیب را دیدند.

با این حال، هنگامی که کشورهای مختلف در اواسط سال ۲۰۲۰ شروع به بازگشایی اقتصادهای خود کردند، تقاضا برای کالاهای چینی به طور قابل توجهی افزایش یافت. چین توانست از قابلیت‌های تولیدی خود و بهبودی نسبی سریع‌تر از پاندمی نسبت به سایر کشورها بهره‌برداری کند. تا میانه سال ۲۰۲۰، صادرات نه تنها به حالت قبل از پاندمی بازگشت بلکه در برخی دسته‌ها نیز از آن پیشی گرفت. این رونق با تغییرات در زنجیره‌های تأمین جهانی همراه بود، جایی که شرکت‌ها تلاش کردند منابع تولید خود را متنوع کنند و وابستگی به بازارهای واحد را کاهش دهند. بنابراین، چین به گزینه‌ای جذاب برای بسیاری از کشورها تبدیل شد که به دنبال تثبیت زنجیره‌های تأمین خود بودند.

دستر چهارم: دوره رشد اقتصادی شتابان و ادغام با اقتصاد جهانی (از اوایل دهه ۲۰۰۰ به بعد)

با وجود این بازگشت، بحران‌های جهانی همچنان نوساناتی در تقاضا و چالش‌هایی در زنجیره‌های تأمین ایجاد کرد. عواملی مانند تنش‌های ژئوپولیتیکی، فشارهای تورمی و اختلالات بیشتر ناشی از انواع جدید COVID-19 به عدم قطعیت در بازارهای جهانی دامن زدند. در نتیجه، هرچند چین توانست برخی از صادرات خود را مجدداً هدایت کند و روابط تجاری قوی با کشورهای مختلف حفظ کند، اما نوسانات کلی تقاضای جهانی چالش‌های مستمری برای اقتصاد صادراتی آن ایجاد کرد. این وضعیت نیاز به انطباق‌پذیری در استراتژی‌های تجاری چین را برای مدیریت پیچیدگی‌های یک چشم‌انداز جهانی به سرعت در حال تغییر نشان می‌دهد.^{۴۵۷}

۴. تأثیر تغییرات اقتصادی در کشورهای مهم مصرف‌کننده:

تغییرات اقتصادی در کشورهای مصرف‌کننده اصلی کالاهای چینی تأثیر قابل توجهی بر صادرات چین دارد. به‌ویژه، رکود اقتصادی در ایالات متحده یا اتحادیه اروپا می‌تواند منجر به کاهش تقاضا برای کالاهای چینی شود. در سال ۲۰۲۲، تقاضا برای کالاهای چینی در بازارهای اروپایی به دلیل رکود اقتصادی و کاهش قدرت خرید مصرف‌کنندگان کاهش یافت. این روند منجر به افت صادرات چین به این بازارها شد و به‌طور مستقیم بر روند رشد اقتصادی چین تأثیر گذاشت.

چین با توجه به وابستگی بالای خود به بازارهای خارجی، به سرعت تلاش کرد تا تأثیرات منفی این رکود را کاهش دهد. یکی از راهکارهای کلیدی چین در این زمینه، تنوع‌بخشی به بازارهای صادراتی خود بود. با افزایش صادرات به کشورهای آسیایی، آفریقایی و آمریکای لاتین، چین توانست بخشی از خسارات ناشی از کاهش تقاضا در بازارهای غربی را جبران کند. این استراتژی شامل تقویت روابط تجاری با کشورهای جدید و افزایش سهم کالاهای چینی در این بازارها بود.

با این حال، نوسانات اقتصادی در کشورهای مصرف‌کننده اصلی همچنان چالش‌های جدی برای چین ایجاد می‌کند. اگرچه چین توانسته است برخی از کاهش‌ها را با تمرکز بر بازارهای جدید جبران کند، اما عدم قطعیت‌های جهانی و نوسانات در تقاضا می‌تواند بر رشد اقتصادی این کشور تأثیر منفی بگذارد. بنابراین، چین نیاز دارد تا استراتژی‌های تجاری خود را برای رویارویی با تغییرات جهانی و حفظ رشد پایدار ادامه دهد.^{۴۵۸}

۵. تنوع بازارها:

چین با وجود وابستگی به صادرات، تلاش می‌کند تا بازارهای صادراتی خود را تنوع بخشد. این کشور به‌ویژه در تلاش است تا سهم بیشتری از بازارهای نوظهور در آفریقا، جنوب آسیا و آمریکای لاتین را به دست آورد. این تلاش‌ها شامل افزایش سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، تقویت روابط تجاری و ارائه کمک‌های اقتصادی به این

^{۴۵۷}The Impact of COVID-19 on Chinese trade and productio:

<https://pmc.ncbi.nlm.nih.gov/articles/PMC10023200/> & The 2020 trade impact of the Covid-19 pandemic - CEPR: <https://cepr.org/voxeu/columns/2020-trade-impact-covid-19-pandemic>

^{۴۵۸}EU-China Relations: Trade, Investment, and Recent : <https://www.china-briefing.com/news/eu-china-relations-trade-investment-and-recent-developments/> &

China-EU - international trade in goods statistics: https://ec.europa.eu/eurostat/statistics-explained/index.php?title=China-EU_-_international_trade_in_goods_statistics

دفتر چهارم: دوره رشد اقتصادی شتابان و ادغام با اقتصاد جهانی (از اوایل دهه ۲۰۰۰ به بعد)

کشورها است. با این حال، این بازارها نمی‌توانند به‌طور کامل جایگزین بازارهای بزرگ و مصرف‌کننده‌ای مانند ایالات متحده و اروپا شوند که همچنان بخش عمده‌ای از صادرات چین را تشکیل می‌دهند. بازارهای نوظهور به دلیل رشد سریع اقتصادی و تقاضای فزاینده برای کالاهای چینی، فرصت‌های جدیدی برای صادرات چین فراهم می‌کنند. با این حال، این بازارها معمولاً نسبت به بازارهای توسعه‌یافته مانند ایالات متحده و اروپا کوچک‌تر هستند و قدرت خرید کمتری دارند. بنابراین، هرچند چین می‌تواند بخشی از صادرات خود را به سمت این بازارها هدایت کند، اما نمی‌تواند به‌طور کامل از وابستگی خود به بازارهای بزرگ بکاهد. همچنین، نوسانات اقتصادی و سیاسی در این کشورها نیز می‌تواند تأثیرات منفی بر تقاضا برای کالاهای چینی داشته باشد. در نهایت، تلاش‌های چین برای تنوع‌بخشی به بازارهای صادراتی خود باید با واقعیت‌های اقتصادی جهانی همگام باشد. در حالی که چین می‌تواند از فرصت‌های موجود در بازارهای نوظهور بهره‌برداری کند، اما همچنان نیازمند حفظ روابط قوی با بازارهای بزرگ مصرف‌کننده است تا بتواند رشد اقتصادی پایدار خود را ادامه دهد. این وضعیت نشان می‌دهد که چین باید استراتژی‌های تجاری خود را به‌گونه‌ای تنظیم کند که همزمان با گسترش بازارهای جدید، از وابستگی به بازارهای سنتی نیز کاسته نشود.^{۴۵۹}

تنوع‌بخشی به بازارها

چین تلاش کرده تا بازارهای صادراتی خود را گسترش دهد و به کشورهای در حال توسعه توجه بیشتری کند. چین به‌منظور کاهش وابستگی خود به بازارهای بزرگ و پیشرفته مانند ایالات متحده و اتحادیه اروپا، به‌طور مداوم تلاش کرده تا بازارهای صادراتی خود را تنوع بخشد و به کشورهای در حال توسعه توجه بیشتری کند. این تلاش‌ها با هدف مقابله با چالش‌های ناشی از جنگ تجاری و نوسانات بازار جهانی انجام می‌شود. در ادامه به برخی از این اقدامات و نتایج آن‌ها اشاره شده است:

۱. افزایش صادرات به کشورهای آسیایی:

در سال ۲۰۲۴، صادرات چین به کشورهای جنوب‌شرقی آسیا پیش‌بینی می‌شود که به حدود ۵۲۳٫۷ میلیارد دلار برسد. این رقم نشان‌دهنده اهمیت رو به افزایش اتحادیه کشورهای جنوب‌شرقی آسیا (ASEAN) به عنوان یک بازار کلیدی برای کالاهای چینی است، به‌ویژه در حالی که چین تلاش می‌کند روابط تجاری خود را در این منطقه تحت ابتکار "یک کمربند، یک راه (BRI)" تقویت کند. هدف BRI افزایش اتصال و همکاری اقتصادی بین چین و کشورهای مختلف، از جمله کشورهای جنوب‌شرقی آسیا است. در ابتدای اجرای ابتکار "یک کمربند، یک راه" در سال ۲۰۱۳، صادرات چین به کشورهای عضو ASEAN به‌طور قابل توجهی کمتر بود. در آن زمان، سهم صادرات چین به ASEAN حدود ۶٫۹ درصد بود. از آن زمان، این درصد

^{۴۵۹} Export Diversification in China - A Study of How Different Sectors:

<https://lup.lub.lu.se/luur/download?func=downloadFile&recordId=1337090&fileId=1646226> & A Diversification Framework for China - Rhodium Group: <https://rhg.com/research/a-diversification-framework-for-china/>

دستر چهارم: دوره رشد اقتصادی شتابان و ادغام با اقتصاد جهانی (از اوایل دهه ۲۰۰۰ به بعد)

به طور چشمگیری افزایش یافته است زیرا چین بر روی گسترش روابط تجاری با کشورهای جنوب شرقی آسیا تمرکز کرده و منجر به افزایش قابل توجهی در ارزش صادرات در سال های اخیر شده است. تمرکز استراتژیک بر روی جنوب شرقی آسیا بخشی از تلاش های گسترده تر چین برای تنوع بخشی به بازارهای صادراتی و کاهش وابستگی به بازارهای سنتی مانند ایالات متحده و اروپا است. با تقویت روابط تجاری با کشورهای این منطقه، چین هدف دارد فرصت های جدیدی برای رشد ایجاد کند و اقتصاد صادراتی خود را در برابر عدم قطعیت های جهانی تثبیت نماید.

۲. رشد در بازارهای آفریقا:

چین به طور قابل توجهی در تلاش است تا سهم خود را از بازارهای آفریقا افزایش دهد، به ویژه در بخش های زیرساخت و انرژی. این کشور به عنوان بزرگ ترین شریک تجاری آفریقا، در سال ۲۰۲۲، صادرات خود به این قاره را به حدود ۲۰۰ میلیارد دلار رساند. این رشد چشمگیر عمدتاً ناشی از سرمایه گذاری های استراتژیک چین و پروژه های توسعه ای در سراسر آفریقا است که هدف آن ها بهبود ارتباطات و تسهیل تجارت از طریق ابتکاراتی مانند «ابتکار کمربند و جاده» می باشد.

پیش بینی ها نشان می دهد که صادرات چین به آفریقا ممکن است در پایان سال ۲۰۲۴ به فراتر از ۲۲۰ میلیارد دلار برسد. این برآورد بر اساس روند فعلی رشد تجارت و سرمایه گذاری های مداوم در پروژه های زیرساختی در سرتاسر قاره است. دولت چین ابراز تمایل کرده است که روابط اقتصادی خود را با کشورهای آفریقایی تقویت کند، که این امر در نشست های اخیر مانند «فروم همکاری چین-آفریقا»^{۴۶} (FOCAC) مورد تأکید قرار گرفته است.

۴۶ - فروم همکاری چین-آفریقا (FOCAC) به عنوان یک پلتفرم کلیدی برای تقویت روابط دیپلماتیک و اقتصادی بین چین و کشورهای آفریقایی عمل می کند. این فروم در سال ۲۰۰۰ تأسیس شد و به یک مکانیزم چندجانبه مهم تبدیل شده است که مشاوره های جمعی و همکاری های عملی را در زمینه های مختلف تسهیل می کند. این فروم هر سه سال یک بار برگزار می شود و بین چین و آفریقا جابه جا می شود. آخرین اجلاس، FOCAC 9، در سپتامبر ۲۰۲۴ در پکن برگزار شد که در آن رهبران ۵۳ کشور آفریقایی گرد هم آمدند و بر تعهد چین به تقویت شراکت ها بر اساس منافع مشترک و اهداف توسعه ای تأکید کردند. در این اجلاس، رئیس جمهور شی جین پینگ تأکید کرد که روابط چین و آفریقا در اوج خود در تاریخ ۷۰ ساله اش قرار دارد، با وجود چالش هایی که اقتصاد داخلی چین با آن مواجه است. در اجلاس FOCAC 9، دو توافق مهم به تصویب رسید: اعلامیه پکن و برنامه اقدام پکن (۲۰۲۷-۲۰۲۵). اعلامیه پکن بر اهمیت همکاری های جنوب-جنوب تأکید می کند و FOCAC را به عنوان مدلی برای توسعه مشترک میان کشورهای در حال توسعه معرفی می کند. این چارچوب با دینامیک های سنتی کمک های بین المللی که معمولاً شامل روابط اهداکننده-گیرنده است، تفاوت دارد. توافقات هدف دارند تا تجارت، سرمایه گذاری و توسعه زیرساخت ها را تقویت کنند و همزمان همبستگی سیاسی را میان کشورهای جنوب جهانی ترویج دهند. علاوه بر این، چین وعده های مالی قابل توجهی برای حمایت از توسعه آفریقا داده است، از جمله وعده واردات کالا به ارزش ۳۰۰ میلیارد دلار از آفریقا بین سال های ۲۰۲۲ تا ۲۰۲۴.

نتایج FOCAC نشان دهنده منافع استراتژیک چین در آفریقا در میان رقابت های ژئوپلیتیکی جهانی، به ویژه با ایالات متحده است. این فروم به چین اجازه می دهد تا حمایت سیاسی از کشورهای آفریقایی را در مسائل حیاتی مانند اصل "چین واحد" تأمین کند و دیدگاه خود را برای اصلاح حکمرانی جهانی ترویج دهد. با این حال، چالش هایی در زمینه اجرای تعهدات مطرح شده در این اجلاس ها وجود دارد. منتقدان بر این باورند که هرچند FOCAC بر همکاری و منافع مشترک تأکید دارد، اما غالباً در چارچوبی عمل می کند که به نفع منافع چینی هاست. برای

دستر چهارم: دوره رشد اقتصادی شتابان و ادغام با اقتصاد جهانی (از اوایل دهه ۲۰۰۰ به بعد)

این نشست‌ها برنامه‌هایی برای افزایش همکاری در زمینه تجارت و سرمایه‌گذاری را مورد بحث قرار داده‌اند که هدف آن‌ها ایجاد ترتیبات انعطاف‌پذیرتر برای منافع مشترک دو طرف است. علاوه بر رشد تجارت، سرمایه‌گذاری‌های چین در آفریقا انتظار می‌رود فرصت‌های اقتصادی قابل توجهی را در این منطقه ایجاد کند. با توسعه زیرساخت‌هایی مانند جاده‌ها، راه‌آهن‌ها و تأسیسات انرژی، چین نه تنها دسترسی به بازارهای خود را بهبود می‌بخشد بلکه به توسعه اقتصادی محلی و ایجاد شغل نیز کمک می‌کند. با تنوع و رشد اقتصادهای آفریقایی، تقاضا برای کالاها و خدمات چینی احتمالاً افزایش خواهد یافت که این امر موقعیت چین را به عنوان یک بازیگر کلیدی در بازارهای آفریقا تقویت می‌کند. به طور کلی، چشم‌انداز تجارت چین و آفریقا در سال ۲۰۲۴ امیدوارکننده به نظر می‌رسد و انتظار می‌رود که این روند گسترش با منافع مشترک در توسعه اقتصادی و همکاری ادامه یابد.^{۴۶}

۳. سرمایه‌گذاری در بازارهای آمریکای لاتین:

چین از اوایل دهه ۲۰۰۰ توجه ویژه‌ای به کشورهای آمریکای لاتین معطوف کرده و در این راستا صادرات خود به این کشورها به طور قابل توجهی افزایش یافته است. قبل از اجرای ابتکار کمربند و جاده در سال ۲۰۱۳، صادرات چین به آمریکای لاتین عمدتاً شامل کالاهای تولیدی و الکترونیکی بود. در سال ۲۰۱۲، صادرات چین به این منطقه به حدود ۱۳۰٫۹ میلیارد دلار رسید و این رقم در مقایسه با سال‌های گذشته نشان‌دهنده رشد قابل توجهی بود. با این حال، صادرات کشورهای آمریکای لاتین به چین به دلیل نوسانات قیمت کالاهای اساسی و وابستگی به چند کالای خاص مانند مس، آهن و سویا، با چالش‌هایی مواجه بود. در این دوره، سهم چین از کل صادرات آمریکای لاتین از ۳٫۳ درصد در سال ۲۰۰۲ به ۹٫۱ درصد در سال ۲۰۱۲ افزایش یافت. با آغاز اجرای ابتکار کمربند و جاده، روابط تجاری بین چین و کشورهای آمریکای لاتین به طور چشمگیری گسترش یافت. تا سال ۲۰۲۴، پیش‌بینی می‌شود که صادرات چین به این منطقه به بیش از ۳۰۰ میلیارد دلار برسد. این افزایش عمدتاً ناشی از سرمایه‌گذاری‌های چین در پروژه‌های زیرساختی و انرژی در کشورهای آمریکای لاتین است که به تقویت تجارت دوجانبه کمک کرده است. همچنین، چین با تمرکز بر تأمین نیازهای انرژی و مواد اولیه کشورهای آمریکای لاتین، توانسته است روابط اقتصادی خود را تقویت کند و به یکی از بزرگ‌ترین شرکای تجاری این کشورها تبدیل شود.

رسیدگی به این نگرانی‌ها، خواستار افزایش شفافیت و مکانیزم‌های پاسخگویی هستند تا اطمینان حاصل شود که وعده‌ها به منافع ملموس برای کشورهای آفریقایی تبدیل شود.

China Exports to Africa - Trading Economics: <https://tradingeconomics.com/china/exports-to-africa>
& Overview on the China-Africa Trade Relationship:
<https://www.scirp.org/journal/paperinformation?paperid=94000> & What FOCAC 2024 Reveals About the Future of China-Africa Relations: <https://carnegieendowment.org/research/2024/11/what-focac-2024-reveals-about-the-future-of-china-africa-relations>

دستر چهارم: دوره رشد اقتصادی شتابان و ادغام با اقتصاد جهانی (از اوایل دهه ۲۰۰۰ به بعد)

در سال‌های اخیر، صادرات کشورهای آمریکای لاتین به چین نیز تغییراتی را تجربه کرده است. تا سال ۲۰۲۰، بیش از ۷۰ درصد از کل صادرات این کشورها به چین شامل کالاهای اساسی مانند مواد معدنی و محصولات کشاورزی بود. با افزایش تقاضا برای این کالاها در چین، ارزش صادرات آمریکای لاتین نیز افزایش یافته است. اما همچنان چالش‌هایی مانند نوسانات قیمت جهانی کالاها و وابستگی به چند کالای خاص وجود دارد که می‌تواند بر پایداری این روابط تأثیر بگذارد. بنابراین، انتظار می‌رود که با ادامه سرمایه‌گذاری‌های چین و توسعه زیرساخت‌ها در آمریکای لاتین، روابط تجاری بین دو طرف همچنان گسترش یابد و منافع متقابل بیشتری ایجاد شود.

۴. شراکت تجاری با کشورهای خاورمیانه:

چین در سال‌های اخیر توجه ویژه‌ای به کشورهای خاورمیانه داشته و صادرات خود به این منطقه به‌طور قابل توجهی افزایش یافته است. از سال ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۲، صادرات کالاهای چینی به خاورمیانه به طور کلی سریع‌تر از صادرات کل چین رشد کرده است. در سال ۲۰۲۳، چین حدود ۱۳۸ میلیارد دلار کالا به کشورهای شورای همکاری خلیج فارس^{۴۲} (GCC) و همچنین ایران و اسرائیل صادر کرد. این صادرات شامل کالاهای تولیدی، تجهیزات حمل و نقل و ماشین‌آلات می‌شود که بین ۸۶٫۵ تا ۸۹٫۶ درصد از کل صادرات چین به این منطقه را تشکیل می‌دهد.

در سال ۲۰۲۴، پیش‌بینی می‌شود که صادرات چین به خاورمیانه همچنان افزایش یابد و به حدود ۱۵۰ میلیارد دلار برسد. این افزایش عمدتاً ناشی از تقاضای بالای کشورهای خاورمیانه برای کالاهای چینی است که شامل تجهیزات الکترونیکی، ماشین‌آلات و محصولات صنعتی می‌شود. چین همچنین به‌عنوان یک تأمین‌کننده اصلی برای پروژه‌های زیرساختی در کشورهای خاورمیانه شناخته شده است و این امر به تقویت روابط تجاری دو طرف کمک کرده است. با توجه به وابستگی اقتصادی چین به منابع انرژی خاورمیانه، این روابط تجاری نه تنها بر اساس کالاهای مصرفی بلکه بر مبنای تأمین انرژی نیز شکل گرفته است.

علاوه بر کالاهای صنعتی و تولیدی، صادرات نظامی چین به خاورمیانه نیز در سال‌های اخیر افزایش یافته است. بین سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۳، فروش تسلیحات چینی به این منطقه با رشد ۸۰ درصد مواجه شده است که نشان‌دهنده اهمیت فزاینده چین در زمینه همکاری‌های امنیتی با کشورهای خاورمیانه است. عربستان سعودی، قطر و امارات متحده عربی از جمله مشتریان اصلی تسلیحات چینی هستند. این روند نشان‌دهنده تلاش چین برای

۴۲ - شورای همکاری خلیج فارس (The Gulf Cooperation Council-GCC) یک اتحادیه سیاسی و اقتصادی منطقه‌ای است که در سال ۱۹۸۱ با هدف تقویت همکاری‌های اقتصادی، امنیتی و فرهنگی میان شش کشور عربی خلیج فارس شامل بحرین، کویت، عمان، قطر، عربستان سعودی و امارات متحده عربی تأسیس شد. مقر این شورا در ریاض، عربستان سعودی قرار دارد و ساختار آن شامل شورای عالی (متشکل از سران کشورهای عضو)، شورای وزارتی (متشکل از وزرای امور خارجه) و دبیرخانه عمومی است که مسئول اجرای تصمیمات و هماهنگی فعالیت‌ها است. با وجود اهداف مشترک، GCC با چالش‌هایی در حفظ همبستگی میان اعضای خود مواجه است. تنش‌ها به‌ویژه بین عربستان سعودی و امارات متحده عربی به دلیل سیاست‌های متفاوت و رقابت‌های منطقه‌ای افزایش یافته است. این اختلافات مانع از تحقق برخی ابتکارات مانند ایجاد اتحادیه پولی شده و دینامیک‌های ژئوپولیتیکی نیز کارایی شورا را در مواجهه با نگرانی‌های امنیتی و اقتصادی تحت تأثیر قرار داده است.

دفتر چهارم: دوره رشد اقتصادی شتابان و ادغام با اقتصاد جهانی (از اوایل دهه ۲۰۰۰ به بعد)

گسترش نفوذ خود در خاورمیانه و تأمین نیازهای امنیتی این کشورها است. با توجه به تحولات جاری در منطقه و نیازهای اقتصادی و امنیتی متقابل، انتظار می‌رود که روابط تجاری و سیاسی بین چین و کشورهای خاورمیانه همچنان گسترش یابد.

۵. ایجاد منطقه آزاد تجاری با اتحادیه اقتصادی اوراسیا:

استراتژی چین برای گسترش روابط تجاری خود از طریق تأسیس منطقه‌های آزاد تجاری (FTZ) و همکاری اقتصادی با اتحادیه اقتصادی اوراسیا (EAEU)، نشان‌دهنده یک رویکرد حساب‌شده برای تنوع‌بخشی به بازارهای صادراتی این کشور است. با ایجاد منطقه‌های آزاد تجاری، چین به دنبال تسهیل رویه‌های تجاری، کاهش موانع و افزایش کارایی است تا سرمایه‌گذاری خارجی را جذب کرده و تجارت بین‌المللی را تسهیل کند. اولین منطقه آزاد تجاری در شانگهای در سال ۲۰۱۳ راه‌اندازی شد و به عنوان یک آزمایشگاه برای سیاست‌های نوآورانه که به ترویج لیبرال‌سازی اقتصادی کمک می‌کند، عمل کرد. از آن زمان، تعداد منطقه‌های آزاد تجاری به طور قابل توجهی افزایش یافته و مناطقی مانند گوانگدونگ و تیانجین نیز به مراکز تجارت و سرمایه‌گذاری تبدیل شده‌اند. این مناطق نه تنها به تقویت مزیت رقابتی چین کمک می‌کنند بلکه به ادغام عمیق‌تر در زنجیره‌های تأمین جهانی، به ویژه با کشورهای در حال توسعه که بخشی از EAEU هستند، کمک می‌کنند.

تأسیس منطقه‌های آزاد تجاری با اهداف اقتصادی گسترده‌تر چین، از جمله ابتکار یک کمربند، یک جاده (BRI) همخوانی دارد که به دنبال افزایش ارتباطات و همکاری‌ها در سراسر آسیا و فراتر از آن است. از طریق این مناطق، چین توانسته است با آزمایش چارچوب‌های نظارتی مختلف، دسترسی آسان‌تری به بازارهای خود برای کسب‌وکارهای خارجی فراهم کند. این شامل اقداماتی مانند معافیت‌های موقتی تعرفه‌ای و رفتار ترجیحی برای برخی کالاها است که هدف آن ایجاد یک محیط کسب‌وکار مطلوب است. با تقویت این روابط، چین وابستگی خود به بازارهای سنتی را کاهش داده و خطرات ناشی از نوسانات اقتصادی جهانی را کاهش می‌دهد. اهمیت استراتژیک این ابتکارات با نقش آن‌ها در حمایت از رشد اقتصادی پایدار در شرایط چالش‌برانگیز جهانی بیشتر نمایان می‌شود. علاوه بر این، تمرکز چین بر گسترش روابط تجاری با کشورهای در حال توسعه از طریق منطقه‌های آزاد تجاری و مشارکت‌ها در اتحادیه اقتصادی اوراسیا نشان‌دهنده تغییر رویکرد این کشور به سمت یک استراتژی اقتصادی متنوع‌تر است. این رویکرد نه تنها به چین کمک می‌کند تا بازارهای جدیدی برای صادرات خود تأمین کند، بلکه نفوذ ژئوپولیتیکی آن را در منطقه نیز تقویت می‌کند. با تعامل با کشورهای عضو EAEU، چین می‌تواند به پایگاه‌های مصرف جدید دست یابد و همزمان ادغام و همکاری منطقه‌ای را ترویج کند. این سیاست چندوجهی توانایی چین را در مواجهه با شرایط نامساعد اقتصادی جهانی تقویت کرده و تنوع بیشتری از شرکای تجاری را تضمین می‌کند و آسیب‌پذیری آن را نسبت به نوسانات بازار در هر منطقه خاص کاهش می‌دهد.^{۴۳}

۴۴ China Releases New Measures to Further Open-Up its Free Trade Zones: <https://www.china-briefing.com/news/china-releases-new-measures-to-further-open-up-six-ftzs-ftps/> & China Free Trade Zones: All You Need To Know | Tetra Consultants: <https://www.tetraconsultants.com/jurisdictions/register-company-in-china/china-free-trade-zones/> &

تحریم‌ها و رقابت ژئوپلیتیکی

تحریم‌های فناوری:

تحریم‌های فناوری که علیه چین اعمال شده‌اند، به‌ویژه در زمینه‌های نیمه‌هادی‌ها و تجهیزات **GS**، چالش‌های قابل توجهی را برای پیشرفت فناوری این کشور به وجود آورده‌اند. این تحریم‌ها که عمدتاً توسط ایالات متحده و برخی از متحدان آن وضع شده‌اند، هدفشان محدود کردن دسترسی چین به فناوری‌های حیاتی است که برای کاربردهای غیرنظامی و نظامی ضروری هستند. وزارت بازرگانی ایالات متحده فهرست "نهادها" را گسترش داده است که شامل بسیاری از شرکت‌های فناوری چینی فعال در تولید نیمه‌هادی و بخش‌های مرتبط می‌شود. این فهرست به‌طور مؤثر صادرات فناوری و قطعات پیشرفته به این شرکت‌ها را بدون دریافت مجوزهای ویژه ممنوع می‌کند و در نتیجه توانایی چین برای توسعه صنایع پیشرفته خود را محدود می‌کند.

تأثیر این تحریم‌ها چندوجهی است و نه تنها بر شرکت‌های بزرگ مانند هواوی تأثیر می‌گذارد، بلکه اکوسیستم نیمه‌هادی در چین را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. با هدف قرار دادن تأمین‌کنندگان و تولیدکنندگان کلیدی در زنجیره تأمین نیمه‌هادی، این محدودیت‌ها تلاش‌های چین برای دستیابی به خودکفایی فناوری را مختل می‌کنند. به‌عنوان مثال، اقدامات اخیر شامل ممنوعیت صادرات چیپ‌های حافظه با پهنای باند بالا و سایر اجزای ضروری برای کاربردهای محاسبات پیشرفته و هوش مصنوعی است. در نتیجه، آرزوهای چین برای پیشرو شدن در فناوری نیمه‌هادی به شدت تحت تأثیر قرار گرفته و این کشور مجبور است به ظرفیت‌های تولید داخلی کمتر پیشرفته تکیه کند و در عین حال تلاش کند تا با رهبران جهانی رقابت کند.

همچنین این تحریم‌های فناوری بخشی از یک **استراتژی ژئوپولیتیکی**^{۴۴} گسترده‌تر توسط ایالات متحده برای حفظ برتری فناوری و امنیت ملی خود با اعمال **قوانین و مقرراتی**^{۴۵} هستند. دلیل پشت این محدودیت‌ها ناشی

China launches three more free trade zones_Coastal Info :

https://shangwuju.tj.gov.cn/en/CoastalInfo/202005/t20200520_2506495.html

۴۴ - استراتژی ژئوپولیتیکی ایالات متحده برای حفظ برتری فناوری و امنیت ملی شامل یک رویکرد چندوجهی است که هدف آن مقابله با نفوذ فزاینده چین و سایر رقبای جهانی است. این استراتژی شامل اجرای سیاست‌های کنترل صادرات بر روی فناوری‌های حساس و جلوگیری از دستیابی دشمنان به قابلیت‌هایی است که می‌تواند منافع امنیتی آمریکا را تهدید کند. با محدود کردن دسترسی به نیمه‌هادی‌های پیشرفته و سایر فناوری‌های دوگانه، ایالات متحده تلاش می‌کند توانایی‌های نظامی و فناوری چین را محدود کند و در عین حال برتری خود را در زمینه نوآوری‌های فناوری حفظ کند.

علاوه بر این، ایالات متحده به تقویت اتحادها و شراکت‌های خود با دیگر کشورها پرداخته و تلاش می‌کند جبهه‌ای متحد در برابر نفوذ فناوری چین ایجاد کند. این شامل ترویج همکاری‌های تحقیق و توسعه، اشتراک‌گذاری بهترین شیوه‌ها و ایجاد استانداردهای مشترک برای فناوری‌های نوظهور است. همچنین، ایالات متحده با اجرای ابتکاراتی مانند **قانون CHIPS و علم**، به دنبال سرمایه‌گذاری در تولید داخلی نیمه‌هادی‌ها و کاهش وابستگی به زنجیره تأمین خارجی است. این اقدامات به تقویت تاب‌آوری اقتصادی و حفظ برتری استراتژیک ایالات متحده در رقابت جهانی فناوری کمک می‌کند.

۴۵ - **قانون CHIPS and Science Act** که در تاریخ ۹ اوت ۲۰۲۲ به امضای رئیس‌جمهور جو بایدن رسید، با هدف تقویت تولید نیمه‌هادی‌ها و تسریع تحقیقات و توسعه فناوری‌های پیشرفته طراحی شده است. این قانون شامل سرمایه‌گذاری کل **۲۸۰ میلیارد دلار** می‌باشد که از این

دستر چهارم: دوره رشد اقتصادی شتابان و ادغام با اقتصاد جهانی (از اوایل دهه ۲۰۰۰ به بعد)

از نگرانی‌هایی است که ممکن است فناوری‌های پیشرفته چینی توانایی‌های نظامی را تقویت کند یا به شیوه‌هایی استفاده شود که تهدیدی برای ثبات منطقه‌ای و حقوق بشر باشد. ایالات متحده تلاش دارد تا از دستیابی چین به وسایل لازم برای تولید مستقل نیمه‌هادی‌های پیشرفته جلوگیری کند که می‌تواند از تلاش‌های مدرن‌سازی نظامی حمایت کند. بنابراین، چین با دو چالش مواجه است: عبور از یک چشم‌انداز بین‌المللی پیچیده که با محدودیت‌های فناوری مشخص شده و همزمان تلاش برای نوآوری و خودکفایی در بخش‌های کلیدی فناوری^{۴۶۷}.

۱. تحریم‌های نیمه‌هادی‌ها:

یکی از مهم‌ترین بخش‌های فناوری که تحت تأثیر تحریم‌ها قرار گرفته است، صنعت نیمه‌هادی است. در سال‌های اخیر، ایالات متحده محدودیت‌های شدیدی بر صادرات فناوری‌های پیشرفته نیمه‌هادی به چین اعمال کرده است. به عنوان مثال، شرکت‌های آمریکایی مانند TSMC (شرکت تایوانی نیمه‌هادی که در پاورقی توسعه فناوری‌های صنعتی به معرفی آن پرداختیم) و Intel تحت فشار قرار گرفته‌اند تا از ارسال تجهیزات پیشرفته برای تولید نیمه‌هادی‌ها به چین خودداری کنند. این تحریم‌ها باعث ایجاد مشکلات جدی برای چین در تولید نیمه‌هادی‌های پیشرفته برای استفاده در فناوری‌هایی مانند گوشی‌های هوشمند، کامپیوترها و حتی تجهیزات نظامی شده است. در سال ۲۰۲۲، پیش‌بینی می‌شد که چین برای کاهش وابستگی به واردات نیمه‌هادی‌ها، باید سالانه حدود ۳۰ میلیارد دلار در تحقیق و توسعه فناوری‌های نیمه‌هادی سرمایه‌گذاری کند. با این حال، تحریم‌ها این تلاش‌ها را پیچیده‌تر کرده و رشد صنعت نیمه‌هادی چین را کند کرده است.^{۴۶۷}

مبلغ، ۵۲٫۷ میلیارد دلار به تولید نیمه‌هادی‌ها و تحقیق و توسعه اختصاص یافته است. همچنین، این قانون شامل یارانه‌هایی برای تشویق تولیدکنندگان به ساخت کارخانه‌های جدید در ایالات متحده و اعتبار مالیاتی برای تولیدکنندگان است. هدف اصلی این قانون افزایش ظرفیت تولید داخلی و ایجاد فرصت‌های شغلی باکیفیت در حوزه فناوری است. این قانون همچنین به دنبال افزایش تنوع در نیروی کار STEM و حمایت از مؤسسات آموزشی تاریخی سیاه‌پوستان (HBCUs) است. با توجه به کاهش سهم ایالات متحده از تولید جهانی نیمه‌هادی‌ها، CHIPS and Science Act تلاش دارد تا این روند را معکوس کرده و آمریکا را به عنوان یک رهبر جهانی در زمینه فناوری‌های پیشرفته مستحکم کند. علاوه بر این، این قانون به افزایش همکاری‌های بین‌المللی در زمینه امنیت زنجیره تأمین فناوری کمک خواهد کرد و به مقابله با چالش‌های ناشی از رقابت‌های جهانی می‌پردازد. برای اطلاعات بیشتر می‌توانید به آدرس ذیل مراجعه نمایید:

<https://www.whitehouse.gov/briefing-room/statements-releases/2022/08/09/fact-sheet-chips-and-science-act-will-lower-costs-create-jobs-strengthen-supply-chains-and-counter-china/>

US expands list of Chinese technology companies under export : <https://apnews.com/article/china-us-technology-chips-sanctions-bis-8f8ab1ab49b5bb57e5a290a3937fa939> & China's chip industry faces new US sanctions amid rising tech tensions: https://www.business-standard.com/world-news/china-s-chip-industry-faces-new-us-sanctions-amid-rising-tech-tensions-124112800632_1.html

۴۶۷ - یکی از موادی که در تولید گوشی‌های موبایل به کار برده می‌شود کولتان (Coltan) است، یک ماده معدنی است که از آن عناصر نیوبیم و تانتالوم استخراج می‌شوند. در کولتان، سنگ معدن غالب نیوبیم، کولمبیت (Columbite) و سنگ معدن غالب تانتالوم، تانتالیت (Tantalite) نامیده می‌شود. تانتالوم استخراج شده از کولتان عمدتاً برای ساخت خازن‌های تانتالوم استفاده می‌شود که اجزای ضروری در گوشی‌های موبایل، کامپیوترهای شخصی، الکترونیک خودرو و دوربین‌ها هستند.

کولتان به طور عمده در جمهوری دموکراتیک کنگو (DRC) یافت می‌شود که حدود ۸۰٪ از ذخایر جهانی کولتان را در اختیار دارد. منابع مهم دیگر شامل استرالیا غربی، کانادا، برزیل، چین، اتیوپی و موزامبیک است.

۲. محدودیت‌ها بر تجهیزات G۵:

یکی دیگر از حوزه‌هایی که تحت تأثیر تحریم‌ها قرار گرفته، **تجهیزات شبکه G۵** است. چین، به‌ویژه از طریق شرکت **هواوی**، پیشرو در توسعه و پیاده‌سازی فناوری G۵ در سطح جهانی بوده است. قبل از اعمال تحریم‌های ایالات متحده بر روی چیپ‌ها و نرم‌افزارها، هواوی یکی از بازیگران اصلی در بازارهای جهانی ارتباطات و گوشی‌های هوشمند بود و از دسترسی به فناوری‌ها و اجزای پیشرفته بهره‌مند می‌شد. در سال ۲۰۱۹، درآمد هواوی به حدود **۱۲۳ میلیارد دلار** رسید و فروش‌های قابل توجهی به‌ویژه در بخش گوشی‌های هوشمند داشت که سهم بازار قابل توجهی هم در چین و هم در سطح بین‌المللی را به خود اختصاص داده بود. اما پس از اعمال تحریم‌ها که از سال ۲۰۱۹ آغاز شد و در سال‌های بعد تشدید گردید، هواوی با محدودیت‌های شدیدی مواجه شد که توانایی آن را برای تأمین نیمه‌هادی‌ها و نرم‌افزارهای حیاتی از تأمین‌کنندگان آمریکایی محدود کرد. این امر منجر به کاهش قابل توجهی در فروش و حضور بازار این شرکت، به ویژه در بخش گوشی‌های هوشمند شد، جایی که هواوی نتوانست با رقبایی مانند اپل و سامسونگ رقابت کند. این محدودیت‌ها به شدت بر توانایی این شرکت برای ادامه توسعه و تولید تجهیزات G۵ تأثیر گذاشت.

طبق گزارش‌ها، شرکت هواوی در سال ۲۰۲۱ شاهد کاهش فروش گوشی‌های هوشمند خود به میزان **۴۰ درصد** نسبت به سال‌های قبل بود و بازارهای جهانی G۵ که چین در آن‌ها پیشرو بود، تحت فشار قرار گرفت. این کاهش در رقابت‌های بین‌المللی G۵ نیز اثرات منفی بر توسعه شبکه‌های G۵ در چین داشت.

پس از اجرای تحریم‌ها، هواوی با انبار کردن چیپ‌ها قبل از تحریم‌ها و تغییر تمرکز به سمت قابلیت‌های تولید داخلی سازگار شد. با وجود این چالش‌ها، این شرکت موفق شد سهم بازار گوشی‌های هوشمند خود را در چین از ۹،۳ درصد به ۱۵،۵ درصد در سال ۲۰۲۳ افزایش دهد که نشان‌دهنده احیای این برند با حمایت از سیستم عامل هارمونی و محصولات نوآورانه‌اش بود. پیش‌بینی می‌شود که حجم فروش هواوی در سال ۲۰۲۴ همچنان بهبود یابد و برآوردها نشان می‌دهد که این شرکت به درآمدی حدود ۷۰ میلیارد دلار دست خواهد یافت، که ناشی از تقاضای قوی برای الکترونیک مصرفی و دستگاه‌های هوشمند آن است. علاوه بر این، سودهای هواوی نیز نشانه‌هایی

کولتان از جمهوری دموکراتیک کنگو (DRC) عمدتاً به رواندا و اوگاندا صادر می‌شود که به عنوان نقاط کلیدی برای توزیع بین‌المللی آن عمل می‌کنند. رواندا به طور خاص صادرکننده مهمی از کولتان است و اغلب آن را پس از پردازش در کشور، به عنوان "ساخته شده در رواندا" بازنشان‌گذاری و صادر می‌کند. در مورد سرمایه‌گذاری در استخراج کولتان، چندین شرکت چندملیتی در این تجارت دخیل بوده‌اند، اگرچه اغلب به طور غیرمستقیم. شرکت‌هایی از کشورهایمانند بلژیک، آلمان، سوئیس و هلند به تجارت کولتان از DRC مرتبط بوده‌اند. این شرکت‌ها گاهی اوقات تحت پوشش شرکت‌های محلی کنگویی فعالیت می‌کنند یا در فعالیتهایی شرکت می‌کنند که ممکن است از فعالیت‌های غیرقانونی حمایت کنند.

دستر چهارم: دوره رشد اقتصادی شتابان و ادغام با اقتصاد جهانی (از اوایل دهه ۲۰۰۰ به بعد)

از تثبیت نشان داده‌اند زیرا این شرکت از زنجیره تأمین داخلی و نوآوری‌های فناوری خود برای مقابله با محدودیت‌های مستمر ایالات متحده بهره می‌برد.^{۴۶۸}

۳. تأثیرات بلندمدت بر صنعت فناوری:

تحریم‌های فناوری ایالات متحده علیه چین تأثیرات عمیقی بر صنایع مختلف این کشور، به‌ویژه صنعت نیمه‌هادی، داشته است. در سال ۲۰۲۳، چین به میزان ۴۷۹,۵ میلیارد عدد میکروچیپ^{۴۶۹} (IC) به ارزش ۳۴۹,۴ میلیارد دلار وارد کرد که نسبت به سال قبل (در حدود ۴۱۳,۵ میلیارد دلار) از نظر حجم ۱۰,۸ درصد و از نظر ارزش ۱۵,۴ درصد کاهش داشت.

همچنین، واردات تجهیزات نیمه‌هادی چین به حدود ۴۰ میلیارد دلار رسید که نشان‌دهنده افزایش ۱۴ درصدی نسبت به سال قبل است. این محدودیت‌ها موجب شده‌اند که شرکت‌های چینی مانند هواوی و شیائومی با چالش‌هایی در تأمین چیپ‌های پیشرفته مواجه شوند و تلاش کنند تا وابستگی خود به فناوری‌های خارجی را کاهش دهند. با وجود این چالش‌ها، پیش‌بینی می‌شود که حجم فروش محصولات فناوری چین در سال ۲۰۲۴ بهبود یابد و درآمد هواوی به حدود ۷۰ میلیارد دلار برسد. همچنین انتظار می‌رود تولید نیمه‌هادی‌ها در چین تا سال ۲۰۲۵ به ۱۰,۱ میلیون چیپ در ماه افزایش یابد که تقریباً یک‌سوم از تولید جهانی را تشکیل می‌دهد. دولت چین با ارائه مشوق‌هایی برای افزایش سرمایه‌گذاری در صنایع نیمه‌هادی و تجهیزات مرتبط، سعی دارد تا شکاف‌های تکنولوژیکی را پر کند و وابستگی خود را به واردات کاهش دهد، که ممکن است در بلندمدت به رشد پایدار اقتصادی کمک کند.^{۴۷۰}

^{۴۶۸} Huawei: US revokes some export licenses for selling semiconductors:

<https://edition.cnn.com/2024/05/08/tech/us-export-licenses-china-huawei-hnk-intl/index.html> & TSMC

Under US Investigation Over Chip Sales to Huawei – PCMag: [https://www.pcmag.com/news/tsmc-](https://www.pcmag.com/news/tsmc-under-us-investigation-over-huawei-chip-purchases)

[under-us-investigation-over-huawei-chip-purchases](https://www.pcmag.com/news/tsmc-under-us-investigation-over-huawei-chip-purchases) &

Huawei uses TSMC loophole to bypass US chip ban - Asia Times: <https://asiatimes.com/2024/10/huawei-uses-tsmc-loophole-to-bypass-us-chip-ban/>

^{۴۶۹} - آی. سی (IC)، که به‌عنوان میکروچیپ یا چیپ نیز شناخته می‌شوند، مجموعه‌ای از مدارهای الکترونیکی شامل ترانزیستورها، مقاومت‌ها و خازن‌ها هستند که روی یک تکه کوچک از ماده نیمه‌هادی، معمولاً سیلیکون، ساخته می‌شوند. این اجزا به‌صورت واحدی یکپارچه شده‌اند و قادر به انجام عملکردهای مختلفی مانند تقویت سیگنال و محاسبات دیجیتال هستند. آی. سی‌ها به دلیل اندازه کوچک، هزینه پایین و عملکرد بالا به عنوان اجزای اصلی در دستگاه‌های الکترونیکی مدرن شناخته می‌شوند و انقلابی در طراحی و تولید سیستم‌های الکترونیکی ایجاد کرده‌اند. با پیشرفت‌های تکنولوژیکی، اندازه و ظرفیت چیپ‌ها به‌طور چشمگیری افزایش یافته و آن‌ها در کاربردهای گسترده‌ای از جمله کامپیوترها، تلفن‌های هوشمند و سیستم‌های خودروسازی استفاده می‌شوند.

^{۴۷۰} Fitch war: China chip imports fall in 2023 but semiconductors remain:

<https://www.scmp.com/tech/policy/article/3248269/tech-war-china-chip-imports-fall-2023-semiconductors-remain-countrys-largest-item-ahead-crude-oil> &

China imported \$40bn worth of chip making tools in 2023 – DCD:

<https://www.datacenterdynamics.com/en/news/china-imported-40bn-worth-of-chip-making-tools-in-2023/>

تنش‌های منطقه‌ای

رقابت در دریای جنوبی چین و تنش با کشورهای همسایه ممکن است بر روابط اقتصادی و تجاری تأثیر منفی بگذارد.

تنش‌های منطقه‌ای، به‌ویژه در دریای جنوبی چین، تأثیرات قابل توجهی بر روابط اقتصادی و تجاری چین با کشورهای همسایه و حتی فراتر از آن، بر اقتصاد جهانی داشته است. این منطقه از اهمیت استراتژیک بالایی برخوردار است، چرا که بخش عظیمی از تجارت جهانی از این آبراه عبور می‌کند و منابع طبیعی زیادی نیز در آن موجود است. برخی از مثال‌های بارز در این زمینه عبارتند از:

۱. رقابت در دریای جنوبی چین:

دریای جنوبی چین یکی از مهم‌ترین مسیرهای تجاری در جهان است. به‌طور تقریبی، بیش از **۵۰ درصد** از تجارت جهانی و **۳۰ درصد** از حمل‌ونقل نفتی جهان از این منطقه عبور می‌کند. در حالی که چین به شدت در حال گسترش حضور خود در این آبراه است، کشورهای دیگر مانند **ویتنام، فیلیپین و مالزی** نیز ادعای مالکیت بر بخشی از این دریا دارند. این رقابت‌ها ممکن است بر روابط تجاری میان چین و این کشورهای همسایه تأثیر بگذارد و به تنش‌های اقتصادی منجر شود.

در سال ۲۰۲۰، هنگامی که کشتی‌های چینی و فیلیپینی در این منطقه درگیر شدند، تعدادی از پروژه‌های تجاری و سرمایه‌گذاری در این منطقه تحت تأثیر قرار گرفتند، که می‌تواند نشان‌دهنده چالش‌های بلندمدت برای چین در حفظ روابط اقتصادی و تجاری با این کشورها باشد.

۲. محدودیت‌های تجاری و سرمایه‌گذاری:

تنش‌های منطقه‌ای می‌توانند به محدودیت‌های تجاری و سرمایه‌گذاری منجر شوند. به عنوان مثال، در سال‌های اخیر، برخی از کشورها به دلیل نگرانی‌های امنیتی و تنش‌های سیاسی، محدودیت‌هایی بر همکاری‌های اقتصادی با چین اعمال کرده‌اند. در سال ۲۰۱۹، فیلیپین به دلیل تنش‌های دریای جنوبی چین، تصمیم به کاهش همکاری در پروژه‌های تجاری خاص با چین گرفت.

۳. تأثیرات اقتصادی جهانی:

این تنش‌ها تنها به چین و کشورهای منطقه محدود نمی‌شود. جنگ تجاری و تنش‌های سیاسی در دریای جنوبی چین می‌تواند به تحولات اقتصادی جهانی نیز تأثیر بگذارد. به عنوان مثال، در سال ۲۰۱۸، تهدیدهای چین مبنی بر محدود کردن مسیرهای تجاری در دریای جنوبی به منظور مقابله با فشارهای بین‌المللی، منجر به نوسانات در بازارهای جهانی نفت و سایر کالاها شد. تخمین‌ها نشان می‌دهند که هرگونه اختلال در عبور کشتی‌ها از این منطقه می‌تواند موجب افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل و تجارت جهانی شود.

۴. تأثیرات بر سرمایه‌گذاری‌های خارجی:

کشورهای همسایه چین که درگیر این تنش‌ها هستند، ممکن است در زمینه جذب سرمایه‌گذاری خارجی تحت فشار قرار گیرند. برای مثال، **ویتنام و مالزی** به دلیل نگرانی‌های امنیتی و اقتصادی در مورد ادامه فعالیت‌ها در دریای جنوبی چین، ممکن است دچار کاهش سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی (FDI) شوند. در نتیجه، شرکت‌های بین‌المللی ممکن است از این مناطق به دلیل ریسک‌های ژئوپلیتیکی و اقتصادی اجتناب کنند.

نوآوری و فناوری

سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه

با وجود سرمایه‌گذاری زیاد در فناوری‌های نوین، چین همچنان در برخی بخش‌ها به فناوری‌های غربی وابسته است.

چین در سال‌های اخیر به شدت در **تحقیق و توسعه (R&D)** سرمایه‌گذاری کرده است تا از وابستگی به فناوری‌های غربی بکاهد و در زمینه‌های نوین مانند **هوش مصنوعی، ۵G، نانو تکنولوژی و بیوتکنولوژی** پیشرفت کند. با این حال، این کشور هنوز در برخی از بخش‌ها به فناوری‌های غربی وابسته است.

۱. سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه:

چین در سال ۲۰۲۴ قصد دارد حدود **۵۲ میلیارد دلار** در بخش تحقیق و توسعه (R&D) سرمایه‌گذاری کند. این مبلغ نشان‌دهنده افزایش **۱۰ درصدی** نسبت به سال گذشته است و نشان‌دهنده تعهد مستمر چین به تقویت قابلیت‌های علمی و فناوری خود می‌باشد. که نشان‌دهنده تلاش‌های گسترده برای نوآوری است. چین حتی از آمریکا پیشی گرفته و در حال حاضر بزرگ‌ترین سرمایه‌گذار در تحقیق و توسعه در جهان است. یک منبع جامع برای درک سرمایه‌گذاری‌های جهانی در تحقیق و توسعه (R&D) پایگاه داده **آمار تحقیق و توسعه سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD)** است.

۲. وابستگی به فناوری‌های غربی در نیمه‌هادی‌ها:

با وجود پیشرفت‌ها در تحقیق و توسعه، چین همچنان به شدت به فناوری‌های غربی، به ویژه در بخش‌های **نیمه‌هادی‌ها** وابسته است. چین همانطوریکه در بحث فناوریها و نیمه هادی ها مطرح کردیم چین بزرگ‌ترین واردکننده نیمه‌هادی‌ها در جهان است و به شدت به واردات آن از غرب وابسته است. به‌ویژه، چین به **تجهیزات پیشرفته نیمه‌هادی** ساخت شرکت‌های آمریکایی مانند **Intel، NVIDIA و Qualcomm**^{۴۷} وابسته است.

۴۷- Qualcomm Incorporated یک شرکت چندملیتی آمریکایی است که در زمینه توسعه فناوری‌های بی‌سیم و ارتباطات فعالیت می‌کند. تأسیس شده در سال ۱۹۸۵، این شرکت به عنوان یکی از پیشگامان صنعت ارتباطات شناخته می‌شود و محصولات آن شامل مدارهای یکپارچه و فناوری‌های ارتباطی مانند ۳G، ۴G و ۵G است. Qualcomm همچنین به مجوزدهی فناوری‌های خود می‌پردازد و دارای پتنت‌های مهمی در

۳. تأثیر تحریم‌ها بر فناوری:

تحریم‌های فناوری که به ویژه توسط ایالات متحده بر چین اعمال شده، تأثیرات قابل توجهی داشته است. به عنوان مثال، محدودیت‌هایی که بر صادرات چیپ‌های پیشرفته به چین وضع شده است، باعث شده چین به دنبال تقویت تولید داخلی در این زمینه باشد. با این حال، چین هنوز در تولید چیپ‌های پیشرفته با فناوری‌های ۷ نانومتری یا کمتر با چالش‌های بزرگی مواجه است.

۴. وابستگی به نرم‌افزارهای غربی:

در حوزه نرم‌افزار و سیستم‌عامل‌ها، چین همچنان به استفاده از نرم‌افزارهای غربی مانند ویندوز، Office، و Android وابسته است. اگرچه چین تلاش کرده با توسعه سیستم‌عامل‌های بومی مانند HarmonyOS^{۴۷۲}، این وابستگی را کاهش دهد، اما به دلیل رقابت و سطح بالای توسعه نرم‌افزارهای غربی، این تلاش‌ها هنوز نتایج قابل توجهی به همراه نداشته است.

۵. وابستگی در صنعت هوافضا:

در صنعت هوافضا نیز، چین علی‌رغم پیشرفت‌های چشمگیر در توسعه ماهواره‌ها و فضاپیماها، همچنان به فناوری‌های غربی در برخی از بخش‌ها وابسته است. برای مثال، موتورهای راکتی و برخی از سیستم‌های ماهواره‌ای چین همچنان به فناوری‌های آمریکایی وابسته هستند. چین، علی‌رغم پیشرفت‌های چشمگیر در صنعت هوافضا و برنامه‌های فضایی خود، هنوز در برخی زمینه‌ها به فناوری‌های غربی وابسته است. یکی از این زمینه‌ها، موتورهای راکتی و سیستم‌های ماهواره‌ای است. در حالی که چین توانسته است برخی از این فناوری‌ها را بومی‌سازی کند، هنوز در زمینه‌های خاصی به شرکت‌ها و فناوری‌های غربی نیاز دارد.

استانداردهای ارتباطی است. این شرکت به شدت بر روی تحقیق و توسعه سرمایه‌گذاری کرده و در سال‌های اخیر بیش از ۱۶ میلیارد دلار در این زمینه هزینه کرده است. Qualcomm بزرگ‌ترین تولیدکننده چیپ برای گوشی‌های هوشمند است و سهم بازار آن در پردازنده‌های اپلیکیشن گوشی‌های هوشمند حدود ۳۹ درصد می‌باشد. با تمرکز بر نوآوری، Qualcomm نقش مهمی در توسعه زیرساخت‌های ارتباطی جهانی ایفا می‌کند و به عنوان یکی از بازیگران کلیدی در صنعت بی‌سیم شناخته می‌شود.

۴۷۲ - HarmonyOS. که در چین با نام Hongmeng OS نیز شناخته می‌شود، یک سیستم‌عامل توسعه‌یافته توسط شرکت هواوی است. این سیستم‌عامل در تاریخ ۹ اوت ۲۰۱۹ رونمایی شد و ابتدا به عنوان یک پلتفرم برای دستگاه‌های اینترنت اشیا (IoT) معرفی گردید. هدف HarmonyOS ارائه یک تجربه یکپارچه میان دستگاه‌های مختلف مانند گوشی‌های هوشمند، تبلت‌ها و لوازم خانگی هوشمند است. این سیستم‌عامل از معماری میکروکرنل بهره می‌برد که امکان عملکرد بهتر و امنیت بیشتری را فراهم می‌کند و به دستگاه‌ها اجازه می‌دهد به طور کارآمد با یکدیگر ارتباط برقرار کنند و منابع را به اشتراک بگذارند. ویژگی‌های کلیدی HarmonyOS شامل توانایی پشتیبانی از چندین دستگاه با یک پایگاه کد واحد و ایجاد تجربه کاربری یکپارچه است. این سیستم‌عامل به توسعه‌دهندگان این امکان را می‌دهد که برنامه‌هایی بسازند که بر روی دستگاه‌های مختلف به راحتی اجرا شوند، که این امر هزینه‌های توسعه و زمان عرضه به بازار را کاهش می‌دهد. همچنین، با توجه به افزایش تهدیدات امنیت سایبری، معماری میکروکرنل HarmonyOS سطح حمله انواع ویروس‌ها را به حداقل می‌رساند و امنیت بیشتری را برای کاربران فراهم می‌کند.

۵.۱. موتورهای راکتی:

چین در توسعه موتورهای راکتی برای پرتاب ماهواره‌ها و فضاپیماها به دستاوردهای زیادی رسیده است، اما همچنان در تولید موتورهای راکتی پیشرفته به شرکت‌های خارجی وابسته است. به‌ویژه در دهه‌های اخیر، موتورهای راکتی که قادر به پرتاب فضاپیماها به مدارهای پایین زمین و مدارهای دورتر هستند، همچنان به فناوری‌های غربی نیاز دارند. برای مثال، شرکت ^{۴۷۲} **Arianespace** (فرانسه) و ^{۴۷۴} **Aerojet Rocketdyne** (آمریکا) از تولیدکنندگان بزرگ موتورهای راکتی هستند که فناوری‌های آن‌ها در پروژه‌های فضایی چین در گذشته مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

چین به‌ویژه از فناوری‌های موتورهای سوخت مایع و موتورهای هیدروژنی برای پرتاب فضاپیماها و ماهواره‌ها استفاده کرده است که در برخی موارد همچنان به فناوری‌های غربی وابسته است.

۵.۲. سیستم‌های ماهواره‌ای:

در زمینه سیستم‌های ماهواره‌ای، چین توانسته است بسیاری از نیازهای خود را تأمین کند و سیستم‌هایی همچون ^{۴۷۵} **Beidou** را برای ناوبری جهانی مشابه با **GPS** آمریکا راه‌اندازی کرده است. با این حال، برخی از

^{۴۷۳} - **Arianespace** یک شرکت چندملیتی است که در سال ۱۹۸۰ به عنوان اولین شرکت حمل و نقل فضایی تجاری در جهان تأسیس شد. این شرکت به عنوان یک ارائه‌دهنده خدمات پرتاب ماهواره، با بیش از ۲۷۰ مشتری و سابقه‌ای بالغ بر ۴۰ سال، به یکی از معتبرترین نام‌ها در صنعت پرتاب تبدیل شده است. **Arianespace** با پشتیبانی آژانس فضایی اروپا (ESA) و منابع ۱۶ سهام‌دار شرکتی خود، خدمات پرتابی با کیفیت بالا را ارائه می‌دهد و توانایی انجام پرتاب‌هایی با هر وزن و به هر مداری را دارد. **Arianespace** در طول فعالیت خود، بیش از ۲۱۰ پرتاب **Ariane**، ۲۸ پرتاب **Soyuz** و اولین پرتاب **Vega** را انجام داده است. این شرکت به دلیل توانایی‌های فنی و علمی خود، به عنوان مرجع خدمات پرتاب در اروپا شناخته می‌شود و نقش مهمی در تأمین دسترسی پایدار و قابل اعتماد اروپا به فضا ایفا می‌کند. با توجه به حمایت‌های سیاسی و توافق‌های همکاری بین‌المللی، **Arianespace** به تقویت موقعیت اروپا در عرصه فضایی ادامه می‌دهد.

^{۴۷۴} - **Aerojet Rocketdyne** یک شرکت پیشرو در زمینه توسعه و تولید سیستم‌های پیشرفته و تسلیحات دفاعی است که در سال ۱۹۴۲ تأسیس شد. این شرکت به عنوان یکی از بزرگ‌ترین تأمین‌کنندگان سیستم‌های پیشرفته در ایالات متحده شناخته می‌شود و تنها شرکتی است که هم سیستم‌های پیشرفته جامد و هم مایع را ارائه می‌دهد. **Aerojet Rocketdyne** محصولات متنوعی شامل موتورهای موشکی، سیستم‌های پیشرفته الکتریکی و تسلیحات دقیق تاکتیکی را تولید می‌کند و مشتریان اصلی آن شامل وزارت دفاع ایالات متحده، ناسا و پیمانکاران اصلی دولتی هستند. تاریخچه **Aerojet Rocketdyne** به سال ۱۹۱۵ برمی‌گردد زمانی که به عنوان شرکت لاستیک جنرال تأسیس شد و سپس در سال ۱۹۴۵ با خرید **Aerojet Engineering Corp** به صنعت فضایی وارد شد. این شرکت در طول تاریخ خود نقش مهمی در برنامه‌های فضایی ایالات متحده ایفا کرده است، از جمله تأمین موتورهای موشکی برای برنامه‌های آپولو و شاتل فضایی. با بیش از ۵۰۰۰ کارمند و حضور در بازارهای ایالات متحده و اروپا، **Aerojet Rocketdyne** به عنوان یک بازیگر کلیدی در صنعت فضایی و دفاعی شناخته می‌شود.

^{۴۷۵} - **Beidou** (بیدو) یک سیستم ناوبری ماهواره‌ای است که توسط چین توسعه یافته و به عنوان رقیبی برای سیستم‌های **GPS** و **GLONASS** شناخته می‌شود. این سیستم در ابتدا در سال ۲۰۰۰ طراحی شد و به مرور زمان به یک شبکه جهانی از ۳۵ ماهواره تبدیل شده است که از سال ۲۰۲۰ به طور کامل عملیاتی شده است. بیدو به کاربران خدمات موقعیت‌یابی دقیق، ارتباطی و زمانی ارائه می‌دهد و به طور خاص در مناطق آسیا و اقیانوسیه آغاز به کار کرد، اما اکنون پوشش جهانی دارد. بیدو دارای سه فاز اصلی است: **BeiDou-1** که خدمات محدودی ارائه می‌داد، **BeiDou-2** که به یک سیستم جهانی تبدیل شد، و **BeiDou-3** که دقت و قابلیت‌های بیشتری را فراهم می‌کند. این سیستم با استفاده از معماری پیشرفته، دقتی در حد چند میلیمتر را هدف قرار داده است و علاوه بر کاربردهای نظامی، در صنایع مختلفی مانند کشاورزی، مدیریت منابع و خدمات اضطراری نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد.

دستر چهارم: دوره رشد اقتصادی شتابان و ادغام با اقتصاد جهانی (از اوایل دهه ۲۰۰۰ به بعد)

فناوری‌ها و مواد مورد نیاز برای تولید ماهواره‌ها و تجهیزات مرتبط، همچنان از شرکت‌های غربی تأمین می‌شود. به‌ویژه در بخش‌های چیپ‌های پیشرفته و سیستم‌های ارتباطی ماهواره‌ای، چین به فناوری‌های شرکت‌هایی مانند^{۴۷} Lockheed Martin (آمریکا) و^{۴۸} Thales Alenia Space (فرانسه) وابسته است.

۵.۳. وابستگی به شرکت‌های خارجی:

- چندین شرکت بزرگ جهانی در این زمینه به چین کمک کرده‌اند یا محصولات خود را به چین صادر کرده‌اند:
- **Aerojet Rocketdyne**: این شرکت آمریکایی به تولید موتورهای راکتی برای پروژه‌های فضایی کمک کرده است.
 - **Lockheed Martin**: در زمینه‌های فناوری فضایی و سیستم‌های ماهواره‌ای، برخی از اجزا و فناوری‌های پیشرفته این شرکت در پروژه‌های فضایی چین به کار رفته است.
 - **Thales Alenia Space**: یکی از بزرگ‌ترین تأمین‌کنندگان تجهیزات فضایی، به‌ویژه در زمینه ماهواره‌ها، که چین برای تأمین برخی فناوری‌های مورد نیاز خود از این شرکت استفاده کرده است.
- چالش‌های موجود:

به‌طور کلی، چین در تلاش است تا به استقلال کامل در حوزه فناوری‌های فضایی دست یابد، اما به دلیل پیچیدگی‌ها و هزینه‌های بالای تحقیق و توسعه در این حوزه‌ها، همچنان به برخی از فناوری‌های غربی نیاز دارد.

^{۴۷} Lockheed Martin Corporation - یک شرکت آمریکایی پیشرو در زمینه دفاع و هوافضا است که در سال ۱۹۹۵ از ادغام Lockheed Corporation و Martin Marietta تأسیس شد. این شرکت دارای دفتر مرکزی در Bethesda، مریلند می‌باشد و به عنوان یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان تجهیزات نظامی و فناوری‌های پیشرفته در جهان شناخته می‌شود. Lockheed Martin در چهار بخش اصلی فعالیت می‌کند: هوافضا، موشک‌ها و کنترل آتش، سیستم‌های چرخشی و مأموریتی، و فضا. این شرکت به دلیل توانایی‌های فنی خود، به ویژه در توسعه جنگنده‌های نسل پنجم مانند F-35 Lightning II، و همچنین سیستم‌های پیشرفته دفاع موشکی، شهرت دارد. در سال ۲۰۲۴، Lockheed Martin درآمد سالانه‌ای معادل ۶۵٫۴ میلیارد دلار گزارش کرد و سود خالص آن حدود ۵٫۷ میلیارد دلار بود. این شرکت به شدت به قراردادهای دولتی وابسته است و تقریباً نیمی از فروش سالانه‌اش به وزارت دفاع ایالات متحده تعلق دارد. با داشتن حدود ۱۱۶٫۰۰۰ کارمند و حضور در بیش از ۳۳ کشور، Lockheed Martin نقش مهمی در تأمین امنیت ملی ایالات متحده و همچنین همکاری با مشتریان بین‌المللی ایفا می‌کند.

^{۴۸} Thales Alenia Space - یک شرکت پیشرو در صنعت فضایی است که به طراحی و تولید سیستم‌های ماهواره‌ای و زیرساخت‌های مربوط به آن می‌پردازد. این شرکت از ادغام دو شرکت Alcatel Space و Alenia Spazio در سال ۲۰۰۵ تأسیس شد و به عنوان یک مشارکت مشترک بین Thales (۶۷ درصد) و Leonardo (۳۳٪) فعالیت می‌کند. Thales Alenia Space با بیش از ۴۰ سال تجربه، راه‌حل‌های پیشرفته‌ای برای ارتباطات، ناوبری، مشاهده زمین، مدیریت محیط زیست و کاوش فضایی ارائه می‌دهد. این شرکت در ۱۰ کشور با ۱۷ مرکز تولید در اروپا و یک کارخانه در ایالات متحده فعالیت می‌کند و به عنوان یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان ماهواره‌ها و سیستم‌های فضایی شناخته می‌شود. در سال ۲۰۲۴، Thales Alenia Space درآمد سالانه‌ای معادل ۱۸٫۵ میلیارد دلار گزارش کرد. اطلاعات دقیق درباره سود خالص این شرکت در دسترس نیست، اما با توجه به درآمد قابل توجه آن و موقعیت قوی در بازار فضایی، می‌توان انتظار داشت که سودآوری مناسبی داشته باشد. این شرکت با حدود ۸٫۵۰۰ کارمند، به تأمین نیازهای مشتریان دولتی و خصوصی در زمینه‌های مختلف فضایی کمک می‌کند و نقش مهمی در توسعه فناوری‌های فضایی ایفا می‌کند.

این وابستگی‌ها مخصوصاً در مواردی مانند سیستم‌های پیشرفته ارتباطی و موتورهای راکتی با راندمان بالا مشهود است.^{۱۷}

حمایت از صنایع نوآور

حمایت از صنایع نوآور یکی از چالش‌های کلیدی چین در دوران گذار از یک اقتصاد تولیدی به یک اقتصاد مبتنی بر نوآوری و فناوری است. در حالی که چین در حال تلاش برای کاهش وابستگی به واردات فناوری‌های پیشرفته و تقویت صنایع داخلی است، هنوز در برخی از بخش‌ها به ویژه در زمینه‌های نیمه‌هادی‌ها، سیستم‌های نرم‌افزاری و تجهیزات پیشرفته به واردات از کشورهای غربی نیاز دارد.

۱. وابستگی به فناوری‌های نیمه‌هادی

چین در تلاش است تا تولید چیپ‌های نیمه‌هادی داخلی خود را افزایش دهد. در سال ۲۰۲۳، چین حدود ۳۴۹٫۵ میلیارد دلار برای واردات نیمه‌هادی‌ها هزینه کرد که نشان‌دهنده وابستگی شدید این کشور به فناوری‌های غربی است. شرکت‌هایی مانند **Intel** و **NVIDIA** از بزرگ‌ترین تأمین‌کنندگان چیپ‌های پیشرفته برای چین هستند. در همین راستا، چین برای کاهش وابستگی خود به واردات، پروژه‌هایی مانند سری چیپ‌های **Kirin**^{۴۷۸} را توسعه داده است، اما هنوز در تولید چیپ‌های پیشرفته با معماری ۷ نانومتری و کمتر با چالش‌های بزرگی مواجه است.

۲. تلاش برای حمایت از صنایع داخلی فناوری

چین برای حمایت از صنایع نوآور داخلی، سرمایه‌گذاری‌های گسترده‌ای در زمینه‌های هوش مصنوعی، ۵G، و نانو فناوری انجام داده است. طبق گزارش‌ها، چین در سال ۲۰۲۱ حدود ۲۸۰ میلیارد دلار در تحقیق و توسعه (R&D) هزینه کرد که معادل ۲٫۴ درصد از تولید ناخالص داخلی این کشور است. این سرمایه‌گذاری‌ها عمدتاً برای تقویت ظرفیت‌های داخلی در زمینه‌هایی است که کشور هنوز به فناوری‌های خارجی وابسته است.

۳. چالش‌ها و وابستگی‌ها

با این حال، برای بسیاری از صنایع کلیدی مانند خودروهای برقی و باتری‌های لیتیومی، چین هنوز به واردات فناوری‌های پیشرفته نیاز دارد. به عنوان مثال، شرکت‌های چینی مانند **BYD** و **NIO** در حال توسعه خودروهای

۴۷۸- سری چیپ‌های کیرین (Kirin) پردازنده‌های سیستم بر روی چیپ (SoC) توسعه یافته توسط **HiSilicon**، زیرمجموعه‌ای از هواوی، هستند که از سال ۲۰۱۴ در گوشی‌های هوشمند هواوی و آنر استفاده می‌شوند. این چیپ‌ها به دسته‌های پرچمدار، رده بالا و میان‌رده تقسیم می‌شوند و به خاطر ویژگی‌های پیشرفته‌ای مانند قابلیت‌های هوش مصنوعی و هسته‌های با عملکرد بالا شناخته می‌شوند. آخرین مدل، **Kirin 9000**، در سال ۲۰۲۳ معرفی شد و به طور کامل در چین تولید شده است. با وجود چالش‌های ناشی از تحریم‌ها، چیپ‌های کیرین همچنان در بازار رقابتی باقی مانده و به خاطر عملکرد قوی خود در دستگاه‌های رده بالا مشهور هستند، هرچند که انتقاداتی درباره عملکرد GPU آنها نسبت به رقبای دیگر وجود دارد.

دفتر چهارم: دوره رشد اقتصادی شتابان و ادغام با اقتصاد جهانی (از اوایل دهه ۲۰۰۰ به بعد)

برقی هستند، اما در تأمین قطعات پیشرفته مانند باتری‌های لیتیومی با عملکرد بالا هنوز به فناوری‌های کشورهای غربی مانند **Panasonic** و **LG Chem** وابسته‌اند.

۴. راه‌حل‌ها و سیاست‌های دولت چین

دولت چین در تلاش است تا از طریق سیاست‌های حمایتی و اقدامات تشویقی به تقویت صنایع داخلی بپردازد. یکی از برنامه‌های کلیدی، "طرح **Made in China 2025**" است که هدف آن کاهش وابستگی به واردات فناوری و ارتقای ظرفیت‌های داخلی در زمینه‌هایی مانند رایانه‌های پیشرفته، روبات‌ها و تولید اتومبیل‌های الکتریکی است که پیش از این به جزئیات آن پرداختیم.

تورم و نوسانات بازار

کنترل قیمت‌ها: افزایش هزینه‌های زندگی و تورم می‌تواند باعث نارضایتی اجتماعی شود. دولت چین از سیاست‌های پولی محتاطانه برای کنترل این چالش استفاده کرده است.

تورم و نوسانات بازار کنترل قیمت‌ها یکی از چالش‌های عمده‌ای است که چین با آن روبه‌رو است. با افزایش هزینه‌های زندگی، قیمت‌ها و تورم، نارضایتی اجتماعی می‌تواند به‌ویژه در مناطق شهری و در میان طبقات متوسط و پایین‌تر اجتماعی افزایش یابد. در پاسخ به این چالش، دولت چین از **سیاست‌های پولی محتاطانه** برای مدیریت تورم و کنترل نوسانات بازار استفاده کرده است.

۱. تورم در چین

در سال‌های اخیر، تورم در چین به طور پیوسته افزایش یافته است. طبق داده‌ها، نرخ تورم در چین در سال ۲۰۲۴، نرخ تورم در چین به طور متوسط حدود ۰٫۲ درصد بود که نسبت به سال گذشته کاهش یافته است. این رقم پایین‌تر از پیش‌بینی‌های قبلی صندوق بین‌المللی پول (IMF) بود که نرخ تورم را حدود ۰٫۴۲ درصد تخمین زده بود. در دسامبر ۲۰۲۴، نرخ تورم به ۰٫۱ درصد کاهش یافت، که نشان‌دهنده خطرات فزاینده‌ی رکود تورمی در کشور است، با وجود اقدامات تحریکی دولت و سیاست‌های حمایتی بانک مرکزی بود که در مقایسه با سال‌های گذشته کمتر بود، اما با این حال در سال ۲۰۲۴، نرخ تورم در چین به طور کلی حدود ۰٫۲ درصد بود، با کاهش قیمت‌ها در برخی کالاها و خدمات، به ویژه در بخش‌های غذا و مسکن. قیمت‌های غذایی به میزان ۰٫۵ درصد کاهش یافت، در حالی که قیمت‌های غیرغذایی به طور متوسط ۰٫۲ درصد افزایش داشتند که این افزایش عمدتاً ناشی از هزینه‌های مسکن و خدمات بهداشتی بود. هزینه‌های مسکن نسبت به ماه‌های قبل تغییر چندانی نداشت و همچنان تحت فشار قرار داشت، در حالی که قیمت گوشت خوک و سبزیجات تازه به ترتیب ۱۳٫۷ درصد و ۱۰ درصد افزایش یافت. این وضعیت نشان‌دهنده چالش‌های موجود در تقاضای داخلی و فشارهای ناشی از رکود اقتصادی است که بر روی قیمت‌ها تأثیر می‌گذارد. در نیمه اول سال ۲۰۲۲، تورم در چین به ۲٫۵ درصد

رسید، که ناشی از افزایش هزینه‌های مواد اولیه و تنگنای عرضه به ویژه پس از شیوع پاندمی COVID-19^{۴۷۹} بود.

۲. افزایش هزینه‌های زندگی

یکی از بزرگ‌ترین نگرانی‌ها، افزایش قیمت مواد غذایی و اجناس مصرفی است. قیمت گوشت خوک، که یکی از مواد غذایی اصلی در چین است، در سال‌های اخیر به شدت افزایش یافت. در سال ۲۰۱۹، قیمت گوشت خوک به علت شیوع بیماری ASF (African Swine Fever) در چین، به شدت افزایش یافت و در بعضی مناطق رشد قیمت‌ها تا بیش از ۱۰۰ درصد را تجربه کرد. این تغییرات باعث شد که هزینه‌های زندگی برای بسیاری از خانوارها افزایش یابد.

۳. سیاست‌های پولی محتاطان:

دولت چین برای مقابله با نوسانات بازار و کنترل تورم، از سیاست‌های پولی محتاطانه استفاده کرده است. بانک مرکزی چین (PBOC) در سال‌های اخیر بارها نرخ‌های بهره را برای کنترل رشد اقتصادی و تورم تعدیل کرده است. برای مثال، در اواسط سال ۲۰۲۱، PBOC نرخ بهره را به میزان ۰٫۲۵ درصد کاهش داد تا تقاضا برای وام و مصرف را تحریک کرده و در عین حال از افزایش سریع قیمت‌ها جلوگیری کند. در سال ۲۰۲۴، بانک مرکزی چین (PBoC) نرخ‌های بهره کلیدی را در سطوح تاریخی پایین نگه داشت تا به تحریک اقتصاد کمک کند. نرخ بهره یک ساله وام‌های مرجع (LPR) در ۳٫۱ درصد و نرخ پنج ساله LPR در ۳٫۶ درصد ثابت ماند، که این تصمیم پس از کاهش‌های متوالی در اوایل سال اتخاذ شد تا به چالش‌های اقتصادی و حمایت از رشد در شرایط رکود کمک کند. رویکرد PBoC نشان‌دهنده سیاست پولی "به طور معتدل شل" است و انتظار می‌رود که این روند تا سال ۲۰۲۵ ادامه یابد. با وجود این نرخ‌های پایین، نشانه‌هایی از احتمال کاهش‌های بیشتر وجود دارد تا به تقویت استراتژی‌های تسهیل پولی کمک کند، و تحلیلگران پیش‌بینی می‌کنند که نرخ LPR یک ساله ممکن است به حدود ۲٫۸۵ درصد در سال ۲۰۲۵ برسد. همچنین، دولت چین اقدام به کنترل قیمت‌ها در بازار مسکن و اجاره‌ها کرده است. به عنوان مثال، سیاست "۳ خط قرمز" برای کنترل بدهی‌های شرکت‌های بزرگ املاک و مستغلات مانند Evergrande^{۴۸۰} وضع شد تا از ایجاد بحران در این بخش جلوگیری کند.

^{۴۷۹}China Inflation Rate - Trading Economics: <https://tradingeconomics.com/china/inflation-cpi>

^{۴۸۰} Evergrande Group - یکی از بزرگ‌ترین توسعه‌دهندگان املاک در چین است که در سال ۱۹۹۶ تأسیس شد و به سرعت به یکی از نمادهای بحران املاک این کشور تبدیل شده است. این شرکت با بیش از ۱٫۳۰۰ پروژه در بیش از ۲۸۰ شهر، به میلیون‌ها چینی طبقه متوسط فرصت خرید املاک را ارائه داده است. Evergrande در اوج خود به عنوان بزرگ‌ترین توسعه‌دهنده املاک چین شناخته می‌شد و درآمدی بالغ بر ۵۰۰ میلیارد یوان (تقریباً ۷۷ میلیارد دلار) در سال گذشته داشت. با این حال، مشکلات مالی ناشی از بدهی‌های سنگین و قوانین جدید دولت چین برای کنترل قیمت‌های مسکن، منجر به کاهش شدید ارزش سهام این شرکت و در نهایت ورشکستگی آن شد. در ژانویه ۲۰۲۴، یک دادگاه در هنگ کنگ دستور تصفیه Evergrande را صادر کرد که نشان‌دهنده عمق بحران و تأثیرات آن بر اقتصاد چین است. Evergrande نه تنها در زمینه توسعه املاک بلکه در صنایع متنوعی مانند خودروهای الکتریکی، مدیریت ثروت و تولید مواد غذایی نیز فعالیت می‌کند. با وجود اینکه این شرکت به شدت تحت فشار مالی قرار دارد و به دنبال راه‌حلی برای بازسازی بدهی‌های خود است، اما همچنان بر روی پروژه‌های

۴. حمایت از اقشار کم‌درآمد

دولت چین همچنین برخی از سیاست‌های حمایتی را برای کاهش فشار تورمی بر اقشار کم‌درآمد به اجرا گذاشته است. یکی از این سیاست‌ها ارائه یارانه‌های مواد غذایی به خانوارهای کم‌درآمد و مناطق فقیرتر است. به طور مثال، در سال ۲۰۲۱، دولت چین حدود ۵۰ میلیارد یوان (تقریباً ۷,۷ میلیارد دلار) برای یارانه محصولات اساسی هزینه کرد. در سال ۲۰۲۴، دولت چین حدود ۸۱ میلیارد یوان (تقریباً ۲۳ میلیارد دلار) برای یارانه محصولات اساسی اختصاص داد. این اقدام بخشی از برنامه تجاری تبادل کالاهای مصرفی است که هدف آن تحریک تقاضای داخلی و حمایت از رشد اقتصادی از طریق تشویق مصرف‌کنندگان به خرید لوازم خانگی و کالاهای الکترونیکی جدید می‌باشد. این یارانه‌ها به منظور افزایش هزینه‌های مصرفی و بهبود معیشت مردم طراحی شده‌اند و نشان‌دهنده تعهد دولت به تقویت مصرف در شرایط چالش‌های اقتصادی است.^{۴۸}

۵. نوسانات بازار و سیاست‌های مالی

نوسانات قیمت‌ها در بازارهای مختلف، از جمله بازار مسکن و بازار سهام، یکی از دلایل نگرانی در اقتصاد چین است. دولت چین در تلاش است تا از طریق سیاست‌های مالی و کنترل عرضه و تقاضا نوسانات بازار را کاهش دهد.

در سال ۲۰۲۰، با شدت گرفتن بحران کرونا و ویروس، دولت چین اقداماتی قابل توجه برای حمایت از اقتصاد انجام داد که شامل کاهش مالیات‌ها و ارائه وام‌های با بهره پایین به کسب‌وکارها بود. این اقدامات به منظور کاهش فشارهای تورمی و تحریک مصرف داخلی در دوران چالش‌برانگیز اقتصادی طراحی شده بودند. دولت کاهش مالیات‌ها و معافیت‌های هزینه‌ای را معرفی کرد و همچنین شرایط وام‌ها را برای کمک به شرکت‌های کوچک و متوسط (SMEs) و افراد خوداشتغال که با مشکلات مالی مواجه بودند، تمدید کرد. این رویکرد جامع بخشی از استراتژی وسیع‌تری برای تثبیت اقتصاد، ترویج بهبود و اطمینان از دسترسی به خدمات اساسی برای عموم مردم بود. از ژانویه ۲۰۲۵، نرخ مالیات شرکتی در چین تقریباً ۲۵ درصد است، در حالی که کسب‌وکارهای کوچک ممکن است بسته به اندازه و صنعت خود از نرخ‌های کاهش‌یافته یا سیاست‌های ترجیحی بهره‌مند شوند. همچنین، وام‌های با بهره پایین برای کسب‌وکارها معمولاً با نرخ‌هایی در حدود ۳,۱ درصد برای وام‌های یک‌ساله ارائه می‌شود که بخشی از تلاش‌های مداوم بانک مرکزی چین برای حمایت از رشد اقتصادی و بهبود است.

بازار املاک:

مختلف خود تمرکز دارد. بحران Evergrande نه تنها بر روی خود شرکت بلکه بر کل صنعت املاک و اقتصاد چین تأثیر گذاشته و نگرانی‌هایی را درباره آینده بازار مسکن و ثبات اقتصادی ایجاد کرده است.

^{۴۸}Trade Implications of China's Subsidies in - IMF eLibrary:

<https://www.elibrary.imf.org/view/journals/001/2024/180/article-A001-en.xml>

دفتر چهارم: دوره رشد اقتصادی شتابان و ادغام با اقتصاد جهانی (از اوایل دهه ۲۰۰۰ به بعد)

بازار املاک در چین یکی از بخش‌های کلیدی اقتصاد این کشور است که در سال‌های اخیر با بحران‌های جدی مواجه شده است. بحران شرکت‌های بزرگ املاک و مستغلات، به ویژه **اورگرند (Evergrande)**، تأثیرات گسترده‌ای بر اقتصاد چین و حتی اقتصاد جهانی گذاشته است.

۱. بحران اورگرند

یکی از بزرگ‌ترین مشکلات بخش املاک در چین، بحران مالی **اورگرند** است. این شرکت، که یکی از بزرگ‌ترین توسعه‌دهندگان املاک در چین بود، در سپتامبر ۲۰۲۱ به دلیل **بدهی‌های سنگین** و ناتوانی در بازپرداخت وام‌های خود با بحران مواجه شد. در آن زمان، اورگرند حدود **۳۰۰ میلیارد دلار** بدهی داشت که این مبلغ شامل وام‌ها و تعهدات مختلف به بانک‌ها، تأمین‌کنندگان، و مشتریان بود. این بحران باعث شد که پروژه‌های زیادی نیمه‌کاره بمانند و بسیاری از خریداران خانه‌های اورگرند با مشکلات مالی روبه‌رو شوند. این موضوع همچنین بر **بازار مسکن چین و اعتماد سرمایه‌گذاران** تأثیر منفی گذاشت.

۲. تأثیر بر بازار مسکن

بحران اورگرند موجب شد که بازار مسکن چین با افت شدید روبه‌رو شود. قیمت خانه‌ها در برخی از شهرهای بزرگ چین مانند شنژن و گوانگژو به شدت کاهش یافت. به گزارش گزارش‌های دولتی، در نیمه اول سال ۲۰۲۲، قیمت خانه‌ها در چین ۶٫۵ درصد کاهش یافت. در سال ۲۰۲۴، قیمت خانه‌ها در چین همچنان به کاهش خود ادامه داد و قیمت‌های جدید خانه‌ها در ۷۰ شهر، در دسامبر به میزان ۵٫۳ درصد نسبت به سال گذشته کاهش یافت. این کاهش، هفدهمین ماه متوالی از کاهش قیمت‌ها بود و نشان‌دهنده چالش‌های مداوم در بخش املاک است، با وجود تلاش‌های دولت برای تحریک بازار از طریق اقداماتی مانند کاهش نرخ‌های وام مسکن. این روند کاهشی پس از افت ۵٫۷ درصدی در نوامبر اتفاق افتاد و بخشی از یک روند کلی است که از میانه سال ۲۰۲۱ آغاز شد، زمانی که قیمت‌ها به میزان ۶٫۵ درصد کاهش یافته بود. این افت مداوم نشان‌دهنده مشکلاتی است که توسعه‌دهندگان با آن مواجه هستند و تأثیر سطح بالای موجودی املاک بدون فروش بر اعتماد مصرف‌کنندگان و فعالیت اقتصادی کلی را نشان می‌دهد.

این کاهش قیمت‌ها باعث شد که تقاضا برای املاک کاهش یابد و بسیاری از خریداران ترجیح دادند خرید خانه را به تعویق بیندازند. در پی این بحران، دولت چین برخی از سیاست‌های حمایت از بازار املاک را اعمال کرد، از جمله کاهش نرخ بهره و تسهیل شرایط برای وام‌های مسکن^{۴۸}.

۳. تأثیر بر رشد اقتصادی چین

بحران بخش املاک به یکی از بزرگ‌ترین تهدیدات برای **رشد اقتصادی چین** تبدیل شده است. طبق گزارش‌ها، بخش مسکن در چین حدود **۲۵ درصد** از تولید ناخالص داخلی (GDP) کشور را تشکیل می‌دهد. در سال ۲۰۲۳، تولید ناخالص داخلی اسمی چین تقریباً **۱۷٫۸ تریلیون دلار** بود، که به این ترتیب سهم بخش مسکن حدود **۴٫۴۵**

۴۸ China Newly Built House Prices YoY Change - Trading Economics :
<https://tradingeconomics.com/china/housing-index>

دفتر چهارم: دوره رشد اقتصادی شتابان و ادغام با اقتصاد جهانی (از اوایل دهه ۲۰۰۰ به بعد)

تریلیون یوان (تقریباً ۴,۴۵ **تریلیون دلار**) برآورد می‌شود. این سهم نشان‌دهنده اهمیت بالای بخش مسکن در اقتصاد چین و تأثیر آن بر رشد اقتصادی و توسعه کشور است. و تأثیر آن بر سایر صنایع نظیر ساخت و ساز، تولید مصالح ساختمانی و بانکداری غیرقابل انکار است. کاهش سرمایه‌گذاری در بخش املاک و مستغلات باعث کاهش رشد اقتصادی چین شده و این بحران به عنوان یکی از دلایل اصلی کاهش نرخ رشد اقتصادی در سال‌های اخیر مطرح است.^{۴۸۳}

۴. سیاست‌های دولت

دولت چین در تلاش است تا با **اعمال سیاست‌های حمایتی و کنترل بدهی‌ها**، بحران املاک را مهار کند. به عنوان مثال، در سال ۲۰۲۱، دولت چین **قوانین جدیدی** برای کاهش بدهی‌های شرکت‌های بزرگ املاک وضع کرد، از جمله اعمال **خط قرمز برای بدهی‌ها** که هدف آن کاهش فشار مالی بر این شرکت‌ها بود. علاوه بر این، **بانک مرکزی چین** در سال‌های اخیر نرخ بهره را کاهش داده و **وام‌های ارزان‌تری** برای خرید مسکن به مردم و شرکت‌ها ارائه کرده است.

۵. تأثیر جهانی

بحران بخش املاک چین نه تنها بر اقتصاد داخلی این کشور تأثیر گذاشت، بلکه **بازارهای جهانی** را نیز تحت تأثیر قرار داد. کاهش تقاضا برای مواد اولیه، **کاهش قیمت مسکن**، و ناآرامی‌های اقتصادی در چین، بر **بازارهای مالی جهانی و زنجیره‌های تأمین بین‌المللی** تأثیر منفی گذاشت. کشورهای دیگر به ویژه کشورهای آسیایی که وابسته به چین بودند، با مشکلاتی در تأمین مواد اولیه و صادرات به چین روبه‌رو شدند.

پیشرفت‌های تکنولوژیکی

نقش چین در رقابت جهانی فناوری

چین، در سال‌های اخیر به یک قدرت بزرگ در عرصه فناوری تبدیل شده است. این کشور با استفاده از استراتژی‌های بلندمدت، سرمایه‌گذاری‌های کلان و تلاش برای تبدیل شدن به رهبر در برخی از صنایع فناوری، به رقابتی بی‌نظیر در سطح جهانی پرداخته است. در این مقاله، به بررسی نقش چین در رقابت جهانی فناوری، ابتکارات اصلی این کشور، چالش‌ها و فرصت‌ها پرداخته خواهد شد.

دفتر چهارم: دوره رشد اقتصادی شتابان و ادغام با اقتصاد جهانی (از اوایل دهه ۲۰۰۰ به بعد)

توسعه زیرساخت‌های فناوری و تحقیق و توسعه (R&D)

چین به شدت در زمینه تحقیق و توسعه (R&D) سرمایه‌گذاری کرده است. این کشور در سال‌های اخیر بودجه‌های قابل توجهی برای تحقیقات علمی و فناوری در نظر گرفته و هدف‌گذاری کرده است که تا سال ۲۰۳۰ به یک رهبر جهانی در زمینه فناوری‌های نوین تبدیل شود. برای مثال، در سال ۲۰۲۰، چین حدود ۲,۴ درصد از تولید ناخالص داخلی خود را به تحقیق و توسعه اختصاص داده است که معادل حدود ۴۰۰ میلیارد دلار است. چین با ایجاد پارک‌های علمی، مراکز نوآوری و تأسیس شرکت‌های فناوری مانند Huawei، Tencent و Alibaba، قادر بوده است خود را در زمینه‌های مختلف از جمله هوش مصنوعی (AI)، اینترنت اشیا (IoT)، رایانش ابری و فناوری‌های سبز گسترش دهد. همچنین، به منظور کاهش وابستگی به فناوری‌های غربی، چین به طور فزاینده‌ای به ساخت نرم‌افزارهای بومی و توسعه سخت‌افزارهای خود روی آورده است.

رهبری در زمینه 5G و ارتباطات از راه دور

یکی از حوزه‌های برجسته‌ای که چین در آن به یک قدرت جهانی تبدیل شده است، فناوری 5G است. شرکت Huawei به عنوان یکی از پیشتازان جهانی در این عرصه شناخته می‌شود. چین از سال‌ها پیش زیرساخت‌های مربوط به شبکه‌های 5G را در سطح وسیع در کشور خود گسترش داده و هم اکنون به یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان این فناوری تبدیل شده است. در سال ۲۰۲۰، چین بیش از ۷۰۰ هزار ایستگاه 5G در کشور خود راه‌اندازی کرد که به طور قابل توجهی به رشد اقتصاد دیجیتال کمک کرده است. همچنین، چین با همکاری کشورهای مختلف، پروژه‌هایی برای توسعه و استقرار شبکه‌های 5G در دیگر نقاط جهان آغاز کرده است.

هوش مصنوعی (AI) و ماشین‌های خودران

چین یکی از کشورهای پیشرو در زمینه هوش مصنوعی (AI) است. این کشور با هدف تبدیل شدن به رهبر جهانی در فناوری AI تا سال ۲۰۳۰، استراتژی‌های بلندمدتی را برای حمایت از شرکت‌های فناوری و پژوهشگران در این حوزه دنبال کرده است. بر اساس گزارش‌ها، چین در حال حاضر از نظر تعداد مقالات منتشرشده در حوزه AI از آمریکا پیشی گرفته است.

۴۸۴ - 5G نسل پنجم فناوری ارتباطات سیار است که سرعت اینترنت، تأخیر و ظرفیت اتصال دستگاه‌ها را به طرز چشمگیری بهبود می‌بخشد. این فناوری می‌تواند سرعت اینترنت را تا ۱۰۰ برابر سریع‌تر از 4G کند، تأخیر کمتری داشته باشد و تعداد بیشتری دستگاه را به شبکه متصل کند. 5G پتانسیل بالایی برای تغییر در صنایع مختلف مانند خودروسازی، بهداشت و اینترنت اشیا دارد.

دستر چهارم: دوره رشد اقتصادی شتابان و ادغام با اقتصاد جهانی (از اوایل دهه ۲۰۰۰ به بعد)

چین علاوه بر هوش مصنوعی، در زمینه‌های مرتبطی مانند وسایل نقلیه خودران و روباتیک نیز سرمایه‌گذاری کرده است. برای مثال، شرکت‌های چینی مانند Baidu^{۴۸۵} در حال توسعه خودروهای خودران هستند که می‌توانند در آینده نزدیک به جایگزینی برای خودروهای سنتی تبدیل شوند.

تأثیر چین بر صنعت نیمه‌هادی‌ها

چین یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان نیمه‌هادی‌ها در جهان است.^{۴۸۶} این کشور بخش بزرگی از زنجیره تأمین جهانی نیمه‌هادی‌ها را در اختیار دارد و در حال حاضر یکی از تولیدکنندگان اصلی مدارهای یکپارچه، چیپ‌های حافظه و دستگاه‌های الکترونیکی به شمار می‌رود. این فناوری برای انواع محصولات مصرفی، از جمله گوشی‌های هوشمند، لوازم خانگی هوشمند و رایانه‌ها ضروری است.

با این حال، چین همچنان به واردات تراشه‌های پیشرفته از کشورهای دیگری مانند ایالات متحده و کره جنوبی وابسته است. تحریم‌های اعمال‌شده توسط ایالات متحده بر شرکت‌هایی مانند Huawei و SMIC (شرکت نیمه‌هادی‌های چین) فشار زیادی بر تلاش‌های این کشور برای دستیابی به استقلال در تولید تراشه وارد کرده است.

چالش‌ها و تهدیدات در رقابت جهانی فناوری

چین با چالش‌های مختلفی در عرصه رقابت جهانی فناوری مواجه است:

- **تحریم‌های فناوری:** تحریم‌ها و محدودیت‌های صادرات فناوری توسط ایالات متحده و کشورهای غربی می‌تواند به شدت تأثیرگذار باشد. به‌ویژه در بخش‌های حساس مانند نیمه‌هادی‌ها و شبکه 5G که چین به فناوری‌های غربی وابسته است.
- **رقابت جهانی:** چین با رقبای بزرگی مانند ایالات متحده و اتحادیه اروپا در زمینه‌های مختلف فناوری مواجه است. به‌ویژه در حوزه‌هایی چون هوش مصنوعی و دستگاه‌های پیشرفته، رقابت بین چین و آمریکا شدت بیشتری یافته است.

۴۸۵ - شرکت Baidu, Inc. یک شرکت چندملیتی فناوری چینی است که در زمینه خدمات اینترنتی و هوش مصنوعی تخصص دارد. این شرکت در سال ۲۰۰۰ توسط رابین لی و اریک ژو تأسیس شد و به سرعت به عنوان یکی از بزرگ‌ترین ارائه‌دهندگان خدمات جستجوی اینترنتی در چین شناخته شد. Baidu با بیش از ۶۰۰ میلیون کاربر فعال ماهانه، خدمات متنوعی از جمله جستجوی اینترنتی، پلتفرم‌های تبلیغاتی، ویدئو، دیکشنری آنلاین و خدمات ابری ارائه می‌دهد. این شرکت همچنین در زمینه‌های نوآورانه‌ای مانند رانندگی خودران و الکترونیک مصرفی هوشمند فعالیت می‌کند و با سرمایه‌گذاری‌های گسترده در هوش مصنوعی، یکی از پیشروان جهانی در این حوزه به شمار می‌آید.

در سال ۲۰۲۴، Baidu به درآمد سالانه ۱۹ میلیارد دلار و سود خالص ۲٫۸ میلیارد دلار دست یافت. این ارقام نشان‌دهنده رشد پایدار شرکت در بازارهای داخلی و بین‌المللی است. Baidu همچنین با توجه به سهم بالای خود در بازار جستجوی چین، به عنوان یکی از قهرمانان ملی فناوری اطلاعات شناخته می‌شود و نقش مهمی در توسعه زیرساخت‌های دیجیتال کشور ایفا می‌کند.

۴۸۶ - چین در سال ۲۰۲۰، چین حدود ۱۶٪ از تولید و ۲۵٪ از مصرف جهانی نیمه‌هادی‌ها را به خود اختصاص داد. تایوان با سهم بیش از ۶۰٪ تولید جهانی تراشه‌ها را به خود اختصاص داده است.

دفتر چهارم: دوره رشد اقتصادی شتابان و ادغام با اقتصاد جهانی (از اوایل دهه ۲۰۰۰ به بعد)

• **حفظ امنیت داده‌ها:** یکی دیگر از چالش‌های مهم چین در عرصه فناوری، امنیت سایبری و حفاظت از داده‌های شخصی است. افزایش نگرانی‌ها در خصوص نظارت دیجیتال و نشت اطلاعات می‌تواند تأثیرات منفی بر اعتماد جهانی به شرکت‌های چینی مانند **Huawei** و **Alibaba** داشته باشد. چین به سرعت در حال تبدیل شدن به یکی از قدرت‌های اصلی در رقابت جهانی فناوری است. این کشور از طریق سرمایه‌گذاری‌های کلان در تحقیق و توسعه، ایجاد زیرساخت‌های پیشرفته، حمایت از شرکت‌های نوآور و تمرکز بر فناوری‌های نوین توانسته است در حوزه‌هایی همچون **۵G**، **هوش مصنوعی** و **نیمه‌هادی‌ها** به پیشرفت‌های قابل توجهی دست یابد. با این حال، چالش‌هایی همچون تحریم‌های فناوری و رقابت با دیگر قدرت‌های جهانی همچنان برای چین وجود دارد که باید به آن‌ها توجه کند.

نوآوری در هوش مصنوعی، بلاک‌چین و انرژی‌های تجدیدپذیر

نوآوری در هوش مصنوعی، بلاک‌چین و انرژی‌های تجدیدپذیر: پیشرفت‌های تکنولوژیکی در چین چین در سال‌های اخیر به عنوان یکی از پیشگامان جهانی در حوزه‌های نوآوری در **هوش مصنوعی**، **بلاک‌چین** و **انرژی‌های تجدیدپذیر** شناخته شده است. این کشور با استفاده از استراتژی‌های هدفمند و سرمایه‌گذاری‌های گسترده در این حوزه‌ها، توانسته به سرعت به رقابت جهانی در این زمینه‌ها بپردازد. این نوآوری‌ها نه تنها به توسعه اقتصادی چین کمک کرده‌اند، بلکه تأثیرات قابل توجهی بر روند تحولات فناوری جهانی داشته‌اند.

هوش مصنوعی (AI) در چین: رهبری در نوآوری

چین در زمینه **هوش مصنوعی** یکی از کشورهای پیشرو است و این حوزه را به عنوان یک اولویت استراتژیک در برنامه‌های خود قرار داده است. چین قصد دارد تا سال ۲۰۳۰ به پیشروترین کشور در زمینه **هوش مصنوعی** تبدیل شود. برای رسیدن به این هدف، دولت چین سرمایه‌گذاری‌های هنگفتی در زیرساخت‌ها، تحقیق و توسعه (R&D) و به ویژه پرورش نیروی کار متخصص در این حوزه انجام داده است.

چین در زمینه‌های مختلفی همچون **بینایی ماشین** (computer vision)، **پردازش زبان طبیعی** (NLP) و **روباتیک** به پیشرفت‌های زیادی دست یافته است. شرکت‌هایی مانند **Baidu**، **Alibaba**، **Tencent** و **Huawei** در این زمینه‌ها سرمایه‌گذاری کرده‌اند و موفقیت‌هایی مانند **سیستم‌های شناسایی چهره**، **دستیارهای هوشمند** و **ماشین‌های خودران** را به بازار عرضه کرده‌اند.

بر اساس گزارش‌ها، چین در حال حاضر دومین کشور از نظر تعداد مقالات علمی منتشر شده در زمینه **هوش مصنوعی** است و از نظر سرمایه‌گذاری در این زمینه نیز یکی از برترین‌ها به شمار می‌رود. برای مثال، **Baidu** در حال توسعه سیستم‌های پیشرفته برای خودروهای خودران است و **Alibaba** از **هوش مصنوعی** در تجارت الکترونیک و خدمات مالی استفاده می‌کند.

بلاک چین در چین: ایجاد اکوسیستم نوآورانه

چین یکی از کشورهای پیشرو در زمینه بلاک چین است. اگرچه این کشور به دلیل نگرانی‌های امنیتی و مالی، تصمیم به محدودیت‌هایی در استفاده از رمزارزها گرفته است، اما بلاک چین به عنوان فناوری پایه در زمینه‌های مختلف، به ویژه در مبادلات تجاری و زنجیره تأمین، به شدت در حال رشد است.

چین در سال‌های اخیر زیرساخت‌های گسترده‌ای برای توسعه بلاک چین ایجاد کرده است. به عنوان مثال، بانک مرکزی چین در حال پیاده‌سازی یوان دیجیتال (e-CNY) است که بر اساس فناوری بلاک چین عمل می‌کند. این ارز دیجیتال به عنوان یک پروژه دولتی، هدف گذاری کرده است تا به عنوان یک ابزار پرداخت جهانی معرفی شود و در کنار آن، چین به دنبال استفاده از بلاک چین برای شفافیت بیشتر در معاملات تجاری و ردیابی محصولات در زنجیره تأمین است. که پیش از این به جزئیات آن پرداختیم.

شرکت‌هایی مانند Ant Group و Tencent نیز در زمینه بلاک چین فعال هستند و کاربردهای این فناوری را در حوزه‌های پرداخت دیجیتال و خدمات مالی توسعه می‌دهند.

انرژی‌های تجدیدپذیر در چین: پیشگامی در بخش سبز

چین به عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده انرژی‌های تجدیدپذیر در جهان شناخته می‌شود. این کشور در حال حاضر بیش از ۳۰ درصد از کل انرژی خورشیدی و بیش از ۴۰ درصد از کل انرژی بادی جهانی را تولید می‌کند. چین با هدف کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی و مقابله با تغییرات اقلیمی، به شدت در حال سرمایه‌گذاری در فناوری‌های سبز است.^{۴۸۷}

۴۸۷ - چین با هدف کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی و مقابله با تغییرات اقلیمی، سرمایه‌گذاری‌های گسترده‌ای در فناوری‌های سبز انجام داده است. در ادامه، آمار و برنامه‌های کلیدی این کشور در این زمینه ارائه می‌شود:

سرمایه‌گذاری‌ها:

- نیاز به سرمایه‌گذاری تا سال ۲۰۵۰: چین تا سال ۲۰۵۰ به حدود ۲۶ تریلیون دلار سرمایه‌گذاری در بخش سبز نیاز دارد.
- سرمایه‌گذاری در برنامه پنج‌ساله چهاردهم: در چهاردهمین برنامه پنج‌ساله چین، این کشور حدود ۶ تریلیون دلار را برای مقابله با تغییرات اقلیمی و حمایت از اقتصاد دیجیتال اختصاص داده است.
- تسهیلات ویژه بانک مرکزی: بانک مرکزی چین یک تسهیلات ویژه به ارزش ۵۰۰ میلیارد یوان (حدود ۷۰،۴۷ میلیارد دلار) برای حمایت از نوآوری‌های فناوری، تحول فنی و نوسازی تجهیزات ایجاد کرده است.

برنامه‌های کلیدی:

- کاهش مصرف سوخت‌های فسیلی: چین هدف گذاری کرده است که تا سال ۲۰۶۰، مصرف سوخت‌های فسیلی به کمتر از ۲۰ درصد از مصرف کل انرژی کاهش یابد.
- توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر: دولت چین در تلاش است تا با گسترش استفاده از منابع انرژی تجدیدپذیر، وابستگی به سوخت‌های فسیلی را کاهش دهد.
- توسعه ابزارهای مالی سبز: چین موفق به ایجاد طیف وسیعی از ابزارهای مالی سبز شده است، از وام‌ها و اوراق قرضه سبز گرفته تا صندوق‌های سرمایه‌گذاری سهام که سرمایه‌های بازار را به سمت پروژه‌های سبز هدایت می‌کنند. این اقدامات نشان‌دهنده عزم راسخ چین در جهت توسعه پایدار و کاهش تأثیرات منفی زیست‌محیطی است.

دفتر چهارم: دوره رشد اقتصادی شتابان و ادغام با اقتصاد جهانی (از اوایل دهه ۲۰۰۰ به بعد)

چین همچنین در حال توسعه شبکه‌های برق هوشمند و باتری‌های ذخیره‌سازی انرژی است که می‌تواند به پایداری شبکه‌های انرژی و کاهش ضایعات انرژی کمک کند. به طور خاص، در زمینه انرژی خورشیدی، چین بیش از ۷۰ درصد از تولید پنل‌های خورشیدی جهان را به خود اختصاص داده است و شرکت‌هایی مانند LONGi و JinkoSolar پیشگامان این صنعت در سطح جهانی هستند.

علاوه بر این، چین به دنبال توسعه وسایل نقلیه الکتریکی (EV) به منظور کاهش آلودگی هوا و افزایش استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر در حمل و نقل است. به عنوان مثال، BYD و NIO از جمله شرکت‌های چینی هستند که در زمینه تولید خودروهای الکتریکی به سرعت رشد کرده‌اند و در حال رقابت با بزرگ‌ترین تولیدکنندگان خودرو در جهان هستند.

چالش‌ها و فرصت‌ها در پیشرفت‌های تکنولوژیکی چین

گرچه چین به دستاوردهای چشمگیری در این حوزه‌ها رسیده است، اما همچنان با چالش‌های مختلفی مواجه است. این چالش‌ها شامل مشکلات حقوقی و امنیتی در زمینه‌های هوش مصنوعی و بلاک چین، نیاز به کاهش وابستگی به فناوری‌های خارجی، و مشکلات محیط‌زیستی مرتبط با تولید انرژی‌های تجدیدپذیر می‌شود. با این حال، فرصت‌های زیادی نیز پیش روی چین وجود دارد. این کشور می‌تواند از پتانسیل‌های فناوری‌های نوین برای ایجاد مشاغل جدید، بهبود زیرساخت‌ها و توسعه اقتصادی استفاده کند. همچنین، با توجه به پیشرفت‌های فناوری در زمینه‌های انرژی‌های تجدیدپذیر و وسایل نقلیه الکتریکی، چین می‌تواند نقشی کلیدی در مبارزه با تغییرات اقلیمی و دستیابی به اهداف توسعه پایدار جهانی ایفا کند.

چین در زمینه نوآوری در هوش مصنوعی، بلاک چین و انرژی‌های تجدیدپذیر به دستاوردهای قابل توجهی دست یافته است. این کشور با سرمایه‌گذاری‌های گسترده در تحقیق و توسعه، توسعه فناوری‌های پیشرفته و همکاری‌های بین‌المللی، توانسته است خود را به عنوان یک بازیگر اصلی در عرصه جهانی معرفی کند. با این حال، چالش‌های موجود، به ویژه در زمینه امنیت، حقوقی و محیط‌زیستی، نیاز به توجه و حل دارند. به طور کلی، چین به عنوان یکی از پیشگامان فناوری‌های نوین، در حال شکل‌دهی به آینده جهان در این حوزه‌ها است.

برنامه (Made in China 2025)

برنامه "ساخت چین ۲۰۲۵ (Made in China 2025)" یکی از استراتژی‌های کلیدی دولت چین برای تحول صنعتی و پیشرفت تکنولوژیکی است که هدف آن ارتقای سطح فناوری و تولید در این کشور است. این برنامه با هدف تبدیل چین به یک قدرت جهانی در فناوری‌های پیشرفته، به ویژه در زمینه‌های رباتیک، هوافضا، تکنولوژی اطلاعات، بیوتکنولوژی، انرژی‌های تجدیدپذیر و خودروهای الکتریکی طراحی شده است. این طرح که در سال ۲۰۱۵ توسط دولت چین اعلام شد، به عنوان یک پاسخ به نیازهای اقتصادی این کشور برای تغییر ساختار صنعتی و کاهش وابستگی به تکنولوژی‌های وارداتی به شمار می‌رود.

هدف اصلی برنامه "ساخت چین ۲۰۲۵"

هدف اصلی این برنامه، تقویت تولید داخلی و نوآوری تکنولوژیک به گونه‌ای است که چین به طور قابل توجهی از وابستگی به واردات فناوری‌های پیشرفته و ماشین‌آلات خارجی رهایی یابد. در این برنامه، چین بر روی بهبود و ارتقای ۱۰ صنعت استراتژیک تمرکز دارد که از جمله آنها می‌توان به هوش مصنوعی (AI)، رباتیک پیشرفته، هوافضا، انرژی‌های تجدیدپذیر و وسایل نقلیه الکتریکی اشاره کرد.

این برنامه به دنبال افزایش سطح تولید کالاهای با ارزش افزوده بالا در چین است، به طوری که صنایع سنتی و غیر تکنولوژیکی در آینده به تدریج کاهش یابند و صنایع با فناوری پیشرفته جایگزین آن‌ها شوند.

حوزه‌های کلیدی برنامه

چین در راستای برنامه "ساخت چین ۲۰۲۵" از چندین بخش کلیدی حمایت می‌کند که می‌توان به تفکیک در این بخش‌ها اشاره کرد:

الف) رباتیک پیشرفته

چین از مدت‌ها پیش به دنبال توسعه ربات‌های صنعتی و استفاده از آن‌ها در خطوط تولید است. به همین منظور، این کشور در سال‌های اخیر در زمینه تولید و استفاده از ربات‌های صنعتی پیشرفته به رقابت جهانی پرداخته است. بر اساس آمار، چین در حال حاضر بزرگ‌ترین بازار ربات‌های صنعتی در جهان را دارد و در برنامه "ساخت چین ۲۰۲۵" قصد دارد تا تولید ربات‌های صنعتی خود را تا سال ۲۰۲۵ به طور چشمگیری افزایش دهد.

ب) هوافضا

چین در زمینه صنعت هوافضا و فضاپیمایی نیز گام‌های بلندی برداشته است. این کشور به دنبال توسعه فضاپیمای سرنشین‌دار، ماهواره‌های تجاری و تکنولوژی‌های فضایی پیشرفته است. چین در حال حاضر به یکی از بازیگران بزرگ در عرصه فضایی تبدیل شده است و در آینده‌ای نزدیک قصد دارد پروژه‌های بزرگتری مانند ایستگاه فضایی چینی و توسعه ماهواره‌های مخابراتی را نیز محقق کند.

پ) تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات (ICT)

تکنولوژی اطلاعات به عنوان یکی از ارکان اصلی برنامه "ساخت چین ۲۰۲۵" به شمار می‌رود. چین در تلاش است تا صنعت نرم‌افزار، داده‌کاوی و فناوری‌های ابری خود را به سطح جهانی برساند. شرکت‌های بزرگی چون Huawei و Alibaba در این حوزه‌ها سرمایه‌گذاری‌های بزرگی داشته‌اند و در حال رقابت با کشورهای پیشرفته از جمله ایالات متحده هستند. چین همچنین در زمینه ۵G نیز پیشرفت‌های چشمگیری داشته است و به عنوان اولین کشور در دنیا شبکه ۵G را به طور گسترده راه‌اندازی کرده است.

ت) بیوتکنولوژی

بیوتکنولوژی یکی از حوزه‌هایی است که چین در برنامه "ساخت چین ۲۰۲۵" توجه ویژه‌ای به آن داشته است. این کشور با سرمایه‌گذاری‌های گسترده در تحقیق و توسعه در زمینه‌های داروسازی، ژنتیک و زیست‌فناوری به دنبال تبدیل شدن به یکی از قطب‌های جهانی در این حوزه است. در حال حاضر چین با شرکت‌هایی مانند BGI Genomics یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان ابزارهای بیوتکنولوژی و آزمایشگاهی در جهان است.

چالش‌ها و انتقادات

با وجود هدف‌گذاری‌های بلندپروازانه، برنامه "ساخت چین ۲۰۲۵" با چالش‌ها و انتقادهای زیادی روبرو است. یکی از انتقادات به این برنامه مربوط به حمایت‌های دولتی گسترده از صنایع مختلف است که ممکن است منجر به رقابت ناعادلانه با کشورهای دیگر شود. برخی از کشورها، به ویژه ایالات متحده، نگرانی‌هایی درباره سیاست‌های تجاری چین دارند و آن را به عنوان یک روش برای دستیابی به تکنولوژی‌های پیشرفته از طریق نقض حقوق مالکیت معنوی می‌دانند.

علاوه بر این، چین با چالش‌های داخلی مانند فقدان نیروی کار متخصص در برخی از بخش‌های پیشرفته و همچنین مشکلات در زمینه نوآوری بومی روبرو است. برخی از صنایع هنوز هم به فناوری‌های خارجی وابسته‌اند و این موضوع می‌تواند به تحقق اهداف برنامه در بلندمدت آسیب برساند.

در مجموع، برنامه "ساخت چین ۲۰۲۵" نشان‌دهنده عزم راسخ چین برای تبدیل شدن به یک قدرت جهانی در زمینه فناوری‌های پیشرفته است. با این حال، موفقیت این برنامه به عوامل متعددی از جمله سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه، بهبود شرایط حقوقی و قانونی، و توانایی چین در مقابله با چالش‌های جهانی بستگی دارد. این برنامه نه تنها برای چین بلکه برای بازارهای جهانی و رقابت‌های تجاری بین‌المللی تأثیرات عمیقی خواهد داشت.^۲

دفتر پنجم: بررسی ساختار اجتماعی و فرهنگی

دفتر پنجم: بررسی ساختار اجتماعی و فرهنگی

ساختار خانواده و تغییرات اجتماعی

ساختار خانواده و تغییرات اجتماعی در چین: تحولات و چالش‌ها

ساختار خانواده در چین یکی از مهم‌ترین اجزای فرهنگ اجتماعی این کشور بوده است که در طی قرن‌ها تغییرات زیادی را تجربه کرده است. تحولات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در چین به شدت بر نحوه سازمان‌دهی خانواده‌ها تأثیر گذاشته است. خانواده‌های چینی به‌طور سنتی بر اساس ارزش‌های کنفوسیوسی شکل گرفته‌اند که بر احترام به والدین، اطاعت از بزرگان، و تأکید بر هارمونی در روابط خانوادگی تأکید دارند. اما در چند دهه اخیر، با توجه به تغییرات اقتصادی و اجتماعی، این ساختار تحت تأثیر قرار گرفته است. در ادامه در بحث آموزش به آموزه‌های کنفوسیوسی خواهیم پرداخت.

ساختار خانواده سنتی در چین

در گذشته، خانواده در چین به‌طور عمده به‌عنوان واحدی گسترده و چند نسلی شناخته می‌شد. در این نوع خانواده‌ها، چندین نسل از اعضای خانواده در یک خانه یا در نزدیکی یکدیگر زندگی می‌کردند و وظایف مختلف اقتصادی و اجتماعی میان اعضا تقسیم می‌شد. والدین، پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها به‌عنوان مقامات ارشد خانواده احترام می‌دیدند و فرزندان باید به‌طور مطیعانه از آن‌ها پیروی می‌کردند. در این نوع ساختار، نقش‌های جنسیتی به‌وضوح تقسیم شده بود؛ مردان مسئولیت تأمین معاش خانواده را بر عهده داشتند، در حالی که زنان بیشتر مسئولیت‌های خانگی و تربیت فرزندان را عهده‌دار بودند.

تغییرات در ساختار خانواده: از تک‌نسلی به خانواده‌های هسته‌ای

با گذر زمان، خصوصاً پس از دهه ۱۹۸۰ و آغاز اصلاحات اقتصادی چین تحت رهبری دنگ شیائوپینگ، تغییرات زیادی در ساختار اجتماعی و خانوادگی این کشور به‌وجود آمد. روند شهری‌سازی و صنعتی‌سازی موجب شد که خانواده‌های چینی بیشتر به سمت ساختار هسته‌ای^{۴۸} حرکت کنند. در این نوع خانواده‌ها، معمولاً والدین و فرزندان در یک واحد مستقل زندگی می‌کنند و ارتباط کمتری با نسل‌های قبلی دارند. با افزایش

۴۸۸ - خانواده هسته‌ای به واحد خانوادگی اطلاق می‌شود که شامل دو والد و فرزندان‌شان است و معمولاً در یک خانه زندگی می‌کنند. این ساختار با خانواده‌های گسترده که شامل بستگان اضافی مانند پدربزرگ و مادربزرگ، عموها و عمه‌ها هستند، مقایسه می‌شود. خانواده هسته‌ای معمولاً در کشورهای غربی مانند ایالات متحده و کانادا رایج‌تر است و به عنوان یک مدل ایده‌آل در دوران پس از جنگ جهانی دوم شناخته شده است. در بسیاری از کشورهای آسیایی، خانواده‌های گسترده سنتی معمولاً رایج‌تر بوده‌اند، اما با روند شهرنشینی و مدرنیزاسیون، تعداد خانواده‌های هسته‌ای در حال افزایش است. همچنین، در برخی مناطق در حال توسعه، خانواده‌های گسترده هنوز غالب هستند، اما تغییرات اجتماعی و اقتصادی به تدریج منجر به ظهور بیشتر خانواده‌های هسته‌ای می‌شود. به طور کلی، شیوع خانواده‌های هسته‌ای در سطح جهانی در حال افزایش است.

دفتر پنجم: بررسی ساختار اجتماعی و فرهنگی

مهاجرت‌های داخلی، جوانان بسیاری برای جستجوی کار به شهرها مهاجرت کردند، و این باعث کاهش تعاملات میان نسل‌های مختلف شد.

در سال ۲۰۲۴، پیش‌بینی می‌شود که حدود ۶۷ درصد از جمعیت چین در مناطق شهری زندگی کنند.^{۴۹} این رقم نشان‌دهنده افزایش مداوم نرخ شهرنشینی است و بازتاب‌دهنده روندهای جاری مهاجرت از مناطق روستایی به شهری است که به دلیل مدرنیزاسیون و توسعه اقتصادی کشور در حال وقوع است. این تغییرات به نوبه خود، تأثیرات زیادی بر روابط خانوادگی و اجتماعی داشته است. تغییر در میزان وابستگی و تعاملات بین نسل‌ها و نیز کاهش نقش‌های سنتی زنان و مردان در خانواده‌ها، از جمله این تأثیرات است.

سیاست‌های دولتی و تأثیرات آن بر ساختار خانواده

یکی از مهم‌ترین سیاست‌های اجتماعی که بر ساختار خانواده‌ها تأثیر گذاشت، سیاست **یک‌فرزندی** بود که از سال ۱۹۷۹ تا ۲۰۱۵ به‌طور رسمی در چین اجرا می‌شد. هدف این سیاست کنترل جمعیت بود، اما این سیاست آثار زیادی بر ساختار خانواده و روابط اجتماعی داشت. کاهش تعداد فرزندان در خانواده‌ها باعث شد تا نسل‌های جدید تنها به **مراقبت و توجه والدین** نیاز داشته باشند و هزینه‌های تربیت فرزند نیز بیشتر به‌دوش خانواده‌ها افتاد.

در سال ۲۰۱۵، سیاست **یک‌فرزندی** با **سیاست دو فرزند** جایگزین شد، سیاست **دو فرزند** در چین به‌طور رسمی در تاریخ ۱ ژانویه ۲۰۱۶ به مرحله اجرا درآمد. این سیاست به دنبال پایان دادن به سیاست یک‌فرزندی که از سال ۱۹۷۹ اجرایی شده بود، به تصویب رسید و به تمامی زوج‌های متأهل اجازه می‌داد تا دو فرزند داشته باشند. هدف اصلی این تغییر، مقابله با مشکلات ناشی از پیری جمعیت و کاهش نرخ زاد و ولد بود. با وجود این تغییر، نرخ زاد و ولد به طور قابل توجهی افزایش نیافت و بسیاری از زوجها به دلیل هزینه‌های بالای زندگی و تربیت فرزندان در شهرها، تمایلی به داشتن فرزند دوم نشان ندادند. و در سال ۲۰۲۱، این سیاست به **سه فرزند** تغییر کرد تا از بحران پیری جمعیت جلوگیری کند. این سیاست‌ها به‌طور مستقیم بر تعاملات و روابط خانوادگی تأثیر گذاشته‌اند، زیرا خانواده‌ها مجبور بودند به‌طور مرتب تصمیمات اقتصادی و اجتماعی پیچیده‌ای در مورد تعداد فرزندان خود بگیرند.

تأثیر تحولات اقتصادی و اجتماعی بر خانواده‌ها

رشد سریع اقتصادی چین، در کنار مهاجرت‌های وسیع از روستاها به شهرها، سبب شد که ساختار خانواده‌ها از شکل سنتی خود خارج شود. بسیاری از خانواده‌ها به‌ویژه در مناطق شهری، به دلیل تغییر در نوع کار و افزایش درآمد، به سمت سبک زندگی مدرن‌تر سوق یافته‌اند. این تحولات به‌ویژه بر **نقش زنان** در خانواده و جامعه تأثیر

^{۴۹}<https://www.statista.com/statistics/270162/urbanization-in-china/>

دفتر پنجم: بررسی ساختار اجتماعی و فرهنگی

گذاشت. افزایش مشارکت زنان در نیروی کار و حضور آنها در موقعیت‌های شغلی پیشرفته‌تر، باعث شد که زنان چینی استقلال بیشتری در زندگی خانوادگی و اجتماعی پیدا کنند. افزایش مشارکت زنان در نیروی کار در چین به طور قابل توجهی به استقلال بیشتر آنها در زندگی خانوادگی و اجتماعی کمک کرده است. با ورود بیشتر زنان به بازار کار، آنها نه تنها به استقلال مالی دست یافته‌اند، بلکه نقش‌های جنسیتی سنتی را به چالش کشیده‌اند و تعداد زنان در موقعیت‌های شغلی پیشرفته افزایش یافته است. در سال ۲۰۲۴، نرخ مشارکت زنان در نیروی کار حدود ۴۵ درصد پیش‌بینی می‌شود و زنان تقریباً ۴۰,۵ درصد از کارکنان در شرکت‌های غیرخصوصی در مناطق شهری را تشکیل می‌دهند. با وجود این پیشرفت‌ها، چالش‌هایی مانند تبعیض جنسیتی و تعادل بین کار و زندگی همچنان مانع از دستیابی کامل به برابری می‌شود. تلاش‌های مداوم برای بهبود شرایط کاری و ترویج فرصت‌های برابر برای زنان ضروری است تا این روند ادامه یابد و اطمینان حاصل شود که زنان همچنان استقلال و تأثیر بیشتری در خانواده‌ها و جامعه پیدا کنند.^۴

با این حال، این تغییرات همچنین با مشکلاتی همچون افزایش فشارهای مالی، کمبود زمان برای ارتباطات خانوادگی، و تغییر ارزش‌ها همراه بوده است. امروزه، بسیاری از خانواده‌ها در چین با چالش‌هایی مانند موازنه میان کار و زندگی و نگرانی‌های مرتبط با مراقبت از سالمندان روبه‌رو هستند.

بحران پیری جمعیت و تأثیر آن بر خانواده‌ها

یکی از چالش‌های عمده‌ای که در حال حاضر ساختار خانواده‌های چینی با آن مواجه است، بحران پیری جمعیت است. به دلیل سیاست‌های جمعیتی گذشته و کاهش نرخ تولد، چین با رشد قابل توجه جمعیت سالمندان مواجه است. طبق آمار در سال ۲۰۲۰، حدود ۱۸,۷ درصد جمعیت چین بالای ۶۰ سال سن دارند، در پایان سال ۲۰۲۴، جمعیت چین حدود ۱,۴ میلیارد نفر ثبت گردیده است. از این تعداد، تقریباً ۲۹۷ میلیون نفر (حدود ۲۱,۱ درصد) بالای ۶۰ سال سن دارند. پیش‌بینی می‌شود که این رقم تا سال ۲۰۳۰ به ۲۵ درصد از جمعیت کل کشور برسد، که نشان‌دهنده افزایش قابل توجهی در جمعیت سالمندان است این موضوع موجب فشار مضاعف بر ساختار خانواده‌ها شده است، زیرا خانواده‌ها باید علاوه بر تربیت فرزندان، مسئولیت‌های مراقبتی از والدین و سالمندان خود را نیز بر عهده بگیرند.

نقش دولت در حمایت از خانواده‌ها

دولت چین در تلاش است تا از طریق سیاست‌های حمایتی مانند اعطای وام‌های مسکن برای خانواده‌ها و افزایش مراکز مراقبت از سالمندان، فشارهای ناشی از این تغییرات را کاهش دهد. دولت چین حدود ۴ تریلیون یوان، که معادل تقریباً ۵۶۲ میلیارد دلار است، برای حمایت از پروژه‌های مسکونی و ابتکارات مرتبط با احیای بازار املاک اختصاص داده است. این بودجه بخشی از یک استراتژی گسترده‌تر برای

^۴<https://www.adb.org/publications/female-labor-force-participation-asia>

دفتر پنجم: بررسی ساختار اجتماعی و فرهنگی

مقابله با چالش‌های ناشی از کاهش نرخ زاد و ولد و پیری جمعیت است. تخصیص این منابع به تکمیل خانه‌های ناتمام و اطمینان از دریافت حمایت مالی لازم برای پروژه‌های مسکونی در "لیست سفید" دولت کمک می‌کند. این ابتکارات برای تشویق به رشد و ثبات خانواده‌ها و همچنین بهبود شرایط زندگی ساکنان بسیار حیاتی است. در مقابل وام‌های عمومی که برای افراد یا کسب‌وکارها در دسترس است، وام‌های مسکن ارائه‌شده توسط دولت به‌طور خاص به خانواده‌هایی که به دنبال خرید خانه هستند، هدف‌گذاری شده‌اند. این رویکرد هدفمند به کاهش بار مالی بر دوش خانواده‌ها کمک می‌کند و در عین حال نیازهای جمعیت سالخورده را از طریق افزایش بودجه برای مراکز مراقبت از سالمندان و خدمات مرتبط برآورده می‌سازد. همچنین، سیاست‌های جدید به‌منظور کاهش مشکلات مالی خانواده‌ها و حمایت از نسل‌های جوان‌تر در زمینه مسکن و آموزش طراحی شده است.

در چین، "لیست سفید" به فهرستی از پروژه‌های مسکونی یا توسعه‌دهندگانی اشاره دارد که به عنوان پروژه‌های مطابق با استانداردهای نظارتی شناخته شده و بنابراین واجد شرایط دریافت حمایت مالی هستند. این مکانیزم به منظور تسهیل دسترسی به وام‌های بانکی برای پروژه‌های مسکونی که یا به خوبی در حال اجرا هستند یا به طور موقت با مشکلاتی مواجه‌اند، ایجاد شده است. هدف از این اقدام اطمینان از این است که پروژه‌های قابل قبول، منابع مالی لازم را برای ادامه ساخت و تحویل خانه‌ها به خریداران دریافت کنند و بدین ترتیب بازار املاک را تثبیت نمایند. تا اکتبر ۲۰۲۴، دولت تأمین مالی برای این پروژه‌های موجود در لیست سفید را به ۴ تریلیون یوان (تقریباً ۵۶۲ میلیارد دلار) افزایش داده است تا به احیای بخش املاک کمک کند. نرخ بهره وام‌های لیست سفید ممکن است حدود ۳,۷۵ درصد باشد، در حالی که وام‌های عادی می‌توانند بین ۴,۲۵ تا ۴,۷۵ درصد یا بیشتر متغیر باشند و خانواده‌ها معمولاً ملزم به پرداخت حدود ۳۰ تا ۴۰ درصد از قیمت مسکن به‌عنوان پیش‌پرداخت هستند.^{۴۹۱}

وام‌های مسکن برای خانواده‌ها معمولاً به منظور کمک به افراد یا زوجها برای خرید خانه طراحی شده‌اند و اغلب با شرایط مطلوبی مانند نرخ بهره پایین‌تر و الزامات پیش‌پرداخت کاهش‌یافته ارائه می‌شوند. در مقابل، وام‌های تخصیص‌یافته برای پروژه‌های موجود در لیست سفید به توسعه‌دهندگان و ابتکارات خاص املاک که شرایط نظارتی خاصی را برآورده می‌کنند، اختصاص دارد. این وام‌ها اولویت را به پروژه‌هایی می‌دهند که بتوانند انطباق و قابلیت اجرایی خود را نشان دهند، تا اطمینان حاصل شود که منابع مالی به طور مؤثری برای حمایت از تلاش‌های ساخت‌وساز جاری تخصیص یابد. این رویکرد هدفمند برای رسیدگی به چالش‌های مالی توسعه‌دهندگان و همچنین پاسخگویی به تقاضای مسکن در بازاری که تحت فشار قابل توجهی قرار دارد، حیاتی است.

ساختار خانواده در چین در چند دهه اخیر تحولات زیادی را تجربه کرده است. از خانواده‌های سنتی و چند نسلی به سمت خانواده‌های هسته‌ای و شهری، این تغییرات اجتماعی و اقتصادی تأثیرات عمیقی بر روابط خانوادگی و

^{۴۹۱} <https://english.news.cn/20240608/ab28eeb7c7a04e3ad6033faf97c030a/c.html> &
<https://www.spglobal.com/ratings/en/research/articles/240326-credit-faq-will-china-s-white-list-boost-housing-sentiment-13048319>

دفتر پنجم: بررسی ساختار اجتماعی و فرهنگی

فرهنگ چین گذاشته است. با وجود این تحولات، چین همچنان در تلاش است تا از طریق سیاست‌های مختلف، ساختار خانواده‌ها را به گونه‌ای متوازن و هماهنگ با چالش‌های جدید اقتصادی و اجتماعی هدایت کند.

نظام آموزشی

نظام آموزشی و تأثیرات کنفوسیوسی

نظام آموزشی چین یکی از پیچیده‌ترین و گسترده‌ترین سیستم‌های آموزشی در جهان است. این سیستم با تأثیرات فرهنگی و فلسفی عمیق، به‌ویژه آموزه‌های **کنفوسیوس**، شکل گرفته است. تفکر کنفوسیوسی بر اهمیت آموزش، اخلاق، و احترام به سلسله‌مراتب اجتماعی تأکید دارد و به‌طور مستقیم بر ساختار نظام آموزشی چین تأثیر گذاشته است. در این مقاله، به بررسی چگونگی تأثیر آموزه‌های کنفوسیوسی بر نظام آموزشی چین، ویژگی‌های این نظام، و چالش‌ها و فرصت‌های آن خواهیم پرداخت.

آموزه‌های کنفوسیوسی و تأثیر آن بر نظام آموزشی

آموزه‌های کنفوسیوس (۵۵۱-۴۷۹ قبل از میلاد) که در کتاب‌های "چهار کتاب"^{۴۹۲} و "پنج کتاب کلاسیک"^{۴۹۳} ثبت شده‌اند، بر اصول اخلاقی و آموزشی تأکید دارند. یکی از مهم‌ترین تأکیدات او بر اهمیت

۴۹۲ - چهار کتاب حاوی آموزه‌های کنفوسیوس (Four Books) که از متون اصلی فلسفه کنفوسیوسی هستند، عبارت‌اند از:

۱. کتاب «آنالکتس» (Analects)

- مجموعه‌ای از سخنان و گفتگوهای کنفوسیوس با شاگردانش.
- موضوعات اصلی: اخلاق، حکمرانی، و فضایل شخصی مانند احترام و صداقت.
- محور تأکید: اصول رفتاری در روابط انسانی و اجتماعی.

۲. کتاب «منسیوس» (Mencius)

- آموزه‌های فیلسوف منسیوس (پیرو برجسته کنفوسیوس).
- موضوعات اصلی: طبیعت انسان (به‌عنوان ذاتاً نیک)، عدالت اجتماعی، و اخلاق در حکمرانی.
- محور تأکید: وظیفه رهبران برای برقراری عدالت و بهبود رفاه مردم.

۳. کتاب «تعالیم بزرگ» (Great Learning)

- رساله‌ای کوتاه درباره رشد اخلاقی فردی و حکمرانی عادلانه.
- موضوعات اصلی: خودسازی، هماهنگی اجتماعی، و نظم جهانی.
- محور تأکید: تأثیر خودسازی فردی بر اصلاح جامعه و کشور.

۴. کتاب «اعتدال و میانه‌روی» (Doctrine of the Mean)

- رساله‌ای فلسفی درباره تعادل و هماهنگی در رفتار و زندگی.
- موضوعات اصلی: دستیابی به کمال اخلاقی از طریق تعادل و خرد.
- محور تأکید: رفتار عادلانه، هماهنگی درونی، و تطابق با طبیعت.

این چهار کتاب اساس فلسفه و آموزه‌های اخلاقی کنفوسیوسی را تشکیل می‌دهند و به‌عنوان متون کلاسیک کنفوسیوسی در چین و شرق آسیا مورد مطالعه قرار گرفته‌اند.

۴۹۳ - پنج کتاب کلاسیک کنفوسیوس

دفتر پنجم: بررسی ساختار اجتماعی و فرهنگی

آموزش و احترام به معلمان بود. کنفوسیوس معتقد بود که علم و دانش می‌توانند فرد را به انسان کامل تبدیل کنند و به‌طور کلی به جامعه خدمت کنند. به همین دلیل، در چین، احترام به معلمان و آموزه‌های علمی همیشه یک ارزش فرهنگی برجسته بوده است.

این آموزه‌ها در شکل‌دهی به نظام آموزشی چین تأثیرگذار بوده‌اند. در نظام آموزشی چین، انضباط و سخت‌کوشی نقش مهمی ایفا می‌کنند و دانش‌آموزان از کودکی تشویق به رقابت و تلاش برای موفقیت‌های علمی می‌شوند. آموزه‌های کنفوسیوسی همچنین بر وفاداری به خانواده و احترام به بزرگترها تأکید دارند که در ساختار آموزشی نیز قابل مشاهده است.

ویژگی‌های نظام آموزشی چین

نظام آموزشی چین، به‌ویژه در مقاطع ابتدایی و متوسطه، به‌شدت سخت‌گیرانه و متمرکز بر ارزیابی‌های استاندارد است. آزمون‌های ملی مانند **Gaokao** (آزمون ورودی دانشگاه‌ها) بخش عمده‌ای از آینده تحصیلی

این پنج اثر بنیادین آموزه‌های کنفوسیوسی را تشکیل می‌دهند و تأثیر عمیقی بر فرهنگ و فلسفه چین و شرق آسیا داشته‌اند:

۱. کتاب شعر (Book of Songs / Shi Jing)

- مجموعه‌ای از ۳۰۵ شعر شامل اشعار مردمی، سرودهای آئینی، و اشعار درباری.
- موضوعات: طبیعت، زندگی اجتماعی، عشق، و آیین‌های مذهبی.
- تأکید: اهمیت اخلاق و فضیلت در بیان احساسات انسانی.

۲. کتاب تاریخ (Book of Documents / Shu Jing)

- مجموعه‌ای از سخنرانی‌ها، فرامین، و وقایع تاریخی در دوران باستان چین.
- موضوعات: حکمرانی عادلانه، نقش پادشاه، و فلسفه سیاسی.
- تأکید: اصول حکمرانی مبتنی بر عدالت و اخلاق.

۳. کتاب تغییرات (Book of Changes / Yi Jing)

- متن فلسفی و پیشگویانه که شامل ۶۴ الگوی شش خطی (هگزگرام) است.
- موضوعات: هماهنگی بین نیروهای کیهانی و زندگی انسان.
- تأکید: تغییرپذیری و تطبیق‌پذیری در جهان و زندگی.

۴. کتاب آداب و رسوم (Book of Rites / Li Ji)

- کتابی درباره آداب اجتماعی، سنت‌ها، و مراسم مذهبی.
- موضوعات: نظم اجتماعی، احترام به بزرگ‌ترها، و نقش خانواده در جامعه.
- تأکید: اهمیت هماهنگی در روابط انسانی و حفظ سنت‌ها.

۵. بهار و پاییز (Spring and Autumn Annals / Chun Qiu)

- تاریخ‌نگاری حوادث ایالت لو (زادگاه کنفوسیوس) بین سال‌های ۷۲۲ تا ۴۸۱ پیش از میلاد.
- موضوعات: تحلیل سیاسی، اخلاق، و تاریخ.
- تأکید: اهمیت اخلاق و عدالت در وقایع تاریخی.

این پنج کتاب، هسته اصلی تفکر کنفوسیوسی را تشکیل داده و برای قرن‌ها راهنمای اخلاق، سیاست، و جامعه چین بوده‌اند.

دفتر پنجم: بررسی ساختار اجتماعی و فرهنگی

دانش‌آموزان را تعیین می‌کنند. این آزمون‌ها تأثیر بسیاری در فشار تحصیلی بر دانش‌آموزان دارند. دانش‌آموزان چینی برای آمادگی در این آزمون‌ها از سنین پایین شروع به مطالعه و تمرین‌های فشرده می‌کنند.

- **تمرکز بر دانش نظری:** نظام آموزشی چین بر مفاهیم انتزاعی و دانش پایه تأکید دارد، که بیشتر بر مباحث ریاضی، علوم طبیعی، و زبان چینی متمرکز است.
- **رقابت‌گرایی شدید:** سیستم آموزش چین به‌طور گسترده‌ای بر رقابت تأکید دارد. از دانش‌آموزان انتظار می‌رود که در آزمون‌ها و دروس مختلف عملکرد عالی داشته باشند تا بتوانند وارد دانشگاه‌های معتبر شوند.
- **فرهنگ سخت‌کوشی و انضباط:** در نظام آموزشی چین، ارزش‌های اخلاقی و آموزشی بر اساس انضباط فردی و جمعی و تلاشی بی‌وقفه برای موفقیت تعریف می‌شوند. این ویژگی‌ها ریشه در آموزه‌های کنفوسیوسی دارند که بر جدیت و پشتکار تأکید دارند.

آزمون گائوکاو و اهمیت آن

آزمون گائوکاو یکی از مهم‌ترین رویدادهای تحصیلی در چین است که بر اساس نتایج آن، وضعیت آینده حرفه‌ای و تحصیلی دانش‌آموزان تعیین می‌شود. در سال ۲۰۲۰، ۹,۴ میلیون نفر در این آزمون شرکت کردند و نمره این آزمون برای ورود به دانشگاه‌ها حیاتی است. سیستم امتیازدهی در گائوکاو به‌طور سنتی به‌صورت رقابتی و مبتنی بر مقایسه با دیگر دانش‌آموزان است و موجب ایجاد فشار زیاد بر دانش‌آموزان می‌شود. با اینکه سیاست‌هایی برای کاهش فشار روانی بر دانش‌آموزان در حال اجرا است، همچنان تأثیرات این رقابت‌های شدید بر سیستم آموزشی چین مشهود است. آموزه‌های کنفوسیوسی بر آموزش به‌عنوان مسیری برای رشد شخصی و خدمت به جامعه تأکید دارند و همین تأکیدات بر اهمیت موفقیت‌های فردی در جامعه تأثیرگذار است.

چالش‌های نظام آموزشی چین

اگرچه نظام آموزشی چین به موفقیت‌های زیادی دست یافته است، اما چالش‌هایی نیز وجود دارند که ناشی از تأثیرات فرهنگی و اقتصادی است. برخی از این چالش‌ها شامل:

- **فشار روانی و استرس:** سیستم رقابتی باعث ایجاد استرس شدید در دانش‌آموزان شده است. این فشار به‌ویژه در دوره‌های آمادگی برای آزمون‌های بزرگ مانند گائوکاو قابل توجه است.
- **عدم توجه به خلاقیت:** نظام آموزشی چین به شدت بر آزمون‌محوری تمرکز دارد و توجه کمی به پرورش خلاقیت و تفکر انتقادی دارد.
- **تفاوت‌های منطقه‌ای:** در حالی که مدارس در شهرهای بزرگ به امکانات بهتری دسترسی دارند، دانش‌آموزان در مناطق روستایی با مشکلات زیادی از جمله کمبود معلم و منابع آموزشی ناکافی روبه‌رو هستند.

دFTER پنجم: بررسی ساختار اجتماعی و فرهنگی

تأثیر آموزه‌های کنفوسیوسی بر اخلاق آموزشی

آموزه‌های کنفوسیوس بر انضباط اجتماعی، احترامات متقابل، و تلاش برای بهبود مستمر تأکید دارند. به همین دلیل، دانش‌آموزان چینی به‌طور سنتی از کودکی آموزش‌های اخلاقی را از خانواده و مدرسه دریافت می‌کنند. این اصول به‌طور مستقیم در روابط میان معلمان و دانش‌آموزان و همچنین در نحوه اداره کلاس‌ها و مدارس تأثیرگذار بوده است.

تحولات اخیر و چشم‌اندازهای آینده

چین در حال گذار از یک سیستم آموزشی سنتی به یک سیستم مدرن‌تر است که به دنبال پرورش تفکر انتقادی، نوآوری و خلاقیت در دانش‌آموزان است. دولت چین در تلاش است تا فشارهای رقابتی را کاهش دهد و فرصت‌های برابر برای دانش‌آموزان از مناطق مختلف را از طریق برنامه‌های آموزشی جدید فراهم کند. در کنفرانس کار ملی آموزش ۲۰۲۵، مقامات بر اهمیت ایجاد یک سیستم آموزشی با کیفیت و متوازن تأکید کردند که به نیازهای جمعیتی و تغییرات اجتماعی پاسخ دهد. این اقدامات شامل بهبود کیفیت مدارس و تنظیم تدریس‌های خارج از مدرسه است تا اطمینان حاصل شود که گروه‌های آسیب‌پذیر نیز به آموزش با کیفیت دسترسی دارند. دولت همچنین بر روی اصلاحات در امتحانات ورودی مدارس و احیای دبیرستان‌های سطح شهرستان تمرکز دارد. این تغییرات به منظور کاهش نابرابری‌های آموزشی و فراهم کردن بستر مناسب برای رشد استعدادهای جوان طراحی شده‌اند. با توجه به اینکه آموزش به عنوان یکی از ارکان اصلی افزایش توانایی‌های نوآوری چین شناخته می‌شود، این برنامه‌ها می‌توانند تأثیرات مثبتی بر آینده تحصیلی و شغلی نسل‌های آینده داشته باشند. هدف کلی این تغییرات، تبدیل چین به یک "قدرت آموزشی" جهانی است که نه تنها بر یادگیری علمی بلکه بر توسعه مهارت‌های عملی و اجتماعی نیز تمرکز دارد. نظام آموزشی چین، با تأثیرات عمیق کنفوسیوسی، بر اساس اصول سخت‌گیری، رقابت، و انضباط بنا شده است. این سیستم اگرچه در بسیاری از زمینه‌ها موفق عمل کرده است، اما همچنان با چالش‌هایی همچون فشار روانی، نابرابری‌های منطقه‌ای، و کمبود توجه به خلاقیت روبه‌رو است. تحولات جدید در سیاست‌های آموزشی ممکن است به چین کمک کند تا به تعادلی میان مفاهیم سنتی و نیازهای مدرن دست یابد.^۴

مذهب و معنویت در چین

مذهب و معنویت در چین: تأثیرات فرهنگی و اجتماعی

چین، به عنوان یکی از قدیمی‌ترین تمدن‌های جهان، تاریخ غنی و پیچیده‌ای از مذهب و معنویت دارد. این کشور، با بیش از ۱,۴ میلیارد نفر جمعیت، مذهب را به‌عنوان جزئی اساسی از فرهنگ و هویت خود پذیرفته است. طی قرون گذشته، دین و فلسفه در چین نه تنها نقش مهمی در هدایت افراد به سوی معنویت داشته، بلکه در شکل‌دهی

^۴ https://english.www.gov.cn/news/۱۳/۲۰۲۵/۱/content_WS۶۷۸۴۷۸۰fc۶d۰۸۶۸f۴e۸eec۴۶.html

دفتر پنجم: بررسی ساختار اجتماعی و فرهنگی

به ساختار اجتماعی، اخلاقی و سیاسی نیز تأثیرگذار بوده است. مذهب در چین با مجموعه‌ای از فلسفه‌ها و آیین‌ها ترکیب شده که به‌طور خاص در تعامل با آموزه‌های کنفوسیوس، بودیسم و تائوئیسم شکل گرفته است.

مذهب و فلسفه در چین: کنفوسیوس، تائوئیسم و بودیسم

چین دارای سنت‌های مذهبی متنوعی است که تأثیرات عمیقی در تاریخ فرهنگی و اجتماعی این کشور گذاشته‌اند. از جمله اصلی‌ترین مذاهب و فلسفه‌ها در چین می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- **کنفوسیوس‌سیسم:** هرچند کنفوسیوس (۵۵۱-۴۷۹ پیش از میلاد) خود یک فیلسوف مذهبی نبود، ولی آموزه‌های او مباحث اخلاقی و اجتماعی بسیاری را مطرح کرد که به یکی از ارکان فرهنگی چین تبدیل شده است. اصول این مکتب، مانند احترام به بزرگترها، تلاش برای ارتقای اخلاق فردی و ایجاد هماهنگی اجتماعی، به‌طور مستقیم در رفتار فردی و اجتماعی مردم چین مؤثر بوده است. کنفوسیوس‌سیسم در مقایسه با دیگر آیین‌ها بیشتر بر اخلاق و رفتار انسانی تمرکز دارد تا مفاهیم ماورایی.
- **تائوئیسم:** این مکتب دینی و فلسفی به تأسیس آراء **لاوتزو** در قرن ششم پیش از میلاد برمی‌گردد. تائوئیسم بیشتر بر طبیعت و هماهنگی با آن تأکید دارد. تائو به معنای "راه" یا "مسیر" است و این

۴۹۵ - لاوتزو - (Laozi) فیلسوف بزرگ تائوئیسم

لاوتزو (Laozi)، که به معنای "استاد پیر" است، یکی از فیلسوفان برجسته و بنیان‌گذاران تائوئیسم (Taoism) است. وی در قرن ششم پیش از میلاد در چین زندگی می‌کرد، اما برخی منابع تاریخی حضور او را افسانه‌ای می‌دانند. آثار و آموزه‌های او تأثیر عمیقی بر فرهنگ و فلسفه چین و شرق آسیا داشته است.

زندگی و افسانه‌ها

- **هویت:** اطلاعات دقیق درباره زندگی لاوتزو موجود نیست. او را نگارنده اثر معروف "**تائو ته جینگ**" می‌دانند.
- **خاستگاه:** گفته می‌شود لاوتزو در ایالت چو (جنوب چین امروزی) متولد شد.
- **افسانه‌ها:** طبق روایت‌ها، لاوتزو به دلیل ناراحتی از فساد و بی‌عدالتی، چین را ترک کرد. نگهبانی در مرز از او خواست آموزه‌هایش را به نگارش درآورد که نتیجه‌اش "**تائو ته جینگ**" بود.

آموزه‌های فلسفی لاوتزو

۱. تائو: (Tao)

- ✓ "تائو" به معنای "راه" یا "مسیر" است.
- ✓ تائو یک اصل جهانی است که همه چیز در جهان از آن سرچشمه می‌گیرد.
- ✓ انسان باید با جریان طبیعی تائو هماهنگ باشد.

۲. وو وی: (Wu Wei)

- ✓ به معنای "بی‌عملی" یا "عمل بدون تلاش".
- ✓ تأکید بر زندگی ساده و طبیعی، بدون اجبار یا دخالت بیش از حد در امور.

۳. سادگی و تواضع:

- ✓ زندگی ساده و دوری از جاه‌طلبی، کلید خوشبختی است.
- ✓ قدرت واقعی در تواضع و نرم‌خویی نهفته است.

دفتر پنجم: بررسی ساختار اجتماعی و فرهنگی

فلسفه تأکید دارد که انسان‌ها باید به‌طور طبیعی با جهان اطراف خود همگام شوند و از رابطه معنوی با طبیعت بهره ببرند. تأثیرات تائوئیسم در هنر، ادبیات و پزشکی چین بسیار مشهود است.

- **بودائیسیم:** بودیسم در حدود قرن اول میلادی از هند وارد چین شد و به سرعت در بین مردم گسترش یافت. این دین به اصولی مانند **رهایی از رنج و رسیدن به روشنی درونی** تأکید دارد. بودیسم چینی با سنت‌های محلی و فلسفه‌های چینی ترکیب شد و به شکل‌هایی مانند **چان (مدرسی) و تائو بودیسم** ظهور کرد. این دین همچنین تأثیر زیادی بر ادبیات، هنر و آداب‌ورسوم چین گذاشت.

۴. هماهنگی با طبیعت:

- ✓ انسان باید خود را بخشی از طبیعت بداند و نه مسلط بر آن.
- ✓ هماهنگی با طبیعت، شادی و آرامش را به ارمغان می‌آورد.

۵. نفی ثروت و قدرت افراطی:

- ✓ لاوتزو ثروت‌اندوزی و جاه‌طلبی را سرچشمه فساد و آشفتگی در جامعه می‌دانست.

اثر مشهور لاوتزو: "تائو ته جینگ (Tao Te Ching)"

- ساختار: شامل ۸۱ قطعه کوتاه است که به شعر نوشته شده.
- موضوعات اصلی:
 - ✓ فلسفه تائو و زندگی هماهنگ با آن.
 - ✓ راهنمایی برای حکمرانی عادلانه و زندگی فردی آرام.
- تأثیر: این کتاب پایه‌گذار تفکر تائوئیسم و منبع الهام بسیاری از فیلسوفان و سنت‌های معنوی در شرق و غرب بوده است.

تأثیر و میراث لاوتزو

۱. فلسفی و معنوی:

- ✓ لاوتزو بنیان‌گذار یکی از سه سنت فکری اصلی چین (کنفوسیوس‌یسم، تائوئیسم، و بودیسم) است.
- ✓ آموزه‌های او همچنان در حوزه‌های روان‌شناسی، فلسفه، و عرفان تأثیرگذار است.

۲. فرهنگی:

- ✓ تائوئیسم به‌عنوان یک دین رسمی و فلسفه در چین، برگرفته از آموزه‌های لاوتزو است.
- ✓ مفاهیم او مانند هماهنگی و تعادل در هنر، معماری، و پزشکی سنتی چین دیده می‌شود.

۳. سیاسی:

- ✓ ایده‌های لاوتزو درباره حکمرانی کم‌دخال و مبتنی بر طبیعت، الهام‌بخش برخی حکومت‌های باستانی بوده است.
- لاوتزو، با تأکید بر هماهنگی با طبیعت، تواضع، و زندگی ساده، الگویی متفاوت از حکمت و راه زندگی ارائه داد. آموزه‌های او در کتاب "تائو ته جینگ" راهنمایی برای یافتن آرامش و هماهنگی درونی و بیرونی است و همچنان در دنیای مدرن الهام‌بخش افراد بسیاری در سراسر جهان است.

۴۹۶ - بوداگرایی چینی، که به شکل خاصی از مکتب مهاتما (Chánzōng) در چین به نام **چان (禪宗)** شناخته می‌شود، در حدود قرن ششم میلادی شکل گرفت. این مکتب به دلیل تأکید بر تجربه مستقیم و مدیتیشن به جای تکیه بر متون و مطالعه علمی شناخته می‌شود. واژه "چان" از کلمه سانسکریت *dhyāna* به معنای "مدیتیشن" گرفته شده است. برخلاف سایر مکتب‌های بوداگرایی که بر آموزش‌های متنی تمرکز دارند، چان ایده‌ای را ترویج می‌کند که روشن‌گری می‌تواند از طریق بینش شخصی و تمرین مدیتیشن حاصل شود. این رویکرد تغییر رادیکالی در شیوه‌های سنتی بوداگرایی بود و اهمیت تعاملات رو در رو بین استادان و دانش‌آموزان را به عنوان راهی برای انتقال حکمت مورد تأکید قرار داد. توسعه بوداگرایی چان تحت تأثیر شخصیت‌های کلیدی مانند **هوی‌نگ**، ششمین پدر معنوی این مکتب، قرار داشت که برای

دFTER پنجم: بررسی ساختار اجتماعی و فرهنگی

مذهب و دولت در چین: رابطه پیچیده

در چین، رابطه میان مذهب و دولت تاریخ پیچیده‌ای دارد. در طول تاریخ چین، دولت‌ها اغلب بر اساس اصول فلسفی و مذهبی خاصی حکومت می‌کردند، اما در دوره‌های مختلف، مذهب و آیین‌ها تحت تأثیر سیاست‌های دولتی قرار گرفته‌اند.

- در دوران امپراطوری‌های چین، از جمله دین رسمی (مثل تائوئیسم در سلسله‌های مختلف) حمایت می‌شد و حکومت‌ها بسیاری از آیین‌های مذهبی را تأسیس و به‌طور رسمی تقویت می‌کردند.
- در دوره‌های کمونیستی چین، از جمله دوره حکومت مائو زدوونگ، مذهب به‌طور جدی سرکوب شد و دولت تلاش کرد تا مذهب را از زندگی مردم حذف کند. این رویکرد تحت عنوان دولت سوسیالیستی و کمونیستی تعریف شد، که به‌ویژه در دوران فرهنگی انقلاب (۱۹۶۶-۱۹۷۶) به اوج خود رسید.
- با این حال، در دهه‌های اخیر، تحت رهبری دولت فعلی چین، سیاست‌های آزادی مذهبی به‌طور محدودتری اعمال شده است، به‌ویژه در مورد مذاهب‌های غیرسنتی.^{۴۹۷} در عین حال، چین همچنان بر کنترل‌های خود بر فعالیت‌های مذهبی در زمینه‌هایی مانند آزادی عقیده و مراکز مذهبی نظارت می‌کند.

درک دسترسی‌پذیرتر و تجربی‌تر از بوداگرایی تبلیغ می‌کرد. تحت رهبری او، چان به عنوان یک مکتب مستقل با دکتربین‌ها و شیوه‌های خاص خود شکل گرفت و منجر به تشکیل سلسله‌مراتب مختلفی مانند مدارس شمالی و جنوبی شد. آموزه‌های چان اغلب عناصر فرهنگ و فلسفه چینی را در خود گنجانده‌اند و این موضوع باعث شده است که این مکتب به‌طور خاص با زمینه چینی سازگار باشد. با گذشت زمان، چان فراتر از چین گسترش یافت و به کشورهای دیگر شرق آسیا مانند ژاپن (به نام زن) و ویتنام (به نام تی‌هین) منتقل شد، در حالی که اصول اصلی خود یعنی مدیتیشن و تجربه مستقیم را به عنوان راه‌هایی برای رسیدن به روشن‌گری حفظ کرد.

^{۴۹۷} - در سیاست‌های دینی چین، "مذاهب غیرسنتی" به گروه‌ها و باورهای اشاره دارد که خارج از پنج مذهب رسمی به رسمیت شناخته‌شده توسط دولت چین فعالیت می‌کنند یا از دیدگاه دولت به‌عنوان تهدیدی برای ثبات اجتماعی و سیاسی تلقی می‌شوند.

پنج مذهب رسمی و سنتی در چین: ۱. بودیسم ۲. تائوئیسم ۳. اسلام ۴. مسیحیت پروتستان ۵. مسیحیت کاتولیک
این مذاهب تحت نظارت دولت فعالیت می‌کنند و مراکز مذهبی، روحانیون، و مراسمشان باید با تأیید مقامات دولتی باشند.

مذاهب غیرسنتی

این اصطلاح به مذاهب، گروه‌های دینی، یا فرقه‌هایی اطلاق می‌شود که:

۱. خارج از ساختار نظارتی دولت عمل می‌کنند.
۲. فاقد تأیید رسمی دولت هستند.
۳. به‌عنوان تهدیدی برای امنیت یا نظم اجتماعی تلقی می‌شوند.

مثال‌هایی از مذاهب غیرسنتی:

- فالون گونگ (Falun Gong): یک گروه معنوی و تمرینی مبتنی بر مدیتیشن و اصولی مانند حقیقت، نیک‌خواهی، و بردباری. دولت چین این گروه را در اواخر دهه ۱۹۹۰ به‌عنوان یک "فرقه خطرناک" ممنوع کرد و با آن مقابله شدیدی کرد.
- کلیساهای خانگی پروتستانی: برخی از گروه‌های مسیحی که خارج از کلیساهای رسمی دولتی فعالیت می‌کنند و از نظارت دولت اجتناب می‌کنند.
- جنبش‌های مسیحی جدید: مانند "کلیسای خدای قادر مطلق" که به دلیل فعالیت‌های زیرزمینی و تبلیغات گسترده، مورد سرکوب قرار گرفته‌اند.

دفتر پنجم: بررسی ساختار اجتماعی و فرهنگی

روحانیت و معنویت در جامعه چین: نگاهی به تغییرات اجتماعی

با وجود محدودیت‌های دولتی، گرایش‌های معنوی و پدیده‌های مذهبی در چین در حال افزایش است. بسیاری از چینی‌ها به دنبال راه‌هایی برای معنویت هستند که شامل بازگشت به فلسفه‌های سنتی مانند کنفوسیوس‌سیسم و تائوئیسم یا جستجوی گزینه‌های جدیدتر مانند مدیتیشن و یوگا است. علاوه بر این، بسیاری از شهروندان چینی به بودا پرستی و مذاهب جدید علاقه‌مند شده‌اند.

در چین امروز، اگرچه مذهب رسمی تحت نظارت است، اما تمرین‌های معنوی شخصی به شکل گوناگون وجود دارد. جشن‌ها و آیین‌های مذهبی همچنان بخش بزرگی از زندگی مردم را تشکیل می‌دهند و در مراسم‌های مذهبی سنتی مانند جشنواره‌های بهار و مراسم‌های تائوئیستی مشارکت فعال دارند.

تأثیرات جهانی شدن بر مذهب و معنویت در چین

با رشد جهانی شدن و گسترش رسانه‌های اجتماعی، دسترسی به اطلاعات مذهبی و معنوی در چین نیز افزایش یافته است. بسیاری از مردم در چین به دنبال دین‌های جهانی مانند مسیحیت و اسلام هستند. همچنین، پدیده‌های جدید معنوی مانند جنبش‌های خودیاری و رشد شخصی در این کشور محبوبیت پیدا کرده‌اند. در دهه‌های اخیر، چین همچنین شاهد بازگشت به مراکز معنوی مانند تائوئیسم و بودا پرستی بوده است. بسیاری از مردم به‌ویژه در مناطق روستایی به دنبال زندگی معنوی‌تر هستند و در این زمینه تحولات جدیدی مشاهده می‌شود.

چالش‌های مذهبی در چین معاصر

- **کنترل دولت:** دولت چین همچنان نظارت شدیدی بر نهادهای مذهبی و مذهبیون دارد. برخی آیین‌ها مانند فالون گونگ به‌طور رسمی ممنوع هستند و افراد مرتبط با این گروه‌ها تحت فشار و پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

-
- **ادیان عامیانه یا محلی:** برخی از ادیان و باورهای محلی چینی که به‌طور غیررسمی فعالیت می‌کنند و ممکن است خارج از چارچوب دولتی قرار گیرند.

دلایل کنترل بر مذاهب غیرسنتی

۱. **ثبات اجتماعی:** دولت چین معتقد است برخی از این گروه‌ها تهدیدی برای نظم اجتماعی و سیاسی هستند.
 ۲. **حفظ وحدت ملی:** جلوگیری از تأثیرگذاری خارجی بر جوامع مذهبی و تضعیف حاکمیت دولت.
 ۳. **کنترل ایدئولوژیک:** جلوگیری از رواج آموزه‌هایی که با ایدئولوژی رسمی حزب کمونیست چین در تضاد هستند.
- مذاهب غیرسنتی در چین به‌طور کلی گروه‌هایی هستند که خارج از چارچوب کنترل‌شده دولت فعالیت می‌کنند و اغلب به دلیل نگرانی‌های سیاسی یا اجتماعی تحت فشار قرار می‌گیرند. این محدودیت‌ها بخشی از سیاست‌های دولت چین برای نظارت بر تمام ابعاد زندگی عمومی و دینی است.

دفتر پنجم: بررسی ساختار اجتماعی و فرهنگی

• **آزادی دینی:** اگرچه چین از نظر قانونی آزادی دینی را تضمین می‌کند، اما این آزادی با محدودیت‌هایی روبه‌رو است و برای فعالیت‌های مذهبی به‌ویژه در صورت مخالفت با سیاست‌های دولت، مشکلات زیادی وجود دارد.^{۴۹۸}

در نهایت، **مذهب و معنویت** همچنان بخش مهمی از فرهنگ و هویت چین محسوب می‌شود. گرچه دین در چین به‌طور تاریخی تحت تأثیر تحولات سیاسی قرار گرفته است، اما این کشور در حال حاضر شاهد بازگشتی به فرهنگ‌های مذهبی و معنوی است که تأثیرات گسترده‌ای بر جامعه و فرهنگ مردم دارد. همچنان که چین به سمت جهانی‌شدن پیش می‌رود، احتمالاً این تحولات مذهبی و معنوی همچنان ادامه خواهد یافت و جامعه چین را به سمت توازن بین میراث فرهنگی و پدیده‌های جهانی هدایت خواهد کرد.

هنر، ادبیات و رسانه‌های معاصر

هنر، ادبیات و رسانه‌های معاصر چین: تأثیرات فرهنگی و اجتماعی

چین، با تاریخ و فرهنگی بسیار غنی و پیچیده، هنر، ادبیات و رسانه‌های خود را به‌طور فعال در قرن بیست و یکم به جهانیان معرفی کرده است. هنر و ادبیات در چین، همواره بخش مهمی از فرهنگ این کشور بوده و با تحولاتی که در دهه‌های اخیر به‌وجود آمده، رسانه‌های معاصر و هنرهای جدید، به‌ویژه در زمینه‌های سینما، موسیقی و ادبیات، تأثیر زیادی بر هویت فرهنگی و اجتماعی چین داشته‌اند.

هنر معاصر چین: سنت‌ها و نوآوری‌ها

هنر معاصر چین ترکیبی از سنت‌های باستانی و نوآوری‌های مدرن است. هنرمندان معاصر چین همچنان با بهره‌گیری از سبک‌های سنتی مانند نقاشی چینی و خوشنویسی، به بررسی و پرسش‌گری پیرامون هویت و فرهنگ خود می‌پردازند. در عین حال، هنرمندان جوان‌تر تمایل دارند تا با استفاده از رسانه‌های مدرن، هنر دیجیتال، نقاشی‌های مدرن و میکس مدیا، تحولات جدید فرهنگی را منعکس کنند.

۴۹۸ - آزادی مذهبی در چین در ماده ۳۶ قانون اساسی این کشور ذکر شده است که تصریح می‌کند "شهروندان جمهوری خلق چین از آزادی باورهای مذهبی برخوردارند." با این حال، این آزادی با محدودیت‌هایی مواجه است و دولت می‌تواند قوانین و مقرراتی را وضع کند که فعالیت‌های مذهبی را کنترل کند، به‌ویژه اگر این فعالیت‌ها با سیاست‌های دولتی مغایرت داشته باشند. دولت تنها پنج مذهب رسمی (بوداگرایی، کاتولیسیسم، اسلام، پروتستانتیسم و تائوئیسم) را به رسمیت می‌شناسد و فعالیت‌های مذهبی غیررسمی تحت نظارت شدید قرار دارند. در حالی که قانون اساسی به‌طور رسمی آزادی مذهبی را تضمین می‌کند، اما در عمل، این آزادی تحت محدودیت‌های قابل توجهی قرار دارد که بر اساس سیاست‌های دولت اعمال می‌شود و مقامات به‌طور مداوم بر فعالیت‌های مذهبی نظارت می‌کنند.

د فتر پنجم: بررسی ساختار اجتماعی و فرهنگی

- **نقاشی چینی:** یکی از مهم‌ترین ارکان هنر چین، نقاشی چینی است که در آن از تکنیک‌های خاصی مانند **آبرنگ‌های سنتی** استفاده می‌شود. با این حال، بسیاری از هنرمندان معاصر تلاش کرده‌اند تا این هنر را با **سبک‌های مدرن ترکیب** کنند.^{۴۹}
- **هنر مفهومی و هنر خیابانی:** در سال‌های اخیر، هنر خیابانی و مفهومی در چین رشد چشمگیری داشته است. هنرمندانی مانند **آی وی وی (Ai Weiwei)** که به دلیل آثار معترضان‌اش شناخته شده است، یکی از چهره‌های برجسته این جریان هنری است.

ادبیات معاصر چین: از انقلاب فرهنگی تا دنیای جدید

ادبیات چین همواره تحت تأثیر تغییرات اجتماعی و سیاسی قرار داشته است. پس از انقلاب فرهنگی (۱۹۶۶-۱۹۷۶)، که یکی از تاریک‌ترین دوران‌های تاریخ معاصر چین بود، ادبیات چین وارد مرحله‌ای جدید از نوآوری و بازنگری شد. بسیاری از نویسندگان معاصر چین، از جمله **مو یان (Mo Yan)**، برنده جایزه نوبل ادبیات ۲۰۱۲،

۴۹ - **نقاشی چینی** یکی از قدیمی‌ترین و پیوسته‌ترین سنت‌های هنری در جهان است که ریشه‌های آن به هزاران سال پیش برمی‌گردد. تاریخ نقاشی چینی را می‌توان به چندین دوره کلیدی تقسیم کرد که هر یک با سبک‌ها و تکنیک‌های خاص خود مشخص می‌شود. در دوران امپراتوری اولیه، به‌ویژه در سلسله جین (۲۶۵-۴۰۰ میلادی)، نقاشی و خوشنویسی به عنوان هنرهای باارزش شناخته می‌شدند و عمدتاً توسط هنرمندان آماتور، معمولاً اشراف و دانشمندان، انجام می‌شدند. این دوره شاهد ظهور هنرمندان فردی و آغاز نقد هنری بود. سلسله تانگ (۶۱۸-۹۰۷ میلادی) تغییرات قابل توجهی در نقاشی انسان‌نما به همراه داشت، جایی که هنرمندان با استفاده از خطوط دقیق سیاه و ضربه‌های قلم vibrant، به سطحی از واقع‌گرایی ظریف دست یافتند. همچنین در این زمان، نقاشی‌های منظره به محبوبیت رسیدند و بر احساسات عاطفی به جای صرفاً نمایش طبیعت تأکید کردند.

سلسله‌های بعدی مانند سونگ (۹۶۰-۱۲۷۹ میلادی) و یوان (۱۲۷۱-۱۳۶۸ میلادی) نقاشی منظره را بیشتر تکامل دادند و هنرمندانی مانند فن کوآن و گوو شی تکنیک‌های جدیدی را معرفی کردند که فاصله و جو را از طریق خطوط مبهم و بیان‌های ظریف منتقل می‌کرد. سلسله مینگ (۱۳۶۸-۱۶۴۴ میلادی) شاهد ظهور مدارس محلی نقاشی، مانند **مدرسه وو** بود که بر بیان شخصی و سبک‌های نوآورانه تأکید داشت. با آغاز برخورد نقاشان چینی با هنر غربی در اواخر قرن نوزدهم، برخی از آن‌ها تلاش کردند تا تکنیک‌های سنتی چینی را با تأثیرات غربی ترکیب کنند که منجر به اشکال جدیدی از بیان هنری شد. در طول تاریخ خود، نقاشی چینی نه تنها ارزش‌های زیبایی‌شناختی را منعکس کرده بلکه ایده‌های فرهنگی و فلسفی را نیز در بر داشته است و به همین دلیل بخشی حیاتی از میراث هنری چین محسوب می‌شود.

۵۰ - **مو یان (Mo Yan)** - برنده جایزه نوبل ادبیات ۲۰۱۲

مو یان (Mo Yan)، نام مستعار **گوان موئه (Guan Moye)**، یکی از برجسته‌ترین نویسندگان معاصر چین است. او در سال ۲۰۱۲ جایزه نوبل ادبیات را به دلیل سبک خاص نویسندگی‌اش که "رنالایسم جادویی" را با تاریخ، فرهنگ و واقعیت اجتماعی چین ترکیب می‌کند، دریافت کرد. نام "**مو یان**" به معنای "**سکوت کن**" است که نویسنده به دلیل نگرانی از بیان آزادانه افکار در فضای محدودیت‌های سیاسی انتخاب کرده است.

زندگی‌نامه مختصر

- **زادگاه:** در سال ۱۹۵۵ در روستایی کوچک در استان شاندونگ، چین، در یک خانواده کشاورز متولد شد.
- **کودکی سخت:** تجربه دوران کودکی او که با فقر و انقلاب فرهنگی چین همراه بود، تأثیر زیادی بر آثارش گذاشت.
- **فعالیت‌های اولیه:** در ۱۹۷۶ به ارتش چین پیوست و همزمان شروع به نوشتن داستان کرد.
- **تحصیلات:** در دانشگاه هنر و ادبیات ارتش آزادی‌بخش چین تحصیل کرد.

دفتر پنجم: بررسی ساختار اجتماعی و فرهنگی

آثارشان را حول محور موضوعاتی چون تجارب فردی در دوران‌های تاریخی و مسائل اجتماعی معاصر می‌سازند.

- نویسندگان برجسته: نویسندگانی چون های لین (Hai Zi)، لو یینگ (Lu Yiming)، و جینگ ژو (Jing Zhu) در تلاشند تا با استفاده از قلم خود به نابرابری‌های اجتماعی، فساد دولتی و مسائل انسانی در جامعه چین بپردازند.
- رمان‌های تاریخی و اجتماعی: بسیاری از آثار معاصر چین به بررسی تاریخ اجتماعی و سیاسی چین می‌پردازند، از جمله آثار مو یان که معمولاً در آن‌ها به زندگی روستایی و تغییرات فرهنگی چین پرداخته می‌شود.

رسانه‌های معاصر چین: سینما و تلویزیون

سینما و تلویزیون چین از دهه‌های گذشته پیشرفت‌های قابل‌توجهی داشته است و امروزه یکی از بزرگ‌ترین صنایع سینمایی دنیا را داراست. در کنار سینمای هنری، که همچنان به هنرهای سنتی چین و مسائل اجتماعی پرداخته، سینمای چین اکنون آثار تجاری زیادی تولید می‌کند که در سطح بین‌المللی شناخته شده‌اند.

ویژگی‌های نویسندگی مو یان

۱. رئالیسم جادویی: او از عناصر خیال‌پردازی در کنار واقعیت تلخ زندگی استفاده می‌کند.
۲. انتقاد اجتماعی: آثارش اغلب تصویری انتقادی از فقر، ظلم و فساد در تاریخ و جامعه چین ارائه می‌دهند.
۳. ریشه‌دار در فرهنگ محلی: بسیاری از داستان‌های او در روستاهای چین و با الهام از تجربیات شخصی‌اش نوشته شده‌اند.
۴. سبک زنده و پرجزئیات: او به توصیف جزئیات محیط و روان‌شناسی شخصیت‌ها علاقه زیادی دارد.

آثار مهم

۱. "سرزمین شراب (The Republic of Wine)": داستانی سورئال که فساد، مصرف‌گرایی و جنبه‌های تاریک جامعه مدرن چین را بررسی می‌کند.
۲. "ذرت سرخ (Red Sorghum)": رمانی که از طریق چند نسل، تاریخ جنگ و مبارزه مردم چین در برابر اشغال ژاپن را به تصویر می‌کشد. این رمان در سال ۱۹۸۸ به فیلمی موفق به کارگردانی ژانگ ییمو تبدیل شد.
۳. "زندگی و مرگ مرا خسته کرده (Life and Death Are Wearing Me Out)": داستانی طنز و فلسفی که چرخه مرگ و تناسخ را در چین کمونیستی دنبال می‌کند.
۴. "قورباغه (Frog)": رمانی که به سیاست‌های تک‌فرزندی در چین و تأثیر آن بر زندگی زنان می‌پردازد.

دلیل دریافت جایزه نوبل ادبیات ۲۰۱۲

آکادمی نوبل مو یان را به خاطر "رئالیسم خیال‌پردازانه‌ای که تاریخ و جامعه چین را در آن بازتاب می‌دهد" تحسین کرد. سبک او با ترکیب واقعیت، اسطوره، و طنز تصویری عمیق از تاریخ پیچیده چین ارائه می‌دهد. مو یان یکی از مهم‌ترین صداهای ادبی چین است که توانسته است از طریق آثارش به نقد جامعه و بازتاب تاریخ بپردازد. او نماینده‌ای برجسته از ادبیات معاصر چین است که تأثیر جهانی پیدا کرده و راهی برای درک بهتر فرهنگ و جامعه چین فراهم کرده است.

دستر پنجم: بررسی ساختار اجتماعی و فرهنگی

- **سینمای هنری:** کارگردانانی مانند ژانگ ییمو (Zhang Yimou) و یانگ فنگ (Yang Feng) همچنان در تلاشند تا چالش‌های فرهنگی و اجتماعی چین را از منظر هنری در فیلم‌های خود به نمایش بگذارند.
- **سینمای تجاری و پر فروش:** فیلم‌هایی مانند "آثار درخشنده" (The Wandering Earth) و "دژ چین" (The Great Wall) توانسته‌اند در بازار جهانی مخاطبان زیادی جذب کنند و توجه جهانیان را به سینمای چین جلب کنند.
- **تلویزیون و برنامه‌های آنلاین:** امروزه چین یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان برنامه‌های تلویزیونی و سریال‌های آنلاین است. شبکه‌های اجتماعی مانند Weibo^{۵۰۱} و WeChat^{۵۰۲} به پلتفرم‌هایی برای پخش و معرفی محتواهای سرگرم‌کننده و فرهنگی تبدیل شده‌اند. سریال‌هایی مانند "نارنجی است که سیاه است" و "محاکمه سلطنتی" محبوبیت بسیاری در داخل و خارج از چین پیدا کرده‌اند.

۵۰۱ - **ویبو (Weibo)** یک شبکه اجتماعی محبوب در چین است که در سال ۲۰۰۹ به عنوان بخشی از شرکت سینا تأسیس شد و به سرعت به یکی از بزرگ‌ترین پلتفرم‌های میکرو بلاگینگ در جهان تبدیل گردید. این شبکه به کاربران امکان می‌دهد تا محتوای متنوعی از جمله پست‌های متنی، عکس‌ها و ویدئوها را به اشتراک بگذارند و با یکدیگر تعامل کنند. با بیش از ۵۳۰ میلیون کاربر فعال ماهانه، ویبو به عنوان یک منبع اصلی اطلاعات و اخبار در چین عمل می‌کند و نقش مهمی در فرهنگ و جامعه این کشور ایفا می‌کند. درآمد ویبو در سال ۲۰۲۲ حدود ۱,۵ میلیارد دلار گزارش شده است که عمدتاً از طریق تبلیغات، خدمات اشتراکی و همکاری با برندها تأمین می‌شود. با وجود چالش‌هایی مانند نظارت دولتی و رقابت با سایر شبکه‌های اجتماعی جدید، ویبو همچنان به رشد خود ادامه می‌دهد و به عنوان یک ابزار کلیدی برای ارتباطات اجتماعی و فرهنگی در چین باقی مانده است.

۵۰۲ - **پلتفرم WeChat**، که در چین به عنوان یک "اپلیکیشن همه‌کاره" شناخته می‌شود، از زمان راه‌اندازی خود در سال ۲۰۱۱ به یکی از پرکاربردترین پلتفرم‌های دیجیتال تبدیل شده است. این اپلیکیشن ترکیبی از ویژگی‌های پیام‌رسانی، شبکه‌های اجتماعی و خدمات مالی را ارائه می‌دهد و به کاربران این امکان را می‌دهد که با یکدیگر از طریق پیام‌های متنی، تماس‌های صوتی و تصویری، و اشتراک‌گذاری محتوا در بخش Moments ارتباط برقرار کنند. WeChat Pay، یک کیف پول دیجیتال داخلی، به کاربران اجازه می‌دهد تا به راحتی پرداخت‌ها و انتقال پول را انجام دهند و این ویژگی به طور گسترده‌ای در زندگی روزمره مردم چین مورد استفاده قرار می‌گیرد. این اپلیکیشن همچنین شامل "برنامه‌های کوچک" (Mini Programs) است که به کسب‌وکارها اجازه می‌دهد تا خدمات خود را بدون نیاز به دانلود برنامه‌های جداگانه ارائه دهند. با بیش از یک میلیارد کاربر فعال ماهانه، WeChat نه تنها ابزاری برای ارتباطات اجتماعی است بلکه به عنوان یک اکوسیستم دیجیتال جامع برای تجارت و خدمات روزمره نیز عمل می‌کند. درآمد WeChat در سال ۲۰۲۲ حدود ۲,۵ میلیارد دلار تخمین زده شده است که عمدتاً از طریق تبلیغات، خدمات مالی و فروش محصولات و خدمات از طریق برنامه‌های کوچک تأمین می‌شود.

دستر پنجم: بررسی ساختار اجتماعی و فرهنگی

موسیقی معاصر چین: از موسیقی سنتی تا پاپ جهانی

موسیقی چین از قرن‌ها پیش با سازهای سنتی مانند گوزنگ^{۵۳} و پیکولو^{۵۴} شناخته شده است. اما در دهه‌های اخیر، موسیقی پاپ چینی به یکی از جاذبه‌های فرهنگی کشور تبدیل شده است. هنرمندان پاپ چینی مانند Jolin Tsai و Jay Chou توانسته‌اند در سطح جهانی شناخته شوند.

- **موسیقی سنتی:** موسیقی سنتی چین همچنان در مراسم‌های فرهنگی و اجتماعی این کشور کاربرد دارد و هنرمندان به آموزش و حفظ این میراث فرهنگی پرداخته‌اند.
- **پاپ چینی:** موسیقی پاپ در چین رشد بسیاری داشته و هنرمندان این سبک توانسته‌اند مخاطبان بین‌المللی زیادی جذب کنند. آهنگ‌های پاپ چینی اغلب به مسائل اجتماعی و تغییرات فرهنگی در چین پرداخته و از فناوری‌های نوین در تولید استفاده می‌کنند.

چالش‌ها و فرصت‌ها در دنیای رسانه‌های معاصر چین

- **کنترل دولت:** همان‌طور که در سایر بخش‌های فرهنگی، دولت چین نظارت‌های شدیدی بر تولیدات رسانه‌ای دارد. فیلم‌ها، کتاب‌ها و برنامه‌های تلویزیونی که ممکن است به چالش‌های اجتماعی، سیاسی یا نقد دولت بپردازند، تحت بررسی و سانسور قرار می‌گیرند.
- در چین، نظارت و کنترل بر تولید رسانه‌ها به عهده چندین نهاد دولتی است که تحت قوانین خاصی عمل می‌کنند. اداره مرکزی تبلیغات حزب کمونیست چین (CPD)، به عنوان یکی از نهادهای اصلی، مسئولیت نظارت بر محتوا و اطمینان از انطباق آن با اصول حزب را بر عهده دارد. این اداره با اداره کل مطبوعات و انتشارات و اداره دولتی رادیو، فیلم و تلویزیون همکاری می‌کند تا اطمینان حاصل شود که محتوای تولید شده به ترویج دکتترین حزب کمک می‌کند. همچنین، اداره فضای سایبری چین (CAC) به نظارت و سانسور

۵۰۳ - **گوزنگ (Guzheng)** یک ساز سنتی چینی است که به عنوان یک زیتري باستانی شناخته می‌شود و تاریخچه‌ای بیش از ۲۵۰۰ سال دارد. این ساز معمولاً دارای ۲۱ رشته است و در مقیاس پنتاتونیک تنظیم می‌شود. بدنه گوزنگ بزرگ و منحنی شکل است و پل‌های قابل جابجایی دارد که امکان تنظیم نت‌ها را فراهم می‌کند. نوازندگان با استفاده از انگشتان یا ناخنک‌های مخصوص، رشته‌ها را می‌زنند و از تکنیک‌های مختلفی مانند لرزش و سرخوردن برای ایجاد صداهای متنوع استفاده می‌کنند. صدای گوزنگ غنی و طنین‌انداز است و می‌تواند از نواهای نرم و لطیف تا قطعات دراماتیک و پرقدرت متغیر باشد. این ساز در موسیقی سنتی چین، از جمله موسیقی کلاسیک، فولکلور و اپرا استفاده می‌شود و به نوعی معادل پیانو در موسیقی غربی محسوب می‌شود. با توجه به تغییرات اجتماعی و فرهنگی در قرن بیستم، گوزنگ به تدریج در کنسرواتورهای موسیقی حرفه‌ای آموزش داده شد و نوازندگان جدید با ترکیب تکنیک‌های سنتی و نوآورانه، آثار جدیدی را برای این ساز خلق کردند.

۵۰۴ - **پیکولو**، اگرچه به عنوان یک ساز سنتی چینی شناخته نمی‌شود، یک ساز بادی کوچک و با صدای زیر است که شباهت زیادی به فلوت دارد. این ساز به خاطر صدای روشن و واضح خود معروف است و معمولاً در ارکسترها و گروه‌های موسیقی برای افزودن درخشندگی به بخش‌های بالای موسیقی استفاده می‌شود. پیکولو معمولاً از چوب یا فلز ساخته می‌شود و دامنه‌ای حدود سه اکتاو دارد. در تنظیمات ارکستری، این ساز نقش مهمی در تقویت بافت کلی موسیقی ایفا می‌کند و صدای متمایز و تیز آن می‌تواند در میان سایر سازها به خوبی شنیده شود. اگرچه پیکولو ریشه‌های تاریخی عمیقی در موسیقی سنتی چینی ندارد، اما استفاده از آن در ارکسترهای معاصر چینی رایج‌تر شده است، جایی که با سازهای غربی و سنتی چینی ترکیب می‌شود تا آثار موسیقایی منحصر به فردی خلق کند.

دفتر پنجم: بررسی ساختار اجتماعی و فرهنگی

محتوای اینترنتی می‌پردازد و دستورالعمل‌هایی برای کنترل گفتمان آنلاین صادر می‌کند. این نهادها تحت قوانین مختلفی عمل می‌کنند که به دولت اجازه می‌دهد بر جریان اطلاعات در داخل و خارج از کشور نظارت داشته باشد. به عنوان مثال، قانون "مدیریت امنیت سایبری" و دیگر مقررات مربوط به رسانه‌ها، به دولت این حق را می‌دهد که محتواهای مرتبط با چالش‌های اجتماعی یا سیاسی را بررسی و سانسور کند. در مجموع، چین به دلیل کنترل شدید بر رسانه‌ها و محدودیت‌های قانونی، به عنوان یکی از کشورهای با کمترین آزادی مطبوعات در جهان شناخته می‌شود.

- **جهانی‌شدن و بومی‌گرایی:** چین همزمان با تلاش برای حفظ هنر و فرهنگ بومی، به جهانی‌شدن نیز توجه دارد. تولیدات رسانه‌ای چین اکنون در سطح جهانی در حال رقابت هستند، اما هنوز چالش‌هایی در زمینه پذیرش و درک فرهنگ چینی در خارج از کشور وجود دارد.

در سال ۲۰۰۰، تولید رسانه‌ای چین نسبتاً محدود بود و این کشور بیشتر بر مصرف رسانه‌های داخلی و رسانه‌های تحت کنترل دولت تمرکز داشت. در آن زمان، نرخ نفوذ اینترنت پایین بود و تنها حدود ۱۲,۳٪ از ساکنان شهری از اینترنت استفاده می‌کردند، در حالی که تلویزیون در شهرهای بزرگ تقریباً ۱۰۰٪ نفوذ داشت. چشم‌انداز رسانه‌ای عمدتاً تحت سلطه سازمان‌های دولتی بود و تعامل بین‌المللی در تولید رسانه‌ها حداقل بود. اما تا سال ۲۰۲۴، تولید رسانه‌ای چین به طور قابل توجهی گسترش یافته و شرکت‌های رسانه‌ای چینی به طور فعال در همکاری‌های بین‌المللی و توافقات اشتراک محتوا شرکت می‌کنند. ظهور پلتفرم‌هایی مانند **چین گلوبال تلویزیون نتورک** و **آژانس خبری شینهوا** به چین این امکان را داده است که روایت خود را به طور جهانی منتشر کند، هرچند چالش‌هایی در جلب توجه گسترده خارج از مرزها باقی مانده است.

تا سال ۲۰۲۴، ارزش تولید رسانه‌ای جهانی چین حدود **۱۵ میلیارد دلار** تخمین زده می‌شود که نشان‌دهنده تأثیر و رقابت رو به رشد این کشور در چشم‌انداز رسانه‌ای بین‌المللی است. این گسترش با تنوع محتوا و همکاری با نهادهای رسانه‌ای خارجی مشخص می‌شود که امکان دسترسی و تأثیر بیشتری را فراهم می‌آورد. دولت چین همچنان از این رشد حمایت می‌کند و ابتکاراتی را برای افزایش حضور جهانی رسانه‌های خود اجرا می‌کند، هرچند نگرانی‌هایی درباره سانسور و نحوه نمایش موضوعات حساس وجود دارد. به طور کلی، تولید رسانه‌ای چین از تمرکز عمدتاً داخلی در سال ۲۰۰۰ به یک استراتژی جهانی‌تر تا سال ۲۰۲۴ تکامل یافته و خود را به عنوان یک بازیگر مهم در عرصه رسانه‌های بین‌المللی معرفی کرده است.

هنر، ادبیات و رسانه‌های معاصر چین در حال شکل‌گیری مجدد و گسترش به عرصه جهانی هستند. در حالی که فرهنگ سنتی چین هنوز در این بخش‌ها حضور چشمگیری دارد، نسل‌های جدید هنرمندان و نویسندگان به شدت در پی بروز تحولات نوین و گسترش افق‌های فرهنگی هستند. در این مسیر، چالش‌های سیاسی و اجتماعی همچنان وجود دارند، اما توجه به **جهانی‌شدن و مدرنیته** فرصت‌های جدیدی برای رشد و معرفی فرهنگ چینی به جهانیان ایجاد کرده است.^{۲۲}

تفاوت‌های روستایی و شهری

تفاوت‌های روستایی و شهری در ساختار جامعه و فرهنگ چین

چین، به عنوان یک کشور با جمعیتی عظیم و تاریخ فرهنگی غنی، تغییرات عمده‌ای در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را تجربه کرده است. یکی از تفاوت‌های اساسی در این کشور، تفاوت‌های بین جوامع شهری و روستایی است که تأثیرات زیادی بر جنبه‌های مختلف زندگی مردم، از جمله اقتصادی، اجتماعی، آموزشی و فرهنگی دارد. این تفاوت‌ها به‌ویژه در دوران تحولات سریع اقتصادی و صنعتی شدن چین در چند دهه گذشته، آشکارتر شده است. در این مقاله، به بررسی تفاوت‌های روستایی و شهری در چین و تأثیر آن‌ها بر ساختار جامعه و فرهنگ چین پرداخته خواهد شد.

تفاوت‌های اقتصادی و دسترسی به منابع

یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های میان مناطق شهری و روستایی در چین، اقتصاد و دسترسی به منابع است. مناطق شهری، به ویژه شهرهای بزرگ مانند پکن، شانگهای و گوانگژو، از لحاظ اقتصادی بسیار پیشرفته‌تر از مناطق روستایی هستند. این شهرها به‌عنوان مراکز اقتصادی و صنعتی کشور، منابع مالی و فناوری بیشتری دارند که سبب رشد سریع‌تر در این مناطق شده است.

درآمدها: در سال ۲۰۰۰، متوسط درآمد سالانه در مناطق شهری چین حدود ۳,۰۰۰ یوان (تقریباً معادل ۳۶۰ دلار) بود، در حالی که این رقم برای مناطق روستایی تنها ۱,۰۰۰ یوان (تقریباً معادل ۱۲۰ دلار) تخمین زده می‌شد. این فاصله درآمدی بین مناطق شهری و روستایی در طول سال‌ها به طور قابل توجهی افزایش یافت و در سال ۲۰۲۰، متوسط درآمد سالانه در مناطق شهری به حدود ۲۷,۰۰۰ یوان (تقریباً معادل ۴,۴۴۶ دلار) رسید، در حالی که برای مناطق روستایی این رقم تنها ۱۱,۰۰۰ یوان (تقریباً معادل ۱,۸۰۰ دلار) بود. پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد که تا سال ۲۰۲۴، متوسط درآمد سالانه در مناطق شهری به ۳۰,۰۰۰ یوان (تقریباً معادل ۴,۶۰۰ دلار) و در مناطق روستایی به ۱۲,۵۰۰ یوان (تقریباً معادل ۱,۹۰۰ دلار) خواهد رسید. این ارقام نشان‌دهنده ادامه روند افزایش درآمد و همچنین افزایش فاصله درآمدی بین شهرها و روستاها در چین است.^۵

• **اشتغال و فرصت‌های شغلی:** در شهرها، صنایع مختلف از جمله فناوری اطلاعات، تولید، خدمات مالی و بازرگانی رشد کرده‌اند که فرصت‌های شغلی زیادی را به‌ویژه برای نسل جوان فراهم می‌کند. اما در روستاها، بیشتر افراد به کشاورزی مشغول هستند و تعداد شغل‌های غیر کشاورزی کمتر است.

^۵: The urban-rural income gap and inequality in China – EconStor:

https://www.econstor.eu/bitstream/52139630/1/1/63438/1_419.pdf &

A dataset of income distribution on provincial, urban, and rural levels ...: <https://www.nature.com/articles/s41597-024-04304-x>

دفتر پنجم: بررسی ساختار اجتماعی و فرهنگی

- **زیرساخت‌ها و خدمات:** مناطق شهری دسترسی به خدمات بهداشتی، آموزشی و حمل و نقل مدرن را دارند، اما در مناطق روستایی بسیاری از این خدمات محدود و ناکافی است. بسیاری از روستاها به زیرساخت‌های مناسب مانند جاده‌ها، بیمارستان‌ها و مدارس خوب دسترسی ندارند.

تفاوت‌های اجتماعی و فرهنگی

- تفاوت‌های اجتماعی و فرهنگی میان مناطق شهری و روستایی چین بسیار بارز است. این تفاوت‌ها بیشتر در سبک زندگی، ارزش‌ها و چشم‌اندازهای اجتماعی نمایان می‌شوند.
- **سبک زندگی:** در شهرها، سبک زندگی به شدت تحت تأثیر مدرنیته و فناوری قرار دارد. استفاده از گجت‌ها، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی در میان نسل‌های جوان‌تر در شهرها بسیار رایج است. اما در روستاها، بسیاری از مردم هنوز به سبک زندگی سنتی و خانواده‌های بزرگ پایبند هستند.
 - **آموزش:** کیفیت آموزش در شهرها معمولاً بالاتر است و دسترسی به مدارس و دانشگاه‌های برتر بیشتر است. در حالی که در روستاها، بسیاری از دانش‌آموزان به دلیل فقر و کمبود منابع، امکان دسترسی به آموزش باکیفیت را ندارند. این مسئله باعث بروز نابرابری‌های آموزشی شده است.
 - **ارزش‌ها و نگرش‌ها:** در مناطق روستایی، همچنان ارزش‌های سنتی و خانوادگی به شدت مورد احترام قرار می‌گیرند. در مقابل، در شهرها، نسل جوان‌تر بیشتر به سمت ارزش‌های فردگرایانه و تجددگرایی گرایش دارند.

تفاوت‌های جغرافیایی و دسترسی به خدمات بهداشتی

- یکی دیگر از تفاوت‌های اساسی میان مناطق شهری و روستایی چین، دسترسی به خدمات بهداشتی و درمانی است. شهرهای بزرگ چین دارای سیستم‌های بهداشتی پیشرفته‌تر و امکانات درمانی بهتری هستند، در حالی که بسیاری از روستاها هنوز با مشکلات جدی در زمینه دسترسی به خدمات درمانی مواجه‌اند.
- **بیمارستان‌ها و درمانگاه‌ها:** در مناطق شهری چین، بیمارستان‌ها و درمانگاه‌های باکیفیت و به‌روز وجود دارند، در حالی که در روستاها، بسیاری از مراکز بهداشتی فاقد تجهیزات لازم هستند و پزشکان با کمبود منابع و تجهیزات مواجه‌اند.
- تا سال ۲۰۲۳، چین حدود ۳۶،۵۷۰ بیمارستان و ۹۷۷،۷۹۰ کلینیک سطح اول دارد. سیستم بهداشت و درمان در چین به صورت سه‌سطحی سازماندهی شده است، به طوری که بیمارستان‌ها بر اساس قابلیت‌های خود به سه دسته اولیه، ثانویه و ثالث تقسیم می‌شوند. در زمینه سرمایه‌گذاری، چین به طور قابل توجهی هزینه‌های خود را برای زیرساخت‌های بهداشتی افزایش داده و گزارش‌ها نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری سالانه در ساخت بیمارستان‌ها و کلینیک‌ها به حدود ۱۰۰ میلیارد دلار در سال‌های اخیر رسیده است.
- هزینه‌های پزشکی برای مردم چین از طریق ترکیبی از برنامه‌های بیمه دولتی و پرداخت‌های شخصی پوشش داده می‌شود. دولت چندین طرح بیمه سلامت را اجرا کرده است، مانند بیمه پزشکی پایه برای کارگران شهری

د فتر پنجم: بررسی ساختار اجتماعی و فرهنگی

^۶(UEBMI) و طرح پزشکی تعاونی جدید روستایی^۷(NRCMS) که هدف آن ارائه پوشش برای کارگران شهری و ساکنان روستایی است. با وجود این برنامه‌ها، بسیاری از افراد هنوز با هزینه‌های بالای پرداخت شخصی مواجه هستند، به ویژه برای درمان‌های تخصصی یا در مراکز بهداشتی خصوصی. دولت چین همچنان در تلاش است تا دسترسی به خدمات بهداشتی مقرون به صرفه را بهبود بخشد و نابرابری‌ها بین مناطق شهری و روستایی را کاهش دهد.^۵

- **مراقبت‌های بهداشتی و پزشکی:** همچنین، سطح آگاهی بهداشتی در شهرها به دلیل دسترسی بیشتر به رسانه‌ها و منابع آموزشی، بالاتر است. در حالی که در بسیاری از مناطق روستایی، مردم هنوز به برخی بیماری‌ها و روش‌های درمانی سنتی روی می‌آورند.

۵۰۶ - بیمه پزشکی پایه کارمندان شهری (UEBMI) در چین به طور عمده از طریق کسری ۸٪ از حقوق کارمندان تأمین مالی می‌شود، که ۶٪ آن توسط کارفرما و ۲٪ توسط خود کارمند پرداخت می‌شود. این بیمه هزینه‌های پزشکی را برای خدمات درمانی سرپایی و بستری پوشش می‌دهد، اما درصد دقیقی از هزینه‌ها که تحت پوشش قرار می‌گیرد، بسته به نوع خدمات و سطح بیمارستان متفاوت است. به طور کلی، بیمه UEBMI معمولاً حدود ۵۰ تا ۷۰ درصد از هزینه‌های بستری را پوشش می‌دهد، در حالی که برای خدمات سرپایی این درصد ممکن است کمتر باشد. با این حال، بیماران هنوز باید بخشی از هزینه‌ها را به صورت پرداخت شخصی بپردازند، به ویژه برای خدمات خاص یا داروهای غیرپوشش داده شده.

۵۰۷ - طرح پزشکی تعاونی جدید روستایی (New Rural Cooperative Medical Scheme یا NRCMS) در چین در سال ۲۰۰۳ به منظور بهبود دسترسی به خدمات بهداشتی برای ساکنان روستایی ایجاد شد. این طرح به عنوان یک سیستم بیمه اجتماعی پایه، هدفش پوشش هزینه‌های پزشکی و جلوگیری از فقر ناشی از هزینه‌های درمانی برای کشاورزان و ساکنان روستاها است. NRCMS به طور عمده از طریق کمک‌های مالی دولت مرکزی و محلی، سازمان‌های کشاورزی و مشارکت‌های خانوادگی تأمین مالی می‌شود. این طرح شامل پوشش خدمات درمانی سرپایی، داروهای اساسی و بستری است و معمولاً حدود ۵۰ تا ۶۰ درصد از هزینه‌های بیمارستانی را پوشش می‌دهد، در حالی که مابقی هزینه‌ها به عنوان پرداخت شخصی بر عهده بیماران است. دولت چین در تلاش است تا این نرخ را در آینده افزایش دهد و هدف این است که به تدریج به نرخ بازپرداخت ۸۰ درصد برسد، که در برخی مناطق مانند شانگهای این نرخ بالفعل وجود دارد. NRCMS به عنوان یکی از مهم‌ترین سیستم‌های بیمه سلامت در مناطق روستایی چین، نقش حیاتی در بهبود کیفیت زندگی و دسترسی به خدمات پزشکی برای جمعیت روستایی ایفا می‌کند.

دولت چین به طور قابل توجهی در طرح پزشکی تعاونی جدید روستایی (NRCMS) سرمایه‌گذاری می‌کند. بر اساس اطلاعات موجود، دولت مرکزی به ازای هر نفر حدود ۵۸۰ یوان (تقریباً ۹۰ دلار) در سال به این طرح کمک مالی می‌کند. با توجه به جمعیت روستایی چین که حدود ۶۰۰ میلیون نفر تخمین زده می‌شود، کل هزینه‌ای که دولت برای این بیمه در سال پرداخت می‌کند، به حدود ۳۴۸ میلیارد یوان (تقریباً ۵۳ میلیارد دلار) می‌رسد. این سرمایه‌گذاری به منظور کاهش هزینه‌های درمانی و بهبود دسترسی به خدمات پزشکی برای ساکنان روستایی انجام می‌شود و هدف آن جلوگیری از فقر ناشی از هزینه‌های بالای درمان است.

۵۰ Achievements and Challenges of the Healthcare System in China:

<https://pmc.ncbi.nlm.nih.gov/articles/PMC10292030/>

Number of hospitals in China 2000-2023 – Statista &

https://www.statista.com/statistics/279322/number-of-hospitals-in-china/_&

Coverage of China's basic medical insurance stable:

https://english.www.gov.cn/archive/statistics/202403/25/content_WS66015b30c6d0868f4e8e56f9.html

دFTER پنجم: بررسی ساختار اجتماعی و فرهنگی

مهاجرت‌های داخلی و چالش‌ها

مهاجرت از روستاها به شهرها یکی از ویژگی‌های اصلی تحولات اجتماعی و اقتصادی در چین است. در سال‌های اخیر، تعداد زیادی از ساکنان مناطق روستایی به‌ویژه جوانان، برای یافتن شغل و بهبود وضعیت اقتصادی خود به شهرها مهاجرت کرده‌اند.

- **مهاجرت به شهرها:** بسیاری از روستاییان، به‌ویژه افراد جوان، به شهرهای بزرگ می‌روند تا به کارهای غیرکشاورزی مشغول شوند. این مهاجرت‌ها می‌توانند باعث ایجاد اختلالات اجتماعی و چالش‌های اقتصادی برای خانواده‌ها شوند که برخی از اعضای آن‌ها در روستا باقی می‌مانند.
- **چالش‌های قانونی:** همچنین، مهاجران به شهرها با مشکلاتی نظیر محدودیت‌های قانونی در زمینه دریافت خدمات اجتماعی و مجوزهای اقامت مواجه هستند که زندگی آنها را پیچیده‌تر می‌کند.

۵۰۹ - مهاجران به شهرهای بزرگ چین، به‌ویژه کسانی که از مناطق روستایی به شهرها مهاجرت می‌کنند، با چالش‌های قانونی مختلفی روبرو هستند که زندگی روزمره آنها را پیچیده‌تر می‌کند. این چالش‌ها عمدتاً به سیستم **هاکو (Hukou)** و محدودیت‌های مرتبط با آن مربوط می‌شود. در ادامه، این چالش‌ها به تفصیل شرح داده می‌شوند:

۱. سیستم هاکو (Hukou)

- **تعریف هاکو:** سیستم هاکو یک سیستم ثبت ملی است که به‌طور سنتی بر اساس محل تولد افراد تقسیم‌بندی می‌کند. این سیستم نقش مهمی در تقسیم‌بندی شهروندان چین به دو گروه دارد:
 - ✓ **هاکو شهری** (برای کسانی که در شهرها متولد شده‌اند)
 - ✓ **هاکو روستایی** (برای کسانی که در مناطق روستایی متولد شده‌اند)
- **محدودیت‌ها:** مهاجران از روستاها به شهرها نمی‌توانند به راحتی هاکوی شهری دریافت کنند، که منجر به محدودیت‌های زیادی در زمینه دسترسی به خدمات اجتماعی، بهداشت، آموزش، و سایر امکانات شهری می‌شود.

۲. محدودیت‌های خدمات اجتماعی

- **دسترسی به خدمات بهداشتی و آموزشی:** مهاجرانی که هاکو روستایی دارند، در صورت زندگی در شهرهای بزرگ، به خدمات بهداشتی و آموزشی محدودتری دسترسی دارند. این افراد ممکن است مجبور شوند برای خدمات بهداشتی و تحصیل هزینه‌های بیشتری بپردازند یا اصلاً از این خدمات محروم شوند.
- **خدمات اجتماعی دیگر:** استفاده از کمک‌های دولتی، بیمه اجتماعی، یا سایر خدمات رفاهی برای مهاجران با هاکوی روستایی بسیار محدود است.

۳. مشکلات مربوط به مجوزهای اقامت (Residency Permits)

- **مجوز اقامت موقت:** مهاجران باید مجوز اقامت موقت دریافت کنند تا بتوانند در شهرهای بزرگ زندگی و کار کنند. این مجوزها به‌طور معمول برای مهاجران درازمدت نیستند و ممکن است آنها را از برخورداری از حقوق شهروندی محدود کند.
- **مشکل تبدیل مجوز موقت به دائمی:** تبدیل وضعیت مهاجران به اقامت دائم (در صورتی که بخواهند هاکوی شهری بگیرند) به شدت پیچیده است و نیازمند رعایت شرایط خاصی است، از جمله داشتن شغل ثابت، درآمد بالا و شرایط خاصی که ممکن است برای بسیاری از مهاجران قابل دستیابی نباشد.

۴. تبعیض‌های اجتماعی و اقتصادی

- **تبعیض در بازار کار:** مهاجران ممکن است با تبعیض در بازار کار مواجه شوند. به دلیل نداشتن هاکوی شهری، آنها ممکن است نتوانند شغل‌های دولتی یا شغل‌های خوب و با حقوق بالا پیدا کنند و بیشتر در شغل‌های غیررسمی یا کم‌درآمد مشغول به کار شوند.

دفتر پنجم: بررسی ساختار اجتماعی و فرهنگی

تفاوت‌های روستایی و شهری در چین یک پدیده پیچیده است که تأثیرات عمیقی بر ساختار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی این کشور گذاشته است. علی‌رغم تلاش‌های دولت چین برای کاهش این تفاوت‌ها، هنوز بسیاری از چالش‌ها در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و آموزشی وجود دارند. رشد سریع شهری‌سازی و مهاجرت از روستاها به شهرها می‌تواند به تحولات اجتماعی و اقتصادی جدیدی منجر شود که نیاز به سیاست‌گذاری‌های بهینه دارد تا به‌طور عادلانه‌تر بین مناطق مختلف کشور تقسیم شود.

محیط زیست و پایداری

سیاست‌های تغییرات اقلیمی

سیاست‌های تغییرات اقلیمی چین: بخشی از ساختار محیط زیست و پایداری

چین، به عنوان بزرگ‌ترین کشور از نظر جمعیت و دومین اقتصاد بزرگ جهان، نقش کلیدی در مسئله تغییرات اقلیمی ایفا می‌کند. با توجه به اندازه و تاثیر جهانی چین، سیاست‌های این کشور در زمینه محیط زیست و تغییرات اقلیمی به شدت بر روند جهانی مقابله با این بحران تاثیر می‌گذارد. چین به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین آلاینده‌های جهانی، از اواخر دهه ۲۰۱۰ میلادی تغییرات قابل توجهی در سیاست‌های زیست‌محیطی خود ایجاد کرده است. این تغییرات، با هدف کاهش انتشار کربن و دستیابی به پایداری محیطی، در راستای کاهش اثرات تغییرات اقلیمی طراحی شده‌اند.

-
- **فشار اقتصادی:** مهاجران باید هزینه‌های بالاتری برای زندگی در شهرها بپردازند، از جمله اجاره خانه و دسترسی به خدمات، که باعث افزایش فشار مالی بر آنها می‌شود.
 - ۵. **مشکلات قانونی در زمینه مالکیت مسکن**
 - **مالکیت خانه:** در برخی از شهرها، مهاجران نمی‌توانند مالک خانه شوند یا باید شرایط خاصی را برای خرید خانه داشته باشند. این می‌تواند باعث شود که آنها مجبور به اجاره‌نشینی در شرایط سخت‌تر و با هزینه‌های بالاتر شوند.
 - ۶. **مشکل در ایجاد کسب‌وکار**
 - **ثبت کسب‌وکار:** مهاجرانی که هاکوی شهری ندارند، در بسیاری از موارد قادر به ثبت کسب‌وکارهای خود یا فعالیت‌های تجاری در شهرهای بزرگ نیستند. این می‌تواند دسترسی آنها به بازارها و فرصت‌های تجاری را محدود کند.
 - ۷. **زندگی در حاشیه شهرها**
 - بسیاری از مهاجران به دلیل محدودیت‌های هاکو، مجبور به زندگی در **حاشیه‌های شهرها** یا مناطق غیررسمی می‌شوند. این مناطق ممکن است از امکانات شهری محروم بوده و دسترسی به خدمات بهداشتی، آموزشی و زیرساخت‌های دیگر محدود باشد.
- مهاجران به شهرهای چین با چالش‌های قانونی متعددی روبرو هستند که شامل محدودیت‌های مربوط به هاکو، خدمات اجتماعی، مجوزهای اقامت و تبعیض‌های اجتماعی و اقتصادی می‌شود. این مشکلات می‌تواند زندگی روزمره آنها را پیچیده‌تر کرده و مانع از ادغام کامل آنها در جامعه شهری شود.

دفتر پنجم: بررسی ساختار اجتماعی و فرهنگی

اهداف کاهش گازهای گلخانه‌ای

چین به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان انرژی در دنیا، هدف‌های بلندپروازانه‌ای برای کاهش گازهای گلخانه‌ای خود تعیین کرده است. یکی از مهم‌ترین اقداماتی که چین در این راستا انجام داده است، اعلام هدف کربن صفر تا سال ۲۰۶۰ میلادی است. این هدف در حالی اعلام شده که چین یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان گازهای گلخانه‌ای (به ویژه دی‌اکسید کربن) در جهان به شمار می‌رود.

بر اساس آخرین آمار، انتشار جهانی گازهای گلخانه‌ای (GHG) در سال ۲۰۲۳ به حدود **۵۳ میلیارد تن متریک (Gt CO₂eq)** رسید. چین مسئول بیش از **۲۸ درصد** از این انتشارها است و به عنوان بزرگ‌ترین آلاینده جهانی شناخته می‌شود. در زمینه تعهدات مالی، دولت چین به طور قابل توجهی در طرح‌های کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای سرمایه‌گذاری می‌کند و هزینه‌های سالانه آن حدود **۶۰ میلیارد دلار** تخمین زده می‌شود. این سرمایه‌گذاری‌ها از پروژه‌های مختلفی از جمله توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر، بهبود کارایی انرژی و اقدامات کنترل آلودگی حمایت می‌کند و بخشی از استراتژی کلی چین برای مقابله با تغییرات اقلیمی و انتقال به سمت یک اقتصاد پایدارتر است. چین اعلام کرده که قصد دارد تا سال ۲۰۳۰، میزان انتشار کربن خود را به اوج برساند و سپس روند کاهش آن را آغاز کند.^۵

توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر

چین به یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان انرژی‌های تجدیدپذیر تبدیل شده است. این کشور در سال‌های اخیر سرمایه‌گذاری‌های عظیمی در حوزه انرژی‌های خورشیدی، باد، و هیدروالکتریک انجام داده است. طبق آمارهای ۲۰۲۳، چین بیش از ۴۰ درصد از انرژی خورشیدی و بیش از ۳۰ درصد از انرژی بادی جهان را تولید می‌کند. این کشور همچنین در حال توسعه انرژی هیدروالکتریک است که بخش بزرگی از منابع تجدیدپذیر آن را تشکیل می‌دهد.

در چارچوب سیاست‌های اقلیمی، چین برای افزایش ظرفیت تولید انرژی‌های تجدیدپذیر خود برنامه‌هایی را در نظر گرفته است که شامل افزایش ظرفیت تولید پنل‌های خورشیدی و توربین‌های بادی و همچنین بهبود کارایی باتری‌های ذخیره‌سازی انرژی است. هدف چین این است که تا سال ۲۰۳۰، ۲۵ درصد از مصرف انرژی خود را از منابع تجدیدپذیر تأمین کند.

^۵ <https://www.statista.com/topics/5770/global-greenhouse-gas-emissions/> & https://edgar.jrc.ec.europa.eu/report_2024

طرح "چین سبز (Green China)"

در راستای تلاش برای مقابله با تغییرات اقلیمی و حفاظت از منابع طبیعی، چین "طرح چین سبز"^{۵۱} را به عنوان یک برنامه زیست‌محیطی کلیدی معرفی کرده است. این طرح به دنبال کاهش آلاینده‌ها، ارتقاء کیفیت هوای شهری، کاهش مصرف آب و زمین‌های کشاورزی و حفاظت از تنوع زیستی است. این برنامه همچنین شامل توسعه شهرهای سبز، افزایش میزان فضای سبز شهری و بهبود روش‌های حمل و نقل عمومی پایدار است. چین همچنین برنامه‌هایی برای بهبود مدیریت پسماند و بهینه‌سازی سیستم‌های حمل و نقل به منظور کاهش آلاینده‌ها دارد. در این راستا، افزایش تعداد خودروهای برقی و بهبود زیرساخت‌های حمل و نقل پایدار از جمله اقدامات کلیدی به شمار می‌رود.

محافظت از محیط زیست و توسعه پایدار

چین تلاش کرده است که سیاست‌های اقتصادی خود را با اصول توسعه پایدار تطبیق دهد. در این راستا، این کشور به ترویج فناوری‌های پاک و اقتصاد سبز در صنایع مختلف پرداخته است. یکی از اقدامات اصلی چین در این زمینه، توسعه صنعت بازیافت و اقتصاد دایره‌ای است که در آن تلاش می‌شود مواد اولیه به جای استخراج از زمین، از بازیافت و استفاده مجدد مواد تولید شوند. علاوه بر این، چین به تازگی قوانینی را برای حفاظت از زیستگاه‌های طبیعی و مناطق حفاظت‌شده در نظر گرفته است تا از تخریب محیط زیست و کاهش تنوع زیستی جلوگیری کند. به همین ترتیب، حفاظت از جنگل‌ها و حفظ منابع آبی از دیگر اولویت‌های اصلی چین در این راستا هستند.

چالش‌ها و انتقادهای

با وجود پیشرفت‌هایی که چین در حوزه تغییرات اقلیمی به دست آورده است، هنوز چالش‌های زیادی پیش‌روی این کشور قرار دارد. یکی از بزرگ‌ترین مشکلات، وابستگی زیاد به زغال‌سنگ به عنوان منبع اصلی انرژی است.

۵۱ - طرح "چین سبز (Green China Plan)" به عنوان یکی از برنامه‌های کلیدی زیست‌محیطی در چین، با هدف مقابله با تغییرات اقلیمی و حفاظت از منابع طبیعی معرفی شده است. این طرح شامل مجموعه‌ای از اهداف و اقدامات برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای، افزایش استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر و بهبود کارایی انرژی در بخش‌های مختلف اقتصادی است. از جمله اهداف این برنامه می‌توان به کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی، کاهش شدت کربن (انتشار CO₂ به ازای هر واحد تولید ناخالص داخلی) به میزان ۶۵٪ نسبت به سطح سال ۲۰۰۵ تا سال ۲۰۳۰، و افزایش ظرفیت انرژی بادی و خورشیدی اشاره کرد. همچنین، این طرح شامل اقدامات حفاظتی برای جنگل‌ها و افزایش سطح پوشش جنگلی نیز می‌باشد. دولت چین برای اجرای این طرح، سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی انجام می‌دهد. برآوردها نشان می‌دهند که هزینه‌های سالانه برای برنامه‌های مرتبط با "چین سبز" حدود ۶۰ میلیارد دلار است. این سرمایه‌گذاری‌ها شامل توسعه زیرساخت‌های انرژی تجدیدپذیر، پروژه‌های صرفه‌جویی در انرژی و برنامه‌های آموزشی برای ترویج استفاده از فناوری‌های سبز می‌شود. طرح "چین سبز" نه تنها به عنوان یک اقدام ملی برای مقابله با تغییرات اقلیمی بلکه به عنوان یک استراتژی بلندمدت برای توسعه پایدار و حفاظت از محیط زیست در چین طراحی شده است و می‌تواند نقش مهمی در ایجاد تغییرات مثبت در سطح جهانی ایفا کند.

د فتر پنجم: بررسی ساختار اجتماعی و فرهنگی

چین هنوز بخش بزرگی از انرژی خود را از زغال سنگ تأمین می‌کند که موجب افزایش گازهای گلخانه‌ای و سایر آلودگی‌ها می‌شود. دولت چین به تدریج در حال کاهش این وابستگی است، اما انتقال کامل به منابع پاک انرژی به زمان و سرمایه‌گذاری‌های بیشتری نیاز دارد.

علاوه بر این، چین با مشکلاتی در زمینه آلودگی هوا و آلودگی آب نیز مواجه است. این مشکلات به ویژه در مناطق صنعتی و شهری بزرگ چین مانند پکن و شانگهای مشهود است و بر سلامت عمومی و کیفیت زندگی تأثیر منفی دارد.

سیاست‌های تغییرات اقلیمی چین، به‌رغم چالش‌های متعدد، نشان‌دهنده عزم این کشور برای مقابله با بحران جهانی تغییرات اقلیمی است. چین در تلاش است تا با افزایش استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر، بهبود بهره‌وری انرژی و توسعه فناوری‌های سبز، به کاهش گازهای گلخانه‌ای و محافظت از محیط زیست بپردازد. برنامه‌ها و سیاست‌های دولت چین می‌تواند نقش حیاتی در دستیابی به اهداف جهانی تغییرات اقلیمی ایفا کند، اما موفقیت این اقدامات نیازمند هماهنگی بیشتر با سایر کشورهای جهان و تعهد مستمر به اصول پایداری است.^{۲۳}

چالش‌های مربوط به آلودگی

چالش‌های مربوط به آلودگی: بخشی از ساختار محیط زیست و پایداری کشور چین چین به‌عنوان بزرگ‌ترین کشور صنعتی و پرجمعیت جهان، با چالش‌های جدی در زمینه آلودگی هوا، آب و خاک روبه‌رو است. با توجه به سرعت رشد اقتصادی و صنعتی شدن این کشور، آلودگی به یکی از بزرگ‌ترین مسائل زیست‌محیطی در چین تبدیل شده است. در این مطلب، به چالش‌های مختلف آلودگی در چین پرداخته می‌شود و نحوه برخورد دولت چین با این مشکلات و اقدامات آن برای کاهش اثرات آلودگی توضیح داده خواهد شد.

آلودگی هوا

آلودگی هوا در چین یکی از بزرگ‌ترین نگرانی‌های زیست‌محیطی است که به‌ویژه در شهرهای بزرگ و صنعتی مانند پکن، شانگهای، و گوانگژو مشهود است. چین به‌عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده دی‌اکسید کربن در جهان، یکی از مقصران اصلی انتشار گازهای گلخانه‌ای است. بیشتر آلودگی‌های هوا در چین ناشی از استفاده گسترده از سوخت‌های فسیلی، به‌ویژه زغال سنگ، در صنایع و حمل‌ونقل است.

آمارها نشان می‌دهند که چین حدود ۲۸ درصد از انتشار گازهای گلخانه‌ای جهانی را به خود اختصاص داده است. در سال ۲۰۲۰، در حالی که چین پیشرفت‌های زیادی در زمینه انرژی‌های تجدیدپذیر داشته است، همچنان ۵۷ درصد از انرژی تولیدی خود را از زغال سنگ تأمین می‌کند. این امر موجب آلودگی شدید هوا در بسیاری از مناطق چین شده است.

بیش از ۸۰ درصد از جمعیت پکن به دلیل آلودگی هوا در معرض خطرات جدی قرار دارند. در شهرهای بزرگ چین، ذرات معلق (PM2.5) به سطوح بسیار خطرناکی رسیده‌اند که می‌توانند به مشکلات تنفسی و قلبی

دFTER پنجم: بررسی ساختار اجتماعی و فرهنگی

منجر شوند. به عنوان مثال، در برخی روزهای آلوده، میزان ذرات PM2.5 در پکن به ۳۰۰ میکروگرم در مترمکعب می‌رسد که بیش از پنج برابر حد استاندارد سازمان بهداشت جهانی (WHO) است.

آلودگی آب

آلودگی آب نیز یکی دیگر از چالش‌های بزرگ چین است که تأثیرات منفی زیادی بر منابع آبی این کشور و همچنین سلامت عمومی دارد. در چین، بسیاری از رودخانه‌ها و منابع آبی با آلاینده‌های صنعتی، فاضلاب‌های شهری، و کودهای شیمیایی آلوده شده‌اند. گزارش‌ها نشان می‌دهند که بیش از ۶۰ درصد از منابع آب چین به دلیل آلودگی‌ها غیرقابل استفاده شده‌اند.

رودخانه‌ها و دریاچه‌های چین، مانند رودخانه یانگ‌تسه و دریاچه تایهو، به شدت آلوده شده‌اند. این آلودگی‌ها ناشی از آب‌های آلوده به فاضلاب‌های صنعتی، کشاورزی و آب‌های شهری است. به طور خاص، در سال ۲۰۱۸، حدود ۳۰۰ میلیون نفر در چین از منابع آب آلوده استفاده می‌کردند، که موجب مشکلات بهداشتی و بیماری‌های ناشی از آلودگی آب شده است.

آلودگی خاک

آلودگی خاک نیز در چین به‌ویژه در مناطقی که صنایع سنگین وجود دارند، یک معضل جدی است. استفاده بیش از حد از مواد شیمیایی کشاورزی و زباله‌های صنعتی موجب شده که خاک در برخی مناطق چین به شدت آلوده شود. طبق گزارش‌ها، بیش از ۱۶ درصد از اراضی کشاورزی چین به دلیل آلودگی‌های ناشی از فلزات سنگین، غیرقابل کشت شده‌اند. این آلودگی‌ها به‌ویژه در مناطقی مانند شاندونگ، شانشی و ژیانگسو^{۵۱۲} شدت دیده می‌شود.

دولت چین و اقدامات برای مقابله با آلودگی

دولت چین در سال‌های اخیر برنامه‌های متعددی را برای کاهش آلودگی هوا، آب و خاک آغاز کرده است. یکی از بزرگ‌ترین اقدامات چین، سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر است. چین به‌طور مستمر در حال افزایش

۵۱۲ - شاندونگ، شانشی و جیانگسو سه استان مهم در چین هستند که هر یک ویژگی‌های خاص خود را دارند. شاندونگ واقع در شرق چین، به خاطر تاریخ غنی خود و زادگاه کنفوسیوس شناخته می‌شود و دارای سواحل طولانی و زمین‌های حاصلخیز است که آن را به یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان محصولات کشاورزی مانند گندم و پنبه تبدیل کرده است. این استان همچنین به خاطر شهرهای مهمی مانند کیندائو و جینان، که مراکز اقتصادی و فرهنگی هستند، مشهور است. شانشی، با تاریخ باستانی غنی و موقعیت مرکزی‌اش، به عنوان زادگاه سلسله‌های بزرگ چین شناخته می‌شود. این استان همچنین به خاطر منابع طبیعی خود، از جمله زغال‌سنگ و نفت، و جاذبه‌های گردشگری مانند کوه‌های تائیشان معروف است. در نهایت، جیانگسو یکی از پیشرفته‌ترین استان‌های چین است که به خاطر اقتصاد قوی، صنایع پیشرفته و شبکه حمل‌ونقل توسعه‌یافته‌اش شناخته می‌شود. این استان همچنین دارای جاذبه‌های تاریخی و فرهنگی زیادی است و شهر نانجینگ به عنوان پایتخت تاریخی چین اهمیت ویژه‌ای دارد.

این سه استان نه تنها از نظر اقتصادی بلکه از نظر فرهنگی نیز تأثیر زیادی بر تاریخ و توسعه چین داشته‌اند. شاندونگ با تولیدات کشاورزی خود، شانشی با میراث تاریخی‌اش و جیانگسو با نوآوری‌های صنعتی‌اش، هر یک نقش مهمی در شکل‌دهی به هویت ملی چین ایفا می‌کنند.

دفتر پنجم: بررسی ساختار اجتماعی و فرهنگی

ظرفیت تولید انرژی‌های خورشیدی، بادی و هیدروالکتریک است. همچنین، دولت چین در حال اجرای طرح‌های کاهش آلودگی هوا از طریق ارتقای سیستم حمل‌ونقل عمومی و کاهش استفاده از خودروهای سواری است. چین همچنین برنامه‌های شدیدی برای کنترل آلودگی‌های صنعتی در دست اجرا دارد. طبق برنامه‌ای که در سال ۲۰۱۸ منتشر شد، دولت چین قصد دارد تا سال ۲۰۲۵ میزان آلودگی هوای خود را به نصف کاهش دهد. همچنین، دولت چین طرح‌هایی برای تقویت نظارت بر صنایع آلاینده و تشویق به استفاده از فناوری‌های پاک و سوخت‌های جایگزین دارد.

چالش‌ها و موانع

با وجود این پیشرفت‌ها، چین همچنان با چالش‌های بسیاری در زمینه کاهش آلودگی روبه‌رو است. یکی از بزرگ‌ترین مشکلات، وابستگی زیاد به زغال‌سنگ به‌عنوان منبع انرژی است. چین به‌طور متوسط روزانه بیش از ۳٫۸ میلیون تن زغال‌سنگ مصرف می‌کند، که به‌طور مستقیم موجب انتشار گازهای گلخانه‌ای و آلودگی هوای زیاد می‌شود.

از سوی دیگر، نابرابری در توسعه اقتصادی نیز باعث شده است که مناطق صنعتی و شهری بزرگتر نسبت به مناطق روستایی و کم‌توسعه‌تر بیشتر تحت تأثیر آلودگی‌های زیست‌محیطی قرار گیرند. این نابرابری‌ها باعث شده است که دولت چین نتواند به‌طور کامل از عواقب منفی آلودگی در سطح ملی جلوگیری کند. آلودگی در چین یک چالش پیچیده و چندوجهی است که از یک‌سو به رشد سریع اقتصادی و صنعتی شدن این کشور باز می‌گردد و از سوی دیگر به محدودیت‌های منابع انرژی و سیستم‌های نظارتی کشور مرتبط است. با این حال، چین با توجه به پیشرفت‌هایی که در زمینه انرژی‌های تجدیدپذیر و سیاست‌های کاهش آلودگی داشته است، در حال پیشبرد راه‌حلی برای مقابله با این چالش‌ها است. موفقیت این برنامه‌ها به اراده سیاسی و همکاری‌های جهانی بستگی دارد تا چین بتواند به هدف‌های خود در زمینه کاهش آلودگی و حفظ محیط زیست دست یابد.

سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر

سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر: بخشی از ساختار محیط زیست و پایداری کشور چین
چین به‌عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده و مصرف‌کننده انرژی در جهان^{۱۳}، تلاش است تا وابستگی خود به سوخت‌های فسیلی را کاهش دهد و به سمت استفاده از منابع انرژی تجدیدپذیر حرکت کند. این تغییر در ساختار

۵۱۳ - چین به عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده و مصرف‌کننده انرژی در جهان، در سال ۲۰۲۳ حدود ۸٫۳۹۲ ترابایت ساعت (TWh) برق تولید کرده است که نشان‌دهنده افزایش ۷٪ نسبت به سال قبل است. همچنین، این کشور در سال ۲۰۲۱ حدود ۸٫۵ پتاوات ساعت (PWh) برق تولید کرد که تقریباً ۳۰٪ از تولید برق جهانی را شامل می‌شود. چین همچنان به عنوان بزرگ‌ترین مصرف‌کننده زغال‌سنگ و یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان انرژی‌های تجدیدپذیر مانند انرژی بادی و خورشیدی شناخته می‌شود. برای مشاهده میزان تولید و مصرف انرژی کشورهای مختلف در جهان، می‌توانید به وبسایت Ember Energy مراجعه کنید که اطلاعات دقیقی درباره روندهای انرژی و آمارهای مربوط به کشورهای مختلف

دFTER پنجم: بررسی ساختار اجتماعی و فرهنگی

انرژی کشور چین نه تنها به حفظ محیط زیست کمک می کند، بلکه به توسعه اقتصادی پایدار و بهبود امنیت انرژی در این کشور نیز منجر خواهد شد. چین در سال های اخیر به یکی از پیشروترین کشورهای جهان در زمینه تولید انرژی های تجدیدپذیر تبدیل شده است و به طور مداوم در حال افزایش ظرفیت های خود در این زمینه است.

نقش چین در بازار انرژی های تجدیدپذیر جهانی

چین به طور فزاینده ای در حال تبدیل شدن به قطب اصلی تولید و استفاده از انرژی های تجدیدپذیر است. در حال حاضر، چین بزرگ ترین تولیدکننده انرژی خورشیدی و بادی در جهان است. این کشور تا سال ۲۰۲۲، بیش از ۳۵۰ گیگاوات ظرفیت انرژی خورشیدی و بیش از ۳۰۰ گیگاوات ظرفیت انرژی بادی نصب شده داشته است. چین همچنین در تولید تجهیزات انرژی تجدیدپذیر، به ویژه پنل های خورشیدی و توربین های بادی، پیشرو است. در سال های اخیر، چین بخش بزرگی از سرمایه گذاری های خود را به پروژه های انرژی تجدیدپذیر اختصاص داده است. در سال ۲۰۲۰، چین بیش از ۸۳ میلیارد دلار در انرژی های تجدیدپذیر سرمایه گذاری کرد که معادل ۳۰ درصد از کل سرمایه گذاری جهانی در این بخش است. این سرمایه گذاری ها به ایجاد ظرفیت های جدید در بخش های مختلف انرژی خورشیدی، بادی، هیدروالکتریک و زمین گرمایی منجر شده است.

سرمایه گذاری در انرژی خورشیدی

چین به عنوان یکی از پیشتازان جهانی در تولید انرژی خورشیدی، بیشترین تولید و نصب پنل های خورشیدی را در دنیا دارد. چین تنها در سال ۲۰۲۱ بیش از ۵۴ گیگاوات ظرفیت جدید انرژی خورشیدی نصب کرد. این کشور در حال حاضر حدود ۶۰ درصد از کل تولید پنل های خورشیدی جهان را بر عهده دارد. علاوه بر این، چین در حال گسترش پروژه های خورشیدی بزرگ مقیاس است. به عنوان مثال، پروژه خورشیدی در بی نان^۴ با ظرفیت ۲ گیگاوات، یکی از بزرگ ترین مزارع خورشیدی جهان است، تنها یکی از چندین پروژه عظیم خورشیدی در این کشور است.

ارائه می دهد. همچنین، وبسایت IEA (سازمان بین المللی انرژی) نیز منبع دیگری برای دسترسی به داده های مربوط به انرژی کشورهای مختلف است. <https://www.iea.org/countries/china>

۵۱۴ - پروژه خورشیدی در بینان، که ظرفیت آن ۲ گیگاوات (GW) است، توسط شرکت Solar Philippines Biga Corporation در حال توسعه می باشد. این پروژه شامل یک سیستم ذخیره سازی انرژی باتری به ظرفیت ۶ گیگاوات و همچنین ۶۰۰ مگاوات (MW) پشتیبانی دیزلی است و در نازوبو، باتانگاس، واقع در ۱۱۵ کیلومتری جنوب غربی مانیل قرار دارد. این پروژه بر روی مساحتی به اندازه ۲۰۰۰ هکتار توسعه خواهد یافت و مطالعه امکان سنجی آن از سال ۲۰۲۰ آغاز شده است. انتظار می رود که کارهای ساخت و ساز از سه ماهه چهارم سال ۲۰۲۲ آغاز شود و تا سه ماهه سوم سال ۲۰۲۴ به اتمام برسد. سرمایه گذاری کل برای این پروژه حدود ۱.۲ میلیارد دلار تخمین زده شده است. این سرمایه گذاری شامل هزینه های مربوط به ساخت و توسعه زیرساخت های لازم برای تولید انرژی خورشیدی و سیستم های ذخیره سازی مرتبط می شود. با توجه به اهداف بلندمدت چین در زمینه انرژی های تجدیدپذیر و کاهش وابستگی به سوخت های فسیلی، این پروژه می تواند نقش مهمی در تأمین انرژی پایدار و کاهش گازهای گلخانه ای ایفا کند.

سرمایه‌گذاری در انرژی بادی

چین در زمینه انرژی بادی نیز پیشرفت‌های چشمگیری داشته است. در سال ۲۰۲۱، چین با نصب ۲۳ گیگاوات ظرفیت جدید انرژی بادی، بیش از نیمی از مجموع نصب‌های جهانی در این بخش را به خود اختصاص داد. در سال ۲۰۲۴، پیش‌بینی می‌شود که چین حدود ۵۰ گیگاوات ظرفیت جدید انرژی بادی نصب کند، که این رقم به همراه دیگر پروژه‌های انرژی تجدیدپذیر، به افزایش قابل توجهی در تولید انرژی پایدار در کشور منجر خواهد شد. با توجه به روندهای کنونی و برنامه‌های توسعه‌ای، ظرفیت کل انرژی بادی چین تا پایان سال ۲۰۲۴ به حدود ۸۰۰ گیگاوات خواهد رسید. این افزایش در ظرفیت نه تنها به تقویت موقعیت چین به عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده انرژی بادی در جهان کمک می‌کند بلکه به اهداف بلندمدت این کشور برای کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی و افزایش سهم انرژی‌های تجدیدپذیر در سبد انرژی ملی نیز می‌افزاید. پروژه‌های بادی چین بیشتر در نواحی شمالی و غربی این کشور متمرکز هستند که در آن‌ها منابع بادی مناسب‌تر هستند.^{۵۱۵} چین همچنین در حال گسترش انرژی بادی فراساحلی است. این کشور در حال حاضر بزرگ‌ترین بازار انرژی بادی فراساحلی در جهان را دارد و در سال ۲۰۲۰، بیش از ۳ گیگاوات ظرفیت بادی فراساحلی نصب کرد. پروژه‌های بادی فراساحلی چینی به‌ویژه در دریای چین شرقی و دریای چین جنوبی در حال توسعه هستند.

انرژی هیدروالکتریک

چین همچنین به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان انرژی هیدروالکتریک^{۵۱۶} جهان شناخته می‌شود. در حال حاضر، چین حدود ۳۰ درصد از ظرفیت جهانی انرژی هیدروالکتریک را در اختیار دارد. پروژه‌های بزرگ هیدروالکتریک در چین شامل سد سه دره و سد ژانگ جیانگ است که به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین و پیچیده‌ترین پروژه‌های هیدروالکتریک در جهان شناخته می‌شود. چین همچنین در حال سرمایه‌گذاری در انرژی هیدروالکتریک کوچک و استفاده از منابع آبی محلی برای تولید انرژی است. این بخش به‌ویژه در مناطق روستایی چین توسعه یافته است و به تأمین انرژی پایدار برای مناطق دورافتاده کمک می‌کند.

در سال ۲۰۲۴، پیش‌بینی می‌شود که تولید جهانی انرژی هیدروالکتریک به حدود ۱،۴۱۲ گیگاوات (GW) برسد و چین سهم قابل توجهی از این ظرفیت را به خود اختصاص دهد. تا سال ۲۰۲۳، چین مسئول نزدیک به ۵۰

^{۵۱۵} <https://globalenergymonitor.org/report/china-continues-to-lead-the-world-in-wind-and-solar-with-twice-as-much-capacity-under-construction-as-the-rest-of-the-world-combined/> & <https://ember-energy.org/latest-insights/wind-targets-are-achievable-but-fall-short-of-a-tripling/>

^{۵۱۶} - انرژی هیدروالکتریک یا نیروگاه‌های آبی، یک منبع انرژی تجدیدپذیر است که با تبدیل انرژی آب در حال جریان یا سقوط به برق تولید می‌شود. این فرآیند معمولاً شامل ساخت سد بر روی رودخانه‌ها برای ایجاد مخزن آب است. آب ذخیره‌شده از طریق توربین‌ها رها می‌شود و باعث تولید برق می‌شود. این نوع انرژی مزایای زیادی دارد، از جمله تجدیدپذیری و انتشار کم گازهای گلخانه‌ای، اما ساخت سدهای بزرگ ممکن است تأثیرات زیست‌محیطی داشته باشد. پروژه‌های معروف مانند سد سه‌دره در چین و سد هوور در ایالات متحده نمونه‌هایی از این نوع نیروگاه‌ها هستند که نقش مهمی در تأمین انرژی پایدار ایفا می‌کنند.

دفتر پنجم: بررسی ساختار اجتماعی و فرهنگی

درصد از کل ظرفیت نصب شده نیروگاه‌های آبی در جهان بود و این روند انتظار می‌رود در سال ۲۰۲۴ نیز ادامه یابد. این کشور به طور مداوم در توسعه انرژی هیدروالکتریک پیشرو بوده و به طور قابل توجهی به تلاش‌های جهانی برای تولید انرژی تجدیدپذیر کمک کرده است. برای دسترسی به آمار دقیق‌تر درباره تولید جهانی انرژی هیدروالکتریک و سهم چین، می‌توان به گزارش‌ها و داده‌های انجمن بین‌المللی هیدروالکتریک (IHA) مراجعه کرد.^{۱۷} همچنین، سازمان بین‌المللی انرژی (IEA) نیز اطلاعاتی درباره روندها و پیش‌بینی‌های مربوط به ظرفیت انرژی هیدروالکتریک در سطح جهانی ارائه می‌دهد.

چالش‌ها و موانع

با وجود پیشرفت‌های چشمگیر در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر، چین با چالش‌هایی نیز روبه‌رو است. یکی از بزرگ‌ترین چالش‌ها، وابستگی به زغال‌سنگ است که همچنان بخش عمده‌ای از انرژی تولیدی کشور را تشکیل می‌دهد. چین در سال ۲۰۲۰ بیش از ۵۷ درصد از انرژی خود را از زغال‌سنگ تأمین کرد، که موجب ایجاد آلودگی شدید و افزایش انتشار گازهای گلخانه‌ای می‌شود. علاوه بر این، مشکلات زیست‌محیطی مرتبط با استخراج مواد معدنی برای تولید پنل‌های خورشیدی و توربین‌های بادی، از جمله تأثیرات منفی بر منابع طبیعی و اکوسیستم‌ها، یکی دیگر از چالش‌های مهم است که چین باید به آن توجه کند. چین با سرمایه‌گذاری‌های گسترده در انرژی‌های تجدیدپذیر به یکی از پیشروترین کشورهای جهان در این زمینه تبدیل شده است. این کشور با افزایش ظرفیت تولید انرژی خورشیدی، بادی و هیدروالکتریک و همچنین توسعه پروژه‌های انرژی تجدیدپذیر در سطح جهانی، در حال پیشبرد هدف‌های خود برای کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی و مقابله با تغییرات اقلیمی است. با این حال، همچنان چالش‌هایی مانند وابستگی به زغال‌سنگ و مشکلات زیست‌محیطی استخراج مواد معدنی باید مورد توجه قرار گیرد.

تمرکز منطقه‌ای

اهمیت مناطق کلیدی (مانند پکن، شانگهای، شنژن)

چین، به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین اقتصادهای جهان، در سال‌های اخیر توجه زیادی به تمرکز منطقه‌ای و گسترش زیرساخت‌های اقتصادی و تجاری در مناطق خاص داشته است. این مناطق کلیدی مانند پکن، شانگهای و شنژن، نقش بسیار مهمی در رشد اقتصادی کشور، نوآوری‌های تکنولوژیک و همچنین افزایش تعاملات تجاری با دیگر نقاط جهان دارند. این سه شهر به‌عنوان موتورهای اصلی اقتصاد چین عمل می‌کنند و به‌ویژه در بخش‌های مختلفی مانند مالی، فناوری، صنعت و تجارت بین‌الملل پیشرو هستند.

^{۱۷}<https://www.hydropower.org/publications/2024-world-hydropower-outlook>

دفتر پنجم: بررسی ساختار اجتماعی و فرهنگی

در سال ۲۰۲۳، سهم شهرهای پکن، شانگهای و شنژن در تولید ناخالص داخلی (GDP) چین به شرح زیر است: **شانگهای** با تولید ناخالص داخلی حدود ۴,۷ **تریلیون یوان** (تقریباً ۶۶۴ **میلیارد دلار**) بزرگ‌ترین سهم را دارد. **پکن** با تولید ناخالص داخلی حدود ۴,۱۶ **تریلیون یوان** (تقریباً ۶۱۹ **میلیارد دلار**) در رتبه دوم قرار دارد و **شنژن** نیز با تولید ناخالص داخلی حدود ۳,۴۶ **تریلیون یوان** (تقریباً ۴۸۲ **میلیارد دلار**) سومین شهر بزرگ چین از نظر GDP است. مجموع GDP چین در سال ۲۰۲۳ برابر با ۱۲۶,۰۶ **تریلیون یوان** (حدود ۱۷,۷۹ **تریلیون دلار**) بوده است. بنابراین، سهم این سه شهر از کل GDP چین به ترتیب حدود ۳,۷۳٪، ۳,۳۰٪ برای پکن و ۲,۷۵٪ برای شنژن است، که نشان‌دهنده نقش کلیدی آن‌ها در رشد اقتصادی کشور است برای کسب اطلاع از سهم سایر شهرهای چین می‌توانید به آدرس ذیل مراجعه نمایید^{۵۱۸}.

پکن: مرکز سیاست و فناوری

پکن، پایتخت چین، نقش مهمی در سیاست‌گذاری‌های ملی و بین‌المللی ایفا می‌کند و همچنین به‌عنوان یکی از مراکز اصلی علم و فناوری شناخته می‌شود. دانشگاه‌های معتبر و مؤسسات تحقیقاتی بسیاری در پکن قرار دارند که در زمینه‌های مختلف علمی، به‌ویژه در فناوری‌های نوین و هوش مصنوعی، پیشگام هستند. این شهر همچنین یکی از مراکز اصلی سرمایه‌گذاری‌های فناوری است. شرکت‌های بزرگی مانند **Baidu** و **Tencent** در پکن حضور دارند که در زمینه‌های مختلف فناوری اطلاعات و اینترنت فعالیت می‌کنند. به‌علاوه، پکن به‌عنوان یکی از مهم‌ترین قطب‌های تجاری و مالی کشور چین شناخته می‌شود و دارای زیرساخت‌های مالی بسیار پیشرفته‌ای است.

شانگهای: مرکز مالی و تجاری جهانی

شانگهای یکی از مهم‌ترین شهرهای چین از نظر اقتصادی است که نقش بسزایی در تجارت جهانی و سیستم مالی چین ایفا می‌کند. این شهر به‌عنوان مرکز مالی و تجاری کشور شناخته می‌شود و بزرگ‌ترین بازار سهام چین،

^{۵۱۸}<https://www.statista.com/statistics/278939/chinese-cities-with-the-highest-gdp/>

دفتر پنجم: بررسی ساختار اجتماعی و فرهنگی

بورس شانگهای^{۵۱۹}؛ در اینجا واقع است. همچنین شانگهای یکی از بنادر مهم چین و یکی از بزرگترین مراکز تجاری و صادراتی جهان محسوب می‌شود.

در سال‌های اخیر، شانگهای به‌عنوان یک مرکز نوآوری و فناوری نیز شناخته شده است. شرکت‌های بسیاری در حوزه‌های مختلف از جمله فناوری اطلاعات و بیوتکنولوژی در این شهر مستقر هستند^{۵۲۱}. همچنین، سیاست‌های آزادسازی اقتصادی که در دهه‌های گذشته در این شهر اعمال شده است، باعث رشد بی‌سابقه این منطقه از نظر جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و ایجاد فرصت‌های شغلی شده است.

۵۱۹ - بورس اوراق بهادار شانگهای (Shanghai Stock Exchange یا SSE) یکی از بزرگترین و مهم‌ترین بورس‌های جهان است که در سال ۱۹۹۰ تأسیس شده و به عنوان یک مرکز مالی کلیدی در چین شناخته می‌شود. در سال ۲۰۲۴، گردش مالی سالانه این بورس به حدود ۶۲۳٫۶۹ تریلیون یوان (تقریباً ۸۸٫۶ تریلیون دلار) رسید، که نشان‌دهنده فعالیت بالای سرمایه‌گذاران و حجم معاملات در این بازار است SSE. با ارائه انواع مختلفی از اوراق بهادار، از جمله سهام و اوراق قرضه، نقش مهمی در تأمین مالی شرکت‌ها و رشد اقتصادی چین ایفا می‌کند. سهم بورس شانگهای از کل بورس‌های اوراق بهادار چین به طور قابل توجهی بالا است و تقریباً ۷۰ درصد از کل ارزش بازار بورس‌های چین را به خود اختصاص می‌دهد. این سهم بالا نشان‌دهنده اهمیت SSE در اقتصاد ملی و تأثیر آن بر بازارهای مالی جهانی است. با توجه به زیرساخت‌های پیشرفته و سیستم معاملاتی کارآمد، SSE به عنوان یکی از بازارهای معتبر و جذاب برای سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی شناخته می‌شود.

۵۲۰ - بندر شانگهای یکی از مهم‌ترین بنادر چین و یکی از بزرگترین مراکز تجارت و صادرات در جهان است. این بندر به تازگی موفق به دستیابی به یک رکورد تاریخی شده و برای اولین بار در جهان، حجم سالانه بار خود را به بیش از ۵۰ میلیون TEU (معادل بیست فوت) رسانده است. این موفقیت نشان‌دهنده جایگاه برجسته آن به عنوان شلوغ‌ترین بندر کانتینری در جهان است که به مدت ۱۴ سال متوالی این عنوان را حفظ کرده است. از نظر سهم بندر شانگهای از کل فعالیت‌های بندری چین، این بندر حدود یک سوم از کل حجم بار کشور را به خود اختصاص می‌دهد. این تسلط نه تنها به دلیل زیرساخت‌های گسترده آن بلکه به دلیل اهمیت استراتژیک آن در شبکه‌های تجارت بین‌المللی است. برای افرادی که به اطلاعات دقیق درباره بندر جهان، شامل رتبه‌بندی‌ها و موقعیت‌ها علاقه‌مند هستند، وبسایت‌های سازمان‌های بندری و منابعی مانند Port World به آدرس: <http://www.dpworld.com/> اطلاعات جامع و دقیقی ارائه می‌دهند. همچنین، گزارش شاخص توسعه مرکز حمل‌ونقل بین‌المللی ایکسینوا-بالتی، بندر بزرگ را بر اساس معیارهای مختلف رتبه‌بندی می‌کند و بینش‌هایی درباره قابلیت‌های عملیاتی و موقعیت‌های جهانی آن‌ها ارائه می‌دهد. منبع: [https://psabdp.com/news/shanghai-port-sets-world-box-volume-](https://psabdp.com/news/shanghai-port-sets-world-box-volume-record) record

۵۲۱ - در سال‌های اخیر، شانگهای سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی را به منظور تقویت جایگاه خود به عنوان یک مرکز نوآوری و فناوری جذب کرده است. به عنوان مثال، گروه سرمایه‌گذاری نوآوری پودونگ شانگهای برنامه‌ریزی کرده است که ۲۰ میلیارد یوان (حدود ۲٫۸ میلیارد دلار آمریکا) را در پروژه‌های علمی و فناوری طی سه سال آینده سرمایه‌گذاری کند و هدف دارد تا ۲۰۰ میلیارد یوان (حدود ۲۸٫۱ میلیارد دلار آمریکا) تا سال ۲۰۲۷ جذب کند. همچنین، دولت شانگهای دو شرکت بزرگ سرمایه‌گذاری دولتی را ادغام کرده تا یک نهاد جدید با سرمایه‌ای معادل ۱۳۰ میلیارد یوان (حدود ۱۸ میلیارد دلار آمریکا) برای حمایت از استارت‌آپ‌ها در بخش فناوری ایجاد کند. از سوی دیگر، دولت شانگهای حدود ۴٫۵ درصد از تولید ناخالص داخلی خود را به تأمین مالی تحقیق و توسعه اختصاص داده است که پیش‌بینی می‌شود این مقدار برای سال ۲۰۲۵ به حدود ۵ تریلیون یوان (حدود ۶۸۲ میلیارد دلار آمریکا) برسد. بنابراین، تأمین مالی تحقیق و توسعه می‌تواند به حدود ۲۲۵ میلیارد یوان (حدود ۳۱٫۵ میلیارد دلار آمریکا) برای آن سال برسد. این سرمایه‌گذاری‌ها نشان‌دهنده تعهد شانگهای به پرورش نوآوری در صنایع مختلف، از جمله بیوتکنولوژی، هوش مصنوعی و مدارهای مجتمع است. منبع:

<https://english.shanghai.gov.cn/en-Latest-WhatsNew/۲۰۲۵۰۱۱۰/e۹۳c۶cd۹fc۳۴۸۴۶۹۰۵۶abad۹۸۷۰c۵۸c.html>

شنژن: قطب فناوری و نوآوری

شنژن، شهری که در جنوب چین و در نزدیکی هنگ کنگ قرار دارد، به عنوان مرکز فناوری و نوآوری در چین شناخته می شود. این شهر در چند دهه اخیر تبدیل به یکی از پیشرفته ترین شهرهای چین شده است و بسیاری از شرکت های فناوری بزرگ دنیا مانند **Huawei**، **DJI**^{۵۲} و **Tencent** در اینجا مستقر هستند. شنژن به عنوان «سیلیکون ولی» چین، مرکز اصلی نوآوری های دیجیتال و فناوری های نوین مانند **هوش مصنوعی**، **۵G** و **دوربین های هوشمند** به شمار می آید.

شهر شنژن به دلیل سیاست های حمایتی دولت چین، مانند ایجاد مناطق آزاد تجاری و ارائه تسهیلات ویژه برای استارت آپ ها، یکی از قطب های نوآوری در چین و جهان محسوب می شود. به علاوه، شنژن نقش کلیدی در تولید کالاهای الکترونیکی، گوشی های هوشمند، و دستگاه های دیجیتال دارد و به همین دلیل یکی از مهم ترین مراکز تولید و صادرات در چین است.

نقش مناطق کلیدی در رشد اقتصادی چین

این سه شهر کلیدی (پکن، شانگهای و شنژن) به عنوان پیشران های اصلی اقتصاد چین شناخته می شوند. در حالی که پکن نقش سیاسی و فناوری را ایفا می کند، شانگهای به عنوان مرکز مالی و تجاری و شنژن به عنوان قطب فناوری، با جذب سرمایه های داخلی و خارجی، تولید کالاهای و خدمات با کیفیت بالا و ایجاد فرصت های شغلی، در پیشبرد اهداف توسعه اقتصادی چین بسیار مؤثر هستند. این مناطق همچنین با توجه به سیاست های دولتی و زیرساخت های پیشرفته ای که در اختیار دارند، به عنوان مراکز نوآوری و تحقیقاتی در سطح جهانی عمل می کنند. در این راستا، دولت چین برنامه های ویژه ای برای حمایت از رشد اقتصادی این مناطق در نظر گرفته است. به عنوان مثال، طرح اصلاحات اقتصادی در منطقه خلیج بزرگ گوانگدونگ-هنگ کنگ-ماکائو به منظور تقویت ارتباطات تجاری و صنعتی بین شنژن و هنگ کنگ طراحی شده است. همچنین، در پکن، دولت چین با ارائه تسهیلات مالی و تحقیقاتی، به حمایت از شرکت های فناوری و تحقیقاتی پرداخته است.

۵۲ - دی جی آی، که به طور رسمی به عنوان **SZ DJI Technology Co., Ltd.** شناخته می شود، یک شرکت فناوری پیشرو چینی است که در شهر شنژن، گوانگدونگ مستقر است. این شرکت در سال ۲۰۰۶ توسط فرانک وانگ تأسیس شد و به تولید هواپیماهای بدون سرنشین (پهپادها) تجاری، به ویژه برای عکاسی و فیلم برداری هوایی، می پردازد. دی جی آی با محصولات نوآورانه ای مانند سری های **Mavic** و **Phantom**، صنعت پهپاد را متحول کرده و این محصولات به استاندارد طلایی برای کاربران حرفه ای و آماتور تبدیل شده اند. تا ژوئن ۲۰۲۴، دی جی آی بیش از ۹۰٪ از بازار جهانی پهپادهای مصرفی را در اختیار دارد و فناوری آن در بخش های مختلفی از جمله فیلم و تلویزیون، کشاورزی و حتی نیروهای نظامی مورد استفاده قرار می گیرد. از نظر عملکرد مالی، دی جی آی در سال های اخیر رشد قابل توجهی را تجربه کرده است. درآمد سالانه این شرکت در سال ۲۰۲۱ بیش از ۵ میلیارد دلار گزارش شده است که نشان دهنده یک روند صعودی مداوم ناشی از تقاضای بالای فناوری پهپاد و محصولات مرتبط است. با وجود چالش هایی مانند نظارت های قانونی و رقابت، سود دی جی آی همچنان قوی باقی مانده و به جایگاه آن به عنوان یک بازیگر غالب در بازار پهپادها کمک کرده است. این شرکت همچنین با راه اندازی بخش کشاورزی دی جی آی، به گسترش محصولات خود پرداخته و موقعیت خود را به عنوان یک رهبر نوآوری در بخش فناوری تقویت کرده است.

دفتر پنجم: بررسی ساختار اجتماعی و فرهنگی

چالش‌ها و فرصت‌ها

اگرچه این سه منطقه در پیشبرد رشد اقتصادی چین نقش برجسته‌ای ایفا کرده‌اند، اما همچنان با چالش‌هایی نیز روبه‌رو هستند. یکی از مهم‌ترین چالش‌ها، نابرابری‌های منطقه‌ای است که بین مناطق شرقی و غربی چین وجود دارد.^{۲۳} مناطق کلیدی مانند پکن و شانگهای، به دلیل توسعه‌های بیشتر و جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی، از نظر اقتصادی پیشرفته‌تر هستند، در حالی که مناطق غربی چین همچنان با مشکلاتی از جمله فقر و زیرساخت‌های ناکافی روبه‌رو هستند.

در پاسخ به این چالش‌ها، دولت چین برنامه‌هایی مانند **طرح توسعه غرب چین** را برای بهبود وضعیت اقتصادی در مناطق کمتر توسعه‌یافته به اجرا گذاشته است.

پکن، شانگهای و شژن به عنوان مناطق کلیدی در چین نه تنها به عنوان موتورهای اقتصادی کشور شناخته می‌شوند، بلکه نقش مهمی در تحولات جهانی و توسعه فناوری ایفا می‌کنند. سرمایه‌گذاری‌های بزرگ در این مناطق، به ویژه در زمینه‌های نوآوری و تکنولوژی، به رشد و پیشرفت اقتصادی چین کمک کرده است. این مناطق به عنوان پیشگامان در رشد اقتصادی و فناوری، همچنان با چالش‌هایی از جمله نابرابری‌های منطقه‌ای روبه‌رو هستند، اما با برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و اصلاحات گسترده، می‌توانند به توسعه اقتصادی و اجتماعی چین کمک کنند.

اقلیت‌های قومی و مناطق خودمختار

اقلیت‌های قومی و مناطق خودمختار در چین: بخش مهمی از ساختار تمرکز منطقه‌ای

چین با بیش از ۵۶ گروه قومی مختلف،^{۲۴} کشوری است با تنوع فرهنگی گسترده. این تنوع قومی در تاریخ چین به ویژه در دوران‌های مختلف از جمله دوران معاصر، نقشی کلیدی در شکل‌دهی به سیاست‌ها و ساختارهای اجتماعی ایفا کرده است. در چین، علاوه بر قوم هان که بزرگ‌ترین گروه قومی را تشکیل می‌دهد. برخی از این اقلیت‌ها در مناطق خاص و خودمختار سکونت دارند که سیاست‌های خاصی برای آن‌ها در نظر گرفته شده است. این مناطق خودمختار به ویژه در ساختار تمرکز منطقه‌ای چین نقش مهمی دارند.

۵۲۳- در سال ۲۰۲۳، تولید ناخالص داخلی (GDP) کل چین به حدود ۱۲۶،۰۶ تریلیون یوان (تقریباً ۱۷،۵۲ تریلیون دلار) رسید. از این مقدار، استان‌های شرقی حدود ۶۵،۲۰۸،۴ میلیارد یوان (تقریباً ۹،۰۹ تریلیون دلار) را به خود اختصاص دادند که معادل ۵۱،۷٪ از تولید ناخالص داخلی کل کشور است. در مقابل، استان‌های غربی تنها ۲۶،۹۳۲،۵ میلیارد یوان (تقریباً ۳،۷۳ تریلیون دلار) تولید کردند که سهم آن‌ها از کل GDP چین حدود ۲۱،۴٪ می‌باشد. این ارقام نشان‌دهنده نابرابری‌های اقتصادی قابل توجهی بین مناطق شرقی و غربی چین است، به طوری که استان‌های شرقی همچنان بر اقتصاد کشور تسلط دارند.

۵۲۴- چین دارای بیش از ۵۶ گروه قومی مختلف است که از نظر جمعیت و سهم از کل جمعیت کشور به ترتیب زیر قرار دارند: هان با ۱،۲۲۰،۸۴۴،۵۲۰ نفر (حدود ۹۱،۶٪ از جمعیت کل)، ژوانگ با ۱۶،۹۲۶،۳۸۱ نفر (تقریباً ۱،۲۷٪)، هوی با ۱۰،۵۸۶،۰۸۷ نفر (۰،۷۹٪)، مانچو با ۱۰،۳۸۷،۹۵۸ نفر (۰،۷۸٪)، اویغور با ۱۰،۰۶۹،۳۴۶ نفر (۰،۷۶٪)، میائو با ۹،۴۲۶،۰۰۷ نفر (۰،۷۱٪)، ای با ۸،۷۱۴،۳۹۳ نفر (۰،۶۵٪)، توژیا با ۸،۳۵۳،۹۱۲ نفر (۰،۶۳٪)، و تبت با ۶،۲۸۲،۱۸۷ نفر (۰،۴۷٪). این اعداد نشان‌دهنده تنوع فرهنگی و قومی در چین و تسلط گروه هان بر جمعیت کشور است.

دفتر پنجم: بررسی ساختار اجتماعی و فرهنگی

در چین، مناطق خودمختار ویژه به طور عمده میزبان چندین اقلیت قومی هستند که هر یک به تنوع فرهنگی کشور کمک می‌کنند. گروه‌های اصلی قومی در این مناطق شامل **اویغورها** هستند که عمدتاً در منطقه خودمختار اویغور سین‌کیانگ زندگی می‌کنند؛ **تبت‌ها** که بیشتر در منطقه خودمختار تبت ساکن‌اند؛ **مغول‌ها** که به طور عمده در منطقه خودمختار مغولستان داخلی یافت می‌شوند؛ **قزاق‌ها** که نیز در سین‌کیانگ زندگی می‌کنند؛ و **هوی‌ها** که در مناطق مختلف پراکنده‌اند، اما حضور قابل توجهی در منطقه خودمختار هوی نینگشیا دارند. سایر اقلیت‌های قابل توجه شامل ژوانگ‌ها هستند که عمدتاً در منطقه خودمختار ژوانگ گوانگ‌شی زندگی می‌کنند و همچنین میائو و یائو که در چندین شهرستان خودمختار در جنوب غربی چین حضور دارند. این گروه‌ها به طور کلی نشان‌دهنده تعهد چین به خودمختاری منطقه‌ای برای اقلیت‌های قومی هستند و به آن‌ها اجازه می‌دهند تا هویت فرهنگی خود را حفظ کنند و در عین حال به وحدت کشور کمک کنند.

مناطق خودمختار اقلیت‌ها در چین

چین به منظور حفظ هویت فرهنگی و قومی اقلیت‌ها، ۵ مناطق خودمختار برای گروه‌های مختلف قومی ایجاد کرده است. این مناطق خودمختار در بخش‌های مختلف کشور قرار دارند و به‌طور خاص از نظر اداری و فرهنگی، وضعیت خاصی دارند. از جمله این مناطق می‌توان به منطقه خودمختار اویغورهای سین‌کیانگ، منطقه خودمختار تبت، منطقه خودمختار مغول‌های داخلی، منطقه خودمختار هویی‌های نینگشیا، و منطقه خودمختار قزاق‌های ایلکهای اشاره کرد.

این مناطق خودمختار از نظر حقوق فرهنگی و زبانی وضعیت خاصی دارند. به‌عنوان مثال، در سین‌کیانگ، زبان اویغوری به‌عنوان زبان رسمی در کنار زبان چینی است. همین‌طور، در مناطق تبتی، زبان تبتی و فرهنگ مذهبی تبتی تحت حمایت قرار دارد. این سیاست‌های خاص باعث می‌شود که اقلیت‌ها بتوانند به حفظ هویت خود ادامه دهند.

منطقه خودمختار سین‌کیانگ

منطقه خودمختار اویغور سین‌کیانگ، واقع در شمال غربی چین، به خاطر تاریخ غنی، جمعیت متنوع و منابع اقتصادی قابل توجهش شناخته شده است. این منطقه در سال ۱۹۵۵ به عنوان یک منطقه خودمختار تأسیس شد و دارای ساختار حکومتی منحصر به فردی است که اجازه خودمدیریتی را فراهم می‌کند، در حالی که تحت کنترل دولت مرکزی باقی می‌ماند. این منطقه تحت حاکمیت حزب کمونیست چین (CPC) اداره می‌شود و دولت محلی به رهبری یک فرماندار و ادارات مختلفی که جنبه‌های مختلف حکمرانی از جمله آموزش، بهداشت و امور قومی را نظارت می‌کنند، تشکیل شده است. حکمرانی در این منطقه همچنین بر ثبات و امنیت تأکید دارد، به ویژه در پی سیاست‌های اخیر که هدف آن‌ها مقابله با افراط‌گرایی و ترویج همبستگی اجتماعی است.

جمعیت

دفتر پنجم: بررسی ساختار اجتماعی و فرهنگی

سین کیانگ خانه‌ای برای جمعیتی متنوع از حدود ۲۵ میلیون نفر است که شامل گروه‌های قومی مختلف می‌شود. بزرگ‌ترین گروه قومی، چینی‌های هان هستند که حدود ۴۰٪ از جمعیت را تشکیل می‌دهند. اقلیت‌های قومی قابل توجه دیگر شامل اویغورها، قزاق‌ها، هوی‌ها و مغول‌ها هستند. اویغورها بزرگ‌ترین گروه اقلیت در سین کیانگ هستند و عمدتاً مسلمان هستند. این تنوع جمعیتی به غنای فرهنگی منطقه کمک کرده است، اما همچنین منجر به تنش‌ها و چالش‌هایی در ارتباطات قومی و حکمرانی شده است.

اقتصاد و صنعت

اقتصاد سین کیانگ عمدتاً به منابع طبیعی فراوان آن وابسته است، از جمله نفت، گاز طبیعی، زغال سنگ و مواد معدنی. این منطقه بزرگ‌ترین تولیدکننده گاز طبیعی چین است و ذخایر نفت قابل توجهی دارد. کشاورزی نیز نقش حیاتی در اقتصاد محلی ایفا می‌کند و پنبه یکی از محصولات اصلی کشاورزی محسوب می‌شود. گروه تولید و ساخت سین کیانگ (XPCC) که در سال ۱۹۵۴ تأسیس شد، نقش مهمی در توسعه اقتصادی با ترویج تولید کشاورزی و توسعه زیرساخت‌ها دارد. در سال‌های اخیر، این منطقه شاهد افزایش سرمایه‌گذاری در صنایعی مانند انرژی‌های تجدیدپذیر، نساجی و گردشگری بوده است.

تولید ناخالص داخلی (GDP)

تا سال ۲۰۲۳، تولید ناخالص داخلی سین کیانگ حدود ۱.۳ تریلیون یوان (تقریباً ۱۸۰ میلیارد دلار) بود که حدود ۱٪ از تولید ناخالص داخلی کل چین را تشکیل می‌دهد. با وجود منابع وسیع و پتانسیل رشد اقتصادی، تولید ناخالص داخلی سرانه سین کیانگ هنوز کمتر از میانگین ملی است که ناشی از توسعه تاریخی ناکافی و چالش‌های اجتماعی-اقتصادی جاری است.

موقعیت استراتژیک سین کیانگ در امتداد جاده ابریشم به طور تاریخی آن را به یک مرکز تجارت و تبادل فرهنگی تبدیل کرده است. امروزه، این منطقه نقش مهمی در ابتکار «یک کمربند، یک جاده» چین ایفا می‌کند که هدف آن افزایش ارتباطات بین چین و آسیای مرکزی است. با این حال، این منطقه با انتقادات بین‌المللی نسبت به مسائل حقوق بشر مواجه شده است، به ویژه در مورد رفتار با اویغورها و سایر اقلیت‌های قومی. به طور خلاصه، منطقه خودمختار اویغور سین کیانگ با جمعیت متنوع، منابع طبیعی غنی و ساختار حکومتی منحصر به فردش مشخص می‌شود. در حالی که این منطقه پتانسیل اقتصادی قابل توجهی در اقتصاد کلی چین دارد، همچنین با چالش‌هایی مرتبط با روابط قومی و حقوق بشر مواجه است.^{۵۲۵}

^{۵۲۵} <https://www.chinalawtranslate.com/en/xinjiang-uyghur-autonomous-region-regulation-on-de-extremification/> & https://www.idcpc.org.cn/english2023/ttxw_5749/201903/t20190305_159547.html & <https://en.wikipedia.org/wiki/Xinjiang>

دفتر پنجم: بررسی ساختار اجتماعی و فرهنگی

منطقه خودمختار تبت

منطقه خودمختار تبت (TAR) در جنوب غربی چین واقع شده و به خاطر تاریخ غنی، فرهنگ منحصر به فرد و مناظر طبیعی خیره‌کننده‌اش شناخته می‌شود. تبت به عنوان یک منطقه خودمختار در سال ۱۹۶۵ تأسیس شد و دارای ساختار حکومتی خاصی است که به آن اجازه می‌دهد تا در برخی از امور محلی خودمختاری داشته باشد. این منطقه تحت کنترل حزب کمونیست چین (CPC) قرار دارد و اداره آن به عهده یک دولت محلی است که توسط یک رئیس‌جمهور هدایت می‌شود. رئیس‌جمهور معمولاً از میان قومیت‌های تبت انتخاب می‌شود، اگرچه در دوره‌هایی مانند انقلاب فرهنگی، این امر تغییر کرده است. رئیس‌جمهور تحت نظارت دبیر منطقه‌ای حزب کمونیست فعالیت می‌کند و کمیته دائمی حزب در این منطقه بالاترین مقام سیاسی را دارد.

جمعیت

جمعیت منطقه خودمختار تبت حدود ۶ میلیون نفر تخمین زده می‌شود که شامل اقوام مختلفی از جمله تبت‌ها، هوی‌ها، موینبای‌ها، لوپاها و ناکسی‌ها است. تبت‌ها بزرگ‌ترین گروه قومی در این منطقه هستند و فرهنگ و زبان آن‌ها تأثیر زیادی بر هویت منطقه دارد. با وجود تنوع قومی، تبت‌ها همچنان اکثریت را تشکیل می‌دهند و دین بودیسم تبتی نقش مهمی در زندگی روزمره آن‌ها ایفا می‌کند.

اقتصاد و صنعت

اقتصاد تبت عمدتاً بر پایه کشاورزی و دامداری استوار است. محصولات اصلی کشاورزی شامل جو، گندم، سیب‌زمینی و گیاهان دارویی می‌باشد. همچنین دامداری به ویژه پرورش یاک و گوسفند نیز اهمیت زیادی دارد. در سال‌های اخیر، دولت چین تلاش کرده است تا با سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، گردشگری و صنایع دستی، اقتصاد این منطقه را توسعه دهد. با این حال، بسیاری از ساکنان محلی از مزایای این رشد اقتصادی بهره‌مند نشده‌اند.

تولید ناخالص داخلی (GDP)

تولید ناخالص داخلی تبت در سال ۲۰۲۳ حدود ۲۰۰ میلیارد یوان (تقریباً ۲۸ میلیارد دلار) تخمین زده شده است که سهم آن از تولید ناخالص داخلی کل چین حدود ۰٫۱۵ درصد می‌باشد. این رقم نشان‌دهنده چالش‌های اقتصادی موجود در این منطقه است که هنوز هم با مشکلاتی مانند فقر و بیکاری مواجه است.

تبت به عنوان یک منطقه خودمختار تحت نظارت دولت مرکزی چین قرار دارد و برخی از حقوق خودمدیریتی را داراست. با این حال، انتقادات بین‌المللی نسبت به نحوه حکمرانی در این منطقه وجود دارد، به ویژه در زمینه حقوق بشر و آزادی‌های مذهبی. دولت چین ادعا می‌کند که تحت حاکمیت خود، تبت‌ها "سرنوشت خود را در دست دارند" اما گزارش‌های مختلف نشان‌دهنده عدم وجود نمایندگی مؤثر تبت‌ها در رده‌های بالای حکومتی است. در نهایت، منطقه خودمختار تبت با تاریخ غنی، فرهنگ خاص و چالش‌های اقتصادی خود مشخص می‌شود.

دفتر پنجم: بررسی ساختار اجتماعی و فرهنگی

با وجود پتانسیل‌های موجود برای رشد و توسعه، مشکلاتی همچون فقر و محدودیت‌های سیاسی همچنان بر زندگی ساکنان این منطقه تأثیرگذارند.^{۵۲۶}

منطقه خودمختار مغولستان داخلی

منطقه خودمختار مغولستان داخلی (Inner Mongolia Autonomous Region) در شمال چین واقع شده و به عنوان یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین مناطق خودمختار کشور شناخته می‌شود. این منطقه در سال ۱۹۴۷ تأسیس شد و شامل بخش‌هایی از استان‌های سابق چین مانند سوئیوان، چاهار، ریخه، لیائوبی و شینگ آن می‌باشد. مرکز این منطقه، شهر هه‌ه‌تو (Hohhot) است و دیگر شهرهای بزرگ آن شامل بائوتو، چی‌فنگ، تونگلیا و اردوس می‌باشد. مغولستان داخلی به دلیل موقعیت جغرافیایی‌اش که با کشور مغولستان هم‌مرز است، دارای تاریخچه‌ای غنی از فرهنگ مغولی و سنت‌های قوی است.

حکومت منطقه مغولستان داخلی تحت نظارت حزب کمونیست چین (CPC) قرار دارد. این منطقه دارای یک ساختار حکومتی خاص است که به آن اجازه می‌دهد در برخی امور محلی خودمختاری داشته باشد. دولت محلی شامل یک رئیس‌جمهور و کمیته‌های مختلفی است که بر جنبه‌های مختلف حکمرانی نظارت می‌کنند. در حال حاضر، مقامات محلی تلاش می‌کنند تا توسعه اقتصادی و اجتماعی را در کنار حفظ فرهنگ محلی و زبان مغولی ترویج دهند.

جمعیت

جمعیت مغولستان داخلی حدود ۲۵ میلیون نفر تخمین زده می‌شود. بزرگ‌ترین گروه قومی در این منطقه، چینی‌های هان هستند که حدود ۸۰٪ از جمعیت را تشکیل می‌دهند. اقلیت‌های قومی دیگر شامل مغول‌ها، هوی‌ها، مانچوها و قزاق‌ها هستند. مغول‌ها به عنوان بزرگ‌ترین اقلیت قومی در این منطقه شناخته می‌شوند و فرهنگ و زبان آن‌ها تأثیر زیادی بر هویت محلی دارد.

اقتصاد و صنعت

اقتصاد مغولستان داخلی عمدتاً بر پایه منابع طبیعی غنی آن استوار است. این منطقه دارای ذخایر عظیم زغال‌سنگ، نفت، گاز طبیعی و مواد معدنی است که به عنوان منابع اصلی انرژی چین محسوب می‌شوند. همچنین کشاورزی نیز نقش مهمی در اقتصاد این منطقه ایفا می‌کند، به ویژه پرورش دام و تولید محصولات زراعی مانند جو، گندم و پنبه. در سال‌های اخیر، دولت چین سرمایه‌گذاری‌های زیادی در زیرساخت‌ها، انرژی‌های تجدیدپذیر و صنایع سنگین انجام داده است.

تولید ناخالص داخلی (GDP)

تولید ناخالص داخلی (GDP) مغولستان داخلی در سال ۲۰۲۳ حدود ۱,۷ تریلیون یوان (تقریباً ۲۴۰ میلیارد دلار) تخمین زده شده است که سهم آن از تولید ناخالص داخلی کل چین حدود ۱,۸ درصد می‌باشد. این رقم نشان‌دهنده پتانسیل اقتصادی بالای این منطقه است که با وجود چالش‌هایی مانند آلودگی محیط زیست و نابرابری‌های اقتصادی مواجه است.

مغولستان داخلی به عنوان یک منطقه خودمختار با تاریخ غنی و فرهنگی خاص شناخته می‌شود. این منطقه به عنوان یک پل ارتباطی بین چین و مغولستان عمل کرده و به دلیل موقعیت جغرافیایی‌اش نقش مهمی در تجارت بین‌المللی ایفا می‌کند. همچنین گردشگری در این منطقه رو به افزایش است، به ویژه با توجه به مناظر طبیعی زیبا و فرهنگ غنی محلی. در نهایت، منطقه خودمختار مغولستان داخلی با تاریخ فرهنگی غنی، منابع طبیعی فراوان و چالش‌های اقتصادی خاص خود مشخص می‌شود. این منطقه نه تنها برای چین بلکه برای کشورهای همسایه نیز اهمیت زیادی دارد.^{۵۲۶}

منطقه خودمختار نینگشیا

منطقه خودمختار نینگشیا (Ningxia Hui Autonomous Region) در شمال‌مرکز چین واقع شده و به عنوان یکی از مناطق خودمختار کشور شناخته می‌شود. این منطقه در سال ۱۹۵۸ تأسیس شد و به عنوان خانه‌ای برای قوم هوی، یکی از ۵۶ قومیت رسمی چین، شناخته می‌شود. نینگشیا با مساحتی حدود ۶۶,۴۰۰ کیلومتر مربع، بین استان‌های شانشی و گانسو و همچنین منطقه خودمختار مغولستان داخلی قرار دارد. مرکز این منطقه، شهر یینچوان (Yinchuan) است که به عنوان پایتخت سیاسی و اقتصادی نینگشیا عمل می‌کند.

حکومت نینگشیا تحت نظارت حزب کمونیست چین (CPC) قرار دارد. این منطقه دارای یک ساختار حکومتی خاص است که اجازه می‌دهد تا در برخی امور محلی خودمختاری داشته باشد. دولت محلی شامل یک رئیس‌جمهور (چیرمن) و کمیته‌های مختلفی است که بر جنبه‌های مختلف حکمرانی نظارت می‌کنند. نینگشیا به پنج شهر سطح پرفکتوری و ۲۲ شهرستان و شهر (ناحیه) تقسیم شده است. این ساختار حکومتی به نینگشیا این امکان را می‌دهد که به نیازهای خاص قوم هوی توجه کند و فرهنگ و زبان آن‌ها را حفظ نماید.

جمعیت

جمعیت نینگشیا حدود ۷,۲۹ میلیون نفر تخمین زده می‌شود. قوم هوی بزرگ‌ترین اقلیت قومی در این منطقه را تشکیل می‌دهد که حدود ۳۶,۶۹٪ از جمعیت را شامل می‌شود. دیگر اقلیت‌های قومی شامل چینی‌های هان، مغول‌ها، مانچوها و قزاق‌ها هستند. تنوع قومی در نینگشیا به غنای فرهنگی این منطقه کمک کرده است و مراسمات مذهبی و فرهنگی خاصی در آن برگزار می‌شود.

^{۵۲۶} https://en.wikipedia.org/wiki/Inner_Mongolia & <http://www.goinnermongolia.com.cn/government.html> & <https://www.chinaservicesinfo.com/regional/innermongolia>

دفتر پنجم: بررسی ساختار اجتماعی و فرهنگی

اقتصاد و صنعت

اقتصاد نینگشیا عمدتاً بر پایه کشاورزی، انرژی و گردشگری استوار است. این منطقه دارای زمین‌های زراعی وسیعی است که به دلیل سیستم آبیاری پیشرفته از رودخانه زرد (هوانگ‌هه)، محصولات متنوعی تولید می‌کند. نینگشیا یکی از دوازده پایگاه تولید غلات در چین است و محصولات اصلی آن شامل گندم، برنج، ذرت و گیاهان دارویی مانند زغال‌اخته چینی می‌باشد. همچنین، نینگشیا دارای منابع غنی انرژی از جمله زغال‌سنگ با ذخایر حدود ۴۶,۹ میلیارد تن است و به عنوان یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان برق در چین شناخته می‌شود.

تولید ناخالص داخلی (GDP)

تولید ناخالص داخلی نینگشیا در سال ۲۰۲۳ حدود ۴۰۰ میلیارد یوان (تقریباً ۵۶ میلیارد دلار) تخمین زده شده است که سهم آن از تولید ناخالص داخلی کل چین حدود ۰,۳ درصد می‌باشد. با وجود پتانسیل‌های اقتصادی بالا، نینگشیا همچنان با چالش‌هایی مانند فقر و بیکاری مواجه است.

نینگشیا به عنوان یک منطقه خودمختار با تاریخ غنی فرهنگی و اقتصادی شناخته می‌شود. این منطقه به دلیل موقعیت جغرافیایی‌اش نقش مهمی در تجارت بین‌المللی ایفا می‌کند و گردشگری در آن رو به افزایش است. جاذبه‌های گردشگری شامل مناظر طبیعی زیبا، فرهنگ غنی قوم هوی و آثار تاریخی مانند دیوار بزرگ چین هستند. در نهایت، منطقه خودمختار نینگشیا با تاریخ فرهنگی غنی، منابع طبیعی فراوان و چالش‌های اقتصادی خاص خود مشخص می‌شود. این منطقه نه تنها برای چین بلکه برای کشورهای همسایه نیز اهمیت زیادی دارد.

منطقه خودمختار قزاق‌های ایلک‌های

منطقه خودمختار ایلی قزاق (Ili Kazakh Autonomous Prefecture) در شمال غربی چین و در استان سین‌کیانگ واقع شده است. این منطقه در سال ۱۹۵۴ تأسیس شد و به عنوان یکی از مناطق خودمختار برای قوم قزاق شناخته می‌شود. مرکز این منطقه، شهر یینچوان (Yining) است که به عنوان یک مرکز فرهنگی و اقتصادی برای قزاق‌ها و دیگر اقلیت‌های قومی عمل می‌کند. ایلی قزاق به دلیل موقعیت جغرافیایی‌اش که در نزدیکی مرزهای قزاقستان، مغولستان و روسیه قرار دارد، به عنوان یک نقطه تجاری مهم شناخته می‌شود.

ایلی قزاق به عنوان یک پرفکتور خودمختار تحت نظارت حزب کمونیست چین (CPC) قرار دارد. این منطقه دارای یک ساختار حکومتی خاص است که شامل یک رئیس‌جمهور (چیرمن) و کمیته‌های مختلفی است که بر جنبه‌های مختلف حکمرانی نظارت می‌کنند. ایلی قزاق به دو شهرستان و چندین شهرستان دیگر تقسیم شده است. این ساختار حکومتی به ایلی قزاق اجازه می‌دهد تا نیازهای خاص قوم قزاق را مد نظر قرار دهد و فرهنگ و زبان آن‌ها را حفظ کند.

جمعیت

دفتر پنجم: بررسی ساختار اجتماعی و فرهنگی

جمعیت ایللی قزاق حدود ۲,۵ میلیون نفر تخمین زده می‌شود. بزرگ‌ترین گروه قومی در این منطقه، چینی‌های هان هستند که حدود ۶۰٪ از جمعیت را تشکیل می‌دهند. قوم قزاق به عنوان دومین گروه بزرگ قومی با حدود ۲۵٪ از جمعیت شناخته می‌شود. دیگر اقلیت‌های قومی شامل اویغورها، هوی‌ها و مغول‌ها هستند. تنوع قومی در ایللی قزاق به غنای فرهنگی این منطقه کمک کرده است و مراسمات مذهبی و فرهنگی خاصی در آن برگزار می‌شود.

اقتصاد و صنعت

اقتصاد ایللی قزاق عمدتاً بر پایه کشاورزی، دامداری و منابع طبیعی استوار است. این منطقه به خاطر زمین‌های حاصلخیزش مشهور است و محصولات اصلی آن شامل گندم، جو، پنبه و محصولات دامی مانند گوشت و شیر است. همچنین ایللی قزاق دارای منابع غنی از جمله زغال‌سنگ، نفت و گاز طبیعی است که به توسعه اقتصادی این منطقه کمک می‌کند. در سال‌های اخیر، دولت چین سرمایه‌گذاری‌های زیادی در زیرساخت‌ها، انرژی‌های تجدیدپذیر و صنایع سنگین انجام داده است.

تولید ناخالص داخلی (GDP)

تولید ناخالص داخلی (GDP) ایللی قزاق در سال ۲۰۲۳ حدود ۳۰۰ میلیارد یوان (تقریباً ۴۲ میلیارد دلار) تخمین زده شده است که سهم آن از تولید ناخالص داخلی کل چین حدود ۰,۲ درصد می‌باشد. با وجود پتانسیل‌های اقتصادی بالا، ایللی قزاق همچنان با چالش‌هایی مانند فقر و بیکاری مواجه است. ایللی قزاق به عنوان یک منطقه خودمختار با تاریخ غنی فرهنگی و اقتصادی شناخته می‌شود. این منطقه به دلیل موقعیت جغرافیایی‌اش نقش مهمی در تجارت بین‌المللی ایفا می‌کند و گردشگری در آن رو به افزایش است. جاذبه‌های گردشگری شامل مناظر طبیعی زیبا، فرهنگ غنی قوم قزاق و آثار تاریخی مانند دیوار بزرگ چین هستند. در نهایت، منطقه خودمختار ایللی قزاق با تاریخ فرهنگی غنی، منابع طبیعی فراوان و چالش‌های اقتصادی خاص خود مشخص می‌شود. این منطقه نه تنها برای چین بلکه برای کشورهای همسایه نیز اهمیت زیادی دارد.^{۵۲۸}

تحدیدات و چالش‌ها

با وجود این که مناطق خودمختار در چین حقوق ویژه‌ای دارند، چالش‌هایی نیز در ارتباط با این مناطق وجود دارد. یکی از مهم‌ترین چالش‌ها، مسئله قومیت و هویت است. در برخی از این مناطق، مشکلاتی همچون محرومیت‌های اقتصادی، نابرابری‌های اجتماعی و درگیری‌های مذهبی به‌ویژه در مناطق مسلمان‌نشین اویغور و تبت به چشم می‌خورد.

^{۵۲۸} https://en.wikipedia.org/wiki/Ili_Kazakh_Autonomous_Prefecture & <https://www.xinjiangtravel.org/yili/> & <https://www.chinadiscovery.com/xinjiang/yili.html>

دFTER پنجم: بررسی ساختار اجتماعی و فرهنگی

در سین کیانگ، تنش‌های قومی بین اقلیت اویغور و مهاجران هان (قوم اصلی چین) در سال‌های اخیر افزایش یافته است. این مسئله به‌ویژه پس از افزایش نظارت امنیتی و اقدامات چین برای کنترل و سرکوب نارضایتی‌های داخلی، منجر به اعتراضات و انتقادهای جهانی شده است. در تبت نیز، تنش‌ها در ارتباط با استقلال و خودمختاری این منطقه، همچنان موضوعی مهم در سیاست‌های داخلی و خارجی چین است.

سیاست‌های توسعه در مناطق خودمختار

دولت چین برای تقویت اقتصاد و کاهش نابرابری‌های اقتصادی در مناطق خودمختار، سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی انجام داده است. در این راستا، برنامه‌های مختلفی برای ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی و افزایش رفاه عمومی در این مناطق به‌ویژه در بخش‌های آموزشی، بهداشتی، مسکن و کشاورزی اجرا شده است. به‌طور خاص، دولت چین از دهه ۱۹۸۰ اقدام به انتقال برنامه‌های توسعه‌ای به مناطق خودمختار کرده است. این سیاست‌ها شامل پروژه‌های زیرساختی بزرگ در مناطق محروم بوده است که به ایجاد فرصت‌های شغلی و بهبود زندگی ساکنان این مناطق کمک کرده است.

دولت چین از دهه ۱۹۸۰ سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی در مناطق خودمختار انجام داده است تا اقتصاد این مناطق را تقویت کرده و نابرابری‌های اقتصادی را کاهش دهد. این سرمایه‌گذاری‌ها بر بخش‌های مختلفی از جمله آموزش، بهداشت، مسکن و کشاورزی متمرکز شده است. این مقاله به بررسی برنامه‌ها و ابتکارات دولتی که در این مناطق برای ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی و بهبود رفاه عمومی اجرا شده‌اند، می‌پردازد.

سیاست‌های حکمرانی و چارچوب اداری

حکمرانی در مناطق خودمختار چین با یک ساختار اداری منحصر به فرد مشخص می‌شود که اجازه خودمدیریتی را در عین کنترل دولت مرکزی فراهم می‌کند. قانون خودمختاری قومی جمهوری خلق چین چارچوب قانونی برای حکمرانی در این مناطق فراهم می‌آورد و به مقامات محلی اجازه می‌دهد تا امور خود را در چارچوب قوانین تعیین‌شده توسط دولت مرکزی مدیریت کنند. این قانون مقامات محلی را تشویق می‌کند تا پروژه‌های ساخت و ساز را بر اساس منابع مالی و شرایط خاص محلی خود ترتیب دهند. علاوه بر این، دولت مرکزی انواع مختلفی از بودجه‌ها را برای حمایت از توسعه در این مناطق ایجاد کرده است. به عنوان مثال، بودجه‌های ویژه برای مناطق اقلیت و سرمایه‌گذاری برای مناطق اقتصادی کمتر توسعه‌یافته به منظور تسهیل پروژه‌های زیرساختی و ترویج رشد اقتصادی تأسیس شده‌اند. این ابتکارات بخشی از یک استراتژی گسترده‌تر برای توزیع مجدد منابع از استان‌های ثروتمند به مناطق خودمختار فقیرتر است که هدف آن رسیدگی به نابرابری‌های منطقه‌ای است.

سیاست‌های جمعیتی و توسعه اجتماعی

جمعیت در مناطق خودمختار چین متنوع است و شامل اقلیت‌های قومی مختلف به همراه چینی‌های هان می‌شود. دولت اهمیت توسعه اجتماعی را در این مناطق شناسایی کرده است، به ویژه در زمینه آموزش و بهداشت.

دفتر پنجم: بررسی ساختار اجتماعی و فرهنگی

سرمایه‌گذاری‌هایی برای بهبود تسهیلات آموزشی، افزایش دسترسی به آموزش با کیفیت و ارائه برنامه‌های آموزشی حرفه‌ای متناسب با نیازهای محلی انجام شده است. این تمرکز بر آموزش هدفش توانمندسازی جمعیت محلی و افزایش چشم‌اندازهای شغلی آن‌هاست. ابتکارات بهداشتی نیز در اولویت قرار دارند و تلاش‌هایی برای بهبود تسهیلات پزشکی و خدمات در مناطق دورافتاده صورت گرفته است. دولت برنامه‌هایی را برای آموزش متخصصان بهداشت و افزایش دسترسی به تجهیزات پزشکی ضروری اجرا کرده است. این سرمایه‌گذاری‌ها نه تنها هدفشان بهبود نتایج سلامت بلکه کمک به ثبات اجتماعی کلی در این مناطق نیز هست.

سیاست‌های توسعه زیرساخت‌های اقتصادی

سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی به سمت ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی در مناطق خودمختار هدایت شده است. پروژه‌های زیرساختی بزرگ مانند جاده‌ها، پل‌ها و شبکه‌های حمل‌ونقل آغاز شده‌اند تا ارتباط بین مناطق دورافتاده و مراکز شهری را تقویت کنند. این پروژه‌ها برای تسهیل تجارت، جذب سرمایه‌گذاری و ایجاد فرصت‌های شغلی برای ساکنان محلی حیاتی هستند. علاوه بر این، دولت چین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) را در این مناطق تشویق کرده است با ساده‌سازی فرآیندهای اداری و ارائه مشوق‌هایی برای سرمایه‌گذاران. سیاست‌هایی که هدفشان ترویج FDI است با اولویت‌های ملی همسو هستند که بر ارتقاء صنعت و حمایت از نوآوری تمرکز دارند. با ایجاد یک محیط سرمایه‌گذاری مطلوب، دولت سعی دارد رشد اقتصادی را تحریک کرده و شغل‌های پایدار ایجاد کند.

سیاست‌های کشاورزی و توسعه روستایی

کشاورزی نقش حیاتی در اقتصاد بسیاری از مناطق خودمختار ایفا می‌کند. دولت چین برنامه‌های مختلفی را برای افزایش بهره‌وری کشاورزی و حمایت از توسعه روستایی اجرا کرده است. این ابتکارات شامل ارائه یارانه‌هایی برای کشاورزان، ترویج تکنیک‌های مدرن کشاورزی و بهبود سیستم‌های آبیاری می‌شود. علاوه بر این، تلاش‌هایی برای توسعه زیرساخت‌های روستایی مانند جاده‌ها و تأسیسات ذخیره‌سازی که برای حمل محصولات کشاورزی به بازارها ضروری هستند، صورت گرفته است. با سرمایه‌گذاری در کشاورزی و توسعه روستایی، دولت هدفش کاهش سطح فقر و بهبود استانداردهای زندگی در این مناطق است.

سیاست‌های اقتصادی

عملکرد اقتصادی مناطق خودمختار نشان‌دهنده نشانه‌هایی از بهبود ناشی از سرمایه‌گذاری‌های دولتی است. اگرچه این مناطق هنوز با چالش‌هایی مانند فقر و بیکاری مواجه هستند، اما نرخ رشد تولید ناخالص داخلی (GDP) با توجه به توسعه زیرساخت‌ها و خدمات عمومی بهتر افزایش یافته است. برای مثال، انتقالات مرکزی به مناطق اقتصادی کمتر توسعه‌یافته سهم قابل توجهی از درآمد کل را تشکیل داده‌اند که تسهیل‌کننده رشد اقتصادی منطقه‌ای بوده‌اند. بر اساس گزارشات اخیر، سهم تولید ناخالص داخلی ترکیبی مناطق خودمختار نسبتاً کوچک‌تر

دفتر پنجم: بررسی ساختار اجتماعی و فرهنگی

از کل تولید ناخالص داخلی چین باقی مانده است؛ اما انتظار می‌رود که سرمایه‌گذاری‌های هدفمند منجر به مزایای بلندمدت شود که وضعیت اقتصادی آن‌ها را در زمینه ملی تقویت کند.

در نهایت، سرمایه‌گذاری‌های دولت چین در مناطق خودمختار نشان‌دهنده تعهدی برای کاهش نابرابری‌های اقتصادی و ترویج توسعه پایدار است. از طریق برنامه‌های مختلفی که هدفشان بهبود حکمرانی، رفاه اجتماعی، زیرساخت‌ها، کشاورزی و جذب سرمایه‌گذاری هستند، گام‌های قابل توجهی در جهت ارتقاء کیفیت زندگی ساکنان این مناطق برداشته شده است. اگرچه چالش‌ها همچنان وجود دارند، اما تلاش‌های مستمر احتمالاً تغییرات مثبتی را به ارمغان خواهد آورد که هم برای جمعیت محلی و هم برای اقتصاد کلی کشور مفید خواهد بود.

تأثیرات فرهنگی و اجتماعی

فرهنگ و هویت اقلیت‌های قومی در چین، در معرض تغییرات زیادی قرار گرفته است. افزایش مهاجرت‌های داخلی و سیاست‌های دولتی که بیشتر به نفع قوم هان هستند، به‌طور خاص در مناطق خودمختار در تضاد با هویت فرهنگی اقلیت‌ها قرار گرفته است. با این حال، دولت چین تلاش کرده تا از طریق سیاست‌های توسعه‌ای، این نابرابری‌ها را کاهش دهد و به اقلیت‌ها کمک کند تا بتوانند فرهنگ و هویت خود را حفظ کنند. با این حال، در برخی از مناطق، نارضایتی‌هایی به دلیل اجرای سیاست‌های تحمیل‌گرایانه و تأکید بر فرهنگ ملی چین (که بیشتر بر اساس هویت هان است) وجود دارد. این چالش‌ها همچنان به‌عنوان یک مسئله حساس در روابط داخلی چین باقی مانده‌اند.

چالش‌های بین‌المللی و تأثیرات جهانی

پاسخ چین به مسائل اقلیت‌های قومی و مناطق خودمختار نیز تأثیرات بین‌المللی داشته است. در سال‌های اخیر، کشورهای مختلف غربی و سازمان‌های حقوق بشری جهانی انتقادات زیادی به چین به‌ویژه در مورد رفتار با اقلیت‌ها در سین‌کیانگ و تبت وارد کرده‌اند. این انتقادات به‌ویژه در زمینه حقوق بشر و آزادی‌های مذهبی بوده است. از سوی دیگر، چین تأکید دارد که این سیاست‌ها به‌منظور حفظ امنیت و یکپارچگی کشور اجرا می‌شود. در مجموع، چین در حالی که به‌طور جدی در حال توسعه و تقویت مناطق خودمختار است، با چالش‌هایی در زمینه حفظ هویت قومی، حقوق بشر و یکپارچگی فرهنگی در این مناطق مواجه است. با این حال، این مناطق همچنان نقش مهمی در ساختار تمرکز منطقه‌ای چین ایفا می‌کنند و چین به سرمایه‌گذاری و توسعه آن‌ها ادامه خواهد داد.

سیاست‌های دریایی و اختلافات مرزی چین

دFTER پنجم: بررسی ساختار اجتماعی و فرهنگی

سیاست‌های دریایی و اختلافات مرزی چین: بخش کلیدی در ساختار تمرکز منطقه‌ای

به عنوان یکی از قدرت‌های بزرگ اقتصادی و نظامی جهان، چین سیاست‌های دریایی و استراتژی‌های مرزی خود را به عنوان جزء اساسی از برنامه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی خود توسعه داده است. این سیاست‌ها تأثیر زیادی بر تجارت، دینامیک‌های نظامی و مدیریت منابع طبیعی دارند و منجر به افزایش تنش‌ها در سطح منطقه‌ای و جهانی شده‌اند. این مقاله به بررسی سیاست‌های دریایی و استراتژی‌های مرزی چین، به‌ویژه در مورد اختلافات دریایی در دریای چین جنوبی و پیامدهای آن‌ها می‌پردازد.

مرور کلی بر سیاست‌های دریایی

سیاست‌های دریایی چین عمدتاً تحت تأثیر تمایل این کشور برای تبدیل شدن به یک قدرت دریایی غالب قرار دارد. دولت بر اهمیت تأمین حقوق و منافع دریایی خود تأکید می‌کند، به‌ویژه در دریای چین جنوبی (SCS)، جایی که ادعاهای وسیع سرزمینی دارد. از حدود سال ۲۰۰۹، چین تلاش‌های خود را برای تقویت این ادعاها از طریق روش‌های مختلف، از جمله پروژه‌های احیای زمین و ایجاد کنترل اداری بر جزایر مورد منازعه، افزایش داده است. هماهنگی بین بازیگران مختلف دریایی، از جمله نیروی دریایی ارتش آزادی‌بخش خلق (PLA) و نهادهای اجرای قانون دریایی، تحت رهبری شی جین‌پینگ به طور قابل توجهی بهبود یافته است که نشان‌دهنده رویکردی یکپارچه‌تر در حکمرانی دریایی است.

اختلافات دریای چین جنوبی

دریای چین جنوبی نقطه کانونی استراتژی دریایی چین است که با ادعاهای همپوشان با چندین کشور جنوب شرقی آسیا، از جمله ویتنام، فیلیپین و مالزی مشخص می‌شود. اقدامات قاطعانه چین در این منطقه شامل استقرار دارایی‌های نظامی برای تأکید بر کنترل بر آب‌ها و جزایر مورد منازعه بوده است. ساخت جزایر مصنوعی مجهز به تأسیسات نظامی نیز تنش‌ها را با کشورهای همسایه تشدید کرده و انتقادات جامعه بین‌المللی را به همراه داشته است. این تحولات نگرانی‌هایی را درباره آزادی ناوربری در یکی از شلوغ‌ترین مسیرهای حمل‌ونقل جهان ایجاد کرده است.

استراتژی‌های مرزی

استراتژی‌های مرزی چین شامل ابعاد زمینی و دریایی می‌شود. تصویب اخیر قانونی برای مرزهای زمینی نشان‌دهنده تعهد پکن به تقویت کنترل مرزی خود در میان اختلافات جاری در هر دو حوزه است. این قانون هدفش افزایش امنیت در طول مرزهای گسترده چین و رسیدگی به تهدیدات احتمالی از کشورهای همسایه است. تمرکز دوگانه بر مرزهای زمینی و دریایی نشان‌دهنده شناسایی آسیب‌پذیری‌های چین در هر دو زمینه است. علاوه بر این، استراتژی مرزی چین تحت تأثیر زمینه تاریخی و چارچوب ایدئولوژیک آن قرار دارد. ریشه‌های مارکسیستی-لنینیستی کشور رویکرد آن به امنیت ملی را شکل می‌دهد که بر لزوم هوشیاری در برابر تهدیدات

دفتر پنجم: بررسی ساختار اجتماعی و فرهنگی

خارجی تأکید دارد. این زیرساخت ایدئولوژیک موجب می‌شود که چین رویکرد قاطعی را در مدیریت مرزها و قلمروهای دریایی خود اتخاذ کند.

پیامدهای اقتصادی

سیاست‌های دریایی چین ارتباط نزدیکی با آرزوهای اقتصادی آن دارد. دریای چین جنوبی غنی از منابع طبیعی مانند نفت و گاز است که برای امنیت انرژی چین حیاتی هستند. با تأکید بر کنترل این منابع، چین سعی دارد وابستگی خود به عرضه انرژی خارجی را کاهش دهد و تاب‌آوری اقتصادی خود را افزایش دهد. علاوه بر این، ابتکار "یک کمربند، یک جاده (BRI)" بر اتصال دریایی به عنوان وسیله‌ای برای تقویت روابط تجاری با کشورهای دیگر تأکید دارد و در عین حال نفوذ چین را در منطقه اقیانوس هند-آرام گسترش می‌دهد.

تنش‌های منطقه‌ای و جهانی

سیاست‌های قاطعانه دریایی چین منجر به افزایش تنش‌ها نه تنها با کشورهای همسایه بلکه همچنین با قدرت‌های جهانی مانند ایالات متحده شده است. ایالات متحده عملیات آزادی ناوبری (FONOPs) را در دریای چین جنوبی انجام داده تا ادعاهای سرزمینی چین را به چالش بکشد، که پکن آن را اقداماتی تحریک‌آمیز می‌داند که حاکمیت آن را تضعیف می‌کند. این رقابت ژئوپلیتیکی پیامدهایی برای ثبات منطقه‌ای و روابط بین‌المللی دارد زیرا کشورها باید واکنش خود را نسبت به قاطعیت روزافزون چین تنظیم کنند.

در نهایت، سیاست‌های دریایی و استراتژی‌های مرزی چین اجزای حیاتی منافع ملی گسترده‌تر این کشور هستند. تلاش‌های این کشور برای تأکید بر کنترل بر قلمروهای مورد منازعه در دریای چین جنوبی نشان‌دهنده آرزوهای آن به عنوان یک قدرت جهانی بزرگ است، در حالی که نگرانی‌هایی درباره ثبات منطقه‌ای نیز ایجاد می‌کند. با ادامه تکامل تنش‌ها، ضروری است که هم بازیگران منطقه‌ای و هم قدرت‌های جهانی اقدامات چین را به دقت زیر نظر داشته باشند و برای کاهش احتمالی تعارضات وارد گفتگو شوند.^{۵۲۹}

سیاست‌های دریایی چین

دریای جنوبی چین یکی از مهم‌ترین و پرتنش‌ترین مناطق دریایی است که چین آن را به عنوان بخشی از مرزهای خود می‌داند. این منطقه از نظر استراتژیک و اقتصادی حائز اهمیت زیادی است، زیرا یکی از مسیرهای اصلی تجارت جهانی و ذخایر بزرگ نفت و گاز در کف دریا قرار دارد. چین با استناد به "خط نه نقطه‌ای (Nine-Dash Line)" که به طور تاریخی به عنوان مرزهای ارضی دریای جنوبی چین مطرح کرده است، به ادعای مالکیت بر اکثر این منطقه پرداخته است. این ادعا باعث بروز تنش‌های بین‌المللی با کشورهای همسایه مانند ویتنام، فیلیپین و مالزی شده است که هر کدام بخش‌هایی از این دریا را به عنوان آب‌های سرزمینی خود می‌شناسند.

^{۵۲۹} <https://journals.openedition.org/chinaperspectives/7022> & https://www.iiss.pku.edu.cn/fj/PDF/ciss_cn/upload/docs/2021-04-26/doc_2361619405268.pdf & <https://ipdefenseforum.com/2019/01/chinas-maritime-strategy/>

دفتر پنجم: بررسی ساختار اجتماعی و فرهنگی

چین با احداث جزایر مصنوعی در دریای جنوبی چین، به گسترش پایگاه‌های نظامی و تأسیسات خود در این منطقه پرداخته و توانایی خود را در کنترل این گذرگاه‌های دریایی به‌طور چشمگیری افزایش داده است. در سال‌های اخیر، چین به‌طور مداوم در تلاش است تا حاکمیت خود را بر این مناطق تثبیت کرده و مانع از فعالیت‌های کشورهای دیگر در این منطقه شود.

اختلافات مرزی با همسایگان

چین در کنار اختلافات دریایی خود، با مسائل مرزی نیز درگیر است. یکی از بزرگ‌ترین و طولانی‌ترین اختلافات مرزی چین با هند است که به‌ویژه در نواحی هیمالیا و در منطقه کشمکش‌برانگیز "آکسای چین" و "آرونچال پرادش" ادامه دارد. این اختلافات مرزی بارها به درگیری‌های نظامی انجامیده و روابط دو کشور را تحت تأثیر قرار داده است.

۱. آکسای چین (Aksai Chin)

اختلاف مرزی در منطقه آکسای چین (Aksai Chin) بین چین و هند یکی از پیچیده‌ترین و پرتنش‌ترین مسائل مرزی در آسیا است. این منطقه که در ارتفاعات بالای هیمالیا واقع شده، به دلیل موقعیت جغرافیایی‌اش و منابع طبیعی محدودش، به‌طور تاریخی مورد توجه قرار نگرفته است. با این حال، در دهه ۱۹۵۰، چین اقدام به ساخت یک جاده نظامی در این منطقه کرد که به تداوم تنش‌ها بین دو کشور منجر شد. جنگ کوتاه‌مدت چین و هند در سال ۱۹۶۲ بر سر این اختلافات، نتیجه‌ای به نفع چین داشت و منجر به کنترل این کشور بر حدود ۳۸,۰۰۰ کیلومتر مربع از آکسای چین شد. با وجود این، هند همچنان این منطقه را بخشی از قلمرو لاداخ خود می‌داند و ادعاهای چین را رد می‌کند.

این اختلاف مرزی نه تنها به دلیل منافع سرزمینی بلکه به دلیل تأثیرات ژئوپلیتیکی آن نیز اهمیت دارد. هر دو کشور در تلاش برای تقویت نفوذ خود در منطقه هستند و این موضوع می‌تواند به تنش‌های بیشتر منجر شود. اخیراً، انتشار نقشه‌های جدید چینی که آکسای چین را به عنوان بخشی از قلمرو چین نشان می‌دهد، واکنش‌های شدیدی از سوی هند را به دنبال داشته است. مقامات هندی بارها اعتراض خود را نسبت به این ادعاها اعلام کرده و بر حق حاکمیت خود بر این منطقه تأکید کرده‌اند. با وجود مذاکرات دیپلماتیک مکرر برای حل این اختلافات، وضعیت همچنان متشنج باقی مانده است.

۱. آرونچال پرادش (Arunachal Pradesh)

اختلاف مرزی در آرونچال پرادش (Arunachal Pradesh) بین چین و هند یکی از مسائل پیچیده و تاریخی در روابط این دو کشور است. چین ادعا می‌کند که کل ایالت آرونچال پرادش بخشی از "تبت جنوبی" است و این

دFTER پنجم: بررسی ساختار اجتماعی و فرهنگی

ادعا به سیاست "پنج انگشت" مائو تسه‌تونگ برمی‌گردد که شامل مناطق مختلفی از جمله لاداخ، نپال، سیکیم، بوتان و آرونچال پرادش می‌شود. در سال ۱۹۶۲، چین به دلیل اختلافات مرزی، یک جنگ کوتاه‌مدت با هند آغاز کرد که منجر به اشغال بخش‌هایی از آرونچال پرادش توسط چین شد. با این حال، هند همچنان بر حق حاکمیت خود بر این منطقه تأکید دارد و آن را بخشی جدایی‌ناپذیر از سرزمین خود می‌داند.

در سال‌های اخیر، تنش‌ها بین چین و هند در آرونچال پرادش افزایش یافته است. چین به طور مداوم اعتراضات خود را نسبت به سفرهای مقامات هندی به این منطقه ابراز کرده و اخیراً اقدام به نام‌گذاری جدید مکان‌ها در آرونچال پرادش کرده است. این اقدامات به همراه ساخت و سازهای زیرساختی در مناطق مرزی، نگرانی‌هایی را درباره افزایش قاطعیت چین در این منطقه ایجاد کرده است. با وجود تلاش‌های دیپلماتیک برای حل این اختلافات، وضعیت همچنان متشنج باقی مانده و نیاز به یک راه‌حل پایدار و صلح‌آمیز احساس می‌شود.

چین همچنین اختلافاتی با کشورهای دیگر از جمله نپال، بوتان و حتی روسیه در مناطق مرزی خود دارد. این اختلافات معمولاً ناشی از ادعاهای پیچیده در مورد مالکیت سرزمین‌ها و عدم تعیین دقیق مرزها در توافقات تاریخی است. این مناطق، علاوه بر مسائل ژئوپلیتیکی، برای چین اهمیت استراتژیک دارند و تلاش می‌کند که این اختلافات را به نفع خود حل کند.^{۵۳۱}

سیاست‌های چین در مواجهه با اختلافات مرزی

چین به طور کلی تمایل دارد که اختلافات مرزی خود را از طریق دیپلماسی و گفت‌وگو با کشورهای همسایه حل کند، اما در مواقع ضروری، قدرت نظامی را نیز به کار می‌برد. برای مثال، درگیری‌های مرزی با هند در سال ۲۰۲۰ در منطقه گلوان در لاداخ، نشان‌دهنده استفاده از فشار نظامی به عنوان ابزاری برای تحمیل خواسته‌های چین بود. این درگیری‌ها که به کشته شدن چندین سرباز از هر دو طرف منجر شد، نشان‌دهنده شدت و حساسیت این اختلافات است.

۵۳۰ - سیاست "پنج انگشت" (Five Fingers Policy) چین که به مائو تسه‌تونگ نسبت داده می‌شود، به عنوان یک استراتژی خارجی در نظر گرفته می‌شود که بر اساس آن، تبت به عنوان "کف دست" چین و مناطق لاداخ، نپال، سیکیم، بوتان و آرونچال پرادش به عنوان "پنج انگشت" آن تعریف شده‌اند. مائو بر این باور بود که چین موظف است این مناطق را "آزاد" کند و آن‌ها را بخشی از قلمرو خود بداند. این سیاست به‌ویژه پس از الحاق تبت در سال ۱۹۵۰ و در خلال جنگ چین و هند در سال ۱۹۶۲ بیشتر مورد توجه قرار گرفت. اگرچه این سیاست هرگز به طور رسمی توسط دولت‌های چین مطرح نشده است، اما تأثیرات آن در سیاست‌های چین نسبت به کشورهای همسایه و ادعاهای سرزمینی در این مناطق قابل مشاهده است. این سیاست نه تنها بر ادعاهای سرزمینی چین تأثیر گذاشته بلکه همچنین به تقویت نفوذ جغرافیایی و استراتژیک چین در منطقه هیمالیا کمک کرده است. با وجود اینکه مائو تسه‌تونگ در زمان خود بر اهمیت این سیاست تأکید داشت، امروزه نیز رهبران چینی مانند شی جین‌پینگ به دنبال تحقق اهداف مشابهی هستند. اقدامات اخیر چین در ساخت و سازهای زیرساختی و نظامی در این مناطق نشان‌دهنده ادامه تلاش‌ها برای تحقق "روای پنج انگشت" مائو است و تنش‌های بیشتری را در روابط بین چین و کشورهای همسایه ایجاد کرده است.

۵۳۱ - [https://www.ssoar.info/ssoar/bitstream/handle/document/84649/ssoar-indrastraglobal-2022-10-jash-Arunachal Pradesh China Claims But.pdf?sequence=1&isAllowed=y&lnkname=ssoar-indrastraglobal-2022-10-jash-Arunachal Pradesh China Claims But.pdf](https://www.ssoar.info/ssoar/bitstream/handle/document/84649/ssoar-indrastraglobal-2022-10-jash-Arunachal%20Pradesh%20China%20Claims%20But.pdf?sequence=1&isAllowed=y&lnkname=ssoar-indrastraglobal-2022-10-jash-Arunachal%20Pradesh%20China%20Claims%20But.pdf) & <https://www.proquest.com/docview/1059553986>

دFTER پنجم: بررسی ساختار اجتماعی و فرهنگی

چین همچنین سعی دارد از طریق سازمان‌های بین‌المللی و توافقات‌های دوجانبه، مرزهای خود را تقویت کند و کشورهای دیگر را به پذیرش وضعیت موجود وادار نماید. در مورد دریای جنوبی چین، چین از دیپلماسی اقتصادی و استفاده از پروژه‌های تجاری و سرمایه‌گذاری‌ها در کشورهای همسایه برای تقویت موقعیت خود استفاده می‌کند.

تأثیرات ژئوپلیتیکی

سیاست‌های دریایی و مرزی چین

سیاست‌های دریایی و مرزی چین تأثیرات عمیقی بر روابط بین‌المللی و منطقه‌ای دارند، به‌ویژه در زمینه اقدامات قاطعانه این کشور در دریای چین جنوبی و اختلافات مرزی با کشورهای همسایه مانند هند. این سیاست‌ها نه تنها چشم‌انداز استراتژیک آسیا را شکل می‌دهند بلکه دینامیک‌های ژئوپلیتیکی جهانی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهند، زیرا قدرت‌های بزرگ به افزایش نفوذ چین واکنش نشان می‌دهند.

سیاست‌های دریایی و تنش‌های منطقه‌ای

در دریای چین جنوبی، ادعاهای وسیع سرزمینی چین که با "نه نقطه چین"^{۳۳} مشخص شده، باعث بروز تنش‌های قابل توجهی با کشورهای جنوب شرقی آسیا، از جمله ویتنام، فیلیپین، مالزی و برونئی شده است. این منطقه غنی از منابع طبیعی مانند نفت و گاز است و همچنین یک مسیر حیاتی برای حمل‌ونقل جهانی به شمار می‌رود. نظامی‌سازی جزایر مصنوعی توسط چین و استقرار دارایی‌های نظامی در این منطقه نگرانی‌هایی را در میان بازیگران منطقه‌ای درباره نیت‌ها و قابلیت‌های چین ایجاد کرده است. حضور تأسیسات نظامی چینی در این جزایر به عنوان یک بازدارنده برای سایر مدعیان عمل کرده و ادعای حاکمیت چین بر آب‌های مورد منازعه را تقویت می‌کند. ایالات متحده به‌ویژه در مخالفت با ادعاهای دریایی چین فعال بوده است. برای مقابله با تهدیدات احتمالی آزادی ناوبری، ایالات متحده عملیات آزادی ناوبری^{۳۴} (FONOP) را در دریای چین جنوبی انجام داده تا ادعاهای

۵۳۲ - خط نقطه چین (Nine-Dash Line) یکی از مهم‌ترین و جنجالی‌ترین ادعاهای دریایی چین در دریای چین جنوبی است که به‌طور رسمی بر روی نقشه‌های چینی درج شده و به عنوان یک نمای بصری از ادعاهای سرزمینی این کشور در این منطقه شناخته می‌شود. این خط که در ابتدا به عنوان "۱۱ نقطه چین" در دهه ۱۹۴۰ ترسیم شد، بعداً به "نه نقطه چین" تغییر نام داد و تقریباً ۹۰ درصد از آب‌های دریای چین جنوبی را در بر می‌گیرد. چین ادعا می‌کند که این خط نشان‌دهنده حاکمیت تاریخی آن بر جزایر و منابع دریایی موجود در این منطقه است. با این حال، این ادعاها با واکنش‌های منفی از سوی کشورهای همسایه مانند ویتنام، فیلیپین و مالزی مواجه شده است، که هر یک نیز ادعاهای خود را در مورد بخش‌هایی از این آب‌ها دارند. تفسیرات مختلفی درباره معنای خط نه نقطه چین وجود دارد. برخی از کارشناسان چینی معتقدند که این خط تنها نشان‌دهنده حاکمیت بر جزایر و مناطق نزدیک به آن است و به مفهوم مالکیت کامل بر تمامی آب‌های داخل آن نیست. اما دیگران بر این باورند که این خط یک ادعای حداکثری بر حاکمیت و کنترل بر تمامی ویژگی‌ها، زمین، آب و بستر دریایی در داخل محدوده نه نقطه چین است. به همین دلیل، خط نه نقطه چین نه تنها به عنوان یک ابزار برای تقویت ادعاهای چین بلکه به عنوان یک منبع تنش در روابط بین‌المللی و منطقه‌ای عمل می‌کند.

۵۳۳ - عملیات آزادی ناوبری (FONOP) ایالات متحده در دریای چین جنوبی یکی از ابزارهای کلیدی این کشور برای تأکید بر حقوق و آزادی‌های دریایی در برابر ادعاهای سرزمینی چین است. این عملیات‌ها به‌ویژه در مناطقی که چین ادعاهای گسترده‌ای دارد، مانند جزایر پاراسل و اسپرانتلی، انجام می‌شوند. به عنوان مثال، در مارس ۲۰۲۳، ناو جنگی USS Milius (DDG-69) در نزدیکی جزایر پاراسل اقدام به انجام

دفتر پنجم: بررسی ساختار اجتماعی و فرهنگی

سرزمینی چین را به چالش بکشد. این عملیات‌ها به منظور حفظ حقوق بین‌المللی، به‌ویژه کنوانسیون سازمان ملل در مورد حقوق دریاهای (UNCLOS) طراحی شده‌اند که چین متهم به نقض آن شده است. علاوه بر این، تمرینات نظامی مشترک بین نیروهای ایالات متحده و متحدانی مانند ژاپن و استرالیا به عنوان یک تعادل استراتژیک در برابر حضور نظامی رو به رشد چین عمل می‌کند. این تمرینات نه تنها به تقویت همکاری بین نیروهای متحد کمک می‌کند بلکه پیامی واضح ارسال می‌کند مبنی بر اینکه هرگونه اقدام تهاجمی از سوی چین با یک پاسخ متحد مواجه خواهد شد.

اختلافات مرزی با هند

از سوی دیگر، اختلافات مرزی چین با هند لایه‌ای دیگر از پیچیدگی‌ها را در ژئوپولیتیکی منطقه‌ای ایجاد می‌کند. خط کنترل واقعی (LAC) که قلمرو تحت کنترل هند را از قلمرو تحت کنترل چین در مناطقی مانند لاداخ و آروناچال پرادش جدا می‌کند، نقطه‌ای برای تنش‌هاست. درگیری‌های سال ۲۰۲۰ در لاداخ منجر به تلفات جانی از هر دو طرف شد و تنش‌ها را به شدت افزایش داد. این درگیری‌ها باعث شد که هر دو کشور حضور نظامی خود را در امتداد مرزها تقویت کنند و وضعیت پرمخاطره ایجاد شود که می‌تواند به راحتی به درگیری‌های بزرگ‌تر منجر شود. تأثیر این اختلافات مرزی فراتر از رویارویی نظامی است؛ همچنین روابط اقتصادی بین چین و هند را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از لحاظ تاریخی، هر دو کشور تلاش کرده‌اند تا روابط تجاری خود را تقویت کنند و حجم تجارت دوجانبه به ارقام قابل توجهی رسیده است. اما تنش‌های جاری منجر به افزایش نظارت بر سرمایه‌گذاری‌های چینی در هند و درخواست‌هایی برای تحریم کالاهای چینی از سوی مصرف‌کنندگان هندی شده است. علاوه بر این، پروژه‌های اقتصادی مشترکی که قبلاً به عنوان راه‌هایی برای همکاری دیده می‌شدند اکنون به دلیل نگرانی‌های امنیتی در معرض خطر قرار دارند. برای مثال، ابتکارات زیرساختی که شامل همکاری‌های فرامرزی بودند ممکن است تحت تأثیر بی‌اعتمادی ناشی از رویارویی‌های نظامی قرار گیرند.

پیامدهای گسترده‌تر برای ثبات منطقه‌ای

تأثیرات ژئوپولیتیکی سیاست‌های دریایی و استراتژی‌های مرزی چین محدود به روابط دوجانبه نیست؛ بلکه بر ثبات کلی منطقه نیز تأثیر می‌گذارد. کشورهایمانند ژاپن، استرالیا و اعضای اتحادیه کشورهای جنوب شرقی آسیا (ASEAN) به دقت اقدامات چین را زیر نظر دارند و مواضع دفاعی خود را مطابق با آن تنظیم می‌کنند. ائتلاف

یک FONOP کرد. این عملیات به منظور به چالش کشیدن محدودیت‌های غیرقانونی بر عبور بی‌ضرر که توسط چین، تایوان و ویتنام اعمال شده، صورت گرفت. ایالات متحده با این اقدام نشان داد که این آب‌ها فراتر از آنچه که چین می‌تواند به‌طور قانونی ادعا کند، هستند و ادعاهای چین درباره خطوط مستقیم اطراف جزایر پاراسل با قوانین بین‌المللی مغایرت دارد. عملیات‌های آزادی ناوبری نه تنها به عنوان یک اقدام نظامی بلکه به عنوان ابزاری برای تأکید بر قوانین بین‌المللی دریایی و حفظ آزادی ناوبری برای تمامی کشورها تلقی می‌شوند. ایالات متحده با انجام این عملیات‌ها، تلاش می‌کند تا اطمینان حاصل کند که کشتی‌های تجاری و نظامی بدون مداخله از سوی دیگر کشورها بتوانند از این آب‌ها عبور کنند. در حالی که چین ادعا می‌کند که هیچ مانعی برای عبور کشتی‌ها ایجاد نمی‌کند، ایالات متحده بر این باور است که چنین عملیاتی ضروری است تا به کشورهای منطقه اطمینان دهد که حق آنها برای عبور آزادانه از آب‌های بین‌المللی محفوظ است.

د فتر پنجم: بررسی ساختار اجتماعی و فرهنگی

کواد (که شامل ایالات متحده، هند، ژاپن و استرالیا است) به عنوان یک گروه استراتژیک برای مقابله با نفوذ چین در منطقه اقیانوس هند-آرام ظهور کرده است. این ائتلاف نشان‌دهنده شناخت فزاینده کشورهای منطقه از نیاز به اقدامات امنیتی جمعی برای رسیدگی به نگرانی‌های مشترک درباره قاطعیت روزافزون چین است. علاوه بر این، رویکرد چین موجب بحث‌هایی درباره چارچوب‌های امنیت منطقه‌ای شده که می‌تواند مکانیزم‌هایی برای حل منازعات و همکاری میان کشورهای متأثر فراهم کند. ابتکاراتی مانند مشارکت جامع اقتصادی منطقه‌ای (RCEP)^{۳۴} می‌توانند نقشی مهم در تقویت روابط اقتصادی ایفا کنند که ممکن است کمک کند تا تنش‌های ناشی از اختلافات سرزمینی کاهش یابد.

در نهایت، سیاست‌های دریایی و استراتژی‌های مرزی چین تأثیرات عمیقی بر روابط بین‌المللی دارند که امنیت دینامیک‌ها را در دریای چین جنوبی تحت تأثیر قرار داده و روابط اقتصادی با کشورهای همسایه مانند هند را تضعیف کرده‌اند. تنش‌های جاری نیازمند تعامل دیپلماتیک و مکانیزم‌های حل تعارض هستند تا مسائل پیچیده به طور مؤثر مورد بررسی قرار گیرند. همانطور که بازیگران منطقه‌ای واکنش خود را نسبت به قاطعیت روزافزون چین تنظیم می‌کنند، ضروری است که همه طرف‌ها راه‌حل‌های صلح‌آمیز را جستجو کنند که ثبات و همکاری را ترویج دهد.^{۳۵}

چالش‌های آینده

با توجه به حساسیت‌های بالای این مسائل، پیش‌بینی آینده اختلافات مرزی و دریایی چین دشوار است. چین هم‌زمان با رشد قدرت اقتصادی و نظامی خود، در تلاش است تا مناطق مورد مناقشه را تحت کنترل خود درآورد. با این حال، تلاش برای کاهش تنش‌ها و حل‌وفصل مسالمت‌آمیز این اختلافات همچنان ادامه دارد. در آینده، ممکن است چین سیاست‌های جدیدی برای تعامل با کشورهای همسایه اتخاذ کند، اما قطعاً این اختلافات همچنان بخشی از معادلات ژئوپلیتیکی چین خواهند بود.

۳۴ - شراکت اقتصادی جامع منطقه‌ای (RCEP) یک توافقنامه تجارت آزاد است که در تاریخ ۱۵ نوامبر ۲۰۲۰ میان ۱۵ کشور آسیایی-پاسیفیک به امضا رسید و به عنوان بزرگ‌ترین بلوک تجاری جهان شناخته می‌شود. این توافق شامل کشورهای عضو اتحادیه کشورهای جنوب شرقی آسیا (ASEAN) و پنج کشور دیگر است که با ASEAN توافقات تجارت آزاد دارند: چین، ژاپن، کره جنوبی، استرالیا و نیوزیلند RCEP. تقریباً ۳۰ درصد از تولید ناخالص داخلی جهانی و حدود یک سوم جمعیت جهان را شامل می‌شود. هدف اصلی این توافق، تقویت روابط تجاری و اقتصادی میان کشورهای عضو و تسهیل تجارت و سرمایه‌گذاری در منطقه است. RCEP همچنین به دنبال کاهش یا حذف تعرفه‌ها بر روی طیف وسیعی از کالاها و خدمات و ایجاد قواعدی در زمینه‌هایی مانند سرمایه‌گذاری، رقابت و مالکیت معنوی است. این توافق به دلیل عدم وجود برخی از الزامات سخت‌گیرانه‌ای که در توافقات دیگر مانند توافق جامع و پیشرفته مشارکت ترانس پاسیفیک (CPTPP) وجود دارد، مورد توجه قرار گرفته است. به‌طور خاص، RCEP شامل مقرراتی درباره استانداردهای کار و محیط زیست نمی‌شود. با این حال، این توافق می‌تواند به افزایش تجارت میان کشورهای عضو کمک کند و به توسعه زنجیره‌های تأمین منطقه‌ای در "کارخانه آسیا" کمک کند. با توجه به خروج هند از مذاکرات در سال ۲۰۱۹، RCEP اکنون فرصتی برای چین فراهم کرده تا نقش رهبری بیشتری در تعیین قواعد تجارت در منطقه ایفا کند، در حالی که ایالات متحده تحت تأثیر خروج خود از TPP قرار گرفته است.

^{۳۵} <https://journals.openedition.org/chinaperspectives/7022> & <https://www.brookings.edu/articles/how-chinas-actions-in-the-south-china-sea-undermine-the-rule-of-law/> & <https://www.orfonline.org/research/how-beijings-new-maritime-rules-in-the-south-china-sea-will-affect-india-and-others/>

دFTER پنجم: بررسی ساختار اجتماعی و فرهنگی

تأثیر جهانی

قدرت نرم چین: رسانه‌ها، آموزش و دیپلماسی فرهنگی

قدرت نرم به توانایی یک کشور برای جذب و تاثیرگذاری بر دیگر کشورها از طریق ابزارهای غیرنظامی همچون فرهنگ، رسانه‌ها، آموزش و دیپلماسی فرهنگی اشاره دارد. چین به عنوان یک قدرت جهانی در حال رشد، از این ابزارها به طور مؤثر برای گسترش نفوذ خود در سطح جهانی استفاده می‌کند. این کشور به ویژه در زمینه‌های رسانه، آموزش و دیپلماسی فرهنگی تلاش کرده است تا تصویر مثبت تری از خود در سطح جهانی بسازد و روابط اقتصادی و فرهنگی خود را با دیگر کشورها تحکیم بخشد. در این راستا، چین از رسانه‌ها، برنامه‌های آموزشی و پروژه‌های فرهنگی برای افزایش قدرت نرم خود بهره می‌برد.

رسانه‌ها و تبلیغات جهانی

چین به ویژه از رسانه‌های دولتی خود برای تبلیغ پیام‌ها و تصویری مثبت از خود استفاده می‌کند. رسانه‌های دولتی چین مانند چاینا دیلی، سین هوا، چین دیلی و رادیو بین‌المللی چین نقش مهمی در این زمینه ایفا می‌کنند. این رسانه‌ها با پخش اخبار و مقالاتی که رویکردهای دولت چین را ترویج می‌کنند، در تلاشند تا تصویر مطلوبی از چین به جهانیان ارائه دهند. به علاوه، چین از رسانه‌های تلویزیونی و اینترنتی نیز برای گسترش پیام‌های خود استفاده می‌کند. CGTN (چین گلوبال تلویزیون نتورک)^{۵۳} یکی از رسانه‌های مهم این کشور است که به ۵ زبان مختلف در سطح جهانی پخش می‌شود.

در این میان، چین به ویژه در کشورهای در حال توسعه تلاش می‌کند تا به عنوان یک الگوی توسعه و پیشرفت شناخته شود. رسانه‌های چینی به طور مداوم تلاش دارند تا چین را به عنوان کشوری با اقتصاد رو به رشد و نقشی کلیدی در حل مشکلات جهانی معرفی کنند.

۵۳۶ - CGTN (China Global Television Network) یکی از رسانه‌های مهم چین است که به طور جهانی به پخش اخبار و برنامه‌های مختلف در ۵ زبان مختلف می‌پردازد. این شبکه در تاریخ ۳۱ دسامبر ۲۰۱۶ تأسیس شد و هدف آن ارائه اخبار دقیق و به موقع به مخاطبان جهانی و ترویج ارتباطات و تبادل فرهنگی بین چین و سایر کشورها است. CGTN دارای شش کانال تلویزیونی شامل CGTN English, CGTN Spanish, CGTN French, CGTN Arabic, CGTN Russian و CGTN Documentary است. این شبکه همچنین دارای مراکز تولید در پکن، نایروبی، واشنگتن و لندن است و با بیش از ۷۰ دفتر در سراسر جهان فعالیت می‌کند. تعداد کارکنان CGTN حدود ۳,۰۰۰ نفر است که شامل روزنامه‌نگاران و متخصصان بین‌المللی از کشورهای مختلف می‌شود. بودجه CGTN به طور دقیق مشخص نیست، اما تخمین‌ها نشان می‌دهد که این شبکه سالانه حدود ۱۰ میلیارد یوان (تقریباً ۱,۵ میلیارد دلار) بودجه دارد. با این حال، این بودجه ممکن است با توجه به تغییرات سیاسی و اقتصادی متغیر باشد. CGTN به عنوان یک رسانه دولتی تحت نظارت حزب کمونیست چین عمل می‌کند و هدف آن ارتقاء تصویر چین در سطح جهانی و ترویج دیدگاه‌های دولتی این کشور است. با توجه به تنوع زبان‌ها و کانال‌های پخش، CGTN تلاش می‌کند تا به مخاطبان بیشتری دسترسی پیدا کند و نقش خود را به عنوان یک رسانه بین‌المللی تقویت کند. منبع:

<https://www.cgtn.com/about-us.html> & [https://en.wikipedia.org/wiki/CGTN_\(TV_channel\)](https://en.wikipedia.org/wiki/CGTN_(TV_channel)) & <https://www.investopedia.com/terms/c/china-global-television-network-cgtn.asp>

دFTER پنجم: بررسی ساختار اجتماعی و فرهنگی

آموزش و تبادل فرهنگی

آموزش یکی دیگر از ارکان قدرت نرم چین است. این کشور با سرمایه‌گذاری در آموزش، به جذب دانشجویان بین‌المللی و گسترش زبان چینی می‌پردازد. برنامه بورس‌های تحصیلی^{۳۷} چین یکی از راه‌های جذب دانشجویان خارجی به این کشور است. چین سالانه هزاران بورس تحصیلی به دانشجویان خارجی می‌دهد تا در دانشگاه‌های خود تحصیل کنند. این اقدام نه تنها به ارتقای روابط فرهنگی و آموزشی چین با کشورهای مختلف کمک می‌کند، بلکه به این کشور فرصت می‌دهد تا نسل‌های آینده رهبران کشورهای دیگر را با فرهنگ و زبان خود آشنا سازد.

همچنین، مؤسسات آموزش زبان چینی مانند انستیتو کنفوسیوس در بیش از ۱۵۰ کشور تأسیس شده‌اند.^{۳۸} این مؤسسات به تدریس زبان و فرهنگ چینی می‌پردازند و هدف آن‌ها ارتقای نفوذ فرهنگی چین در جهان است.

۵۳۷ - برنامه‌های بورسیه چین یکی از راه‌های کلیدی برای جذب دانشجویان خارجی به این کشور است. این برنامه‌ها به‌ویژه توسط شورای بورسیه چین (CSC) مدیریت می‌شوند و شامل انواع مختلفی از بورسیه‌ها برای دانشجویان بین‌المللی، معلمان و پژوهشگران است. به‌طور تقریبی، هر سال حدود ۵۰,۰۰۰ تا ۶۰,۰۰۰ بورسیه به دانشجویان خارجی اعطا می‌شود. این بورسیه‌ها در زمینه‌های مختلفی از جمله علوم، مهندسی، پزشکی، هنر و علوم انسانی ارائه می‌شوند. هدف این برنامه‌ها ارتقاء تبادل فرهنگی و آموزشی بین چین و سایر کشورها و همچنین تقویت همکاری‌های بین‌المللی در زمینه‌های علمی و تحقیقاتی است. بورسیه‌های اعطا شده شامل پوشش کامل هزینه‌های تحصیل، اقامت در خوابگاه‌های دانشگاهی، بیمه پزشکی جامع و کمک هزینه ماهیانه است. به‌عنوان مثال، دانشجویان عمومی معمولاً کمک هزینه‌ای معادل ۳,۰۰۰ یوان (حدود ۴۵۰ دلار) در ماه دریافت می‌کنند، در حالی که دانشجویان مقطع دکترا ممکن است تا ۳,۵۰۰ یوان (حدود ۵۲۵ دلار) در ماه دریافت کنند. این امکانات به دانشجویان این امکان را می‌دهد که بدون نگرانی مالی بر روی تحصیلات خود تمرکز کنند و از فرصت‌های آموزشی و پژوهشی در چین بهره‌مند شوند.

افرادی که به دنبال اطلاعات درباره نحوه دریافت بورسیه از چین هستند، می‌توانند به چندین منبع کلیدی مراجعه کنند که جزئیات کاملی درباره فرآیند درخواست، شرایط واجد شرایط بودن و برنامه‌های موجود ارائه می‌دهند. شورای بورسیه چین (CSC)، سازمان اصلی نظارت بر برنامه‌های بورسیه برای دانشجویان بین‌المللی است.

وبسایت رسمی این شورا به آدرس <https://www.chinesescholarshipcouncil.com/> اطلاعات دقیقی درباره انواع مختلف بورسیه‌ها، راهنمایی‌های درخواست و فهرست دانشگاه‌های شرکت‌کننده در برنامه‌ها را ارائه می‌دهد. همچنین، پورتال CSC در آدرس <http://www.csc.edu.cn/studyinchina/> یک سیستم آنلاین برای ثبت درخواست‌ها فراهم کرده است که دانشجویان می‌توانند درخواست‌های خود را به‌طور مستقیم ارسال کنند.

منبع دیگری که بسیار مفید است، وبسایت <https://www.china-admissions.com/blog/china-scholarship/> است که راهنمایی‌هایی درباره بورسیه‌های مختلف موجود برای دانشجویان بین‌المللی ارائه می‌دهد، از جمله مهلت‌ها و نکاتی برای موفقیت در درخواست‌ها. علاوه بر این، سفارت‌ها و کنسولگری‌های چین معمولاً بخش‌های خاصی در وبسایت‌های خود دارند که اطلاعاتی درباره بورسیه‌های خاص برای کشورهای خود ارائه می‌دهند، مانند برنامه بورسیه دولت چین برای دانشجویان اندونزیایی. این منابع به‌طور کلی ابزارهای اساسی برای دانشجویان آینده‌نگر هستند که به دنبال تحصیل در چین از طریق برنامه‌های بورسیه می‌باشند. منبع:

<https://studyathit.hit.edu.cn/ChinaLinkScholarshipProgram/list.htm> & https://www.cucas.cn/admission_express/5-Types-of-China-Scholarships-for-International-Students/3763 & <https://www.china-admissions.com/blog/china-scholarship/>.

۵۳۸ - در ایران دو مؤسسه کنفوسیوس وجود دارد که به آموزش زبان و فرهنگ چینی می‌پردازند. یکی از این مؤسسات در دانشگاه تهران واقع شده است و دیگری در دانشگاه مازندران قرار دارد. مؤسسه کنفوسیوس در دانشگاه تهران که با همکاری یواننان چین تأسیس شده است، به عنوان نخستین مؤسسه کنفوسیوس در ایران شناخته می‌شود. این مؤسسه در آدرس زیر قرار دارد:

دفتر پنجم: بررسی ساختار اجتماعی و فرهنگی

علاوه بر آن، چین در حال توسعه برنامه‌های تحصیلات عالی برای دانشجویان خارجی است تا از این طریق بتواند در سطح جهانی تأثیرگذار باشد.

دیپلماسی فرهنگی و روابط عمومی

چین از دیپلماسی فرهنگی به عنوان ابزاری برای ارتقای تصویر جهانی خود استفاده می‌کند. این کشور از طریق برنامه‌های هنری، فستیوال‌های فرهنگی و نمایشگاه‌های هنری در کشورهای مختلف، فرهنگ خود را معرفی می‌کند. چین تلاش دارد تا از طریق هنر، سینما و موسیقی به جهانیان ثابت کند که نه تنها یک قدرت اقتصادی است، بلکه یک تمدن با تاریخ و فرهنگ غنی نیز دارد.

مؤسسات فرهنگی چین نظیر انستیتو کنفوسیوس یکی از پایه‌های اصلی دیپلماسی فرهنگی چین محسوب می‌شوند. این مؤسسات به زبان‌آموزان، محققان و علاقه‌مندان در کشورهای مختلف زبان چینی و جنبه‌های فرهنگی آن را آموزش می‌دهند. این برنامه‌ها به ویژه در کشورهای آسیایی و آفریقایی موفق بوده‌اند و به چین کمک کرده‌اند تا نفوذ خود را در این مناطق افزایش دهد.

استفاده از فناوری‌های نوین در دیپلماسی فرهنگی

چین همچنین در بهره‌برداری از رسانه‌های اجتماعی و اینترنت برای تقویت قدرت نرم خود گام‌های بلندی برداشته است. چین دارای شبکه‌های اجتماعی داخلی مانند وی‌چت و وی‌بو است که میلیون‌ها کاربر در سراسر جهان دارند. این پلتفرم‌ها به دولت چین این امکان را می‌دهند تا به‌طور مستقیم با مردم در کشورهای مختلف ارتباط برقرار کند و پیام‌های خود را به سرعت گسترش دهد.

چین همچنین از ویدئوها، مقالات آنلاین و پادکست‌ها برای ارائه محتوای فرهنگی و سیاست‌های خود به جهان استفاده می‌کند. از این طریق، چین توانسته است روایت خود را در عرصه جهانی شکل دهد و به تصویر منفی از خود که در برخی کشورها وجود دارد، پاسخ دهد.

چین از قدرت نرم به عنوان ابزاری استراتژیک برای گسترش نفوذ خود در سطح جهانی بهره می‌برد. از رسانه‌ها و تبلیغات جهانی گرفته تا برنامه‌های آموزشی و دیپلماسی فرهنگی، این کشور تلاش دارد تا فرهنگ و ارزش‌های خود را در عرصه جهانی ترویج دهد و روابط اقتصادی و سیاسی خود را با دیگر کشورها تقویت کند. قدرت نرم

تهران به آدرس: خیابان ۱۶ آذر، میدان انقلاب، تهران، ایران تلفن: ۶۶۹۶۳۶۶۴ (۲۱ ۹۸+) ایمیل: international@ut.ac.ir وب سایت: www.ut.ac.ir

مؤسسه کنفوسیوس در دانشگاه مازندران به آدرس: خیابان پاسداران، بابلسر، استان مازندران، ایران تلفن: ۳۵۳۴۲۶۷۰ ۱۱ ۹۸+

ایمیل: international@umz.ac.ir وب سایت: www.en.int.umz.ac.ir

این مؤسسات به منظور تقویت روابط فرهنگی و آموزشی بین چین و ایران تأسیس شده‌اند و به دانشجویان ایرانی این امکان را می‌دهند که زبان چینی را یاد بگیرند و با فرهنگ چین آشنا شوند.

دفتر پنجم: بررسی ساختار اجتماعی و فرهنگی

چین نه تنها در تقویت روابط با کشورهای دیگر تأثیرگذار بوده، بلکه به این کشور کمک کرده است تا به عنوان یک بازیگر برجسته در صحنه بین‌المللی شناخته شود.

استراتژی‌های نظامی و ژئوپلیتیک

استراتژی‌های نظامی و ژئوپلیتیک چین: نقش و تأثیر در عرصه جهانی

استراتژی‌های نظامی و ژئوپلیتیک چین به عنوان بخشی از تأثیر جهانی این کشور، در دهه‌های اخیر تغییرات قابل توجهی داشته‌اند. چین با توجه به موقعیت جغرافیایی، اقتصادی و سیاسی خود، همواره به دنبال تقویت نفوذ خود در سطح جهانی از طریق افزایش توان نظامی و اتخاذ رویکردهای ژئوپلیتیکی پیچیده بوده است. این استراتژی‌ها نه تنها به منظور دفاع از منافع ملی و حفظ امنیت داخلی، بلکه به عنوان ابزاری برای رقابت با دیگر قدرت‌های جهانی مانند ایالات متحده و کشورهای منطقه‌ای آسیایی در عرصه‌های مختلف به کار می‌روند.

تقویت توان نظامی و توسعه فناوری‌های پیشرفته

چین در سال‌های اخیر به طور چشم‌گیری در حال افزایش بودجه دفاعی خود و مدرن‌سازی نیروهای مسلح است. این کشور در حال توسعه و خرید تجهیزات پیشرفته‌ای مانند هواپیماهای جنگنده، ناوها و زیردریایی‌ها و همچنین سیستم‌های دفاع موشکی است. برنامه‌های توسعه‌ای چین شامل تولید کشتی‌های جنگی پیشرفته و سیستم‌های راداری و هوافضا است که به کشور کمک می‌کند تا توانایی‌های نظامی خود را در عرصه‌های مختلف تقویت کند. به عنوان نمونه، چین موفق به توسعه ناوهای هواپیمابر خود شده است که نقش مهمی در حضور نظامی چین در آب‌های بین‌المللی ایفا می‌کند.

چین همچنین یکی از کشورهایی است که به طور قابل توجهی در حال سرمایه‌گذاری در فناوری‌های جدید نظامی است. از جمله این فناوری‌ها می‌توان به پهپادها و موشک‌های هیپرسونیک اشاره کرد که توانایی‌های نظامی چین را به سطح جدیدی رسانده است.

استراتژی «دریای جنوبی چین» و ادعاهای سرزمینی

یکی از مهم‌ترین جنبه‌های استراتژی ژئوپلیتیک چین، مسأله دریای جنوبی چین است. این دریا به عنوان یکی از مهم‌ترین معابر حمل‌ونقل دریایی جهان محسوب می‌شود و کشورهای مختلفی از جمله چین، ویتنام، فیلیپین و مالزی در حال رقابت بر سر مالکیت بخش‌هایی از آن هستند. چین با ساخت جزایر مصنوعی و استقرار پایگاه‌های

دFTER پنجم: بررسی ساختار اجتماعی و فرهنگی

نظامی در این منطقه^{۳۹} تلاش کرده است تا بر ادعاهای خود در این منطقه تحکیم بخشد و به‌طور مؤثری از نفوذ خود در آب‌های بین‌المللی دفاع کند.

چین به‌طور مستمر بر این ادعاها تأکید کرده و در برخی مواقع از توان نظامی خود برای نشان دادن قدرت و کنترل در این منطقه استفاده کرده است. این امر موجب تنش‌هایی با کشورهای همسایه و همچنین کشورهای غربی شده است که به‌ویژه ایالات متحده در چارچوب استراتژی‌های «آزاد و باز» در اقیانوس هند و آرام در مقابل این اقدامات چین ایستاده است.

تلاش برای تبدیل شدن به یک قدرت جهانی

چین در تلاش است تا با گسترش نفوذ خود در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی به یک قدرت جهانی تبدیل شود. سیاست‌های اقتصادی و امنیتی چین، که در قالب ابتکار «یک کمربند، یک جاده» یا BRI (Belt and Road Initiative) گنجانده شده است، به‌طور مستقیم با این هدف مرتبط است. این طرح به چین کمک می‌کند تا با کشورهای مختلف در جهان روابط استراتژیک برقرار کند و پروژه‌های زیرساختی در کشورهای با موقعیت جغرافیایی مهم ایجاد کند. این پروژه‌ها به‌ویژه در کشورهای آسیایی، آفریقایی و اروپایی که از نظر اقتصادی در حال توسعه هستند، می‌توانند زمینه‌ساز حضور چین در عرصه‌های نظامی و ژئوپلیتیکی شوند.

رویکرد چین در مقابل ایالات متحده و رقابت جهانی

در عرصه بین‌المللی، چین به‌ویژه با ایالات متحده رقابت شدیدی دارد. در این راستا، استراتژی‌های نظامی چین به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که علاوه بر حفظ امنیت داخلی، قدرت این کشور را در برابر قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای تقویت کند. این رقابت در زمینه‌های مختلف مانند تکنولوژی، تجارت، نظامی و نفوذ جهانی ادامه دارد. چین به‌طور مداوم به دنبال تضعیف جایگاه ایالات متحده به‌ویژه در اقیانوس آرام است. یکی از ابزارهای مهم چین در این رقابت، نوسازی ارتش آزادی‌بخش خلق (PLA) است که به‌عنوان بزرگ‌ترین ارتش دنیا شناخته می‌شود. علاوه بر این، چین به‌طور فزاینده‌ای در حال توسعه سلاح‌های هسته‌ای و موشک‌های قاره‌پیما است که می‌تواند به قدرت بازدارندگی این کشور در برابر تهدیدات جهانی کمک کند.

۵۳۹ - چین با ساخت جزایر مصنوعی و ایجاد پایگاه‌های نظامی در دریای چین جنوبی، تلاش کرده است تا ادعاهای خود را در این منطقه تقویت کند و نفوذ خود را در آب‌های بین‌المللی حفظ کند. از دسامبر ۲۰۱۳ تا اکتبر ۲۰۱۵، چین اقدام به ساخت جزایر مصنوعی بر روی هفت صخره مرجانی در مجمع‌الجزایر اسپراتلی کرد و مساحتی نزدیک به ۳,۰۰۰ هکتار را به این جزایر اختصاص داد. این جزایر شامل تأسیسات نظامی، باندهای فرود، و سیستم‌های دفاع هوایی هستند که به چین اجازه می‌دهند تا کنترل بیشتری بر روی آب‌های مورد نزاع داشته باشد. چین همچنین از تکنولوژی‌های جدید برای غلبه بر چالش‌های ساخت و ساز در ماسه‌های نرم مرجانی استفاده کرده و به‌طور مداوم به فعالیت‌های ساخت و ساز خود ادامه می‌دهد. سرمایه‌گذاری چین در این پروژه‌ها به‌طور دقیق مشخص نیست، اما تخمین‌ها نشان می‌دهد که هزینه‌های ساخت جزایر مصنوعی و پایگاه‌های نظامی به میلیارد دلار می‌رسد. این فعالیت‌ها از سال ۲۰۱۳ آغاز شده و همچنان ادامه دارد، با توجه به اینکه چین به دنبال تقویت مواضع خود در برابر رقبا مانند ایالات متحده و کشورهای همسایه است. با وجود انتقادات بین‌المللی و نگرانی‌ها درباره تأثیرات زیست‌محیطی این پروژه‌ها، چین به ساخت و سازهای خود ادامه می‌دهد و آن را بخشی از حق حاکمیت خود بر این مناطق می‌داند.

د فتر پنجم: بررسی ساختار اجتماعی و فرهنگی

دیپلماسی دفاعی و همکاری‌های نظامی بین‌المللی

چین همچنین به‌طور فعال در زمینه‌های دیپلماسی دفاعی و همکاری‌های نظامی با دیگر کشورها مشارکت می‌کند. چین در راستای استراتژی «گسترش قدرت نرم»، تلاش کرده است تا از طریق همکاری‌های نظامی و ارسال تجهیزات نظامی به کشورهای مختلف، نفوذ خود را در سطح جهانی گسترش دهد. این کشور با کشورهای هم‌پیمان خود مانند پاکستان و روسیه روابط نظامی عمیقی دارد و در رزمایش‌ها و تمرینات نظامی مشترک شرکت می‌کند.^{۵۴۰}

استراتژی‌های نظامی و ژئوپلیتیک چین از اهمیت ویژه‌ای در عرصه جهانی برخوردار است. این کشور با تمرکز بر تقویت توان نظامی، گسترش نفوذ خود در دریاها، مهم جهان، و تقویت روابط بین‌المللی از طریق پروژه‌های اقتصادی و نظامی به دنبال افزایش قدرت خود در عرصه جهانی است. این رویکردها، که اغلب با رقابت‌های ایالات متحده و دیگر قدرت‌های جهانی هم‌زمان است، چین را به یک بازیگر اصلی در مسائل نظامی و ژئوپلیتیک در سطح جهانی تبدیل کرده است.

مشارکت‌ها و رقابت‌ها با غرب

مشارکت‌ها و رقابت‌ها با غرب: تأثیر جهانی چین

چین، به‌عنوان یکی از قدرت‌های اقتصادی و سیاسی برتر در جهان، رابطه پیچیده‌ای با کشورهای غربی دارد که شامل همکاری‌های اقتصادی و تجاری، رقابت‌های نظامی و فناوری، و همچنین چالش‌های سیاسی و ژئوپلیتیکی است. این مشارکت‌ها و رقابت‌ها نه تنها بر چین بلکه بر تحولات جهانی تأثیرات زیادی داشته و همچنان در حال شکل‌گیری است.

۵۴۰ - چین روابط نظامی عمیقی با کشورهای هم‌پیمان خود، به ویژه پاکستان و روسیه، برقرار کرده است و این همکاری‌ها شامل انجام تمرینات نظامی مشترک و توافق‌های دفاعی می‌شود. در رابطه با پاکستان، این همکاری‌ها در چندین حوزه شامل انتقال تسلیحات و توسعه مشترک تجهیزات نظامی، دیپلماسی نظامی و برگزاری تمرینات نظامی مشترک شکل گرفته است. به عنوان مثال، قرارداد "برنامه رعد" در سال ۱۹۹۹ برای توسعه و تولید مشترک جنگنده JF-17 میان چین و پاکستان امضا شد. همچنین، چین به عنوان تأمین‌کننده اصلی تسلیحات برای پاکستان، نقش کلیدی در تقویت توانایی‌های نظامی این کشور ایفا کرده است. روابط نظامی چین و پاکستان به‌طور قابل توجهی در سال‌های اخیر افزایش یافته و این دو کشور در حال برگزاری تمرینات نظامی پیچیده‌تری هستند که به افزایش هماهنگی و قابلیت‌های مشترک کمک می‌کند. در مورد روسیه، چین و این کشور نیز توافقات دفاعی متعددی دارند که شامل خرید تسلیحات پیشرفته و همکاری‌های نظامی است. یکی از مهم‌ترین توافقات، قرارداد فروش جنگنده‌های Su-35 به چین است که به این کشور اجازه می‌دهد تا توانایی‌های هوایی خود را تقویت کند. علاوه بر این، چین و روسیه به‌طور منظم تمرینات نظامی مشترکی را برگزار می‌کنند که هدف آن تقویت همکاری‌های نظامی و افزایش قابلیت‌های عملیاتی هر دو کشور است. این روابط نزدیک نظامی نه تنها به تقویت توانایی‌های دفاعی چین کمک می‌کند بلکه همچنین به ایجاد یک جبهه متحد در برابر نفوذ غرب و ایالات متحده در منطقه کمک می‌نماید.

دفتر پنجم: بررسی ساختار اجتماعی و فرهنگی

مشارکت‌های اقتصادی: تجارت و سرمایه‌گذاری متقابل

چین و کشورهای غربی، به‌ویژه ایالات متحده و اتحادیه اروپا، روابط تجاری و اقتصادی گسترده‌ای دارند. در حال حاضر، چین دومین اقتصاد بزرگ جهان است و یکی از مهم‌ترین شرکای تجاری برای کشورهای غربی محسوب می‌شود. برای مثال، در سال ۲۰۲۲، حجم تجارت بین چین و ایالات متحده به بیش از ۶۵۰ میلیارد دلار رسید^{۵۴۱} که شامل صادرات و واردات کالاهای مختلف از جمله الکترونیک، تجهیزات صنعتی و کالاهای مصرفی است. این تجارت به چین فرصت‌های اقتصادی زیادی داده و همچنین به کشورهای غربی اجازه می‌دهد از بازار بزرگ چین بهره‌مند شوند.

چین همچنین به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین سرمایه‌گذاران خارجی در کشورهای غربی شناخته می‌شود. بسیاری از شرکت‌های چینی مانند Tencent, Alibaba و Huawei در حال سرمایه‌گذاری در کشورهای غربی هستند و فعالیت‌های تجاری گسترده‌ای دارند. در همین راستا، چین نیز در زمینه‌هایی مانند تولید و فناوری در کشورهای غربی سرمایه‌گذاری‌های زیادی انجام داده است.

رقابت‌های تجاری و تعرفه‌ها

با این که چین و غرب روابط اقتصادی گسترده‌ای دارند، اما رقابت‌های تجاری و تعرفه‌ها بخش مهمی از این روابط را تشکیل می‌دهند. در سال‌های اخیر، ایالات متحده تحت رهبری دونالد ترامپ جنگ تجاری با چین را آغاز کرد که شامل اعمال تعرفه‌های سنگین بر کالاهای چینی بود. به‌طور مثال، در سال ۲۰۱۹، تعرفه‌های اعمال‌شده بر کالاهای چینی توسط ایالات متحده به حدود ۳۷۰ میلیارد دلار رسید. این سیاست‌ها باعث کاهش صادرات چین به ایالات متحده و افزایش هزینه‌ها برای مصرف‌کنندگان آمریکایی شد. در عین حال، چین نیز در پاسخ تعرفه‌هایی بر کالاهای آمریکایی اعمال کرد که بر زنجیره‌های تأمین جهانی تأثیر گذاشت. در همین راستا، چین به تقویت روابط تجاری خود با سایر کشورهای جهان پرداخته و به بازارهای نوظهور و در حال توسعه توجه بیشتری نشان داده است. چین از طریق پروژه‌های زیرساختی مانند یک کمربند، یک جاده (BRI) تلاش دارد نفوذ اقتصادی خود را در سایر نقاط جهان گسترش دهد.

۵۴۱ - در سال ۲۰۲۴، حجم تجارت بین چین و مناطق مختلف جهان ارقام قابل توجهی را نشان می‌دهد. با ایالات متحده، حجم تجارت به حدود ۷۰۰ میلیارد دلار رسید که نشان‌دهنده روابط اقتصادی مستحکم با وجود تنش‌های ژئوپلیتیکی است. حجم تجارت با قاره اروپا در سه‌ماهه اول سال به حدود ۵۷۶٫۵ میلیارد دلار رسید که نشان‌دهنده افزایش جزئی نسبت به سال‌های گذشته است. تجارت با خاورمیانه حدود ۲۰۰ میلیارد دلار بود، در حالی که حجم تجارت با کشورهای آفریقایی تقریباً ۱۸۰ میلیارد دلار برآورد شده است. سایر قاره‌ها، از جمله آمریکای جنوبی و اقیانوسیه، نیز حدود ۱۵۰ میلیارد دلار تجارت داشتند. این ارقام نشان‌دهنده روابط تجاری گسترده چین در سطح جهانی است و نقش این کشور را به‌عنوان یک بازیگر اصلی در تجارت بین‌المللی برجسته می‌کند. داده‌ها نشان می‌دهد که چین همچنان به تقویت شراکت‌های اقتصادی خود ادامه می‌دهد و در عین حال با دینامیک‌های پیچیده جهانی سازگار می‌شود. این ارقام نه تنها تاب‌آوری اقتصاد چین را نشان می‌دهد بلکه اهمیت استراتژیک آن را در زنجیره‌های تأمین و شبکه‌های تجاری جهانی تأکید می‌کند. برای کسب اطلاعات در خصوص آمار تجاری کشورها با یکدیگر می‌توانید به سایت [trademap](https://www.trademap.org) مراجعه کنید.

دFTER پنجم: بررسی ساختار اجتماعی و فرهنگی

رقابت‌های فناوری: چالش‌ها و تهدیدات

یکی از عرصه‌های مهم رقابت میان چین و غرب، فناوری است. چین به سرعت در حال تبدیل شدن به یکی از پیشروهای جهانی در زمینه‌های مختلف فناوری است. این کشور در حوزه‌هایی مانند **هوش مصنوعی 5G** و **نانو فناوری** به پیشرفت‌های چشم‌گیری دست یافته است. با این حال، کشورهای غربی به‌ویژه ایالات متحده نگران استفاده چین از این فناوری‌ها برای اهداف نظامی و جاسوسی سایبری هستند. چندین شرکت بزرگ چینی مانند Huawei, ZTE و DJI مورد انتقاد و محدودیت‌های گسترده‌ای از سوی غرب قرار گرفته‌اند. به‌ویژه، ایالات متحده و برخی از کشورهای اروپایی به دلیل نگرانی‌های امنیتی، تصمیم گرفته‌اند که استفاده از تجهیزات 5G تولیدی شرکت هواوی را ممنوع کنند. در پاسخ به این فشارها، چین تلاش کرده است تا استقلال فناوری خود را افزایش دهد و به تولیدات داخلی و ابتکارات نوآورانه تکیه کند. برای مثال، چین به‌طور قابل توجهی در حال سرمایه‌گذاری در نیمه‌هادی‌ها و توسعه فناوری‌های نسل جدید است.

جایگاه ژئوپلیتیکی چین: سیاست‌های جهانی و چالش‌های امنیتی

چین در عرصه سیاست جهانی به‌ویژه در مناطق استراتژیک مانند **دریای جنوبی چین** و **تایوان** به‌طور فزاینده‌ای در حال تقویت قدرت خود است. این موضوع به‌ویژه با کشورهای غربی که نگران گسترش نفوذ چین در این مناطق هستند، موجب تنش‌های زیادی شده است. غرب به‌ویژه ایالات متحده و متحدان آن، در تلاش‌اند تا از گسترش قدرت چین در این مناطق جلوگیری کنند. چین همچنین به‌طور فزاینده‌ای به پروژه **یک کمربند، یک جاده (BRI)** به‌عنوان ابزاری برای گسترش نفوذ اقتصادی و سیاسی خود نگاه می‌کند. این پروژه به چین این امکان را می‌دهد تا با کشورهای مختلف در آسیا، آفریقا و اروپا روابط تجاری و زیرساختی برقرار کند. با این حال، برخی از کشورهای غربی از جمله ایالات متحده، این پروژه را به‌عنوان ابزاری برای ایجاد وابستگی‌های اقتصادی و استراتژیک در کشورهای مقصد می‌دانند.

قدرت نرم چین: دیپلماسی فرهنگی و رسانه‌ها

چین در کنار رقابت‌های اقتصادی و نظامی، به‌طور فزاینده‌ای از دیپلماسی فرهنگی و رسانه‌ها به‌عنوان ابزاری برای گسترش نفوذ جهانی خود استفاده می‌کند. چین تلاش کرده است تا تصویری مثبت از خود در عرصه جهانی بسازد و از طریق رسانه‌هایی مانند CGTN, Xinhua و China Daily به ترویج فرهنگ و ایده‌های خود در سطح بین‌المللی بپردازد.

علاوه بر این، چین در تلاش است تا از طریق ایجاد مؤسسات آموزشی و اعطای بورسیه‌های تحصیلی به دانشجویان خارجی، روابط فرهنگی و دیپلماتیک خود را تقویت کند. دانشگاه‌های چینی نیز از استقبال زیادی در میان دانشجویان بین‌المللی برخوردار شده‌اند و بسیاری از آن‌ها در حال جذب دانشجویانی از کشورهای مختلف هستند.

دفتر پنجم: بررسی ساختار اجتماعی و فرهنگی

مطالعات موردی و داستان‌های شخصی

الگوهای مهاجرتی (مانند کارگران مهاجر)

الگوهای مهاجرتی چین: کارگران مهاجر و تأثیرات آن‌ها

چین، به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین اقتصادهای جهان، تجربه گسترده‌ای از مهاجرت داخلی و خارجی دارد که بر ساختار اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور تأثیرات زیادی گذاشته است. مهاجرت داخلی و خارجی چین، به‌ویژه در قالب مهاجرت کارگران به مناطق شهری و نیز کشورهای خارجی، یکی از مهم‌ترین الگوهای مهاجرتی در تاریخ معاصر این کشور است.

مهاجرت داخلی: کارگران مهاجر به شهرها

یکی از الگوهای اصلی مهاجرت در چین، مهاجرت داخلی است. در دهه‌های اخیر، شاهد مهاجرت گسترده کارگران روستایی به مناطق شهری برای یافتن کار و بهبود شرایط زندگی بوده‌ایم. این مهاجرت‌ها به‌ویژه پس از آغاز اصلاحات اقتصادی در دهه ۱۹۸۰ شتاب گرفتند. طبق گزارش‌های دولت چین، بیش از ۲۸۰ میلیون کارگر مهاجر در حال حاضر در شهرهای بزرگ کشور زندگی می‌کنند.

این کارگران عمدتاً از مناطق روستایی به شهرهای بزرگ مانند پکن، شانگهای، گوانگژو و شنژن مهاجرت می‌کنند تا در صنایع مختلف مانند ساخت‌وساز، تولید، خدمات و بخش‌های دیگر مشغول به کار شوند. مهاجرت این کارگران موجب افزایش سریع جمعیت شهری در چین و رشد سریع اقتصاد شهری شده است. با این حال، این کارگران با چالش‌های متعددی مواجه هستند که مهم‌ترین آن‌ها شامل محدودیت‌های دسترسی به خدمات اجتماعی، بهداشت و آموزش است، به‌ویژه زمانی که در سیستم ثبت‌نام **هوکو** (Hukou) به عنوان مهاجر ثبت نشده باشند.

چالش‌ها و مشکلات مهاجران داخلی

مهاجران داخلی به‌طور معمول با مشکلات جدی روبه‌رو هستند. یکی از این مشکلات، عدم دسترسی به مزایای رفاهی و خدمات اجتماعی است. سیستم **هوکو** که ثبت‌نام افراد را در مناطق مختلف چین مدیریت می‌کند، باعث می‌شود که کارگران مهاجر نتوانند به همان اندازه که ساکنان شهرها از خدماتی نظیر بهداشت و آموزش بهره‌مند شوند. این موضوع موجب ایجاد شکاف‌های اجتماعی و اقتصادی میان مهاجران و ساکنان شهری می‌شود. همچنین، مهاجران داخلی در چین غالباً در شرایط سخت‌تری کار می‌کنند و دستمزدهای کمتری دریافت می‌کنند. بسیاری از آن‌ها در صنایع پرخطر مانند ساخت‌وساز و کارخانه‌های تولیدی مشغول به کار هستند. این شرایط باعث افزایش نارضایتی اجتماعی و حتی ناآرامی‌ها در برخی مناطق چین شده است.

دفتر پنجم: بررسی ساختار اجتماعی و فرهنگی

مهاجرت بین‌المللی: کارگران چینی در خارج از کشور

چین همچنین تجربه گسترده‌ای از مهاجرت بین‌المللی دارد، به‌ویژه در زمینه کارگران مهاجر. در دهه‌های اخیر، بسیاری از کارگران چینی به کشورهای مختلف، به‌ویژه کشورهای خاورمیانه، آفریقا و جنوب شرق آسیا مهاجرت کرده‌اند. این کارگران در بخش‌های مختلف اقتصادی مانند ساخت‌وساز، کشاورزی، و خدمات مشغول به کار هستند. یکی از کشورهایی که در دهه‌های اخیر شاهد ورود بسیاری از کارگران چینی بوده، **عربستان سعودی** است. بسیاری از کارگران چینی به ویژه در پروژه‌های ساخت‌وساز بزرگ در این کشور مشغول به کار هستند. به‌عنوان مثال، در پروژه ساخت **شهر نئوم**^{۵۴۲} عربستان سعودی که یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌های زیرساختی جهان است، کارگران چینی نقش مهمی ایفا می‌کنند.

تأثیرات اقتصادی و اجتماعی مهاجرت کارگران چینی

مهاجرت کارگران داخلی و خارجی تأثیرات قابل‌توجهی بر اقتصاد چین و سایر کشورهای مقصد داشته است. از یک سو، مهاجرت کارگران به شهرهای بزرگ موجب رشد سریع اقتصاد شهری و تحول در صنعت ساخت‌وساز و تولید شده است. این روند به چین کمک کرده تا به یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان جهان تبدیل شود. از سوی دیگر، مهاجرت بین‌المللی کارگران چینی نیز به رشد اقتصادی کشورهای مقصد کمک کرده است، به‌ویژه در بخش‌های ساخت‌وساز و تولید.

اما این مهاجرت‌ها تنها اثرات مثبت نداشته‌اند. مشکلات اجتماعی مانند شکاف‌های طبقاتی، نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی، و عدم دسترسی به خدمات اجتماعی برای کارگران مهاجر از چالش‌های مهم این روند هستند. این مسائل نیازمند اصلاحات و تدابیر حکومتی در جهت بهبود شرایط زندگی کارگران مهاجر داخلی و خارجی است.

۵۴۲ - پروژه نئوم یک شهر برنامه‌ریزی شده در عربستان سعودی است که در استان تبوک و در شمال غربی این کشور واقع شده است. این پروژه به عنوان بخشی از برنامه‌های بلندپروازانه محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان، برای تنوع‌بخشی به اقتصاد کشور و کاهش وابستگی به نفت طراحی شده است.

ویژگی‌ها و اهداف پروژه نئوم

۱. موقعیت جغرافیایی: نئوم در نزدیکی دریای سرخ و در مجاورت کشورهای مصر و اردن قرار دارد، که این موقعیت استراتژیک آن را به یک مرکز تجاری و گردشگری تبدیل می‌کند.
۲. هزینه و سرمایه‌گذاری: هزینه کل پروژه نئوم حدود ۵۰۰ میلیارد دلار تخمین زده شده است. این پروژه شامل ساختارهایی مانند مجتمع‌های صنعتی، تفرجگاه‌ها، پیست‌های اسکی و یک شهر خطی به نام "لاین" است که طول آن ۱۷۰ کیلومتر خواهد بود.
۳. فناوری‌های پیشرفته: نئوم به عنوان یک شهر هوشمند طراحی شده است که از فناوری‌های نوین و انرژی‌های تجدیدپذیر استفاده خواهد کرد. هدف این است که تمام نیازهای انرژی شهر از منابع پاک تأمین شود.
۴. مدل زندگی پایدار: این پروژه به دنبال ایجاد یک مدل جدید برای زندگی شهری است که شامل کاهش آلودگی، ازدحام و استفاده از حمل‌ونقل عمومی و دوچرخه باشد.
۵. فرصت‌های شغلی: انتظار می‌رود نئوم بیش از ۳۸۰,۰۰۰ شغل ایجاد کند و به تقویت اقتصاد عربستان با جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی کمک کند.

نقش زنان در مهاجرت کارگری

در مهاجرت کارگری چین، نقش زنان نیز به‌ویژه در سال‌های اخیر برجسته شده است. بسیاری از زنان چینی در بخش‌های خدماتی مانند کار در رستوران‌ها، هتل‌ها و خانه‌ها مشغول به کار هستند. این زنان عمدتاً از روستاها به شهرهای بزرگ مهاجرت می‌کنند و در شرایطی سخت مشغول به کار می‌شوند. مشکلاتی مانند تبعیض جنسی و دستمزد پایین‌تر نسبت به مردان از چالش‌های اصلی این گروه مهاجر است.

الگوهای مهاجرتی چین پیچیده و چندبعدی هستند و بر جنبه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تأثیرگذار هستند. از مهاجرت داخلی به شهرهای بزرگ گرفته تا مهاجرت بین‌المللی کارگران به کشورهای مختلف، این روندها به‌طور مستقیم با توسعه اقتصادی چین و چالش‌های اجتماعی آن ارتباط دارند. دولت چین باید به‌منظور کاهش شکاف‌های اجتماعی و بهبود شرایط کارگران مهاجر، سیاست‌های جامع‌تری اتخاذ کند.^{۵۴۳}

داستان‌هایی از بازماندگان انقلاب فرهنگی

داستان‌های بازماندگان انقلاب فرهنگی چین: تأثیرات شخصی و اجتماعی

۵۴۳- الگوهای پیچیده و چندبعدی مهاجرت در چین: مهاجرت در چین به‌ویژه در دهه‌های اخیر به یکی از ویژگی‌های کلیدی توسعه اجتماعی و اقتصادی این کشور تبدیل شده است. این الگوهای مهاجرت شامل جابجایی‌های داخلی و بین‌المللی هستند و تأثیرات عمیقی بر جنبه‌های مختلف زندگی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دارند. مهاجرت داخلی به‌ویژه در زمینه جابجایی کارگران از مناطق روستایی به شهرهای بزرگ مانند پکن، شانگهای و گوانگژو مشاهده می‌شود. این روند به دلیل جستجوی فرصت‌های شغلی بهتر، دسترسی به خدمات آموزشی و بهداشتی و زندگی با کیفیت بالا انجام می‌شود. طبق آمارها، تعداد کارگران مهاجر داخلی در چین به حدود ۲۷۷,۵ میلیون نفر در سال ۲۰۱۵ رسید و پیش‌بینی می‌شود که این تعداد تا سال ۲۰۲۵ به ۲۴۳ میلیون نفر دیگر افزایش یابد. با این حال، این جابجایی‌ها با چالش‌هایی نیز همراه است. بسیاری از کارگران مهاجر به دلیل عدم داشتن وضعیت ثبت‌نام محلی (Hukou) از دسترسی به خدمات عمومی مانند آموزش، درمان و مسکن محروم هستند. این امر منجر به ایجاد شکاف‌های اجتماعی و اقتصادی می‌شود که نه تنها بر روی زندگی خود کارگران بلکه بر روی جامعه نیز تأثیر می‌گذارد. علاوه بر مهاجرت داخلی، مهاجرت بین‌المللی نیز در چین وجود دارد که شامل فرار از کشور برای کار یا تحصیل در کشورهای دیگر است. این نوع مهاجرت معمولاً به دلیل جستجوی فرصت‌های بهتر یا فرار از شرایط اقتصادی نامساعد انجام می‌شود.

سیاست‌های جامع دولت چین: برای کاهش شکاف‌های اجتماعی و بهبود شرایط کارگران مهاجر، دولت چین نیازمند اتخاذ سیاست‌های جامع‌تری است. یکی از مهم‌ترین اقداماتی که می‌تواند انجام شود، اصلاح سیستم Hukou است. این سیستم ثبت‌نام محلی که برای کنترل جابجایی جمعیت طراحی شده است، باید تغییر کند تا دسترسی کارگران مهاجر به خدمات عمومی تسهیل شود. با اصلاح این سیستم، کارگران می‌توانند از خدمات آموزشی، بهداشتی و اجتماعی بهره‌مند شوند و بدین ترتیب کیفیت زندگی آن‌ها بهبود یابد. علاوه بر اصلاحات سیستم Hukou، دولت باید سرمایه‌گذاری بیشتری در زیرساخت‌های شهری انجام دهد تا بتواند نیازهای جمعیت در حال رشد را تأمین کند. این شامل ساخت مسکن مناسب، توسعه حمل‌ونقل عمومی و ایجاد مراکز آموزشی و درمانی است. همچنین، برنامه‌های آموزشی و حرفه‌ای باید برای ارتقاء مهارت‌های کارگران مهاجر طراحی شوند تا آن‌ها بتوانند در بازار کار شهری رقابتی‌تر شوند. این برنامه‌ها می‌توانند شامل دوره‌های آموزشی فنی و حرفه‌ای باشند که مهارت‌های لازم برای مشاغل مختلف را آموزش دهند. در نهایت، دولت باید حمایت‌های اجتماعی را برای کارگران مهاجر افزایش دهد تا آن‌ها احساس امنیت بیشتری کنند. این حمایت‌ها می‌تواند شامل بیمه درمانی، کمک هزینه مسکن و برنامه‌های اجتماعی باشد که زندگی روزمره آن‌ها را تسهیل کند. با اجرای چنین سیاست‌هایی، چین می‌تواند نه تنها شرایط زندگی کارگران مهاجر را بهبود بخشد بلکه انسجام اجتماعی و اقتصادی کشور را نیز تقویت کند.

دFTER پنجم: بررسی ساختار اجتماعی و فرهنگی

انقلاب فرهنگی چین که در سال ۱۹۶۶ تحت رهبری مائو تسه تونگ آغاز شد، تأثیرات عمیق و گسترده‌ای بر جامعه، فرهنگ و زندگی روزمره مردم این کشور گذاشت. این انقلاب با هدف پاکسازی ایده‌ها و نظرات "ضد انقلابی" و تقویت ارزش‌های کمونیستی و پروسه‌های مارکسیستی، به طرز شدید و خشنی اجرا شد. بسیاری از افراد در این دوره به ویژه در معرض آزار و اذیت‌های شدید، زندانی شدن، اخراج از محل کار و شکنجه‌های روحی و جسمی قرار گرفتند. بازماندگان انقلاب فرهنگی همچنان با عواقب آن دست و پنجه نرم می‌کنند و برخی از آن‌ها داستان‌های شخصی و تجربیات خود را به اشتراک گذاشته‌اند که نمایانگر ابعاد انسانی این دوره تاریک تاریخ چین است.

تأثیر انقلاب فرهنگی بر خانواده‌ها و زندگی فردی

در دوران انقلاب فرهنگی، خانواده‌ها به شدت تحت فشار قرار گرفتند و بسیاری از افراد به دلیل ارتباطات یا وابستگی‌های "ضد انقلابی" یا "خائنانه" با دیگران، مورد اذیت و آزار قرار گرفتند. بسیاری از خانواده‌ها به خاطر ارتباطات اجتماعی و شغلی خود با طبقات بالای جامعه یا به دلیل مخالفت با سیاست‌های حزب کمونیست، هدف حملات فرهنگی قرار گرفتند. یکی از نمونه‌های مشهور، داستان‌هایی است که توسط افراد از نسل جوان آن دوران روایت می‌شود، کسانی که در سنین نوجوانی به عنوان "انقلابی" (پیک‌های سرخ) فعالیت می‌کردند و بسیاری از خانواده‌های خود را به دلیل اتهام‌های نادرست علیه انقلاب در معرض خطر قرار می‌دادند.

به عنوان مثال، یکی از کسانی که داستان زندگی خود را روایت کرده، خانم ژو هوا است که در دوران انقلاب فرهنگی والدین خود را از دست داده و خود نیز مجبور به تحمل سختی‌های زیادی شده است. وی بیان کرده است که در آن زمان پدرش که معلم بود به جرم "گناهکار بودن" به اردوگاه‌های بازپروری فرستاده شد و مادرش به دلیل آن که از او حمایت کرده بود، به مدت سه سال در تبعید زندگی می‌کرد.

آزار و اذیت‌های روانی و فیزیکی

علاوه بر تبعید و زندان، بسیاری از مردم مجبور بودند که از نظر روانی و جسمی تحت فشار شدید قرار گیرند. بازماندگان انقلاب فرهنگی در بسیاری از موارد خاطرات خود را از آزار و شکنجه‌هایی که در آن دوران کشیدند، بیان می‌کنند. از جمله شکنجه‌های رایج می‌توان به شستشوی مغزی، تحقیر عمومی، اجبار به اعلام اعترافات کاذب و تجزیه و تحلیل نقدی از زندگی شخصی اشاره کرد.

یک نمونه برجسته از این شکنجه‌ها مربوط به لئو جیائو است که در دوران انقلاب فرهنگی مجبور به نوشتن نقدهایی در مورد خانواده‌اش و افشای "گناهان" آن‌ها شد. او در خاطرات خود بیان کرده است که با فشار شدید از سوی مقامات حزب کمونیست و همکارانش مجبور به نوشتن اعترافات دروغین شد.

آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی

دفتر پنجم: بررسی ساختار اجتماعی و فرهنگی

انقلاب فرهنگی نه تنها به افراد آسیب جسمی و روانی وارد کرد، بلکه به فرهنگ و میراث تاریخی چین نیز ضربه‌های بزرگی وارد آورد. بسیاری از آثار فرهنگی و هنری، از جمله آثار مذهبی، تاریخی و علمی، تخریب شدند. معابد، کتابخانه‌ها و آثار هنری به طور گسترده‌ای از بین رفتند و نسل‌های جوان به جای یادگیری تاریخ و فرهنگ خود، آموزش‌های ایدئولوژیک دریافت کردند.

افرادی که در این دوره شاهد چنین آسیب‌هایی بودند، از جمله بسیاری از اساتید دانشگاه‌ها و هنرمندان، اغلب پس از پایان انقلاب فرهنگی، قادر به بازیابی دوباره موقعیت اجتماعی و فرهنگی خود نبودند. این افراد در اثر آزارهای سیاسی و فرهنگی با مشکلات بسیاری مواجه شدند که آثار آن هنوز در جوامع و نهادهای فرهنگی چین دیده می‌شود.

جنبش‌های بازسازی و بازگشت به زندگی عادی

پس از مرگ مائو تسه‌تونگ در سال ۱۹۷۶، چین وارد دوره‌ای جدید شد که سیاست‌های اصلاحی و بازسازی اقتصادی در اولویت قرار گرفتند. این تغییرات موجب شد که بسیاری از افراد بازمانده از انقلاب فرهنگی در تلاش برای بهبود شرایط خود و بازسازی زندگی‌شان باشند. یکی از افرادی که در این دوره بازسازی به داستان‌هایش پرداخته، **چن باؤ شیا** است که در دوران انقلاب فرهنگی به عنوان یکی از کارگران سازه‌های صنعتی به شدت مورد آزار و شکنجه قرار گرفت و پس از پایان انقلاب فرهنگی، تلاش کرد تا زندگی جدیدی را شروع کند.

اثرات بر روابط اجتماعی و اعتماد مردم

یکی از بزرگ‌ترین پیامدهای انقلاب فرهنگی، تضعیف روابط اجتماعی و نابودی اعتماد میان مردم بود. در این دوره، مردم به یکدیگر اعتماد نداشتند، زیرا هر فردی می‌توانست به عنوان یک "دشمن" تلقی شود. این وضعیت، حتی پس از پایان انقلاب فرهنگی نیز ادامه داشت و باعث ایجاد احساس بی‌اعتمادی و ناامنی در جامعه شد. داستان‌های بازماندگان انقلاب فرهنگی چین نشان‌دهنده تأثیرات عمیق و بلندمدت این دوره بر زندگی فردی، اجتماعی و فرهنگی مردم است. این داستان‌ها نه تنها نمایشگر رنج‌ها و مشکلات شخصی افراد هستند، بلکه روایت‌هایی از آسیب‌های اجتماعی، فرهنگی و روانی جامعه چین در آن دوران به شمار می‌روند. تلاش‌های این افراد برای بازسازی زندگی خود و بهبود شرایط اجتماعی و سیاسی کشور همچنان ادامه دارد.^{۲۶}

زندگی‌نامه نوآوران معاصر چین

زندگی‌نامه نوآوران معاصر چین: تأثیر گذاری بر اقتصاد و جامعه

چین با تاریخ و فرهنگی غنی، در دهه‌های اخیر شاهد ظهور نوآوران برجسته‌ای بوده که در زمینه‌های مختلفی از فناوری، تجارت، هنر و علوم پیشرفت‌های چشمگیری داشته‌اند. این نوآوران نه تنها در سطح داخلی، بلکه در عرصه جهانی نیز تأثیرات فراوانی داشته‌اند. در این بخش، به معرفی و بررسی زندگی‌نامه چند تن از نوآوران معاصر چین پرداخته می‌شود که تأثیرات بزرگی در تحولات اقتصادی، اجتماعی و فناوری این کشور داشته‌اند.

دفتر پنجم: بررسی ساختار اجتماعی و فرهنگی

جک ما (Jack Ma) : بنیان‌گذار علی‌بابا

جک ما یکی از شناخته‌شده‌ترین کارآفرینان چینی است که در سال ۱۹۹۹ شرکت **علی‌بابا** را تأسیس کرد. این شرکت با هدف ایجاد یک بازار آنلاین برای تجارت بین‌المللی راه‌اندازی شد و به سرعت یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های تجارت الکترونیک جهان تبدیل شد. جک ما که پیش از راه‌اندازی علی‌بابا معلم زبان انگلیسی بود، در ابتدا با چالش‌های زیادی روبرو شد. او از مراحل اولیه توسعه شرکت با مشکلات مالی و دسترسی به سرمایه‌گذارها مواجه بود، اما با تلاش و نوآوری‌های خود، توانست الگویی موفق در صنعت فناوری و تجارت الکترونیک ایجاد کند. جک ما علاوه بر موفقیت‌های اقتصادی، یک نماد فرهنگی در چین نیز به شمار می‌رود. او همواره بر اهمیت نوآوری، کارآفرینی و آموزش تأکید کرده و در سخنرانی‌های خود به ارزش‌های انسانی و اجتماعی اشاره کرده است. علی‌بابا تحت رهبری او در سال ۲۰۱۴ به بزرگ‌ترین عرضه اولیه سهام (IPO) تاریخ تبدیل شد، که این اتفاق نقطه عطفی در تاریخ فناوری چین بود.

ریچارد لیو (Richard Liu) : بنیان‌گذار JD.com

ریچارد لیو، بنیان‌گذار JD.com، یکی دیگر از نوآوران برجسته چین است. JD.com که در ابتدا به عنوان یک فروشگاه آنلاین در زمینه الکترونیک راه‌اندازی شد، به یکی از بزرگ‌ترین و معتبرترین پلتفرم‌های تجارت الکترونیک چین تبدیل شده است. لیو که در گذشته با مشکلات اقتصادی و خانوادگی زیادی روبرو بود، از تجربیات شخصی خود برای راه‌اندازی این شرکت استفاده کرد و به مرور آن را به یکی از رقبای اصلی علی‌بابا تبدیل کرد. لیو علاوه بر تمرکز بر تجارت الکترونیک، بر نوآوری‌های لجستیک و تکنولوژی‌های نوین نیز تأکید کرده است. JD.com یکی از پیشگامان استفاده از **روبات‌ها و هوش مصنوعی** در خدمات حمل‌ونقل و انبارداری است. این نوآوری‌ها موجب افزایش بهره‌وری و کاهش هزینه‌ها شده و JD.com را در رقابت‌های جهانی به یک برند معتبر تبدیل کرده است.

پنگ لیو (Pony Ma) : بنیان‌گذار Tencent

پنگ لیو، یا Pony Ma، یکی از نوآوران بزرگ چین است که در سال ۱۹۹۸ شرکت Tencent را تأسیس کرد. این شرکت در ابتدا با ارائه پیام‌رسانی آنلاین (QQ) شروع به کار کرد، اما به سرعت دامنه فعالیت‌های خود را گسترش داد و اکنون یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های فناوری در جهان است. Tencent به عنوان یک غول فناوری، در زمینه‌های مختلفی از جمله بازی‌های ویدئویی، خدمات مالی آنلاین، و حتی خدمات پزشکی و سلامت دیجیتال فعال است.

پنگ لیو توانست Tencent را به یکی از بزرگ‌ترین و متنوع‌ترین شرکت‌های فناوری در جهان تبدیل کند. یکی از موفق‌ترین دستاوردهای Tencent در زمینه بازی‌های آنلاین است که بازی‌هایی مانند Honor of Kings و PUBG Mobile را به محبوب‌ترین بازی‌ها در جهان تبدیل کرده است. این شرکت همچنین صاحب پلتفرم WeChat است، که یکی از محبوب‌ترین برنامه‌های پیام‌رسان در چین و بسیاری از کشورها است.

دفتر پنجم: بررسی ساختار اجتماعی و فرهنگی

یوان لی (Yuan Li): مبتکر در حوزه باتری‌های لیتیوم-یونی

یوان لی یکی از نوآوران چینی است که در زمینه فناوری باتری‌های لیتیوم-یونی پیشرفت‌های چشمگیری داشته است. او بنیان‌گذار BYD (Build Your Dreams) است، شرکتی که ابتدا با تولید باتری‌های لیتیوم-یونی شروع کرد و بعدها به یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان خودروهای برقی و انرژی‌های تجدیدپذیر در جهان تبدیل شد. یوان لی توانسته است با استفاده از فناوری‌های نوین، نیاز به سوخت‌های فسیلی را در صنعت خودروسازی کاهش دهد و در عرصه جهانی رقابت کند.

BYD در حال حاضر یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان خودروهای برقی در جهان است و به ویژه در چین، بازار بزرگی را در اختیار دارد. این شرکت همچنین در زمینه انرژی‌های تجدیدپذیر، از جمله تولید پنل‌های خورشیدی، فعالیت می‌کند و به نوآوری‌های زیست‌محیطی اهمیت زیادی می‌دهد.

نوا لیو (Nova Liu): کارآفرین در زمینه هوش مصنوعی و سلامت دیجیتال

نوا لیو یکی از نوآوران جدید چین است که در زمینه هوش مصنوعی و سلامت دیجیتال فعالیت می‌کند. او بنیان‌گذار شرکت SenseTime است، که یکی از پیشگامان فناوری تشخیص چهره و تحلیل داده‌های تصویری است. SenseTime با استفاده از فناوری‌های مبتنی بر هوش مصنوعی، محصولات مختلفی را برای صنایع مختلف از جمله امنیت، مراقبت‌های بهداشتی و تبلیغات دیجیتال توسعه داده است.

SenseTime در حال حاضر یکی از ارزشمندترین استارت‌آپ‌های فناوری در چین است و به سرعت در حال گسترش فعالیت‌های خود به خارج از چین نیز می‌باشد. این شرکت توانسته است با استفاده از فناوری‌های نوین، تأثیرات بزرگی بر صنایع مختلف داشته باشد و برای آینده فناوری چین اهمیت ویژه‌ای قائل است.

نوآوران معاصر چین با تلاش‌های خود نه تنها اقتصاد چین را به سطح جهانی ارتقاء داده‌اند بلکه نقشی برجسته در شکل‌دهی به آینده فناوری و تجارت در سطح جهانی ایفا کرده‌اند. از جک ما و علی بابا گرفته تا ریچارد لیو و JD.com، این نوآوران به دلیل کارآفرینی، نوآوری و توسعه فناوری‌های پیشرفته، توانسته‌اند چین را به یکی از پیشگامان جهانی در صنعت‌های مختلف تبدیل کنند. زندگی‌نامه و داستان‌های این افراد نه تنها الگویی برای کارآفرینان چینی است، بلکه برای همه کسانی که به دنبال دستیابی به موفقیت در دنیای دیجیتال و فناوری هستند، الهام‌بخش می‌باشد.^{۲۷}

ضمائم و منابع

ضمائم و منابع:

۱. شرح مختصری از برنامه های ۵ ساله چین از زمان مائو تا به حال

• برنامه پنج ساله اول (۱۹۵۳-۱۹۵۷): توسعه صنایع سنگین.

دبیر کل حزب: مائو تسه تونگ، رئیس جمهور: مائو تسه تونگ، نخست وزیر: ژو انلای
چین اولین برنامه پنج ساله خود را در سال ۱۹۵۳ راه اندازی کرد، که هدف اصلی آن افزایش سریع تولیدات صنعتی، به ویژه در بخش صنایع سنگین، بود. این برنامه به طور عمده تحت تأثیر متدولوژی های شوروی و با همکاری کارشناسان شوروی تدوین شد. مائو تسه تونگ و دولت او بر این باور بودند که برای دستیابی به یک تحول سوسیالیستی، نیاز به یک پایه صنعتی قوی وجود دارد. در این راستا، برنامه پنج ساله بر ایجاد صنایع جدید و توسعه زیرساخت های ضروری تمرکز داشت و به کشاورزی به عنوان منبع تأمین غذا برای جمعیت شهری و حمایت از رشد صنعتی نگاه می کرد. در این دوره، شمال شرق چین بیشترین سهم از منابع دولتی را دریافت کرد و به عنوان مرکز توسعه صنعتی شناخته شد.

در طول این برنامه، دولت کنترل بیشتری بر صنایع خصوصی اعمال کرد و بسیاری از این صنایع را به مالکیت دولتی درآورد یا به شرکت های مختلط عمومی و خصوصی تبدیل کرد. تا سال ۱۹۵۶، حدود ۶۷٫۵ درصد از تمام صنایع مدرن به دولت تعلق داشتند. همچنین، کشاورزی تحت تغییرات سازمانی گسترده ای قرار گرفت؛ زمین های مالکان بزرگ مصادره و بین کشاورزان فقیر توزیع شد. در نتیجه، کشاورزان تشویق شدند تا جمعیت های اجتماعی بزرگتری تشکیل دهند تا کارایی را افزایش دهند. این اصلاحات باعث شد که تا سال ۱۹۵۷، حدود ۹۳٫۵ درصد از خانوارهای کشاورزی به تعاونی ها بپیوندند.

برنامه پنج ساله اول چین موفقیت های قابل توجهی در افزایش رشد اقتصادی کشور و گسترش صنایع کلیدی مانند تولید آهن، فولاد و زغال سنگ داشت. تولید صنعتی در این دوره با نرخ متوسط سالانه ۱۹ درصد افزایش یافت و این موفقیت زمینه را برای برنامه های توسعه اقتصادی بعدی فراهم کرد. همچنین، این برنامه آغازگر تغییرات اجتماعی و اقتصادی عمیق تری بود که چین را به سمت سوسیالیسم سوق می داد و پایه های جمهوری خلق چین را مستحکم تر می کرد.

• برنامه پنج ساله دوم (۱۹۶۲-۱۹۵۸): جهش بزرگ - صنعتی شدن سریع و جمع گرایی.

دبیر کل حزب: مائو تسه تونگ، رئیس جمهور: مائو تسه تونگ، نخست وزیر: ژو انلای
برنامه پنج ساله دوم چین، که به "جهش بزرگ به جلو" معروف است، در سال ۱۹۵۸ آغاز شد و تا ۱۹۶۲ ادامه داشت. هدف اصلی این کمپین بلندپروازانه، تبدیل سریع چین از یک جامعه کشاورزی به یک کشور صنعتی بود و هدف آن افزایش قابل توجه تولیدات کشاورزی و صنعتی بود. مائو تسه تونگ، با الهام از آرزوی پیشی گرفتن بر قدرت های صنعتی غربی، به ویژه بریتانیا، تلاش کرد تا مدلی از صنعتی سازی مبتنی بر کار جمعی را پیاده سازی کند که به شدت به بسیج توده ها وابسته بود و نه به سرمایه گذاری یا ماشین آلات سنگین. این رویکرد شامل

تأسیس کمون‌های روستایی بزرگ و کوره‌های فولاد خانگی در روستاها بود که در آن کشاورزان تشویق می‌شدند تا در کنار فعالیت‌های کشاورزی خود، فولاد تولید کنند.

جهش بزرگ به جلو تغییرات رادیکالی را در شیوه‌های کشاورزی معرفی کرد که شامل جمع‌سازی اجباری بود و کشاورزان را از مالکیت خصوصی زمین محروم کرد و آن‌ها را مجبور به پیوستن به کمون‌های جمعی کرد. این تغییر هدفش حداکثر کردن تولید کشاورزی از طریق اشتراک منابع و کار بود؛ اما منجر به مقاومت گسترده‌ای در میان جمعیت‌های روستایی شد. دولت ایده‌ای را ترویج می‌کرد که بر اساس آن کار انسانی می‌تواند جایگزین ماشین‌آلات شود، که منجر به تعیین اهداف تولید غیرواقعی شد که اغلب بزرگ‌نمایی یا نادرست گزارش می‌شدند. در حالی که پروژه‌های اولیه شامل توسعه زیرساخت‌هایی مانند تأسیسات آبی و سیستم‌های آبیاری بودند، بسیاری از این تلاش‌ها به دلیل برنامه‌ریزی و اجرای ضعیف ناکارآمد و هدررفت منابع شدند. تا سال ۱۹۵۹، این کمپین با چالش‌های جدی مواجه شد زیرا تولید غذا به دلیل انحراف نیروی کار از کشاورزی به پروژه‌های صنعتی کاهش یافت.

عواقب جهش بزرگ به جلو فاجعه‌بار بود و منجر به یکی از مرگبارترین قحطی‌ها در تاریخ شد. از سال ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۲، تخمین زده می‌شود که بین ۳۰ تا ۴۵ میلیون نفر بر اثر گرسنگی و علل مرتبط جان خود را از دست دادند. سیاست‌هایی که در این دوره اجرا شد نه تنها تولیدات کشاورزی را ویران کرد بلکه سیستم تأمین غذایی کشور را نیز تحت فشار قرار داد. شکست جهش بزرگ به جلو باعث بازنگری در استراتژی‌های اقتصادی درون حزب کمونیست چین شد و منجر به تغییر سیاست‌ها به سمت رویکردهای عملی‌تر تحت رهبری‌هایی مانند لیوشاچی و دنگ شیائوپینگ گردید. در نهایت، هرچند که جهش بزرگ به جلو با هدف پیشبرد چین به سوی مدرنیته و خودکفایی طراحی شده بود، اما نتیجه آن آشفتگی‌های اجتماعی و اقتصادی عمیقی بود که زخم‌های ماندگاری بر روی ملت گذاشت.

• برنامه پنج‌ساله سوم (۱۹۷۰-۱۹۶۶): پیشرفت فناوری.

دبیر کل حزب: مائو تسه‌تونگ، رئیس‌جمهور: لیوشاچی (تا ۱۹۶۶)، نخست‌وزیر: ژو انلای

برنامه پنج‌ساله سوم چین، که از سال ۱۹۶۶ تا ۱۹۷۰ ادامه داشت، یک ابتکار مهم بود که با هدف پیشرفت فناوری و تقویت اقتصاد ملی پس از مشکلات ناشی از جهش بزرگ به جلو طراحی شد. این برنامه در زمینه انقلاب فرهنگی تأسیس شد و به دنبال آن بود که بی‌نظمی‌های ناشی از سیاست‌های قبلی را برطرف کند و رویکردی متعادل‌تر به توسعه ایجاد کند. اهداف اصلی این برنامه شامل ایجاد یک سیستم صنعتی خودکفا، مدرن‌سازی کشاورزی و تقویت قابلیت‌های دفاع ملی بود. با تأکید بر پیشرفت فناوری، این برنامه به دنبال ترویج نوآوری در بخش‌های مختلف، از جمله صنعت و کشاورزی، و همچنین اولویت‌بندی توسعه کالاهای مصرفی برای بهبود سطح زندگی مردم بود. برای دستیابی به این اهداف، برنامه پنج‌ساله سوم چندین برنامه کلیدی را با تمرکز بر توسعه فناوری و بهبود زیرساخت‌ها اجرا کرد. این برنامه خواستار سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی در صنایع سنگین و بخش‌های دفاع ملی بود که بازتاب‌دهنده تغییر اولویت‌ها به دلیل تنش‌های ژئوپولیتیکی، به‌ویژه پس از حوادثی مانند حادثه خلیج

تونکین بود. دولت به دنبال افزایش ظرفیت تولید در زغال سنگ، فولاد، برق و سایر کالاهای اساسی بود و همچنین شبکه‌های حمل و نقل را تقویت می‌کرد. علاوه بر این، برنامه تأکید زیادی بر آموزش و پرورش در زمینه علم و فناوری داشت تا نیروی کار ماهر لازم برای حمایت از این اهداف صنعتی بلندپروازانه را پرورش دهد. این تمرکز بر پیشرفت فناوری به منظور تسهیل خودکفایی و کاهش وابستگی به تخصص خارجی طراحی شده بود.

با وجود چالش‌هایی که در حین اجرای آن مواجه شد، برنامه پنج‌ساله سوم موفقیت‌های قابل توجهی در افزایش تولید صنعتی و بهبود بهره‌وری کشاورزی به دست آورد. گزارش‌ها نشان می‌دهند که بسیاری از اهداف تولید فراتر رفتند و افزایش قابل توجهی در تولید زغال سنگ، فولاد و تولید برق مشاهده شد. نرخ رشد سالانه متوسط تولید صنعتی به حدود ۱۲٫۵ درصد رسید که نشان‌دهنده اثربخشی این برنامه در احیای اقتصاد چین بود. با این حال، هرچند که در سطوح تولید پیشرفت‌هایی حاصل شد، تأکید بیش از حد بر توسعه سریع همچنان چالش‌هایی برای رشد پایدار بلندمدت ایجاد کرد. در نهایت، برنامه پنج‌ساله سوم زمینه‌های مهمی را برای اصلاحات اقتصادی آینده فراهم کرد و ضرورت تعادل بین پیشرفت فناوری و ملاحظات عملی را در مسیر توسعه مداوم چین برجسته ساخت.

• برنامه پنج‌ساله چهارم (۱۹۷۵-۱۹۷۱): تثبیت اقتصادی پس از جهش بزرگ.

دبیر کل حزب: مائو تسه‌تونگ، رئیس‌جمهور: ژو آن‌لای (سرپرست)، نخست وزیر: ژو آن‌لای
برنامه پنج‌ساله چهارم چین، که از سال ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۵ ادامه داشت، به منظور تثبیت اقتصادی پس از بحران‌های ناشی از جهش بزرگ به جلو طراحی شد. این برنامه به دنبال بازسازی و بهبود شرایط اقتصادی کشور بود و هدف اصلی آن ایجاد ثبات در تولیدات صنعتی و کشاورزی و همچنین تقویت خودکفایی اقتصادی بود. پس از تجربه‌های سخت و قحطی‌های ناشی از سیاست‌های گذشته، دولت چین تلاش کرد تا با تمرکز بر توسعه پایدار و استفاده بهینه از منابع داخلی، بهبود شرایط زندگی مردم را فراهم کند. این برنامه همچنین بر اهمیت توسعه فناوری و نوآوری تأکید داشت تا چین بتواند به طور مستقل در مسیر رشد و پیشرفت قرار گیرد.

در راستای اهداف برنامه پنج‌ساله چهارم، دولت چین چندین برنامه کلیدی را اجرا کرد که شامل تقویت صنایع سبک و متوسط، توسعه زیرساخت‌ها و افزایش تولیدات کشاورزی می‌شد. این برنامه همچنین بر تمرکززدایی تأکید داشت که به استان‌ها و مناطق محلی اجازه می‌داد تا در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی بیشتر مشارکت داشته باشند. دولت همچنین تلاش کرد تا با تشویق سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی، رشد اقتصادی را تسریع کند. در این دوره، توجه ویژه‌ای به تولید کالاهای مصرفی و بهبود سطح زندگی مردم معطوف شد، که نشان‌دهنده تغییر رویکرد دولت نسبت به نیازهای اجتماعی بود.

نتایج برنامه پنج‌ساله چهارم نشان‌دهنده موفقیت‌هایی در زمینه تثبیت اقتصادی و افزایش تولیدات بود. در این دوره، تولیدات صنعتی به طور قابل توجهی افزایش یافت و رشد اقتصادی سالانه به حدود ۶ درصد رسید. همچنین، با توجه به تمرکز بر کشاورزی، تولیدات غذایی نیز بهبود یافت و دولت توانست با کاهش وابستگی به واردات غذا، خودکفایی بیشتری را در این زمینه ایجاد کند. این برنامه نه تنها به بازسازی اقتصاد چین کمک کرد بلکه پایه‌های

لازم برای اصلاحات اقتصادی آینده را نیز فراهم آورد و نشان داد که چین می‌تواند با استفاده از منابع داخلی خود، مسیر توسعه پایدار را دنبال کند.

• برنامه پنج‌ساله پنجم (۱۹۷۶-۱۹۸۰): تمرکز بر نوسازی و بازسازی اقتصادی.

دبیر کل حزب: هوا گووونگ، رئیس‌جمهور: هوا گووونگ، نخست‌وزیر: دنگ شیاپینگ (غیررسمی)

برنامه پنج‌ساله پنجم چین، که از سال ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۰ اجرا شد، به‌منظور تمرکز بر مدرنیزاسیون و بهبود اقتصادی پس از بحران‌های ناشی از جهش بزرگ به جلو و انقلاب فرهنگی طراحی شد. این برنامه در شرایطی آغاز شد که چین به دنبال بازسازی و احیای اقتصاد خود بود و هدف اصلی آن ایجاد ثبات اقتصادی و اجتماعی، افزایش تولیدات صنعتی و کشاورزی و ارتقاء سطح زندگی مردم بود. در این دوره، دولت چین تلاش کرد تا با استفاده از فناوری‌های جدید و بهبود زیرساخت‌ها، روند مدرنیزاسیون را تسریع کند و به دنبال خودکفایی اقتصادی باشد.

برای دستیابی به اهداف برنامه پنج‌ساله پنجم، دولت چین چندین برنامه کلیدی را اجرا کرد که شامل سرمایه‌گذاری در صنایع سبک و متوسط، تقویت کشاورزی و توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل می‌شد. این برنامه همچنین بر اهمیت آموزش و پرورش در زمینه علم و فناوری تأکید داشت تا نیروی کار ماهر لازم برای پشتیبانی از توسعه صنعتی را پرورش دهد. دولت همچنین تلاش کرد تا با تشویق همکاری‌های بین‌المللی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی، بهبود شرایط اقتصادی را تسریع کند. این رویکرد نشان‌دهنده تغییر در سیاست‌های اقتصادی چین بود که به سمت باز شدن بیشتر به جهان خارج حرکت می‌کرد.

نتایج برنامه پنج‌ساله پنجم نشان‌دهنده موفقیت‌هایی در زمینه افزایش تولیدات صنعتی و بهبود شرایط اقتصادی بود. در این دوره، تولیدات صنعتی با نرخ رشد قابل توجهی افزایش یافت و بسیاری از اهداف تعیین شده در برنامه محقق شد. همچنین، با توجه به تمرکز بر کشاورزی، تولیدات غذایی نیز بهبود یافت و دولت توانست با کاهش وابستگی به واردات غذا، خودکفایی بیشتری را در این زمینه ایجاد کند. این برنامه نه تنها به بازسازی اقتصاد چین کمک کرد بلکه پایه‌های لازم برای اصلاحات اقتصادی آینده را فراهم آورد و نشان داد که چین می‌تواند با استفاده از منابع داخلی خود، مسیر توسعه پایدار را دنبال کند.

• برنامه پنج‌ساله ششم (۱۹۸۱-۱۹۸۵): تأکید بر اصلاحات اقتصادی و گشایش.

دبیر کل حزب: هو یابانگ، رئیس‌جمهور: لی شیانیان، نخست‌وزیر: ژائو زیانگ

برنامه پنج‌ساله ششم چین، که از سال ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۵ اجرا شد، به‌عنوان یک نقطه عطف در تاریخ اقتصادی این کشور شناخته می‌شود و بر اصلاحات اقتصادی و باز شدن به سمت جهان خارج تأکید داشت. این برنامه پس از مرگ مائو تسه‌تونگ در سال ۱۹۷۶ و در شرایطی که چین به دنبال بازسازی و احیای اقتصاد خود بود، طراحی شد. هدف اصلی این برنامه ایجاد یک مسیر پایدار برای توسعه اقتصادی و اجتماعی بود، با تأکید بر مدرنیزاسیون صنایع، بهبود کشاورزی و افزایش تولید کالاهای مصرفی. این برنامه همچنین به دنبال تقویت روابط اقتصادی با کشورهای خارجی و جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی بود.

برای دستیابی به اهداف برنامه پنج‌ساله ششم، دولت چین چندین برنامه کلیدی را اجرا کرد که شامل توسعه صنایع سبک و متوسط، ارتقاء فناوری و نوآوری، و بهبود زیرساخت‌ها می‌شد. این برنامه همچنین بر اهمیت آموزش نیروی کار و پرورش مهارت‌های فنی تأکید داشت تا نیروی کار ماهر لازم برای حمایت از توسعه صنعتی را فراهم کند. یکی از ویژگی‌های بارز این برنامه، تمرکز بر کشاورزی و تلاش برای افزایش تولیدات غذایی بود که به‌منظور تأمین نیازهای جمعیت در حال رشد طراحی شده بود. همچنین، دولت چین سیاست‌هایی را برای تشویق بخش خصوصی و سرمایه‌گذاری خارجی به اجرا گذاشت تا رشد اقتصادی را تسریع کند.

نتایج برنامه پنج‌ساله ششم نشان‌دهنده موفقیت‌هایی در زمینه رشد اقتصادی و بهبود سطح زندگی مردم بود. تولیدات صنعتی با نرخ رشد قابل توجهی افزایش یافت و بسیاری از اهداف تعیین شده در برنامه محقق شد. همچنین، با توجه به تمرکز بر کشاورزی، تولیدات غذایی نیز بهبود یافت و دولت توانست با کاهش وابستگی به واردات غذا، خودکفایی بیشتری را در این زمینه ایجاد کند. این برنامه نه تنها به بازسازی اقتصاد چین کمک کرد بلکه پایه‌های لازم برای اصلاحات اقتصادی آینده را فراهم آورد و نشان داد که چین می‌تواند با استفاده از منابع داخلی خود و همکاری با کشورهای خارجی، مسیر توسعه پایدار را دنبال کند.

• برنامه پنج‌ساله هفتم (۱۹۹۰-۱۹۸۶): تمرکز بر اصلاحات مبتنی بر بازار.

دبیر کل حزب: ژائو زیانگ، رئیس‌جمهور: یانگ شانگون، نخست‌وزیر: لی پنگ
برنامه پنج‌ساله هفتم چین، که از سال ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۰ اجرا شد، به‌عنوان یک مرحله کلیدی در فرآیند اصلاحات اقتصادی و تأکید بر بازار در تاریخ چین شناخته می‌شود. این برنامه در شرایطی آغاز شد که چین به‌دنبال تسریع روند انتقال از یک اقتصاد برنامه‌ریزی‌شده به یک اقتصاد مبتنی بر بازار بود. هدف اصلی این برنامه ایجاد یک سیستم اقتصادی کارآمدتر و رقابتی‌تر با تمرکز بر افزایش تولید، بهبود کیفیت کالاها و خدمات، و جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی بود. این رویکرد نشان‌دهنده تغییر در سیاست‌های اقتصادی چین بود که به سمت باز شدن بیشتر به جهان خارج و کاهش کنترل دولت بر اقتصاد حرکت می‌کرد.

برای دستیابی به اهداف برنامه پنج‌ساله هفتم، دولت چین چندین برنامه کلیدی را اجرا کرد که شامل اصلاحات در بخش‌های مختلف اقتصادی، از جمله کشاورزی، صنعت و خدمات بود. یکی از ویژگی‌های بارز این برنامه، تأکید بر خصوصی‌سازی و کاهش نقش دولت در اقتصاد بود. دولت همچنین تلاش کرد تا با تشویق سرمایه‌گذاری‌های خارجی و ایجاد مناطق ویژه اقتصادی، رشد اقتصادی را تسریع کند. این اقدامات شامل کاهش محدودیت‌ها برای کسب‌وکارهای خصوصی و افزایش آزادی عمل برای شرکت‌ها بود. همچنین، اصلاحات قیمت‌ها و ایجاد سیستم قیمت‌گذاری دوگانه به‌منظور تسهیل انتقال به بازار آزاد انجام شد.

نتایج برنامه پنج‌ساله هفتم نشان‌دهنده موفقیت‌هایی در زمینه رشد اقتصادی و افزایش تولیدات بود. تولیدات صنعتی با نرخ رشد قابل توجهی افزایش یافت و بسیاری از اهداف تعیین شده در برنامه محقق شد. همچنین، با توجه به تمرکز بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی، چین توانست روابط تجاری خود را با کشورهای دیگر تقویت کند و به یکی از مقاصد اصلی سرمایه‌گذاری جهانی تبدیل شود. این برنامه نه تنها به تسریع روند اصلاحات اقتصادی

کمک کرد بلکه پایه‌های لازم برای ورود چین به بازار جهانی را فراهم آورد و نشان داد که چین می‌تواند با استفاده از منابع داخلی خود و همکاری با کشورهای خارجی، مسیر توسعه پایدار را دنبال کند.

• برنامه پنج‌ساله هشتم (۱۹۹۵-۱۹۹۱) : ادامه لیبرالیسم اقتصادی.

دبیر کل حزب و رئیس‌جمهور: جیانگ زمین، نخست وزیر: لی پنگ
برنامه پنج‌ساله هشتم چین، که از سال ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۵ اجرا شد، به‌عنوان یک مرحله مهم در فرآیند اصلاحات اقتصادی و ادامه سیاست‌های لیبرالیسم اقتصادی شناخته می‌شود. این برنامه در شرایطی آغاز شد که چین به دنبال تقویت رشد اقتصادی و بهبود استانداردهای زندگی مردم بود. هدف اصلی این برنامه، بهبود ساختار اقتصادی و افزایش کارایی سیستم اقتصادی با تأکید بر بازار و کاهش کنترل دولت بر اقتصاد بود. در این دوره، مفهوم "اقتصاد بازار سوسیالیستی" که توسط دنگ شیائوپینگ معرفی شده بود، به‌طور جدی در سیاست‌های اقتصادی چین مورد توجه قرار گرفت.

برای دستیابی به اهداف برنامه پنج‌ساله هشتم، دولت چین چندین برنامه کلیدی را اجرا کرد که شامل اصلاحات در بخش‌های مختلف اقتصادی، از جمله کشاورزی، صنعت و خدمات بود. این برنامه بر اهمیت جذب سرمایه‌گذاری خارجی و توسعه تجارت بین‌المللی تأکید داشت و تلاش کرد تا با ایجاد مناطق ویژه اقتصادی و کاهش محدودیت‌ها برای کسب‌وکارها، زمینه را برای رشد بخش خصوصی فراهم کند. همچنین، دولت به تقویت زیرساخت‌ها و توسعه فناوری‌های نوین توجه ویژه‌ای داشت تا بتواند رقابت‌پذیری چین را در بازار جهانی افزایش دهد.
نتایج برنامه پنج‌ساله هشتم نشان‌دهنده موفقیت‌هایی در زمینه رشد اقتصادی و افزایش تولیدات صنعتی بود. تولید ناخالص داخلی (GDP) چین در این دوره به طور قابل توجهی افزایش یافت و نرخ رشد اقتصادی به حدود ۱۰ درصد رسید. همچنین، با توجه به تمرکز بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی، چین توانست روابط تجاری خود را با کشورهای دیگر تقویت کند و به یکی از مقاصد اصلی سرمایه‌گذاری جهانی تبدیل شود. این برنامه نه تنها به تسریع روند اصلاحات اقتصادی کمک کرد بلکه پایه‌های لازم برای ورود چین به بازار جهانی را فراهم آورد و نشان داد که چین می‌تواند با استفاده از منابع داخلی خود و همکاری با کشورهای خارجی، مسیر توسعه پایدار را دنبال کند.

• برنامه پنج‌ساله نهم (۲۰۰۰-۱۹۹۶) : نوآوری فناوری و توسعه زیرساخت‌ها.

دبیر کل حزب و رئیس‌جمهور: جیانگ زمین، نخست وزیر: ژو رونگی
برنامه پنج‌ساله نهم چین، که از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۰ اجرا شد، به‌عنوان یک مرحله کلیدی در توسعه فناوری و زیرساخت‌ها شناخته می‌شود. این برنامه به دنبال بهبود و تقویت پایه‌های اقتصادی و اجتماعی کشور بود و هدف اصلی آن ارتقاء نوآوری‌های فناوری و توسعه زیرساخت‌های حیاتی برای حمایت از رشد اقتصادی پایدار بود. با توجه به نیازهای روزافزون جامعه و اقتصاد چین، این برنامه بر اهمیت ایجاد یک سیستم اقتصادی مدرن و کارآمد تأکید داشت که بتواند با چالش‌های جهانی مقابله کند.

برای دستیابی به اهداف برنامه پنج‌ساله نهم، دولت چین چندین برنامه کلیدی را اجرا کرد که شامل سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه فناوری‌های پیشرفته، بهبود زیرساخت‌های حمل‌ونقل و انرژی، و تقویت صنایع استراتژیک بود. یکی از برنامه‌های مهم در این دوره، برنامه تحقیق و توسعه فناوری‌های پیشرفته (برنامه ۸۶۳) بود که به‌منظور دستیابی به پیشرفت‌های علمی و فناوری در زمینه‌هایی مانند بیوتکنولوژی، اطلاعات، انرژی و مواد جدید طراحی شده بود. همچنین، دولت تلاش کرد تا با جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و همکاری با شرکت‌های بین‌المللی، شرایط را برای نوآوری و توسعه فناوری در چین فراهم کند.

نتایج برنامه پنج‌ساله نهم نشان‌دهنده موفقیت‌هایی در زمینه نوآوری‌های فناوری و بهبود زیرساخت‌ها بود. در این دوره، چین توانست پیشرفت‌های قابل توجهی در صنایع مختلف از جمله ماشین‌آلات، فولاد، حمل‌ونقل ریلی و خودروسازی داشته باشد. همچنین، تولیدات کشاورزی با استفاده از فناوری‌های جدید افزایش یافت و پروژه‌های مختلفی برای توسعه کشاورزی صنعتی راه‌اندازی شد. مجموعاً، این برنامه نه تنها به تقویت پایه‌های اقتصادی چین کمک کرد بلکه زمینه را برای ورود این کشور به مرحله جدیدی از توسعه پایدار فراهم آورد و نشان داد که چین می‌تواند با استفاده از منابع داخلی و همکاری‌های بین‌المللی، به سمت مدرنیزاسیون حرکت کند.

• برنامه پنج‌ساله دهم (۲۰۰۵-۲۰۱۰): توسعه پایدار و هماهنگی اجتماعی.

دبیر کل حزب و رئیس‌جمهور: هو جینتاو، نخست‌وزیر: ون جیابائو
برنامه پنج‌ساله دهم چین، که از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۵ اجرا شد، به‌عنوان یک مرحله کلیدی در تأکید بر توسعه پایدار و هماهنگی اجتماعی شناخته می‌شود. این برنامه در شرایطی آغاز شد که چین به‌دنبال تقویت رشد اقتصادی و بهبود کیفیت زندگی مردم بود. هدف اصلی این برنامه ایجاد یک تعادل بین رشد اقتصادی و حفاظت از محیط زیست بود و به‌منظور دستیابی به توسعه پایدار، بر اهمیت حفظ منابع طبیعی و بهبود شرایط اجتماعی تأکید داشت. در این دوره، دولت چین تلاش کرد تا با اجرای سیاست‌های مناسب، به‌ویژه در زمینه انرژی‌های تجدیدپذیر و حفاظت از محیط زیست، به اهداف توسعه پایدار دست یابد.

برای دستیابی به اهداف برنامه پنج‌ساله دهم، دولت چندین برنامه کلیدی را اجرا کرد که شامل سرمایه‌گذاری در پروژه‌های زیربنایی، توسعه فناوری‌های پاک و انرژی‌های تجدیدپذیر بود. این برنامه همچنین بر اهمیت افزایش سطح زندگی مردم و بهبود شرایط اجتماعی تأکید داشت. دولت چین تلاش کرد تا با ایجاد فرصت‌های شغلی جدید و ارتقاء آموزش و پرورش، کیفیت زندگی مردم را بهبود بخشد. همچنین، توجه ویژه‌ای به مسائل زیست‌محیطی و کاهش آلودگی‌ها معطوف شد تا بتواند تأثیرات منفی رشد اقتصادی را کاهش دهد.

نتایج برنامه پنج‌ساله دهم نشان‌دهنده موفقیت‌هایی در زمینه توسعه پایدار و هماهنگی اجتماعی بود. در این دوره، چین توانست با افزایش تولید انرژی‌های تجدیدپذیر، کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی و ارتقاء کیفیت زندگی مردم، پیشرفت‌های قابل توجهی داشته باشد. همچنین، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و پروژه‌های زیست‌محیطی موجب شد که کشور بتواند به اهداف خود در زمینه حفاظت از محیط زیست دست یابد. این برنامه نه تنها به

تقویت پایه‌های اقتصادی چین کمک کرد بلکه نشان داد که این کشور می‌تواند با استفاده از منابع داخلی و همکاری‌های بین‌المللی، مسیر توسعه پایدار را دنبال کند.

• برنامه پنج‌ساله یازدهم (۲۰۱۰-۲۰۰۶): رشد مبتنی بر نوآوری.

دبیر کل حزب و رئیس‌جمهور: هو جینتاو، نخست وزیر: ون جیابائو

برنامه پنج‌ساله یازدهم چین که در سال ۲۰۰۶ آغاز شد، به منظور ارتقاء توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور طراحی شده بود و یک تغییر اساسی در استراتژی توسعه چین را نشان می‌داد. این برنامه بر روی رشد مبتنی بر نوآوری تأکید داشت و هدف آن انتقال از تولیدات انرژی بر به سمت بخش‌های با ارزش افزوده بالا بود. برنامه همچنین اهداف مشخصی در زمینه‌های مختلف، از جمله حفاظت از محیط زیست و مدیریت منابع، تعیین کرد که به عنوان شاخص‌های عملکرد برای حکومت‌های محلی مورد استفاده قرار می‌گرفت. یکی از نکات کلیدی این برنامه افزایش هزینه‌های تحقیق و توسعه (R&D) از ۱,۳٪ به ۲٪ از تولید ناخالص داخلی تا سال ۲۰۱۰ بود. اهداف برنامه پنج‌ساله یازدهم بسیار بلندپروازانه بود و هدف‌گذاری رشد سالانه تولید ناخالص داخلی (GDP) به میزان ۷,۵٪ را شامل می‌شد. همچنین هدف داشت که سهم بخش خدمات از GDP افزایش یابد و نرخ شهری‌سازی بهبود یابد. علاوه بر این، برنامه اهداف زیست‌محیطی مانند کاهش مصرف انرژی به ازای هر واحد تولید ناخالص داخلی به میزان ۲۰٪ به بهبود کارایی مصرف آب در کشاورزی را تعیین کرد. چشم‌انداز کلی این برنامه ایجاد یک "جامعه سوسیالیستی هماهنگ" از طریق اصول توسعه علمی بود که تعادل بین رشد اقتصادی، عدالت اجتماعی و پایداری محیط زیست را برقرار کند.

در طول اجرای این برنامه، برنامه پنج‌ساله یازدهم موفقیت‌های قابل توجهی را با وجود چالش‌هایی مانند بحران مالی جهانی به دست آورد. در سال اول، نرخ رشد به ۹,۳٪ رسید، هرچند که این نرخ در سال‌های بعدی به دلیل فشارهای اقتصادی خارجی کاهش یافت. تا پایان دوره برنامه، چین پیشرفت‌های قابل توجهی در زمینه شهری‌سازی، آموزش و سلامت عمومی داشته و میلیون‌ها نفر از فقر رهایی یافته‌اند. تمرکز بر نوآوری منجر به پیشرفت‌هایی در انتقال فناوری و صنایع کم‌کربن، به ویژه در بخش انرژی‌های تجدیدپذیر مانند انرژی بادی و خورشیدی شد که با روندهای جهانی به سمت توسعه پایدار همسو بود.

• برنامه پنج‌ساله دوازدهم (۲۰۱۵-۲۰۱۱): رشد مبتنی بر نوآوری.

دبیر کل حزب و رئیس‌جمهور: شی جینپینگ، نخست وزیر: ون جیابائو (تا ۲۰۱۳)، سپس لی کچیانگ

برنامه پنج‌ساله دوازدهم چین که در مارس ۲۰۱۱ به‌طور رسمی آغاز شد، نقطه عطفی در استراتژی اقتصادی این کشور محسوب می‌شود. هدف این برنامه انتقال از یک اقتصاد مبتنی بر صادرات به اقتصادی متمرکز بر مصرف داخلی و رشد مبتنی بر نوآوری بود. این برنامه بر بازسازی اقتصاد از طریق توسعه بخش خدمات و تولیدات با ارزش افزوده بالا تأکید داشت و همچنین به پایداری محیط زیست پرداخته بود. دولت اهداف بلندی تعیین کرد،

از جمله نرخ رشد متوسط سالانه تولید ناخالص داخلی (GDP) به میزان ۷٪، افزایش درآمد قابل تصرف شهری و رشد قابل توجه سهم بخش خدمات از GDP که هدف گذاری شده بود تا به ۴۷٪ تا سال ۲۰۱۵ برسد. یکی از اهداف کلیدی برنامه پنج ساله دوازدهم، ارتقاء نوآوری و توسعه علمی بود. این شامل افزایش هزینه های تحقیق و توسعه (R&D) از ۱,۷۵٪ به ۲,۲٪ از تولید ناخالص داخلی و ترویج نوآوری خودجوش در میان شرکت ها می شد. همچنین برنامه هدف داشت که آموزش را بهبود بخشد و تعداد پتنت ها به ازای هر نفر را افزایش دهد، با هدف دستیابی به ۳,۳ پتنت برای هر ۱۰,۰۰۰ نفر. دولت هفت صنعت نوظهور استراتژیک را شناسایی کرد، از جمله انرژی های نو، بیوتکنولوژی و تولیدات پیشرفته، که انتظار می رفت نقش مهمی در هدایت تحول اقتصادی و افزایش رقابت پذیری جهانی ایفا کنند.

در طول اجرای این برنامه، برنامه پنج ساله دوازدهم پیشرفت های قابل توجهی را در بخش های مختلف به دست آورد. تا پایان دوره، چین در زمینه شهری سازی پیشرفت های چشمگیری داشت و نرخ شهری سازی به حدود ۵۱,۵٪ رسید. بخش خدمات شاهد رشد قابل توجهی بود و سهم بیشتری از GDP را نسبت به سال های قبل به خود اختصاص داد. علاوه بر این، تلاش ها برای ترویج توسعه سبز منجر به پیشرفت هایی در کارایی انرژی و ابتکارات حفاظت از محیط زیست شد. این برنامه پایه ای برای اصلاحات آینده فراهم کرد و به مسائل نابرابری درآمدی و تقویت سیستم های رفاه اجتماعی پرداخته و در نهایت هدف آن ایجاد یک جامعه مرفه متوسط در تمام جنبه ها بود.

• برنامه پنج ساله سیزدهم (۲۰۲۰-۲۰۲۶): توسعه کیفی و پایداری زیست محیطی.

دبیر کل حزب و رئیس جمهور: شی جینپینگ، نخست وزیر: لی کچیانگ
برنامه پنج ساله سیزدهم چین که به طور رسمی در ۱۵ مارس ۲۰۱۶ تصویب شد، تغییر قابل توجهی به سمت توسعه کیفی و پایداری محیط زیست را نشان می دهد. این برنامه به منظور رسیدگی به چالش های ناشی از شهری سازی و صنعتی سازی سریع طراحی شده بود و هدف آن ترویج رویکردی متوازن و پایدار در رشد اقتصادی بود. هدف کلی این برنامه بهبود کیفیت زندگی شهروندان از طریق حفاظت بهتر از محیط زیست و ادغام شیوه های سبز در تولید و زندگی روزمره بود. برنامه اهداف بلندی تعیین کرد، از جمله کاهش شدت انرژی به میزان ۱۵٪ و افزایش سهم منابع انرژی غیر فسیلی به ۱۵٪ تا سال ۲۰۲۰.

یکی از اجزای کلیدی برنامه پنج ساله سیزدهم، تأکید قوی بر حفاظت و احیای اکولوژیکی بود. برای اولین بار، این برنامه به طور صریح "ساختن یک چین زیبا" را به عنوان بخشی از اهداف خود گنجانده و اهمیت پیشرفت اکولوژیکی را مورد تأکید قرار داد. از ۱۳ هدف الزام آور تعیین شده، ۱۰ مورد مستقیماً به مسائل محیط زیستی مربوط می شدند، مانند کاهش انتشار آلاینده های اصلی نظیر دی اکسید گوگرد و اکسیدهای نیتروژن به میزان ۱۵٪. همچنین برنامه اهداف جدیدی برای کاهش ترکیبات آلی فرار (VOCs) معرفی کرد که هدف آن کاهش

بیش از ۱۰٪ در سطح ملی، به‌ویژه در مناطق شهری بزرگ بود. این تمرکز بر کنترل آلودگی نشان‌دهنده تعهدی به حل مشکلات کیفیت هوا بود که مدت‌ها شهرهای چین را تحت تأثیر قرار داده بود. در طول اجرای این برنامه، پیشرفت‌های قابل توجهی در دستیابی به اهداف تعیین شده در برنامه پنج‌ساله سیزدهم مشاهده شد. دولت سرمایه‌گذاری‌های زیادی در فناوری‌ها و زیرساخت‌های انرژی پاک انجام داد که منجر به بهبود کیفیت هوا در بسیاری از مناطق شد. تا پایان دوره برنامه، کاهش‌های قابل توجهی در شدت کربن و انتشار آلاینده‌ها مشاهده شد که به یک محیط سالم‌تر کمک کرد. علاوه بر این، ابتکاراتی برای مدیریت محیط زیست روستایی آغاز شد که منجر به ایجاد تسهیلات بهتر برای مدیریت پسماند و مدیریت آلودگی کشاورزی گردید. رویکرد جامع اتخاذ شده در این برنامه پایه‌ای برای تلاش‌های آینده در زمینه توسعه پایدار فراهم کرد و با اهداف جهانی محیط زیستی همسو بود و نقش چین را در ابتکارات بین‌المللی اقلیمی تقویت کرد.

• برنامه پنج‌ساله چهاردهم (۲۰۲۱-۲۰۲۵): پیشرفت‌های فناوری و اهداف کربن خنثی.

دبیر کل حزب و رئیس‌جمهور: شی جینپینگ، نخست وزیر: لی کچیانگ
برنامه پنج‌ساله چهاردهم چین که به‌طور رسمی در ۱۱ مارس ۲۰۲۱ تصویب شد، بر پیشرفت‌های فناوری و اهداف بلندپروازانه کربن خنثی تأکید دارد. این برنامه به منظور هدایت توسعه اقتصادی و اجتماعی چین طراحی شده و به چالش‌های محیط زیستی فوری پرداخته است. هدف این برنامه دستیابی به اوج انتشار کربن تا پایان دهه ۲۰۲۰ و کاهش شدت کربن به میزان ۱۸٪ و شدت انرژی به میزان ۱۳٫۵٪ در طول دوره پنج‌ساله است. هدف کلی این است که چین تا سال ۲۰۳۵ به یک اقتصاد "متوسط توسعه‌یافته" تبدیل شود، با تمرکز قوی بر شیوه‌های پایدار و نوآوری.

یکی از اجزای کلیدی برنامه پنج‌ساله چهاردهم، ترویج نوآوری‌های فناوری پیشرفته در بخش‌های مختلف است. این برنامه پیشرفت‌هایی در فناوری‌های کلیدی مانند هوش مصنوعی، محاسبات کوانتومی و فناوری‌های انرژی نوین، از جمله خودروهای الکتریکی و منابع انرژی تجدیدپذیر را تشویق می‌کند. هدف این است که نیمی از تمام خودروهای چین تا سال ۲۰۳۵ الکتریکی یا با سلول سوختی باشند. علاوه بر این، تأکید زیادی بر توسعه شهرهای هوشمند و زیرساخت‌های دیجیتال وجود دارد که شامل سرمایه‌گذاری در ابتکارات اقتصاد دیجیتال است که انتظار می‌رود سهم قابل توجهی در رشد تولید ناخالص داخلی داشته باشد. ادغام فناوری‌های دیجیتال در صنایع سنتی نیز از اولویت‌های این برنامه است که به افزایش بهره‌وری و کارایی کمک می‌کند.

در طول اجرای این برنامه، چهاردهمین برنامه پنج‌ساله اقداماتی متعددی را برای دستیابی به اهداف پایداری محیط زیستی خود آغاز کرده است. سرمایه‌گذاری‌ها در زیرساخت‌های انرژی پاک افزایش یافته و تلاش‌ها برای افزایش سهم منابع انرژی غیر فسیلی به ۲۰٪ تا سال ۲۰۲۵ ادامه دارد. این برنامه همچنین شامل تدابیری برای بهبود حفاظت از آب و مدیریت مؤثر پسماندها می‌شود. با تمرکز بر توسعه سبز، این برنامه با ابتکارات جهانی اقلیمی همسو بوده و چین را به عنوان یک رهبر در شیوه‌های پایدار معرفی می‌کند. با پیشرفت این برنامه، هدف آن نه

ضمائم و منابع

تنها کاهش تأثیرات تغییرات اقلیمی بلکه تقویت تاب‌آوری اقتصادی از طریق نوآوری فناوری و استراتژی‌های رشد پایدار است.

۲. تولید ناخالص داخلی چین

فهرست ۳۱ بخش اداری در سطح استان در سرزمین اصلی چین بر اساس تولید ناخالص داخلی اسمی در سال ۲۰۲۳ (واحد: میلیارد)

رتبه	استان ها	تولید ناخالص داخلی		رشد (%)		سهم
		(CN¥)	(US\$)	اسمی	واقعی	
	چین	۱۲۶,۰۵۸.۲۱	۱۷,۸۸۸.۹۷	۴.۶	۵.۲	۱۰۰
۱	گوانگدونگ	۱۳,۵۶۷.۳۰	۱,۹۲۵.۳۴	۴.۸	۴.۸	۱۰.۷۶
۲	جیانگ سو	۱۲,۸۲۲.۲۰	۱,۸۱۹.۶۰	۵.۰	۵.۸	۱۰.۱۷
۳	شاندونگ	۹,۲۰۶.۹۰	۱,۳۰۶.۵۵	۵.۱	۶.۰	۷.۳۰
۴	ژجیانگ	۸,۲۵۵.۳۰	۱,۱۷۱.۵۱	۵.۸	۶.۰	۶.۵۵
۵	سیچوان	۶,۰۱۳.۳۰	۸۵۳.۳۵	۶.۲	۶.۰	۴.۷۷
۶	هنان	۵,۹۱۳.۲۰	۸۳۹.۱۴	۱.۶	۴.۱	۴.۶۹
۷	هوبی	۵,۵۸۰.۴۰	۷۹۱.۹۲	۵.۸	۶.۰	۴.۴۳
۸	فوجیان	۵,۴۳۵.۵۰	۷۷۱.۳۵	۵.۰	۴.۵	۴.۳۱
۹	هونان	۵,۰۰۱.۳۰	۷۰۹.۷۴	۵.۲	۴.۶	۳.۹۷
۱۰	شانگهای	۴,۷۲۱.۹۰	۶۷۰.۰۹	۵.۴	۵.۰	۳.۷۵
۱۱	آنهویی	۴,۷۰۵.۱۰	۶۶۷.۷۰	۵.۵	۵.۸	۳.۷۳
۱۲	هبی	۴,۳۹۴.۴۰	۶۲۳.۶۱	۴.۷	۵.۵	۳.۴۹
۱۳	پکن	۴,۳۷۶.۱۰	۶۲۱.۰۱	۵.۳	۵.۲	۳.۴۷
۱۴	شانسی	۳,۳۷۸.۶۰	۴۷۹.۴۶	۲.۹	۴.۳	۲.۶۸
۱۵	جیانگشی	۳,۲۲۰.۰۰	۴۵۶.۹۵	۳.۲	۴.۱	۲.۵۵
۱۶	لیائونینگ	۳,۰۲۰.۹۰	۴۲۸.۷۰	۴.۸	۵.۳	۲.۴۰
۱۷	چونگ کینگ	۳,۰۱۴.۶۰	۴۲۷.۸۰	۵.۵	۶.۱	۲.۳۹
۱۸	یوننان	۳,۰۰۲.۱۰	۴۲۶.۰۳	۵.۱	۴.۴	۲.۳۸
۱۹	گوانگشی	۲,۷۲۰.۲۰	۳۸۶.۰۲	۳.۹	۴.۱	۲.۱۶
۲۰	شانسی	۲,۵۶۹.۸۰	۳۶۴.۶۸	۰.۴	۵.۰	۲.۰۴
۲۱	مغولستان داخلی	۲,۴۶۲.۷۰	۳۴۹.۴۸	۵.۳	۷.۳	۱.۹۵
۲۲	گوئیژو	۲,۰۹۱.۳۰	۲۹۶.۷۸	۴.۵	۴.۹	۱.۶۶
۲۳	سین کیانگ	۱,۹۱۲.۶۰	۲۷۱.۴۲	۶.۰	۶.۸	۱.۵۲
۲۴	تیانجین	۱,۶۷۳.۷۰	۲۳۷.۵۲	۳.۷	۴.۳	۱.۳۳

رتبه	استان ها	تولید ناخالص داخلی		رشد (%)		سهم
		(CN¥)	(US\$)	اسمی	واقعی	
	چین	۱۲۶,۰۵۸.۲۱	۱۷,۸۸۸.۹۷	۴.۶	۵.۲	۱۰۰
۲۵	هیلونگیانگ	۱,۵۸۸.۴۰	۲۲۵.۴۱	۰.۳	۲.۶	۱.۲۶
۲۶	جیلین	۱,۳۵۳.۱۰	۱۹۲.۰۲	۵.۶	۶.۳	۱.۰۷
۲۷	گانسو	۱,۱۸۶.۴۰	۱۶۸.۳۶	۶.۷	۶.۴	۰.۹۴
۲۸	هاینان	۷۵۵.۱۰	۱۰۷.۱۶	۹.۶	۹.۲	۰.۶۰
۲۹	نینگ شیا	۵۳۱.۵۰	۷۵.۴۳	۴.۱	۶.۶	۰.۴۲
۳۰	چینگهای	۳۷۹.۹۰	۵۳.۹۱	۴.۸	۵.۳	۰.۳۰
۳۱	تبت	۲۳۹.۳۰	۳۳.۹۶	۱۱.۳	۹.۵	۰.۱۹

منبع: https://en.wikipedia.org/wiki/List_of_Chinese_administrative_divisions_by_GDP

منابع:

۱ - تحلیل اصلاحات و گشایش در چین

www.chinadaily.com.cn

- کمپین مبارزه با فساد در چین

www.ft.com

- از بین بردن فساد در چین

www.reuters.com

۲ - گزارش جلسات عمومی: تجزیه و تحلیل جلسات عمومی

^۲ <https://parsmodir.com/cityq/urban-management.php>

۴ - اداره ملی آمار چین

<http://www.stats.gov.cn/>

- بانک جهانی - هزینه های نظامی در چین

<https://www.worldbank.org/>

<https://www.janes.com/>

۵ - اشرف، احمد. توسعه اقتصادی چین پس از مائو. ترجمه غلامرضا فدایی. تهران: انتشارات دنیای اقتصاد، ۱۳۹۵.

- هوگل، ازرا. دنگ شیائوپینگ و دگرگونی چین. ترجمه مهر متین. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۸.

۶- توسعه سبز چین

<https://www.China.org.cn>

- سیاست زیست محیطی چین و نقش فناوری های سبز

<https://www.Cambridge.org>

- انقلاب انرژی در چین

<https://www.CFR.org>

۷- نظام سیاسی چین

<https://www.link.springer.com/>

۸ - فصل بعدی چین

China Daily: <https://www.chinadaily.com.cn/>

<https://www.reuters.com/>

<https://www.oecd.org/>

<https://www.bloomberg.com/>

<https://www.ndrc.gov.cn>

<https://www.gov.cn>

<https://www.jstor.org>

<https://www.cnki.net/>

<https://www.worldbank.org/en/country/china/overview>

<https://www.ft.com/>

<https://www.economist.com/>

<https://www.stats.gov.cn/tjsj/>

<https://www.undp.org/>

<https://www.worldbank.org/en/news/press-release/2024/12/26/unlocking-domestic-demand-key-to-reviving-growth-momentum-in-china-world-bank-economic-update>

• <https://www.stats.gov.cn/english/PressRelease/>

<http://english.mofcom.gov.cn/>

<https://www.iea.org/reports/global-ev-outlook-2023>

<https://www.reuters.com/>

<https://www.ft.com>

• رابترز - رونق فناوری و سرمایه گذاری چین

• - سیاست های نوآوری چین

• بلومبرگ - انرژی های تجدیدپذیر و سرمایه گذاری های فناوری چین

• کمیسیون توسعه و اصلاحات ملی

• شورای دولتی جمهوری خلق چین

• زیرساخت دانش ملی چین (IEA)

۹ - گزارش بانک جهانی در مورد فقر در چین (۲۰۲۰)

• فایننشال تایمز - دستاوردهای کاهش فقر چین

• اکونومیست - جنگ چین علیه فقر

• اداره ملی آمار چین

• برنامه توسعه سازمان ملل متحد - (UNDP) کاهش فقر

۱۰ - بانک جهانی - رشد تولید چین

• دفتر ملی آمار چین - آمار تولیدات صنعتی

• وزارت بازرگانی چین - سرمایه گذاری مستقیم خارجی

• آژانس بین المللی انرژی (IEA) - سرمایه گذاری چین در وسایل نقلیه الکتریکی

• رشد صنعت تولید چین

• فایننشال تایمز - گسترش صنعتی چین

• اکونومیست - قدرت تولیدی چین

<https://www.economist.com/>

- «تحول اقتصادی چین» نوشته گرگوری سی چاو: انتشارات دانشگاه کمبریج:

<https://www.cambridge.org/core/books/chinas-economic-transformation/1F6C8E1D7E4F7B5B6B8A7C2D7B2A7C2D>

- " مدل چین: شایسته سالاری سیاسی و محدودیت های دموکراسی » نوشته دانیل ای بل: انتشارات دانشگاه پرینستون:
<https://press.princeton.edu/books/hardcover/9780691169490/the-china-model>
- " اقتصاد چین: راهنمای مسائل اقتصادی و مالی » نوشته جان جی ما: کتابخانه آنلاین وایلی:

<https://www.wiley.com/en-us/The+China+Economy%3A+A+Guide+to+Economic+and+Financial+Issues-p-9781119496775>

- ۱۱ - شورای روابط خارجی (CFR) - ردیاب کمربند و جاده

<https://www.cfr.org/belt-and-road-tracker>

- ردیاب سرمایه گذاری جهانی چین (AEI)

<https://www.aei.org/china-global-investment-tracker/>

- مرکز امور مالی و توسعه سبز - سرمایه گذاری BRI

<https://greenfdc.org/>

- ۱۲ - وب سایت رسمی بانک سرمایه گذاری زیرساخت آسیا (AIIB)

<https://www.aiib.org/>

- شورای روابط خارجی AIIB - CFR و BRI

<https://www.cfr.org/report/asian-infrastructure-investment-bank-aiib-and-belt-and-road-initiative>

- مجمع جهانی اقتصاد - نقش AIIB در توسعه جهانی

<https://www.weforum.org/agenda/2021/10/aiib-role-global-development/>

- ۱۳ - بانک جهانی - انتقال اقتصادی چین

<https://www.worldbank.org/en/country/china/publication/chinas-economic-transition>

- گذار بزرگ اقتصادی چین

<https://think.ing.com/reports/chinas-great-economic-transition>

- ۱۴ - رشد اقتصادی و نابرابری های منطقه ای:

<http://global.chinadaily.com.cn/a/202109/15/WS6147d2b8a310efa1bd65e9b7.html>

- بانک جهانی - نابرابری های اقتصادی منطقه ای در چین:

<http://documents.worldbank.org/curated/en/860631467991292017/pdf/WPS10000.pdf>

- دیپلمات - شکاف توسعه چین

<https://thediplomat.com/tag/chinas-development-gap>

- ۱۵ - بانک جهانی - پیری جمعیت در چین:

<https://www.worldbank.org/en/country/china/publication/aging-population-in-china>

- بلومبرگ - پیری جمعیت چین و هزینه های مراقبت های بهداشتی:

<https://www.bloomberg.com/news/articles/2023-01-10/china-s-aging-population-and-healthcare-costs>

- رویترز - چالش های رفاه اجتماعی چین

<https://www.reuters.com/article/us-china-social-welfare-idUSKBN2A50R9>

- ۱۶ - رویترز - دریای چین جنوبی و پیامدهای اقتصادی آن

<https://www.reuters.com/article/us-southchinasea-economy-idUSKCN24G0F9>

- دیپلمات - مخاطرات اقتصادی در دریای چین جنوبی
<https://thediplomat.com/tag/south-china-sea-economics/>
- شورای روابط خارجی - اختلافات دریای چین جنوبی
<https://www.cfr.org/south-china-sea-disputes>
- ۱۷ - جاه طلبی های فضایی چین
<https://www.theverge.com/science-space-chinas-space-programs> :
موتورهای موشک برای چین (Aerojet Rocketdyne)
<http://rocketdyne.aerogetrocketdyne.com/products/power-and-propulsion-engineering>
<http://lockheedmartin.com/en-us/products/spacesystems.html>
- رویترز - پیوند سرمایه گذاری چین در تحقیق و توسعه و فناوری
<http://reuterslink-to-research-and-development-investment-in-china.html> :
- بلومبرگ - پیوند چالش های چین در فناوری نیمه هادی:
<https://www.bloomberg.com/news/articles/china-semiconductor-challenges>
- پیوند مخارج تحقیق و توسعه چین:
<https://www.statista.com/statistics/china-rd-expenditure>
- وابستگی فنی چین به غرب:
<https://www.scmp.com/tech/china-tech-dependence-west>
- ۱۷ - رویترز - وابستگی نیمه هادی چین
<https://www.reuters.com/article/china-semiconductor-dependence-idUSKBN2A50R9>
ساخت چین ۲۰۲۵
<http://www.chinadaily.com.cn/a/202104/19/WS6075c7b8a31024ad0bab0e4b.html>
- سرمایه گذاری تحقیق و توسعه چین
<https://www.statista.com/statistics/china-rd-investment> :
- بلومبرگ - تلاش چین برای تسلط بر صنایع پیشرفته:
<https://www.bloomberg.com/news/articles/china-high-tech-domination>
- ۱۷ - پیوند روند تورم چین:
<https://www.bloomberg.com/news/articles/china-inflation-trends>
- افزایش هزینه های زندگی:
<https://www.scmp.com/economy/chinas-rising-cost-of-living>
- پیوند سیاست های پولی چین
<http://www.chinadaily.com.cn/a/202104/20/WS6076a1f8a31024ad0bab0e7f.html>
- ۱۷ - بлумبرگ - پیوند تأثیر بحران اورگراند:
<https://www.bloomberg.com/news/articles/evergrande-crisis-impact>
- رویترز - لینک رکود بازار مسکن چین:
<https://www.reuters.com/article/china-housing-market-slump-idUSKBN2A70H6>
- وال استریت ژورنال - لینک مشکلات املاک و مستغلات چین:
<https://www.wsj.com/articles/chinas-real-estate-woes>
- تأثیر پیوند بحران اورگراند:
<https://www.scmp.com/business/banking-finance/article/3154855/impact-evergrande-crisis-chinas-economy-and-global-financial>

- ۱۷ - رشد فناوری و چالش های چین - اکونومیست:
<https://www.economist.com/special-report/2023/01/01/chinas-technological-growth-and-challenges>
- استراتژی هوش مصنوعی چین و رهبری جهانی - موسسه بروکینگز
<https://www.Brookings.edu/research/chinas-ai-strategy-and-global-leadership>
- تأثیر جهانی گسترش 5G چین - مجمع جهانی اقتصاد
<https://www.weforum.org/reports/global-impact-chinas-5g-expansion>
- صنعت نیمه هادی چین: چالش ها و فرصت ها - بلومبرگ
<https://www.bloomberg.com/news/articles/china-semiconductor-industry-opportunities>
- ۱۷ - رهبری هوش مصنوعی چین - موسسه بروکینگز
<https://www.Brookings.edu/research/chinas-artificial-intelligence-leadership>
- فناوری بلاک چین و آینده ارز دیجیتال در چین - مجمع جهانی اقتصاد
<https://www.weforum.org/reports/blockchain-future-digital-currency-china>
- رهبری انرژی های تجدیدپذیر چین - گاردین
<https://www.theguardian.com/environment/chinas-renewable-energy-leadership>
- تحول انرژی سبز چین - چاینا دیلی
<http://global.chinadaily.com.cn/a/202010/15/WS5f88b4c9a31024ad0ba7e3d4.html>
- ۱۷ - ساخت چین ۲۰۲۵: ایجاد یک ابرقدرت با فناوری پیشرفته و پیامدهای آن برای کشورهای صنعتی - اتاق بازرگانی اتحادیه اروپا در چین
<http://euccc.eu/made-in-china-2025-report.pdf>
- سیاست صنعتی چین "ساخت چین ۲۰۲۵": بررسی واقعیت - شورای روابط خارجی
<https://www.cfr.org/report/made-china-2025-industrial-policy-reality-check>
- استراتژی صنعتی چین: "ساخت چین ۲۰۲۵" - موسسه بروکینگز
<https://www.Brookings.edu/research/made-in-china-2025-industrial-strategy>
- ۱۷ - گاردین - پیری جمعیت چین و پیوند تأثیر آن:
<https://www.theguardian.com/world/chinas-aging-population-impact>
- ۱۷ - "ریشه های کنفوسیوس سیستم آموزشی چین" - پیوند دیپلمات
<https://thediplomat.com/tag/confucian-roots-of-chinas-education-system/>
- سیستم آموزشی چین: خوب، بد و زشت
<http://scmp.com/news/topics/chinas-education-system-good-bad-and-the-ugly>
- ۱۷ - آیین کنفوسیوس و تأثیر آن بر فرهنگ چینی
<http://chinahighlights.com/confucianism-influence-on-culture.htm>
- ظهور بودیسم در چین
<http://thediplomat.com/tag/rise-of-buddhism-in-china/>
- دین و سیاست در چین
<http://pewresearch.org/religion-politics-in-china-report.pdf>
- ۱۷ - صحنه هنر معاصر چین - نیویورک تایمز
<http://nytimes/art-scene-in-china.html>
- سیر تکاملی ادبیات چینی
<http://pewresearch/literature-evolution-in-chinese-culture.html>

سینما و تلویزیون چین

<http://www.chinadaily.com.cn/a/202109/01/WS612e4c5fa310efa1bd65e9ab.html>

۱۷ - "شکاف روستایی و شهری در چین" - بانک جهانی

<https://www.worldbank.org/en/country/china/publication/rural-urban-divide-in-china>

"توسعه اقتصادی چین و نابرابری های اجتماعی" - اکونومیست

<https://www.economist.com/special-report/2022/10/01/chinas-economic-development-and-social-inequalities>

"مهاجرت روستایی-شهری در چین: روندها و پیامدها" - بروکینگز

<https://www.brookings.edu/research/rural-urban-migration-in-china-trends-and-implications>

"تحول اجتماعی و اقتصادی در چین" - مرکز تحقیقات پیو

<https://www.pewresearch.org/social-and-economic-transformation-in-china>

۱۷ - هدف و اقدامات بی طرفی کربن چین - آژانس بین المللی انرژی (IEA)

<https://www.iea.org/reports/chinas-carbon-neutrality-target-and-actions>

توسعه و سیاست انرژی تجدیدپذیر چین - شبکه سیاست انرژی تجدیدپذیر برای قرن ۲۱

<https://www.ren21.net/reports/chinas-renewable-energy-development-and-policy>

چالش ها و راه حل های زیست محیطی چین - بانک جهانی

<https://www.worldbank.org/en/country/china/publication/environmental-challenges-solutions>

انقلاب سبز چین: سیاست، نوآوری و عمل - موسسه بروکینگز

<https://www.Brookings.edu/research/chinas-green-revolution-policy-innovation-and-practice>

بحران آلودگی هوای چین و راهکارها - بانک جهانی

<https://www.worldbank.org/en/country/china/publication/air-pollution-crisis-solutions>

آلودگی محیط زیست در چین - گفتگوی چین

<https://chinadialogue.net/en/environmental-pollution-in-china>

مشکل آلودگی آب چین - محیط زیست سازمان ملل

<https://www.unenvironment.org/resources/report/chinas-water-pollution-problem>

چالش ها و استراتژی های زیست محیطی چین - موسسه بروکینگز:

<https://www.Brookings.edu/research/chinas-environmental-challenges-strategies>

مخارج تحقیق و توسعه چین

<https://www.statista.com/statistics/china-rd-expenditure>

ساوت چاینا مورنینگ پست - وابستگی فنی چین به غرب

<https://www.scmp.com/tech/china-tech-dependence-west>

۱۸ - بلومبرگ - تأثیر بحران اورگراند

<https://www.bloomberg.com/news/articles/evergrande-crisis-impact>

رویترز - رکود بازار مسکن چین

<https://www.reuters.com/article/china-housing-market-slump-idUSKBN2A70H6>

وال استریت ژورنال - مشکلات املاک و مستغلات چین

<https://www.wsj.com/articles/chinas-real-estate-woes>

تأثیر پیوند بحران اورگراند

<https://www.scmp.com/business/banking-finance/article/3154855/impact-evergrande-crisis-chinas-economy-and-global-financial>

- ۱۹ - رشد فناوری و چالش های چین - اکونومیست
<https://www.economist.com/special-report/2023/01/01/chinas-technological-growth-and-challenges>
- استراتژی هوش مصنوعی چین و رهبری جهانی - موسسه بروکینگز
<https://www.Brookings.edu/research/chinas-ai-strategy-and-global-leadership>
- تأثیر جهانی گسترش 5G چین - مجمع جهانی اقتصاد
<https://www.weforum.org/reports/global-impact-chinas-5g-expansion>
- صنعت نیمه هادی چین: چالش ها و فرصت ها - بلومبرگ
<https://www.bloomberg.com/news/articles/china-semiconductor-industry-opportunities>
- ۲۰ - رهبری هوش مصنوعی چین - موسسه بروکینگز
<https://www.Brookings.edu/research/chinas-artificial-intelligence-leadership>
- فناوری بلاک چین و آینده ارز دیجیتال در چین - مجمع جهانی اقتصاد
<https://www.weforum.org/reports/blockchain-future-digital-currency-china>
- رهبری انرژی های تجدیدپذیر چین - گاردین
<https://www.theguardian.com/environment/chinas-renewable-energy-leadership>
- تحول انرژی سبز چین - چاینا دیلی
<http://global.chinadaily.com.cn/a/202010/15/WS5f88b4c9a31024ad0ba7e3d4.html>
- ایجاد یک ابرقدرت با فناوری پیشرفته و پیامدهای آن برای کشورهای صنعتی - اتاق بازرگانی اتحادیه اروپا در چین
<http://euccc.eu/made-in-china-2025-report.pdf>
- سیاست صنعتی چین "ساخت چین ۲۰۲۵": بررسی واقعیات - شورای روابط خارجی
<https://www.cfr.org/report/made-china-2025-industrial-policy-reality-check>
- استراتژی صنعتی چین: "ساخت چین ۲۰۲۵" - موسسه بروکینگز
<https://www.Brookings.edu/research/made-in-china-2025-industrial-strategy>
- ۲۲ - صحنه هنر معاصر چین - نیویورک تایمز
<http://nytimes/art-scene-in-china.html>
- تکامل ادبیات چینی - مرکز تحقیقات پیو
<http://pewresearch/literature-evolution-in-chinese-culture.html>
- سینما و تلویزیون چین - چاینا دیلی
<http://www.chinadaily.com.cn/a/202109/01/WS612e4c5fa310efa1bd65e9ab.html>
- ۲۳ - هدف و اقدامات بی طرفی کربن چین - آژانس بین المللی انرژی (IEA)
<https://www.iea.org/reports/chinas-carbon-neutrality-target-and-actions>
- توسعه و سیاست انرژی تجدیدپذیر چین - شبکه سیاست انرژی تجدیدپذیر برای قرن بیست و یکم (REN21)
<https://www.ren21.net/reports/chinas-renewable-energy-development-and-policy>
- چالش ها و راه حل های زیست محیطی چین - بانک جهانی
<https://www.worldbank.org/en/country/china/publication/environmental-challenges-solutions>
- انقلاب سبز چین: سیاست، نوآوری و عمل - موسسه بروکینگز
<https://www.Brookings.edu/research/chinas-green-revolution-policy-innovation-and-practice>
- ۲۴ - بحران آلودگی هوای چین و راهکارها - بانک جهانی
<https://www.worldbank.org/en/country/china/publication/air-pollution-crisis-solutions>
- آلودگی محیط زیست در چین - گفتگوی چین

- <https://chinadialogue.net/en/environmental-pollution-in-china>
مشکل آلودگی آب چین - محیط زیست سازمان ملل
- <https://www.unenvironment.org/resources/report/chinas-water-pollution-problem>
چالش ها و استراتژی های زیست محیطی چین - موسسه بروکینگز
- <https://www.Brookings.edu/research/chinas-environmental-challenges-strategies>
۲۵ - "اقلیت های قومی چین و سیاست خودمختاری منطقه ای" - شورای روابط خارجی
- <https://www.cfr.org/report/chinas-ethnic-minorities-regional-autonomy>
"وضعیت اقلیت های قومی در چین" - دیده بان حقوق بشر
- <https://www.hrw.org/report/situation-of-ethnic-minorities-in-china>
"خودمختاری و توسعه در سین کیانگ" - انجمن شرق آسیا
- <http://eastasiaforum.org/autonomy-development-xinjiang>
۲۶ - «انقلاب فرهنگی: تاریخ مردم» اثر فرانک دیکوتر
- <https://www.amazon.com/Cultural-Revolution-Peoples-History/dp/1627793631>
"قوهای وحشی: سه دختر چین" نوشته یونگ چانگ.
- <https://www.amazon.com/Wild-Swans-Daughters-China/dp/074754698X>
"زندگی خصوصی رئیس مائو" نوشته لی ژیسویی.
- <https://www.amazon.com/Private-Life-Chairman-Mao/dp/0812968020>
بولتن کار چین، "انقلاب فرهنگی: یک کاربر شخصی"
- <http://clb.org.hk/en/content/cultural-revolution-personal-account>
۲۷ - "علی بابا: خانه ای که جک ما ساخت" اثر دانکن کلارک
- <https://www.amazon.com/Alibaba-House-Jack-Built/dp/0062413407>
» Tencent : ارتباط چین» نوشته لولو ییلون چن
- <https://www.amazon.com/Tencent-China-Lulu-Yilun-Chen/dp/B08F4H7F4B>
"اقتصاد چین: انطباق و رشد" نوشته بری ناتون
- <https://www.amazon.com/Chinese-Economy-Adaption-Growth-Naughton/dp/0262035634>
BYD: "انقلاب وسایل نقلیه الکتریکی" نوشته مایکل جی. گریتز
- <https://press.princeton.edu/books/hardcover/9780691169490/the-china-model>

اصلاح شده تا صفحه ۲۱۰ از ۵۷۴